



تجارت
مشروطیت
و
دولت مدرن

سهیلا توایی فارسانی



تبرستان
www.tabarestan.info

تجار، مشروطیت و دولت مدرن

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

تجار، مشروطیت و دولت مدرن

سهیلا قرایی فارسانی

فهرست‌نویسی پیش از انتشار کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران

ترابی فارسانی، سهیلا، ۱۳۴۲

تجار، مشروطیت و دولت مدرن/ سهیلا ترابی فارسانی.

۶۸۸ص: مصور، جدول. ISBN: 964-6082-22-X

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیفا.

۱۳۲۷ق. -- بازگنان. ۲. ایران -- تاریخ - انقلاب مشروطه -- ۱۳۲۴-۱۳۲۷ق. -- اسناد و مدارک. الف. عنوان.

۹۵۵/۰۷۵۰۸۳۸ DSR ۱۴۱۵/ت۴ ۳

کتابخانه ملی ایران ۸۲-۳۵۵۴۳م



نشر تاریخ ایران (شرکت سهامی خاص)

تهران، خیابان فلسطین، ساختمان ۱۱۰، طبقه سوم، آپارتمان شماره ۳۰۴

تجار، مشروطیت و دولت مدرن

سهیلا ترابی فارسانی

حروفچینی: نشر تاریخ ایران

چاپ اول ۱۳۸۴

لیتوگرافی: پارسیان

چاپخانه: علامه طباطبائی

تیراژ ۱۵۰۰ نسخه

X-۲۲-۸۲-۶۰۹۶۴: شابک

حق چاپ محفوظ و در اختیار نشر تاریخ ایران است

به پدر و مادر خویم:

به پاس نثار مهربانی‌ها، تحمل رنج‌ها

همراهی بی دریغ و صبوری‌های بی حساب

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

۱۳	درآمد
	بخش مقدماتی: تجار در سال‌های پیش از مشروطیت
۲۱	فصل اول: روند تحولات تجاری ایران در قرن نوزدهم میلادی
۴۳	فصل دوم: وضعیت اجتماعی تجار
	تجار و حاکمیت
	تجار و روشنفکران
	تجار و صراف‌ها
۶۹	فصل سوم: مسایل اقتصادی - اجتماعی تجار در سال‌های پیش از مشروطیت
	تشکیل شرکت‌های تجاری - مالی
	سرمایه‌گذاری در صنایع و مقاطعه‌راه‌ها
	تشکیل بانک
	حضور سیاسی تجار و تشکلهای قبل از مشروطیت
	جنبش تنباکو
۱۲۳	پیوست‌های بخش مقدماتی
	بخش اول: تجار از جنبش مشروطیت تا جنگ جهانی اول
۱۳۱	فصل اول: سیاسی‌شدن تجار و تکاپو در استقرار مشروطیت
	تجار و مهاجر صغری

تجار و مهاجرت کبر

۱۴۹

فصل دوم: تلاش در استقرار نهادهای مدرن و مشروطیت تا استبداد صغیر

تجار و مجلس اول

تجار و امین‌السلطان

تجار و انجمن‌ها

تجار و مشروطه‌خواهی

۱۸۹

فصل سوم: تجار از استبداد صغیر تا جنگ هانی اول

استبداد صغیر و محدود شدن مشروطه گری

مجلس دوم و شرایط نابهنجار سیاسی - اجتماعی

مصوبه‌های مجلس دوم و عملکرد تجار

۲۲۷

فصل چهارم: رویکردهای تجار به مسایل پس از جنبش مشروطیت

ساختار درونی طبقه تجار

تجار و امتیازات

تجار و نظام سیاسی پس از مشروطیت

تجار و مسایل فرهنگی - اجتماعی

۲۶۱

فصل پنجم: روند تحولات تجاری از جنبش مشروطه تا جنگ جهانی اول

حجم تجار

ساخت و ترکیب تجارت

مبادله کالایی ایران با طرفهای تجاری عمده

پیوست بخش اول

بخش دوم: تجار در سال‌های جنگ جهانی اول

۲۸۳

فصل اول: جنگ، بحران مشروطیت و ناکارآمدی نهادهای مشروطه

جنگ و بحران سیاسی - اجتماعی در کشور

دولت و ناکارآمدی نهادهای مشروطه

جنگ و ارزاق عمومی

۳۰۹

فصل دوم: رویکرد تجار به رویدادهای سال‌های جنگ

طرف‌های درگیر در جنگ و مداخله در امور تجاری

تجار و مسایل آنان در سال‌های جنگ

عملکرد مجلس سوم

۳۳۵

فصل سوم: روند تحولات تجاری ایران طی سال‌های جنگ جهانی

حجم تجارت

ساخت و ترکیب تجارت
مبادله کالایی ایران با طرف‌های تجاری عمده

۳۵۷ بخش سوم: تجار در تکاپوی استقرار دولت متمرکز و نهادهای مدرن
فصل اول: بحران سیاسی اجتماعی پس از جنگ بین‌الملل و لزوم اصلاحات
فعالیت نیروهای گریز از مرکز
ارزاق عمومی و نارضایتی مردم
راه‌ها و حمل و نقل
دولت ضعیف

۳۷۵ فصل دوم: تقویت ساختارهای درون‌طبقه‌ای
هیأت اتحادیه تجار (تقویت تشکلهای صنعتی)
تشکیل تجار در نهضت اقتصاد
اتاق تجارت
مدرسه عالی تجارت

۴۲۵ فصل سوم: عملکرد اجتماعی - فکری و فعالیت‌های اقتصادی تجار
موقعیت اجتماعی - فکری تجار
حوزه‌های فعالیت اقتصادی تجار

۴۵۷ فصل چهارم: خواست‌های تجار و پاسخ دولت پهلوی به آن
دولت متمرکز قوی و استقرار امنیت
گسترش راه‌ها و تأسیس راه‌آهن
بانک
قانون‌مداری
مجلس چهارم و پنجم
تجار و رضاخان

۵۱۹ فصل پنجم: بررسی آمارهای تجارت خارجی ایران از سال‌های...
حجم تجارت
ساخت و ترکیب تجارت
مبادلات کشور با طرف‌های عمده تجاری
پیوست‌های بخش سوم

۵۴۳ پی‌آمد
۵۶۳ منابع
۵۸۰ ضمایم

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

درآمد

تبرستان
www.tabarestan.info

درآمد

تبرستان
www.tabarestan.info

مشروطیت را می‌توان مهم‌ترین حادثه تاریخ معاصر ایران دانست؛ تلاش در برپایی نظام نوین سیاسی، کاهش خودکامگی و استقرار نظم و قانون در جامعه و نیز عوامل متعدد و پیش‌زمینه‌های تاریخی بروز این تحول نوین، همچنین شرکت گروه‌های گوناگون اجتماعی در این جنبش، همواره در میان علاقه‌مندان به تاریخ سیاسی و اجتماعی مورد بحث بوده است.

این پژوهش به مشروطیت و نقش تجار در آن می‌پردازد. مشروطیت مفهومی جدید محسوب می‌شد که آن را می‌توان همچون خط فاصل میان جامعه‌ای کاملاً استی و جامعه‌ای در حال گذار که برخی از مؤلفه‌های مدرنیسم را تجربه می‌کرد، به شمار آورد. انقلاب مشروطیت نخستین تلاش برای استقرار دولت مدرن در ایران بود و سه هدف اساسی و مهم را دنبال می‌کرد: بنیادگذاری حکومت متمرکز قانونمند، استقرار نهادهای مدرن و مردم‌سالاری. اقشار گوناگون اجتماعی از جمله روشنفکران، علما و تجار در این جنبش سیاسی - اجتماعی فعالانه شرکت کردند و در این بین هر یک از آن‌ها فهم متفاوت و متناسب با منافع آنی خود داشتند، به غیر از مورد استثنایی روشنفکران که خواسته‌های درازمدت و ماندگاری طلب می‌کردند.

این پژوهش به طور اخص و با نگرشی بر پایه جامعه‌شناسی سیاسی به بررسی رویکرد و عملکرد طبقه تجار، یکی از مهمترین و مؤثرترین قشرهای اجتماعی درگیر در جنبش مشروطیت، می‌پردازد و کار را در قالب تلاش تجار در تحقق سه مفهوم پیش گفته پیش

می‌برد. تجار در عرصه اقتصاد و اجتماع صاحب نفوذ بسیار بودند و از آن جا که تنها گروه دارای نقدینگی و سرمایه لازم برای سرمایه‌گذاری در بخش‌های گوناگون اقتصاد به شمار می‌رفتند، خواه ناخواه در مقابل ورود و کسب نفوذ سرمایه‌های بیگانه قرار می‌گرفتند که در این میان طیف‌های مختلف این طبقه در مواجهه با سرمایه‌های بیگانه رهیافت‌های متفاوتی اتخاذ می‌کردند. بسیاری از پژوهشگرانی که در مورد جنبه‌های گوناگون جنبش مشروطیت قلم زده‌اند به حضور تجار در این جنبش اشاره کرده‌اند، ولی هیچ یک به این مبحث که آیا تجار پس از پیروزی انقلاب مشروطیت توانستند به خواست‌های خود دست بیابند، پاسخی ندادند. انگیزه اصلی این پژوهش در وهله نخست طرح مبحث مذکور و کوشش در یافتن پاسخی به آن بود. پاسخی از این دست که جنبش مشروطیت تا چه درجه‌ای خواسته‌ها و نیازهای تجار را برآورده ساخت، تا چه اندازه‌ای شرایط سیاسی و به تبع آن شرایط اقتصادی-اجتماعی را به سود آنان دگرگون کرد و نیز این مطلب بسیار مهم که حضور شخصیت تأثیرگذاری همچون رضاخان به چه شکلی در رویکرد تجار به سه مؤلفه پیش گفته که تحقق آن‌ها هدف اصلی انقلاب مشروطیت بود، تأثیر گذارد.

تجار به لحاظ آنکه برای پیشبرد کار خود خواست‌هایی همسو با مطالبات جنبش مشروطیت داشتند و به طور بالقوه در موقعیتی قرار گرفته بودند که با به دست گرفتن قدرت سیاسی و بازسازی ساختار آن در راستای تحقق نهادهای مدرن، جامعه ایران را به طور بنیادی دگرگون سازند - فارغ از اینکه در این کار تا چه حد کامیاب شدند - آنان را سزاوار آن می‌سازد که مورد پژوهش بیشتر و ژرف‌تر قرار بگیرند. در این میان تعارض میان مؤلفه‌های سنت و مدرنیسم، تجار را به واکنش برانگیخته و آنان را به تعامل در صحنه‌های اجتماعی واداشته است. از این رو روابط درون ساختی این طبقه، چگونگی رشد درون طبقاتی و ارتقای تدریجی این طبقه از «طبقه‌ای در خود» به «طبقه‌ای برای خود»، سیاسی شدن این طبقه و کوشش برای مشارکت در قدرت سیاسی، با اتکا به پیش زمینه‌های اقتصادی و سیاسی پیش از جنبش مشروطیت قابل توجه می‌نماید. در این پژوهش به این نکته پرداخته می‌شود که فعال شدن تجار در سال‌های پیش از مشروطیت در زمینه‌های گوناگون اقتصادی، از جمله تأسیس شرکت‌های متعدد، تأسیس کارخانه‌ها و مشارکت در امور مختلف اجتماعی و سیاسی، از قبیل شرکت در واقعه رژی و جنبش مشروطیت، همه حاکی از بلوغ فکری این طبقه در ایفای نقش تاریخی خود بوده است. حضور رقبای تجاری بزرگی چون روسیه و انگلستان از نیمه دوم قرن نوزدهم میلادی در صحنه اقتصادی کشور، تجار ایرانی را به تکاپو انداخت تا موجودیت طبقاتی خود را حفظ و ابقا کنند و در این ضمن با پی بردن به ناکارآمد بودن شیوه‌های گذشته در تجارت و اقتصاد به نو کردن اساس کار خود دست زدند که همین امر به نوبه خود موجب شد که نیاز به بازسازی ساختار سیاسی کشور بر اساس روش‌های نو احساس شود. ناتوانی تجار در رقابت با سرمایه‌های بیگانه که از پشتیبانی

قدرت سیاسی حمایت‌گر خارجی و دستگاه دولتی بومی برخوردار بودند، آنان را به اندیشه انجام دگرگونی سیاسی و مشارکت مستقیم در قدرت واداشت.

از آن‌جا که در بیشتر تحولات سیاسی ایران معاصر، تجار در کنار روحانیان یکی از بازیگران اساسی و مؤثر محسوب می‌شدند که در مقاطع گوناگون تاریخی از جنبش مشروطیت گرفته تا روی کار آمدن رضاخان و سپس در رویدادهای نهضت ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی نقش بسیار مؤثر و مهمی ایفا کرده‌اند. درک عملکرد این طبقه و ویژگی‌های رفتاری و روان‌شناختی آن، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار می‌شود. گو اینکه در بیشتر منابع این دوران به طور تلویحی و گذرا به نقش و تأثیر فعالیت تجار پرداخته شده است، ولی هیچ پژوهشی به همه ابعاد و وجوه گوناگون آن نپرداخته است. افزون بر این، صاحب این قلم در حین انجام پژوهش حاضر به اسناد و مدارک جدیدی دست یافت که تاکنون منتشر نشده و از نگاه پژوهشگران غافل مانده است. از آن جمله، دو مبحث بسیار بدیع و نویافته یعنی «اتحادیه تجار» و «نهضت اقتصاد» را می‌توان نام برد که تا پیش از این در منابع دیگر ذکر نگردیده و در این جا برای نخستین بار مطرح می‌شود.

پژوهش حاضر بیشتر بر فهم عوامل درونی حوادث تاریخی مبتنی است، و از این رو تا حد امکان به عوامل خارجی رویدادهای تاریخی نپرداخته است. نویسنده بر این باور است که جز تعدادی انگشت‌شمار از منابع، به تحلیل موشکافانه و عمیق نقش عوامل داخلی در حوادث تاریخ ایران نپرداخته‌اند، با آنکه بررسی عوامل داخلی رویدادهای تاریخی لازمه شکل‌گیری هر نوع «تاریخ منتقدانه» است. از این رو چنین می‌پندارد که تجزیه و تحلیل هر چه دقیق‌تر واکنش‌ها و عملکرد اقشار اجتماعی در فهم بهتر آنچه بر ما گذشته است، دینی است که تاریخ‌پرفراز و نشیب این مرز و بوم به گردن یکایک پژوهشگران عرصه تاریخ دارد.

هدف اصلی این پژوهش، تشریح عملکرد تجار با نگرشی قیاسی در دو مقطع زمانی جنبش مشروطیت و روی کار آمدن دولت پهلوی است. فرضیه اصلی این پژوهش این نکته است که مداخله تجار در جنبش مشروطیت برای تحقق سه مؤلفه حکومت متمرکز قانونمند، استقرار نهادهای مدرن و مردم‌سالاری بوده است. اما جنبش مشروطیت پس از پیروزی و در پی مشکلات ساختاری و موانع خارجی به موفقیت لازم دست نیافت. حکومت متمرکز متحقق نشد؛ نهادهای مدرن نیم‌بند بود و مردم‌سالاری محدود از عهده خواست‌های تجار برنیامد. پس از دوره اول مجلس، تجار از صحنه سیاسی خارج شدند، تندروری‌های اوایل جنبش و عملکرد انجمن‌ها، تجار را تا حدی به شیوه مردم‌سالاری بدبین کرد. رویدادهای سال‌های بعد و جنگ بین‌الملل اول بر وخامت اوضاع افزود و زمینه تغییرات جدید سیاسی و اصلاحات نوین را فراهم کرد. از این رو تجار مجدداً در دوره فعالیت رضاخان در کسب قدرت، طلیعه استقرار نهادهای مدرن و حکومت متمرکز را در شخص وی بازیافتند و از به قدرت رسیدن وی حمایت کردند. تجار در این مقطع زمانی بر

سر مردم سالاری مصالحه کردند تا به دو هدف دیگر خود دست یابند.

این پژوهش به دنبال بیان این مبحث اصلی است که تجارت تقاضاهای مشخصی از جنبش مشروطیت داشتند که به دلیل برآورده نشدن آنها و ناکارآمدی نهادهای برآمده از جنبش مشروطیت، پیگیری این خواست‌ها را در روی کار آمدن پهلوی جستجو کردند. راه، راه آهن، بانک، قوانین ثابت و مشخص، دولت متمرکز قوی، استقرار امنیت، همه از مواردی بود که تجار خواهان آن بودند و در دو مقطع جنبش مشروطیت و روی کار آمدن رضاخان و حاکمیت وی، به دنبال دستیابی به آن بودند. منتها با این تفاوت که تجربه حضور مستقیم آنان در قدرت سیاسی به حضور غیر مستقیم و حمایت از عناصری بدل شد که اهداف مورد نظر آنان را عملی می‌ساختند.

اهداف فرعی این پژوهش، بررسی عملکرد درون طبقه تجار، تشریح لایه‌بندی درونی این طبقه و کوشش در تفکیک این لایه‌ها در رویکرد آنها به رویدادها و در واقع شناسایی تمایزها و تشابه‌های تجار بزرگ، متوسط و خرد در برخورد با مسایل است. افزون بر این، از منظر جامعه‌شناسی سیاسی به رابطه این طبقه با دیگر اقشار اجتماعی پرداخته می‌شود. تلاش‌های تجار برای رسیدن به اهداف و خواست‌هایشان نیز مورد توجه قرار می‌گیرد.

با آنکه بررسی موقعیت طبقه تجار در این پژوهش بیشتر به رابطه این طبقه با قدرت سیاسی و مسایل اجتماعی مرتبط بود و مباحث اقتصادی جنبه فرعی داشته است، با این حال به دلیل آنکه عملکرد تجار به طور اخص در حوزه مسایل اقتصادی بود. برای روشن شدن بستر این حرکت ناچار در هر دوره، فصلی به مسایل تجاری اختصاص داده شد تا به فهم عمیق‌تری دست یافته شود. از این رو، فصل مربوط به تجارت مبحثی متفاوت از فصل‌های دیگر است.

دوره زمانی این پژوهش از جنبش مشروطیت آغاز می‌شود، گو اینکه در بخش مقدماتی پیش زمینه‌های ورود به این دوره تشریح شده است و تا سال‌های نخست پادشاهی رضاشاه را در برمی‌گیرد. چرا که مواردی که به اثبات آن می‌پردازیم و عواملی که برای حمایت تجار از رضاخان ذکر می‌شود، در دوران رضاخان آغاز و تا اوایل دوران پهلوی ادامه می‌یابد.

بخش اول مقدماتی این پژوهش به بنیان‌های اصلی موضوع مورد نظر از پیش از جنبش مشروطیت می‌پردازد. روند تحولات تجاری در قرن نوزدهم، فعالیت تجار در راه‌یابی‌های جدید در مقابل نفوذ، قدرت و سرمایه‌های بیگانه که در شکل تأسیس شرکت‌های متعدد تجاری، سرمایه‌گذاری در صنایع، تلاش در تأسیس بانک و بالاخره حضور در صحنه‌های سیاسی از جمله واقعه رژی متجلی می‌گردد، تمامی این موارد در سه فصل مربوط به بخش مقدماتی مطرح می‌گردد.

بخش که از جنبش مشروطه تا جنگ جهانی اول را در برمی‌گیرد، شامل پنج فصل است. در این فصل‌ها به حضور فعال تجار در جنبش مشروطیت و توجه غیرقابل اجتناب این گروه

به مسایل سیاسی و میزان دخالت آنان در وقایع جنبش پرداخته می‌شود. تلاش تجار در استقرار نهادهای مدرن و توقع آن‌ها از مشروطیت و مواضع آن‌ها در برخورد با وقایع تا استبداد صغیر، بازگشت استبداد و به ناچار محدود شدن حضور سیاسی تجار در فصول اولیه این بخش مورد توجه قرار می‌گیرد. افزون بر آن، مواجهه تجار با نظام سیاسی پس از مشروطیت، برخورد آن‌ها با مسایل اجتماعی و فرهنگی و ساختار درونی این طبقه مورد بررسی قرار می‌گیرد. در فصل پایانی این بخش روند تحولات تجاری ایران با کشورهای انگلیس، روسیه و عثمانی مطرح می‌شود تا نتایج و دستاوردهای نظام مشروطیت در امور تجارتی و بستر حرکتی تجار ملموس گردد.

بخش دوم وضعیت تجار در سال‌های جنگ جهانی اول را شامل می‌شود. فصل اول این بخش به نتایج جنگ و تأثیر آن در افزایش بحران‌های سیاسی و اجتماعی کشور می‌پردازد و ناکارآمدی دولت مشروطه و افزایش نارضایتی عمومی را از شرایط موجود باز می‌نماید. فصل دوم بطور اخص به وضعیت تجار در مواجهه با رویدادهای سال‌های جنگ می‌پردازد و عملکرد تجار را در این راستا مورد توجه قرار می‌دهد. فصل سوم به تحولات تجاری در این سال‌ها پرداخته و تجارت ایران با طرف‌های تجاری عمده را مورد بررسی قرار می‌دهد.

بخش سوم دوران پس از جنگ تا اوایل پهلوی را در برمی‌گیرد و شامل پنج فصل است. در فصل اول توضیح داده می‌شود که تشدید بحران سیاسی - اجتماعی در دوران جنگ و پس از آن زمینه‌های لازم برای اصلاحات همه جانبه را در کشور فراهم ساخت. فصل دوم به راه کارهای عملی تجار در تقویت ساختارهای درون طبقاتی در قالب تشکل اتحادیه تجار و نهضت اقتصاد در واکنش عملی تجار به مسایل دوران خود می‌پردازد. در فصل سوم به دیدگاه‌های فکری تجار و عملکردهای اجتماعی و اقتصادی آن‌ها در این سال‌ها توجه می‌شود. فصل چهارم که در واقع جمع‌بندی موارد ذکر شده در فصول قبلی است به دلایل مشخص حمایت تجار از روی کارآمدن دولت رضاخان و در نهایت به سلطنت رسیدن وی خواهد پرداخت. فصل پنجم نیز آمارهای تجارتی سال‌های پس از جنگ تا به قدرت رسیدن رضاشاه را مورد بررسی قرار می‌دهد. قسمت پایانی با عنوان پی‌آمد سخن به جمع بندی و نتایج بدست آمده از این پژوهش خواهد پرداخت.

محور اصلی اسناد مورد استفاده این پژوهش برگرفته از سازمان اسناد ملی ایران با علائم اختصاری مرکز اسناد ملی (م.ا.م)، مرکز اسناد بنیاد مستضعفان (م.ا.ب)، اداره کل آرشیو اسناد و موزه ریاست جمهوری (مرکز اسناد ریاست جمهوری) (م.ا.ر)، آرشیو خصوصی امین‌الضرب (آ.ا.ض)، آرشیو خصوصی شرکت اتحادیه (آ.ا.ت)، مرکز آمار گمرک ایران (م.گ.ا) و مرکز آمار ایران می‌باشد.

کسان بسیاری در مسیر پژوهش مرا یاری کردند که قدردانی از آنان را بر خود واجب می‌دانم: از آن جمله دکتر اصغر مهدوی که اسنادی از آرشیو امین‌الضرب را در اختیارم قرار داد

که بر غنای بیشتر این پژوهش افزود، سرکار خانم دکتر منصوره اتحادیه که امکان بهره‌گیری گسترده از آرشیو اتحادیه را فراهم نمود و انتشار این اثر را ممکن ساخت؛ همچنین همراه و هم‌یار همیشگی تورج یاراحمدی که در تمامی مراحل این پژوهش از هیچگونه همکاری دریغ نورزید.

تاریخ‌های به کار گرفته در این پژوهش به صورت هجری قمری / میلادی ذکر شده است. در مواردی که سال‌ها به صورت مذکور ذکر نشده و علائم مشخص‌کننده‌ای نداشته است، نوع آن با عنوان هجری، میلادی و خورشیدی مشخص شده است. تاریخ‌سندها بر اساس آنچه در خود سند موجود بوده، به کار رفته است. روزنامه‌ها بر اساس سال‌های هجری قمری مشخص شده است، مگر در موارد خاص اوایل پهلوی که عمدتاً سال‌های خورشیدی متداول گشته بود.

تبرستان
www.tabarestan.info

بخش مقدماتی
تجار در سال‌های پیش از مشروطیت

تبرستان
www.tabarestan.info

روند تحولات تجارتي ايران در قرن نوزدهم ميلادي

ايران به لحاظ موقعيت جغرافيايي از ديرباز از اهميت بسيار برخوردار بوده است. از ويژگي هاي اين کشور نقشي بود که در انتقال کالاهای آسیا به اروپا ایفا می کرد؛ انتقال کالا از طريق راه هايی انجام می گرفت که گاه پر رونق و زمانی به فراموشي سپرده می شد. اما آنچه که از پيشينه تاريخ تجارت ايران مورد توجه اين پژوهش قرار می گيرد، امکانی است که موقعيت جغرافيايي ايران برای ترانزيت کالا فراهم می کرد. اين جنبه، اهميت بعد اقتصادي ايران را باز می نمايد، اما در قرن نوزدهم در درجه اول موقعيت جغرافيايي و همجواري ايران با هند به اهميت سياسي آن می افزود. به تدريج تا دهه های پایانی قرن نوزدهم جنبه های اقتصادي - تجاري ايران نیز به نوبه خود مورد توجه قدرت های بزرگ قرار گرفت.

در نيمه اول قرن نوزدهم، ايران دارای نظام سياسي استبدادی خودکامه متکی بر سران ایل و شاهزادگان قاجار بود که هر کدام بر یک ایالت حکم می رانند و بدین ترتیب قدرت قاجارها به صورت نیروهای پراکنده متکی بر مرکز در سراسر کشور گسترش یافته بود. جامعه ايران متکی بر سنت های اجتماعی دیرین بود که در مقابل تحول، سخت جانی نشان می داد و نظام اقتصادی ايران مبتنی بر کشاورزی و بر اساس ابزار تولید سنتی بود. در غرب، تجربه انقلاب صنعتی و رشد سرمایه داری صنعتی، انقلاب فرانسه و رشد طبقه بورژوا، کشف راه های دریایی و دستیابی به مستعمرات، سرمایه داری را واجد خصیصه جهانی کرد. در این بین ايران نیز به تدريج به دایره شمول اقتصاد و تجارت جهانی وارد شد. تجارت ايران در نيمه نخست قرن نوزدهم همچنان شکل سنتی خود را داشت. علاوه بر

کالاهایی که به شکل ترانزیت از ایران عبور می‌کرد، محصولات کشاورزی و مواد خام، عمده صادرات ایران را در برمی‌گرفت. ابریشم، پشم و سنگ‌های قیمتی از قبیل فیروزه و مروارید همیشه توجه تجار خارجی را به سوی این سرزمین جلب می‌کرد.^(۱) مهمترین اقلام صادراتی ایران به کشورهای همچون هند، روسیه و عثمانی شامل ابریشم، پنبه، برنج، خشکبار، گوسفند، گاو، پوست، اسب و مروارید بود که صرفاً محصولات غیرصنعتی و کشاورزی بودند. کالاهایی مانند مس، خرما، گلاب، حنا، ابریشم، پشم، فرش، تنباکو و گوگرد به کشور هند صادر و از این کشور، ادویه، جواهر، سرب، قلع، آهن، چای، پارچه، و چینی وارد می‌شد که در مقایسه با صادرات ایران به این کشور که عمدتاً محصولات کشاورزی را در برمی‌گرفت، به طور نسبی واردات کالاهایی که فرایند صنعتی در آن به کار رفته باشد (مانو فاکتور) بیشتر بود، که این البته به دلیل وجود صنایع پارچه‌بافی با سرمایه انگلیسی در هند و صدور انواع پارچه به کشورهای منطقه بود. صادرات به روسیه شامل ابریشم، پنبه، برنج و خشکبار بود که بیشتر مربوط به محصولات مناطق شمال کشور می‌شد. صادرات به عثمانی را بیشتر تولیدات عشایر غرب کشور تشکیل می‌داد که شامل گوسفند، گاو، اسب، پوست و پشم می‌شد و واردات از عثمانی شامل خرما، قهوه و کالاهای اروپایی بود. استانبول مرکز اصلی تجمع کالاهای تجاری بود که از اروپا وارد می‌شد. راه‌های ورود و خروج کالا بسیار طولانی و صعب‌العبور بود. این راه‌ها عبارت بودند از:^(۲)

- ۱- استانبول از طریق دریای سیاه به طرابوزان - ارزروم - تبریز
- ۲- قفقاز - تبریز
- ۳- ولگا - امتداد دریای خزر - انزلی یا استرآباد
- ۴- کراچی - قندهار - فراه - هرات - مشهد (یا از طریق قاین به نیشابور)
- ۵- بندرعباس - یزد یا کرمان
- ۶- بوشهر - شیراز - اصفهان - یزد
- ۷- خلیج فارس - بغداد - کرمانشاه (یا شوشتر یا شمال کردستان) به فلات ایران
- ۸- آسیای مرکزی - مشهد
- ۹- به جز راه‌های فوق از بنادری چون بوشهر و بندرعباس کالاهای خارجی به ایران وارد می‌شد.

از جمله کانون‌های مهم تجارتی ایران در اوایل قرن نوزدهم می‌توان از شهرهای مشهد، انزلی و تبریز در شمال و شهرهای بوشهر، شیراز، اصفهان، یزد و کرمان در جنوب و مرکز کشور نام برد. در بین شهرهای مذکور تبریز مقر ولیعهد و مرکز پرجمعیت‌ترین ایالت کشور بود. اهمیت این شهر بیشتر در تجارت ترانزیتی آن بود. کالاها بعد از ورود به این شهر به دیگر نقاط کشور منتقل می‌شد. مشهد نیز مرکز پررونق تجارت ایران محسوب می‌شد، در ابتدا کالاها از تهران به این شهر وارد شده و بعد به آسیای مرکزی فرستاده می‌شد. علاوه بر

کالاهاي اروپايي، محصولات ساخت خود ايالت خراسان مانند فرش، شال، نمد، ابريشم و اسلحه بخصوص شمشير به آسياي مركزي ارسال مي‌گردد. از ديگر مراكز تجاري، قزوین بود؛ اين شهر مركز تجارت ابريشم گيلان محسوب مي‌شد. شهر يزد نيز چون بين راه‌هاي شمال به خليج فارس قرار داشت، از مراكز مهم بازرگاني بين شرق و غرب به شمار مي‌رفت. اغلب سياحاني که در اوایل قرن نوزدهم از ايرانديدن کرده‌اند بر کاهش تجارت در جنوب نسبت به مناطق شمالي کشور تأکيد کرده‌اند.^(۳) از دلایل اين کاهش، بي‌ترديد درگيري‌ها و جدال‌هايي است که پيش از اين در مناطق جنوبي کشور بين بازمندگان زنده و قاجارها به وقوع پيوسته بود. مسايل مهم تجارتي ايران در اين سال‌ها را مي‌توان حول چند محور خلاصه کرد: ناامني و عدم امنيت که از عوامل مهم عدم رشد تجارتي به حساب مي‌آيد؛ بي‌نظمي در امور گمرکي به طوري که تعرفه گمرکي بيشتري به عرف و صدور فرامين شاه بستگي داشت، در مواردی تعرفه بر اساس قيمت اجناس، گاهي به نسبت وزن و زماني بر اساس بار چهارپا وصول مي‌شد. از آنجايي که هيچ نوع قانونمندی مشخص در گمرکات کشور وجود نداشت، رشوه‌گيري، فساد مالي و زد و بندهای تجار با حکام بيداد مي‌کرد. علاوه بر تعرفه‌های گمرکي، ماليات‌های ديگري نيز همچون راهداري، عوارض شهري و انواع ديگر ماليات‌های دل‌خواهي وجود داشت که تجار مجبور به پرداخت آن‌ها و همچنين ماليات‌های سرانه و ماليات‌های ويژه بودند.^(۴)

از مهم‌ترين وقايع سياسي که اهميت بسيار در امور تجاري پيدا کرد جنگ‌های ايران و روس بود که منجر به انعقاد دو عهدنامه گلستان ۱۸۱۳/۱۲۲۸ و ترکمانچاي ۱۸۲۸/۱۲۴۳ شد. در اين معاهده‌ها، فصولی به مسايل تجاري اختصاص يافت که علاوه بر منظم کردن تعرفه‌های گمرکي به منظور افزايش ورود کالاهاي خارجي، زيربنای بسياري از محدوديت‌های تجارتي ايران در سال‌های بعد گرديد. عهدنامه گلستان در فصل هشتم بر آزادي دو جانبه تجاري تأکيد داشت.^(۵) علاوه بر آن در فصل نهم اين عهدنامه، ميزان گمرک اموال تجاري «از يك تومان، مبلغ پانصد دينار در يك بلده»^(۶) تعيين گرديد و بر اين مسأله که در شهرهای ديگر هيچ وجهي، تحت هيچ نامی از تجار روس گرفته نشود، تأکيد شد. در مقابل مقرر گرديد که اموال تجار ايراني نيز «به دستور گرفته اختلافی به هيچ وجه نداشته باشد»^(۷) نابرابري شرايط گمرکي براي تجار ايراني در قياس با تجار خارجي راه دخالت بيگانگان در بازرگاني، کشتيراني و گمرک کشور را گشود. بر اساس اين عهدنامه از کليه کالاهاي صادراتي روسيه به ايران حداکثر تا پنج درصد بهای کالا حق گمرک گرفته مي‌شد. اين پيمان نسبت به معاهده‌های بعدي اين حسن را داشت که دو طرفه بود و در صورت تغيير از جانب یک طرف قرارداد، ديگري هم حق تغيير آن را داشت. در عهدنامه ترکمانچاي ۱۸۲۷/۱۲۴۳ که بعد از جنگ دوم ايران و روس منعقد شد، علاوه بر ذکر فوايد آزادي تجارت، در فصل سوم بر حق گمرک صدي پنج اتباع روسيه تأکيد شد و در واقع اتباع روسيه

فقط حق گمرک مرزی می‌پرداختند، در حالی که تجار ایرانی علاوه بر آن مجبور به پرداخت حقوق گمرکی، عوارض راهداری و مالیات‌هایی بودند که توسط حکام وضع می‌شد، از جمله قبایلداری و مالیات‌های دلیخواه دیگر، که این مسئله رقابت تجار ایرانی را با تجار روسی مشکل می‌ساخت. در عین حال اگر اختلافی رخ می‌داد حق قضاوت کنسولی، ایرانیان را از احقاق حق خود محروم می‌ساخت^(۸) و ورود کالاهای خارجی به ایران را تسهیل می‌کرد. آزادی تجارت با حق گمرک پنج درصد به عنوان الگوی قراردادهای بازرگانی ایران با کشورهای دیگر درآمد و انگلستان توانست همان امتیاز را در دوره محمدشاه طی قراردادی با ایران در سال ۱۸۴۱/۱۲۵۷ به دست آورد. روابط تجاری با عثمانی نیز بر اساس پیمان ارزنه‌الروم با حقوق گمرک چهار درصد تعیین شد^(۹) در واقع دولت ایران از سال‌های ۱۲۹۰-۱۸۷۳/۱۲۵۷-۱۸۴۱ همانند مفاد عهدنامه ترکمانچای را با دوازده دولت دیگر دول کامله‌الوداد منعقد کرد. این اصل بدون هیچ قید و شرطی تفویض شد و مدت آن ده سال تعیین گردید ولی ضعف سیاسی ایران مانع شد که پس از انقضای مدت، آن را لغو سازد.^(۱۰) این قراردادها، ورود و خروج هر نوع کالای دولت‌های خارجی را بدون هیچ نوع ممانعت گمرکی ممکن ساخت. به دلیل آنکه تجار ایرانی از شرایط یکسان با همتهای اروپایی خود برخوردار نبودند زیان‌های بسیاری در اثر رقابت یا ورود کالاهای خارجی به تجارت وارد می‌شد و دولت ایران به دلیل ضعف و بر اساس قرارداد، حق هیچ گونه مداخله‌ای در امور تجاری نداشت.

در نیمه دوم قرن نوزدهم، سلطه سیاسی - اقتصادی دو قدرت بزرگ در ایران افزایش یافت و آن دو کشور به رقابت با یکدیگر در کسب امتیازات بیشتر پرداختند. این عصر را می‌توان در سه دوره به صورت مختصر بررسی کرد:

۱- دوره اول (۱۲۹۸-۱۲۷۷/۱۸۸۰-۱۸۶۰): در طول این دوره انگلستان سلطه بیشتری در ایران یافت و توانست تسلط خود بر این کشور را با گرفتن امتیازهای مختلف در زمینه تلگراف، بانک و راه‌آهن تقویت کند. در این دوره امتیاز رویت و حق استخراج معادن، ایجاد موسسه‌های اعتباری و وصول انحصاری عایدات گمرکات واگذار شد. همزمان با این قرارداد، نفوذ روس‌ها در آسیای مرکزی و سرحدات افغانستان افزایش یافت و مرزهای هندوستان را مورد تهدید قرار داد. انگلستان که با کسب امتیاز رویت، وسیله‌ای در مقابل نفوذ روسیه در آسیای مرکزی بدست آورده بود، با انعقاد عهدنامه گرچاکف - گرانویل در سال ۱۸۷۳/۱۲۹۱ امکان نفوذ روسیه را در مرزهای هندوستان برطرف کرد و مرزهای افغانستان از جانب روسیه با دیده احترام نگریسته شد. امتیاز رویت نیز عملاً به دلیل مخالفت‌های داخلی و فعالیت‌های سیاسی خارجی، بعد از بازگشت شاه از فرنگ ملغی شد.

۲- دوره دوم (۱۳۰۸-۱۲۹۸/۱۸۹۰-۱۸۸۰): در این سال‌ها سرمایه روس‌ها هنوز آنقدر کافی نبود که بتوانند با انگلیس‌ها رقابت کنند ولی زمینه‌های قدرت‌گیری خود را فراهم

می ساختند. در این دوره انگلیس در استحکام نفوذ خود با روش منظم تری عمل می کرد. ایجاد خطوط ارتباطی، احداث جاده خوزستان، ایجاد خطوط تلگراف و امتیاز کشتی رانی در کارون منجر به افزایش نفوذ تجاری انگلستان در جنوب شد.^(۱۱) در این سال ها امتیاز بانک شاهنشاهی که اقتدار بر مالیه کل کشور را در اختیار این بانک قرار می داد، به انگلستان واگذار شد. بانک علاوه بر نشر اسکناس، نبض مالی و تسلط بر بازار پولی کشور را در دست داشت و در تجارت خارجی نقش عمده ای ایفا می کرد. بانک عملاً رو در روی نظام صرافیه کشور قرار گرفت و عامل مؤثری در گسترش فعالیت بازرگانی انگلیس در ایران شد.^(۱۲) در این دوره روس ها نیز تلاش هایی برای ایجاد خطوط تلگراف در بخش های شمال و شمال شرقی نمودند و پس از صدور فرمان آزادی کشتیرانی در رود کارون، اجازه کشتی رانی در بحر خزر و رودخانه های وابسته به آن را به دست آوردند. از سویی امتیاز ساختن راه شوسه از پیربازار به تهران و تأسیس راه آهن به آنان داده شد، با این تعهد که هیچ کشور خارجی تا چند سال نمی توانست حق ایجاد راه آهن را داشته باشد.

۳- دوره سوم (۱۳۲۳-۱۳۰۸/۱۹۰۵-۱۸۹۰): در این دوره روسیه توانست بطور جدی در مقابل انگلیس قرار گیرد و قدرت و نفوذ خود را در ایران افزایش دهد و بالاخره تا حدودی جای انگلستان را بگیرد. امتیاز رژی ۱۸۹۰/۱۳۰۸ که به موجب آن حق انحصاری خرید و فروش توتون و تنباکو به شرکت رژی واگذار شد، با مخالفت اقشار مختلف اجتماعی از جمله تجار مواجه شد و با هماهنگی کلیه طبقات و نیز تمایل روسیه، این امتیاز لغو گردید که در جای خود در خصوص این موضوع بطور مشروح سخن گفته خواهد شد.

با لغو امتیاز رژی و مقابله افکار عمومی با انگلستان، کفه ترازو به سمت روسیه متمایل گردید. در این سال ها گرفتن وام از دولت های خارجی گسترش یافت و منجر به وابسته شدن هر چه بیشتر ارکان اقتصادی جامعه شد.^(۱۳) روسیه امتیاز هایی در زمینه احداث و بهره برداری از راه های شمالی کشور، استخراج معادن و مهمتر از همه تأسیس بانک استقراضی به دست آورد.^(۱۴) در این دوره انگلستان به علت مشکلاتی که در جنوب آفریقا ایجاد شده بود، نتوانست حضور فعالتری در ایران داشته باشد. آمریکا در همین سال ها در عرصه بین المللی موفق به تولید فولاد بیش از انگلستان شد و تپ ۱۹۰۰/۱۳۱۸ آمریکا و آلمان با پیشرفتی آهسته و مداوم بر انگلستان پیشی گرفتند.

روسیه نیز به نوبه خود توانست در سال های آخر قرن نوزدهم میلادی، در ایران، چین و آسیای میانه نفوذ خود را گسترش دهد. ایجاد راه های شوسه در قسمت های شمالی، ورود کالاهای روسی را با سهولت بیشتری ممکن ساخت و امور مالی تجار روسیه نیز تحت حمایت بانک استقراضی قرار گرفت. همین شرایط را انگلستان با گسترش خطوط تلگراف و گسترش راه های شوسه جنوب، برای تسلط بر بنادر جنوبی کشور فراهم آورد.^(۱۵) نفوذ سیاسی قدرت های بزرگ، کسب امتیازات و اعطای وام ها نقش مستقیم و اساسی در اقتصاد

و تجارت ایران ایفا می‌کرد و بسیاری از فعالیت‌های سرمایه‌داران داخلی را تحت تأثیر قرار می‌داد و موجب نارضایتی و واکنش‌هایی از سوی تاجار ایرانی می‌شد که در فصول بعدی به آن پرداخته خواهد شد.

افزایش حجم تجارت خارجی و فعالیت کمپانی‌ها و سرمایه‌داران غربی در ایران، علاوه بر تغییراتی که در میزان و نوع کالاهای مبادلاتی ایجاد کرد، موجب تغییر و تحولاتی نیز در طبقه تاجر شد، ولی فعلاً در این قسمت به تغییراتی که در زمینه صادرات و واردات رخ داده، پرداخته خواهد شد.

اگر چه ایران، با اغلب دول مناسبات تجارتي داشت ولی تجارت خارجی ایران بیشتر در انحصار دو کشور روسیه و انگلستان قرار گرفت. روسیه انحصار تجارت شمال را در دست داشت و انگلستان تجارت جنوب کشور را به خود اختصاص داده بود. در واقع از کل تجارت ایران ۷/۸ آن با این دو کشور بود. از آثار و نتایج رشد سریع بازرگانی خارجی، رونق کالاهای فرنگی و علاقه مردم کشور به مصرف این کالاها بود، بخصوص قماش منچستر که ظاهری بهتر و بهایی ارزانتر از قماش وطنی داشت. پوشاک بیشتر طبقات اجتماعی از مردان گرفته تا زنان جملگی از غرب وارد می‌شد. ابریشم، ساتن و ماهوت برای طبقه اعیان و قماش نخی و پنبه‌ای مورد استفاده دیگر طبقات بود. رواج منسوجات نخی موجب زوال صنایع نساجی بومی کشور در مراکز صنعتی شهرهایی چون اصفهان، کاشان و یزد شد.^(۱۶) منسوجات وطنی نیازهای داخلی اقشار جامعه را تأمین می‌کرد ولی با ورود پارچه‌های متنوع و ارزان انگلیسی تولیدات صنایع داخلی مورد بی‌مهری قرار گرفت. صدور مواد خام از جمله پنبه که از مهمترین اقلام صادراتی کشور بود و یک پنجم صادرات ایران را تشکیل می‌داد، همچنان بخش اعظم آن به روسیه و قسمت جزئی آن به هندوستان و عثمانی فرستاده می‌شد. خشکبار، قالی، پوست، توتون و تنباکو، پشم، برنج، حیوانات اهلی، صمغ، رنگ و محصولات از این دست نیز در زمره صادرات کشور بود.

از جمله مهمترین صادرات ایران از دوران صفویه به بعد ابریشم مرغوب گیلان بود. کمی بعد از سال ۱۸۵۸/۱۲۷۵ که یک ایتالیایی برای خرید تخم نوغان به ایران آمد، بیماری واگیرداری در بین کرم‌های ابریشم به وجود آمد که به تدریج سراسر کشور را فراگرفت و ایران در سال ۱۸۶۹/۱۲۸۶ واردکننده تخم ابریشم از ژاپن شد. از این سال ۶۶ درصد از محصول ابریشم گیلان از این تخم‌ها تولید می‌شد.^(۱۷) در سال‌هایی که ابریشم ایران با بحران مواجه شد، کشت و تجارت تریاک جایگزین آن گردید. تجارت تریاک از ۱۸۶۵/۱۲۸۲ به صورت مشخص فعال شد و در ۱۸۷۵/۱۲۹۲ زراعت خشخاش بسیار گسترش یافت. وجود خریدارانی در چین، هند، ژاپن و خلیج فارس، تاجار ایرانی را به صدور این کالا ترغیب کرد و برای تاجران خارجی نیز که از مالیات‌ها و عوارض گمرکی داخل کشور معاف بودند، گسترش تولید و صدور «فراورده‌های نقدینه آفرین» مثل تریاک و پنبه بسیار قابل توجه بود.

کانون‌های مهم فعالیت و کشت تریاک بر اساس اهمیت، اصفهان، یزد، فارس، خراسان، کرمان و خوزستان بود.^(۱۸) گرایش کشاورزی ایران به سمت تولید محصولات که با صدور آن‌ها به میزان نقدینگی تجار افزوده می‌شد، می‌توانست کمبود پول در تجارت خارجی ایران را تا حدی جبران کند. در دو دهه آخر قرن نوزدهم، واردات پنبه و سایر منسوجات به عنوان درصدی از کل تجارت کاهش یافت و در عوض به میزان ورود چای و شکر و حبوبات افزوده شد. احتمالاً به دلیل افزایش سطح زیر کشت تریاک از میزان تولید دیگر محصولات کشاورزی کاسته شد و نیاز به واردات آن بیشتر گردید. ورود فلزات و اجناس فلزی نیز بخش بسیار کمی از کل واردات را در برمی‌گرفت. از نظر صادرات چشمگیرترین ویژگی همان‌طور که اشاره شد سقوط شدید صادرات ابریشم و منسوجات بود، به طوری که جای آن را پنبه خام و فرش گرفت. خشکبار، میوه‌جات، برنج، تریاک و تنباکونیز در حجم صادرات سیر صعودی داشتند.^(۱۹) به رغم تغییراتی که در اقلام تجارت خارجی ایجاد شد، در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم میزان صادرات و واردات به سرعت تا ۲۰ درصد رشد یافت. همان‌طور که پیش از این اشاره شد در سال‌های قبل از مشروطیت تجارت ایران با روسیه به سرعت رو به افزایش گذارد. بهبود وضعیت حمل و نقل در شمال کشور، هم‌مرز بودن، کمک‌های بانک استقراضی به تجار روسی و امتیازهای گرفته شده از دولت ایران و نیز تغییرات تعرفه گمرکی در سال ۱۹۰۳، به مساعی دولت روسیه در ایران مساعدت کرد و حجم تجارت روسیه با ایران را به سرعت افزایش داد. میزان تجارت ایران با روسیه از ۹ میلیون روبل در سال ۱۸۷۵ به ۳۴ میلیون روبل در سال ۱۸۹۵ و نهایتاً به ۹۴ میلیون روبل در سال ۱۹۱۴ میلادی رسید.^(۲۰) افزایش قابل ملاحظه تجارت ایران و روسیه در سال‌های قبل از مشروطیت، گرایش این کشور در حفظ وضع موجود و موضع‌گیری آن در دوران مشروطیت را تا حدودی روشن می‌سازد. جدول شماره (۲) میزان رشد تجارت ایران و روسیه و افزایش چشمگیر آن را در سال‌های نزدیک به جنبش مشروطیت به خوبی نشان می‌دهد.^(۲۱)

جدول (۱)

واردات عمده (بر حسب درصد)	۱۸۵۰ م.	۱۸۸۰ م.	۱۹۱۱-۱۳	صادرات عمده	۱۸۵۰ م.	۱۸۸۰ م.	۱۹۱۱-۱۳
پارچه‌های پنبه‌ای	۴۳	۴۸	۳۰	ابریشم و تولیدات آن	۲۸	۱۸	۵
پارچه‌های پشمی و	۲۳	۱۵	۵	منسوجات و پنبه‌ای و	۲۳	۱	۱

۲۸ تجارت، مشروطیت و دولت مدرن

ابریشمی			پشمی				
		۱۰	حبوبات	۱۶	۱۲		
چای	۹	۲	میوه جات	۶	۱۳	۶	
شکر	۲	۸	تنباکو	۴	۱	۵	
اجناس فلزی	۲	۲	پنبه خام	۱	۱۹	۷	
حبوبات	۲	۲	تریاک	۴	۷	۲۶	
مواد نفتی	۲	۱	فرش	۲	۱۲	۴	

*. منبع: عیسوی، تاریخ اقتصادی، ص ۲۰۶.

جدول (۲)

بازدهای تجارت ایران - روسیه در سالهای ۱۹۱۴-۱۸۳۰ (۲۲)

سال (میلادی)	از ایران	به ایران	حجم مبادلات
۱۸۳۰-۳۴	۳/۸	۲/۶	۶/۴
۱۸۳۵-۳۹	۳/۶	۱/۳	۴/۹
۱۸۴۰-۴۴	۴/۷	۱/۲	۵/۹
۱۸۴۵-۴۹	۵/۳	۵/۹	۶/۲
۱۸۵۰-۵۴	۵/۵	۱/۲	۶/۳
۱۸۵۵-۵۹	۵/۷	۱/۴	۷/۲
۱۸۶۰-۶۴	۶/۵	۱/۶	۷/۴
۱۸۶۵-۶۹	۵/۸	۱/۸	۷/۶
۱۸۷۰-۷۴	۵/۶	۲/۱	۷/۸
۱۸۷۵-۷۹	۶/۳	۲/۷	۹/۵
۱۸۸۰-۷۹	۷/۵	۳/۸	۱۱/۳
۱۸۸۵-۸۹	۹/۴	۶/۵	۱۵/۹
۱۸۹۰-۹۹	۱۱/۵	۱۵/۹	۲۲/۴
۱۸۹۵-۹۹	۱۹/۷	۱۶/۵	۳۵/۷
۱۹۰۰-۴	۲۴/۵	۲۴/۶	۴۸/۵
۱۹۰۵-۹	۲۶/۴	۲۹/۵	۵۵/۴
۱۹۱۰-۱۴	۳۸/۵	۴۹/۲	۸۷/۷

جدول (۳)

روسیه		انگلستان	
صادرات	واردات	صادرات	واردات
۵ تولید خام یا کشاورزی	۱ شکر	۳ محصولات خام:	۴ محصولات و تولیدات

خشکبار، پنبه خام، برنج، چرم، پوست، پشم، پنبه، صمغ	۱/۴ محصولات پنبه‌ای ۱/۴ سایر کالاهای تولیدی مثل: نفت، احشام، آرد، تنباکو، سایر محصولات گیاهی	خشکبار، تریاک، صمغ، مروارید، چرم خام کالاهای تولیدی: فرش، بعضی محصولات ابریشمی	پنبه‌ای، این میزان ۲/۳ کل واردات این کالاها به ایران بود. ۱/۸ یا کمتر سایر کالاهای تولیدی، بقیه: چای، قهوه، ادویه و غیره از هند بود.
لیره ۱/۵۰۰/۰۰۰	لیره ۲/۰۰۰/۰۰۰	لیره ۵۰۰/۰۰۰	لیره ۲/۰۰۰/۰۰۰

جدول شمار (۳): ترکیب تجارت ایران را با دو کشور روسیه و انگلستان در سال ۱۹۰۰ میلادی نشان می‌دهد.^(۲۳) با مقایسه ستون صادرات و واردات با هر یک از این دو کشور تمایز بین آن‌ها مشخص می‌شود. از نظر صادرات، به هر دو کشور کالاهای مشابهی صادر می‌شد که عمدتاً محصولات کشاورزی یا مواد خام بود. به لحاظ واردات، از روسیه کالاهای کشاورزی و گیاهی وارد می‌شد که بیانگر عدم رشد اقتصادی این کشور و نداشتن محصولات تولید کارخانه‌ای بود، در حالی که انگلستان بیشتر، یا محصولات هند را به فروش می‌رساند یا در جستجوی بازار فروش برای منسوجات کارخانه‌هایش بود. بدین ترتیب بازار پارچه ایران از دست تاجار داخلی خارج و به دست شرکت‌های خارجی افتاد و بازارهای ایران را پارچه‌های انگلیسی و روسی پر کرد. جان فورن گزارش می‌دهد که در سال ۱۸۰۰ میلادی تنها ۱۹ درصد تجارت خارجی ایران در دست بازرگانان خارجی بود، در حالی که در سال ۱۹۱۴ میزان ۹۴ درصد از تجارت خارجی در دست آن‌ها بود.^(۲۴) از سال‌های ۶۶-۱۸۴۷ بیشترین اقلام وارداتی به شهر تبریز را منسوجات ذکر کرده‌اند که در حدود ۱/۵ از کل واردات ایران را شامل می‌شد.^(۲۵) در بیشتر منابع پیش از مشروطیت به رواج منسوجات خارجی و گرایش مردم به استفاده از آن اشاره شده است و اینکه بیشتر مغازه‌ها کالاهای خارجی می‌فروختند و از تعداد بسیار ناساجان بومی جز معدودی باقی نمانده بود.^(۲۶) شاید یکی از دلایل فعالیت بسیار صنف بزاز در جنبش مشروطیت همین آسیبی بود که با ورود پارچه‌های خارجی به تولیدات داخلی وارد آمد.

از نتایج عدم توازن صادرات و واردات، ایجاد تورم اقتصادی و کاهش ارزش پول رسمی ایران در مقابل ارزهای خارجی بود در فاصله سال‌های ۱۹۰۰-۱۸۰۰ میلادی ارزش پول ایران به اندازه ۴۱۰ درصد یعنی سالی ۴/۱ درصد کاهش یافت. افزایش واردات نسبت به صادرات موجب خروج مسکوکات ایران به خارج از کشور، بخصوص هندوستان شد. از دیگر دلایل کاهش ارزش پول ایران، سقوط بین‌المللی قیمت نقره در دهه ۱۸۹۰ میلادی بود

تقلب، سودجویی و عدم تطابق وزن عیار قران‌های ولایات با یکدیگر و ناهماهنگی در ضرب سکه، احتکار و کمبودهای ساختگی،^(۲۷) همگی موجب بی‌اعتبار شدن پول کشور شد و حتی ایران برای ضرب سکه نقره مجبور به وارد نمودن شمش نقره از خارج بود.^(۲۸) همه این موارد آسیب‌های جدی بر امور تجاری و تجارت ایرانی وارد می‌ساخت و آنان را به ورشکستگی می‌کشاند. با توجه به مطالب ذکر شده در این فصل، مسایل مهم تجارتی ایران طی قرن نوزدهم و سال‌های پیش از مشروطیت را می‌توان چنین جمع‌بندی کرد:

- ۱- افزایش حجم مبادلات تجارت خارجی ایران بخصوص با کشورهای روسیه و انگلستان.

- ۲- افزایش حجم تجارت خارجی ایران با روسیه در آخرین دهه قرن نوزدهم، به طوری که صادرات روسیه به ایران طی این یک دهه ۳۷/۵ درصد افزایش نشان می‌دهد، در حالی که صادرات انگلستان به ایران ۲۷/۵ درصد کاهش داشت.

- ۳- افزایش واردات کالاهای فرنگی و علاقه بخش‌هایی از مردم به مصرف این اجناس بخصوص قماش منجستر، قند، شکر و چای وارداتی.

- ۴- افزایش تولید مواد خام که مورد نیاز بازارهای جهانی بود مثل: ابریشم، برنج، تریاک، پنبه و خشکبار.

- ۵- کاهش ارزش پول ایران در برابر ارزهای خارجی.

- ۶- ناتوانی کارگاه‌های نساجی کشور در رقابت با ورود پارچه‌های خارجی و زوال تدریجی این صنایع در شهرهایی مثل اصفهان، کاشان و یزد.

جمع‌بندی

مباحثی که در خصوص تجارت و اقتصاد سیاسی ایران قابل تعمق و اندیشیدن است و بطور قطع برای تحلیل عملکرد تجار داخلی و خارجی باید بدان توجه داشت دو مساله عمده می‌باشد که بسیاری از محققان نیز به آن پرداخته‌اند مبحث نخست مربوط به ساختار اقتصادی - تجاری ایران و روند تحولات آن در قرن نوزدهم است که مفاهیمی همچون رشد تجاری، توسعه، توسعه وابسته، عقب‌ماندگی، اقتصاد در حال رشد، موانع توسعه رشد نظام سرمایه‌داری و تعابیری از این دست را مطرح و موضوع بحث پژوهشگران قرار می‌دهد. دومین مبحث، چگونگی سیاست‌گذاری دولت قاجاریه است بدیهی است برای بررسی عملکرد و جایگاه تجار در این دوران باید به این موضوع پرداخته شود که جایگاه دولتمردان قاجار و روشنفکران در این میان چگونه بوده است این پرسش قابل تأمل است که در بین دولتمردان قاجاری، روشنفکران و حتی خود تجار، تا چه حد فهم مسایل تجاری و درک سیاست‌های اقتصادی وجود داشته است البته موضوع این رساله بررسی مسایل مربوط به توسعه و توسعه‌نیافتگی و مباحث مربوط به اقتصاد سیاسی ایران و حتی طرح وضعیت

تجارتي ايران در اين سال‌ها نيست، بلكه انديشيدن به هر مسأله‌اي است كه به شناسايي بستري كه تبار در آن حركت كرده و نقش آفريده‌اند، كمك رساند.

برخي از محققان روند افزايش حجم تجارت خارجي ايران را نشانه‌اي از توسعه اقتصادي كشور دانسته‌اند.^(۲۹) آمار و ارقام تجاري و تغييراتي كه در نوع كالاهاي تجارتي ايجاد گرديد و پيش از اين نيز بدان اشاره شد، موجب مي‌گردد كه بيشتر محققان اين تحولات را نوعي توسعه وابسته دانسته و روند تحولات اقتصادي ايران را در جهت ادغام در سرمايه‌داري جهاني و به گونه‌اي همگون شدن با خواست‌هاي سرمايه‌داري بزرگ قلمداد كنند. جان فورن مفهوم توسعه وابسته را به اين معني دانسته كه مسير تحولات تجاري از خارج تعيين شده و در هر دو حالت كمّي و كيفي نوسانات رشد و محدوديت‌هاي آن به عوامل خارجي بستگي داشته باشد.^(۳۰) احمد اشرف اقتصاد قرن نوزدهم ايران را با اصطلاح وضعيت نيمه استعماري توصيف مي‌كند. وي علاوه بر ترسيم وابستگي اقتصادي كشور به بازارهاي جهاني كه همراه با رشد مداوم و شتابان بازرگاني خارجي بوده، چنين وضعيتي را موجب ورود سرمايه‌داران خارجي به بازارهاي بكر و قابل توسعه ايران مي‌داند.^(۳۱) كه تا اين جا بيشتر محققان اتفاق نظر دارند و هر کدام آن را با اسامي و اصطلاحات خاصي عنوان مي‌كنند. بطور مثال مطالعات ماركسيستي كلاسيك بر مفاهيمي چون امپرياليسم، رشد مرحله سرمايه‌داري، كشورهاي مستعمره و پيراموني تأكيد دارد كه اقتصاد آن وابسته به كشور متروپل است و نيز بيان عملکرد اسلوب كهنة استعمار كه بطور عمده در پي صدور كالا است و اسلوب‌هاي جديد استعماري كه به دنبال صدور سرمايه، ايجاد ميدان نفوذ و تبديل كشورهاي مستعمره به بازار فروش و استفاده از اين كشورها براي تأمين مواد خام و اوليه هستند و نهايتاً بر اين باورند كه اين مناطق در بين انحصارهاي امپرياليستي تقسيم گرديده‌اند.^(۳۲) البته در اعمال نفوذ قدرت‌هاي بزرگ سرمايه‌داري در ايران همه محققان متفق القولند گرانش‌هاي ماركيستي براي موضع‌گيري در مقابل عملکرد نامناسب سرمايه‌داري جهاني و هجوم امپرياليسم بطور ناخودآگاه اهميت عوامل خارجي در اقتصاد كشورهاي عقب‌مانده را بزرگ مي‌كنند و در تحليل مسايل ايران نيز بيشتر هم خود را متوجه نقش تخريبي و ويران‌گر نظام سرمايه‌داري جهاني مي‌كنند، بنابر اين ناتواني، توسعه نيافتگي و تخريب اقتصاد بومي كشور نتيجه طبيعي اين اعمال نفوذ مي‌شود. در اين نوع تحليل، ورود غربي‌ها به ايران هر نوع امكان رشد طبيعي و توسعه اين كشور را مسدود كرده است اما اگر بخواهيم با نگاهی جديد و سواي از الگوهاي مشخص و به شيوهای انتقادي و با عنایت به درك و شناخت تحولات دروني جامعه به مسايل ايران بنگريم، به رغم تأثیرات منفی حضور بيگانگان، وجود آن‌ها در اقتصاد ايران قرن نوزدهم موجب تحرك، رونق و فعاليت‌هاي گسترده‌تر گرديد و به عنوان الگويي براي سرمايه‌هاي داخلي قلمداد شد.^(۳۳) در اين قسمت بين محققان اختلاف نظرهايي وجود دارد. برخي معتقدند ورود كالاهاي غربي و

رشد بازرگانی خارجی طی قرن نوزدهم میلادی ناشی از تقاضای اروپاییان برای فروش محصولات صنعتی و خرید مواد اولیه بوده است و این رشد به هیچ وجه به مفهوم توسعه اقتصادی ایران قلمداد نمی‌شود، چرا که به کارگیری مفهوم توسعه، مستلزم استفاده از شیوه‌های جدید تولید و تغییراتی در شکل ابزار تولید است که در ایران رخ نداد.^(۳۴) بدیهی است که نظام سنتی تولید در طی زمان در صورتی که از سوی عناصر خارجی تحریک و تشویق نمی‌شد، در مسیر طبیعی خود تضعیف می‌شد و بر اساس تحولات هدفمند و درونی خود تغییر می‌یافت، ولی آن‌ها بر اساس ضربه‌های بیرونی تغییر یافتند و به همین دلیل نظم یافته نیستند و «نظام جدید نه بر روی خرابه‌های نظام قبلی که در میان تتمه آن نظام شکل گرفت»^(۳۵) بنابر این نتیجه‌ای که بر اثر ارتباط تجاری ایران با کشورهای خارجی به دست آمد، فعال شدن و رونق تجارت ایران و افزایش کمی و کیفی سرمایه‌داران ایرانی بود، ولی به دلیل نابرابر بودن نیروهای رقیب، یعنی سرمایه‌های خارجی با سرمایه‌های محدود محلی و عدم امکان رشد طبیعی و درازمدت آن، روند تحولات به سمت نوعی وابستگی به سرمایه‌های خارجی پیش رفت و جهت آن سمت و سویی یافت که به کار بردن تعبیری چون توسعه نیافتگی و موانع توسعه در ایران مفهوم می‌یابد. در هر حال این پژوهش با عنایت به این واقعیات به بررسی خواهد پرداخت.

نکته دیگری که پیش از این نیز بدان اشاره شد، طرح این پرسش است که از نیمه دوم قرن نوزدهم که ارتباط ایران با دول خارجی افزایش بیشتر یافت و نقش مسایل اقتصادی - تجاری بارزتر شد، دولت قاجاریه دارای سیاست‌گذاری اقتصادی مشخص و حتی درک صحیح و شناخت دقیقی از مسایل اقتصادی - سیاسی دوران خود بوده است. بدیهی است با افزایش سطح آگاهی تجار و روشنفکران و با متداول شدن مفهوم دولت مدرن و در نظر گرفتن وظایف رفاهی و اعمال قوانین و انجام اموری خارج از وظایف دولت‌های سنتی، انتظار عمومی بر آن قرار گرفت که دولت قاجاریه هر چه بیشتر و بهتر در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی و در جهت منافع اقتصاد ملی قدم بردارد. ما بین تجار و روشنفکران این تلقی مشترک وجود داشت که دولت با اعمال سیاست‌های حمایتی مشخص می‌بایست به بهبود اوضاع تجاری کشور یاری رساند به همین دلیل دولت مورد انتقاد یا تأیید و تشویق گروه‌های مختلف قرار می‌گرفت. مفاهیمی همچون لزوم ترقی تجارت، توسعه تجارت، افزایش صادرات نسبت به واردات و اقدامات دولت برای رونق تجارت متداول بود. بی‌تردید، آگاهی بر اصول و الفبای تجاری برای قشرهایی از تجار و روشنفکران مشخص بوده است. دولتمردان قاجار به جز در دوران صدر اعظم‌های اصلاح‌گرا، سیاست‌های اقتصادی مشخص اعمال نکردند. آنان به جز اندیشیدن به منافع مقطعی، واگذاری مراکز مهم و کلیدی کشور، مثل گمرکات و اعطای امتیازاتی که نبض اقتصاد کشور را در دست بیگانگان قرار می‌داد، عملکرد هوشمندانه‌ای از خود بروز ندادند. افزایش تعداد کمی و کیفی

تجارت‌خانه‌های خارجي موجبات تسلط بيشتري بيگانگان بر تجارت ايران را فراهم كرد. عدم توازن نيروهاي داخلي و خارجي كاملاً به ضرر ايران و سرمايه‌داران ايراني بود، ولي ممانعت از نفوذ خارجي‌ها و اعمال سياست‌هاي آگاهانه نياز به دولتي مقتدر، آگاه به سياست‌هاي روز و مسايل جهان، مطلع از مسايل اقتصادي و داراي ابزارهايي براي اعمال سياست‌هاي خود بود كه دولت قاجار فاقد چنين توانايي‌هايي بود.^(۳۶) طبيعي است رشد سرمايه و به وجود آمدن سرمايه‌داراني آگاه و فعال رابطه مستقيم با عملکرد دولت مي‌يابد و زماني كه در حوزه انتظارات و عمل عيني دولت تعارض ايجاد شود، اين ناهمگوني به شكل‌ها و شيوه‌هاي گوناگون در شكل جنبش‌هاي اجتماعي - سياسي يا تشكيل‌هاي گروه‌ي يا صنفی و يا اعتراض‌ها و شب‌نامه‌ها و انواع ديگر واكنش‌ها خود را آشكار مي‌سازد.

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

یاداشتهای فصل اوّل

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل اول

۱. برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به: علی جمالزاده، گنج شایگان، (برلن، ۱۳۳۵)، صص ۴ و ۵.
2. Ann Lambton, Qajar Persia, (London, 1987), p: 112-115.
3. Lambton, op. cit, p: 111-112.
4. Lambton, op, cit, p: 110-111
۵. محمدتقی لسان‌الملک سپهر، ناسخ‌التواریخ، (تهران، ۱۳۴۴)، ج ۱، ص ۲۴۸.
۶. همان جا، ص ۲۴۹.
۷. همان جا، ص ۲۴۹.
۸. برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به: مجید یکتایی، تاریخ دارایی ایران، (تهران، ۱۳۴۵)، صص ۴۰۴-۳۹۸؛ پیوکارلو تزنزیو، رقابت‌های روس و انگلیس در ایران و افغانستان، ترجمه عباس آذرین، (تهران، ۱۳۶۴)، ص ۴۲.
۹. برای آگاهی‌های بیشتر در مورد معاهده ارزنه‌الروم نگاه کنید به: فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، (تهران، ۱۳۴۸)، صص ۳۹۶-۳۹۷.
۱۰. نگاه کنید به: یکتایی، تاریخ دارایی، صص ۴۰۴-۳۹۸؛ چارلز عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، (تهران، ۱۳۶۲)؛ صص ۱۱۱؛ ابراهیم تیموری، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، (تهران، ۱۳۳۲)، صص ۳۹۱-۳۹۲.
۱۱. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید: به جرج، ن. کرزن، ایران و قضیه ایران، ترجمه وحید مازندرانی، (تهران، ۱۳۵۰)، ج ۲، صص ۶۷۰-۶۶۳؛ سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، ترجمه محمدتقی فخرداعی گیلانی، (تهران، ۱۳۳۰)، صص ۵۳۴-۵۳۳؛ تیموری، عصر بی‌خبری، صص ۱۷۷-۱۵۱.
۱۲. نگاه کنید به: جمالزاده، گنج شایگان، صص ۱۱۱-۱۰۹؛ سایکس، تاریخ ایران، صص ۵۳۵-۵۳۴؛ تیموری، عصر بی‌خبری، ص ۲۱۰.

۳۸. تجار، مشروطیت و دولت مدرن

۱۳. نگاه کنید به: بخش ضمایم:

۱۴. نگاه کنید به: همان جا،

۱۵. نگاه کنید به: فیروز کاظم‌زاده، روس و انگلیس در ایران، ترجمه منوچهر امیری، (تهران، ۱۳۵۴)، صص ۳۲۹، ۳۶۷-۳۶۶، ۴۴۰.

۱۶. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: احمد اشرف، موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران، (تهران، ۱۳۵۹)، ص ۹۱.

17. GAD. G. GILBAR, "Persian Agriculture in the Late Qajar Period, 1860-1906: "Some Economic and Social Aspects", Asian and African Studies, 12 (1977), p: 346-348.

18. Ibid, p: 324-5.

19. John Foran, "The Concept of Dependent Development As a Key to the Political Economy of Qajar Iran (1800-1925)", Iranian Studies, Vol: XXII (1989), No: 2-3, p: 19-20.

همچنین برای آگاهی بیشتر از جزییات نگاه کنید به: جدول شماره یک.

۲۰. نگاه کنید به:

A ASHRAF and H. HEKMAT, "merchants and Artisans and the Developmental Processes of Nineteenth Century Iran", The Islamic Middle East, 700-1900: Studies in Economic and Social History, A. L. UDOVITCH (ed), (Princeton, new Jersey), p: 734.

حجم مبادلات تجاری ایران با هر یک از دو کشور بریتانیا و روسیه توسط جان فورن به صورت جدول زیر بیان شده است:

سال	تجارت با روسیه (میلیون لیره استرلینگ)	تجارت با بریتانیا (میلیون لیره استرلینگ)
۱۸۷۵	حدود یک	۱/۷
۱۸۹۵	۳/۴-۳/۵	۳
۱۹۰۴	۳/۷۵-۵/۵	۲/۵-۳
۱۹۱۴	۱۲	۴/۵

(نگاه کنید به: John Foran, op, cit, p: 14); همچنین برای مقایسه آمارهای تجاری ایران با دو کشور روسیه و انگلستان و افزایش شگفت آور تجارت ایران و روسیه و کاهش تدریجی معاملات تجاری با انگلستان نگاه کنید به:

JADOT LOUIS, "La Russie, L'Anglote et la Perse", De l'Asie Francaise, (Juin 1903), No: 7, pp 251-258.

۲۱. عیسوی، تاریخ اقتصادی، ص ۲۱۷.

۲۲. همان جا، ص ۲۱۷.

۲۳. همان جا، ص ۲۰۸.

24. John Foran, op. cit, p: 16.

25. Abbas Amanat (ed), Cities & Trade: Consul Abbott on the Economy and Society of Iran 1847-1866, (Oxford University, 1983), p: 102.

یادداشت‌های فصل اول ۳۹

۲۶. برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به: اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، به کوشش ایرج افشار، (تهران، ۱۳۶۳ خورشیدی). ج ۱، ص ۱۱۸؛ سیروس شفق، جغرافیای اصفهان، (اصفهان، ۱۳۵۳ خورشیدی)، ص ۱۵.
۲۷. برای آگاهی‌های بیشتر در خصوص کمبودهای ساختمانی نگاه کنید به: اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار، (تهران، ۱۳۵۰)، ص ۷۳۸.
۲۸. برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به: جمالزاده، گنج شایگان، ص ۱۷۵.
۲۹. دو نوع داوری بسیار متفاوت در مورد تحولات اقتصادی ایران بیان شده است. یک گروه افرادی همچون نوشیروانی، گلبر و نشاط که بر اساس پژوهش‌های خود در خصوص «تجاری شدن کشاورزی ایران»، «نوسازی نهادها»، «افزایش درآمد سرانه» و غیره بر پیشرفت اقتصاد ایران در قرن نوزدهم تأکید دارند و گروه دیگر همچون عیسوی، باریرونیکی کدی در مقایسه اقتصاد ایران با کشورهای مثل مصر و عثمانی بر رکود نسبی اقتصادی و توسعه بسیار کند اقتصاد ایران باور دارند.
- نگاه کنید به: (John foran, op, cit, p: 5)
۳۰. نگاه کنید به: Ibid, p: 6
۳۱. نگاه کنید به: اشرف، موانع تاریخی، ص ۷۳.
۳۲. نگاه کنید به: احسان طبری، فروپاشی نظام سستی و زایش سرمایه‌داری در ایران ([بی‌نا]، [بی‌تا]) ص ۹۲.
۳۳. از بین محققان ایرانی، احمد اشرف به رغم اینکه وضعیت ایران را به صورت کشوری نیمه مستعمره قلمداد کرده است ولی به تأثیرات مثبت حضور قدرت‌های خارجی نیز توجه داشته است. (نگاه کنید به: اشرف، موانع تاریخی، ص ۷۳).
۳۴. نگاه کنید به: احمد سیف، اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، (تهران، ۱۳۷۳)، صص ۲۱۵-۲۰۴؛ محمدعلی (همایون) کاتوزیان، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، (تهران، ۱۳۶۶)، چاپ دوم، ص ۹۳.
۳۵. سیف، اقتصاد ایران، ص ۲۰۵.
۳۶. نگاه کنید به:

Ervand Abrahamian, "Oriental Despotism: The Case of Qajar", International Journal of Middle East studies, - V(1974), pp: 3-31.

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل دوم
وضعیت اجتماعی تجار

تبرستان
www.tabarestan.info

برای بررسی این پژوهش ضروری می نمود تا واژه ها و مفاهیم به کار گرفته تعریف و مشخص گردد. بدین منظور طرح مفاهیم و معانی گوناگون واژه طبقه که هر یک از شخصیت ها و مکاتب گوناگون در علوم اجتماعی ارائه داده اند می بایست مورد توجه قرار گیرد. از آنجایی که در این خصوص اختلاف نظرهای بسیاری وجود دارد، حتی برخی معتقدند که در دوره های تاریخی در بعضی جوامع اصلاً طبقه اجتماعی وجود نداشته، بلکه حرفه های گوناگون بوده است. در مورد تاریخ ایران به جز گروه هایی که از دیدگاه مارکسیستی به تاریخ نگریسته اند دیگران یا به موضع واکنشی افتاده و به جای به کار بردن واژه طبقه از عباراتی چون گروه یا قشر اجتماعی استفاده کرده اند تا تمایز فهم خود را با دیدگاه های مارکسیستی آشکار سازند، چرا که به کار گرفتن این واژگان را مترادف با تفکر مارکسیستی از تاریخ می دانستند، گروهی نیز به دلیل تفاوت هایی که بین طبقات اجتماعی در ایران و غرب وجود داشت معتقد بودند که در ایران تباین و تمایز اساسی بین طبقات اجتماعی وجود ندارد، از این رو در ایران به کارگیری واژه طبقه برای گروه های اجتماعی نابجا است.

واژه طبقه اجتماعی یک اصطلاح جامعه شناسی است که تعریف های گوناگونی از آن مطرح شده است.^(۱) مفهوم طبقه در این پژوهش به معنی گروهی است متجانس، دارای شرایط اقتصادی و منافع مشترک و پایگاه و منزلت اجتماعی نسبتاً مشابه که آن ها را از قدرت معینی برخوردار می کند. هر طبقه اجتماعی از چندین لایه یا قشر تشکیل شده که بدیهی است در شرایط متفاوت اجتماعی تعارضات درون طبقاتی را به همراه دارد. هر طبقه

دارای سه مشخصه بارز است: آگاهی طبقاتی، همبستگی طبقاتی و ستیزه طبقاتی که در مواجهه با شرایط سیاسی-اجتماعی خاص به بروز تجانس طبقاتی می‌انجامد و در واقع به لحاظ روانی، نوعی همبستگی گروهی از خود بروز می‌دهد. جامعه‌شناسان در عملکرد طبقات اجتماعی دو واژه «طبقه در خود»^(۲) و «طبقه برای خود»^(۳) را به کار می‌برند. اصطلاح نخست بیان وجود عینی و واقعی طبقه اجتماعی است، یعنی افرادی که دارای شیوه زندگی و تولید و درآمد اقتصادی یکسان هستند، در این مرحله افراد یک طبقه به آگاهی و همبستگی طبقاتی دست نیافته‌اند. اصطلاح دوم یعنی «طبقه برای خود» دستیابی افراد یک طبقه به آگاهی و شناخت بر منافع مشترک خود و بوجود آمدن وابستگی‌های روانی است که منجر به هم پیوستن بیشتر افراد یک طبقه به یکدیگر می‌شود و آن‌ها را به اقدام‌های هماهنگ و همگون برای رسیدن به هدف‌های سیاسی و اقتصادی مشخص رهنمون می‌کند.

در نیمه دوم قرن نوزدهم حضور فعال تجار در وقایع سیاسی از جمله جنبش تنباکو و شکل‌های مشخص صنفی و گروهی، آنان را به صورت یک «طبقه برای خود» آشکار ساخت. در واقع عملکرد تجار در حوادث اواخر قرن نوزدهم، که در آینده به تشریح آن خواهیم پرداخت، این گروه را به عنوان نمادی از یک طبقه کامل آشکار می‌سازد. هر چند حضور تجار در عرصه زمینداری که از نیمه قرن نوزدهم آغاز می‌شود به بروز یک گروه جدید تجار-زمیندار^(۴) منجر شد و حوزه‌های زمینداری و تجارت را در هم آمیخت و علاوه بر حکام، شاهزادگان و سران ایالات که از طریق مصادرم، تیول و خرید، جزو ملاکان قرار می‌گرفتند، تجار نیز به دلیل شرایط اجتماعی و بحران‌های اقتصادی به سرمایه‌گذاری بر روی زمین گرایش یافتند. این امر با ویژگی‌های طبقه بورژوا در غرب تباین دارد، چرا که این طبقه مشخصاً در ستیزه طبقاتی خود رو در روی اشراف زمیندار قرار گرفتند، در حالی که در ایران تجار با زمینداران در هم آمیختند از آنجایی که این پژوهش دیدگاه تک خطی مارکسیست کلاسیک را ناتوان از تحلیل دقیق مسایل تاریخ ایران می‌داند، بر این باور است که جامعه ایران ویژگی‌های خاص خود را دارا می‌باشد. بنابر این بدیهی است که ویژگی‌های طبقات در ایران مشخصه‌های بومی و محلی خود را داشته باشد و البته مقایسه با اروپا این امکان را بوجود می‌آورد تا تشابه‌ها و تمایزهای آن بیشتر شناخته شود بدین ترتیب واژه طبقه به عنوان یک مفهوم جامعه‌شناسی با تعریفی که پیش از این در باره آن ذکر شد به کار گرفته می‌شود.

اصطلاح تاجر^(۵) که در این پژوهش مورد استفاده قرار می‌گیرد به کسانی اطلاق می‌شود که در پی کسب سود به معامله و خرید و فروش عمده کالا می‌پردازند. این گروه بر اساس میزان ثروت به سه دسته تقسیم می‌شوند: تجار بزرگ که به صادرات و واردات کالا با خارج از کشور و حوزه‌های گوناگون سرمایه‌گذاری می‌پرداختند؛ تجار متوسط و تجار کوچک که سرمایه‌های محدودتری داشته و به معاملات عمده در داخل کشور مشغول بودند و

بنکدارها^(۶) که رابط بین تجار و خرده‌فروشان بازار بودند و در رده پایین طبقه تاجر قرار می‌گرفتند. بدیهی است تجار بزرگ و متوسط در رأس سلسله مراتب اجتماعی بازار که ستون فقرات اقتصاد شهری محسوب می‌شد، قرار داشتند. صراف‌ها به دلیل فعالیت در حوزه‌های مالی و حوزه‌های بانکداری قدیم جزو تجار محسوب نمی‌شدند، اما این امکان که برخی از تجار در امور صراف‌ی وارد شده و در حوزه‌های مالی فعالیت کنند، وجود داشته است. جماعت‌های اصناف که در بازار فعالیت داشتند شامل استادان و ریش سفیدان اصناف، شاگردان و پادوهای آنان بودند. اصناف شامل گروه‌های صنعتگران و صاحبان حرفه، پیشه‌وران و کسبه معتبر، معمولی و جزء بودند و رده‌های پایین بازار شامل حملان، کرایه‌کش‌ها و طبق‌کش‌ها و اقشار حاشیه‌ای مانند لوطی‌ها، اهل طرب و گدایان تقسیم می‌شدند.^(۷) اصناف موظف به پرداخت مالیات صنفی بودند. آن‌ها دارای سازمان‌های خاص خود و در تقسیم‌بندی از تجار متمایز می‌شدند، ولی ارتباط تنگاتنگی با آنان داشتند. هر گروه تجار در کاروانسرا، تیمچه یا خان مخصوص خود می‌زیستند. حوزه‌های ارتباطات اجتماعی تجار بزرگ با تجار متوسط و تجار کوچک متفاوت بود، هر چند در مواردی نیز در کنار یکدیگر قرار گرفته و در مسایل اجتماعی، سیاسی و اقتصادی موضعی یکسان اتخاذ می‌کردند. اما تعداد تجار بزرگ با سرمایه‌های کلان که رهبری بسیاری از جریان‌های سیاسی - اجتماعی را به عهده گرفتند اندک بود و به دلیل حساسیت‌های اجتماعی و سیاسی این گروه و میزان ارتباط آن‌ها با دولت و طبقات مسلط، منابع و آگاهی‌های بیشتری از این گروه در دست است، با این همه در برخورد با برخی حوادث، تعارضات درونی طبقه تجار ایجاب می‌کرد که تجار متوسط یا کوچک موضعی متفاوت از تجار بزرگ اتخاذ کنند، همچنین تجار مرکز کشور نسبت به تجار مناطق مرزی و تجار شمال کشور نسبت به تجار جنوب کشور از مواضعی متفاوت برخوردار باشند. اما به دلیل فقدان منابع و از بین رفتن یا غیر متمرکز بودن اسناد این خاندان‌ها که گاه همراه با مخروبه‌های ساختمان‌های سنتی متعلق به این خانواده‌ها مدفون شده‌اند، امکان تفکیک و بررسی موشکافانه‌تر وقایع مقدور نیست و هر جا که به طور مشخص رده‌بندی تجار ذکر نگردد با عنوان کلی تجار از آن‌ها نام برده می‌شود.

برای شناسایی تجار علاوه بر آگاهی از ساخت درونی این طبقه ضروری است به روابط آن‌ها با دیگر گروه‌های اجتماعی از جمله دولت، حکام، علما، مردم، روشنفکران، اصناف و صراف‌ها نیز توجه شود. از لحاظ تعداد این گروه در دوران قاجار دو نظر متفاوت مطرح گردیده است. عبدالله‌یف، تجار و بازرگانان را «بخش معتناهی از شهروندان» می‌داند که نقش بسیار مهمی در جامعه ایفا می‌کردند،^(۸) در حالیکه فلور معتقد است آنان حتی در مراکز مهم تجارتمی، گروه بسیار کوچکی را تشکیل می‌دادند و برای این مدعا آمارهایی نیز از شهرهای مختلف مطرح می‌سازد.^(۹) با توجه به محدودیت سرمایه و میزان جمعیت شهری، نظر فلور صحیح‌تر به نظر می‌رسد. تجار بزرگ، گروه بسیار اندکی را تشکیل می‌داده و به همین دلیل

در هر شهر تعداد آن‌ها گاه از چند تن تجاوز نمی‌کرد، ولی تا اواخر قرن نوزدهم هم میزان سرمایه و هم تعداد و نفوذ اجتماعی آن‌ها افزایش یافت.

در مورد طبقه تاجر، نخستین پرسشی که به ذهن می‌رسد این است که آیا آن‌ها اصلاح‌طلب و تحول‌گرا بودند یا حافظ وضع موجود و سنت‌گرا آیا دارای افکار جدید بوده یا به آداب و سنن پیشین پای‌بندی داشتند. در خصوص مفاهیمی چون مشروطیت، سکولاریسم و ناسیونالیسم و ایجاد دولت مدرن چگونه می‌اندیشیده‌اند؛ آیا می‌توان آن‌ها را در ردیف روشنفکران سکولار طبقه‌بندی کرد؟ البته این پژوهش در جهت پاسخگویی به این پرسش‌ها نیز پیش خواهد رفت، اما در حدی که در این بخش بتوان به آن پرداخت، می‌توان گفت که تجار بزرگ به دلیل مسافرت‌ها و ارتباط‌های گسترده‌تر با جهان خارج تحت تأثیر اوضاع کشورهای دیگر قرار گرفته و عقب‌ماندگی‌های جامعه خود را بیشتر احساس می‌کردند. آنان نقش مهمی در ترویج عقاید جدید و اصلاح‌طلبانه داشتند از جمله در زمینه پیشنهاد تنظیف شهرها،^(۱۰) انجام امور خیریه، اطعام مساکین،^(۱۱) تأسیس مدارس جدید^(۱۲) و تلاش برای بالا بردن فرهنگ عمومی، پرداخت هزینه برخی از مدارس و کمک به دولت که بدیهی است همین کمک‌ها موجب نفوذ و اقتدار تجار در امور شده و در مقابل پاسخ‌هایی را از دولت می‌طلبید.^(۱۳) تجار برای پیشرفت علوم و معارف جدید در انجمن معارف^(۱۴) حضور فعالانه‌ای داشتند، معمولاً بیش از پنجاه و حتی نود درصد آن‌ها به دلیل ضرورت شغلی دارای سواد خواندن و نوشتن بودند.^(۱۵) سطح بالاتر تعلیم و تربیت و حوزه‌های وسیع ارتباطی آن‌ها موجب باز بودن و انعطاف‌پذیری دیدگاه اجتماعی آن‌ها می‌شد. از دیگر فعالیت‌های فرهنگی آنان کمک به انتشار برخی روزنامه‌ها بود از جمله روزنامه مظفری بوشهر،^(۱۶) صوراسرافیل^(۱۷) و نیز روزنامه‌های چهره‌نما، ثریا و پرورش که در مصر منتشر می‌شد و از روزنامه‌های طرفدار اصلاحات بود. حتی روزنامه ثریا را می‌توان به گونه‌ای ارگان تجار عصر مظفری به حساب آورد. این روزنامه‌ها طی مقالات متعدد به لزوم توسعه اقتصادی و تجاری کشور و اهمیت توجه به تجارت، به مقایسه وضعیت ایران و اروپا می‌پرداختند.^(۱۸)

به رغم آنکه بیشتر منابع مشارکت تجار در امور معارف و رشد فرهنگ جدید را تأیید می‌کنند ولی این امر به منزله مدرن‌اندیشیدن تجار نبود، چرا که تمام اموری که جنبه عرف عمومی داشت از سوی آنان رعایت می‌شد. از لحاظ گرایش به حفظ و تداوم سنت‌ها تجار را می‌توان افرادی محافظه‌کار نامید، زیرا با وجود حمایت از تأسیس مدارس، فرزندان خود را به مدارس عمومی نمی‌فرستادند که البته می‌توان آن را توجیه گرایش طبقاتی آن‌ها دانست. در مورد مدارس نسوان نیز تا زمانی که به لحاظ عرفی این مدارس متداول نشده بود و حمایت از آن‌ها نیاز به مبارزه با افکار عمومی داشت، نمی‌توان تجار را از زمره هواداران جدی مدارس نسوان قلمداد کرد و بدیهی است تا آن زمان نیز تمایلی به فرستادن دختران

خود به مدارس دخترانه نداشتند. در باب استفاده از کالاهای جدید که در بین اقشار سطح بالای جامعه قاجاری متداول می‌شد، مثل استفاده از اتومبیل یا تلفن یا لوازم خانگی همچون مبل یا صندلی، هر یک از تجار سعی می‌کرد در خرید آن از دیگری پیشی گیرد، چرا که این امر بر اعتبار آنان نزد عامه می‌افزود. به طور کلی می‌توان گفت که آنان بیشتر به انجام اموری تمایل داشتند که می‌توانست در انظار عمومی برایشان کسب اعتبار و آبرو نماید. آنان را نمی‌توان گروهی دست و دل‌باز دانست. در زندگی خصوصی بیشتر راه امساک در پیش می‌گرفتند و شاید به همین دلیل است که به رغم توانایی‌های مالی به طور معمول از همسران متعدد بر خوردار نبودند.^(۱۹)

ازدواج، در خانواده تجار با گروه‌های هم‌شان از طبقه خود یا از بین خانواده علمای هم‌ردیف صورت می‌گرفت و این نوع وصلت جبهه متحدی در مقابل باج‌خواهی حکام ایجاد می‌کرد. چگونگی مراسم ازدواج، جهیزیه، مهریه و دیگر رسوم ازدواج متناسب با فرهنگ سنتی متداول انجام می‌شد، ولی در بین تجار با تفکر صرف کاسب‌کارانه حسابداری‌های لازم همراه بود. از این رو وصلت‌ها عمدتاً در خانواده‌هایی هم‌شان انجام عمدتاً می‌گرفت و صرفاً به عنوان یک معامله نگریسته می‌شد.^(۲۰)

ایجاد اعتبار و اطمینان در بین مردم از مهمترین ویژگی‌های روحی تجار محسوب می‌شد. برای این کار رفتن به سفر حج، حضور فعال در مراسم مذهبی، عزاداری ایام محرم، تعزیه، تلاوت قرآن و انجام امور عام‌المنفعه، تعمیر و احداث مسجد، پل، کاروانسرا و بهبود راه‌ها از امور مورد توجه تجار بود که نه تنها موجب کسب اعتبار آنان می‌شد که در زمینه فعالیت‌های تجاری نیز اهمیت داشت. به دلیل نامناسب بودن راه‌ها گاه در ایالات مجاور یکدیگر قطعی بوجود می‌آمد و امکان انتقال مال‌التجاره نبود.^(۲۱) تجار برای بهبود راه‌ها مبالغی به صورت کمک می‌پرداختند ولی اگر «تحمیلات» بیش از حد اعمال می‌شد موجب شکایت آن‌ها می‌شد. به طور مثال حاج حسین‌خان تاجر مازندرانی از «تحمیلات اضافی» که به وی برای راه‌سازی در مازندران شده شکایت می‌کند.^(۲۲) در هر حال فعالیت بازرگانان بیشتر در زمینه‌هایی بود که امکان گسترش و بهبود تجارت و حمل و نقل را در جاده‌ها برای کاروان‌های تجاری فراهم سازد و مشارکت در امور خیریه و ساختن مسجد^(۲۳) هم بازتابی از جنبه اعتقاد مذهبی آن‌ها و هم عاملی در کسب شهرت و اعتبار عمومی برای آنان بود. تجار در جامعه قاجاری از معتمدین و محترمین جامعه محسوب می‌شدند و به طور معمول در خاندان آن‌ها شغل تجارت موروثی بود و از پدر به پسر منتقل می‌شد که به دلیل عدم تحرک اجتماعی و ازدواج‌های درون گروهی خاندان‌های تاجر و تاجرزاده بوجود می‌آمد.^(۲۴) البته این وضعیت جنبه قطعی و حتمی نداشت و کسانی بوده‌اند که بر اساس استعدادهای ذاتی خود به تجارت پرداخته و بسیار موفق شده‌اند.^(۲۵)

انجام امور تجاری، شیوه معاملات و نحوه عملیات تجاری بر اساس رواج نقدینگی در

بازار نبود، بلکه بیشتر جنبه اعتباری داشت. تجار در حجره‌ها و کاروانسراهای خود به تجارت داخلی و خارجی می‌پرداختند. از نیمه دوم قرن نوزدهم به تدریج به دلیل گسترش حجم مبادلات تجاری میزان به کارگیری سرمایه بیشتر شد و تعداد تجار ثروتمند نیز افزایش یافت. بیشتر تجار ایرانی از شیوه اعتباری به صورت معاملات پایاپای و بدون پرداخت پول نقد استفاده می‌کردند. در مواردی نیز معاملات نقدی به صورت پرداخت حواله انجام می‌گرفت و معمولاً حواله‌ها در زمان‌های طولانی و به صورت مدت‌دار پرداخت می‌شد.^(۲۶) استفاده از برات، تکیه بر اصول اخلاقی^(۲۷) و قول در معامله خود از عواملی بود که می‌توانست داد و ستد بدون پول نقد را امکان‌پذیر سازد. چون خروج پول طلا موجب کمبود پول و قحطی در کشور شده بود، صدور سکه طلا ممنوع گردید و استفاده از حواله یا برات اهمیت یافت. از جمله مشکلاتی که سیستم حواله داشت، اتلاف وقت، نیاز به یک نماینده یا واسطه یا صراف در محل مورد نظر و دو طرفه بودن معامله بود. به این معنی که می‌بایست هر دو طرف در یک زمان نیاز به پول داشته باشند، در غیر این صورت یک طرف یا باید منتظر بماند یا تنزیل بدهد. گاه حواله‌های چند ماهه را در ازای پرداخت سود نزد صرافان نقد می‌کردند. بیشتر کار صرافان بزرگ خرید و فروش برات‌هایی بود که حواله مراکز تجاری خارجی همچون لندن، تفلیس و دیگر نقاط بود. گاه حواله‌ها امضاء می‌شد و مجدداً حواله می‌شد و یک تسلسل طولانی پیدا می‌کرد. برخی تجار و صرافان برات‌های دولتی را با قیمت نازلتر و در چندین قسط و در زمان‌های طولانی‌تر پرداخت می‌کردند.^(۲۸)

برخی از تجار در کشورهای مورد معامله دفاتر تجاری و نمایندگانی داشتند و امور داد و ستد خود را از طریق نمایندگان ساکن محل انجام می‌دادند که وظیفه پیدا کردن مشتری، انجام معامله و چگونگی پرداخت وجوه را به عهده داشتند. معاملات گاه از طریق تنظیم قول‌نامه انجام می‌شد که جزییات معامله در آن ذکر می‌شد. نمایندگی‌ها واسطه‌اجرا و نظارت درست بر معاملات بودند. در مواردی برخی از تجار ایرانی به عنوان واسطه محلی برای شرکت‌های خارجی استخدام می‌شدند و در معاملات کوچک یک درصد و در معاملات بزرگتر $\frac{1}{4}$ درصد به آن‌ها پرداخت می‌شد.^(۲۹) از جمله مشکلاتی که در امر تجارت رخ می‌داد، اعلام ورشکستگی تجار بود. تاجر ایرانی می‌توانست بدون احساس خطر خود را مفلس اعلام کند و در خانه یک مجتهد یا یکی از اماکن مقدسه بست بنشیند. این شیوه اعلام ورشکستگی نه تنها در معاملات داخلی، بازار را دچار آشفتگی می‌کرد، به تجار خارجی نیز ضررهایی وارد می‌ساخت.^(۳۰) با اینکه در سال ۱۲۶۲/۱۸۴۴ فرمانی توسط محمدشاه به منظور کاهش میزان بست‌نشینی صادر شد، و ملک‌التجاری^(۳۱) برای رسیدگی به امور تجاری و سر و سامان دادن به کارها تعیین شد،^(۳۲) با این حال این فرمان و امثال آن نتوانست امنیت مالی را در جامعه برقرار سازد، چرا که در طول سلطنت قاجار اموال هیچ ورشکسته‌ای بر اساس ضابطه مصادره نشد^(۳۳) و هر فرمانی چنان به راحتی نقض می‌شد که گویی فرمانی

صادر نشده است. اگر شخص قادر به پرداخت بدهی خود نبود به طور معمول به او فرصتی برای پرداخت بدهی هایش داده می‌شد، چرا که مصادره و توقیف اموال شخص در دید عموم چندان پسندیده نبود.

از گرایش‌های تجار در نیمه دوم قرن نوزدهم، تمایل آنان به خرید زمین و سرمایه‌گذاری در بخش زمینداری بود. از عواملی که تجار را به این سمت کشاند وام‌هایی بود که آنان در ازای گذاردن وثیقه به افراد می‌دادند که بیشتر بر اساس اعتماد صورت می‌گرفت. وام‌گیرندگان در مواردی زمین را به عنوان وثیقه به تجار واگذار می‌کردند.^(۳۴) که در صورت عدم پرداخت بدهی، زمین آنان در اختیار تجار قرار می‌گرفت. کالایی شدن زمین و تجاری شدن کشاورزی و محصولاتی از جمله تریاک و پنبه که در بازار مشتری بسیار داشت و به سرعت به پول نزدیک می‌شد، مورد توجه تجار قرار گرفت و از سوی تجار و صرافان پیش خرید می‌شد. این موارد بازتاب‌های نزدیک شدن تجار به بخش کشاورزی و زمینداری است و به وجود آمدن قشر تاجر-زمیندار یکی از مشخصه‌های بارز تجار در نیمه دوم قرن نوزدهم به حساب می‌آید. از عوامل رویکرد تجار به زمینداری می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:^(۳۵)

۱- افزایش حجم مبادلات تجاری و به وجود آمدن تجار ثروتمند دارای مازاد سرمایه و به کار گرفتن ثروت در بخش کشاورزی.

۲- فروش زمین‌های خالصه در عصر ناصری به دلیل نیاز دولت به پول و خرید املاک خالصه از سوی تجار و رشد مالکیت خصوصی بر زمین‌های کشاورزی.

۳- تجار با سرمایه‌گذاری در خرید زمین به اعتبار خود می‌افزودند و برخلاف تجار اروپایی که در کشاورزی و زمینداری سرمایه‌گذاری نکردند و حیطه خود را به طور کامل از زمینداران جدا کردند، تجار ایرانی برای اطمینان از حفظ سرمایه و سود حاصل از فروش محصولات کشاورزی چه در بعد اقتصادی و چه در زمینه اجتماعی رو در روی فرهنگ زمین‌داری قرار نگرفتند و با اتصال به زمینداری به گونه‌ای محافظه‌کارتر و متمایل به حفظ وضع موجود شدند. مگر مانند جنبش رژی که بحران هر دو بعد تجارت و کشاورزی را در بر می‌گرفت.

۴- امکان رقابت با شرکت‌های خارجی و بخش صنایع اروپایی برای تجار وجود نداشت.

۵- از آنجایی که بیشتر صادرات ایران را محصولات کشاورزی شامل می‌شد، افزایش حجم تجارت موجب فعال شدن تجار در بخش کشاورزی و به خصوص در زمینه محصولاتی بود که در بازارهای جهانی خریدار داشت و به سرعت به پول تبدیل می‌شد.

۶- در مواردی کشاورزان قادر به پرداخت وام‌های گرفته شده از تجار و صرافان نبودند و وثیقه‌های ملکی آن‌ها ضبط می‌شد و بدین ترتیب تجار بر زمین‌های کشاورزان ارزان قیمت در روستاهای متعددی دست می‌یافتند.

۷- بیشتر نقدینگی موجود در کشور در دست تجار بود.

از بزرگترین سرمایه‌داران این عصر حاج محمدحسن امین‌الضرب^(۳۶) بود که جزو ملاکین بزرگ نیز محسوب می‌شد. در سال‌های ۱۲۹۰-۱۲۸۸/۱۸۷۳-۱۸۷۱ که کمبود کلی نقدینگی در کشور وجود داشت تنها تجار بزرگ بودند که به پول دسترسی داشتند و امکان خرید زمین داشتند. حاج محمدحسن امین‌الضرب، روستایی بنام احمدآباد در دماوند نزدیک تهران خریداری کرد. گاه تجار از مشکلات مالی افراد برای تصاحب املاکشان استفاده می‌کردند. از جمله امین‌الضرب برای بدست آوردن سرای خواجه در یزد که متعلق به مرتضی قلی‌خان وکیل‌الملک فرماندار کرمان بود تلاش بسیار کرد و بعد از تصاحب آن زمین‌های اطراف آن را به کشاورزان یزدی اجاره داد. همچنین املاک روستای وکیل‌آباد کرمان، باغ نصیری یزد،^(۳۷) خرید املاکی در خمسه و چهار دانگ بندر جز که از ورثه سردار امجد خریداری کرد از نمونه اراضی وی بود.^(۳۸)

در بین مجموعه عظیم اسناد مربوط به خاندان اتحادیه^(۳۹) قبایله‌های متعددی در خصوص خرید و فروش یا اجاره املاک و مستغلات وجود داشت که به تدریج تا اواخر دوره قاجاریه بر حجم آنان افزوده می‌شد و حتی لحن نامه‌ها و القاب به کار رفته در آن‌ها مفصل‌تر، پرطمطراق‌تر و از نشانه‌های اشرافیت بیشتری برخوردار می‌گردید. به تدریج این خاندان که منشاء صرافانی داشتند به سمت تجارت و زمینداری سوق یافتند.^(۴۰) در بین این نامه‌ها مسایل متعددی مطرح می‌شود از جمله اجاره زمین، آب و قنات، گرفتن سهم مالکانه از زمین‌های زیر کشت، پیشنهاد خرید مزرعه به قیمت نازل در ازای بدهی افراد،^(۴۱) شرح ثبت املاک اتحادیه در نصرآباد، رضاآباد، ینگه امام^(۴۲) و گزارش مباشران اتحادیه از عملکرد زارعان و درگیری‌ها و اختلافات ملکی^(۴۳) با حکام محلی، سران نظامی، مدعیان خصوصی و حتی اهالی یا زارعان یک روستا که بر سهم مالکانه اعتراض داشتند. شکایت از عدم پرداخت اجاره بها از سوی مستاجران که در بین اسناد متأخرتر این مجموعه نیز وجود داشت.^(۴۴)

از تجار معروف دیگر که املاک بسیاری در ممسنی فارس داشت می‌توان به محمد معین‌التجار^(۴۵) اشاره کرد. وی دو دانگ از ناحیه ممسنی را از سیداسماعیل شبانکاره‌ای^(۴۶) خریداری کرد و پس از مرگ وی چهار دانگ دیگر را از همسر وی خرید. ولی «الوار ممسنی» حاضر به همکاری با مالک جدید نشدند و وی ناچار به دولت شکایت کرد. قشونی به سرکردگی حاجی‌خان ارمنی به همراه آقا جواد پسر حاج معین روانه ممسنی شد و هزینه اعزام این نیرو را شخص حاج معین پرداخت. جنگ‌های متعددی بین نیروهای دولتی که به کمک تاجر مشهور آمده بودند با خوانین محلی در گرفت و مدت‌های طولانی به طول انجامید و به رغم شکست نیروهای دولتی، حاج معین منطقه ممسنی را متعلق به خود می‌دانست. در زمان پهلوی اول این زمین‌ها خالصه اعلام شد و پس از مدتی دولت ۱/۵

دانگ آن را به خوانین و ۱/۵ دانگ آن را به دولت و سه دانگ آن را متعلق به بوشهری دانست و عاقبت دولت سهم خود را به خوانین فروخت و مردم منطقه نیز با پرداخت پول گزافی سهم حاج معین را از وی خریداری کردند.^(۴۷)

از تجار دیگری که دارای املاک بسیار بود می‌توان از حاج کاظم ملک‌التجار^(۴۸) نام برد. وی تاجر ثروتمندی بود که باغ‌ها و املاک بیشماری در دوران زندگیش فراهم آورد. رضا مهدوی^(۴۹) رئیس‌التجار، نیز دارای املاک و ثروت بسیار در شیروان، سبزوار، بجنورد، مشهد و قوچان بود. این سرمایه‌گذاری‌ها در زمینه مستغلات شهری نیز گسترش یافت و تاجر در خرید خانه، دکان، حمام، باغ و انواع دیگر اماکن شهری نیز فعال شدند.^(۵۰)

تجار به القاب و عناوین خاصی ملقب می‌شدند. از جمله امین‌التجار، معین‌التجار، ناظم‌التجار، معتمد‌التجار و مؤتمن‌التجار. این القاب به مفهوم داشتن منصب یا مقام مشخص نبود بلکه بیشتر نوعی شأن و اعتبار اجتماعی ایجاد می‌کرد و در بیشتر موارد جنبه موروثی داشت. برخی از عناوین تجاری بیانگر مقام و موقعیت خاص تجاری بود. عنوان تاجرباشی به شخصی داده می‌شد که نقش نماینده تجاری یک دولت خارجی را به عهده داشت و بر امور تجارتی و مسایل تجار آن کشور نظارت می‌کرد. حاج‌رحیم اتحادیه عنوان تاجرباشی دولت ایتالیا را به دست آورد. سفارت ایتالیا وی را به عنوان «تاجر باشی‌گری تجازت و تجار ایتالیا»^(۵۱) در تهران تعیین نمود و دولت ایران هم این مقام را تصدیق نمود و ابراز شد که این امر به توسعه و ترقی تجارتی بین تجارتخانه‌های ایتالیا و ایران خواهد انجامید. منصب و لقب ملک‌التجاری در پیش از دوره قاجار نیز متداول بود. در این دوران ریاست تجار در هر شهر را شخصی به نام ملک‌التجار به عهده داشت. این عنوان از سوی دولت اعطا می‌شد ولی ملک‌التجار باید مورد پذیرش و اعتماد هم‌صنفان خود قرار می‌گرفت و وی رابط دولت و تاجر و نماینده صنف خود در جلسه‌ها و مشاوره‌های دولتی بود. از آنجایی که این منصب با ایجاد ارتباط با شاه و دربار به دست می‌آمد عامل گرفتن امتیازاتی از دولت نیز می‌شد. ملک‌التجار یکی از اعضای فعال مجلس تجارت بود که نهادهای دولتی و بیشتر جنبه مشورتی داشت. علاوه بر اینکه امکان نزدیکی و بند و بست ملک‌التجار با دولت وجود داشت، وی موظف بود خیراست‌ها و شکایات تجار را نیز به گوش دولت برساند. امور ما بین تجار، بدهی‌های پرداخت نشده، بررسی صحت اعلان ورشکستگی‌ها و اعلام ضمانت‌ها از جمله کارهای ملک‌التجار بود.^(۵۲)

الف) تجار و حاکمیت سیاسی

برای بررسی طبقه تاجر علاوه بر بررسی ساختار درونی طبقه به روابط بیرونی آن با اقشار دیگر اجتماعی نیز باید پرداخت. تجار بزرگ غالباً با اعضای قدرتمند حکومت همکاری داشتند زیرا هر کسی که در ایران خواستار موفقیت بود به اجبار می‌باید به دنبال

رابطه با چنان افرادی باشد. در واقع حکومت و رابطه دوستی با حکام ایلات می توانست فضای امن و مناسب تجارت را به طور نسبی فراهم کند، کما اینکه عدم این ارتباط می توانست برعکس زیان های جبران ناپذیر مصادره اموال و ضبط املاک و غارت کالاها را به دنبال داشته باشد. گاه ایلات به دلایل مختلف دست به عصیان زده و به غارت اموال بازرگانان می پرداختند.^(۵۳) در این موارد حسن ارتباط تجار و حکام می توانست به یاریشان آید. همانند اعزام نیروی نظامی دولت به ممسنی برای یاری محمد معین التجار بوشهری در سرکوب خوانین معترض و جنگ ها و درگیری های فراوان و طولانی با آنها بر سر زمین های مورد ادعا، یکی از موارد همکاری دولت با تجاربزرگ بود.^(۵۴) علاوه بر این نزدیکی تجار با سران دولت امکان گرفتن امتیاز یا پست های دولتی یا گرفتن تیول و بهره برداری از امکانات تجاری و اقتصادی در مناطق مختلف کشور را برای تجار فراهم می ساخت. به طور مثال واگذاری ریاست ضرابخانه^(۵۵) به محمدحسن امین الضرب، امتیاز کمپانی ناصری و واگذاری زمین، ساختن راه شوسه، کشیدن خط آهن و امتیاز معدن زغال سنگ و خاک سرخ هرمز به معین التجار داده شد.^(۵۶)

از سوی دیگر دارا بودن بیشترین نقدینگی موجود در دست تجاربزرگ، حکومت را به آنان محتاج می کرد. برای نمونه می توان از قرض عباس میرزا پس از شکست از روس ها و از قرض ناصرالدین شاه و مظفرالدین شاه هنگام حرکت به تهران برای احراز مقام سلطنت نام برد که از تجار مراغه گرفته شد. از آنجا که حکومت شهرها در ازای وجه مشخصی فروخته می شد، حکام پیش از احراز مقام های دیوانی، نقدینه لازم برای خرید آن را از تجار می گرفتند. در مواردی برای پرداخت مالیات های حکومت مرکزی یا دیون معوقه از تجار کمک گرفته می شد.^(۵۷)

به هر صورت ارتباط قدرت مالی و سیاسی رابطه ای متقابل و دو سویه بوده است. فلور معتقد است بر خلاف نظریه عام و پذیرفته شده، نزدیکی تجار و حکومت تنها در موارد لازم صورت می گرفت.^(۵۸) در تحلیل این نظر باید گفت که نیاز تجاربزرگ به حمایت از جانب قدرت سیاسی و نظامی موجود جامعه، با توجه به عدم نظم و قانون همگانی اجتناب ناپذیر بوده است. اما فاصله گرفتن از اهل دیوان می توانست طمع آنان در اموال تجار را برانگیزد. کما اینکه حفظ این ارتباط می توانست امنیتی نسبی ایجاد کند. هر چند در مواردی که قصد سلطه یا استفاده مالی وجود داشت در دو جبهه مخالف قرار می گرفتند که نمونه هایی از آن در آینده بحث خواهد شد. تجار که طی سال ها به حکومت باج می دادند در این سال ها در پی قدرت گیری و مقابله برآمدند.

ب - تجار و روحانیان

در زمینه ارتباط تجار و روحانیان باید گفت که پیوند این دو گروه سوابق طولانی دارد و

علت آن نیاز متقابل آن‌ها به یکدیگر است. نیاز مالی و اقتصادی علما توسط بازاریان تأمین می‌شد و در موارد لزوم روحانیت، تجار را در برابر مظالم و تعدیات دیوانیان حمایت می‌کرد. روحانیان در حل و فصل امور مالی و دعاوی تجار نقش عمده‌ای داشتند. منزل روحانیان بزرگ محل تظلم‌خواهی و بست‌نشینی تجار ورشکسته‌ای بود که در پناه آن می‌توانستند از شر طلبکاران مصون بمانند. وجود مسجد جامع در بازار و فرهنگ مذهبی و سنتی تجار که نماد آن را می‌توان در موارد ذیل جستجو کرد؛ شرکت در نماز جماعت، تلاوت قرآن، حضور فعال در مراسم عزاداری ایام محرم، به راه انداختن دسته‌های عزاداری، روضه‌خوانی، تعزیه، کمک به ساختن مساجد، تعداد زیاد موقوفه‌های بازار که شامل دکان، زمین، حمام و کاروانسرا بود.

از دیگر فعالیت‌های تجار می‌توان از حمایت مالی در امور خیریه، پرداخت خمس و زکات، سهم امام و نذورات دیگر نام برد که در امور مدارس دینی و تحریقه به کار گرفته می‌شد^(۵۹) و موجب نزدیکی هر چه بیشتر تجار و علما به یکدیگر می‌گردید. بدیهی است تجار دارای فرهنگی مذهبی بودند^(۶۰) که بخشی جنبه تربیتی داشت و بخشی دیگر آن‌ها را به بدنه جامعه نزدیکتر می‌کرد و بر اعتماد و اعتبار آن‌ها نزد مردم می‌افزود. نفوذ و اقتدار معنوی روحانیت در بین مردم و رفتار محتاطانه حکومت با علما عامل دیگر نزدیکی تجار به آنان بود که بیش از نزدیکی به حکومت عامل منفعت آنان محسوب می‌شد. از اینرو در حوادث عینی تاریخی، به ندرت تجار را مقابل و در جبهه مخالف روحانیان می‌بینیم. البته این نکته را نیز باید متذکر شد که برخی از روحانیان، خود از زمینداران بزرگ و ملاکین بودند که هم اقتدار اجتماعی داشتند و هم قدرت سیاسی و هم نیروی نظامی تحت فرمان؛^(۶۱) که در این صورت خود به خود در صف متحد با تجار که آنان نیز در این دوران در خرید املاک و مستغلات وارد شده بودند در مقابل حاکمیت سیاسی قرار می‌گرفتند.

ج - تجار و روشنفکران

تجار بزرگ به دلیل مسافرت‌های خارج از کشور، آشنایی با دستاوردهای تمدن غرب، رشد علم و تکنولوژی، گسترش تجارت، حمل و نقل و حوزه‌های ارتباطی و به طور کلی توسعه اقتصادی و سیاسی غرب از درک عمیق‌تر و روشنگرانه‌تری نسبت به دیگر اقشار اجتماعی کشور برخوردار بودند. تجار و روشنفکران به دلیل همخوانی افق‌های فکری‌شان در ایجاد اصلاحات و درک رابطه تنگاتنگ توسعه اقتصادی و سیاسی به یکدیگر نزدیک شدند. روشنفکران ضرورت ایجاد تحول سیاسی را برای تغییرات فرهنگی و اقتصادی دریافته بودند و در پی روشنگری و اصلاحات سیاسی برآمدند. آنان مقایسه ساختاری جامعه ایران و اروپا و علل واماندگی جامعه خود را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دادند. این روشنگری‌ها در بعد ضرورت تحولات اقتصادی و پیوند آن با مسایل اجتماعی و سیاسی،

روشنفکران را به تجار بزرگ نزدیک می‌ساخت. روشنفکران از طریق آگاهی‌های فنی و تخصصی خویش از تکنولوژی غرب می‌توانستند راه کارهای مناسب به کارگیری سرمایه را به تجار نشان دهند به طوری که سمت و سوی سرمایه‌گذاری‌ها موجب توسعه کشور و «تأسیس مدنیت و صنعت و علم و حکمت»^(۶۲) شود. بدون تردید آشنایی تجار با افکار ترقی‌خواهانه روشنفکران در فعالیت‌ها و سرمایه‌گذاری‌های تجار مؤثر بوده است و حتی همکاری آنان با یکدیگر را می‌طلبید. به عنوان نمونه یکی از تحصیلکرده‌های ایرانی برای تقاضای استخدام در کارخانه محمد معین‌التجار در نامه‌ای علاوه بر اینکه آگاهی و تخصص خود در امور نساجی و ماشین‌آلات را بیان می‌کند، ابراز امیدواری می‌کند که بتواند با او همکاری کند و انگیزه خود را تلاش در «ترقی و سعادت وطن» می‌داند. وی در پایان نامه خود ضرورت همکاری یک تحصیلکرده ایرانی برای راهنمایی در امور کارخانه و محافظت از «افتادن در تله خارجی‌ها» را تأکید می‌کند.^(۶۳) تجار نیز به امید یافتن راه‌های مناسب جدید برای افزایش سرمایه خود از روشنفکران بهره می‌گرفتند.

تجار به دلیل دارا بودن فرهنگ سنتی و روحیه ماهیتاً محافظه‌کارانه به روشنفکران اصلاح‌گرای مذهبی نزدیکتر بودند. رابطه دوستانه و بسیار نزدیک سیدجمال‌الدین اسدآبادی و محمدحسن امین‌الضرب بیانگر این مدعا است. سیدجمال در سفر دوم خود به ایران در حدود هفت ماه در خانه امین‌الضرب سکونت داشت. هنگام تبعید و اخراج وی از کشور کلیه هزینه‌های وی توسط امین‌الضرب تأمین شد و حتی در زمانی که هواداران سیدجمال مورد خشم حکومت قرار گرفتند و بسیاری، از جمله حاج سیاح دستگیر شدند، امین‌الضرب همچنان به حمایت از سیدجمال ادامه داد و به طور مداوم با وی مکاتبه داشت. حتی در جمادی‌الثانی ۱۳۰۹/ دسامبر ۱۸۹۱ که امین‌الضرب به جرم ترغیب و تحریک مردم در جنبش تنباکو دستگیر و به قزوین تبعید می‌شود، همچنان ارتباط و دوستی خود را با سید جمال‌الدین حفظ می‌کند و سعی می‌کند از وضعیت وی در لندن آگاهی یابد.^(۶۴) نکته قابل توجه در این است که این دوستی و همکاری و ارادت نسبت به سیدجمال در مرحله نخست فعالیت‌های اوست که سید برای پیشبرد اهداف خود دست به دامان دولت‌ها می‌شد و طی ملاقات‌هایی با ناصرالدین‌شاه و دولتمردان ایرانی در پی ایجاد اصلاحات و مبارزه با هجوم اروپائیان به کشورهای اسلامی از طریق نظریه اتحاد اسلام بود. اما پس از چندی سیدجمال به نادرست بودن شیوه خود پی برده و به جای تکیه بر دولت‌ها به ملت‌ها پناه برد و درصدد آگاهی بخشیدن به توده‌ها برآمد. در این مرحله سیدجمال با همکاری ملک‌خان در لندن دست به فعالیت‌هایی بر ضد امتیاز رژی، شاه و امین‌السلطان زد و اخبار این فعالیت‌ها از طریق روزنامه به ایران رسید. روزنامه‌های قانون در لندن و اختر در استانبول اخبار این مخالفت‌ها را منتشر کردند. ناهمگونی و عدم همراهی امین‌الضرب با حرکت‌های تندروانه جدید سیدجمال‌الدین از نامه‌ای روشن می‌گردد که در ذیحجه ۱۳۰۹/ جولای ۱۸۹۲ از

طریق واسطه‌ای در مسکو برای وی فرستاد. در این نامه امین‌الضرب خط‌مشی جدید سیدجمال‌الدین را مورد انتقاد قرار می‌دهد و ناباورانه سعی می‌کند تردید خود را در مورد آنچه خوانده و شنیده است، ابراز کند. امین‌الضرب سعی می‌کند سمت و سو سیدجمال را از مبارزه و انتقاد از شاه بازگرداند و در توجیه نظریه‌اش چنین می‌نویسد: «خارجی‌ها بسیار قدرتمند و مشکل‌آفرین هستند و دولت به خاطر یکسری ملاحظات سیاسی مجبور به همکاری با آن‌ها است. چون راه دیگری ندارد.»^(۶۵) وی به سیدجمال توصیه می‌کند که بهتر است به شاه کمک کند تا اینکه بر ضد او فعالیت نماید. در هر حال این نامه که آخرین سند موجود ارتباط امین‌الضرب و سیدجمال بوده است، نکاتی را روشن می‌نماید. هر یک از اهداف سیدجمال از جمله هجوم و نفوذ بیگانگان در کشورهای مسلمان، اتحاد اسلام و حکومت مشروطیت یک گروه از اقشار جامعه را به خود جلب می‌نمود. طرح مبارزه با هجوم بیگانگان می‌توانست مورد توجه تجار باشد که رقیب سرمایه‌گذاران خارجی محسوب می‌شدند. «اتحاد اسلام» موضوع مورد توجه روحانیون و استقرار حکومت مشروطه برای روشنفکرانی جذاب بود که خواهان تغییر و تحول اصولی و اساسی در کشور بودند. امین‌الضرب به دلیل روابط دوستانه‌ای که با شاه و صدراعظم داشت به عنوان فردی از دورن حاکمیت سخن می‌گوید و به محض آنکه فعالیت‌ها و نظریه‌های سیدجمال جنبه رادیکال می‌یابد، از آن فاصله می‌گیرد و اظهار امیدواری می‌کند که سیدجمال بتواند نظریه‌های خود را با اصلاح حاکمیت و با شیوه‌ای معتدل‌تر پیش ببرد. این استنباط که تجار بزرگ حتی در مسیر مشروطه‌خواهی نیز هیچگاه با جریان‌های تندرو و افراطی همسو نشدند، مشخص می‌کند که رگه‌های چنین گرایشی در عملکرد تجار در چند دهه قبل از مشروطیت نیز وجود داشته است. امین‌الضرب در این نامه استقرار قانون همچون کشورهای اروپایی را چیزی شبیه رویا می‌داند و وقوع چنین وضعیتی را غیرممکن تلقی می‌کند.

د - تجار و صراف‌ها

صرافی یکی از مشاغل مهم بازار بود و هر تاجری برای انجام معاملات خارجی خود به همکاری صراف‌ها نیاز داشت. صراف‌ها تا قبل از متداول شدن نظام بانکداری جدید بر کلیه نظام پولی کشور مسلط بودند. تجار و صراف‌ها در مقابله با ورود سرمایه‌های غربی و فعالیت بانک‌های اروپایی در کشور وجه مشترک داشتند. هر دوی آن‌ها اروپاییان را به عنوان رقبای سرسخت خود می‌دانستند و در مقابل آن‌ها موضع مشترک می‌گرفتند. به لحاظ مسایل داخلی، رکود اقتصادی، کمبود پول، ناامنی اجتماعی و سیاسی، موجب اغتشاش و بی‌ثباتی امور مالی و نوسان بازار و تغییر مظنه می‌شد که تجار و صراف‌ها از آن زیان می‌دیدند. تغییر مظنه، سرمایه صراف‌ها را به خطر می‌انداخت هر چند امکان تبدیل پول در مواقع بحرانی برای صراف‌ها بیش از تجار وجود داشت. با این حال تجار بیش از آن‌ها از

نوسان نرخ بهره آسیب می‌دیدند بنابراین بیشتر به تنزیل یا لااقل ثبات نرخ بهره علاقه داشتند.^(۶۶)

صراف‌ها به خرید و فروش و تبدیل مسکوکات می‌پرداختند تا از تغییر مظنه استفاده کنند و در اصطلاح خودشان «پنج شاهی نفع عایدشان»^(۶۷) شود. تجار این نوسان‌ها را که توأم با نفع و ضرر بود با تعبیر «قماربازی» عنوان می‌کردند. از دیگر کارهای صراف‌ها می‌توان به احتکار پول اشاره کرد، به امید آنکه پس از مدتی به قیمت بیشتری به فروش برسد. این امر موجب کاهش پول در گردش و افزایش نرخ بهره می‌شد که به سود صراف‌ها و زیان تجار بود. چون رابطه تجار و صراف‌ها به نوسان‌های پولی مرتبط بود هرگاه بهره پول افزایش می‌یافت رابطه تجار و صراف‌ها رو به تیرگی می‌گذارد. تجار از صراف‌ها وام اعتبار می‌گرفتند. افزایش بهره پول در این مورد نیز تأثیر داشت و به روابط آن‌ها آسیب وارد می‌ساخت. خرید و فروش بروات و صدور حواله از دیگر کارهای صراف‌ها بود. از آنجایی که پول نقد بسیار کم بود، نقل و انتقال آن به دلیل ناامنی، راهزنی و بدی راه‌ها غیر ممکن بود. در معاملات خارجی به ناچار پرداخت‌ها به صورت طلا انجام می‌گرفت. با ممنوعیت صدور طلا، تجار مجبور به تهیه پول خارجی شدند که تهیه مبلغ زیاد آن بسیار دشوار بود، به همین دلیل نقش حواله، برات و سایر اوراق تجاری اهمیت یافت و بر ضرورت ارتباط بیشتر صراف‌ها و تجار افزود. البته این نظام اعتباری مشکلات بسیاری داشت که برای طرف‌های معامله اجتناب‌ناپذیر بود.^(۶۸)

از مهمترین اقشاری که تجار با آنان در درون ساختار طبقاتی بازار روابط ویژه داشتند صراف‌ها بودند. برخی از نویسندگان از جمله فلور بعد از تقسیم‌بندی صراف‌ها به دوره گرد، رباخوار و صرافان واقعی، آنانی را که دارای حجره یا غرفه‌ای در بازار بودند به منزله تاجر قلمداد کرده‌اند.^(۶۹) صراف‌ها صرفاً به امور مالی می‌پرداختند و بانکداران نظام سستی محسوب می‌شدند و ماهیتاً جنس و عملکرد آنان با تجار متمایز بود، البته تجار بزرگی بودند که به امور صراف‌ی نیز می‌پرداختند. عده‌ای از صراف‌ها مانند حاج علی اکبر و لطفعلی صراف (اتحادیه) و پدرشان حاجی باقر و پدر بزرگشان حاجی لطف‌الله فقط به امور صراف‌ی می‌پرداختند و تجارت نمی‌کردند. نسل بعدی آن‌ها یعنی حاج رحیم اتحادیه فرزند لطفعلی به طور مشخص به امور تجاری می‌پرداخت. منافع تجاری که صراف‌ی نمی‌کردند، با صراف‌هایی که تجارت نمی‌کردند یکی نبود. صراف‌ها گاه در ازای وامی که می‌پرداختند جنس یا زمین را به عنوان وثیقه می‌پذیرفتند. هرگاه شخص قادر به بازپرداخت اصل و فرع پول نمی‌شد در ازای پول خود جنس یا زمین مورد نظر را تصاحب می‌کردند. صراف‌ها به تدریج به سمت تجارت یا زمینداری کشانده شدند و فعالیت‌های بانک‌شاهنشاهی این سمت و سورا تقویت کرد چون حوزه فعالیت‌های مالی صراف‌ها را محدود ساخته بود. اسناد آرشیو اتحادیه به طور مشخص صراف‌ها و تجار را متمایز می‌کند و حتی

صراف‌ها را بر اساس میزان ثروت به صراف‌های بزرگ و کوچک تقسیم می‌کند. در نامه‌هایی که حاج علی‌اکبر صراف تبریز به برادرش حاج لطفعلی صراف در تهران می‌نوشت و به طور مداوم از طریق چاپار ارسال می‌کرد در خصوص وضعیت بازار تبریز، «مظنه‌جات» و مبادلات پول، برات و بیجک گزارش می‌داد.^(۷۰) در این نامه‌ها به طور مشخص اصطلاح «صرافان بزرگ» به کار رفته است: «الان صرافان بزرگ قران را به صرف نمی‌گیرند... آدم جسارت نمی‌کند که لامحاله پنج منات اسکناس خریده به امید این که پنج شاهی نفعی کند.»^(۷۱) در جایی دیگر که آشفتگی و بحران مالی بازار تبریز را تشریح می‌کند، می‌نویسد: «پناه بر خدا، صرافان بزرگ به جهت دویست تومان معطل هستند از اطراف ابداً پول نمی‌آید.»^(۷۲) بر اساس این اسناد صراف‌ها را می‌توان به سه دسته صراف‌های بزرگ، کوچک و دوره گرد تقسیم کرد.

صراف‌ها در مواردی گرایش‌ها و منافع متمایزی نسبت به تجار داشتند. از آنجایی که مبادلات پولی و سودی که صراف‌ها از این مبادلات به دست می‌آوردند با تجاری که در هنگام مبادله کالا نیاز به حواله یا مبادله پول داشتند متفاوت بود اختلاف‌نظرهایی مابین این دو گروه به وجود می‌آمد. در یکی از نامه‌های مجموعه اتحادیه آمده است: «در خصوص صرف قران هر روز یک مجلس صراف‌ها می‌کنند گویا قرار گذاشته‌اند که به رئیس‌التجار بگویند. رئیس از تجاران هم جمع نموده التزام بگیرد.»^(۷۳) و در جایی دیگر می‌نویسد: «وضع بازار قبله گاهاً زیاد بی‌پول است و بی‌رونق است علاوه از این‌ها صراف و تاجر هر روز یک‌جا جمع می‌شوند گفتگو می‌کنند که بلکه «صرف قران» را بردارند. صرافان به جهت منفعت خودشان یک جور می‌خواهند قرار بگذارند تاجران منفعت خود را ملاحظه نموده جور دیگر می‌گویند.»^(۷۴) با آنکه همکاری نزدیک تجار و صراف‌ها یک ضرورت غیرقابل اجتناب بود ولی در مواردی نیز منافع آن‌ها با یکدیگر سازگاری نداشت. در نامه‌ای از حاج علی‌اکبر صراف آمده است تجار می‌خواستند «به خورد مجتهد بدهند که صرافان در میان بازار قماربازی می‌کنند.»^(۷۵) حتی داد و ستد صراف‌ها در میان بازار را عنوان «قمار تونسلوت»^(۷۶) داده بودند تا بدین ترتیب از طریق قدرت مذهبی خواست‌های خود را به آنان تحمیل کنند. با آنکه صراف‌ها در سال‌های پیش از مشروطیت دست به تشکیل‌های صنفی زدند و تصمیم‌های جمعی اتخاذ نمودند، اما دچار تعارض‌های درونی نیز بودند. صراف‌ها «دوباره قرار گذاشته‌اند و کاغذ مهر کرده‌اند که هیچ کس از بازار برات نگیرد... و حتی چند نفر کاغذ مهر نموده‌اند مگر این که حاج‌کاظم صراف مهر نکرده می‌گوید که من قرار گذاشتن نمی‌خواهم مظنه هر چه باشد از بازار می‌گیرم به مشتری می‌دهم کاغذ مهر نمی‌کنم.»^(۷۷) در مواقع بحرانی این تعارض‌ها گاه به درگیری و نزاع می‌انجامید. «بس که بی‌پولی است صرافان تماماً مثل این است که بی‌کار هستند... همه روزه در بازار به جهت پول نقد صرافان با همدیگر نزاع می‌کنند.»^(۷۸) به جز صراف‌ها که رابطه بسیار نزدیکی با تجار

داشتند، اقشار دیگر موجود در بازار رابطه نزدیک و مستقیم شغلی با تجار نداشتند. آنان بیشتر از طریق بنکدارها و واسطه‌ها به طور مستقیم خریدار و توزیع‌کننده کالاهایی بودند که تاجر وارد می‌کردند. در حرکت‌های اجتماعی و سیاسی خیل عظیم اصناف همواره در کنار و همراه تاجر قرار داشتند و همان‌طور که در سیر حوادث در فصل‌های آتی به آن خواهیم پرداخت، اصناف همواره در پشت سر تاجر و به دنبال تصمیم‌های آنان حرکت می‌کردند. به بیان دیگر تاجر با استفاده از توان مالی و اعتبار و قدرت اجتماعی خود از اصناف به عنوان انبوه توده‌های حمایتگر و نیروهای پشتیبانی در جهت اهداف و خواست‌های خود بهره می‌جستند. تاجر با واگذاری وام و کمک‌های مالی یا مشارکت در امور خیریه و کارهای عام‌المنفعه قدرت خود را در بین توده‌های مردم نیز اعمال می‌کردند. از آنجایی که نظام معاملات در این زمان بر اساس اعتبار و اعتماد استوار بود جلب اطمینان و اعتماد مردم از سوی تاجر یک ضرورت و نیاز غیرقابل انکار بود. بدیهی است تاجر با داشتن ثروت و مکنت و دارایی و سرمایه‌گذاری در بخش‌های گوناگون از جمله معادن، راه، کارخانه، زمین، مستغلات و خرید املاک زراعی و دارا بودن روستاهای متعدد برای افزودن بر ثروت و سرمایه خود مجبور به اعمال فشار و اجحاف بر اقشار تهیدست بودند که این امر در مواردی شکایات و اعتراض‌هایی را به دنبال داشت. از جمله شکایت مردم میناب از محمد معین‌التجار که از طریق آقا سید محمد پسر امام جمعه عنوان کردند.^(۷۹) در نامه‌ها و اسناد دیگر به نارضایتی کارگران از وضعیت حقوقی و رفاهی خود در معادن کک معین‌التجار اشاره شده.^(۸۰) همچنین در میناب که جزو تیول معین‌التجار بود مردم از سوءسلوک حکام و همدستی کارگزاران و مباشران در اجحاف بر مردم شکایت داشتند^(۸۱) و این شکایات نزد علما نیز عنوان می‌شد تا با وساطت آنان اوضاع بهبود یابد.

تبرستان
www.tabarestan.info

یاداشتهای فصل دوم

تبرستان
www.tabarestan.info

۱. برای آشنایی با نظریه طبقاتی مارکسیسم و روند تحولات این نظریه و دیدگاه‌های نئومارکسیست‌ها نگاه کنید به:
Goran Therborn, "The Rise of Social Scientific Marxism and The Problems of Class Analysis",
In S. N. Eisantadt and H. J Helle (ed), Micro Sociological, Theory, Vol 1, (London, 1989).

برای آشنایی با نظریه‌ها و تعابیر گوناگون طبقه اجتماعی از منابع ذیل استفاده شده است: هانری مندارس و ژرژ گوروچ، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، (تهران، ۱۳۵۶)؛ مجید مساواتی آذر، مبانی جامعه‌شناسی، (تهران، بی‌نا) منوچهر محسنی، جامعه‌شناسی عمومی، (تهران، ۱۳۶۲)؛ ملوین. ال. دفلور و دیگران، مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه خضر نجات، (شیراز، ۱۳۷۱)؛ ژرژ گوروچ، مطالعه در باره طبقات اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، (تهران، ۱۳۵۲)؛ موریس هالبواکس، طرح روانشناسی طبقات اجتماعی، ترجمه علی محمد کاردان، (تهران، چاپ چهارم، ۱۳۷۵)؛ جورج لوکاج، تاریخ و آگاهی طبقاتی، ترجمه محمد جعفر پوینده، (تهران، ۱۳۷۷).

Istvan Meszaros (ed), Aspects of History and Class Conciousness, (London 1973); Torcuato S. Di Tella, "Political Powers and Class Structure", In S.N. Eisenstadt and H.J. Helle (ed), Macro Sociological Theory, vol 1, (London, 1986).

2. Class - in - Itself

3. Class - for - Itself

برای آگاهی‌های بیشتر از این مفاهیم نگاه کنید به:

K. Marx, The Poverty of Philosophy, (Chicago, 1920), p: 188-189; quoted by: E. Abrahamian,

Iron Between Two Revolutions, (Princeton, 1983), p:33.

۴. برای آگاهی‌های بیشتر از این مفاهیم نگاه کنید به:

A. Ashraf and Ali Banuazizi, "Classes in the Qajar Period", Encyclopaedia Iranica, vol V, (California, 1992), p: 670.

۵. ویلم فلور اصطلاح تجار و بازرگانان را به دو مفهوم در نظر گرفته است. بازرگانان را به مفهوم کلی سوداگران به کار برده که شامل گروه عمده فروش و خرده‌فروش و هر نوع معامله‌گری می‌شود و اصطلاح تجار را فقط برای گروه عمده‌فروشان به کار برده است وی بنکداران و صرافان را نیز جزو گروه تجار می‌داند. (ویلیم فلور، جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، (تهران، ۱۳۵۶)، صص ۱۵۲ و ۲۰۵). اصطلاح تاجر هر چند واژه‌ای عربی و معادل فارسی آن بازرگان است؛ به دلیل استعمال آن در منابع قدیمی و به خاطر ملموس و متداول بودن آن در این پژوهش انتخاب شد. طبقه تاجر را جزو طبقات متوسط سستی نیز طبقه‌بندی کرده‌اند. این طبقات شامل تجار، اقشاری از علمای متوسط، مالکان کوچک، اعیان محلی و در لایه‌های پایین‌تر آن صنعتگران و مغازه‌داران عنوان شده‌اند. در اوایل دوران پهلوی در اثر تغییراتی که در ساختار اجتماعی به وجود آمد طبقات متوسط جدیدی ایجاد شد که پیوند خود با فرهنگ سستی را از دست داد و به طور فزاینده‌ای به غرب‌گرایش یافت و از فرهنگ بومی فاصله گرفت. رشد دیوان سالاری و افزایش تعداد تکنیسین‌ها، گسترش آموزش مدرن منجر به پیدایش متخصصان، کارمندان، پرسنل نظامی و روشنفکران شد که طبقات متوسط جدید را در برمی‌گرفتند و بنیان‌نوسازی دوره پهلوی را نهادند. برای آگاهی‌های بیشتر در خصوص طبقات متوسط سستی و جدید نگاه کنید به:

Goran Therborn, "The Rise of Social", op. cit., P: 146-147; Ashraf, "Classes in the Pahlavei Period", op. cit, p: 681-2.

۶. برخی از محققان، بنکدارها را جزو رده‌های بالای اصناف قرار داده‌اند. نگاه کنید به: احمد اشرف، «مراتب اجتماعی در دوران قاجاریه»، کتاب آگاه (تهران، ۱۳۶۰)، ص ۷۸.

7. Ashraf, "Classes in the Qajar", op.cit, p: 672.

۸. عیسوی، تاریخ اقتصادی ایران، ص ۶۲

۹. فلور، جستارها، ج ۲، صص ۱۵۶-۱۵۳؛ برای آگاهی بیشتر از تعداد تجار نسبت به جمعیت شهرنشین نگاه کنید به: اعتمادالسلطنه، مرآت البلدان، (تهران، ۱۲۹۴) ضمیمه ج ۲، ص ۳۲؛ همان‌جا، ضمیمه ج ۳، ص ۶.

۱۰. خاطرات فرید، (تهران، [بی‌تا]) ص ۱۲۱.

۱۱. همان‌جا، ص ۴۲۸.

۱۲. نامه ناظم‌التجار سمنانی به اداره معارف، ۲۹ صفر ۱۳۳۹، آموزش و پرورش (۱۵۸۳) ۱۷-۱۸-۱۰ آلبوم ۸۶ (م.ا.م).

۱۳. در خصوص کمک‌های تجار به تأسیس مدارس و در مقابل انتظارات آن‌ها از دولت نگاه کنید به: نامه تجار و اهالی آستارا به ریاست وزراء، ۵ بهمن ۱۳۰۵، آموزش و پرورش، ۳۳ (۸۵۱) ۵۱۰۰۸ (م.ا.م).

۱۴. «کتابچه نظامنامه انجمن»، دوم شعبان ۱۳۰۱، خزانه‌داری (۲۱-۲۲) ۷/۱۷۱ [۲۹۶] (م.ا.م)؛ همکاری محمدحسین کازرونی با انجمن معارف و همکاری با حکمران بوشهر جهت ترغیب مردم در استقبال از تأسیس مدرسه در بوشهر. (مدرسه سعادت مظفری بوشهر، آینده، ج ۱۲، صص ۸-۷۶۷).

۱۵. فلور، جستارها، ج ۲، صص ۱۵۳-۱۵۲.

۱۶. نامه روزنامه مظفری از بوشهر، ۲۹ صفر ۱۳۲۴، مجله آینده، ج ۱۹، ش ۹-۷ ص ۷۵۵.

۱۷. دو نوشته دیگر از دهخدا، همان جا، ج ۹، ص ۷۹۱.
۱۸. «نامه چهره‌نما از قاهره»، ۲۷ محرم ۱۳۲۴، آینده، ج ۱۹، ش ۷-۹، صص ۷۵۳-۷۵۲؛ ثریا، سال اول، ش ۶، ۴۷ و ۴۹ و ۵۱ و سال دوم، ش ۳، ۸، ۷، پروش، سال اول، ش ۱۳ و ۱۴ و ۱۵ و ۱۶؛ همچنین برای آگاهی از وضعیت روزنامه‌ها نگاه کنید به: محمدصدر هاشمی، تاریخ جراید و مجلات ایران، (اصفهان، ۱۳۶۴)، چاپ دوم، ج ۲، صص ۵۷-۶۴، ۱۵۱-۱۵۵.
۱۹. آگاهی‌های مربوط به زندگی خصوصی تجار در گفتگو با دکتر اصغر مهدوی و دکتر منصوره اتحادیه که از نوادگان خانواده‌های تجار بزرگ محسوب می‌شوند، بدست آمد.
۲۰. نگاه کنید به: «نامه حاج علی کبر صراف به حاج لطفعلی صراف»، ۲۴ رجب ۱۳۱۲، نمره ۲۶۴؛ «نامه حاج علی کبر صراف به حاج لطفعلی صراف»، ۱۵ شعبان ۱۳۱۲، نمره ۲۷۱، اسناد حاج لطفعلی صراف، (آر.ا.ت.).
۲۱. نامه حسین خان تاجر مازندرانی به وزارت داخله، [بی تا]، نمره ۱۷، (آر.ا.ت.) برای آگاهی از قحطی ارزاق، ممانعت‌های دولتی، مشکلات حمل ارزاق به ایالات مجاور نگاه کنید به: نامه به نواب والا معتمدالدوله، رمضان ۱۲۹۶، بیوتات، (۱-۲) [۳/۱۰۲۲/۲۹۵]، (م.ا.م.).
۲۲. نامه حاج حسین خان تاجر مازندرانی به وزارت داخله، [بی تا]، نمره ۱۷، (آر.ا.ت.).
۲۳. نگاه کنید به: میرزا حسن حسینی فسایی، فارسنامه ناصری، (تهران، ۱۳۱۳ قمری)، ج ۲، ص ۲۷.
۲۴. فارسنامه به سلسله تجار دهنده‌شنی و تجار نمازی اشاره دارد که به دلیل موروثی بودن، اصطلاح سلسله و سلک برای آن‌ها به کار می‌رود و در بیشتر شرکت‌های تجاری بعد از نام پدر کلمه اولاد یا پسران به دنبال آن به کار می‌رود. (نگاه کنید به: فسایی، فارسنامه، ج ۲، ص ۲۶، ۴۴، ۲۷؛ احمدعلی خان وزیری، جغرافیای کرمان، کوشش باستانی پاریزی، (تهران، ۱۳۴۶، ص ۶۷).
۲۵. ملک‌التجار سیرجان به خاندان تجار وابسته نبود بلکه شاطرزاده بود و با تلاش فردی به ثروت و اعتبار رسیده بود.
- نگاه کنید به: ادوارد براون، انقلاب ایران، ترجمه احمد پژوه، (تهران، ۱۳۳۹)، چاپ دوم، ص ۴۰۷.
۲۶. کنت دوگوبینو، سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، (تهران، ۱۳۶۷)، ص ۳۶۲.
۲۷. عیسوی، تاریخ اقتصادی، ص ۱۶۲.
۲۸. گوبینو، سه سال، ص ۳۳؛

A. Layard, Early Adventures in Persia, (London, 1894), p: 192.

۲۹. فلور، جستارها، ج ۲، ص ۱۶۶؛ گوبینو، سه سال، ص ۳۷.
۳۰. برای آگاهی‌های بیشتر در مورد ورشکستگی نگاه کنید به: فلور، جستارها، ج ۲، صص ۲۴۱-۲۲۵.
۳۱. در مورد ملک‌التجار در قسمت مربوط به القاب و مناصب تجار توضیح داده خواهد شد.
۳۲. فلور، جستارها، ج ۲، صص ۲۲۷-۲۲۸.
۳۳. زمانی که شخص بدهی‌هایش را نمی‌پردازد، طلبکار بر طبق شریعت حق دارد اموال آن شخص را بدون مداخله حکم قاضی به زور ضبط کند و آن را توسل علی‌الحق می‌گفتند و در ایران این عمل بسیار خود سرانه صورت می‌گرفت. (همان‌جا، ج ۲، ص ۲۳۲).
۳۴. گوبینو، سه سال، صص ۳۲-۳۳.
۳۵. در خصوص گرایش تجار به زمینداری نگاه کنید به:
- فسایی، فارسنامه، ج ۲، صص ۴۵ و ۲۶؛ احتشام‌السلطنه، خاطرات احتشام‌السلطنه، کوشش سیدمحمد مهدی موسوی، (تهران، ۱۳۶۷)، ص ۱۴۸؛ مسیح ذبیحی، استرآبادنامه، همکاری ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه (تهران، ۱۳۴۸)، ص ۳۱؛ آن لمبتون، مالک و زارع، ترجمه منوچهری امیری، (تهران، ۱۳۶۷)، صص ۲۸۸-۲۸۷.

۳۶. در مورد حاج محمدحسن امین‌الضرب نگاه کنید به: پیوست‌های بخش مقدماتی،

37. Mahdavi, Amin AL-Zarb, p: 152-155.

۳۸. ذبیحی، استرآبادنامه، ص ۳۱، احتشام‌السلطنه، خاطرات، ص ۱۴۸.

۳۹. در مورد حاج رحیم اتحادیه، نگاه کنید به پیوست‌های بخش مقدماتی،

۴۰. بر اساس اسناد و مدارک آرشیو اتحادیه فهرستی از املاک حاج رحیم اتحادیه تهیه شد که برای آگاهی از تنوع و گستردگی املاک نگاه کنید به: بخش ضمیمه،

۴۱. نامه علی اکبر صراف به حاج لطفعلی صراف، ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۱۶، غره ۱۰، (آ.ا.ت).

۴۲. مجموعه‌ای از اسناد و املاک حاج رحیم اتحادیه، ۲۷ جدی ۱۳۰۳؛ نامه‌های امجدالسلطان در خصوص املاک حاج رحیم اتحادیه در ینکه امام، ۲۵ مهر ۱۳۱۰، ۹ مهر ۱۳۱۰، ۲۲ مرداد ۱۳۱۰، (آ.ا.ت).

۴۳. در هنگام ثبت اسناد املاک بین حکام، مالکان و تجار بر سر اثبات مالکیت درگیری می‌شود. بین فرمانفرما و حاج رحیم اتحادیه در خصوص قنات پونک، قریه فرح‌زاد، اراضی جلالیه، قهره‌خانه و یونجه‌زان و قنات چاه کوچک و تل موات دره سبک طرح دعوی در محکمه عدلیه می‌شود. این دعوی طی سالیان متعادی تا اوایل دوران پهلوی پیگیری می‌شود و مجموعه نامه‌ها و اسناد آن در آرشیو اتحادیه موجود است. ورقه عرض حال به محکمه بدایت تهران، ۱۷ تیرماه ۱۳۰۸؛ ورقه عرض حال به محکمه عدلیه، ۴ ربیع‌الاول ۱۳۰۸؛ حکم دادگاه استیناف در خصوص دعای حاج رحیم اتحادیه و شاهزاده فرمانفرما، ۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۹، (آ.ا.ت)؛ همچنین نامه حاج رحیم اتحادیه به اداره ثبت در خصوص اختلاف مالکیت با حاج حسین آقا امین‌الضرب در خصوص خانه‌های معروف به خانه‌های ظهیرالدوله که حاج رحیم خریده و بعد از اعلان برای ثبت، امین‌الضرب اعتراض کرده و چهاردنگ آن را مدعی شده و دعوی نزد امام جمعه خوئی ارجاع شده و بعد از چند جلسه امین‌الضرب نه حضور یافته نه دعوای خود را تعقیب کرده و حاج رحیم تقاضای ثبت ادعای خود را نموده. (نامه حاج رحیم به اداره ثبت، ۸ رجب ۱۳۴۴، آ.ا.ت).

۴۴. نامه علی اکبر صراف به حاج لطفعلی صراف، ۴ جمادی‌الاول ۱۳۱۶، نمره ۱۲؛ گزارش مباشر اتحادیه از عملکرد زارعان، اول شهریور ۱۳۱۱؛ «سواد حکم استیناف شکایت حاج رحیم آقا اتحادیه از میرزا حسن خان مستوفی‌الممالک در خصوص ادعای ۴ دنگ قریه فرح‌زاد»، ۲۹ مرداد ۱۳۰۸، (آ.ا.ت)؛ «تلگراف از بوشهر به تهران در خصوص نپرداختن مالیات زمین‌های معین‌التجار»، ۱۴ فوریه ۱۹۰۶، ۱۱۵۶۴۲-ق (م.ا.ب).

۴۵. در مورد حاج محمد معین‌التجار نگاه کنید به: پیوست‌های بخش مقدماتی،

۴۶. سیداسماعیل شبانکاره‌ای شوهر خاله معین‌التجار بوشهری و از تجار مهم بوشهر بود. وی تعدادی کشتی اسلحه به صورت قاچاق وارد کرده بود. مظفرالدین‌شاه دستور توقیف آن‌ها و زندانی کردن وی را داد. اما چون همان شب شاه به دل‌درد شدیدی مبتلا و شایع شد که این بیماری نتیجه زندانی کردن سید است، شاه تصمیم گرفت سید اسماعیل شبانکاره‌ای را آزاد کند و نه تنها کشتی‌هایش را آزاد کرد که فرمان بخشش ناحیه ممسنی را به وی داد. (سهیلا شهنشاهی، «خوانین ممسنی»، آینده، ج ۶، ش ۱۲-۹، ص ۷۲۸).

۴۷. همان‌جا، ص ۷۲۸.

۴۸. حاج کاظم ملک‌التجار پسر حاج محمد مهدی ملک‌التجار بود که در حیات خویش ثروت بسیار اندوخت. وی به داش مشدی‌ها و لوطی‌های محله بازار منتسب بود. او را رند و اهل لطیفه و بذله گو معرفی کرده‌اند. بعد از پدرش لقب ملک‌التجار بطور موروثی به وی رسید و بعد از آن از داش‌های محله فاصله گرفت ولی همانند دیگر تجار از نیروی لوطی‌ها و داش مشدی‌ها برای اهداف و اغراض خود استفاده می‌کرد. وی به سبک فرنگی‌ها در ایران شرکتی بنام شرکت عمومی تأسیس کرد. وی را مردی ادیب و شعرشناس قلمداد کرده‌اند. دو فرزند او به نام‌های حاج حسین آقا و حاج حسن آقا بودند.

یادداشت‌های فصل دوم ۶۵

حاج حسین آقا ملک، خانه پدری خود را وقف تأسیس کتابخانه ملک کرد. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، (تهران، ۱۳۷۰)، ج ۱، ص ۳۰۷؛ «نامه کاظم ملک‌التجار به مستشارالدوله»، آینده، ج ۱۹، ش ۷-۹، ص ۷۷۷؛ علی وثوق، «طنز و بذله گویی در سیاست و اجتماع»، آینده، ج ۶، صص ۲-۴۱، احمد سهیلی، «علی اکبر دهخدا و حاجی حسین آقا ملک»، آینده، ج ۶، صص ۲۲۸-۲۲۷.

۴۹. رضا مهدوی (رییس‌التجار) در سال ۱۲۵۹/۱۸۸۰ خورشیدی به دنیا آمد. وی پسر ملک‌التجار مشهد و پسر عموی امین‌الضرب دوم بود. دارای املاک بسیاری در شیروان، سبزوار، بجنورد، مشهد و قوچان بود. با روس‌ها روابط حسنه داشت. در زمینه ساختن جاده‌های اراه‌رو در منطقه فعال بود. چندین بار از سوی مردم خراسان نماینده مجلس شد. او را آدم خوش معامله‌ای معرفی نکرده‌اند. نگاه کنید به: ابوالفضل قاسمی، «سیاستمداران ایران در اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا»، آینده، ج ۱۸، ص ۱۱۶.

۵۰. برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به: منصوره اتحادیه، «اجاره و اجاره‌نشینی در تهران»؛ رشد و توسعه شهر تهران در دوره ناصری؛ اینجا طهران است، صص ۱۳-۱۲.

۵۱. «نامه سفارت ایتالیا به حاج‌رحیم آقا اتحادیه» ۹ ژانویه ۱۹۱۳، (آر.ا.ت.).

۵۲. برای آگاهی بیشتر در خصوص ملک‌التجار نگاه کنید به: یا کوب ادوارد پولاک، سفرنامه پولاک، ترجمه کیکاوس جهاننداری، (تهران، ۱۳۶۸)، ص ۳۹۳؛ اعتمادالسلطنه، مرآت‌البلدان ناصری، (تهران، ۱۲۹۴)، ج ۳، ص ۱۲ و ۴؛ اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، کوشش ایرج افشار، (تهران، ۱۳۵۰)، ص ۹۶۰.

۵۳. محمدتقی لسان‌الملک سپهر، ناسخ‌التواریخ، ج ۳، ص ۲۶۹.

۵۴. سهیلا شهنشاهی، «خوانین ممسنی»، آینده، ج ۶، ش ۱۲-۹، ص ۷۲۸.

55. Mahdavi, Amin AL-Zarb, p: 15, 136-140.

۵۶. «فرمان ناصرالدین‌شاه در واگذاری امتیاز به کمپانی ناصری و همکاری با کمپانی لینچ»، شعبان ۱۳۰۷، ۱۱۶۶۹۲-ق (م.ا.ب.)؛ «تول معین‌التجار در جنوب»، ۱۳۲۲ هجری، ۳۰-۱۱۳۷۲۸-ق، (م.ا.ب.).

۵۷. سپهر، ناسخ‌التواریخ، ج ۴، ص ۱۷.

۵۸. فلور، جستارها، ج ۲، ص ۱۶۰-۱۵۹.

۵۹. برای آگاهی از گرایش‌های مذهبی تجار نگاه کنید به: Mahdavi, Amin AL-Zarb, p: 17-18؛ برای تعداد موقوفه‌های بازار نگاه کنید به: منصوره اتحادیه، «موقوفات تهران و تحول شهر»، صص ۱۹۱-۱۷۷. «بافت اجتماعی - اقتصادی بازار تهران»، اینجا طهران است، ص ۸-۷.

۶۰. پایبندی به شعائر دینی و انجام آن از ویژگی‌های تربیتی تجار بود. (نامه به حاج‌رحیم اتحادیه در خصوص کسب تلکیف پرداخت فطریه، ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۵۱، (آر.ا.ت.)).

۶۱. برای آگاهی بیشتر در این زمینه نگاه کنید به: کلنل کاسا کوفسکی، خاطرات کاسا کوفسکی، ترجمه عباسقلی جلی، (تهران، سیمرغ، ۱۳۴۴)، صص ۹۱-۹۰، ۳۴؛ یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، (تهران، عطار و فردوسی، ۱۳۶۱)، ج ۲، ص ۳۴۸.

۶۲. وحیدالملک کاشانی، «امور تجارت»، حبل‌المتین (کلکته)، سال ۱۳، ۸ رمضان ۱۳۲۳/۶ نوامبر ۱۹۰۵، ش ۱۱، ص ۲۱-۲۲.

۶۳. نامه یک تحصیل‌کرده ایرانی از بمبئی به حاج محمد معین‌التجار در تهران، ۲۳ آوریل ۱۹۰۳، ۱۱۴۷۳۱-ق، (م.ا.ب.).

64. Mahdavi, Amin AL-Zarb, p: 238-241.

۶۵. نامه امین‌الضرب به سیدجمال اسدآبادی، اول محرم ۱۳۰۱/۲۶ جولای ۱۸۹۲، (آر.ا.ض.) به نقل از:

۶۶. تجار، مشروطیت و دولت مدرن

Mahdavi, Amin AL-Zarb, p: 242.

۶۶. منصوره اتحادیه، «مسایل صرافی از خلال سطور نامه‌های یک صراف» یادنامه ابراهیم فخرایی، (تهران، ۱۳۶۳)، صص ۳۳۰-۳۲۹.

۶۷. نامه حاج علی اکبر صراف به حاج لطفعلی، ۱۷ ذی‌قعد ۱۳۱۲، نمره ۲۹۴، (آ.ا.ت.).

۶۸. برای آگاهی بیشتر از چگونگی ارسال حواله و مشکلات این نوع مبادله پولی و جنسی نگاه کنید به: فلور، جستارها، صص ۲۰۷-۲۰۶.

۶۹. فلور، جستارها، ص ۲۰۵.

۷۰. نامه حاج علی اکبر صراف به حاج لطفعلی، ۱۱ شعبان ۱۳۱۶، نمره ۲۶۹، (آ.ا.ت.).

۷۱. نامه حاج علی اکبر صراف به حاج لطفعلی، ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۱۲، (آ.ا.ت.).

۷۲. نامه حاج علی اکبر صراف به حاج لطفعلی، ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۱۲، نمره ۱۱، (آ.ا.ت.).

۷۳. نامه حاج علی اکبر صراف به حاج لطفعلی، ۱۷ ذی‌قعد ۱۳۱۲، نمره ۲۹۴، (آ.ا.ت.).

۷۴. نامه حاج علی اکبر صراف به حاج لطفعلی، ۵ جمادی‌الاول ۱۳۱۶، نمره ۱۳، (آ.ا.ت.).

۷۵. نامه حاج علی اکبر صراف به حاج لطفعلی، ۱۳ رجب ۱۳۱۲، نمره ۲۶۱، (آ.ا.ت.).

۷۶. همان جا.

۷۷. نامه حاج علی اکبر صراف به حاج لطفعلی، [بی‌تا] (آ.ا.ت.).

۷۸. نامه حاج علی اکبر صراف به حاج لطفعلی، ۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۱۶، نمره ۱۷، (آ.ا.ت.).

۷۹. نامه محرمانه به معین‌التجار، [بی‌تا]، ۱۱۳۳۰-ق، (م.ا.ب.).

۸۰. گزارش به معین‌التجار در خصوص وضعیت کارگران در معادن کک، ۱۳۲۲ هجری، ۱۱۴۸۷۹-ق، (م.ا.ب.).

۸۱. گزارش از بندرعباس به معین‌التجار در تهران، ۲۱ شوال ۱۳۲۲، ۱-۱۱۴۹۳۰-ق، (م.ا.ب.).

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل سوم
مسائل اقتصادی - اجتماعی تجار در سال‌های پیش از
مشروطیت و راه‌یابی آنان در مواجهه با هجوم سرمایه‌های بیگانه

تبرستان
www.tabarestan.info

مسایل اقتصادی - اجتماعی تجار در سال‌های پیش از مشروطیت و راه‌یابی آنان در مواجهه با هجوم سرمایه‌های بیگانه

آشفته‌گی و عدم امنیت اجتماعی، موجب دو تهاجم مختلف به سرمایه و اموال تجار شد، یکی از جانب فرادستان جامعه یعنی حکام ایالات و وابستگان دربار و دیگری از سوی فرودستان یعنی راهزنان و دزدان و نیروهای ایلی که به دلایل مختلف به غارت کاروان‌ها و اموال تجاری می‌پرداختند. هر دو نیروی گریز از مرکز مهاجم، بر آشفته‌گی و عدم تمرکز سیاسی می‌افزودند و تجار خواهان ایجاد حکومت مرکزی قوی بودند تا بتوانند از آنان در مقابل نیروهای مهاجم حمایت کند. نمونه‌های فراوانی از شکایات مردم به حکومت مرکزی وجود داشت. شکایت مردم نهاوند و بروجرد به دولت مرکزی از تعدی عشایر دلفان به قافله‌های بازرگانان از این نمونه بود.^(۱) حمله ایل‌ها به کاروان‌های تجاری، ناامنی راه‌ها، شورش‌های مداوم خوانین و حکام محلی، سلطه کامل قدرت مرکزی بر جوامع شهری و روستایی را که از عوامل عمده رشد سرمایه و تجارت محسوب می‌شود، مانع می‌شد.^(۲) طمع حکام و شاهزادگان بر اموال تجار، مصادره املاک و دارایی آن‌ها،^(۳) قروضی که باز پس داده نمی‌شد، همه باعث دلسردی و عدم اعتماد تجار می‌شد، به طوری که مجدالملک وجود این ظلم‌ها را باعث آن می‌داند که «تجار و اهل حرف و صنعت آن از خیال کسب افتاده و هم آن‌ها واحد شده جز تحصیل قوت یومیه به هیچ کار نمی‌توانند پرداخت.»^(۴) حاج سیاح هم به خطری که از جانب دولتیان، اموال و املاک افراد را تهدید می‌کند، اشاره دارد.^(۵) نه تنها این تهاجم‌ها به اموال و سرمایه‌ها وجود داشت بلکه هیچ عنصر بازدارنده و مانعی نیز مقابل این تعدی‌ها وجود نداشت. عدم وجود قانون و نظم و محاکمی که حافظ امنیت مالی

و جانی افراد باشد، از عوامل دیگر آشفتگی اجتماعی بود. «اطمینان عامه به امنیت و امنیت به قانون حاصل می‌شود... حالیه کسی داخل کاری نمی‌شود و خرجی که نفع عامه در آن باشد، نمی‌کند.»^(۶) در گزارشی از جلسه‌های انجمن مخفی پیش از اعلان مشروطیت به عدم قانون اشاره می‌شود که باعث ناکامی شرکت‌هایی شد که برای رواج امتعه ایران تلاش می‌کردند. «حالا اگر قانون بود و مجازات و مکافات می‌دادند و نمی‌گذارند پول مردم تفریط شود چه قدر شرکت‌ها و انجمن‌های تجارتهی تشکیل می‌یافت.»^(۷) و در جایی دیگر عنوان می‌شود: «باری چون قانون جاری نیست اگر امروز مردم به کاری اقدام کنند فردا کسی دیگر آن کار را خراب خواهد کرد. به این جهت مردم امنیت و اطمینان ندارند.»^(۸)

عدم هماهنگی احکام شرع و عرف، آشفتگی وضع قضایی^(۹) و عدم وجود قانونی ثابت و مشخص در دعاوی مالی از عوامل دیگر دوران جامعه‌ای دوران قاجار محسوب می‌شود که با اساس اقتصاد بازرگانی و امنیت سرمایه مغایرت داشت. علاوه بر مسائیل مذکور، گسترش روابط تجاری و نفوذ سرمایه‌های بیگانه که منجر به در دست گرفتن بازارهای ایران توسط بیگانگان می‌شد، موجب نارضایتی تجار گردیده، واکنش‌هایی را در آنان برانگیخت، از جمله تحریم چای در سال ۱۲۵۷/۱۸۴۱ که تجارت آن در دست تجار روسی بود و تجار ایرانی از آن سود نمی‌بردند.^(۱۰) و نیز هجوم سیل آسای پارچه‌های انگلیسی که منجر به اعتراض‌ها و شکایاتی به دولت شد تا از ورود این کالاها به کشور جلوگیری کند.^(۱۱) شاید شرکت فعال صنف بزاز در حوادث مشروطیت بی‌ارتباط با مواردی از این قبیل نباشد.

سیاست دولت به جز در دوران محدود امیرکبیر، سیاست حمایت از اجناس داخلی نبود. دولت نه تنها در امور تجارتی، مالی و گمرکی نقش فعال، مثبت و به سود سرمایه‌های ملی نداشت بلکه مصادره اموال تجار توسط حکام ایالات و ضبط املاک و عدم امنیت مالی سرمایه‌داران خود مانعی در جهت رشد سرمایه‌های داخلی محسوب می‌شد، و اعتراض تجار را برمی‌انگیخت. تجار در نامه‌ای می‌نویسند: «دولتیان هر گونه تعدی که خواستند کردند، مؤاخذه نشدند و هر که می‌گوید، مردم را می‌چاپم، انتهای مراتب مرا معزول می‌فرمایند... چرا مال مردم را می‌گیرند؟»^(۱۲)

عدم سلطه حکومت مرکزی در امور و عدم برنامه‌ریزی، نظم و قانون از خصوصیات دیگر دولت در این دوران است. علاوه بر آن به دلیل ضعف حکومت مرکزی و وابستگی دولت به قدرت‌های بزرگ سیاسی و تحمیل وام‌ها، استقراض‌ها و امتیازهایی که جبراً شرایطی را بر دولت تحمیل می‌کرد، نه تنها دولت حمایتی از سرمایه‌های داخلی نمی‌کرد، بلکه در مواردی هم در صف مقابله آن قرار داشت. برای مثال می‌توان از اتحادیه صراف‌ها و تجار که برای مقابله و متزلزل کردن اعتبار بانک شاهنشاهی ایجاد شده بود، نام برد. آنان مردم را وادار کردند به بانک هجوم آورده، اسکناس‌های خود را به پول نقره تبدیل کنند^(۱۳) و چون نقدینه بانک محدود بود قطعاً دچار اشکال عمده‌ای می‌گردید اما این غائله با دخالت دولت

و همکاری اعیان و اشراف و پرداختن وجوهی به بانک خشتی شد.^(۱۴) به رغم تمامی مطائب و مشکلات مذکور، تجار در دو زمینه به فعالیت پرداختند، یکی در زمینه سرمایه گذاری در بخش های مختلف صنعتی، تجاری و خدماتی و دیگری در زمینه ایجاد تشکلهای گروهی و افزایش نقش سیاسی بود که به تدریج به تشریح هر یک خواهیم پرداخت.

الف) تشکیل شرکت های تجاری - مالی

پیروزی و موفقیت اروپاییان در امور تجاری و پیشرفت های علمی و فنی آنها در صنعت که به برتری و تسلط آنها بر نبض اقتصادی، مالی و تجاری دنیا منجر شد، قشری از تجار ایرانی را به فکر انداخت تا با بهره گیری از شیوه های نوین تجاری از شکل فردی بازار سنتی خارج شوند و به صورت گروهی و با ترکیب جدید سرمایه گذاری بتوانند از سرمایه های کوچک نیز بهره گیرند. آنان تأسیس شرکت ها با کمپانی های مالی و تجاری را به عنوان راه حلی در مقابل نفوذ و هجوم اقتصادی قدرت های خارجی برگزیدند و بدین ترتیب شرکت ها و تجارت خانه های جمعی خارج از بازار می توانست جایگزین حجره های کوچک و تنگ درون بازار شود. روشنفکران نیز با بهره گیری از آگاهی و آشنایی نسبی خود از غرب سعی کردند از طریق روزنامه ها آگاهی های لازم در مورد شیوه مدرن تجاری را در اختیار تجار قرار دهند و به فعالیت های آنها سمت و سوی لازم را بدهند. میرزا یعقوب خان پدر میرزا ملکم خان ناظم الدوله «ایجاد شراکت و کمپانی» را در بهبود راه ها، حمل و نقل، پست، ایجاد اشتغال و کسب منفعت بیشتر، یک ضرورت می دانست.^(۱۵) یکی از اصلاح طلبان عصر ناصری در رساله خود به نام سیاست مدن به لزوم افزایش سرمایه از طریق تشکیل کمپانی تأکید نموده و این امر را موجب توسعه صنایع می داند که به سه عنصر «سرمایه، کارگر و مصالح» مرتبط است.^(۱۶)

تجار برتری اقتصاد اروپاییان را به صورت راز و رمز قلمداد می کردند و برای مقابله با هجوم کالاهای غربی به کشور امید داشتند که بتوانند «حیله های تجارت» اروپاییان را بیاموزند. یکی از این «حیله ها» به کار گرفتن سرمایه های کوچک و راکد در دست مردم و ایجاد شرکت های سهامی گسترده و ایجاد کمپانی ها بود.^(۱۷) تجار در اجرای این امور و انتقال خواسته های خود به بدنه جامعه از نفوذ روحانیون و تأیید و همراهی آنها نیز استفاده می کردند. تاجر بزرگی همچون محمدحسن امین الضرب از طریق آشنایی با غرب و تجارتخانه های خارجی مقیم ایران با شیوه های تجارت نوین آشنا شده و به تشکیل کمپانی پرداخت. برخورد امین الضرب با غرب و تأثیراتی که گرفت موجب شد در زمینه های جدید مثل راه آهن و کارخانه نیز سرمایه گذاری کند. وی از طریق افزایش سرمایه اش به یکی از ثروتمندترین تجار عصر خود بدل شد. سرمایه او را به مبلغی بالغ بر ۲۵ میلیون تومان

تخمین زده‌اند.^(۱۸) وی مخالفتی با ورود کالاهای غربی نداشت چرا که اشراف، ثروتمندان و درباریان متمول خریدار اجناس لوکس و تجملی بودند که وی از اروپا وارد می‌کرد.^(۱۹) در برخورد با تأسیس شرکت‌ها دو گرایش متمایز در بین تجار قابل تشخیص است؛ یکی از تعارضات درونی طبقه تاجر، اختلاف نظر بین تجار بزرگ و متوسط در خصوص واردات بود. به رغم آنکه در ایجاد شرکت‌های سهامی و افزایش سرمایه متفق و همسو بودند، ولی در برخورد با انواع اجناس وارداتی اختلاف نظر داشتند. تجار متوسط به دلیل کمبود سرمایه و وابستگی به بازارهای داخلی با ورود اجناس خارجی به کشور مخالف بودند. بدیهی است این گرایش‌ها به میزان سرمایه، نوع فعالیت تجاری میزان نزدیکی با حاکمیت محلی یا دولت و به سطح و گستردگی ارتباطات تجار نیز مرتبط بودند به جز تعداد معدودی از تجار که سرمایه کلان و گستردگی ارتباطاتشان وسعت نظر بیشتری به آن‌ها داده بود، بقیه که اکثریت تجار را تشکیل می‌دادند قادر به تجزیه و تحلیل درست و منطقی از مسایل اقتصادی نبودند. در سطح مسایل خرد درون طبقاتی می‌توان گفت که تفکر اسطوره‌ای حاکم بر آن عصر اجازه نگرش دقیق به نظام تجاری بین‌المللی و مکانیسم‌های حاکم بر آن را به تجار سستی بازار نمی‌داد. تجار داخلی که سرمایه‌ای اندک در حد داد و ستدهای داخل کشور داشتند و صاحبان کارگاه‌های تولیدی کوچک از ورود کالاهای غربی به کشور ضرر بیشتری می‌دیدند، چرا که به لحاظ کمی و کیفی قادر به رقابت با اجناس خارجی نبودند. باورهای آمیخته به خرافات در آن عصر که شیوع و با را با پوشیدن لباس‌های فرنگی، تراشیدن ریش، کفش‌های پاشنه‌نخواب، چارقد‌های قالبی و پوشیدن شلیته و دامن مرتبط می‌دانست،^(۲۰) کساد بازار نبودن پول را هم تقدیر یا خشم الهی قلمداد می‌کرد و رفع آن را به دعا و نذر و استغاثه به درگاه الهی مرتبط می‌نمود.^(۲۱) تاجر متوسط بازار در قرن نوزدهم از تجزیه و تحلیل دقیق و اصولی موقعیت خود عاجز بود، و نه تنها می‌توانست قوت و ضعف‌ها را بازشناسد که تمامی این رقابت نابرابر با اروپایی‌ها را مملو از راز و رمزهای حیرت‌انگیزی می‌دانست که وی باید تلاش خود را برای کشف «حیله‌های تجاری» آن‌ها به کار گیرد.

در این میان روشنفکران سعی در ارائه طریق برای «راه نجات» کشور داشتند و با بیان طرح‌های گوناگون به تجار ارائه روش می‌کردند. از توصیه‌های آن‌ها رواج قانون، توسعه صنایع، ایجاد راه آهن، گسترش راه‌های ارتباطی، پیشرفت علم، دانش، تکنولوژی و توسعه فرهنگی از طریق افزایش مدارس و تدریس دروس مفید و ایجاد شرکت‌های سرمایه‌گذاری بود. روشنفکران به تبلیغ دیدگاه‌های خود در روزنامه‌ها می‌پرداختند و گاه این فعالیت‌های تبلیغی به حدی بود که نمایندگی این شرکت‌ها را نیز می‌پذیرفتند، به طور مثال مؤیدالاسلام مدیر روزنامه حبل‌المتین و میرزا علی محمدخان کاشانی مدیر روزنامه ثریا که به اتفاق میرزا محمدجواد مشکی تاجر اصفهانی امور شرکت اسلامی در کلکته و مصر را به عهده داشتند.^(۲۲) به این ترتیب تأسیس شرکت‌ها و موسسه‌های تجارتی به صورت یک کار

گروهی در بین تجار و گاه با همکاری دیگر گروه‌ها متداول گشت که در اینجا به معرفی نمونه‌هایی از آن‌ها خواهیم پرداخت:

۱- تجارتخانه تومانیانس

هاراطون تومانیانس در ۱۲۵۷/۱۸۴۰ موسسه تجاری خود را در تبریز افتتاح کرد. به تدریج فعالیت‌های خود را به کاروانسرای امیر در تهران کشاند. وی تاجری ارمنی بود و به روسیه خشکبار و پيله ابریشم صادر می‌کرد. (۲۳) در اثر مسافرت‌هایش به روسیه با شیوه بانکداری آن کشور آشنا شد و به تدریج از ۱۳۰۹/۱۸۹۲ به بعد صراف‌ی کار اصلی این تجارتخانه شد و قدرت مالی این موسسه به حدی شد که شاه و درباریان از آن قرض می‌گرفتند. امین‌السلطان برای پرداخت حقوق نظام دو کرو را از امین‌الضرب و تومانیانس قرض گرفت. (۲۴) سلطان احمد شاه قاجار نیز از مشتریان این موسسه بود. بنگاه تومانیانس با توسعه امور بانکی رقیب بانک‌های شاهنشاهی و استقراضی شد. تومانیانس به خرید و فروش ارز، افتتاح حساب جاری، پرداخت وام و بازپرداخت ۶ درصد سود به سپرده‌ها می‌پرداخت. این بنگاه در حوادث مشروطیت حضور فعال داشت و کمک‌های مالی بسیاری برای استقرار مشروطیت انجام داد. ورود اسلحه و مهمات برای مجاهدین از دیگر فعالیت‌های آنان بود. (۲۵)

از آنجایی که بیشتر سرمایه شرکت در روسیه بود بعد از انقلاب اکتبر ۱۹۱۷ به سرمایه آن لطمه فراوان وارد شد. در بین سهامداران شرکت موسیو الکساندرخان و موسیو هاراطون اختلاف افتاد و موسسه نتوانست تعهدات مالی خود را انجام دهد و در پایان جنگ جهانی اول به دلیل ورشکستگی اموالش توقیف و مصادره شد. اموال موسسه ۱۷ میلیون منات تخمین زده می‌شد و شعبه‌های دیگر آن در مسکو، بادکوبه، ادسا، تفلیس، تبریز، رشت، قزوین، سبزوور و مشهد نیز ورشکسته شدند. (۲۶)

علل ورشکستگی موسسه تومانیانس علاوه بر رقابت بانک‌های خارجی با آن، درگیری‌ها و اختلافات درونی مدیریت آن، تحولات سیاسی و اقتصادی روسیه بعد از انقلاب نیز بود چرا که بیشتر سرمایه شرکت در روسیه مستقر بود و شعبه روسی شرکت معاملات وسیعی با وین، پاریس و مارسی داشت، ولی این تحولات بر کل فعالیت‌های شعب آن تأثیر گذارد.

عیسوی رابطه برادران تومانیانس با روس‌ها را بسیار خوب توصیف کرده و حتی آنان را تبعه روسیه می‌نامد (۲۷) که این تلقی درست به نظر نمی‌رسد. رقابت تومانیانس با بانک‌های مستقر در ایران و ایجاد اتحادیه‌ای مالی به همراه حاج لطفعلی اتحاده، حاج باقر صراف و ملک‌التجار برای یورش به بانک شاهنشاهی نمی‌توانست به طور رسمی از سوی یک تبعه روسیه انجام شده باشد.

۲- کمپانی تریاک اصفهان

شرکت تریاک اصفهان در حدود سال‌های ۱۲۷۸-۱۲۷۷/۱۸۶۲-۱۸۶۱ توسط آقامحمد مهدی ارباب اصفهانی و مشارکت تعدادی از تجار اصفهان تأسیس شد.^(۲۸) تجاری شدن محصول تریاک و رواج کشت آن و افزایش تقاضای بین‌المللی برای مصرف این محصول، تجار ایرانی را به سمت تجارت این محصول کشاند. کار این شرکت جمع‌آوری، عمل آوردن، بسته‌بندی و صدور تریاک به بازارهای هنگ‌کنگ و انگلستان بود. شرکت سعی می‌کرد تمام صادرات تریاک را تحت کنترل درآورد و پس از بررسی مرغوبیت آن به مهر کمپانی مهور کند تا از تقلب در صدور تریاک جلوگیری شود و شرکت بتواند از طریق کنترل مرغوبیت کسب اعتبار کند. با این حال شرکت با شکست مواجه شد. از عوامل شکست آن می‌توان له موارد زیر اشاره کرد:^(۲۹)

۱- ممانعت دولت در صدور تریاک با افزایش حق گمرک تریاک، رواج کشت خشخاش و تبدیل زمین‌های گندم به تریاک و قحطی غله، گاه، علوفه و افزایش قیمت آن‌ها دولت را مجبور به اعمال فشار کرد.

۲- تقلب برخی از تجار در مخلوط کردن موادی همچون شکر سرخ، حنظل و سایر اشیاء در تریاک که همین امر تجارت تریاک ایران را بدنام و متزلزل کرد.

۳- رقابت جهانی از جمله رقابت تریاک بنگال و ژاپن و کاهش تقاضای این محصول در چین، جنوب آفریقا و انگلستان.

۳- شرکت امینه

این شرکت در سال ۱۸۲۲/۱۳۰۰ توسط مشهدی کاظم امینه در تهران تأسیس شد. در ابتدا شرکت در صدد گرفتن امتیازاتی از ناصرالدین‌شاه برآمد و از دولت خواست صدور تنباکوی ایران به عثمانی را به آن‌ها واگذار کند و در عوض آنان در سال مبالغی به دولت بپردازند ولی این امتیاز به شرکت داده نشد. پس از مدتی شرکت به دلیل ناتوانی در رقابت با شرکت‌های خارجی و عدم توازن در امور مالی و اختلاس بعضی از اعضای شرکت رو به ورشکستگی رفت. زمینه‌های فعالیت شرکت به درستی مشخص نیست. در هنگام مرگ مشهدی کاظم امینه در سال ۱۸۹۲/۱۳۰۹ شرکت پولی برای پرداخت بدهی‌های خود نداشت.^(۳۰)

۴- کمپانی تجارتی ایران

این شرکت در سال ۱۸۸۵/۱۳۰۲ توسط آقامحمدخان شفیع و تعدادی از تجار بوشهر تأسیس شد و در مجلس تجارت بوشهر به ثبت رسید. سرمایه شرکت ۳۵۰,۰۰۰ تومان بوده است ولی حوزه‌های فعالیت شرکت به درستی معلوم نیست.^(۳۱)

۵- تجارتخانه جمشیدیان

تجارتخانه جمشیدیان به منظور تجارت منسوجات توسط ارباب جمشید جمشیدیان از تجار زرتشتی یزد در سال ۱۸۸۷/۱۳۰۴ تأسیس شد. این تجارتخانه به تدریج به سمت کارهای صرافی رفت و پس از مدتی اعتبار بسیاری یافت. ارباب جمشید با دربار رابطه نزدیکی یافت و به لقب رئیسالتجاری زرتشتیان منصوب شد و واسطه خواسته‌های آن‌ها با دربار شد.^(۳۲) جمشیدیان در امور حمل و نقل کالا در کشور بخصوص امور گاریخانه‌ها و حمل و نقل اسبی در شهرهای تهران، قم، کاشان، اصفهان و جنوب کشور را به عهده گرفت.^(۳۳) اما بیشتر اهمیت تجارتخانه جمشیدیان در فعالیت‌های صرافی آن بود که تقریباً از حدود سال ۱۸۴۸/۱۲۶۵ آغاز شد و با پرداخت وام‌های بلندمدت و کوتاه مدت اعتبار زیادی در بین مردم به دست آورد. شعبی در شیراز، کرمان، یزد و نمایندگی‌هایی در بغداد، بمبئی، کلکته و پاریس داشت. این تجارتخانه پس از کسب رونق و اعتبار به ملکداری رو آورد و املاک بسیاری در تهران، فارس و خراسان خریداری کرد و بدین منظور مبالغ قابل توجهی از بانک‌های استقراضی و شاهنشاهی وام گرفت که قادر به بازپرداخت آن نشد و بانک نیز مهلت بازپرداخت را تمدید نکرد. این تجارتخانه به دلیل اهدافی چون تأسیس بانک ملی به کمک پارسیان هند و رقابت با بانک‌های اروپایی و مقابله آن‌ها با فعالیت‌های آن و به دلیل سوء مدیریت در امور مالی قادر به ادامه فعالیت‌های خود نشد.^(۳۴)

۶- شرکت اتحادیه

شرکت اتحادیه در سال ۱۸۸۸/۱۳۰۵^(۳۵) توسط گروهی از صرافان و تجار از جمله حاج علی کوزه‌کنانی و برادران، حاج سیدمرتضی صراف، حاج لطفعلی صراف و تعدادی دیگر تشکیل شد. شعبه اصلی این شرکت در تبریز بود. علاوه بر آن در تهران نیز شعبه داشت که سرپرستی آن را حاج لطفعلی صراف و پسرش رحیم به عهده داشتند. در ابتدا این شرکت به منظور مقابله با عملیات بانک شاهنشاهی و در اندیشه ایجاد بانک و فعالیت‌های صرافی به وجود آمد. سرمایه شرکت در سال ۱۸۹۷/۱۳۱۵ بالغ بر صد هزار تومان بود.^(۳۶) شرکت در سال اول تأسیس مقدار قابل توجهی از اسکناس‌های بانک شاهنشاهی را جمع‌آوری کرده و برای تعویض با وجه نقره به بانک عرضه کرد و چون بانک قادر به پرداخت قران نقره نشد ارزش اسکناس‌های آن ۳۰ درصد تنزل کرد. بانک به ناچار شرکت را در تجارت نقره با خود سهیم کرد.^(۳۷) حاج لطفعلی نماینده شرکت در تهران بعد از فسخ قرارداد خود با شرکت پس از مدتی با همان نام شرکتی در تهران تأسیس کرد. که با شرکت‌های مسعودیه، محمدیه و دیگر کمپانی‌ها مرادوه مالی - تجاری یافت و به تدریج در امر قماش و دیگر کالاها فعال شد.^(۳۸) شعبه تبریز به دلیل شرایط بد اقتصادی در سال ۱۳۳۱ قمری تعطیل شد. شرکت اتحادیه در تهران تا زمان فوت حاج رحیم در سال ۱۳۱۳ شمسی برقرار بود.^(۳۹) علت شکست شرکت

صرافی اتحادیه در تبریز به احتمال زیاد ناتوانی این موسسه در رقابت با بانک شاهنشاهی بود و عدم فعالیت شرکت اتحادیه در تهران از فوت حاج رحیم به بعد آن بود که نسل بعد از این گروه از تجار (۴۰) کمتر به سمت تجارت رفتند و بیشتر آن‌ها برای طی دوره تحصیلی به خارج از کشور فرستاده شدند. ازدواج‌هایی در خارج از کشور کردند و از فرهنگ تجاری - سنتی بازار فاصله گرفتند.

۷- کمپانی ناصری

ناصرالدین شاه پس از واگذاری امتیازنامه کارون به برادران لینچ، امتیاز کمپانی ناصری را که نوعی شراکت در امتیاز کشتی‌رانی در کارون بود در سال ۱۳۰۷/۱۸۹۰ به معین‌التجار بوشهری واگذار کرد. بر اساس فصل اول امتیازنامه ده هزار ذرع زمین متصل به گمرک‌خانه به طور مجانی به کمپانی واگذار می‌شود که تعدادی عمارت مطابق با نقشه کمپانی لینچ بنا نماید و به لینچ اجازه دهد. همچنین طبق فصل دوم امتیازنامه، شرکت ناصری موظف به تأسیس اسکله، کاروانسرا، مغازه و راه شوسه بین اسکله‌ها شد که گاری‌های بارکش متعددی به جهت حمل و نقل مال‌التجاره داخله و خارجه حاضر داشته باشد. همچنین ملزم به ایجاد خط آهن تراموا شد که زمین آن از سوی دولت به طور مجانی در اختیار آن قرار می‌گرفت. فصل سوم راجع به امتیاز کشتی‌رانی در کارون علیا بود که قسمت سفلی آن به شرکت لینچ داده شده بود. در فصول بعدی امتیاز، ساختن راه شوسه و امتیاز بهره‌برداری از معدن زغال سنگ واقع در «خاک‌خانگی بختیاری» به شرکت واگذار شده و در ازای آن ۲۰ درصد از درآمد آن می‌بایست به دولت واگذار شود. (۴۱) کرزن اعطای امتیاز به شرکت ناصری را اقدامی بر ضد امتیاز برادران لینچ و آن را اتحاد تجار و دولت در مقابل کمپانی می‌داند (۴۲) و ناطق آن را سیاست دولت برای خرسند کردن تجار و حکام محلی و حالت غیر وابسته و ملی دادن به اعمال خود می‌داند. (۴۳) اما در واقع امتیازاتی که تجار از حکومت به دست می‌آوردند حاصل تلاش آن‌ها برای جلب نظر دولت، مقابله با نفوذ بیش از حد خارجی‌ها و رقابت با آن‌ها در همه زمینه‌های سرمایه‌گذاری بود. تجار به خاطر حفظ منافع طبقاتی خود، که به تدریج به سمت آگاهی بیشتر نسبت به آن پیش می‌رفتند، با حاکم بوشهر برای رقابت با کمپانی لینچ متحد شدند اما از آنجایی که شرکت ناصری قدرت رقابت با لینچ را نداشت در ۱۳۱۰/۱۸۶۳ دست از فعالیت برداشت و امتیاز خود را به برادران لینچ واگذار کرد. البته بعدها دوباره شرکت ناصری احیا شد اما در عمل قدرت رقابت با کمپانی لینچ را نداشت.

۸- انجمن شرکت عمومی تجارتی ترویج متاع و زراعت تنباکو و توتون ممالک ایران:

شرکت عمومی تجارتی در شعبان ۱۳۱۱/ فوریه ۱۸۹۴ در اصفهان توسط حاج محمدحسن امین‌الضرب، حاجی محمدصدر ملک‌التجار اصفهان با همکاری و موافقت

ظل السلطان و صلاح دید امین السلطان و میرزا علی اصغر خان امین الدوله و پشتیبانی و مشارکت آقا محمد تقی نجفی روحانی با نفوذ شهر تأسیس شد. سرمایه شرکت ۲ میلیون قران و هر سهم ۱۰۰۰ قران با سود سهم ۵ درصد بود.^(۴۴)

علت تأسیس این شرکت مبارزه با رژی فرانسه یا شرکت «تنیک» بود که امتیاز انحصاری خرید تنباکویی که از ایران وارد خاک عثمانی می شد از دولت عثمانی گرفته بود. این امر منافع تجار ایرانی مقیم عثمانی را که در کار داد و ستد تنباکو بودند و تعداد آن ها بالغ بر پانصد تن بود به خطر می انداخت.^(۴۵) دولت ایران بی توجه به منافع تجار ایرانی قراردادی با رژی عثمانی منعقد کرد و ۲۵ سال انحصار تنباکوی صادراتی ایران در خاک عثمانی را به آن ها داد.^(۴۶) تجار مقیم کشور با تجار ایرانی ساکن استانبول همکاری کردند و حاج محمد حسن امین الضرب از سوی تجار طی مذاکراتی با امین السلطان خواست که دولت جلوی صدور تنباکوی شرکت رژی فرانسه به سرحد را بگیرد و رژی استانبول تنباکو را از تجار ایرانی بخرد و دولت ایران برگمرک تنباکو بیافزاید که این امر موجب نفع دولت و ضرر رژی شده و باعث می گردد دست از این کار بکشد.^(۴۷) ولی دولت به خواست تجار واقعی نهاد، شاید به دلیل مبلغی که رژی فرانسه حاضر شد برای عدم سختگیری دولت ایران در حمل و نقل تنباکو به خاک عثمانی بپردازد.^(۴۸) در واقع تأسیس این شرکت واکنشی بود از سوی تجار که دولت را حامی خود نیافتند. اما تعارضات درونی طبقه تجار مانع این امر شد و باعث گردید تجار ایرانی مقیم استانبول در مبارزه با رژی فرانسه همگام نباشند.

به رغم اعتراض تجار و تصمیم به بستن دکان ها در مقابل عملکرد رژی، حاج محمد شفیع امین التجار با تعدادی از تجار یهودی و ارمنی متفق شده و امتیاز خرده فروشی تنباکو را خرید. این امر تعارض شدیدی بین تجار ایجاد کرد و میرزا شفیع و همکارانش مطرود و منفور شدند.^(۴۹) علاوه بر اختلافات داخلی تجار، شرکت عمومی تنباکو در مبارزه با رژی فرانسه مشکلات زیادی داشت چرا که نمی توانست مانع فروش تنباکو به شرکت رژی در داخل ایران و حمل آن به عثمانی شود. از این رو پیشنهاد عدم فروش تنباکو به رژی را داد که امین الدوله این طرح را غیر عملی خواند. پیشنهاد دیگر خرید تنباکوی کاشان و شیراز و اصفهان بود که رژی نتواند خود سرانه مبادرت به خرید کند.^(۵۰) مذاکراتی نیز با مدیر شرکت رژی انجام گرفت که آنان حاضر به همکاری و خرید از شرکت تنباکوی ایران نشدند و ابراز داشتند تجاری در داخل ایران هستند که حاضر به واسطه گری و همکاری با آن ها هستند.^(۵۱) رژی حتی برای جلب نظر دولت ایران حاضر به دادن رشوه شد و دولت را تهدید کرد در صورتی که تجار و شرکت تنباکو مانعی در صدور تنباکو به عثمانی ایجاد کنند اقساط خود به دولت را قطع خواهد کرد.^(۵۲) دولت در مقابل تهدیدها تسلیم شد. جناح هایی از تجار متوسط که توان مالی کمتری در خرید و فروش مستقل تنباکو داشتند به همکاری با رژی ادامه دادند و شرکت تنباکوی ایران در عمل ناتوان ماند. شاه طی بیانیه ای شدیداً به شرکت

تنباکوی ایران حمله کرد و اعمال آن‌ها را «فضولی» دانست و از ظل‌السلطان خواست مانع فعالیت‌های آنان شود. وی «تجار و تنباکوفروش‌ها و توتون‌فروش‌های اصفهان» را عامل ایجاد فساد دانست. امین‌السلطان نیز همکاری خود با شرکت را حاشا کرد. ناصرالدین‌شاه در نامه‌ای می‌نویسد: «حاجی محمدحسن را بخواهید و بگویید در آن مقدمه رژی آن طور جمع شدید و تجار را جمع کردید و آن ضرر را به دولت زدید، بعد که دولت برای خود فکر محلی کرد و این قرار رژی اسلامبول را داد که اندکی جای ضرر دولت را پر کند حال این بازی را درآورده‌اید، خیلی به حاجی ضرب بزنید.»^(۵۳) با وجود واکنش دولت در متوقف کردن فعالیت تجار و شرکت تنباکوی ایران، بعد از مدتی رژی فراتیسه (عثمانی) دریافت که به تنهایی قادر به خرید و صدور تنباکوی ایران به استانبول نیست و چند ماه قبل از مرگ ناصرالدین‌شاه پیشنهاد همکاری با تجار معتبر ایران را کردند. حاج محمدحسن امین‌الضرب در صدد ایجاد مجدد شرکتی با سرمایه یکصد هزار لیره عثمانی برآمد اما با مغضوب شدن امین‌الضرب کار شرکت نیز معوق ماند.^(۵۴)

۹- تجارتخانه جهانیان

یکی از دیگر موسسه‌های مالی که سرمایه داران زرتشتی ایرانی به وجود آوردند بنگاه جهانیان بود. خسرو شاه جهان به همراه برادرانش پرویز، رستم و گودرز در سال ۱۳۱۲/ ۱۸۹۵ شرکتی برای کارهای تجارتی و صرافی در یزد تشکیل دادند. در آغاز کار تجارتخانه صدور پنبه بود. از آنجایی که افراد این تجارتخانه با زمینداری و کشاورزی آشنا بودند از تقاضای جهانی برای صدور پنبه کمال استفاده را کردند، با گسترش و رونق تجارت به تدریج به سمت صرافی روآوردند و بیجک این تجارتخانه رواج کامل یافت. شعبی در شهرهای شیراز، کرمان، اصفهان، یزد، بندرعباس و دفاتری در هند، انگلستان و آمریکا داشت. علاوه بر نقل و انتقال پول در داخل کشور، به خرید و فروش ارز و برات، پرداخت وام به دولت و همکاری با امور خزانه کشور مبادرت کرد. این تجارتخانه در فعالیت‌های جنبش مشروطیت تلاش بسیار کرد. جواهرات سلطنتی برای دور ماندن از دسترس محمدعلی‌شاه نزد بهرام جهانیان به امانت گذاشته شد. کمک‌های مالی به مشروطه‌خواهان و همکاری در ورود و ارسال اسلحه به مجاهدین از دیگر کارهای این بنگاه بود.

تلاش‌های بسیاری توسط این تجارتخانه با دیگر تجار پارسی برای تشکیل بانک ملی صورت گرفت ولی به دلیل رقابت و کارشکنی بانک‌های اروپایی زمینه نابودی این تجارتخانه فراهم شد. بهرام جهانیان توسط صنیع حضرت کشته شد و خسرو شاه جهان نیز از جانب شاه به لندن تبعید شد و در پی آن کار تجارتخانه در سال ۱۳۳۱/ ۱۹۱۳ متوقف شد.^(۵۵) بنگاه‌های مالی همچون جمشیدیان و جهانیان به لحاظ ممنوعیت‌هایی که در دین اسلام در مورد فرع پول وجود دارد از آزادی بیشتری برخوردار بودند. هر چند تعصب‌های

دینی متداول در آن زمان می توانست معامله و همکاری با زرتشتیان را بسیار تحت الشعاع قرار دهد.

۱۰- کمپانی فارس

این شرکت توسط حاجی عبدالرحیم شیرازی، آقا شیخ ابوالقاسم، حاج محمدصالح، حاج عباس ترک (تاجرباشی روسیه در شیراز) به منظور عملیات صرافی و تجارت خارجی در شیراز تأسیس شد. پس از مدتی مورد اعتماد تجار و مردم قرار گرفت. شرکت در حدود سال ۱۸۹۷/۱۳۱۵ بر وسعت عملیات خود افزود و به عنوان یک شرکت معتبر مطرح و شناخته شد. سرمایه اولیه شرکت ۵۰ هزار تومان بود ولی به تدریج با گسترش فعالیت با اروپا و تأسیس شعبه‌ای در بوشهر به سرمایه آن افزوده شد. شرکت برای انجام فعالیت‌های خود بیجک‌هایی منتشر کرد که در شیراز و نواحی اطراف مانند اسکناس بانک شاهنشاهی رایج شد و هر روز سهام آن رو به ترقی بود. بانک شاهی دایم نسبت به رواج اوراق اعتراض می‌کرد.^(۵۶) هر چند شرکت به دنبال رقابت با بانک بود ولی امتیاز نشر اسکناس و سرمایه زیاد بانک مانع موفقیت این گونه شرکت‌ها یا بنگاه‌های مالی می‌شد که در صدد مقابله با هجوم سرمایه‌های خارجی بودند. اما این موسسات در مقابل فشارهای مالی و گاه سیاسی، بعد از مدتی مقاومت از بین می‌رفتند همان‌طور که کمپانی فارس شکست خورد و از میان رفت.

۱۱- کمپانی محمودیه

شرکت محمودیه توسط حاج سیدعلی صاحب تاجر قزوینی و حاجی میرزا ابوالقاسم صاحب تاجر قزوینی و حاجی میرزا محمدحسن صاحب تاجر دهدشتی در سال ۱۸۹۸/۱۳۱۶ با سرمایه ۲۰۰ هزار تومان در اصفهان تأسیس شد. شرکت مزبور در زمینه تجارت داخلی و خارجی و امور صرافی فعال بود. مدت سهام‌گذاری ۵ سال بوده که در پایان هر سال پس از بررسی حساب‌ها سود سهام افراد پرداخت می‌شد.^(۵۷)

۱۲- کمپانی مسعودیه:

شرکت مسعودیه اصفهان در حدود سال ۱۸۹۸/۱۳۱۶ توسط حاج محمدحسین کازرونی و با همکاری حاجی آقا محمد قزوینی، آقا محمدصادق قزوینی صراف، حاج محمدعلی تبریزی، حاجی محمد مهدی سمسار، حاجی محمدصالح عرب در اصفهان تأسیس شد. فعالیت‌های این شرکت نیز همچون دیگر شرکت‌هایی که در این زمان بوجود آمد در زمینه تجارت و صرافی بود.^(۵۸)

۱۳ - شرکت اسلامی

شرکت اسلامی در ذی قعدة ۱۳۱۶ تأسیس شد و ریاست آن با محمدحسین تاجر کازرونی بود.^(۵۹) نمایندگان شرکت حاجی میرزا محمد مشکى تاجر اصفهانی، حاجی محمدجعفر تاجر اصفهانی، حاجی میرزا اسدالله تاجر اصفهانی (نقشینه)، حاجی محمدکاظم تاجر اصفهانی (مثقالی) و مدیر شرکت حاجی میرزا علی نقشینه بود.^(۶۰) محل اصلی شرکت در اصفهان بود و شعبه‌هایی در شهرهای تهران، شیراز، بوشهر، مشهد، تبریز و خارج از کشور تأسیس شد. نمایندگی شرکت در تهران به عهده میرزا احمد امین‌الصنائع واگذار شد که مردی شاعرپیشه و ادیب بود و نمایندگی جزایر را به عهده داشت و طبعا نمی‌توانست کلیه امور نمایندگی را اداره کند. ناچار در صدد یافتن افرادی ذی صلاح برآمد و برای انجام این منظور حاجی حسین آقا امین‌الضرب و میرزا حبیب‌اله تاجر کاشانی پذیرفتند که در انجام امور شرکت در تهران همکاری کنند.^(۶۱) در شیراز حاج عبدالرحمن صاحب شیرازی مدیر کمپانی فارس وکالت شرکت اسلامی در آن شهر را پذیرفت. به نظر می‌رسد برای افتتاح شعبه شرکت در شیراز موانعی وجود داشته که شرکت به ناچار آقا سیدجمال‌الدین واعظ اصفهانی را برای ایراد سخنرانی و تبلیغ اهداف شرکت اسلامی به شیراز فرستاد و وی مجموعه سخنرانی‌هایی در مسجد وکیل انجام داد و مردم را به استفاده از کالاهای وطنی و چشم پوشیدن از «امتنه خارجی» ترغیب کرد. شرکت در شیراز توفیق چندانی نیافت و حتی نشانه‌هایی از افتتاح آن نیز در دست نیست چرا که در جزایر آن زمان انعکاسی از افتتاح شعبه شرکت در شیراز وجود ندارد. از منابع موجود به درستی معلوم نیست که چه دست‌هایی با آغاز به کار و فعالیت شرکت مخالفت می‌کرد. آیا در بین تجار گروه‌هایی که از طریق ورود کالاهای غربی به تجارت می‌پرداختند با چنین شرکتی با اهداف تبلیغ و عرضه تولیدات داخلی موافق نبودند؟ یا سرمایه‌های خارجی با همکاری عوامل داخلی مانع پا گرفتن چنین شرکت‌هایی بودند. معلوم نیست علت ناموفق بودن شرکت در شیراز چه بود و چرا در اصفهان به فعالیت پرداخت ولی در شیراز با مخالفت‌هایی جدی مواجه شد. جای این سوال است که آیا این مخالفت‌ها در شهرهای دیگر نیز وجود داشته و در مواردی قدرتمندتر یا ضعیف‌تر عمل کرده است؟

در بوشهر آقا سید محمد رضا تاجر کازرونی وکالت شرکت را به عهده گرفت و افتتاح آن در ماه صفر ۱۳۱۸ بود. در یابیگی بوشهر برای تشویق فعالیت‌های شرکت نخستین محموله آن را یک جا خریداری کرد. اما در بوشهر نیز مانند شیراز دست‌هایی برای سنگ اندازی در کار شرکت آغاز به کار کردند. روزنامه حبل‌المتین به حسادت برخی افراد و تلاش برای از بین بردن اعتبار وکیل شرکت اشاره می‌کند و می‌افزاید، سید محمد رضا تاجر کازرونی شخصی «درستکار و وطن‌شناس» است و به این دلیل که «رجوعات به دیگران کمتر شده بعضی از همکاران در باطن با ایشان عناد ورزیده محرک بعضی مردمان بیکار شده که به اداره

روزنامه‌جات خطر پرانی نموده حقیقت حالات را قسم دیگر جلوه دهند.^(۶۲) در پایان قبل از آرزوی ترقی وطن، خواهان اصلاح فساد اخلاق ملت می‌شود. با آگاهی‌هایی که در روزنامه ثریا مطرح می‌گردد مشخص می‌شود که شخصی به نام سیدحسن طلبه با طرح ادعاهای واهی در صدد بی‌اعتبار کردن وکیل شرکت اسلامیة برمی‌آید.^(۶۳) به هر صورت پیداست که شرکت در بوشهر نیز کاری از پیش نمی‌برد ولی به نظر می‌رسد تعارضات درونی طبقه تجار همان‌طور که پیش از این اشاره شد مانع تداوم فعالیت‌های شرکت شده است.

همان‌طور که پیش از این بیان شد، روشنفکران از زمره افرادی بودند که با قلم و زبان خود از سمت و سوی سرمایه‌گذاری‌ها حمایت می‌کردند. در مورد شرکت اسلامیة و فعالیت‌های آن در مشهد نیز چنین است. ادیب‌الممالک فراهانی شاعر، ادیب و سخنور نامدار در مشهد سکونت داشت و روزنامه «ادب» را در آن‌جا منتشر می‌کرد. وی در روزنامه خود اخبار و مقالاتی در تبلیغ شرکت و خلاصه سخنرانی‌های سیدجمال واعظ در شیراز به چاپ رساند. به رغم تبلیغات بسیار در خصوص بی‌اعتنایی به منسوجات فرنگی، انحطاط تجارت ایران و تشویق و ترغیب صنایع وطنی، با این حال شرکت اسلامیة به ایجاد یک نمایندگی در مرکز استان خراسان توفیق نیافت. در مورد فعالیت شرکت در تبریز نیز آگاهی‌های در دست نیست. تنها خلاصه‌ای از سخنرانی مجتهد تبریز/حاجی میرزا حسن آقا منتشر شده است که مردم را از استعمال «منسوجات اجانب» بر حذر داشته است.^(۶۴) به هر حال شرکت در تبریز نیز نتوانسته کاری انجام دهد. از دلایل عدم موفقیت شرکت در این شهر که از بزرگترین مراکز تجاری کشور بود، اهمیت آن به لحاظ واردات و صادرات از طریق استانبول به اروپا بود و تاجر بزرگی در آن زندگی می‌کردند که واردکننده کالاهای غربی بودند و بدیهی است با فعالیت شرکتی که کالاهای وطنی را تبلیغ می‌کرد نمی‌توانستند موافق باشند. مخالفت و رقابت شرکت‌هایی که در تبریز فعالیت تجارتنی داشتند و رقابت محمدعلی میرزا با عمویش ظل‌السلطان که از شرکت حمایت می‌کرد نیز محتملاً در ناکامی‌های شرکت در تبریز موثر بوده است.

شرکت اسلامیة تنها به فعالیت در شهرهای کشور بسنده نکرده و حوزه تبلیغاتی خود را به بیرون از مرزها نیز گشاند. حاج زین‌العابدین تقی‌اف^(۶۵) از سرمایه‌داران بزرگ قفقاز وکالت شرکت را به عهده گرفت و ارفع‌الدوله سفیر ایران در روسیه طی بخشنامه‌هایی مفصل به تمام کنسول‌گری‌های ایران در روسیه و مامورین مقیم آن کشور، آنان را از ایجاد چنین شرکتی آگاه ساخت.^(۶۶) شرکت در روسیه دست به تبلیغ و تلاش بسیار برای بازاریابی کرد. شرکت اسلامیة به فکر ایجاد نمایندگی در کشور مصر نیز افتاد. آقامیرزا محمدحسین مشکی از طرف شرکت به مصر رفت تا مقدمات ایجاد نمایندگی را در آن‌جا برقرار کند.^(۶۷) شرکت با همکاری برخی تاجر مقیم مصر در ۲۳ رجب ۱۳۱۸ افتتاح شد. تجاری که در آغاز به کار شرکت با آن همکاری کردند حاجی آقا بزرگ تاجر شیرازی و حاجی محمدعزیز تاجر هندی

و حاجی میرزا علی اکبر تاجر اصفهانی بودند.^(۶۸) علمای بزرگ نجف از فعالیت شرکت اسلامیة استقبال کردند و فتواهایی در تایید شرکت و ترغیب شیعیان در خرید سهام شرکت صادر کردند. در شوال ۱۳۱۸ جلسه‌ای از تجار بغداد تشکیل شد تا در خصوص همکاری با شرکت اسلامیة گفتگو کنند. وکلای شرکت در بغداد حاجی میرزا کاظم طباطبایی و حاجی سیدحسین حکاک بودند. با این حال نشانه‌هایی از موفقیت و رونق شرکت در بغداد در دست نیست.^(۶۹)

شرکت اسلامیة در انجام فعالیت‌های خود اهدافی را دنبال می‌کرد^(۷۰) که در گزارشی از روزنامه حکمت چنین تشریح شده است: ۱- این شرکت مطلقاً تجارت امتعه خارجه نخواهد کرد مگر بعضی ادوات کارخانه‌ها؛ ۲- شرکت با حکومت برای احداث راه شوسه قم اصفهان در حال گفتگو است؛ ۳- مقابله با احتکار، نجات مردم از گرانی، انتقال کالاهای مورد نیاز به مکان‌هایی که لازم است؛ ۴- تدارک لباس تمام اهالی ایران، چنانکه علمای اصفهان می‌خواستند مردم را از پوشیدن لباس و منسوجات خارجی منع نمایند اما روسای شرکت استدعا نمودند تا لوازم موجود نشود، اظهار نمایند؛ ۵- این شرکت هر چیزی را که به آن بدهند به قدر کفاف از آن حاضر می‌نماید حتی ماهوت اتریش را ولی آنقدر باشد که بتوانند اسباب نساجی آن را از فرنگستان آورده برسانند.^(۷۱) بدیهی است شرکت برای موفقیت در انجام امور خود به حمایت قدرت‌های سیاسی و مذهبی نیاز داشت. از حامیان مهم شرکت مسعود میرزا ظل‌السلطان والی مقتدر اصفهان و رکن‌الملک نایب‌الحکومه شهر بودند. نام و اهداف شرکت و نیاز آن به حمایت روحانیون برای به دست آوردن جلب نظر مردم موجب نزدیکی صاحبان شرکت به روحانیون شد و سه روحانی بزرگ اصفهان، شیخ محمدتقی آقا نجفی^(۷۲) و دو برادرش حاج آقا نورالله عمادالاسلام و حاج شیخ محمدعلی ثقه‌الاسلام از افرادی بودند که شرکت را مورد حمایت قرار دادند. آقانجفی حمایت‌های کلی می‌کرد ولی ثقه‌الاسلام همواره مراقب بود و مرجعی برای حل مشکلات شرکت به شمار می‌رفت. علاوه بر این تعداد بسیاری از مجتهدان فعالیت شرکت را مورد تایید قرار دادند و فتواهایی در این خصوص صادر کردند.^(۷۳) با همه حمایت‌ها و تاییدهای صاحبان قدرت شرکت اسلامیة از توفیق چندانی بهره‌مند نشد و فعالیت آن تداوم چندانی نیافت. علل شکست شرکت را به طور مختصر در چند مورد می‌توان بیان کرد: عدم همراهی دولت در عمل، در برخی از اسناد شواهدی دیده می‌شود حاکی از اینکه دولتمردان دربار مظفری به سخن شرکت را تایید کرده‌اند اما در عمل حاضر به همیاری نشده‌اند. در بین این اسناد نامه‌ایی وجود دارد که مدیر شرکت از صدر اعظم خواسته که لباس ارتشیان را از منسوجات شرکت خریداری کنند تا موجب تقویت شرکت شود ولی مظفرالدین‌شاه در ذیل نامه نوشته است: «ضرر ندارد اما مشکل است آن‌ها بتوانند از عهده برآیند»^(۷۴)

این امر حاکی از عدم اعتماد دولت نسبت به انجام امور شرکت و عدم همکاری با آن بود

که تداوم کار شرکت را با دشواری مواجه می‌ساخت. مورد دیگر نامرتب بودن پرداخت وجوه سهام بود به این ترتیب که بعضی از خریداران سهام خریده ولی پرداخت وجوه آن را موکول به بعد می‌کردند یا برخی سهامداران از خرید پشیمان شده و بهای آن را طلب می‌کردند. منظم نبودن پرداخت سود سهام نیز موجب شکایت سهامداران و متوسل شدن به افراد صاحب نفوذ برای گرفتن سود یا پس دادن سهام می‌شد. نمایندگان شرکت در شهرستان‌ها درآمد فروش کالاهای شرکت را به موقع ارسال نمی‌کردند و این امر نیز به بی‌نظمی امور مالی شرکت می‌افزود. وجود کمپانی‌های رقیب و تعارضات درونی طبقه تجار، به طوری که فعالیت برخی از تجار واردکننده کالاهای خارجی با عملکرد شرکت در تعارض بود حضور و رقابت فعال سرمایه‌های خارجی نبودن افرادی آگاه و مطلع از علوم و فنون صنعت نساجی و تقلب در کار شرکت، از عوامل عدم موفقیت شرکت محسوب می‌شود.

۱۴- شرکت عمومی ایران

در سال ۱۳۱۷/۱۸۹۹ شرکت عمومی با سرمایه‌گذاری ۱۷ تن از تجار معتبر تاسیس شد. نظام‌نامه شرکت توسط حاج محمدکاظم ملک‌التجار تهیه شد و مورد استقبال عموم قرار گرفت. مدیریت شرکت که با سرمایه یک میلیون تومان وارد فعالیت‌های صرافانی شد به عهده حاج سیدمحمد تاجر معروف به صراف بود. فعالیت عمده شرکت، صرافانی بود و در کنار آن به راه‌سازی نیز پرداخت و در تاسیس راه آستارا به اردبیل اقدام کرد. سوء مدیریت شرکت، آن را بدنام کرد و وضعیت آن در سال‌های ۴-۱۳۲۳/۶-۱۹۰۵ رو به وخامت گذارد به طوری که «خلق او را چون امراض مسریه واجب‌الاجتناب می‌شمارند» و نزدیکی به شرکت را مایه خسران و زیان قلمداد می‌کردند و اینکه از «هر کسی مطالبات دارد، یک تومان را سه تومان به عطف مطالبه می‌کنند.» طی اعتراض نامه‌ای که در روزنامه حیل‌المتین به چاپ رسید گروهی از مردم نایین از تجاری که با مهر و تایید خود در پشت سهام شرکت موجب اعتماد مردم به آن شدند شکایت‌نامه‌ای به چاپ رساندند. (۷۵)

ب) سرمایه‌گذاری در صنایع و مقاطعه راه‌ها

سرمایه‌گذاری در بخش صنایع از دیگر راه‌یابی‌های تجار در به کار انداختن مازاد سرمایه‌شان بود. هر چند وجود کارگاه‌های صنعتی و صنایع دستی در ایران قدمت بسیار داشت و شهرهایی چون کاشان، یزد، مشهد، اصفهان و شهرهای دیگر کشور در زمینه گلابتون‌دوزی، ابریشم‌بافی، شال‌بافی، شعربافی، پارچه‌های پنبه‌ای و چلواربافی، شمعی، شیشه‌گری، صنعت آهن و فولاد، شمشیر و چاقوسازی و دیگر «صنایع قدیمه» فعال بودند، در دهه‌های نخست قرن نوزدهم، صنایع کشور افول و ناامنی دوران پس از صفویه را پشت

سرگذاشت و در سایه ثبات و استقرار حاکمیت قاجار به تجدید حیات خود پرداخت. اما تحولات سیاسی این دوران و گسترش روابط تجاری ایران، صنایع بومی کشور را در معرض رقابت کالاها و منسوجات غربی قرار داد. صنایع کوچک داخلی قادر به رقابت با کالاهای غربی نبودند و به تدریج از تعداد کارگاه‌های این صنایع کاسته شد.^(۷۶) افول و نقصان صنایع بومی و عدم موفقیت سرمایه‌گذاری صنعتی جدید دلایل متعددی داشت. مهمترین مسأله ورود کالاهاى غربی بود که از مرغوبیت بهتر و قیمت ارزانتر برخوردار بودند. این عامل خارجی و فعالیت سرمایه‌داران غربی برای تاسیس کارخانه در ایران و استفاده از نیروی کار ارزان و به دست گرفتن بازار کشور، موجب واکنش سرمایه‌داری ایرانی شد. برخی از تجار بزرگ راه جدیدی برای کسب درآمد و الگوبرداری از عملکرد و سرمایه‌داری غربی یافتند و خود به تاسیس کارخانه مبادرت کردند. اما غافل از اینکه حرکت به سوی سرمایه‌داری صنعتی نیاز به امکانات و تسهیلات اولیه داشت از جمله:

- ۱- دولت متمرکز قوی که موجب امنیت اجتماعی و مالی گردد.
- ۲- راه‌های ارتباطی و نظام حمل و نقل مناسب.
- ۳- موسسه‌های مالی و اعتباری و لزوم تاسیس بانک ملی.
- ۴- ایجاد راه‌آهن برای تسهیل در حمل و نقل.
- ۵- قوانین مناسب به جهت حمایت تولیدات داخلی.
- ۶- افزایش سرمایه از طریق حمایت‌های دولتی یا تاسیس شرکت‌های سهامی.
- ۷- ناکارآمدی نیروهای داخلی به دلیل جدید بودن نوع سرمایه‌گذاری و عدم آگاهی‌های کارشناسی و مدیریتی.
- ۸- رشد و توسعه تجارت برای افزایش سرمایه و فروش محصولات تولید شده.
- ۹- حمایت دولت از تولیدات داخلی و ایجاد ممنوعیت در تجارت آزاد با اعمال محدودیت‌های گمرکی.
- ۱۰- فرهنگ پویای صنعتی.

دولت قاجار به جز دوره‌های کوتاه صدراعظم‌های اصلاح‌گرا به ضرورت حمایت دولت از صنایع داخلی در قبال رشد فزاینده سرمایه‌های خارجی آگاهی نیافت. در دوره ولایتعهدی عباس میرزا و وزارت قائم مقام تلاش‌های محدودی در راه‌اندازی کارخانه‌های ماشینی و گشایش چاپخانه در ایران به وجود آمد.^(۷۷) ولی در همان حال فتحعلی‌شاه ورود کالاهاى انگلیسی به کشور را از پرداخت مالیات معاف کرد. به جز در دوران کوتاه صدارت امیرکبیر و میرزا حسین خان سپهسالار، سیاست اقتصادی دولت قاجار به سمت حمایت و تقویت صنایع داخلی پیش نرفت.^(۷۸) محمدحسن‌خان امین‌الضرب سعی کرد دولت را به سرمایه‌گذاری و حمایت از تولیدات داخلی ترغیب کند ولی پس از آنکه کوشش‌هایش

بی نتیجه ماند، خود به طور شخصی عمل کرد و در زمینه صنعت و راه سازی دست به اقداماتی زد. سرمایه گذاری در استخراج معادن، تاسیس کارخانه ذوب آهن و ریخته گری در مازندران و تصمیم به احداث راه آهن برای کاهش هزینه حمل و نقل از اقدامات وی بود. مهمترین مانع احداث کارخانه هزینه گزاف حمل آهن از کارخانه به آمل یا دریا بود چراکه هزینه انتقال با حیوانات بابر گرانتر از تولید بود و سرعت انتقال آن نیز بسیار کند بود.^(۷۹) علاوه بر این امین الضرب کارخانه ابریشم تابى رشت را به راه انداخت و برای این منظور از چند تن از مهندسین فرانسوی کمک گرفت. وی همچنین در زمینه احداث خط آهن توانست امتیاز راه آهن محمودآباد - آمل را از ناصرالدین شاه بگیرد تا بعد از احداث کارخانه ذوب آهن در محمودآباد امکان انتقال سریع تولیدات برای صدور از کشور فراهم گردد و در این مسیر از کارشناسان بلژیکی کمک گرفت ولی به دلیل اختلاف با بلژیکی ها آن ها را مرخص کرد و از افراد ایرانی استفاده کرد. ولی کار به صورت ناقص و ناشیانه انجام شد و کار راه آهن متوقف شد و در این طرح وی سرمایه زیادی را از دست داد. امین الضرب قصد داشت انحصار تجارت پایتخت به دریای خزر را به دست گیرد و بدین منظور در تهران به ایجاد کارخانه هایی از جمله بلورسازی مبادرت نمود و مرمت و ایجاد راه های شوسه فیروزکوه، آمل و خط آهن تهران - شمال را نیز از اهداف خود قرار داد. فعالیت های وی در ایالاتی که همواره تحت نفوذ اقتصادی روس ها بود با منافع این کشور در تضاد افتاد و کارخانه وی با دسایس روس ها تعطیل شد.^(۸۰) به جز امین الضرب تجار دیگری نیز در جهت ایجاد و توسعه صنایع و کسب امتیاز از دولت به فعالیت پرداختند. با این همه تاسیس کارخانه در ایران منحصر به سرمایه داران ایرانی نبود. کشورهای اروپایی نیز بازار ایران را زمینه بکری برای سرمایه گذاری دیدند. نمونه هایی از این تلاش ها و رقابت ها در دو جدول جداگانه مشخص شده است:^(۸۱)

جدول شماره ۱: تلاش سرمایه داری داخلی در بخش صنعت

نوع کارخانه	سرمایه گذار	سال (قمری / میلادی)	محل کارخانه	توضیحات
ریسمان ریزی	ناصرالملک	۱۲۷۵	تهران	از مسکو خریداری شد و بعد از چندی کارکردن معطل ماند و به فروش رسید.
تفنگ سازی	-	۱۲۷۶	تهران	در ماه هار قبضه تفنگ می ساخت.
کاغذ سازی	-	-	تهران	-
شکر ریزی	-	-	مازندران	-
چلو اربافی	-	-	تهران	-
بلور سازی	-	۱۲۸۵	تهران	با همکاری بلژیکی ها تولید

مرغوب داشت ولی به دلیل کمبود مواد اولیه تعطیل شد.				
بعد از مدتی تعطیل شد	تهران	۱۳۰۵	حاج محمد حسن امین الضرب	بلور سازی
به واسطه دسایس روس ها تعطیل شد	تهران	-	حاج محمد حسن امین الضرب	چینی سازی
به واسطه دسایس روس ها تعطیل شد	تبریز	-	حاج عباس علی و حاجی رضا	چینی سازی
-	تهران	-	-	شمع ریزی
	اصفهان و تهران	-	-	کاغذ سازی
نیروهای نظامی ظل السلطان از پنجاه های این کارخانه استفاده می کردند	اصفهان	-	-	ساجی اقمشه کتانی
وسایل کارخانه از فرانسه خریداری شد و از بزرگترین کارخانه های آن زمان بود.	گیلان	-	حاج محمد حسن امین الضرب	ابریشم تابی
به ملاحظات سیاسی و سوء اداره چندی بعد تعطیل شد.	رشت	-	آقا محمد محسن رشتی و همکاری مالی روسها	ابریشم تابی
-	-	۱۲۷۸	دولتی	باروت کوبی و چاشنی سازی
به دلیل نبودن زغال تعطیل شد. بعد از مدتی یک ایرانی آن را خرید و به یک کمپانی بلژیکی فروخت ولی بلژیکی ها هم موفق نشدند و کارخانه بسته شد.	تهران	۱۲۹۷	میرزا حسین خان قزوینی (سپهسالار)	چراغ گاز
-	تبریز	۱۳۲۶	حاج رحیم آقا قزوینی	ریسمان ریزی
-	سبزوار و نیشابور	-	حاج میرزا علی محمد اصفهانی	پنبه کاری
از آلمان خریداری شد و در سال ۱۳۲۵ شروع به کار کرد	تهران	۱۳۲۳	حاج حسین آقا امین الضرب	چراغ برق
از روسیه خریداری شد برای روشنایی حرم حضرت رضا و خیابان مجاور آن	مشهد	۱۳۲۰	حاج محمد باقر میلانی (رضایوف) از طرف مظفرالدین شاه	چراغ برق

چراغ برق	قاسم خان امیر تومان پسر	-	رشت و تبریز	- عالی خان والی
آجر پزی	حسین آقا امین الضرب	-	تهران	پس از مدتی بسته شد
چلو آبافی	-	-	تهران	-
صابون پزی	ربیع زاده و شرکاء	۱۳۲۸	تهران	صابون اعلاء تولید می کردند.
آبجوسازی	-	۱۳۲۸	تهران	-
ریسندگی	مرتضی قلی خان صنیع الدوله	۱۸۹۴/۱۳۱۲	-	در ابتدا محصول آن بسیار اعلا بود ولی در رقابت با تولید کنندگان خارجی که با کاهش قیمت بهای کالایه میدان آمدند نتوانست دوام بیاورد و از میان رفت و بسته شد.

جدول شماره ۲: سرمایه گذاری خارجی در بخش صنعت در اواخر قاجار

نوع کارخانه	محل کارخانه	تعداد	تابعیت	تعداد کارگران
قندسازی	کهریزک	۱	بلژیکی	۳۰۰
قالی بافی	تبریز	۱	آلمانی	۱۰۰
کبریت سازی	تهران	۱	روسی	۵۰
تأسیسات نفتی	انزلی - آستارا	۵	روسی	۱۷۰
پنبه پا ککنی	مازندران - خراسان	۱۷	روسی	۲۷۲
ساختمانی	آذربایجان	۱	روسی	۳۰
ابریشم تابی	برکاده	۱	روسی	۲۰
مونتاز	تبریز	۱	آلمانی	۲۰
برق	انزلی	۲	روسی	۳۰
آجر پزی	ارومیه	۱	آلمانی	۲۰
روغن گیری	رودبار	۱	روسی	۲۰
تنباکو	مشهد	۱	روسی	۲۰
الکل سازی	ارومیه	۱	روسی	۱۵
پخش سازی خوشناریا	انزلی	۱	روسی	۱۰
آسیای بخار	قزوین - ارومیه	۲	روسی - آلمانی	۲۰
چوب بری	گیلان - ارومیه	۳	روسی - آلمانی	۴۰
فشنگ سازی	اصفهان	۱	آلمانی	۱۵

جدول شماره ۳: سرمایه گذاری خارجی در بخش صنعت

نوع کارخانه	سال قمری / میلادی	تابعیت	محل کارخانه	توضیحات
روغن زیتون	۱۸۹۶/۱۳۱۳	روسی	رودبار	دو تاجریونانی تابع روسیه امتیاز آن را گرفته و ماشین آلات از انگلستان خریداری شد. محصولات به روسیه صادر می شد. با افزایش عوارض گمرک روسیه کارخانه قادر به ادامه کار نشد و تعطیل گردید.
کبریت سازی	۱۸۹۱/۱۳۰۸	روسی	خلایبر	به تشویق امین الدوله در نزدیکی ملکوی تاسیس شد. به علت کمبود چوب و عدم رقابت با کبریت آتروش و سوند بسته شد.
قند سازی	۱۸۹۶/۱۳۱۳	بلژیکی	تهران	به تشویق امین الدوله به چغندر کاری در املاک وی در کهریزک پرداخت و کارخانه در همانجا تأسیس شد. به علت نبودن کارخانه قادر به رقابت با قند روسیه نبود. روس ها که صادر کننده عمده قند به ایالات شمالی بودند به طور موقت قیمت قند را رزان کردند. کمبود چغندر نیز علت دیگر تعطیل شدن کارخانه بود.
پنبه پاک کنی	۱۹۰۲/۱۳۲۰	روسی	بارفروش ساری به شهر بندرگز آمل	این کارخانه ها که تعداد آن ها بسیار بوده طور کلی در اختیار سرمایه داران غیر ایرانی بود و علاوه بر سودی که از خرید پنبه ارزان و نیروی کار ارزان به دست می آوردند از تسقلب در وزن کردن نیز مبالغه می سود به دست می آوردند کارخانه های پنبه پاک کنی بیشتری در سال های ۱۳۲۴-۱۳۲۳/۱۹۰۶-۱۹۰۵ تأسیس شد.
چوب بری	۱۸۸۹/۱۳۰۷	روسی	گیلان - مازندران	امتیاز آنحصاری قطع و صدور سالانه صد هزار درخت شمشاد و سرو از جنگل های شمال کشور را به دست آوردند. در سال ۱۳۳۰ هجری شرکت صنایع چوب ایران و روس تشکیل شد. تأسیس کارخانه بسرق و راه آهن رشت - پسیربازار از تاسیسات آن بود.
ابریشم تایی	۱۸۸۳/۱۳۳۰	روسی	رشت	توسط آقامحمد رشتی و با سرمایه روسی

تاسیس شد و پس از مسدودی به دلیل ملاحظات سیاسی و سوء مدیریت تعطیل شد.				
پس از مدتی تعطیل شد.	-	بلژیکی	۱۸۹۱/۱۳۰۹	بلور سازی
-	مشهد	روسی	۱۹۰۰/۱۳۱۸	دخانیات
-	قزوین	روسی	۱۹۱۳/۱۳۳۱	آسیای بخار
اتباع روسیه چندین موسسه صنعتی در شهرهای مختلف خراسان از جمله نیشابور تاسیس کردند.	خراسان	روسی	۱۹۱۳/۱۹۱۶	گازکاه های صنعتی
-	ارومیه	روسی	۱۹۱۴/۱۳۳۲	مشروبات الکلی

جداول مذکور بیانگر حضور و فعالیت سرمایه داران ایرانی در بخش صنعت و رقابت با سرمایه داران خارجی است. اما توسعه صنایع با موانعی مواجه شد. حضور دو قدرت بزرگ سیاسی در ایران مانع فعالیت دیگر کشورها از جمله آلمان، بلژیک و فرانسه شد. انگلستان طی این سالها بیشتر به امور تجاری و بانکی علاقه داشت و تنها در اواخر دوران قاجار با سرمایه گذاری در صنعت نفت وارد فعالیت های صنعتی شد، اما سرمایه داران روسی همان طور که در جداول مشخص شده است در فعالیت های صنعتی مشارکت داشتند. تجار ایرانی در رقابت با سرمایه های خارجی و سرمایه گذاری در شاخه های جدید صنعتی و گسترش تجارت خارجی گرایش و توان خود را به کار گرفتند و حتی به روش های جدید تجاری که مشارکت را در امر سرمایه گذاری و تاسیس شرکت های سهامی بود، مبادرت کردند، ولی از سرمایه، آگاهی و توان کمتری برخوردار بودند و از حمایت های لازم دولتی نیز محروم بودند. با وجود سرمایه گذاری در شاخه های جدید، از آنجا که سیاست کلی حاکم بر جامعه و دولت هماهنگی لازم را با این حرکت نداشت این اقدام همچون زائده ای نامناسب با دیگر اجزاء دوام چندانی نیافت. تنها کارخانه هایی همچون پنبه پاک کنی که به آماده سازی محصولات کشاورزی مرتبط بود، دوام و توسعه یافت ولی کارخانه های نساجی و قندسازی که با مصنوعات خارجی رقابت داشت قادر به ادامه فعالیت نشد.

تسهیل حمل و نقل از نیازهای اساسی تجار بود. از عوامل رکود سرمایه، گرانی و کمبود کالا، قحطی، عدم رشد تجارت و صنعت می توان از مشکلات حمل و نقل در راه های نامناسب، ناامنی، عوارض راهداری، پراکندگی جمعیت، طولانی بودن سفرها، فساد کالاها و حمله راهزن ها نام برد. بهبود راه های انتقالی و حمل و نقل کالا از مهمترین مسایل تجار در این زمان بود. گاهی تجار از بی تفاوتی دولت به تنگ آمده و خود به احداث و تعمیر راه های شوسه و ارابه رو اقدام می کردند. به پیشنهاد میرزا یوسف مستشارالدوله مجلسی از تجار،

علما و اعیان تشکیل شد تا با تشکیل شرکت سهامی در ایجاد راه جلفا و آستارا مشارکت کنند. ملک‌التجار و رئیس‌التجار، تجار اصفهانی مقیم تبریز، تجار ارمنی و پنجاه و سه نفر از تجار، علما و معارف شهر سهم خریدند. میرزا جواد مجتهد در این امر همکاری بسیار کرد و خود نیز سهام‌دار شد. مستشارالدوله طرح راه اراپه‌رو اواجق به قزوین برای انتقال راه تجارت عثمانی به تبریز و قزوین را پیشنهاد داد و طرح راه آهن تهران - عبدالعظیم - قم و مشهد - تهران را مطرح کرد. وی تلاش بسیار برای جلب همکاری روحانیون و تجار بزرگ کرد و این امر را «خلاصی از قحط و غلا»، «سهولت زیارت اماکن مقدسه» و اسباب رونق «زراعت و فلاح و صنعت» عنوان کرد.^(۸۲)

ملک‌التجار مشهد مقاطعه ایجاد جاده عشق‌آباد - قوچان را پذیرفت و تعهد کرد جاده، مسافرخانه و چاه آب در ظرف یکسال ساخته شود. اخذ باج در سراسر جاده به عهده وی گذاشته شد.^(۸۳) در سال ۱۳۰۶/۱۸۸۸ کمپانی راه آذربایجان به منظور توسعه راه‌های منطقه از تبعه داخلی و خارجی تشکیل شد ولی در ساختن راه تبریز به قزوین ناموفق بود و امتیاز خود را در ۱۳۱۹/۱۹۰۱ به بانک استقراضی واگذار کرد. تاسیس راه رشت به قزوین را یک کمپانی روسی - ایرانی به عهده گرفت.^(۸۴) تجار بر ضرورت و اهمیت وجود راه‌سازی و خط آهن واقف بودند هر چند در این امر از حمایت‌های دولت برخوردار نشدند اما مشارکت آن‌ها در این امر حاکی از تفکر نوین اقتصادی و درک هوشیارانه آن‌ها از روند تحولات اقتصادی جدید بود.

ج) تشکیل بانک

تا پیش از تاسیس بانک‌های اروپایی در ایران نظام بانکی در کشور به سبک سنتی اداره می‌شد و انجام امور مالی به عهده صراف‌ها بود. آنان رابط تجار با جهان خارج بودند، برات خارجه و داخله می‌فروختند؛ سران دولتی یا شاهزادگان پول‌های خود را به تجار و صراف‌های معتبر به ودیعه داده و در ازای آن «صرف» می‌گرفتند.^(۸۵) تنزیل پول، قبول مستمری و حقوق دیوانی، پرداخت وام به کسبه و زارعان و نیازمندان از کارهای عمده صراف‌ها بود. تنها ضمانت واقعی در امور صرافی، عرف و اعتماد متقابل بود. در واقع عملیات صرافی و تجاری به هم آمیخته بود چون تقسیم کار و تخصص در یک رشته به خصوص تجاری و مالی وجود نداشت و محور اصلی فعالیت‌ها سودآوری آن بود، برخی از تجار بزرگ به عملیات صرافی نیز می‌پرداختند. تجار معتبر برای کارهای مالی و مبادلات پولی و حواله به شهرها و مناطق مختلف با صراف‌های به‌خصوصی همکاری داشتند که نماینده مالی آن‌ها در آن ناحیه محسوب می‌شدند. حواله‌های تجاری به خارج از کشور مانند بمبئی، لندن، قلیس، ادسا، بغداد، طرابوزان و سایر مراکز تجاری از طریق صراف‌ها و شعبه‌های تجارتخانه‌های معتبر صورت می‌گرفت و در مقابل وثیقه‌های جنسی، مالی یا

اعتباری داده می‌شد. صراف‌هایی با مذاهب گوناگون در سراسر کشور به فعالیت مشغول بودند. امور صرافی در خراسان توسط ارامنه و تاتارها، در غرب یهودیان و در مرکز و جنوب از طریق زرتشتیان، اعراب و هندی‌ها، انجام می‌شد.^(۸۶) میزان سرمایه هر کدام از صراف‌ها متفاوت بود. کرزن از تعداد ۱۴۴ صرافی در مشهد گزارش می‌دهد که مجموع سرمایه آن‌ها بالغ بر ۹۳۱۰۰۰ تومان و سرمایه دو نفر از آن‌ها ۱۰۰ هزار تومان، سه نفر میزان ۵۰ هزار تومان و دو نفر دیگر ۳۰ هزار تومان و بقیه دارای سرمایه‌های جزیی بودند.^(۸۷) ارقام حاکی از آن است که تعداد صرافی‌های بزرگ با سرمایه‌های کلان اندک بوده است. تجار و صراف‌ها برای تبدیل برات‌ها به پول نقد مبلغی در حدود ۴۰ درصد آن را کم می‌کردند. نوسانات ارزش سکه و محدودیت نقل و انتقال آن، کمبود پول و ناامنی حمل مسکوکات ضرورت فعالیت صراف‌ها را ایجاد می‌کرد.^(۸۸)

گسترش تجارت خارجی ایران در نیمه دوم قرن نوزدهم ضرورت تغییر در ساختار نظام سنتی صرافی را ایجاد می‌کرد. بسیاری از روشنفکران، تجار و سرمایه‌داران ایرانی به ضرورت تاسیس نظام بانکی جدید با سرمایه کلان و متمرکزتر برای به کارگیری در طرح‌های وسیع‌تر توسعه کشور واقف بودند. میرزا ملکم‌خان در «کتابچه غیبیه» به شاه پیشنهاد بانکی با سرمایه اولیه یک میلیون تومان داد که سرمایه آن از فروش املاک خالصه سلطنتی تأمین شود. هر چند این پیشنهاد پذیرفته نشد ولی در ۱۸۶۶/۱۲۸۲ شاه با یک بانک فرانسوی برای تاسیس بانکی در تهران مذاکره کرد که بی‌نتیجه ماند.^(۸۹)

حاج محمدحسن امین‌الضرب در سال ۱۸۷۹/۱۲۹۶ پیشنهاد تاسیس بانکی با سرمایه دولتی و خصوصی داد. وی این کار را زمینه‌ای برای سرمایه‌گذاری در بخش صنعت، راه‌آهن و ارتباطات و عمران کشور می‌دانست و ایجاد بانک و حمایت دولت را یک ضرورت حتمی در اصلاح ساختار اقتصادی کشور عنوان می‌کرد اما حکومت ناصری توجهی به پیشنهاد وی نمی‌کند.^(۹۰) در سال ۱۸۸۴/۱۳۰۱ مجلس وکلای تجار تشکیل شد که به شرح آن در فصل بعدی خواهیم پرداخت. در فصل دوم کتابچه عرایض این مجلس از دولت اجازه تشکیل بانکی خواسته شده که مخصوص اداره تجارت باشد و به تدریج در همه ولایات گسترش یابد.^(۹۱) انگلیسی‌ها در سال ۱۸۸۸/۱۳۰۳ بانک جدید شرق را تأسیس کردند. فعالیت این بانک بیش از دو سال دوام نیافت و در سال ۱۸۹۰/۱۳۰۵ اثنایه و شعب خود را به بانک شاهنشاهی فروخت.^(۹۲)

امتیاز بانک شاهنشاهی در سال ۱۸۸۹/۱۳۰۷ به مدت شصت سال به بارون دورویتر واگذار شد و بانک، انحصار نشر اسکناس و بهره‌برداری از کلیه معادن ایران به جز طلا و نقره و جواهرات را به دست آورد. دولت انگلستان نیز طی فرمانی با بانک شراکت سی ساله نمود. در امتیازنامه بانک به عنوان یک موسسه مالی اجازه همه نوع فعالیت تجاری، مالی و صنعتی به آن داده شد و بانک از پرداخت مالیات معاف گردید و تنها موظف به پرداخت

سالیانه ۶ درصد از منافع خالص خود به دولت ایران بود. بانک در شهرهای مشهد، تبریز، رشت، اصفهان، شیراز و بوشهر اقدام به گشایش و افتتاح شعبه کرد و سود سپرده بانکی را تا ۱۲ درصد کاهش داد. البته نرخ بهره به شهرت و تمکن مالی شخص در بازپرداخت وام بستگی داشت. تجار و صراف‌ها از ۱۸ تا ۳۰ درصد نرخ بهره در نظر می‌گرفتند.^(۹۳) این اقدام بانک، تسلط و اعمال نفوذ آن بر کلیه مبادلات پولی، تجاری و انحصار نشر اسکناس، نظارت بانک بر توزیع کالا در داخل کشور، کنترل حجم پول در گردش و حرکت سرمایه‌ها داخلی و نظارت بر اعتبارات پولی افراد موجب برانگیختن اعتراض‌های وسیع تجار و صراف‌ها در مقابله با عملیات بانک شاهی شد. بانک به سلاح تمرکز سرمایه مجهز بود، با برتری‌های تکنیکی و رموز بانکداری جدید آشنا بود و از سویی دیگر تجار و صراف‌های ایرانی به تجربه و آشنایی با اوضاع بازار روحیه مردم، عادت مردم به آن‌ها و امتیاز بومی بودن مجهز بودند. هر دو خطر وجود دیگری را دریافته بودند. صراف‌های اصفهان طی نامه‌ای به امین‌الضرب از وضعیت نامناسب خود شکایت می‌کنند؛ آن‌ها ابراز می‌کنند بانک شغل آن‌ها را تصرف کرده و کلیه امور صراف‌ها را از جمله حواله، صرف برات، پول دادن به دیوان و داد و ستد مردم و غیره را به دست گرفته و صنف صراف از میان رفته و کار و پیشه آن‌ها تعطیل شده، در حالیکه مالیات را صراف‌ها باید بدهند و بانک از پرداخت مالیات معاف شده. آقامحمدتقی نجفی مجتهد اصفهان نیز طی نامه‌ای حمایت خود از این گروه را اعلام می‌کند و از امین‌الضرب می‌خواهد در رفع این مشکل تلاش نماید.^(۹۴)

پشتوانه پول ایران نقره بود و در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم بهای مسکوکات نقره در ایران ارزان‌تر از نرخ جهانی بود.^(۹۵) به همین دلیل قران نقره به بادکوبه و مسکو حمل و در آنجا گداخته و نقره آن به فروش می‌رسید.^(۹۶) نوسان‌های قیمت نقره در بازارهای خارجی موجب کاهش قیمت قران شد و خساراتی به تجار وارد کرد. بانک شاهی در ازای انتشار اسکناس، طلا از کشور خارج می‌کرد و برای ضرب سکه نقره به ضرابخانه می‌سپرد. امین‌الضرب که ریاست ضرابخانه را داشت موانعی در عملیات بانک ایجاد کرد و حاضر به همکاری و ضرب سکه‌های بانک نشد.^(۹۷) امین‌الضرب به همراه عده‌ای از تجار که طرح ایجاد بانک ملی در سر داشتند با فعالیت‌های بانک به مخالفت پرداختند. تجار بزرگ و صراف‌ها در صدد بودند تا در موقع مقتضی اعتبار بانک شاهی را زیر سوال ببرند. آن‌ها زمانی که دریافتند پشتوانه پول نقره بانک به حداقل رسیده دست به اقدام مشترک زدند. از کسانی که در این امر همکاری داشتند برادران تومانیان، حاج لطفعلی اتحادیه و حاج باقر ملک‌التجار بود. تجار مبالغ زیادی اسکناس برای تبدیل به پول نقره به بانک روانه ساختند. بر اساس امتیاز اگر بانک از پرداخت قیمت اسکناس‌های منتشر شده ناتوان می‌ماند، از نشر اسکناس در تمام ایران ممنوع می‌شد. بانک برای جلوگیری از بحران تنها اسکناس‌هایی را که نام شعبه خود بر آن بود تبدیل به نقره کرد و از بانک استقراضی کمک گرفت. تجار و صراف‌ها به رغم

اتحاد و اعتراض کاری از پیش نبردند.^(۹۸) واکنش دیگر تجار، چاپ و نشر بیجک‌هایی شبیه اسکناس‌های بانک شاهی و به منزله حواله شرکت تجاری فارس بود و از این طریق در صدد رقابت با بانک شاهی برآمدند. بیجک‌های شرکت به دلیل فقدان پول نقد اهمیت بسیار یافت. این مسأله سبب کشمکش‌هایی با سفارت انگلستان شد.^(۹۹)

بانک استقراضی روسیه نیز به نوبه خود در امور تجاری کشور نفوذ بسیار داشت. بانک استقراضی کالاهای مورد نیاز ایران را به کارخانجات روسی سفارش می‌داد. عمده‌ترین کالای صادراتی روسیه به ایران قند و شکر و منسوجات بود. بانک با افزایش تسهیلات و اعتبارات به تجار واردکننده موجب شد این اقلام در ایران به مراتب ارزانتر از خود روسیه به فروش رسد.^(۱۰۰) کمک‌های مالی بانک استقراضی و تعرفه گمرکی مناسب، ورود کالاهای روسی به بازارهای ایران را تسهیل کرد. گسترش کالاهای روسیه در ایران، کارخانه‌های قند و شکر و نساجی ایران را به نابودی کشاند. تجار روسی برای رقابت با کالاهای ایران محصولات خود را به قیمت بسیار ارزان وارد بازار کردند. به دلیل حمایت‌های دولت روسیه و بهره‌مندی از امتیازهای گمرکی برخی از تجار خود را تحت تابعیت روسیه قرار داده و از حمایت کنسولگری برخوردار شدند و به نام‌شان پسوند «اف» اضافه کردند.^(۱۰۱) بانک با پرداخت وام‌هایی با بهره‌های کم، نفوذ سیاسی خود را گسترش داد. کسانی که در موعد مقرر قادر به بازپرداخت اصل و فرع وام خود نبودند اموال و املاک آن‌ها توسط بانک ضبط می‌شد، مانند املاک شاهزاده ظل‌السلطان در اصفهان و املاک ارباب جمشید که در اختیار بانک قرار گرفت.^(۱۰۲) بانک در شرایط خاص از طریق پرداخت وام قدرت خود را اعمال می‌کرد و سرمایه‌داران و افراد حاکمیت قاجاری را به انجام خواسته‌های خود وامی‌داشت.

د) حضور سیاسی تجار و تشکلات قبل از مشروطیت

مواجه شدن تجار با شرایط جدید واکنش‌هایی را در آن‌ها برانگیخت. از آن جمله تشکیل شرکت‌ها، سرمایه‌گذاری در صنایع، تلاش برای کسب امتیاز و رقابت با خارجی‌ها و تشکیل بانک دولتی که تمامی آن‌ها بازتاب کوشش آن‌ها در دستیابی به هویتی مستقل و آگاه بود. شرایط جدید که در فصول پیشین به تشریح آن پرداختیم ایجاب می‌کرد ساختار سنتی روابط تجار با خود و با حکومت در هم ریزد. مسافرت تجار به خارج از کشور، آشنایی با موقعیت تجار در کشورهای اروپایی به میزان آگاهی طبقاتی آن‌ها افزود و راه‌یابی‌های جدیدی را طلبید، مجلس وکلای تجار و ماجرای تحریم تنباکو از این نمونه است. اما اصلاح‌طلبان دولت قاجاری نیز به ایجاد یک نهاد دولتی برای سامان دادن به امور تجارت و تجار واقف شدند و در سال ۱۲۸۹/۱۸۷۲ به پیشنهاد میرزا حسین خان سپهسالار وزارت تجارت و فلاحات تأسیس شد. افراد این وزارتخانه شامل وزیر، نایب اول وزارت، سر رشته‌دارها، منشی‌ها و محررها بود.^(۱۰۳) بدیهی است این وزارتخانه وظیفه دفاع از حقوق گروهی تجار،

جلوگیری از تعدی دیوانیان، فراهم آوردن وسایل توسعه تجارتی و حمایت از منافع تجار را به عهده داشت. اما در عمل به نهادهای دولتی برای سرکیشه کردن تجار و محل مداخلی برای متصدیان آن بدل شد.^(۱۰۴) وزارت تجارت محلی برای رسیدگی به شکایات تجار شد و از هر دعوی مبلغی به عنوان حق الزحمه گرفته می‌شد.^(۱۰۵) چون منصب وزارت از طریق هدیه و پیشکش به دست می‌آمد انتظار اصلاحی از آن نمی‌رفت و بیشتر ممر درآمدی برای شخص متصدی آن محسوب می‌شد تا نهادهای برای حل مسایل تجار،^(۱۰۶) وزیر تجارت به نوبه خود در هر ولایت، عمل تجار را به کسی واگذار می‌کرد مبلغی از او پیشکش می‌گرفت.^(۱۰۷) بعد از مدتی تجار از طریق امین‌السلطان از شاه خواستند وزارت تجارت را به کسی بدهند که تجار به او راغب باشند.^(۱۰۸) در مواردی وزیر تجارت به همراه گروهی از تجار در جلسه‌های مشورتی با شاه در خصوص امور تجاری و مالی شرکت می‌کردند.^(۱۰۹) ولی این بیشتر جنبه صوری داشت تا اتخاذ تصمیم‌های اساسی و کارآمد اقتصادی. بعد از مدتی وزارت تجارت و عدلیه در اختیار یک نفر قرار گرفت، شاید به این دلیل که وزیر تجارت بیشتر به شکایات تجار رسیدگی می‌کرد و بهتر آن بود مقامی که امور عدلیه را در اختیار داشت به آن بپردازد. از زمره افرادی که هر دو این مناصب را با هم به عهده داشت معین‌الملک بود.^(۱۱۰) در اثر اجحافاتی که وزارت تجارت بر تجار روا داشت. آنان لب به اعتراض گشودند. و طی نامه‌ای از طریق امین‌الضرب به ناصرالدین‌شاه خواهان اصلاح امور خود شدند. شاه طی فرمانی در سال ۱۳۰۱/۱۸۸۳ نصیرالدوله را از وزارت تجارت برکنار و فرمان تشکیل مجلس وکلای تجار را صادر کرد.^(۱۱۱)

مجلس وکلای تجار نخستین تجمع گروهی تجار برای بهره‌گیری از امتیازات اقتصادی - سیاسی بود. در این مرحله تجار به نوعی آگاهی طبقاتی دست یافتند و به ضرورت حمایت از منافع مشترک خود در مقابل هجوم سرمایه‌های خارجی پی بردند که با کسب امتیازات دولتی قادر به ورود کالاهای خود و از میدان خارج کردن کالاها و سرمایه‌های بومی شده بودند. آنان ضرورت حمایت دولتی را احساس می‌کردند. علاوه بر این تعدی حکام ایالات و عدم وجود قوانین اجتماعی در حمایت سرمایه موجب ضرورت ایجاد تشکلی غیر دولتی شد که به گونه‌ای آمادگی اعتراض سیاسی - اجتماعی جمعی را در تجار فراهم ساخت. وزارت تجارت به خاطر ماهیت دولتی بودن خود و قرار گرفتن آن در ساختار فاسد اداری قاجار، توانست در بهبود شرایط تجار گامی بردارد. آنان در عریضه خود به ناصرالدین‌شاه از وی می‌خواهند که وزارت تجارت را به کسی بسپارند که «متدین، بی‌طمع، بی‌غرض، مستغنی و مقتدر باشد»^(۱۱۲) گرسنه نباشد و تجار را محل مداخل خود قرار ندهد. مجلس وکلای تجار نهادی خودجوش بر اساس ضرورت بود. ولی اینکه فکر ایجاد چنین مجلسی از کجا پیدا شد، اینکه وکلایی منتخب به عنوان نمایندگان تجار در مورد مسایل آنها تصمیم‌گیری می‌کنند و حکم آنها مورد پذیرش عموم تجار قرار گیرد در واقع جایگزین

الگوی جمع‌گرایی و شورا به جای مراجعه به فرد یا رئیس‌التجار بود که شیوه سنتی متداول محسوب می‌شد و نوعی تمرین و الگوبرداری برای سیاست‌گذاری عمومی در جامعه بود که به درک از مفهوم مشروطیت و گرایش به ایجاد جنبش مشروطه و تغییر ساختار سیاسی کشور انجامید. اما نکته قابل توجه آن است که آیا تجار درک درستی از مفهوم دموکراسی به دست آورده بودند و جایگزینی جمع به جای فرد در تصمیم‌گیری‌ها ناشی از بالا رفتن آگاهی‌های آن‌ها بود یا عدم اعتماد به نظام فاسد حاکم بر جامعه که فرد پس از مدتی در حوزه روابط حل می‌شد و تنها به منافع شخصی خود می‌اندیشید.

از منابع موجود نمی‌توان استنباط کرد که تجار بر اساس گرایش به دموکراسی به این نوع الگو گرایش یافته‌اند، بلکه بیشتر به نظر می‌رسد نوعی راه‌یابی متکی بر شناخت شرایط جامعه بوده است که در عریضه خود به ناصرالدین‌شاه اشاره دارند: «از این رو تجار در کنکاش خود چنین مصلحت دیدند که رئیس انتخاب نکنند از آنکه هر ریسی در پی تحصیل فایده شخصی خواهد بود... و سپس از میان خود ده نفر از روسا و ریش‌سفیدان را برگزینند و مجلسی به نام مجلس وکلای تجار در پایتخت تاسیس دارند» (۱۱۳). تجار در عریضه خود تلویحاً ابراز داشتند که خواهان وزیر تجارتی هستند که از هر جهت هم‌رأی و همراه آنان باشد و شاید به این مفهوم که وزارت تجارت در دستگاه دولت از مجلس وکلای تجار تابعیت کند. (۱۱۴) این خواست به گونه‌ای به دست گرفتن ایفای نقش سیاسی و اعمال نظر در خط مشی دولت محسوب می‌شود ولی عملکردی بسیار ملایم و محتاطانه است. اساسنامه مجلس وکلای تجار در شش فصل تنظیم شد و ریاست آن به عهده امین‌الضرب قرار گرفت. وکلا به صورت انتخابی نبود بلکه ریش‌سفیدان فهرستی از وکلا تعیین می‌کردند. مشخص است نظام رای‌گیری و قاعده اکثریت آراء برای آنان مفهوم نبوده است.

وکلای مجلس در دو ردیف در مقابل یکدیگر می‌نشستند و محل تشکیل جلسات آن خانه آقا مصطفی تاجر تهرانی بود. این شیوه به تجار شهرهای دیگر نیز توصیه شد. در برخی از مراکز تجاری خارج از کشور مثل بغداد، اسلامبول و بادکوبه که کانون اجتماع تجار ایرانی بود، مجلس وکلای تجار تاسیس شد. کتابچه دستورالعمل پس از تأیید و امضای شاه به همه ایالات فرستاده شد و حکام هم به ظاهر حاضر به همکاری شدند. تجار نیازها و پیشنهادات خود را در کتابچه یا اساسنامه بدین شرح مطرح ساختند: (۱۱۵)

۱- احترام به مالکیت فردی و تأمین حقوق مالی افراد با تشکیل دفتر ثبت املاک.

۲- حفظ املاک و مستغلات.

۳- به منظور جلوگیری از سوءاستفاده عمال دیوانی در پرداخت دیون آن‌ها به تجار، این قروض به تدریج از مواجب آن‌ها کاسته شود. (یعنی دولت به عنوان عاملی مقتدر برای امنیت مالی تجار عمل کند.)

۴- در اختیار گرفتن بازار پولی کشور با پیشنهاد تاسیس بانک مخصوص اداره تجارت.

- ۵- حفظ و حمایت دولت از منافع تجار داخلی.
- ۶- رواج امتعه ایرانی و ممانعت از ورود کالاهای خارجی.
- ۷- سپردن امور تجار و حل و فصل دعاوی و معاملات آن‌ها به مجلس تجارت، که اگر طرفین دعوی هر دو تاجر بودند خود مجلس به اجرای حکم خواهد پرداخت ولی اگر یکی از طرفین دعوا از دیوانیان یا علما باشد در مرکز به صدراعظم و در ایالات به حکام ارجاع داده می‌شود و کار آن‌ها فقط جنبه اجرای احکامی را داشت که از سوی مجلس تجارت صادر می‌شد.
- اعضای مجلس تجارت در تهران شامل حاج محمدحسن امین‌الضرب، آقا عبدالباقی، آقا محمدامین، حاجی علی‌اکبر، حاج حسن، حاج محمدحسین، حاج ملاحسین، حاج علی‌اکبر دهدشتی. حاج محمدحسین کاشانی، سیدخلف، حاج محمدحسین عمو، حاج ابراهیم، حاج عبدالرزاق، حاج ابوالفتح و حاج محمدجعفر بودند.^(۱۱۶) تعیین وکلای مجالس ولایات در ماه‌های شوال و ذی‌قعدة ۱۳۰۱ انجام شد و به تدریج تاسیس شد. چگونگی عمل و مکاتبات امین‌الضرب با تجار حاکی از هشجاری طبقاتی و شعور سیاسی آنان بود. در تعیین وکلای تجار قومیت و بومی بودن افراد در نظر گرفته نشد چون در هر شهر تجار بسیاری از شهرهای دیگر به فعالیت مشغول بودند و این امر محدودیتی در انتخاب آن‌ها ایجاد نمی‌کرد بلکه نوعی «اتفاق... با جمیع ممالک محروسه» توصیف شد.^(۱۱۷) در جدول صفحه بعد اسامی وکلای تجار هر شهر ذکر شده است:^(۱۱۸)

نام شهر	اسامی وکلای تجار هر شهر در مجلس وکلای تجار
اصفهان	حاج آقا محمد ملک‌التجار، حاج عبدالباقی تاجر قزوینی، آقا محمد تاجر قزوینی، حاج سید ابراهیم تاجر قزوینی، حاج میرزا محمد معروف به مشک، حاج عبدالحسین تاجر اصفهانی، حاج سید محمد تقی، حاج کازرانی، حاج عبدالحسین دهدشتی، خواجه یوسف تاجر بغدادی.
قزوین	حاج محمد علی امینی، امین‌التجار، حاج سید حسین اصفهانی، حاج عباس مقدم، حاج عباس تبریزی، حاج محمد علی حاجی کریمی، حاج عباس صابونی، حاج محمد حسن اردکانی، حاج محمد علی صالح، حاج رضاقلی، حاج نجف‌قلی سلطانیه، حاج آقا محمد، حاج محمد اسماعیل ارباب.
تبریز	محمد تقی طباطبایی ناظم‌التجار، حاج سید مرتضی، حاج میرجعفر اسلامبولچی، حاج میرجعفر تاجر، حاج میرزا یوسف تاجر، حاج نصرالله شهباز، حاج قاسم تاجر، حاج علی تاجر، حاج محمد تاجر الشهیر به بیت‌الله، حاج ابراهیم، حاج سید محمد تاجر، حاج علی تاجر، حاج کاظم طهرانچی، حاج اسدالله خطایی، حاج محمد رحیم اصفهانی، حاج میرهاشم تاجر، حاج سید موسی تاجر خویی، حاج سید حسین تاجر اصفهانی، حاج حسن ناصرالملک، حاج محمد حسین تاجر اردبیلی، حاج کریم تاجر.

حاج میر اسماعیل صراف، آقا میرزا احمد تاجر، سید محمد تاجر خویی، آقا میرزا حسن تاجر میلانی، (وکلائی تبریز از بین افراد مذکور انتخاب شدند).	
سید عبدالرحیم معین‌التجار، حاج محمد حسن تاجر هرنندی، حاج محمد جعفر تاجر هرنندی، سید محمد باقر تاجر یزدی، سید یحیی تاجر یزدی، علی ریسی تاجر کرمانی، حاج قاسم علی تاجر لاری، آقا ابراهیم تاجر خراسانی، حاج عبدالغفار تاجر قندهاری، حاج میرزا حسین تاجر محلاتی.	کرمان
حاج فتح‌الله کردستانی، میرزا اسدالله افغانی، میرزا اسمعیم همدانی، حاج محمد حسن اصفهانی، آقا محمد جعفر اصفهانی، حاج محمد رحیم اصفهانی، آقا اسدالله اصفهانی، آقا میرزا ابوالحسن تهرانی، آقا حسن یزدی، آقا حسین همدانی، مشهدی محمد علی تبریزی، میرزا عبدالرحیم، باباخان، محمد حسین ملک‌التجار، محمد الحسینی.	کردستان
ملک‌التجار، حاج عبدالوهاب معین‌التجار، آقا سید محمد تقی، حاج حسین، حاج یوسف، حاج حداد یزدی، حاج عبدالصمد، حاج محمد باقر قزوینی، حاج نصرالله، مشهدی حاج آقا.	زنجان
حاج محمد اسماعیل، آقا خلیل، آقا سید حسن بارفروش، آقا سید علی تاجر تهرانی، حاج سید حسین، حاج ملا آقا خان، آقا سید احمد، حاج علی اصفهانی، حاج میرزا جواد شیرازی، آقا محمد یوسف.	بارفروش
حاج ابوالقاسم ملک‌التجار (برادر حاج محمد حسن امین‌الضرب)، حاج محمد تقی تاجر میلانی، حاج محمود تاجر کابلی، حاج محمد تقی تاجر هراتی، حاج محمد اسمعیم تاجر تهرانی، حاج ابوالقاسم.	خراسان
حاج محمد علی تاجر ساروی، حاج محمد حسن تاجر ساروی، حاج یوسف تاجر ساروی، حاج آقا محمد تاجر تبریزی، آقا میرزا حسین تاجر تهرانی، حاج عباس قلی تاجر ساروی، حاج میرزا حسین تاجر ساروی، آقا محمد اسمعیم تاجر کاشانی، حاج محمد باقر تاجر ساروی، آقا غلامعلی تاجر ساروی.	ساری
حاج محمد بن عباس، حاج محمد کاظم، علی بن خلیفه، حاج عبدالله، خواجه حاج یوسف، حسن ابراهیم، حاج عبدالواحد.	بندر لنگه
آقا محمد ناظم‌التجار، حاج شیخ عبدالقادر، حاج عبدالرحیم، حاج جعفر علوی، آقا عبدالرسول تاجر، کر بلائی عباس تاجر، آقا سید عبدالرحیم تاجر.	بندر عباس
حاج ملا جعفر تاجر، حاج شیخ علی اشرف تاجر، حاج عباس تاجر، حاج ابوالحسن تاجر، حاج عبدالمطلب تاجر، حاج محمد حسین تاجر، حاج علی اکبر تاجر.	ارومیه
حاج معین‌التجار، آقا محمد ملک‌التجار، حاج سید محمد رضی شیرازی، آقا سید قاسم خراسانی، حاج میرزا حبیب تاجر تبریزی، آقا محمد ابراهیم کسماپی، حاج محمد حسن تاجر اصفهانی، حاج میرزا حسن تاجر رشتی، حاج موسی تاجر رشتی، حاج میرزا حسن تاجر گنجه‌ای، آقا مشهدی حسن تاجر تهرانی، حاج حسن خان تاجر رشتی، آقا عباس تاجر تبریزی، آقا محمد حسین تاجر اصفهانی.	گیلان
حاج شیخ زین‌العابدین، حاج محمد صادق (معروف به بازار مرغی اصفهانی پدر شیراز	شیراز

محمد شفیع ملک‌التجار)، حاج ابراهیم، حاج محمد مهدی، حاج میرزا ابوالقاسم، حاج محمد مهدی دهدشتی، حاج میرزا بزرگ، حاج غلامرضا، حاج میرزا محمود، حاج محمدباقر.	
حاج سید محمد ابراهیم تاجر بروجدی، حاج سید محمد جعفر تاجر طباطبایی، حاج لطفعلی تاجر تبریزی، حاج میرزا عبدالرحیم تاجر کاشانی، حاج علی‌نقی تاجر کاشانی، آقا محمدجعفر، حاج غلامرضا تاجر کاشانی، حاج محمدعلی تاجر کاشانی، حاج ابوالقاسم تاجر کرمانشاهی، حاج ابوالقاسم تاجر کاشانی، آقا محمدحسین [پسر حاج محمد مهدی تاجر صالح آبادی].	کاشان
حاج نصرالله تاجر همدانی، حاج میرعباس تاجر شوشتری، حاج درویش تاجر همدانی، محمدرضا همدانی، حاج محمد رضا تاجر نراقی، حاج محمدجواد اصفهانی، حاج ابوالقاسم تاجر اصفهانی، حاج محمدحسین یزدی، حاج ابوالقاسم اصفهانی.	همدان

مجلس وکلای تجار در عمل با مشکلات پیش‌بینی نشده‌ای مواجه شد. بیش از هر چیز مجلس برای رسیدن به اهداف خود به قدرت و ساز و کار اجرایی و نیروی انسانی مهیا نیاز داشت. این نهاد هر چند خواست‌های خود را شناسایی و مشخص نمود اما در چگونگی دست‌یابی به آن دچار مشکل شد. اینکه بعد از صدور حکم مجلس، مقصرین چگونه به مجازات می‌رسند، آیا باید به حکومت تحویل داده شوند یا خود تجار آن‌ها را مجازات یا حبس نمایند و مسایلی از این دست، ناموزن بودن جایگاه مجلس وکلای تجار در ساختار استبدادی نظام حکومتی کشور را مشخص می‌کرد. مجلس تجارت علاوه بر مشکلات اجرایی، با مخالفت جناح‌هایی از حاکمیت روبرو شد. حکام ولایات انواع کارشکنی‌ها را در انجام مقاصد این مجلس انجام می‌دادند. حکام ایالات هر چند بطور اسمی تحت نفوذ حکومت مرکزی بودند ولی عملاً قدرتی جدا از مرکز که چندان متمرکز و قوی نبود، محسوب می‌شدند. حوزه اختیارات گسترده مجلس وکلای تجار با اقتدار حکام تصادم کرد و آنان را به مقابله با فعالیت‌های مجلس برانگیخت. از این نمونه اخلال و کارشکنی حاکم بارفروش بود که حاج علی اصفهانی طی نامه‌ای به امین‌الضرب عنوان می‌کند (۱۱۹) و ناصرالدین‌شاه در حکم تلگرافی خود به معین‌السلطنه حاکم قزوین گوشزد می‌کند که اگر با مجلس تجار این گونه که تا به حال عمل کرده انجام دهد از حکومت برکنار خواهد شد. (۱۲۰) ظل‌السلطان حاکم اصفهان نیز نامه‌ای به صدراعظم ضرورت وجودی مجلس تجار را زیر سوال می‌برد و پرسش می‌کند که این مجلس مقصودش چیست تا به حال کدام عمل تجارت معوق مانده و منظور این‌ها چیست؟ (۱۲۱) علاوه بر حکام برخی از روحانیون نیز با مجلس تجار مخالفت کردند. تجار که به رشوه‌گیری و احکام ناسخ و منسوخ دادگاه‌های شرع معترض بودند، خواهان لغو این قوانین و سپردن دعاوی آنان به خودشان بودند. مجلس وکلای تجار تلاشی در این زمینه بود تا بتواند آنان را در چارچوب نظام حقوقی مشخص قرار

داده و از تعدی و تجاوز نجات دهد. بی تردید قانون‌خواهی، نظم‌طلبی و حساسیت تجار در ایجاد عدالت‌خانه از این جا سرچشمه می‌گیرد. وجود چنین نهادی موجب کاهش نفوذ روحانیون که ریاست دادگاه‌های شرع را به عهده داشتند، گردید. گروهی از تجار که در انتخابات مجلس قرار نگرفته بودند و برخی از تجار ورشکسته که اموالشان توسط حکم مجلس تجار مهر و موم شده بود به مجتهد شهر تبریز پناه بردند و به شکایت از اعمال مجلس پرداختند. مخالفت حاکم و مجتهد شهر و برانگیختن طلاب موج مقابله با مجلس تجار را افزایش داد.^(۱۲۲) تعارضات درونی طبقه تجار از عوامل مؤثر دیگر در از میان رفتن مجلس وکلای تجار بود. منافع صراف‌ها همواره با تجار هماهنگ نبود و به لحاظ شأن اجتماعی نیز صراف‌ها از مرتبه پایین‌تری نسبت به تجار برخوردار بودند. به دلیل این که برخی از صراف‌ها در مجلس وکلای تجار راه یافته بودند، تجاری که داوطلب نمایندگی بودند و انتخاب نگردیدند در جبهه مخالف مجلس قرار گرفتند. برخی از آن‌ها در نامه‌ای به امین‌الضرب ابراز می‌کنند که «بودن این صرافان در مجلس مایه اختلال خواهد گشت زیرا اشخاص محترم را نمی‌توان تکلیف به [قبول] تحکم آن‌ها نمود»^(۱۲۳) تجار ورشکسته که بطور ناگهانی جایگاه طبقاتی خود را از دست داده بودند زمانی که با نظم و انضباط عملی مجلس تجار در ضبط حجره و مایملک خود مواجه می‌شدند و دلال‌ها که نظارت دقیق مجلس را مانعی بر فعالیت‌های خود می‌دانستند، نارضایتی خود را با نامه‌های اعتراض‌آمیز به دربار تهران ابراز کردند. مجموعه این عوامل فشار حکام محلی و برخی از روحانیون در نبرد قدرت با مجلس تجار و تعارضات درونی و منفعت‌یابی و قدرت‌طلبی در بین خود تجار و جناح بازار منجر به شکست و صدور فرمان لغو تشکیلات مجلس وکلای تجار از سوی شاه شد و این راه‌یابی تجار نیز به شکست انجامید.

۵- جنبش تنباکو

واقعۀ رژی مهمترین حرکت اجتماعی مردمی پیش از جنبش مشروطیت بود. هر چند به ظاهر به اعتراضی اجتماعی بر یک امتیاز اقتصادی می‌ماند، اما در واقع تجربه‌ای سیاسی برای نزدیک شدن و هماهنگی بین اقشار مختلف جامعه از جمله ظهور یا نمود پیوند تجار و بخشی از روحانیان در مقابله با نفوذ اقتصادی و سیاسی قدرت‌های بیگانه در کشور بود و نیز واکنشی در مقابل ضعف حاکمیت سیاسی و به گونه‌ای تحمیل نظر عمومی به دولت محسوب می‌شد. این نوع مخالفت علنی و جدی با نظام استبدادی قاجاری تا بدین وسعت و گستردگی تا وقوع تحریم تنباکو سابقه نداشت. از منظری دیگر حضور فاعلی تجار و سازماندهی و ترغیب گروه‌های دیگر در جنبش ضد رژی نشانه آگاهی طبقاتی تجار و تلاش برای یافتن راه کارهای لازم در حل مسایلشان بود. تجار از این زمان پافرا گذاشتن از حوزه اقتصاد و وارد شدن به حوزه سیاسی را تجربه کردند.

امتیاز انحصار توتون و تنباکو به دنبال امتیازات دیگری که به کشورهای بیگانه داده می‌شد، در ۲۸ رجب ۱۳۰۷/۲۰ مارس ۱۸۹۰ به مازور تالبوت انگلیسی داده شد. انگلیسی‌ها به دنبال سرمایه‌گذاری در ایران و مقابله با نفوذ روسیه بودند و برای به دست آوردن این امتیاز رشوه‌های زیادی دادند.^(۱۲۴) مفاد قرارداد تالبوت را می‌توان به صورت ذیل طبقه‌بندی کرد:^(۱۲۵)

الف) امتیازهای واگذار شده به شرکت رژی

- ۱- خرید و فروش و عمل آوردن توتون و تنباکو در داخل و خارج کشور تا مدت پنجاه سال در انحصار تالبوت و شرکا قرار می‌گیرد.
- ۲- صاحبان امتیاز به منظور تعیین مقدار تنباکو و توتون حق دارند آگاهی‌های لازم را از زارعین کسب نمایند و دولت اسباب تسهیل آن را فراهم نماید.
- ۳- حمل و نقل توتون و تنباکو به ایران قدغن است مگر به اجازه کمپانی، کسانی که خلاف این قانون عمل کنند مورد مجازات و سیاست قرار می‌گیرند.
- ۴- دولت ایران متعهد می‌شود عوارض گمرکی و سایر مالیات‌هایی که از توتون و تنباکو گرفته می‌شد تا مدت پنجاه سال افزایش ندهد.
- ۵- صاحبان امتیاز می‌توانند تمام حقوق و امتیازهایی که به ایشان داده شده به هر کس بخواهند واگذار کنند.
- ۶- زارعان موظفند به محض فراهم شدن محصول به نزدیکترین وکیل کمپانی اطلاع دهند.
- ۷- زارعان می‌توانند محصول خود را پیش فروش کنند.

ب) تمهیدات کمپانی نسبت به دولت ایران

- ۱- کمپانی موظف است هر ساله مبلغ پانزده هزار لیره انگلیسی به عنوان حق انحصار به دولت ایران بپردازد.
 - ۲- عواید کمپانی پس از تعیین هزینه‌ها به علاوه ۵ درصد کسر می‌شود و از مابقی یک چهارم به خزانه دولت پرداخت می‌شود.
 - ۳- صاحبان امتیاز متعهد می‌شوند تمامی مقدار توتون و تنباکو را به صورت نقد خریداری کنند اما در مورد قیمت باید ما بین صاحبان امتیازنامه و زارع موافقت و رضای طرفین ملحوظ شود.
- همان‌طور که از مواد قرارداد برمی‌آید سه گروه به طور مستقیم در معرض فعالیت‌های شرکت رژی قرار می‌گرفتند، زارعان تجار و مصرف‌کنندگان که توده‌های مردم از هر طبقه را شامل می‌شد. امتیاز تالبوت به اقتصاد و زندگی عمومی هر شهر و منطقه‌ای که در آن تنباکو

کشت، خرید و فروش و مصرف می‌شد، آسیب می‌رساند. هزاران تاجر و خرده فروش تنباکو متوجه شدند که از کسب و کار خود ممنوع و مبدل به فروشندگان و واسطه‌های یک کمپانی انگلیسی شده‌اند که در ازای دریافت حق‌العمل باید برای او کار کنند. سفارت روسیه در ایران به اعطای این امتیاز به یک تبعه دولت انگلیس اعتراض کرد. روسیه که سیاست دور نگهداشتن شهرهای شمالی کشور را از نفوذ اقتصادی انگلستان دنبال می‌کرد، به وجود کمپانی دخانیات اعتراض کرد. کمپانی در هر شهر و روستا حضور داشت و منافع تجار روسی و دولت آن کشور را به خطر می‌انداخت. (۱۲۴)

در مواجهه با اعطای امتیاز انحصار تنباکو مخالفت‌هایی از همه سو بروز کرد؛ بیش از همه طبقه تاجر که به طور مشخص بر سر کسب و کار آن‌ها معامله شده بود و بدین طریق محدودیت‌های شدیدی بر فعالیت‌های آن‌ها اعمال می‌گردید که آنان را به بروز واکنش می‌کشاند. فشارهای اقتصادی، امتیازها و قدرت‌یابی بیگانگان که پیش از این نیز بدان پرداخته شد، زمینه‌های بروز این واکنش را بیش از پیش فراهم ساخت.

بدیهی است برای بررسی عملکرد تجار، لازم است عملکرد دیگر اقشار جامعه از جمله روشنفکران، زارعان و روحانیان در کنار تجار مورد بررسی قرار گیرد تا نقش تجار در ساختار قشریندی اجتماعی بیشتر مشخص گردد. روشنفکران با انتشار شبنامه‌ها، اعلامیه‌ها و مقاله‌ها دست به روشنگری و تشریح اهداف رژی زدند. در اواسط سال ۱۳۰۸ / ۱۸۹۰ سه اعلان در انتقاد از سلطنت ناصرالدین‌شاه، ترغیب روحانیان به اقدام در برابر ظلم و طلب همت از مردم در تهران منتشر شد. (۱۲۷) علاوه بر آن در روزنامه‌ها به نقادی مفاد عهدنامه پرداختند و نقاط ضعف آن را تشریح نمودند. در مقاله‌ای به انتقاد سیاسی از امتیازنامه دولتمردان ایرانی پرداخته شده و سیاست‌های اقتصادی آن‌ها به شدت مورد انتقاد قرار گرفت. میرزا آقاخان کرمانی طی مقاله‌ای که در روزنامه اختر منتشر شد به برخی ادعاهای رژی پاسخ داد. (۱۲۸) وی به بحث با تالبوت پرداخته و نقاط ضعف قرارداد را تشریح می‌کند. در پاسخ ادعای رژی که این قرارداد به سود زارعان است چون محصول خود را نقد می‌فروشند پاسخ می‌دهد که زارع ایرانی همیشه محصول خود را نقد می‌فروخته و حتی به تاجر پیش‌فروش می‌کرده و محصولش را هر طور می‌خواسته و به هر کس که قیمت بیشتری ارائه می‌داد، می‌فروخت. پس این ادعا که شرایط رژی به سود زارعان تنباکو کار است، پوچ و بی‌مورد است. در این مقاله شرایط رژی عثمانی با قرارداد ایران مقایسه و توضیح داده می‌شود که در این خصوص نیز سودی برای دولت در نظر گرفته نشده است. تاجر ایرانی دستشان به کلی در معامله و صادرات بسته شده در حالی که تاجر عثمانی می‌توانستند در صادرات تو تون مشارکت کنند و نهایت آن که این امتیاز منافی به ملک و ملت عاید نخواهد کرد. در بخشی از این مقاله آمده است:

«دست تجار هم که امروز بالمره بسته شد و به علت اینکه محصولی که به خارج خواهد

رفت نیز داخل شرایط انحصار است، معلوم است که صاحب امتیاز چندین مقتضیات درآورده مبالغی به اسم مخارج و منافع انحصار بدان افزوده و آنگاه به تجار خواهد فروخت که هیچ کس زیر بار نتواند رفت.^(۱۲۹)

طرح این مباحث اذهان تجار را در خصوص امتیازنامه روشن می‌کرد و به تجار آگاهی و اطمینان لازم برای اعتراض به دولت فراهم می‌ساخت. گروه دیگری از روشنفکران که می‌توان آنان را از زمره روشنفکران مذهبی اصلاح‌گرا دانست با حضور در مراحل انتهایی جنبش تنباکو در به ثمر رساندن آن نقش به سزایی داشتند. در میان این گروه می‌توان از سیدجمال‌الدین اسدآبادی نام برد. در این مرحله سیدجمال هنوز به شیوه مردمی مبارزه قائل نبود و می‌کوشید اندیشه‌های خود را در بین تخیل‌گاران جامعه رواج دهد. وی پس از ملاقات با حاج سیدعلی اکبر فال اسیری روحانی تبعیدی شیراز در بصره از چگونگی عملکرد کمپانی رژی در ایران آگاهی یافت و نامه‌ای به میرزای شیرازی در سامره نگاشت و سیاست‌های دولت، عملکرد صدراعظم و فروش کشور به بیگانگان را به شدت مورد انتقاد قرار داد. اعتمادالسلطنه «فته تنباکو» را نتیجه نامه سیدجمال به میرزای شیرازی دانسته است.^(۱۳۰) میرزای شیرازی از طریق نایب‌السلطنه نامه‌ای به شاه فرستاد و وی را از بابت آنکه اتباع خارجه را در امور کشور آزاد گذارده مرود انتقاد قرار داد و اجرای انحصار تنباکو، بانک و راه‌آهن را «از جهاتی چند منافی صریح قرآن مجید و نوامیس الهیه و موهن استقلال دولت و نظام مملکت و موجب پریشانی رعیت» دانست.^(۱۳۱) نیکی کدی انتشار فتاویه‌ها و اعلامیه‌ها را کار انجمن مخفی دانسته که سیدجمال در مدت اقامت خود در ایران آن را بنیان گذارد. وی معتقد است این انجمن مخفی دارای وسایل چاپ اعلامیه و ماشین چاپ سنگی بوده و محل آن در خانه یکی از منشی‌های سفارت اتریش قرار داشته که با این انجمن همکاری می‌کرده است.^(۱۳۲)

زارعین توتون و تنباکوکاران چون از آگاهی‌های لازم و از اعتبار و موقعیت چندانی برخوردار نبودند واکنش موثری از خود نشان ندادند. هر چند حرکت‌های اعتراضی چندی انجام گرفت، از جمله زارعین جهرم که در خصوص دلال تنباکو نزد معتمدالدوله شکایت کردند.^(۱۳۳) از سوی زارعان عرضحال‌هایی نیز به مجلس تحقیق مظالم ارائه شد ولی به تشکل و بروز واکنش موثر از این قشر نیانجامید. از آنجایی که رابطه زارعان با عناصر قدرت از طریق اعمال نفوذ مالکان صورت می‌گرفت این گروه به لحاظ اجتماعی - فرهنگی بسیار مهجور و ناتوان جلوه می‌کند و بیشتر به رابطه خود با مالک می‌اندیشید تا مشکلات جایگزینی شرکت رژی بجای مالکان. سعی روشنفکران این بود که معایب این جایگزینی را به دهقانان منتقل کنند. مالکان خرد، متوسط و بزرگ بیش از زارعان برای فروش محصولات خود با رژی ارتباط می‌یافتند و این گروه‌ها متکی بر ثروت و نقش اجتماعی خود توان بیشتری برای مقابله داشتند. اما به دلیل وابستگی به زمین، عدم رشد و ناآگاهی طبقاتی،

نامساعد بودن زمینه‌های بروز حرکت‌های منسجم و هماهنگ و روحیه محافظه‌کاری، واکنش قابل توجهی از آن‌ها بروز نکرد. البته عملکرد قشر تاجر - مالک جزو طبقه تجار بررسی می‌گردد.

تجار بیش از هر طبقه دیگر پس از واگذاری امتیازنامه مورد آسیب قرار گرفتند. واکنش و فعالیت بسیار این گروه و مواجهه مستقیم آنان با رژی اجتناب‌ناپذیر بود. برای نخستین بار تجار پایتخت «عرضحالی در اعتراض به انحصارنامه رژی» به شاه نوشتند که یک هفته پیش از انتشار رسمی امتیازنامه فرستاده شده بود.^(۱۳۲) همزمان شبنامه‌هایی در انتقاد از سیاست دولت در واگذاری حق انحصار تنباکو منتشر شد که بر «درهای مساجد و کاروانسراها و معابر عمومی و سفارتخانه‌ها» چسبانده شد.^(۱۳۵) این امر حاکی از همخوانی و همراهی تجار و روشنفکران در این ماجراست. انگیزه تجار از مخالفت با امتیازنامه، صیانت از منافع آنی و گروهی خودشان بود. روشنفکران نیز با نوشتن مقالات و شبنامه‌ها سیاست‌های نادرست دولت و عواقب آن، چشم‌انداز تاریک آینده و طرح‌های دول بیگانه در به انقیاد کشاندن ایران را ترسیم می‌کردند و تجار از طریق روزنامه‌هایی همچون اختر و قانون از آگاهی‌های منظم طبقه‌بندی شده و بسط یافته آن‌ها بهره می‌جستند.^(۱۳۶) هدف روشنفکران تغییر ساختار کهن و استقرار نهادهای جدید و کشاندن اقشار گوناگون جامعه به سمت گرایش‌های فکری خود بود. به همین سبب اهداف روشنفکران بر خلاف تجار کسب منافع آنی و زودگذر نبود بلکه بیشتر اهدافی درازمدت عقیدتی و اندیشه‌ورزانه را تعقیب می‌کرد.

در بین اسناد و نامه‌های مبادله شده میان تجار، چگونگی نارضایتی و اعتراض آن‌ها از امتیازنامه به خوبی روشن می‌گردد و حتی در آن به ذکر دقیق ارقام پرداخته و در آن زیان مالی دولت از بابت گرفتن مبلغ حق انحصار محاسبه شده است. تجار نگرانی خود را از امکان اعمال انحصار در ایران برای محصولات دیگری همچون گندم، تریاک، برنج و کالاهای دیگر ابراز می‌کردند.^(۱۳۷) اسناد امین‌الضرب علاوه بر بازتاب نارضایتی و اعتراض تجار نشان می‌دهد که گروهی از تجار متمایل به رژی شدند و با آن همکاری کردند که این امر نوعی تعارض و دوگانگی را در این طبقه باز می‌نماید که قابل تعمق است. رژی بدون همکاری و توافق تنباکوکاران و تجار نمی‌توانست به آسانی اهداف خود را دنبال کند چون با شیوه و رفتار معامله با ایرانیان آشنا نبود. رژی به دنبال آن بود که دل‌نگرانی‌های تجار را از میان بردارد و یکی از راه‌هایی که می‌توانست دولتمردان و تجار را با خود همراه سازد، فروش سهام شرکت به آنان بود. برخی از تجار نیز تمایل خود را به خرید سهام نشان دادند.^(۱۳۸) ناطق معتقد است که تجار از ابتدای تشکیل رژی با آن مخالفت نکردند، حتی امین‌الضرب قول خرید دویست سهم را از شرکت رژی می‌دهد؛ ولی بعد از خرید آن سرباز می‌زند.^(۱۳۹) در ابتدا تجار امیدوار بودند تنباکو به عنوان یک تولید صنعتی رواج یابد بنابر این با آن مشارکت کردند^(۱۴۰) ولی چون رژی به تدریج بنای ناسازگاری گذاشت و تجار نتوانستند از رژی سود

برند، با آن به مخالفت پرداختند. رژی گروهی از تجار را به عنوان وکیل، ناظر و بازرس شعبه‌های خود در شهرستان‌ها انتخاب کرد. آنچه در تحلیل این دوگانگی رفتار تجار می‌توان گفت همان تعارض‌های درون طبقاتی است. با وجود اینکه امین‌الضرب به عنوان نماینده تجار بزرگ قول خرید سهام را به رژی می‌دهد و رژی در هر شهر نماینده‌ای از تجار ایرانی برای خود دست و پا می‌کند ولی عملکرد نهایی تجار به عنوان «طبقه‌ای برای خود» واکنش و مقابله با رژی بود. اما عملکرد دوگانه تجار که ناطق آن را به عنوان عدم آگاهی تجار در ابتدای فعالیت رژی تحلیل می‌کند و از آن می‌گذرد بیشتر نوعی تعارض درون طبقاتی است. به نظر می‌رسد وکلای رژی در ولایات بیشتر تجار متوسطی بوده‌اند که در ازای «۲۴ تا ۵۰ تومان دستمزد»^(۱۴۱) حاضر می‌شدند به امور شرکت رسیدگی کنند. برخی از آن‌ها گماشتگان و مباشران امین‌الضرب در شهرها بودند و تجار خرد نیز به عنوان ناظر، بازرس و مأمور خرید به خدمت رژی درآمدند. اما هدایت و خط و ربط کلی امور تجار در دست تجار بزرگ و از جمله امین‌الضرب بود. اگر امین‌الضرب را به عنوان رییس تجار و نمونه‌ای از تجار بزرگ به حساب آوریم از وضعیت وی می‌توان دریافت که آنان امکان بیشتری برای کسب آگاهی‌های دقیق‌تر در دست داشتند. حوزه‌های ارتباطی گسترده با دولت، آشنایی با نظریه‌های روشنفکران و مسافرت‌های خارج از کشور، آنان را از بصیرت و ژرف‌نگری بیشتری برخوردار می‌ساخت. به رغم آنکه در ابتدای فعالیت رژی، همکاری‌هایی از سوی تجار متوسط و خرد که از آگاهی‌های سیاسی-اجتماعی و دوراندیشی کمتری برخوردار بودند، با رژی صورت گرفت ولی به تدریج به نوعی هماهنگی و سازماندهی و درک منافع مشترک انجامید.

رژی برای رسیدن به اهداف خود سعی داشت به حکام و ماموران دست نشانده نزدیک شود و در جهت منافع خود از آن‌ها بهره جوید. حکام نیز که به تجار معتبر شهر خود بدهی داشتند، می‌توانستند از طریق همکاری با رژی و پرونده‌سازی برای تجار بدهی‌های خود را نپردازند.^(۱۴۲) علاوه بر این رژی سعی کرد تجار کوچکتر را به سمت خود بکشاند و آن‌ها را بر یکدیگر بشوراند و به رشک ورزی و رقابت با یکدیگر بکشاند. این امر از وحدت و یگانگی بین تجار کاست و آنان را رودروی یکدیگر قرار داد. به عنوان نمونه در کرمان معین‌التجار برای سیدعلی خان ناظم پرونده ساخت و برای رییس اداره دخانیات ارنستین فرستاد.^(۱۴۳) هر یک از آنان دیگری را به گرفتن رشوه متهم کرد. آنان به دلالتی مبدل شده بودند که امید به دریافت پاداش و انعام از رژی داشتند و برای خوش خدمتی و پیشرفت خود بدگویی از دیگران را نردبان ترقی خود ساختند.^(۱۴۴) اسامی تجاری که در شهرهای مختلف کشور همکاری با رژی را به عهده داشتند در جدول ذیل عنوان شده است:^(۱۴۵)

فصل سوم: مسایل اقتصادی - اجتماعی ... ۱۰۵

نام شهر	تجاری که وکالت رژی را به عهده داشتند	توضیحات
بیم و نرماشیر	آقا حسین یزدی، آقا محمد باقر اصفهانی (ملک التجار)	آقا حسین یزدی ۱۵ هزار تومان سرمایه داشت و محمد باقر اصفهانی مستاجر باغ ناصری یزد بود.
سیرجان	آقا محمد حسین (ولد حاجی محمد کریم)	۲۰ هزار تومان سرمایه داشت و در گمرکات بود
رفسنجان	آقا ملا حسین تاجر محلاتی	مدتی در بمبئی کار می کرد.
بردسیر - بافت بزنجان	آقا محمد حسین وکیل الرعایای اصفهانی	
کاشان	سید علی نظری طباطبایی (به همراه حاج سید علی و حاجی سید ابراهیم)	طباطبایی گماشته امین الضرب در کاشان بود. دو نفر همکاران وی از تجار خرد محسوب می شدند.
کرمانشاه	محمد علی اصفهانی و ملا علی عرب (۱۴۶)	محمد علی مأمور اداره دخانیات همدان بود که بعد به کرمانشاه منتقل شد و با علی اصغر دلال گماشته امین الضرب ارتباط داشت.
اصفهان	حاج محمد کاظم صراف (۱۴۷)	و پسرش آقا محمد جعفر کاظم اف محمد جعفر پس از چسندی نمایندگی امین الضرب در رشت، هشرخان و مسکو را عهده دار شد.
شیراز	حاج محمد شفیع شیرازی ملک التجار (۱۴۸)	از تجار ثروتمند شهر بود و ابراهیم قلی جهرمی و محمد هادی شیرازی که در تهران تنها کو داشتند به عنوان عناصر زیر دست وی مأمور خرید تنها کو در منطقه بودند.
مشهد	حاج ابوالقاسم ملک التجار (۱۴۹)	
تبریز	حاجی محمد رحیم اصفهانی (۱۵۰) و حاجی شیخ	
ساری	غلامعلی ساروی	مباشر امین الضرب در امور بازرگانی ساری و متقاضی وکالت دخانیات در ساری
کرمان	میرزا مهدی خان (منشی سید عبدالرحیم)	وی منشی سید عبدالرحیم معین التجار (۱۵۱) بود و در عمل امور مربوط به معین التجار را انجام می داد.
یزد	سید علی خان یزدی	از همراهان نزدیک معین التجار بود. وی و معین التجار افرادی را برای نمایندگی رژی در بلوکات کرمان انتخاب کردند.

البته این نکته را باید افزود تجاری که با رژی همکاری می‌کردند قصد خیانت یا بیگانه‌پرستی نداشتند، بسیاری از آن‌ها مباشر، نماینده یا طرف تجاری امین‌الضرب در ولایات کشور بودند و گاه برخی از آن‌ها به دلیل کساد بودن اوضاع اقتصادی همکاری با رژی را راه باریکه‌ای برای مداخله می‌دانستند. تجار بزرگ که به داد و ستد با خارج از کشور می‌پرداختند بیش از دیگران آسیب دیدند شاید یکی از دلایلی که واکنش‌های آن‌ها در مقابل رژی پس از مدتی شدت یافت، مشکلاتی بود که تجار پس از اجرای انحصار با آن مواجه شدند و مفهوم انحصار را به طور ملموس دریافتند. تجار ایرانی مقیم استانبول نیز درگیر مشکلات انحصار شدند. بیش از پانصد تاجر ایرانی به طور مستقیم یا غیرمستقیم در کار فروش تنباکو در استانبول فعال بودند و پس از آنکه دولت عثمانی معاملات خرید تنباکوی خارجی را به کمپانی رژی واگذار کرد و قرار همکاری رژی ایران و عثمانی گذاشته شد، تجار ایرانی دیگر قادر به فروش تنباکو در خارج از کشور نبودند و این امر فقط در انحصار شرکت رژی عثمانی قرار گرفت. تجاری که از این امر سرپیچی می‌کردند یا باید از سرزمین عثمانی خارج می‌شدند یا اموالشان توسط دولت ضبط می‌شد.

بدین ترتیب تجار ایرانی بازار فروش خود را در عثمانی از دست دادند و تلاش امین‌الضرب تا مدت‌ها بی‌نتیجه ماند. (۱۵۲) در بین تجار استانبول نیز از شخصی به نام میرزا شفیع (۱۵۳) سخن رفته است که به اتفاق چند تاجر دیگر با رژی همکاری داشته و قرار بر آن بوده که رابط بین رژی اصناف گردد. عملکرد این گروه بیشتر متکی بر حفظ منافع شخصی بوده، وی در توجیه عمل خود چندین نامه به امین‌الضرب نوشت ولی از سوی بقیه تجار طرد شد و در مساجد و منابر تکفیر گردید. (۱۵۴)

تجار علاوه بر مخالفت با رژی دست به اقداماتی عملی نیز زدند؛ از جمله تنباکوی اصفهان را به بهانه کمپانی جدید در یکجا انبار کردند و از زارعان خواستند کشت تنباکو را تحریم کنند. طرحی از سوی امین‌الضرب برای فروش تنباکوی ایران به عثمانی و مذاکره با تنبک، شرکت رژی عثمانی داده شد. پیشنهاد تاسیس شرکتی با همکاری امین‌الضرب و حاجی آقا محمدصدر ملک‌التجار اصفهان با نام «انجمن شرکت عمومی تجارتی برای ترویج و ترقی متاع و زراعت تنباکو و توتون ممالک ایران» و جلب نظر دولتمردان و همراهی روحانیان داده شد. تجار با یکدیگر قرار مشارکت گذاردند و کمپانی با سرمایه یکصد هزار لیره عثمانی شروع به کار کرد. (۱۵۵) به این ترتیب، تجار نه تنها با انحصار تنباکو در دست خارجی‌ها مخالفت کردند که به راه‌یابی نیز پرداختند و سعی کردند با مشارکت جمعی ابتکار عمل را به دست گیرند.

تجار و علمای دوران قاجار به یکدیگر نزدیک شدند. تجار برای بهره‌گیری از نفوذ اجتماعی و سیاسی علما به آنان نیاز داشتند و علما نیز رابطه تنگاتنگی با تجار برقرار کردند. در واقع این دو قشر در شرایط بحرانی به یکدیگر یاری می‌رساندند. برای تجار استفاده از

شیوه تحریم^(۱۵۶) به منظور جلوگیری از نفوذ خارجیان تنها با همکاری روحانیان امکان‌پذیر بود. در ماجرای رژی تجار به طور مشخص و آنی آسیب می‌دیدند، از اینرو برای نفوذ در قشرهای پایین جامعه و فراگیر شدن اعتراض و ایجاد رعب در دل دولتمردان به یاری علما نیاز داشتند. همراهی تجار و علما در شهرهایی که بر ضد رژی شوریدند بازتاب یافت.

کانون‌های فعال ضد رژی در چند شهر بزرگ کشور بود. شهرهای آذربایجان، فارس، اصفهان، مشهد، کرمان و تهران در جنبش ضد رژی فعال بودند. فارس محل عمده کشت تنباکو بود و از آن ناحیه اعتراض‌های پی در پی به شاه می‌رسید. از علمای همراه تجار، سیدعلی اکبر فال‌اسیری، داماد میرزا حسن شیرازی بود که هر چند مقام علمی بالایی نداشت ولی در مقابل واگذاری امتیاز رژی واکنش شدید نشان داد. روحانیون متمایل به مسایل سیاسی در این دوران تعداد زیادی را شامل نمی‌شدند. رده‌های بالای روحانیت گرایش کمتری به این مسایل از خود بروز می‌داد. در گزارش از تبریز عنوان شده که «از مجتهد [حاج میرزااجواد] خواسته بودند که به واعظان بگوید در مسجد بر علیه رژی سخن گویند اما مجتهد نپذیرفته بود»^(۱۵۷) ولی به تدریج تعداد بیشتری به اعتراض‌های ضد رژی پیوستند. میرزا محمدعلی مجتهد به حکمران فارس پیغام داد که نماینده کمپانی باید از فارس بیرون رود. سیدعلی اکبر فال‌اسیری رهبری مخالفت با رژی در شیراز را به عهده داشت. وی بر بالای منبر به خاطر اعطای انحصار دخانیات به دولت انتقاد کرد و به دنبال آن به بصره تبعید شد. اعتراض‌های عمومی و سرکوب مخالفان توسط حکام محلی که در یک روز نزدیک به ۷۰ نفر در صحن شاه چراغ به دست تفنگداران قوام‌الملک که نظم شهر را به عهده گرفته بود به قتل رسیدند، بحران فارس را عمیق‌تر کرد.^(۱۵۸)

آذربایجان کانون تجارت خارجی تنباکوی ایران بود. پیش‌درآمد اعتراض در این شهر از سوی تجار و برخی افراد معتبر آن آغاز شد. اعلان‌های تهدیدآمیزی خطاب به مخالفان جنبش و خارجی‌ها منتشر شد. دولت از اوضاع تبریز هراسناک شد. حاج میرزااجواد مجتهد نقش واسطه بین دولت با تجار و اصناف را ایفا کرد و به دولت ابراز نمود در صورت تداوم امتیازنامه وی نمی‌تواند نظم عمومی را تضمین کند. به دلیل اهمیت تجارت تنباکو در تبریز جنبش ضد رژی در این شهر بسیار گسترده و پر هیاهو شد و به درگیری‌های خونین انجامید.^(۱۵۹) هر چند اعتمادالسلطنه شورش تبریز را ناشی از تحریکات روس‌ها دانسته،^(۱۶۰) اما اعتراض تجار را فتنه روس‌ها نمی‌توان دانست. روسیه با واگذاری امتیاز به انگلستان مخالف بود و شاید اعتراض‌های داخلی را تقویت نمود، اما عامل پیدایش این شورش‌ها نبود. آگاهی جمعی تجار از عوامل اساسی این شورش‌ها بود که به تدریج حتی گروهی از تجار که با رژی همکاری داشتند به سمت مخالفان کشانده شدند.

تجار اصفهان نیز همزمان با دیگر شهرها به مخالفت با رژی برخاستند. نامه اعتراض‌آمیزی به ظل‌السلطان نوشتند و از آقاجفی روحانی پرنفوذ شهر، یاری خواستند و

حتی به روایتی حکم نجس بودن تنباکو صادر شد که بسیاری در اصفهان از آن پیروی کردند و زمینه اعلام حکم تحریم میرزای شیرازی فراهم گردید. مقاومت منفی بدانجا کشید که یکی از معتبرترین تجار اصفهان حاضر به فروش محصول خود به رژی نشد و تمامی آن را به آتش کشید. همکاری روحانیان در اصفهان با مخالفان رژی بیش از شهرهای دیگر بود. کنسول انگلیس محرک اصلی اعتراض‌ها را حاج احمد بنکدار معرفی کرد، ولی شاه طی نامه‌ای آقا محمد ملک‌التجار اصفهانی را مسبب تمامی آشفتگی‌ها دانست. (۱۶۱)

تجار مشهد نیز برای همه گیر شدن اعتراض خود به مراجع روحانی متوسل شدند و در مسجد گوهرشاد بست نشستند. (۱۶۲) اما مجتهدان شهر با مخالفان رژی همراهی نکردند. علت این امر شاید به این دلیل بوده است که روحانیت شهر مذهبی مشهد به دلیل وجود اماکن مقدسه بیشتر از سوی دولت تعیین می‌گردید و وابستگی بیشتری به دولت داشتند. والی ایالت نیز همچون دیگر شهرها از رژی حمایت کرد و حمایت روحانیت برجسته شهر از تصمیم دولت و فعالیت رژی تا حد زیادی از گسترش و تداوم قیام ضد رژی کاست.

در کرمان نیز تجار به اعتراض پرداختند ولی بسیار ملایم‌تر و دیرتر از مناطق دیگر کشور بود. (۱۶۴) حرکت پایتخت نقش تعیین‌کننده‌ای در سرانجام جنبش داشت. از تجار مهم و موثر در شورش تهران می‌توان از حاج محمدحسن امین‌الضرب و حاج محمدکاظم ملک‌التجار نام برد. هر چند در ابتدا امین‌الضرب قول همکاری و خرید سهام به رژی داده بود و حتی مذاکراتی بین آن‌ها صورت گرفت ولی به دلایلی روابط آن‌ها تیر گشت. هر چند ناطق این اختلاف‌ها را ناشی از نرخ ضرب نقره‌ای می‌داند که رژی برای تبدیل به سکه به امین‌الضرب می‌داد و یا اختلاف‌هایی بر سر املاک اجاره داده شده به رژی و بی‌توجهی شرکت به انجام تعهدات خود نسبت به طرف‌های قرارداد، (۱۶۵) ولی به نظر می‌رسد این اختلاف‌ها بیشتر بهانه‌های ابراز مخالفت بوده است. پس از انقضای مدت شش ماهه‌ای که رژی برای به دست گرفتن انحصار تنباکو تعیین کرده بود، به تدریج و در ابتدا تجار بزرگ و پس از آن تجار متوسط و خرد و حتی وکلا و ناظران رژی که از رده‌های پایین تجار بودند به عمق خطر ادامه کار رژی پی برده و به تدریج به مشکلات عملی آن آگاهی یافته، در موضع‌گیری خود تجدید نظر کردند. روحانیت پایتخت در شکل گسترده‌تری نسبت به شهرستان‌ها با انحصار توتون و تنباکو به مخالفت پرداختند. (۱۶۶) از روحانیان موثر در جنبش می‌توان از حاج میرزا حسن آشتیانی نام برد که هم با تجار ارتباط نزدیکی داشت و هم رابطه و واسطه آن‌ها با دربار و با میرزا محمدحسن شیرازی در سامره بود. وی چندین بار در این خصوص با شاه و صدراعظم مذاکره کرد. حاج محمدکاظم ملک‌التجار با وی همکاری نزدیک داشت. زمینه‌های اجتماعی صدور حکم تحریم تنباکو پیش از انتشار آن فراهم شده بود، چه از سوی روحانیان اصفهان و چه از طریق شایعاتی که در بین مردم وجود داشت. (۱۶۷) بیشتر منابع به این نکته اشاره دارند

که انتشار خبر صدور حکم تحریم به دلیل نامساعد بودن هوا و بسته شدن راه‌ها و قطع خطوط تلگراف تا چند روز به تأخیر افتاد و امکان تأیید خبر فراهم نشد. در شهر شایع شد که حکم جعلی است و عامل انتشار آن نیز حاج محمدکاظم ملک‌التجار بوده است. حضور وی در منزل میرزای آشتیانی در شب قبل از انتشار حکم تحریم و مخالفت‌های آشکار ملک‌التجار با امتیازنامه رژی منجر به صدور حکم تبعید وی شد. او را مخفیانه دستگیر و به قزوین تبعید کردند. تبعید حاج کاظم ملک‌التجار و امین‌الضرب به خاطر فعالیت‌های ضد رژی، بیانگر حضور فعال و پر اهمیت تجار در ماجرای رژی بود. اما این واقعه به چندین شکل تحلیل شده است. آدمیت پیش‌نویس حکم را از سوی ملک‌التجار دانسته و آن را یکی از نمادهایی می‌داند که معرف نقش فعال تجار و رهبری آن‌ها در جنبش ضد رژی محسوب می‌شود. وی معتقد است پس از انتشار حکم تحریم، میرزای شیرازی آن را تأیید نمود. آدمیت علت صدور حکم تحریم را عدم حمایت برخی روحانیان طراز اول و فعالیت تجار برای جلب نظر این علماء در جهت پیوستن به مبارزه ضد رژی برمی‌شمرد.^(۱۶۸) منبع دیگری در مقابله با این دیدگاه سعی نموده با دلایلی نه چندان متقن نقش فعال تجار را رد نموده، حکم تحریم را بی‌تردید متعلق به میرزای شیرازی عنوان نماید.^(۱۶۹)

اگر سعی نماییم برای درک و تحلیل درست وقایع به شیوه وبری به درون فهمی حوادث بپردازیم، باید گفت تردیدی نیست که همکاری ملک‌التجار و میرزای آشتیانی موجب چاپ و انتشار خبر تحریم شده است. با توجه به باورهای مذهبی و گرایش‌های سنتی تجار و حرمت احکام دینی بعید به نظر می‌رسد ملک‌التجار خودسرانه و بدون آگاهی میرزای آشتیانی مبادرت به چنین عملی کرده باشد. به طور قطع با اطمینان از صدور چنین حکمی و با نظر میرزای آشتیانی به انتشار خبر آن پرداخته است. رواج نادرست بودن حکم تحریم و جعلی بودن آن در تهران، شاید واکنش درباریان و شاه در خنثی کردن تأثیر آن در بین مردم بوده باشد. البته شایعاتی که در بین مردم رایج شد و انتشار خبر تحریم توسط ملک‌التجار و میرزای آشتیانی موجب گردید هر یک از منابع، پیش‌نویس حکم را متعلق به یکی از این افراد قلمداد کند. ناظم‌الاسلام نیز حکم را متعلق به میرزای آشتیانی دانسته که آن را به میرزای شیرازی نسبت داده‌اند.^(۱۷۰) بدون تردید تجار در فراهم کردن پذیرش عمومی و شایع کردن لفظی تحریم بسیار دخیل بوده‌اند، سوءظن دربار به ملک‌التجار و تبعید وی حاکی از نقش موثر این گروه است. اما تعلل میرزای شیرازی در صدور حکم تحریم نیز به گرایش‌های غیر سیاسی و جناحی درون حوزه‌های علمیه باز می‌گردد. گروهی از شاگردان میرزای شیرازی در سامره معتقد بودند دخالت وی در این امر از شأن و احترام وی می‌کاهد و ممکن است به «تحقیر و توهین» وی بیانجامد. در حالی که گروهی دیگر از شاگردان وی عدم دخالت وی را موجب تسلط خارجیان بر کشور مسلمان دانسته و خواهان صدور حکم تحریم بودند.^(۱۷۱)

پس از انتشار حکم تحریم با انتشار اعلان‌هایی مبنی بر اعلام حکم جهاد از سوی میرزای شیرازی و چسباندن آن به دیوار شمس‌العماره، شاه و درباریان متوحش شدند و بلافاصله مجلسی از درباریان، تجار، میرزای آشتیانی و صدراعظم تشکیل شد و انحصار داخلی لغو گردید. مکاتباتی با میرزای شیرازی صورت گرفت و وانمود شد که امتیاز لغو شده است، در حالی که مفاد آن با زیرکی خاصی تنظیم شده بود.^(۱۷۲) هوشیاری و مقاومت تجار آگاه پایتخت و میرزای آشتیانی منجر به مکاتبات متعدد با میرزای شیرازی و پافشاری در لغو کل امتیاز شد. تصمیم به لغو امتیاز نگرانی‌هایی برای تجار در پرداخت خسارت رژی فراهم ساخت. آنان بر این باور بودند که بالاخره دولت به گونه‌ای خسارت رژی را به آنان تحمیل خواهد کرد.^(۱۷۳) دولت مجبور به لغو کامل امتیاز نامه شد و شاه برای اینکه تجار بیشتر از این بلوا و خطر ایجاد نکنند طی دستخطی اطمینان داد که امتیاز به طور کامل لغو شده و تاکید کرد حکم را «برای تجار معتبر و غیره و تجار معتبر تنباکو فروش قرائت نمایند.»^(۱۷۴)

همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد با اینکه تجار نقش اساسی و فعال در جنبش ضد رژی داشتند ولی همواره در کنار روحانیان قرار داشتند و برای گسترش خواست‌های خود در سطح عموم به موافقت و تایید روحانیت نیاز داشتند. البته تعداد روحانیانی که در مسایل سیاسی مداخله می‌کردند اندک بود و همه تلاش تجار جلب حمایت رده‌های بالاتر روحانیت بود. همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد قائل شدن نقش فاعلی برای تجار و کشاندن روحانیان به صحنه مبارزه به گونه‌ای ابراز حکمی کلی است که واقعیت را به درستی بیان نمی‌سازد. مسلم است رده‌ها و قشرهای درونی روحانیت می‌بایست موشکافانه بررسی گردد تا دریافت کدامیک از رده‌های روحانیت و به چه دلیل دیرتر واکنش نشان داده است و اصولاً چند درصد از روحانیت در آن زمان برای خود رسالت مداخله در امور سیاسی را قائل بوده‌اند. بررسی این گونه از نقش روحانیت در ماجرای رژی در حوزه این پژوهش قرار ندارد. اما همکاری روحانیت موثر در جنبش رژی و همکاری گسترده آن‌ها با تجار و پراکندن این مسایل در بین مردم، زمینه‌های بروز جنبش وسیع‌تر و همه جانبه‌تر مشروطیت را فراهم ساخت و پیروزی جناح‌های موثر در این شورش، تجربه‌ای موفق برای قدم‌های بعدی آن‌ها شد.

تبرستان
www.tabarestan.info

۱

یاداشتهای فصل سوم

تبرستان
www.tabarestan.info

۱. سپهر، ناسخ التواریخ، ج ۴، ص ۲۲.
۲. اشرف، موانع رشد، صص ۴۰-۴۱.
۳. مجدالملک سینیکی، رساله مجدیبه، تصحیح سعید نفیسی، (تهران، ۱۳۲۱)، ص ۲۵.
۴. همان جا، ص ۶۱.
۵. سیاح محلاتی، خاطرات حاج سیاح یادوره خوف و وحشت، کوشش حمید سیاح، (تهران، ۱۳۴۶)، ص ۲۲۶.
۶. مهدی قلی خان هدایت، خاطرات و خطرات، (تهران، ۱۳۲۹) صص ۸۱-۸۰.
۷. ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، (تهران، ۱۳۶۲) بخش اول، ص ۲۵۶.
۸. همان جا، بخش اول، ص ۲۵۵.
۹. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: سرجان ملکم، تاریخ ایران، به کوشش محمدالاصفهانی، (تهران، ۱۳۴۶) ج ۲، ص ۲۲۷-۲۲۶؛ حاج سیاح، خاطرات، ص ۵۴۸.
۱۰. عیسوی، تاریخ اقتصادی، ص ۱۱۴.
۱۱. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: فریدون آدمیت و هما ناطق، افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، (تهران، ۱۳۵۶)، صص ۳۰۰-۲۹۹؛ فریدون آدمیت، شورش بر امتیازنامه رژی، (تهران، ۱۳۶۰)، ص ۱۳-۱۲؛ فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، ص ۴۰۸.
۱۲. آدمیت، افکار اجتماعی، ص ۳۰۱.
۱۳. نگاه کنید به: کاسا کوفسکی، خاطرات، صص ۲۰۴-۱۹۸، ۲۱-۲۵.
۱۴. نگاه کنید به: حسین قلی خان نظام السلطنه مافی، خاطرات و اسناد حسین قلی خان نظام السلطنه مافی، به کوشش معصومه

- مافی و منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، (تهران، ۱۳۶۲)، صص ۲۴۶-۲۴۷.
۱۵. فریدون آدمیت، اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار، (تهران، ۱۳۵۱)، صص ۴۶-۴۷.
۱۶. خان خانان، سیاست مدن، تحریر ۱۳۱۴، رساله خطی، (دانشگاه تهران)، نقل شده از آدمیت، افکار اجتماعی، ص ۲۴۹.
۱۷. وامبری آرمینیوس، زندگی و سفرهای وامبری، (دنباله سیاحت درویش دروغین)، ترجمه محمدحسین آریا، (تهران، ۱۳۷۲)، ص ۹۶.
18. A. Ashraf and H. Hekmat, "Merchants and Artisans and the Developmental Processes of Nineteenth Century Iran", p: 734-35.
19. Mahdavi, Amin-Alzarb, p: 124-126.
۲۰. ناطق، بازرگانان، صص ۲۴۴-۲۴۵.
۲۱. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: مجموعه نامه‌های علی کبر صراف به حاج لطفعلی، که در آرشیو اتحادیه موجود است. نمونه‌ای از این مجموعه: نامه حاج علی کبر صراف به حاج لطفعلی، ۲۳ جمادی الاول ۱۳۱۲، نمره ۲۴۷، (آر.ا.ت.).
۲۲. «احتضار» و کتابچه قواعد شرکت اسلامی اصفهان، (آر.ا. ض.)، نقل شده از: هما رضوانی، رساله تاریخچه شرکت اسلامی اصفهان، (پژوهشکده فرهنگ ایران، خرداد ۱۳۶۵).
۲۳. تاریخچه سی ساله بانک ملی ایران (۳۷-۱۳۰۷)، (تهران، [بی تا])، ص ۴۷؛ عیسوی، تاریخ اقتصادی، ص ۶۷.
۲۴. نگاه کنید به: عبدالحسین خان سپهر، یادداشت‌های ملک‌المورخین و مرآة الوقایع مظفری، به کوشش عبدالحسین نوایی، (تهران، ۱۳۶۸)، ص ۲۲۵.
۲۵. همان‌جا، ص ۲۳۳.
۲۶. برای آگاهی‌های بیشتر در خصوص تجارتخانه تومانیان نگاه کنید به: اشرف، موانع تاریخی، صص ۷۸-۷۷؛ تاریخچه سی ساله، ص ۴۷؛ علی ماجدی و حسن گلریز، پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری (تهران، ۱۳۶۸)، ص ۱۶۹؛ علی مشار، «تظلم تجارتخانه تومانیان»، آینده، ج ۱۹، ش ۷-۹، ص ۷۸۴.
۲۷. عیسوی، تاریخ اقتصادی، ص ۶۷.
۲۸. نگاه کنید به: اعتمادالسلطنه، مرآت‌البلدان ناصری، ج ۲، ص ۲۸۴؛ اعتمادالسلطنه، المآثر و الآثار، کوشش ایرج افشار، (تهران، ۱۳۶۳)، ص ۱۴۴.
۲۹. محمدشفیع قزوینی، قانون قزوینی، کوشش ایرج افشار، (تهران، ۱۳۷۰)، ص ۱۰۲؛ جرج، ن، کرزن، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، (تهران، ۱۳۶۷)، ج ۲، ص ۵۹۵.
۳۰. نگاه کنید به: جمالزاده، گنج شایگان، ص ۹۸؛ عیسوی، تاریخ اقتصادی، ص ۶۵؛ اعتمادالسلطنه، روزنامه، ص ۸۰۳.
۳۱. تاریخچه سی ساله، ص ۹.
۳۲. ابراهیم و. ویلیامز جکسن، سفرنامه جکسن ایران در گذشته و حال، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای (تهران، ۱۳۶۹)، ص ۴۷۹.
۳۳. عبدالله بهرامی، خاطرات عبدالله بهرامی از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه تا اول کودتا، (تهران، ۱۳۶۳)، ص ۳۳۱-۲.
۳۴. تاریخچه سی ساله، ص ۵۱-۵۳؛ علی ماجدی و حسن گلریز، پول و بانک از نظریه تا سیاست‌گذاری، ص ۱۷۱-۱۷۰.
۳۵. در تاریخچه سی ساله بانک ملی تاریخ تشکیل شرکت در سال ۱۳۱۵/۱۸۹۷م ذکر شده که با توجه به نامه‌های موجود در آرشیو اتحادیه در سال ۱۳۱۲ نامه‌هایی از حاج لطفعلی نماینده شرکت در تهران موجود است. بنابر این همان تاریخ ۱۳۰۵ هجری که در گنج شایگان ذکر شده است، صحیح است (نگاه کنید به: تاریخچه سی ساله بانک ملی، ص ۵۵-۴۸؛ جمالزاده، گنج شایگان، ص ۹۸).

36. Picot. H, Biographical Notices of Members of the Royal Family, Notable, Merchant and Clergy, (1897), p: 114.

۳۷. تاریخچه سی ساله، ص ۵۳
۳۸. نامه شرکت اتحادیه به کمپانی مسعودیه ۷ جمادی‌الثانی ۱۳۱۶، نمره ۱۶/۲۴؛ نامه شرکت اتحادیه به کمپانی محمودیه، ۱۷ ذیقعد ۱۳۱۷، نمره ۱۶/۱۰۱، (آر.ا.ت).
۳۹. اتحادیه، «مسایل صرافى از خلال»، ص ۱.
۴۰. برای آگاهی از وضعیت خانواده اتحادیه و فرزندان حاج رحیم نگاه کنید به: شجره خاندان اتحادیه که بر اساس آگاهی‌های مربوط به اسناد آرشیو اتحادیه تنظیم شده است. نگاه کنید به بخش ضمایم.
۴۱. «فرمان ناصرالدین‌شاه در اعطای امتیاز به معین‌التجار» شعبان ۱۳۰۷، ۱۶۶۹۲-ق، (م.ا.ب).
۴۲. کرزن، ایران، ج ۲، ص ۴-۴۶۳.
۴۳. ناطق، بازرگان، ص ۲۱.
۴۴. همان‌جا، ص ۲۶۵-۲۶۴.
۴۵. همان‌جا، ص ۲۱۰.
۴۶. ابراهیم تیموری، عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، (تهران، ۱۳۳۲)، ص ۲۲۷.
۴۷. امین‌الضرب به امین‌السلطان، [مارس یا مه ۱۸۹۲] (آر.ا.ض): نقل شده از ناطق، بازرگانان، ص ۲۱۵.
۴۸. اعتمادالسلطنه، روزنامه، ص ۹۸۰.
۴۹. حاج محمدحسین آقا به امین‌الضرب، استانبول، ۳۰ شوال ۱۳۰۹/۲۷ مه ۱۸۹۲، نقل شده از ناطق، بازرگانان، ص ۲۱۴.
۵۰. همان‌جا، ص ۲۶۹-۲۶۸.
۵۱. همان‌جا، ص ۲۷۱.
۵۲. اعتمادالسلطنه، روزنامه، ص ۹۸۰.
۵۳. تیموری، عصر بی‌خبر، ص ۲۳۰-۲۲۴.
۵۴. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: ناطق، بازرگان، ص ۲۸۱-۲۷۸.
۵۵. این آگاهی‌ها از منابع ذیل به دست آمده است: تاریخچه سی ساله، ص ۵۰؛ احمد اشرف، موانع، ص ۷۸؛ جهانگیر اشیدری، «سهم زرتشتیان و پارسیان در ایجاد بانک ملی در آغاز مشروطیت»، هجرت، دوره ۲۵ (سال ۱۳۵۳)، ص ۸.
۵۶. جمالزاده، گنج شایگان، ص ۹۹-۹۸؛ احمد اشرف، موانع، ص ۷۷-۷۶؛ تاریخچه سی ساله، ص ۵۲.
۵۷. «اعلان تأسیس کمپانی محمودیه»، روزنامه ثریا، ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۱۸/۲۳ سپتامبر ۱۸۹۹، ش ۴۸، نقل شده از: رضوانی، تاریخچه، ص ۱۰-۹.
۵۸. احمد اشرف، موانع، ص ۹۷؛ جمالزاده، گنج شایگان، ص ۹۸.
۵۹. حاج محمدحسین کازرونی معروف به حاجی کاکاحسین از تجار معروف اصفهان بود. شرکت مسعودیه و اسلامی و کارخانه بافندگی کازرونی در اصفهان از تأسیسات او است. (نگاه کنید به: مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، تهران، ۱۳۶۳)، چاپ سوم، ص ۳۹۴.
۶۰. «شرکت اسلامی اصفهان»، روزنامه اطلاع، ۱۴ محرم ۱۳۱۷، ش ۴۷۶، ص ۴.
۶۱. «شرکت اسلامی»، روزنامه حکمت، اول ربیع‌الثانی ۱۳۱۷/۱۶ اوت ۱۸۹۹، ش ۸.
۶۲. روزنامه حبل‌المتین، سال ۸۷، ذی‌حجه ۱۳۱۷، ش ۲۰، ص ۱۳.
۶۳. روزنامه ثریا، شماره ۱۲ و ۱۳، ص ۱۳.

۶۴. نگاه کنید به: حبل المتین، سال ۷، ش ۲۱، ص ۱۴.
۶۵. حاج زین العابدین تقی اف یک جوان تهی دست ایرانی بود که برای یافتن کار روانه قفقاز شد. در آن جا با پشتکار و هوش و استعداد خود صاحب امتیاز استخراج نفت از طرف دولت تزاری شد. وی کارخانه‌هایی تاسیس کرد و در ردیف سرمایه‌داران بزرگ قرار گرفت. مسعود میرزا ظل السلطان که در شعبان ۱۳۲۳ به اروپا مسافرت کرد در یادکوبه مهمان وی بود. ظل السلطان سخت تحت تاثیر ثروت و شکوه جلال زندگی وی قرار گرفت. وی در تاریخ سرگذشت مسعودی شرحی از کارخانه‌ها، کشتی‌ها و عمارات تقی اف در یادکوبه داده است. (نگاه کنید به: ظل السلطان، تاریخ سرگذشت مسعودی همراه با سفرنامه فرنگستان، (تهران، بابک، ۱۳۶۲)، صص ۲۰-۱۰، (بخش مربوط به سفر فرنگستان).
۶۶. روزنامه حبل المتین، سال ۷، ذی حجه ۱۳۱۷، ش ۱۸، ص ۱۴.
۶۷. روزنامه ثریا، سال دوم، ربیع الثانی ۱۳۱۸، ش ۳۳.
۶۸. روزنامه پرورش، ۴ شعبان ۱۳۱۸، ش ۲۳، ص ۱۱.
۶۹. روزنامه حبل المتین، سال ۷، ذی حجه ۱۳۱۷، ش ۱۸، ص ۲۰.
۷۰. برای آگاهی بیشتر از اصول و اهداف شرکت اسلامی نگاه کنید به: «کتابچه و نظام‌نامه شرکت اسلامی اصفهان»، روزنامه ثریا، سال اول، ۲۴ جمادی الاول شماره ۱۳۱۷، ش ۴۹، صص ۱۶-۱۲.
۷۱. «شرکت اسلامی»، روزنامه حکمت، اول ربیع الثانی ۱۳۱۷/۶ اوت ۱۸۹۹، ش ۸.
۷۲. شیخ محمدتقی معروف به آقاجفی فرزند حاج شیخ محمدباقر ایوانکیفی و جدش محمدتقی از علمای بزرگ و متنفذ اصفهان بودند و چون در محله مسجد شاه منزل داشتند و در همان مسجد نماز می‌گذاشتند و تدریس می‌کردند معروف به مسجد شاهی‌ها بودند. وی در سال ۱۲۶۲ هجری متولد و در شعبان ۱۳۳۲ درگذشت. (نگاه کنید به: بامداد، رجال، ج ۳، ص ۳۲۶).
۷۳. علمای بزرگی که در حمایت از شرکت اسلامی مبادرت به صدور فتوا کردند عبارت بودند از: سید اسماعیل صدر، حاج میرزا حسین حاج میرزا خلیل، آقا سید محمد کاظم یزدی، آقای شیرینی، آخوند ملا محمد کاظم خراسانی، آقای مقانی، حاج میرزا حسین نوری، میرزا فتح‌الله شیرازی. برای آگاهی از متن فتوای علمای مذکور نگاه کنید به: روزنامه حبل المتین، سال ۷، ش ۲۱، ص ۱۴. همچنین برای توجیهات شرعی در مورد شرکت اسلامی نگاه کنید به: سید جمال واعظ اصفهانی، لباس التقوی، به کوشش همارضوانی، (تهران، ۱۳۶۳) ص ۱۵ به بعد.
۷۴. تلگراف ادیب‌التجار مدیر شرکت اسلامی به اتابک اعظم، روزنامه ادب، ۵ شوال ۱۳۱۸، سال اول، ش ۱۸، ص ۱۳۹.
۷۵. جمالزاده، گنج شایگان، ص ۹۹-۹۸؛ اشرف، موانع، ص ۷۷-۷۶؛ در مورد اعتراض و شکایت از شرکت نگاه کنید به: حبل المتین، سال ۱۳، ۵ ذی قعدة ۱۳۲۳/اول ژوئن ۱۹۰۶، ش ۱۹، صص ۲۱-۲۰؛ همانجا، سال ۱۳، ۱۲ ذی قعدة ۱۳۳۳/۸ ژوئن ۱۹۰۶، ش ۲۰، صص ۷-۶.
۷۶. منابع این دوران به کاهش شدید تعداد کارگاه‌ها اشاره دارند. در مشهد ۱۲۰۰ دستگاه ابریشم‌بافی به ۱۵۰ تا ۲۰۰ دستگاه کاهش یافت. تعداد ۱۸۰۰ دستگاه ابریشم‌بافی یزد و ۹ هزار کارگر آن به دلیل ناخوشی کرم ابریشم، جایگزینی کشت تریاک، ورود پارچه‌های ابریشمی، صدور روزافزون پيله ابریشم و گمرک زیاد روسیه به تدریج غیر فعال شدند و از ۱۴ هزار کارگاه شعربافی کاشان، تنها ۸ کارگاه آن باقی ماند. برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به: جمالزاده، گنج شایگان، ص ۸۱-۷۷؛ آدمیت، افکار اجتماعی، صص ۲۶۱-۲۶۰؛ عیسوی، تاریخ اقتصادی، صص ۴۱۳-۴۱۲.
۷۷. نگاه کنید به: عبدالرزاق دنبلی، مآثر السلطانیة، به کوشش غلامحسین صدری افشار، (تهران، ابن سینا، ۱۳۵۱)، چاپ دوم، صص ۱۴۵-۱۴۱؛ رابرت گرانث واتسن، تاریخ ایران دوره قاجاریه، (تهران، ۱۳۵۶)، چاپ چهارم، ص ۱۲۴.
۷۸. برای آگاهی از اقدامات اصلاح‌گرانه امیرکبیر و سبسالار در تقویت صنایع بومی از جمله شال‌های کشمیر و شال‌های پشمی،

یادداشت‌های فصل سوم ۱۱۷

سفارش لباس نظامیان از پارچه‌های وطنی و ایجاد کارخانه‌های ریسمن‌بافی، چلواریافی در تهران، حریربافی در کاشان و شکرریزی در ساری و بارفروش و بلورسازی و چینی‌سازی در قم و تهران، همچنین صنایع سماورسازی و کالک‌سازی و تقویت صنعت ابریشم‌تابی در مقابله با هجوم کلاه‌های فرنگی، نگاه کنید به: فریدون آدمیت، اندیشه و ترقی و حکومت قانون عصر سپهسالار، (تهران، ۱۳۵۶)، صص ۲۹۹-۲۹۸؛ اعتمادالسلطنه، صدورتواریخ، به کوشش محمد مشیری، (تهران، ۱۳۵۷)، چاپ دوم، ص ۳۸۰؛ عیسوی، تاریخ اقتصادی، ص ۴۵۸-۴۵۲؛ فریدون آدمیت، امیرکبیر و ایران، صص ۳۹۶-۳۹۱.

79. Mahdavi, Amin-Alzarb, p: 177-179.

80. Ibid.

- ۸۱ آگاهی‌های مربوط به جدول‌های شماره ۱ و ۲ از منابع ذیل به دست آمده است: اشرف، موانع تاریخی، صص ۶۵-۶۰.
- ۹۹؛ جمالزاده، گنج شایگان، صص ۹۷-۹۳.
- ۸۲ آدمیت، اندیشه ترقی، صص ۳۳۰-۳۲۶.
- ۸۳ کرزن، ایران، ج ۱، صص ۱۴۳-۱۴۲.
- ۸۴ تیموری، عصر بی‌خبری، صص ۳۵۴-۳۵۲.
- ۸۵ تلگراف از مشهد به حاج‌رحیم اتحادیه، ۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۰، نمره ۱۸۱، (آر.ا.ت.).
- ۸۶ برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: تاریخچه بانک، صص ۲۶-۱۹؛ مصطفی فاتح، پول و بانکداری، (تهران، بی‌تا)، ص ۳۰۸؛ فلور، جستارها، ج ۲، صص ۲۰۷-۲۰۵.
- ۸۷ کرزن، ایران، ج ۱، ص ۲۴۳.
- ۸۸ فلور، جستارها، ج ۲، ص ۲۰۳.
- ۸۹ فلور، جستارها، ج ۲، ص ۲۱۳.
- ۹۰ تاریخچه بانک، صص ۵۱-۴۷.
- ۹۱ آدمیت، افکار اجتماعی، ص ۳۱۷.
- ۹۲ کرزن، ایران، ج ۱، صص ۶۱۵-۶۱۴.
- ۹۳ همان‌جا، ۶۲۰-۶۱۵؛ فلور، جستارها، ج ۲، ص ۲۰۷.
- ۹۴ نامه صراف‌های اصفهان به امین‌الضرب، سال ۱۸۹۲/۱۳۱۰، (آر.ا.ض)؛ نامه آقا محمدتقی نجفی به امین‌الضرب، سال ۱۸۹۲/۱۳۰۹، (آر.ا.ض)؛ نقل شده از ناطق، بازرگانان، صص ۲۹۹-۲۹۸.
- ۹۵ علت کاهش ارزش نقره در کشور، کشف معادن نقره در آمریکا بوده که موجب کاهش قیمت نقره در سطح جهانی شد. تقلب در ضرب سکه، کاهش مسکوکات نقره به دلیل تعطیل موقت ضربخانه از عوامل کاهش ارزش نقره بود. برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به: عباس‌میرزا ملک‌آرا، شرح حال، به کوشش عبدالحسین نوایی، (تهران، بابک، ۱۳۵۷)، چاپ دوم، صص ۹۹-۹۱؛ کاسا کوفسکی، خاطرات، ص ۲۹.
- ۹۶ «تنزل قران»، حبل‌المتین، سال ۱۳، ۲۷ شوال ۱۳۲۳/۲۵ دسامبر ۱۹۰۵، ش ۱۸.
- ۹۷ ناطق، بازرگانان، صص ۱۶۶-۱۶۵.
- ۹۸ نگاه کنید به: فلور، جستارها، ج ۲، صص ۲۱۵-۲۱۴.
- ۹۹ همان‌جا، صص ۲۱۶-۲۱۵.
- ۱۰۰ برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: مروین. ل. انتنر، روابط بازرگانی روس و ایران (۱۹۱۴-۱۸۲۸)، ترجمه احمد توکلی، تهران، ۱۳۶۹، صص ۱۱۳-۸۱.
- ۱۰۱ احمد کسروی، تاریخ هیجده‌ساله آذربایجان، (تهران، ۱۳۵۷)، ج ۲، ص ۵۸۲.

۱۱۸ تجارت، مشروطیت و دولت مدرن

۱۰۲. لیتن، نفوذ مسالمت‌آمیز، ص ۹۸؛ کتاب نارنجی، اسناد وزارت خارجه روسیه تزاری، ترجمه پروین منزوی، (تهران، ۱۳۶۸)، ص ۲۲۸.
۱۰۳. اعتمادالسلطنه، مرآت البلدان، ج ۳، ص ۶.
۱۰۴. عباس میرزا ملک‌آرا، خاطرات عباس میرزا ملک‌آرا، ص ۱۶۸.
۱۰۵. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، (تهران، ۱۳۷۰)، ج ۲، ص ۱۳۹.
۱۰۶. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، صص ۳۷۷ و ۳۰۸.
۱۰۷. عباس میرزا ملک‌آرا، شرح حال، صص ۹-۱۶۸.
۱۰۸. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، ص ۳۰۹.
۱۰۹. همان جا، صص ۳۵۱ و ۲۰۹.
۱۱۰. همان جا، ص ۷۹۲.
۱۱۱. نامه محمدحسن امین‌الضرب به ناصرالدین‌شاه، [۱۳۰۱ قمری]، پرونده عریضه‌های امین‌الضرب به شاه (آ.ا.ض)، نقل شده از آدمیت، افکار اجتماعی، صص ۳۰۹-۳۰۸.
۱۱۲. عریضه تجار به ناصرالدین‌شاه، [۱۳۰۱ قمری]، پرونده مجلس تجارت، (آ.ا.ض)، نقل شده از: همانجا، ص ۳۰۹.
۱۱۳. همان جا، ص ۳۱۱.
۱۱۴. همان جا، ص ۳۱۳.
۱۱۵. همان جا، صص ۳۲۴-۳۱۴.
۱۱۶. همان جا، ص ۳۲۳.
۱۱۷. همان جا، ص ۳۳۵.
۱۱۸. آگاهی‌های مربوط به اسامی تجار مندرج در جدول اسامی از منبع ذیل است: همان جا، صص ۳۴۰-۳۳۶.
۱۱۹. نامه حاج علی اصفهانی به حاج محمدحسن امین‌الضرب، ۲۳ محرم ۱۳۰۲، پرونده مجلس تجارت، (آ.ا.ض)، نقل شده از: همان جا، ص ۳۴۵.
۱۲۰. سواد دست خط ناصرالدین‌شاه، [ذی‌قعد ۱۳۰۱]، پرونده مجلس تجارت، (آ.ا.ض)، نقل شده از: همان جا، ص ۳۴۷.
۱۲۱. سواد نامه ظل‌السلطان به صدراعظم، [۸ ذی‌حجه ۱۳۰۱]، دفتر تلگراف‌ها، (آ.ا.ض)، نقل شده از: همان جا، ص ۳۴۹.
۱۲۲. همان جا، صص ۳۶۱-۳۵۶.
۱۲۳. نامه حاج محمدصادق مشیرالتجار به امین‌الضرب، ۱۷ ذی‌قعد ۱۳۰۱، پرونده مجلس تجارت، (آ.ا.ض)، نقل شده از: همان جا، ص ۳۵۵.
۱۲۴. اعتمادالسلطنه، خلیه مشهور به خوابنامه، کوشش محمود کتیرایی، (تهران، ۱۳۵۶)، ص ۱۱۴.
۱۲۵. شیخ حسن کربلایی، قرارداد رژی یا تاریخ انحصار دخانیات در سال ۱۳۰۹، (تهران، ۱۳۶۱)، صص ۲۲-۱۹؛ ناظم‌الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری، بخش اول، صص ۵۳-۵۱.
۱۲۶. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: سرپرسی سایکس، تاریخ ایران، صص ۵۳۴-۵۳۵؛ ادوارد براون، تاریخ ایران، صص ۳۲-۳۵.
۱۲۷. حاج سیاح، خاطرات، صص ۳۳۹-۳۳۳.
۱۲۸. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: روزنامه اختر، سال ۱۷، ۹ جمادی‌الآخر، ۱۳۰۸، ش ۲۳؛ شیخ حسن کربلایی، قرارداد رژی، صص ۱۵-۱۰، ۲۹-۲۳.
۱۲۹. روزنامه اختر، سال ۱۷، ۹ جمادی‌الآخر، ۱۳۰۸، ش ۲۳.

یادداشت‌های فصل سوم ۱۱۹

۱۳۰. اعتماد السلطنه، روزنامه خاطرات، ص ۷۸۳.
۱۳۱. همان جا، ص ۷۸۰.
۱۳۲. نیکی کدی، تحریم تنباکو در ایران، ترجمه شاهرخ قائم مقامی، (تهران، ۱۳۵۸)، صص ۷۰ و ۹۳.
۱۳۳. آدمیت، رژی، ص ۲۵.
۱۳۴. همان جا، ص ۱۵.
۱۳۵. حاج سیاح، خاطرات، ص ۳۲۹.
۱۳۶. میرزا آقاخان کرمانی از برخی از تجار از جمله حاج محمدشفیع اصفهانی امین‌التجار و عبدالحسین تاجر اصفهانی نام می‌برد که از زمره متقاضیان روزنامه قانون بودند. نگاه کنید به: ناطق، بازرگانان، ص ۲۱۹-۲۱۷.
۱۳۷. نامه حاج محمدرحیم اصفهانی به امین‌الضرب، تبریز، ۲۹ رجب ۱۳۰۸، نقل شده از آدمیت، شورش رژی ص ۱۶.
۱۳۸. ناطق، بازرگانان صص ۱۱۱-۱۰۸.
۱۳۹. همان جا، صص ۱۷۵-۱۷۰.
۱۴۰. همان جا، صص ۱۲۵-۱۱۷.
۱۴۱. همان جا، ص ۱۱۲.
۱۴۲. نگاه کنید به: نامه امین‌الضرب به معین‌التجار، ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۰۹/۱۰ نوامبر ۱۸۹۱، نقل شده از ناطق، بازرگانان، صص ۱۴۲-۱۴۱.
۱۴۳. ناطق، بازرگانان، ص ۱۳۲.
۱۴۴. معین‌التجار از تجار رقیب، امین‌الرعا، وکیل‌الرعا، و آقا شیخ‌محسن بدگوی می‌کند. وی می‌گوید اینان هر سه از «حرامزادگی و مال مردم‌خوری نان می‌خورند و من از صدق و راستی»، نگاه کنید به همان جا، صص ۱۴۱-۱۴۰.
۱۴۵. همان جا، صص ۱۲۵-۱۱۱.
۱۴۶. ملاعلی عرب از نمایندگان امین‌الضرب در کرمانشاه بود. وی در زمینه کتیرا و پشم فعالیت داشت. در سفری به تهران در سال ۱۳۰۴/ق ۱۸۸۷م با سیدجمال‌الدین آشنا شد و از مریدان وی گشت. در تبعید سیدجمال به بغداد، ملاعلی عرب در توقف سید در کرمانشاه از وی پذیرایی کرد. ملاعلی در مکاتبه‌ای با امین‌الضرب از وی می‌خواهد در امر دخانیات کرمانشاه وی را مداخله دهد. وی از زمره تجار خرد محسوب می‌شد و امین‌الضرب قول می‌دهد وی را به ارنستین معرفی کند. (نگاه کنید به: همان جا، ص ۱۲۴).
۱۴۷. حاج محمدکاظم صراف و پسرش آقا محمدجعفر کاظم‌اف از بازرگانان سرشناس اصفهان بودند و با ظل‌السلطان و آقا نجفی رابطه نزدیک داشتند. آقا محمدجعفر بعدها نمایندگی امین‌الضرب در رشت، هشت‌رخان و مسکو را عهده‌دار شد. پس از برجیده شدن رژی در یزد به امور مربوط به تنباکو رسیدگی می‌کرد. (نگاه کنید به: همان جا، ص ۱۱۹).
۱۴۸. حاج محمد شفیع فرزند حاج صادق بازار مرغی اصفهان از تجار سرشناس شیراز بود و در زمینه کتیرا، پوست و تنباکو با هندوستان و اروپا معامله می‌کرد. او در زمره زمینداران بزرگ نیز محسوب می‌شد. وی در شیراز به کارهای تجاری امین‌الضرب می‌رسید و وکالت رژی در شیراز را به عهده داشت. (نگاه کنید: همان جا، ص ۱۲۰).
۱۴۹. در خصوص حاج ابوالقاسم اصفهانی نگاه کنید به: پیوست بخش مقدماتی،
۱۵۰. حاج محمدرحیم اصفهانی در ابتدا در خوی فعالیت داشت. در دهه‌های پایانی قرن نوزدهم از گماشتگان امین‌الضرب در تبریز بود و کالاهای وارداتی از اروپا به تبریز را تحویل می‌گرفت و به تهران می‌فرستاد. وی در سال ۱۳۲۴/۱۹۰۶ اندکی پیش از فرمان مشروطیت درگذشت. وی به همراه حاجی شیخ به نمایندگی از سوی تجار تبریز با رژی گفتگو کرد. حاجی محمدرحیم شرح و تفصیل انحصارنامه توتون و تنباکو را از امین‌الضرب می‌خواهد. وی به دلایل سیاسی یا ترس از روس‌ها

۱۲۰. تجار، مشروطیت و دولت مدرن

- نتوانست بارژی کنار بیاید. در هر حال رژی در تبریز نتوانست موفقیتی بدست آورد. (نگاه کنید به: ناطق، بازرگانان، ص ۱۲۳).
۱۵۱. نگاه کنید به پیوست بخش مقدماتی.
۱۵۲. نامه‌های محمدشفیع امین‌التجار به امین‌الضرب، استانیول ۱۳۰۹/ق ۱۸۹۱؛ امین‌الضرب به امین‌السلطان، ۱۳۰۹/ق ۱۸۹۱، (آر.ا.ض)، نقل شده از: ناطق بازرگانان، صص ۱۰۴-۱۰۳.
۱۵۳. برای آگاهی بیشتر در خصوص ماجرای میرزاشفیع ملک‌التجار در استانیول نگاه کنید به: نامه‌های حاج حسین آقا امین‌الضرب به پدرش نقل شده از: همان جا، صص ۲۱۹-۲۱۴.
۱۵۴. همان جا.
۱۵۵. در خصوص تاسیس شرکت عمومی نگاه کنید به همین فصل؛ ناطق، بازرگانان، صص ۲۶۵-۲۶۳، ۲۸۰-۲۷۴.
۱۵۶. استفاده از شیوه تحریم برای مقابله با نفوذ و رقابت خارجی‌ها روش متداول محض قاجار بود. در سال ۱۸۴۱ میلادی مصرف چای در تهران و تبریز تحریم شد. سه سال بعد تجار ایرانی از دولت خواستند ورود کالاهای اروپایی به کشور را مانع شود. در سال ۱۸۵۳ میلادی تجار اتحادیه‌ای تشکیل داده و خواستار تحریم و توقف ورود کالاهای خارجی شدند. تجار برای پیروزی و گسترش طرح تحریم در بین مردم سعی داشتند از فتوای علمای در منع استفاده از این کالاها بهره‌جویند و از این طریق رقبای سرسخت فرنگی خود را از میدان خارج سازند. برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به: عیسوی، تاریخ اقتصادی، صص ۱۱۵-۱۱۴، ۱۷۰، در اساسنامه مجلس وکلای تجار نیز فکر منع مصرف کالاهای خارجی وجود داشت. نگاه کنید به آدمیت، شورش رژی، ص ۵۵.
۱۵۷. اسناد رژی، پیتون به کندی، ۱۳ مه ۱۸۹۱/۴ شوال ۱۳۰۸ نقل شده از: آدمیت، شورش رژی، ص ۳۴.
۱۵۸. برای آگاهی بیشتر از وقایع فارس نگاه کنید به: ابراهیم تیموری، تحریم تنباکو اولین مقاومت منفی در ایران، (تهران، کتابهای جیبی، ۱۳۵۸)، ص ۷۲-۶۸؛ آدمیت، شورش رژی، صص ۲۴-۱۹.
۱۵۹. آدمیت، شورش رژی، صص ۴۳-۳۴.
۱۶۰. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، (تهران، ۱۳۵۰)، به‌کوشش ایرج افشار، ص ۷۶۷؛ اعتمادالسلطنه، خلسه، ص ۱۲۷.
۱۶۱. آدمیت، شورش رژی، صص ۵۳-۵۲.
۱۶۲. نکى کدى، تحریم تنباکو، ص ۱۱۰.
۱۶۳. برای آگاهی بیشتر از عدم همکاری روحانیان مشهد با مردم مخالف رژی نگاه کنید به: حاج ابرالقاسم ملک‌التجار به امین‌الضرب، ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۳۰۹، (آر.ا.ض)، نقل شده از: آدمیت، شورش رژی، صص ۶۵-۶۴.
۱۶۴. همان جا، صص ۶۶-۶۵.
۱۶۵. ناطق، بازرگانان، صص ۱۷۱-۱۶۸.
۱۶۶. تیموری، تحریم تنباکو، ص ۸۳.
۱۶۷. آدمیت، شورش رژی، صص ۵۶-۵۵.
۱۶۸. همان جا، صص ۷۷-۷۴، ۱۹-۲۰.
۱۶۹. نگاه کنید به: حسین آبادیان، اندیشه دینی و جنبش ضد رژی در ایران، (تهران، ۱۳۷۶)، صص ۱۳۵-۱۲۵.
۱۷۰. ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری، بخش اول، ص ۱۹.
۱۷۱. تیموری، تحریم تنباکو، ص ۸۷.
۱۷۲. اعتمادالسلطنه، روزنامه خاطرات، ص ۷۸۴.
۱۷۳. شیخ حسن کربلایی، قرارداد رژی یا تاریخ انحصار دخانیات در سال ۱۳۰۹، صص ۱۰۰-۹۲.
۱۷۴. آدمیت، شورش رژی، ص ۱۲۶.

تبرستان
www.tabarestan.info

پیوست بخش مقدماتی

تبرستان
www.tabarestan.info

۱- حاج محمدحسن (امین الضرب) فرزند محمدحسین فرزند حاج مهدی صراف بود. پدر بزرگ مادریش در خوی صراف معتبری بود و مسجدی نیز به نام وی در آن شهر بنا شد. وی دخترش را به خانواده‌ای هم‌شان خود داد که شغل موروثی آن‌ها نیز صراف‌ی بود. محمدحسن در دوره محمدشاه در حدود سالهای ۱۲۵۳-۱۲۵۰ / ۳۷-۱۸۳۴ در اصفهان به دنیا آمد. در دوره ناصرالدین‌شاه برای گسترش فعالیت‌های شغلی به تهران رفت و پس از مدتی به سمت ریاست ضرابخانه دولتی انتخاب شد و به تدریج به یکی از ثروتمندترین افراد کشور بدل شد. محمدحسن در دوران کودکیش مکتب را به طور معمول تمام کرد، هر چند خانواده‌های مرفه برای فرزندان خود «معلم سرخانه» می‌گرفتند ولی وی از این شانس بهره‌مند نشد. پدرش بعد از مرگ پدر بزرگش برای کار به کرمان رفت و چندین سال در آنجا ماند و مدت‌ها خانواده‌اش از وی مطلع نبودند و بالاخره در وضعیت نامناسب مالی و در حال بیماری در کرمان درگذشت. این زمان سخت‌ترین دوران خانواده وی بود. محمدحسن در حجره حاج محمدکاظم صراف که از دوستان و نزدیکان آنان بود کار می‌کرد و ابوالقاسم و محمدرحیم برادران دیگر وی نیز در حجره‌های تجار دیگر به کار گماشته شدند. به دلیل بی‌پولی و روزگار سخت خانواده، محمدحسن با صد تومان پولی که از محمدکاظم قرض گرفت روانه تهران شد و در آنجا از دست‌فروشی و دوره‌گردی آغاز کرد و از خرید و فروش هیچ کالایی ابا نداشت. وی توانست اطمینان و اعتماد تجار و صرافان بزرگ را به خود جلب کند. محمدحسن مدتی با کمپانی رالی همکاری کرد که مدیر آن تاجر ترک تابع یونان بود. محمدحسن شیوه مدرن تجارت و

چگونگی صادرات و واردات را از این تاجر یونانی آموخت و پس از مدتی خود مباردت به تاسیس کمپانی به صورت شراکت کرد. از این زمان به بعد دوران رونق و رشد تجاری وی بود. برای آگاهی از شرح زندگانی و فعالیت‌های تجاری محمدحسن امین‌الضرب نگاه کنید به:

Shireen Mahdavi, "Haj Muhammad Hassan Amin AL-Zarb and his World", A Case Study of Soical Mobilitiy in Qajar Iran, (Utah University, 1998), p 8-123.

۲- حاج رحیم اتحادیه فرزند حاج لطفعلی صراف پسر حاجی محمدباقر امین‌الضرب که وی پسر حاج لطف‌الله تبریزی بود. حاج لطف‌الله و برادرش حاج هاشم در بازار تبریز حجره داشتند. آنان در اثر مسافرت به روسیه و آشنایی با شیوه بانکداری نوین در صدد برمی‌آیند که در تبریز بانکی به سبک روسیه ایجاد نمایند. بدین منظور حاج محمد باقر فرزند ارشد حاج لطف‌الله به منظور بررسی شیوه‌های نوین بانکداری مدتی در روسیه به سربرد و پس از مراجعت به کشور نتیجه بررسی و مذاکرات خود با متخصصین روسی را در اختیار پدر و عمویش گذارد و کارهای مقدماتی تشکیل بانک را آغاز کرد و برای اجرای آن با تعدادی از صراف‌ها و تجار تبریزی مذاکره کرد، ولی در این هنگام حاج لطف‌الله فوت می‌کند و حاج هاشم نیز به علت تألمات روحی از دنبال کردن تاسیس بانک منصرف می‌شود. حاج محمدباقر پس از مرگ عمویش دارالضرب تبریز را تاسیس و مسکوکات نقره به نام ولیعهد ضرب و وارد بازار کرد و پس از آن به نام حاج محمدباقر امین‌الضرب تبریزی معروف شد. وی پس از این توفیق، به فکر ایجاد بانک افتاد و پس از تلاش بسیار در بین صراف‌های تبریز اتحاد و اتفاق پدید آورد و شرکت اتحادیه در سال ۱۳۰۵ هجری تأسیس شد. از بین سهامداران شرکت حاج علی کوزه‌کنانی از همه معتبرتر بود. فرزند ارشد حاج محمد باقر یعنی حاج لطفعلی و پسرش رحیم به عنوان نمایندگان شرکت به تهران می‌روند. پس از مدتی به دلیل نامشخصی که شاید نارضایتی از سود دهی شرکت بود سهام خود را از شرکت پس می‌گیرند. حاج لطفعلی تا مدتی امور شرکت را در تهران می‌گرداند. وی در سال ۱۳۱۶ هجری پیمان خود را با شرکت که ریاست آن با حاج علی کوزه‌کنانی بود، فسخ کرد. پس از آن حاج لطفعلی و پسرش همچنان در تهران باقی ماندند و مجدداً پدر و پسر شرکتی با همان نام تاسیس کردند که تا فوت حاج رحیم در ۱۳۱۳ خورشیدی برقرار بود. (این آگاهی‌ها بر اساس اسناد آرشیو اتحادیه و مقاله منصوره اتحادیه، «مسایل صرافی از خلال سطور نامه‌های یک صراف»، اینجا طهران است، (تهران، ۱۳۷۷)، به دست آمده.

۳- حاج محمد معین‌التجار یا سلطان جنوب در ابتدا متصدی امور حاج مهدی ملک‌التجار در بوشهر بود. مدتی به منظور رسیدگی به امور تجاری به بغداد رفت. پیوند بازرگانی خود با خلیج فارس را حفظ کرد. امتیاز فروش خاک سرخ جزیره هرمز به وی داده شد. موافقت‌نامه‌ای بین وی و شرکت الینجر و شرکاء در خصوص فروش اکسید سنگ در

۱۲ نوامبر ۱۹۰۶ منعقد شد. معین‌التجار در ۱۳۰۷/۱۸۹۰ امتیاز کمپانی ناصری را به دست آورد که نوعی شراکت در امتیاز کشتی‌رانی در کارون بود. ناصرالدین‌شاه طی فرمانی در شعبان ۱۳۰۷ این امتیاز را به وی داد. که در چندین فصل تنظیم شده بود. بر این اساس معین‌التجار می‌بایست در زمین‌هایی که به وی داده شده بود ساختمان‌هایی مطابق نیاز کمپانی لنینج تأسیس و به صورت اجاره در اختیار کمپانی قرار دهد. همچنین وی موظف به تأسیس اسلکه، کاروانسرا، مغازه و راه شوسه بین اسلکه‌ها می‌باشد. حمل و نقل مال‌التجاره و کشیدن خط آهن برای انتقال کالا به عهده کمپانی ناصری گذارده شد. «امتیاز عبور و مرور جهازات از بندر ناصری الی شوشتر و دزفول برای حمل و نقل مال‌التجاره داخله و خارجه به کمپانی ناصری داده شد.» امتیاز ساختن راه شوسه از بندر شلیلی به شوشتر و امتیاز معدن زغال سنگ واقع در «خاک خانگی بختیاری» در ازای پرداخت ۲۰ درصد از درآمد آن به دولت، به کمپانی ناصری واگذار شد. همچنین ده هزار ذرع زمین از پای قلعه سالاری به طور مجانی به کمپانی داده شد تا ساختمان‌های مورد نیاز کمپانی لنینج را بنا نماید. معین‌التجار علاوه بر املاکی که در ممسنی فارس به دست آورد، املاک بسیاری در منطقه جنوب داشت. در قراردادی که بین محمد معین‌التجار و کمپانی بوهن در تاریخ ۱۳۱۳ هجری قمری منعقد شد، وی املاک خود را در بندر ناصری که شامل حمام، اسلکه، کاروانسرا، مسافرخانه، راسته بازار، انبارهای جلوی اسلکه، خانه و اراضی دیگر است نزد کمپانی بوهن در ازای ۱۲ هزار پوند انگلیسی به وثیقه می‌گذارد و پس از پرداخت پول با تنزیل صدی پنج املاک را از قید رهن آزاد می‌کند. معین‌التجار علاوه بر همکاری با برادران لنینج با شرکت‌های متعدد خارجی در خصوص صدور و فروش کک و اکسید سنگ و خاک قرمز هرمز همکاری داشت. منطقه میناب نیز جزو تیول معین‌التجار محسوب می‌شده و اسنادی در خصوص شکایت مردم منطقه از معین‌التجار وجود دارد. علاوه بر این وی بلوک معروف ممسنی را از دولت ابتیاع کرد. در سفر اول مظفرالدین‌شاه به فرنگ، حاج معین به خاطر تجدید امتیاز خاک سرخ مدتی از راه را به همراه شاه بود تا امتیاز وی تجدید شد و به تهران بازگشت. وی در جریان مشروطیت فعال و در دوره اول مجلس شورای ملی از طرف تجار تهران در دوره سوم مجلس از سوی اهالی بوشهر نماینده مجلس شد. در سال ۴-۱۳۰۳ خورشیدی شرکت شرق را برای داد و ستد با شوروی ایجاد کرد. در روی کار آمدن رضاشاه فعالیت کرد و در هنگامی که راه آهن شمال را می‌کشیدند شرکتی به نام شرکت طبری تأسیس کرد. بعد از مدتی مورد خشم رضاشاه قرار گرفت و شرکت را از دست داد. در اوایل سال ۱۳۳۵، معاون‌التجار پسر بزرگ وی به دلیل نامعلومی در تهران خودکشی کرد. پسر دوم وی جواد بوشهری دهدشتی (امیر همایون) در سال ۱۲۷۷/۱۸۹۸ تولد یافت. وی تحصیلات خود را در تهران و اروپا انجام داد. به زبان‌های فرانسه و انگلیسی تسلط داشت. با دختر امین‌الضرب دوم ازدواج کرد. در دوره هفتم مجلس به نمایندگی برگزیده شد. وی بیش از برادرش به مسایل

سیاسی گرایش داشت. به وی لقب شاهزاده سوداگر نیز داده‌اند. رضا بوشهری دهدشتی در سال ۱۲۷۵/۱۸۹۶ متولد شد. وی فرزند دیگر معین‌التجار است و تحصیلات خود را در تهران و اروپا به پایان رساند. کار دولتی نپذیرفت و با پدرش به تجارت ابریشم پرداخت. بنا به گفته آقای دکتر اصغر مهدوی، معین‌التجار نیز همچون امین‌الضرب دوم و حاج رحیم اتحادیه در حدود سال‌های ۱۳۱۳-۱۳۱۲ خورشیدی درگذشت. آگاهی‌های مربوط به زندگی معین‌التجار از منابع ذیل به دست آمد: «فرمان ناصرالدین‌شاه در واگذاری امتیاز به کمپانی ناصری و همکاری با کمپانی لینچ»، شعبان ۱۳۰۷، ۱۱۶۶۹۲-ق (م.ا.ب)؛ «قرارداد مابین کمپانی بوهم و محمد معین‌التجار» تاریخ ۱۳۱۳، ۱۱۵۵۶۵-ق (م.ا.ب)؛ «چگونگی فروش کک توسط معین‌التجار بوشهری»، ۱۷ صفر ۱۳۱۸، ۹۵-۱۱۵۴۸۹-ق (م.ا.ب)؛ «موافقت‌نامه فروش اکسید سنگ و مکاتبه با کمپانی النیجر و شرکا»، ۱۲ نوامبر ۱۹۰۶-۱۱۵۶۲۰-ق (م.ا.ب)؛ «تیول معین‌التجار در جنوب» تاریخ ۱۳۲۲ هجری، ۱۱۳۷۲۸-۳۰-ق (م.ا.ب)، سهیلا شهبهانی، «خوانین ممسنی»، آینده ج ۶، ش ۱۲-۹، ص ۷۲۸، همانجا، ج ۸، ص ۶۲۰، همانجا، ج ۱۵، ص ۷۸۸، همانا، بازرگانان، (تهران، ۱۳۷۳)، صص ۲۶-۲۳ و ۴۹-۴۷.

۴- حاج ابوالقاسم اصفهانی پسر دوم آقا محمدحسین صراف اصفهانی و برادر کوچک حاج محمدحسن امین‌الضرب بود. پس از آمدن از اصفهان، مدتی با برادران خود امین‌الضرب و برادر کوچکشان حاج عبدالرحیم اصفهانی در شرکتی که بر پا کرده بودند به داد و ستد پرداختند. وی مدتی به نمایندگی از سوی همین شرکت برای امور تجاری به استانبول رفت. حاج ابوالقاسم و حاج عبدالرحیم هر یک دو سال در تهران و تبریز و استانبول اقامت کردند و به کارهای شرکت پرداختند. در سال ۱۲۸۹/۱۸۷۳ حاج ابوالقاسم پس از بازگشت از استانبول به مشهد رفت و تا آخر عمر خود ۱۳۱۹/۱۹۰۲ در همان شهر به تجارت پرداخت. وی به فعالیت‌های دیگری از جمله خرید املاک، رسیدگی به کارهای امین‌الضرب، اجاره و بهره‌برداری از معادن فیروزه نیشابور، ساختن راه شوسه قوچان به عشق‌آباد نیز پرداخت. وی دو پسر به نام‌های رضا رئیس‌التجار مهدوی و حاجی محمدتقی مهدوی (ملک‌التجار ثانی خراسان) و یک دختر داشت که همسر حاج حسین آقا امین‌الضرب شد. وی نماینده و وکیل رژی در مشهد بود ولی برخوردی دو گانه داشت. وی در ابتدا با محمدعلی اصفهانی وکیل رژی که به مشهد رفته بود، همکاری کرد ولی بعد برخوردی دو گانه پیش کشید هم جانب روحانیون که با رژی مخالفتی نداشتند و هم جانب همکاران خود را گرفت و موضعی محافظه کارانه از خود بروز داد. (نگاه کنید به: همان جا، ص ۱۲۲-۱۲۱؛ آدمیت، شورش رژی، ص ۶۵).

۵- سیدعبدالرحیم معین‌التجار در سال‌های ۱۳۰۳/۱۸۸۵ به بعد رئیس مجلس تجارت کرمان بود. میرزا رضا کرمانی در روزهایی که گماشتگی امین‌الضرب در وکیل‌آباد

کرمان را داشت نامه‌های زیادی برای امین‌الضرب نوشت و از معین‌التجار و برادرش عبدالحسین بسیار بدگویی کرد. سیدعبدالرحیم معین‌التجار فرزند سیدعبدالواسع اصفهانی بود در ابتدا کارگزار امین‌الضرب در کار خرید پارچه در تهران بود. سپس برای اداره امور امین‌الضرب به همراه خانواده‌اش به کرمان رفت. یکی از برادرانش سیدعبدالحسین با او در کرمان می‌زیست، برادر دیگر وی سیدعبدالکریم مسئول املاک و کارخانه ابریشم‌بافی امین‌الضرب در رشت بود. وی در تهران با سیدجمال ملاقات کرد و از مریدان وی شد. از دیگر فعالیت‌های وی معامله شال، حنا، کتیرا و تحویل‌داری گمرک بود. وی وکالت شعبه رژی در کرمان را به عهده داشت و با دکتر تارنس همکاری شد. برای وی ماهی پنجاه تومان موجب قرار دادند. معین‌التجار در ابتدا از این انتصاب بسیار خرسند بود چون در آن سال‌ها تجارت کرمان سخت رو به کساد بود. وی در نامه‌اش به امین‌الضرب اوضاع کرمان را نسبت به سال‌های قبل متفاوت می‌داند. وی چندین فرزند داشت، سیدهاشم معین‌التجار و سیدیحیی محضر دار که انتقال املاک رضاشاه به محمدرضا پهلوی در دفتر او انجام شد (نگاه کنید به: همان‌جا، صص ۱۱۷-۱۱۳).

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

بخش اول
تجار از جنبش مشروطیت تا جنگ جهانی اول

تبرستان
www.tabarestan.info

سیاسی شدن تجار و نکاپو در استقرار مشروطیت

تا اوایل قرن بیستم، مفاد قرارداد ترکمانچای در مناسبات تجاری ایران حکم فرما بود. در سال ۱۸۹۷/۱۳۱۵ سه نفر بلژیکی به ریاست نوز برای سامان دادن به وضع گمرک ایران استخدام شدند.^(۱) در سال ۱۸۹۹/۱۳۱۷ تقاضای وام ایران از روسیه به شرط تغییر تعرفه گمرکی پذیرفته شد. عوارض گمرکی جدید^(۲) که در سال ۱۹۰۳/۱۳۲۱ به اجرا گذارده شد با اعتراض و شکایت‌های فراوان تجار سراسر کشور مواجه گشت.^(۳) تجار برای برخورد مسالمت‌آمیز با مساله گمرک و عوارض جدید گمرکی نامه‌های بسیاری از طریق سعدالدوله، وزیر تجارت به صدراعظم فرستادند و نارضایتی خود را از عملکرد بلژیکی‌ها در گمرک ابراز کردند. وزیر تجارت، جلسه‌ای با حضور تنی چند از تجار، عین‌الدوله و مسیو نوز و برخی دیگر از متصدیان امور به منظور بررسی شکایات تجار تشکیل داد. در این نشست، تجار ثابت کردند که بیش از آنچه در کتابچه گمرکی تعیین گردیده از آن‌ها عوارض گرفته می‌شود.^(۴) ولی با وجود این عین‌الدوله از اعتراض‌های اولیه با بی‌تفاوتی گذشت. بی‌توجهی دولت به خواست‌های تجار موجب بروز واکنش‌های شدیدتری شد. آنان از ابزارهای سنتی متداول آن عصر برای بیان اعتراض خود بهره جستند و در ۱۹ صفر ۱۳۲۳ در زوایه حرم حضرت عبدالعظیم متحصن شدند. دولتیان کوشیدند از انتشار خبر تحصن جلوگیری کنند چرا که اوضاع دیگر شهرها نیز مستعد قیام بود. عین‌الدوله روز بیست و دوم صفر برای ملاقات با تجار به حضرت عبدالعظیم رفت ولی آنان به ملاقات با وی تمایلی نشان ندادند. این غائله با قول و وساطت محمدعلی میرزا ولیعهد مبنی بر اینکه به محض

بازگشت شاه از فرنگ، نوز عزل می‌شود، پایان پذیرفت و روز بیست و هفتم صفر سال ۱۳۲۳ تجار به شهر بازگشتند.^(۵)

تحصن در حضرت عبدالعظیم، بسته شدن بازارها و تلگراف تجار به شاه که از «حمل امتعه خارجی به داخل کشور صرف‌نظر خواهند کرد، مگر اینکه مقررات جدید نسخ گردد»،^(۶) تا هنگامی که در شکل یک اعتراض گروهی بروز نمی‌یافت و بدون هماهنگی و همراهی سایر اقشار جامعه قادر به ایجاد تغییر و تحولی اساسی نبود. تحصن در زاویه حرم حضرت عبدالعظیم در شکل یک تجمع گروهی و صنفی بروز کرد که در پی خواست‌های ذیل بود:^(۷)

۱- مخالفت با تعرفه گمرکی جدید و برشمردن زیان آن برای بازرگانی کشور

۲- برکناری نوز و ذکر دشمنی و بدخواهی او با ایرانی‌ها

۳- شکایت از ستمگری کارکنان گمرک و گرفتن پول زیاد از تجار ایرانی

این تحصن اعتراض تجار به سیاست‌های حکومت بود که با عدم حمایت از سرمایه‌های داخلی دست بیگانگان را در امور اقتصادی کشور باز می‌گذاشت و از سرمایه‌های ملی حمایت نمی‌کرد. این ماجرا آغازگر حرکت‌های بعدی جنبش مشروطه‌خواهی شد. همکاری تجار و روحانیان در جنبش تنباکو تجربه عملی موفقیت‌آمیز این همراهی محسوب می‌شود. در تحصن در زاویه حرم حضرت عبدالعظیم، محمداسماعیل مغازه‌ای و حاج علی شالفرش دو تن از سران تجار متحصن با روحانیان روشن‌بین و آگاه عصر خود، سیدعلی بهبهانی و سیدمحمد طباطبایی همکاری داشتند.^(۸) البته قابل به ذکر است انجمن مخفی آزادی‌خواهان نیز در هنگام تحصن تجار در جهت نزدیک ساختن بیشتر این دو قشر به یکدیگر تلاش‌های بسیار کردند.^(۹) بدیهی است روشنفکران به ضرورت این نزدیکی واقف بودند و زمینه‌های روشنگری و ارتباط‌های لازم را فراهم می‌کردند.

الف) تجار و مهاجرت صفری

به دلیل جنگ روسیه و ژاپن در سال‌های ۱۹۰۴-۱۹۰۵ و کاهش صادرات قند به ایران، همچنین قرارداد شراکتی که چند تن از دلال‌های بازار با بانک روس بسته بودند،^(۱۰) در اواخر رمضان ۱۳۲۳ قند و شکر در بازار تهران کمیاب و گران شد. دولت قاجار فرصت را مغتنم شمرد تا در مقابل اعتراض و تحصن تجار در حضرت عبدالعظیم واکنش مقتضی بروز دهد. علاءالدوله حاکم تهران چند تن از تجار معتبر را به دارالحکومه فراخواند و دو تن از آن‌ها از جمله سیدهاشم قندی را به فلک بست که این امر تا آن زمان سابقه نداشت.^(۱۱) در اعتراض به این واقعه بازارها بسته شد. عدم همکاری دولت با تجار و بی‌تفاوتی نسبت به خواست‌های آن‌ها و ناتوانی سعدالدوله^(۱۲) وزیر تجارت در حفظ منافع تجار موجب گشت ماهیت تقاضاها به تدریج تغییر یابد و از صورت یک جریان اعتراضی صنفی به یک جنبش گسترده سیاسی - اجتماعی بدل شود. تجار از اعتراض مسالمت‌آمیز و مذاکره با دولت و

مقامات دیوانی نتیجه‌ای به دست نیاوردند، از این رو به جانب قدرت‌های پر نفوذ اجتماعی یعنی علماء کشیده شدند. تجار و علماء طی دوره قاجار روابط نزدیکی با یکدیگر داشتند و در مواردی از جمله شورش تنباکو در کنار یکدیگر و برای هدف معینی در مقابل دولت قاجار ایستادگی کردند.

از این مرحله جنبش وارد مرحله جدیدی می‌شود و اقشار مختلف جامعه تجار، علماء و روشنفکران در کنار یکدیگر قرار می‌گیرند. سیاسی شدن تجار از این مرحله قابل طرح است. آنان از خواست‌های صنفی خود فراتر رفتند. چه عاملی موجب این امر شد. به رغم فشارهایی که از سوی دولت وارد می‌شد و انگیزه مقاومت و اعتراض را در آنان افزایش می‌داد، به نظر می‌رسد زمانی تجار از حوزه منافع طبقاتی خود فراتر می‌روند که بر موج یک جریان عمومی و توده‌ای سوار گردند و اقشار دیگری نیز با آنان همراه شوند. تجار تا بر حفظ دارایی خود و نبودن خطری جدی اطمینان نیابند، وارد مسایلی فراتر از خواست‌های صنفی نمی‌شوند. کمالینکه در این مرحله نیز بسیار با احتیاط عمل کردند و تدارکات پشت صحنه در تحصن حضرت عبدالعظیم را به عهده گرفتند.

تجار در مسجد شاه گرد آمدند و از علماء درخواست کردند که در مسجد به آنان بپیوندند. به جز امام جمعه که به قصد دیگری به مسجد آمد، آقایان طباطبایی و بهبهانی برای حمایت از تجار به مسجد رفتند. تجار و علماء به صورتی وسیع‌تر و عام‌تر از آنچه پیش در کنار هم قرار گرفتند.^(۱۳) گردآمدگان در مسجد شاه خواهان جبران توهین به تجار و عزل علاءالدوله از حکومت تهران شدند.^(۱۴) علاوه بر عزل علاءالدوله، تقاضای تشکیل مجلسی برای رسیدگی به دادخواهی مردم نیز از خواست‌های تجمع‌کنندگان عنوان شده است.^(۱۵) تجاوز و توهین عمال حکومت به تجار بهانه لازم را برای علنی کردن مطالبات سیاسی و اجتماعی فراهم ساخت. امام جمعه که رابطه نزدیکی با صدراعظم داشت، با هماهنگی عمال حکومت سخنرانی سیدجمال واعظ اصفهانی و تجمع معترضین را به بهانه هتک حرمت شاه بر هم زد و در پی اغتشاش ناشی از آن مردم متفرق شدند. علماء تصمیم گرفتند به حضرت عبدالعظیم عزیمت کنند. در ۱۶ شوال ۱۳۲۳ گروهی از علماء، طلاب و تعدادی از تجار و پیشه‌وران از تهران به قصد حضرت عبدالعظیم عزیمت کردند. منابع به تعداد اندک تجار در مهاجرت صغری اشاره دارند. «از طایفه تجار معدودی رفتند و اکثر در خانه‌های خود چپیده و یا به گوشه‌ای خزیده.»^(۱۶) هر چند منشأ این حوادث از توهین به تجار آغاز شد و روحانیان برای همراهی با آنان یک صدا شدند، با این حال اندک بودن تعداد تجار در این مهاجرت جای شگفتی و پرسش دارد. گو اینکه باید پذیرفت با وجود عدم امنیت مالی و روحیه محافظه‌کاری تجار، خطر تهاجم حکومت و مصادره اموال برای تجار بیش از سایر گروه‌ها بود. با وجود این تجار هزینه بست‌نشینان را به عهده گرفتند و دو تن از آنان به نام حاج محمدتقی بنکدار و حاج حسن بنکدار از جانب تجار وکیل خرج متحصنین شدند.

رقابت‌های درباری و جناح‌بندی‌های حکومتی نیز به نوبه خود جای ویژه‌ای یافت. افرادی همچون امین‌السلطان برای مقابله با عین‌الدوله و اشخاص دیگری مثل شاهزاده سالارالدوله، اعتصام‌السلطنه و رکن‌الدوله نیز مبالغی پول فرستادند که در بین بست‌نشینان تقسیم شد.^(۱۷)

پس از مهاجرت علما و دیگر اқشار به حضرت عبدالعظیم، علاءالدوله حاکم تهران به زور، بازار تهران را باز نگهداشت. روشنفکران فرصت را غنیمت شمردند و دست به روشنگری زدند، کتابچه‌هایی منتشر کرده موضوع عدالت، امنیت و قانون را مطرح کردند و از قول علما عریضه‌هایی به شاه نوشتند. «این عریضه‌ها به دست علما هم رسید تا تکلیف خودشان را بدانند»^(۱۸) انتشار این اوراق زمینه آگاهی‌های عمومی را افزایش داد، چنانکه در افزونی شمار کسانی که طرفدار آزادی و ایجاد دگرگونی‌های بنیادی بودند، موثر واقع شد.^(۱۹) متحصنین خواست‌های خود را در هشت مورد مطرح ساختند.^(۲۰) برخی از این تقاضاها صرفاً جنبه فردی و شخصی داشت، هر چند تمایل و خواست‌های بخشی از روحانیون را باز می‌نمود. برای مثال عزل عسگر گاریچی از راه قم، مراجعت حاج میرزا محمد رضای کرمانی از علمای کرمان که تبعید شده بود و برگرداندن مدرسه خان مروی به حاج شیخ مرتضی آشتیانی از این نمونه بود. گفتنی است که در میان علما نیز به دلایل گوناگون رقابت‌های شخصی وجود داشت. مدرسه خان مروی نمونه بارزی بود از رقابت دیرین میان امام جمعه خویی و خانواده میرزا حسن آشتیانی که پس از وی اداره آن را به عهده داشتند. در این ماجرا دولت عین‌الدوله از امام جمعه خویی حمایت کرد.^(۲۱) تقاضای عدالتخانه و اجرای قانون برای همه افراد به طور یکسان نیز مطرح گردید و این واکنشی در برابر فشار حکام و حاکمیت خودکامه بود که جنبه عام‌تر و گسترده‌تری داشت. روشنفکران نیز در مجامع مخفی و از طریق ارتباط با علما و تجار سعی در گسترش مفاهیم عام‌تر، فراگیرتر و اصولی‌تر داشتند.^(۲۲) عزل نوز و علاءالدوله نیز که از تقاضاهای اولیه تجار در اولین تحصن گروهی آنان بود، مجدداً مطرح گردید. نوع تقاضاها حاکی از میزان دخالت و همکاری اқشار مختلف اجتماعی بخصوص علما، تجار و مجامع مخفی روشنفکری بود. هر چند هنوز به نوعی بی‌تجربگی و خامی ابتدایی در شناسایی روند کلی خواست‌های جنبش اجتماعی دچار بودند، به طور قطع مهاجرین مجبور بودند با خواست‌های تدارک‌کنندگان مالی مهاجرت و مجامع مخفی همراهی نشان بدهند.

بعد از رفت و آمدهای بسیار، و مذاکره و وساطت سفیر عثمانی، شاه طی دستخطی فرمان ایجاد عدالتخانه را صادر کرده و متحصنین در روز ۱۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۳ در حالی که از صدور فرمان تاسیس عدالتخانه راضی بودند با افتخار به پایتخت بازگشتند.^(۲۳) بعد از گذشت مدتی نه تنها فرمان به اجرا در نیامد بلکه عین‌الدوله در صدد دستگیری و تبعید مخالفان خود و محرکان ماجرا برآمد که از جمله این افراد سید جمال واعظ بود. وی در بین

«کلاه نمندی‌ها و پیشه‌وران و طبقه پایین‌بازاری» نفوذ بسیار داشت. (۲۴) سیدجمال در هنگام تبعید می‌گوید: «مقصود همه ما از علماء اعلام و طلاب و وعاظ و تجار فقط این است که شاه مجلس شورا بدهد.» (۲۵) سعدالدوله وزیر تجارت که بنا بر شغل حکومتی خویش رابط حکومت با تجار بود و کوشیده بود از تجار جانبداری کند به طور غیرمحترمانه‌ای به یزد تبعید شد. (۲۶) همسر یکی از دو تن تاجری که به طور آشکار در مهاجرت صفری از متحصنین حمایت کرده بودند، توسط مأموران دولتی دستگیر شد. (۲۷) این شرایط به خوبی دلیل عدم شرکت تجار در مهاجرت به حضرت عبدالعظیم را باز می‌نماید، چرا که شناسایی این افراد خطر از دست دادن اموال و حتی تبعید آنان را به همراه داشت. عین‌الدوله فشار بر مخالفان نظام خود کامه را افزایش داد و با ایجاد فضای ترس و وحشت مخالفان خود را به نام بابی‌گری دستگیر نمود. «سه تن از بازرگانان را که به بهایی‌گری شناخته می‌بودند، گرفتند و بند کردند و چند گاهی نگه داشتند و سپس از هر کدام یکصد و پنجاه تومان گرفته رها گردانیدند.» (۲۸)

ب) تجار و مهاجرت کبری

در فضای فشار و ارعاب حاکمیت عین‌الدوله، موضوع دیگری به تحول حوادث سرعت بخشید. در ۱۸ جمادی‌الاول ۱۳۲۴ طلبه جوان به نام سیدعبدالحمید در برخورد میان سربازان و مردم به ضرب گلوله به قتل رسید. حادثه تا آنجا اهمیت یافت که بازارها بسته شد؛ علماء، تجار و کسبه در مسجد جامع گرد آمدند. تجمع مسجد جامع جنبه عام‌تر و فراگیرتری یافت، به بهانه کشته شدن سیدی طلبه، توده‌های مردم بر اساس عقایدشان بر خود واجب دانستند در این اعتراض شرکت کنند. تقاضای عدالتخانه یا تأسیس مجلس عدل مجدداً مطرح شد. درگیری و کشتار اطراف مسجد، علماء و گروهی از طلاب را واداشت به قصد عتبات از شهر خارج شوند. (۲۹) در حوادث مسجد جامع خیر بر پا کردن علم توسط بزازها (۳۰) و فعالیت آن‌ها و حضور تجار و کسبه در کنار علماء گزارش شده است. (۳۱) بهبهانی قبل از خروج از شهر با سفارت انگلیس مکاتبه می‌کند و از آنان تقاضای همکاری در رفع ظلم می‌نماید و در مرتبه دوم جواب مساعد می‌گیرد. (۳۲) وی بعد از خروج از شهر در ابن‌بابویه به بعضی از تجار می‌گوید: «هرگاه پس از من متعرض شما شدند به آن‌ها [سفارت انگلیس] متوسل شده و به آن مکان متحصن و ملتجی شوید.» (۳۳) اینکه چرا به تجار سفارش پناهندگی به سفارتخانه داده شد، قطعاً به دلیل ترسی بود که از تعدی عمال حکومت به جان و مال آن‌ها وجود داشت زیرا آنان بیش از گروه‌های دیگر از نظر مالی آسیب‌پذیر و در معرض خطر بودند. عین‌الدوله اعلام می‌کند که اگر بازار و دکان‌ها باز نشود به سربازان فرمان یغما می‌دهد. (۳۴) این تهدیدها بهانه لازم برای تحصن در سفارت را فراهم ساخت. اما این پرسش مطرح است که این تصمیم چگونه و توسط چه کسانی اخذ شد، هر چند بهبهانی با

سفارت مذاکراتی می‌کند ولی به نظر می‌رسد این تصمیم شخصی نبوده است. «عده‌ای از تجار آزادیخواه و رؤسای اصناف و رهبران مشروطیت» طی مذاکراتی به این نتیجه رسیدند. (۳۵) محمدتقی بنکدار از تدارک دهندگان مالی بست‌نشینی معتقد بود، فکر تحصن در سفارت از سوی چند تن از تجار عمده مطرح شد که وی آنان را با مجامع مخفی روشنفکری مرتبط می‌داند - کسانی همچون امین‌الضرب، حاجی شاهرودی و چند تن دیگر از تجار بزرگ که با دربار و شاه ارتباط داشتند و در بازار نیز سمت ریاست داشته و همه به آن‌ها احترام می‌گذاشتند. (۳۶)

با موافقت تلویحی سفارت تعداد معدودی از تجار (۳۷) پس از مذاکره با سفارت در ۲۴ جمادی‌الاول ۱۳۲۴ در محل سفارت انگلستان متحصن شدند. به تدریج با پراکنده شدن خبر بر تعداد افراد متحصن افزوده شد. تعداد این افراد را تا سی‌وهزار نفر ذکر کرده‌اند. تمامی اصناف از جمله قصاب‌ها و حتی پینه‌دوزها و گردو فروش‌ها در این اجتماع شرکت کردند. (۳۸) «طایفه بزازها و صراف‌ها دکاکین خود را بسته و رفتند به سفارتخانه»، (۳۹) به طور قطع تجار بزرگ که با شاه، دربار، سفارتخانه و انجمن‌های مخفی مرتبط بودند و نبض بازار و حرکت‌های آن را در دست داشتند، در ترغیب اصناف، صراف‌ها و حتی تجار متوسط و خرد در حمایت از تحصن سفارتخانه و تدارک مالی آن نقش بسیار مؤثری داشتند. در اسامی نخستین تجاری که به سفارتخانه پناهنده می‌شوند اسامی تجار بزرگ و معتبری مثل امین‌الضرب، شاهرودی، اسماعیل مغازه‌ای، معین‌التجار بوشهری دیده نمی‌شود. به نظر می‌رسد آنان بیشتر خط دهنده و رابط بست‌نشینان با عناصر قدرت بودند و باز در این مرحله نیز از برخورد علنی و مستقیم با دیوانیان سرباز زدند و جانب احتیاط را رها نکردند. اما تجار متوسط و اصناف بازار همواره به عنوان بازوی عملی این گروه به کار گرفته می‌شدند و حتی در صورت لزوم نیازهای مادی آنان برای رسیدن به اهداف مورد نظر را تأمین می‌کردند.

تجار تدارک مالی تحصن بزرگ سفارتخانه را همچون مهاجرت صغری به عهده گرفتند. محمدتقی بنکدار و حاج حسن بنکدار صاحب خرج و مسئول پرداخت مخارج بودند. (۴۰) از اسناد و نوشته‌های وکیل‌الدوله منشی مخصوص و وزیر تحریرات مظفرالدین‌شاه این‌طور برمی‌آید که این شخص معتقد بود سفارت هم از نظر مالی و هم از نظر تعلیم مشروطیت به افراد متحصن نقش عمده‌ای داشته است. (۴۱) در جایی از این اسناد ذکر می‌شود:

«شارژدافر به آن تجار معتبر واضح گفته است که اجازه دارم تا یک کروار تومان بدون تنزیل به شماها بدهم که به کاسب و اصناف‌ها که در اینجا پناهنده هستند و آذوقه و مثنونه ندارند در میان آن‌ها هر کس را به فراخور کسب و اعتبار قسمت نمایند و بعد از آنکه کارشان اصلاح شد عوض آن را به مرور بدهند.» (۴۲)

وی در جایی دیگر در مورد خرج متحصنین می‌نویسد: «تجار بیست‌هزار تومان چک فرستاده از بانک انگلیس آورده و به رزاز و بقال و غیره دادند.» (۴۳) ولی با این همه او معتقد

بود تجار به تنهایی از عهده خرج افراد متحصن بر نمی آمده‌اند. نویسنده این منبع بی تردید با خواست متحصنین چندان توافقی نداشته است.^(۴۴) از واژه‌ها و تاکیده‌های نویسنده نیز مشخص است نه تنها در به کارگیری آن‌ها تعمد دارد که سعی دارد جنبش مشروطه را یک جریان وابسته به خارجی و غیر خودجوش باز نماید. حاج تقی بنگدار نیز به گرفتن هجده هزار تومان پول از بانک شاهی اشاره دارد که با تخصیص اعتبار حاجی امین‌الضرب مستقیماً از بانک گرفته است.^(۴۵) منابع دیگر از جمله تاریخ بیداری، از تجاری نام می‌برد که هزینه افراد متحصن در سفارت را به عهده گرفته‌اند. وی اسامی آن‌ها را به قرار زیر آورده است: حاج امین‌الضرب، حاج معین بوشهری، حاج محمداسماعیل آقا مغازه، آقامیرزا محمود اصفهانی، ارباب جمشید.^(۴۶) علاوه بر آن تجار پولی تهیه کرده برای آقایان علما در قم فرستادند.^(۴۷) بنابر شواهد موجود تجار بار مالی کلیه متحصن‌ها را تحمل کردند. هر چند به گرفتن پول از بانک شاهی اشاره شده ولی به نظر می‌رسد بیشتر به این منظور مطرح شد که کل جریان جنبش را وابسته، استعماری و به فرمان خارجی قلمداد کنند. پذیرش صرف چنین هزینه‌های گزافی از سوی تجار نمی‌توانست انگیزه‌ای در حد ایجاد عدالتخانه داشته باشد. سرمایه‌داران مالی همچون امین‌الضرب به طور قطع آگاهانه در این مسیر قدم می‌گذارند. امین‌الضرب مسافرت‌های زیادی به اروپا، عثمانی، مسکو، قفقاز و مراکز و محافل روشنفکری داشت و با سرمایه‌گذاری در شکل جدید آن و نقش دولت‌ها و تأثیر نظام‌های سیاسی در فعالیت‌های تجاری به خوبی آشنا بود. از این رو، او نیز مانند روشنفکران به ضرورت اصلاحات در نظام سیاسی کشور معتقد بود؛ با این حال همچنان جانب احتیاط را حفظ می‌کرد.

در تحلیل حوادث پایانی که منجر به صدور فرمان مشروطیت شد، شاهد وقوع دو تحصن بزرگ هستیم. مهاجرین قم را به طور عمده علمای طراز اول تشکیل می‌دادند و بیشتر متحصنین سفارت را تجار، کسبه و رده‌های پایین روحانیت یعنی طلاب مدارس علمیه در برمی گرفتند. خواست‌های متحصنین سفارت در آغاز و انجام بدین قرار بود. بست‌نشینان سفارت در اولین درخواست‌های خود علاوه بر تقاضای بازگشت علما و عزل عین‌الدوله، مسأله ایجاد امنیت و قانون^(۴۸) را مطرح ساختند و اینکه «امروز کسی دارای مال و جان خود نیست».^(۴۹) تقاضای افتتاح عدالتخانه‌ای داشتند «که از طبقه علما و تجار و سایر اصناف برای رسیدگی در مراعات شرکت در او داشته باشند».^(۵۰) در این مرحله با وجود آن که اکثر افراد متحصن را تجار و کسبه تشکیل می‌دادند تقاضاهای صنفی گذشته، به مفاهیمی عام‌تر و کلی‌تر تغییر یافت، هر چند لفظ مجلس و مشروطیت هنوز مطرح نشده بود. مطالبات نهایی متحصنین بدین شکل مطرح گردید:^(۵۱)

۱- بازگشت علما

۲- عزل شاهزاده اتابک

۳- افتتاح دارالشوری

۴- قصاص قاتلین شهدای وطن

۵- عودت مطرودین (رشدیه و دیگران)

ناظم الاسلام تقاضای صنفی صرافان و تجار در گرفتن وجه قبوض موجب را هم اضافه می‌کند^(۵۲) و به جای دارالشوری لفظ «تأسیس مجلس به طریق صحیح» به کار می‌برد.^(۵۳) در هر حال تجار در آخرین تقاضا، معدلت‌خانه دولتی را به مشورت‌خانه ملی تبدیل کردند^(۵۴) و حتی محتصنین سفارت به علمای قم پیغام دادند که «ایشان هم با مردم تا مشروطیت نگرفته، ساکت نشوند»^(۵۵) مذاکراتی بین سران تجار حاج حسین آقا امین‌الضرب، محمد اسماعیل آقا تبریزی، محمدعلی شالچی، عبدالرزاق اسکویی، محمدتقی شاهرودی، سید محمد صراف آقا، محمد معین‌التجار بوشهری و سید محمدباقر کاشانی با شاه و صدراعظم انجام می‌گیرد و حکومت آنان را واسطه مذاکره با بست‌نشینان می‌کند، ولی آنان در ملاقات با عین‌الدوله آشکارا عنوان می‌کنند که محتصنین «مجلس مبعوثان ملی» می‌خواهند و این که آنان نیز روحاً با مقاصد آن‌ها موافقت ولی از روی مصلحت داخل آن نشده‌اند^(۵۶) در هر حال صدراعظم متقبل شد همه مقاصد «آقایان و تجار و کسبه» را برآورده نماید.^(۵۷) سرانجام دست خط شاه مبنی بر اجازه تشکیل مجلس شورای ملی از منتخبین گروه‌های مختلف اجتماعی صادر گردید. همکاری و پایداری تجار، اصناف و طلاب از یک سو و مهاجرت علما از سوی دیگر منجر به صدور فرمان مشروطیت در روز ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ از سوی مظفرالدین‌شاه شد.

در مرحله پایانی فعالیت‌هایی که به صدور فرمان مشروطیت انجامید، اقشار مختلف جامعه در کنار یکدیگر قرار گرفتند و پیوندهای ظاهری میان آنان برقرار شد. اما مانند همه انقلاب‌ها، ائتلاف‌های نخستین در مرحله جنبش به خصوص اگر دوران درگیری کوتاه باشد، امکان تفکیک لایه‌های تشکیل‌دهنده جنبش به وجود نمی‌آید و در مرحله استقرار اختلاف‌نظرها و تمایلات متفاوت اقشار شرکت‌کننده بروز می‌نماید. فهم هر کدام از این گروه‌ها از مشروطیت متفاوت بود. بی‌تردید تجار بزرگ و رابط بست‌نشینان با عناصر قدرت نه تنها خط‌دهنده و تنظیم‌کننده جریان‌ها بودند که درک خاصی از مسایل سیاسی و به خصوص فهم مشخصی از مشروطیت داشتند. واژه مشروطیت از مملکت عثمانی به ایران سرایت کرد. آن را معادل قانون اساسی، دموکراسی، شیوه اداره پارلمانی و حکومت مردم بر مردم تعریف کرده‌اند.^(۵۸) علمای دینی از مشروطیت عزل معاندانی چون عین‌الدوله و استقرار مجلس عدالت را مراد می‌کردند. روشنفکران به دنبال شعارهایی همچون حاکمیت ملی، پارلمان و قانون بودند. اما تجار از مشروطیت چه فهمی داشتند؟ بی‌تردید آنان از مشروطیت حکومت قانون، حدود و حقوق معین افراد را می‌فهمیدند و اینکه به این ترتیب کسی نمی‌تواند از حد قانون خارج شود. تجار در پی قانونی بودند که در پرتو آن امنیت

سرمایه‌هایشان تضمین شود.

تجار بزرگ با محافل روشنفکری مرتبط بودند. آنان نه تنها از تحولات و اصلاحات اروپا مطلع بودند، بلکه با ایجاد دفاتر نمایندگی در قاهره، بمبئی، کلکته و استانبول از قوانین تجارتی دنیای سرمایه‌داری در آغاز قرن بیستم آگاهی یافته بودند و در پناه حمایت همین قوانین به تجارت مشغول بودند. تجار با جناح‌هایی از داخل حاکمیت سیاسی نیز مرتبط بودند. آنان اصلاحات سیاسی را در خدمت سرمایه و اهداف خود می‌خواستند و شکل نظام سیاسی به صرف خود اهمیت چندانی نداشت، نوع حاکمیت و تأثیر آن در عملکرد آن‌ها بود که می‌توانست تأثیر گذار باشد. تجار طی حوادث سیاسی به نوعی انتخاب دست زدند و استقرار نظام سیاسی مشروطه و مشارکت خود در آن را برای ایجاد فضایی مناسب با رشد و گسترش فعالیت‌های تجاری و صنعتی خود مؤثر دانستند.

نظامنامه انتخاباتی نوشته شد و در آغاز تجار با آن مخالفت کردند، از این رو مجدداً تغییراتی در آن داده شد. تجار در این زمینه نیز فعالانه و با هوشیاری مداخله کردند هر چند موارد اعتراض و علت آن به دلیل در دست نبودن مدارک و اسناد مشخص، روشن نیست.^(۵۹) در این مقطع از جنبش، آنچه جالب توجه است پایداری و سماجت تجار به همراهی طلاب در حفظ و حراست مشروطیت بود. در حین نوشتن نظامنامه و فراهم کردن مقدمات آن به چند مورد اعتراض این گروه برمی‌خوریم: «جمعی از تجار و اصناف آمدند خانه آقای طباطبائی و گفتند ما جناب آقا سیدعبدالله را خواهیم کشت چه این ملت را فروخته و رشوه گرفت و زمین‌های درشت را از دولت برای خود و پسر و داماد خویش گرفته است.»^(۶۰) و در جایی دیگر می‌گویند: «از رفتن جناب آقا سیدعبدالله حضور شاه، مردم در وحشت و خیالات افتادند، می‌ترسیم آخر ما ملت را بفرشند.»^(۶۱) مجدداً به دلیل تأخیر امضای نظامنامه هیاهو به راه افتاد و قرار شد دکان‌ها را باز نکنند؛ طباطبائی مهلت خواست ولی «طلاب به این حرف‌ها و مواعید متقاعد نشدند.»^(۶۲) در همان شب تجار دوباره در سفارتخانه انگلیس متحصن شدند و عده زیادی از طلاب به آن‌ها پیوستند. «تجار و رؤسای اصناف و صراف‌ها در سفارتخانه می‌باشند می‌گویند تا مجلس صحیحی تشکیل نیابد و مطمئن نشویم خارج نخواهیم شد.»^(۶۳) و اختلاف دیدگاه‌ها از این مرحله به بعد آغاز می‌شود. در حوادث منجر به صدور فرمان مشروطیت موارد زیر را می‌توان در نظر داشت:

- ۱- تجار بار مالی کلیه اعتراض‌ها و تحصن‌ها را به دوش داشتند.
- ۲- منابع در این حوادث بیشتر تجار، اصناف و طلاب را در کنار یکدیگر نام می‌برند.
- ۳- به جز نخستین تحصن تجار در حضرت عبدالعظیم که اعتراض صنفی بود در دیگر تحصن‌های حضرت عبدالعظیم و قم (خارج از تهران) تعداد تجار مهاجر اندک بوده است که بازتابی از حفظ موضع محافظه کارانه تجار و نگرانی آن‌ها از ترس مصادره اموال بوده است.
- ۴- تقاضای نهایی، ایجاد مجلس یا دارالشوری از تحصن سفارتخانه که اجتماع تجار و

اصناف و طلاب بود صادر شد و تجار در کلیه مذاکرها با سفارتخانه و سران حکومت نقش عمده و اساسی داشتند.

۵- در حوادث پس از اعلان مشروطیت، هر چند جناح‌های ائتلافی تجار و علما و روشنفکران در کنار یکدیگر قرار داشتند، به تدریج اختلاف‌نظرها که حاکی از تمایز دیدگاه‌ها، انگیزه‌ها، منافع و تفاوت‌های شخصیتی افراد بود، آشکار گردید. اعتراض‌هایی از جانب تجار به برخی از سران روحانی نهضت وارد شد و طلاب نیز در کنار تجار قرار گرفتند. این اختلاف‌ها به دلیل ظنی بود که به همکاری احتمالی سیدعبدالله با دربار می‌رفت و امکان نوعی سازش و محافظه‌کاری از جانب وی را مطرح کرد. طلاب که دارای افکاری نو و آرمان‌گرا بودند، با هر نوع سازش و محافظه‌کاری که امکان دستیابی به اهداف مورد نظر را ناممکن سازد، مخالفت کردند.

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل اوّل

تبرستان
www.tabarestan.info

۱. برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به: جمالزاده، گنج شایگان، صص ۱۳۲-۱۳۱؛ یکتایی، تاریخ دارایی، صص ۴۰۴-۳۹۸.
۲. عیسوی، تاریخ اقتصادی، ص ۱۱۱، تعرفه جدید از سه جنبه به زیان ایران بود:
(الف) از لحاظ سیاسی: اختیار ایران در امور گمرک کشور از بین رفت و هیچ تغییری بدون رضایت روسیه امکان نداشت.
(ب) از لحاظ اقتصادی: باعث زوال صنایع ایران شد و صدور کالاهای ایران در رقابت با کالاهای روسی دشوار شد. برخی از حقوق گمرکی که بر اساس وزن تعیین شد به نفع پنبه روسیه بود.
(ج) از نظر مالی: ۳۴ قلم از واردات از ادای گمرک معاف شدند. در واقع در این تعرفه حقوق گمرک از صدی سه الی صدی چهار تجاوز نمی‌کرد. (نگاه کنید به: یکتایی، تاریخ دارایی، صص ۴۰۴-۴۰۳؛ تیموری، عصر بی‌خبری، صص ۳۹۲-۳۹۱).
هر چند شخص نوز در گزارش بعد از استعفایش این تغییر را به نفع افزایش عایدی گمرک و افزایش صادرات و واردات کشور می‌داند. (نگاه کنید به: آنت دستره، مستخدمین بلژیکی در خدمت دولت ایران، ترجمه منصوره اتحادیه (نظام‌مافی)، تهران، ۱۳۶۳)، صص ۱۳۱-۱۳۰.
۳. نوز علاوه بر حذف گمرک بین شهری، تعرفه پنج درصد را بر اساس وزن و به طور یکسان برای کلیه تجار ایرانی و خارجی قرار داد. در حالی که تا پیش از این تجار ایرانی حق گمرک کمتری می‌پرداختند. یکی از نویسندگان می‌نویسد با وجود اینکه تجار تا قبل از این قانون، گمرک بین شهری می‌پرداختند ولی به دلیل رواج رشوه و ارتشاء آنان فقط حقوق گمرک اسمی می‌پرداختند و یکسان کردن حقوق گمرکی موجب اعتراض آنان شد. (نگاه کنید به: گیلبار، گاد، جی، تجار ایران و انقلاب مشروطیت، ترجمه جهانگیر پهلوان، زمینه ایران‌شناسی، (تهران، ۱۳۶۴)، صص (۲۳۵-۲۳۲). با وجود نظر نویسنده مزبور، از خلال فرمانی که مظفرالدین‌شاه در شعبان ۱۳۲۴ صادر کرد، روشن می‌گردد که با وجود لغو گمرک بین شهری باز هم مقادیری با عناوین و اسامی دیگر از تجار گرفته می‌شد. علاوه بر اینکه تعرفه سرحد هم افزایش یافته بود و به

۱۴۴. تجار، مشروطیت و دولت مدرن

این ترتیب تعادلی بین تعرفه گمرکی تجار داخلی و خارجی وجود نداشت. برای آگاهی از متن فرمان مظفرالدین شاه نگاه کنید به: ناظم الاسلام، تاریخ بیداری، صص ۶۱۹-۶۱۸؛ برای آگاهی از وضعیت گمرک و تفاوت بین حق گمرک تجار ایرانی و خارجی نگاه کنید به: کرزن، ایران و قضیه ایران، ج ۲، ص ۵۶۶.

۴. ناظم الاسلام، تاریخ بیداری، بخش اول، صص ۲۹۴-۲۹۳.

۵. محمدحسن ادیب هروی خراسانی، تاریخ انقلاب طوس یا پیدایش مشروطیت ایران، (تهران، [بی تا])، چاپ دوم، ص ۱۸.

۶. ادوارد پروان، انقلاب ایران، چاپ دوم، ص ۱۰۹.

۷. کسروی، مشروطه، ص ۵۱.

۸. همان جا.

۹. ناظم الاسلام کرمانی، تاریخ بیداری، بخش اول، ص ۲۹۳.

۱۰. یحیی دولت آبادی، حیات یحیی، ج ۲، ص ۱۰.

۱۱. مهدی شریف کاشانی طرح فلک کردن تجار را از سوی سیدحسن رشیدیه دانسته. رشیدیه از اختلاف و دشمنی علاءالدوله و عین الدوله استفاده کرده و به علاءالدوله پیشنهاد می دهد برای برکناری عین الدوله بهترین راه به چوب بستن چند تن از تجار است. (نگاه کنید به: مهدی شریف کاشانی، واقعات اتفاقیه در روزگار، (تهران، ۱۳۶۲)، ج ۱، ص ۲۸. با آنکه فعالیت روشنفکران برای استفاده از شرایط اجتماعی و نشر کتابچه و تشکیل جلسه های مخفی و شبنامه آشکار است ولی اینکه تا چه حد سخن رشیدیه در علاءالدوله امکان نفوذ و تأثیر داشته است جای تردید می باشد، چرا که قطعاً حاکم تهران خود نیز از عواقب این گونه اعمال مصون نمی ماند. در برخی از منابع به گرایش علاءالدوله به انگلیسی ها و مخالفت وی با تجار واردکننده کالاهای روسی اشاره شده است. (نگاه کنید به: خسرو معتضد، امین القسرب و تاریخ تجارت و سرمایه گذاری صنعتی در ایران، (تهران، ۱۳۶۶)، ص ۶۳۶.

۱۲. هاشم محیط مافی، تاریخ انقلاب ایران یا مقدمات مشروطیت، به کوشش مجید تفرشی و جواد جان فدا، (تهران، ۱۳۶۳)، ص ۸۶.

۱۳. به رغم آنکه ناظم الاسلام می نویسد که طرح آمدن دو سید روحانی و دیگر روحانیان مشروطه خواه از طرف امام جمعه داده شد، با این حال وجود زمینه همکاری تجار و روحانیان و همراه شدن آن دو با یکدیگر غیر قابل انکار است. نگاه کنید به: ناظم الاسلام، تاریخ بیداری، ص ۳۳۳.

۱۴. ناظم الاسلام، تاریخ بیداری، ص ۳۳۴؛ ادوارد پروان، انقلاب ایران، صص ۱۱۱-۱۱۲.

۱۵. کسروی، تاریخ مشروطه، (تهران، ۱۳۶۳)، ص ۶۰.

۱۶. ناظم الاسلام، تاریخ بیداری، ص ۳۴۴؛ کسروی نیز به اندک بودن تعداد تجار در این مهاجرت اشاره می کند. (نگاه کنید به: کسروی، تاریخ مشروطه، ص ۶۵؛ براون به کم بودن تعداد اشاره نمی کند بلکه می نویسد از همه گروه ها، طلاب، تجار و پیشه وران گروه متحصنین می پیوستند. (براون، انقلاب ایران، ص ۱۱۵).

۱۷. ناظم الاسلام، تاریخ بیداری، بخش اول، ص ۳۴۴؛ مهدی شریف کاشانی، واقعات اتفاقیه در روزگار، (تهران، نشر تاریخ ایران، ۱۳۶۲)، ج ۱، ص ۳۹؛ براون، محمدعلی میرزای ولیعهد را هم در زمره کمک کنندگان به بستیان نام می برد. (براون، انقلاب ایران، ص ۱۱۴).

۱۸. یحیی دولت آبادی، حیات یحیی، ج ۲، ص ۱۷.

۱۹. نگاه کنید به: مهدی ملکزاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، (تهران، ۱۳۶۳)، چاپ دوم، کتاب دوم، ص ۳۱۲.

۲۰. برای آگاهی از تقاضاهای متحصنین نگاه کنید به: ناظم الاسلام، تاریخ بیداری، ص ۳۵۸؛ کسروی، تاریخ مشروطه، ص

۲۱. در خصوص رقابت بین روحانیان برای تولیت مدرسه خان مروی نگاه کنید به: یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۲، ص ۱۲.
۲۲. همانجا، ص ۱۹.
۲۳. ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری، بخش اول، صص ۳۶۶-۳۵۸؛ کسروی، تاریخ مشروطه، صص ۷۶-۶۸؛
۲۴. براون، انقلاب ایران، ص ۱۱۷.
۲۵. ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری، بخش اول، ص ۳۷۳.
۲۶. کتاب آبی: گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس در باره انقلاب مشروطه ایران، به کوشش احمد بشیری، (تهران، ۱۳۶۳)، ج ۱، ص ۷؛ ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری، ص ۳۷۸.
۲۷. ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری، ص ۵۰۹.
۲۸. کسروی، تاریخ مشروطه، ص ۸۹.
۲۹. برای آگاهی بیشتر از این حوادث نگاه کنید به: احمدتفرشی حسینی، روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران، به کوشش ایرج افشار، (تهران، ۱۳۵۱)، صص ۲۵-۲۴؛ کسروی، تاریخ مشروطه، صص ۱۰۶-۹۵؛ ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری، بخش اول، صص ۴۸۳-۴۷۹؛ براون، انقلاب ایران، ص ۱۱۹؛ کتاب آبی، ج ۱، ص ۷.
۳۰. ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری، بخش اول، ص ۴۸۲.
۳۱. کتاب آبی، ج ۱، ص ۸.
۳۲. همانجا، ص ۹.
۳۳. ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری، بخش اول، ص ۵۰۲.
۳۴. براون، انقلاب ایران، ص ۱۲۰.
۳۵. ملکزاده، تاریخ مشروطه، ص ۳۷۳.
۳۶. نگاه کنید به: عبدالله بهرامی، خاطرات عبدالله بهرامی، (تهران، ۱۳۶۳)، صص ۷۳-۶۹.
۳۷. اسامی اولین تجاری که در سفارت متحصن شدند از این قرار بود: میرزا محمود تاجر اصفهانی، حاجی محمدتقی، حاجی محمدحسن، حاج محمدابراهیم، ملاحسن وارث، حاج علی ماهوت‌فروش، میرزا حاج آقا حریرفروش، آقا محمدتقی صراف، حاج سیدآقا صراف، (ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری، صص ۵۱۱-۵۱۰) کتاب آبی به پنجاه نفر از تجار و طلاب به عنوان اولین افراد متحصن اشاره می‌کند. (کتاب آبی، ج ۱، ص ۹).
۳۸. کسروی، تاریخ مشروطه، ص ۱۱۰؛ ابراهیم صفایی، اسناد مشروطه، (تهران، [بی‌تا])، ص ۹۹.
۳۹. ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری، بخش اول، ص ۵۱۱.
۴۰. نگاه کنید به: تفرشی حسینی، روزنامه اخبار، ص ۲۸؛ ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری، بخش اول، ص ۵۱۴.
۴۱. صفایی، اسناد مشروطه، ص ۵۹.
۴۲. همانجا، صص ۱۰۷-۱۰۶.
۴۳. همانجا، صص ۷۹-۷۸.
۴۴. نویسنده در جایی می‌گوید: «خدا نکند که علما مسلط بشوند که در حق هیچکس ایقا نخواهند کرد.» (صفایی، اسناد مشروطه، ص ۱۴۱) این سخن را وکیل‌الدوله در زمانی مطرح می‌کند که علما و دیگر افشار اجتماعی در مقابل حاکمیت سیاسی برای استقرار قانون، عدالتخانه و مشروطیت فعالیت می‌کرده‌اند.
۴۵. بهرامی، خاطرات، ص ۷۵.

۱۴۶ تجار، مشروطیت و دولت مدرن

۴۶. ناظم‌السلام، تاریخ بیداری، بخش اول، ص ۵۹۱؛ تفرشی حسینی می‌نویسد: «تجار یکصد هزار تومان حاضر نموده‌اند که در سفارت تا هر مدتی که بمانند خرج نمایند.» (تفرشی حسینی، روزنامه اخبار، ص ۲۹).
۴۷. ناظم‌السلام، تاریخ بیداری، بخش اول، ص ۵۵۵.
۴۸. صفایی، اسناد مشروطه، ص ۵۹.
۴۹. کسروی، تاریخ مشروطه، ص ۱۱۰.
۵۰. همانجا، ص ۱۱۰؛ در همین مورد نگاه کنید به: تفرشی حسینی، روزنامه اخبار، ص ۲۸.
۵۱. کسروی، تاریخ مشروطه، ص ۱۱۳-۱۱۲.
۵۲. ناظم‌السلام، تاریخ بیداری، بخش اول، ص ۵۵۸.
۵۳. همانجا.
۵۴. تفرشی حسینی، روزنامه اخبار، ص ۳۴.
۵۵. حاج سیاح، خاطرات، ص ۵۶۰.
۵۶. دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۲، صص ۷۶-۷۵.
۵۷. ناظم‌السلام، تاریخ بیداری، بخش اول، ص ۵۶۲.
۵۸. در خصوص واژه مشروطیت نگاه کنید به: تقی‌زاده، «مشروطیت ایرانی»، اطلاعات ماهانه، ج ۱، ش ۵، صص ۴۰-۳۹؛ همچنین همانجا، ج ۷، ش ۷، صص ۴-۳ و ۶. تقی‌زاده معتقد است نخستین بار در جلسه ششم ذیقعد ۱۳۲۴ مجلس، وی لفظ مشروطه را به کار برده است و تا پیش از آن کلمه «مجلس» در بین مردم و وکلای رایج بوده است. نگاه کنید به: عبدالحسین نوایی، «قانون اساسی ایران و متمم آن چگونه تدوین شده»، یادگار، سال ۴، ش ۵، صص ۴۱-۴۰.
۵۹. ناظم‌السلام، تاریخ بیداری، بخش اول، ص ۵۶۲.
۶۰. همانجا، ص ۵۹۷.
۶۱. همانجا، ص ۵۹۲.
۶۲. همانجا، ص ۵۹۷.
۶۳. همانجا، ص ۶۰۰.

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل دوم
تلاش در استقرار نهادهای مدرن
و مشروطیت تا استبداد صغیر

تبرستان
www.tabarestan.info

تلاش در استقرار نهادهای مدرن و مشروطیت تا استبداد صغیر

الف) تجار و مجلس اول

از آنجا که مجلس بزرگترین و مهمترین دستاورد مشروطیت و تغییر نظام سیاسی کشور بود، بررسی مصوبات آن در این دوره می‌تواند پاسخ‌گوی این پرسش باشد که این نهاد نوپای سیاسی به عنوان تبلور مشروطیت، چگونه به تلاش اقشار و گروه‌های مختلف اجتماعی که در برپایی مشروطیت تلاش کردند، پاسخ گفت و قوانین جدید تا چه میزان در برگیرنده خواست‌ها و نیازهای این گروه‌ها و از جمله تجار بوده است.

مجلس اول طی شعبان ۱۳۲۴ - جمادی‌الاول ۱۳۲۶ / اکتبر ۱۹۰۶ - ژوئن ۱۹۰۸ ادامه یافت و در این بین توانست قوانین و لوایحی که شامل کلیات و اصول مشروطیت بود، به تصویب برساند.^(۱) انتخابات دوره اول مجلس نمایندگان از بین گروه‌های مختلف اجتماعی و به صورت طبقاتی صورت گرفت. در ماده دوم نظامنامه در شرایط انتخاب‌کنندگان آمده است که مالکان و تجار و اصناف برای شرکت در انتخابات باید شرایط خاصی داشته باشند. «ملاکین و فلاحین» باید صاحب ملکی باشند که هزار تومان قیمت داشته باشد. تجار باید حجره و تجارت معین داشته و اصناف نیز باید دکانی داشته باشند که کرایه آن مطابق کرایه‌های حد وسط محلی باشد.^(۲) بدینسان نمایندگان از بین شاهزادگان و قاجاریه، علما و طلاب، اعیان و اشراف، تجار، زمینداران و کشاورزان و پیشه‌وران به صورت جداگانه برگزیده شدند. ۴۱ درصد نمایندگان مجلس اول را تجار و اصناف تشکیل دادند که پس از تغییر نظامنامه طبقاتی در مجلس دوم به ۹ درصد کل نمایندگان کاهش یافتند.^(۳)

تجار در انتخابات مجلس بخصوص دوره اول حضور فعالانه‌ای داشتند. حضور آنان در

انجمن نظارت بر انتخابات می‌توانست موجب برقراری صحیح انتخابات بر اساس نظامنامه مجلس گردد و در عین حال به اعمال نفوذ آن‌ها نیز منجر شود. انتخاب رییس‌التجار به سمت منشی‌گری انجمن ترشیزو و توابع^(۴)، توصیه عمده‌التجار حاجی سیدمحمدرضا و حاجی باقر به اهالی بوشهر در انجام انتخابات مطابق نظامنامه^(۵) و تشکیل انجمن نظار بوشهر در خانه ملک‌التجار، از نشانه‌های حضور مثبت تجار در انتخابات بود^(۶) البته اعتراض‌هایی نیز به اعمال نفوذ تجار در انتخابات انجمن ایالتی و مجلس شورای ملی صورت گرفت که فارغ از درست یا نادرست بودن آن، باز هم بیانگر نقش فعالانه و نفوذ و اهمیت حضور تجار در انتخابات بود. رییس انجمن اتحادیه «اریاب سفاین و ملاحان» طی نامه‌ای به اتحادیه تجار بوشهر به اعمال نفوذ حاج عبدالرسول تاجر بوشهری اعتراض می‌کند، که وی نام برخی افراد از جمله خود رییس اتحادیه را که برای نظارت در انتخابات پیشنهاد شده بودند، حذف کرده است. وی در نامه‌اش این عمل را خیانت به تجار و اهالی بوشهر دانسته، وی در اعتراض به این گونه نفوذ تجار در انتخاب اعضای نظارت می‌گوید: «اگر گمان می‌کند به واسطه ارتباطی که با تجارتخانه خارجه پیدا کرده امتیازی بر دیگران دارد، این خیال موهوم و خام است.»^(۷) وی در پایان علت حذف نام خود را جویا می‌شود و به تشریح موقعیت خود می‌پردازد. نمونه دیگری از اعتراض‌هایی که به تجار شد، انتخاب محمد یزدی وکیل‌التجار به عنوان یکی از سه نفر نماینده منتخب منطقه رشت بود که پس از حرکت نمایندگان به سمت تهران، تجار بومی در تلگرافخانه متحصن شدند به صدراعظم و سعدالدوله شکایت کردند که طبق نظامنامه محمد یزدی نباید به عنوان وکیل ملت تعیین شود.^(۸) علت این مخالفت‌ها، دسته‌بندی‌های سیاسی و نیز اعمال نفوذ افراد مقتدر و معتبر محلی بود که در این موارد بروز می‌کرد. پس از مجلس اول با کاهش حضور سیاسی تجار در مجلس و انتخابات به تدریج این گونه برخوردها نیز کاهش می‌یابد.

با آنکه تشکیل مجلس شورا، نخستین تجربه نمایندگان بود و اکثر افراد در آغاز آگاهی کافی از شیوه پارلمانی نداشتند، دوره اول مجلس از مهمترین دوره‌های قانون‌گذاری محسوب می‌شد. تعداد زیاد تجار و اصناف،^(۹) شور و هیجان پیروزی بر مستبدین و جو ضد بیگانه رایج در این سال‌ها، مجلس اول را قادر ساخت اقدام‌هایی در زمینه حمایت از سرمایه‌های داخلی، مقابله با نفوذ بیگانگان و محدود کردن قدرت سیاسی دربار انجام دهد. در تصویب این قوانین فعالیت تجار بسیار محسوس بود. از مسایلی که مورد توجه تجار و از تقاضاهای اولیه آن‌ها در تحصن‌های اعتراضی پیش از مشروطیت بود و در این دوره به وسیله مجلس انجام پذیرفت، وادار کردن شاه به اخراج مستشاران بلژیکی به ریاست نوز بود که سرپرستی گمرکات کشور را به عهده داشتند.^(۱۰) ادیب‌التجار و محمداسماعیل مغازه در مذاکرات روز ۲۱ ذی‌حجه ۱۳۲۴ در مجلس مسأله نوز و بلژیکی‌ها را مطرح کردند. ادیب‌التجار تلگرافی از تجار اصفهان خواند که در آن خاطر نشان شده بود که مأموران گمرک

به عنوان راهداری از همه کالاها پول می‌گیرند. اعتراض تجار شیراز نیز در این جلسه مطرح شد. محمداسماعیل مغازه به عملکرد گمرک اعتراض کرد و گفت که مالیات راهداری در تمام مملکت منع شده و نباید با این نام مالیاتی گرفته شود.^(۱۱) میرزا جوادخان سعدالدوله نماینده مالکان و اعیان، رهبری مخالفت با عملکرد بلژیکی‌ها در گمرک را به عهده گرفت. جناح تندرو مجلس به سرپرستی تقی‌زاده و نمایندگان تجار نیز با این موضع‌گیری هم‌سویی داشتند. با فشارهای مجلس، نوز مجبور به استعفا شد ولی مشاور وی پریم بر سر کار ماند و در واقع به رغم فعالیت نمایندگان تجار و ملاکین در مجلس، تغییر اساسی در امر گمرکات حاصل نگردید و عواید گمرکی رو به کاهش گذارد.^(۱۲)

بحران مالی کشور و کمبود نقدینگی موجب شد، دولت پیشنهاد استقراض خارجی را مطرح نماید. با این پیشنهاد بود که یک دسته بحث‌های مفصل مبنی بر زیان وام‌گیری آغاز شد و معین‌التجار، نماینده تجار در مجلس به تجزیه و تحلیل و مخالفت با این موضوع پرداخت. وی طی نطقی مواد و شرایط وام را به تفصیل بررسی و زیان‌های آن را برشمرد و گرفتن وام را فقط در صورت استفاده در اصلاحات کلی جایز دانست. وی اظهار داشت کشورهای غربی بدون اینکه منفعتی کسب نمایند به پرداخت وام مبادرت نمی‌کنند.^(۱۳) تأثیر سخنان معین‌التجار و سایر نمایندگان تجار به مخالفت مجلس با گرفتن وام خارجی منجر شد.

پیشنهاد دولت مبنی بر گرفتن وام خارجی در مجلس شورای ملی و بحث‌های متنوع در مخالفت و موافقت با آن، اندیشه تأسیس بانک ملی را از سوی تجار مطرح ساخت. معین‌التجار با سخن‌رانی خود در مجلس به اصلاحات کشور و لزوم گرفتن پول اشاره کرد و اظهار داشت برای حفظ استقلال بهتر است وجهی از تجار داخلی تدارک شود تا وزیر بار ننگ اجانب نروند.^(۱۴) تجار بزرگ ضمن مخالفت با استقراض خارجی، پیشنهاد تأسیس بانک ملی را مطرح کردند، رهبران این اندیشه در مجلس، تجاری همچون حاج‌امین‌الضرب، حاج‌محمد اسماعیل مغازه و حاج معین‌التجار بودند. دولت مدتی مهلت داد تا تجار در صدد فراهم نمودن مقدمات تأسیس بانک برآیند. لایحه تأسیس بانک ملی در بیست و هفت رمضان به مجلس داده شد. معین‌التجار با نطق‌های مؤثر خود از تأسیس بانک دفاع کرد و همه افراد متمول و مردم عادی را به حمایت از بانک ملی فرا خواند. علاوه بر نایب‌السلطنه، صدراعظم، وزیر دربار، وزیر داخله، مشیرالملک، سعدالدوله، موتمن‌الملک، شیخ خزعل‌خان، سردار ارفع و تعداد بسیاری از درباریان و اعیان و اشراف حاضر به همکاری در تأسیس بانک شدند. از تجار معروفی که در زمره موسسین بانک محسوب می‌شدند می‌توان از امین‌الضرب، معین‌التجار، امین‌التجار کردستانی، محمداسماعیل آقا تاجر تبریزی، محمدابراهیم ملک‌التجار اصفهان، عبدالرزاق تاجر اسکویی، افتخارالتجار، محمدشفیع ملک‌التجار، محمدحسین کازرونی، فرج‌آقا صراف تبریزی، باقرآقا صراف، لطفعلی اتحادیه،

میرزا علی صراف اصفهانی، علی اکبر آقا صراف، ارباب جمشید، و تومانیان نام برد.^(۱۵) موسسین بانک یک صد نفر تعیین شدند که هر کدام از پنج هزار تا پنجاه هزار تومان در سرمایه اولیه بانک مشارکت می نمودند. سرمایه اولیه آن را سی کروور تومان تعیین نمودند که برآورد می شد در آینده به یک صد کروور تومان نیز بالغ شود. بر اساس امتیازنامه بانک، عموم مردم می توانستند سهام بانک را خریداری نمایند. عواید دولت در سراسر کشور تحویل بانک و مخارج با حواله وزیر مالیه از طریق بانک پرداخت می شد. پس از انقضای مدت امتیاز بانک شاهنشاهی، حق نشر اسکناس به بانک ملی داده می شد و بانک حق سرمایه گذاری در معاملات زراعی، احداث راه آهن و راه های شوسه، استخراج معادن، اراضی موات، غواصی و صید در خلیج فارس را داشت. همچنین حق واردات نقره برای ضرابخانه به بانک داده شد. در ضمن در مواردی که دولت به وام نیاز داشت بانک تا یک پنجم سرمایه خود را به موجب قرارداد می توانست به صورت وام در اختیار دولت قرار دهد.^(۱۶) این امتیازنامه با امتیاز بانک شاهنشاهی برابری می کرد. بر اساس این امتیازنامه اتکای مالی بانک به مردم بود و این نهاد به تمامی از دولت جدا شده بود.

در ابتدا تبلیغات بسیاری برای ایجاد بانک صورت گرفت. تجار به تلگرافخانه رفتند تا از همراهی همتایان خود در شهرها و مناطق دیگر همچون قفقاز، استانبول و هندوستان بهره مند شوند.^(۱۷) حجره های تجار بزرگی همچون امین الضرب، حاج محمد اسماعیل آقا تبریزی، حاج باقر صراف تبریزی، ارباب جمشید و تومانیان محل خرید قبض سهام بانک اعلام شد. روشنفکران سعی کردند تأسیس بانک ملی را به یک شور و هیجان ملی و یک جریان ضد بیگانه مبدل سازند. حبیب المتین از فعالیت محمدرضا صاحب تاجر کازرونی در بوشهر گزارش می دهد که به کمک دریاییگی مبالغی برای بانک جمع آوری کردند و طلاب شیراز کتاب های خود را حراج نموده و وجوه آن را فرستاده اند تا «دولت را به قرض خارجی احتیاج نیافتد»^(۱۸) در مجلس از زنانی نام برده شد که حاضر بودند وجوه مورد نیاز دولت را جمع آوری کرده بپردازند تا دولت نیاز به استقراض خارجی پیدا نکند.^(۱۹) روشنفکران از طریق روزنامه ها می کوشیدند تا سابقه مخالفت تجار با بانک شاهنشاهی را دوباره احیا کنند^(۲۰) و از تجاری که به منافع ملی بی توجه اند، انتقاد نمایند و مردم کوچه و بازار را به حمایت بانک ترغیب نمایند. به طوری که در گزارشی از عشق آباد، کارگران کوره پز و اصناف کم درآمدی که با پول اندک خود در تأسیس بانک مشارکت کرده اند تجلیل شده، به صاحب منصبان و بزرگانی که می توانستند همکاری کنند و بی تفاوت بوده اند، انتقاد شده است. در این گزارش حتی تجار شیراز و اصفهان و تجار ایرانی مقیم هندوستان شدیداً مورد سرزنش قرار گرفتند که در امر بانک ملی از خود بی تفاوتی نشان داده اند.^(۲۱) در نامه معین التجار به حاج محمدصادق تاجر اصفهانی به عدم همکاری اهالی فارس به طور عملی در تأسیس بانک ملی اشاره شده است.^(۲۲) روزنامه ها سعی کردند تأسیس بانک ملی به یک

حادثه ملی و مبارزه بر ضد خارجی‌ها مبدل شود. آن‌ها با تجزیه و تحلیل عملیات بانکی به عملکرد بانک شاهنشاهی در ایران پرداختند و اینکه بانک «طلای مملکت را به کلی از دست ما خارج و به خارجه حمل کرد» و این امر اعتبار ایران را کاهش داد.^(۲۳) روزنامه‌ها تأسیس بانک ملی را به طور مشخص حرکتی برای «رهایی از استقراض خانه برانداز خارجی» معرفی کردند و نه تنها مردم را به این مشارکت ملی فراخواندند^(۲۴) که افراد موثری را که قادر به کمک‌های کارشناسانه در تأسیس بانک بودند، از جمله حاج محمدحسین امین‌الضرب، حاج محمداسماعیل مغازه، ارباب جمشید و حاج عبدالرحمن مدیر کمپانی فارس را نیز معرفی کردند.^(۲۵) همچنین به تجار توصیه شد، با اتحاد و در نظر گرفتن منافع عمومی امتیاز بانک ملی را از دولت گرفته و با استخدام افراد ماهر و آگاه، خود امور پولی کشور را به دست گیرند. تأکید می‌شود که تنها تهیه سرمایه کافی نیست؛ بلکه «علم و تجربه» در اداره این گونه کارها نیز لازم است، چرا که طی چهل سال پیش از شصت کمپانی بزرگ و کوچک تأسیس شد که به دلیل عدم آگاهی‌های لازم موفق نشدند و حتی برخی از این تجار سرمایه‌شان در حد کمپانی‌های متوسط اروپایی بوده ولی علم لازم را نداشتند. روشنفکران با برشمردن سودهایی که بانک شاهنشاهی از این امتیاز به دست آورده است تجار را به اتحاد در مقابل بانک‌ها و تجار خارجی فرامی‌خوانند و اتحاد جزیی تجار اصفهان در مقابل بانک را نشانه‌ای از فواید اتحاد تجار قلمداد می‌کنند.^(۲۶)

به رغم تلاش‌های اولیه تجار و هیاهوی روزنامه‌ها و تمایل مجلس، طرح تأسیس بانک ملی تنها بر روی کاغذ باقی ماند و عملی نشد.^(۲۷) شکست این طرح و ناکامی تأسیس بانک ملی همواره این پرسش را مطرح می‌نماید که چرا در سال‌های نخستین مشروطیت، تجار، مجلس و دولت قادر به ایجاد چنین بانکی نشدند و تأسیس آن به اوایل حاکمیت رضاشاه موکول شد. بی‌تردید یکی از خواست‌های تجار نظارت و نفوذ در نظام پولی کشور بود. قدرت‌های خارجی به عنوان رقبای اصلی آن‌ها سلطه اقتصادی خود را گسترش داده بودند. در ابتدای واگذاری امتیاز بانک شاهنشاهی، اعتراض‌های گسترده‌ای از سوی تجار و بخصوص صراف‌ها در مقابل فعالیت‌های بانک صورت گرفت. نامه‌ها و شکوائیه‌های بسیاری به علما نوشته شد. در اصفهان صراف‌ها به آقا نجفی و تجار بزرگ از جمله امین‌الضرب ملتجی شدند و زندگی و شغل خود را از دست رفته انگاشتند. پس از استقرار نظام بانکی جدید و فعالیت منظم آن، به تدریج از مخالفت تجار و صراف‌ها با بانک شاهنشاهی به صورتی آشکار و همه‌گیر تا حوادث جنبش مشروطیت کاسته شد. البته بروز اختلاف‌های ملی و اعتراض‌های فردی بین بانک و اشخاص حقیقی امری بدیهی می‌نمود. طی فعالیت بانک، تجار و صراف‌ها که به شیوه‌های سنتی حواله و ارسال پول عادت داشتند به سختی حضور این نهاد بیگانه اما منظم و دقیق را پذیرفتند.^(۲۸) با این همه بانک توانست جای خود را به عنوان یک نهاد مالی جدید باز کند. یک از دلایل مهمی که به شکست طرح

تأسیس بانک ملی انجامید، غیر متحمل بودن عمل تأسیس بانک ایرانی در زمانی بود که زیر ساخت‌های موجود برای ایجاد چنین نهادی وجود نداشت. کشور انقلاب زده بی‌سامانی که موج ناآرامی‌ها و ناامنی‌های اجتماعی و دسته‌بندی‌های سیاسی پس از جنبش مشروطیت اطمینان سرمایه‌گذاری در نهادهای جدید را تأمین نمی‌کرد، چگونه می‌توانست بستر امن سرمایه‌گذاری بانکی را فراهم سازد. اختلاف‌های دولت و مجلس موجب گردید تا حمایت لازم دولتی برای چنین امری فراهم نگردد. هر چند دولت به ظاهر با تأسیس بانک ملی موافقت کرد؛ اما دولت‌های آن دوره بنا به ماهیت خود قابلیت درک ضرورت چنین نهادهایی را نداشتند و حتی برخی توافق دولت را نوعی تحت فشار قرار دادن تجارت قلمداد کرده‌اند تا آنان را با وام‌خواهی‌های پیاپی ورشکست سازند.^(۲۹)

در هر حال انگیزه دولت هر چه بود و این که در این هم‌آوردی بین تجارت و دولت کدامیک قصد غلبه بر دیگری را داشته است، به موضوع این بحث چندان مربوط نمی‌شود. حتی این که نقشه‌های دولت پس از تأسیس بانک چه بوده است نمی‌توانست تأثیر چندان بر تصمیم تجارت و صاحبان ثروت بگذارد، مگر عدم اطمینان به شرایط موجود که به همان ساختارهای ناکارآمد سیاسی - اجتماعی جامعه باز می‌گشت. این عدم اطمینان چند جانبه بود. صاحبان ثروت و تجارت در آشکار کردن دارایی خود تردید داشتند، آن‌ها نگران بودند که مورد بازخواست قرار گیرند که «این اندوخته را از کجا آورده‌اند»^(۳۰) و در نهایت به شیوه‌های گوناگون اموالشان مصادره شود؛ به این دلیل از طرح تأسیس بانک ملی چندان استقبال نکردند. روزنامه‌ها به شدت ثروتمندانی را که آینده‌نگری نداشته، فقط به «منافع عاجل» خود می‌اندیشیدند مورد سرزنش قرار دادند.^(۳۱) به نظر می‌رسد با این که تجارت امید به بهبود اوضاع داشتند ولی برای شرایط سیاسی - اجتماعی اطمینان چندان قابل نبودند. به رغم آن‌که این طرح تحت تأثیر روشنفکران قوت گرفت و بر تجاری چون معین‌التجار نیز تأثیر گذارد که برای نخستین بار مفهوم ملیت را در تأسیس بانک به کار برد و آن را یک «تجارت ملی»^(۳۲) خواند و به شدت در مجلس از آن دفاع کرد، ولی باز سیاسی طرح تأسیس بانک بسیار بیش از بار اقتصادی آن بود و بیشتر یک واکنش سیاسی در مقابل تقاضای استقراض خارجی دولت بود، نه یک ضرورت اقتصادی که تجارت از آن سود ببرند و سرمایه خود را در معرض خطر قرار دهند. شاید به همین دلیل بود که پس از فروکش کردن تب و تاب اولیه، موضوع چندان دنبال نشد و تجارت داخل و خارج به آن بی‌توجه شدند. تجارت در چنین مقطع زمانی نیاز عاجل اقتصادی به تأسیس بانک ملی نداشتند و حتی در صورت ایجاد بانک باز هم به کارشناسان خارجی لایق و آشنا با نظام بانکداری جدید نیاز بود، در حالی که تا این زمان بانک شاهنشاهی به خوبی از عهده انجام امور مالی آن‌ها برآمده بود و قادر بود نیازهای آن‌ها را برآورده کند. عوامل شکست طرح تأسیس بانک ملی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

۱- طرح تأسیس بانک ملی در این زمان بیشتر تحت تأثیر فضای ایجاد شده توسط روشنفکران و روزنامه‌ها به وجود آمد و به یک مسأله ملی مبدل شد و به عبارت دقیق‌تر جریانی سیاسی در مقابل استقراض بود که به دلیل رجحان بار سیاسی آن بر بار اقتصادی، مورد استقبال عمومی تجار قرار نگرفت.

۲- مخالفت قدرت‌های خارجی و ضرر وارده به آن‌ها موجب مانع‌تراشی و پراکندگی شایعاتی به منظور افزایش بدبینی و سوءظن مردم شد.

۳- نامساعد بودن شرایط سیاسی - اجتماعی کشور در اوایل مشروطیت، ترس و نگرانی از دست دادن سرمایه در زمانی که ثبات سیاسی لازم وجود نداشت.

۴- کشته شدن پرویز شاه جهان و دلسردی پارسیان در سرمایه‌گذاری در بانک ملی و عدم استقبال تجار خارج از کشور به دلیل جو ناآرام سیاسی کشور که اطمینان لازم را به آن‌ها نمی‌داد.

۵- ناکامی در جلب حمایت عمومی به دلیل عملکرد بد شرکت‌های سرمایه‌گذاری که پیش از آن توسط تجار تأسیس شده بود. ورشکستگی برخی از شرکت‌ها و اختلاس‌ها و درگیری‌های ملی سهام‌داران آن‌ها، نظر اطمینان بخشی نسبت به این طرح در دید عموم ایجاد نمی‌کرد.

۶- اختلاف نظر مجلس و دولت و درگیری‌های جناحی موجب شد وزراء و کادر اجرایی کشور همکاری لازم را با این طرح انجام ندهند و از امکانات خود برای جلب کمک‌های مردمی و ایجاد اطمینان در مردم بهره نگیرند.

۷- طولانی شدن مذاکرات مجلس در خصوص تأسیس بانک که حدود بیست ماه به طول انجامید همچنان ایجاد شده را فرو نشانند و از تب و تاب انداخت. طولانی شدن مذاکرات به دلیل برخی مخالفت‌ها از جمله ایراداتی بود که اتابک به طرح بانک گرفت.

۸- محافظه کاری تجار با این توضیح که سرمایه‌گذاری در بانک را در شرایط سیاسی - اجتماعی آن زمان نوعی در معرض خطر قرار دادن سرمایه خویش می‌پنداشتند، بخصوص که چشم‌انداز سیاسی کشور چندان روشن نبود.

از دیگر اقدامات مهم مجلس اول باید از تصویب قانون اساسی و متمم آن یاد کرد. به این طریق ممکن بود که حاکمیت قانون و استقرار نظم رسمیت یابد، ولی این که از نظر عملی تا چه میزان موفق و قابل اجر بود، مسأله قابل بحثی است که توضیح آن در فصل‌های بعدی خواهد آمد. قانون اساسی کشور بیشتر در چگونگی به کار بستن شیوه جدید پارلمانی، استقرار نظام مشروطیت، حوزه نفوذ و عملکرد مجلس و روابط بین شاه، دولت و مجلس سخن می‌گوید، طرح این مسأله در اصول ۲۲ تا ۲۶ قانون اساسی، که اعطای هر گونه امتیاز تجارتي، صنعتی و فلاحی و نیز هر گونه استقراض و واگذاری امتیاز راه‌آهن و راه‌های شوسه بدون تصویب مجلس امکان‌پذیر نیست، حاکی از واکنش تجار در مقابل نفوذ

سرمایه‌های بیگانه و ناتوانی آن‌ها در مقابله با هجوم آن بود.^(۳۳) اصولی که در متمم قانون اساسی می‌توانست بیشتر مورد توجه تجار و زمینداران قرار گیرد، اصول پانزده، شانزده و هفدهم آن بود:^(۳۴)

«اصل پانزدهم: هیچ ملکی را از تصرف صاحب ملک نمی‌توان بیرون کرد مگر با مجوز شرعی و آن نیز پس از تعیین و تأدیه قیمت عادلانه است.
اصل شانزدهم: ضبط املاک و اموال مردم به عنوان مجازات و سیاست ممنوع است مگر به حکم قانون.

اصل هفدهم: سلب تسلط مالکین و متصرفین از املاک و اموال متصرفه ایشان به هر عنوان که باشد ممنوع است مگر به حکم قانون.»

این اصل نه تنها بر احترام به حق مالکیت تأکید می‌کند، بلکه تصرف، مصادره و ضبط املاک و اموال افراد را مگر در شرایطی که قانون تعیین می‌نماید، ممنوع می‌کند. این موارد در صورت اجرای توانست امنیت و اطمینان لازم را برای رشد سرمایه ایجاد کند. در این موارد جای پای حضور تجار در تدوین و تنظیم قوانینی مطابق خواست‌های آن‌ها دیده می‌شود.

در قوانین مصوبه مجلس اول در طرح کلیات قانون بلدیة، اداره اموال منقول و غیرمنقول و سرمایه‌های متعلق به شهروندان، همچنین مراقبت در امر آذوقه، مساعدت در ساختن بازارها و نمایشگاه‌های تجارتي و به طور کل مراقبت در رواج حرفه و تجارت به عهده دولت و نمایندگان آن در شهرها قرار گرفته است.^(۳۵) همچنین در ماده ۴۱۱ قانون تشکیل ایالات و ولایات گفته می‌شود: «چون پیشرفت تجارت منوط به صحت راه‌ها است، فرمانفرما مراقبت مخصوص نسبت به طرق و شوارع خواهد داشت.»^(۳۶) همان‌طور که پیش از این نیز گفته شد، بهبود و امنیت راه‌ها از مسایل مهم و اساسی تجار محسوب می‌شد و مجلس نیز کوشید به گونه‌ای بدان پاسخ دهد. در این راستا تجار در مجلس از لزوم تاسیس راه‌آهن نیز دفاع کردند. وکیل‌التجار و حاج محمداسماعیل مغازه در بحث راجع به لایحه پیشنهادی وزیر مالیه در خصوص افزایش مالیات قند و چای به اهمیت بهبود راه‌ها و ایجاد راه‌آهن اشاره می‌کنند و این که با توسعه راه‌ها می‌توان از هزینه‌ها کاست و به ارزانی اجناس و توسعه مال‌التجاره کمک کرد.^(۳۷) طرح گسترش راه‌ها و ایجاد راه‌آهن از طریق اخذ مالیات قند و شکر نیز مطرح گردید که بی‌نتیجه ماند و بعدها در اوایل دوران پهلوی دنبال شد و تجار پاسخ خواست‌های خود را در آن زمان به دست آوردند.

از آنجایی که نهادهای رسمی موجود همچون وزارت تجارت قادر به پاسخگویی به نیازهای تجار نبود، تلگراف‌های اعتراض‌آمیز آن‌ها همچنان به مجلس فرستاده می‌شد. طرح اصلاح محاکمات و وضعیت قضایی کشور که از خواست‌های مشروطه‌خواهان و از جمله تجار بود، در مجلس مطرح گردید.

اصول هفتاد و یکم تا هشتاد و نهم متمم قانون اساسی به مسایل عدلیه و محاکمات

پرداخته است. بر طبق این اصول، وضعیت، حوزه عمل قوانین و تعداد محاکم عدلیه مشخص می‌گردد و محکمه‌ها با قوانین مشخص، یکسان و همگانی متمرکز می‌شوند. البته در بیشتر اصول مذکور از محاکم عرف سخن گفته شده است. تنها در اصل هفتاد و یکم می‌خوانیم: «دیوان عدالت عظمی و محاکم عدلیه، مرجع رسمی تظلمات عمومی هستند و قضاوت در امور شرعیه با عدول مجتهدین جامع‌الشرايط است.»^(۳۸) و در بند دوم از اصل بیست و هفتم می‌نویسد: «قوه قضاییه و حکمیه که عبارت است از تمیز حقوق و این قوه مخصوص است به محاکم شرعیه در شریعات و به محاکم عدلیه در عرفیات»^(۳۹) تنها در این اصل محاکم شرعیه و حوزه فعالیت آن‌ها مطرح می‌گردد؛ در حالی که در کلیه اصول مربوط به عدلیه تنها محاکم رسمی و قانونی که کلیه قوانین مذکور به امور آنان می‌پردازد، محاکم عرف بودند. هر چند به طور صریح بدان اشاره‌ای نمی‌شود ولی حوزه محاکم شرعیه که تا پیش از این در کلیه امور دخالت داشتند تنها به قضاوت در امور شرعیه محدود می‌گردد و تحت پوشش قوه قضاییه قرار می‌گیرند و استقلال و قدرت پیشین خود را عملاً از دست می‌دهند. در گزارش‌های کنسولی انگلیس در این مورد آمده است:

«قانون اساسی، اقتدار پادشاهی را کاملاً تنزل می‌دهد ولی مهم‌ترین قسمت آن بیشتر راجع به تعیین اختیارات و اقتدار محاکم عدلیه است. اصل هفتاد و یکم و سایر اصول متوالیه آن، اگر چه مبهم و غیر مصرح نوشته شده، هر گاه به موقع اجرا در آید لطمه سختی بر قوای قضاییه ملاحظه خواهد زد.»^(۴۰)

آنچه آشکار است اصول مزبور در صورت اجرا می‌توانست از هرج و مرج قضایی، عدم وجود قانون مشخص و رواج احکام ناسخ و منسوخ که در این دوران رواج یافته بود، جلوگیری کند و به امور قضایی نظم و تمرکز بیشتری دهد. اگر چه بدین ترتیب به قدرت محاکم عرف افزوده گشته و محاکم شرع نیز معین و تنها در موارد خاص امور شرعی به کار گرفته می‌شد، از سوی تجار طرح و واگذاری محاکمات تجاری از وزارت تجارت به وزارت عدلیه پیگیری شد.^(۴۱)

چندین طرح و لایحه به منظور قانونمند شدن و تمرکز بیشتر امور تجاری در مجلس مطرح شد. معین‌التجار پیشنهاد کرد. «کمیسیون تجارت» به دیگر کمیسیون‌های مجلس افزوده شود^(۴۲) تا واردات و صادرات کشور تحت نظارت قرار گیرد و نظام تجارت آزاد به سود تجار ایرانی محدود گردد. اما این پیشنهاد پیگیری نشد و در عمل تحول مخصوصی به وجود نیامد. مجلس در جلسه‌های پایانی خود طرح «مجلس تجارت» یا «انجمن تجارت» را مورد شور و رسیدگی قرار داد.^(۴۳) نظام‌نامه انجمن‌های تجاری قرائت شد و در خصوص تدوین «قانون تجارت» مباحثی مطرح شد. وزیر تجارت پیشنهاد کرد کشور به تربیت جوانان برای یادگیری «علم تجارت» نیاز دارد و از این رو می‌بایست بودجه‌ای برای تأسیس «مدرسه تجارت» اختصاص یابد. وکیل‌التجار و معین‌التجار از این پیشنهاد استقبال کردند و مباحثی

بر سر چگونگی تأمین بودجه این مدرسه و ضرورت آن مطرح شد.^(۴۴) اما به رغم مشخص بودن ضرورت‌های اقتصادی، موانع اجرایی در کشور امکان تحقق راستین این قوانین را مهیا نداشت و برخی از آن‌ها از جمله تشکیل «کمیسیون تجارت» و تصویب «قانون تجارت» در مجلس پیگیری نشد و تجار باری دیگر در سال‌های نخستین دوران پهلوی آن‌چه از مشروطیت می‌طلبیدند و تحقق نیافت در هنگام استقرار نظام رضاشاهی دنبال کردند.

جناح‌بندی‌های سیاسی در مجلس اول چندان مشخص و تفکیک شده نبود. اما دو جریان کلی در بین مشروطه‌خواهان مشخص بود. گروه میانه‌روها یا محافظه‌کاران که اکثریت مجلس را در برمی‌گرفتند و تندروها که در اقلیت بودند؛ البته این دسته‌بندی در قالب تشکیل‌های مشخص و متحدی وجود نداشت. دسته‌بندی‌های جناحی با ورود برخی نمایندگان وابسته به انجمن‌ها و یا از طریق خود انجمن‌ها به دورن مجلس کشانده می‌شد. انجمن‌ها به شیوه‌های گوناگون از جمله ارسال نامه، تجمع و تظاهرات در بیرون از مجلس، نظرات خود را به نمایندگان تحمیل می‌کردند. نمایندگان تجار در مجلس به دنبال پیگیری قوانینی بودند که از خواسته‌های اساسی آن‌ها و فهم آنان از مشروطیت ناشی می‌گردید، از جمله این خواسته‌ها استقرار قانون، نظم، امنیت، احداث راه‌ها و تأمین امنیت آن‌ها، حمایت دولت از تجار داخلی، کوتاه کردن دست خارجی‌ها در امور اقتصادی و سر و سامان دادن به امور قضایی و محاکمات تجاری بود. تجار علاوه بر استقرار قوانین مذکور، در مسایل سیاسی - اجتماعی نیز نظرات و پیشنهادهاى خود را ابراز می‌کردند. از نطق‌های هر یک از تجار بر نفوذ مجلس، همچون محمداسماعیل مغازه، معین‌التجار بوشهری، امین‌الضرب و وکیل‌التجار به سطح فهم و درک آن‌ها از مشروطیت، مجلس و شرایط جدید سیاسی می‌توان پی برد.

محمداسماعیل مغازه از تجار صاحب‌فکر و مؤثر مجلس اول بر این باور بود که مجلس باید به «فکر ملت» باشد و از پرداختن به جزئیات پرهیز کند.^(۴۵) وی مهمترین اقدام مجلس را وضع قوانین و برنامه‌ریزی می‌داند.^(۴۶) معین‌التجار به نکته‌ای اشاره می‌کند که به درک عمیق او از مشروطیت گواهی می‌دهد. وی به حدود و حقوق و وظایف مجلس اشاره می‌کند^(۴۷) که حاکی از آشنایی او با اصل تفکیک قوا و حدود وظایف قوه مقننه بود. وی به دفاع از مجلس پرداخت و گفت که مجلس ایران که یک‌سال و نیم است دایر شده کارهای بسیاری کرده و نمی‌توان از آن انتظار داشت که مثل پارلمان‌های هفتصد ساله اروپا عمل کند. وی برای استقرار نظم و قانون، آرامش و «رفع انقلابات» را ضروری می‌دانست.^(۴۸) امین‌الضرب که از تجار آگاه و پرنفوذ مجلس بود، نه تنها نیابت ریاست مجلس را به عهده داشت که از زمره کسانی بود که برای نوشتن متمم قانون اساسی انتخاب شد و در کمیسیون‌های گوناگون مجلس حضور داشت. وی در یکی از نطق‌های خود در مجلس به این نکته اشاره می‌کند که «مجلس باید فقط نظارت در اعمال وزراء داشته باشد نه خودش

محاكمه كند.»^(۴۹) وی به درستی تفكيك وظايف قوه مجريه و مقننه را گوشزد می نماید. نمايندگان تجار در مجلس به درك درستی از نظام قانون مدار مشروطه دست یافته بودند. تجار در طول فعاليت مجلس اول همواره از اصول مشروطيت دفاع كردند؛ اما مواضع محافظه كارانه ایشان همواره آنان را در مقابل تندروی ها، آشوب ها، آشفتگی های اجتماعی و خشونت قرار می داد. تجار با قوانین شرع سر ستیز نداشتند، رابطه مسالمت آمیز آنان با روحانیان در حوادث جنبش و حفظ ظواهر شرعی برای جلب اطمینان توده های مذهبی اجتناب ناپذیر بود و موفقیت آنان در كسب و كار را تضمین می كرد. اما ترقی خواهی آنان در مواردی بین مواضع آنان با روحانیان مشروعه خواه و گاه علما مشروطه خواه اختلاف هایی به وجود می آورد که پس از این به آن پرداخته خواهد شد. وکیل التجار از نمایندگان فعال دوره اول مجلس به لزوم توافق مابین نظام نامه اساسی مشروطیت با قوانین شرع تأکید می نماید.^(۵۰) ولی در پاسخ به یکی از نمایندگان اصناف که قانون اساسی را همان قرآن می داند، پاسخ می دهد «قرآن اساس دین ما است ولی قانون اساسی حدود سلطنت را معین می کند و از آن حدود وزراء و وکلای ملت معلوم می گردد.»^(۵۱) وی علت اغتشاش های کشور را نامشخص بودن وظایف و تکالیف افراد می داند. به درستی مشخص است که نمایندگان تجار به فهم مشترکی از نظم، قانون خواهی و لزوم تفکیک قوا برای سامان دهی امور و استقرار امنیت دست یافته بودند.

نکته قابل توجه دیگر وجود مواضع مشترک تجار با زمینداران در مجلس بود. در خصوص وضعیت ایالات و اغتشاشاتی که بروز کرده بود، تجار ترجیح می دادند به جای تغییراتی انقلابی و تندروانه، کشور را به سوی آرامش و حفظ وضع موجود به صورتی قانونمند پیش ببرند. آن ها خواهان دولتی متمرکز و قوی بودند. حاج محمداسماعیل مغازه از این که رعایا در پرداخت سهم مالکانه تعلل می کردند، ابراز نارضایتی نمود و آن را «اسباب اغتشاش» دانست.^(۵۲) در این باره، وی اشکالی نمی دید که در هر ایالت، مالکان بزرگ، خود حکومت را به دست گیرند. وی خاطر نشان می سازد که زمین دار «برای حفظ ملک خودش بیشتر ملاحظه و مراعات با رعایا می نماید.»^(۵۳) این موضع گیری به موضع سرمایه گذاری های گسترده تجار در اراضی کشاورزی و به وجود آمدن قشر تاجر - زمیندار برمی گشت.

واکنش تجار در مقابل قرارداد ۱۹۰۷ روس و انگلیس، حساسیت آن ها را در مورد استقلال کشور باز می نماید. حضور سیاسی و اقتصادی دو کشور بزرگ روسیه و انگلستان از دید تجار بزرگ چندان خوشایند نبود. آنان رقبای قدرتمندی برای تجار محسوب می شدند و تجار به عملکرد آن ها اطمینان نداشتند. نخستین بار معین التجار با نگرانی در مجلس از انعقاد چنین قراردادی که موجب «وحشت مردم» شده سخن گفت:

«اگر چه ظاهراً می گویند این معاهده در استقلال ایران است ولی نمی شود اطمینان

حاصل کرد باید آن قرارنامه را چون در باب ایران است رسماً ما بدانیم و آن قرارنامه را بدهند و نوشته هم بدهند که غیر از این صورت ظاهری قرارداد دیگری در خفا ندارند.» (۵۴)

در عین حال که نمایندگان خواهان ارسال عهدنامه به مجلس بودند، امین‌الضرب تأکید می‌کند که بررسی دقیق عهدنامه ضروری است. وی به ماده‌ای از قرارداد که استقلال ایران را تضمین می‌نماید اشاره دارد و این که اگر حقیقت امر هم حفظ استقلال کشور باشد ضرری ندارد. (۵۵) تجار نیز مانند دیگر اقلشار دچار بهت و سردرگمی شده بودند، آنان به درستی نمی‌دانستند که در پشت تقسیم‌بندی سیاسی - تجاری جنوب و شمال چه اهداف دیگری قرار داشت، از این رو به طور دائم به ضرورت حفظ استقلال کشور اشاره داشتند. به نظر می‌رسد آنان این تقسیم‌بندی را صرفاً تعیین حوزه فعالیت دو قدرت به حساب می‌آوردند و تنها خطر احتمالی را اشغال مناطق تفکیک شده از سوی دو قدرت استعماری می‌دانستند، از این رو به طور مداوم بر موضوع تمامیت ارضی و حفظ استقلال کشور تأکید می‌کردند.

ب) تجار و امین‌السلطان

امین‌السلطان از سیاستمداران مجرب، ماهر و کاردان در نظام استبدادی بود. وی طی جنبش مشروطیت در خارج از کشور به سر می‌برد. درگیری شاه و مجلس که نماد مقاومت نظام کهن در برابر هجوم نظام سیاسی نوین بود، کار را به جایی رساند که حضور سیاستمداری با تجربه را طلب می‌کرد. کابینه مشیرالدوله در این کشمکش سیاسی، تاب مقاومت نیاورد و استعفا داد. در همین زمان از سوی شاه و عناصر دربار زمزمه ورود امین‌السلطان مطرح شد. به نظر می‌رسد امین‌السلطان موفق شده بود سیاستی دوگانه در پیش گیرد؛ به طوری که در دل شاه این امید پای گیرد که وی شخص باکیاستی برای مقابله با مجلس است و برخی از جناح معتدل مجلس نیز او را آن چنان مدبر یافته بودند که معتقد بودند وی قادر است دولت آشتی به وجود آورد و ثبات سیاسی را به کشور بازگرداند. امین‌السلطان نیز به نوبه خود، پیش از ورود به کشور با افرادی از دربار و تعدادی از سیاستمداران و تجار بزرگ همچون مخبرالسلطنه، حاج اسماعیل مغازه و معین‌التجار مشورت کرد (۵۶) و زمینه‌های حضور سیاسی خود در کشور را مورد سنجش قرار داد. افرادی چون مخبرالسلطنه، امین‌الضرب و آقا سیدعبدالله بهبهانی برای بازگشت وی تلاش کردند، زیرا امین‌السلطان با آنان رابطه‌ای بسیار نزدیک داشت. (۵۷)

خبر ورود امین‌السلطان به کشور واکنش شدید انجمن‌ها و مردم را برانگیخت. مردم انزلی کفن‌پوش و با چوب و چماق از ورود وی به ساحل جلوگیری کردند. امین‌السلطان که با یک کشتی جنگی و پنجاه نفر قزاق روسی و یک صاحب‌منصب به ساحل بندر انزلی وارد شده بود، مجبور گردید دوباره به کشتی برگردد. از تهران تلگراف‌های متعدد مبنی بر پذیرایی و همکاری برای حرکت امین‌السلطان به سمت تهران زده شد، ولی فضای سیاسی این امکان

را فراهم نمی‌کرد، تا اینکه تلگرافی از مجلس شورای ملی به نام حاجی میرزا محمد رضای مجتهد، رئیس انجمن رسید که وی را سالم وارد خاک ایران کرده، به تهران بفرستد. وی شبانه عازم رشت و بعد تهران شد.^(۵۸) در مجلس نیز جناح تندرو و در رأس آن‌ها نمایندگان آذربایجان با ورود امین‌السلطان مخالف بودند و مجادله‌های زیادی در این خصوص در مجلس در گرفت. در بین میانه‌روها که اکثریت مجلس را داشتند اختلاف نظر وجود داشت. گروهی از آن‌ها بر این باور بودند که اگر این گونه افراد را به خاطر خیانت‌های گذشته نپذیریم هیچکس باقی نمی‌ماند و نباید قصاص قبل از جنایت کرد، در صورتی که وی نتوانست امور را اصلاح کند می‌توان او را برکنار کرد. برخی از نمایندگان به تحول فکری وی اشاره کردند که او با آشنایی نزدیک با غرب و تحولات ژاپن دچار دگرگونی شده و تغییر بنیادین یافته است. بالاخره در پایان این گفتگوها مجلس با ۷۷ رأی موافق، ۴ مخالف و ۹ رأی ممتنع موافقت خود را با ورود امین‌السلطان به کشور اعلام کرد.^(۵۹) پس از مدتی، وی با اعضای کابینه‌اش در مجلس حضور یافت و در سخنرانی مبسوطی حمایت خود را از مشروطه و مجلس اعلام نمود و تعهد کرد تمامی سعی خود را در تحکیم مبانی مشروطیت مصروف دارد.

اما آنچه مورد توجه این پژوهش است، علت حمایت تجار بزرگ از امین‌السلطان و چگونگی ارتباط آن‌ها با وی است. بی‌تردید اوضاع نابسامان کشور، بی‌نظمی و آشوب ایالات، شورش سالارالدوله، عملکرد انجمن‌ها و افزایش تندروی‌ها در سطح جامعه، بحران درونی حکومت، کشمکش مجلس و انجمن‌ها با شاه و حمایت پنهان دربار از شورش‌ها و دامن زدن به ناامنی‌ها، تجار را که همواره به دنبال امنیت، ثبات سیاسی و برخورد محافظه کارانه و غیر انقلابی با مسایل بودند به سمت امین‌السلطان کشاند. تجار این استعداد را در امین‌السلطان یافته بودند که توازن سیاسی لازم را مابین جناح‌های قدرت فراهم سازد. تجار از همه گیر شدن افراط‌گرایی انقلابی در هراس بودند. عملکردهای تند و خودسرانه انجمن‌ها نظم و سامان اجتماعی را در هم ریخته بود. امین‌السلطان در مجلس قول داد که اصلاحات با تکیه بر نظام مشروطه و مساعدت و همکاری با مجلس صورت گیرد. امین‌الضرب در مجلس ابراز امیدواری کرد که هیأت وزراء کمال همراهی را با مجلس بنماید و آنان را «صادق‌القول» نامید^(۶۰) و بدین ترتیب اطمینان و امیدواری خود را به دولت امین‌السلطان نشان داد. موافقت امین‌الضرب و بهبهانی با امین‌السلطان نمی‌توانست جنبه شخصی و تداوم روابط نزدیک و دوستانه گذشته باشد چرا که روابط شخصی پاسخ‌گوی بحران سیاسی آن زمان نبود و امین‌الضرب و بهبهانی نیز افرادی نبودند که به پاس نزدیکی دیرین در این زمان حساس خطر چنین انتخابی را بپذیرند. امین‌الضرب انتظار خود از دولت امین‌السلطان را به این صورت بیان می‌کند، برای این‌که بتوان در این مملکت کارکرد باید «در اطراف مملکت و سرحدات صدایی بلند نشود و انقلابی نباشد» وی اغتشاش‌های تهران را مانع فعالیت می‌داند و بر لزوم امنیت تأکید می‌کند.^(۶۱) محمد اسماعیل مغازه با آن‌که از

دولت اتابک حمایت می‌کند و همکاری و حضور دولت در مجلس را امیدوارکننده می‌بیند اما در عین حال هشدار می‌دهد که در صورت به وجود آمدن هر گونه کاستی مجلس تحمل نمی‌کند.^(۶۲) معین‌التجار تلویحاً از انجمن‌های تندرو که در لباس مشروطیت مردم را تهییج می‌کنند و خود سرانه به اجرای قانون می‌پردازند انتقاد می‌کند و می‌گوید: «مردم دیگر به تنگ آمدند و یاد از زمان استبداد می‌کنند». وی در پایان، وکلا و وزراء را به اتحاد با یکدیگر دعوت می‌کند^(۶۳) تا به افراط‌گرایی که از دید نمایندگان تجار به آرامش، امنیت و ثبات سیاسی کشور آسیب وارد می‌کند پایان داده شود و به گمان وی با دولت اتابک این امکان بوجود می‌آید.

اتابک در ۲۱ رجب ۱۳۲۵ به مجلس آمد تا شرحی راجع به تلاش خود برای رفع اختلافات بین مجلس و دولت بدهد و اینکه اختلاف‌نظر خود با شاه را رفع کرده است. وی در همین روز هنگام خروج از مجلس به دست «عباس آقا صراف تبریزی فدایی نمره ۴۱ ملت» ترور شد و در حالیکه معین‌التجار و مستشارالدوله در بالای سر او حضور داشتند جان سپرد.^(۶۴)

ترور امین‌السلطان نشانه آن بود که دولت جدید مشروطه قادر به کنترل امور کشور نیست. جریان‌های افراطی گامی جلوتر نهاده‌اند و جامعه به سمت منتهای خشونت که به کارگیری اسلحه، بمب و ترور است پیش می‌رود. دولت آشتی اتابک ناموفق بود و تجار جامعه را آشفته، امنیت را دست نیافتنی و مشروطه‌گرایی انقلابی و تندروانه را رو به افزایش می‌دیدند. این ترور برای شاه و مستبدان نیز هشدار بود و رودرویی شاه و مجلس را حادثه کرد.

شاه پس از ترور امین‌السلطان از عناصر مستبدی چون مشیرالسلطنه به عنوان رئیس‌الوزرای دولت جدید بهره جست. بافت دولت جدید به گونه‌ای نبود که با نظام مشروطیت و مجلس سازگاری داشته باشد. مجلس که امکان ماندگاری چنین دولتی را متحمل نمی‌دانست هیأتی را انتخاب و برای مذاکره با شاه روانه کرد. سخنگوی هیأت حاجی‌سید نصرالله گزارشی از گفتگوی هیأت با شاه را برای مجلس قرائت نمود. در گفتگوی هیأت منتخب مجلس با شاه، به طور تلویحی به وی گوشزد شد، بهتر است به جای استفاده از سیاستمداران قدیمی متمایل به استبداد از روشنفکران نوگرای مشروطه‌خواه استفاده نماید و برای پیشرفت امور و استقبال از وزراء و این که پس از مدت کوتاهی مجلس مجبور نشود تغییر آن‌ها را از شاه بخواهد بهتر است که پادشاه فقط بر «طبقه عالی» که صاحبان پارک و عمارت وسیع هستند اقتضار نفرمایند و نظر اختیاری هم به طبقه تربیت‌یافتگان متاخر بفرمایند^(۶۵) شاه در این مذاکرات با ملایمت اعلام می‌کند کسانی را که وی شایسته می‌داند همین وزرایی بوده‌اند که به مجلس معرفی شده‌اند و چنانچه قصوری از آن‌ها سر زند تا ده روز آینده معلوم می‌شود. در واقع او از مجلس مهلتی ده روزه می‌گیرد و از آن‌ها

می‌خواهد پیشنهادهای خود را در خصوص وزراء به وی اعلام کنند.

بر سر چگونگی تعیین دولت و نقش شاه در انتخاب وزراء در مجلس اختلاف نظر وجود داشت. این اختلاف نیز به تناقضی که در قانون وجود داشت و فهم‌های متفاوتی که از آن استنباط می‌شد، باز می‌گشت. بر اساس اصل چهل و ششم متمم قانون اساسی عزل و نصب وزراء به موجب فرمان پادشاه صورت می‌گیرد. در حالی که اصل چهل و چهارم شخص پادشاه را از هر گونه مسئولیتی مبری می‌سازد و تنها وزراء را در مقابل مجلس پاسخگو می‌داند. شاه بر اساس اصل چهل و هشتم انتخاب وزراء را حق قانونی خود تلقی می‌کرد. در بین نمایندگان گروهی با نظر شاه موافق بودند که طبق قانون انتخاب وزراء به عهده شاه گذارده شده؛ ولی گروه دیگری از نمایندگان این حق را همچون بسیاری از کشورهای اروپایی بیشتر به صورت تشریفاتی قبول داشتند، یعنی اینکه شاه رئیس‌الوزراء را انتخاب می‌کند و وی وزراء را پیشنهاد می‌دهد. حاج اسماعیل مغازه قبل از اعزام هیأت مذاکره‌کننده مجلس با شاه با نظریه انتخاب وزراء توسط شاه مخالفت کرد و آن را از وظایف رئیس‌الوزراء دانست.^(۶۶) در وضعیت بحرانی کشور و خلاء قدرت پس از مرگ اتابک، مدارا و نرمش شاه برای عزل وزراء در صورت ناخشنودی مجلس و ناکارآمدی آن‌ها برای جناح معتدل مجلس دلگرم‌کننده بود. بنابر این به طور تلویحی با شاه به نوعی توافق می‌رسند که هیأت دولت منتخب شاه را بپذیرند. در دورن جناح معتدل کسانی که با این توافق همراه شدند، تاجر بودند.

تجار از موضع محافظه‌کارانه خود برای حفظ نهادهای قانونی دولت مدرن و نظام مشروطیت، مقابله با دو گرایش تندروانه را بر خود واجب می‌دانستند. از یک سو جلوگیری از افراط‌گرایی بی‌حد و حصر انجمن‌ها که پا را از مشروطه نیز فراتر گذاشته بودند و در منتهای افراط‌گرایی طرفداران مشروطه قرار گرفته بودند و از سوی دیگر مخالف جناح تندرو و محافظه‌کار دربار بودند که در مخالفت با مشروطه به حدی پیش رفتند که به نظام استبدادی پیشین گرایش یافته بودند. از این رو پس از مرگ اتابک که از دید تجار برای ایجاد تعادل برگزیده شده بود، این خلاء سیاسی با نرمش و مدارا در مقابل شاه پر می‌شد و امکان نوعی توافق و همدلی بین جناح‌های درگیر را فراهم می‌ساخت. امین‌الضرب در این مرحله بر پابندی خود به اصول مشروطیت تأکید می‌کند و بر اساس تفکیک وظایف و پابندی به قانون خاطر نشان می‌سازد که هیأت مذاکره‌کننده با شاه، آنچه باید می‌گفت بیان کرده و بیش از آن وظیفه‌ای نداشته است. وی حتی مداخله مجلس و تشکیل کمیسیونی برای بررسی قتل امین‌السلطان را غیر لازم دانست و این تحقیق را از وظایف عدلیه و پلیس نامید^(۶۷) و دخالت مجلس در این گونه امور را غیر ضروری خواند. هر چند همچون دیگر نمایندگان تجار از این حادثه متأثر بود. حاج اسماعیل مغازه پس از نرمش جناح معتدل در مقابل شاه به طور آشکار از موافقت با وزرای انتخابی شاه سخن می‌گوید و «اظهار مراحم» شاه را امیدوارکننده

می‌خواند. وکیل‌التجار اعلام می‌کند ما اخطار خود را دادیم در صورت عدم موافقت بعد از چند روز حق خودمان را می‌گیریم.^(۶۸) حوادث بعدی و عدم همراهی وزراء با مجلس و مشروطیت، تجار را به انتقاد از دولت مشیرالسلطنه واداشت.^(۶۹) و رو در رویی شاه و مجلس را غیرقابل اجتناب ساخت و قطعاً همراهی و مدارای تجار و جناح معتدل را با شاه بی‌نتیجه کرد.

ج) تجار و انجمن‌ها

در سال‌های پس از پیروزی جنبش مشروطیت، تأسیس انجمن‌ها پاسخ به یک ضرورت اجتماعی - سیاسی بود. در فضای آزاد بعد از جنبش مشروطیت تشکیل انجمن‌های گوناگون بسیار متداول شد. البته این نکته را نباید نادیده گرفت که ساختار درونی، نوع عملکرد و اهداف این انجمن‌ها با انجمن‌های مخفی قبل از مشروطیت بسیار متفاوت بود. انجمن‌های بسیاری در تهران و ایالات تأسیس شد. نام‌های گوناگون آن‌ها تشکیل‌هایی خودجوش و سازمان نیافته را تداعی می‌کند. تعداد و تنوع انجمن‌های پایتخت بسیار زیاد بود. انجمن‌هایی با نام‌های ایالات یا محله‌های تهران همچون اصفهان، آذربایجان، جنوب یا انجمن‌های دروازه قزوین، چاله میدان و شاه‌آباد؛ انجمن‌های صنفی همچون انجمن صرافان، اصناف، کفاشان، کلاه‌دوزان؛ انجمن‌هایی متشکل از یک طبقه اجتماعی همچون شاهزادگان و امراء، مستوفیان و لشکرنویسان و تجار؛ انجمن‌هایی که به منظور حمایت از مرام خاص اجتماعی یا سیاسی به وجود آمده بودند همچون انجمن اجتماعیون، هواداران مجلس و انجمن فرهنگ که به دنبال ترویج معارف و نشر علوم جدید و زبان‌های خارجی بود. انجمن اتحادیه نسون، غیرت، شرافت، حقیقت، مظفری و انجمن شاگردان مدارس که کارشان سرودخوانی در جلوسر در مجلس بود و انجمن همت‌آباد که به منظور نهی از باده‌نوشی و ریش تراشیدن به وجود آمده بود و انجمن منحصر به فرد قدس محمودی که انجمنی خانوادگی بود. با افزایش تعداد انجمن‌ها، انجمن مرکزی و انجمن سیار به وجود آمد و مقرر بود از هر انجمن نماینده‌ای در آن شرکت کند تا تصمیم‌گیری عمومی در امور انجام شود.^(۷۰) برخی از این انجمن‌ها اساسنامه تشکیل خود را منتشر کردند ولی هیچگونه طرح یا برنامه اصلاحی مشخصی از سوی آنان مطرح نشد. بدیهی است بررسی عملکرد انجمن‌ها مورد توجه این پژوهش نیست، در اینجا از خیل بی‌شمار انجمن‌ها به سه انجمن تجار، صرافان و اصناف توجه داریم و رفتار سیاسی آنان را حوادث این سال‌ها مورد بررسی قرار خواهیم داد تا جایگاه تجاری را که خارج از مجلس با این انجمن‌ها همکاری داشته‌اند، بازشناسیم.

تجار علاوه بر تأسیس انجمن تجار و انجمن تجارت، در دیگر انجمن‌ها نیز حضور داشتند. فعالیت تجار در این انجمن‌ها دو هدف اساسی را دنبال می‌کرد، یکی حفظ منافع صنفی و دیگری حفاظت و تلاش برای استقرار نظام نوینی که آنان به تأسیس نهادهای مدرن

آن بسیار علاقمند بودند. در خصوص انجمن تجارت که انجمنی رسمی بود در مجلس مذاکراتی صورت گرفت و قرار شد تا زمان مقتضی از سوی دولت مکانی در اختیار آن قرار داده نشود.^(۷۱) روزهای متعددی مجلس بر سر قانون انجمن‌های تجارتي یا مجالس تجارتي به شور و بررسی پرداخت ولی به جز خبر بررسی قانون آن در مذاکرات مجلس به نکته دیگری برنمی‌خوریم.^(۷۲) با این حال روزنامه‌ها خبر از تشکیل انجمن تجارت در تهران می‌دهند که هفته‌ای دو روز توسط «تجار با غیرت» تشکیل می‌گردد و از اموری که این انجمن به آن می‌پرداخت «ترویج مال التجار داخله و رفع احتیاجات ملت از امتعه خارجه» و چگونگی تنزیل مسکوکات ایران با خارجه بود.^(۷۳) به طور مشخص این انجمن تشکلی کاملاً صنفی بود و حضور تجار بزرگ در آن امری ضروری می‌نمود از این جهت تجار صاحب نفوذ داخل مجلس برای تبدیل آن به یک نهاد رسمی، منظم و همیشگی تلاش کردند.

انجمن تجار در تهران و ایالات تشکیل شد. شیوه مرسوم انجمن‌ها این بود که در مراسم، جشن‌ها و تظاهرات هر یک تابلوهای خود را برمی‌افراشتند و غرفه‌ای را به خود اختصاص می‌دادند. در هفته جلساتی به دعوت از سخنرانان اختصاص داشت و در مواردی از انجمن‌های دیگر برای شرکت در جلسات خود دعوت می‌نمودند. نمایندگان تجار در مجلس نیز با انجمن تجار همکاری می‌کردند. از جمله تلاش حاج محمدتقی بنکدار از وکلای مجلس برای برگزاری با شکوه جشن سالگرد مشروطیت در انجمن تجار را باید نام برد^(۷۴) که بیانگر ارتباط اعضای انجمن تجار با نمایندگان مجلس بود. انجمن تجار در برنامه‌ریزی اعتصاب‌های عمومی نقش اساسی داشت و هنگامی که به هر دلیلی لازم بود کسب و کار تعطیل شود، این انجمن خطاب به دیگر انجمن‌ها یا عموم مردم خبر تعطیلی را می‌داد.^(۷۵) انجمن تجار در ایالات نیز تأسیس شد. انجمن تجار شیراز از مواضع مشروطه‌طلبان حمایت می‌کرد. «انجمن سلسله تجار اصفهان» که رساله‌ای با همین عنوان در سال ۱۳۲۵ هجری منتشر کرد و از اهداف خود ترویج منسوجات داخلی، ممنوعیت معامله متاع خارجی مگر برای گسترش صنایع و تأسیس کارخانه‌ها، ترقی صنایع داخلی برای رونق منسوجات داخلی و تأسیس شرکت‌های عمومی ملی را قرار داده بود.^(۷۶) انجمن تجار یزد برای رشد صنایع در کشور شرکتی با سرمایه هجده هزار تومان برای تأسیس و به کار انداختن کارخانه‌های پارچه‌بافی تشکیل دادند. آنان در نظر داشتند ماشین‌آلات و افراد متخصص آن را از روسیه وارد کنند و از علما بخواهند تا «قماش فرنگی را نجس اعلام نمایند».^(۷۷)

علاوه بر انجمن‌های داخل کشور، تجار ایرانی در خارج کشور نیز مبادرت به تأسیس انجمن نمودند. میرزا محمد امین‌التجار که ریاست تجار ایرانی در بمبئی را داشت به سبب اقدامات شایان توجه خود به تجارت کشور از سوی دولت ایران به گرفتن نشان درجه سوم شیر و خورشید نایل آمد. وی در سخنرانی خود برای ایرانیان مقیم بمبئی، پیشرفت‌های

تجاری در هند را مرهون تأسیس انجمن تجارت دانست.^(۷۸) تجار ایرانی مقیم بمبئی در انجمن‌های دیگری همچون انجمن وطن‌خواهان ایرانی که در محرم ۱۳۲۵ دایر گردید، عضویت داشتند. مدیریت این انجمن با میرزا ابراهیم تاجر شیرازی بود. اساسنامه آن شرایطی را برای اعضاء در نظر گرفته بود که شامل پرداخت حق عضویت معادل یک آنه^(۷۹) در ماه بود که ایرانیان پیرو مذهب اثنی عشریه که می‌خواستند به عضویت این انجمن درآیند، می‌بایست بپردازند. از اهداف انجمن، حمایت از مشروطه و مجلس ایران و اتحاد، برابری و برادری در بین اعضاء بود.^(۸۰)

تجار مقیم استانبول نیز طی جلسه‌ای در حجره آقا میرزا آقا (مجاهد) تاجر اصفهانی به فکر ایجاد تشکل یا تجمعی می‌افتند. آنان در نخستین نشست خود با اعتراض دولت عثمانی مواجه شدند که به برخورد دولت عثمانی با تجار ایرانی انجامید. در نهایت پس از گفتگوهای بسیار و توجیه کارگزاران دولت عثمانی که این تجمع صرفاً مربوط به امور صنفی تجار ایرانی در عثمانی بوده و به امور داخلی این کشور مربوط نمی‌گردد، مسایل به وجود آمده تا حدودی برطرف شد.^(۸۱)

تجار به جز در انجمن‌هایی که به طور مشخص متعلق به گروه آنان بود، در انجمن‌های دیگر نیز حضور می‌یافتند و با آنان همکاری داشتند؛ به جز امور خیریه و معارف، حضور فعال تجار را در انجمن‌های ایالتی و ملی می‌توان شناسایی کرد. حاجی امین‌التجار در رشت به تأسیس انجمن ملی مبادرت کرد که این امر با مخالفت طرفداران استبداد مواجه شد. اقدام انجمن در این شرایط به واسطه تبعید افراد برجسته مخالف مشروطه موجب برخوردی در شهر شد.^(۸۲) در هر حال تجار در انجمن‌های ملی ایالات بسیار فعال بودند. هدف آنان به دست گرفتن قدرت انجمن‌ها به عنوان یک نهاد سیاسی مدرن بود تا بتوانند با قدرت نهادهای سنتی که در دست مستبدین بود، مقابله کنند. حضور تجار در انجمن ملی محمره و لار^(۸۳) و تلاش آنان برای مقابله با حکام مستبد ایالات و همچنین نظارت بر انتخاب و کلا از زمره فعالیت‌های تجار در حفظ کیان مشروطیت به شمار می‌رفت. از آنجایی که انجمن‌های ملی ایالت نقش نظارت در ادارات و امور اجرایی را برای خود قائل بودند حضور تجار در این انجمن‌ها می‌توانست بسیار مؤثر باشد. حاج محمود بنکدار از اعضای انجمن ملی اصفهان با تنی چند از اعضاء در چگونگی اخذ مالیات و عملکرد اداره مالیات اصفهان و اداره عدلیه نظارت داشتند؛ ولی به تدریج جناح مستبدان برای مقابله با انجمن اصفهان از طریق برخی از «تجار ورشکسته» به ظاهر مشروطه خواه، ولی وابسته به جناح مستبدان در آن رسوخ می‌کنند.^(۸۴) در انجمن تبریز که از زمره فعالترین و تندروترین انجمن‌ها محسوب می‌شد، حضور تجار را می‌توان یافت. تجار تبریز علاوه بر کمک‌های مالی، با انجمن نیز همکاری داشتند. آنان از زمره ۱۲ نفر مؤسس مرکز غیبی بودند که دسته نظامی «مجاهد» را در حمایت از مشروطه بنا نهاده بودند. این گروه به شدت تحت تأثیر سوسیال دمکرات‌های

روسی بوده و با ترجمه مرام‌نامه آنان به فارسی آن را سرلوحه خود قرار دادند. آنان در درون خود به دو جناح تندرو و میانه رو تقسیم می‌شدند. جناح تندرو را دسته «قفقازی‌ها» تشکیل می‌دادند که از قفقاز آمده بودند. تبریزی‌ها جز و میانه‌روها بودند و در مواردی در بین آنان اختلاف‌های داخلی بروز کرد.^(۸۶) به طور قطع حضور و همکاری تجار تبریز با این انجمن جنبه حمایت از دیدگاه‌های سوسیال دموکراسی نداشت. آنان برای حفظ مشروطیت و مقابله با مستبدان و در مواردی جلوگیری از برخی تندروی‌ها با انجمن همراهی می‌کردند. نمایندگان تجار در مجلس نیز بر این قائل بودند که انجمن‌ها در ایالات نقش نظارت بر اعمال حکام داشته باشند.^(۸۷)

اعضای انجمن تجار تهران به طور عمده از تجار بزرگی تشکیل می‌شد که با خارج از کشور معاملاتی داشتند. انجمن تجار در مقایسه با انجمن اصناف از فعالیت چندانی برخوردار نبود و حتی نقش و حضور آن در مسایل سیاسی کمتر به چشم می‌خورد. حتی یکی از اعضای انجمن تجار از عدم تحرک این انجمن شکایت می‌کند و آن را یکی از «بی‌کفایت‌ترین انجمن‌های شهر» می‌نامد و ابراز می‌کند: «در اول امر از همه پیش بودیم بلکه آنچه شد از زیر سرما بیرون آمد، ولی حالا بدبختانه از همه پسیم، ابدأ [پروگرام] نداریم، مسلکمان مشخص نیست. از آغاز تأسیس تا امروز یک لایحه مفید در این جا خوانده نشده»^(۸۸) بررسی منابع و روزنامه‌های این دوره نیز تأکید می‌کند که انجمن تجار چندان فعال نبوده است. شاید یکی از دلایل آن حضور تجار بزرگ در مجلس و کانون‌های تصمیم‌گیری دولتی بود که لزوم فعالیت آن‌ها را در انجمن کاهش می‌داد. تجار در انجمن اصناف نفوذ بسیاری داشتند و حتی بازاریان صاحب اسم و رسم در انجمن مرکزی اصناف نفوذ بسیاری داشتند و حتی بازاریان صاحب اسم و رسم در انجمن مرکزی اصناف بسیار فعال بودند. نمی‌توان گفت انجمن اصناف کاملاً زیر نفوذ تجار عمل می‌کرد، چون واکنش‌های تندروانه آن در مواردی و جدایی دیدگاه‌ها و فهم آنان از مسایل، رفتارهای متفاوتی را از انجمن اصناف بروز می‌داد که تمایز آنان از تجار را آشکار می‌کرد. به دلیل نزدیکی و نفوذ تجار در این انجمن و بازتاب عملکرد آنان به عنوان «کنش بازار»، بررسی واکنش‌های همسو یا متمایز آنان با تجار می‌تواند در بازشناسی روابط این دو گروه موثر باشد.

تجار همواره خود را به لحاظ طبقاتی بالاتر از اصناف می‌دانستند. قائل شدن شأن ویژه‌ای که تجار نسبت به اصناف برای خود قرار می‌دادند حتی در مذاکرات مجلس نیز بازتاب می‌نماید. نقش مدیریت و رهبری اصناف به عهده تجار بود. اصناف بازوی عملی تجار در واکنش به حوادث بودند. بستن بازار، گشودن درهای مغازه‌ها، لزوم تحصن در مکانی خاص از جمله سفارت انگلستان در اوایل جنبش، لزوم تظاهرات در مقابل مجلس یا خیابان‌ها و شرکت در مراسم و جشن‌های عمومی، همه و همه با حضور آشکار و پنهان تجار صورت می‌گرفت. تدارک مالی حرکت‌های جمعی چه در تحصن‌ها و چه در بستن بازار

به عهده تجار بود. آنان بودند که با تمول مالی خود امکان ادامه اعتصاب یا شکستن آن را تنظیم می‌کردند. اما با همه این موارد انجمن اصناف را عاملی بی‌چون و چرا در دست تجار نمی‌توان قلمداد کرد. در هر صورت در مواردی نظیر گاه‌های متفاوت آن‌ها بروز می‌کرد. تجار به دلیل روابط گسترده‌تر، امکانات مالی بیشتر و آگاهی‌های جدیدتری که بر اثر ارتباط مستقیم و غیرمستقیم با غرب به دست آورده بودند، گاه از وسعت نظر بیشتری برخوردار بودند. از این رو، به دلیل روابط نزدیک خود با عناصر قدرت و تمول بیشتر، از محافظه کاری بیشتری نسبت به اصناف برخوردار بودند. رابطه نزدیک تجار و روشنفکران این امکان را در اختیار اصناف قرار می‌داد که از نظرات آنان در سخنرانی‌های انجمن بهره‌مند شوند. اما بسته بودن فضای کسب و کار آنان و نزدیکی و پیروی آنان از علمای روحانی، گاه باعث می‌شد که در قیاس با تجار از خود فهم سستی‌تری از مسایل نشان دهند. تجار صاحب نفوذ علاوه بر آن که سعی می‌کردند انجمن اصناف را با خود همراه سازند، در مواردی دیدگاه‌های محافظه کارانه خود را نیز به آنان القا می‌کردند.

انجمن اصناف هم در خصوص مسایل صنفی فعالیت داشت و هم در مورد مسایل سیاسی، کنش سیاسی از خود بروز می‌داد. در مورد مسایل صنفی نظر خود را از طریق تلگراف به طور مستقیم به مجلس اعلام می‌کردند و یا در روزنامه انجمن اصناف به نام بامداد و دیگر روزنامه‌ها اعلام می‌نمودند. به طور مثال تلگراف انجمن اصناف و انجمن جنوب به مجلس برای جلوگیری از حمل پوست بره به خارج از کشور^(۹۹) و در مورد دیگر سفارش انجمن به صنف کفاش‌ها که از جنس قلابی و نامرغوب نباید استفاده کنند،^(۹۰) از این نمونه بود.

انجمن تجار در همراهی با مشروطیت از هیچ گونه تلاشی کوتاهی نکرد. آنان در تهیه تدارک سفر نمایندگان خود از ایالات به تهران دریغ ننمودند.^(۹۱) در جشن‌های سالگرد مشروطیت در غرفه‌های مخصوص با برافراشتن لوحه انجمن حضور می‌یافتند و پای‌بندی خود را به نظام مشروطه ابراز می‌نمودند. در جلسات عمومی انجمن از افراد سرشناس و برجسته و از مشروطه‌خواهان و روشنفکران و علما و گاه وزراء و وکلا برای شرکت یا سخنرانی دعوت می‌شد. در این جلسه‌ها در باره مسایل روز و روند مصوبات مجلس و چگونگی پیشرفت امور سخن گفته می‌شد. رابطه نزدیکی بین سردمداران امور و اعضای انجمن برقرار بود و گاه به مباحثه و ابراز نظر و پاسخ‌گویی چند جانبه می‌انجامید.^(۹۲)

انجمن اصناف از دیدگاه‌های سیدین پیروی می‌کرد و در تصمیم‌های مجلس مؤثر و در مواردی عامل فشار برای تصویب یا رد مصوبه‌ای در مجلس محسوب می‌شد. علت این امر امکانی بود که این انجمن برای بستن بازار و کشاندن موضوعات به کوچه و بازار داشت. این انجمن از زمره انجمن‌هایی بود که مسأله بانک ملی را که در مجلس شورای ملی مطرح و به تصویب رسید پیگیری کرد و طی نامه‌ای به مجلس ضرورت انجام این امر را خاطر نشان

ساخت و ابراز نمود انجمن اصناف نیز همچون دیگر انجمن‌ها ضرورت تأسیس بانک را در انجمن خود تأکید نموده و مبلغی در حدود پانصد تومان نیز جمع‌آوری نموده، ولی نمی‌داند که چرا طی این مدت نظام‌نامه، موسسین، رییس و عمل تأسیس بانک مشخص نشده است و سپس درخواست می‌کند که عدم «استحکام اساس و پیشرفت نکردن ترتیبات بانک» را در این مدت روشن نمایند^(۹۳) و به مجلس پیشنهاد می‌کند کمیسیونی مرکب از پنجاه نفر که شامل پانزده نفر از وکلای محترم، پنج نفر از روحانیون، ده نفر از رجال دولت، دو نفر از زرتشتیان، دو نفر از ارامنه، شش نفر از تجار و ده نفر از دانشمندان ملت تشکیل شود و در خصوص کم و کیف تأسیس بانک تحقیق و بررسی نمایند و آنچه مقتضی است معمول دارند.^(۹۴) جالب اینجا است که نمایندگان اصناف مجلس چندان فعال نبودند و به ندرت در مذاکرات رد پای حضور آنان در مجلس مشخص می‌شود. دقت نظر و پیگیری و حتی پیشنهاد به مجلس از سوی انجمن اصناف چیزی جز نفوذ و مداخله روشنفکران، و دسته‌هایی از تجار که شاید بیشتر تجار متوسط باشند، نیست. ابراز نظر مشخص در خصوص همکاری تجار متوسط با انجمن اصناف نیازمند مدارک و اسناد بیشتری است؛ اما راهبری این انجمن توسط روشنفکران با فعالیت‌های دولت‌آبادی در این انجمن و تلاش در نشر روزنامه بامداد ارگان این انجمن کاملاً روشن است.^(۹۵)

نفوذ روحانیان، به خصوص سیدین در مواضع انجمن اصناف به طور مشخص از صدور قطعنامه آنان بر ضد احتشام السلطنه ریاست مجلس مشخص می‌شود. آنان با اعمال فشار خواهان استعفای احتشام السلطنه می‌شوند و در این امر با بهبهانی همراه گردند.^(۹۶) اختلاف نظر بر سر خوانین زنجان بود که یکی را احتشام السلطنه و دیگری را بهبهانی حمایت می‌کرد، این امر به ضدیت آن دو با یکدیگر و علنی شدن مخالفت آنان انجامید.^(۹۷) در چنین برخوردها و مقابله‌های فردی هر یک از افراد در صدد جذب انجمن‌های صاحب نفوذ بودند. سیدعبدالله بهبهانی نیز چند نفر از روسای انجمن را با خود همراه کرد و از آنان خواست که بی اطلاع او کاری در انجمن انجام ندهند.

پس از ریاست وزرایی امین السلطان، در انجمن اصناف جلسه‌ای منعقد می‌گردد تا در خصوص عملکرد دولت اتابک و خیالات او به بحث پردازد. طی جلسه گفته می‌شود که هر چه فساد حاصل شده به دلیل وجود امین السلطان است؛ به این دلیل برای روشن شدن دیدگاه‌ها و چگونگی عملکرد وی نامه‌ای به وی نوشته می‌شود و واسطه ابلاغ آن را نیز دولت‌آبادی تعیین می‌کند، زمانی که وی به نزد امین السلطان می‌رود وی را در حال مذاکره با رؤسای تجار می‌بیند. امین السلطان علت کندی کارها را عدم همراهی شاه با وی می‌داند و شاه را مانع پیشرفت مشروطه و قانون می‌نامد.^(۹۸) عدم اطمینان و تردید انجمن اصناف در مورد امین السلطان در این مقطع از حوادث، بیانگر اختلاف نظر انجمن اصناف با تجار بود؛ ولی موضع‌گیری آن‌ها در خصوص قتل اتابک نوعی سازگاری و توافق نهایی با نظر تجار را

آشکار می‌سازد. انجمن اصناف طی نامه‌ای به مجلس شورای ملی از خدمات اتابک قدردانی کرد و از وی به صفت مشروطه‌خواهی یاد نمود و تقاضای مجازات محرکان این «عمل شنیع» را نمود^(۹۹) و پیشنهاد ایجاد کمیسیون تحقیق را کرد. واکنش اعتراض‌آمیز اصناف، موضع‌گیری آنان در برابر جبهه افراطی‌ها را آشکار کرد و در مقابل آنان نیز در پاسخ به این عمل انجمن اصناف، آنان را دست‌نشانده و تحریک شده نامیدند و به ابراز تأسف آن‌ها در قتل اتابک انتقاد کردند.^(۱۰۰)

در خصوص مخالفت شیخ فضل‌الله نوری با مجلس، انجمن اصناف برای آگاهی از چگونگی واکنش در قبال شیخ از تعدادی از وزراء و کلا، علما و تجار دعوت نمودند تا در این خصوص گفتگو شود و برای جلوگیری از فساد از علما می‌خواهند که شیخ را به هر صورت ممکن به شهر آورند. دولت‌آبادی در جلسه انجمن بروز این غائله را صرفاً اختلاف‌های شخصی شیخ با بهبهانی توصیف کرده، معتقد است تشریح اختلاف‌های درونی آنان باعث می‌گردد مردم بفهمند «حرف شیخ فضل‌الله شخصی است و به غمخواری دین و مذهب مربوط نمی‌باشد، لهذا از بستن بازار و رفتن به حضرت عبدالعظیم خودداری می‌نمایند»^(۱۰۱) این امر نکته‌ای را روشن می‌سازد که به رغم نزدیکی انجمن با بهبهانی و طبعاً همراهی با مواضع وی تردیدهایی در اهل بازار به وجود آمده بود که می‌توانست به تعطیلی بازار و همراهی با شیخ مبدل شود و سخنرانی و اعلام مواضع مخالفان می‌توانست این تردیدها را برطرف و انجمن اصناف را به موضع‌گیری کاملاً مشخص در مخالفت با شیخ فضل‌الله بکشاند. سخنان تند بهبهانی و حمله شدید وی به شیخ که «اگر از این حرکات توبه نکند و اطاعت از فرمایشات آقایان ننماید... امر نموده مسلمانان در خانه او ریخته تکه تکه‌اش کنند»^(۱۰۲) به طور مشخص، انجمن اصناف را که تابعیت زیادی از بهبهانی داشت، در مقابل جریان شیخ فضل‌الله قرار می‌داد. در واکنش انجمن‌ها به عملکرد شیخ فضل‌الله تلگرافی از سوی تعدادی از انجمن‌های تهران و از جمله انجمن صرافان به نجف اشرف مخابره شد که در آن از اقدامات شیخ بر ضد مشروطه و انقلاب به شدت انتقاد شده بود و از علمای نجف خواسته بودند برای جلوگیری از فساد و خونریزی در بین مسلمانان و حفظ اسلام، شیخ را با تلگراف احضار نمایند.^(۱۰۳)

انجمن اصناف در مقابل هر گونه اقدامی که بوی مخالفت با مشروطیت داشت دست به اعتراض می‌زد، از جمله ابراز مخالفت با ناامنی و آشفتگی که خاندان قوام در شیراز کرده بودند. پس از ترور قوام توسط نعمت‌الله بروجردی که خود را «قاتل نمره ۱۹ نصرالدوله پسر قوام‌الملک شیرازی» نامیده بود، مجموعه حوادث و کشت و کشتارهایی در شیراز به وقوع پیوست که به واکنش انجمن اصناف و استمداد از وکلای مجلس برای سامان دادن و ایجاد امنیت در شهر منجر شد.^(۱۰۴) انجمن اصناف در کنار انجمن تجار مشروطه‌خواه، از عملکرد قوام‌الملک انتقاد می‌کند و در تلگرافی که از شیراز به مجلس می‌شود اعلام حمایت انجمن

تجار از قوام را تلگرافی جعلی اعلام می‌نماید.^(۱۰۵) به طور قطع اعلام مخالفت انجمن اصناف و انجمن تجار با جریان‌های مخالف مشروطیت با عملکرد کلی این دو انجمن هماهنگی دارد و آنان هم سو با یکدیگر به مخالفت با ناامنی و آشفتگی اجتماعی حاصل از درگیری‌های مشروطه‌خواهان و مستبدین می‌پرداختند.

فعالیت انجمن‌های سه گانه وابسته به بازار که گاه گردهمایی‌های مشترک با یکدیگر برقرار می‌کردند، به طور مشخص در حمایت از مجلس بود و حتی در موردی که به انجمن صرافان انتقاد شد که چرا بر ضد مجلس برخاسته‌اند، آنان پاسخ دادند که فقط از وزارت داخله و مالیه به مجلس، تظلم کرده‌اند و در نظامنامه آنان اولین اصل، حمایت از مجلس می‌باشد.^(۱۰۶) در ماجرای به توپ بستن مجلس، انجمن تجار و اصناف هر دو از موضع مخالفت با مستبدان برخاستند و همسو با دیگر انجمن‌ها و به خصوص انجمن‌های ایالات که در رأس آن‌ها انجمن تبریز قرار داشت از حادثه به وجود آمده ابراز تأسف کردند. انجمن تبریز، گیلان و دیگر انجمن‌ها برای حفاظت از مشروطیت اعلام آمادگی نمودند. به خصوص انجمن تبریز با لحن تندی شاه را که قسم خود را شکسته بود لایق سلطنت ندانست و خارج از مسلمانی نامید.^(۱۰۷) از بسیاری از انجمن‌های ملی به مجلس تلگراف‌هایی شد که در پاره‌ای از آن‌ها به خلع شاه تصریح شده بود.

انجمن اصناف در بحبوه صف‌آرایی شاه و مجلس، گردهمایی تشکیل داده و افتخارالتجار از طرف انجمن جمعی را دعوت می‌نماید و نطق‌های پرشور و آتشینی صورت می‌گیرد. در جلسه خصوصی انجمن، تجمع قشون، تویخانه و مهمات برای مقابله با مجلس از سوی مستبدان، تشریح می‌شود و اعلان این اخبار به توسط افتخارالتجار صورت می‌گیرد. وی با اسفبار خواندن اوضاع می‌گوید: «حال عرض می‌کنم ماها باید کنار بکشیم و دخالت در این امر ننماییم و الا ماها گرفتار خواهیم شد.»^(۱۰۸) در هر حال، در حالی که عده‌ای بدگویی می‌کردند، گروهی هراسناک شده بودند و برخی تجار دعوت به احتیاط و محافظه‌کاری می‌کردند، افراد انجمن متفرق شدند. در چند روز قبل از بمباران مجلس، نمایندگان تجار و اصناف و صرافان به مجلس آمده اظهار کردند «ما دیگر نمی‌توانیم در انجمن‌های خود بمانیم، بازار هم بسته خواهد شد ما باید بیاییم در مسجد سپهسالار اقامت کنیم.» مجلس چنین اجازه‌ای به آن‌ها نداد، ولی آقاسیدعبدالله بهبهانی حضور آن‌ها در مسجد سپهسالار را بلامانع دانست.^(۱۰۹) طبق سنت متداول همه تحصن‌ها در این دوره، نخست به فراهم نمودن تدارک غذای متحصنین پرداخته شد. در این مقطع امین‌الضرب برای تدارک خرج تحصن همکاری نمی‌کند تا وجهی برای «شاگردان بازار» تهیه شود و تحصن زمان بیشتری به طول بیانجامد، معین‌التجار نیز به واسطه ملاحظه‌ای که از شاه داشت به مجلس نمی‌آمد و افتخارالتجار نیز در انجمن اصناف موضعی بسیار محافظه کارانه و منفعلانه را طرح کرد. هر چند موضع تجار در این مقطع در آینده به طور مفصل مطرح خواهد شد با این حال این نکته

را باید در نظر داشت که تجار بزرگ بنا به ملاحظات و دلایلی برخورد محتاطانه و غیر فعال داشتند، در حالی که در بین افراد قلیل متحصن در مسجد سپهسالار تعدادی از افراد انجمن اصناف حضور داشتند و در هجوم قزاقان به مسجد به طور داوطلبانه برای مذاکره و دور کردن قزاق‌ها پیشقدم شدند. از آنجایی که مجلس انجمن‌ها را از تجمع در اطراف مسجد منع کرد، تنها از هر انجمن چند تن با عده کمی از مجاهدین در مسجد ماندند.

در بین انجمن‌هایی^(۱۱۰) که نام آنان در زمره مبارزان مدافع مجلس آمده نامی از سه انجمن بازاریان برده نشده است، ولی در بین اسامی مبارزان مدافع مجلس، از پیشه‌وران و رده‌های پایین بازار افرادی از انجمن‌های دیگر وجود داشتند؛ همچون محمود پاره‌دوز، مهدی اصغر دالان‌دار، سیدحسن رزاز، حیدر پاره‌دوز، میرزا علی خان خیاط، محمدحسن بقال؛ ولی قطعاً از تجار بزرگ و افراد صاحب نام بازار نمی‌توان نامی یافت که شأن طبقاتی و خطر از دست دادن ثروت مانع آن می‌شد.

در تحلیل نهایی، این نکته قابل توجه است که حضور فعال تجار چه در انجمن‌های صنفی و چه دیگر انجمن‌ها برای حفظ بنیان مشروطیت و دفاع از آن بود. انجمن تجار در این مقطع زمانی چندان فعال نبود و بیشتر در جهت حفظ منافع صنفی خود عمل می‌کرد و طبعاً این انجمن که بیشتر از تجار متوسط و خرد تشکیل می‌شد که شاید یکی از دلایل ناکامی آن عدم همکاری فعال تجار بزرگ با آن بود، نسبت به انجمن اصناف غیر فعال‌تر و بسیار محتاط‌تر عمل می‌کرد. نام انجمن تجار بیشتر در تلگراف‌هایی که در برخورد با مسایل گوناگون از سوی انجمن‌ها منتشر می‌شد و بیشتر جنبه تشریفاتی داشت به چشم می‌خورد، به طور مثال در جشن‌ها یا اعتراض‌هایی برای امنیت و سامان دادن به منطقه‌ای، نام انجمن تجار به چشم می‌خورد، در حالی که نام انجمن صرافان در این موارد نیز به ندرت دیده می‌شود. هر چند فعالیت این انجمن‌ها خبر از تشکلهای ابتدایی جامعه مدرن می‌داد، اما عدم فعالیت پر شور تجار در انجمن‌ها را می‌توان ناشی از ماهیت درونی و عملکرد خود انجمن‌ها دانست. انجمن‌ها با وجود آن که بازتاب جامعه مدرن و فضای آزاد سیاسی بودند و حضور فعال مردم در حوادث را باز می‌نمودند، اما به دلیل عدم آشنایی جامعه ایران با برخورد‌های دموکراتیک سیاسی و نداشتن تمرین و دموکراسی، تولد انجمن‌هایی که پی در پی ظهور می‌یافتند، نه تنها به بالا رفتن سطح فهم سیاسی و بهبود رفتارهای سیاسی منجر نشد که جامعه را به نوعی آشفتگی و هرج و مرج کشاند و به تدریج خشونت را به عنوان عاملی برای تحقق دیدگاه‌های خود شناخت. از این رو تجار بزرگ و به خصوص نمایندگان آنان در مجلس بارها از عملکرد بد انجمن‌ها و کشاندن جامعه به هرج و مرج شکایت کردند و حتی پیشنهاد شد آنان را به گونه‌ای قانونمند کنند و جلو حرکت‌های تندروانه و انقلابی آنان گرفته شود. کاملاً مشخص است تجار برای حفظ نهادهای دولت مدرن از هیچ تلاشی فروگذار نمی‌کردند ولی نمی‌خواستند مشروطه به انقلابی اجتماعی مبدل شود. آنان

انجمن‌ها را در قالب نظامی قانونمند می‌پذیرفتند؛ ولی اینکه آرامش و امنیت و سلامت جامعه از این بابت مخدوش شود برای آنان قابل قبول نبود. معین‌التجار طی نطقی در مجلس از اقدامات انجمن‌ها ابراز تأسف و نارضایتی می‌کند: «انجمن‌ها هم که بعضی اقدامات می‌نمایند که به هیچ قانون درست نیست»، وی اعمال انجمن‌ها را موجب آشفتگی جامعه می‌داند و معتقد است که «مردم دیگر به تنگ آمدند و یاد از زمان استبداد می‌کنند»^(۱۱۱) در مجلس مذاکراتی در خصوص انجمن‌های غیررسمی و قانونمند کردن آن‌ها صورت گرفت و گفته شد، دست کم با قانونمند کردن آن‌ها مردم «مقصود از اجتماعات» را می‌فهمند^(۱۱۲) تجار در جهت نهادینه شدن و سامان یافتن نهادهای مدرن می‌کوشیدند و از هر گونه انقلابی‌گری و هیجان اجتماعی گریزان بودند. معین‌التجار در مجلس می‌گوید: «به این وضع مجلس و با این نطق‌ها در لباس مشروطیت و مردم را مهیج شدن کار پیش نمی‌رود»^(۱۱۳) هر گونه اعمالی که جامعه را از آرامش و آسایش و امنیت دور کند با فهم استقرار نظام نوین از دید تجار متفاوت است.

د) تجار و مشروطه‌خواهی

رابطه تجار و علما از پیش از جنبش مشروطیت بسیار نزدیک بود. تجار تربیتی مذهبی داشتند و به حفظ ظواهر دینی مقید بودند. تجار بزرگ به دلیل گسترش روابط و آشنایی با اروپا از وسعت دید بیشتری برخوردار بودند. بدیهی است فهم تجار بزرگ از مسایل سیاسی - اجتماعی با تجار متوسط و خرد متفاوت بود و به همین میزان نیز تفاوت‌هایی بین تجار تهران و ایالات مختلف وجود داشت. در یک بررسی دقیق‌تر می‌توان تجار را به رده‌های مختلفی تقسیم کرد؛ رده‌های پایین این طبقه اجتماعی از درک و فهم سنتی‌تری نسبت به رده‌های بالاتر برخوردار بودند. طبیعی است که تجار ایالت‌های مختلف به خصوص شهرهای کوچک که ارتباط آن‌ها با محیط اجتماعی خارج از خود کمتر بود، فضای فکری محدودتری نسبت به مسایل سیاسی داشته باشند. مجموعه بدنه این طبقه با وجود تمایزهای مکانی و مرتبه‌ای، مشروطه‌خواه بود. ترقی‌خواهی تجار بزرگ و تلاش آنان برای استقرار نهادهای دولت‌مدرن که اساس بهبود تجارت را فراهم می‌آورد، محور اصلی حرکت تجار در حوادث سیاسی - اجتماعی محسوب می‌شد. همراهی تجار با علما برای استقرار مشروطیت غیرقابل تردید است، اما به همان میزان که در درون طبقه تجار متناسب با رده‌های طبقاتی تفاوت‌هایی وجود داشت، در بین روحانیان نیز اختلاف نظر و قرائت‌های متفاوتی که ناشی از فهم‌های متفاوت از مسایل بود، بروز می‌کرد.

به رغم همکاری نزدیک تجار و علمای مشروطه‌خواه، به خصوص روابط نزدیک برخی از آن‌ها با سیدعبدالله بهبهانی، پس از پایان دوران «ماه غسل» انقلاب، اختلاف‌هایی میان جناح‌های ائتلافی بروز کرد. اختلاف‌نظرهای مابین تجار و علمای مشروطه‌خواه در موارد

معدودی بروز کرد. اختلاف نظرهای مابین تجار و علمای مشروطه خواه در موارد معدودی بروز کرد که چندان نیز زیربنایی نبود و در مواردی نیز به تعارضهای محتوایی مابین مفاهیم جدید دولت مدرن با مفاهیم شرعی باز می گشت. در ابتدای پیروزی نهضت، اختلاف شدیدی بین تجار و بهبهانی رخ داد که حاکی از نگرانی تجار در نزدیکی بهبهانی با جناح دربار بود و احساس خطر از این که مبدا سازشی میان این دو صورت گیرد. بنابر این ملاقاتهای متعددی با طباطبایی صورت گرفت و گفته شد: «می ترسیم آخر ما ملت را بفروشد»^(۱۱۴) طباطبایی به تجار و اصناف اطمینان می دهد که چنین سازشی رخ نخواهد داد. این ماجرا بیانگر آن بود که نزدیکی و همکاری تجار و علما به هیچ وجه جنبه تبعیدی نداشته است. هدف مشترک مانع از نظارت دقیق بر رفتار دیگری نبوده است و حسن اطمینان قطعی و همیشگی وجود نداشته است، بلکه در هر زمان و متناسب با موضع گیری در هر حادثه ای تمدید یا تجدید می شده است.

در مجلس شورای ملی نیز مواضع تجار و روحانیان بسیار به یکدیگر نزدیک بود. موضع آنان در گروه معتدل مجلس قرار داشت، ولی با این حال در مواردی اختلاف نظرهایی پدید می آمد. طباطبایی در مذاکرات مربوط به بانک ملی با واگذاری امتیاز غواصی و استخراج مروارید در خلیج فارس به بانک ملی مخالفت کرد. وی آن را مخالف قوانین شرع دانست و این امتیاز را متعلق به تمام ملت و غیر قابل واگذاری دانست. حاج اسماعیل مغازه ای در پاسخ به وی ابراز کرد که واگذاری امتیاز در مقابل خدمت است و اگر وجه شرعی آن مد نظر باشد «اصلاً سر رشته از سر غلط است... مالیات گرفتن چه صورت شرعی دارد»^(۱۱۵) با این حال اختلاف نظرها هیچ گاه به مقابله و صف بندی آنان در مقابل یکدیگر نیانجامید.

روحانیان مشروطه خواه به دو گروه میانه رو و تندرو تقسیم می شوند. متشرعان میانه رو و طرفدار مجلسی مبتنی بر شریعت و نظارت مداوم علما بودند و با استقرار مشروطه مشروطه مخالفتی نداشتند. تصویب قوانین از سوی مجلس تنها با نظارت شرع، قانونی و لازم الاجرا بود. این نظارت صرفاً در اختیار علما قرار داشت.^(۱۱۶) گروه دوم معتقد بودند با وجود قرآن مجید و احکام شرع هر گونه قانون گذاری عرفی، دخالت در حوزه شریعت قلمداد می شد و صرف وضع و تصویب قوانین، کفر و نفی حاکمیت الهی و خاتمیت نبوی تلقی می گردید. حتی تصویب قوانین مطابق شرع از سوی مجلس نیز، در صلاحیت نمایندگان محسوب نمی شد و حرام قلمداد می گردید.^(۱۱۷) در هر حال بررسی دیدگاههای مشروطه خواهان در حوزه بحث این پژوهش نیست، آنچه مورد نظر است چگونگی برخورد تجار با این گروه از روحانیون می باشد. بدیهی است تجار نه صلاحیت ورود به مباحث فکری و کلامی و نه دغدغه این گونه مسایل را داشتند. آنان بیشتر برخورد عملی با مسایل داشتند. فهم دینی تجار در مورد امور سیاسی با درک علمای مشروطه خواه در این مورد متفاوت بود. تجار مخالف شریعت نبودند بلکه بیشتر به فهم نوگرایانه دینی گرایش داشتند،

چرا که به خواست‌های آنان نزدیکتر بود و می‌توانست در استقرار دولت مدرن به آنان کمک کند. از این رو، تجار به طور مشخص با جریان مشروطه‌خواهی که برای مقابله با مشروطه‌خواهان به مستبدان نزدیک شده بود، همراه نبودند ولی ابراز مخالفت آنان نیز بسیار ملایم و محتاطانه بود.

هنگامی که شیخ فضل‌الله در اعتراض به متمم قانون اساسی در صحن حضرت عبدالعظیم تحصن کرد و گروهی از هواداران وی نیز با او همراه شدند، معین‌التجار حل این مسئله را به علمای اعلام موکول نمود و مداخله مردم و افرادی غیر از روحانیون را مجاز ندانست.^(۱۱۸) امین‌الضرب نیز مداخله مردم یا حتی مجلس را درست ندانست و کار را به عنوان یک مسئله داخلی به وزیر داخله رجوع داد.^(۱۱۹) میرزا محمود تاجر اصفهانی مخالفت‌های مذکور را درگیری شخصی مابین علما ذکر کرد و رفع آن را نیز به خود آنان واگذار نمود.^(۱۲۰) برخورد تجار با مخالفان متمم قانون اساسی همان‌طور که تشریح شد بیشتر از منظر رفع این غائله بود. آنان به ندرت به انتقادهای گفته شده پاسخ دادند. از آنجایی که دو تن از نمایندگان تجار، امین‌الضرب و ممتازالدوله در نشست تهیه متمم قانون اساسی حضور داشتند، بدیهی است نمایندگان تجار در موضع مخالفت با مشروطه‌خواهان قرار گرفته باشند. متحصنین که تعداد آن‌ها به پانصد نفر می‌رسید با قوانین غیراسلامی اروپایی مخالفت کردند و خواهان اجرای قانون اسلام شدند و نمایندگان مجلس را به بابتی‌گری متهم نمودند. آن‌ها موفق شدند سه قشر اجتماعی را به خود جلب کنند که از میان آن‌ها گروه طلاب، ملاها، مدرسان، وعاظ، متولیان مدارس و مساجد و اوقاف را می‌توان برشمرد. از گروه‌های دیگری که از گذشته با برخی از علما پیوند داشتند، لوطی‌های بازار و محله‌های شهر بودند. گروه سوم را افراد رده پایین مشاغل شهری، مثل رنگرزا، قالی‌باف‌ها، بناها، شتربانان، قاطرچی‌ها، پیله‌ورها، حمامی‌ها، عمله‌ها و کارگرها تشکیل می‌دادند.^(۱۲۱) از اینرو، مشروطه‌خواهان و مستبدان در هدف مشترک مخالفت با مشروطه‌خواهی با یکدیگر نزدیک شدند. توده‌های تهیدست جامعه نیز با آنان پیوستند، یکی به دلیل پایین بودن سطح آگاهی و عدم نزدیکی آنان با روشنفکران و دیگر این که افزایش قیمت نان و ناتوانی دولت و مجلس مشروطه در کاهش آن، به این دلیل نه تجار و اصناف بازار که پایین‌ترین رده‌های کسبه با شیخ همراهی کردند. مجلس برای خاتمه دادن به این غائله و جلوگیری از آسیب به کل نظام مشروطیت حاضر شد که بر روی اصول متمم قانون اساسی با مشروطه‌خواهان توافق کند. اما مبارزه با مجلس و مشروطیت خاتمه نیافت.

صف‌بندی جناح مستبدان و مشروطه‌خواهان در میدان توپخانه منجر به گردهمایی انجمن‌ها در میدان بهارستان و مدرسه سپهسالار برای دفاع از مشروطیت شد. در این میان تدارک غذای افراد به عهده انجمن اصناف بود. در میدان توپخانه سیدمحمد یزدی در مخالفت با مشروطه به سخنرانی پرداخت و مردم را به مقابله با مشروطه‌خواهان برانگیخت.

بحران اجتماعی بالا می‌گیرد و مجتمعات توپخانه به هر کس که احتمالا مشروطه‌خواهی بر او متصور باشد حمله می‌کنند. درگیری بالا می‌گیرد و تعداد بسیاری مجروح و جمعی کشته می‌شوند. با حمایت انجمن‌های ایالات از مجلس، تلگراف به علمای ایالات و نجف و بحرانی‌تر شدن اوضاع، شاه به مصالحه با مجلس می‌پردازد و چادرهای میدان توپخانه نیز جمع می‌شود و دولت جدید انتخاب و معرفی می‌شود. شاه از تلگراف علما و انجمن‌های ملی ایالات در اعلام حمایت از مشروطیت هراسناک شد. در بسیاری از تلگراف‌ها خواهان عزل محمدعلی شاه شده بودند، علمای نجف خواستار تبعید شیخ فضل‌الله شدند.^(۱۲۲) وضعیت به گونه‌ای بود که شاه به مصالحه تن داد. معین‌التجار با بیانی واضح و ساده و با نگاهی عملی و به دور از دغدغه‌های فکری، تمایلات خود و هم‌ردیفانش را بیان کرد. هر گونه به هم‌ریختگی اجتماعی و اغتشاش از دید تجار ناپسند و مانع اصلاحات بود. معین‌التجار در مجلس به لزوم حل این اختلافات تأکید کرد.^(۱۲۳) وی معتقد بود شاه باید به «میل و رغبت» همراه گردد و همراهی به اجبار وی به حال مجلس و ملت فایده‌ای نخواهد داشت.

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل دوم

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل دوم

۱. در مورد مصوبات دوره اول قانونگذاری نگاه کنید به: بخش ضمیمه.
۲. ناظم الاسلام، تاریخ بیداری، بخش اول، ص ۶۰۲.
۳. زهرا شجعی، نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری، (تهران، ۱۳۴۴)، ص ۱۸۰.
۴. خاطرات وحید، ش ۳۱، صص ۱۱ و ۱۴.
۵. حبل المتین، سال ۱۵، ۲۵ شوال ۱۳۲۵/۲ دسامبر ۱۹۰۷، ش ۱۹، ص ۲۰.
۶. همان‌جا، سال ۱۷، ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷/۵ ژوئیه ۱۹۰۹، ص ۱۳.
۷. همان‌جا، سال ۱۵، ۹ رجب ۱۳۲۵/۹ اوت ۱۹۰۷، ش ۵ صص ۲۱-۲۰؛ همان‌جا، سال ۱۵، ۲۵ شوال ۱۳۲۵/۲ دسامبر ۱۹۰۷، ش ۱۹، صص ۲۲-۲۰.
۸. همان‌جا، سال ۱۴، ۲۶ محرم ۱۳۲۵/۱۱ مارس ۱۹۰۷، ش ۲۹، ص ۱۴؛ همان‌جا، سال ۱۴، ۱۹ محرم ۱۳۲۵/۴ مارس ۱۹۰۷، ش ۲۸، صص ۱۵-۱۴؛ همان‌جا، سال ۱۴، ۲۶ محرم ۱۳۲۵/۱۱ مارس ۱۹۰۷، ش ۲۹، ص ۱۴.
۹. اسامی نمایندگان تجار تهران در مجلس اول بدین صورت نام برده شده:
حاج حسین آقا امین‌الغریب، حاجی سیدمرتضی مرتضوی، حاجی محمداسماعیل مفاز، حاجی محمد معین‌التجار
بوشهری، میرزا محمد تاجر اصفهانی، حاجی محمدعلی شالفروش، حاجی محمدتقی شاهرودی، میرزا احسن‌خان
وثوق‌الدوله، محقق‌الدوله، محمدقلی‌خان مخبرالملک.
اسامی نمایندگان تجار شهرستان‌ها نیز بدین شرح بود: حاج میرزا علی نقشینه (ادیب‌التجار) از اصفهان، حاج میرزا آقا
فرش‌فروش تبریزی (تبریز)، محمد یزدی (وکیل‌التجار) از رشت، محمدعلی تاجر مازندرانی (ساری - تنکابن)، حاج
امین‌التجار شیرازی (شیراز)، آقا نصرالله معاون‌التجار (کرمان)، رضا مهدوی (رییس‌التجار) از مشهد، میرزا محمدعلی
نقشینه (صدرالتجار) از محمره، در دوره مجلس اول ریاست مجلس به عهده مرتضی‌قلی‌خان صنیع‌الدوله هدایت، نیابت آن

۱۸۰. تجار، مشروطیت و دولت مدرن

با حاج حسین آقا امین‌الضرب و حاج میرزا حسن خان وثوق‌الدوله و مباشر ارباب جمشید بود که حاکی از میزان نفوذ و تأثیر نمایندگان تجار در بین نمایندگان بود.

نمایندگان پیشه‌وران: میرزا محمود کتابفروش، حاجی میرزا ابراهیم خیاط‌باشی، حاجی سید ابراهیم حریرفروش، شیخ حسین سقطفروش، حاجی محمد ابراهیم وارث، ملا حسن وارث، حاجی محمد تقی بنکدار، دکتر سید ولی‌الله خان، امین‌التجار کردستانی، حاجی سید آقا تیرفروش، حاجی میرزا احمد زرگرباشی، حاجی شیخ اسماعیل بلورفروش، مشهدی باقر بقال، شیخ حسن علاقه‌بند، استاد حسن معمار، سید حسن بروجردی، شیخ حسین علی، آقا حسین قلی، حاجی عباسعلی، حاجی عبدالوهاب، حاجی علی اکبر پلویز، استاد غلام‌رضا یخاندان‌ساز، حاجی سید محمد ساعت‌ساز، حاجی سید محمد باقر، سید محمد تقی هراتی، سید مصطفی سمسار، سید مهدی دلال. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: کسروی، تاریخ مشروطه، ص ۱۶۸؛ عطاءالله فرهنگ قهرمانی، اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت تا دوره ۲۴ قانون‌گذاری و نمایندگان مجلس سنا در هفت دوره تقنینیه، (تهران، مجلس، ۱۳۵۶)، ضمیمه ۱۱-۲.

۱۰. در این مورد نگاه کنید به: [بی‌نام]، کشف تبلیس، دورویی و نیرنگ انگلیس (برلین، کاوه، ۱۳۳۶)، ص ۹، مورگان شوستر، اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتی، تصحیح و حواشی فرامرز بزرگر - اسماعیل رائین، (تهران، ۱۳۵۱)، ص ۷۸.

۱۱. مذاکرات مجلس دوره اول تقنینیه (۱۷ شعبان ۱۳۲۴ تا ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۶)، صص ۷۹-۷۷، ۵۲-۵۰.

۱۲. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: ملکزاده، تاریخ مشروطیت، ص ۵۶۰.

۱۳. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: کسروی، تاریخ مشروطه، ص ۱۷۷؛ شوستر اختناق ایران، ص ۲۷-۲۳؛ مذاکرات مجلس اول، صص ۱۳-۱۰، ۴۶۲.

۱۴. نگاه کنید به: مذاکرات مجلس اول، ص ۱۵-۱۰.

۱۵. تجار دیگری که در فهرست موسسین بانک ملی از آن‌ها نام برده شده از این قرار است:

محمدعلی شالغروش، محمد اسماعیل آقا قزوینی، ربیع آقا تاجر تبریزی، حاجی میرزا عباس‌قلی آقا تاجر تبریزی، محمد تقی تاجر شاهرودی، معاون‌التجار دهنشتی، حاجی مشیرالتجار محمره، آقا محمد صادق دهنشتی، حاجی میرزا احمد تاجر لاری شیرازی، سید محمد حسن شبانکاره و اخوان در بوشهر، میرزا حسن کاشانی (شالغروش)، میرزا یعقوب آقا امینی تاجر قزوینی، آقا محمد آقا کمپانی عراق، آقا محسن آقا، آقا حسن آقا، برای آگاهی از تمامی اسامی موسسین بانک نگاه کنید به: مذاکرات مجلس اول، ص ۱۵.

۱۶. حبل‌المتین، سال ۱۴، ش ۳۳، صفر ۱۳۲۵/۸ آوریل ۱۹۰۷، صص ۲۲-۲۱.

۱۷. تاریخچه سی ساله بانک ملی، ص ۷۶.

۱۸. حبل‌المتین، سال ۱۴، ش ۲۵، ۲۷ ذی‌حجه ۱۳۲۴/۴ فوریه ۱۹۰۷.

۱۹. مذاکرات مجلس اول، ص ۱۵.

۲۰. روزنامه حبل‌المتین در گزارشی به مخالفت تجار با بانک شاهنشاهی اشاره دارد. تجار اصفهان به پیروی از تجار تهران با بانک شاهنشاهی به مخالفت پرداختند و اعلان نمودند اسکناس بانک را قبول نمی‌کنند چون بانک «وجه بروات بی‌بیک صرافان» را قبول نکرده است. این مخالفت که در حوادث جنبش مشروطیت و چند ماه قبل از صدور فرمان مشروطیت رخ داد به یک «هایو بی‌فایده» بدل شد و «مسأله نان» و «صدای حسن یا حسین عوام برای نان» جایگزین توجه به مسأله بانک شد و بار دیگر پس از سال‌ها که از تأسیس بانک شاهنشاهی می‌گذشت تجار به مخالفت با آن پرداختند که بیشتر به نظر می‌رسد تحت تأثیر حوادث جنبش مشروطیت و به صورت مقطعی بود. نگاه کنید به: حبل‌المتین، سال ۱۳، ش ۴۰، ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴/۱۵ ژوئن ۱۹۰۶، ص ۱۰؛ پیشین، سال ۱۳، ش ۳، ص ۸۱۱ رجب ۱۳۲۳/۱۱ سپتامبر ۱۹۰۵.

یادداشت‌های فصل دوم ۱۸۱

۲۱. همان‌جا، سال ۱۴، ش ۳۸، ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵/۲۰ مه ۱۹۰۷، صص ۱۹-۱۸.
۲۲. نامه معین‌التجار به حاج محمدصادق تاجر اصفهانی، اول رمضان [بی‌تا]، ۳۰۶۰۹-ق، (م.ا.ب.).
۲۳. حبل‌المتین (تهران)، سال اول، ش ۱۱۸، ص ۱، ۸ شعبان ۱۳۲۵/۱۷ سپتامبر ۱۹۰۷.
۲۴. حبل‌المتین، سال ۱۴، ش ۴۳، ص ۱۴ و ۱۳، ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۵/۲۴ ژوئن ۱۹۰۷.
۲۵. پیشین، سال ۱۴، ش ۶، ص ۱۷، ۷ رجب ۱۳۲۴/۷ سپتامبر ۱۹۰۶.
۲۶. نشر اسکناس و چندین کرور تنزیل آن، وجوه گمرک و مالیاتی که از طریق بانک شاهنشاهی به مرکز ارسال می‌شد، صرف بروات، جایجایی پول در کشور که تومانی ۳ شاهی برای بانک فایده داشت، افزایش قیمت طلا، کاهش قیمت سکه که کمتر از قیمت اصلی نقره بود، خروج قران ایران توسط بانک و تبدیل آن به سکه رویه در بمبئی و کاهش ارزش سکه ایران و کمبود پول کاغذی به طور کامل مبادلات تجاری کشور را در اختیار بانک‌های خارجی قرار می‌دهد. همه این موارد با طرح جزئیات آن در روزنامه‌ها منتشر و به تجار آگاهی‌های بسیار سیاسی و اقتصادی می‌داد و آنان را ترغیب به دگرگون کردن این شرایط می‌نمود. (حبل‌المتین، سال ۱۳، ش ۳۲، صص ۱ و ۲، ۱۸ صفر ۱۳۲۴/۱۳ آوریل ۱۹۰۶؛ همان‌جا، سال ۱۳، ش ۳۹، صص ۲۲-۲۰، ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴/۸ ژوئن ۱۹۰۶).
۲۷. وجوه سهامی که برای تأسیس بانک ملی فراهم شده بود به تدریج باز پس داده شد و گاه در دعاوی پولی افراد سرشناس موجب اختلاف حساب‌هایی شد. (نامه وزارت عدلیه به وزارت مالیه، در خصوص طلب فرمانفرما از امین‌الضرب بابت وجه بانک ملی)، ۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۹، ۱۴۳/۵/۱ [۲۴۰]، وزارت مالیه، (م.ا.م.).
۲۸. مقاومت‌های تجار در مقابل فعالیت‌های بانک شاهنشاهی، هر از گاهی و به شکل‌های متفاوت بروز می‌نمود. گاه بر اثر جو سازی‌های روزنامه‌ها و گاه به دلیل برخوردهای مالی و اختلاف‌نظرهایی که بین تجار و بانک واقع می‌شد، در سال‌های فعالیت بانک، تجار مقاومت‌های بی‌حاصلی از خود بروز دادند. تا بیانگر بی‌نیازی آن‌ها به عملیات بانک باشد. انتشار بیجک‌هایی شبیه به نوت بانک شاهنشاهی از زمره این رفتارها است. انتشار بیجک توسط حاج میرزا آقا سمنانی از تجار برجسته سمنان که وزارت داخله بر اساس نظر مالیه امر به تشکیل کمیسیون تحقیقی نمود تا بررسی نماید بیجک‌ها به منزله حواله صندوق تجارخانه است یا جنبه نشر اسکناس دارد. (نامه وزارت مالیه به اداره کابینه، «در خصوص صورت مجلس حکومت سمنان»، بی‌تا، وزارت مالیه، ۲۳۶/۱۵/۴ ۲۴۰ (م.ا.م.)؛ نامه وزارت مالیه به وزارت داخله، «عریفه حاجی میرزا آقای سمنانی»، بی‌تا، ۲۳۶/۱۵/۵ [۲۴۰]، وزارت مالیه، (م.ا.م.)؛ نامه وزارت خارجه به وزارت داخله، «شکایت بانک شاهنشاهی از کمپانی مسعودیه در اصفهان در خصوص انتشار بلیط‌هایی که شباهت به نوت بانک دارد»، ۴ رمضان ۱۳۳۱، وزارت کشور، ۱۸/۱۸۱/۲ [۲۹۳] (م.ا.م.)؛ وزارت داخله به حکومت اصفهان، «در خصوص جمع‌آوری قبوض و برواتی که شباهت به نوت بانک شاهنشاهی دارد»، ۱۳ ذی‌قعدة ۱۳۳۱، وزارت کشور، ۱۸/۱۸۱/۱ [۲۹۳]، (م.ا.م.).
۲۹. کسروی، تاریخ مشروطه، ص ۲۰۵.
۳۰. حبل‌المتین، سال ۱۴، ۱۷ صفر ۱۳۲۵/اول آوریل ۱۹۰۷، ش ۳۲، صص ۱۴-۱۳.
۳۱. همان‌جا، سال ۱۳، ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴/۱۵ ژوئن ۱۹۰۶، ش ۴۰، ص ۱۰.
۳۲. مذاکرات مجلس اول، ص ۴۶۲.
۳۳. مجلس (انتشارات)، مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه، (تهران: [بی‌تا])، ص ۹.
۳۴. همان‌جا، ص ۲۰.
۳۵. همان‌جا، ص ۱۰۱.
۳۶. همان‌جا، ص ۲۴۳.
۳۷. مذاکرات مجلس اول، صص ۳۵-۵۳۴.

۱۸۲. تجار، مشروطیت و دولت مدرن

۳۸. مجموعه مصوبات در چهار دوره، ص ۳۰.
۳۹. همان جا، ص ۲۲.
۴۰. کتاب آبی، ج ۱، ص ۹۸.
۴۱. مذاکرات مجلس اول، صص ۲۲۴-۲۲۵.
۴۲. همان جا، ص ۳۸۲.
۴۳. همان جا، صص ۴۹۹، ۵۰۵، ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۲.
۴۴. همان جا، ص ۵۱۷.
۴۵. همان جا، ص ۱۳۳.
۴۶. همان جا، ص ۳۵.
۴۷. همان جا، ص ۱۶.
۴۸. همان جا، ص ۴۶۴.
۴۹. همان جا، ص ۲۲۲.
۵۰. همان جا، ص ۱۶۱.
۵۱. همان جا، ص ۲۴۱.
۵۲. همان جا، ص ۲۱۸.
۵۳. همان جا، ص ۱۰۶.
۵۴. همان جا، ص ۲۷۸.
۵۵. همان جا.
۵۶. مهدی ملکزاده، تاریخ مشروطه، ص ۴۶۳.
۵۷. یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۲، ص ۱۱۸.
۵۸. حبل‌المتین، سال ۱۴، ۵ جمادی‌الاول ۱۳۲۵/۱۷ ژوئن ۱۹۰۷، ش ۴۲، ص ۸.
۵۹. برای آگاهی بیشتر از مذاکرات نمایندگان نگاه کنید به: مذاکرات مجلس اول، ص ۱۴۵.
۶۰. همان جا، ص ۱۵۸.
۶۱. همان جا، ص ۲۶۶؛ امین‌الضرب حتی برای ختنی کردن فعالیت‌های مخالفان اتابک با وی همکاری کرد و توطئه گروهی به سرکردگی موقرالسلطنه را که برای شکست اتابک متحد شده بودند، کشف می‌کند و مدارک آن را آشکار می‌کند (صورت اسامی اشخاصی که متفق‌القولند برای شکست دولت و معزول کردن اتابک، (بی‌تا)، ۵۱۶-ق، (م.ا.ب)).
۶۲. همان جا، ص ۲۶۷.
۶۳. همان جا، ص ۲۶۴.
۶۴. صادق مستشارالدوله، «آمدن اتابک به ایران و قتل او»، آینده، ج ۶، شماره ۶-۷، صص ۵۵۳-۵۵۵؛ جواد شیخ‌الاسلامی بر اساس گزارش‌های سفارت بریتانیا مرگ اتابک را به شاه نسبت می‌دهد. در حالی که در آن گزارش‌ها نیز تنها به این نکته اشاره شده است که چنین شایعه‌ای رواج یافت که شاه در قتل وی دست داشته است. بر این نظر انتقادات بسیاری وارد است که از حوزه بحث این پژوهش خارج است؛ در ضمن دولت‌آبادی نیز به رضایت شاه از قتل اتابک که قصد حفظ مجلس و سلطنت را داشت، اشاره می‌کند. (یحیی دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۲، ص ۱۴۵).
۶۵. مذاکرات مجلس اول، ص ۲۸۲.
۶۶. همان جا، ص ۲۸۰.

۶۷. همان‌جا، ص ۲۷۰.
۶۸. همان‌جا، ص ۲۸۳-۲۸۲.
۶۹. همان‌جا، ص ۲۸۶.
۷۰. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: آدمیت، ایدنولوزی نهضت مشروطیت ایران، (تهران، [بی تا])، ج ۲، صص ۱۳۷-۱۳۱.
۷۱. مذاکرات مجلس اول، ص ۵۳۷.
۷۲. نگاه کنید به: همان‌جا، صص ۴۹۹، ۵۰۵، ۵۰۷، ۵۰۹، ۵۱۲.
۷۳. ندای وطن، ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵، ش ۳۱، ص ۵.
۷۴. حبل‌المتین (تهران)، ۱۹ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵، ش ۱۴۵، ص ۳.
۷۵. اتحاد (تبریز)، ۱۸ جمادالاول ۱۳۲۶، ش ۲۲، ص ۴.
۷۶. «رساله انجمن سلسله تجار اصفهان» نقل شده از: موسی نجفی، متون، مباحث و تکوین اندیشه تحریم در تاریخ سیاسی ایران، (مشهد، آستان قدس، ۱۳۷۱)، صص ۱۳۶-۱۳۵.
۷۷. احمد اشرف، موانع تاریخی، ص ۱۰۲.
۷۸. حبل‌المتین، سال ۱۳، ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۲۳/۲۳ فوریه ۱۹۰۶، ش ۲۶، ص ۱۷.
۷۹. آنه: از اجزای پول رایج هندوستان بود؛ علاوه بر این از واحدهای اوزان رایج هندوستان نیز بود که بر اثر ارتباط تجاری در ایران نیز متداول شد و بیشتر در زمینه جواهر و ادویه به کار می‌رفت.
۸۰. در سال‌های بعد، تجار ایرانی مقیم بمبئی در تشکیل انجمن‌های دیگری از جمله «انجمن هلال احمر ایران» در کلکته شرکت جستند که جنبه امور خیریه داشت. از این تجار می‌توان از آقامحمدخلیل تاجر شیرازی نام برد که در مدرس تجارتخانه داشت. حاج‌محمدآقا تاجر خویی و برادران، میرزامحمدتاجر اصفهانی، حاج عبداللطیف تاجر، حاجی میرزاهدی اصفهانی، میرزامحمد امین‌التجار شیرازی و میرزامحمدعلی نمازی از دیگر تجار ایرانی بودند که با این انجمن همکاری داشتند و با وجوه اعانه خود به امور خیریه‌ای که توسط این انجمن انجام می‌شد، کمک می‌کردند، (همان‌جا، سال ۱۵، ۱۵ ذی‌حجه ۱۳۲۵/۲۰ ژانویه ۱۹۰۸، ش ۲۶، ص ۹).
۸۱. برای آگاهی بیشتر از گفتگوها و حوادث مربوط به تجار ایرانی در استانبول نگاه کنید به: حبل‌المتین، سال ۱۲، ۱۴ جمادی‌الاول ۱۳۲۵/۲۴ ژوئن ۱۹۰۷، ش ۴۳، صص ۱۹-۱۸؛ «مکتوب اسلامبول»، همان‌جا، سال ۱۴، ۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۵/۱۵ جولای ۱۹۰۷، ش ۴۶، صص ۲۲-۲۱.
۸۲. در خصوص وقایع رشت نگاه کنید به: «مکتوب از رشت»، حبل‌المتین، سال ۱۴، ش ۳۷، ۲۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۵/۶ مه ۱۹۰۷، صص ۱۷-۱۶.
۸۳. «مکتوب از محمره»، حبل‌المتین، سال ۱۴، ش ۴۲، ۵ جمادی‌الاول ۱۳۲۵/۱۷ ژوئن ۱۹۰۷، ص ۱۲؛ همان‌جا، سال ۱۵، ش ۱۹، ۲۵ شوال ۱۳۲۵/۲ سپتامبر ۱۹۰۷، صص ۹-۸؛ در انجمن ملی محمره طرح‌هایی برای اصلاح امور شهر داده می‌شود از جمله یکی از اعضای انجمن پیشنهاد می‌کند از افرادی که «سمت نوکری اجانب دارند بر حسب عایداتش خراج یا جزیه مخصوص برای روشنایی شهر گرفته شود»، (همان‌جا، ش ۴۲، ص ۱۲).
۸۴. حبل‌المتین، سال ۱۵، ۲۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۶/۲۷ آوریل ۱۹۰۸، ش ۳۸، صص ۶-۴.
۸۵. دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۲، ص ۲۱۷.
۸۶. کسروی در خصوص تضاد درونی مجاهدان و تندروی قفقازی‌ها که خود «آزموده‌تر و چابک‌تر می‌بودند و به ملایان و کیش پروا نمی‌داشتند و از این رو مردم از آنان رمیده می‌بودند» نگاه کنید به: کسروی، تاریخ مشروطه، ص ۳۹۱.
۸۷. نگاه کنید به سخنان وکیل‌التجار در مجلس نقل شده در: مذاکرات مجلس اول، ص ۵۴۴.

۱۸۴ تجار، مشروطیت و دولت مدرن

۸۸. حبل المتین، سال ۱۵، ۱۲ صفر ۱۳۲۶/۱۶ مارس ۱۹۰۸، ش ۳۳، ص ۱۶.
۸۹. صور اسرافیل، ۹ صفر ۱۳۲۶، ش ۲۵، ص ۸.
۹۰. حبل المتین (تهران)، سال اول، غره شوال ۱۳۲۵، ش ۱۵۵، ص ۴.
۹۱. جریده ملی انجمن تبریز، ۲۰ ذی قعدة ۱۳۲۴، ش ۲۶، صص ۱-۲.
۹۲. برای آگاهی از نطق ملک المتکلمین در انجمن اصناف نگاه کنید به: مخبر السلطنة، خاطرات و خطرات، ص ۱۶۶-۱۶۷.
۹۳. رهنما، ۱۹ محرم ۱۳۲۶/۲۲ فوریه ۱۹۰۸، ش ۱۹، صص ۲-۳.
۹۴. روزنامه مجلس ۲۳ رجب ۱۳۲۵/۲ سپتامبر ۱۹۰۷، ش ۱۷۰، صص ۱-۳.
۹۵. دولت آبادی، حیات یحیی، ج ۲، ص ۲۱۷.
۹۶. همان جا، ج ۲، ص ۱۹۳-۱۹۲؛ خاطرات احتشام السلطنة، صص ۴-۶۴۳.
۹۷. دولت آبادی، حیات یحیی، ج ۲، صص ۱۹۳-۱۹۲.
۹۸. همان جا، صص ۱۳۸-۱۳۶.
۹۹. روزنامه مجلس، ۲۳ رجب ۱۳۲۵/۲ سپتامبر ۱۹۰۷، ش ۱۷۰، صص ۱-۳.
۱۰۰. روح القدس، ۸ شعبان ۱۳۲۵، ش ۶، ص ۳.
۱۰۱. دولت آبادی، حیات یحیی، ج ۲، صص ۱۳۲-۱۳۱.
۱۰۲. حبل المتین (تهران)، ۲۲ رجب ۱۳۲۵/اول سپتامبر ۱۹۰۷، ش ۱۰۵، صص ۲-۳.
۱۰۳. متن کامل تلگراف انجمن های تهران، اتحاد عراقیان، فارس، متحده صرافان، اتحادیه خراسان، خیریه محل بازار، محله کوچه غریبان در منبع ذیل به چاپ رسیده است: روزنامه انجمن تبریز، ۲۶ جمادی الاول ۱۳۲۵، ش ۱۰۸، ص ۳.
۱۰۴. صور اسرافیل، ۲۱ ربیع الاول ۱۳۲۶، ش ۲۶، ص ۴؛ حبل المتین، سال ۱۵، ۲ صفر ۱۳۲۶/۱۶ مارس ۱۹۰۸، ش ۳۳، ص ۳؛ دولت آبادی، حیات یحیی، ج ۲، صص ۲۱۱-۲۱۲.
۱۰۵. برای آگاهی از متن کامل تلگراف ها نگاه کنید به: روزنامه مجلس، ۱۳ رمضان ۱۳۲۵/۱۲۱ کبر ۱۹۰۷، ش ۱۹۶، صص ۲-۳.
۱۰۶. حبل المتین، (تهران)، سال اول، ۱۱ رمضان ۱۳۲۵، ش ۱۴۵، ص ۴.
۱۰۷. حبل المتین، سال ۱۵، ۲۴ ذی قعدة ۱۳۲۶/۳۰ دسامبر ۱۹۰۸، ش ۲۳، ص ۴.
۱۰۸. محیط مافی، مقدمات مشروطیت، ص ۲۱۳.
۱۰۹. دولت آبادی، حیات یحیی، ج ۲، صص ۳۰۳-۳۰۱.
۱۱۰. برای آگاهی از اسامی مجاهدین مدافع مجلس نگاه کنید به: همان جا، صص ۱۹-۳۱۸.
۱۱۱. مذاکرات مجلس اول، ص ۲۶۴.
۱۱۲. همان جا، صص ۳۲۱-۳۲۰.
۱۱۳. همان جا، ص ۲۶۴.
۱۱۴. ناظم الاسلام، تاریخ بیداری، ج ۳، صص ۹۳-۹۲.
۱۱۵. آدمیت، ایدئولوژی مشروطه، ج ۱، صص ۴۲۴-۴۲۳.
۱۱۶. نگاه کنید به: محمدحسین تبریزی، رساله کشف المراد من المشروطه و الاستبداد، خطی، تحریر ۱۳۲۵ قمری، نقل شده از آدمیت، ایدئولوژی مشروطه، ج ۱، ص ۲۶۰.
۱۱۷. [گمنام]، تذکره الغافل و ارشاد الجاهل، نقل شده از: رسایل، اعلامیه ها، مکتوبات و... روزنامه شیخ فضل الله نوری، به کوشش محمد ترکمان، (تهران، ۱۳۶۲)، ص ۵۸.

۱۱۸. مذاکرات مجلس اول، ص ۲۰۲.

۱۱۹. همان‌جا، ص ۲۵۷.

۱۲۰. همان‌جا.

121. Abrahamian, "The Crowd In Iranian Politics, Past And Present": A Journal of Historical Studies, No 41 (Dec. 1968), p: 140.

۱۲۲. جیل‌المتین، سال ۱۵، ۲۲ ذی‌حجه ۱۳۲۵/۲۷ ژوئن ۱۹۰۸، ش ۲۷، صص ۱۹-۲۴.

۱۲۳. مذاکرات مجلس اول، ص ۴۱۶.

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل سوّم
تجار از استبداد صغیر تا جنگ جهانی اوّل

تبرستان
www.tabarestan.info

تجار از استبداد صغیر تا جنگ جهانی اول

الف) استبداد صغیر و محدود شدن مشروطه‌گری

قدرت‌گیری انجمن‌ها و استقرار خشونت به عنوان مؤثرترین عامل در به کرسی نشاندن نظر جناح‌ها و دلایل متعدد دیگر که در جای خود گفته خواهد شد، به تشدید مقابله مجلس و شاه انجامید. تهدید انجمن‌ها برای استعفای احتشام السلطنه و افزایش اختلاف‌های داخلی ما بین میانه‌روها، با درگیری احتشام السلطنه و بهبهانی در مجلس به اوج خود رسید.^(۱) عدم حضور برخی از نمایندگان و تنی چند از نمایندگان تجار در مجلس از جمله معین‌التجار بوشهری در روزهای بحرانی قبل از به توپ بستن مجلس - به رغم آن که بهبهانی برای حضور وی در مجلس بسیار تلاش کرد، ولی بی‌حاصل ماند - به ضعف عمومی مجلس در مقابل مستبدان انجامید. اختلاف‌های مجلس و شاه بر سر انتخاب هیأت وزراء و خواست مجلس برای حضور بیشتر مشروطه‌خواهان در مناصب دولتی و تلاش بی‌وقفه شاه برای حفظ مناصب کلیدی در دست هواداران خود در عمل امکان دست‌یابی به راهی مسالمت‌آمیز را غیرممکن ساخت. ضعف و تشتت مجلس، سماجت شاه در حفظ حقوق مستبدانه سلطنت و تندروی‌های انجمن‌ها و جناح‌های تندرو و نیز بمب‌اندازی به کالسکه شاه بحران را به نقطه اوج خود رساند. مجموعه این عوامل موجب شد که شاه نیت قدیمی خود در بکار بردن زور و براندختن مجلس را عملی کند. شاه برای از میان بردن مجلس، ستاد نظامی در باغ شاه تشکیل داد و دو تن از وزرای مشروطه‌خواه را برکنار کرد. فضای یأس‌آوری که موجب شد معین‌التجار بوشهری، از فعالان جنبش مشروطیت و از ثابت قدمان مجلس

اول به چنان سرخوردگی دچار شود که در موضعی انفعالی حضور در مجلس را بی‌ثمر بیابد، آنچنان گسترش یافت که مشروطه‌خواهان و مجلس توانستند به عنوان نماینده ملت محکم و با اطمینان عمل کنند. بحران مالی، شورش حکام و عناصر مستبد مانع پیشبرد اهداف نظام جدید بود و در نهایت مبارزه نیروهای نو و کهن به متتهای خود یعنی حمله به مجلس انجامید.^(۲)

شاه مجلس را به توپ بست و به قلع و قمع مشروطه‌خواهان پرداخت. بسیاری از نمایندگان مجلس و مشروطه‌خواهان دستگیر، زندانی، تبعید و کشته شدند. طرفداران استبداد به طور موقت به اوضاع سیاسی مسلط شدند و شرایط برای مشروطه‌خواهان بسیار دشوار گردید. شاه سعی در از میان بردن مخالفان خود داشت و هر کس به میزان تندروی یا میانه‌روی و سوابق گذشته‌اش مورد غضب و خشم شاه قرار گرفت و به مجازات رسید. بدیهی است تجار که در جناح میان‌روها قرار داشتند به میزان روشنفکران، تندرورها و روزنامه‌نویس‌ها در معرض انتقام‌های سخت نبودند، ولی به واسطه موقعیت مالی آسیب‌پذیرتر بودند و از آنجایی که افراد با نفوذ و مؤثری نیز بودند، شاه سعی داشت رابطه‌ای به ظاهر مسالمت‌آمیز با آنان برقرار کند. شاه که وعده بازگشایی مجلس را داده بود، می‌خواست با صحنه‌سازی وانمود کند که ملت و از جمله تجار به دلیل ناکارآمدی نظام مشروطیت دیگر خواهان ادامه آن نیستند و همان نظم سابق را که نظام خودکامه سلطنتی است، ترجیح می‌دهند. از این رو، پس از بمباران مجلس، ترتیب جلسه‌ای داده شد. مفاخرالملک^(۳) که در ابتدا حکم ریاست محکمه تجارت و بعد وزارت تجارت را از شاه گرفت با «تهدید و وعده و وعید» در حدود هشتصد نفر از تجار را برای ملاقات با شاه دعوت کرد که از این تعداد فقط یکصد و هشتاد نفر حضور یافتند. در این جلسه شاه، تجار را «روح مملکت» نامید و حاج اسماعیل مغازه گفت: «تجار باعث آبادی و ثروت مملکت هستند و باید از آن‌ها نگاهداری شود و امنیت تأمه داشته باشند».^(۴) رئیس انجمن تجار، صنیع‌الممالک^(۵) از سوی تمامی تجار و اصناف سخن گفت و ابراز کرد: «مقصود ما حصول این است که یک قانونی به جهت ما بگذارند که آسوده باشیم و از روی آن قانون عمل شود و ظلمی بر کسی واقع نشود. اسم مشروطه را هم نمی‌خواهیم... که مخالف قانون اسلام است... نه مشروطه می‌خواهیم نه مجلس».^(۶) این سخنان با اعتراض میرزا ابوالقاسم خان تاجر اصفهانی که در «سرای خدایی» حجره داشت، مواجه شد؛ وی گفت: این عقیده شخص صنیع‌الممالک است و «ما هم مجلس می‌خواهیم هم مشروطه».^(۷)

محمدعلی‌شاه برای توجیه اعمال خود با گروهی از روحانیون نیز ملاقات کرد و طبق برنامه از پیش تعیین شده حکم به حرمت مشروطیت صادر شد. به این ترتیب شاه با صحنه‌سازی، مخالفت خود با مجلس و مشروطه را به عنوان خواست عموم طبقات مردم جلوه داد. با این حال مشخص است که از این مجالس فرمایشی و حضور تعدادی از تجار و

یا ارسال تلگراف و عریضه از سوی علما و تجار^(۸) ایالات به دربار مبنی بر مخالفت با اعاده مشروطیت، و لو آن که این تلگراف‌ها جعلی نبوده باشند، نمی‌توان به واکنش حقیقی تجار در این زمان پی برد. اما نکته قابل توجه آن است که حتی در اعلام شاه‌دوستی و مخالفت با مشروطه از سوی برخی از تجار وابسته به دربار نیز بر اهمیت قانون و امنیت تأکید شده است.

در شرایط دشوار این زمان شاه زمینه فعالیت مخالفان مشروطیت را فراهم ساخت و به همین دلیل در گوشه و کنار کشور حرکت‌هایی در ابراز مخالفت با مشروطه انجام شد که گاه از تجار نیز در آن نام برده شده است. سرخوردگی یک یا چند تن از تجار بزرگ^(۹) و فاصله گرفتن با حرکت‌های مشروطه‌خواهی و سرخوردگی و در لاک خود فرو رفتن نماد روحیه واقعی طبقه تجار در این مقطع تاریخی نیست. در این نکته که تجار بزرگ و اروپا دیده به دنبال استقرار نهادهای مدرن و عقلانیت مدرن در ارکان حکومت بودند هیچ تردیدی نیست، ولی این که آیا تجار افراد انقلابی بودند و به دنبال استفاده از روش‌های انقلابی بودند، بدون تردید باید گفت که چنین نبوده است. اما به این نکته باید توجه داشت که تجار بزرگ به طور آگاهانه بر استفاده ابزاری از دولت مدرن واقف بوده‌اند. در حالی که تجار متوسط و خرد به صورت غیرآگاهانه اهمیت آن را دریافته بودند، به همین دلیل تجار متوسط و خرد در شرایط دشوار سیاسی زودتر به چارچوب‌های روابط سنتی خود باز می‌گشتند و فهم درستی از نهادهای مدرن نداشتند، ولی به طور قطع امنیت و ثبات سیاسی را درک می‌کردند، منتها رابطه تنگاتنگ آن با استقرار مشروطیت و دولت مدرن را به درستی در نمی‌یافتند، از این رو اگر حکومت قادر به حفظ و استقرار امنیت بود برای آنان پذیرفتنی بود.

در این زمان، برخی از تجار با ارسال تلگراف‌هایی مخالفت خود را با اعاده مشروطیت ابراز داشتند.^(۱۰) تاجری از اهالی انزلی نیز بازگشت «به حال سابق» و امید رسیدن به آسودگی و امنیت را آرزو می‌کند.^(۱۱) در آخرین روز وعده سه ماهه شاه برای بازگشایی مجلس هیچانی در ملت ایجاد شد و یکی دو ساعت بازاریان مغازه‌های خود را دیرتر گشودند ولی افراد دولت با ایجاد رعب و وحشت و گرفتن بعضی افراد و حبس و زنجیر آن‌ها، موجب باز شدن بازار گشتند. البته در این میان از فعالیت بعضی از «تجار محافظه کار» سخن به میان آمده که «به حمایت دولت مردم را آرام نموده» و بازار گشوده می‌شود.^(۱۲) محافظه کاری تجار ویژگی عام این گروه محسوب می‌شود ولی در عین حال در تحلیل مواردی از این دست که می‌تواند به محافظه کاری افراطی یا ابراز دلتنگی و ناراحتی از اوضاع اجتماعی سال‌های نخست مشروطیت مربوط باشد باید گفت که اگر از احتمال ساختگی بودن نامه‌ها و شرایط فشار اختناق آن دوران صرف‌نظر کنیم، این نامه‌ها و گاه ابراز خستگی از استقرار مشروطیت به تجار متوسط و خردی تعلق دارد که با نگاه سنتی تر و محدودتری به حوادث می‌نگرند و با سخت شدن اوضاع به سرعت به چارچوب‌های سنتی پیشین خود پناه می‌برند؛ دارایی و

ثروت این طبقه با محافظه کاری روانی حاکم بر این طبقه جلوی هر گونه خطر کردن انقلابی را از این گروه می‌گیرد. کما این که برخورد میرزا محمود اصفهانی با مفاخرالملک وزیر تجارت که او را مورد بازجویی قرار می‌دهد و تهدید به مجازات و حبس می‌کند،^(۱۳) حاکی از همین روحیه محافظه کاری و در عین حال جو نامساعد سیاسی برای فعالیت‌های مشروطه‌خواهان بود که رعب و وحشت و حبس و زنجیر و فعالیت جاسوسان مستبدان امکان عمل مشروطه‌خواهان را بسیار محدود می‌کرد و به هیچ عنوان با دوران قبل از استبداد صغیر که کشور دارای فضای باز سیاسی بود، قابل مقایسه نبود. نکته دیگر این که به صرف عنوان تاجر، عملکرد فردی این گونه افراد را نمی‌توان به عنوان واکنش طبقه تجار قلمداد کرد. در ضمن هر عمل فردی در صورتی می‌تواند به عنوان نماد حرکت طبقاتی در نظر گرفته شود که در ساختار کلی آن گروه مورد تجزیه و تحلیل ساختاری قرار گیرد و گرنه علاوه بر تعارض‌های درون طبقاتی، اختلاف‌های فردی نیز تمایزهایی در افراد یک طبقه ایجاد می‌کند که به مفهوم رفتار طبقاتی تلقی نمی‌شود.

با تغییر شرایط سیاسی در سراسر کشور به جز تبریز، مشروطه‌خواهان و طرفداران آن‌ها به مثابه کفار و زنادقه محسوب شدند. آزادی‌های سیاسی و سخن گفتن بی‌پرده دوران مشروطیت خواست‌ها و تمایلات بسیاری از افراد را آشکار ساخته بود. با قدرت گرفتن مستبدان در بیشتر ایالات و تهران، مشروطه‌خواهان مورد هجوم قرار گرفتند و همان دعوای «حیدری - نعمتی» به مستبد و مشروطه تبدیل شد و بسیاری از «اموال و اعراض» به باد فنا رفت. مشروطه‌خواهان پیشین و نمایندگان مجلس هر یک سرنوشتی یافتند و به گوشه‌ای پراکنده شدند، از سرنوشت وکلای تجار در مجلس آگاهی‌های پراکنده‌ای وجود دارد. حاج محمد اسماعیل مغازه با نزدیکی به دربار به ریاست ضرابخانه گمارده شد و در بین ملاقات‌کنندگان با شاه حضور داشت.^(۱۴) محمدحسین امین‌الضرب خسته و ناامید از ترس شاه به سفارت انگلیس پناه برد و شاه دستور ضبط اموال وی را صادر کرد.^(۱۵) گروه تجار ملاقات‌کننده با شاه و ساطنی نیز برای حاج حسین آقا امین‌الضرب می‌کنند و شاه نیز به صدراعظم فرمان می‌دهد «توجهی از کار و آسایش امین‌الضرب» بشود.^(۱۶) وی پس از آرام شدن اوضاع از پناهندگی بیرون آمد.^(۱۷) حاج محمدتقی بنکدار نیز که دستگیر شده بود با میانجیگری سید محمد صراف در هنگام ملاقات گروه تجار با شاه آزاد می‌شود.^(۱۸) چند تن دیگر از تجار نیز پس از بمباران مجلس به سفارت آلمان پناهنده شدند که به نام آن‌ها در منابع اشاره نشده است.^(۱۹) از سرنوشت بقیه تجار آگاهی‌های دیگری در دست نیست.

اگر چه در این شرایط دشوار تجار همچنان برای استقرار نظام نوین و مشروطه کوشیدند ولی بسته شدن فضای سیاسی کشور و استقرار جو اختناق دایره عمل آنان را محدود ساخت و حتی کانون‌های فعالیت آنان را هر چه بیشتر از مرکز دور کرد. در تهران نیز فعالیت‌هایی از سوی برخی از مشروطه‌خواهان از جمله تجار صورت گرفت. نامه‌ای که صنیع‌الدوله رئیس

سابق مجلس و سایر نمایندگان معتبر و بعضی از علما و تجار آن را امضاء کرده بودند به تمام سفارت‌خانه‌ها فرستاده شد. امضاءکنندگان اعتراض خود را به نمایش‌های مصنوعی شاه بر ضد مشروطیت ابراز کردند و برای اعاده مشروطیت از سفارت‌خانه‌های دول گوناگون دنیا کمک خواستند.^(۲۰) در واقع به آن دلیل که در درون کشور قدرت پشتیبانی وجود نداشت، تجار برای افشاگری صحنه‌های ساختگی ضد مشروطه دربار و بیان خواست‌های واقعی خود به سفارت‌خانه‌ها پناه بردند که نخستین تحصن جنبش مشروطیت در سفارت انگلستان را تداعی می‌کرد که همین امروز منجر به افزوده شدن قدرت مشروطه‌خواهان و پیروز شدن جنبش شده بود، در حدود چهل تن از تجار به سفارت اتریش رفتند و به دیگر سفارت‌خانه‌ها نامه‌هایی مبنی بر حمایت آنان از مشروطیت و تقاضای استقرار مجدد آن را نوشتند.^(۲۱)

در پی مذاکرات و نشست‌های سری، گروهی از مشروطه‌خواهان بر آن شدند که «یک مرکز اجتماعی بر ضد طرفداران استبداد و شاه ترتیب دهند».^(۲۲) بنابراین در ۲۶ ذیقعدة ۱۳۲۶، گروهی از علما، تجار و اصناف که عده آن‌ها بالغ بر سیصد تن می‌شد به سفارت‌خانه عثمانی پناهنده شدند و گروهی دیگر هم با سیدعلی آقا و سیدجمال افجه‌ای به حضرت عبدالعظیم رفته، بست نشستند، تدارک مالی متحصنین به عهده تجار مشروطه‌خواه بود.^(۲۳) میرزا محمود اصفهانی سید عبدالرحیم و پسر حاجی سید صراف مسئول خرج بست‌نشینان سفارت بودند.^(۲۴) جالب این که از فعالان دوران جنبش کمتر نامی دیده می‌شود و مشخص است به دلیل اختناق سیاسی، احتیاط و محافظه‌کاری این افراد و یا تحمل مجازات‌هایی مثل زندان و تبعید، از نسل نخستین جنبش، کمتر اثری دیده می‌شود. حاج محمدتقی بنکدار که تدارک هزینه‌های متحصنین در سفارت انگلیس را به عهده داشت، دستگیر و با وساطت برخی از تجار آزاد شده بود و به جای وی و امین‌الضرب گروهی دیگر از تجار عهده‌دار هزینه متحصنین در سفارت عثمانی می‌شوند. جایگاه ورده طبقاتی این گروه از تجار به درستی مشخص نیست که جزو کدام دسته از تجار؛ بزرگ، متوسط یا خرد بودند. میرزا محمود اصفهانی و سید محمد صراف از نمایندگان تجار و صرافان در مجلس اول بودند. آنان برای اعاده مشروطیت به همان شکل سابق تلاش می‌کردند. برای حمایت از تجار بست‌نشین در سفارت عثمانی و حضرت عبدالعظیم، علمای نجف که از فضای سیاسی بازتری نسبت به هم‌تایان خود در داخل کشور برخوردار بودند، تلگراف‌های متعددی به تهران ارسال داشتند.^(۲۵)

انجمن سری مشروطه‌خواهان کار نظارت و هماهنگ کردن خواست‌های متحصنین را به عهده داشت.^(۲۶) و در مواردی آگاهی‌ها و هشدارهایی به آنان می‌داد و آن‌ها را به ادامه راه دلگرم می‌ساخت. در ضمن در خصوص معین‌التجار بوشهری و حاج محمداسماعیل مغازه نیز هشدار می‌دهد و آنان را منافق می‌نامد.^(۲۷)

شاه در مقابل این عمل دست به واکنش می‌زند و به متحصنین برای ترک اماکن تحصن

هشدار می‌دهد و حتی آنان را تهدید می‌کند. وی که دیگر حاضر به هیچ گونه مصالحه نبود دست به کشتن چندتن از مشروطه‌خواهان می‌زند. میرزا مصطفی آشتیانی و چند تن از همراهان وی در حضرت عبدالعظیم کشته می‌شوند و این عمل رعب و هراس بسیاری در دل متحصنین می‌اندازد. وضعیت شهر بحرانی می‌شود. بازارها بسته و بر جمعیت متحصنین افزوده می‌شود و امور تجارتی به کلی تعطیل می‌گردد.^(۲۸) بحرانی شدن اوضاع تهران و ایالات، ملاقات سفرای دولتی روس و انگلیس با شاه و انتشار اخباری مبنی بر درخواست آنان در اعطای مشروطیت، انتشار حرکت قوای بختیاری به سمت تهران، تغییرات سیاسی در عثمانی و برکناری سلطان عبدالحمید که طرفدار نظام استبدادی و جانشینی پسر برادر وی محمد رشاد پاشا، ضرورت اعطای مشروطیت از سوی شاه را فراهم کرد. عوامل خارجی و داخلی ادامه این وضعیت را بر نمی‌تابید. شاه در ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۷، اجازه تشکیل مجلس متخبین ملت را صادر کرد. به دنبال فرمان اعاده مشروطیت متحصنین سفارت عثمانی را ترک کردند و سفیر عثمانی نیز ادامه حضور آنان در سفارت را نادرست خواند و از همین رو متحصنین به تدریج از سفارت خارج شدند.^(۲۹) عملکرد تجار در دوره استبداد صغیر ادامه همان اهداف پیشین متتها به شیوه‌ای آرام و معقول و با حفظ موقعیت اجتماعی و ملاحظات سیاسی متناسب با این زمان بود.

در تبریز که تنها سنگر باقیمانده مشروطیت بود، بر خلاف دیگر ایالات، مشروطه‌خواهان هنوز تفوق داشتند و در مقابل جریان استبدادطلب ایستادگی می‌کردند. به رغم از میان رفتن انجمن ایالتی، مجاهدان در تبریز مقاومت می‌کردند. وضعیت تبریز و نزدیکی آن به قفقاز و استانبول و حضور تعداد زیادی از تجار و گسترش فعالیت‌های تجاری برون مرزی موقعیت ویژه‌ای به تبریز داده بود که نه تنها به عنوان کانون تجاری که کانون فرهنگی نیز محسوب می‌شد. از آنجایی که تبریز مکان خاصی بود، تجار آن نیز ویژگی‌های متفاوتی داشتند.^(۳۰) کمک‌های مالی تجار تبریز به مجاهدین و همکاری آن‌ها با انجمن ایالتی^(۳۱) و ورود اسلحه از قفقاز برای مجاهدین، نمونه‌ای از فعالیت آنان در دوره استبداد صغیر بود. حاج مهدی کوزه‌کنانی، علی مسیو و حاج علی دوافروش را اگر چه به عنوان نمونه عام طبقه تجار نمی‌توان به حساب آورد، اما با این حال نقش به سزایی در یاری رساندن به مجاهدین داشتند.^(۳۲) گو اینکه انقلابی‌گری و ویژگی عمومی این طبقه محسوب نمی‌شود و قطعاً رفتار یک تاجر به خصوص با ویژگی‌های خاص، نماد عملکرد کلی این طبقه نمی‌باشد، با این حال ارسال کمک‌های مالی و تلاش برای استقرار مجدد مشروطیت و نظم نوین وجه مشترک تجار تبریز با تجار مرکز و دیگر ایالات بود. اما انقلابی‌گری تبریز و افزایش قدرت مشروطه‌خواهان و مجاهدان امکان مانور بیشتری برای تجار این شهر فراهم ساخته بود؛ سخنرانی‌های شورانگیز حاج مهدی کوزه‌کنانی برای اعاده و حفظ مشروطیت و همراهی و همدلی با نیروهای نظامی مجاهدین و تقویت آنان و مواجهه مستقیم با

برخوردهای نظامی از این نمونه است.

یکی دیگر از تشکلهایی که در این زمان نقش مؤثری در تقویت جنبش مشروطه‌خواهی داشت و در خارج از کشور در نقش رابط نیروهای آزادیخواه تبریز با نجف و شهرهای اروپا عمل می‌کرد، انجمن سعادت بود که از ایرانیان مقیم استانبول تشکیل شده بود. اسامی رهبران و بنیانگزاران آن در دست نیست، اعضای آن را سی نفر ذکر کرده‌اند که تعداد ده نفر از آنان از وکلای تجار و بیست نفر از وکلای اصناف بودند.^(۳۳) این انجمن در امور ایرانیان مقیم استانبول فعال بود و وظیفه رساندن اخبار فعالیت‌های کانون‌های مشروطه‌خواهی به یکدیگر را به عهده داشت و این مراکز از طریق انجمن سعادت به طور تلگرافی، از اخبار و مقاصد یکدیگر با خبر می‌شدند.^(۳۴) در واقع این انجمن نقش واسطه‌گری بین مراکز مشروطه‌خواهی در ایران را به عهده داشت، ایجاد ارتباط مشروطه‌خواهان داخل کشور با نجف و اروپا و رساندن پیام‌های انجمن تبریز به دیگر مناطق و کمک‌های مالی به مشروطه‌خواهان تبریز از زمره کارهای این انجمن محسوب می‌شد. تجار آذربایجانی در تدارک امور انجمن نقش بسیاری داشتند. به دلیل دشواری فعالیت در داخل کشور، این انجمن که از مرکز استقرار مستبدان فاصله داشت با آرامش و آسودگی بیشتری می‌توانست فعالیت کند. این انجمن نقش بسیار مؤثری در اعاده مشروطیت، مقاومت تبریز و تقویت تشویق مجاهدان در تسخیر تهران و خلع محمدعلی‌شاه به عهده داشت.

پیش از دوره استبداد صغیر زمانی که مشروطه‌خواهان قدرت را در دست داشتند، تعدد و تنوع انجمن‌ها و مبارزه جناح‌های قدرت امکان استقرار امنیت و نهادهای مدنی ماندگار را غیرممکن ساخت. با اینکه هدف اساسی تجار، چه آنان که با روشنفکران نزدیکی داشتند و هدف‌های ترقی‌خواهانه را دنبال می‌کردند و چه تجار متوسط و کوچک شهرستانی که فقط در چارچوب‌های روابط سنتی با نگاه محدود و منفعت‌طلبانه خود قادر به فهم مسایل بودند؛ همه آن‌ها به لزوم و اهمیت استقرار امنیت به عنوان رکن اساسی پیشرفت تجاری خود قائل بودند. به رغم انتقادهای شاه و جناح مستبدین از ناکارآمدی نظام مشروطیت در حفظ امنیت و ثبات سیاسی کشور و وعده و وعیدهای بسیار آنان در توانایی استقرار امنیت و سامان دادن امور کشور، این کار میسر نشد و خشم بسیاری از مردم کوچه و بازار را برانگیخت. توده‌های مردم در دو وادی مشروطیت و استبداد و ادعاهای هر یک از آن دو سرگردان بودند و گروه‌های آگاه‌تر مردم هر یک به مقتضای فهم و درک خود در یک‌سو قرار می‌گرفتند.

رکود تجارت، ناامنی راه‌ها و عدم حمل کالاهای تجاری از ویژگی بارز این سال‌ها است. در گزارشی از مراکز تجاری جنوب کشور ذکر شده است که راه‌های زمینی انتقال کالا مسدود شده بود و مال‌التجاره‌هایی که از طریق دریا می‌رسید مدت‌ها در بندر باقی می‌ماند.^(۳۵) راه‌ها محل ترکتازی اشرار گردیده بود. خراسان، یزد، کرمان، محل تاخت و تاز غلامعلی لر بود که

پیش از این از مباشران رییس‌التجار خراسان بوده و املاک او را در سلطان‌آباد سرپرستی می‌کرد و در این زمان موقعیت را برای یاغی‌گری مساعد دیده بود.^(۳۶) مستبدین برای دست‌یابی به مقاصد خود به تحریک اشرار می‌پرداختند.^(۳۷) نورمحمد بیک امور تجارتی فارس را مختل کرده و «چندین هزار بار تجار فلک زده» از میان رفته بود.^(۳۸) شیرازه امور به حدی از هم گسسته بود که دولت قادر به وصول مالیات‌ها نبود. در بخش غربی کشور اوضاع وخیم‌تر بود؛ سرحد بانه مالیات نداده و تابعیت نمی‌پذیرفت. ساوجبلاغ بعد از تخلیه همچنان از تابعیت عثمانی دم می‌زد و جوان رود، شش هزار تومان از مالیات باقی مانده را نپرداخته بود و اطراف شهر به هیچ وجه امنیت نداشت.^(۳۹) پس از به توپ بستن مجلس، مشروطه‌خواهان نیز در امر جمع‌آوری مالیات سنگ‌اندازی می‌کردند چرا که معتقد بودند بهتر است «پول به تهران نرود که تمامش گلوله و باروت شده به جان برادران ما بخورد» در جلسه‌ای با حضور تجار بوشهر در این مورد مذاکره شد و اصرار شد که یکی از تجار عمل پول گمرک را به عهده گیرد ولی هر کدام به عذری قبول نکردند تا عاقبت به عهده حاجی میرزا غلامحسین تاجر کازرونی وکیل جمشیدیان گذارده شد که آن هم انجام نشد. هیچ یک از تجار منطقه برای ارسال پول به تهران با تحویدار گمرک بوشهر همکاری نکردند^(۴۰) که این امر را عملی در جهت تقویت استبداد می‌دانستند.

مداخله نیروهای روسیه در شمال کشور موجب تشویش «کسبه و اصناف بازار و عموم اهالی» تبریز گردید. تجار تبریز از مداخله روس‌ها در امور داخلی شهر و توقیف اموال برخی از تجار معتبر شکایت کردند.^(۴۱) هرج و مرج سراسر کشور را از شمال تا جنوب فراگرفته بود و در شهرهای رشت، یزد، کرمان و شیراز دولت قادر به حفظ امنیت نبود و رفت و آمد در راه‌های عمده به کلی موقوف و تجارت تقریباً از میان رفته بود، تجار یزد در اعتراض به این شرایط به شاه تلگراف زدند. مناطق جنوبی کشور چون بوشهر و بندرعباس از اطاعت شاه و دولت مرکزی سرباز می‌زدند. در همدان و شیراز نیز مخالفت‌هایی با حکام دولت مرکزی صورت گرفت.^(۴۲) در اصفهان اغتشاش‌هایی برپا شد، بازارها بسته و حاکم اصفهان به سفارت انگلیس پناهنده شد.^(۴۳) تمامی کشور در هیجانی عمومی به سر می‌برد و مردم به وعده‌های شاه بی‌اعتماد بودند، عملکرد ضعیف وی در حفظ امنیت کشور، همه افراد را از وی دلسرد کرده بود و این همه در زمانی بود که زمینه‌های داخلی و خارجی فتح تهران به دست مشروطه‌خواهان فراهم می‌شد.

فتح تهران علاوه بر اهمیت آن در تاریخ ایران، نقطه عطف فعالیت‌های سیاسی تجار و حضور فعال آنان در جریان‌های سیاسی آن زمان محسوب می‌شود و از اهمیت بسیاری در تحلیل رفتارهای سیاسی تجار برخوردار است. فتح تهران، واگذاری قدرت سیاسی به ملاکین و سران ایلات بود و آنچه در این جا قابل تعمق می‌باشد، این نکته است که تجار در این لحظه تاریخی بسیار ضعیف عمل کردند و به قدری محافظه‌کاری بر آنان غلبه یافت که

فرصت‌های تاریخی به دست گرفتن قدرت سیاسی را از دست دادند و به تدریج حضور آنان در صحنه سیاسی کمرنگ‌تر شد و تفوق سیاسی خود را از دست دادند. هر چند تجار ایرانی با بورژواهای اروپایی قابل مقایسه نیستند، ولی بورژواهای غربی در فرصت‌های تاریخی به دنبال کسب اقتدار سیاسی خود برآمدند، آنان اقتدار سیاسی خود را بر پایه رنسانس، روشنگری، انقلاب صنعتی و پیشرفت‌های علمی بنا نهادند، اما تاجر ایرانی به چنان قدرت معنوی و مالی دست نیافت که بتواند بر همه ارکان جامعه چنگ زند. وی به میزان قدرت و توانی که یافته بود در پی مشارکت در قدرت سیاسی بود، آن هم به منظور اعمال دیدگاه‌های خود برای بهبود بخشیدن به شرایط رشد و رونق تجاری و نه به دست گرفتن رهبری سیاسی اما این نکته را نیز نباید نادیده گرفت که بورژوازی صنعتی اروپا از قدرت مالی و صنعتی بیشتری نسبت به تجار ایرانی برخوردار بود. تجار ایرانی نه در حوزه صنایع وارد شده بودند و نه امکان مانور زیادی در حوزه‌های مالی داشتند. آنان صرفاً در بخشی تجاری آن‌هم با دشواری‌های بسیاری که با آن مواجه بودند، عمل می‌کردند، همین امر موجب می‌گردید که چندان قدرتمند وارد میدان نشوند. این که آنان تجربه سیاسی کمی داشتند و به همین دلیل به عنوان طبقه‌ای مدعی و خواستار قدرت عمل نکردند یا به دلیل اتصال به کانون قدرت، توان آن که به طور مستقل عمل کنند را نداشتند، به این موضوع باز می‌گردد که تجار ایران در درون ساختار سیاسی استبدادی برای ماندگاری و حفظ خود مجبور به اتصال به کانون قدرت سیاسی بودند، اما تا آن حدی از توان مالی برخوردار بودند که در موارد لزوم بتوانند از شأن اجتماعی خود در مقابل اجحاف و سلطه‌گری حکومت دفاع کنند. ضعیف بودن سرمایه‌داری تجاری ایران تنها این امکان را برای تجار ایرانی فراهم می‌ساخت که با همکاری دیگر گروه‌ها در امور سیاسی مشارکت کند ولی به دنبال به دست گرفتن رهبری آن نبودند و به همین دلیل فرصت‌های به دست آمده تاریخی را به راحتی از دست دادند.

بختیاری‌ها در زمانی که بحران و ناامنی بیشتر نقاط مملکت را فراگرفته بود، اصفهان را تصرف کردند، شهر رشت نیز با کشاکش کوتاهی به تصرف مشروطه‌خواهان درآمد، تبریز، رشت و اصفهان سه کانون فعالیت مشروطه‌خواهی شد، زمینداران و سران ایلات امکانات و نیروی نظامی خود را در خدمت نجات مشروطیت قرار دادند و مشارکت در قدرت سیاسی را به دست آورند ولی تاجر که هیچگاه به دنبال بهره‌گیری از روش‌های نظامی و انقلابی‌گری^(۴۴) برای دستیابی به اهداف خود نبودند، میدان را به سود عناصر سنتی خالی کردند. تاجر به دنبال مشروطه‌ای ملایم و آرام بودند که در آن ردپایی از هوچی‌گری انجمن‌ها در انقلابی کردن مردم نباشد. هنگام فتح تهران دو دولت روس و انگلیس نیز به این نتیجه رسیده بودند که ادامه سلطنت مطلقه در ایران غیرممکن است و احیای مجلسی متکی بر انجمن‌های انقلابی نیز کارآمدی خود را از دست داده است.^(۴۵) آنان نیز تداوم ناامنی و آشوب در ایران را برابر با نابودی منافع خود در کشور می‌انگاشتند و به این نتیجه رسیده

بودند که استقرار یک نظام سیاسی معقول بسیار کارساز خواهد بود. بسیاری از نیروهای معتدل از جمله تجار نیز بر همین عقیده بودند و آشفتگی و انقلابی‌گری انجمن‌هایی که نه فقط هیچ قدرتی را بالاتر از خود قبول نداشتند بلکه بر عکس اراده خود را به تمام ادارات و شاه و مجلس و وزراء و حکام محلی و غیره تحمیل می‌نمودند.^(۴۶) به اندازه نظام استبدادی غیر قابل تحمل و ناسودمند می‌دانستند بالاخره در ۲۴ جمادی‌الآخر ۱۳۱۳/۱۳ ژوئیه ۱۹۰۹ نیروهای ملی تهران را فتح کردند. شاه و تعدادی از نزدیکان وی به سفارت روسیه پناهنده شدند. در بین پناهندگان محمداسماعیل مغازه نیز وجود داشت. به این ترتیب جامعه و کشور وارد مرحله جدید شد، مشروطه‌خواهان به پیروزی رسیدند و مستبدان شکست را پذیرفتند. درگیری این دو جناح خاتمه یافت و ترکیب جدیدی از عناصر پیروزمند فاتح، قدرت سیاسی را به دست گرفتند.

ب) مجلس دوم و حضور کم رنگ تجار

مجلس دوم پس از پایان جنگ قدرت بین مشروطه‌خواهان و مستبدین و با خاتمه دوگانگی سیاسی در دوم ذی‌قعدة ۱۳۲۷/۱۵ نوامبر ۱۹۰۹ افتتاح شد و تا سوم محرم، ۱۳۳۰/۲۴ دسامبر ۱۹۱۱ ادامه یافت. با شکست مستبدین و به دست گرفتن قدرت توسط مشروطه‌خواهان، جنبش مشروطیت وارد مرحله جدید استقرار و استحکام نهادهای خود شد و بخشی از نیروی خود را که پیش از این برای مبارزه با مستبدین به کار می‌برد، از این پس در خدمت نهادهای جدید قوانین مشروطه و سامان جدید قرارداد، شرایط و وضعیت مجلس دوم نسبت به مجلس اول بسیار متفاوت بود. انتخابات مجلس دوم به صورت بنیادین با قانون انتخابات مجلس اول تفاوت داشت، در قانون جدید اساس طبقاتی بودن انتخابات لغو شد و تعداد نمایندگان به یکصد و بیست نفر کاهش یافت. در هر حوزه انتخاباتی سه برابر تعداد نماینده انتخاب و سپس تعداد نمایندگان مورد نظر از بین آنان انتخاب می‌شدند. در قانون جدید که به صورت دو مرحله‌ای بود تعداد نمایندگان تهران از ۶۰ نفر به ۱۵ نفر کاهش و تعداد نمایندگان آذربایجان از ۱۲ نفر به ۲۰ نفر افزایش یافت. اقلیت‌ها از جمله زرتشتی‌ها، کلیمی‌ها و ارامنه هر کدام یک نماینده داشتند و به ایلات بختیاری، قشقایی و ترکمن نیز یک نماینده اختصاص داده شده بود، در حالی که این گروه‌ها در انتخابات دوره اول نماینده مستقلی نداشتند. قانون جدید انتخابات ترکیب جدیدی از طبقات را در مجلس ایجاد کرد و دو مرحله‌ای بودن آن امکان انتخاب افراد متمول و برجسته، ملاکین بزرگ و افراد سرشناس را بیشتر کرد. نقش زمینداران و سران ایلات در احیای مجدد مشروطیت امکان حضور بیشتر این گروه‌ها را در تقسیم قدرت فراهم کرد. افزایش تعداد ملاکین از ۲۱ درصد نمایندگان مجلس اول به ۳۰ درصد در مجلس دوم و کاهش چشمگیر حضور تجار و اصناف از ۴۱ درصد نمایندگان مجلس اول به ۹ درصد در

مجلس دوم به خوبی نشان می‌دهد^(۴۷) که مجلس دوم به لحاظ ترکیب طبقاتی و کیفیت، بسیار متفاوت از مجلس اول می‌باشد. مجلس اول حال و هوای مردمی‌تر و پرجنب و جوش‌تری داشت در حالی که مجلس دوم از رجال و روحانیون و اعیان و ملاکین پر شده بود و فضای سنگین و بی‌تحرك آن به خوبی از مقایسه مذاکرات دو مجلس احساس می‌شود.

از نمایندگان تاجر پیشه مجلس دوم که تعداد آنان بسیار کمتر از مجلس اول بود، تعداد معدودی در مذاکرات مجلس به طور فعالانه شرکت داشتند. نکته قابل توجه آن است که هیچکدام از نمایندگان تجار در مجلس اول به جز یک نفر به نام محمد یزدی (وکیل‌التجار)، در مجلس دوم حضور نداشتند. بسیاری از سران تجار که در استقزار مجلس و مشروطه بسیار کوشیدند، از جمله امین‌الضرب، معین‌التجار، حاج اسماعیل مغازه و افراد برجسته دیگر مجلس اول نه تنها در مجلس دوم که در هیچ صحنه سیاسی دیگر حضور نداشتند.

معین‌التجار به دنبال امتیازگیری از دولت برای استخراج خاک هرامز بود که در مورد فعالیت‌های تجاری وی در آینده سخن خواهیم گفت، حاج اسماعیل مغازه با نزدیکی به جناح دربار امتیازهایی گرفت و با فتح تهران به سفارت روسیه پناهنده شد و رد پای وی در سال‌های بعد مشخص نیست. امین‌الضرب نیز که لطمه زیادی خورده بود از مسایل سیاسی فاصله گرفت و در این سال‌ها از فعالیت‌های وی آگاهی در دست نیست. عدم حضور تجار برجسته جنبش مشروطه، در این سال‌ها علاوه بر آنکه نشان‌دهنده جابجایی طبقات در ساختار قدرت بود، بیانگر سرخوردگی و نارضایتی تجار بزرگ از مداخله فعالانه ایشان در فعالیت‌های سیاسی جنبش بود. سیاسی شدن تجار از جو پرشور و انقلابی اوایل جنبش بسیار متأثر بود که دوام چندانی هم نداشت. ضعف و محافظه‌کاری، امکان حضور مداوم و گسترده آنان را در مبارزه بر سر قدرت سیاسی کاهش داد، اصالت فعالیت‌های مشروطه‌خواهی آنان را زیر سوال برد و بر بهره‌گیری ابزاری آنان از مفاهیم مدرن هر چه بیشتر صحنه گذارد.

مجلس دوم به طور مشخص در دست دو جریان حزبی بود. دموکرات‌ها که گروه اقلیت مجلس را تشکیل می‌دادند، اعضای خود را بیست و یک نفر اعلام کردند.^(۴۸) آنان مهمترین عناوین برنامه خود را ترقی با رعایت اصول تکامل، کوشش در جریان کلیه امور مملکتی از مرکز، رعایت احوال رنجبران مملکت و تسهیل طریق معیشت آنان، اهتمام در تزئید موجبات ثروت عمومی، جهد در تعمیم معارف و تعلیم اجباری، سعی در تنظیم و ازدیاد قوای نظامی موافق اصول جدید، حفظ مناسبات خارجه در روابط سیاسی، تجاری و اقتصادی بود که بیشتر مفاهیمی بسیار کلی و آرمانی به نظر می‌رسد، حزب اعتدالیون (اجتماعیون اعتدالیون) که تجار موجود در مجلس در این دسته حضور داشتند اسامی خود را اعلام نمودند و تعداد خود تا زمان اعلام را چهل و یک تن ذکر کردند، که البته فهرست تکمیل شده اسامی آن‌ها موجود نیست^(۴۹) از تجار مجلس دوم که در زمره اعتدالیون بودند

می‌توان به افراد ذیل اشاره کرد؛ میرزا محمد ادیب‌التجار اصفهانی فرزند میرزا عبدالکریم اصفهانی از تجار نماینده مجلس دوم از قزوین؛ میرزا محسن خان معتمدالتجار فرزند حاج شفیع امین‌التجار اصفهانی، تاجر - مالک و کارمند دولت و نماینده آذربایجان؛ محمد یزدی (وکیل‌التجار) دارای تحصیلات قدیم در حدود سطح و نماینده دوره اول و دوم مجلس که قبل از پایان دوره دوم در عمارت بهارستان وفات کرد،^(۵۰) وی طی نطقی در مجلس به «مسلك اعتدالی» خود اشاره نمود و ابراز کرد:

«بنده اساس مسلك را همیشه عملی می‌دانم نه اسمی... معنی این یک عبارت و عنوانی است که بنده هیچ وقت نمی‌توانم از آن صرف‌نظر کنم... و امیدوارم هم هستم که از این مسلك خارج نشوم... یعنی آن چیزی که از معنی اعتدال مفهوم می‌شود بنده باشم»^(۵۱)

وی در پایان توضیح می‌دهد که به دلیل بیماری و گرفتاری‌های دیگر نمی‌توانسته نظامات داخلی حزب را اجرا نماید به همین دلیل اسم وی در زمره اعتدالیون ذکر نشده است؛ حاج محمد اسماعیل کاشف (کاشانی) دارای تحصیلات قدیم حدود سطح، تاجر پیشه و نماینده مجلس دوم از تربت حیدریه؛ میرزا عبدالله معین‌الرعا یا فرزند حاج محمدصادق مشیرالتجار تبریزی دارای تحصیلات متعارف، مالک - تاجر و نماینده مجلس از آذربایجان؛ ارباب کیخسرو شاهرخ تاجر دارای تحصیلات متوسطه و نماینده زرتشتیان در چندین دوره مجلس، وی در تعیین دسته‌بندی‌های مجلس خود را منفرد نامید و اعلام کرد مواد مسلكی وی شامل دو اصل حفاظت از زبان ملی و اجتناب از کلمات خارجی و دیگری تقاضای تربیت صحیح پادشاه جوان یعنی سلطان احمدشاه، می‌باشد.^(۵۲)

تجار مجلس دوم هر چند در صد چشمگیری از نمایندگان مجلس دوم را شامل نمی‌شدند ولی در مذاکرات مربوط به تصویب لوایح گوناگون حضور داشتند که در خصوص شرح مذاکرات و حساسیت‌های آن‌ها در مجلس سخن خواهیم گفت، اما پیش از پرداختن به جزییات گفتگوهای نمایندگان در مجلس دوم به چند نکته کلی باید اشاره نمود. بر مجلس دوم یک ضعف عمومی حاکم بود که آن را از برنامه‌ریزی اساسی و اصولی باز می‌داشت. این ضعف هم به ترکیب طبقاتی مجلس بازمی‌گشت، هم به جو عمومی جامعه و شرایط جدید سیاسی که با وضعیت مجلس اول بسیار متفاوت بود، جامعه شور و هیجان نخستین جنبش را از دست داده بود و میزان سیاسی شدن افراد کاهش یافته بود. شرایط جدید نوعی سرخوردگی، سستی و بی‌انگیزگی را گسترش داد که به طور کامل نیز در مجلس دوم بازتاب یافت. نمایندگان مجلس دوم و از جمله تجاری که در مجلس حضور داشتند وقت خود را به بحث‌های طولانی و خسته‌کننده در خصوص مواد قانونی می‌گذراندند. مذاکرات مجلس دوم مملو از لفاظی‌های ملال‌آور و بحث‌های طولانی بر سر مسایل جزئی و تذکرهای لغوی و عبارتی و قانونی بود، تا جایی که یکبار وکیل‌التجار به این نکته اشاره کرد: «بنده گمان می‌کنم نباید ما اینقدر مذاکره کنیم در یک عبارتی که از روی سهو نوشته شده است.»^(۵۳) به

نظر می‌رسد دغدغه نمایندگان مجلس دوم نسبت به نمایندگان مجلس اول بسیار متفاوت بوده است، هر چند تجار نماینده مجلس دوم اهداف اصلی تجار از جمله راه، امنیت، بهبود و ترقی تجارت، گسترش صنایع و کمک‌های دولتی برای گسترش آن و استقرار قانون در معاملات تجاری را از یاد نبرده بودند، ولی از قدرت و انسجام کافی برخوردار نبودند و بیشتر بر سر جزییات مواد قانونی به بحث‌های طولانی می‌پرداختند، طرح‌های کلیدی، نظام‌مند و هدف‌داری برای اجرای خواست‌های خود مطرح ننمودند و ظاهراً دغدغه آن را هم نداشتند. ضعف سیاسی تجار و خروج آنان از میدان مبارزه برای کسب قدرت سیاسی، آنان را به مسایل حاشیه‌ای سوق داد، به طوری که ارباب کیخسرو از تجار برجسته مجلس دوم را به جایی رساند که وظیفه اصلی خود در مجلس را بیشتر این می‌دانست که به نمایندگان بی‌توجه، تذکرهای واژه‌ای دهد که به جای کلمه‌های فرنگی از کلمات فارسی استفاده نمایند و همه سعی خود را بر واژه‌یابی صحیح فارسی به کار گیرند. به طور مثال وی واژه سواد برداشتن را به جای لفظ کپی به افتخار الواعظین پیشنهاد می‌کند و در سرتاسر دوران مجلس دوم این وظیفه خود را فراموش نکرد.^(۵۴)

از وظایف دیگر تجار در مجلس دوم، حساسیت آنان در قبال اعمال هم‌صنفان خود بود. از وزیر امور خارجه در خصوص بدهی‌های حاج اسماعیل مغازه به دولت و اقداماتی که در این خصوص شده است پرس و جو می‌شود. وی عمل ضرابخانه را به یک ترتیبی با دولت ختم کرد و در ازای سی هزار تومان بدهی خود به دولت، تعدادی تفنگ و فشنگ به آن واگذار کرد. در مجلس در خصوص حمل اسلحه‌ها از آلمان به ایران از وزیر سوال می‌شود.^(۵۵) ادیب‌التجار در خصوص پرداخت ۲۴ هزار لیره از وزارت مالیه در وجه معین‌التجار بوشهری از معاون وزارت مالیه پرسش می‌کند که این پرداخت از چه بابت بوده است. وی نیز در خصوص اجاره استخراج خاک هرمرز توسط معین‌التجار و بدهی‌های دولت به وی توضیحاتی می‌دهد.^(۵۶) ادیب‌التجار در جای دیگر در بین پرسش‌های خود از سمت وکیل‌الرعا یا در وزارت مالیه پرس و جو می‌کند و این که ایشان در آن وزارتخانه اطاق مخصوص داشته و حضور وکیل‌الرعا یا در وزارت مالیه از چه بابت بوده است که معاون وزارت مالیه منکر صاحب سمت بودن وی در وزارت مالیه می‌شود و در این باره توضیحات لازم می‌دهد.^(۵۷) چند تن از تجار مجلس به عدم حضور وکیل‌الرعا یا در مجلس نیز اعتراض می‌کنند.^(۵۸)

موارد ذکر شده که حاکی از حساسیت افراد این طبقه نسبت به هم‌صنفان خود می‌باشد از نوعی عدم انسجام درونی این طبقه و حسادت‌ها و حقارت‌هایی خبر می‌دهد که بیانگر تغییر شرایط اجتماعی آن دوران می‌باشد. این که تعدادی از تجار بزرگ در این سال‌ها سر در لاک خود فرو کرده و به دنبال کسب منافع تجاری و صنفی خود رفته‌اند و دست از آرمان‌خواهی‌های سیاسی برداشته‌اند و به حقارت حساسیت‌های منفردی در افتاده‌اند، بیانگر ضعف درونی

این طبقه بود که آن را به واگذاری قدرت به طبقات سنتی وادار کرد.

ج) مجلس دوم و شرایط نابهنجار سیاسی - اجتماعی

مجلس دوم با مشکلات بسیاری مواجه بود. اوضاع کشور طی سال‌های ۱۳۲۸-۱۳۲۹/ ۱۹۱۱-۱۹۱۰ بسیار وخیم بود و دولت و مجلس از کارآمدی لازم برای مقابله با این شرایط برخوردار نبودند. دولت اول و دوم سپهدار از ذی‌قعه ۱۳۲۷ تا رجب ۱۳۲۸ برنامه خود را برقراری امنیت، سازمان دهی نیروهای مسلح، استقراض به جهت تأمین مالی دولت و اصلاح امور مالی اعلام کرد. دولت مستوفی‌الممالک نیز که از رجب ۱۳۲۸ تا ربیع‌الاول ۱۳۲۹ بر سرکار آمد اهتمام خود را بر اصلاح قوای نظامی و اصلاح امور مالی، عدلیه و تعلیم و تربیت قرار داد.^(۵۹) دولت سوم سپهدار از ربیع‌الاول ۱۳۲۹ تا رجب ۱۳۲۹ اداره امور کشور را به دست گرفت. این دولت برای اولین بار پس از فتح تهران در دولت خود منصب وزارت تجارت و پست و تلگراف را قرار داد، در حالی که دولت‌های قبلی وزیر تجارت معرفی نکرده بودند. سپهدار در برنامه دولت خود توجه به امر تجارت، گذراندن قانون شرکت‌ها و قانون اطاق‌های تجارته را نیز قرار داد، در حالی که دولت وی همانند دولت‌های پیشین به برقراری امنیت و تشکیل اردوهای بسیار در نقاط مختلف کشور توجه بسیار نشان می‌داد. توجه به اصلاح بودجه و مالی و استخدام مستشاران خارجی، اصلاح عدلیه، امور تعلیم و تربیت و مدارس ابتدایی و متوسطه و اصلاح قانون بلدیّه از جمله اهداف دولت او بود.^(۶۰) دولت صمصام‌السلطنه که از رجب ۱۳۲۹ تا محرم ۱۳۳۱ بر سر کار بود مصادف با اولتیماتوم روسیه از مجلس رأی اعتماد گرفت و آخرین دولتی بود که با نظر مجلس روی کار آمد. این دولت اختیارات ویژه‌ای برای استقرار امنیت درخواست کرد. از برنامه وی تجدید نظر در قوانین انجمن‌های ایالتی و ولایتی، ایجاد قوای منظم برای برقراری امنیت، موقوف کردن بعضی ادارات غیر ضروری، اصلاح امور عدلیه و صدور مجوز مجازات به دولت تا تصویب قانون مجازات بود.^(۶۱) از برنامه‌های تمامی این دولت‌ها مشخص می‌شود که امنیت، استقرار قانون، امور عدلیه، ایجاد قوای نظامی و تنظیم مالیّه کشور در رأس برنامه‌های دولت‌های این زمان قرار گرفته بود و نمایندگان نیز در همین چارچوب و بسیار ضعیف حرکت می‌کردند. بیشتر افرادی که در این دولت‌ها بودند و در قدرت سیاسی مشارکت داشتند افراد صاحب رای و اندیشه نبودند. بسیاری از آن‌ها همان عناصر سنتی قدیم بودند که نه درک صحیحی از نظام جدید و مشروطیت و مفاهیم مدرن داشتند و نه با شرایط این زمان همخوانی داشتند. بسیاری از آنان در دوران استبداد دارای مشاغل و مناصب دولتی بودند. مشروطیت مجلس دوم به طور ماهوی با دوره قبل از استبداد صغیر تفاوت داشت. دولتهایی که از مجلس دوم رأی اعتماد گرفتند و دولت‌های پس از اولتیماتوم و در دوران بسته شدن مجلس، جز آن که به دنبال جریان‌های سیاسی - اجتماعی به راه افتند و به

این سو و آن سو کشیده شوند و بر این بحران‌ها بیفزایند، کاری از پیش نبردند. حضور روسای بختیاری و سردار اسعد و صمصام‌السلطنه، در کابینه‌ها و حضور افرادی چون عین‌الدوله در بین افراد دولت که عامل برانگیختن خشم مشروطه‌خواهان در آغاز جنبش بود، تمامی حاکی از انحطاط دولت و مشروطیت بود. چنین دولت‌هایی قادر به انجام اصلاحات و دادن طرح‌های زیر بنایی برای سامان دادن به وضعیت نابهنجار آن دوران نبود. نه چنین دولتی و نه چنان مجلسی با حضور عناصر سستی از عهده امور آن زمان بر نمی‌آمدند و وضعیت کشور چیزی شبیه به سال‌های قبل از مشروطیت شده بود.

دوران مجلس دوم بدترین سال‌های پس از استبداد صغیر به لحاظ ناامنی و آشفتگی اجتماعی بود و قدرت‌های خارجی، به خصوص روسیه در دامن زدن به آن بسیار مؤثر بودند. جناح مستبدین و به خصوص شاه و برادرانش امید داشتند دوباره در مسند قدرت قرار گیرند. عناصر مستبد نیز با به هم ریختن اوضاع، امکان جولان یافتند. در فارس خاندان قوام‌الملک برای کسب وجهه و قدرت مجدد، اشرار فرصت‌طلب طماع را به خدمت گرفت و به اشرار و الواط نوشت هر کاری می‌خواهید بکنید «تا سبب قوت ما و اضمحلال ایالت شود». روزنامه جنوب طی گزارشی می‌نویسد: «ایران به حال اول رجوع نمود... اگر حالات بعضی از اهل دهات را ملاحظه نمایید به جای اشک خون خواهید بارید.»^(۶۲) علمای فارس طی تلگرافی به تهران بر ضرورت امنیت جنوب تأکید کردند.^(۶۳) علما، اعیان و ملاکین بروجرد نیز به همین عنوان تلگراف‌هایی به تهران مخابره کردند.^(۶۴) ایلات که با سهم شدن در قدرت سیاسی جان دوباره گرفته بودند، در دسته‌بندی‌های سیاسی وارد شدند و یا در خدمت مطامع افراد ذی‌نفوذ محلی قرار گرفتند. اهالی شهر بابک و انارک طی تلگرافی به مجلس از دسیسه‌چینی مشیرالملک و مهدی عطار و همکاری اشرار میمندی در قتل و غارت منطقه ابراز عجز و ناتوانی نمودند.^(۶۵) در دیگر مناطق نیز وضعیت به همین منوال بود. گروهی از ارادل و اشرار منطقه زنجان فرصت را غنیمت شمرده «به اسم مشروطه‌طلبی طلوع کرده به قسمی آسایش عمومی را مختل کرده‌اند که اهالی و تجار روزی هزار مرتبه رحمت به سوابق می‌فرستند.»^(۶۶) هیچ نهاد و مرجعی برای رسیدگی به امور مردم نبود. اهالی ورامین از نظمی آن‌جا شکایت کردند که «احدی نیست از سارقین و مفسدین جلوگیری کند.»^(۶۷) دوباره همان ابزارهای سستی ابراز مخالفت به کار گرفته شد و گروهی در اعتراض به ناامنی راه‌ها، عدم رسیدگی به تظلمات آن‌ها و تعدی حکام و مأمورین مالیه و برای «امنیت مالی، جانی و ناموس» خود در حضرت عبدالعظیم متحصن شدند.^(۶۸) این بحران‌های اجتماعی خلق و خو و اخلاقیات افراد جامعه را تغییر داد. نابهنجاری‌های اخلاقی جامعه در روزنامه‌ها نیز بازتاب یافت: «همگی تابع هوی و هوس و پیرو اغراض شخصی و خیالات نفسانی می‌باشند. علما طرفدار سلطه روحانی و تجار به فکر جمع‌آوری وجوه نقدینه می‌باشند.»^(۶۹) در واقع هر کس سر خود گرفته که به سامانی برساند.

برخی از ایلات با یکدیگر پیمان اتحاد بستند تا با قدرت بیشتری ظاهر شوند.^(۷۰) آنان گاه با یکدیگر درگیر می‌شدند و خسارات فراوانی به وجود می‌آوردند. درگیری ایلات عرب و بهارلو با قشقایی‌ها در شیراز منجر به غارت خانه‌ها و اموال، قطع سیم تلگراف، اشکال در پست دولتی و تعطیلی و غارت انجمن ایالتی فارس شد.^(۷۱) راه‌ها در بیشتر نقاط کشور در اختیار ایلات بود. راه کاروان رو اصفهان - بندر ناصری در اختیار خوانین بختیاری قرار داشت که از کاروان‌هایی که در این مسیر رفت و آمد داشتند. حق عبور می‌گرفتند.^(۷۲) از آن جایی که دولت قادر به حفظ امنیت راه‌های کشور نبود ایلات با گرفتن باج، آذوقه و حق عبور با تجار دست به معامله می‌زدند. قراردادی بین سران طوایف کشکولی و تجار فارس برای حمایت از مال‌التجاره آن‌ها منعقد شد و تجار قول دادند در ازای همراهی عشایر با مکاری‌ها برای سالم رسیدن مال‌التجاره به مقصد به سران طوایف ماهیانه مبلغ هزار تومان بپردازند.^(۷۳) «سارقین بهارلو» نیز با تجار عباسی وارد مذاکره شدند و اعلام کردند برای گذراندن معاش خود به این منطقه آمده‌اند و به سود تجار خواهد بود که علی‌الحساب دو هزار فشنگ پنج تیر آلمانی، بیست من چای و هزار من قند و از بابت هر شتر پنج تومان و هر الاغ دو تومان به آنان بپردازند و گفتند انجام این امر به طور قطع برای آسودگی تجار بهتر خواهد بود.^(۷۴) عشایر تحت امر صوله‌الدوله نیز مذاکراتی با تجار انجام دادند و مسیر حفاظت شده راه بوشهر به شیراز را برای آنان تعیین نمودند.^(۷۵)

تجار در این مرحله زمانی نقش خود در قدرت سیاسی و به خصوص مجلس را از دست داده بودند و به سران ایلات و زمین‌داران واگذار نموده بودند؛ جامعه با بحران اخلاقی مواجه بود، هر کس در پی منافع شخصی خود بود، تجار در چنین موقعیتی برای حفظ تجارت و کسب و کار خود همچون پیش از مشروطیت در موضع مخالف، «اپوزیسیون» قرار گرفتند و معترض شدند. تجار بوشهر در تلگراف‌خانه تجمع کردند و با سپهدار رئیس‌الوزراء و سردار اسعد وزیر داخله که در تلگراف‌خانه حضور یافته بودند به سوال و جواب پرداختند. آنان خواهان حفظ حقوق عموم تجار مملکت شدند و از ناامنی راه‌ها و غارت اموال آنان در مسیر بوشهر تا اصفهان شکایت داشتند و از دولت خواستند در صورتی که قادر به حفظ امنیت مسیر کاروان‌های تجاری نیست، آنان خود از ایلات کمک بخواهند و یا تجارت را تعطیل کنند.^(۷۶)

تجار گلپایگان به انجمن ولایتی اصفهان شکایت کردند که اموالشان توسط عشایر غارت شده و به هر کجا تظلم کرده‌اند سودی نبخشیده.^(۷۷) تجار خراسان نیز حجره‌های خود را بسته در تلگراف‌خانه متحصن شده‌اند که تا شر سارقین کوتاه نشود نمی‌توان مال‌التجاره‌ای حمل کرد.^(۷۸) نمایندگان تجار و اصناف قزوین نیز در تلگراف‌خانه متحصن شده طی طوماری از وزارت داخله خواهان استقرار امنیت و کوتاه کردن دست اشرار شدند.^(۷۹) تمامی صفحه‌های روزنامه‌ها مملو از ناآرامی و غارت روستاها و مال‌التجاره‌های تجار بود. علما،

تجار و اصناف بوشهر به توسط انجمن‌های ایالتی به تهران و فارس و دیگر نقاط کشور تلگراف‌هایی مخابره کردند و نگرانی خود را از ناامنی و خطر حضور انگلیسی‌ها در جنوب اعلام نمودند.^(۸۰)

هیأت تجار خوانسار طی عریضه‌ای به مجلس شورای ملی به لزوم تأمین امنیت و مقابله با اشرار تأکید می‌کنند، لکن می‌گویند پرداخت حقوق نیروهای دولتی به قرار ماهی ۶۰۰ تومان از عهده آنان خارج است. آنان پیشنهاد می‌کنند که در عوض فردی لایق و شایسته مسئول اداره امور این منطقه شود.^(۸۱) وضعیت نابسامان مالی دولت موجب تحمیل مخارج و مالیات‌های بیشتری به مردم شد. ناامنی راه‌ها، شرارت‌های اشرار نیز بر فشارهای مالیاتی افزود و نارضایتی گسترده‌ای فراهم ساخت. اعتراض‌های مالیاتی انواع گوناگون داشت. تجار «انتیک فروش» از مالیاتی که به نام مالیات حفریات به کالاهای آن‌ها بسته شده بود ولی شامل حال خارجی‌ها نمی‌شد. طی نامه‌ای به مجلس شورای ملی شکایت کردند، تجار پرداخت هر مالیاتی را منوط به تصویب قانون آن در مجلس دانسته و بر لزوم همگانی بودن آن به خصوص برای اتباع خارجی تأکید کردند.^(۸۲) اخذ مالیات‌ها به دلیل ضعف دولت مرکزی از نظم و سامان درستی برخوردار نبود. اخذ مالیات فارس به حدی مغشوش بود که نه دولت و نه مأموران مالیه به درستی از مقدار آن مطلع نبودند.^(۸۳) آشفته‌گی مالیه و فشارهای مالیاتی به میزان قاچاق کالا افزود. تجار بنادر بین ۱۰ تا ۱۵ درصد قیمت را می‌پرداختند تا اجناس آن‌ها در کناره‌های دریا پیاده شود و بدین طریق از حقوق گمرکی معاف گردند.^(۸۴) وضعیت نابهنجار گمرک به شیوه‌ای بود که گاه افراد با نفوذ با استفاده از نیروهای مسلح تحت فرمان خود بدون پرداخت مالیات مبادرت به ترخیص کالا از گمرک می‌کردند.^(۸۵) آنان به دلیل بی‌قانونی از نفوذ خود بهره می‌جستند و به غارت اموال تجار می‌پرداختند.^(۸۶) تجار در پی شخصیت‌های قدرتمندی می‌گشتند که قادر به استقرار امنیت باشند. تجار کرمان در حمایت از موقرالذوله که در مقابله با هرج و مرج و سارقین فعال بود به مجلس شورای ملی نامه نوشتند.^(۸۷) تجار جنوب از بی‌سامانی گمرک و عملکرد نادرست ریاست گمرک محمره مسیو نرومن بلژیکی به مجلس شکایت کردند و خواهان برکناری وی شدند.^(۸۸) عدم قدرت دولت مرکزی و خارج شدن تجار از صحنه قدرت سیاسی و بحران اجتماعی کشور موجب شد که همچون دوره پیش از مشروطیت برخی از تجار متوسط جنوب به گرفتن پاسپورت انگلیسی ترغیب شوند. هیچ مرجعی از آنان در مقابل خطرهایی که تهدیدشان می‌نمود حمایت نمی‌کرد.^(۸۹) در هر منطقه‌ای هر کس عده‌ای را دور خود جمع می‌کرد و باج‌خواهی می‌نمود و آسیب‌پذیرترین اقشار در چنین شرایطی تجار بودند.^(۹۰)

اصناف نیز به تبعیت از تجار به شرایط موجود معترض شدند. اصناف یزد طی تلگرافی به تهران که از طریق انجمن ولایتی یزد به مجلس مخابره شد، از عدم امنیت و نبودن «نظمیه، امنیه و عدلیه» شکایت کردند و ابراز نمودند فشارها و بی‌قانونی‌ها همچون دوران استبداد

شده و حکومت نباید اعمال رژیم سابق را سرمشق خود قرار دهد.^(۹۱) علاوه بر راه و امنیت، مالیات‌ها نیز عامل دیگر اعتراض بود. تجار و اصناف از گوشه و کنار کشور به گرفتن مالیات حق عبور اعتراض کردند. اهالی مراغه به خصوص اهالی بازار طی تلگرافی به وزارت داخله به این مالیات معترض شدند. بازارها را بسته و در مسجد جامع تجمع نمودند.^(۹۲) تعدادی از تجار نیز در اعتراض به مالیات حق عبور به وزارت داخله نامه نوشتند.^(۹۳)

در اواخر دوره مجلس دوم، بازگشت نیروهای ارتجاعی و حضور نظامیان روسیه در کشور به بحران سیاسی - اجتماعی جامعه افزود. سیاست مشترک روس و انگلیس در حمایت غیر علنی از محمدعلی‌شاه و حمایت از شورش‌های آشوب‌های محلی برای تشدید بحران، بهانه‌ای برای حضور نظامی آنان بود. در این دوره تحریک‌هایی از سوی طرفداران محمدعلی‌شاه صورت گرفت. افرادی از هواداران وی روزها در بازار به تبلیغات می‌پرداختند که شاه به زودی خواهد آمد و مشروطه‌خواهان را به سزای اعمالشان خواهد رساند.^(۹۴) اوضاع نابسامان سیاسی بر فعالیت‌های اقتصادی بازار و تجار تأثیر داشت. دولت در صدد مقابله با نیروهای محمدعلی‌شاه و برادرانش برآمد و نیروهای دولتی با کمک ایلات در سه جبهه با آنان به مبارزه پرداختند. هیأت تجار تهران پس از پیروزی نیروهای دولتی از تلاش‌های دولت و سرداران نظامی و خوانین و افراد بختیاری به خاطر شکست نیروهای ارتجاع سیاسی‌گزارى کرد. اخبار درگیری‌های نظامی توسط اتاق تجارت تهران برای عموم تجار منتشر شد تا موجب خشنودی و اطمینان خاطر آنان گردد. در این گزارش به «تعدیات جابرانه» سالارالدوله در گرفتن جرایم فوق‌العاده از تجار و کسبه که به تعطیلی عمومی بازار کرمانشاه منجر گردید، اشاره شده^(۹۵) و بیانگر آن است که بی‌ثباتی سیاسی تا چه میزان بر وضعیت تجار تأثیر گذارده و حتی به تعطیلی کار و کسب آنان انجامیده است. این امر علت موضع‌گیری تجار را نیز روشن می‌نماید.

اهالی تبریز و شهرهای دیگر کشور و به خصوص تجار در مقابل عملکرد تجاوزگرانه روسیه دست به اعتراض زدند. بسیاری از تجار تبریز طی تلگرافی از استقرار قشون روسیه در آذربایجان شکایت کردند و استقرار امنیت و آسایش را لازمه کسب و تجارت خود دانستند که این امر با حضور قشون روسیه که به هرج و مرج امور افزوده بود ممکن نبود.^(۹۶) متن شکایت‌نامه تجار توسط حاج ربیع صدقیانی به بیشتر سفارتخانه‌های خارجی و نهادهای داخلی از جمله مجلس شورای ملی ارسال شد.^(۹۷) تجارتخانه تومانیان نیز از ناامنی آذربایجان و هجوم اشرار به وزارت داخله شکایت کرد. در نامه‌هایی که در این خصوص ارسال شده، بر لزوم تهیه اسلحه و نیروهای مسلح برای کسب اقتدار دولت تأکید گردیده است.^(۹۸) تجار مناطق اصفهان، خراسان و جنوب نیز در اعتراض به توقف نیروهای روسیه در مناطق شمالی و خطر حضور دولت انگلیس در مناطق جنوبی به اعتراض برخاستند و در واکنش به این عمل با همکاری علما حکم تحریم کالاهای روسیه داده شد، تلگراف اتحادیه

تجار اصفهان به همراهی اتحادیه علما و انجمن ولایتی اصفهان در حرمت استفاده از کالاهای روسیه صادر شد.^(۹۹) آقاجانی در اصفهان،^(۱۰۰) حاجی سیداحمد و جمعی دیگر از علمای عراق،^(۱۰۱) آیت الله صدر اصفهانی و هیات علمیه نجف از پیشنهاد منع کالاهای روسیه توسط تجار حمایت کردند. آیت الله صدر طی تلگرافی به حاج علی اصغر بلور فروش در مشهد از تحریم کالاهای روسیه توسط تجار اعلام رضایت و خشنودی کرد و هیات علمیه نجف نیز در تلگرافی به مشهد به تجار و تمامی طبقات ملت از بابت ترک استعمال امتعه روس تبریک گفت.^(۱۰۲)

د) مصوبه‌های مجلس دوم و عملکرد تجار

با توجه به حضور کم‌رنگ تجار در مجلس دوم و شرایط نامناسبی که مجلس با آن مواجه بود، مذاکرات مجلس دوم را ورق می‌زنیم تا به حساسیت‌ها، واکنش‌ها و مواضع تجاری که در مجلس حضور داشتند، دست یابیم. هر چند در این مجلس از شور و هیجان مجلس اول خبری نبود و طرح‌های اصلاحی موثری از سوی دولتمردان و نمایندگان مجلس مطرح نگردید، با این حال در برخورد با همان مصوباتی که بیشتر بر اساس ضرورت‌های سیاسی - اجتماعی طرح می‌شد، موضع‌گیری تجار قابل توجه است و نشان می‌دهد به رغم کاهش کارآیی و قدرت سیاسی، آنان همچنان محورهای اساسی توسعه را مد نظر داشتند. با نگاهی گذرا به مصوبه‌های مجلس دوم در می‌یابیم^(۱۰۳) که مسایل مالی محور اصلی توجه مجلس بوده است و با توجه به بحران پولی در کشور امری بدیع به نظر می‌رسد. رسیدگی به امنیت و سامان نیروهای نظامی از مسایل دیگر مورد توجه مجلس بود. تجار در عین مشارکت در لوایح قانونی بر نکات کلیدی مورد توجه خود از جمله امنیت، خلع سلاح مجاهدین، راه‌سازی، توسعه صنایع و دیگر مواردی که به ذکر آن خواهیم پرداخت، تأکید داشتند.

آنچه بیش از پیش در مصوبه‌های مجلس دوم به چشم می‌خورد، استخدام گروه‌های زیادی از مستشاران اروپایی و آمریکایی در زمینه اصلاح مالی و گمرک بود. جو ضداستعماری و مخالفت با نفوذ سیاسی - اقتصادی بیگانگان که در مجلس اول به وضوح به چشم می‌خورد در این دوره کاهش یافته است. این مسأله می‌توانست هم مربوط به تغییر بافت طبقاتی مجلس دوم و هم به دلیل آشفتگی اوضاع اجتماعی، فشار مشکلات و وضعیت وخیم مالی دولت باشد. کما این که بیشتر مصوبه‌های این دوره در امور مالی، مالیاتی و حقوق گمرکی برخی کالاها بود. در مجلس دوم، قانون استقراض دو کزور و نیم لیره از بانک شاهنشاهی به تصویب رسید، در حالی که در وقایع دوره اول مجلس، تجار بزرگ با استقراض خارجی به مخالفت پرداختند. در این دوره مجلس به طور رسمی با گرفتن وام موافقت کرد، متناهی تفاوت آن با وام‌های گذشته در این بود که مصارف آن تحت نظر

مجلس قرار داشت و به مخارج شاه و درباریان اختصاص نداشت. ضمانت آن مانند گذشته عواید گمرک جنوب بود و به مصرف حقوق عقب افتاده قشون، خرید اسلحه و حقوق عقب افتاده مأمورین دولت، کارکنان پلیس و انتظامات و قسمتی به اداره پلیس فارس اختصاص یافت.^(۱۰۴) مصارف این وام چند مورد را مشخص می‌کند. بیشتر این مبلغ برای مصرف در امور نظامی، امنیتی و حقوق کارمندان در نظر گرفته شد که حاکی از نگرانی دولت از اوضاع آشفته کشور و حمله‌های متعدد نیروهای مخالف بود که مخارج قشون و پلیس را در اولویت قرار می‌داد. اختصاص بخشی از این وام به اداره پلیس فارس به منظور تأمین امنیت راه‌های جنوب کشور بود که موجب اعتراض انگلستان گردیده، و منافع تجاری این کشور را به خطر انداخته بود.

در این دوره از قوانین و لوایح تجاری کمتر اثری به چشم می‌خورد. تنها به قانون قبول و نکول بروات تجارتی برمی‌خوریم که هدف آن ایجاد نظم در به کارگیری برات‌های تجاری بود که بیشتر جنبه مالی داشت. از دیگر قوانین مصوبه این دوره می‌توان از مالیات تریاک، قرارداد گمرکی پوست بره و قانون مالیاتی روده و نمک نام برد که نوع کالاهای مزبور از اقلام مهم تجارتی محسوب نمی‌شدند. بیشتر این قوانین به منظور افزایش عواید دولت وضع شده بود. علاوه بر آن قرار دادن امکانات برای ایجاد کارخانه‌های چرم‌سازی و صابون‌سازی با سرمایه‌های داخلی و قانون شرکت‌های تجارتی نیز در مجلس مورد شور و بررسی نمایندگان قرار گرفت.^(۱۰۵)

وکیل‌التجار از نمایندگان مجلس اول و دوم بود و در خصوص بسیاری از لایحه‌های مطرح شده در مجلس ابراز نظر کرد. وی با افزایش مالیات بر نمک موافق بود و معتقد بود افزایش آن ضرری به تجار نمی‌زند و عواید مملکت را هم زیاد می‌کند.^(۱۰۶) اما در مواردی که افزایش مالیات با منافع تجار سازگار نبود با آن توافقی نداشت. وی با طرح تعدیل مالیاتی اعلام موافقت کرد. وکیل‌التجار از تعدیل مالیاتی به این شکل دفاع کرد که نظام مالیات‌دهی سامان درستی ندارد. تعداد اندکی خیلی کم مالیات می‌پردازند و عده کمی نیز تعدی‌های فوق‌العاده‌ای را تحمل می‌کنند. وی طرفدار «تعدیل مالیات علمی» بود و معتقد بود در اصلاح این امر نباید «معطل» شد. وی در خصوص مالیات بر اراضی معتقد بود در صورت عدم پرداخت مالیات زمین نباید ملک توقیف شود بلکه باید به فروش برسد تا مالیات هر چه زودتر وصول گردد. وی مرزبندی خود با نظام زمینداری را با چنین عقیده رادیکالی مطرح کرد.^(۱۰۷) وی نه تنها بر لزوم نظم مالیاتی که بر توجه به «رعایای فقیر بیچاره» نیز تأکید داشت.^(۱۰۸) وی در خصوص استخدام مستشاران مالیاتی برای اصلاح امور مالیاتی ابراز خوشحالی کرد.^(۱۰۹)

از مسایلی که تجار به صورت مشترک از آن حمایت می‌کردند، خلع سلاح مجاهدین و تصویب قانون «ترک اسلحه» بود. تجار رواج اسلحه در بین مردم و به خشونت کشیدن سطح

جامعه را خطر بزرگی در استقرار ثبات و امنیت اجتماعی می‌دانستند. آنان استقرار نیروهای نظمیه در شهرها و قرار گرفتن مجاهدین در یک نظم قانونی و مشخص را از مسایل ضروری جامعه می‌دانستند.^(۱۱۰) ارباب کینخسرو در پیگیری موضوع خلع سلاح مجاهدین، وزیر جنگ و داخله را در مجلس مورد سؤال قرار داد.^(۱۱۱) وکیل‌التجار در خصوص رونق تجارت، رشد صنایع، گسترش راه‌ها و لزوم تخصیص بودجه به ترویج معارف در مجلس سخنانی بیان کرد.^(۱۱۲) وی از ممنوعیت ورود جوهر به داخل کشور به منظور رونق صادرات فرش دفاع کرد. تجار داخل مجلس در حمایت از شکایت تجار فرش در خراسان و آذربایجان که خواهان جلوگیری از ورود رنگ جوهری به کشور بودند، از این طرح دفاع کردند.^(۱۱۳) وکیل‌التجار از معافیت گمرکی برای ورود ماشین‌آلات کارخانه‌ها دفاع کرد. وی صدور مجوزهای فردی برای تجار را جایز ندانست بلکه تصویب کلی آن را مدنظر داشت. وی این امر را «اسباب ترقی و ثروت» مملکت می‌دانست و طی سخنرانی در مجلس گفت: «امروز هر قدر همراهی کنیم برای تشکیل کارخانجات و بیرون آوردن معادن و هر قدر مساعدت کنیم باز کم است. البته خیلی باید همراهی کرد با صاحب امتیاز».^(۱۱۴) وی معدن را از کارخانه متمایز می‌داند و پرداخت درصدی سالیانه از درآمد معادن به دولت را لازم می‌داند.^(۱۱۵) وکیل‌التجار در پی خواست اساسی تجار در ایجاد دولتی مقتدر و کارآمد با نظر تقی‌زاده در مجلس اعلام توافق می‌کند و اجاره عایدات دولتی را نشانه‌ای از ضعف دولت می‌داند.^(۱۱۶) وی با تصویب تجدید کترات مسیوفرنارد به عنوان رئیس گمرکات موافقت داشت ولی پیشنهاد کرد که از اشخاص بومی از جمله تجار نیز می‌توان برای ریاست گمرک بهره جست. وی در جایی دیگر ابراز می‌کند که ما در شرایط کنونی مجبور به استخدام مستشاران خارجی هستیم.^(۱۱۷) در هر حال مشخص است که گروه تجاری که در مجلس حضور داشتند با همه کاستی‌ها و بی‌تحرکی‌ها از زمره اصلاح‌طلبان و ترقی‌خواهان بودند. آنان از استخدام مستشاران خارجی در بخش‌های مختلف کشور حمایت کردند و بهره‌گیری از دانش کارشناسی آنان را در چنین موقعیتی ضروری دانستند. از این نمونه موافقت با استخدام کارشناس برای اصلاح امور اداره پست و تلگراف بود.^(۱۱۸) وکیل‌التجار با واگذاری انحصار یا امتیاز به اشخاص البته به شرط تعیین میزان سرمایه و سود حاصل از آن موافق بود و انحصار صنایع از جمله صابون‌سازی را مفید می‌دانست. وی معتقد بود ثروت افراد هم به مملکت تعلق دارد پس قوانینی که به افزایش ثروت اشخاص منجر شود به مملکت هم سود می‌رساند.^(۱۱۹)

ادیب‌التجار از تجار مترقی مجلس دوم بود که از اهمیت امنیت و مجازات اشرار، قانون ترک اسلحه، ترویج امتعه ایران، حمایت از تجار داخلی و تشکیل کمپانی‌ها، ترقی صنایع داخلی و تشویق و رونق صنایع و ضرورت خروج نیروهای روسیه از کشور حمایت کرد. وی در مجلس بسیار فعال بود و علاوه بر طرح‌هایی که به مجلس ارائه داد، سوال‌های

بسیاری نیز از وزرای مختلف در مجلس مطرح کرد. وی شکایت تجار ایرانی مقیم بادکوبه در اعتراض به رفتار نامناسب کنسول بادکوبه را در مجلس قرائت کرد و در خصوص حمله به کاروانسرای تجار و بستن مدرسه ایرانی‌ها در بادکوبه، واکنش وزارت خارجه را مورد پرسش قرار داد.^(۱۲۰) وی حضور قشون روسیه در ایران را مخالف «نزاکت بین‌المللی» خواند.^(۱۲۱) وی یکی از پیگیرترین افراد مجلس در موضوع مساله نان بود و در بیشتر جلسه‌ها به طرح آن می‌پرداخت. وی مساله نان را از مهمترین مشکلات جامعه می‌دانست و برای مقابله با کمبود گندم و توجیه وزارتخانه، طرح قانونی منع احتکار غله را به مجلس پیشنهاد کرد، توجه به وضعیت نان را از وظایف امور مجریه دانست و از فعالیت‌های هیات تفتیش در بهبود وضعیت نان دفاع کرد.^(۱۲۲) وی دولت را مورد سوال قرار می‌دهد که چه اقدام‌هایی برای انجام برنامه خود در دست دارد، و در خصوص استقرار امنیت در ولایات و موانع اجرایی آن، استخدام مستشار، اصلاحات نظمیه، تهیه قوای نظامی، اصلاحات عدلیه، مالیه و امور مدارس که جزو برنامه‌های دولت محسوب می‌شد، سخنانی در مجلس مطرح کرد.^(۱۲۳)

ادیب‌التجار در زمره نمایندگان بود که در خصوص مسایل تجاری و منافع تجار در مجلس بسیار تلاش کرد و در بیشتر مباحث مربوط به آن شرکت داشت. وی در مورد تجارت قالی پیشنهاد داد، مجلسی از تجار در وزارت فواید عامه تشکیل شود و از خود تجار برای ارائه بهترین طرح استفاده شود.^(۱۲۴) وی قوه مجریه را مسئول استقرار امنیت و اجرای قانون دانست و از این بابت به طور مکرر اعتراض خود در عدم اجرای وظایف دولت را به آنان گوشزد کرد. وی گفت مجریان دولت حدود خود را نمی‌شناسند و قانون را به درستی اجرا نمی‌کنند و همین امر مردم را منزجر می‌نماید و چون آنان ناآگاهند، اجرای نادرست موجب می‌شود که «حسن مشروطیت» به مردم شناسنده نشود.^(۱۲۵) از دید وی عدم اجرای درست قانون در زمینه مالیات‌گیری موجب آشوب و اختلال در کشور شده و در مورد مالیات حراج که تومانی یک عباسی گرفته می‌شود، آن را هم مثل مالیات قیان به حدی «اجحاف می‌کنند و گریبان تجار را به طوری می‌گیرند»، که موجب اختلال در امور می‌شود. وی گرفتن مالیات بر معامله به نام مالیات حراج را که مجلس آن را تصویب نکرده به هیچ وجه درست نمی‌دانست.^(۱۲۶) وی در پاسخ به اعتراض‌هایی که از بابت پرداخت مالیات در مجلس صورت گرفت، گفت: «مقصود ما ترویج امتعه ایران است این ترویج را به واسطه حکمت عملی باید تشویق کرد برای این که به همین حکمت عملی و به واسطه همین اتحاد، ثروتی که در مملکت می‌شود کم‌کم تجار داخله و کمپانی‌ها تشکیل می‌شود و کم‌کم صنایع مملکتی ترقی می‌کند.» وی مهمترین دستوری که باید از مجلس شورای ملی بگذرد، «تسهیل در امور تجارتی» و تشویق و «ترویج صنایع و کارخانجات» می‌داند.^(۱۲۷)

ادیب‌التجار از مجلس خواست برای استفاده از رمز تجارتی که پیش از این نیز در بین

تجارخانه‌ها متداول بود، اجازه قانونی صادر کند. وی در توجیه این امر گفت چون تلگرافخانه‌ها بی‌نظم است و مطالب افشا می‌شود، اختیار رمز برای حفظ منافع تجاری لازم است ولی مجلس رمز تجاری را عاملی برای فساد بیشتر دانست و آن را نپذیرفت. (۱۲۸) در مورد قانون «قبول و نکول بروات تجاری» که در مجلس به تصویب رسید، ادیب‌التجار به طور فعالی شرکت کرد و در طرح جزئیات معاملات تجاری و اشکال‌هایی که در عمل برای تجار ایجاد می‌شود و موجب اغتشاش در امر معامله می‌گردد، سخن گفت. این قانون به منظور جلوگیری از عواقب ورشکستگی‌های تجار و مشکلات مالی معامله‌های تجاری بین‌المللی طرح و تصویب شد. (۱۲۹) علاوه بر این، ادیب‌التجار در خصوص پست، مخابرات و تلگراف که آن را به امور تجاری مربوط می‌دانست در مجلس سخن گفت و بهبود آن را با رونق و سهولت کار صنایع مرتبط دانست. (۱۳۰) مشخص است که وی در خصوص توسعه تجاری و صنعتی آگاهی‌های لازم را داشته است.

از قوانینی که به پیشنهاد وزارت مالیه طرح و به تصویب مجلس رسید، «قانون تحدید تریاک» بود. در این قانون پیشنهاد شده بود که مالیات قبان و رسومات حذف و به جای آن به مالیات تریاک افزوده شود. تریاک صادراتی از مالیات معاف و دولت انحصار خرید و فروش سوخته و شیر تریاک را به دست گیرد. (۱۳۱) مذاکرات طولانی در مجلس انجام شد و تجار مجلس نیز در جزئیات آن مداخله کردند و لایحه مزبور به تصویب رسید. تغییرات مالیاتی از سوی وزارت مالیه به ایالات مخابره شد. (۱۳۲) ولی همچون دیگر مصوبات مجلس در اجرا با مشکلاتی مواجه گردید که اعتراض تجار را برانگیخت. تلگرافی از سوی «عموم تجار خراسان و یزد» از طریق میرزا رضاخان وکیل یزد به مجلس ارائه شد که اداره دولتی خراسان در خصوص سوخته تریاک بسیار سخت‌گیری می‌کند و بی‌عدالتی آن‌ها «تجار مشهد را مجبور به تحصن نموده». (۱۳۳) تجار کاشان نیز طی تلگرافی خواهان تعویض رییس اداره تحدید تریاک شدند. (۱۳۴)

ارباب کیخسرو که او را از تذکرها مکرری که در خصوص به کار بردن واژه‌های فارسی به نمایندگان می‌داد، می‌شناسیم، گرایش ملت‌گرایی خود را در موارد دیگر نیز به این شکل نشان داده است. وی در مذاکره در باره قانون شرکت‌های تجاری که برای قانونی کردن که این گونه شراکت‌ها تنظیم شده بود، می‌گوید: (۱۳۵)

«ما نباید فقط نظر به خارجه بکنیم و ببینیم که در آن‌جا چه ترتیب معمول است ما باید نظر به این مملکت هم بکنیم و یک چیزی را بنویسیم که به مقتضیات این مملکت هم نزدیک باشد و اگر این قانون برای تجارت است باید به مناسبت امور تجاری قانون نوشته شود.»

مجلس برای قراردادن همکاری‌های تجاری در چارچوب قانونی، موادی را در نظر می‌گیرد، از جمله شرکا باید در حضور وزیر تجارت و وزیر عدلیه حضور یابند و شرکت نامه

خود را به مهر و امضای وزارت تجارت برسانند. ارباب کیخسرو و تعدادی از نمایندگان پیشنهاد می‌دهند، ثبت شرکت‌ها در ایالات نه در حضور حاکم، که در حضور نماینده وزارت تجارت باشد،^(۱۳۶) که این امر فعالیت شرکت‌ها را از حوزه نفوذ حکام خارج می‌کرد و به آن‌ها استقلال بیشتری می‌داد. ارباب کیخسرو در تصویب جزییات مواد قانونی آن در مجلس بسیار فعالانه شرکت کرد. هر چند مذاکرات طولانی در این خصوص صورت گرفت، ولی قانون آن در جزو مصوبات مجلس دوم ثبت نشده است و مشخص نیست چه عواملی مانع تصویب نهایی و اجرای آن شده است. کما این که بسیاری از لوایح نیز برای تغییراتی در مفاد آن به کمیسیون‌های مربوطه باز می‌گشت و دیگر به مجلس عودت نمی‌شد.

از فعالیت‌های دیگر ارباب کیخسرو و در مجلس می‌توان به پیگیری مساله راه‌سازی،^(۱۳۷) غله و نان،^(۱۳۸) ضرورت حضور زرتشتیان در انتخابات ولایتی،^(۱۳۹) ضرب سکه و خروج نقره از کشور به ترکستان و افغانستان اشاره کرد.^(۱۴۰) وی در خصوص معافیت مالیاتی ورود لوازم کارخانه‌های چرم‌سازی، صابون‌سازی و روغن‌کشی ربیع‌زاده که از مجلس تقاضای معافیت گمرکی کرده بود، گفت تقاضاهای معافیت گمرکی نباید به طور مستقیم از سوی افراد به مجلس داده شود، بلکه باید از مسیر قانونی و وزارتخانه مربوطه مطرح گردد.^(۱۴۱) وی برای ضمانت اجرایی قانون، تصویب و اجرای مجازات تخلف از قانون را لازم دانست^(۱۴۲) و در حمایت از امنیت و آسایش عمومی در خصوص چگونگی اجرای قانون ترک اسلحه، وزیر مربوطه را مورد سوال قرار می‌دهد که چه اقدام‌هایی در این خصوص انجام شده است.^(۱۴۳) وی تنها شخصی است که به عدم تعیین وزیر تجارت در هیات دولت اعتراض می‌کند و صنایع مستظرفه را بخشی از وزارت تجارت دانسته و اتصال آن به وزارت علوم را قانونی نمی‌داند.^(۱۴۴) ارباب کیخسرو در ادامه همان خط‌مشی که حفظ زبان فارسی را وظیفه اصلی خود در مجلس می‌دانست پیشنهاد داد که «باید از امروز به همه خارجی‌ها اعلان بدهیم که هر کس در ایران مستخدم می‌شود باید زبان ایرانی تحصیل نماید». وی به وزیر پست و تلگراف اعتراض کرد که چرا «این همه اهمیت به خارجه می‌دهند»^(۱۴۵)

همان‌طور که از فعالیت‌های پارلمانی نمایندگان تاجرپیشه مجلس دوم مشخص شد، این نمایندگان بیش از هر چیز به دنبال حوادث و وقایع روان بودند و تجار بیرون از مجلس با اعتراض‌ها، شکایت‌ها و بیانیه‌هایی که به مجلس ارسال می‌کردند، آنان را وادار به پیگیری مطالب و بازخواست از دولت و وزرا می‌کردند. در واقع حوادث در متن جامعه اتفاق می‌افتاد و مجلس به دنبال آن حرکت می‌کرد. مصوبه‌های مجلس نیز همان‌طور که پیش از این اشاره شد، در صدد رفع مشکلات جدی و اساسی بود که بیش از هر چیز امور مالی، نظمینه و امنیت کشور بود. بدیهی است امور تجارتی در چنین شرایطی جنبه ثانوی می‌یافت. در هر حال تجار در درون مجلس نیز تلاش‌هایی در جهت استقرار امنیت، قانون و

نظم امور تجارتی انجام دادند، البته در حد ایجاد اصلاحات در لوایحی که از وزارتخانه‌ها و تحت تاثیر شرایط اجتماعی، شکایت‌ها و اعتراض‌های تجار یا دیگر اقشار جامعه در وزارتخانه‌ها تنظیم و به مجلس ارسال می‌شد. با این حال در همین سطح نیز مشاهده می‌شود به رغم کم‌رنگ شدن حضور سیاسی آنان، اهداف اصولی خود را از یاد نبرده‌اند ولی عناصری همچون قدرت سیاسی، قدرت اجرایی، موانع عملی اجرای خواست‌ها، مشکلات داخلی و سنگ‌اندازی نیروهای خارجی مانع آن می‌شد.

دوره مجلس دوم برای تجار نوعی رجعت به گذشته بود و گویی تاریخ دوباره تکرار می‌شد. حضور سیاسی - نظامی دولت‌های بیگانه در کشور، شکایت از ناامنی، هرج و مرج و بی‌قانونی، مالیات‌گیری‌های نامنظم، بی‌عدالتی اجتماعی و بی‌نظمی عدلیه، همه حاکی از ناموفق بودن نظام جدید بود. از این زمان از تلگراف‌ها و رفتارهای سیاسی تجار به رگه‌هایی از جست و جو و میل درونی آنان برمی‌خوریم برای قرار گرفتن در حمایت فردی قدرتمند که قادر به حفظ امنیت و آسایش و اقتدار و ثبات سیاسی - اجتماعی مورد نیاز آنان باشد. کسی که بتواند آرزوهای آن‌ها را عملی کند و سرخوردگی‌های ناشی از ناموفق بودن استقرار نهاد‌های قانونی مشروطه را جبران کند. به همین دلیل گاه تلگراف‌هایی به مجلس مخابره می‌کردند و از حاکمی که توانسته بود امنیت نسبی منطقه تحت نفوذ خود را برقرار کند، حمایت می‌کردند و ابقای او را از دولت و مجلس می‌خواستند. آنان به تدریج درمی‌یافتند که در چارچوب نظام کهن استبدادی نمی‌توان از الگوهای مدرن استفاده کرد و به دلیل مقاومت‌هایی که در استقرار نهاد‌های مدرن صورت می‌گرفت، برای دستیابی به اهداف مورد نظر شاید بهتر آن بود که از همان الگوهای سنتی و فردگرایی نظام کهن بهره جویند.

دفتر مجلس دوم با اولتیماتوم روسیه بسته شد. با این که مجلس دوم از پیکره ضعیف‌تری نسبت به مجلس اول برخوردار بود، با این حال در مقابل اولتیماتوم روسیه که دولت با پذیرش آن موافق بود، مقاومت کرد و تمامی نمایندگان مجلس به اتفاق در شرایط دشوار سیاسی آن زمان، از استقلال و تمامیت ارضی کشور و مشروطیت دفاع کردند و این عمل روسیه را کاری برخلاف عرف بین‌الملل، قرارداد روس و انگلیس و مغایر با استقلال کشور دانستند.

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل سوم

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل سوم

تبرستان

www.tabarestan.info

۱. در مورد اختلاف‌های احتشام السلطنه و سیدعبدالله بهبهانی نگاه کنید به: احتشام السلطنه، خاطرات، به کوشش سیدمحمد مهدی موسوی، (تهران، ۱۳۷۶)، چاپ دوم، صص ۶۰۵-۶۰۱.
۲. برای آگاهی بیشتر از چگونگی حوادث در بمباران مجلس نگاه کنید به: محمد مهدی شریف کاشانی، واقعات اتفاقیه در روزگار، (تهران، ۱۳۶۲)، ج ۱، صص ۲۲۶-۱۸۹؛ دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۲، صص ۳۲۴-۳۱۷؛ الکسیویچ زینویف، انقلاب مشروطیت ایران، نظرات یک دیپلمات روس، حوادث ایران در سالهای ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۱، ترجمه ابوالقاسم اعتصامی، (تهران، ۱۳۶۲)، صص ۷۸-۷۲.
۳. مهدی شریف کاشانی وی را رئیس‌التجار نامیده است. (شریف کاشانی، واقعات، ج ۱، ص ۲۳۶)؛ روزنامه وطن نیز به شدت به وی حمله کرده و به کارهای ناشایست او در آذربایجان در دوران استبداد اشاره کرده و اینکه ریاست محکمه تجارت و بعد وزارت تجارت را پس از بمباران مجلس به دست آورده و برای حفظ موقعیت خود دست به همه کاری می‌زند. نگاه کنید به: ندای وطن، ۱۴ رجب ۱۳۲۷، ش ۸، ص ۳؛ منبع دیگری مفاخرالملک را شخص بی‌سوادی می‌خواند که به حکومت تهران منصوب شده است و تجار و کسبه را مجبور به نوشتن عریضه کرده، (ملک‌زاده، انقلاب مشروطه، ص ۸۶۲).
۴. شریف کاشانی، ج ۱، ص ۲۳۷.
۵. شریف کاشانی، صنیع‌الممالک را چنین معرفی می‌کند: وی «کاسب است یعنی زرگرست ولی لباس نوکرمایی می‌پوشد، سر و صورت خود را شبیه ارامنه درست می‌کند. همه روزه در مدارس با طلاب از فقه و اصول و حکمت مباحثه می‌کند و به درس علما حاضر می‌شود. اغلب با طلاب محشور است و خود را اهل علم می‌داند و مقداری هم تحصیل کرده است. پایه و مقام او از نطق او معلوم می‌شود. در اوقات مشروطیت در تمام انجمن‌هایی که حاضر می‌شد، ناطق بود. گاهی آنارشیت، گاهی از حماست استبداد، گاهی شاه‌پرست، گاهی در یک مجلس از دو سه قسم بود. (شریف کاشانی، واقعات، ج ۱، ص

(۲۳۷).

۶. همان جا.

۷. شریف کاشانی، واقعات، ج ۱، صص ۲۳۷-۲۳۶؛ ناظم الاسلام در مورد مجبور کردن تجار به مهر کردن نامه‌ای مبنی بر مخالفت با مشروطه نوشت: «آقا میرزا ابوالقاسم گفت مهر کردن ضرر ندارد بنده نگارنده گفتم... ما باید متابعت میل شاه را کنیم در واقع مشروطه برای شاه مفید است و برای ما ضرر دارد حالا که میل شاه بر مشروطیت نیست ما را چه که امتناع کنیم.» (ناظم الاسلام، تاریخ بیداری، بخش دوم، ص ۲۳۶).

۸. در خصوص تلگراف‌های فرمایشی از ایالات به دربار اسامی برخی از تجار در کنار دیگر افشار ذکر شده است مانند اقل‌التجار یوسف یا اقل‌التجار محمدرضا، در تلگراف علمای اعلام و سایر طبقات بروجرد که ملک‌زاده بسیاری از آن‌ها را منتشر کرده است ولی در هر حال این تلگراف‌ها و نامه‌ها به هیچ عنوان بیانگر خواست‌های واقعی افراد و از جمله تجار نبوده است. هر چند ملک‌زاده صدور آن‌ها را از ترس می‌داند. با این حال به دلیل اختناق سیاسی و جو ارباب صدور چنین تلگراف‌هایی به لحاظ تحلیل تاریخی در واکنش طبقه تجار قابل ارزش نمی‌باشد برای آگاهی بیشتر از متن این تلگراف‌ها نگاه کنید به: ملک‌زاده، انقلاب مشروطه، صص ۹۲۴-۹۰۰.

۹. منابع این دوران از سرخوردگی حاج اسماعیل مغازه و نزدیک شدن وی به دربار و مشارکت در برخی از امور مخالف مشروطه‌خواهان نام برده‌اند. همین‌طور معین‌التجار بوشهری و حاجی سید محمد صراف که در دستورالعمل انجمن سری مشروطه‌خواهان به متحصنین سفارت عثمانی هشدار داده شده که مراقب اعمال متظاهران به مشروطه و از جمله این افراد باشند. (نگاه کنید به: شریف کاشانی، واقعات، ج ۱، ص ۳۳۷).

۱۰. ملک‌زاده، انقلاب مشروطه، صص ۹۰۲-۹۰۱، ۹۰۷-۹۰۶.

۱۱. همانجا، ص ۹۱۲.

۱۲. دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ص ۴۲.

۱۳. انجمنی در تهران تأسیس شده بود که گروهی از تجار و روشنفکران و علما با یکدیگر مذاکراتی در خصوص حمایت از مشروطیت انجام می‌دادند. ظاهراً به دلیل نگرانی از مجازات و خطراتی که متحمل بود به آنان وارد شود امین‌التجار خبر انعقاد انجمن را به شاه می‌دهد. از انجمن که بی‌تردید از جاسوسان شاه و وابستگان به دربار نیز در آن حضور داشتند. خبرهایی به دربار داده می‌شد. مفاخرالملک وزیر تجارت از میرزا محمود اصفهانی در خصوص سخنانش در انجمن مؤاخذه می‌کند. وی که پیشنهاد می‌دهد اگر تا موعد مقرر شاه اجازه تشکیل مجلس را نداد اعضای انجمن باید در یک سفارتخانه متحصن شوند. ولی وی بعد از تهدید مفاخرالملک که گفت شاه فرمان داده که میرزا محمود را دوهزار چوب بزند و وی را حبس کند، حرف خود را پس می‌گیرد و می‌گوید که گفته است اگر مجلس بازگشایی نشد به باغ شاه رفته به خود شاه عریضه می‌دهیم. برای شرح کامل این گفتگو نگاه کنید به: ناظم الاسلام، تاریخ بیداری، ج ۴، صص ۱۹۵-۱۹۴.

۱۴. احمد تفرشی حسینی، روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران، به کوشش ایرج افشار، (تهران، ۱۳۵۱)، ص ۱۵۲.

۱۵. تفرشی، روزنامه اخبار، ص ۱۱۶؛ کتاب نارنجی، گزارش‌های سیاسی وزارت خارجه روسیه تزاری در باره انقلاب مشروطه ایران، به کوشش احمد بشیری، ترجمه حسین قاسمیان (تهران، ۱۳۶۷)، ج ۱، ص ۲۴۵.

۱۶. شریف کاشانی، واقعات، ج ۱، ص ۲۳۷.

۱۷. تفرشی، روزنامه اخبار، ص ۱۲۴؛ کتاب نارنجی، ص ۲۴۷.

۱۸. شریف کاشانی، واقعات، ج ۱، ص ۲۳۷.

۱۹. تفرشی، روزنامه اخبار، ص ۱۲۳.

۲۰. کتاب آبی، ج ۱، ص ۳۱۸.

۲۱. کتاب نارنجی، ج ۱، ص ۷۶.
۲۲. ملک‌زاده، انقلاب مشروطه، ص ۹۷۹.
۲۳. شریف کاشانی، واقعات، ج ۱، ص ۲۴۱.
۲۴. ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری، ص ۲۶۸.
۲۵. شریف کاشانی، واقعات، ج ۱، صص ۲۶۳-۲۶۲.
۲۶. برای آگاهی از متن نامه‌ها و تلگراف‌های رسیده به متحصنین سفارت نگاه کنید به: شریف کاشانی، واقعات، ج ۱، ص ۳۲۷؛ همچنین صص ۳۵۵-۲۴۱.
۲۷. عملکرد معین‌التجار بوشهری و محمد اسماعیل مغازه در دوران استبداد صغیر قابل تعمق است، ریشه‌یابی این موضوع نیاز به پژوهش جداگانه‌ای در زندگی و اعمال و افکار آنان دارد. نکته‌ای که نباید از نظر دور داشت این است که نزدیکی آنان به جناح دربار به منزله مخالفت با مشروطه و استقرار نظام نوین نیست. بلکه نوعی صفت‌بندی بنا مشروطه انقلابی شده مردمی است و فاصله گرفتن از قدرت‌گیری انجمن‌ها و سعی در آشتی سلطنت و مشروطیت که بی‌تردید ملاحظات منافع شخصی نیز در آن مد نظر گرفته شده، با این حال منافع به تلاش آنان‌ها در دربار برای استقرار مشروطیت اذعان دارند و هنوز مشروطه‌خواهان از طریق آنان با دربار تماس می‌گیرند. به طور مثال نامه میرزا ابراهیم حجه‌الاسلام از شیراز که به توسط معین‌التجار بوشهری به شاه پیشنهاد می‌کند که هیچ راهی جز استقرار اساس عدالت و دادن مشروطیت باقی نمانده است. (نگاه کنید به: ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری، صص ۳۲۷-۳۲۹).
۲۸. ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری، ص ۳۳۶.
۲۹. همانجا، ص ۴۰۰؛ شریف کاشانی، واقعات، صص ۲۹۶-۲۹۵.
۳۰. نزدیکی تبریز به روسیه موجب شده بود که تعدادی تجار وابسته به آن کشور از فعالیت مجاهدان خشنود نباشند و سعی در ممانعت از اعمال آن‌ها نمایند، کسروی در هنگام نزدیک شدن رحیم‌خان به شهر از فعالیت گروهی از افراد سخن می‌گوید که آنان را از کارکنان کونسولخانه روس می‌نامد و چند تن از آنان تجار معروفی بودند از جمله حاجی حبیب لک، حاجی محمد رضا شکویی، حاجی ابراهیم صراف و حسن آقا تاجرباشی و تعدادی دیگر که با استفاده از روضه‌خوانی و شیوه‌های دیگر سعی در گسترش روحیه عدم مقاومت و تسلیم‌پذیری مجاهدان داشتند و با تمایلات روسیه همراهی نشان می‌دادند. (نگاه کنید به: کسروی، مشروطه، صص ۶-۶۸۵).
۳۱. با آشفتگی اوضاع سیاسی و مغلوب شدن مشروطه‌خواهان در تهران مجلس، و بمباران انجمن ایالتی تبریز نیز منحل شد و اعضای آن هر یک از ترس جان به گوشه‌ای پناه بردند، هنگامی که ستارخان و باقرخان رهبری مبارزه بر ضد استبداد را به دست گرفتند و نیروهای مشروطه‌خواهان تقویت شد، گروهی از سران مشروطه در صدد تأسیس دوباره انجمن ایالتی برآمدند. این افراد شامل حاجی ابراهیم آقا طاهباز، میرزا علی‌تقی گنجه‌ای، آقامیرزا محمدتقی طباطبایی، حاجی میرزا محمدعلی اصفهانی، شیخ محمد خیابانی، معتمدالتجار و مشیرالسادات بودند، (ملک‌زاده، انقلاب مشروطه، ج ۴، صص ۹۵۹-۹۵۸).
۳۲. کسروی، مشروطه، ص ۶۷۸.
۳۳. دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۳، ص ۳۳.
۳۴. کسروی، مشروطه، ص ۷۲۴؛ دولت‌آبادی، حیات یحیی، ص ۱۰۵.
۳۵. جبل‌المتین، سال ۱۷، ذیحجه ۱۳۲۷/۲۰ دسامبر ۱۹۰۹، ش ۲۴، ص ۲۲.
۳۶. همان‌جا، ۳ شوال ۱۳۲۷/۱۸ اکتبر ۱۹۰۹، ش ۱۰، ص ۱۰ و ۱۳.
۳۷. همان‌جا، ۶ شعبان ۱۳۲۷/۲۳ اوت ۱۹۰۹، ش ۷، ص ۱۳.

۲۲۰. تجار، مشروطیت و دولت مدرن

۳۸. همان‌جا، سال ۱۵، ۵ صفر ۱۳۲۶/۹ مارس ۱۹۰۸، ش ۳۲، صص ۲۲-۲۳.
۳۹. همان‌جا، سال ۱۵، اول جمادی‌الاول ۱۳۲۶/اول ژوئن ۱۹۰۸، ش ۴۳، صص ۱۱-۱۲.
۴۰. همان‌جا، سال ۱۷، ۲۰ شعبان ۱۳۲۷/۶ سپتامبر ۱۹۰۹، ش ۹، ص ۱۳.
۴۱. همان‌جا.
۴۲. کتاب آبی، ج ۱، ص ۳۰۵؛ همان‌جا، ج ۲، صص ۴۶۸-۴۶۴.
۴۳. ناظم‌الاسلام، تاریخ بیداری، بخش دوم، ص ۲۷۳.
۴۴. چند تن از تجار تبریزی که به صورت استثنایی در مرکز غیبی و گروه مجاهدین فعال بودند بیشتر روشنفکران تاجر بودند ولی به هیچ وجه عملکرد تجار تبریزی را باز نمی‌نمایند، علی مسیو فرزند حاج مهدی در یک خانواده تاجر در محله نوبر تبریز به دنیا آمد، وی نیز کار پدر را ادامه داد. ابتدا در کار ترخیص کالا از گمرک بود، مدتی معدن نمک را اجاره کرد بنا به اقتضای شغلی مدت‌ها در استانبول اقامت داشت، وی به اتریش، قفقاز و سایر نقاط جهان سفر کرده بود زبان فرانسه را به خوبی صحبت می‌کرد، چون در صحبت‌هایش همیشه از تاریخ انقلاب کبیر مثال می‌زد او را مسیو می‌گفتند (نگاه کنید به: صمد سرداری نیا، نقش مراکز غیبی تبریز در انقلاب مشروطیت ایران، (تهران، ۱۳۶۳، صص ۳۱-۲۳).
۴۵. زینویف، انقلاب مشروطیت، ص ۱۰۱.
۴۶. همان‌جا، ص ۱۰۵.
۴۷. برای آگاهی از چگونگی بافت طبقاتی مجلس دوم بنگرید به: شجعی، نمایندگان مجلس، جداول ش ۴ و ۶ ص ۱۸۰.
۴۸. دموکرات‌ها اسامی اعضای خود را بدین شرح اعلام کردند:
آقا شیخ ابراهیم، صدرالعلماء، آقا شیخ رضا، آقا سید محمد رضا، آقا شیخ محمد، آقا سید حسین کزازی، آقا میرزا احمد قزوینی، آقا سید جلیل، آقا شیخ مهدی، آقا میرزا محمد نجات، آقا میرزا محمد علی خان تربیت، وحیدالملک، علی‌زاده، آقا میرزا داودخان، متعصرالسلطان، ضیاءالممالک، آقا سیدحسین اردبیلی، آقا شیخ غلامحسین، ابوالقاسم میرزا و سلیمان میرزا این اسامی را در مجلس می‌خواند که تعداد بیست نفر هستند و یک نفر دیگر را هم اعلام می‌نماید که بعداً معرفی خواهد کرد. (نگاه کنید به: مذاکرات مجلس دوم، ج ۲، صص ۵۱-۹۵)؛ در برخی از منابع تعداد دموکرات‌ها را بیست و هشت تن ذکر کرده‌اند.
۴۹. مرتضی قلی‌خان صنیع‌الدوله اسامی اعتدالیون را تا زمان اعلام بدین شرح اعلام می‌کند:
شیخ حسین یزدی، انتظام‌الحکما، حاجی شیخ‌الرئیس، حاجی شیخ اسدالله، شیخ علی شیرازی، حاجی عز‌الممالک، عبدالحسین بروجردی، حاج شیخ علی خراسانی، شیبانی، ادیب‌التجار، حاج سید ابراهیم، سید محمد باقر ادیب، لواء‌الدوله، میرزا رضاخان مستوفی، حاج محمدکریم خان قشقایی، حاج میرزا رضاخان، آقا میرزا ابراهیم خان، مستشارالدوله، دکتر امیرخان، میرزا محمدصادق طباطبایی، حاج دکتر رضاخان، حاج آقا معاضدالملک، دکتر حیدر میرزا، رکن‌الملک، دکتر اسمعیل خان، میرزا مرتضی قلی‌خان، فهیم‌الملک، ممتازالدوله، متین‌السلطنه، میرزا اسدالله خان کردستانی، معززالملک، معین‌الرعا، ناصرالاسلام، آقا میرزا علی‌اکبرخان دهخدا، آدینه محمدخان، آقا میرزا ابراهیم قمی، حاج مصدق‌الممالک، سپهدار اعظم، سردار اسعد، میرزا مرتضی قلی‌خان بختیاری، (نگاه کنید به: مذاکرات مجلس دوم، ج ۲، ص ۹۴۲).
۵۰. شجعی، نمایندگان مجلس، ص ۳۸۱.
۵۱. مذاکرات مجلس دوم، ج ۲، ص ۹۶۶.
۵۲. همان‌جا، ج ۲، ص ۹۴۸.
۵۳. همان‌جا، ج ۲، ص ۹۱۳.
۵۴. همان‌جا، ج ۲، صص ۹۰۷-۹۰۱.

یادداشت‌های فصل سوم ۲۲۱

۵۵. همان‌جا، ج ۲، ص ۷۸۴؛ نامه وزیر مالیه به حاج معین‌التجار، ۶ عقرب ۱۳۲۹، ۱۱۵۲۰۲-ق، (م.ا.ب).
۵۶. همان‌جا، ج ۳، ص ۱۴۳۶.
۵۷. همان‌جا، ج ۳، صص ۱۴۱۵-۱۴۱۴.
۵۸. همان‌جا، ج ۲، ص ۷۸۵.
۵۹. همان‌جا، ج ۱، ص ۳۶۶.
۶۰. همان‌جا، ج ۲، ص ۱۰۰۱.
۶۱. همان‌جا، ج ۳، ص ۱۹۱۵.
۶۲. روزنامه جنوب، ۳۰ رمضان ۱۳۲۹، ش ۳۵، ص ۶.
۶۳. همان‌جا، ۲۶ جمادی‌الاول ۱۳۲۹، ش ۲۲، ص ۴.
۶۴. مصدق‌الممالک نماینده ملایر می‌گوید که دیگر تحمل و صبر این که در کرسی پارلمان بنشیند و هر روز تلگراف قتل و غارت از ولایات برسد، ندارد. (همان‌جا، ۱۲ صفر ۱۳۲۹، ش ۸، ص ۱).
۶۵. همان‌جا، ۱۱ رمضان ۱۳۲۹، ش ۳۴، ص ۶.
۶۶. همان‌جا، ۱۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۹، ش ۲۰، ص ۴.
۶۷. همان‌جا، ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۹، ش ۱۴، ص ۴.
۶۸. همان‌جا، ۲۱ ذیحجه ۱۳۲۸، ش ۱، ص ۲.
۶۹. همان‌جا، ۲۶ جمادی‌الاول ۱۳۲۹، ش ۲۲، ص ۳.
۷۰. ایران نو، سال دوم، ۲۴ خرداد ۱۳۲۸/اول دسامبر ۱۹۱۰، ش ۳۹، ص ۳.
۷۱. حبل‌المتین، سال ۱۹، ۲۲ شوال ۱۳۲۹/۱۱۶ کتبر ۱۹۱۱، ش ۱۸، صص ۱۹-۱۸.
۷۲. روزنامه جنوب، ۱۶ محرم ۱۳۲۹، ش ۴، ص ۸.
۷۳. متن تلگراف ما بین سران طوایف کشکولی و تجار فارس، شیراز به تهران، ۳ عقرب ۱۳۲۹، وزارت کشور، ۱۱/۵۹/۱.
- [۲۹۳] (م.ا.م).
۷۴. حبل‌المتین، سال ۱۹، ۲۲ شوال ۱۳۲۹/۱۱۶ کتبر ۱۹۱۱، ش ۱۸، صص ۱۹-۱۸.
۷۵. همان‌جا، سال ۱۷، ۱۷ صفر ۱۳۲۸/۲۸ فوریه ۱۹۱۰، ش ۳۲، صص ۱۵-۱۴.
۷۶. همان‌جا، سال ۱۷، ۳ صفر ۱۳۲۸/۱۴ فوریه ۱۹۱۰، ش ۳۰، صص ۲۳-۲۲.
۷۷. نامه انجمن ولایتی اصفهان به وزارت داخله، ۲۴ جمادی‌الآخر ۱۳۲۸، وزارت کشور، (۱) ۷/۲۹۳/۱۷۴، (م.ا.م).
۷۸. تلگراف تجار، ۱۳۲۸ قمری، وزارت کشور، (۲-۴) ۳/۲۹۲/۱۱۱، (م.ا.م).
۷۹. تلگراف از قزوین به تهران، ۸ سرطان ۱۳۲۹ وزارت کشور، ۱۳/۹۶/۱۰، [۲۹۳] (م.ا.م).
۸۰. حبل‌المتین، سال ۱۸، ۱۱ ذیقعد ۱۳۲۸/۱۴ نوامبر ۱۹۱۰، ش ۲۰، ص ۱۷.
۸۱. عریضه هیات تجار و اهالی خوانسار به مجلس شورای ملی، [بی‌تا] وزارت کشور، ۴/۶۹/۳۷، [۲۹۳] وزارت کشور، (م.ا.م).
۸۲. حبل‌المتین، سال ۱۹، ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹/۱۲ ژوئن ۱۹۱۱، ش ۱، صص ۱۱-۸ روزنامه جنوب، ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹، شمار ۱۸، ص ۸.
۸۳. نگاه کنید به: روزنامه جنوب، ۴ صفر ۱۳۲۹، ش ۷، ص ۴؛ همان‌جا، ۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹، ش ۱۵، ص ۲.
۸۴. همان‌جا، ۱۳۲۸، ش ۳، ص ۸.
۸۵. نامه رییس گمرک ساوجبلاغ به گمرک مرکزی، ۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۸، وزارت کشور، ۳۳/۱۴۲/۱، [۲۹۳] (م.ا.م).

۲۲۲ تجار، مشروطیت و دولت مدرن

۸۶. وابستگان به مصدق الممالک یعنی ضرغام همایون و فخیم‌الدوله چهارده بار قالی‌های شیخ نقی تاجر عراقی را به طور آشکار به سرقت بردند، نگاه کنید به: اسناد وزارت کشور، ۱۲/۱۴۱/۲۶/۱۲۹۳، (م.ا.م).
۸۷. تجار کرمان به مجلس شورای ملی، [پشتا] وزارت کشور، ۱۱/۲۱/۴۸/۱۲۹۳، (م.ا.م).
۸۸. روزنامه جنوب، ۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۹، ش ۲۳، ص ۵.
۸۹. برای آگاهی از اسامی تجار که حبل‌المتین آنان را مالک - تاجر نامیده نگاه کنید به: حبل‌المتین، سال ۱۹، ۱۰ شوال ۱۳۲۹/۱۹ کتبر ۱۹۱۱، ش ۱۷، صص ۱۹ و ۱۸.
۹۰. در محله قنوات بهبهان چند نفر کلاتر درست شده که از هر تاجری بیست تومان و چهل تومان می‌گیرند هر کس نداد به ضرب چوب می‌گیرند. (نگاه کنید به: روزنامه جنوب، ۱۲ صفر ۱۳۲۹، ش ۵، ص ۶).
۹۱. نگاه کنید به: روزنامه جنوب، ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹، ش ۱۷، ص ۳.
۹۲. مالیات جدید حق عبور از طرف وزارت داخله وضع می‌شود برخی از بارها از پرداخت این مالیات معاف بودند از جمله: آرد، پنبه، تخم‌مرغ، ماست، یونجه، سوخت نانوائی، حمام و کوره‌ها، کلیه توپ‌ها، آجر، آهک، گچ، سنگ و هیزم و بارهایی که شامل پرداخت مالیات دیوانی بودند گندم، جو، شتره، بادام و... در عوض مالیات قبیلان‌داری که تا این زمان اجباری و معمول بود و با عنوان حق میزان گرفته می‌شد، ملغی شد. (نامه راپورت تلگراف مراغه، وزارت داخله، ۲۲ شعبان ۱۳۲۸، وزارت مالیه، ۶۱ و ۶۰/۵۰/۱۴۷/۲۴۰، (م.ا.م)).
۹۳. نامه گروهی از تجار به وزارت مالیه، ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹، وزارت مالیه، ۶/۱۳۹/۴/۲۴۰، (م.ا.م).
۹۴. نامه راپورت داخلی اداره نظمیه، ۲۵ شوال ۱۳۲۹، وزارت کشور، ۱۹/۱۱۸۳/۲۹۳، (م.ا.م).
۹۵. حبل‌المتین، سال ۱۹، ۱۷ رمضان ۱۳۲۹/۱۱ سپتامبر ۱۹۱۱، ش ۱۳، صص ۸-۷.
۹۶. تلگراف شکایت تجار آذربایجان از استقرار قشون روسیه در این ایالت و حمله به منزل ثقة‌الاسلام، ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۸، ۹۰-۱۸۸-ق (اسناد معین‌التجار بوشهری، (م.ا.ب)).
۹۷. متن اعتراضیه ۶۲ نفر از تجار آذربایجانی به سفارتخانه‌ها و نهادهای داخلی، نگاه کنید به: حبل‌المتین، سال ۱۸، ۳۰ شعبان ۱۳۲۸/۵ سپتامبر ۱۹۱۰، ش ۱۱، ص ۱۰.
۹۸. نامه تجار تخانه تومانیانس به سپهدار اعظم، ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹، نمره ۲/۳۳۰؛ نامه حکومت آذربایجان به وزارت داخله، ۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹؛ نمره ۶۵؛ نامه وزارت داخله به وزارت جنگ، سال ۱۳۲۹ نمره ۱۹۰/۱۳۴۰، (م.ا.م).
۹۹. حبل‌المتین، سال ۱۹، ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۲۹/۲۱ دسامبر ۱۹۱۱، ش ۲۵، ص ۱۵؛ همان‌جا، سال ۱۸، ۶ صفر ۱۳۲۹/۱ فوریه ۱۹۱۱، ش ۳۱، صص ۴ و ۵.
۱۰۰. همان‌جا، سال ۱۹، ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۲۹/۲۱ دسامبر، ۱۹۱۱، ش ۲۵؛ ص ۱۵.
۱۰۱. روزنامه جنوب، ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹، ش ۱۷، ص ۵.
۱۰۲. حبل‌المتین، سال ۱۸، ۲۵ ربیع‌الاول ۱۳۲۹/۲۷ مارس ۱۹۱۱، ش ۳۷، ص ۹.
۱۰۳. نگاه کنید به: مصوبه‌های مجلس دوم، بخش ضمایم.
۱۰۴. مصوبات در چهار دوره، صص ۳۴۷-۳۴۶.
۱۰۵. همان‌جا، صص ۴۷۵-۴۷۳ و ۴۸۰-۴۷۹ و ۴۸۷.
۱۰۶. مجموعه مذاکرات مجلس شورای ملی دوره دوم، (تهران، ۱۳۲۵) ج ۱، ص ۱۲۱.
۱۰۷. همان‌جا، صص ۴۷۵، ۴۹۹، ۴۰۴.
۱۰۸. همان‌جا، ص ۴۰۴.
۱۰۹. همان‌جا، ص ۶۹.

۱۱۰. همان‌جا، صص ۱۷۹، ۱۸۰، ۱۶۸، ۱۶۹، ۱۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰، ۲۹۳، ۲۹۲، ۳۰۵.
۱۱۱. همان‌جا، ص ۳۹۰.
۱۱۲. همان‌جا، ص ۱۳.
۱۱۳. همان‌جا، صص ۱۰۱، ۱۱۴.
۱۱۴. همان‌جا، صص ۲۵۲، ۲۵۴.
۱۱۵. همان‌جا، ص ۱۶۱.
۱۱۶. همان‌جا، صص ۲۸۸، ۲۸۶.
۱۱۷. همان‌جا، صص ۲۸۳، ۴۸۹.
۱۱۸. همان‌جا، صص ۸۶، ۸۷.
۱۱۹. همان‌جا، صص ۲۳۱، ۲۶۷.
۱۲۰. همان‌جا، صص ۳۲۵-۳۲۶، ۲۵۵.
۱۲۱. همان‌جا، ص ۸۱.
۱۲۲. همان‌جا، صص ۳۱۴، ۳۲۶، ۴۲۸، ۴۹۹، ۲۳۴، ۲۰۲، ۲۰۳، ۱۶۹، ۲، ص ۸۹۴.
۱۲۳. همان‌جا، ج ۲، صص ۵-۷۸۴.
۱۲۴. همان‌جا، ج ۱، ص ۱۱۵.
۱۲۵. همان‌جا، ج ۳، ص ۱۳۳۵.
۱۲۶. مالیات حراج از مالیات‌های قدیمی بود که به اسم حراج، از حراج در خانه‌ها، سمساری‌ها و افرادی که حراج می‌کردند گرفته می‌شد. (نگاه کنید به: همان‌جا، ج ۱، ص ۳۱۶).
۱۲۷. همان‌جا، ج ۱، ص ۵۶۴.
۱۲۸. همان‌جا، ج ۳، ص ۱۲۸۷.
۱۲۹. همان‌جا، ج ۳، صص ۱۳۰۱-۱۲۹۸.
۱۳۰. همان‌جا، ج ۲، ص ۱۲۸۳.
۱۳۱. بر اساس مذاکراتی که در مجلس صورت می‌گیرد از هر مقال تریاک ۳۰۰ دینار مالیات اخذ و دولت خرید سوخته تریاک و فروش شیره آن را به صورت انحصاری به دست می‌گیرد. مالیات تریاک صادراتی معاف و دولت موظف به جلوگیری از قاچاق آن است. وکیل‌التجار مالیات قبان را مالیاتی قدیمی می‌داند و اشکال را در گسترش آن دانسته مثلاً گرفتن مالیات از علف‌هایی که از صحرا می‌آوردند. وی از دولت سوال می‌کند که مالیات اجاره میدان که به واسطه قپانداری که در آن‌جا می‌شد در صدی به دولت می‌دادند را نیز شامل مالیات قبان می‌داند که باید حذف و به جای آن مالیات تریاک افزایش یابد. (مذاکرات مجلس دوم، ج ۲، ص ۸۰۹). حذف مالیات قبان از میزان مالیات تهیدستان می‌کاست و به مالیات تجار تریاک می‌افزود ولی با این حال در مجلس با اصل این قانون مخالفتی نشد. علت آن هم بیشتر به این واسطه بود که دید عمومی مثبتی در مورد آن وجود نداشت. حتی وکیل‌التجار پیشنهاد داد بر مشروبات الکلی که به اندازه تریاک مهلک است، مالیات بسته شود. (روزنامه جنوب، ۲۶ محرم ۱۳۲۹، ش ۶، ص ۲؛ همان‌جا، ش ۱۱، ص ۳).
۱۳۲. نامه وزارت مالیه به ایالت آذربایجان، ۱۷ محرم ۱۳۲۹، وزارت مالیه، (۴) ۱۴۷/۵۰ [۲۴۰]، (م.ا.م)، در این نامه به ایالت آذربایجان توضیح داده شده است که «مالیات قبان عجلتاً در تهران منسوخ است» و پیشنهاد شده که این مالیات در تمام ایالات منسوخ و در عوض آن به مالیات تریاک افزوده شود. «روحانیون هم جد و جهد دارند که مالیات رسومات هم منسوخ بشود و فقط مالیات تریاک ابقا بماند... ولی مالیات نواقل که مختص بلدیة هر شهری است مدتی است از تصویب مجلس

۲۲۴ تجار، مشروطیت و دولت مدرن

مقدس گذشته.

۱۳۳. روزنامه جنوب، ۱۷ ربیع الاول ۱۳۲۹، ش ۱۳، صص ۶-۷.
۱۳۴. اداره نظمی، سواد مراسله دوایر هیات مرکزی، ۲۲ ربیع الثانی ۱۳۲۹، وزارت کشور، (۱۰) ۱۸/۹۸/۲۹۳، (م.ا.م.).
۱۳۵. مذاکرات مجلس دوم، ج ۳، ص ۱۴۸۴.
۱۳۶. همان جا، ج ۳، صص ۱۴۸۵-۱۴۷۸، ۱۴۸۱.
۱۳۷. همان جا، ج ۱، ص ۲۹۱.
۱۳۸. همان جا، ج ۱، ص ۴۲۸.
۱۳۹. همان جا، ج ۱، ص ۹۸.
۱۴۰. همان جا، ج ۱، صص ۱۹-۲۰.
۱۴۱. همان جا، ج ۱، صص ۴۵۵، ۵۶۰، ۵۶۳، ۵۶۶.
۱۴۲. همان جا، ج ۱، ص ۵۸۹.
۱۴۳. همان جا، ج ۱، صص ۲۴۸-۲۴۷، ۲۹۳.
۱۴۴. همان جا، ج ۱، صص ۳۶۶-۳۷۰.
۱۴۵. همان جا، ج ۱، ص ۴۲۵.

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل چهارم
رویکردهای تجار به مسایل پس از جنبش مشروطیت

تبرستان
www.tabarestan.info

رویکردهای تجار به مسایل پس از جنبش مشروطیت

الف) ساختار درونی طبقه تجار

از آنجایی که تجار طی جنبش مشروطیت نشان دادند که آگاهی و شناخت لازم را در اینکه «طبقه برای خود» باشند، کسب کرده‌اند و از آنجایی که مشخص شد تجار به دنبال اهداف و خواست‌های مشخصی از جنبش مشروطیت بودند، انتظار می‌رفت تشکلهای و انسجام درون طبقاتی خود را تقویت کنند. از دوره نخست جنبش مشروطه تا فتح تهران، اوج سیاسی شدن و حضور در قدرت سیاسی تجار بود که بیشتر به فعالیت برای استقرار نظام نوین گذشت. در دوران فترت طولانی، از فتح تهران تا بازیابی مجدد مشروطیت ناکام شده و نیز در دوران استقرار رضاشاه که تجار از قدرت سیاسی فاصله گرفتند و از معاملات قدرت خارج شدند، فرصت مناسبی برای بازبینی تشکلهای درونی بود ولی تجار از فرصت‌های تاریخی برای تقویت ساختار درونی خود استفاده نکردند، همان‌طور که از فرصت‌های خود برای مشارکت در قدرت سیاسی بهره لازم را نبردند. در این قسمت به بررسی فعالیت‌های این طبقه در دوران پس از مشروطیت می‌پردازیم.

پس از جنبش مشروطیت، شبکه‌های ارتباطی مابین تجار هم چون سابق فعال بود و به همان شکل سنتی عمل می‌کرد. از مجموعه مکاتبات موجود در آرشیو اتحادیه به خوبی نظام این شبکه‌ها شناسایی می‌شود. به رغم ترقی‌خواهی و نوگرایی تجار که در ورود کالاهای جدید غربی بر یکدیگر پیشی می‌گرفتند و در پی استقرار دولت مدرن بودند، با این حال در دوران پس از مشروطیت در ساختار درونی شبکه‌های ارتباطی خود هیچ تغییر

محسوسی ایجاد نکردند. در واقع آنان به بازسازی و تجهیز تشکیلاتی خود برای مواجهه با مسایل نوینی که به دنبال آن بودند، نپرداختند و یکی از عواملی که به شکست آن‌ها انجامید نیز همین امر بود.

از طریق تجارت حواله‌های پولی ارسال می‌شد. آنان در این سال‌ها نیز همچنان نقش امین و رابط مالی را ایفا می‌کردند. در آرشیو اتحادیه حواله‌ها و قبض‌های رسیدی وجود دارد بابت مستمری اشخاصی که حواله آن از طریق امام جمعه مجتهد خویی به اتحادیه داده شده بود.^(۱) گسترش این شبکه‌های ارتباطی مابین تجارت از حوزه مکاتبات شرکت اتحادیه با تجارتخانه‌های متعدد در سراسر کشور مشخص می‌شود. تجارت از این طریق طلب‌های خود در شهرهای دیگر را وصول می‌کردند یا قروض خود را می‌پرداختند.^(۲) در خصوص تجارت بزرگی که معاملات خارج از کشور داشتند این شبکه به خارج از مرزهای ایران کشیده می‌شد. تجارت در هر کشور رابطه‌هایی داشتند که نه تنها در خصوص «مظنه‌جات و بروات»،^(۳) که در نوع جنس مورد نیاز برای ارسال یا خرید به آنان خبر می‌دادند. از مکاتبات حاج رحیم اتحادیه مشخص می‌شود وی در استانبول با حاج آقا حریر فروش و حاج سیدمحمد تنباکوفروش که خبر تأسیس تجارتخانه خود در استانبول را به وی داده بودند، ارتباط‌هایی داشته است. میرزا علی اکبر اسماعیل زاده در استانبول برای فروش و ارسال حواله به لندن به حاج رحیم رابطه‌هایی را معرفی می‌کند.^(۴) از جمله کسانی که در بمبئی با اتحادیه روابط تجاری و بازاریابی داشت، محمدتقی افشار بود که در خصوص معامله چای با اتحادیه مکاتبه کرده است.^(۵) و از این افراد حاج محمد کازرونی بود که در مورد ارسال برنج رشت به هند و خشکبار از جمله کشمش، بادام، زیره، مویز، بادام نجف‌آباد و مغز بادام به اتحادیه پیشنهاد می‌دهد.^(۶) عبدالحسین کازرونی نیز در خصوص تجارت پوست، صابون، چای، قماش، عطریات، روغن و عینک با وی مکاتبه داشت و شخصی به نام رومانسکی در پاریس را به وی معرفی نمود تا رابط آن‌ها برای مبادلات کالایی باشد و دارو و عطر از طریق وی از پاریس به ایران وارد شود. کازرونی از بمبئی برای تجارتخانه اتحادیه «قماش» ارسال می‌کرد.^(۷)

اتحادیه به عنوان نمونه‌ای از تجارت بزرگی که تا اواخر قاجار و اوایل پهلوی نیز به فعالیت‌های تجاری مشغول بودند، می‌تواند الگوی مشخصی برای دریافت چگونگی روابط تجاری این گونه تجارتخانه‌ها یا شرکت‌ها به دست دهد. آنان از شرکت‌های خارجی خرید می‌کردند و توسط کمپانی‌های حمل بار حمل می‌نمودند. شرکت اتحادیه با بمبئی، روسیه و استانبول مرتبط بود و کالاهای انگلیسی و فرانسوی را از طریق بمبئی به جنوب ایران وارد می‌کرد. شرکت‌های حمل بار در ازای کالایی که حمل می‌کردند، مسئولیت داشتند و در صورت صدمه یا کسر کالا با تحویل بارنامه غرامت می‌پرداختند.^(۸) از دیگر شرکت‌هایی که در امر مبادله کالا از بمبئی به جنوب ایران فعالیت داشت کمپانی جهازات بود که مسئولیت

تحويل بار و حمل آن را به عهده داشت.^(۹) تجار در حمل کالاهای یکدیگر همکاری داشتند. حاج فتح‌الله فتحی به حاج رحیم اتحادیه در خصوص فرستادن کالا از کارخانه‌های لندن و ورود آن به اهواز و ترتیب حمل آن از طریق اداره امانات گزارش می‌دهد.^(۱۰) کالاهایی که از پاریس وارد می‌کردند نیز از طریق بمبئی وارد ایران می‌شد.^(۱۱)

در مکاتبات تجار از مشکلات بسیاری که در حمل کالا وجود داشت، سخن به میان آمده، از جمله تفاوت اوزان در شهرهای ایران که در انتقال کالا دشواری‌های بسیاری ایجاد می‌کرد. در نامه‌ای آمده است: «عدل‌ها به کلی در شیراز باز نشده و چون وزن آن هم با وزن شیراز که باید تقریباً سنگ بوشهر صدی چهار الی پنج علاوه از سنگ شیراز باشد، مطابق بود یعنی علاوه آمد، معلوم شد که در بین راه بوشهر عیبی نکرده»^(۱۲) اختلاف مقیاس و اوزان شهرها، کندی ارتباطات که در امر تجارت بسیار اهمیت داشت از جمله نابسامانی وضع تلگراف‌خانه‌ها، از مشکلات دیگر تجار در امر تجارت بود. بیشتر تلگراف‌ها یا نمی‌رسید یا اگر به مقصد می‌رسید خیلی طول می‌کشید. به طور مثال در یکی از نامه‌ها اشاره شد که تلگراف از تهران به بوشهر حدود ده تا دوازده روز طول کشیده تا به مقصد برسد.^(۱۳) بیمه کردن کالاها تقریباً در اواخر دوران قاجار مطرح شد که تا حدودی می‌توانست در تجار حس امنیت ایجاد کند.

بسیاری از تجار ایرانی در خارج از کشور نه تنها فعالیت تجاری که حتی اقامت هم داشتند. شهرهایی چون استانبول، طرابوزان، ارزروم، قلیس، مسکو، قاهره و بمبئی از مراکز عمده فعالیت تجار ایرانی بود. تجار ایرانی علاوه بر آن که در بمبئی دارای تجارتخانه و علایق تجاری بودند در شهرهای دیگر هند همچون کلکته و پونه نیز فعالیت داشتند^(۱۴) و حتی در کارهای عام‌المنفعه در این مناطق نیز مشارکت داشتند از جمله در ساختن قبرستانی برای ایرانی‌های مقیم هند که اعلان مشارکت مالی آن‌ها در روزنامه‌ها منتشر شد.^(۱۵) تجار بزرگی چون مشیرالتجار، آقا محمدجعفر صاحب تاجر شوشتری، آقا محمدجعفر صاحب تاجر مولی و آقا محمدحسین و محمدحسن تاجران شوشتری به ساختن و مرمت بنای جنت‌آباد در پونه که مکانی دارای مسجد، حسینیه و اتاق‌های مسافرین و داروخانه و کتابخانه بود، کمک کردند.^(۱۶) استانبول از دیگر شهرهایی بود که تجار ایرانی در آن فعالیت بسیار داشتند. مبادلات کالاهای تجار ایران با کشورهای خاورمیانه و اروپا از طریق همین تجار که دارای تجارتخانه مشخص و مکان معین در استانبول بودند، صورت می‌گرفت. این گروه از تجار ایرانی به دلیل ارتباط با محافل روشنفکری، روزنامه‌ها و دست‌آوردهای عثمانی از تمدن غرب نقش به سزایی در تحولات داخلی ایران داشتند.^(۱۷) این گروه از تجار تشکلهای وانجمن‌هایی نیز تشکیل دادند از جمله انجمن سعادت که پیش از این در مورد آن سخن گفته شد.

تجار بزرگ همواره از مشارکت و همکاری تجار متوسط و خرد و اصناف بهره‌مند بودند.

این همکاری از قبل از مشروطیت نیز وجود داشت. آنان دست به شراکت‌هایی نیز می‌زدند از جمله می‌توان از مشارکت حاج محمدحسن امین‌الضرب و حاج محمدابراهیم دلال اصفهانی نام برد. حاج ابراهیم طی شکایت‌نامه‌ای به وزارت تجارت و مجلس تجارت از سوءاستفاده امین‌الضرب از شراکت با وی سخن گفته است و خواهان احقاق حق خود شده.^(۱۸) بدیهی است تجار متوسط به دلیل ناآگاهی و نداشتن ارتباط‌های مناسب با عناصر قدرت از توانایی زیادی در این امور برخوردار نبودند. این مشارکت‌ها که بیشتر اتصال تجار متوسط به صاحبان مکتب و ثروت بود تا از کیاست و رهبری آن‌ها بهره‌گیرند، در موارد بسیاری با اختلاف و شکایت مواجه می‌شد. تجار بزرگ از این صاحبان سرمایه بهره می‌گرفتند و آنان در پی تجار بزرگ به راه می‌افتادند و از آن جایی که از ثروت کمتری برخوردار بودند، همواره گمان می‌کردند مورد سوءاستفاده قرار گرفته و به سود مشارکت خود معترض بودند.

تجار متوسط بیشتر نقش وکیل یا نماینده تجار بزرگ را به عهده داشتند و در زمانی که آنان در محل حضور نداشتند به امور تجارتی آن‌ها می‌پرداختند. ناظم‌التجار وکیل کمپانی ناصری بود و در زمانی که معین‌التجار بوشهری در تهران حضور داشت از طریق وکیل خود در ناصری به امور رسیدگی می‌شد و عواید به تهران حواله می‌گردید.^(۱۹) در صورتی که کارها به درستی انجام نمی‌شد، تجار بزرگ نماینده خود در منطقه را تعویض می‌کردند. گرفتن وکالت تجاری یکی از تجار بزرگ موفقیت بزرگی برای تجار متوسط محسوب می‌شد. تجار بزرگ در صورت ورشکستگی نقش تعیین‌کننده‌ای ایفا می‌کردند که حاکی از نوعی همبستگی درون طبقاتی بود. آنان برای حفظ آبرو و شأن افراد در صورت امکان به شیوه کدخدا منشی از طلبکاران دعوت می‌کردند و طی جلسه‌ای از آن‌هایی که برایشان امکان‌پذیر بود می‌خواستند از طلب خود صرف‌نظر کنند و در مواردی به کسانی که ورشکست و نیازمند بودند، کمک‌هایی می‌کردند.^(۲۰) اصناف نیز معمولاً دنباله‌رو تجار بودند و در بیشتر اعتراض‌ها و شکایت‌هایی که تجار طرح می‌کردند، از آنان دنباله‌روی می‌کردند. تجار از خیل عظیم اصناف و از روابط موجود در بازار و از احترامی که اصناف برای تجار قائل بودند برای منافع خود بهره می‌جستند. البته تجار نیز به عنوان صاحب نفوذانی موثر در مشکلات اصناف نقش رابط آن‌ها با مقام‌های دولتی را ایفا می‌کردند.^(۲۱)

ویژگی دیگر تجار بزرگ پوشیدن لباس‌های فرنگی در مسافره‌ای خارج از کشور بود. خرید کت و شلوار و جلیقه با پارچه‌های خارجی از فرنگستان در بین تجار بزرگ متداول شد و تجار متوسط نیز به تقلید از آن‌ها سعی کردند به همین شیوه عمل کنند.^(۲۲) به رغم آن‌که تجار در سفرهای خارجی خود از پوشیدن لباس‌های فرنگی ابایی نداشتند ولی در مقابله با ورود کالاهای خارجی به کشور سعی داشتند از اهرم تحریم استفاده کنند. پس از مشروطیت نیز همچنان استفاده از کالاهای خارجی در بین مردم متداول بود. تحریم کالاهای خارجی گاه به منظور اقتصادی و یا سیاسی صورت می‌گرفت. تحریم کالاهای روسیه به منظور اعتراض

به اشغال بخش‌هایی از خاک ایران توسط نیروهای روسیه اعلام شد.^(۲۳) تحریم کالاهای خارجی‌ها بارها از سوی تجار پیشنهاد شد. این امر با همکاری روحانیون برای بسیج عمومی در مقابله با کالاهای وارداتی انجام می‌شد. روشنفکران نیز بخصوص در اوایل جنبش مشروطیت آن را ترغیب کردند چرا که دریافته بودند رواج کالاهای داخلی به توسعه و رونق کشور خواهد افزود. حتی پیشنهاد شد وکلای مجلس از پارچه‌های وطنی استفاده کنند، «کفش‌دوزها لامحاله قسم بخورند از چرم فرنگی ندوزند و دیگر صابون فرنگ مصرف نمایند».^(۲۴) از بسیاری از علما در تحریم کالاهای خارجی فتوا گرفته شد.^(۲۵) بهره‌گیری از روش تحریم بارها مورد استفاده تجار قرار گرفت ولی این تمهیدات سودی نبخشید. برخی روزنامه‌ها بهره‌گیری از این شیوه را ناکارآمد دانستند.^(۲۶) حتی به فعالیت‌های شرکت اسلامی که سعی در ترویج کالاهای داخلی داشت، اشاره شد. آنان عدم موفقیت این شیوه را از آن جهت دانستند که تحریم «قولی» بوده نه «فعلی»، و در این جهت کوشش عملی صورت نگرفته، باید کارخانه‌هایی ساخته شود و کالاهای تولیدی از معادل فرنگی آن ارزانتر باشد.

تجار بزرگ بخصوص به فهم لزوم تغییرات سیاسی دست یافته بودند. یکی از تجار بوشهر طی مقاله‌ای در حیل‌المتین بحث لزوم مدرسه تجارت، قانون تجارت و دولتی کارآمد را مطرح می‌کند، آنان دریافته بودند که «نظام حکومت قدیمه» با «هیأت اجتماعیه تمدن و تجارت» تناقض دارد. در این سال‌ها بحث «حکومت مدرن» و ناکارآمدی نظام حکومت قدیم مطرح شد. نفوذ طوایف و باج‌گیری از مال‌التجاره، بی‌لیاقتی دولت در حفظ امنیت راه‌ها، تجار را به انتقاد از نظام کهن کشاند. آنان دریافته بودند که نظام ملوک‌الطوایفی که بر راه‌ها از جمله راه بوشهر به شیراز تسلط یافته دیگر «فایده‌ای برای تجارت» نمی‌گذارد. آنان معتقد بودند تا زمانی که تجارت از صرف برات و سود پول مصون نماند، سامان نمی‌گیرد و چون «قانون و ترتیبی در دست نیست تجار متحیر مانده و مرجعی ندارند».^(۲۷) تجار دارای نگاه مقایسه‌ای بودند و همین امر آنان را به منتقدان وضع موجود بدل ساخت. حاج رحیم اتحادیه در نامه‌ای به رئیس‌الوزرا از برخورد مأموران دولتی با تجار انتقاد می‌کند و آن را با شیوه مرسوم در اروپا مقایسه می‌نماید.^(۲۸) روزنامه‌ها نیز این مقایسه‌ها را شدت می‌بخشیدند. بحث عقب‌ماندگی، ناآگاهی و بی‌علمی تجار ایرانی مطرح شد. این که در فرنگستان تجار مکتب دارند، مدرسه دارند و در هفته یک یا دو روز برای پیشرفت تجارت اجتماع می‌کنند و ضرورت تلفیق مدیریت و علم با تجارت، از مباحثی بود که تجار با آن بیگانه نبودند.^(۲۹)

پیوند تجار با زمینداری در سال‌های پس از مشروطیت نیز ادامه داشت. از مجموعه اسناد اتحادیه چنین برمی‌آید که اتحادیه نیز به تدریج به زمینداری رو آورد هر چقدر تاریخ نگارش نامه‌های این مجموعه جلوتر می‌رود و بر میزان دارایی، املاک و مستغلات شرکت اتحادیه افزوده می‌گردد، لحن نامه‌های ارسالی به اتحادیه متفاوت می‌شود و حاکی از آن است که با

مقامی بزرگ و منبع سخن گفته می‌شود. به کار بردن عبارات و واژه‌هایی چون «اینکه امر مبارک در ارسال... به تعویق افتاد» و واژه‌هایی چون «حساب‌الامر»، «مقرر فرمایید»، «امر امر مطاع»، «امر‌العالی مطاع مطاع»، حاکی از استقرار آداب اشرافیت زمیندار به جای فرهنگ ساده‌تر تجار بود. هر چقدر موانع فعالیت تجاری و نیز سرمایه‌گذاری در صنعت بیشتر می‌شد تجار به زمینداری بیشتر رو می‌آوردند. گرایش تجار بزرگ یا «تجار متمول» به زمینداری^(۳۰) در سال‌های پس از مشروطیت بخصوص با ناامیدی تجار از بهبود شرایط شدت گرفت. علت گرایش تجار به زمینداری چنین توضیح داده شده:

«تجار خارجه صاحب دارند سرمایه دارند، تمام تجارت ما را گرفته جنس داخله را ارزان خریده حل نموده، دزد می‌برد از دولت می‌گیرند. تنخواه خارجه را به اعلی قیمت می‌فروشند. دست عموم تجار داخله بسته شده بعضی ناچار سرمایه خود را ملک خریده لامحاله از میان نرود.»^(۳۱)

تجار بزرگ به تدریج املاک و روستاهای متعددی در سراسر کشور خریداری کردند. فهرست مربوط به اموال و املاک امین‌الضرب و اتحادیه حاکی از وسعت و گستردگی زمین‌های آن‌ها در تمامی کشور بود. امین‌الضرب روستاهای متعددی در مناطق مختلف کشور خریداری کرد، مثل مازندران، کرمان، نیشابور، سبزوار، مشهد، رشت، تهران، شیراز، لاهیجان، رفسنجان، زنجان، خمسه، ورامین و... که در هر کدام از این مناطق چندین جریب یا چند دانگ یا به طور کامل املاکی از قریه‌های مختلف نزدیک این شهرها خریداری کرده بود. این املاک شامل باغ، دکان، کاروانسرا، خانه، قنات، رودخانه و زمین زراعی بود^(۳۲) که حاکی از وسعت سرمایه و غیر منطقه‌ای بودن آن داشت. به کارگیری چنین سرمایه‌هایی در بخش زمینداری در صورتی که در بخش صنعت و تجارت امکان بروز می‌یافت بر رشد و توسعه کشور می‌افزود.

سرمایه‌گذاری تجار در بخش زمین، آنان را با مسایل مالیاتی، دولت و رعایا، درگیر می‌کرد. رعایای املاک متعلق به ملک‌التجار از میزان مالیات دولتی شکایت کردند.^(۳۳) در خصوص میزان مالیات قریه میر محله که متعلق به امین‌الضرب بود مکاتبات بسیاری صورت گرفت. انجمن‌های ایالتی در برآورد مالیات‌های محلی نظارت داشتند. انجمن ولایتی استرآباد در خصوص مالیات قریه میر محله به مجلس شورای ملی گزارش می‌دهد.^(۳۴) امین‌الضرب به مالیات تعیین شده از سوی وزارت مالیه اعتراض می‌کند و از طرف انجمن استرآباد برای توقیف محصول زمین‌های امین‌الضرب مأمور فرستاده شد. امین‌الضرب به شدت به اعمال انجمن اعتراض کرد:

«تکلیف من بیچاره چه چیز است به کجا باید متوسل و ملتجی شد که از شر نایب‌الحکومه و انجمن استرآباد محفوظ بمانم. انجمن استرآباد از روی چه قانون به تحریک نایب‌الحکومه آن‌جا بنده را به زحمت و خسارت دچار می‌کند. انجمن چرا به غرض شخصی

نایب‌الحکومه باید اینطور مردم را برنجاند. انجمن از روی کدام قانون حاکم مطلق و فعال مایشاء شده است. انجمن چرا باید حکم کند توپچی و سرباز به میر محله بفرستد.»^(۳۵) انجمن‌ها پس از مشروطیت به قدری قدرت گرفتند که نایب‌الحکومه را عوض می‌کردند و هیچ مرجعی به جز مجلس شورای ملی را قبول نداشتند. انقلابی‌گری انجمن‌ها و مقابله آن‌ها با خواست‌های تجار از عوامل اساسی یاس تجار از روند جنبش مشروطیت و فاصله گرفتن از آن بود. سخنان امین‌الضرب به خوبی نشان می‌دهد که مشروطه متکی بر انجمن‌ها مورد نظر تجار نبوده است و از این رو با آن فاصله گرفتند.

انجمن‌ها بخصوص در دوران مجلس اول از قدرت بسیاری برخوردار شدند، وکلای اصناف وارد انجمن‌ها شدند و گروهی از اعیان و افراد صاحب نفوذ به این ترتیب حاضر نبودند در کنار وکلای «صنف بناء و سایر اصناف پست» قرار گیرند و آن را کسر شأن خود می‌دانستند. پس از تشکیل انجمن‌ها، «پیغامات تهدیدآمیز برای آن مال مردم خورها از انجمن‌ها رفت.» انجمن ملی به قدری قدرت یافت که مستبدین را از شهر خارج می‌کرد و گروهی خود مجبور به ترک شهر می‌شدند.^(۳۶) بدیهی است توسل تجار به ساختار کهن، بنا نکردن تشکیلاتی مدرن و متناسب با شرایط جدید و محافظه کاری بیش از حد آن‌ها به تدریج تا فتح تهران آنان را از صحنه قدرت سیاسی خارج کرد و به انزوا کشاند. در حالی که دست‌آوردهای لازم را از مشروطیت کسب نکرده بودند.

از دوران استبداد صغیر، حضور سیاسی تجار رو به افول گذارد و از فتح تهران به بعد به طور بارزی از صحنه قدرت سیاسی خارج شدند. تشکیلات درونی تجار تا این زمان تقویت نشده بود. هر چند اتحادیه تجار، کمیسیون تجارت مجلس و وزارت تجارت وجود داشت ولی چندین دولت در دوران مجلس دوم به معرفی وزیر تجارت مبادرت نکردند. آشنفگی امور مالی، نظامی و امنیتی و عدم حضور سیاسی فعال تجار از توجه به این امر کاسته بود. تجدید تشکلهای این طبقه از فتح تهران به بعد صورت گرفت. از آنجایی که فعالیت‌های بیرونی در نهادهای مختلف کاهش یافته بود، برخی از سران تجار که در گذشته فعال بودند به فکر تجدید سازمان افتادند.

معین‌التجار در ادامه فعالیت‌های خود از تجار و اصناف تهران دعوت می‌کند در نشستی در منزل وی شرکت کنند. در این جلسه لایحه‌ای که از طرف تجار نوشته شده بود، قرائت گردید و بر این اساس خواهان اتحاد بین اصناف و تجار و تشکیل اتاق تجارتی شدند. نامه‌ای به نیابت سلطنت نوشته شد و خواستار گردیدند وزیر تجارت عالم و آگاهی انتخاب شود که از عهده انجام امور تجارتی برآید. در این جلسه بر اعتقاد به اساس مشروطیت و حکومت ملی و لزوم تشکیل شورای تجارتی تأکید شد. آنان اهداف شورای تجارت را توسعه تجارت، نظارت بر امور امنیتی و شعبه‌های آن در ایالات را موجب اتحاد و اتفاق تجار در فعالیت خود دانستند.^(۳۷) معین‌التجار برای مذاکرات تجارتی در مجلس تجارت و

جلسه‌هایی که در وزارت تجارت تشکیل می‌گردید، دعوت و به عضویت این مجلس انتخاب شد. (۳۸)

روزنامه‌ها بر پیوند منافع تجار در سراسر جهان تأکید داشتند و تجار را به ایجاد تشکلهای لازم برای ورود به تجارت جهانی ترغیب می‌کردند. انتخاب هیأتی برای شورای تجارتی، تدوین نظام‌نامه جامع و کامل تأسیس شعبه‌های تجارتی در سراسر کشور و ارتباط با اتاق‌های تجارت سایر کشورها، انتشار روزنامه تجارتی و افتتاح مدرسه تجارت در مرکز و سایر کارهایی که باعث رونق تجارت و افزایش اعتبار تجار ایرانی شود از مواردی بود که به آن توصیه شد. (۳۹)

ب) تجار و امتیازات

تجار در سال‌های پس از مشروطیت، چه هنگامی که در قدرت سیاسی مشارکت داشتند و چه زمانی که از حوزه مسایل سیاسی فاصله گرفتند، به گرفتن امتیازات و سرمایه‌گذاری در معادن علاقه نشان دادند، از آنجایی که این نوع سرمایه‌گذاری‌ها تلاش برای رقابت با خارجی‌ها بود، آنان را به دولت مرتبط می‌ساخت و سرمایه‌گذاری نسبتاً جدید و پرخطر بود، از اینرو تجار با احتیاط در این خصوص عمل می‌کردند. مشیرالدوله وزیر تجارت، شخصی با نام سیدمحمدخان مهندس را به کرمان فرستاد تا تجار را تشویق به اکتشاف معادن کند. (۴۰) ملک‌التجار معدن کبریت از توابع کاشان را به پرداخت مبلغ دویست و پنجاه تومان در هر سال اجاره کرد. (۴۱) حاج رحیم اتحادیه نیز که از زمره تجار غیرسیاسی محسوب می‌شد، در معادن نمک طارمین (طارم سفلی و علیا) مشارکت کرد ولی این گروه از تجار همواره با دولت دچار اختلاف می‌شدند. نماینده وی به حاج رحیم می‌نویسد: «به وزارت جلیله مرحمت فرمایید همه روزه اسباب اشکال تراشی فراهم ننمایند.» (۴۲)

معین‌التجار بوشهری از تجار سیاسی اوایل جنبش بود و به تدریج از فعالیت‌های سیاسی خارج شد و صرفاً به امور تجاری پرداخت. وی امتیاز استخراج خاک قرمز هرمز را از دولت گرفت که مخالفت‌هایی را به دنبال داشت. (۴۳) امتیازهایی که به اتباع داخلی داده می‌شد طمع و حسادت بسیاری از افراد را برمی‌انگیخت، تنگ‌نظری و منفعت‌جویی موجب می‌شد که افراد ترجیح دهند امتیازها به خارجی‌ها داده شود تا به سرمایه‌داران داخلی. در تلگرافی از سوی تجار و اصناف جنوب به مجلس شورای ملی از اقدامات معین‌التجار در آبادی جزایر جنوبی دفاع شده، در بخشی از این تلگراف آمده است:

«امتیازاتی که در دست حضرات خارجه است معجری و مضمی ولی امتیازاتی که در دست رعیت داخله باشد در مقام ابطال آن برآیند جناب معین در عمل جزایر و ناصری، این چند سال خیلی زحمت کشیده این فقرات سبب می‌شود که رعایای داخله اقدام به گرفتن امتیازات ننمایند و در داخل مشغول کار نمی‌شوند.» (۴۴)

معین‌التجار فعالیت‌های گسترده‌ای در جنوب انجام داد. وی که از آگاهی سیاسی و قدرت اقتصادی خوبی برخوردار بود، از تجار متوسط جنوب خواسته بود در بستن سد اهواز، خط آهن خوزستان و آوردن کارخانه به منطقه، با وی شراکت کنند.^(۴۵) وی با شرکت‌های خارجی برای فروش خاک معادن هرمز مکاتبه می‌کند و در خصوص قیمت و میزان حمل آن به توافق‌هایی می‌رسد.^(۴۶) برخی از تجار جنوب از جمله عبدالرضا و محمدرضا شوشتری و محمدصادق دهدشتی در استخراج اکسید از خاک هرمز مشارکت داشتند.^(۴۷) علت همکاری تجار با شرکت‌های خارجی به این علت بود که به عملیات تجاری و سرمایه‌گذاری خود وسعت بخشند و در ضمن از دانش و کارشناسی آن‌ها بهره‌گیرند. طبیعی است سرمایه‌گذاران خارجی نیز به افراد بومی برای تسهیل در امر سرمایه‌گذاری نیاز داشتند، از آنجایی که بهبود شرایط انتقال کالا و راه‌ها همچنان از مسایل محوری مورد نظر تجار بود، معین‌التجار با شراکت چند تن دیگر از تجار جنوب، شرکت راه‌آه‌نی تأسیس می‌کند که آن را شعبه‌ای از کمپانی ناصری می‌نامند.^(۴۸) ولی این شراکت موفق نمی‌شود و در اواخر جنگ جهانی اول کنسولگری بریتانیا طی مکاتبه‌ای با نماینده معین‌التجار در هرمز، شیخ‌احمد گله‌داری، از وی می‌خواهد وسایل بازمانده راه‌آهن را که بدون استفاده مانده در اختیار آن‌ها قرار دهد تا در ساختن جاده کرمان از آن‌ها استفاده کنند.^(۴۹) مواعی که در مقابل فعالیت‌های آزاد تجار وجود داشت، زیاده‌طلبی قدرت‌های محلی بود که تجار را به شراکت با آنان می‌کشاند. اگر سودی از تلاش تجار حاصل می‌شد برای حفظ و ادامه آن مجبور بودند با سران حکومت به شراکت بگذارند. به طور مثال معین‌التجار نصف امتیازی را که در بندر ناصری گرفته بود به فرزند معزالسلطنه واگذار نمود.^(۵۰)

امتیاز گرفتن تجار، آنان را با خارجی‌ها مرتبط می‌کرد، این امر ابعاد متنوعی داشت:

- ۱- بهره‌گیری از دانش و کارشناسی.
 - ۲- جنبه تجارتی، مراوده با شرکت‌های خارجی برای بازاریابی یا خرید وسایل و تجهیزات کارخانه‌ای.
 - ۳- اختلاف‌های مالی یا حقوقی که در اثر مراوده ایجاد می‌شد.
 - ۴- برخورد منافع و بهره‌گیری خارجی‌ها از قدرت سیاسی و مالی و فشار به دولت ایران برای خارج کردن رقیب از صحنه.
 - ۵- تجار ایرانی از قدرت سیاسی یا مالی لازم برای مقابله با خارجی‌ها برخوردار نبودند. از این رو از عناصر سنتی چون تحریم بهره می‌گرفتند و خواهان حمایت دولت بودند که این امر تا استقرار دولتی مدرن و دارای قدرت و ثبات سیاسی میسر نبود.
 - ۶- همکاری تجار ایرانی با شرکت‌های خارجی در ایران.
- در مواردی امتیازهایی را که تجار از دولت می‌گرفتند و پس از مدتی که قادر به انجام آن نبودند به اتباع خارجی واگذار می‌کردند. یکی از موارد آن کترات و اجاره راه مظفری بود که

بسیار جنجالی شد و شرح محاکمات آن در وزارت عدلیه، در روزنامه‌ها منتشر شد. ملک‌التجار پدر حاج‌حسن آقا ملکوف، وکالت‌نامه‌ای از سوی شرکت عمومی به پسر خود داد وی نیز راه شوسه مظفری در آستارا را به یک تبعه دولت روسیه به نام مسیو ورتمان اجاره داد و همین مسأله اختلاف نظرها و شکایت‌هایی را موجب شد.^(۵۱) دولت انگلستان به فعالیت معین‌التجار در استخراج خاک قرمز در جزایر جنوبی ایران اعتراض کرد و حتی تهدید کرد در صورت حمل خاک استخراج شده، آن دولت «ادعای حوایجی را بر جزیره مزبور مفتاح»^(۵۲) می‌نماید. انگلستان حتی از دولت ایران خواست مانع فعالیت افراد معین‌التجار در جزیره سری شود.^(۵۳)

استفاده از دانش و کارشناسی خارجی‌ها قطعاً مسایلی را در عمل برای دو طرف ایجاد می‌کرد. خارجی‌ها در مواردی به درستی به تعهدات خود عمل نمی‌کردند. معین‌التجار با کمپانی منچستر در استخراج و ایجاد کارخانه گوگرد قرارداد می‌بندید. مذاکرات و مکاتباتی صورت گرفت و پیشنهاد شد از بخار آب برای آب کردن گوگرد استفاده شود و کارشناسان زمینه‌ها و امکانات لازم در تأسیس کارخانه را برآورد کردند. اما وسایل خریداری شده در کشتی حامل آن غرق شد و نماینده کمپانی منچستر موفق به انجام کار نشد. معین‌التجار از عدم پیشرفت کار به منچستر و کمپانی شکایت کرد.^(۵۴)

در مکاتبات مبادله شده به موانع بسیاری در راه‌اندازی کارخانه اشاره شده است.^(۵۵) رقابت قدرت‌های خارجی در سرمایه‌گذاری در جنوب از جمله حضور آلمانی‌ها برای حمل اکسید از ابوموسی از مواردی است که در این نامه‌ها به آن اشاره شده است.^(۵۶) از جنبه دیگر اختلاف‌های مالی و نیازهای کارشناسان غربی بود که در عمل به شکایت‌های آن‌ها منجر می‌شد. یکی از اتباع فرانسه از امین‌الضرب و معین‌التجار طلبکار بود و برای گرفتن پول خود از طریق سفارتخانه متبوع خود عمل کرد.^(۵۷)

قبل از مشروطیت، تجار به تنهایی در ورود کارخانه و تأسیس آن کوشیدند و البته با موانع و مشکلات بسیاری نیز مواجه شدند. به طور مثال امتیازنامه چراغ برق و اسباب بخاری و آجر که امین‌الضرب طی قرارداد مفصلی از دولت گرفت.^(۵۸) ولی پس از مشروطیت اقدام به تأسیس کارخانه عمدتاً به صورت شراکت انجام می‌شد، چون تجار به تجربه خطر سرمایه‌گذاری صنعتی پی برده بودند؛ همچنین تأسیس کارخانه به آگاهی دانش و کارشناسی نیاز داشت، بدین طریق خطرهای احتمالی از دست رفتن سرمایه با مشارکت گروهی کاهش می‌یافت. تجار جنوب از جمله رئیس‌التجار، سیدمحمد کازرونی، حاج محمدباقر تاجر بهبهانی، حاجی میرزا غلامحسین تاجر کازرونی و حاجی میرزا حسن علی کازرونی شرکتی برای ایجاد کارخانه تهیه آب شیرین و آسیاب تأسیس کردند.^(۵۹) تجار علاوه بر همکاری‌های داخلی در تأسیس کارخانه با شرکت‌های خارجی مشارکت داشتند و سهام این شرکت‌ها را نیز خریداری می‌کردند. تعدادی از تجار بوشهر، سیدمحمد رضا و

حاجی میرزا غلامحسین و آقا سید محمدحسن شبانکاره در کمپانی حمل و نقل مسیو هانری لیمه در بوشهر سهام خریداری کردند، ولی پس از مرگ او کمپانی نتوانست به کار خود ادامه دهد.^(۶۰)

تجار ایرانی به رغم همکاری با شرکت‌های خارجی و انجام مبادلات تجاری، چون صرفاً در پی منافع اقتصادی خود بودند، از مدیریت، کارشناسی و علومی که لازمه این گونه امور بود، بهره‌ای نداشتند و حتی در پی کسب آن نیز نبودند. نزدیکی تجار با بخش‌های تجاری و صنعتی غرب در سطح روابط ظاهری باقی ماند و عمیق نشد. از این رو پس از اتمام این همکاری‌ها تجربه‌ای کسب نمی‌کردند. به رغم آنکه ایران خود نیازمند سرمایه‌گذاری در بخش‌های مختلف بود، سرمایه‌داران به مناطق مجاور حتی در عثمانی نیز توجه نشان دادند. آشفته‌گی، نابسامانی و سنگ‌اندازی‌های متعدد در داخل کشور سرمایه‌را به سمتی می‌کشاند که سودآوری سریع‌تر و شرایط مناسب‌تری فراهم شده باشد. معین‌التجار با همکاری میرزاهدی ملک‌التجار طی نامه‌ای به صدراعظم عثمانی به رابطه توسعه تجارت با احداث راه‌های شوسه، خطوط تلگراف و راه‌آهن و «اختراعات جدید» اشاره کردند و حتی امتیاز تأسیس راه‌آهن بغداد به کربلا و نجف و لوله‌کشی آب نجف را تقاضا کردند و از دولت عثمانی خواستند مطابق قوانین همکاری‌های لازم را با آن‌ها انجام دهد.^(۶۱) معین‌التجار قرارداد نیز با شرکت نفت انگلیس و ایران منعقد کرد که طی آن خدمات ترابری تراموا و حمل و نقل و اجاره زمین و اسکله به شرکت را به عهده گرفت. شرکت حق استفاده از تراموای خط ناصری را در ازای پرداخت مبلغ مشخصی به صورت ماهیانه به معین‌التجار به دست آورد.^(۶۲) این موارد مشخص می‌کند که تجار از هر زمینه‌ای بر کسب سود سرمایه‌شان بهره می‌جستند و هر زمینه‌ای را امتحان می‌نمودند و حتی به خارج از مرزها نیز نظر داشتند و در کلیه زمینه‌ها فعال بودند ولی تشکلهای و همکاری‌های آن‌ها از دوام چندانی برخوردار نبود.

ج) تجار و نظام سیاسی پس از مشروطیت

از آنجایی که نهادهای نظام جدید مشروطیت نتوانست در روابط حاکم بر جامعه به درستی استقرار یابد و شکل روابط اجتماعی به شکل گذشته باز تولید شد؛ تجار برای ادامه فعالیت‌های تجاری خود مجبور به رعایت همان روابط پیشین بودند. تجار به عنوان گروه مورد احترام حکام سیاسی و مردم همچنان شأن اجتماعی خود را حفظ کردند. دعوت از تجار بزرگ و معتبر برای شرکت در مراسم رسمی از این نمونه بود. به طور مثال دعوت از شیخ‌احمد تاجر گله‌داری در مراسم اعطای نشان جرج پنجم به شجاع نظام در کنسولگری انگلیس در بوشهر^(۶۳)؛ شرکت تجار در مراسم جشن تاجگذاری محمدعلی‌شاه^(۶۴) و استفاده از میانجی‌گری تجار به عنوان افرادی معتمد برای رفع بعضی اختلاف‌های سیاسی،^(۶۵) حاکی

از اهمیت و احترامی بود که برای این گروه قائل بودند.

مردم تجار را واسطه ارتباط با مقام‌های سیاسی می‌کردند، از این نمونه می‌توان شکایت مردم از برخی اعمال ستمگرانه و اجحاف مالیاتی حکامی را نام برد که در این خصوص نامه‌هایی به معین‌التجار نوشته شد.^(۶۶) تجار برای اعمال نفوذ و حفظ موقعیت خود مجبور بودند در دسته‌بندی‌های سیاسی وارد شوند. آنان به ناچار می‌بایست سیاسی شوند، چون اقتصاد و تجارت به سیاست آمیخته بود. تاجری که فقط به معامله و رسیدگی به حساب‌ها و صدور بروات می‌اندیشید، نمی‌توانست موفق شود. اخبار منتشر شده و نظریه‌های اولیای دولت و شناسایی باند‌های قدرت از ضروریات فعالیت تجار بود. برای مثال حمایت یا توصیه برخی از وزرا از معین‌التجار بوشهری،^(۶۷) شکایت معین‌التجار از علاءالدوله حاکم فارس و نامه‌های عین‌الدوله و مشیرالدوله وزیر تجارت در حمایت از معین‌التجار، حاکی از لزوم برقراری رابطه بین تجار و قدرتمداران بود.^(۶۸) معین‌التجار ملاقات‌هایی با مشیرالدوله و مخبرالدوله انجام می‌دهد و موافقت‌هایی در خصوص عزل حاکم بوشهر به دست می‌آید. در نامه‌ای که توسط شخصی به نام محمدعلی نوشته شده است، مشخص می‌گردد که معین‌التجار با عناصر حکومت مرکزی کاملاً مرتبط بوده و در تغییرات مقام‌های سیاسی در بوشهر و فارس نقش داشته است.^(۶۹)

تجار گاه با حکام محلی درگیر می‌شدند و طبیعی است در صورت عدم توافق دو قدرت نمی‌توانستند یکدیگر را تحمل کنند. سخت‌گیری‌های مالیاتی و دیگر اختلاف‌نظرها موجب برخورد می‌شد. از این نمونه درگیری معین‌التجار با نایب‌الحکومه در میناب را می‌توان نام برد^(۷۰) و شکایت تجار بیرجند از اجحاف‌های حکومت ارفع‌الممالک در دزدآب که به انفصال وی از خدمت منجر شد.^(۷۱)

تجار برای پیشبرد اهداف خود به جز دوران اوایل مشروطیت که به طور مستقیم در امور سیاسی مداخله کردند، پس از فاصله گرفتن از قدرت همچنان نفوذ غیرمستقیم خود را حفظ کردند. آنان گاه برای پیشبرد اهداف خود رشوه می‌پرداختند و افرادی در بین سیاستمداران بودند که از منافع آنان حمایت کنند. تجار در مواردی از حاکم محلی دفاع می‌کردند و خواهان دوام حاکمیت آنان بودند، بطور مثال حمایت تجار اصفهان از حکومت سردار ظفر که توانسته بود امنیت و آسایش اهالی را فراهم نماید از این نمونه بود.^(۷۲)

ابراز توافق یا مخالفت با هیات دولت از کارهای دیگری بود که تجار به آن می‌پرداختند، هر چند در این سال‌ها تشکلهای منجسم و منظمی در بین تجار وجود نداشت. ولی تلگراف‌هایی با عنوان عموم تجار صادر می‌شد. در سال‌هایی که محمدعلی‌شاه تلاش می‌کرد مجدداً قدرت را به دست گیرد و دولت روسیه با از دست دادن شاه، کفه قدرت سیاسی خود را خالی یافته بود، نیابت سلطنت و دولت‌های بختیاری‌ها و زمین‌داران رو به سوی انگلستان داشتند. روسیه سعی کرد این عدم تعادل را از طریق عمال خود تغییر دهد.

سعدالدوله از عمال سیاست روسیه سعی کرد با انتشار تلگراف‌های جعلی از سوی تجار و علما در مقابله با ناصرالملک و عین‌الدوله، کابینه تشکیل دهد.^(۷۳) افکار عمومی سعدالدوله را وابسته به روسیه و هدف او را بازگرداندن شاه می‌دانست. مذاکراتی بین تجار تبریز با علما و تجار تهران از طریق تلگرافخانه صورت گرفت. در بین مذاکره‌کنندگان معین‌التجار بوشهری، حاجی‌ابراهیم آقا، حاجی سیدمرتضی و حاجی باقر صراف و از تجار تبریز می‌توان ملک‌التجار، کوزه‌کنانی و صدقیانی را نام برد.^(۷۴) از تجار بزرگ تهران، امین‌الضرب و معین‌التجار به آذربایجانی‌ها گوشزد کردند هر چند شرایط کشور رضایتبخش نبوده ولی افراد در صدد اصلاح کابینه و بهبود شرایط هستند و باید با دقت و تفکر و تعمق بیشتری به امور پرداخت. نکته جالب در این وقایع که مدتی بعد در تلگراف‌های بعدی جعلی اعلام شد.^(۷۵) این بود که تجار بزرگ در سال‌های قبل از جنگ جهانی به تدریج در جریان‌های سیاسی خود را می‌یابند و حضور نسبی پیدا می‌کنند؛ با اینکه ناراضیاتی خود از شرایط موجود را اعلام می‌کنند ولی به تلاش‌های خیرخواهانه و شرایط و محذورات کشور واقفند و حرکت آگاهانه و دقیق را خواستارند و حتی تذکر می‌دهند ملت ایران در این چند ساله «بهر وسیله متوسل گشته یا از راه بدبختی یا از راه جهل و نادانی گرفتار نتایج وخیمه شده طریق نجات را از کف داده»^(۷۶) همین امر ایمان آنان به مشروطیت و تلاش برای ماندگاری آن را به رغم تمام مشکلات نشان می‌دهد، تجار حتی در شرایط بحرانی برای نجات دولت مشروطه، حاضر به قرض دادن به دولت شدند و در پاسخ به تقاضای دولت برای استقراض ملی، هیأت تجار درجه اول که در مجلس تجارت بوشهر موسس و عضو بودند جلسه‌ای تشکیل دادند. حاج سیدمحمدرضا تاجر کازرونی و حاج عبدالرسول رئیس‌التجار و حاج‌محمدباقر بهبهانی در این امر تلاش بسیار کردند. در این نشست مبلغ چهل هزار تومان برای استقراض به دولت تهیه شد و قول جمع‌آوری شصت هزار تومان دیگر نیز پس از وصول قانون‌نامه استقراض از سوی دوایر مرکزی داده شد.^(۷۷)

مبادلات مالی تجار با سران دولت نیز همچنان وجود داشت. حواله‌های پولی سردار ارفع به حاجی سلطان‌علی صاحب تاجر شوشتری از تجار ایرانی در هند؛^(۷۸) پرداخت حقوق میرزا محمدعلی‌خان مستوفی‌الدوله توسط معین‌التجار از این نمونه بود.^(۷۹) حکومت نیز سعی داشت حتی الامکان اعتراض و شکایتی از سوی تجار مطرح نگردد و رضایت آنان را جلب کند، چون گروه صاحب نفوذ و قدرتمندی بودند و معمولاً به شکایت‌های آن‌ها ترتیب اثر داده می‌شد. سعدالدوله وزیر تجارت اوایل مشروطیت حکم ریاست تجار همدان را صادر کرد و در نامه خود تأکید نمود که باید طوری باشد که تجار شکایت نکنند و راضی باشند.^(۸۰)

اعتراض‌ها و شکایت‌های تجار در این دوران چندین وجه داشت. شکایت از عملکرد سیاسی حکام و اعتراض‌های مالیاتی که در سرتاسر این دوران وجود داشت. در هر حال

تجار برای پرداخت مالیات املاک خود و اجاره‌ها و امتیازهایی که از دولت می‌گرفتند با وزارت مالیه درگیر بودند. دولت از اعتراض‌های دسته جمعی تجار که عمدتاً با حمایت و پیروی اصناف از آن‌ها به یک جریان عمومی و بسته شدن بازار منجر می‌شد، هراس داشتند. در سال ۱۳۳۱/۱۹۱۳ اعتراض تجار خراسان به مالیات جدید اعمال شده از سوی پیشکار مالیه خراسان، ماجرای عظیمی ایجاد کرد و بدنبال آن واکنش تجار و اصناف مناطق مختلف خراسان آغاز می‌شود. تجار و اصناف تون از توابع طبس طی نامه‌ای به وزارت مالیه به شرح وضعیت داد و ستد در این منطقه پرداختند و پرداخت چنین مالیاتی را در توان خود ندانستند.^(۸۱) تجار خراسان مالیات جدید را با وجود همه خسارت‌هایی که در این سال‌ها به دلیل ناامنی ایجاد شده بود و شرایط نامساعدی که به ورشکستگی تجار انجامیده بود، اجحافی مضاعف بر تجار دانستند.^(۸۲) در اعتراض به شرایط جدید بازارها بسته شد. «روز بعد از تعطیل تجار، اصناف هم از هر طبقه دکان‌ها را بسته به تجار تبعیت کرده در مسجد جامع اجتماع نمودند، حتی میرزا حسین مجتهد هم نتوانست تجار را وادار به باز کردن دکان‌هایشان کند. طی گزارشی که از طریق کارگزاری وزارت امور خارجه از وضعیت سبزوار به تهران مخابره شد، اداره مالیه سبزوار از اول جمادی‌الثانی ۱۳۳۱ از اصناف «طلب تعرفه کرده» و تا پانزدهم ماه از آن‌ها تعرفه گرفته است، هنگامی که خواسته‌اند از تجار تعرفه بگیرند آنان جواب دادند که «ما تابع مرکز هستیم هر وقت در تهران یا مشهد تجار تعرفه دادند، ما هم اطاعت داریم» رئیس مالیه سبزوار سعی کرده با قوه قهریه از تجار تعرفه بگیرد آن‌ها هم حجره‌ها و کاروانسرای خود را بسته به هیأت وزراء تلگراف کردند و بدنبال آن اصناف نیز از آنان تابعیت کرده در مسجد جامع جمع شدند.^(۸۳)

تجار بدنبال قانونی همه‌گیر، یکسان و منظم بودند، از این رو اعتراض‌ها گسترش می‌یابد. تجار مرند از وزارت تجارت پرسش می‌کنند که آیا حکم صادر شده در تمام نقاط ایران و از طرف دولت بوده و قانونی است یا صرفاً منطقه‌ای می‌باشد. هیأت تجار مشهد به وزارت تجارت تلگراف می‌کنند.^(۸۴) تلگراف‌هایی به وزارت داخله و مالیه مخابره می‌شود.^(۸۵) صنف بلورفروش مشهد طی تلگرافی به وزارت داخله و مالیه بر عدم تصویب چنین قانونی تأکید کرد.^(۸۶) تجار و کسبه سیستان در اعتراض به مالیات وضع شده در کنسولگری انگلیس متحصن شدند. وزارت خارجه به مالیه توصیه می‌کند یا مالیات معمول را بگیرد یا از روی داریبی و عدالت بر عایدات مالیات ببندد.^(۸۷) طی تلگراف رمزی از وزارت داخله خواسته می‌شود تا پیش از گسترش اعتراض و تحصن بازاری‌ها و خسارت بیشتر هر چه زودتر از این غائله را خاتمه دهد.^(۸۸) برای پایان دادن به این وضعیت وزارت مالیه به پیشکار مالیه خراسان می‌نویسد که اخذ مالیات بدون تصویب مجلس غیرقانونی بوده و باید متوقف گردد.^(۸۹)

از بیان یکی از اعتراض‌های منطقه‌ای تجار در چند سال پس از مشروطیت به نکاتی

می‌توان دست یافت که در فهم عملکرد این طبقه قابل توجه است. از متن نامه‌های مربوط به این ماجرا نکات ذیل مشخص می‌شود: (۹۰)

- ۱- توجه و تأکید تجار به قانون و لزوم استقرار و اهمیت قانون.
- ۲- اهمیت همسانی و همه‌گیر بودن قانون و رفع تبعیض‌هایی که در دوران استبداد بر اساس سلیقه‌ها و روابط متداول بود.
- ۳- فهم روابط بین تجار و اصناف و تابعیت اصناف از تصمیم‌های تجار و اینکه خط دهنده اصلی در حرکت‌های عمومی در بیشتر موارد تجار بودند. آن‌ها آگاه‌تر و مدعی‌تر بودند و از اقتدار بیشتری برخوردار بودند. همواره اصناف دنباله‌رو تجار بودند.
- ۴- اختلاف نظر علما و تجار؛ به رغم نزدیکی همیشگی، در مواردی تجار به توصیه‌های علما عمل نمی‌کردند.
- ۵- نگرانی دولت از آشفتگی و نارضایتی عمومی بخصوص بازاری‌ها و تلاش برای حل آن.

۶- به دلیل عدم اقتدار نهادهای نظام نوین، تجار همچنان از همان کارکردهای سنتی مثل تحصن در سفارتخانه‌های خارجی برای اعتراض‌های خود بهره می‌جستند. از دیگر مسایل اساسی تجار، رابطه امور تجارتنی و امنیت راه‌ها بود. آنان از دولت انتظار داشتند در این امر کوشا باشد. تجار قزوین به وضعیت امنیتی شهر اعتراض کردند؛ آنان گفتند در ابتدا گمان می‌کردند راه‌ها پر از دزد و راهزن بوده ولی دیگر در شهر نیز امنیت نیست و اینکه مالیات غیرمستقیم را دولت به همین منظور گرفته است. آنان طی نامه‌ای به وزارت داخله خواهان تسریع در پرداخت حقوق افراد نظمی شدند و آن را موجب «اطمینان قلوب» اهالی دانستند. در مواردی که دولت قادر به حفظ امنیت نبود، تجار خود به این امر مبادرت می‌کردند.

منطقه ممسنی در پیش از مشروطیت به معین‌التجار واگذار گردید و وی مسئول مالیات و حفظ امنیت این منطقه بود. اهالی ممسنی از ترکتازی‌های ایلات و حملات اتراک و الوار و کشکولی‌ها و باج‌گیری‌های آن‌ها به معین‌التجار شکایت کردند. (۹۱) معین‌التجار صاحب تیول و زمیندار بزرگ منطقه محسوب می‌شد. وی رابط سران و مشایخ مناطق جنوبی با سران دولت بود، میزان مالیات دیوانی مشایخ قشم را تعیین می‌کرد (۹۲) و در خصوص تأمین حقوق و مواجب سربازان بنادر و حفظ امنیت منطقه تلاش می‌کرد. (۹۳) وی مرجع مردم بود، تجار و کسبه قشم از ظلم شیوخ منطقه به او پناه می‌بردند (۹۴) و به قدری در دسته‌بندی قدرت‌های محلی از یاغیان منطقه تا شیوخ و حکام نفوذ داشت که از فارس، نامه‌هایی به دولت ارسال می‌شد و از معین‌التجار و نفوذش در دسته‌بندی‌های سیاسی منطقه شکایت می‌شد. (۹۵) معین‌التجار در منطقه افرادی داشت که حوادث و وقایع را برای وی در تهران گزارش می‌کردند. (۹۶) از آنجایی که وی در منطقه حضور نداشت ولی صاحب سهم مالکانه

بود، وصول مالیات میناب از مناطق تحت نفوذش را طی قراردادی به سالار معظم حکمران کل بنادر و جزایر خلیج فارس سپرد. مالیات این مناطق بین معین‌التجار، حکمران کل بنادر، حاج شیخ‌حسن امین‌دیوان و ناظم‌التجار تقسیم می‌شد.^(۹۷) خزعزل نیز طی مکاتباتی با معین‌التجار قول گرفتن مالیات دو ساله بنی طرف و هویزه را می‌دهد. چون گرفتن مالیات این مناطق دشوار بود و با اردوکشی و نیروی نظامی حاصل می‌شد. خزعزل تا میزان شانزده هزار تومان قول گرفتن مالیات را می‌دهد و از معین‌التجار می‌خواهد به جای ارسال نیروی نظامی گرفتن مالیات را به او واگذارد.^(۹۸)

حضور معین‌التجار به عنوان تاجر - مالکی صاحب نفوذ در مناطق جنوبی ایجاب می‌کرد برای حفظ منافعی در منطقه تلاش کند. حفظ امنیت و وصول مالیات مواردی بود که وی فعالانه در آن شرکت می‌کرد. تا جایی که امکان داشت، از افرادش در محل می‌خواست شرارت‌های یاجیان را در تعدی به افراد بومی سرکوب کنند تا محتاج کمک ایالت نشوند.^(۹۹) در سال‌های قبل از مشروطیت، ناامنی‌ها با استفاده از نیروهای محلی حل و فصل می‌شد. نفوذ معین‌التجار در دسته‌بندی‌های سیاسی و اعمال نفوذ در دستگاه دولتی به این امر کمک می‌کرد. مکاتباتی که بین علاءالدوله و عین‌الدوله در مورد معین‌التجار صورت گرفت، حاکی از همین قدرت و نفوذ بود.^(۱۰۰) در سال‌های پس از مشروطیت، وی برای حفظ امنیت و وصول مالیات املاکش در ممسنی مجبور به اعزام نیرو به منطقه شد. رهبری اعزام نیرو به منطقه برای تثبیت مالکیت و حفظ امنیت و وصول مالیات را خود معین‌التجار به عهده گرفت. معین‌التجار با هماهنگی با وزارت داخله، چگونگی پرداخت هزینه اعزام تفنگچی به ممسنی و استفاده از سواران قشقایی را تعیین کرد.^(۱۰۱) وی حقوق مأمورین ممسنی و صد نفر تفنگچی کازرونی و سواران قشقایی را که در کنار این اردو به ممسنی اعزام می‌شدند، تقبل کرد. قبول چنین هزینه‌ای برای تسریع در اعزام نیروهای نظامی به منطقه بود.^(۱۰۲) وزارت جنگ و دولت نیز تمام تلاش خود را برای رفع نگرانی و همکاری با معین‌التجار انجام می‌دهد.^(۱۰۳) پس از اعزام نیرو و تفوق بر اشرار، اهالی منطقه از معین‌التجار خواستند به دلیل ناامنی و حمله‌های مکرر اتراک به منطقه، در پرداخت سهم مالکانه به آنان تخفیف دهد و قراردادی برای کاهش سهم مالکانه بین آنان منعقد می‌گردد.^(۱۰۴)

د) تجارت و مسائل فرهنگی - اجتماعی

۱ - تأسیس مدارس و امور خیریه

از مهمترین اموری که تجارت پس از مشروطیت نیز به آن توجه داشتند کمک و مشارکت در امر مدرسه‌سازی بود. آنان به عنوان معتمدان، متنفذان و متمولین محلی همیشه مورد مراجعه مدرسه‌سازان بودند. اینکه آیا نگاه تجارت به توسعه مدارس جدید چگونه بوده است از اهمیت خاصی برخوردار است و ما را به فهم عمیق‌تر افکار آنان نزدیکتر می‌کند. تجارت

توسعه مدارس را با رواج غرب‌گرایی همسان نمی‌دیدند، آنان ترقی‌خواهانی بودند که در پی استقرار نهادهای مدرن هستند. آنان می‌خواستند به تمدن غرب نزدیک شوند ولی نزدیکی و اتصال آنان به سنت مانع شیفتگی در برابر غرب می‌شد. بطور قطع تجار فهم عمیقی از مبانی فکری مدرنیته نداشتند. آنان به تأثیری که متون درسی جدید همچون فیزیک، شیمی، ریاضیات و دیگر علوم بر فهم دانش‌پژوهان می‌گذارد به درستی واقف نبودند، فقط می‌دانستند که بالا بردن فرهنگ و با سواد شدن عمومی می‌تواند به رشد و پیشرفت جامعه کمک کند. گاه حمایت‌های تجار از تأسیس مدارس رنگ دینی می‌گرفت و همکاری با روحانیون معارف‌خواه در تأسیس مدارس، بالا بردن آگاهی از «طریق اسلامیت» تعبیر می‌شد. فهم آنان از غرب به مبانی فکری آن بازنمی‌گشت بلکه بیشتر تقلید از دست‌آوردهای مادی تمدن غرب بود.

تجار در سراسر کشور و حتی در جاهای دورافتاده در امر توسعه مدارس مشارکت داشتند. حاج ناصرالتجار و حاج مشیرالتجار از افراد موثر در گسترش مدارس محمره بودند.^(۱۰۵) حاج محمدحسین امین‌التجار در ساختن مدرسه امینیه در منطقه اوز از نواحی لارستان فارس همکاری کرد و همینطور مخارج چهل شاگرد این مدرسه را به طور سالیانه تقبل کرد.^(۱۰۶) در سال‌های پس از مشروطیت در جای جای کشور خبر از مشارکت تجار در تأسیس مدارس وجود دارد. همکاری گروهی تجار در ایجاد مدرسه موسوم به جاسیبه در بندر ناصری که تدارک امور مالی آن به عهده حاج رئیس‌التجار، حاج سیدحسین شوشتری، سیداحمد تاجر شوشتری، سیدمحمدحسین تاجر شوشتری، حاج محمدطاهر تاجر شوشتری، محمدباقر تاجر بهبهانی و میرزا عبدالرحیم تاجر اصفهانی بود. تجار شوشتری مقیم بمبئی نیز در این امر مشارکت کردند.^(۱۰۷)

کمک مالی افتخارالتجار و حاج امین‌التجار در ساختن مدرسه شوکتیه در ترشیز^(۱۰۸)، همچنین پرداخت وجوهی از سوی تجار در ساختن مدرسه اعظامیه در بارفروش^(۱۰۹) و مدرسه اشجعیه سعادت در استرآباد.^(۱۱۰) تجار خارج از کشور نیز برای ایرانی‌های مقیم خارج دست به مدرسه‌سازی زدند. تجار مقیم بحرین مدرسه ابتدایی در بحرین تأسیس کردند.^(۱۱۱) توجه به تأسیس مدارس دختران نیز در بین تجار وجود داشت به طور مثال ناظم‌التجار سمنانی تلاش بسیاری در تأسیس مدرسه ابتدایی مجانی دولتی در سمنان کرد.^(۱۱۲) البته گسترش و رواج مدارس دختران بسیار کمتر بود و مخالفت‌هایی با آن صورت می‌گرفت که طبعاً از فعالیت تجار در این زمینه می‌کاست، چرا که تجار برای حفظ اعتبار خود بدنبال بافت سنتی جامعه در حرکت بودند و هیچگاه به مقابله با آن برخاستند، با این حال در زمانی که مدارس دختران تا حدودی در بین مردم پذیرفته شد، تجار نیز به تأسیس آن کمک کردند.

تجار علاوه بر تأسیس مدارس، در زمینه امور خیریه و پرداخت کمک و اعانه نیز پیشقدم

بودند. این اعمال برای آن‌ها هم جنبه اعتقادی و هم جنبه اعتباری داشت. حضور تجار در انجمن‌های خیریه بیشتر پاسخ آنان به توقع و انتظار عمومی بود. بطور مثال گروهی از تجار در تشکیل انجمن معدلت رضوی و انجمن خیریه سعادت فعالیت داشتند. حاج عبدالرحیم آقا صراف، حاج محمدکاظم رکن‌التجار، حاج معین‌التجار و حاج میرزا محمد تاجر یزدی در زمره کمک‌کنندگان به انجمن خیریه سعادت بودند.^(۱۱۳) این انجمن که دارای نظام‌نامه مشخص بود هدف اصلی خود را اقدام در امور خیریه و در مرحله بعد ترویج معارف معرفی کرد. این انجمن اقداماتی در زمینه تأسیس کارخانه قالی‌بافی، آبله‌کوبی مجانی مردم، کمک به رساندن شیر به کودکان یتیم و بی‌سرپرست کرد و اهداف آینده خود را جمع‌آوری گدایان و ترویج کالاهای وطنی اعلام نمود.^(۱۱۴) پرداخت اعانه و کمک مالی تجار گاه از مرزهای کشور نیز فراتر می‌رفت. کمک مالی تجار به محرومان دولت عثمانی، که آن را «محض غیرت اسلامی و صیانت دینی» توجیه کرده‌اند،^(۱۱۵) مشارکت تجار مقیم استانبول در ایجاد دبستان و مریض‌خانه مظفری،^(۱۱۶) از این نمونه بود. به نظر می‌رسد ملیت، قومیت و یا حتی تعلق به شهر و ناحیه‌ای بخصوص در این گونه امور تأثیر نداشت.

۲- امور فرهنگی و روشنفکران

روشنفکران و تجار بزرگ و ترقی‌خواه با یکدیگر مرتبط بودند. این ارتباط شامل ملاقات‌های حضوری و مبادله افکار و نظریات یکدیگر بود که از این موارد می‌توان به مذاکره گروهی از افراد برجسته انقلاب همچون حاج حسین امین‌الضرب، حاج معین‌التجار، وثوق‌الدوله، مستشارالدوله و سیدحسن تقی‌زاده با چند تن از انقلابیون ارمنی در دسامبر ۱۹۰۷ و ژانویه ۱۹۰۸ اشاره کرد که در خصوص فعالیت تبلیغی در خارج از کشور برای جنبش مشروطیت و در مقابله با نفوذ روس و انگلیس و جلب همکاری انقلابیون بلغار و مقدونی و گرجی و قفقازی با مجاهدان ایرانی صورت گرفت.^(۱۱۷) بجز گفتگوهای مستقیم، این دو گروه روشنفکران از طریق روزنامه، شبنامه و دیگر وسایل ارتباطی بر افکار تجار تأثیر می‌گذارند و طبعاً تجار نیز با نزدیکی به این قشر اهل قلم کمک‌های مالی لازم برای توسعه امور فرهنگی را به عهده می‌گرفتند. روشنفکران در هر مورد خطوط فکری خویش را به تجار ارائه می‌دادند. آنان با آگاهی دادن از شیوه تجارت اروپاییان و مقایسه با روش متداول در ایران، تجار را به امری تشویق یا منع می‌کردند. این مسئولیت را روزنامه‌ها به عهده گرفته بودند. طی مقاله‌ای با عنوان «قابل توجه طبقه محترم تجار» به آنان گوشزد شد که تجار ایرانی باید «رویه تجارت خود را تغییر داده، طریقه تجارت اروپاییان را پیش گیرند»، انتخاب شیوه و اسلوب صحیح تجاری بیش از سرمایه اهمیت دارد.^(۱۱۸) روشنفکران از طریق روزنامه‌ها، تجار را به بهره‌گیری از «علم تجارت» ترغیب می‌کردند.^(۱۱۹) آنان سعی در تقویت سرمایه‌داری ملی در راستای قدرت سیاسی داشتند و آن را در مقابل قدرت‌های

خارجی می‌دیدند. آنان با مقایسه وضعیت اروپا که اقتدار خود را در سایه تجارت بدست آورد، پیمودن آن مسیر را با استفاده از کالاهای وطنی و تقویت «محبت قومی» می‌دانستند و شکست شرکت اسلامی و کارخانه کبریت‌سازی امین‌الضرب و حیت‌بافی تهران را به دلیل نداشتن حس نوع‌پرستی در بین ایرانیان قلمداد می‌کردند. آنان تابعیت از ژاپن و «قناعت به امتعه وطن خود» را شعار خود قرار دادند و آن را به ملت و تجار گوشزد می‌کردند^(۱۲۰) و در این راستا با منافع تجار ایرانی هم‌سو بودند. روشنفکران به ضرورت تشکیل اتاق تجارت و تلاش تجار برای ایجاد آن اشاره کردند و تعلل در تشکیل آن را موجب ضرر و زیان تجار دانستند.^(۱۲۱) روشنفکران از این طریق به تبلیغ و انتشار عقاید خود می‌پرداختند.

از سوی دیگر تجار با برخی روزنامه‌های مشروطه‌خواه هم‌سوئی نشان می‌دادند و آنان را از همراهی و کمک‌های مالی خود بی‌نصیب نمی‌گذاشتند. ارتباط تجار با روزنامه‌نگاران حاکی از همین امر بود. ملاقات حاج میرزا عبدالمحمدخان مدیر روزنامه چهره‌نما که در مصر منتشر می‌شد، با حاج غلامحسین تاجر کازرونی از تجار بزرگ بوشهر و پذیرایی از وی در دوران اقامتش در بوشهر،^(۱۲۲) به منزله معارف‌پروری تجار بزرگ قلمداد می‌شد. آقا سیدآقا تاجر اصفهانی مقیم استانبول در توزیع روزنامه ارشاد که «محسنات مشروطه و مضار استبداد» را می‌نوشت، دخالت داشت.^(۱۲۳)

این همکاری از حد حمایت‌های مالی فراتر رفت و حتی تجار ترقی‌خواه به تشکیل‌های فرهنگی نیز راه یافتند. در سال ۱۳۲۷ هجری، هیأتی به نام «جمعیت نشر معارف آذربایجان» تشکیل شد و هدف خود را توسعه دایره معارف و نشر و تعمیم علوم و تأسیس مدرسه و کتابخانه، تألیف و ترجمه کتاب کودکان و انتشار جراید و روزنامه‌های داخلی و خارجی قرار داد و آن را موجب «تسویه افکار و تزکیه اخلاق» دانستند. تجار آذربایجانی از جمله معتمدالتجار و حاج محمدعلی آقابادامچی در کنار مساوات و تقی‌زاده در این گروه حضور داشتند.^(۱۲۴) تجار حتی به این فکر افتادند که برای انجمن تجارت، روزنامه مخصوصی تأسیس کنند و با انتشار مقاله‌های تجارتنی جریان امور تجاری را فعال‌تر کنند.^(۱۲۵)

روزنامه حبل‌المتین که در کلکته منتشر می‌شد رابطه نزدیکی با تجار ایرانی مقیم هند داشت؛ همچنین با تجاری که به این منطقه رفت و آمد داشتند.^(۱۲۶) این روزنامه‌ها از کمک‌های مالی تجار بهره‌مند می‌شدند، و وکالت آن را در برخی شهرها تجار به عهده داشتند، از جمله محمدحسین صاحب تاجر دهمدهشتی وکیل حبل‌المتین در بوشهر بود.^(۱۲۷) از تجاری که با روزنامه همکاری داشتند، حاجی میرزاهاشم آقا تاجر اصفهانی، محمدحسن آقا تاجر کاشانی، آقامیرزا محمدجواد آقا تاجر افشار و خداپنده رستم تاجر ایرانی و وکیل تجارخانه جمشیدیان بودند.^(۱۲۸)

۳- مواردی از فعالیت‌های اجتماعی تجار

حضور تجار در تشکلهای صرفاً سیاسی بیشتر جنبه فردی داشت و عملکرد کلی این طبقه نبود، بطور مثال یکی از نامزدهای حزب دموکرات، امین‌التجار بود^(۱۲۹) و پس از اعلام اولتیماتوم روس که کمیته دموکرات اصفهان تصمیم به اعزام یک عده مجاهد از اصفهان به تبریز گرفت، حاج حبیب‌الله امین‌التجار برای این امر داوطلب شد.^(۱۳۰) البته در کمیته دفاع ملی نیز که برای مقابله با هجوم روسیه تشکیل شد، تجار نقش فعالی نداشتند و در بین اسامی فقط حاج‌احمد تاجر تبریزی، آقا حاج حسن تاجر تبریزی، سیداحمد ترک تاجر بلورفروش، آقا سیدمهدی دزفولی تاجر بلورفروش و آقامیرزا محمود تاجر کاشانی وجود داشتند^(۱۳۱) که درصد زیادی از داوطلبان را تشکیل نمی‌داد و این امر نشان می‌دهد که تجار به دلیل پذیرش اولتیماتوم از سوی دولت و عدم حضور در فعالیت‌های صرفاً سیاسی، در این زمان فعال نبودند. اما تجار در جمعیت‌هایی که دارای ابعاد اجتماعی - اقتصادی بودند بیشتر حضور می‌یافتند، برای مثال حاج‌لطفعلی تاجر، میرزا آقا جان تاجر و علی‌اصغر تاجر از موسسین جمعیت ترقی خواهان ایران بودند که از اهداف این جمعیت، حفظ قوانین مشروطیت، امنیت مالی و جانی، نشر علوم و معارف و توسعه تجارت و رواج کالاهای داخلی، امنیت راه‌ها، ترقی زراعت، ایجاد کارخانه و بکار انداختن معادن را معرفی کرده بودند.^(۱۳۲)

از موارد دیگری که می‌توان به آن اشاره کرد، نقش دوگانه تجار در مسأله نان بود. از یک سوی تجاری بودند که برای «اصلاح عمل نان» با دولت همکاری می‌کردند و به صورت شراکت پخت نان خوب و فراوان در تهران را تقبل می‌کردند.^(۱۳۳) از سوی دیگر مواردی از شورش مردم بر ضد برخی تجار وجود داشت که آنان را مسبب گرانی و کمبود ارزاق و نان و از عوامل احتکار قلمداد می‌کردند. از این نمونه می‌توان طغیان و حمله مردم خراسان به منزل معاون‌التجار را ذکر کرد. مردم او را عامل گرانی دانستند و لزوم حمله به خانه و انبار وی مطرح شد. طلاب نزد علما رفتند تا آن‌ها را به جمع خود آورند ولی آن‌ها همراه نشدند. گروهی از طلاب و اصناف به سمت خانه معاون‌التجار حرکت کردند. وی که حکم ایالت خراسان را گرفته بود به تدارک نیروی نظامی پرداخت و از سواران شاهسون و کاکویه کمک گرفت و درگیری نظامی با مردم غائله عظیمی در خراسان ایجاد کرد.^(۱۳۴)

گرفتن مناصب دولتی در بین تجار چندان متداول نبود. موارد اندک آن بیشتر جنبه فردی داشت. بطور مثال گرفتن حکم ایالت خراسان توسط معاون‌التجار و انتخاب ناصرالتجار برای تصدی امر بلدییه محمره بود.^(۱۳۵) از این گونه موارد قلیل فقط در مشخصه‌های فردی تجار می‌توان سراغ گرفت ولی یک روال کلی در این طبقه نبود.

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل چهارم

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل چهارم

تبرستان

www.tabarestan.info

۱. مجموعه‌ای از قبض رسید که توسط حاج رحیم اتحادیه به جهت «حجة السلام و المسلمین آقای حاج امام جمعه مجتهد خویی» بابت ماهانه حسنعلی خان پسر صغیر مرحوم قوچعلی خان موفق الدوله در ماه‌های مختلف سال ۱۳۳۵ هجری پرداخت شده بود، (آ.ا.ت).
۲. نامه‌های مبادله شده با حاج رحیم اتحادیه که مجموعه‌ای از آرشیو اتحادیه است میزان ارتباط شرکت اتحادیه با تجارتخانه‌های گوناگون در سراسر کشور و خارج از آنان را نشان می‌دهد که در پیوست‌های بخش اول، به صورت جدول مشخص شده است و از آرشیو اتحادیه استخراج شده است: (نگاه کنید به: پیوست‌های بخش اول، ص).
۳. نامه حاج ابراهیم انطبقة چی به حاج رحیم اتحادیه، استانبول، ۴ ذی حجه ۱۳۳۹، (آ.ا.ت).
۴. نامه میرزا علی اکبر اسماعیل زاده، استانبول، ۱۹ ذی حجه ۱۳۳۹، (آ.ا.ت).
۵. محمد تقی افشار به حاج رحیم اتحادیه، بمبئی، ۲۲ رجب ۱۳۴۵ و ۶ بهمن ۱۳۰۵، (آ.ا.ت).
۶. حاج محمد کازرونی به حاج رحیم اتحادیه، بمبئی، ۱۵ رجب ۱۳۵۰ و ۳۱ شهریور ۱۳۱۱، (آ.ا.ت).
۷. عبدالحسین کازرونی به رحیم و لطفعلی اتحادیه، ۲۱ رمضان ۱۳۳۹ و ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۳۳۹ و ۸ شوال ۱۳۴۰، ۲ شوال ۱۳۳۹.
۸. کازرونی به اتحادیه، بمبئی، ۶ رمضان ۱۳۴۰، (آ.ا.ت) این شرکت‌ها در صورت کسر صندوق‌های مال‌التجاره با در دست داشتن بارنامه اگر کالایی هزار روپیه قیمت داشته باشد ۵۰۰ روپیه آن را می‌پردازند.
۹. کازرونی به اتحادیه، بمبئی، ۵ صفر ۱۳۴۱، (آ.ا.ت).
۱۰. حاج فتح‌الله فتحی به حاج رحیم و حاج لطفعلی اتحادیه، بمبئی، ۵ ربیع‌الثانی ۱۳۳۹، (آ.ا.ت).
۱۱. عبدالحسین کازرونی به اتحادیه، تهران، ۲ جمادی‌الاول ۱۳۴۰، (آ.ا.ت).
۱۲. حاج محمدعلی به حاج رحیم اتحادیه، تهران، ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۴۰، (آ.ا.ت).

۲۵۰. تجار، مشروطیت و دولت مدرن

۱۳. عبدالحسین کازرونی به اتحادیه، بمبئی، ۹ ربیع الاول ۱۳۴۰، (آر.ا.ت).
۱۴. اسامی تجار ایرانی فعال در بمبئی، کلکته و پونه از این قرار بودند: آقا میرزا محمد صاحب امین التجار، حاج محمد مهدی مدحت الدوله (ملک تجار)، محمد حسین صاحب تاجر دهدشتی، شیخ محمد صاحب اصفهانی، محمد تقی صاحب تاجر افشار، آقا محمد حسین صاحب تاجر شوشتری، علی آقا صاحب تاجر نمازی، محمد حسن صاحب تاجر شوشتری، ابوالقاسم صاحب معین، حاج محمد علی صاحب تاجر لاری، آقا محمد علی صاحب تاجر کرچی، آقا عزیز فرزند آقا محمد حسین صاحب تاجر دهدشتی، آقا میرزا احمد صاحب تاجر شوشتری، (حبیل المثنی، سال ۱۸، ۱۳ صفر ۱۳۲۹/۱۳ فوریه ۱۹۱۱، ش ۳۲، ص ۱۶).
۱۵. همان جا، سال ۲۰، ش ۷، صص ۲۰-۱۸.
۱۶. همان جا، سال ۲۲، ۲۱ ذی قعدة ۱۳۳۲/۱۱۲ کبیر ۱۹۱۴، ش ۲۳، ص ۱۸.
۱۷. اسامی تجاری که در استانبول فعال بودند و طی جلسه‌ای از پرسن ارفع الدوله رفع کفالت را خواستار شدند: میرزا محسن معتمد التجار، حاجی بابا آقا، حاجی یوسف اردوبادی، حاجی محمود آقایی دشتی، حاجی محمد علی آقا حریری، حاجی احمد آقا طهرانچی، حاجی میرزا عباس علی آقا طهرانچی، مشهدی غفار آقا قرچه‌داغی، حاجی محمد آقا تبریزی، حاجی زین العابدین آقا مراغه‌ای، حاجی رضاقلی آقا خراسانی، مشهدی هاشم آقا، مشهدی تقی آقا تبریزی، حاجی محمد جواد آقا اصفهانی، آقا محمد جعفر طهرانی، حاجی رضا آقا دیلمقانی، آقا میرزا غلامعلی طهرانی، آقا میرزا علی محمد طهرانی، حاجی میرزا محمود، آقا میرزا بزرگ معاون التجار، کربلایی محمد حسین آقا ربیع‌اوف، حاجی حسین آقا تبریزی، مشهدی عبدالرحیم آقا معروف به هندی، حاجی محمد علی آقا، آقا بزرگ طهرانچی، علی آقا فرشچی خویی، حاجی محمد جعفر خطایی، میرزا علی اکبر آقا کاشانی، سید رضا آقا طهرانی، میرزا هادی آقا اصفهانی، میرزا علی آقا اصفهانی، آقا میرزا نصرالله، سید محسن آقا تبریزی، سید محمد آقا اصفهانی، حاجی محمد آقا تبریزی، حاجی میرزا علی تقی آقا گنجه‌ای، کاظم آقا ایروانی، حاجی مهدی آقا تبریزی، حسن آقا تبریزی، ابراهیم آقا کهمرنی، علی اکبر تاجر تبریزی، مشهدی عباسعلی خرازی. در ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۲۴ از سوی کنسولگری عثمانی داشتن کفالت نامه برای تجار ایرانی لغو شد. (حبیل المثنی، سال ۱۴، ۳ رمضان ۱۳۲۴/۱۲۲ کبیر ۱۹۰۶، ش ۱۲، صص ۱۵-۹).
۱۸. شکایت نامه حاج ابراهیم دلال اصفهانی به اولیای دولت و ملت و قاطبه تجار. ۱۰ جمادی الثانی ۱۳۰۴، امور خزانه، ۱/۲، ۱/۱، ۳/۱۰۶ [۲۹۶]، (م.ا.م).
۱۹. سواد دستخطی که آقای ناظم التجار نوشته است، (بی تا)، ۱۱۴۳۸۶-ق؛ همچنین نامه شماره ۸-۱۱۵۴۹۷-ق، (م.ا.ب).
۲۰. نامه حاج لطفعلی زنجانی طهرانچی به حاج رحیم اتحادیه، ۱۷ محرم ۱۳۵۰، (آر.ا.ت).
۲۱. هیأت اتحادیه اصناف قزوین به معین التجار، (بی تا)، (۱۶۸) ۱۴۰۰۶، (م.ا.م).
۲۲. ناظم التجار به معین التجار، (بی تا)، ۸-۱۱۵۴۹۷-ق، (م.ا.ب).
۲۳. قزوین، ۲ محرم ۱۳۳۰، ش ۶۵، صص ۴-۲.
۲۴. حبیل المثنی، سال ۱۵، ۱۷ ذی قعدة ۱۳۲۵/۲۳ دسامبر ۱۹۰۷، ش ۲۲، صص ۲۱-۲۰.
۲۵. همان جا، سال ۱۳، ۲۵ صفر ۱۳۲۴/۲۰ آوریل ۱۹۰۶، ش ۳۳، صص ۲۲-۲۰.
۲۶. همان جا، ص ۲۱.
۲۷. همان جا، سال ۱۸، ۱۷ رجب ۱۳۲۸/۲۰ ژوئیه ۱۹۱۰، ش ۵، صص ۶، ۸، ۱۰.
۲۸. حاج رحیم اتحادیه به ریاست وزراء، ۲۲ صفر ۱۳۳۹، نمره ۱۶۱، (آر.ا.ت).
۲۹. حبیل المثنی، سال ۱۳، ۲۳ ربیع الاول ۱۳۲۴/۱۸ مه ۱۹۰۶، ش ۳۶، صص ۴-۱.
۳۰. روزنامه جنوب گزارش می‌دهد «تجار متمول دست از تجارت کشیده تماماً ملاک شده‌اند جمعی با قلیل سرمایه از

یادداشت‌های فصل چهارم ۲۵۱

بمبئی متاع می‌آورند لیکن به علت عدم بضاعت قبل از وصول مال‌التجاره ناچار می‌شوند متاع وارد شده را فروخته وجه برات بانک که از بابت قیمت مال‌التجاره آن‌ها حواله شده ادا نمایند و به همین علت اغلب ورشکست و متضرر می‌شوند. نگاه کنید به: روزنامه جنوب، ۲۰ رمضان ۱۳۲۹، ش ۳۵، ص ۳.

۳۱. حبل‌المتین، سال ۲۰، ش ۲۴، ص ۱۷.

۳۲. فهرست اموال و املاک محمدحسین امین‌الضرب (بی‌تا)، وزارت مالیه، ۵۶/۵(۲۴۰) ۲۹۷، (م.ا.م.).

۳۳. عریضه رعایای املاک متعلق به ملک‌التجار، (بی‌تا)، ۴۳۸۲۰-ق، (م.ا.ب.).

۳۴. تلگراف انجمن ولایتی استرآباد به مجلس شورای ملی، (بی‌تا)، وزارت مالیه، ۶۰/۶۲/۲۷۸ [۲۴۰]، (م.ا.م.) (به نظر می‌رسد این اسناد مربوط به پس از استبداد صغیر باشد).

۳۵. عریضه آقای حاجی امین‌الضرب به مجلس شورای ملی، [بی‌تا]، وزارت مالیه، ۶۱/۶۲/۲۸۷ [۲۴۰]، ۶۳/۶۲/۲۸۷ [۲۴۰]، (م.ا.م.).

۳۶. در خصوص قدرت انجمن‌ها نگاه کنید به: حبل‌المتین، سال ۱۴، ۲۴ صفر ۱۳۲۵/۸ آوریل ۱۹۰۸، ش ۳۳، صص ۱۵-۱۶.

۳۷. همان‌جا، سال ۱۸، جمادی‌الاول ۱۳۲۹/اول مه ۱۹۱۱، ش ۴۲، صص ۱۴-۱۳.

۳۸. نامه وزارت تجارت و فلاح و صنعت به حاج معین‌التجار بوشهری، اول ربیع‌الاول ۱۳۲۸، ۱۵۱۵۴-ق، نامه وزارت تجارت به معین‌التجار، ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸، ۱۱۵۱۶۴-ق (م.ا.ب.).

۳۹. نگاه کنید به: حبل‌المتین، سال ۱۹، ۲۷ رجب ۱۳۲۹/۲۴ ژوئیه ۱۹۱۱، ش ۶، صص ۱۵-۱۴.

۴۰. همان‌جا، سال ۲۰، ش ۲۲، صص ۱۷-۱۶.

۴۱. صورت اجاره معدن کبریت به حاج آقامحمد شریف ملک‌التجار تاجر کاشانی، ۲۲ ربیع‌الاول ۱۳۲۴، [این اجاره‌نامه تا سال ۱۳۲۹ همچنان معتبر بود]، ۱۱۴۴۴۷-ق، (م.ا.ب.).

۴۲. نامه محمود طاهبازوف به حاج رحیم اتحادیه، ۵ جدی ۱۲۹۹، (آ.ا.ت.).

۴۳. حبل‌المتین، سال ۱۷، ۲۰ جمادی‌الاول ۱۳۲۸/۳۰ مه ۱۹۱۰، ش ۴۴، صص ۱۷-۱۶. روزنامه جنوب، ۲۶ محرم ۱۳۲۹، ش ۶، ص ۲؛ همان‌جا، ذی‌حجه ۱۳۲۸، ش ۲، ص ۳.

۴۴. تلگراف تجارت و اصناف عربستان به مجلس شورای ملی، ناصری به تهران، ۲۹ حمل ۱۳۲۸ قمری، وزارت کشور، ۴۷/۴۷/۲ [۲۹۳]، (م.ا.م.)؛ تجاری که از معین‌التجار حمایت کردند: حاج عبدالرسول، حاج محمدباقر بهبهانی، حاج رضا بهبهانی، حاج محمد جنبه، حاج ناصر، حاج محمدحسین شیرانی، حاج عبدالکریم دهدشتی که عمدتاً از تجار متوسط بودند که همکاری‌هایی باوی در بوشهر داشتند. نگاه کنید به: نامه تجار بوشهر به مجلس وزرای عظام، ۱۳۲۸. وزارت کشور، (۴) ۴۷/۴۷۲ [۲۹۳]، (م.ا.م.).

۴۵. «تلگراف از بوشهر»، روزنامه جنوب، ۳۰ رمضان ۱۳۲۹، ش ۳۵، ص ۸؛ معین‌التجار با شراکت حاج رحیم اتحادیه و میرزا ابوطالب اسلامیه و حاج میرزا علی صراف و عده‌ای دیگر پیشنهاد استخراج نفت مازندران را نیز به دولت می‌دهند و قرارداد بین این افراد با وزرات فلاح و تجارت و فواید عامه منعقد می‌شود و برای اجازه نهایی به مجلس شورای ملی فرستاده می‌شود. ولی از مکاتبات بعدی و نتیجه آن آگاهی بدست نیامد. اما مشخص است که این امتیاز به نتیجه موفقیت‌آمیزی دست نیافته است (نامه وزرات فلاح و تجارت و فواید عامه به مجلس شورای ملی، (بی‌تا)، ۸-۱۶۶۰-ق، (م.ا.ب.) ۱۱۵۱۹۵-ق و ۱۱۵۳۱۸-ق، (م.ا.ب.).

۴۶. مکاتبات معین‌التجار با کمپانی استریک، ۲۹ جمادی‌الاول ۱۳۳۳، ۱۵۹۱۹۵-ق و ۱۱۵۳۳۱۸-ق (م.ا.ب.)؛ سفارش اکسید قرمز برای مدت پنج سال توسط مولیا و کمپانی، (مولیا و کمپانی به معین‌التجار، ۱۱۵۳۱۵-ق؛ کلون اهرنفلد به معین‌التجار،

۲۵۲. تجارت، مشروطیت و دولت مدرن

۱۱۵۳۱۷-ق).

۴۷. مشارکت در کتترات جدید، ۲۶ جمادی الاول ۱۳۳۳، ۱۸۵۱۹۵-ق، (م.ا.ب).

۴۸. قراردادی ما بین معین‌التجار و چند تن دیگر از سهام‌داران شرکت راه‌آهن ناصری منعقد می‌شود. میزان سهام به این شرح بوده است:

معین‌التجار	۱۴۰ سهم	(هر سهم ۱۰۰ تومان)
حاج محمد دهنشتی	۱۴۰ سهم	حاج محمدرضا تاجر شوشتری
حاج محمدرضا دهنشتی	۱۵ سهم	حاج عبدالرضا تاجر شوشتری ۵۰ سهم
حاج محمد جواد دهنشتی	۱۵ سهم	
حاج محمدرحیم معاون‌التجار	۱۵ سهم	

در این قرارداد سود سهام بین ۵ تا ۱۰ درصد تخمین زده شده و میزان کرایه‌ای که از مسافر و بارگرفته خواهد شد نیز تعیین شده است. (کتابچه قرارداد راه‌آهن، ۸۴-۱۱۵۲۸۲-ق، (م.ا.ب).

۴۹. نامه‌ای از کنسولگری بریتانیا در بندرعباس به حاج شیخ احمد گله‌داری، ۸ ژانویه ۱۹۱۸، ۱۱۵۴۱۴-ق، (م.ا.ب).

۵۰. معین‌التجار املاک و مستغلاتی را که بر اساس امتیازی از دولت در بندر ناصری گرفته بود بر طبق قراردادی نصف آن را به شیخ جاسب‌خان نصره‌الممالک فرزند آقای معزالسلطنه با شرایط ذیل واگذار نمود:

۱. املاک در تصرف معین‌التجار باقی می‌ماند و معامله به عهده وی خواهد بود.

۲. تعمیرات به عهده معین‌التجار است ولی نصف مخارج آن را نصره‌الممالک بپردازد.

۳. برای هر گونه تغییرات و احداث بنا، نصف مخارج به عهده نصره‌الممالک خواهد بود.

۴. تأسیساتی که معزالسلطنه در بندر ایجاد کند با شرکت معین‌التجار صورت گیرد.

۵. مخارج احداث تأسیسات در این مدت نصف شود.

۶. معزالسلطنه در پیشرفت کلیه امتیازات کمک و همکاری نماید. و بدین ترتیب نصف املاک و مستغلات در بندر ناصری ملک نصره‌الممالک خواهد بود و نصف املاک معزالسلطنه در بندر ناصری ملک معین‌التجار خواهد بود. عواید بدست آمده نیز نصف آن به نصره‌الممالک تعلق خواهد داشت. (قرارداد معین‌التجار و نصره‌الممالک، ۲۰ رجب ۱۳۱۸،

۱۱۵۶۵۵-۶-ق، (م.ا.ب).

۵۱. در مجلس محاکمات وزارت خارجه ایران به شکایت مسیو ورتمان رسیدگی و حکمی صادر شد مبنی بر این که مطابق نظامنامه شرکت عمومی، این شرکت حق اجاره و کتترات راه مظفری را نداشته و ملک‌التجار نیز حق دادن وکالت به پسر خود به اسم شرکت عمومی را نداشته است. حاج حسن آقا ملکوف در خصوص اجاره راه مظفری گفت: پدر وی، ملک‌التجار، چهار صد هزار تومان سهم از شرکت عمومی داشته در حالی که شرکای دیگر فقط چهل و پنج هزار تومان و یک میلیون دیگر از سهام را نیز به متمولین روسیه و آلمان و فرانسه فروخته بوده‌اند. وی حق داشت چنین وکالتی بدهد. او برکناری پدرش از ریاست شرکت عمومی را خصومت عین‌الدوله دانست که بر سر ملکی در فریمان خراسان با وی اختلاف و دشمنی داشت. وی مدعی شد عین‌الدوله در دوران صدارتش، ده هزار تومان رشوه گرفت تا امتیاز راه را از ملک‌التجار

یادداشت‌های فصل چهارم ۲۵۳

گرفته به شرکت عمومی واگذار کند. دفاتر شرکت توقیف شد و ملک‌التجار بارها در روزنامه‌ها به این عمل اعتراض کرد. برای آگاهی از شرح کامل ماجرای شرکت عمومی و محاکمات ملک‌تو کتید به: (حبل‌المتین، سال ۱۵، ۲ ربیع‌الثانی ۱۳۲۶/۱۹۰۸، ش ۴۲، صص ۱۶-۱۴).

۵۲ نامه سفارت انگلستان به وزارت امور خارجه، ۲۰ رجب ۱۳۲۷، ۱۱۵۲۸۵-ق، ۱۵۲۸۶-ق، (م.ا.ب.).

۵۳ نامه سفارت انگلستان به وزارت امور خارجه، ۱۴ رجب ۱۳۲۷، ۱۱۵۲۸۸-ق، (م.ا.ب.).

۵۴ مستر الینجر به مستر گون، منچستر به بندرعباس، ۱۷ مه ۱۹۰۷، ۱۱۵۱۶۹-ق، (م.ا.ب.).

۵۵ مستر الینجر و کمپانی، منچستر به معین‌التجار، ۱۷ مه ۱۹۰۷، ۱۱۵۱۶۸-ق، (م.ا.ب.).

۵۶ کمپانی منچستر به معین‌التجار، ۱۶ مه ۱۹۰۷، ۱۱۵۱۸۸-ق، (م.ا.ب.).

۵۷ سفارت فرانسه به معین‌التجار، سیزدهم ربیع‌الاول ۱۳۲۷، ۱۱۵۲۸۵-ق، (م.ا.ب.)؛ مستر قریطیه تبعه فرانسه بر طبق کتراتی به استخدام شرکت امین‌الضرب و معین‌التجار در می‌آید و مبلغی از آن‌ها طلب داشت که مبلغ در فهرستی مشخص شده و از طریق سفارت و امور خارجه به آن‌ها فشار می‌آورند تا بدهی خود را بپردازند.

۵۸ امتیازنامه چراغ برق و آجر در تهران، وزارت فواید عامه، ۱۸ محرم ۱۳۲۲، وزارت مالیه، ۵-۱۴۸۷۷۳ [۲۴۰] (م.ا.م.).

۵۹ روزنامه جنوب، ۵ رمضان ۱۳۲۹، ش ۳۳، ص ۸.

۶۰ صورت مجلس سهام‌داران کمپانی حمل و نقل بوشهر، ۱۱۵۲۹۰-ق، (م.ا.ب.).

۶۱ نامه معین‌التجار و حاج میرزا مهدی ملک‌التجار به صدراعظم، ۷ رجب ۱۳۰۱، ۱۱۵۶۴۴-ق، (م.ا.ب.)؛ حاج محمدعلی بوشهری (رییس‌التجار خوزستان) با حاج معین‌التجار بوشهری همکاری داشت و لوله کشی آب کر بلا و تأسیس سقاخانه‌های عمومی و مجانی از اقدامات او است. در سال ۱۳۳۰ هجری شرکت ملی در نجف تشکیل شد تا آب را از نهر فرات به نجف برساند. لوله‌های وارداتی از شرکت آلمانی خریداری شد. با شروع جنگ جهانی اول کارها تعطیل شد تا آنکه دولت انگلیس آن منطقه را اشغال کرد و عمران و آبادانی بین‌النهرین آغاز شد. مقدمات آب‌رسانی به نجف تا سال ۱۳۳۶ هجری به طول انجامید تا این که تجار ایرانی امتیاز آب نجف را از حکومت عراق گرفتند و تمام ادوات و لوله‌ها را خریداری کردند در جمادی‌الاول ۱۳۵۲ لوله کشی در نجف آغاز شد شعرا و مورخان عرب در این باره شعرهایی سروده‌اند و آن را به ثبت رسانده‌اند. معین‌التجار امتیاز تأسیس کارخانه چراغ برق را نیز در نجف گرفت. (نگاه کنید به: مجله وحید، سال سوم، ش ۸، صص ۶۸۸-۶۸۶).

۶۲ قرارداد فیما بین شرکت نفت انگلستان و معین‌التجار بوشهری، اول ماه مه ۱۹۲۳، ۱۱۶۸۳۳-۳۵-ق، (م.ا.ب.).

۶۳ دعوت‌نامه شجاع‌نظام از شیخ احمد تاجر گله‌داری، نیابت حکومت بندرعباس و مضافات، [۱۳۳۰ هجری] ۱۱۴۳۲۲-ق، (م.ا.ب.).

۶۴ فعالیت تجار برای جشن تاجگذاری محمدعلی شاه، حاجی زین‌العابدین آقا، حاجی احمد آقا، معتمدالتجار، حاجی محمدباقر و حاجی بابا آقا تاجر گنجوی که کاروانسرای خود را به طور کامل آذین بست. (نگاه کنید به: حبل‌المتین، سال ۱۴، ۱۰ صفر ۱۳۲۵/۱۹۰۷، ش ۳۱، ص ۱۱).

۶۵ تقاضا از چند نفر وکلای بی‌طرف مانند شیخ اسماعیل هشرودی، معتمدالتجار و معین‌الرعا یا برای ملاقات با سردار و سالار ملی و بازداشتن آن‌ها از دست‌بندی‌های سیاسی. (نگاه کنید به: مجله وحید، سال اول، ش ۲، صص ۴۲-۴۰).

۶۶ شکایت مالیاتی به معین‌التجار، [بی‌تا]، ۱۱۴۶۵۹-ق، (م.ا.ب.).

۶۷ حکومت بوشهر به وزارت جنگ، [بی‌تا]، ۱۱۵۹۴-ق، (م.ا.ب.).

۶۸ علام‌الدوله به سپهسالار اعظم، ۷ شوال ۱۳۲۱، ۱۱۵۲۱۳-ق، (م.ا.ب.).

۶۹ گزارش از ملاقات معین‌التجار با برخی از سران سیاسی، [بی‌تا]، ۱۱۳۷۷۰-۷۲-ق، (م.ا.ب.).

۲۵۴. تجارت، مشروطیت و دولت مدرن

۷۰. سواد شرحی که حسن خان در قسم نوشته است. [بی تا]، ۱۱۵۰۳۱-ق، (م.ا.ب).
۷۱. تلگراف شکایت تجار از حاکم دزدآب به مشیرالدوله رئیس الوزراء، [بی تا] وزارت کشور، ۲۲/۴۷/۲۹۳] (م.ا.م).
۷۲. اسامی برخی تجار اصفهان که از حاکمیت سردار ظفر حمایت کردند از این قرار بود: محمدحسین کازرونی، امین‌التجار، اعتمادالتجار، میرزا علی رشتی، افتخارالحاج، سیدحسن بنکدار، حاج محمود بنکدار، حاج محمدحسن قزوینی و... (تلگراف حمایت عموم تجار اصفهان به رئیس‌الوزراء ۱۳۳۰ هجری، وزارت کشور، ۱/۷۹/۲۹۳] (م.ا.م).
۷۳. برای آگاهی از وقایع مربوط به تلاش سعدالدوله برای نیابت سلطنت و تشکیل کابینه و واکنش عمومی در این خصوص نگاه کنید به: (حبل‌المتین، سال ۲۰، ش ۲۲، صص ۸-۶).
۷۴. اسامی مذاکره‌کنندگان تبریزی با علما و تجار تهرانی در خصوص ماجرای سعدالدوله از این قرار بود: ملک‌التجار، خطایی، کوزه‌کنانی، حریری، قره‌داغی، اردبیلی، گریانی، صدقیانی، عظیم‌اوف، فتحعلی، ملکی، قزوینی، فتح‌الله اوف، سلماسی، اردوبادی، هشترودی، حسین‌قلی، مرتضوی، معتمد همايون، معتمد دفتر، مشیر دفتر، سطوت‌السلطنه، سالار اکرم، شرف‌الدوله، بصیرالسلطنه، این مذاکرات در خصوص تلگراف‌های جعلی در مخالفت با کابینه بختیاری‌ها و نگرانی از ناپسامانی مملکت و ابراز حمایت از روی کار آمدن سعدالدوله بود. اسامی تجار معروف تبریز در آن ذکر شده در تلگراف دیگری از سیدمحمد آقای صراف خواسته شده با اهالی آذربایجان همراهی کنند. (نگاه کنید به: حبل‌المتین، سال ۲۰، ش ۲۷، صص ۱۲-۹)؛ تلگراف‌هایی از تبریز خطاب به تجار کاشانی و تجار اصفهانی مقیم تهران مخابره شد که همراهی آن‌ها با آذربایجانی‌ها را برای مقابله با دولت بختیاری‌ها و حمایت از تشکیل دولت سعدالدوله خواستار شده بودند. (برای آگاهی از متن کامل تلگراف‌ها و اسامی نگاه کنید به: حبل‌المتین سال ۲۰، ش ۲۸، صص ۱۷-۱۲)؛ تلگراف از رشت به نایب‌السلطنه، ۱۹ جدی ۱۳۳۱، وزارت کشور، ۲ و ۱/۲۰۷/۱۱/۲۹۰] (م.ا.م).
۷۵. تلگراف‌ها و اخبار جعلی بودن حمایت تبریزی‌ها از محمدعلی شاه و دولت سعدالدوله در شماره‌های بعدی روزنامه منتشر شد: (نگاه کنید به: حبل‌المتین، سال ۲۱، ۳ ذی‌حجه ۱۳۳۱/۳ نوامبر ۱۹۱۳، ش ۱۸، صص ۲۰-۱۸).
۷۶. همان جا، سال ۲۰، ش ۲۸، ص ۱۷.
۷۷. اسامی تجار و مبلغ مشخص شده قرض به دولت به این شرح بود:

حاج سیدمحمد رضا تاجر کازرونی	۱۰۰۰۰ تومان	حاج میرزاغلامحسین تاجر	۵۰۰۰ تومان
حاج عبدالرسول رئیس‌التجار	۱۰۰۰۰ تومان	آقا میرزاغلامحسین	
		ورثه مرحوم حاجی محمدشفیع	۲۵۰۰ تومان
حاج محمدباقر تاجر بهبهانی	۱۰۰۰ تومان		
آقا سیدحسین تاجر بهبهانی	۱۰۰۰ تومان		
حاج محمدحسن بوشهری	۱۰۰۰ تومان		
حاج محمدحسن حاجی باقر	۵۰۰ تومان		
	۴۰۰۰۰ تومان		

حاج محمدعلی تاجر دهمدشتی تعیین مبلغ را به بعد موکول کرد. تلگراف‌هایی بین تجار بوشهر و تبریز برای جمع‌آوری استقراض داخلی و رفع نیاز دولت برای اصلاحات امور لشکری و کشوری مبادله شد. از تلگراف‌ها مشخص است که تجار آذربایجانی بخصوص حاج مهدی کوزه‌کنانی رهبری عملیات استقراض و مکاتبه با تجار سرامر کشور را به عهده داشته

یادداشت‌های فصل چهارم ۲۵۵

- است ولی مبالغ جمع‌آوری شده به حدی نبود که بتواند مسایل دولت را رفع کند). نگاه کنید به: همان‌جا، سال ۱۷، ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸/۲۵ آوریل ۱۹۱۰، ش ۳۹، صص ۱۷-۱۶.
۷۸. همان‌جا، سال ۱۷، ۲۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۸/۴ آوریل ۱۹۱۰، ش ۳۶، ص ۲۲.
۷۹. وزارت مالیه به معین‌التجار بوشهری، [بی‌تا]، ۱۱۵۱۶۵-ق، (م.ا.ب).
۸۰. تعیین ریاست تجار همدان، [بی‌تا]، امور خزانه، ۱/۲۳۸۵/۲۹۶]، (م.ا.م).
۸۱. تجار و اصناف تون وضعیت تجاری منطقه خود را چنین تشریح کردند: تعداد جمعیت هفت هزار نفر، داد و ستد منحصر به اهالی می‌باشد، کسبه سرمایه درستی ندارند، سرمایه هر یک بین بیست تا صد تومان می‌باشد. میزان داد و ستد بین هزار تا پنج هزار تومان و کرایه دکان کین ماهیانه دو تا سه هزار می‌باشد. (تجار و اصناف تون به وزارت مالیه، ۶ جمادی‌الاول ۱۳۳۱، وزارت مالیه، ۱۷/۵۳/۱۲۴]، (م.ا.م).
۸۲. عموم تجار خراسان به وزارت داخله، ربیع‌الثانی ۱۳۳۱، وزارت مالیه، ۱۷/۵۳/۲۴۰]، (م.ا.م)؛ اسامی تجاری که به اعتراض پرداختند از این قرار بود: سیدحسین محمدجعفر افشار، جعفراف، جلال کرباسی، محمد محمدابراهیم، محمد محمدی، زین‌الوف، اسماعیل عبدالحسین محمد خراسان، یوسف علی محمد اخوان، رحیم زهاب‌اف، رحیم اوف، علی عبدالله، غلامرضا درودی، رفیع حسین خمسه تهرانی، مجمع علی اصغر، اسماعیل جدید ابراهیم کفاش، عبدالرحیم، میرزا علی میرزا هاشم و تجارتخانه میرزا علی محمد متحد‌المالی، محمود خویی، رکن‌التجار، جمشید جدید ابراهیم شکرالله صادقی، جواد میرزا محمد محمدابراهیم، محمدآقا، محمدعلی سیدمهدی باقر علی یزدی و...
۸۳. فخیخ‌الملک به وزارت مالیه، «سواد راپورٹ کارگذاری سبزوآره»، ۲۷ جماد‌الثانی ۱۳۳۱، وزارت مالیه، ۱۷/۵۳/۲۴۰]، (م.ا.م).
۸۴. هیأت تجار مشهد به وزارت تجارت، ۹ حمل ۱۳۳۱، وزارت مالیه، ۱۷/۵۳/۲۴۰]، (م.ا.م).
۸۵. تلگراف عموم تجار خراسان به وزارت داخله، ۲۱ ربیع‌الثانی ۱۳۳۱، وزارت مالیه، ۱۷/۵۳/۲۴۰]، (م.ا.م)؛ تلگراف به وزارت داخله و مالیه، ۱۴ جوزا ۱۳۳۱، وزارت مالیه، ۱۷/۵۳/۲۴۰]، (م.ا.م).
۸۶. تلگراف صنف بلور فروش مشهد به وزارت داخله و مالیه، ربیع‌الثانی ۱۳۳۱، وزارت مالیه، ۱۷/۴۹/۲۴۰]، (م.ا.م).
۸۷. وزارت امور خارجه به وزارت مالیه، ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۳۱، وزارت مالیه، ۱۷/۴۵/۲۴۰]، (م.ا.م).
۸۸. تلگراف رمز شهاب‌الدوله به وزارت داخله [بی‌تا]، وزارت کشور، ۱/۳۵(۲۹۰) ۵، (م.ا.م).
۸۹. وزارت مالیه به پیشکار مالیه خراسان، ۲۳ ربیع‌الثانی ۱۳۳۱، وزارت مالیه، ۱۷/۳۰/۲۴۰]، (م.ا.م).
۹۰. تلگراف عموم تجار قزوین به وزارت داخله، ۱۳۳۱ قمری، وزارت کشور، ۵-۱۷/۳/۲۹۳]، (م.ا.م)؛ اسامی تجار قزوین بدین شرح بوده است: حاج محمدمهدی اردکانی، محمدابراهیم مغازه، سیدمهدی اصفهانی، حاج مجبلی عرب، محمدعلی قزوینی، حاج عبدالله اردکانی.
۹۱. از کازرون به حاج معین‌التجار بوشهری، ۶ شوال ۱۳۲۱، ۱۱۵۲۱۱-ق، (م.ا.ب).
۹۲. عبدالرحیم از بوشهر به حاج معین‌التجار بوشهری، ۱۶ ربیع‌الاول ۱۳۲۳، ۱۱۵۶۳۶-ق، (م.ا.ب).
۹۳. از بوشهر به حاج معین‌التجار بوشهری، سال ۱۳۲۲، ۱۱۵۶۲۹-ق، (م.ا.ب).
۹۴. عموم تجار و کسبه قشم به حاج معین‌التجار، ۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۳، ۱۱۵۶۳۱-ق، (م.ا.ب).
۹۵. عبدالله از شیراز به وزیر مخصوص، ۹ رجب ۱۳۲۲، ۱۱۵۶۳۵-ق، (م.ا.ب).
۹۶. از بندرعباس به معین‌التجار، ۲۱ شوال ۱۳۲۲، ۱۱۴۹۳۰-۳۱، ۱۱۴۹۳۰-ق، (م.ا.ب).
۹۷. قرارداد مابین سالار معظم حکمران کل بنادر و جزایر خلیج فارس و معین‌التجار و شرکا، جمادی‌الآخر ۱۳۱۹، ۱۱۵۲۶۶-ق، (م.ا.ب).

۲۵۶. تاجر، مشروطیت و دولت مدرن

۹۸. تلگراف از محمره به معین التاجر، ۴ شوال ۱۳۲۱، ۲۸۱-۱۱۵۲۷۷-ق، (م.ا.ب).
۹۹. معین التاجر به کازرون در خصوص دفع شرارت حسین قلی خان، [بی تا]، ۱۱۵۵۰۰-ق، (م.ا.ب).
۱۰۰. علاءالدوله از شیراز به عین الدوله، ۷ شوال ۱۳۲۱، ۱۱۵۲۱۰-ق، (م.ا.ب).
۱۰۱. وزارت داخله به ایالت فارس در خصوص اعزام نیرو به ممسنی، ۲۳ ذی حجه [بی تا]، ۱۱۵۲۳۳-ق و ۱۱۵۲۴۸-ق، (م.ا.ب).
۱۰۲. وزارت داخله به قوام‌الملک راجع به مأمورین معین التاجر، ۵ ربیع الاول ۱۳۳۰، ۱۱۵۶۰۹-ق، (م.ا.ب).
۱۰۳. وزارت جنگ به نایب‌الایاله فارس، [بی تا]، ۱۱۵۶۰۵-ق، (م.ا.ب).
۱۰۴. قرارداد تخفیف سهم مالکانه میان معین التاجر مالک ممسنی و اهالی ممسنی، جمادی‌الثانی ۱۳۳۰، ۱۱۵۱۹۲-ق، (م.ا.ب).
۱۰۵. حبل‌المتین، سال ۱۷، ۱۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۸/۲۳ مه ۱۹۱۰، ش ۳۳، صص ۱۴-۱۵.
۱۰۶. همان‌جا، سال ۱۵، ۲۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۵/۳۰ دسامبر ۱۹۰۷، ش ۲۳، صص ۱۴-۱۵.
۱۰۷. همان‌جا، سال ۱۹، ۲۸ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹/۲۶ ژوئن ۱۹۱۱، ش ۲، صص ۱۴-۱۵.
۱۰۸. از تجاری که در ساختن مدرسه شوکتیه ترشیز و مکتب مرفضوی نجف اشرف فعالیت داشتند می‌توان از عباس‌آقا تاجر شکوهی و حاج محمدتاجر اعرابی نام برد. نگاه کنید به: (همان‌جا، سال ۱۹، ۱۱ جمادی‌الاول ۱۳۳۰/۲۹ آوریل ۱۹۱۲، ش ۴۰، ص ۱۴).
۱۰۹. اسامی تجاری که به تأسیس مدرسه اعظامیه بارفروش کمک مالی کردند از این قرار بود: غلامعی مشیرالتجار، عمده‌التجار مشهدی، مشهدی محمدرضا تاجر طهماسب اف، (پسر عموی مشیرالتجار)، عمده‌التجار میراسداله تاجر، میرمحمدعلی معین‌التجار، عمده‌التجار حاجی سیدحسن مولانا، عمده‌التجار حاجی محمدکریم تاجر، آقا محمدعلی تاجر و تاجرانخانه طومانیانس و تاجرانخانه کورسیس. (همان‌جا، سال ۱۴، ۴۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۴/۱۳ ژانویه ۱۹۰۷، ش ۲۲، ص ۱۱).
۱۱۰. اسامی تاجران کمک‌کننده به تأسیس مدرسه اشجعیه سعادت در استرآباد از این قرار بود: حاج کاظم تاجر تبریزی، حاج محسن تاجر کرمانی، محمدابراهیم تاجر، حاج علی اشرف تاجر تبریزی، مشهدی غفار تاجر تبریزی، آقا میرزاتقی تاجر اصفهانی، خدابخش تاجر جدیدالاسلام، آقا عزیزالله تاجر، عبدالجواد تاجر، اسحق تاجر عبدالله تاجر، نصرالله تاجر، (همان‌جا، سال ۲۱، ۱۳ شوال ۱۳۳۱/۱۵ سپتامبر ۱۹۱۳، ش ۱۳، صص ۲۱-۲۰).
۱۱۱. اسامی تجاری که در مدرسه‌سازی در بحرین فعالیت داشتند: تاجر بوشهری، تاجر کازرونی، حاج حسن تاجر دشتی، حاج عباس تاجر بوشهری، آقا میرزا محمدحسن تاجر، جواهری شیرازی. (همان‌جا، سال ۲۲، ۱۵ شوال ۱۳۳۲/۷ سپتامبر ۱۹۱۴، ش ۱۸، ص ۱۲).
۱۱۲. برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به: سهیلا ترابی فارسانی، اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی (تهران، ۱۳۷۸)، فصل هفتم ۷ صص ۱۹۸-۱۸۳.
۱۱۳. حبل‌المتین، سال ۱۴، ۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۲۵/اول ژوئیه ۱۹۰۷، ش ۴۴، ص ۱۰.
۱۱۴. همان‌جا، صص ۹-۱۱.
۱۱۵. در بین کمک‌کنندگان به عثمانی، اسامی چند تاجر ایرانی و هندی وجود داشت: غلام‌محمد تاجر پشاور، حاج محمدباقر تاجر، سیت سیلانی و جیا تاجر هندی. (همان‌جا، سال ۲۰، ۲۷ محرم ۱۳۳۱/۶ ژانویه ۱۹۱۳، ش ۲۲، ص ۱۳؛ همان‌جا، سال ۲۰، ۲۲ ربیع‌الثانی ۱۳۳۱/۲۱ مارس ۱۹۱۳، ش ۳۰، صص ۶-۷).
۱۱۶. همان‌جا، سال ۱۴، ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵/۱۰ ژوئن ۱۹۰۷، ش ۴۱، ص ۱۷.
۱۱۷. مجله آینده، ج ۱۹، ش ۹-۷، ص ۶۹۷.

۱۱۸. ایران نو، ۱۳ ذی‌حجه ۱۳۲۷/۶ ژانویه ۱۹۰۹، ش ۱۰۶، ص ۳.
۱۱۹. جبل‌المتین، سال ۱۴، ۱۷ صفر ۱۳۲۵/اول آوریل ۱۹۰۷، ش ۳۲، صص ۸-۹.
۱۲۰. همان‌جا، ص ۱۰.
۱۲۱. همان‌جا، سال ۱۳، ۲۳ ربیع‌الاول ۱۳۲۴/۱۸ مه ۱۹۰۶، ش ۳۶، ص ۲۴.
۱۲۲. همان‌جا، سال ۱۵، ۵ صفر ۱۳۲۶/۹ مارس ۱۹۰۸، ش ۳۲، ص ۲۱.
۱۲۳. همان‌جا، سال ۱۴، ۲۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۵/۱۰ ژوئن ۱۹۰۷، ش ۴۱، ص ۱۷.
۱۲۴. اعضای جمعیت نشر معارف آذربایجان از این قرار بودند: تقی‌زاده، سیدمحمد رضا مساوات، مکرم‌الدوله، سالار مؤید، میرزااحمد قزوینی، معتمدالتجار، بارون ستراک (از معلمین مدرسه ارامنه)، حاجی حسین آقا ختایی، حاجی محمدعلی آقا بادامچی، سیدمحمدعلی خان، آقامیرزا آقا (مدیر روزنامه‌نامه ملت)، مشهدی حسن آقا خاмене، بارون آرد شس (معلم مدرسه ارامنه). (نگاه کنید به: همان‌جا، سال ۱۷، ۱۵ رجب ۱۳۲۷/۲ اوت ۱۹۰۹، ش ۵، ص ۱۳).
۱۲۵. همان‌جا، سال ۱۵، ۱۲ صفر ۱۳۲۶/۱۶ مارس ۱۹۰۸، ش ۳۳، ص ۱۶.
۱۲۶. همان‌جا، سال ۱۵، ۲۱ شعبان ۱۳۲۵/۳۰ سپتامبر ۱۹۰۷، ش ۱۱، ص ۸.
۱۲۷. همان‌جا، سال ۱۷، ۱۶ جمادی‌الثانی/۵ جولای ۱۹۰۹، ش ۱، ص ۲۴.
۱۲۸. همان‌جا، سال ۱۴، ۵ جمادی‌الاول ۱۳۲۵/۱۷ ژوئن ۱۹۰۷، ش ۴۲، ص ۱۸؛ همان‌جا، سال ۱۷، ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۸/۲۵ آوریل ۱۹۱۰، ش ۳۹، ص ۲۴؛ همان‌جا، سال ۱۸، ۲۶ جمادی‌الثانی ۱۳۲۷/۴ ژوئیه ۱۹۱۰، ش ۲، ص ۳.
۱۲۹. آینده، ج ۱۱، صص ۶۹۴-۵.
۱۳۰. امیرقلی امینی، «زندگی پر ماجرای من»، خاطرات وحید، ش ۳۹، ص ۶۴.
۱۳۱. جبل‌المتین، سال ۱۹، ۸ صفر ۱۳۳۰/۲۹ ژانویه ۱۹۱۲، ش ۲۹، صص ۱۴-۱۲.
۱۳۲. روزنامه جنوب، ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۲۹، ش ۱۶، ص ۴؛ همان‌جا، ش ۲۴، ص ۳؛ همان‌جا، ش ۱۸، ص ۸.
۱۳۳. روزنامه مجلس، ۱۲ شوال ۱۳۲۴/۲۹ نوامبر ۱۹۰۶، ش ۳، ص ۳.
۱۳۴. جبل‌المتین، سال ۱۳، ۸ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴/اول ژوئن ۱۹۰۶، ش ۳۸، صص ۸-۶؛ همان‌جا، ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۲۴/۸ ژوئن ۱۹۰۶، ش ۳۹، صص ۱۲-۱۰.
۱۳۵. همان‌جا، سال ۱۷، ۱۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۸/۲۳ مه ۱۹۱۰، ش ۴۳، صص ۵۱-۱۴.

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل پنجم
روند تحولات تجاری از جنبش مشروطه تا جنگ جهانی اول

تبرستان
www.tabarestan.info

روند تحولات تجاری از جنبش مشروطه تا جنگ جهانی اول

الف) حجم تجارت

با بررسی آمارهای گمرکی کشور می‌توان دیدی کلی نسبت به حجم مبادلات تجاری ایران به دست آورد. این حجم از سال‌های نخستین قرن بیستم دارای روندی آرام و رو به رشد بوده است. در سال ۱۳۲۲-۱۳۲۱ / ۱۹۰۴-۱۹۰۳ م. میزان تجارت ایران ۳۸/۳ درصد افزایش یافت. اما این افزایش بیشتر مربوط به فزونی واردات بود که بر اثر تعرفه گذاری جدید گمرکی نوز به میزان واردات کشور بیش از پیش افزوده شده بود. در سال بعد، ۱۳۲۳-۱۳۲۲ / ۱۹۰۵-۱۹۰۴ واردات کشور به دلیل جنگ روسیه و ژاپن کاهش یافت. این جنگ باعث شد که واردات ایران به میزان ۹/۱۲ درصد کاهش یابد و به طور کلی از حجم تجارت ایران ۶/۵ درصد کاست. بجز این نوسان‌ها، روند کلی تجارت ایران رو به افزایش بود، تا دوران استبداد صغیر که هم به لحاظ موقعیت تجاری و هم عملکرد تجار در تحولات سیاسی - اجتماعی با بحران مواجه می‌شویم.^(۱) همان‌طور که در فصول گذشته گفته شد، شکست مشروطیت و ناامیدی و یاس تجار از استقرار نهادهای مدرن، آنان را بتدریج از صحنه‌های سیاسی و قانون‌گذاری کشور دور کرد. به توپ بستن مجلس و استقرار مجدد حاکمیت استبدادی و اشغال بخش‌هایی از کشور توسط نیروهای روسیه به بهانه حمایت از اتباعشان موجب بروز هرج و مرج‌هایی شد که بر روند امور تجارتی تأثیر بسیار داشت، علاوه بر این، امور تجارت جهانی در این سال دچار بحران کلی شد و همه کشورها با نوعی رکود تجارتی دست به گریبان بودند.^(۲) تجارت ایران در این سال ۳/۶۹ درصد کاهش نسبت

به سال قبل داشته است که علاوه بر عامل خارجی بحران جهانی، عوامل داخلی یعنی اغتشاش، هرج و مرج سیاسی، وضع بد راه‌ها و گرانی وسایل حمل و نقل نیز آن را تقویت کرده است.

در سال‌های نخستین مشروطیت، حضور سیاسی تجار در حوادثی که منجر به مشروطیت شد و امیدواری آنان در استقرار دولت مدرن و نظم مستقری که بتواند خواست‌های آنان را در پیشبرد امور تجاری تأمین کند، به رغم مشکلات متعددی که وجود داشت، در تحولات تجاری بازتاب می‌یابد در فاصله سال‌های ۱۳۲۷-۱۳۲۱/۱۹۰۸-۱۹۰۳ روند رو به رشد صادرات و کاهش واردات دیده می‌شود. جنب و جوش سیاسی تجار و حرکت‌های استقلال‌طلبانه مجلس و روشنگری‌های روشنفکران، زمینه‌ساز این تغییر بود. نقطه عطف تحول تجاری ایران مقارن استبداد صغیر بود. در این سال جهت حرکت تجاری از روند کاهش واردات و افزایش صادرات دوره قبل تغییر می‌یابد و به افزایش واردات و کاهش صادرات تبدیل می‌شود و این روند تا سال‌های بعد همچنان ادامه می‌یابد. استبداد صغیر به کم‌رنگ شدن حضور سیاسی تجار در صحنه تحولات سیاسی - اقتصادی منجر شد و با فتح تهران به اوج خود رسید و تجار بطور مشخص صحنه مؤثر سیاسی کشور را ترک گفتند. همخوانی تغییرات تجاری را با میزان فعالیت‌های سیاسی تجار نکته قابل توجهی است، با خروج تجار از صحنه‌های قدرت سیاسی از میزان حجم مبادلات تجاری نیز کاسته می‌شود البته ویژگی‌های اجتماعی کشور در این سال‌ها را که به ناامیدی تجار از نظام نوین منجر شد، نمی‌توان نادیده گرفت.

آشفته‌گی اوضاع اجتماعی مقارن استبداد صغیر به حدی بود که ژنرال قنصل دول انگلیس در شرح اوضاع تجاری جنوب، وضعیت منطقه را بیش از حد موجب ضرر و خسارت به منافع انگلیس دانست. جنگ بین قشای، لر و عرب در نزدیکی شیراز منجر به مسدود شدن راه‌های تجاری منطقه شد و امکان حمل مال‌التجاره از شیراز به دیگر نقاط را غیر ممکن ساخت. بدی حاصل زراعت نیز به دیگر اشکال‌های تجاری افزوده شد و به ورشکستگی بسیاری از تجار ایرانی منجر گردید.^(۳) میزان واردات از کارخانه‌های منچستر به بوشهر کاهش یافت.^(۴) وسایل حمل و نقل از جمله قاطر کمتر یافت می‌شد. علاوه بر این، قیمت حمل و نقل در سال‌های ۱۳۲۷-۱۳۱۸/۱۹۰۹-۱۹۰۰ از یک لیره و ۹ شیلینگ به ۵ لیره و ۳ شیلینگ افزایش یافت.^(۵) در راهداری‌های غیر قانونی نیز از هر تن (۱۰۰۰ کیلو) مال‌التجاره، ۱۰۰ قران بطور غیر قانونی گرفته می‌شد.^(۶) بدیهی است همه این مسایل بر میزان کاهش واردات و حجم تجارت تأثیر داشت.

پس از سال ۱۳۲۷/۱۹۰۹م حجم تجارت تا سال‌های قبل از جنگ جهانی رو به افزایش بود. هر چند در این سال‌ها واردات به کشور با نظم بیشتری رو به افزایش و صادرات رو به کاهش بود، با این حال به نظر می‌رسد بی‌نظمی و اغتشاش داخلی در سال‌های

۱۳۳۰-۱۳۲۹ / ۱۹۱۲-۱۹۱۱، شورش‌های محمدعلی‌شاه و برادرانش در نقاط مختلف کشور،^(۷) اشغال بخش شمالی کشور توسط روس‌ها، اعتراض انگلیسی‌ها به بی‌نظمی و عدم امنیت جنوب^(۸) و تحریم کالاهای روسیه پس از اولتیماتوم توسط تجار و گزارش‌های رشت و انزلی که حاکی از ممانعت افراد در پیاده کردن کالاهای روسی از کشتی بود.^(۹) همچنین تحریم امتعه انگلیس و افزایش احساسات ضد بیگانه که سبب تعطیل کلیه معاملات گردید،^(۱۰) همه مسایلی بود که بر اساس اصول اولیه تجارت، باید سبب نقصان و کاهش امور تجاری گردد، در حالی که آمارهای کلی مبادلات ایران به ما نشان می‌دهد که حجم تجاری، بعد از سال ۱۳۲۷-۱۳۲۶ / ۱۹۰۹-۱۹۰۸ نه تنها کاهش نیافته بلکه بر میزان کل واردات و صادرات نیز افزوده شده است.^(۱۱) آمار مربوط به این سال‌ها، پرسی را در ذهن ایجاد می‌کند که چگونه به رغم آشفتگی سیاسی - اجتماعی در این سال‌ها، بازتابی از آن در آمار حجم کل تجارت ایران دیده نمی‌شود. در تحلیل ارقام منتشر شده و ارتباط آن‌ها با مسایل سیاسی - اجتماعی چنین می‌توان گفت:

- ۱- افزایش حجم کلی تجارت ایران پس از سال ۱۳۲۷ / ۱۹۰۹ به دلیل ورود بیشتر ایران به بازار جهانی و حضور بیشتر قدرت‌های بزرگ در اقتصاد ایران و روند رو به افزایش سلطه این کشورها بر ایران بود.
- ۲- قرارداد ۱۳۲۵ / ۱۹۰۷ روس و انگلیس عاملی در جهت تنش‌زدایی و عدم اصطکاک قدرت‌های اقتصادی رقیب و سبب اتحاد و همراهی آن‌ها با یکدیگر بود و می‌توانست حضور بیشتر ایران در بازار جهانی را بی‌مانع سازد.
- ۳- عقب‌نشینی تجار از قدرت سیاسی، راه را برای ورود کالاهای انگلیسی و روسی به کشور هموار ساخت و به تدریج قدرت اقتصادی تجار را نیز در صدور کالاهای ایران به خارج از کشور کاهش داد.
- ۴- دوران پس از استبداد صغیر با پایان تسویه حساب‌های سیاسی و غلبه قطعی مشروطه‌خواهان بر مستبدین، جو سیاسی یک دست‌تر و امکان مبادلات تجاری بهتر بود.
- ۵- اشغال بخش‌های شمالی کشور، امکان فعالیت تجار روسی را در ایران افزایش داد.
- ۶- به دلیل عدم تمرکز اقتصادی و تجاری کشور، بحران تجاری یک منطقه از کشور بر دیگر نقاط تأثیر نمی‌گذارد و مبادلات هر منطقه به دلیل بدی راه‌ها، گاه با دیگر نقاط قطع می‌شد.
- ۷- از آنجایی که آمارها، افزایش حجم کلی تجارت ایران را نشان می‌دهند. افزایش تجارت با یک کشور و کاهش آن با کشور دیگر در مجموع رقم حجم کلی تجارت تأثیر داشت. این امر با بررسی تفکیک شده تجارت کشورها قابل بررسی خواهد بود.

ب) ساخت و ترکیب تجارت

در این قسمت، پس از آنکه روند کلی مبادلات مطرح گردید باید به تجزیه این پیکر پردازیم و اجزای آن را مشخص سازیم. از آنجا که تجارت هر کشور شامل صادرات و واردات آن می‌باشد، بنابر این پس از آگاهی از سیر صعودی تجارت ایران در سال‌های بعد از اعلام مشروطیت بر آن شدیم تا نوسان‌های صادرات و واردات کشور را مورد بررسی قرار دهیم. در تحلیل ارقام مربوط به نخستین سال‌های قرن بیستم، همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۱/۱۹۱۴-۱۹۰۳ را از نظر نوسان‌های صادرات و واردات به دو دوره می‌توان تقسیم کرد؛ دوره نخست، سال‌های ۱۳۲۶-۱۳۲۱/۱۹۰۸-۱۹۰۳ که شاهد کاهش واردات و افزایش صادرات هستیم.^(۱۲) البته سال ۱۳۲۵/۱۹۰۷ را باید از این امر مستثنی دانست. در دوره نخست میزان واردات از ۶۰/۳ درصد در سال ۱۳۲۱/۱۹۰۳ به ۵۳/۳ درصد سال ۱۳۲۶/۱۹۰۸ رسید. یعنی در حدود ۷ درصد از کل واردات کاسته شد و به همین میزان به صادرات افزوده شد. یعنی صادرات از ۳۹/۶ به ۴۶/۶ درصد رسید. دوره دوم که از سال‌های ۱۳۳۲-۱۳۲۷/۱۹۱۴-۱۹۰۹ را در برمی‌گیرد، روند جریان تجاری بر عکس دوره نخست بود یعنی واردات کشور که تا سال ۱۳۲۶/۱۹۰۸ رو به کاهش بوده است یک مرتبه سیر صعودی طی می‌کند و از ۵۴/۳ به ۵۸/۶ درصد افزایش می‌یابد. در حالی که صادرات، روند نزولی از ۴۵/۶ به ۴۱/۳ درصد می‌پیماید که مقدار این تغییرات ۴/۳ درصد بود. در واقع سال ۱۳۲۷-۱۳۲۶/۱۹۰۹-۱۹۰۸ نقطه عطف تجاری ایران در این دوره بود که ترکیب تجارتی را به سود افزایش واردات تغییر داد.^(۱۳)

در زمینه نوع کالاهای وارداتی و صادراتی باید گفت که عمده‌ترین کالاهای صادراتی ایران پیش از مشروطیت، بیشتر محصولات کشاورزی، مثل برنج، خشکبار، پنبه، ابریشم، تریاک، توتون و تنباکو و از کالاهای تولیدی، قالی، پوست و چرم بود. پس از مشروطیت، نوع کالاها تغییر محسوسی نداشت و تنها در مقدار ورود یا صدور آن نوسان‌هایی به چشم می‌خورد. عمده واردات ایران در این سال‌ها را منسوجات از جنس پنبه یا پشم تشکیل می‌داد. همچنین قند و شکر و چای نیز از اقلام مهم وارداتی کشور محسوب می‌شد. برنج از صادرات مهم بخش شمالی کشور بود در حالی که در قسمت جنوبی از زمره کالاهای وارداتی محسوب می‌شد. دلیل عدم حمل آن از شمال به جنوب کشور، بدی راه‌ها و وسایل حمل و نقل بود. از کالاهای ارزاق عمومی، آرد، گندم و انواع جو در فهرست واردات قرار داشت. پنبه، خشکبار، برنج، قالی، پوست و تریاک از اقلام مهم صادراتی کشور در این سال‌ها بود.^(۱۴)

در واقع عمده واردات ایران شامل منسوجات و کالاهای مصرفی و خوراکی می‌شد و صادرات مهم کشور نیز بیشتر محصولات کشاورزی بود. نوع کالاهای مورد مبادله نسبت به قبل از مشروطیت از تغییر محسوسی برخوردار نبود و این امر نشان می‌دهد مشروطیت

تحول ساختاری اقتصادی ایجاد نکرد.

ج) مبادله کالایی ایران با طرف‌های تجاری عمده

عمده‌ترین طرف‌های تجاری ایران در این سال‌ها روسیه و انگلستان بود. علاوه بر این عثمانی نیز به دلیل همسایگی و راه‌های ترانزیتی آن برای عبور کالاهای ایران دارای اهمیت بود. از کشورهای مهم دیگری که با ایران مبادلاتی داشته‌اند می‌توان از فرانسه، آلمان و اتریش نام برد؛ اما میزان این مبادلات از اهمیت چندانی برخوردار نیست.

۱- ایران و روسیه

رابطه تجاری این دو کشور، با وجود حجم رو به افزایش آن تا حدودی متعادل بود. چون پنبه و ابریشم ایران به روسیه صادر و در مقابل آن طلا وارد می‌شد. تجارت ایران و روسیه از ۱۳۲۱/۱۹۰۳ م. به بعد به میزان قابل توجهی افزایش یافت.^(۱۵) روسیه پس از مشروطیت نیز توانست همچنان حجم زیادی از بازار ایران را اشغال کند. آمار گمرک نشان می‌دهد که در فاصله سال‌های ۱۳۳۰-۱۳۲۳/۱۹۱۲-۱۹۰۶ م. صادرات ایران به روسیه بیش از واردات از این کشور بوده است. نزدیکی ارقام صادرات و واردات بین دو کشور حاکی از عدم سلطه اقتصادی در ارتباط بین دو کشور بود و حجم مبادلات حاکی از آن بود که روسیه بیشتر بازار و مواد اولیه ایران را به خود اختصاص داده بود.

طی این سال‌ها شاهد نوسان‌هایی نیز هستیم؛ در فاصله ۱۳۲۷-۱۳۲۵/۱۹۰۹-۱۹۰۷ م. ورود کالاهای روسیه به ایران در حدود ۱۹/۵ درصد کاهش یافت. پیروزی جنبش مشروطیت و موضع‌گیری خصمانه روسیه نسبت به نظام جدید در این کاهش، تأثیر داشت. اما صادرات کالاهای ایران به روسیه به جزء کاهش اندکی در سال ۱۳۲۶-۱۳۲۵/۱۹۰۸-۱۹۰۷ تا پایان این دوران رو به افزایش بود. حتی در سال ۱۳۳۰/۱۹۱۲ میزان صادرات رقمی بیش از واردات را نشان می‌دهد. بنا به اشاره کتابچه تجارتی ایران در این سال‌ها، برخی از کالاهایی که در فهرست صادرات به روسیه ذکر شده بود از طریق روسیه خارج ولی برای کشورهای دورتر فرستاده می‌شد.^(۱۶)

ورود کالاهای روسیه به ایران یکبار در سال ۱۳۲۷-۱۳۲۶/۱۹۰۹-۱۹۰۸ در حدود ۱۹/۵ درصد و بار دیگر در سال ۱۳۲۹-۱۳۲۸/۱۹۱۱-۱۹۱۰ حدود ۳ درصد کاهش یافت. در کاهش نخست علاوه بر وقوع بحران جهانی سال ۱۳۲۶/۱۹۰۸، در داخل ایران نیز همان‌طور که پیش از این اشاره شد با بحران‌های داخلی، ناامنی راه‌ها، اعتراض تجار، اغتشاش ایلات، درگیری مشروطه‌خواهان و مستبدین، فعالیت‌های انجمن‌ها، مخالفت حکام با استقرار مشروطیت و عدم ثبات سیاسی کشور و نهایتاً بمباران مجلس و رکود عملیات تجاری و استقرار مجدد استبداد مواجه‌ایم که بی‌تردید بر عملیات تجاری روسیه

تأثیر داشت و همان‌طور که جدول‌های آماری نشان می‌دهد این وقایع بر حجم مبادلات روسیه با ایران بطور مشخص مؤثر بوده است. دومین کاهش واردات از روسیه در سال‌هایی بود که ایران با نیروهای مدعی سلطنت در نبرد بود و در قسمت‌های شمال و غرب کشور هیجان‌هایی دیده می‌شد. نیروهای روسیه بخش‌هایی از شمال کشور را اشغال کرده بودند و به همین دلیل تجار ایرانی استفاده از کالاهای روسیه را تحریم کردند. مناطق تحت نفوذ روسیه در این سال‌ها با وضعیت فوق‌العاده و بحرانی مواجه بود که از میزان فعالیت تجار روسی در این مناطق می‌کاست. در همین سال قراردادی بین ایران و روسیه در خصوص تجارت پوست بره منعقد شد. قرارداد در ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۲۸/ مه ۱۹۱۰ به مدت پنج سال منعقد شد و بر طبق آن قرارداد قبلی تجارتخانه روسی برادران علی‌اف به دلیل مغایرت با قرارداد گمرکی ۱۹۰۱ بی اعتبار اعلام گردید و دولت ایران موظف شد مبلغ دوپست هزار تومان به اقساط پنج ساله بابت لغو این قرارداد به تجارتخانه علی‌اف بپردازد. ضمانت پرداخت این وجه نیز مالیاتی است که دولت بجز گمرکات از پوست بره در تمام ایران می‌گیرد.^(۱۷) این قرارداد پس از تصویب مجلس به امضای دولت‌ها رسید و تغییری در مالیات و گمرک صادرات پوست ایجاد کرد.

تجارت ایران و روسیه به دلیل همجواری این دو کشور رونق داشت. بخصوص که غنی‌ترین ایالات ایران نزدیک این کشور قرار داشت. حق عبور آزاد کالا از طریق خاک روسیه، همچنین امکاناتی که دولت روسیه برای تسهیل تجارت با ایران فراهم ساخته بود از جمله بهره‌گیری از تخفیف عوارض گمرکی برای صدور کالاهای روسیه به ایران از مواردی بود که به این رونق کمک کرد. کالاهایی که برای صدور به ایران از تخفیف برخوردار بودند شامل شکر، نفت، مشروبات الکلی، کبریت، انواع توتون، سیگار، منسوجات از انواع مختلف و کالاهای کانوچویی و مسی و نخ نقره‌ای یا آب طلا بودند.^(۱۸)

عمده‌ترین کالاهای وارداتی از روسیه به ایران در سال‌های پیش از جنگ جهانی اول شامل قند، منسوجات نخی، چای، آرد خوراکی، شکر، آهن‌آلات و نفت بود و بقیه کالاهای وارداتی کم‌اهمیت‌تر نیز غیر صنعتی بودند. مهم‌ترین صادرات ایران به روسیه در این سال‌ها شامل پنبه، میوه، برنج، قالی، پوست، پول نقره و حیوانات زنده بود.^(۱۹) پنبه پس از بیماری کرم ابریشم در سال ۱۲۸۰/ ۱۸۶۳ جایگزین صادراتی ابریشم ایران شده بود. شهرهای مازندران، استرآباد، سمنان، شاهرود و دامغان، اصفهان، کاشان، قم، قزوین و نیشابور زیر کشت پنبه بودند ولی مازندران به تنهایی ۲۶ درصد پنبه صادراتی به روسیه را تأمین می‌کرد.^(۲۰)

در خصوص مبادلات تجاری، دولت ایران بر اساس سیاست‌گذاری‌های اقتصادی منظمی عمل نمی‌کرد. معمولاً قانون‌ها در مواجهه با حوادث و برای رفع یا کاهش شرایط موجود وضع می‌شد و بیشتر جنبه موقتی داشت. دولت از سیاست‌های مشخص اصلاحی

برای حرکت‌های زیربنایی، تقویت صادرات و کاهش واردات پیروی نمی‌کرد. اعمال سلیقه‌های مختلف در اجرای امور، عدم تمرکز برنامه‌ریزی، مراکز چندگانه تصمیم‌گیری و اجرای برنامه‌هایی که فقط به همان زمان چشم داشت امکان رونق تجاری و حمایت دولت از تجار را کاهش می‌داد. یکی از اهداف تجار، جلب حمایت‌های دولتی و برنامه‌ریزی‌هایی در جهت حمایت از فعالیت‌های تجاری آنان بود که این خود یکی از دلایل حمایت‌های آنان از مشروطیت نیز بود و پس از آن نیز در پی تحقق آن کوشیدند. بطور مثال تجار نامه‌های بسیاری به اعتراض‌ها و شکایت‌های خود در تحقق آن کوشیدند. بطور مثال تجار نامه‌های بسیاری به مراجع قانونی از جمله رئیس‌الوزراء و وزارت فلاحات و تجارت ارسال کردند و از رئیس گمرک انزلی که مانع صدور «سبزه تیزابی» به روسیه شده بود، شکایت کردند. آنان پرداخت مالیاتی به مبلغ دو تومان برای هر پوت را مانعی در جهت رونق تجاری و صادرات دانستند.^(۲۱) تجار قزوین طی نامه‌ای، «محدود بودن دایره تجارت و گسیخته شدن رشته‌های داد و ستد» در شرایط کنونی و ممنوعیت صدور «سبزه تیزابی» از سوی گمرک انزلی را موجب خسارت‌های جبران‌ناپذیر به تجار و سبب تعطیلی تجارت دانستند.^(۲۲) با این حال به رغم موانعی که در مواردی ایجاد می‌شد تجارت ایران و روسیه نسبت به دیگر کشورها از تعادل بیشتری برخوردار بود.

۲- ایران و انگلیس

تجارت ایران و انگلستان پیش از برقراری مشروطه مطلقاً موازنه‌ای نداشت ایران بازار فروش کالاهای مصرفی انگلیس شده بود و اقتصاد ناسالم کشور، عدم دخالت دولت در حمایت صنایع و کالاهای داخلی موجب خروج طلای ایران برای خرید این نوع کالاها می‌شد.^(۲۳) از ایران بیشتر محصولات کشاورزی و از انگلستان منسوجات کارخانه‌ها و یا کالاهای متعلق به کشورهای مستعمره آن کشور مبادله می‌شد، در حالی که روسیه به دلیل آنکه هنوز به قدرت صنعتی کشورهای اروپای غربی دست نیافته بود کالاهای کشاورزی و گیاهی به ایران صادر می‌کرد.^(۲۴) پس از اعلام مشروطیت بنا بر گزارش ارقام منتشر شده گمرک ایران، میزان ورود کالاهای انگلیسی به ایران رو به افزایش گذارد اما در عین حال این نکته را نباید فراموش کرد که حجم ورود کالاهای انگلیسی به ایران با کالاهای روسی که به کشور وارد می‌شد قابل مقایسه نبود و حجم بسیار کمتری را در برمی‌گرفت که حاکی از آن بود که روسیه پس از مشروطیت نیز همچنان مرتبه نخست را در تجارت با ایران داشته است. در سال‌های مورد بحث به جز کاهش ۱۱/۹ درصد واردات ایران از انگلستان در سال ۱۳۲۷-۱۳۲۶/۱۹۰۹-۱۹۰۸ که بنا به آنچه در گذشته یادآور شدیم تحت تأثیر بحران جهانی بوده است، در سال ۱۳۳۱-۱۳۳۰/۱۹۱۳-۱۹۱۲ نیز کاهشی در حدود ۳۰/۵ درصد در واردات ایجاد شده است که رقم بسیار قابل توجهی بود.^(۲۵) این میزان ۲۴ درصد کاهش

در کل تجارت با انگلستان را موجب شد. این مسأله به خوبی بیانگر علت اعتراض انگلستان نسبت به وضعیت تجارتی جنوب کشور، اغتشاش و ناامنی راه‌ها و حمله‌های ایلات جنوب به قشون انگلیسی و هندی بود. (۲۶)

حجم صادرات ایران به انگلستان به هیچ وجه با میزان کالاهای صادراتی ایران به روسیه قابل مقایسه نبود.

عدم تعادل و توازن بین مبادلات ایران و انگلستان بسیار شدید و حاکی از استقرار نظام سلطه بود. صادرات ایران به انگلستان رقم قابل ملاحظه‌ای را شامل نمی‌گردید و معمولاً واردات ایران از این کشور در حدود ۳ تا ۴ برابر صادرات ایران به این کشور بود. عمده تغییرات صادرات ایران در سال ۱۳۳۰-۱۳۲۹ / ۱۹۱۲-۱۹۱۱ بود که ۴۷/۹ درصد افزایش نسبت به سال قبل نشان می‌دهد با این حال میزان واردات ایران از انگلستان در حدود ۴ برابر صادرات به این کشور بود. علت این عدم تعادل تجاری در احصاییه‌های دولتی، موقعیت ایالت‌های جنوبی کشور دانسته شده است که فقیرترین و کم جمعیت‌ترین ایالات ایران بودند و به جز غله و خرما، جنوب ایران تقریباً هیچ تولید دیگری نداشتند. البته می‌توان قالی کرمان که از بندر عباس صادر می‌شد و بعضی انواع صمغ، مروارید، پشم، پوست خام و تریاک و توتون یزد و کرمان را هم به آن افزود که تمام کالاهایی بود که از جنوب ایران با بریتانیا مبادله می‌شد. البته مواد معدنی نیز در بخش جنوبی وجود داشت که تا این زمان استخراج نگردیده بود. (۲۷)

عمده واردات ایران از انگلستان شامل انواع منسوجات نخی و پشمی، چای، نخ‌های پنبه، برنج، شکر، ادویه و وسایل آهنی بود که به طور عمده کالاهای صنایع نساجی یا کالاهای متعلق به کشورهای مستعمره انگلستان بود. صادرات ایران به بریتانیا، تریاک، میوه، پول نقره، پشم خام، قالی و بطور کلی مواد اولیه و کشاورزی بوده است. (۲۸)

صنایع پیشه‌وری ایران پیش از این قادر بود نیاز منسوجات داخلی را برآورده سازد اما با افزایش پارچه‌های رنگارنگ و ارزان قیمت انگلیسی، صنایع نساجی ایران قادر به رقابت با آن نبود. در نتیجه ایران از مقام صادرکننده منسوجات به واردکننده آن تبدیل شد. (۲۹) ورود کالاهای متعلق به مستعمره‌های بریتانیا مثل چای و شکر نیز افزایش یافت. اما در این سال‌هایی که جهان با شتاب به سمت صنعتی شدن پیش می‌رفت، در فهرست واردات ایران به کالاهای تولیدی و ماشینی برخورد نمی‌کنیم. در موارد معدودی که برخی از تجار حاضر به خطر می‌شدند و در ورود لوازم کارخانه‌ای سرمایه‌گذاری می‌کردند بطور انفرادی و شخصی از مجلس می‌خواستند در زمینه مالیات گمرکی به آن‌ها تخفیف‌هایی داده شود. مجلس دوم نیز در این خصوص تخفیف‌هایی صادر کرد. با این حال نه قوانین مترقی در این دوران به تصویب رسید و نه شرایط اجتماعی به گونه‌ای بود که تجار می‌توانستند و هر چه نابسامانی و بی‌نظمی و بی‌قانونی اجتماعی - اقتصادی گسترش می‌یافت امکان اصلاح آن

دشوارتر می‌شد.

۳- ایران و عثمانی

بیشترین حجم مبادله کالا بین ایران و عثمانی در سال ۱۳۲۵-۱۳۲۴/۱۹۰۷-۱۹۰۶ بوده است. میزان صادرات از ایران نسبت به واردات از عثمانی طی این سال‌ها در حدود ۲ تا ۳ برابر بود. بحران جهانی سال ۱۳۲۷-۱۳۲۶/۱۹۰۹-۱۹۰۸ که در کل آمارهای منتشر شده کاهش تجارتي نشان می‌دهد بر واردات ایران از عثمانی تأثیری نگذارد، ولی در این سال صادرات ایران به این کشور دچار ۴/۸ درصد کاهش شد که به وضعیت نابسامان کشور و وضعیت بحرانی آذربایجان در این سال باز می‌گردد.

واردات ایران از عثمانی از سال ۱۳۲۹/۱۹۱۱ به بعد رو به افزایش بود در حالی که صادرات ایران به این کشور رو به کاهش بوده است. در سال ۱۳۳۰-۱۳۲۹/۱۹۱۲-۱۹۱۱ واردات ایران از عثمانی در حدود ۴۰ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافت در حالی که صادرات ایران ۵/۲ درصد کاهش نشان می‌دهد و تا پایان این دوره تقریباً ثابت می‌ماند، در حالی که واردات باز هم افزایش می‌یابد. این ارقام نشان می‌دهد که مبادله تجاری ایران و عثمانی در چند سال قبل از جنگ جهانی اول به سود عثمانی در تغییر بوده است.^(۳۰) اعلام اولتیماتوم روسیه، ورود نیروهای روسی در انزلی، درگیری با نیروهای محمدعلی‌شاه در شمال و سالارالدوله در کرمانشاه و همدان و طغیان‌هایی که در استرآباد و کاشان بوجود آمد^(۳۱) وضعیت مبادله تجاری ایران با همسایه غربی خود را دچار مخاطره کرد و تجار ایرانی از این وضعیت صدمه بسیار دیدند.

مهم‌ترین کالاهای وارداتی ایران از عثمانی شامل پوست، توتون، پول نقره، تخم کرم ابریشم، منسوجات نخی و پشمی، رنگ و میوه بود و مهم‌ترین صادرات ایران به این کشور را تریاک، صمغ، میوه و نفت تشکیل می‌داد. البته در کتابچه تجارتي این سال‌ها ذکر شده است که برخی از کالاهایی که از کشورهای آلمان، اتریش و مجارستان به ایران وارد می‌شد در فهرست واردات عثمانی ثبت گردیده است و در زمینه صادرات نیز مقدار زیادی از قالی‌هایی که از طریق عثمانی ارسال می‌شد در واقع به کشورهای اروپایی فرستاده می‌شد.^(۳۲)

به رغم آنکه عثمانی مرتبه سوم را در تجارت با ایران دارا بود. اما با حضور دو قدرت بزرگ سیاسی و در دست گرفتن بازارهای ایران، تجارت با این کشور سهم قابل توجهی در مبادلات ایران ایفا نمی‌کرد. برای نمونه در سال ۱۳۲۵-۱۳۲۴/۱۹۰۷-۱۹۰۶ که بالاترین میزان مبادله بین دو کشور برقرار شد، این میزان تنها ۹ درصد از کل تجارت ایران را در بر گرفت و صادرات ایران به آن کشور که در همین سال به بالاترین میزان خود طی این سالها رسید فقط ۱۶ درصد از کل تجارت ایران را در بر گرفت.^(۳۳) از آن جهت که نوسان‌های

عمده‌ای در مبادلات تجاری ایران با عثمانی ایجاد نگردید مشخص می‌شود تجارت ایران و عثمانی به رغم تغییرات محدود در مبادلات تجاری آن، نقش به سزایی در تجارت ایران ایفا نمی‌کرد و بیشتر جنبه ترانزیتی داشت و به رغم امکان گسترش آن مورد توجه قرار نگرفت.

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل پنجم

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل پنجم

تبرستان

www.tabarestan.info

۱. نگاه کنید به: جدول‌های شماره: ۲، ۳، ۴، ۵ و ۱۴ (بخش جدول‌ها)، این ارقام از کتابچه‌های عمومی تجارت در این سال‌ها اخذ شده است، (م. گ. ا.).
۲. نگاه کنید به: کتابچه عمومی تجارت با ممالک خارجه در سته پیچی نیل: ۱۳۲۷-۱۳۲۶/۲۱ مارس ۱۹۰۸-۲۰ مارس ۱۹۰۹.
۳. کتاب آبی، ج ۳، ص ۶۵۶.
۴. صاحبان کارخانه‌ها و تجار منچستر همواره به سیاست‌های انگلستان اعتراض داشتند. آنان در زمان‌های متعدد گردهمایی‌های تشکیل دادند و از دولت بریتانیا خواستند روسیه را وادار به رعایت مفاد قرارداد ۱۹۰۷ نمایند، آنان به تجاوز دولت روسیه به ایران اعتراض داشتند و این عمل را مغایر قرارداد ۱۹۰۷ و استقلال ایران می‌دانستند که به زعم آنان این امر در قرارداد ۱۹۰۷ مستتر می‌باشد، آنان این عمل روسیه را با منافع تجاری خود مغایر می‌دانستند و معتقد بودند حفظ هندوستان و تأمین تجارت انگلستان از اهم اهداف آن دولت محسوب می‌شود و به اتفاق از دولت خود خواستند که روسیه را مجبور به عقب‌نشینی و احترام به قرارداد ۱۹۰۷ کند و منافع تجار منچستر در ایران را در نظر گیرد (برای آگاهی از شرح کامل این سخنرانی‌ها نگاه کنید به: حبل‌المتین، سال ۱۹، ۲۹ صفر ۱۳۳۰/۱۹ فوریه ۱۹۱۲، ش ۳۲، صص ۷-۵).
۵. کتاب آبی، ج ۳، صص ۶۵۹-۶۵۶.
۶. همان‌جا، ج ۳، صص ۶۶۳ و ۷۴۱-۷۴۰.
۷. نگاه کنید به: شوستر، اختناق ایران، ص ۱۶۸.
۸. کشف تلبیس، صص ۱۱ و ۱۶.
۹. کتاب آبی، ج ۷، ص ۱۵۳۷.
۱۰. همان‌جا، ج ۶، صص ۵۶-۱۴۵۵؛ همان‌جا، ج ۷، ص ۱۶۰۳.
۱۱. برای آگاهی از حجم کل تجارت ایران، نگاه کنید به جدول‌های شماره ۲ و ۱۴ (بخش جدول‌ها).

۲۷۴. تجار، مشروطیت و دولت مدرن

۱۲. این دوره بر حسب داده‌ها و از سال تغییر تعرفه گمرکی که زمینه‌ساز پیدایش مشروطیت بود و برای آشنایی با زمینه‌های پیش از مشروطیت انتخاب گردید. برای آگاهی از ارقام مورد بحث در این قسمت نگاه کنید به: جدول شماره ۱۴ (بخش جدول‌ها).

۱۳. در این مورد نگاه کنید به: جدول‌های شمال ۱۴ و نمودار ۳۲ (بخش جدول‌ها).

۱۴. در مورد نوع کالاهای وارداتی و صادراتی نگاه کنید به:

Tableau General. Commerce avec les pays etrangers pendant l'annee It-IL, (21 Mars 1910-20 Mars 1911), Tehran, 1912.

همچنین نگاه کنید به:

Tableau General. Commerce avec les pays etrangers pendant l'lan IIan-IL, (Mars 1905-20 Mars 1906), Tehran, 1907.

۱۵. رییس‌نیا، زمینه‌های مشروطیت، (تبریز، ابن‌سینا، [بی‌تا])، ص ۲۰.

۱۶. نگاه کنید به:

Tableau General. Commerce avec les pays etrangers pendant l'annee II, (21 Mars 1913 20 Mars 1914), Tehran, 1915.

۱۷. قرارداد ایران و روسیه، ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۲۸ اول ژوئیه ۱۹۱۰، خزانه‌داری کل ایران ۶-۵/۳۹/۳۲/۵ [۲۴۰] وزارت مالیه، (م.ا.م).

۱۸. نگاه کنید به:

Tableau General. l'annee oud-IL, (21 Mars 1913-20 Mars 1914).

۱۹. همان‌جا.

۲۰. گزارشی از اوضاع اقتصادی مازندران، حکومت بارفروش، ۱۸/۱۴۷/۲ [۲۹۳] وزارت کشور، (م.ا.م).

۲۱. مجموعه مکاتبات بسیاری در خصوص مالیات زیاد و بعد ممنوعیت صدور «سبزه تیزی» به روسیه موجود است: سواد نامه تجار به فلاح و تجارت و فوائد عامه، وزارت مالیه، ۵۹/۳۴/۴۱ [۲۴۰]؛ ۵۹/۳۴/۲۷ [۲۴۰]؛ ۵۹/۳۴/۲۳ [۲۴۰]؛ ۵۹/۳۴/۲۱ [۲۴۰]؛ ۵۹/۳۴/۲۱ [۲۴۰] (م.ا.م).

۲۲. سواد عرض حال تجار قزوین به وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه، وزارت مالیه، ۵۹/۳۴/۱۰ [۲۴۰] (م.ا.م).

۲۳. نگاه کنید به: آدمیت، امیرکبیر و ایران، صص ۳۹۶-۴۰۶.

۲۴. برای آگاهی بیشتر از نوع کالاها و میزان مبادلات بین کشورها با ایران نگاه کنید به: عیسوی، تاریخ اقتصادی، ص ۲۰۸.

۲۵. نگاه کنید به: جدول‌های شماره ۳، ۴، ۵ و ۱۰ (بخش جدول‌ها).

۲۶. کشف تلبیس، صص ۳۶-۳۷.

۲۷. نگاه کنید به:

Tableau General. l'annee oud-IL, (21 Mars 1913-20 Mars 1914).

۲۸. همان‌جا.

۲۹. تحویلدار، جغرافیای اصفهان، صص ۱۰۱-۱۰۰.

۳۰. نگاه کنید به: جدول‌های شماره ۳، ۴، ۵ و ۱۱ (بخش جدول‌ها).

۳۱. برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به کتاب نارنجی، ج ۲، صص ۱۳۲ و ۱۵۵؛ شوستر، اختناق ایران، صص ۱۶۸، ۱۷۱، ۱۸۳، ۱۸۶.

یادداشت‌های فصل پنجم ۲۷۵

۳۲. نگاه کنید به:

Tableau General. l'annee oud-IL, (21 Mars 1913-20 Mars 1914).

۳۳. جدول‌های شماره ۱۱ و ۲ را با یکدیگر مقایسه کنید.

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

پیوست بخش اول

تبرستان
www.tabarestan.info

پیوست بخش اول

تبرستان

www.tabarestan.info

شهر	نام تاجر یا تاجر تخانه مکاتبه کننده با حاج رحیم اتحادیه	تاریخ نامه‌های مکاتبه شده با اتحادیه
اصفهان	تجار تخانه حاجی فتح الله فتحی و خواجه اسدالله عصاره دزفولی	۲۴ شعبان ۱۳۴۲/۱۳۳۹
اصفهان	حاجی سید محمد تقی امین التجار	۲۶ محرم ۱۳۴۵/۲۰ محرم ۱۳۴۴
اصفهان و بمبئی	حاج سید محمد کازرونی و اولاد	۱۵ رجب ۱۳۵۰/۳۱ شهریور ۱۳۱۱
اهواز	حاجی فتح الله فتحی دزفولی و اخوان	۱۷ صفر ۱۳۴۰/۴ جمادی الاول ۱۳۴۲
بادکوبه	برادران کریم اوف و ستاراوف	۹ شوال ۱۳۴۳/۲۴ رمضان ۱۳۴۱
بوشهر	حاج میرزا غلامحسین کازرونی و اولاد	۱۰ جمادی الاول ۱۳۳۹/۲۸ ذیحجه ۱۳۴۲
تبریز	تجار تخانه حاج علی کمپانی	۱۳ ربیع الثانی ۱۳۴۵
تبریز	حاج یوسف قزوینی	۱۲ جمادی الثانی ۱۳۴۵
تهران	شرکت تجاری (اولین کارخانه شیمی در ایران)	اول ماه مه ۱۹۲۷
تهران	حاج محمد قاسم طهرانی و پسران	(بی تا)
تهران	تجار تخانه برادران حاجی رسول و هاب زاده	۲۰ جمادی الثانی ۱۳۵۱
رشت	تجار تخان حاجی محمد عبدالهیان اردبیلی	۶ جمادی الثانی ۱۳۴۸
رشت	تجار تخانه محمد باقر جورابچی و برادران	۱۳۱۳/۶/۲۵ (نامه تسلیت فوت حاج رحیم)
شیراز	محمد امین التجار شیرازی	۲۲ رمضان ۱۳۴۵
شیراز	حاج میرزا محمد رضا و	۳ رجب ۱۳۴۰

۲۸۰ تجار، مشروطیت و دولت مدرن

	میرزا محمدعلی تاجران شیرازی	
مکاتباتی در سال‌های ۱۳۳۹ و ۱۳۴۰ ق.	حاج سیدمصطفی اصفهانی رضوی	قزوین
۳ رمضان ۱۳۴۳	تجارخانه احمد دیلمقانی	کرمان
۲۰ شوال ۱۳۴۳	تجارخانه حاجی آقا تقی کاشانی	کاشان
۹ جمادی‌الثانی ۱۳۵۳	حاج میرهاشم کهنویی	لاهیجان
مجموعه مکاتباتی در سال‌های ۱۳۴۸ و ۱۳۵۰ ق.	حاج محمدحسین تبریزی	مشهد
۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۴۶	حاج محمد نراقی و پسران	همدان
۱۴ محرم ۱۳۴۰ / ۲۲ رجب ۱۳۴۵ ۶ بهمن ۱۳۰۵	افشار یزد/ محمدتقی افشار	یزد/ بمبئی
۱۶ آوت ۱۸۹۹	کمپانی آرامیان	یزد/ بمبئی
۱۳۱۳/۱۲/۱	تجارخانه شرکت آهنچیان	یزد/ بمبئی

تبرستان
www.tabarestan.info

بخش دوم
تجار در سال‌های جنگ جهانی اول

تبرستان
www.tabarestan.info

جنگ، بحران مشروطیت و ناکارآمدی نهادهای مشروطه

الف) جنگ و بحران سیاسی - اجتماعی در کشور

همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، آشفتگی اوضاع سیاسی، عدم امنیت سرمایه، ناامنی راه‌ها، کاهش قدرت دولت مرکزی و بی‌ثباتی و عدم تمرکز سیاسی، پس از تغییر نظام سیاسی نه تنها از بین نرفت که به دلیل عدم تغییر بافت سستی حاکمیت دچار تشنگت بیشتر گردید. حکومت مشروطه با بحران اساسی مواجه شد و قادر به متحقق ساختن اهداف مورد نظر مشروطه‌خواهان و تجار نبود. این بحران معلول عوامل درونی و بیرونی بود که با شروع جنگ جهانی اول تشدید گردید. عواملی که به دلسردی و ناامیدی تجار انجامید و به کاهش حضور سیاسی آنان منجر شد از این قرار بود:

۱- تداوم عناصر ساختار کهن و حضور شخصیت‌هایی چون عین‌الدوله و فرمانفرما در هیأت دولت.

۲- ناتوانی درونی نظام جدید در استقرار نهادهای مدرن.

۳- درگیری جناح‌های سیاسی و کشیده شدن جامعه به خشونت و هرج و مرج.

۴- اقتدار مجدد طبقات سستی، زمینداران و سران ایلات و قدرت‌گیری مجدد عناصر کهن.

۵- ضعف تجار در بدست گرفتن قدرت سیاسی و بی‌تجربگی آنان، که همین ضعف به تشدید محافظه‌کاری آنان افزود.

۶- استمرار حضور قدرت‌های بیگانه و ناتوانی تجار در مقابله با حضور سیاسی، مالی،

تجاری و صنعتی آن‌ها.

تمامی این عوامل در سال‌های جنگ جهانی اول تشدید شد. ایران در این سال‌ها با بحران مالی، درگیری‌های داخلی، بحران کابینه‌ها، سردرگمی سیاسی، درگیری جناح‌های سیاسی، ناامنی راه‌ها، عدم امنیت، درگیری‌های نظامی در سرحدات، فعالیت راهزنان در گوشه و کنار کشور و مداخله مستقیم قدرت‌های خارجی در امور داخلی ایران مواجه بود.

با شروع جنگ جهانی اول این پیکره مجروح و ضعیف با نداشتن نیروی نظامی مقتدر، قوی و متمرکز قادر به جهت‌گیری علنی در جنگ نبود. با وجود اینکه دولت ایران طی فرمانی اعلان بیطرفی نمود،^(۱) با این حال دولت‌های متخاصم، با بی‌اعتنایی به موضع رسمی ایران، عملیات نظامی و فعالیت‌های جاسوسی خود را به خاک ایران کشاندند و این امر آشفته‌گی اوضاع را بیش از پیش افزود. بخش‌هایی از کشور به اشغال دولت‌های بیگانه درآمد. روس‌ها سرتاسر شمال کشور و تقریباً نصف آن را که عبارت از خراسان، استرآباد، مازندران، گیلان، آذربایجان و بخش‌های مهمی از عراق عجم باشد تحت اشغال خود درآوردند.^(۲) روسیه علت ورود خود به خاک ایران را ناتوانی دولت در پرداخت اقساط وام‌هایش اعلام کرد که بر اساس قراردادهای بین دو کشور، روسیه باید در گمرک ایران کنترل داشته باشد، و به این بهانه قوای نظامی خود را وارد کشور کرد.^(۳) بخش جنوبی کشور نیز از محمره تا جزایر و بندر کوچک دریای عمان کم و بیش در دست انگلیسی‌ها و بخش غربی نیز در معرض تعرض سربازان عثمانی قرار داشت. بدین ترتیب بخش‌های وسیعی از کشور ناخواسته درگیر جنگ شد. در ۹ ذی‌قعدة ۱۳۳۲/اول اکتبر ۱۹۱۴ واحدهای نظامی عثمانی برای نخستین بار به خاک ایران در اطراف دریاچه ارومیه تجاوز کردند. نیروهای روسیه پس از ورود به ایران به سه سمت همدان، تهران و قم حرکت نمودند.^(۴) بخش‌های شمالی، مرکزی و غربی کشور درگیر زورآزمایی‌های نیروهای روس و عثمانی بود. قسمت‌های جنوبی از جمله بوشهر نیز توسط نیروهای انگلیسی اشغال شده بود.^(۵)

فراگیری جنگ موجب ویرانی مناطق وسیعی از کشور شد و حضور قشون بیگانه، علاوه بر نابسامانی‌های گذشته، مشکلات فراوانی بر کشور تحمیل کرد. تلگراف‌های متعددی از مناطق غارت زده کشور، در شکایت از اشرار داخلی و دسته‌های نظامی خارجی به وزارت داخله مخابره می‌شد که از سلب امنیت راه‌ها و سارقین رو به افزایش روستاها شکایت می‌نمودند.^(۶) جنگ بر اوضاع اجتماعی، زندگی و معیشت مردم تأثیر گذارد. کمبود ارزاق عمومی، گرسنگی و رواج بیماری‌های واگیردار موجب افزایش مرگ و میر و کاهش نفوس گردید و این امر خود موجب کمبود کارگر، افزایش دستمزدها و در نتیجه عاملی در افزایش قیمت‌ها گردید. در این سال‌ها روزنامه‌ها مملو از اخبار هولناک بود. خبرهای متعددی از عدم امنیت، سرقت، جنایت، قحطی، بیماری، گرسنگی و آمارهای بسیاری از مرگ و میر مردم به چشم می‌خورد.^(۷) ارباب جراید استقلال کشور را در خطر می‌دیدند.^(۸) کثرت

امراض، شیوع وبا و گرانی و کمبود دارو کلیه اقشار اجتماعی را تحت فشار قرار داده بود. گرانی به حدی بود که قشر متوسط جامعه نیز امکان خرید دارو نداشت و فقرا به سرعت جان خود را از دست می‌دادند.^(۹) در ستون ویژه تلگراف‌های داخله خبر از تلفات ناشی از بیماری در کردستان، تقاضای طبیب به دلیل رواج بیماری عمومی در سیستان، دستگیری اشرار و حمله به مال‌التجاره‌ها دیده می‌شود، که به خوبی وضعیت اسفبار این دوران را آشکار می‌سازد.^(۱۰) این وضعیت موجب بروز اعتراض‌هایی از جانب مردم به منظور تأمین آذوقه، رفع گرسنگی و برقراری امنیت گردید.^(۱۱)

از تأثیرات دیگری که جنگ جهانی بر اوضاع ایران و بخصوص بر تجارت و ارزاق عمومی گذارد، مساله ناامنی راه‌ها و کمبود وسایل حمل و نقل بود که بهبود آن از خواست‌های اساسی و اولیه تجار از نظام مشروطه بود. راه‌های که چندان امن و نامنظم کشور در اثر حضور قشون بیگانه وضعیتی اسفبارتر از پیش یافته بود. در گزارش‌هایی از شهرهای کشور خبرهای بسیاری از ناامنی، مسدود بودن راه‌ها، سرقت مال‌التجاره‌ها و ناتوانی دولت در اصلاح و برقراری امنیت معابر به چشم می‌خورد.^(۱۲)

اشغال برخی راه‌ها توسط نیروهای بیگانه و تلاش دولت‌های متخاصم برای ایجاد راه‌های شوسه و راه‌آهن به منظور ایجاد تسهیل در امور تجاری مناطق زیر نفوذشان منجر به تأسیس راه‌آهن جلفا - تبریز در سال ۱۳۳۴/۱۹۱۶ م. گردید.^(۱۳) با این حال، حضور بیگانگان و هرج و مرج سیاسی کشور، ناامنی راه‌ها را افزایش داد و سارقین را قادر ساخت به راحتی دست به غارت و یغما بزنند. هر روز دسته و گروه جدیدی تشکیل می‌شد و در راه‌ها به باج‌گیری از قوافل می‌پرداخت. علاوه بر باج‌های غیرقانونی یاد شده، دولت نیز بر برخی از راه‌ها حق‌العبور تعیین کرده بود. بطور مثال اداره مالیات به منظور حق‌العبور راه شمیران از هر اتومبیل و درشکه به میزان مشخصی مالیات دریافت می‌کرد.^(۱۴) به رغم فعالیت‌های دولت‌های بیگانه در ایجاد راه‌های شوسه و افتتاح راه‌آهن در مناطق مورد نیازشان، به دلیل محدود بودن این امکانات، رفت و آمدهای وسایط نقلیه جدید مانند کامیون و اتومبیل نتوانست گسترش یابد و همچنان عمده حمل و نقل کشور به وسیله قاطر و شتر صورت می‌گرفت. از آن‌جا که دولت‌های درگیر در جنگ برای جابجایی محموله‌ها و تدارکات مورد نیاز سربازان خود شروع به خرید یا خارج کردن قاطرها و شترهای موجود از ایران کردند، کشور دچار بحران کمبود وسایل حمل و نقل گردید. البته کمبود علوفه و کاهش واردات شتر که معمولاً از ایالات ترکستان خریداری می‌شد، همچنین قاطر که در بین عشایر غرب کشور پرورش داده می‌شد و به دلیل نیاز ارتش عثمانی تمامی آن‌ها به کشور مزبور فرستاده شده بود، از دیگر عوامل این بحران بود. انگلیسی‌ها نیز کلیه حیوانات بارکش را برای عملیات نظامی خود در بین‌النهرین خریده بودند و این امور موجب کاهش شدید وسایل حمل و نقل گردیده بود.^(۱۵)

علاوه بر خرید و به کارگیری کلیه امکانات حمل و نقل کشور توسط دولت‌های درگیر در جنگ، در صورت مشاهده مکاری‌ها و صاحبان حیوانات باربر، آنان را وادار به حمل بارهای خود می‌کردند.^(۱۶) این امر جابجایی مایحتاج عمومی مردم را دچار اشکال می‌ساخت و موجب می‌گشت که در صورت کمبود ارزاق، ایالت‌های مجاور قادر به کمک‌رسانی به یکدیگر نباشند. کمبود وسایل حمل و نقل از عوامل افزایش قیمت‌ها، افزایش فوق‌العاده کرایه حمل و نقل و محدودیت‌های تجاری بود. اثرات همین کمبود وسایل حمل و نقل باعث می‌شد که از مازندران به تهران در صورتی که بیش از چند منزل راه نبود، کرایه هر خروار بار به هفتاد تومان بالغ گردد.^(۱۷)

ب) دولت و ناکارآمدی نهادهای مشروطه

کلیه مورخان و نویسندگانی که در باره این سال‌ها قلم زده‌اند بر ناتوانی دولت مرکزی و عدم تسلط آن بر اداره امور ولایات اتفاق نظر دارند. دولت مشروطه که با موانع زیادی روبرو بود در سال‌هایی که می‌بایست به تقویت نهادهای خود می‌پرداخت و مشکلات را از میان برمی‌داشت با واقعه جنگ جهانی که ناخواسته در معرض آن قرار گرفت، مواجه شد و امکان بازسازی خود را از دست داد. ضعف مالی دولت و فشار وام‌های خارجی به گونه‌ای بود که یک سوم تمام درآمد سالیانه را به جیب طلبکاران اصلی و عمده کشور یعنی روسیه و انگلیس می‌ریخت.^(۱۸) وخامت مالی کشور به حدی بود که دولت در صدد برآمد جواهرات سلطنتی را نزد تجار داخلی گرو گذاشته و مقداری پول تهیه کند.^(۱۹) کسر بودجه و عدم تعادل عواید و مخارج کشور موجب بروز بحران شدید مالی گشت، در عین حال که دولت موظف به پرداخت وام‌های گذشته خود بود و به دلیل تهی بودن خزانه قادر به پرداخت حقوق کارکنان دولت نبود. حقوق کارکنان اکثر وزارتخانه‌ها برای چندین ماه پرداخت نشده بود. به دلیل نپرداختن حقوق ژاندارمری، چند تن از صاحب‌منصبان سوئدی که در تشکیلات ژاندارمری مشغول بودند استعفا دادند، چرا که با چنین شرایطی ادامه فعالیت این نیرو را امکان‌پذیر نمی‌دانستند.^(۲۰)

از اداره نظمی به وزیر داخله اطلاع داده شد هر گاه تا چند روز بعد مبلغی پول به این اداره نرسد ناگزیر به تعطیل آن خواهند بود.^(۲۱) اعضای وزارت داخله نیز به دلیل تعویق در پرداخت حقوقشان اجتماع کردند و از وزیر داخله کسب تکلیف نمودند.^(۲۲) حقوق اعضای وزارت مالیه سه ماه به تأخیر افتاده بود. سایر وزارتخانه‌ها از قبیل جنگ، معارف، اداره حکومتی و بلدیّه هر یک پنج تا شش ماه از حقوق‌شان پرداخت نشده بود.^(۲۳) از جانب نظمیّه قزوین و ژاندارمری تبریز نیز شکایاتی از بابت عدم پرداخت حقوق به وزارت داخله و مالیه رسید.^(۲۴) سربازان مأمور در کرمانشاه که چندین ماه مقرری آن‌ها پرداخت نشده بود، در صدد فرار مسلحانه برآمدند.^(۲۵) هیأت دولت و مجلس برای کاهش فشار شکایت‌ها و

اعتراض‌های کارکنان دولت تصمیم گرفتند تومانی دو ریال از حقوق آن‌ها را علی‌الحساب و تومانی یک ریال آن را پس از سه ماه بپردازند.^(۲۶) دولت هر از چند گاهی، چند ماه از حقوق کارکنان یکی از وزارتخانه‌ها را می‌پرداخت تا مدت زمانی جلوی اعتراض و شکایت گرفته شود.^(۲۷) البته این کار با اختصاص مالیات یک ایالت یا فروش اجناس انبارهای دولتی امکان‌پذیر می‌شد که آن‌هم درمانی موقت بود.^(۲۸) عدم پرداخت منظم حقوق کارکنان دولت با وجود افزایش سرسام‌آور نرخ ارزاق موجب کاهش قدرت خرید گردید، تقاضا را کاهش داد و موجب رکود اقتصادی در جامعه شد.

دولت از نظر میزان عایدات و مخارج دچار عدم تعادل فاحش بود. کلیه وزارتخانه‌ها دچار کسر بودجه بودند که البته مطالبات عقب‌افتاده دوایر دولتی و لایات و طلب بانک‌ها را نیز باید به کسر بودجه وزارتخانه‌ها افزود. بنا به محاسبه‌ای که از کسر عایدات دولت به عمل آمد میزان کسر بودجه دولت در سال ۱۳۳۳/۱۹۱۵ با افزودن بدهی‌های سیال سال قبل بالغ بر پنج میلیون تومان بود.^(۲۹) عمده درآمد کشور از طریق عواید مالیاتی، گمرک، پست و تلگراف و عواید تذکره به دست می‌آمد. توازن خرج و دخل ممکن نبود، گرفتن وام خارجی برای پرداخت حقوق عقب مانده افراد نیز دردی را دوا نمی‌کرد.^(۳۰) در همان دوران پیشنهادهای متعددی برای حل این کمبود مطرح گردید از جمله تقسیم بودجه به موارد ضروری و غیرضروری که در توضیح آن، موارد ضروری را شامل تعهدات خارجی، ملاحظه حیثیت سلطنتی و حفظ منافع مملکت دانستند. بنا به این نظر، پرداخت حقوق وزارتخانه‌ها دارای اهمیت چندانی نبود. قابل توجه است که در این پیشنهاد، پرداخت حقوق شاه سابق و سالارالدوله از پرداخت حقوق افراد وزارتخانه‌ها واجب‌تر قلمداد شده بود.^(۳۱) این مساله بازگشت نوعی تفکر محافظه کارانه ارتجاعی را نشان می‌دهد که به هیچ وجه با روحیه مشروطه‌گری، انقلابی و معترض اوایل جنبش قابل مقایسه نمی‌باشد. پیشنهاد دیگر نیز پرداخت چهار پنجم حقوق افراد و کسر مقداری از آن را مطرح می‌سازد.^(۳۲) در هر صورت مطلبی که به درستی می‌توان از انواع این پیشنهادها دریافت، وخامت اوضاع مالی کشور و ناعلاجی دولت در حل این مشکل اجتماعی است که شرایط جنگ نیز آن را وخیم‌تر ساخته بود.

ضعف بنیه مالی دولت و افزایش مداخله دولت‌های بیگانه بر ضعف عمومی دولت افزود. عایدات گمرک کشور در دست دو دولت روس و انگلیس بود. بندر بوشهر توسط انگلیسی‌ها اشغال شده بود و تمام عایدات گمرک جنوب در مقابل اقساط سالیانه دیون دولت توقیف شده بود. روسیه نیز اعلام نموده بود که در صورتی که دولت ایران از ادای اقساط سالیانه دیون خود امتناع ورزد، این کشور ناچار خواهد شد عایدات گمرک شمال را توقیف کند.^(۳۳) عواید اداره پست و تلگراف نیز به دلیل وضعیت جنگی و تأخیرهایی که در حمل و نقل امانت‌های پستی به وجود می‌آمد دچار نقصان بود. درآمد تذکره نیز بیش از

سایر درآمدهای دولت دچار کسری شده بود.^(۳۴) اخذ مالیات ایالات به دلیل ضعف حکومت مرکزی دچار مخاطره بود. اشغال بخش‌هایی از کشور توسط دولت‌های درگیر در جنگ، ناتوانی حکام ایالات در اداره امور^(۳۵) و همکاری برخی از آن‌ها با نیروهای متخاصم و عدم پیروی از سیاست بیطرفی دولت مرکزی^(۳۶) و درگیری بین ژاندارم‌ها و قزاق‌ها،^(۳۷) از عوامل تشدید هرج و مرج و شدت بخشیدن به ضعف حکومت مرکزی بود.

لغو قانون اختیارات مورگان شوستر که معروف به قانون ۲۳ جوزا بود،^(۳۸) موجب شد که تلگراف‌های خزانه‌دار کل و مأموران مالی، در وصول مالیات ایالات به نتیجه‌ای نرسد و مأموران مالی قادر به اخذ مالیات نگردند.^(۳۹) گزارش اوضاع مالی کشور حاکی از عدم اطمینان و هرج و مرج حاکم بر عموم دوایر مالی و ولایات است. کاهش اختیارات مقامات وزارت مالی باعث عدم اطمینان مردم به مأموران دولتی شده بود و به واسطه عدم جایگزینی قانون دیگری به جای قانون مذکور، بی‌تکلیفی و هرج و مرج غیر قابل توصیفی بر وزارت مالی و شعبات آن حکمفرما گردیده بود.^(۴۰) علاوه بر موارد یاد شده، افزایش سرسام‌آور نرخ ارزاق و عدم پرداخت منظم حقوق کارکنان دولت، بیانگر آن بود که فشار مالی کشور بیشتر بر روی این قشر جامعه بوده است. هر چند مالکان بزرگ با استفاده از ضعف دولت مرکزی و نفوذ اجتماعی و سیاسی خود می‌توانستند از زیر بار مالیات دولت شانه خالی کنند، ولی مالکان خرد و رعایا کمتر قادر به نپرداختن مالیات بودند. در این شرایط از ایالات نیز اعتراض‌هایی از میزان مالیات به مرکز رسید. تظلم گروهی از مالکین و رعایای رفسنجان از مالیات آن ایالت و تحصن گروهی از علما و اهالی اهر در تلگرافخانه به منظور اعتراض به میزان مالیات آن منطقه نمونه اندکی است که اعتراض‌های مردم را به دلیل شرایط سخت زندگی انعکاس می‌دهد.^(۴۱)

ثبات سیاسی و امنیت اجتماعی که مشروطه‌خواهان و بخصوص تجار در پی آن بودند، به صورتی اسفبار رخ نمود. حفظ امنیت کشور به دست نیروی نظامی، شامل گروهی ژاندارم بود که توسط صاحب‌منصبان سوئدی اداره می‌شد و عده‌ای قزاق که زیر نظر روس‌ها بودند و گروه مختصری سرباز و پلیس که دارای اسلحه مناسب و انضباط کاملی نبودند.^(۴۲) فقدان قوای نظامی منسجم در کشور موجب گشت حکام ولایات که غالباً از زمینداران بودند از نیروی نظامی عشایر به منظور مقابله با اشرار، دزدان و راهزنان استفاده کنند. این وضعیت موجب یاغی‌گری برخی ایلات و گاه حمله به روستاها و غارت و چپاول آن‌ها گردید.^(۴۳) دولت بر آن بود که به منظور مرکزیت قوای کشور در ولایات، نیروی ژاندارمری و نظمیه را توسعه دهد تا این نیرو بتواند اوامر حکومت مرکزی را اجرا کند. ولی تا هنگامی که نیروی ژاندارمری ناتوان بود مورد حمله مداوم ایلات قرار می‌گرفت چرا که تا پیش از استخدام افسران سوئدی امنیت راه‌ها به عهده نیروهای محلی گذارده شده بود، از این رو تشکیل و گسترش نیروی نظامی ژاندارمری با واکنش در مناطق مختلف مواجه گشت. برخی طوایف

بر ضد ژاندارمری با یکدیگر متحد شده، با شیوه‌های گوناگون به کشتار آنان پرداختند.^(۴۴) این امر نه تنها موجب ضعف بیشتر قوای انتظامی شد که ایلات را به عنوان نیروی نظامی منسجم و قوی‌تر از قوای دولتی مطرح کرد. مطالب یاد شده، کشورهای آلمان، انگلیس و عثمانی را واداشت تا از نیروی نظامی ایلات بهره‌گیرند و هر کدام از آن‌ها سعی کرد گروه‌هایی از آن‌ها را با خود همراه سازد. این امر تفرقه و درگیری و جدال بین طوایف را افزایش داد.^(۴۵) آلمان‌ها خوانین ایل‌های غرب کشور را بر ضد روس و انگلیس برانگیختند و آنان پس از اجتماع و سوگند وطن‌پرستی، تلگرافی به شاه مخابره کردند و خواهان مقابله با ایادی و قدرت متجاوز شدند.^(۴۶) از جمله این فعالیت‌ها می‌توان از قیام عشایر جنوب و تنگستانی‌ها در مقابله با نیروهای انگلیسی و خرابکاری در تأسیسات نفت جنوب برای لطمه زدن به نیروهای دریایی انگلیس،^(۴۷) و همچنین درگیری بختیاری‌ها با نیروهای روسیه نام برد.^(۴۸)

انگلستان برای حفظ منافع خود در جنوب ایران، حفظ امنیت و مقابله با هرج و مرج و رشد فزاینده حمایت از آلمان‌ها، نیروی نظامی متشکل از تفنگچیان ایلی و کسانی که پیش از آن در خدمت ژاندارمری بودند و گروهی از بیکاران یا نیمه بیکاران شهری و روستایی تشکیل داد که به نام پلیس جنوب یا اس. پی. آر.^(۴۹) شناخته شد. این نیروی نظامی در ۱۳۳۳/۱۹۱۶ سازمان‌دهی و به تدریج گسترش یافت. فعالیت این نیرو از سوی دولت ایران به رسمیت شناخته نشد و به دلایل متعدد بیش از پنج سال قادر به فعالیت نشد.^(۵۰) در هر حال تشکیل چنین نیرویی حاکی از ضعف دولتی بود که قادر به تأمین امنیت و حفظ استقلال و جلوگیری از مداخله قدرت‌های خارجی نبود. دولت‌های روس و انگلیس از موقعیت جنگ جهانی استفاده کرده، نفوذ و مداخله خود را در امور ایران افزایش دادند.

ضعف دولت مرکزی و تسلط دولت‌های بیگانه موجب اعمال نفوذ این کشورها در امور ایالات شد. بطور مثال گزارش‌هایی از تیرباران سردار مکرری فرماندار ساوجبلاغ، مظفرالسلطنه حاکم بانه و برخی از نمایندگان دولت ایران داده شده است که توسط نیروهای عثمانی در تبریز به قتل رسیدند. این امر جدای از دسته‌بندی‌ها و طرفداری از طرف‌های درگیر در جنگ، بیانگر افزایش اعمال نفوذ و مداخله بیگانگان در کشور بود.^(۵۱) این امر تا بدانجا پیش رفت که سفیر انگلیس به حاکم کرمانشاه تذکر داد، یا بی‌طرفی متمایل به انگلیس را در پیش گیرد و یا اقدام به عزل وی خواهد کرد.^(۵۲) بدیهی است چنین دولت ضعیفی قادر به اداره امور و برقراری نظم و امنیت نبود. به رغم بی‌طرفی رسمی ایران در جنگ، ضعف و عدم تمرکز دولت و سوابق استعمارگرانه روس و انگلیس در ایران موجب بروز جهت‌گیری‌های آشکار در گوشه و کنار کشور به سود آلمان‌ها شد. بسیاری از اعضای دولت ایران و مخصوصاً نمایندگان مجلس سوم همراهی خود را با آلمان‌ها پنهان نمی‌کردند.^(۵۳) همچنین تشکیل حکومت موقت ملی علاوه بر آن که نشانگر جهت‌گیری آشکار بخشی از

حاکمیت سیاسی به سود آلمان‌ها بود، بیانگر عدم انسجام سیاسی، ضعف دولت قانونی و نادیده گرفتن آن نیز محسوب می‌گشت.

دولت‌هایی که در این سال‌ها بر سر کار آمدند، تحت تأثیر دخالت‌های بیگانگان قرار داشتند، آنان حتی در ترکیب افراد هیأت دولت مداخله می‌کردند. بطور مثال فرمانفرما و وثوق‌الدوله به اصرار دولتین و حکیم‌الملک با حمایت آلمان‌ها به کابینه راه یافتند.^(۵۴) نابسامانی سیاسی منجر به جابجایی سریع دولت‌ها شد. مدت روی کار آمدن هر یک از آن‌ها از یک ماه تا هشت ماه بود و بدیهی است^(۵۵) چنین زمان کوتاهی امکان اجرای برنامه‌های اصلاحی و ایجاد مرکزیتی ثابت و استوار را از آنان می‌گرفت. دو قطبی بودن عناصر تشکیل‌دهنده دولت‌های این عصر، که به گونه‌ای از سیاستمداران سستی‌کننده کار همچون عین‌الدوله و فرمانفرما و افراد نوگرای اصلاح طلب همچون مشیرالدوله، ذکاءالملک و دیگران تشکیل شده بود، تداوم تعارض‌های درونی دولت‌ها را از آغاز جنبش مشروطیت موجب می‌شد، امکان برنامه‌ریزی منسجم و ثبات سیاسی را از آنان سلب می‌کرد. پیشروی دولت روسیه در خاک ایران، ماجرای کابینه مهاجرت، ایجاد کمیته دفاع ملی که اکثریت آن را دموکرات‌ها تشکیل می‌دادند و تشکیل دولت ملی، حاکی از انحطاط و ضعف دولت مرکزی بود.

از بازتاب‌های دیگر بی‌نظمی و بی‌ثباتی سیاسی می‌توان به تشکیل کمیته مجازات در سال‌های ۳۵-۱۳۳۴ اشاره کرد. به گفته یکی از اعضای تشکیل‌دهنده آن، تشکیل کمیته مزبور چیزی جز واکنش در برابر بی‌نظمی و هرج و مرج کشور نبود،^(۵۶) و جالب آنکه خود این کمیته در عمل بر افزایش هرج و مرج اجتماعی و تسویه حساب‌های شخصی افزود. علاوه بر این، پس از انقلاب روسیه بر فعالیت احزاب مختلف از جمله حزب دمکرات افزوده شد. توقع و خواست‌های مردم از دولت بیشتر گردید و نیروهای مخالف دولت در این سال‌ها شروع به خودنمایی کردند.^(۵۷) طغیان کوچک‌خان در گیلان، عملیات واسموس و دشتستانی‌ها در جنوب و ماشاءالله‌خان و سایر افراد و گروه‌هایی که در کاشان و اصفهان علیه حکومت مرکزی دست به شورش زدند، همه بر بی‌ثباتی و ضعف حکومت دامن زد و انتظار و خواست تجار از تغییر نظام سیاسی کشور را بی‌حاصل نمود.

ج) جنگ و ارزاق عمومی

تأثیر جنگ جهانی در اوضاع کشور و زندگی مردم بیش از پیش بر روی قیمت ارزاق و کالاهای اساسی کشور آشکار گردید. کمبود مواد غذایی، مسأله نان و صف‌های طولیل در برابر نانوائی‌ها، قحطی و افزایش بی‌رویه قیمت‌ها، مردم را به سمت فقر و بیماری و سرانجام مرگ سوق می‌داد. گزارش شهرهای کشور که حاکی از کمبود و گرانی نان و آشفته‌گی مردم در سال‌های جنگ بود، تصویری دلخراش از اوضاع اجتماعی آن زمان ترسیم

می‌نماید. از قزوین خبر می‌رسید که منظره دکان‌های نانوايي بسیار رقت‌انگيز، نان غير مأکول و ارزاق گران و کمیاب بوده است. مردم به تحريك شخصی به نام حاجی سيدحسين در مسجد شاه جمع شدند و در شهر شورش و بلوا ایجاد کردند.^(۵۸) در زنجان به واسطه کمبود نان، زن‌ها تجمع کردند و دکان‌ها و بازار از ترس بسته شدند و ازدحام عمومی ایجاد کردند. کرمانشاه به هيچ وجه امنیت نداشت و جان و مال اهالی مورد تهديد بود. چندین قتل بی‌جهت اتفاق افتاده بود؛ ولایت حاکم نداشت؛ دکانين به دليل کمبود ارزاق تمامی بسته شده و برای احدي آسایش نمانده بود.^(۵۹)

گروه‌های کثیری از گرسنگی جلای وطن کردند. در قم گندم قيمت معینی نداشت و از دیگر مناطق نیز وارد نمی‌شد. خیابان‌ها به هر قيمتی در شهر گندم پیدا می‌کردند، می‌خریدند.^(۶۰) قيمت ارزاق و اجناس در انزلی ساعت به ساعت در ترقی بود.^(۶۱) گزارشی از مشهد حاکی بود که به واسطه کمی و گرانی نان، به حدی بر اهالی سخت گذشته بود که از مردم جز آه و ناله چیزی شنیده نمی‌شد و از تمام خراسان امنیت سلب شده بود. در اصفهان نیز قزاقان با خیابان‌ها درگیر شدند و به همین دليل مغازه‌های نانوايي بسته شد و معدودی که بازمانده بود، به حدی ازدحام در آن‌ها زیاد بود که بیم ایجاد بلوا می‌رفت.^(۶۲) در همین رابطه گزارشی از برپایی چادرهایی به منظور اعتراض در مقابل تلگرافخانه شهر دیده می‌شود که گروهی از بزرگان شهر طی مجلسی در عمارت چهل ستون برای بهبود وضع نابسامان ارزاق گرد آمدند و تصمیم بر آن شد که قيمت معینی برای فروش گندم در نظر گرفته شود و تمام «علماء و ملاکین و اعیان» قبول کردند تا بدین طریق اوضاع اندکی بهبود یابد.^(۶۳)

در گزارش شهر منجیل خبر عبور گروهی سواره نظام از همدان به روسیه داده شد و نیز خبر افزایش روز به روز قيمت اجناس که موجب قحطی و گرسنگی اهالی شده بود.^(۶۴) در گزارشی از شهر شیراز در متن اعلان رییس بلديه خبری از تجمع اهالی در تلگرافخانه به دليل گرانی ارزاق داده شده است که در متن گزارش این خبر تکذیب گردید و قيمت‌های مایحتاج عمومی در شیراز به جهت آگاهی خوانندگان ذکر گردید که با توجه به اوضاع دیگر شهرها، همچنین اوضاع عمومی کشور مشکوک و غیرواقعی به نظر می‌رسد.^(۶۵) در هر حال همین امر حاکی از وضعیت غیر عادی شهر دارد. در همین سال‌ها بر اثر کمبود مواد غذایی و بیماری‌های واگیردار هزاران تن جان باختند.^(۶۶) گرانی ارزاق در دیگر شهرها نیز اعتراض‌هایی را به گونه‌های مختلف برانگیخت. در کردستان گرانی قند و چای به حدی رسید که علماء حکم به حرمت قند و چای دادند و طلاب مجری و مراقب اجرای حکم بودند. قهوه‌خانه‌ها بسته شد و هر عطاری قند و چای می‌فروخت اموالش ضبط می‌گردید.^(۶۷)

ارقام جدول‌های منتشره و اعلان قيمت کالاهاى اساسی که هر هفته توسط اداره بلديه در روزنامه‌های رسمی کشور منتشر می‌شد، حاکی از افزایش سرسام‌آور قيمت‌ها بود. با بررسی این ارقام می‌توان دریافت که طی سال‌های جنگ جهانی اول، گندم در حدود ۷۱۴ درصد،

جو ۳۳۹ درصد، لوبیا ۸۰۹ درصد، نخود ۴۱۵ درصد، برنج ۶۲۷ درصد، کاه ۹۷۶ درصد و قند که جزو کالاهای وارداتی محسوب می‌شد، تنها ۵۴ درصد افزایش قیمت یافته بود.^(۶۸)

تلگراف‌های خارجی نیز خبر از بحران آذوقه و کاهش محصول گندم در اروپا و آمریکا می‌داد. استفاده از زارعان در جبهه‌های جنگ، به کارگیری وسایل نقلیه در تدارکات نظامی و از بین رفتن زمین‌های کشاورزی موجب کاهش محصول و افزایش قیمت حمل و نقل گردید. عملیات زیردریایی‌های جنگی در آب‌های بین‌المللی عامل دیگری بود که رفت و آمد کشتی‌های تجاری را با مشکل مواجه می‌ساخت.^(۶۹) بدیهی است کمبود جهانی نیاز کشورهای درگیر را به مواد غذایی کشورهای بی‌طرف، افزایش می‌ساخت و با توجه به قیمت‌های گران ارزاق عمومی در آن کشورها، تمایل به صدور مواد غذایی را افزایش داده بود که به طور قطع سود فراوانی نصیب صادرکنندگان آن می‌کرد. واکنش تجار به این موضوع را در فصل بعد بررسی خواهیم کرد.

از آن‌جا که هر نوع عدم هماهنگی بین عرضه و تقاضا موجب ایجاد تورم می‌گردد، از این رو هر گونه کاهش یا افزایش هر یک از آن‌ها قیمت‌ها را دچار بحران می‌سازد. در تحلیل عوامل مؤثر در کمبود و افزایش قیمت ارزاق، به موارد محتمل زیر می‌توان اشاره کرد:

- ۱- حضور قشون بیگانه و استفاده از امکانات داخل کشور برای رفع نیاز آن‌ها.
- ۲- وضع بد کشاورزی و کاهش محصول به دلیل کمی آب، خشکسالی، بدی آب و هوا و وجود آفت در این سال‌ها.
- ۳- احتکار (ایجاد کمبود مصنوعی).
- ۴- صادرات کالاهای اساسی و مواد غذایی به خارج از کشور که منجر به کمبود داخلی شد.

- ۵- بدی راه‌ها و وسایل حمل و نقل و محدود بودن امکان انتقال مواد خوراکی.
- ۶- خست ملاکین و صاحبان ثروت و عدم پرداخت مالیات جنسی به دولت.
- ۷- ضعف دولت مرکزی که امکان هر نوع تغییر در قیمت‌ها را توسط افراد سودجو فراهم می‌ساخت.

۸- مسأله روحی ناشی از کمبود (که در اصطلاح اقتصادی انتظار تورمی گفته می‌شود).
در بخش‌هایی که نیروهای نظامی دولت‌های بیگانه حضور داشتند به دلیل وخامت وضع راه‌ها و کمی وسایل حمل و نقل امکان انتقال آذوقه از ایالتی به ایالت دیگر بسیار دشوار بود. گزارش‌هایی از مزاحمت نظامیان روسیه در حمل مال‌ها و اجناس روستاییان عنوان شده است.^(۷۰) حتی نظامیان از حکام ایالات برای تأمین آذوقه سربازان خود کمک خواسته بودند. فرمانده نیروهای روسیه در ایران، ژانرال باراتف از حاکم عراق عجم تقاضای آذوقه کرد، دویست قاطر و شتر با هفتاد و پنج خروار جو بارگیری شد و برای وی فرستاده شد.^(۷۱) علاوه بر این، حضور قشون بیگانه موجب آسیب بر کشاورزی و لگدکوب شدن

اراضی حاصل خیز کشور گردید؛ همچنین مقدار معتناهی مواد غذایی که پیش از این به مصرف اهالی می‌رسید، در این دوران مورد استفاده قوای نظامی خارجی گردید.^(۷۲)

در گزارش‌های مربوط به علل کمبود ارزاق، به خشکسالی و فقدان آب در سال ۱۳۳۵/۱۹۱۷ اشاره شده است. این خبر می‌افزاید در سال پس از آن، با وجود فراوانی باران و کثرت آب و برطرف شدن خطر هر گونه آفت زراعتی باز هم کمبود همچنان وجود داشت. هر چند وضع بد کشاورزی و خشکسالی می‌توانست از عوامل مهم کاهش محصول محسوب گردد،^(۷۳) با این حال در بیشتر منابع به احتکار و انباشت کالاهای مورد نیاز مردم به منظور افزایش قیمت و بدست آوردن سود بیشتر به عنوان عامل اساسی کمبودها بطور مکرر اشاره شده است. این امر از جانب برخی تجار و ملاکین یا متنفذین محلی موجب بدست آوردن سرمایه‌های کلانی گشت که در دست افراد معدودی قرار داشت. یکی از این افراد، شخصی به نام حاج‌یمین‌الملک بود که املاک خالصه را از دولت اجاره کرد. در سال تصدی وی، میزان غله وارده به انبار دولتی از ۴۲ هزار به ۲۷ هزار خروار رسید و بقیه آن به سرمایه شخص وی مبدل گشت.^(۷۴) در مقاله‌ای با عنوان «باز هم آذوقه طهران و ولایات»، با بررسی مقدار گندم و جو زمین‌های اطراف تهران ثابت می‌شود که این مقدار محصول برای اصلاح کار نان تهران به راحتی کافی بوده است، ولی آنچه وضع ارزاق و نان را بسیار بحرانی ساخته بود، احتکار و انباشت آذوقه مورد نیاز مردم توسط محتکرین بوده است.^(۷۵)

هر چند بدی راه‌ها و کمبود وسایل حمل و نقل و دیگر عوامل یاد شده، در کاهش ارزاق دخالت داشت با این حال بخشی از آن نیز به صورت مصنوعی ایجاد می‌گردید. اجتناب ملاکین و صاحبان ثروت از پرداخت مالیات‌های جنسی و نیز احتکار ارزاق از مسایلی است که کماکان بدان اشاره شده است. سنت مالیاتی بر این قرار بود که بخشی از محصول به واسطه مأموران مالیه محلی به عنوان مالیات جنسی از مالکان گرفته می‌شد و توسط دولت به قیمتی کمتر از قیمت فروش معمول فروخته و یا به خبازخانه‌ها داده می‌شد، این امر در شرایط کمبود سال‌های جنگ می‌توانست در رفع گرسنگی و کاهش قیمت‌ها مؤثر باشد ولی ملاکین با تبانی مأموران مالیه یا به شیوه‌های دیگر از پرداخت این مالیات اجتناب می‌کردند.^(۷۶)

گزارش‌های بسیاری از احتکار محصول و انبار کردن غلات توسط ملاکین داده شده است. آنان حتی نیازهای خود را با وجود انبارهای غله احتکار شده از طریق بازار شهر تأمین می‌کردند.^(۷۷) به دلیل سود بسیار سرشار خرید ارزاق عمومی، نه تنها مالکان از فروش غله خود سرباز می‌زدند،^(۷۸) بلکه تجار نیز دست به خرید مایحتاج عمومی مردم زدند و آن را برای ایجاد کمبود مصنوعی انبار کردند.^(۷۹) وضعیت اسفبار نان و ازدحام مردم بر دکان‌های نانوايي تهران موجب گشت که بنا به درخواست شاه علت این کمبود بررسی گردد. مأموران پس از بررسی، علت را این دانستند که پیش از ورود به شهر اجناس توسط صاحبان ثروت

خریداری و به لواسانات و ساوجبلاغ و قزوین جهت انبار کردن فرستاده می‌شد.^(۸۰) تأثیر ناگوار این اعمال بر زندگی مردم و سودهای سرشاری که از این طریق برای مالکان و تجار فراهم گردید کاملاً آشکار بود.

علاوه بر موارد یاد شده نکته دیگری که در بحران‌های اقتصادی و تورم‌های شدید ایجاد می‌گردد، مسأله‌ای است که در اصطلاح اقتصادی به آن انتظار تورمی گویند و در شرایط کمبود و بی‌ثباتی سیاسی، خود از عوامل تشدید بحران می‌گردد. نگرانی و هراس مردم از گرسنگی و کمبود بیشتر در آینده، تمایل به خرید و انبار کالا را بیش از نیاز و مصرف طبیعی آنان افزایش می‌دهد، این امر موجب افزایش تقاضا و در نتیجه افزایش قیمت و ایجاد تورم می‌گردد. در سال‌های مورد بحث حرص و ولع بسیاری در بین سرمایه‌داران و حتی مردم عادی ایجاد شده بود که به انبار کردن کالاها و بخصوص ارزاق عمومی بپردازند.^(۸۱)

اقتدار قدرت مرکزی و اطمینان از بهبود اوضاع، خود می‌توانست عامل کاهش قیمت‌ها گردد. در نامه‌ای از جانب دو تن از علمای اصفهان به وزارت داخله به خوبی تأثیر این احساس اطمینان و امنیت اجتماعی بر کاهش قیمت‌ها آشکار می‌گردد. به مجرد انتشار خبر حکمرانی سردار جنگ در اصفهان، تا حدی اغتشاش کاهش یافت و حتی برخی از سارقین به تجار پیغام دادند که بعضی اموال مسروقه را پس خواهند داد. قیمت گندم کاهش پیدا کرد.^(۸۲) این موضوع موجب گشت که با اعلام خاتمه جنگ، قیمت‌ها به سرعت و روزانه رو به کاهش رود.^(۸۳) ایجاد احساس امنیت از مواردی است که در شرایط تورمی می‌تواند از عوامل مهم کاهش قیمت‌ها گردد. در چنین شرایطی دولت نیز در قبال اوضاع اسفبار اجتماعی احساس مسئولیت می‌کرد. از جانب حکومت مرکزی در مورد حمل جنس و مراقبت در امر تأمین ارزاق عمومی و حفظ انتظام راه‌ها و ممانعت از حمله سارقین، به حکام ایالات شدیداً اخطار داده شد و خاطیان در صورت سهل‌انگاری تهدید به انفصال از خدمت شدند.^(۸۴)

اداره بلدی و اداره نظمیه، به منظور جلوگیری از تقلب و اجحاف کسبه و خبازها دست به فعالیت‌هایی زدند.^(۸۵) تلاش‌هایی نیز جهت گرفتن مالیات جنسی صورت گرفت که البته با شیوه‌های مختلف اعمال نفوذ از جانب ملاکین بزرگ خنثی می‌گردید. در صورتی که مأمورین مالیّه موفق به اخذ مالیاتی می‌گردیدند، بیشتر در اثر فشار به خرده مالکین و زارعین کوچک بود. پیشنهادهایی از جانب مجمع آذربایجان و هیأت خیریه تجار و اصناف به دولت داده شد، که یکی از آن‌ها در خصوص جمع‌آوری محصولات زمین‌های خالصه و مازاد مالیات‌های جنسی در مرکز بود تا در موقع مقتضی وارد بازار گردد و تا حدودی به بهبود وضع گرسنگان کمک کند.^(۸۶)

دولت جهت انتقال جنس‌های اربابی و خالصه مذاکراتی با تجار انجام داد و حمل این اجناس را به مناقصه گذارد.^(۸۷) غله‌هایی که بدین طریق جمع‌آوری می‌گشت وارد انبارهای

دولتی می‌شد و طبق نظام‌نامه به خصوصی به مقدار تعیین شده بین خبازان تقسیم می‌گردید و قیمت آن‌ها از نرخ غیردولتی آن بسیار کمتر بود و در واقع دولت روی غله‌هایی که بدین صورت و با نظارت مأمورین دولتی تقسیم می‌شد، ضرر می‌کرد و یا در اصطلاح جدید آن برای کاهش قیمت نان سوبسید می‌پرداخت.^(۸۸) معمولاً مأمورین از جانب وزارت مالیه به بلوکات اطراف تهران رفته و مالیات جنسی زمین‌های خالصه و اربابی را تحویل گرفته به انبارهای مرکزی منتقل می‌کردند.^(۸۹) در این سال‌ها با شرایط کمبود مواد غذایی، خروج هر نوع جنس و ارزاق از حومه تهران بدون اجازه کمیسیون ارزاق و تصویب حکومت ممنوع گردید.^(۹۰) در ولایات دیگر از جمله قم، عراق عجم و کاشان نیز همین ممنوعیت اجرا شد.^(۹۱) کمبود غله موجب استفاده بیشتر مردم از برنج گردید و شاید از این زمان بود که این محصول جزو غذاهای اصلی مردم قرار گرفت. نظارت بر ورود برنج به انبارهای دولتی و پختن غذا و تقسیم بین گرسنگان نیز از کارهای دولت در این سال‌ها بود.^(۹۲)

در اثر کمبود مواد غذایی و افزایش سرسام‌آور قیمت آن‌ها در کشورهای درگیر جنگ، گزارش‌هایی مبنی بر خروج مخفیانه و غیر مجاز گندم از کشور به وزارت داخله داده شده است. بنا به این گزارش، شخصی در حوالی اصفهان و محلات روزی ده‌هزار تومان گندم معامله کرده است و اجناس خرید شده را در کیسه‌های تنباکو و لفافه تیماج^(۹۳) پر کرده به انگلستان حمل می‌کرده است. وزارت داخله با ایالات مرکزی مکاتبه کرده و اعلام می‌دارد با توجه به عسرت عمومی به شدت با این عمل مقابله گردد و اجازه خروج غله از کشور داده نشود.^(۹۴)

از آن‌جا که قحطی همچنان بیداد می‌کرد، دولت دست به اقدام‌های شدیدتری زد. به عموم کارگزاران در ایالات و ولایات اجازه بازدید از انبارهای غله و توقیف اجناس احتکاری داده شد. وزارت امور خارجه در صورت لزوم، ورود به خانه و انبارهای آذوقه اتباع خارجه را با حضور نماینده‌ای از سفارتخانه‌های خارجی بلامانع دانست.^(۹۵) از جانب ریاست وزرا نیز اعلانی به منظور تعقیب و مجازات محتکرین صادر شد.^(۹۶) بنا به درخواست اداره بلدیه، کمیسیونی با حضور روسای اصناف دارالخلافه تشکیل گردید تا مذاکراتی در مورد تعیین نرخ اجناس صورت گیرد.^(۹۷) کمیسیون مزبور بر آن شد که به دلیل گزارش‌های متعدد از اجحاف کسبه، نرخ مناسبی برای خرده‌فروشی حبوبات و دیگر ارزاق عمومی تعیین کند و به دلیل تغییر روزانه قیمت میدان و کاروانسرا، مدت تعیین نرخ را به مدت یک هفته مقرر و حتمی‌الاجرا سازد و در هر هفته نرخ را تجدید و اعلان آن را برای اطلاع عموم در مناطق لازم منتشر سازد.^(۹۸)

اداره خبازخانه علاوه بر نظارت بر تقسیم گندم و دکان‌های نانوايي و پخت انواع نان، بر قیمت جو و برنج نیز نظارت داشت.^(۹۹) روسای قصابخانه‌ها نیز برای بررسی در قیمت گوشت و کاهش نرخ آن از طرف حکومت احضار گردیدند.^(۱۰۰) شواهد کافی مبنی بر دخالت

دولت در نرخ‌گذاری بر ارزاق عمومی در دست است اما اینکه این سیاست تا چه میزان قادر به کاهش قیمت‌ها بوده است، سخن دیگری است. ظاهراً دولت مرکزی با وجود اتخاذ سیاست‌هایی در جهت بهبود وضع گرسنگان، از نرخ‌گذاری بر اجناس نتیجه مناسبی حاصل نکرد. مخالفت ملاکین بزرگ و اعمال نفوذ آنان،^(۱۰۱) تلاش‌های نرخ‌گذاری را خنثی می‌کرد. ضعف دولت مرکزی و ناتوانی آن در تهیه گندم و جو لازم که در صورت لزوم برای شکستن قیمت‌ها و مقابله با محتکرین بتواند وارد بازار کند از عوامل این شکست بود.^(۱۰۲) با تعطیل کمیسیون نرخ‌گذاری که در اداره بلدیه تشکیل می‌شد، کسبه فرصت را برای بالا بردن قیمت‌ها غنیمت دانستند.^(۱۰۳) دولت طی اعلانی نرخ ارزاق و ورود کلیه اجناس به مرکز را آزاد اعلام کرد.^(۱۰۴) در این اعلان گفته شده است که آزادی ورود جنس به این معنی است که هر کس می‌تواند، جنس آورده و به هر قیمت که می‌خواهد به فروش برساند و دولت هیچگونه مداخله در این امر نخواهد کرد.^(۱۰۵) البته در توضیح دیگری، برنج از این قانون مستثنی می‌گردد. به دلیل اینکه از دم‌پخت آن برای رفع گرسنگی فقرا و قحطی‌زدگان استفاده می‌شد.^(۱۰۶) همچنین حمل جنس در داخل کشور آزاد و به مأمورین و حکام دستور داده شد در صدور و حمل ارزاق هیچگونه ممانعتی انجام ندهند.^(۱۰۷)

پس از اعلام آزادی نرخ ارزاق، ریاست اداره خبازخانه توسط رئیس‌الوزراء تعیین گردید و این اداره از پوشش وزارت مالیه خارج و تحت نظر وزارت داخله قرار گرفت.^(۱۰۸) و مسئولیت‌های اداره خبازخانه تنها به نظارت و مراقبت در وزن و کیفیت مواد مصرفی منحصر گشت.^(۱۰۹) دولت قانون پیشین خود مبنی بر کشف و توقیف انبارهای محتکرین را لغو ساخت و وزارت مالیه طی اعلانی هر گونه تفتیش و توقیف انبارهای برنج، گندم، جو و آرد موجود در شهر را موقوف ساخت و به صاحبان آن اجازه فروش آزادانه اجناس خود را داد.^(۱۱۰)

بنا به گزارش‌های داده شده، عدم دخالت دولت در قیمت اجناس موجب فراوانی آن و خارج شدن کالاهای پنهان شده گردید. کما اینکه گفته شد پس از اعلام آزادی نرخ اجناس در کردستان، «نان گندم و جو که به قیمت خیلی گزاف تحصیل نمی‌شد اینک که تنزل کرده یک من ۱۳ تا ۱۶ قران می‌باشد».^(۱۱۱) پیروزی همین سیاست در ایالات دیگر نیز موجب فراوانی و در نتیجه ارزانی اجناس گردید. آنچه در روزنامه‌های آن زمان منعکس گردید، تمامی حاکی از آن است که اعمال محدودیت‌های دولت جز متوقف ساختن حمل جنس و کمیابی کالاهای سود دیگری نداشت، در حالی که عدم دخالت دولت، نتیجه عکس آن را ایجاد کرد.^(۱۱۲)

از جمله اقدام‌های مهم دولت در این سال‌ها، منع حمل غله، حبوبات و بطور کلی ارزاق عمومی به خارج از کشور بود. بنا به گزارش روزنامه‌های کشور، این امر موجب شادی مردم و کاهش قیمت‌ها گردیده است. «آرد گندم که پوطی^(۱۱۳) پنج قران و ده شاهی بود، به همین واسطه به سه قران و پنج شاهی رسیده».^(۱۱۴) بنا به تصمیم فوق، کمیسیونی برای مذاکره در

نوع کالاها و چگونگی آن در وزارت مالیه تشکیل و صورت جلسه‌ای تهیه گردید. کمیسیون علت این گردهمایی را خاتمه بخشیدن به شکایات تجار و اهالی نسبت به صدور یا منع حمل ارزاق به خارج اعلام کرد. کالاهایی که صدور آن به خارج از کشور ممنوع اعلام گردید به قرار زیر بود: روغن، کاکائو و شکلات، برنج، گندم، جو، ذرت، ارزن و هر نوع مواد غذایی از این قبیل، قهوه، نشاسته، آرد و جو و بلغور، ماکارونی و رشته، نان بیسکویت و شیرینی از هر قبیل، پنیر و کشک از هر نوع، مرکبات و میوه تر و خشک از هر قبیل، شیر، تخم مرغ، سبزی از هر قبیل و هر نوع، عسل، گوشت و ماهی از هر قبیل بجز خاویار و ماهی‌های حرام، چای، قند، شکر، نبات و غیره. از موارد یاد شده صدور برخی محصولات چون طالبی، گرمک و ماهی‌های حرام گوشت مستثنی گردید. به عنوان تبصره این حکم، در نظر گرفته شد در صورتی که در بخشی از کشور مازاد محصول وجود داشته باشد و امکان حمل آن در داخل موجود نباشد، صدور این نوع کالاها در شرایط خاص با تشکیل کمیسیونی مرکب از حکمران منطقه، نماینده مالیه و گمرک و فواید عامه و کارگزار و یک نفر از تجار معروف و با رسیدگی کامل این هیأت و تعیین نوع و مقدار هر یک از کالاها مجاز می‌باشد. اداره مالیه و گمرک برای جلوگیری از صدور ارزاق به خارج از کشور، وثیقه‌هایی به اندازه دو برابر قیمت کالا به صورت نقدی و یا غیر نقدی در نظر گرفته بودند تا مانع صدور این کالاها به وسیله تجار گردند. با این حال به واسطه ترقی فوق‌العاده قیمت ارزاق در خارج از کشور بعید نبود که تجار از وثیقه صرف نظر کرده و اجناس را به خارج صادر کنند. (۱۱۵)

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل اوّل

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل اول

۱. برای آگاهی از متن اعلان بی‌طرفی ایران نگاه کنید به: احمدعلی (مورخ الدوله) سپهر، ایران در جنگ بزرگ، (تهران، ۱۳۳۶)، ص ۸۹.
۲. روزنامه اتحاد اسلام، (چاپ شیراز)، ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۳۴، ش ۲؛ نقل شده در محمدحسین رکن‌زاده (آدمیت)، فارس و جنگ بین‌الملل، (تهران، ۱۳۴۹)، چاپ سوم، ص ۲۴۶.
۳. سپهر، ایران در جنگ، ص ۱۹۴.
۴. ل. ی. میروشیکف، ایران در جنگ جهانی اول، ترجمه، ع. دخانیاتی، (تهران، ۱۳۵۷)، صص ۳۵ و ۵۶ همچنین نگاه کنید به هدایت، طلوع مشروطیت، ص ۲۰۶.
۵. برای آگاهی‌های بیشتر در مورد درگیری‌های نیروهای متخاصم در خاک ایران نگاه کنید به: محمدعلیخان فریدالملک همدانی، خاطرات فرید، به کوشش مسعود فرید قراگوزلو، (تهران، ۱۳۵۴)، صص ۴۵۱-۴۵۰؛ سپهر، ایران در جنگ، ص ۱۹۶؛ همچنین برای آگاهی از حوزه‌های نفوذ بیگانگان در ایران نگاه کنید به همان‌جا، صص ۲۳۷-۲۳۶.
۶. «نظری به ولایات»، روزنامه ایران، ۱۷ شوال ۱۳۳۵، ش ۱۰۸، ص ۱.
۷. همان‌جا، ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۳۵، ش ۱۲۵، ص ۲.
۸. «مملکت در خطر است»، همان‌جا، ۲۷ رمضان ۱۳۳۶، ش ۲۶۲، ص ۱.
۹. «برای حفظ حیات جماعت»، همان‌جا، ۶ رمضان ۱۳۳۶، ش ۲۵۱، ص ۱.
۱۰. همان‌جا، ۱۳ محرم ۱۳۳۷، ش ۳۱۴، ص ۳؛ همان‌جا، ۱۶ محرم ۱۳۳۷، ش ۳۱۶، ص ۳.
۱۱. محمد تمدن، اوضاع ایران در جنگ اول یا تاریخ رضاییه، (رضاییه، ۱۳۵۰)، ص ۲۹۷.
۱۲. نگاه کنید به: روزنامه رعد، ۲۷ شوال ۱۳۳۳، ش ۱۷۳، ص ۳؛ همان‌جا، ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳، ش ۱۱۳، ص ۳.
۱۳. نگاه کنید به: سپهر، ایران در جنگ، صص ۳۴۹، ۳۹۰.

۳۰۲. تجار، مشروطیت و دولت مدرن

۱۴. روزنامه رعد، ۷ رجب ۱۳۳۳، ش ۱۱۹، ص ۳.
۱۵. روزنامه ایران، اول شعبان ۱۳۳۶، ش ۲۲۳، ص ۱.
۱۶. همان جا، ۱۸ محرم ۱۳۳۷، ش ۳۱۷، ص ۲.
۱۷. همان جا، اول شعبان ۱۳۳۶، ش ۲۲۳، ص ۱.
۱۸. میروشنیکف، جنگ جهانی، صص ۲۸-۲۶.
۱۹. سپهر، ایران در جنگ، صص ۲۰۵-۲۰۴.
۲۰. همان جا، صص ۲۱۹-۲۱۸ و ۲۲۳.
۲۱. روزنامه رعد، ۲۸ جمادی الاول ۱۳۳۳، ش ۹۹، ص ۳.
۲۲. همان جا، ۲۷ جمادی الثانی ۱۳۳۳، ش ۱۱۳، ص ۲.
۲۳. همان جا، ۹ شوال ۱۳۳۳، ش ۱۶۴، ص ۲.
۲۴. همان جا، ۱۲ رجب ۱۳۳۳، ش ۱۲۲، ص ۲.
۲۵. همان جا، ۱۳ شوال ۱۳۳۳، ش ۱۶۶، ص ۲.
۲۶. همان جا، ۲۶ ربیع الثانی ۱۳۳۳، ش ۸۵، ص ۳.
۲۷. نگاه کنید به: همان جا، ۱۹ صفر ۱۳۳۳، ش ۵۰، ص ۳؛ همان جا، ۲۸ محرم ۱۳۳۳، ش ۴۰، ص ۱.
۲۸. نگاه کنید به: همان جا، آخر (سلخ) ربیع الثانی ۱۳۳۳، ش ۸۷، ص ۲.
۲۹. همان جا، ۱۸ رمضان ۱۳۳۳، ش ۱۵۷، صص ۲-۱.
۳۰. نگاه کنید به: همان جا، ۵ صفر ۱۳۳۳، ش ۴۳، ص ۱.
۳۱. نگاه کنید به: «مسئله مالیه، یک پیشنهاد»، همان جا، ۳ صفر ۱۳۳۳، ش ۴۲، ص ۱.
۳۲. نگاه کنید به: همان جا، ۵ صفر ۱۳۳۳، ش ۴۳، ص ۱.
۳۳. نگاه کنید به: همان جا، ۱۳ شوال ۱۳۳۳، ش ۱۶۶، ص ۲.
۳۴. همان جا، ۱۸ رمضان ۱۳۳۳، ش ۱۵۷، صص ۲-۱.
۳۵. روزنامه ایران، ۱۷ شوال ۱۳۳۵، ش ۱۰۸، ص ۲.
۳۶. میروشنیکف، جنگ جهانی، ص ۷۴.
۳۷. همان جا، صص ۵۶-۵۵.
۳۸. این قانون در زمان شوستر به خزانه دار کل اختیارات وسیعی داد که در وصول مالیات ایالات بسیار موثر بود. پس از وی بلژیکی هایی که این سمت را به عهده گرفتند از این اختیارات در افزایش سلطه و مداخله قدرت های بیگانه در کشور استفاده کردند. این قانون توسط مجلس شورای ملی در تاریخ سلخ ربیع الثانی ۱۳۳۳ لغو گردید. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: مجموعه مصوبات مجلس، صص ۵۱۶-۵۱۵ همچنین شجیعی، نمایندگان مجلس، ص ۱۴۴.
۳۹. روزنامه رعد، ۶ شوال ۱۳۳۳، ش ۱۶۲، ص ۲.
۴۰. همان جا، ۱۸ رمضان ۱۳۳۳، ش ۱۵۷، صص ۲-۱.
۴۱. به منظور آگاهی بیشتر از اعتراض اهالی مناطق مزبور نگاه کنید به: همان جا، ۱۴ ربیع الثانی ۱۳۳۳، ش ۷۸، ص ۲.
۴۲. حسن اعظام قدسی، خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صد ساله، (تهران، ۱۳۴۹)، صص ۲۹۳-۲۹۲.
۴۳. کاوه بیات (گردآورنده)، ایران و جنگ جهانی اول، اسناد وزارت داخله، (تهران، ۱۳۶۹)، ص ۳۲؛ سپهر نیز گزارشی از یاغی گری ایل ابانلو در حوالی قزوین می دهد. نگاه کنید به: سپهر، ایران در جنگ، صص ۱۰۹-۱۰۸.
۴۴. در مورد درگیری های بین ایلات و قوای ژاندارمری نگاه کنید به: سپهر، ایران در جنگ، صص ۱۰۹-۱۰۸، ۱۵۳، ۲۰۰.

یادداشت‌های فصل اول ۳۰۳

۴۵. بیات، ایران و جنگ، ص ۳۴.
۴۶. نگاه کنید به: سپهر، ایران در جنگ، ص ۲۱۷.
۴۷. نگاه کنید به: جورج لئوسکی، رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه اسماعیل رایین، (تهران، ۱۳۵۶)، ص ۱۷۱؛
میروشنیف، جنگ جهانی، ص ۴۴.
۴۸. سپهر، ایران در جنگ، ص ۳۱۶.

49. The South Persian Rifles...

۵۰. نگاه کنید به: فلوریدا سفیری، پلیس جنوب ایران، ترجمه منصوره اتحادیه، منصوره جعفری فشارکی (تهران، ۱۳۶۴)،
فصل دوم و سوم.

۵۱. میروشنیف، جنگ جهانی، ص ۴۳.
۵۲. سپهر، ایران در جنگ، ص ۱۳۷.
۵۳. نگاه کنید به: میروشنیف، جنگ جهانی، ص ۴۲.
۵۴. سپهر، ایران در جنگ، صص ۱۷۰-۱۶۸.
۵۵. م. بهار، آخرین علاج، روزنامه ایران، ۱۵ ذی قعدة ۱۳۳۶، ش ۲۸۱، ص ۱.
۵۶. سپهر، ایران در جنگ، ص ۴۲۱.
۵۷. نگاه کنید به: «ایران در سه تیلان تیل»، روزنامه ایران، ۹ جمادی‌الثانی ۱۳۳۶، ش ۱۹۰، صص ۱-۲.
۵۸. همان‌جا، ۷ رمضان ۱۳۳۵، ش ۱۰۴، ص ۱.
۵۹. همان‌جا، ۲۴ ذی قعدة ۱۳۳۵، ش ۱۲۳، ص ۲.
۶۰. همان‌جا، ۱۵ رجب ۱۳۳۵، ش ۷۲، ص ۱.
۶۱. روزنامه رعد، ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳، ش ۱۰۷، ص ۱.
۶۲. روزنامه ایران، ۲۷ شوال ۱۳۳۵، ص ۱.
۶۳. روزنامه رعد، ۹ ذی حجه ۱۳۳۲، ش ۶، ص ۳.
۶۴. روزنامه ایران، ۱۵ رجب ۱۳۳۵، ش ۷۲، ص ۱.
۶۵. روزنامه رعد، ۱۹ صفر ۱۳۳۳، ش ۵۰، صص ۳-۴.
۶۶. نگاه کنید به: روزنامه ایران، ۱۷ رمضان ۱۳۳۶، ش ۲۵۹، ص ۱.
۶۷. روزنامه رعد، ۶ شوال ۱۳۳۳، ش ۱۶۲.
۶۸. برای آگاهی بیشتر از چگونگی رشد قیمت کالاها نگاه کنید به: جدول شماره ۳۴ و ۳۳ در بخش جدول‌ها.
۶۹. نگاه کنید به: روزنامه ایران، ۸ جمادی‌الاول ۱۳۳۵، ش ۵۰، ص ۴.
۷۰. همان‌جا، ۲۴ ذی قعدة ۱۳۳۵، ش ۱۲۳، ص ۲؛ همچنین در مورد درگیری‌های قشون‌های مختلف که موجب کمبود ارزاق گردیده است نگاه کنید به: قدسی، خاطرات من، ص ۳۶۱.
۷۱. «نامه حکومت عراق به وزیر داخله ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۳۳۴، آلبوم ش ۲۷۴۹، (م.ا.م).
۷۲. «آذوقه در ایران و در اروپا»، روزنامه ایران، اول شوال ۱۳۳۵، ش ۱۰۵، صص ۳-۴.
۷۳. همان‌جا، ۱۲ رجب ۱۳۳۶، ش ۲۱۰، ص ۱.
۷۴. همان‌جا، ۳ شعبان ۱۳۳۶، ش ۲۲۵، ص ۱.
۷۵. همان‌جا، ۷ شوال ۱۳۳۵، ش ۱۰۴، ص ۱.
۷۶. نگاه کنید به: همان‌جا، ۶ رجب ۱۳۳۶، ش ۲۰۵، ص ۲.

۳۰۴ تجار، مشروطیت و دولت مدرن

۷۷. همان‌جا، ۱۲ رجب ۱۳۳۶، ش ۲۱۰، ص ۱.
۷۸. همان‌جا، ۱۲ شوال ۱۳۳۶، ش ۲۶۹، ص ۱.
۷۹. همان‌جا، اول ذی‌حجه ۱۳۳۵، ش ۱۲۶، ص ۱.
۸۰. همان‌جا، ۲۹ شعبان ۱۳۳۶، ش ۲۴۵، ص ۲.
۸۱. همان‌جا، ۱۲ رجب ۱۳۳۶، ش ۲۱۰، ص ۱.
۸۲. همان‌جا، ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۳۶، ش ۱۹۵، ص ۲.
۸۳. نگاه کنید به: همان‌جا، ۲۰ صفر ۱۳۳۷، ش ۳۳۵، ص ۲.
۸۴. نامه وزارت داخله به حکومت سمنان، ۱۸ جمادی‌الثانی ۱۳۳۶، آلبوم ش ۳۱۰، (م.ا.م)؛ روزنامه ایران، ۱۲ شوال ۱۳۳۵، ش ۱۰۶، ص ۲.
۸۵. نگاه کنید به: روزنامه رعد، ۱۶ رمضان ۱۳۳۳، ش ۱۵۶، ص ۲؛ روزنامه ایران، ۱۹ شوال ۱۳۳۵، ش ۱۰۹، ص ۱.
۸۶. روزنامه ایران، ۱۵ شعبان ۱۳۳۶، ش ۲۳۴، ص ۱.
۸۷. همان‌جا، ۶ شوال ۱۳۳۶، ش ۲۶۵، ص ۱؛ همان‌جا، ۲۸ شوال ۱۳۳۵، ش ۱۱۳، ص ۲.
۸۸. نگاه کنید به: همان‌جا، ۱۲ رجب ۱۳۳۵، ش ۷۱، ص ۲؛ همان‌جا، ۱۰ صفر ۱۳۳۷، ش ۳۲۹، ص ۳.
۸۹. همان‌جا، ۸ رمضان ۱۳۳۵، ش ۱۰۴، ص ۱.
۹۰. همان‌جا، ۲۲ ذی‌قعدة ۱۳۳۶، ش ۲۹۲، ص ۱.
۹۱. همان‌جا، ۳۰ ذی‌قعدة ۱۳۳۵، ش ۱۲۷، ص ۱.
۹۲. همان‌جا، ۸ شعبان ۱۳۳۶، ش ۲۲۸، ص ۳.
۹۳. تیماج: پوست‌های دباغی شده.
۹۴. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: مکاتبات وزارت داخله با مراکز دیگر: «نامه وزارت داخله به حکومت گلپایگان»، ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۳۶؛ «وزارت داخله به وزارت امور خارجه»، ۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۳۶؛ «وزارت امور خارجه به وزارت داخله»، ۲۹ ربیع‌الاول ۱۳۳۶؛ «وزارت داخله به حکومت گلپایگان»، ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۳۶، آلبوم ش ۳۱۵، (م.ا.م).
۹۵. روزنامه ایران، ۲۴ صفر ۱۳۳۶، ش ۱۴۸، ص ۱.
۹۶. همان‌جا، ۱۶ ذی‌حجه ۱۳۳۶، ش ۳۰۵، ص ۱.
۹۷. روزنامه رعد، آخر ربیع‌الثانی ۱۳۳۳، ش ۸۷، ص ۲؛ روزنامه ایران، ۹ رمضان ۱۳۳۵، ش ۹۵، ص ۱.
۹۸. روزنامه ایران، ۱۳ رجب ۱۳۳۶، ش ۲۱۱، ص ۲؛ همان‌جا، ۱۲ شوال ۱۳۳۶، ش ۲۶۹، ص ۲.
۹۹. همان‌جا، ۱۰ شعبان ۱۳۳۶، ش ۲۳۰، ص ۲؛ همان‌جا، ۱۱ شعبان ۱۳۳۶، ش ۲۳۱، ص ۱؛ همان‌جا، ۱۲ شوال ۱۳۳۵، ش ۱۰۶، ص ۲.
۱۰۰. روزنامه رعد، اول جمادی‌الاول ۱۳۳۳، ش ۸۸، ص ۳.
۱۰۱. روزنامه ایران، ۱۵ شعبان ۱۳۳۶، ش ۲۲۴، ص ۱.
۱۰۲. نگاه کنید به: همان‌جا، ۵ شعبان ۱۳۳۶، ش ۲۲۶، ص ۱؛ همان‌جا، ۲۱ رجب ۱۳۳۶، ش ۲۱۷، ص ۱.
۱۰۳. روزنامه رعد، ۲۸ محرم ۱۳۳۳، ش ۴۰، ص ۳.
۱۰۴. روزنامه ایران، ۱۸ شعبان ۱۳۳۶، ش ۲۳۶، ص ۱.
۱۰۵. همان‌جا، ۶ رمضان ۱۳۳۶، ش ۲۵۱، ص ۱.
۱۰۶. همان‌جا، ۱۹ شعبان ۱۳۳۶، ش ۲۳۷، ص ۱.
۱۰۷. همان‌جا، ۱۳ ذی‌حجه ۱۳۳۶، ش ۲۰۳، ص ۲.

یادداشت‌های فصل اول ۳۰۵

۱۰۸. همان‌جا، ۲۰ شعبان ۱۳۳۶، ش ۲۳۸، ص ۱.
۱۰۹. همان‌جا، ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۳۶، ش ۱۸۲، ص ۱.
۱۱۰. همان‌جا، ۱۲ شعبان ۱۳۳۶، ش ۲۳۲، ص ۱.
۱۱۱. همان‌جا، ۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۳۶، ش ۱۹۸، ص ۱.
۱۱۲. همان‌جا، ۱۸ ذی‌قعدة ۱۳۳۶، ش ۲۹۰، ص ۱؛ همان‌جا، ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۳۶، ش ۱۸۲، ص ۱.
۱۱۳. پوت (Poud, Put): واحد وزن قدیم در روسیه معادل ۱۶/۳۸۰ کیلوگرم که در برخی مناطق ایران نیز به کار می‌رفت و معادل ۱۶/۵ کیلوگرم بوده است.
۱۱۴. روزنامه رعد، ۱۹ رجب ۱۳۳۳، ش ۱۲۵، ص ۲؛ همچنین در مورد منع حمل برنج به خارج از کشور نگاه کنید به: روزنامه ایران، ۱۰ محرم ۱۳۳۶، ش ۱۳۸، ص ۴.
۱۱۵. برای آگاهی بیشتر از وضعیت ارزاق و تصمیم‌های اداره مالیه نگاه کنید به: «نامه وزارت مالیه به وزارت داخله»، ۲۳ صفر ۱۳۳۷، آلبوم ش ۵۳۳۹ (م.ا.م.).

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل دوم
رویکرد تجار به رویدادهای سالهای جنگ

تبرستان
www.tabarestan.info

رویکرد تجار به رویدادهای سال‌های جنگ

در بخش گذشته به بررسی تکاپوها و موقعیت تجار در دوران مشروطیت و سال‌های پس از آن پرداختیم. مشارکت تجار در قدرت سیاسی و حضور فعال آنان در مجلس اول به دلایل متعددی که به آن اشاره شد، رو به افول گذارد. تجار پس از فتح تهران به تدریج قدرت سیاسی و حتی اقتصادی خود را از دست دادند. کاهش حضور آنان در مجلس دوم و سوم، همچنین کاهش قدرت اقتصادی آنان از سال ۱۳۲۷/۱۹۰۹ و تسلط بیشتر بازار جهانی بر تجارت ایران حاکی از آن بود. با آنکه تجار همچنان در پی تحقق خواست‌های خود بودند، ولی سیر حوادث و ناکامی جنبش مشروطیت امکان پاسخگویی به آن خواست‌ها را فراهم نکرد. جنگ جهانی اول نیز به بحران‌های موجود جامعه بیش از پیش افزود و رسیدن به خواست‌های آنان را دست‌نیافتنی‌تر کرد. آنان خواهان نیروی نظامی منسجمی بودند که قادر به برقراری امنیت باشد. راه‌آهن و راه‌های مناسب، قانون، نظم عمومی و حمایت دولت در مقابل نفوذ قدرت‌های خارجی و ایجاد دولتی متمرکز، قوی و سامان یافته که بتواند مجری قوانین یکسان و فراگیر باشد از دیگر خواست‌های آنان بود.

تجار که از اصلاحات ناامید شده بودند و قدرت و نفوذ سیاسی خود در آغاز جنبش را از دست داده بودند از فعالیت‌های سیاسی فاصله گرفتند و بیشتر به منابع اقتصادی اندیشیدند. در این فصل به وضعیت و واکنش تجار در مواجهه با شرایط خاص جنگی خواهیم پرداخت. نهادهای تجاری فعال در این سال‌ها، مشکلات و شکایت‌ها و اعتراض‌های تجار و مداخله قدرت‌های بیگانه در امور تجارتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت. خواست‌های پیشین تجار

در بر پایی مشروطیت یعنی ایجاد امنیت، بهبود راه‌ها، طلب حمایت دولت از تجار و کالاهای داخلی و اجحاف حکام ایالات و سران ایلات و عشایر و نقش جنگ در کاهش یا افزایش سرمایه و مبادلات پولی مورد توجه قرار می‌گیرد. بدیهی است برای روشن‌تر شدن بهتر این مسایل نیاز به دسترسی به آرشیوها و مکاتبات دولت‌های درگیر در جنگ می‌باشد. عدم دسترسی به چنین منابعی بخصوص که منابع محدود قابل دسترسی در این سال‌ها بیشتر به مسایل سیاسی دوران جنگ توجه داشته‌اند و کمتر به اوضاع اجتماعی و وضعیت اقشار مختلف جامعه پرداخته‌اند، امکان و آگاهی ما را محدود می‌سازند. با این حال با توجه به منابع موجود قابل دسترسی سعی می‌شود به تحلیل مسایل مورد نظر پردازیم.

الف) طرف‌های درگیر در جنگ و مداخله در امور تجاری

بدیهی است بروز جنگ جهانی مشکلات و موانعی در امور تجاری به وجود آورد که بخشی از آن جنبه جهانی داشت و قسمتی دیگر مربوط به شرایط خاص ایران بود. وضعیت جنگی بطور عام با رونق تجاری همسازی و همخوانی نداشت و دل‌نگرانی‌هایی برای تجار فراهم می‌ساخت چرا که آینده را غیر قابل پیش‌بینی و نامطمئن می‌کرد و این نگرانی از مکاتبات تجار بخوبی آشکار می‌شود. در نامه حاج‌احمد گله‌دارزاده به معین‌التجار بوشهری از وخامت وضعیت تجاری در شرایط جنگی و عدم امکان حمل و نقل که موجب خرابی کالاها و اجناس در انبارها می‌شد، گلایه شده است. وی آرزو می‌کند که هر چه زودتر این جنگ خاتمه یابد.^(۱)

ممانعت‌های قانونی حمل کالا به دلیل شرایط جنگی و احتمال بروز قحطی، محدودیت‌ها تجاری را افزایش داد. هیأت دولت خروج غله، شلتوک و ارزاق را از ایران قدغن کرد که این امر خسارت‌های بسیاری به تجار ایرانی وارد کرد^(۲) و آنان را به اعتراض واداشت. تجار مشهد در خصوص حمل مال‌التجاره داخلی و خارجی و تعصیل امور تجاری شکایت کردند. وزارت مالیه این شکایت‌ها را مبتنی بر حفظ منافع شخصی قلمداد کرد و اعلام نمود منافع عمومی ایجاب می‌نماید که این محدودیت‌های اعمال شود.^(۳) تجارخانه‌های خارجی نیز در امور ارزاق مداخله می‌کردند. دولت برای جلوگیری از هر نوع کمبود غذایی از این گونه مداخلات ممانعت کرد.^(۴) گرایش تجار به منافع شخصی و فاصله گرفتن در امور سیاسی، برخی از تجار را به سمت احتکار اجناس و مواد غذایی در انبارهایشان سوق داد.^(۵)

حضور نظامیان بیگانه در کشور باعث هرج و مرج و عدم امنیت شد. اشغال بخش‌های شمالی توسط نیروهای روسیه، خشم تجار را که بیش از سایر اقشار آسیب‌پذیر بودند، برانگیخت. در اردبیل قزاق‌های روسی در پی اتباع عثمانی به خانه حاج‌محمد حسین، تاجر معتبر شهر ریخته خسارت‌های بسیار وارد کردند و در هنگام بازگشت بازار را آتش زدند.

عموم تجار اردبیل در اعتراض به رفتار قشون روسیه به دولت تلگراف کردند.^(۶) حمله به تجار تبعه کشورهای متخاصم به بهانه‌های مختلف انجام می‌شد. حتی برخی از تجار ایرانی به دلیل احساس ناامنی یا حفظ اموالشان خود را تحت حمایت روسیه قرار داده، پسوند «اف» را به نام خود اضافه کرده بودند که^(۷) وضعیت نابهنجار تجار در دوران استبداد را تداعی می‌کرد. دولت عثمانی به خاطر تسامح دولت ایران در حمله نیروهای روسیه به تجار تحت تابعیت این کشور اعتراض‌نامه‌ای به دولت ایران تسلیم کرد.^(۸) با وجود کلیه تعدیاتی که از جانب این کشورها به تجار و تجارت ایران وارد می‌شد، ضعف و عدم انسجام سیاسی دولت ایران موجب گشت که مورد اعتراض این دولت‌ها نیز قرار گیرد.

بر اثر عبور قشون انگلیس تجارت منطقه سیستان دچار اشکال شد.^(۹) از انزلی و رشت نیز جمع کثیری از تجار نسبت به اجحاف نیروهای روسیه و توقیف کالاهای تجار ایرانی در بادکوبه که می‌خواستند در هر پوط سه منات کمتر خریداری کنند، اعتراض نمودند و این امر را موجب خسارت هنگفت خود دانستند. آنان با تحصن در تلگراف‌خانه از دولت مرکزی کمک خواستند.^(۱۰) صدور کالاهای ایران به روسیه به شدت آسیب دید و تقاضا برای آن کالاهای بسیار کاهش یافت. کالاهای وارداتی نیز کمیاب و فوق‌العاده گران شده بود.^(۱۱)

انقلاب روسیه به وضعیت تجاری ایران و روسیه به شدت آسیب وارد کرد. اجرای قوانین خاص انحصار تجاری در روسیه امکان مبادله تجاری تجار ایرانی با این کشور را دشوار ساخت و تعدد خریداران کالاهای ایرانی را فقط به یک مرکز دولتی منحصر کرد که چون انحصار بود ارزان می‌خرید و کالاهای خود را گران می‌فروخت. این امر به نارضایتی تجار ایرانی منجر شد و از دولت تقاضای حمایت کردند. آنان در نامه‌ای به رئیس‌الوزراء نوشتند: «نصف ثروت تجار بحر خزر به واسطه انقلابات روسیه رفته، جزیی باقیمانده آن هم از بی‌اعتنایی وزرای عظام عنقریب از میان برود.»^(۱۲) تجار آستارا نیز طی نامه‌ای به مجلس شورای ملی از وضعیت نامساعد تجاری با روسیه، شکایت کردند.^(۱۳) آنان مساله انحصار، تعرفه جدید گمرکی به مال‌التجاره‌های ایران، کاهش ارزش پول ایران، افزایش قیمت کالاهای روسی از جمله ترقی فوق‌العاده قیمت قند،^(۱۴) گسترش تجارت روسیه در داخل ایران و ورشکستگی تجار ایرانی به خاطر نامساعد بودن شرایط تجاری را مطرح کردند.

افزایش دخالت‌های بیگانگان به تجارت جنوب کشور نیز آسیب وارد کرد. حضور قشون عثمانی در بصره، عدم عبور و مرور کشتی‌ها و حمل کالا، امور تجارتی را مختل کرده بود.^(۱۵) لزوم پرداخت مالیات‌های قانونی و غیرقانونی نیز موجب کاهش نقدینگی و نابسامانی وضعیت تجار شده بود. انگلیسی‌ها در جنوب ایران قوا پیاده کردند تا هم از تأسیسات نفت محافظت کنند و هم از فعالیت آلمان‌ها در سراسر کشور و بخصوص در بین عشایر جلوگیری نمایند. با افزایش دامنه جنگ، دخالت انگلیسی‌ها به امور تجاری نیز کشانده شد و کار به جایی رسید که فهرستی معروف به «لیست سیاه ایران» منتشر کردند که

اسامی تعدادی از تجار ایرانی و شرکت‌های خارجی و داخلی را در برداشت که با دشمنان انگلیس، به خصوص آلمان‌ها معامله داشتند. این فهرست به صورت علنی انتشار یافت و هر چند بار تغییراتی در آن داده می‌شد و اسامی برخی افراد به مرور حذف یا به آن اضافه می‌گردید. اولین فهرست موجود در ۲۰ مارس ۱۹۱۶ منتشر شد. دیگری در سوم فوریه ۱۹۱۷ و فهرست سوم بدون تاریخ بود. افرادی که اسامی آن‌ها از فهرست حذف می‌شد یا در منطقه نفوذ انگلیسی‌ها قرار داشتند و ناچار بودند متعهد شوند با آلمانی‌ها دست به معامله نزنند و یا به تدریج از پیشرفت آلمان‌ها مایوس می‌شدند و با انگلیسی‌ها سازش می‌کردند. (۱۶)

در سال ۱۳۳۳/۱۹۱۵ فعالیت آلمان‌ها در ایران به قدری موفقیت‌آمیز بود که برای مدتی قدرت انگلیسی‌ها در بنادر جنوبی کاهش یافت. بیشتر تجار ایرانی که حضور مداوم دو قدرت روس و انگلیس را تجربه کرده بودند و سایه سرمایه‌های این رقبای سرسخت را در همه امور تجاری دیده بودند بطور ناخودآگاه به قدرت سومی که بتواند آنان را از میدان به در کند یعنی آلمان‌ها گرایش یافتند.

انگلستان و روسیه نیازهای مالی خود در ایران را از طریق بانک‌های شاهنشاهی و استقراضی برآورده می‌کردند در حالی که آلمانی‌ها این امکان را نداشتند، از این رو به تجار و تجارخانه‌های ایرانی متوسل می‌شدند. از این نمونه می‌توان از شرکت اتحادیه نام برد که در آغاز جنگ قراردادی مخفیانه با آلمان‌ها منعقد کرد که بر طبق آن، آلمانی‌ها با پرداخت ارز به این شرکت در خارج از کشور، پول مورد نیاز خود را در داخل کشور تأمین می‌کردند. انگلستان از این معاملات آگاهی یافت، نام شرکت اتحادیه در فهرست سیاه قرار گرفت، تمام دارایی آن در انگلستان و بمبئی توقیف گردید و به اتباع آن کشور اعلام شد با شرکت مزبور هیچگونه معامله‌ای انجام ندهند. اتحادیه برای لغو ممنوعیت‌ها مجبور به مذاکره شد و انگلستان شرط آزاد کردن اموال ضبط شده و ممانعت‌های قانونی وی را عدم معامله با دشمنان انگلستان در داخل و خارج از ایران اعلام نمود. اتحادیه تهدید شد در صورت عدم رعایت این مورد، اموالش در هند و بریتانیا ضبط خواهد گردید و وی نیز حق هیچ‌گونه شکایت نخواهد داشت. وی همچنین می‌بایست وثیقه‌ای به مبلغ بیست هزار لیره به عنوان ضمانت در لندن و بمبئی بسپارد که در صورت عدم رعایت تعهدنامه این مبلغ توسط دولت انگلستان ضبط می‌گردید و شرکت مزبور حق هیچ‌گونه اعتراض و شکایت نداشت. (۱۷)

شرکت اتحادیه موظف بود گزارش دفتر روزنامه معاملات خود را برای آگاهی دولت انگلستان به سفارتخانه آن کشور اعلام نماید تا طرف‌های تجاری آن به طور مرتب بررسی شوند، همچنین می‌بایست اسامی مشتری‌ها و عامل‌های خود در مناطق مختلف را نیز به سفارت بفرستد. اتحادیه طبق تعهدنامه‌ای رسمی تمام این قیود را برای رفع ممانعت‌های تجاری خود و حذف نامش از فهرست سیاه پذیرفت. انگلستان عملیات تجاری بیشتر

شرکت‌ها و تجارت‌خانه‌ها را زیر نظر داشت و هر چند ماه یکبار تغییراتی در فهرست سیاه ایجاد می‌کرد.^(۱۸) بطور مثال در ۲۵ آوریل ۱۹۱۶ نام حاجی عبدالرحمان شیرازی رئیس شرکت تجارتی فارس و صادق افشاریزدی از فهرست حذف شد و به اتحادیه اجازه داده شد با حاجی محمد و حاج عبدالحسین تهرانی تسویه حساب کند، چون به تازگی نام آن‌ها در فهرست قرار گرفته بود. اتحادیه برای انجام هر گونه معامله مجبور بود از سفارت اجازه کسب کند. بطور مثال وی برای معامله با امین‌التجار اصفهانی کسب اجازه می‌کند که سفارت اعلام می‌نماید هنوز به وی و حاجی مهدی سمسار اصفهانی مظنون است و نمی‌تواند در مورد آن‌ها به طور کامل مطمئن باشد. اتحادیه حتی برای ارسال حواله‌های پولی خود مجبور به کسب اجازه از سفارت بود. وی در ژانویه ۱۹۱۷ اجازه ارسال مبلغی پول را به حساب امیربهدر در سوئیس می‌خواهد و سفارت به شرطی اجازه می‌دهد که این مبلغ به نفع دشمنان انگلستان به کار برده نشود. بالاخره دولت انگلیس در ماه مه ۱۹۱۹ وثیقه مالی اتحادیه را به وی بازگرداند و اموال ضبط شده وی در لندن و بمبئی آزاد شد.^(۱۹)

مجموعه این مکاتبات بیانگر مداخله شدید انگلستان در امور تجاری و مالی کشور طی سال‌های جنگ جهانی بود. دولت‌های بیگانه به بهانه جنگ، نظارت و دخالت خود را در طبیعی‌ترین حقوق تجار ایرانی که معامله آزاد و مبتنی بر منافع شخصی آنان بود، افزایش دادند. این دخالت‌ها نه فقط معاملات تجاری که مبادلات پولی را نیز در برمی‌گرفت. انگلستان تمامی معاملات داخلی و حواله‌های پولی را تحت کنترل داشت و به این ترتیب امکان عملکرد مستقل را از تجار ایرانی می‌گرفت. افزایش نفوذ بیگانگان در کوچک‌ترین مسایل تجاری، امکان بازیابی شخصیتی تجار و دستیابی مجدد به قدرت را از آنان گرفت و هر چه بیشتر به قدرت‌های بیگانه وابسته کرد و به تقویت تجارت واسطه‌گری دامن زد.

ب) تجار و مسایل آنان در سال‌های جنگ

موقعیت طبقه تجار ایرانی در سال‌های جنگ جهانی به شدت رو به ضعف رفت و این گروه امکان بازسازی خود را از دست داد. در این سال‌ها نه تنها قدرت سیاسی تجار کاهش یافت که تجربه‌های تأسیس شرکت‌ها و همکاری‌های گروهی آنان نیز با موفقیت همراه نبود. افزایش مداخله قدرت‌های خارجی در امور تجاری، ضعف دولت و بازگشت نیروهای ارتجاعی و عناصر سنتی از جمله بدست گرفتن پست وزارت داخله و تشکیل کابینه از سوی عین‌الدوله که «عیناً مسلک سابق را تعقیب»^(۲۰) می‌کرد و ارتباط‌هایی که با سران اشرار به خصوص نایب حسین کاشی داشت، زمینه دگرگونی شرایط اجتماعی و تحقق اهداف تجار مشروطه‌خواه را فراهم نکرد. علاوه بر این، نامساعد بودن اوضاع تجاری، کاهش قیمت کالاهای صادراتی همچون تریاک و قالی و افزایش محصولات وارداتی مثل قند،^(۲۱) افزایش قیمت ارزاق و بسته شدن راه‌های مبادلاتی موجب کاهش عایدات گمرک و افزایش

فشارهای مالیاتی بر تجار شد و طبعاً نارضایتی‌هایی را در آنان ایجاد کرد.

همان‌طور که پیش از این بدان اشاره شد، مداخله بیگانگان در امور تجاری که به بهانه جنگ صورت می‌گرفت و نامساعد بودن شرایط داخلی، تجار را به سمت همکاری با شرکت‌های خارجی کشاند. تجار ایرانی بیش از پیش نقش دلال و واسطه را برای شرکت‌های تجارتی خارجی بازی کردند چون بجز آن راه و امکانی برایشان وجود نداشت. بطور مثال قراردادی مابین حاج رحیم اتحادیه و کمپانی لمیتد چرچیل^(۲۲) مستقر در منچستر منعقد شد که طبق آن اتحادیه وکیل این کمپانی در ایران شد تا سفارش‌های ادارات و تجار دیگر را به کمپانی ارسال و شرایط ارسال سفارش‌ها را فراهم نماید. در این قرارداد وکیل کمپانی حق‌العمل سفارش‌ها را به میزان صدی سه می‌گرفت و «بروات و اوراق را به توسط بانک یا هر کس را در ممالک اروپا معین فرمایند حواله وکیل»^(۲۳) خواهرند کرد. جنگ جهانی بر تقویت این شیوه افزود و تجار که قدرت خود را از دست داده بودند در ارتباط بیشتری با شرکت‌های خارجی قرار گرفتند و به عنوان رابط این شرکت‌ها در ایران عمل می‌کردند. البته نمی‌توان گفت تجار از آرزوهای خود دست برداشتند ولی زمانه امکان تحقق آن را فراهم نکرد. بطور مثال جمعی از تجار جنوب تلاش کردند کمپانی جهازات در راه جده، کلکته و بنادر خلیج فارس تشکیل دهند. حاج زین‌العابدین امین‌التجار شیرازی و حاج عبدالحسین از تجار فعال در بمبئی و میرزا محمد امین‌التجار و گروهی دیگر از تجار ایرانی حاضر به همکاری شدند^(۲۴) ولی به دلیل اختلاف‌های شخصی، عدم اطمینان به یکدیگر، طمع شخصی و سوءاستفاده‌های مالی، این همکاری‌ها نیز بی‌نتیجه شد و تجار هر چه بیشتر به سمت وابستگی و همکاری با شرکت‌های خارجی گرایش پیدا کردند.

در خصوص نهادهای تجاری که در آن زمان می‌توانست امکان‌تتشکل و حل مسایل تجار را به عهده گیرد می‌توان از وزارت تجارت و فواید عامه به عنوان نهادی دولتی نام برد که ضعف ساختاری حکومت امکان کارکرد مناسب را از آن گرفته بود. وزیر تجارت به عنوان نماینده حکومت غالباً فرمان‌ها و سیاست‌های دولت در امور تجاری را ابلاغ می‌کرد و گاه در خصوص قیمت‌ها بخصوص قیمت کالاهای وارداتی با آنان وارد مذاکره می‌شد.^(۲۵) همچنین این وزارتخانه در بیانیه‌ای اعلام کرد، تصمیم گرفته شده است تا از منابع کشور استفاده گردد و از عموم سرمایه‌داران تقاضا نمود در زمینه استخراج معادن، بهبود راه‌ها و وسایل حمل و نقل سرمایه‌گذاری نمایند.^(۲۶) این وزارتخانه به کلیه مأمورین دولتی اعلام نمود به واسطه جنگ جهانی و کاهش ورود اجناس وارداتی درصدد تشویق کالاهای داخلی برآیند و در حوزه اقتدار خود اقداماتی که مستلزم پیشرفت این مقصود باشد به عمل آورند.^(۲۷)

وزیر تجارت، پیشنهادی مبنی بر تشکیل شوراهای تجارتی در شهرهایی که دارای اهمیت تجاری و صنعتی بوده‌اند، به هیأت وزراء تقدیم نمود. نیمی از اعضای این شورا از سوی وزارت تجارت و نیمی دیگر به انتخاب تجار خواهد بود که ریاست آن از بین افراد

منتخب وزارت تجارت و ریاست کل شوراها با وزیر تجارت خواهد بود. حوزه عمل این شوراها در ماده شانزده نظام‌نامه تشکیل این شوراها در سیزده مورد مطرح گردیده است. این شوراها حق دخالت در امور سیاسی را نداشتند ولی در موارد زیر حق اظهار نظر داشتند: تغییر تعرفه‌های گمرکی، محاکم تجاری، مسایل صرافیه، ترتیب و مسایل حمل و نقل مال‌التجاره، قدغن موقتی در حمل برخی کالاها به خارج، نمایندگی تجاری، امتیازات تجاری، وضع یا تغییر قوانین تجاری و صنعتی و تأسیس دایره اطلاعات؛ مواد نظام‌نامه این شوراها در ۳۲ ماده در جراید عمومی به چاپ رسید.^(۲۸) به رغم انتشار این نظام‌نامه از امکان و چگونگی اجرا و عملکرد آن و تصمیم هیأت وزراء آگاهی در دست نیست. با وجود طرح چنین پیشنهادها و لویحی از سوی وزارت تجارت که نهادهای دولتی بود به دلیل ضعف عمومی و اجرایی دولت امکان عمل و اجرای درست آن بسیار ضعیف بود.

از دیگر نهادهای فعال این دوران، محکمه تجارت بود. نمایندگانی از جانب تجار و با رأی‌گیری انتخاب و اعضای محکمه را تشکیل می‌دادند.^(۲۹) قوانینی نیز به منظور ترتیب امور آن به مجلس شورای ملی پیشنهاد شد و بر اساس مواد این قانون، ریاست محکمه از جانب دولت و اعضای آن توسط تجار و مطابق با نظام‌نامه مخصوص تعیین می‌گردید.^(۳۰) بدیهی است تعیین رییس محکمه از جانب دولت بدون توافق تجار امکان‌پذیر نبوده است. مقام ریاست با پیشنهاد تجار و پذیرش دولت تعیین می‌گردید. حتی از جانب تجار ارومیه از هیأت وزراء تقاضا شد، مقام ریاست اصناف نیز به عهده رییس تجار گذارده شود تا جریان امور معاملات به خوبی صورت گیرد.^(۳۱) در مورد اصناف کماکان هر صنف دارای اتحادیه خاص خود بود، از جمله اتحادیه حمامی‌ها یا خبازی‌ها که همه دارای اتحادیه مرکزی بوده‌اند؛ این اتحادیه‌ها در دعوای اصناف نقش میانجی داشته‌اند.^(۳۲) در این دوران اتحادیه تجار نیز فعال بود. اسناد و مکاتبات اتحادیه تجار اصفهان موجود است که طی مکاتباتی با حکومت اصفهان خواهان استقرار امنیت در این منطقه شده‌اند؛^(۳۳) از گسترش و میزان فعالیت و تشکل‌های این اتحادیه آگاهی چندانی در دست نیست ولی به نظر می‌رسد این اتحادیه حضور فعال و منسجمی برای حل مشکلات تجار نداشته است.

از مسایل اساسی تجار در سال‌های جنگ، باید به مشکل همیشگی آنان یعنی تأمین امنیت اشاره کرد که در این سال‌ها بیش از پیش دست‌نیافتنی اما ضروری می‌نمود. تجار و اهالی انزلی از ناامنی و تجاوزات نیروهای روسیه در منطقه شکایت کردند ولی از آن‌جایی که دولت امکان اعمال قدرت را نداشت این اعتراض به فرمانده کمیته روسیه گفته شد و جالب بود که از طرف نظامیان روسی و نه از طرف دولت ایران، گروهی برای حفظ بازار و امنیت شهر تعیین گردیدند.^(۳۴) تجار آذربایجان به خاطر مزاحمت نیروهای روسیه و قتل و غارت آنان در ارومیه و خوی به وزیر داخله شکایت کردند و خواستار اقدام‌هایی از سوی دولت در بهبود اوضاع منطقه شدند.^(۳۵) اتحادیه تجار اصفهان نیز طی نامه‌هایی به شهاب‌السلطنه

حکمران اصفهان خواهان تأمین امنیت راه‌ها و استرداد اموال مسروقه آن‌ها از سارقین شدند. (۳۶) اعتمادالتجار و صدرالسادات، دو نماینده تعیین شده از سوی اتحادیه تجار بودند تا رابط آن‌ها با حکومت قرار گیرند. (۳۷)

علاوه بر فشار نیروهای بیگانه و تأثیر حضور آنان در امور تجاری، عوامل مخرب درونی جامعه، از جمله ناامنی راه‌ها و شهرها بر اثر حملات و درگیری‌های ایلات، کمبود نیروهای ژاندارمری در مناطق کشور و اعتراض مردم، ناتوانی و ضعف حکومت مرکزی و اجحاف حکام ایالات که در دوران پیش از مشروطیت نیز از مشکلات تجار بود، همچنان وجود داشت. شکایت‌های تجار از گوشه و کنار کشور به خوبی گویای وجود چنین شرایطی بود. تجار رفسنجان (۳۸) و تجار و کسبه قوچان (۳۹) به منظور شکایت از حکومت در تلگرافخانه گرد آمده بودند. در خرم‌آباد گروهی از تجار داخلی و خارجی در تلگرافخانه متحصن شده‌اند و «عرض حالی به خاکپای همایونی» نگاشته‌اند. (۴۰) تجار فارس در تلگراف اعتراضی به وزارت داخله از انسداد و ناامنی راه‌های جنوب و عدم امکان جابجایی مال‌التجاره شکایت کردند. (۴۱) تجار تبریز نیز از حملات ایلات شاهسون به روستاها و کاروان‌های تجاری و ناامنی و اغتشاش حاصل از آن متظلم شده‌اند. کلیه راه‌های منتهی به تبریز مسدود شده، «مکاری‌ها مال‌التجاره‌ها را در میان راه گذاشته، احدی جرأت تردد ندارد». (۴۲)

مردم نپاوند و تجار طی اعتراضی به نماینده خود در مجلس، از نبودن نهادهای مدنی از قبیل تلگرافخانه، نظمیه و بلدیّه در این شهر شکایت کردند. (۴۳) تعداد اندک ژاندارم‌ها در کرمان موجب وحشت اهالی شده، اصناف این شهر از ناامنی منطقه ابراز نگرانی کردند و خواهان ابقای اداره ژاندارمری در این شهر شدند. (۴۴) تجار برای برقراری امنیت، گاه به همراه اصناف و در مواردی به تنهایی به مقام‌های دولتی عریضه می‌نوشتند. در مواردی خواهان ابقای شخصیت‌هایی می‌شدند که قادر به حفظ امنیت راه‌ها و کاروان‌های تجاری بودند، از جمله تلگراف تشکر تجار و اصناف و دیگر اهالی قم از صاحب‌منصب ژاندارمری در این منطقه بود. (۴۵) در صورتی که نیروهای دولتی قادر به استقرار و حفظ امنیت نمی‌شدند و اعتراض‌ها و شکایت‌ها نیز به نتیجه نمی‌رسید، آنان سعی می‌کردند با بکار گرفتن برخی از عشایر با کمک قوه قهریه تحت نفوذ خود به آسایش و امنیت برسند. بطور مثال می‌توان به قراردادی که مابین علما، تجار، اصناف و رعایای خوانسار منعقد شد، اشاره نمود. آنان برای دفع و اخراج الوار و استقرار امنیت با یکدیگر پیمان بستند. (۴۶)

از دیگر مشکلات تجار در این سال‌ها که اعتراض‌های گسترده بسیاری را به همراه داشت، مساله گمرک بود. تجار انزلی از بی‌نظمی و عدم هماهنگی امور گمرک به حکومت مرکزی اعتراض کردند و مدعی شدند برای خروج مال‌التجاره و حمل آن به بادکوبه، علاوه بر پرداخت عوارض گمرک انزلی، در آستارا نیز مجبور به پرداخت عوارض شده‌اند. (۴۷)

بی‌نظمی و عدم قانون در نهادهای حکومتی، موجب بروز حوادث بسیاری از این نمونه بود. در انزلی بین نایب‌الحکومه، رئیس نظمیه و کارگزار گمرک بر سر خروج کالاهای قاچاق توسط روس‌ها هماهنگی وجود نداشت و تجار به دلیل ضعف و بی‌قانونی دولت مرکزی مجبور به تحمل فشار و اجحاف‌های بسیاری بودند.^(۴۸) گرفتن حقوق گمرکی بیش از حد و منع صدور برخی کالاها از جمله خشکبار به روسیه، از زمره اعتراض‌های تجار بود.

شکایت‌های بسیاری از سوی معین‌التجار و جمعی دیگر از تجار^(۴۹) در خصوص منع صدور خشکبار به روسیه مطرح شد.^(۵۰) آنان جنگ بین‌المللی را عامل تباهی تجارت خواندند و افزایش مالیات گمرکی خشکبار به روسیه و ممانعت از خروج آن را نابودی قطعی تجارت دانستند. گروهی از تجار رشت و قزوین از جمله محمدباقر شاهرودی و حاج زین‌العابدین تاجر رشتی در کنار دیگر تجار به ممانعت صدور کالا به روسیه اعتراض کردند.^(۵۱) وضعیت تجار شمال کشور به دلیل شرایط خاص روسیه دشوارتر بود و از این رو خواهان حمایت و نظارت بیشتر دولت بودند.^(۵۲) تجار مشهدسر، به رواج رشوه در گمرک که آن را «سبب خرابی ملک» می‌دانستند اعتراض داشتند.^(۵۳) تجار جنوب نیز هر چند مشکلات تجار شمال کشور را نداشتند ولی به گونه دیگری با مسایل گمرکی سروکار داشتند. تجار بوشهر طی نامه‌های متعددی به وزیر خارجه و وزیر تجارت به تغییر محل گمرک اعتراض کرده و آن را موجب ضرر و زیان بسیار تجار دانستند.^(۵۴)

تجار علاوه بر مسایل مربوط به گمرک، در خصوص قانون جدید مستغلات که مالیات صدی پنج را مطالبه می‌کرد،^(۵۵) همچنین مالیات جدید نواقل شهری از زمره مالیات‌هایی بود که تجار و کسبه به پرداخت آن اعتراض کردند.^(۵۶) تجار تبعه خارجه نیز و از جمله سفارت‌های روس و انگلیس در مورد این مالیات که آن‌ها نیز موظف به پرداخت آن بودند، دست به اعتراض زدند.^(۵۷) از آنجایی که دولت با بحران مالی شدیدی مواجه بود که روال طبیعی امور را دگرگون ساخته بود، طرح مالیات‌های جدید می‌توانست راه حلی برای مشکلات مالی دولت محسوب شود، اما اعتراض‌های تجار به این مالیات‌ها هر چند بیانگر نامناسب بودن شرایط تجاری آن‌ها بود حاکی از گرایش آن‌ها به صرف توجه به منافع شخصی و فاصله گرفتن آن‌ها از دولت مشروطه محسوب می‌شد. وضعیت و مشکلات تجار در این سال‌ها نوعی بازگشت و رجعت به دوران پیش از مشروطه را تداعی می‌کند که آنان به دنبال جلب حمایت دولت در مقابل خارجی‌ها، استقرار امنیت، قانون و بهبود راه‌ها بودند. این مرحله تاریخی تلاش بیهوده تجار در استقرار نهادهای مدرن و تکاپوی آنان در استقرار مشروطیت را بی‌حاصل نشان می‌دهد و راه هر گونه اصلاحات را می‌بندد. در واقع سال‌های جنگ بین‌الملل موقعیت تجار را با سرعت بیشتری به دوران استبداد نزدیک کرد و خواست‌های آنان از مشروطیت را بی‌پاسخ گذارد.

در زمینه صرافیه و مبادلات پولی در سال‌های جنگ مسایل بسیاری وجود داشت، اما

تنها نکته‌ای که در این مبحث جای دارد بدان اشاره شود افزایش ارزش نقره و در نتیجه تأثیر آن در نرخ قران بود. هر چند این افزایش جنبه موقتی داشت ولی در این سال‌ها هم برای تجارت و صرافان ایرانی و هم برای دولت ایران می‌توانست مفید باشد. کاهش شدید نرخ لیره در سال‌های ۱۳۳۷-۱۳۳۶/۱۹۱۸-۱۹۱۷، چنانکه یکی از صاحب‌نظران امور پولی معتقد بود، می‌توانست مورد بهره‌برداری ایران قرار گیرد و علاوه بر تغییر مقیاس پول ایران از نقره به طلا، از کاهش نرخ لیره سود جسته و قروض گذشته خود را با میزان یک دوم تا یک سوم مقدار پس از جنگ بپردازد.^(۵۸)

در سال‌های جنگ به دلیل تغییر ارزش نقره و افزایش نرخ قران، تبدیل اسکناس به پول مسکوک بسیار رایج شد و اسکناس به ترتیب سابق در معاملات به کار گرفته نمی‌شد.^(۵۹) این امر موجب استفاده بسیار صرافان و افزایش صرف پول شد.^(۶۰) با گسترش دامنه جنگ، بانک‌ها در برخی نقاط تخلیه شدند و پول نقد از جریان امور خارج شد. در بسیاری از شهرها به مراکز بانک شاهنشاهی حمله شد و موجودی آن غارت گردید و بین سربازان تقسیم شد. در سال ۱۳۳۵/۱۹۱۵ از ۱۷ شعبه بانک شاهنشاهی در سراسر کشور، ۷ شعبه آن در اختیار نیروهای آلمانی بود.^(۶۱) بانک شاهنشاهی برای جلوگیری از اختلال در امور، میزان حجم اسکناس در گردش را کاهش داد و همچنان تسلط خود بر امور مالی را حفظ کرد و امکان بهره‌گیری از شرایط خاص جنگی را به تجارت و دولت ایران نداد.

کاهش نرخ لیره و منات روسی نیز موجب بروز اشکالاتی در مبادلات پولی بین سربازان عثمانی و روسی مستقر در ایران و اهالی مناطق مختلف کشور شد. به رغم کاهش ارزش منات روسیه، سربازان این کشور سعی داشتند اهالی را مجبور کرده که با ارزش پیشین منات معامله کنند؛ این امر موجب شکایات بسیار تجارت و کسبه و درگیری‌هایی در برخی مناطق گردید.^(۶۲) سربازان عثمانی نیز در مناطق تحت نفوذ خود در ایران، تجارت و صرافان را مجبور به پذیرش اسکناس عثمانی که ارزش چندانی نداشت، می‌کردند و طی اعلان تهدیدآمیزی به صراف‌ها و تجارت ایرانی که از قبول اسکناس عثمانی سرباز زنند، اخطار کرد که آنان را مجبور به پرداخت جزای نقدی، تحمل صد چوب و ده روز حبس خواهند کرد.^(۶۳) آشفتگی در مبادلات پولی، ناامنی تجارت و زیان بسیار کسبه خرد را فراهم کرده بود. این بی‌ثباتی پولی برای همه تجارت شرایط نامناسبی ایجاد کرده بود ولی در این بین کسانی نیز بودند که با بهره‌گیری از بی‌نظمی موجود ثروت‌های کلانی اندوختند و چه بسیار از تجاری که در این بی‌ثباتی مالی - اجتماعی و سیاسی به ورطه نابودی کشیده شدند.

ج) عملکرد مجلس سوم

مجلس دوم در ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۲۹ / ۲۱ دسامبر ۱۹۱۱ تعطیل شد و افتتاح مجلس سوم نزدیک به سه سال به تعویق افتاد. تجارت ایرانی که به دنبال طرح مجدد خواسته‌های خود و

حضور در صحنه‌های سیاسی - اجتماعی بودند، با دخالت قدرت‌های خارجی در امور داخلی ایران، اولتیماتوم روسیه و تعطیلی مجلس موانع بیشتری را رو در روی خود دیدند. با این حال بر پایی مجدد مجلس به عنوان نهادی مدرن می‌توانست بسیار راه‌گشا باشد. در این مرحله تجار بزرگی همچون امین‌الضرب که پس از استبداد صغیر از صحنه فعالیت‌های سیاسی خارج شده بود مجدداً وارد صحنه شد. با فشار روزنامه‌ها و افکار عمومی، هیأت منتخبی از «اشخاص موثق» و از اهالی تهران تشکیل شد که ریاست آن به عهده سردار اسعد و نیابت آن به عهده ظهیرالدوله و حاج امین‌الضرب قرار گرفت. از سوی این هیأت مکاتبات متعددی در خصوص لزوم «تسریع در تشکیل مجلس شورای ملی» که «وسیله منحصر نجات مملکت» بود، مطرح گردید و دولت به آنان اعلام نمود، هیأتی از «صاحبان افکار و اشخاص موثق از اهالی طهران» نشستی تشکیل دهند و در گشایش مجلس سوم تسریع نمایند.^(۶۴) هیأت منتخب در نامه‌ای به دولت اعلام نمود به رغم اینکه تشکیل مجلس شورای ملی در شرایط کنونی جامعه ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است ولی انجام تغییر در نظامنامه و «تطبیق آن با حوایج و خیر عمومی» بر اساس مقتضیات و صلاح مملکت می‌بایست به عهده هیأتی گذارده شود که سمت «نماینده‌گی معنوی آن‌ها از عقاید و افکار عمومی» مشخص باشد، و پیشنهاد شد که دولت پنجاه نفر از طبقات مختلف را به هر ترتیبی که صلاح می‌داند، گرد هم آورد و بحث در مورد قانون انتخابات را به عهده آنان گذارد. ولی آنان این امر را در صلاحیت خود ندانستند.^(۶۵) به رغم چنین گفتگوهای تشکیل مجلس سوم تا ۱۶ محرم ۱۳۳۳/۷ دسامبر ۱۹۱۴ به تعویق افتاد که تا ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۳۳/۶ نوامبر ۱۹۱۵ دوام یافت.

نظامنامه انتخابات برای بار سوم تغییر یافت. به دلیل مشکلاتی که در انتخاب نمایندگان مجلس در دو دوره قانونگذاری پیشین ایجاد شده بود به پیشنهاد گروهی از نمایندگان مجلس دوم تصمیم گرفته شد تغییراتی در قانون انتخابات ایجاد شود. کمیسیون اصلاح نظامنامه انتخاباتی مجلس تشکیل و از رجب ۱۳۲۹ تا تقریباً پایان مجلس دوم به بحث در خصوص تغییر قانون انتخابات پرداخت. شرط محلی بودن داوطلبان نمایندگی از بین رفت و به همین دلیل رقابت بیشتر شد و لازم بود داوطلبان رأی بیشتری جمع‌آوری کنند. همین امر تعداد آرا را نسبت به دوره‌های قبل افزایش داد و امکان نفوذ صاحبان املاک و متنفذین را بر رأی‌دهندگان بیشتر کرد و ورود آنان به مجلس را تسهیل نمود. شرایط مالی انتخاب‌کنندگان نیز که در دو دوره قبل مجلس متداول بود، حذف گردید. شرط ممنوعیت رأی دادن افرادی که فساد عقیده داشتند در مجلس دوم و سوم تغییر یافت و به این صورت اصلاح شد که کسانی که نزد یکی از حکام شرع از دین خارج شده باشند حق دادن رأی نداشتند. این تغییر بخصوص مورد توجه دمکرات‌ها بود چون بدین ترتیب متهم کردن آن‌ها به فساد عقیده بسیار دشوار می‌شد.^(۶۶)

در نظامنامه انتخابات مجلس سوم از آنجایی که هیچ گونه شرطی برای رأی دهندگان در نظر گرفته نشده بود بر یافت طبقاتی این دوره مجلس تأثیر گذارد. تعداد ملاکین و روحانیون افزایش یافت و از تعداد تجار و اصناف و تحصیل کردگان جدید کاسته شد. تعداد مالکان روند رو به رشد داشت. تعداد نمایندگان مالک از ۲۱ درصد در مجلس اول به ۳۰ درصد در مجلس دوم و ۴۹ درصد از کل نمایندگان در مجلس سوم رسید.^(۶۷) مجلس سوم در ادامه همان سمت و سوی مجلس دوم حرکت کرد. کاهش قدرت سیاسی تجار که از مجلس دوم آغاز شد همچنان ادامه یافت. تعداد نمایندگان تجار و اصناف از ۴۱ درصد مجلس اول به ده درصد در مجلس دوم و ۷ درصد در مجلس سوم رسید.^(۶۸) از نمایندگان تاجریشه مجلس سوم که تعداد آنان بسیار کمتر از مجلس دوم شده بود می توان از ارباب کیخسرو و شاهرخ، نماینده زرتشتیان، حاج آقا محمد معین التجار بوشهری و میرزای محمد علی خان ملک التجار نمایندگان بوشهر نام برد. این نمایندگان به جز ارباب کیخسرو که در مواردی در مجلس ابراز عقیده کرد در مذاکرات مجلس چندان فعال نبودند و ابراز عقیده چندان از آن ها در مجلس دیده نمی شود.

ارباب کیخسرو بخشی از وظیفه نمایندگی خود را تذکراتی مربوط به واژه گزینی برای کلمه های فرنگی می دانست.^(۶۹) در مواردی به توضیح های لفظی در خصوص مواد مربوط به قانون پست پرداخته است.^(۷۰) در مذاکرات مربوط به امور مالیه و محاکمات، ارباب کیخسرو و معین التجار در خصوص مواد قانونی آن ابراز عقیده کردند^(۷۱) و هر دو آن ها موافقت خود با برنامه دولت مبنی بر حفظ امنیت، تقویت ژاندارمری، قوت و استحکام اداره مالیه بر اساس تقسیم اختیارات ما بین وزیر مالیه و اداره های وزارت مالیه، تعیین مرجعی برای تظلمات مردم از اداره مالیه و رعایت مسایل اقتصادی در تشکیلات مالیه را مورد تأیید قرار دادند و ارباب کیخسرو در خصوص اهمیت ضرورت آن سخنرانی کرد.^(۷۲)

دولت هایی که طی دوران مجلس سوم بر سر کار آمدند عبارت بودند از: دولت مستوفی الممالک، مشیرالدوله، عین الدوله و دولت دوم مستوفی الممالک و مهم ترین مسایلی که با آن روبرو بودند حفظ بی طرفی ایران در جنگ و غلبه بر بحران مالی کشور بود. از یک سو فشار های سیاسی دولت های روس و انگلیس مبنی بر حفظ تمایلات دوستانه ایران نسبت به این دو کشور در عین حفظ بی طرفی در جنگ و از سوی دیگر آلمان ها و عثمانی ها که مایل به ورود ایران به جنگ بودند و گرایش مشخص دمکرات ها به آن ها، دولت های این دوره را با بحران سیاسی - مالی مواجه ساخته بود و امکان اجرای برنامه های اعلام شده آن ها را غیر ممکن می ساخت، همین امر موجب سقوط دولت های این زمان می شد و بی ثباتی سیاسی کشور را تشدید می کرد.

از برنامه های مهم دولت مشیرالدوله که مورد توجه تجار نیز می توانست قرار گیرد، لایحه قانون تشکیلات محاکم تجارت و اصول محاکمات تجاری، لایحه قانون افلاس

تجارتی و قانون بروات که در تکمیل قوانین عدلیه به مجلس پیشنهاد و کلیات آن به تصویب رسید.^(۷۳) همچنین در خصوص تشکیلات اداری تجارت و تأسیس اتاق تجارت که در مجلس دوم مطرح و به نتیجه‌ای نرسیده بود، مجدداً لایحه آن به مجلس داده شد. وزیر پست و تلگراف و تجارت و فواید عامه در توضیح تشکیلات اداری تجارت گفت با اینکه تشکیلات اداری تجارت از اهمیت بسیاری برخوردار است و بصورت اسمی وجود داشته ولی هیچ وقت وجود خارجی نداشته است. در برخی از کابینه‌ها اسمی از تجارت برده می‌شد و در بعضی از آن‌ها حذف می‌گردید، بر این اساس هیأت دولت تصمیم گرفته است اداره ثابتی با قانون تشکیلات اداری ایجاد کند و به این ترتیب رسمیتی به وزارت یا اداره تجارت بدهد.^(۷۴)

قانون محاکم تجارت که در بین مواد قوانین عدلیه در چندین فصل و ماده مطرح گردید در شعبان ۱۳۳۳ به امضای رئیس مجلس رسید و به وزارت عدلیه ارسال شد. در این قانون اعضای محکمه تجارت و ریاست آن، موارد مورد صلاحیت، اصول محاکمات، چگونگی استیناف، احکام صادره از این محکمه و موارد جزئی و کلی دیگر مطرح گردیده است.^(۷۵) این قوانین در کنار حفظ امنیت، مصونیت ژاندارمری، اصلاحات لازم در محاکم عدلیه مرکز، تشکیل محاکم عدلیه در ولایات، ترتیب ثبت اسناد، ممیزی مالیات‌های مستقیم و طرح تشکیلات اساسی وزارت مالیه در ولایات از برنامه‌های دیگر دولت مشیرالدوله بود ولی دولت وی دوام چندانی نیافت و طبعاً اجرای این لوایح نیز که می‌توانست بخشی از خواست‌های تجار را پاسخ دهد در عمل با شکست مواجه شد. دولت از قدرت و انسجام سیاسی لازم برای اجرای این طرح‌ها برخوردار نبود و افزایش مداخله قدرت‌های خارجی در شرایط جنگی نیز این امکان را از سیاستمداران ایرانی گرفته بود. نابسامانی و عدم ثبات سیاسی به دلیل گسترش جنگ و تغییر سریع کابینه‌ها، قدرت سیاسی دولت را کاهش داده بود. حضور سیاستمداران کهنه‌کاری همچون عین‌الدوله و فرمانفرما به گونه‌ای بر تضاد درونی دولت افزود و امکان هر گونه اصلاح و دگرگونی را غیر ممکن ساخته بود.

بدیهی است که مجلس سوم نیز همچون دوره‌های قبل در پی استقرار نهادهای مدرن و سامان دادن به مشروطیت بود، اما متناسب با بافت طبقاتی خود و شرایط سیاسی - اجتماعی و وضعیت اقتصادی دولت از شیوه و عملکرد خاصی پیروی می‌کرد. در مجلس سوم سه حزب دموکرات، اعتدالی و هیأت علمیه فعالیت داشتند. از مجموع نمایندگان مجلس سوم سه حزب دموکرات، اعتدالی و هیأت علمیه فعالیت داشتند. از مجموع نمایندگان مجلس سوم، ۳۱ درصد دموکرات و ۲۴ درصد اعتدالی بودند. افزایش تعداد نمایندگان روحانی در مجلس به تشکیل هیأت علمیه انجامید که تعداد نمایندگان آن‌ها در مجلس ۱۶ نفر بود. آن‌ها در اقلیت بودند و به لحاظ موضع سیاسی راست افراطی شناخته می‌شدند. دموکرات‌ها با همان برنامه قبلی از موقعیت برتری در مجلس برخوردار بودند و

اعتدالیون که از زمان انحلال مجلس دوم دچار انشعاب شده بودند، نفوذ سیاسی گذشته خود را از دست داده بودند و از موضع ضعیف‌تری نسبت به مجلس دوم برخوردار بودند.^(۷۶) اما فعالیت احزاب در مجلس سوم بطور کلی نسبت به دوره دوم کاهش یافته بود.

مجلس سوم طی یکسال فعالیت خود، قوانین مهمی را به تصویب رساند که مهم‌ترین آن‌ها عبارت بود از قانون تشکیلات وزارت مالیه، قانون منع خروج طلا و نقره، مالیات مستغلات و دخانیات، قانون نسخ قانون ۲۳ جوزا، قانون راجع به اسکناس بانک شاهنشاهی و قانون سربازگیری.^(۷۷) بیشتر قوانین تصویب شده در مجلس سوم به امور مالی، پولی و مالیاتی مربوط می‌شد. تصویب مالیات‌های جدید که اعتراض‌های اقشار گوناگونی را برانگیخت حاکی از وخامت اوضاع مالی کشور تلاش دولت و مجلس برای یافتن راه حلی برای نجات از این وضعیت بود. تغییر تشکیلات وزارت مالیه، عدلیه و پست، سر و سامان دادن و منظم کردن امور این مراکز به عملکرد بهتر این مراکز کمک می‌کرد و عواید آن‌ها را افزایش می‌داد و در رفع نابسامانی مالی کشور مفید بود.^(۷۸)

وضع بد مالی دولت باعث بستن مالیات بر اموال و دارایی‌های افراد و اقشار مختلف جامعه و بر برخی اجناس گردید. پیش از تشکیل مجلس سوم، نظامنامه مالیات اصناف از جانب مقام خزانه‌داری کل به هیأت وزراء پیشنهاد شد. این مالیاتی بود که به کلیه اصناف و صاحبان پیشه، شغل، صنعت و تجارت و به هر دکان یا شرکت یا کارخانه معینی تعلق می‌گرفت. گروه‌های علما، مستخدمین دولت، معلمین و مدیران مدارس از این مالیات معاف بودند. از آن‌جا که این مالیات بر عایدات خالص مبتنی بود افراد را به پانزده گروه با درآمدهای مختلف تقسیم می‌کرد که هر یک از آن‌ها بر حسب درآمد خود موظف به پرداخت مقدار معینی مالیات بود که مقدار آن از صدی پنج درآمد خالص بیشتر و از صدی نیم آن کمتر نبود. کسانی که عایدی سالیانه آن‌ها به ۲ تا ۵ هزار تومان بالغ می‌گشت، در این تقسیم‌بندی به طور رسمی عنوان تاجر یا صنعت‌گر درجه یکم تا سوم را دارا بودند. این نظامنامه در ۱۴ ماده تنظیم گردید و به مأموران هشدار داده شد که از تفتیش خودسرانه دریافتن درآمد واقعی افراد خودداری کنند. بنا به گزارشی که در جراید عمومی درج شد، این قانون در هیأت وزراء تکمیل و تجدید نظرهایی در آن صورت گرفت.^(۷۹) با این حال گزارشی از طرح آن در مجلس وجود ندارد. این گونه مالیات‌ها در صورت اجرا می‌توانست برخی از نیازهای مالی دولت را برآورده کند، اما از طرف دیگر به نارضایتی عمومی و فشار بر اقشار مختلف مردم می‌افزود. شاید همین طرح‌ها بود که به نارضایتی تجار از اعمال بلژیکی‌های مستقر در خزانه‌داری کل انجامید و زمینه‌های لغو قانون ۲۳ جوزا را فراهم کرد که به تشریح آن خواهیم پرداخت.

دو قانون مالیاتی که در این دوران توسط مجلس به تصویب رسید. یکی قانون مالیات بر مستغلات و دیگری مالیات بر دخانیات بود. به موجب قانون مستغلات بر کلیه دکان‌ها،

انبیاءها، کارونسراها، مهمان‌خانه‌ها، نمایشگاه‌ها، یخچال‌ها، قهوه‌خانه‌ها، میادین شهرها و قصبه‌های عمده، مالیات وضع گردید که مقدار آن صدی پنج عایدات خالص سالیانه تعیین شده بود. برخی اماکن از جمله حمام‌ها، ساختمان‌های دولتی، خانه‌های مسکونی شخصی از دادن مالیات معاف بودند و خانه‌هایی که اجاره داده می‌شد در صورتی که مال‌الاجاره بیش از سی تومان بود مشمول مالیات می‌گردید.^(۸۰) بر اساس قانون مالیات بر دخانیات، مقدار مشخصی مالیات از قرار صدی سی از قیمت، بر انواع توتون در نظر گرفته شد. تعدادی از نمایندگان مالک از جمله سردار معظم و مستصرالسلطان با این قانون مخالفت کردند و برقراری چنین مالیاتی بر توتون و تنباکو را موجب زیان زراعت و تجارت داخلی این محصول و توقف کشت آن دانستند و معتقد بودند این امر گرایش به وارد کردن این محصول را بیشتر می‌کند. مخبر کمیسیون حاج عزالممالک برای دفاع از این قانون، آن را مالیات جنسی و نه مالیات صنفی قلمداد کرد، و این مالیات را مربوط به تجار بزرگ صادرکننده توتون یا زارعان ندانست،^(۸۱) بلکه آن را بیشتر مربوط به مبادله کنندگان داخل کشور شامل تجار خرد و متوسط و مصرف‌کنندگان به شمار آورد. بافت خاص نمایندگان مجلس سوم، افزایش تعداد مالکان نسبت به دوره قبل و کاهش مجدد تعداد تجار و اصناف^(۸۲) در این مجلس بر مصوبات آن نیز بی‌تأثیر نبوده است. در کلیه قوانین مالیاتی این دوره، فشار مالیاتی بیشتر بر روی جامعه شهری، تجار، اصناف و صاحبان مشاغل و کارکنان دولت بود، در حالی که هیچ قانونی حاکی از گرفتن مالیات از مالکان و زمینداران بزرگ دیده نمی‌شود.

قانون دیگری که از اهمیت خاصی نزد تجار برخوردار بود و در برنامه دولت مستوفی‌الممالک گنجانیده شده بود، نسخ قانون ۲۳ جوزا بود. این لایحه به نام قانون تشکیل ترتیبات مالیاتی مملکت ایران در ۱۵ جمادی‌الثانی ۱۳۲۹ تصویب شد و وظایف خزانه‌دار کل را تعیین می‌کرد که در آن زمان شوستر متصدی آن سمت بود. از آنجایی که مجلس دوم به شوستر اعتماد بسیار داشت، قدرت نامحدودی به او تفویض کرد که پس از کناره‌گیری وی باعث بروز مشکلات چندی شد، به خصوص با قرار گرفتن هیأت بلژیکی به ریاست ژوزف مورنارد به جای او که منجر به نارضایتی تجار و دیگر اقشار جامعه شد که او را دست‌نشانده روس‌ها می‌دانستند. حتی جناح راست افراطی مجلس در باره لزوم لغو هر چه سریعتر این قانون در مجلس سخن گفتند.^(۸۳) بررسی و پیگیری این قانون پس از سقوط دولت مستوفی توسط مشیرالدوله ادامه یافت. مشیرالدوله حتی پیش از ارائه برنامه خود، تقاضای لغو قانون ۲۳ جوزا را کرد و مجلس بدون تردید و با هماهنگی یک پارچه‌ای آن را به رغم عدم تمایل روس و انگلیس به تصویب رساند. تمامی مذاکرات در خصوص آشفتگی و تأثیر این قانون در نابسامانی امور مالی و ضرورت لغو آن بود.^(۸۴)

قانون منع خروج طلا و نقره از کشور توسط سلیمان‌میرزا و جمعی دیگر از نمایندگان مجلس مطرح شد. تجار نیز طی نامه‌هایی به مجلس خواهان چنین امری بودند. نظارت

بانک شاهنشاهی بر امور پولی کشور و مشکلاتی همچون کمبود مسکوک نقره و طلا و اعتراض‌هایی که در این خصوص مطرح شد، دولت و مجلس را به بحث در این مورد و نهایتاً تصویب منع خروج مسکوک طلا و نقره بطور موقت واداشت و بانک شاهنشاهی را مکلف کرد برای رفع اشکالات امور صرافی و حفظ تعادل طی دو ماه آینده در مقابل چاپ اسکناس‌های خود روزانه ده هزار تومان مسکوک نقره تأدیه نماید و تبدیل اسکناس به مسکوک نیز فقط به میزان یک تومان در هر روز مقرر گردید.^(۸۵) از آنجایی که رئیس مجلس تصویب این گونه طرح‌ها را «بر ضد آزادی تجارت» می‌دانست زمان اجرای آن را برای چند ماه قرار دادند.^(۸۶)

مجلس سوم با وجود دوران کوتاه حیات خود تلاش‌هایی برای حل مسایل اقتصادی و اجتماعی مورد توجه تجار و دیگر اقشار جامعه، از جمله بهبود اوضاع مالیه، ژاندارمری، سربازگیری و تلاش برای استقرار امنیت انجام داد. مجلس سوم به علت مهاجرت گروهی از نمایندگان به قم و از آنجا به کرمانشاه و سپس به خاک عثمانی بیش از نصف نمایندگان خود را از دست داد و بنا به قانون انتخابات تعطیل شد. به رغم شرایط ویژه کشور و عدم حضور فعال تجار در صحنه‌های سیاسی، خواست‌های آنان در تحقق نهادهای امن و سامان یافته دولت مدرن همچنان برقرار بود. با اینکه در دوران جنگ جهانی موقعیت تجار رو به ضعف رفت و اقتدار سیاسی و اقتصادی خود را از دست دادند و در لاک تأمین منافع فردی خود فرو رفتند، با این حال در بین تجار کسانی بودند که برای حفظ کشور از تجاوزات روس و انگلیس در کمیته دفاع ملی شرکت کردند. از این نمونه می‌توان از امین‌التجار و اعتمادالتجار نام برد. اعتمادالتجار به جرم تحریکاتی بر ضد حکومت نظامی در شهر اصفهان به برج ناصریه در کرمان تبعید شد.^(۸۷) البته این گونه اعمال بیشتر جنبه فردی و شخصی داشت و به عنوان عملکرد طبقاتی این گروه مطرح نبود.

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل دوم

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل دوم

تبرستان

www.tabarestan.info

۱. حاج احمد گله‌دار زاده به معین‌التجار بوشهری، ۱۳ اکتبر ۱۹۱۸، بندرعباس به تهران، ۱۱۵۳۵۵ - ق، (م.ا.ب).
۲. وزارت امور خارجه به وزارت مالیه، سال ۱۳۳۶، وزارت مالیه، ۵۹/۳۴/۸۳ [۲۴۰]، (م.ا.م).
۳. صورت‌مجلس وزارت مالیه، ۱۲ محرم ۱۳۳۷، وزارت کشور، ۵-۶/۱۳۷/۸۳ [۲۹۳]، (م.ا.م).
۴. اعتراض به وزارت خارجه، ۱۱ ثور ۱۳۳۱، وزارت کشور، ۷۰/۶۶/۹ [۲۹۳]، (م.ا.م).
۵. وزارت داخله به پیشکار ایالت خراسان، ۲۱ جمادی‌الثانی ۱۳۳۵، وزارت کشور، ۴/۶۳۷/۱ [۲۹۰]، (م.ا.م).
۶. روزنامه رعد، ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۳۲، ش ۱۲، ص ۳.
۷. نگاه کنید به: همدانی، خاطرات فرید، ص ۴۶۰.
۸. کتاب سبز، (تهران، ۱۳۶۳)، ص ۵۰.
۹. «از حکومت سیستان به وزارت داخله»، ۲۱ رجب ۱۳۳۷، نمره ۴۸، [ک ۶۰۶]، (م.ا.م) نقل شده از، بیات، ایران و جنگ، ص ۲۱۱.
۱۰. روزنامه ایران، ۱۷ شعبان ۱۳۳۵، ش ۸۶، ص ۲.
۱۱. حبل‌المتین، سال ۲۲، ۲۱ ذی‌قعدة ۱۳۳۲/۱۲ اکتبر ۱۹۱۴، ش ۲۳، ص ۷.
۱۲. «تلگراف تجار بندر جز به رییس‌الوزراء»، ۹ سنبله ۱۳۳۶، وزارت مالیه، ۵۹/۳۴/۲۸ [۲۴۰]، (م.ا.م).
۱۳. «سواد عریضه تجار آستارا به مجلس شورای ملی» [بی‌تا]، وزارت مالیه، ۵-۴۸/۴۸/۲۵۱ [۲۴۰]، (م.ا.م).
۱۴. در خصوص کمبود و افزایش قیمت قند نگاه کنید به: روزنامه رعد، ۳ جمادی‌الاول ۱۳۳۴/۸ مارس ۱۹۱۶، ش ۱۲۸، ص ۱.
۱۵. در خصوص اوضاع تجاری بصره طی جنگ جهانی اول نگاه کنید به: حبل‌المتین، سال ۲۲، ۲۷ ذی‌حجه ۱۳۳۲/۱۶ نوامبر ۱۹۱۴، ش ۲۷، ص ۱۳.

۳۲۸. تجار، مشروطیت و دولت مدرن

۱۶. نگاه کنید به: منصوره اتحادیه، «لیست سیاه ایران در جنگ جهانی اول (۱۹۱۴-۱۹۱۸)»، اینجا طهران است، مجموعه مقالاتی در باره طهران ۱۳۴۴-۱۲۶۹ ه.ق، (تهران، ۱۳۷۷)، صص ۳۶۳-۳۷۲.

۱۷. همان جا، ص ۳۶۷.

۱۸. اسامی تجاری که در فهرست سیاه وزارت خارجه انگلستان در ۲۰ مارس ۱۹۱۶ انتشار یافت از قرار زیر بود:

آقا محمد اسماعیل اصفهانی (مشهد)، امین التجار (اصفهان)، حاج عباس عرب (اصفهان)، حاج عبدالرحمن شیرازی، حاجی امین (اصفهان)، حاج غلام حسین (رشت)، حاجی لطف علی تبریزی (تهران)، حاجی محمدرضا (اصفهان)، حاجی محمدابراهیم ملک التجار (اصفهان)، حاجی محمد ولینکانی (کرمان)، حاجی صالح عرب (اصفهان)، حاجی غلام علی (بوشهر و شیراز)، حاجی محمدباقر بهبهانی (بوشهر و شیراز)، حاج محمدحسین کازرونی (اصفهان)، غفار بنگدار، کیخسرو رستمی (کیانیان) (کرمان و یزد)، رحیم اتحادیه و پسران (تهران)، مهدی اسماعیل سلماسی (کرمان). مهدی غلامعلی گالش فروش (رشت)، محمد مهدی سمسار (اصفهان)، میرزاعلی کازرونی (بوشهر)، محمدعلی تبریزی (بوشهر)، صادق افشار (یزد)؛ در این فهرست همچنین از شرکت تنباکوی اصفهان، شرکت قیاس و شرکت اتحادیه و اسلامی و مسعودیه نام برده شده است. (نگاه کنید به: همان جا، صص ۳۷۱-۳۷۲).

۱۹. همان جا، صص ۳۷۰-۳۶۷.

۲۰. حبل المتین، سال ۲۱، ربیع الاول ۱۳۳۲/۲ فوریه ۱۹۱۴، ش ۲۷، صص ۱۱-۱۰.

۲۱. قیمت تریاک از منی ۳۰ تومان به ۱۰ تومان و یک طاقه قالی از ۵۰ تومان به ۲۰ تومان کاهش یافت و یک من قند وارداتی از ۴ قران به ۱۰ قران افزایش یافت. برای آگاهی از وضعیت تجارتی جنوب و مراکز تجاری آن نگاه کنید به: همان جا، سال ۲۲، ش ۲۱، ص ۵.

22. Churchill Limited Company.

۲۳. «قرارداد مابین حاج رحیم اتحادیه و کمپانی لمیتد چرچیل»، ۱۲ صفر ۱۳۳۲/۱۰ ژانویه ۱۹۱۴، (آ.ا.ت.).

۲۴. نگاه کنید به: حبل المتین، سال ۲۱، ربیع الاول ۱۳۳۲/۱۶ فوریه ۱۹۱۴، ش ۲۹، صص ۱۶-۱۵.

۲۵. در موارد مذاکرات وزارت تجارت و فواید عامه با تجار در خصوص قیمت قند، نگاه کنید به: روزنامه رعد، ۳ جمادی الاول ۱۳۳۴/۸ مارس ۱۹۱۶، ش ۱۲۸، ص ۱.

۲۶. روزنامه ایران، اول جمادی الاول ۱۳۳۶، ش ۱۷۳، ص ۱.

۲۷. همان جا، ۹ ذی حجه ۱۳۳۶، ش ۳۰۲، ص ۱.

۲۸. همان جا، ۱۲ شعبان ۱۳۳۶، ش ۲۳۲، صص ۱-۲.

۲۹. روزنامه رعد، ۵ ذی حجه ۱۳۳۲، ش ۱۴، ص ۳.

۳۰. همان جا، ۴ جمادی الاول ۱۳۳۳، ش ۱۰۲، ص ۱.

۳۱. نگاه کنید به: روزنامه ایران، ۲۷ شعبان ۱۳۳۵، ش ۹۰، ص ۲.

۳۲. نگاه کنید به: روزنامه اقتصاد ایران، ۲۸ ذی قعدة ۱۳۴۰، ش ۵، ص ۲.

۳۳. «نامه اتحادیه تجار اصفهان به حکمران اصفهان»، ۱۱ ذی قعدة ۱۳۳۶، وزارت کشور، ۱۷/۱۳۳ [۲۹۱]، (م.ا.م.).

۳۴. نگاه کنید به: روزنامه ایران، ۳ ذی قعدة ۱۳۳۵، ش ۱۱۵، ص ۲.

۳۵. همان جا، ۸ ذی قعدة ۱۳۳۳، ش ۱۱۷، ص ۱.

۳۶. «نامه اتحادیه تجار به حکمران اصفهان»، ۱۱ ذی قعدة ۱۳۳۶، وزارت کشور، ۱۷/۱۳۳ [۲۹۱]، (م.ا.م.).

۳۷. «نامه اتحادیه تجار به حکمران اصفهان»، ۲۵ رمضان ۱۳۳۶، وزارت کشور، ۱۵۱/۲۲۳ [۲۹۱]، (م.ا.م.).

۳۸. روزنامه رعد، ۱۵ جمادی الاول ۱۳۳۳، ش ۹۲، ص ۳.

۳۹. روزنامه ایران، ۲۷ محرم ۱۳۳۷، ش ۳۲۲، ص ۳.
۴۰. همان‌جا، ۱۷ شعبان ۱۳۳۵، ش ۸۶، ص ۳.
۴۱. «عریضه تلگرافی تجار فارس به وزارت داخله»، ۱۲ رجب ۱۳۳۳، نمره ۲۴، (م.ا.م)، نقل شده از: بیات، ایران و جنگ، ص ۱۲۵.
۴۲. «عرض حال تجار تبریز به وزارت داخله»: ۳ ذی‌حجه ۱۳۳۴، نمره ۳۶ (م.ا.م)، نقل شده از: همان‌جا، ص ۲۳۸.
۴۳. «اعتراض نامه اهالی نهاوند به نماینده خود در مجلس»، سال ۱۳۳۲ هجری، وزارت کشور، (۲/۴۹۰/۲۹۳) (م.ا.م).
۴۴. روزنامه رعد، ۵ صفر ۱۳۳۴/۱۳ دسامبر ۱۹۱۵، ش ۱۶۰، ص ۱.
۴۵. «تلگراف تشکر اهالی قم از صاحب‌منصب ژاندارمری»، حبل‌المتین، سال ۲۲، ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۳۲/۱۸ مه ۱۹۱۴، ش ۲، ص ۱۷.
۴۶. «سواد التزام و قرارداد مابین عموم آقایان تجار و اهالی خوانسار» ربیع‌الآخر ۱۳۳۶، وزارت کشور، (۱/۱۸/۲۷/۲۹۳) (م.ا.م).
۴۷. «تلگراف تجار انزلی به وزارت جنگ» سال ۱۳۳۶ اقمری، آلبوم ش ۵۳۴۶ (م.ا.م).
۴۸. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به:
- «نامه وزارت مالیه به مدیر کل گمرکات»، ۲ جمادی‌الاول ۱۳۳۶، «نامه وزارت مالیه به وزارت داخله» ۹ جمادی‌الاول ۱۳۳۶، «نامه وزارت داخله به کفیل حکومت گیلان»، ۱۰ جمادی‌الاول ۱۳۳۶، «نامه وزارت داخله به وزارت مالیه»، ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۳۶، «نامه وزارت خارجه به کارگزاران گیلان»، ۱۹ جمادی‌الاول ۱۳۳۶، «نامه وزارت خارجه به وزارت داخله»، ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۳۶، «نامه وزارت خارجه به وزارت داخله»، ۸ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶، آلبوم ش ۵۳۴۰ (م.ا.م).
۴۹. اسامی تجاری که به حق گمرک هر پوطی دو تومان از خشکیار صادره به روسیه اعتراض داشتند از این قرار بود: حاج معین‌التجار بوشهری، حاج معین‌الممالک، حاج ربیع‌آقا تبریزی، رخایوف امین‌التجار، میرزا علی چایچی، سیدمرتضی حسینی، علی‌اکبر ابریشمی؛ این گروه از تجار حتی اعتراض کردند که چرا باید به مال‌التجاره داخله گمرک بسته شود و هینس رییس گمرک برای رفع شکایات تجار پیشنهاد پوطی یک تومان می‌دهد. «نامه وزارت خارجه به وزارت مالیه»، سال ۱۳۳۶ اقمری، وزارت مالیه، (۱۷/۵۹/۳۴/۲۴۰) (م.ا.م).
۵۰. «تلگراف تجار انزلی به گمرک تهران»، سال ۱۳۳۶ اقمری، وزارت مالیه، (۴۵/۵۹/۳۴/۲۴۰) (م.ا.م).
۵۱. «شکایت تجار شمال به منع صدور کشمش تیزآبی به روسیه»، سال ۱۳۳۶ اقمری، وزارت مالیه، (۲/۵۹/۳۴/۲۴۰) (م.ا.م)؛ «نامه حاج معین‌الممالک رشتی و حاج ربیع‌آقا تبریزی به وزارت تجارت و فواید عامه»، [بی‌تا]، وزارت مالیه، (۲۷/۵۹/۳۴/۲۴۰) (م.ا.م).
۵۲. «تلگراف تجار مشهد به وزارت مالیه»، سال ۱۳۳۶ اقمری، وزارت مالیه، (۲۸/۵۹/۳۴/۲۴۰) (م.ا.م).
۵۳. «اعتراض علمای تراکمه از تعدیات گمرک به تجاره»، سال ۱۳۳۵ اقمری، وزارت مالیه، (۴۷/۵۰/۲۴۰) (م.ا.م).
۵۴. اسامی تجار بوشهر، شیراز و اصفهان که در مورد تغییر محل گمرک بوشهر اعتراض داشتند، از این قرار بود: حاجی غلام‌علی بهبهانی، حاج عبدالرحیم شیرازی، حاج محمدباقر دهدشتی، حاج میرزااحمد، سیدجعفر کازرونی، سیدمرتضی کازرونی، سیدعباس کازرونی، محمد مهدی اصفهانی، میرزاخیل شیرازی، محمدخلیل شیرازی، محمد شیرازی، اسدالله کازرونی، محمدباقر، عباسعلی و محمدحسین شیرازی، میرزامحمدتقی ترک، محمد کازرونی، شیخ محمدکریم، محمدرحیم و میرزا محمود شیرازی، «اعتراض عامه تجار بوشهر به وزیر خارجه و وزیر تجارت»، سال ۱۳۳۲ اقمری، (۱۶/۵/۸۹ و ۲۱/۵/۸۹) «اسامی تجار معترض به تغییر گمرک بوشهر»، [بی‌تا] (۲۵/۵/۸۹) (م.ا.م).
۵۵. «نامه وزارت مالیه به وزارت داخله»، سال ۱۳۳۵ اقمری، وزارت کشور، (۶/۹۴/۱۹) (م.ا.م).

۳۳۰. تجار، مشروطیت و دولت مدرن

۵۶. «گزارش وزارت امور خارجه»، سال ۱۳۳۲ اقمری، وزارت کشور، ۱۲۵/۳۳/۵، (م.ا.م)؛ «گزارش وزارت مالیه از عراق»، ۱۲ شوال ۱۳۳۵، وزارت کشور، ۱۹/۹۴/۴، [۲۹۳]، (م.ا.م).
۵۷. «گزارش اداره مالیه»، سال ۱۳۳۲ اقمری، وزارت کشور، ۱۲۵/۳۴/۳، ۱۲۵/۳۳/۱۱، ۱۲۶/۱۸/۳۷، (م.ا.م).
۵۸. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: «مسعودالدوله علامیه، «نقره - قران»، مجله علوم مالیه و اقتصاد، سال اول (۱۳۰۱) خورشیدی)، ش ۴، صص ۷۳-۶۵.
۵۹. روزنامه رعد، ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳، ش ۱۰۷، ص ۱؛ همان جا، ۱۱ ذی‌قعدة ۱۳۳۳، ش ۱۸۱، ص ۲.
۶۰. روزنامه ایران، ۳ شوال ۱۳۳۵، ش ۱۰۲، ص ۱؛ روزنامه رعد، ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳، ش ۱۱۱، ص ۳.
۶۱. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: سپهر، ایران در جنگ، ص ۲۷۸، سایکس، تاریخ ایران، ج ۲، ص ۶۳۶؛ میروشنیکف، جنگ جهانی، چاپ دوم، ص ۴۸.
۶۲. برای آگاهی بیشتر از اغتشاش امور پولی و معاملات با سربازان روسی و عثمانی نگاه کنید به: روزنامه ایران، ۱۷ شوال ۱۳۳۵، ش ۱۰۸، ص ۲؛ سپهر، ایران در جنگ، ص ۳۸۰؛ تمدن، اوضاع ایران، ص ۳۰۶.
۶۳. «نامه ایالت آذربایجان به وزارت داخله»، ۲۸ رجب ۱۳۳۶، نمره ۸۳، (م.ا.م) نقل شده از بیات، ایران و جنگ، ص ۱۲۵.
۶۴. «نامه حاج محمدحسین امین‌الضرب به هیأت وزراء»، ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۳۰، نخست وزیری، (م.ا.ر)؛ همچنین «اعلان هیأت وزراء»، [بی تا]، همان جا.
۶۵. «نامه کمیسیون انتخابی به هیأت وزراء»، ۲۲ شوال ۱۳۳۰، نخست وزیری، (م.ا.ر)؛ همچنین نگاه کنید به: منصوره اتحادیه، احزاب سیاسی در مجلس سوم (۱۳۳۴-۱۳۳۳ ه.ق)، (تهران، ۱۳۷۱)، ص ۶۹.
۶۶. برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به: منصوره اتحادیه، مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه، (تهران، ۱۳۷۵)، صص ۱۵۴-۱۴۰.
۶۷. شجیعی، نمایندگان مجلس، جدول شماره ۹.
۶۸. همان جا، جدول شماره ۱۱ و ۱۳.
۶۹. مذاکرات مجلس دوره سوم تقنینیه، (۱۷ محرم ۱۳۳۳ تا ۲۵ ذی‌حجه ۱۳۳۳)، ص ۱۳۲.
۷۰. همان جا، صص ۱۴۳-۱۴۲، ۱۴۵.
۷۱. همان جا، صص ۱۷۳-۱۷۰.
۷۲. همان جا، صص ۱۷۴، ۱۷۵.
۷۳. همان جا، ص ۷۲.
۷۴. همان جا، ص ۷۷.
۷۵. «کتابچه قانون محاکم تجارت»، دوم ربیع‌الاول ۱۳۳۴، (آر.ا.ت).
۷۶. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: اتحادیه، مجلس سوم، صص ۱۱۱-۱۰۷.
۷۷. برای آگاهی از مصوبات سوم نگاه کنید به: بخش ضمایم.
۷۸. برای آگاهی بیشتر از قانون تشکیلات مالیه نگاه کنید به: مجموعه مصوبات مجلس، صص ۵۳۴-۵۱۸ در مورد قانون پست نیز نگاه کنید به: همان جا، صص ۵۵۳-۵۳۴.
۷۹. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: روزنامه رعد، ۲۵ ذی‌حجه ۱۳۳۲، ش ۲۴، ص ۱.
۸۰. نگاه کنید به: مجموعه مصوبات مجلس، صص ۵۵۷-۵۵۳؛ روزنامه رعد، ۹ شوال ۱۳۳۳، ش ۱۶۴، ص ۲.
۸۱. برای آگاهی‌های بیشتر در خصوص مالیات توتون و تنباکو نگاه کنید به: مذاکرات مجلس سوم، صص ۳۶۵-۳۵۷؛ همچنین مجموعه مصوبات مجلس، صص ۵۵۸-۵۵۷؛ روزنامه رعد، ۱۳ جمادی‌الثانی ۱۳۳۳، ش ۱۰۶، صص ۳-۲.

یادداشت‌های فصل دوم ۳۳۱

همان‌جا، ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۳۲، ش ۱۲۰، ص ۱.
 ۸۲ مقایسه تعداد نمایندگان مالک و تاجر در جدول زیر نشان داده شده است. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: (شجعی، نمایندگان مجلس، ص ۱۸۰).

دوره اول مجلس	دوره دوم مجلس	دوره سوم مجلس	
۱۳۳	۱۰۵	۱۰۳	عده معلوم وکلا
۱۵۳	۱۱۱	۱۰۴	عده کل وکلا
۲۱	۳۰	۴۹	تعداد نمایندگان ملاک
۴۱	۹	۷	تعداد بازاریان (تاجر، اصناف)

۸۳ مدرس اشکال عمده این قانون را تجمع اختیارات در یک فرد دانست. «یکی تشخیص آنچه باید از مردم بگیرد. یکی دیگر وصول از همان مردم و دیگری خرج کردن همان چیزی که از مردم گرفته می‌شد و اختیار این سه مطلب به دست یک نفر بود.» (نگاه کنید به: مذاکرات مجلس سوم، صص ۸۸-۸۹).

۸۴ برای آگاهی بیشتر از مذاکرات نمایندگان نگاه کنید به: همان‌جا، صص ۴۳، ۵۴-۵۳.
 ۸۵ همان‌جا، ص ۱۱۰.

۸۶ همان‌جا، صص ۱۳۴-۱۳۳.

۸۷ نگاه کنید به: امیرقلی امینی، «زندگی پر ماجرای من»، خاطرات وحید، ش ۴۱، ص ۴۵؛ امینی «یادبودی از کرمان و بلوچستان»، همان‌جا، ش ۴۱، ص ۶۲.

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل سوم
روند تحولات تجاری ایران طی سال‌های جنگ جهانی

تبرستان
www.tabarestan.info

روند تحولات تجاری ایران طی سال‌های جنگ جهانی

الف) حجم تجارت

پیش از آنکه به تحلیل آمار و ارقام تجاری این دوران بپردازیم، به این نکته باید اشاره کرد که علاوه بر تأثیر مستقیم جنگ بر تجارت کشورها، خصوصت‌های میدان نبرد به صورت‌های دیگر نیز آشکار می‌گشت. تجارتخانه‌های کشورهای درگیر که به طور عمده در شهرهای تجاری مشغول فعالیت بودند، مورد هجوم افراد وابسته به یکدیگر قرار می‌گرفتند و اموال و کالاهای آن‌ها به غارت می‌رفت. واسموس در تلگرافی به سفارت آلمان خبر داد، انگلیسی‌ها تجارتخانه آلمان را در بوشهر غارت کردند و آنچه یافتند از قند، شکر، قالی و پول نقد با خود بردند.^(۱) کارکنان شرکت‌های تجاری، تجار تبعه آن کشورها که در ایران فعالیت داشتند و حتی افراد کنسولگری از این تعرض‌ها در امان نبودند^(۲) همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، این شرایط بر ناامنی و هرج و مرج موجود در کشور می‌افزود و امکان هرگونه سرمایه‌گذاری جدید را محدود می‌ساخت.

میزان کل مبادلات ایران از سال‌های نخستین قرن بیستم، به جز در موارد استثنایی، روندی رو به رشد ولی با سرعتی کم داشته است. با شروع جنگ جهانی اول، حجم مبادلات به یک باره کاهش یافت. جدول زیر درصد کاهش واردات و صادرات و حجم کل تجارت را نسبت به سال مبدأ (سال پیش از آغاز جنگ: ۱۳۳۲-۱۳۳۱/۱۹۱۴-۱۹۱۳) نشان می‌دهد.^(۳)

سال	درصد کاهش واردات	درصد کاهش صادرات	درصد کاهش حجم تجارت
۱۹۱۴-۱۹۱۵/۱۳۳۲-۱۳۳۳	۲۲/۸	۱۳/۱	۱۸/۸
۱۹۱۵-۱۹۱۶/۱۳۳۳-۱۳۳۴	۲۸/۳	۱۷/۳	۲۳/۷
۱۹۱۶-۱۹۱۷/۱۳۳۴-۱۳۳۵	۲۳/۵	۴/۸	۱۵/۸
۱۹۱۷-۱۹۱۸/۱۳۳۵-۱۳۳۶	۲۷/۶	۲۵/۷	۲۶/۹
۱۹۱۸-۱۹۱۹/۱۳۳۶-۱۳۳۷	۲۶/۴	۴۰/۵	۳۲/۳

در نخستین سال آغاز جنگ، میزان کل مبادلات، کاهشی برابر با ۱۸/۸ درصد داشت و در سال بعد از آن به ۲۳/۷ درصد نسبت به سال پیش از جنگ رسید. در سال ۳۵-۱۷/۱۳۳۴-۱۹۱۶ به دلیل افزایش مبادلات ایران و انگلیس، حجم تجارت افزایش بیشتری یافت. در سال ۳۶-۱۹۱۸/۱۳۳۵-۱۹۱۷ میزان مبادلات تجاری مجدداً رو به نقصان گذاشت و به ۲۶/۹ درصد رسید. این نقصان همچنان در سال بعد نیز ادامه داشت. همان‌طور که از ارقام مشخص می‌شود ایران در سال‌های جنگ با رکود تجاری مواجه شد و به جز در سال ۳۵-۱۷/۱۳۳۴-۱۹۱۶ که اندکی بر میزان مبادلات افزوده شد، همچنان روندی رو به کاهش داشت. از نظر تغییرات کلی در زمینه واردات و صادرات کشور، باید گفت که در سال آغاز جنگ در هر دو مورد کاهش دیده می‌شود، میزان کاهش واردات در حدود ۲۲/۸ درصد و کاهش صادرات ۱۳/۱ درصد بود. در سال دوم جنگ میزان کاهش حجم واردات به ۲۸/۳ درصد و کاهش حجم صادرات به ۱۷/۳ درصد نسبت به سال قبل از جنگ رسید. در سال بعد واردات چند درصد بهبود می‌یابد ولی کاهش صادرات به ۴/۸ درصد می‌رسد که در مقابل افزایش اندک واردات، صادرات فزونی چشمگیری را نشان می‌دهد که بیشتر مربوط به افزایش صادرات نفت ایران توسط کمپانی نفت انگلیس و ایران بود. در همین سال به دلیل حوادث داخلی روسیه از میزان واردات ایران از این کشور کاسته شد ولی صادرات افزایش یافت. میزان مبادلات ایران و روسیه در سال‌های بعد به شدت سقوط کرد به طوری که در سال ۳۷-۱۹/۱۳۳۶-۱۹۱۸ به میزانی در حدود $\frac{1}{7}$ مبادلات این دو کشور در سال پیش از جنگ رسید. از آن‌جا که مقادیر زیادی از صادرات ایران مربوط به تجارت با روسیه بود، کاهش حجم مبادله با این کشور ضربه شدیدی به صادرات و بطور کلی بر تجارت ایران وارد کرد و انگلستان را قادر ساخت به دوران برتری سابق خود در مبادلات تجاری با ایران نزدیک شود و بالاترین میزان مبادله را به خود اختصاص دهد.

بطور کلی اطلاع از میزان اختلاف بین واردات و صادرات کشور یکی از عواملی است که ما را قادر می‌سازد تا بر چگونگی رشد سرمایه‌های داخلی و روند وابستگی کشور آگاهی یابیم واردات کشور در سال‌های جنگ تقلیل یافت^(۴) که این کاهش به دلیل درگیر بودن

کشورها در جنگ جهانی قابل توجه است. در این سال ۳۶-۱۸/۱۳۳۵-۱۹۱۷ میزان فزونی واردات بر صادرات ناگهان بیش از دو برابر سال قبل افزایش یافت و در سال بعد به چیزی در حدود سه برابر رسید. البته این نکته را باید در نظر گرفت که در این سالها نفت جزو ارقام صادراتی محسوب می‌شد، هر چند هنوز میزان قابل توجهی از صادرات کشور را در برنگرفته بود. کاهش یکباره میزان صادرات در سال ۳۶-۱۸/۱۳۳۵-۱۹۱۷ که تحت تأثیر انقلاب روسیه اتفاق افتاد، لطمه زیادی بر تجارت ایران وارد ساخت چرا که داد و ستد تمام مواد خام مناطق شمالی و مقادیر زیادی از کالاهای مناطق مرکزی ایران که به روسیه صادر می‌شد، به شدت کاهش یافت. با این ضربه، تجارت ایران دچار ناکامی دیگری افزون بر سایر ناکامی‌هایش شد که جزییات بیشتر آن در آینده بحث خواهد شد.^(۵)

ب) ساخت و ترکیب تجارت

دولت در سال‌های جنگ در صدور برخی کالاها ممانعت‌هایی ایجاد کرد و حقوق گمرکی برخی کالاها را افزایش داد. طبق نظام‌نامه حقوق گمرکی سال ۱۳۲۲/۱۹۰۴ صدور قالی‌های با رنگ جوهری ممنوع اعلام گردید. این امر مورد اعتراض برخی تجار قالی قرار گرفت ولی این قانون در سال ۳۱-۱۳/۱۳۳۰-۱۹۱۲ تغییراتی کرد و با پرداخت حقوق گمرکی ۳ درصد از قیمت قالی ممانعت صدور برداشته شد. این میزان در سال‌های ۳۳-۱۵/۱۳۳۱-۱۹۱۳ به ۶ درصد افزایش یافت.^(۶) همچنین نامه‌هایی که در زمینه صدور پوست بین وزارت داخله و برخی ایالات مبادله شد حاکی از پرداخت عوارض مشخص گمرکی برای صدور این کالا به دیگر کشورها است.^(۷) عوارض گمرکی کالاهای وارده یا صادره برای کشورهایی که معاهده تجارتی دولت‌های کامله‌الوداد با ایران داشته‌اند بر اساس این معاهده و در صورتی که قراردادی منعقد نشده بود، دو برابر آنچه در تعرفه کل گمرکات معین شده بود، دریافت می‌گردید و در صورتی که در تعرفه گمرکی کالای خاصی از پرداخت عوارض گمرکی معاف بود، ده درصد قیمت کالا اخذ می‌شد.^(۸)

هر چند ممانعت‌های گمرکی در حالت کلی می‌توانست به اختلال و رکود تجارتی و نارضایتی تجار منجر گردد ولی این ممانعت‌ها، هم به دلیل وضع بد مالی دولت و هم رفع کمبودهای داخلی، از نظر دولت ضروری به نظر می‌رسید. با آنکه این امر می‌توانست موجب نارضایتی تجار گردد، کمالینکه پیش از این نیز بدان اشاره شد، و در اعتراض عبدالله تاجرباشی به موانع اداره گمرک نیز دیده می‌شود.^(۹) ممانعت‌ها و تعرفه‌گذاری‌های جدید دولت، به رغم ضعف عمومی حاکم بر آن چندان نمی‌توانست مؤثر و جدی محسوب گردد. با این حال منع صدور برخی کالاها از جمله ارزاق عمومی و توجه به تأثیر این فرمان در صادرات و واردات کشور باید مورد توجه قرار گیرد. همان گونه که پیش از این اشاره شد، در سال آغاز جنگ، واردات ۲۲/۸ درصد و صادرات ۱۳/۱ درصد دچار کاهش شد. این نقصان

مربوط به کالاهای مورد مبادله زیر بود: (۱۰)

در زمینه واردات:

- الف - حیوانات زنده (افزایش): ۵۴۱۵۷۰ قران یا ۲۵/۵ درصد.
ب - مشروبات و ماکولات (کاهش): ۷۴۶۳۳۴۹۵ قران یا ۲۹/۶ درصد.
ج - مواد اولیه یا موادی که فقط برای ساخت تهیه شده (کاهش): ۱۴۶۹۰۰۰ قران یا ۳ درصد.
د - محصولات و اجناس ساخته شده (کاهش): ۸۳۹۶۳۵۷۹ قران یا ۲۵/۵ درصد.
ه - فلزات قیمتی و مسکوکات طلا و نقره (افزایش): ۱۱۶۷۵۵۷۳ قران یا ۷۷/۶ درصد.

در زمینه صادرات:

- الف - حیوانات زنده (کاهش): ۱۰۶۲۱۹۵ قران یا ۹/۸ درصد.
ب - مشروبات و ماکولات (کاهش): ۱۵۷۵۴۹۵ قران یا ۱/۲ درصد.
ج - مواد اولیه یا موادی که فقط برای ساخت تهیه شده (کاهش): ۱۸۴۴۵۵۲۹ قران یا ۸/۴ درصد.
د - محصولات و اجناس ساخته شده (کاهش): ۳۵۳۱۴۷۱۹ قران یا ۴۳/۹ درصد.
ه - فلزات قیمتی و مسکوکات طلا (افزایش): ۳۳۸۳۸۴۳ قران یا ۱۹/۹ درصد.

از مقایسه موارد یاد شده در احصاییه تجارتی مشخص می‌گردد صدور حیوانات زنده به منظور رفع کمبود مواد غذایی و قحطی داخل کشور و بحران تجارت و کمبود وسایل حمل و نقل کاهش یافت در حالی که ورود آن بیشتر شده است. کاهش دیگر موارد بنابر نقصان عمومی تجارت قابل توجیه است. کاهش واردات مشروبات و مواد اولیه از میزان کاهش صادرات آن بیشتر بود در حالی که محصولات ساخته شده از نظر صادرات دچار کاهش شدیدتری شده بود و این موضوع با توجه به رکود و بی‌تحریکی تجارت در این سال‌ها و اوضاع عمومی کشور چندان بعید نمی‌باشد. مقایسه میزان ورود و صدور طلا و نقره حاکی از افزایش صادرات آن نسبت به واردات است.

در نوع کالاهای مورد مبادله تغییر فاحشی دیده نمی‌شود. وارات عمده ایران، کماکان منسوجات، قند، شکر و چای بود که از کالاهای وارداتی کشور در دوران پیش از مشروطیت است. از انواع مواد خوراکی، آرد در بخش شمالی کشور و برنج در قسمت جنوب، از نظر ارزش وارداتی در رده‌های بالاتری قرار گرفت. از دیگر کالاهای وارداتی می‌توان از اسباب‌های آهنی، ورقه‌های آهنی، حلبی، نیکلی، اجناس خرازی، چوب، مسکوکات یا شمش نقره، حیوانات زنده، پیله ابریشم، شیشه، کاغذ، آینه، لباس، انواع مبیل‌های تجملی و

معمولی و وسایل نقلیه از جمله درشکه، کالسکه، دوچرخه، اتومبیل و قطعات جداگانه آن، تخم نوغان، حبوبات، ادویه و انواع پارچه‌های پشمی و نخی نام برد. همان‌طور که پیش از این نیز اشاره شد، در نوع کالاهای وارداتی تغییر محسوسی دیده نمی‌شود، به جز در افزایش یا کاهش میزان آن، اما آنچه در نگاهی کلی بر کالاهای وارداتی قابل توجه است ورود انواع وسایل نقلیه از جمله اتومبیل و انواع مبیل‌های تجملی و معمولی به کشور است. ورود وسایل نقلیه جدید با ورود ارتش‌های بیگانه به کشور و بیشتر به منظور تدارکات آن‌ها رواج یافت. اما ورود اشیای تجملی و کالاهایی که نشانه آمیزش بیشتر فرهنگ ایرانیان با اروپا بود با شرایط جنگ و وضعیت اسفبار مالی و تجاری کشور تا حدی عجیب به نظر می‌رسد و بیشتر نشانگر رشد طبقه ثروتمندی است که به رغم قحطی، کمبود، گرانی و شرایط اسفبار اکثر مردم، خریدار این نوع کالاها بود.

صادرات عمده کشور، همچنان پنبه، تریاک، برنج، پوست، میوه و قالی‌های پشمی بود و عنصر جدیدی همچون نفت نیز در همین سال‌ها به تدریج جای خود را در صادرات کشور باز کرده بود و در مقام دومین صادرات کشور به بریتانیا قرار داشت. هر چند هنوز کالای عمده صادراتی نگشته بود و عایدات چندانی به کشور نمی‌رساند. از کالاهای دیگر صادراتی می‌توان از منسوجات ابریشمی، صمغ، حبوبات، کتان، چوب، شال پشمی، ادویه، پارچه‌های پنبه‌ای، چای، سبزی، پنیر، روغن، اجناس خرازی، عسل، توتون، آرد، صدف، مس و نیکل نام برد. این کالاها جزو صادرات کشور محسوب می‌شد ولی رقم مهمی از صادرات کشور را به خود اختصاص نمی‌داد.^(۱۱)

ج) مبادله کالایی ایران با طرف‌های تجاری عمده

طی سال‌های جنگ مهمترین طرف‌های تجاری کشور کماکان همان دو قدرت بزرگ یعنی روسیه و انگلستان بودند. روسیه به عنوان اولین و مهمترین طرف تجاری کشور برتری و اقتدار خود را تا انقلاب روسیه حفظ کرد و پس از آن انگلستان سعی کرد جای خالی این کشور در تجارت ایران را پر کند. در اینجا به بررسی تجارت سه کشور عمده که دارای بالاترین سطح مبادله با ایران بودند، خواهیم پرداخت و میزان تغییرات کلی و نوع کالاهای تجاری با آن کشورها را مورد بررسی قرار خواهیم داد. این کشورها به ترتیب اهمیت، روسیه، انگلستان و عثمانی بودند.

۱- ایران و روسیه

میزان مبادلات ایران و روسیه تا سال پیش از آغاز جنگ جهانی اول رو به افزایش بود. در سال نخستین جنگ مقدار کل مبادلات در حدود ۱۸ درصد کاهش یافت. میزان صادرات ایران به این کشور نیز که پیش از این سال رو به افزایش بود. در حدود ۱۳ درصد و واردات

ایران از روسیه در حدود ۲۱ درصد کاهش یافت. در واقع سال نخستین جنگ برای تجارت ایران با روسیه سال موفقیت آمیزی نبود و از همین سال نقصان و رکود آغاز گشت. اما این را نیز باید اضافه کرد که به رغم تأثیر جنگ و کاهش مبادلات، صادرات ایران به روسیه در حدود ۶۶ درصد کل صادرات کشور را تشکیل می داد و واردات ایران از روسیه ۵۶ درصد کل واردات کشور بود. این ارقام نشان می دهد که با وجود بحران، روسیه هنوز بهترین طرف تجاری ایران بود. علت این برتری را در چند مورد می توان ذکر کرد، یکی به دلیل مجاورت روسیه و ایران که حمل و نقل بین دو کشور را آسان می ساخت. همچنین وجود ثروتمندترین ایالت های ایران در مجاورت این کشور، و عملکرد دولت روسیه در منع حمل مال التجاره بطور ترانزیت از خاک روسیه به ایران که باعث عدم حضور رقبای تجاری دیگر می شد، و برخی تسهیلات گمرکی که برای کالاهایی از قبیل: قند، نفت، مشروبات الکلی، کبریت، انواع توتون، سیگار، کاغذ سیگار، منسوجات پنبه ای، کتان و پارچه هایی از الیاف نباتات، منسوجات پشم خالص و پشم و پنبه، اسباب های کائوچویی، برنجی و مفتول های نقره و طلا داده می شد، در واقع تشویقی بود که دولت روسیه برای صدور کالاهای خود به ایران در نظر گرفته بود.^(۱۲)

عمده ترین واردات ایران از روسیه در سال ۱۳۳۲-۳۳ / ۱۵-۱۹۱۴ بر طبق ارزش وارداتی آن شامل قند، منسوجات پنبه ای، شکر، چای^(۱۳) و آرد بود که نسبت به سال پیش از جنگ کاهش یافته بود. اکثر اقلام خوراکی که در فهرست واردات از روسیه بود از جمله برنج، حبوبات، سبزی، حیوانات زنده، ماهی، میوه و ماکارونی دچار این نقصان شده بود. افزایش واردات کالاهایی چون نفت، آهن آلات، کبریت و کاغذ بیشتر مربوط به سفارش های قبل از جنگ بوده است. از آن جا که به علت جنگ تنگه دارانل مسدود شده بود، حمل چای هندوستان و چین از راه باطوم و تفلیس موقوف گشته بود. از این رو میزان واردات چای دچار اشکال گردید و کلیه ذخیره چای موجود در ایران به مصرف رسید و قیمت فروش آن در مناطق شمالی سه برابر شد. کاهش واردات قند و شکر و آرد نیز به دلیل محدود نمودن صدور این کالاها از جانب روسیه بود.

صادرات عمده ایران به روسیه بنا به ارزش صادراتی آن شامل پنبه، برنج، میوه، قالی های پشمی،^(۱۴) پوست، پشم خالص و حیوانات زنده بود و میزان صادرات آن ها به جز برنج نسبت به سال پیش از جنگ دچار کاهش شده بود. از کالاهای دیگر صادراتی به روسیه می توان از پبله ابریشم، تریاک، توتون، انواع رنگ ها، منسوجات ابریشمی و نخی، شال های پشمی، اقسام چوب، کتان، نفت، ادویه، چای، سبزی، ذغال، روغن و کره، پنیر، قند، اجناس خرازی و علوفه نام برد. میزان صادرات برخی از ارزاق عمومی از جمله برنج، حبوبات، پنیر و تخم طیور افزایش یافت. دولت روسیه صدور قند و شکر و آرد را به ایران از آغاز جنگ محدود ساخت و بر عکس خرید برنج، حبوبات و تخم طیور را برای تأمین احتیاجات

روسیه افزایش داد. در حالی که دولت ایران تا سال‌های پایان جنگ هنوز صدور مواد خوراکی را محدود نساخته بود. به دلیل بسته بودن تنگه داردanel، کالاهایی که به مقصد فرانسه و ایتالیا فرستاده می‌شد در روسیه انبار می‌شد. بر صدور پیله ابریشم در این سال افزوده شد و صدور مسکوکات نقره به دلیل محدودیتی که دولت ایران در صدور آن اعمال کرده بود، کاهش یافت.

به دلیل عدم حرکت کشتی‌های تجارتي و درگیری نیروهای متخاصم در دریاهای برخی کالاها که از کشورهای اروپایی به روسیه وارد می‌شد، محدود گردید. برای مثال قیمت لیمو ترش در روسیه به واسطه کمبود و بسته بودن راه‌ها در هر دانه ۲۳ برابر قیمت قبل آن شد و ایران می‌توانست از این وضعیت در صدور مرکبات خود استفاده کند و در این تجارت منافع بسیاری بدست آورد^(۱۵) در سال ۳۴-۱۳۳۳/۱۶-۱۹۱۵ میزان واردات کشور از روسیه ۲۵ درصد و صادرات ایران به روسیه ۱۲ درصد نسبت به سال پیش از جنگ کاهش یافت. اما نسبت به سال قبل از آن، واردات اندکی کاهش و صادرات اندکی افزایش نشان می‌دهد. ارقام منتشر شده حاکی از آن است که کل تجارت ایران و روسیه نیز نسبت به سال قبل مقداری کاهش یافته بود. با این حال میزان واردات ایران از روسیه ۵۷ درصد کل واردات کشور و صادرات ایران به روسیه حدود ۷۱ درصد از مجموع صادرات ایران را تشکیل می‌داد.

واردات چای به ایران در این سال به شدت دچار کاهش شد و علت آن انسداد تنگه داردanel بود که مقدار قابل توجهی از چای چین و هندوستان که پیش از جنگ از راه باطوم و تفلیس وارد ایران و جزو واردات از روسیه ثبت می‌شد، در این سال از طریق بنادر خلیج فارس وارد شد و در نتیجه مقدار مذکور از واردات از روسیه کسر و در مقابل به واردات چای چین و هندوستان افزوده شد. کالاهای عمده وارداتی در این سال بر حسب ارزش وارداتی آن به قرار ذیل بود: قند، شکر، کبریت، آهن، فولاد، چوب، نخ‌های کتان و مخمل‌های پنبه‌ای و در مقابل محصولات از قبیل نفت، آرد، اشیای آهنی یا مسی و نخ پنبه دچار کاهش شد که بطور قطع به دلیل محدودیت یا قدغن صدور این کالاها از جانب دولت روسیه بود. با دقت در آمار صادرات ایران به روسیه ملاحظه می‌شود، صدور کالاهایی از قبیل نخ، پشم، چرم، میوه، حبوبات، نباتات، و اقسام صمغ که این کشور برای مصارف نظامی خود لازم داشت، افزایش یافت. در حالی که صدور کالاهایی چون پوست، حیوانات زنده، پیله ابریشم، قالی‌های پشمی و تخم مرغ فوق‌العاده کاهش یافت. صدور مسکوکات نقره نیز به دلیل قدغن دولت ایران کاهش یافت.^(۱۶)

در سال ۳۵-۱۳۳۴/۱۷-۱۹۱۶ میزان واردات بطور مجدد تقلیل یافت و به ۳۶ درصد کاهش نسبت به سال پیش از جنگ رسید ولی صادرات کشور به روسیه در حدود ۱۲ درصد افزایش یافت، به طوری که نسبت به سال پیش از جنگ، تنها یک درصد کاهش نشان می‌دهد. مجموع کل تجارت ایران با روسیه کاهش اندکی داشت و نسبت به سال پیش از

جنگ ۲۰ درصد کاهش نشان می‌دهد. میزان کل واردات ایران از روسیه ۴۶ درصد کل واردات ایران و صادرات به این کشور در حدود ۶۹ درصد مجموع صادرات و حجم مبادلات ایران و روسیه ۵۷ درصد کل تجارت ایران را تشکیل می‌داد. هر چند ارقام مذکور حاکی از روند رو به کاهش تجارت ایران و روسیه است با این حال حجم قابل توجهی از صادرات ایران هنوز به این کشور فرستاده می‌شد، در حالی که واردات ایران از روسیه تحت تأثیر مستقیم جنگ قرار داشت و کاهش بیشتری یافته بود. تغییراتی که در این سال در مورد کاهش یا افزایش انواع مال‌التجاره‌ها رخ داد به دلیل عدم وجود آمارهای تفکیکی و تغییر شکل انتشار احصایه‌های گمرکی به درستی روشن نیست. (۱۷)

سال ۱۹۱۷-۱۸ / ۱۳۳۵-۳۶ به دلیل مصادف بودن آن با حوادث انقلاب روسیه، در تجارت ایران حائز اهمیت بسیاری است. تجارت در این سال دچار ضربه شدیدی گشت. مبادلات ایران و روسیه که تا این سال ۵۷ درصد کل تجارت ایران را شامل می‌شد به ۳۳ درصد کل مبادلات ایران تقلیل یافت و نسبت به سال قبل ۴۹ درصد کاهش یافت. واردات کشور ۵۳ درصد و صادرات آن ۴۶ درصد نسبت به سال قبل دچار رکود گشت. واردات از روسیه چیزی در حدود ۲۳ درصد از کل واردات، و صادرات ایران به آن کشور به ۴۸ درصد کل صادرات تقلیل یافت. در این سال نیز ضربه عمده بر واردات بیش از صادرات بوده است. (۱۸) مهمترین کالاهای وارداتی در این سال شامل: قند، نفت، مسکوکات نقره، منسوجات کتان، وسایل خرازی، وسایل چوبی، چای، شیشه، نخ‌های پنبه‌ای و برنج بود و مهمترین اقلام صادراتی را میوه، برنج، پنبه خام، پوست خام، تریاک و پشم خام تشکیل می‌داد. (۱۹)

در سال ۱۹۱۸-۱۹ / ۱۳۳۶-۳۷ بحران تجاری بیش از حد، خود را نشان داد. تجارت ایران و روسیه به یکباره سقوط کرد. کل تجارت نسبت به سال پیش از جنگ دچار ۸۷ درصد کاهش، واردات ۹۱ درصد و صادرات با ۸۲ درصد، مواجه شد که بطور قطع برای تجار ایرانی که با روسیه مبادله داشتند به منزله ورشکستگی کامل بود. تجارت ایران و روسیه که در سال قبل از شروع جنگ، ۶۰ درصد کل تجارت ایران بود، در این سال به ۱۲ درصد کل تجارت رسید، و صادرات این کشور به ایران که ۵۵ درصد کل واردات کشور بود به ۷ درصد و صادرات به روسیه که ۶۶ درصد کل صادرات بود به ۲۰ درصد سقوط کرد. (۲۰) این کاهش تا حدی نیز مربوط به اقدام‌های دولت ایران در منع صدور آذوقه بود ولی این وضعیت بی‌تردید برای تجاری که در شمال کشور فعالیت داشتند، فاجعه محسوب می‌شد که شکایت‌ها و اعتراض‌های بسیاری نیز از سوی آن‌ها مطرح شد.

عمده کالاهای وارداتی از روسیه در این سال شامل: نفت، آهن، کاغذ، قند، آهن‌آلات، کبریت، پنبه خالص، آرد خوراکی، شکر و وسایل خرازی بود و صادرات عمده به این کشور را کالاهایی از قبیل میوه، برنج، منسوجات پنبه‌ای، ماهی، تریاک، پوست خام، منسوجات،

پشم خالص، برنج و انواع رنگ تشکیل می‌داد. در این سال افزایشی در واردات پارچه‌های نخ، پشمی و پارچه‌های ابریشمی و نخ، همچنین لباس، اشیای چرمی و غله بوجود آمد، البته برخی از این کالاها از انگلستان، هند یا ژاپن وارد می‌شد و فقط از ایران به صورت ترانزیت می‌گذشت.^(۲۱) وخامت اوضاع اقتصادی روسیه و هرج و مرجی که از تغییر رژیم سیاسی در آن کشور ایجاد شده بود، بخصوص اعلام استقلال برخی از ولایات و منع صادرات توسط دولت‌های موقت روسیه از عوامل موثر نقصان در تجارت این کشور با ایران بود. مبادلات تجاری با بسیاری از بنادر روسیه قطع شد و این کشور که مدت‌ها مقام اول را در تجارت با ایران داشت مجبور شد جای خود را به انگلستان واگذارد.

۲- ایران و انگلیس

شروع جنگ جهانی برای تجارت ایران و انگلیس، افزایش و رونق به همراه داشت و هر سال بر میزان مبادلات این دو کشور افزوده شد و دقیقاً روندی بر خلاف تجارت ایران و روسیه طی کرد. حجم کل مبادلات ایران و انگلیس در سال پیش از جنگ، تنها ۲۱ درصد از کل مبادلات ایران را در برمی‌گرفت. واردات از آن کشور ۲۷ درصد از کل واردات و صادرات ایران به این کشور تنها ۱۳ درصد از کل صادرات کشور را شامل می‌شد. این ارقام بیانگر آن است که میزان مبادله ایران و انگلیس به رغم آنکه از نخستین سال‌های قرن بیستم حرکتی ملایم و رو به رشد داشت، نقش چندانی در تجارت ایران ایفا نمی‌کرد.

با آغاز جنگ جهانی، کل مبادلات ایران و انگلیس افزایش اندکی در حدود یک درصد یافت. میزان واردات ایران از این دو کشور به دلیل درگیری انگلیس در جنگ، دچار ۱۷ درصد کاهش شد ولی صادرات ایران به این کشور ۵۵ درصد افزایش یافت و بدین ترتیب حجم کل تجارت با این کشور، ۲۶ درصد کل مبادلات ایران و صادرات به این کشور ۲۲ درصد از کل صادرات و واردات ایران از انگلستان حدود ۳۰ درصد از کل واردات به کشور را شامل می‌شد که در کل، رقم بالایی محسوب نمی‌شود. از مشخصه‌های کلی تجارت ایران و انگلستان به این نکته باید اشاره کرد که برخلاف تجارت ایران و روسیه اختلاف واردات و صادرات در این تجارت بسیار چشمگیرتر بود و این تفاوت تا پایان این دوره همچنان حفظ شد.^(۲۲)

کاهش واردات از انگلیس در سال آغاز جنگ به دلیل نقصان عمومی مبادله در کل کالاها بود ولی بیشتر این کاهش مربوط به اقسام منسوجات غیر از منسوجات کتانی، چای، نخ، پنبه، برنج، ادویه، فلزات غیر از مس، وسایل چوبی، لباس و محصولات شیمیایی بود. افزایش محسوسی در واردات شمش نقره در این سال دیده می‌شود که مربوط به ورود این فلز توسط بانک شاهنشاهی جهت ضرب سکه بوده است. واردات آهن‌آلات و صفحه‌های حلبی نیز از سال پیش افزایش یافت که بیشتر لوازمی بود به جهت مصارف کمپانی نفت

انگلیس و ایران که به آبادان حمل می‌گردید. افزایش واردات قند و شکر نیز مربوط به سفارش تجار ایرانی بود که توسط تجار هندی فرستاده می‌شد. به رغم آنکه صادرات برخی کالاها از قبیل مروارید، میوه، صمغ، دارو و پنبه بطور محسوس کاهش یافته بود. با این حال به دلیل صدور نفت (توسط کمپانی انگلیس و ایران) و افزایش صادرات تریاک، حبوبات و مسکوکات نقره، صادرات کشور به انگلستان در این سال افزایش یافت. (۲۳)

تجارت ایران و انگلیس در سال ۱۶-۱۹۱۵ در حدود ۴ درصد در کل مبادلات و ۵ درصد در میزان واردات نسبت به سال قبل از جنگ افزایش داشت و حاکی از ۱۴ درصد افزایش در واردات و به همین میزان کاهش در صادرات نسبت به سال قبل از آن بود و اضافه واردات بر صادرات به میزانی بیش از دو برابر می‌رسید. (۲۴) عمده‌ترین واردات ایران از انگلستان به ترتیب ارزش وارداتی، شامل: منسوجات پنبه‌ای، چای، اسباب‌های آهنی، قند، شکر، نخ پنبه، برنج، شمش، نقره، ادویه، آهن و فولاد، پارچه‌های پشم و نخ محصولات شیمیایی، پارچه‌های پشمی، اشیای قلعی، سرب، اجناس خرازی، کبریت و حبوبات و اقلام دیگر بود. اضافه واردات این سال مربوط به مال‌التجاره‌های ذیل بود: چای، آهن‌آلات، قند و شکر، منسوجات پنبه و برنج. به دلیل افزایش قیمت شمش نقره، واردات این فلز به کشور به شدت کاهش یافت. صادرات عمده را نیز به ترتیب ارزش صادراتی آن، اقلام زیر تشکیل می‌داد: تریاک، نفت، میوه، اقسام صمغ، پشم خالص، مسکوکات نقره، دارو، حبوبات، قالی‌های پشمی، پوست، پنبه، مروارید، توتون و غیره. در بین صادرات اقلام خوراکی نیز دیده می‌شود از جمله روغن، کره، ماهی، حیوانات زنده، نباتات، آرد و سبزی که میزان آن نسبت به کل صادرات چندان زیاد نبود. (۲۵)

در سال ۳۵-۱۷/۱۳۳۴-۱۹۱۶ کل مبادلات ایران و انگلیس ۲۹ درصد و واردات به میزان ۳۶ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافت. ولی صادرات افزایش کمتری در حدود ۱۲/۶ درصد داشت. سرعت رشد واردات نسبت به صادرات و تفاوت فاحش آن‌ها حاکی از حفظ نابرابری این تجارت برای ایران بود. (۲۶) در سال ۳۶-۱۸/۱۳۳۵-۱۹۱۷ میزان تجارت ایران و روسیه به شدت دچار کاهش شد، در حالی‌که تجارت ایران و انگلیس ۳۴ درصد افزایش یافت. واردات از آن کشور ۳۶ درصد و صادرات به آن کشور با ۲۷ درصد افزایش مواجه شد. میزان تجارت ایران و انگلیس در این سال به ۵۲ درصد از کل مبادلات کشور رسید. صادرات ایران به انگلستان ۳۲ درصد کل صادرات کشور و واردات از آن کشور به چیزی در حدود ۶۷ درصد کل واردات نزدیک شد، در حالی که در سال آغاز جنگ تنها ۲۷ درصد واردات ایران را به خود اختصاص داده بود و این نشان می‌دهد که انگلستان با سرعت زیادی در پی بدست آوردن بازارهای ایران بوده است. (۲۷) عمده واردات را در این سال کالاهایی چون منسوجات نخی، قند و شکر، برنج، آهن‌آلات، غله، نخ پنبه، چای، منسوجات پشم خالص، آرد و ذغال تشکیل می‌داد. افزایش واردات مواد خوراکی در این

سال بیشتر به چشم می خورد. صادرات عمده شامل نفت، تریاک، میوه، پنبه خام، صمغ، پشم خام و منسوجات پشمی و نخی و انواع دیگر آن بود. نفت از سال مزبور رتبه اول در کالاهای صادراتی را بدست آورد.^(۲۸)

سال ۱۹۱۸-۱۹/۱۳۳۶-۳۷ تجارت ایران و انگلیس مجدداً در حدود ۱۸ درصد افزایش یافت و حجمی برابر ۶۶/۷ درصد از تجارت ایران را به خود اختصاص داد. واردات ۲۲/۵ درصد و صادرات در حدود ۴ درصد افزایش یافت که آن هم مربوط به افزایش صادرات نفت بود. واردات از انگلستان چیزی در حدود ۸۰ درصد کل واردات، و صادرات ایران به این کشور ۴۲ درصد کل صادرات کشور را در بر گرفت. این ارقام نشان می دهد که انگلستان از این سال کاملاً مهار تجارت ایران را بدست گرفته است.^(۲۹)

تفاوت میزان واردات و صادرات به این کشور بسیار فاحش بود، اگر میزان صدور نفت را که توسط کمپانی انگلیسی صادر می شد از کل صادرات این سال کسر کنیم، میزان واردات ایران از انگلیس در حدود ۹/۵ برابر صادرات ایران به این کشور بود. این رابطه سلطه گرانه و کاملاً به سود تجارت انگلیس محسوب می شد.^(۳۰) کالاهای عمده وارداتی در این سال طبق ارزش آن ها شامل منسوجات پنبه ای، قند و شکر، چای، آهن آلات، برنج، ادویه، نخ پنبه، انواع منسوجات پشمی و نخی بود. افزایش واردات در این سال مربوط به کالاهایی چون چای، پارچه، قند، شکر،^(۳۱) ادویه، دارو، ورق آهن سفید، کبریت، توتون و شمع بود و عمده صادرات را نفت، تریاک، میوه، پنبه خام، صمغ، قالی پشمی، پشم خام، دارو و انواع منسوجات تشکیل می داد. برخی کالاها که به عنوان کالاهای انگلیسی - هندی معروف بودند اکثراً از کشورهای ژاپن، آمریکا یا ایتالیا و از طریق هند به ایران وارد می شد. کالاهایی از قبیل وسایل خرازی، کلاه و بعضی منسوجات که به مقصد ایران بود در بمبئی تفکیک و بسته بندی می شد. این کالاها در مواردی از طریق سیستان و خراسان به بنادر خزر و قفقاز منتقل می گشت. این نکته را نیز باید یادآور شد که آمار تجاری هند در این سال ها با انگلستان آمیخته بود.^(۳۲) از مطالب یاد شده به خوبی روند جایگزینی نفوذ اقتصادی و اقتدار سیاسی انگلستان به جای روسیه که دچار درگیری داخلی و بروز انقلاب گشته بود، آشکار می گردد. تجارت با روسیه انقلابی این امتیاز را برای ایران در برداشت که این کشور در مقابل ورود کالاهای خود به ایران، خریدار بسیاری از کالاهای ایران نیز بود و مبادلات ایران با این کشور بیشتر به تعادل میزان صادرات و واردات نزدیک بود در حالی که ایران برای انگلستان بیشتر به مثابه بازاری برای فروش کالاهای این کشور محسوب می شد. اختلاف میزان واردات و صادرات با این کشور، بیانگر این مطلب است.

۳- ایران و عثمانی

تجارت با عثمانی همچنان رتبه سوم تجارت ایران را دارا بود، ولی حجم زیادی از

مبادلات ایران را به خود اختصاص نمی‌داد. میزان واردات از عثمانی ۳/۴ درصد از کل واردات، صادرات به این کشور ۸ درصد از کل صادرات و حجم تجارت با آن کشور تنها ۵/۳ درصد از میزان کل مبادلات ایران در سال پیش از جنگ را به خود اختصاص می‌داد. این مسأله نشان می‌دهد که بعد از روسیه و انگلستان میزان مبادله با دیگر کشورها از جمله عثمانی، به مقدار قابل توجهی نبود و نقش چندانی در تجارت ایران ایفا نمی‌کرد. (۳۳)

در سال آغاز جنگ میزان واردات ایران از عثمانی ۱۴/۵ درصد، صادرات به این کشور حدود ۴۱/۹ درصد و کل تجارت در حدود ۳۱/۶ درصد نسبت به سال پیش از جنگ کاهش یافت و مقدار تجارت با این کشور به حدود ۴/۵ درصد از کل مبادلات ایران تقلیل یافت. (۳۴) واردات عمده از عثمانی بر اساس ارزش وارداتی آن، شامل پوست، تخم نوغان، توتون، منسوجات پنبه‌ای، میوه، رنگ، مسکوکات نقره، اجناس خرازی، قند، انواع منسوجات، روغن، کره، چوب، دارو، حیوانات زنده، صمغ، حبوبات، برنج، چرم، آهن، ادویه، فرش و سایر کالاها بود. صادرات به این کشور نیز شامل قالی‌های پشمی، نفت، تریاک، مسکوکات نقره، حبوبات، منسوجات پنبه‌ای، توتون و تنباکو، صمغ، میوه، منسوجات ابریشمی و پشمی، دارو، قند، پوست، لباس، پشم خالص، چوب، مواد نباتی، حیوانات زنده، اجناس خرازی، برنج، سبزی، پنبه، چای، نمک، پيله ابریشم، و سایر کالاها بود. تفاوت عمده در صادرات ایران به این کشور مربوط به افزایش صدور نفت بود که حاکی از بیشتر شدن فعالیت کمپانی نفت انگلیس و ایران بود. (۳۵)

اهمیت تجارت ایران و عثمانی از این نظر بود که استانبول و بغداد محل ترانزیت اغلب مال - التجاره‌های اروپایی محسوب می‌شدند. که از راه طرابوزان - ارزروم یا خانقین - کرمانشاه به ایران وارد می‌شد. این نوع کالاها به دلیل آنکه فاکتور دلال‌های عثمانی را همراه داشتند در گمرک ایران از مبدأ عثمانی محسوب می‌شدند. در حالی که کالاهایی مانند منسوجات پنبه‌ای و پشمی و انواع رنگ‌ها و اسباب خرازی که به عنوان محصولات عثمانی ثبت شده‌اند در واقع قسمت عمده آن‌ها از آلمان و اطریش و از طریق عثمانی به ایران وارد می‌شد. همچنین بخشی از فرش‌های صادر شده به عثمانی در واقع به قصد انگلیس و آمریکا و از طریق این کشور خارج می‌شد. کالاهای دیگری نیز که جزو واردات به ایران ثبت شده، مثل پوست بره یا پوست‌های خشک و میوه فقط برای ترانزیت وارد ایران می‌شد و مقصد اصلی آن‌ها روسیه بود. (۳۶)

در سال ۱۳۳۳-۱۶/۱۹۱۵ حجم تجارت عثمانی و ایران فوق‌العاده کاهش یافت، یعنی در حجم کلی مبادله ۵۵ درصد، در واردات ۵۱ درصد و در صادرات به آن کشور ۵۸ درصد کاهش بوجود آمد و مبادلات ایران و عثمانی چیزی بیش از ۲ درصد از تجارت ایران را به خود اختصاص نداد. این امر به آن دلیل بود که در طول سال مزبور در اکثر مناطق غربی کشور در مرزهای مشترک با عثمانی که محل ورود مال‌التجاره بود، درگیری‌های نظامی و

ناامنی کامل وجود داشت. (۳۷)

کاهش عمده وارداتی در این سال مربوط به پوست‌هایی بود که همه ساله وارد و بطور ترانزیت به روسیه حمل می‌شد که در این سال وارد نشد و به احتمال زیاد در خود عثمانی یا آلمان به منظور نیازهای نظامی بکار گرفته شد. نقصان مهم دیگری که قابل توجه است مربوط به تخم نوغان بود که موجب تنزل عمده تجارت پيله ابریشم شد. البته این تجارت مدت‌ها بود که اهمیت پیشین خود را از دست داده بود. واردات ایران از عثمانی در سال مذکور به ترتیب ارزش وارداتی آن شامل: توتون، اقسام رنگ، میوه، حبوبات، تخم نوغان، پوست خشک، روغن، کره، منسوجات پنبه‌ای، قند، چوب، برنج، دارو، صمغ، مسکوکات نقره، و دیگر کالاهای تجاری بود. با وجود درگیری عثمانی در جنگ، وجود اقلام خوراکی در بین واردات ایران از این کشور پرسش برانگیز است ولی به دلیل آنکه از یک سو میزان آن‌ها محدود و از سوی دیگر بخشی از نیروهای عثمانی در داخل خاک ایران فعالیت داشتند، این امر شاید بتواند تا حدی قابل توجیه باشد.

مهمترین صادرات ایران به عثمانی در سال مذکور شامل مسکوکات نقره، منسوجات پنبه‌ای، توتون و تنباکو، نفت، حبوبات، میوه، قالی‌های پشمی، پشم، چوب، رنگ و کالاهای دیگر بود. نکته قابل توجه در صادرات این سال مربوط به میزان صدور اقلام خوراکی از ایران به عثمانی بود که بسیار کمتر از صدور این کالاها از عثمانی به ایران بود. همچنین نقصان صادراتی این سال مربوط به قالی‌های پشمی، نفت، تریاک و حبوبات می‌باشد. مسکوکات نقره که بیشترین صادرات این سال را به خود اختصاص داده بود به حمل مقداری روپیه انگلیسی از خرمشهر به بصره مربوط بود. (۳۸)

در سال ۱۳۳۴-۱۷/۱۹۱۶ حجم تجارت ایران و عثمانی از سال قبل از آن باز هم کمتر شد و به میزان ۱/۷ درصد از کل مبادلات ایران در سال مذکور رسید که بی‌تردید بدون ارتباط با شرایط آشفته بخش غربی کشور نبود. میزان واردات به ۱/۸ درصد و صادرات به ۱/۵ درصد از کل میزان واردات و صادرات کشور تقلیل یافت. (۳۹) از آن جهت که ارقام کالاهای مبادلاتی بطور تفکیک شده در این سال منتشر نشده است، دست‌یابی به تغییرات انواع کالاها در این سال میسر نشد.

در سال ۱۳۳۵-۱۸/۱۹۱۷ در حدود ۴۸ درصد بر ارزش مبادلات ایران و عثمانی افزوده شد ولی به دلیل آنکه در این سال شاهد یک کاهش عمومی در تجارت ایران هستیم، این افزایش نقش چندانی ایفا نکرد و تجارت با عثمانی تقریباً مقدار ۲/۹ درصد از کل تجارت ایران را به خود اختصاص داد. میزان صادرات در این سال به یک باره در حدود ۱۴۶ درصد افزایش یافت ولی به دلیل در دست نبودن جزییات مبادلات سال پیش از آن، نمی‌توان دریافت که افزایش مزبور به کدام یک از کالاها مرتبط بوده است. به رغم کاهش عمده در صادرات کشور ملاحظه می‌شود که نقصان مزبور به تجارت ایران و عثمانی سرایت

نکرد ولی کاهش عمومی واردات بر میزان واردات از کشور عثمانی تأثیر گذارد و آن را در حدود ۲۴/۴ درصد کاهش داد و به مقداری برابر ۱/۴ درصد از کل واردات ایران رساند. مهمترین اقلام وارداتی در این سال: اقسام رنگ، منسوجات پنبه‌ای، میوه، غلات، مسکوکات نقره و سایر کالاها بود. صادرات عمده نیز به ترتیب ارزش صادراتی آن شامل: نفت، میوه، تنباکو و صمغ بود.^(۴۰)

ارقام نشان می‌دهند که در سال ۱۹۱۸-۱۹ / ۱۳۳۶-۳۷ اوضاع تجاری در مقایسه با سال قبل بهبود یافته است. صادرات ۲۱ درصد و واردات ۴۷ درصد نسبت به سال قبل افزایش یافت. به رغم این رشد، مبادلات ایران و عثمانی همچنان ضعیف و کم حجم بود یعنی چیزی در حدود ۶ درصد از کل تجارت ایران را در بر می‌گرفت. در حالی که میزان صادرات به آن کشور ۱۳/۷ درصد از کل صادرات و واردات از آن در حدود ۲/۱ درصد از کل واردات کشور را شامل می‌شد. مهمترین واردات این سال شامل: منسوجات پنبه‌ای، رنگ، پول نقره، میوه، چای، توتون، وسایل چوبی، برنج و کالاهای دیگر بود. صادرات عمده ایران به عثمانی همچون سال گذشته نفت بود و کالاهای دیگری چون شکر، پسته ابریشم، غلات، منسوجات پنبه‌ای و تنباکو در رده‌های بعد قرار داشت.^(۴۱)

با نگاهی کوتاه به آمار این دوران درمی‌یابیم که در سال‌های آغاز جنگ، تفاوت بین صادرات و واردات در تجارت ایران و عثمانی بسیار اندک بوده است ولی به تدریج فاصله آن به سود افزایش میزان صادرات بر واردات تغییر یافت. بی‌تردید ضعف دولت عثمانی، درگیری این کشور در جنگ و نهایتاً شکست در جنگ، با ضعف صادرات در این کشور بی‌ارتباط نبوده است. در هر حال تجارت ایران و عثمانی نسبت به دو طرف عمده‌ای که پیش از این بدان اشاره شد، اهمیت چندانی نداشت. فقط به دلیل مجاورت و وجود مرزهای مشترک، امکان مبادلات ترانزیتی بین دو کشور افزایش می‌یافت و در دوران جنگ می‌توانست اهمیت بسیاری برای کشورهای متخاصم داشته باشد.

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل سوم

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل سوم

تبرستان

www.tabarestan.info

۱. سپهر، ایران در جنگ، صص ۱۹۲، ۲۱۶.
۲. همان‌جا، صص ۹۲، ۹۴، ۲۱۱.
۳. نگاه کنید به جدول‌های شماره ۲، ۵، ۶ (بخش جدول‌ها).
۴. برای آگاهی از چگونگی تحولات نگاه کنید به: جدول شماره ۳۵ (بخش جدول‌ها)؛ ارقام منتشر شده در جدول از منبع زیر می‌باشد که در آرشیو گمرک ایران موجود است:
 Tableau General, commerce avec les pays etrangers. Pendant l'annee yount - IL, (1918-1919),
 Tehran, 1920.
۵. برای آگاهی از ارقام مورد بحث در این قسمت نگاه کنید به: جدول‌های شماره ۲، ۵، ۶ (بخش جدول‌ها).
۶. نگاه کنید به: کتابچه عمومی تجارت با ممالک خارجه در سه پارس‌ییل، ۱۳۳۳-۱۳۳۲، (۲۱ مارس ۱۹۱۴-۲۰ مارس ۱۹۱۵)، (تهران، ۱۳۳۴)، ص ۸ همچنین در مورد صدور و تجارت قالی نگاه کنید به: روزنامه رعد، ۸ صفر ۱۳۳۳، ش ۴۳، ص ۲.
۷. نامه حکومت گیلان و طوالش به وزارت داخله، ۱۸ شعبان ۱۳۳۴، آلبوم ش ۵۳۶۱ (م.ا.م).
۸. نگاه کنید به: کتابچه تجارت ۱۳۳۳-۱۳۳۲، ص ۱.
۹. نامه وزارت داخله به وزارت خارجه، ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۳۶، آلبوم ش ۳۰۹، (م.ا.م).
۱۰. نگاه کنید به: کتابچه تجارت ۱۳۳۳-۱۳۳۲، ص ۱.
۱۱. نگاه کنید به: همان‌جا؛ همچنین برای آگاهی بیشتر از انواع کالاهای وارداتی و صادراتی نگاه کنید به: نمونه‌هایی از این کالاهای در جدول‌های شماره ۳۶ و ۳۸ (بخش جدول‌ها).
۱۲. برای آگاهی بیشتر از مشخصات کالاهای نام برده نگاه کنید به: کتابچه تجارت ۱۳۳۳-۱۳۳۲، ص ۲۶.

۱۳. در شرحی از تجارت ایران و روسیه که در کتابچه تجارت ۳۳-۱۳۳۲ منتشر شده است، توضیح داده می‌شود که ارقام منتشر شده نمی‌تواند دقیقاً بیانگر میزان واقعی مبادلات کشورها باشد و در مورد روسیه می‌نویسد برخی از محموله‌های جای که به اسم روسیه وارد ایران می‌شد در واقع از هندوستان و چین می‌آمد و از راه باطوم و تفلیس به ایران حمل می‌شد. (نگاه کنید به: همان جا).

۱۴. کالاهایی مانند میوه‌های خشک (کشمش نواحی ارومیه)، قالی و تریاک که به مقصد روسیه در اداره گمرک ثبت می‌شد در واقع مقصد اصلی آن‌ها کشورهای دیگر بود. (نگاه کنید به: همان جا).

۱۵. روزنامه رعد، ۱۳ صفر ۱۳۳۳، ش ۴۷، ص ۲.

۱۶. برای آگاهی بیشتر از اقسام صادرات و واردات کشور در این سال نگاه کنید به: کتابچه عمومی تجارت با ممالک خارجه در سته توشقان ییل، ۳۴-۱۳۳۳، (۲۱ مارس ۱۹۱۵ - ۲۰ مارس ۱۹۱۶)، (تهران، ۱۳۳۵)، صص ۳۱-۲۸.

۱۷. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به:

Tableau General, commerce avec les pays etrangers pendant L'annee Loui-IL, (21 Mars 1916-20 Mars 1917), Tehran, 1918.

همچنین نگاه کنید به جدول شماره ۹ (بخش جدول‌ها).

۱۸. نگاه کنید به: جدول شماره ۹ (بخش جدول‌ها).

۱۹. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به:

Tableau General, commerce avec les pays etrangers pendant L'annee ILan-IL, (21 Mars 1916-20 Mars 1918), Tehran, 1919, P: XII 2-3.

۲۰. نگاه کنید به جدول شماره ۹ (بخش جدول‌ها).

۲۱. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به:

Tableau General, commerce avec les pays etrangers pendant L'annee Yount-IL, (21 Mars 1918-20 Mars 1919), Tehran, 1920, P: XIA, 6-8.

۲۲. برای آگاهی از ارقام و میزان مبادلات ایران و انگلستان نگاه کنید به: جدول شماره ۱۰ (بخش جدول‌ها).

۲۳. برای آگاهی از نوع مبادلات ایران و انگلستان در سال مزبور نگاه کنید به: کتابچه تجارت ۳۳-۱۳۳۲، صص ۳۳-۳۰.

۲۴. نگاه کنید به: جدول شماره ۱۰ (بخش جدول‌ها).

۲۵. برای آگاهی بیشتر از انواع کالاهای مبادلاتی دو کشور نگاه کنید به: کتابچه تجارت ۳۴-۱۳۳۳، صص ۳۴-۳۲.

۲۶. نگاه کنید به: جدول شماره ۱۰ (بخش جدول‌ها).

۲۷. همان جا.

۲۸. برای آگاهی بیشتر از انواع کالاهای مبادلاتی در این سال نگاه کنید به:

Tableau General, l'annee ILan-IL, (21 Mars 1917-20 Mars 1918), P: XIA 3-5.

۲۹. ارقام مذکور از مقایسه جدول‌های شماره ۱۰ و ۲ بدست می‌آید.

۳۰. نگاه کنید به جدول شماره ۱۰ (بخش جدول‌ها).

۳۱. بیشتر این شکر از هنگ کنگ که از متصرفات انگلیس بود، وارد می‌شد.

۳۲. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به:

Tableau General, l'annee Yount-IL, (21 Mars 1918-20 Mars 1919), P: XIA 3-5.

۳۳. در مورد ارقام مذکور جدول شماره ۲ با جدول شماره ۱۱ مقایسه شود.

یادداشت‌های فصل سوم ۳۵۳

۳۴. نگاه کنید به: جدول شماره ۱۱ (بخش جدول‌ها).

۳۵. نگاه کنید به: کتابچه تجارت ۳۳-۱۳۳۲، صص ۳۳-۳۵.

۳۶. نگاه کنید به: همان جا.

۳۷. نگاه کنید به: جدول شماره ۱۱ (بخش جدول‌ها).

۳۸. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: کتابچه تجارت ۱۳۳۴-۱۳۳۳، صص ۳۷-۳۵.

۳۹. نگاه کنید به: جدول‌های شماره ۲ و ۱۱ (بخش جدول‌ها).

۴۰. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: جدول شماره ۱۱ (بخش جدول‌ها)؛ همچنین نگاه کنید به:

Tableau General, l'annee Yount-IL, (21 Mars 1918-20 Mars 1919), P: XIA 10.

۴۱. نگاه کنید به: همان جا.

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

بخش سوم
تجار در تکاپوی استقرار دولت متمرکز و نهادهای مدرن
از سال‌های پس از جنگ بین‌الملل تا اوایل دولت پهلوی

تبرستان
www.tabarestan.info

بحران سیاسی اجتماعی پس از جنگ بین‌الملل و لزوم اصلاحات

الف) فعالیت نیروهای گریز از مرکز

پس از خاتمه جنگ جهانی، تمامی فشارها و صدمات اجتماعی، کمبودها، قحطی‌ها، تأثیرات حضور نیروهای بیگانه در کشور، ویرانی و خرابی روستاها و از بین رفتن کشاورزی، کلیه مصائب و زحماتی که مردم بر اثر ناتوانی دولت و قدرت‌گیری طاغیان و سرکشان و غارتگران در گوشه و کنار کشور متحمل شده بودند، به یکباره خود را نشان داد. هر چند حوادث سیاسی فراوانی در این دوره رخ داد اما وقوع قیام‌های متعدد در گوشه و کنار کشور و با گرایش‌های مشترک ملت‌گرایانه، مخالفت با دولت مرکزی و قرارداد ۱۳۳۷/۱۹۱۹ ایران و انگلیس و طرح شعارهای استقلال‌طلبی به خوبی حاکی از لزوم قطعی اصلاحات بود.

پیدایش جنبش‌ها و شورش‌های متعدد در گوشه و کنار کشور به تقویت نیروهای گریز از مرکز و ضعف بیشتر دولت مرکزی کمک کرد و بی‌تردید بر وخامت اوضاع تجاری و اقتصادی کشور تأثیر مستقیم گذارد. از زمره قیام‌هایی که به منظور انجام اصلاحات ایجاد شد و به کاهش قدرت دولت مرکزی انجامید، قیام شیخ محمد خیابانی در آذربایجان بود که بیش از شش ماه به طول نیانجامید. او هدف خود را «آسایش عمومی و از قوه به فعل آوردن رژیم مشروطیت» اعلام نمود.^(۱) خیابانی در یکی از نطق‌های خود علت قیام را «حالت اسف‌آمیز مملکت و اختلاس‌ات بی‌حد و حصر مالیه و اقدامات بی‌ناموسانه نظامیه»^(۲) عنوان کرد.

دمکرات‌ها برای تأمین مالی و حفظ موقعیت خود، اداره گمرک آذربایجان را مجبور کردند از اجناسی که از شهر خارج می‌شد^(۳) مالیات‌هایی اخذ کند و در مقابل قبض‌های رسمی

صادر نماید. بدین ترتیب مالیات منطقه و وجوه مالیات‌های اضافی توسط دمکرات‌ها اخذ می‌شد و به مرکز ارسال نمی‌گردید. بعد از سرکوب جنبش، مالیات‌های کمیته متوقف و مبالغ جمع‌آوری شده به مصرف خیریه و قشون اعزامی رسید.^(۴) این جنبش توسط مخبرالسلطنه و با استفاده از نیروهای قزاق و بدون اعزام قشون از مرکز، به آسانی خاتمه یافت. از عوامل شکست قیام خیابانی بی‌توجهی به ایجاد نیروهای نظامی متشکل را می‌توان نام برد^(۵) که درصد آسیب‌پذیری آن را افزایش داد.

آذربایجان در دوران جنگ نیز متحمل زیان‌های بسیاری شده بود و تأثیر روزگار گذشته همچنان وجود داشت. کمبود نان و رفتن چند تن از تجار آذربایجانی برای آوردن گندم از مراغه^(۶) بیانگر فشارهای زیادی است که پس از خاتمه جنگ همچنان بر مردم آذربایجان سنگینی می‌کرد. میلسپو در گزارش ورود خود به ایران از گروه مهاجرین مناطق ویران شده آذربایجان نام می‌برد که در حوالی مجلس بست نشسته بودند و دولت صندوق اعانه‌ای برای کمک مالی به آن‌ها گذارده بود، ولی اقدام جدی برای مرمت خرابی‌های این مناطق صورت نمی‌داد. وی برخی از آنان را مالکان خوشبخت گذشته می‌خواند که به سوی بدبختی و فقر کشیده شده بودند.^(۷)

در بخش شمالی کشور نیز جنبش جنگل بر فعالیت خود افزود و جمهوری گیلان را تشکیل داد. این جنبش که برای کوتاه کردن دست بیگانگان و ایجاد اصلاحات فعالیت می‌کرد، توانسته بود از حوزه محدود خود خارج شود و بخش وسیعی از مناطق شمالی را زیر سیطره خویش درآورد. نیروهای انگلیسی که از بین‌النهرین به ایران آمدند از طریق کرمانشاه همدان، قزوین و گیلان قصد ورود به آذربایجان روسیه و قفقاز را داشتند.^(۸) بنابر این در بخش شمالی کشور، نیروهای انقلابی روسیه شوروی، نیروهای جنگل و انگلیسی‌ها حضور داشتند.^(۹) حوادثی که بر نهضت جنگل گذشت و جناح‌بندی‌های داخلی آن از حوزه این پژوهش خارج است.^(۱۰) اما جنبش جنگل در مقایسه با دو جنبش همزمان خود از تداوم و اقتدار بیشتری برخوردار بود و حضور بلشویک‌های روسی در کنار آن بیش از سایر جنبش‌ها موجب نگرانی انگلستان شده بود. جنگلی‌ها موفق شدند برای مدتی رابطه مناطق تحت پوشش خود با مرکز را کاملاً قطع کنند.^(۱۱) عبور از قزوین به رشت بدون اجازه جنگلی‌ها امکان نداشت و افرادی که به دلیل آشفتگی اوضاع گیلان از این منطقه گریخته بودند، در تهران و قزوین با حال رقت‌باری به سر می‌بردند.^(۱۲)

میزان استقلال منطقه به حدی رسید که مالیات آن به مرکز فرستاده نشد، حتی کالاهای وارداتی و صادراتی آن در آمار گمرک کشور وارد نشد.^(۱۳) هر یک از سران جنگل، مالیات منطقه حکمرانی خود را گرفته به مصرف می‌رساند و از مال‌التجاره‌هایی که از تهران و قزوین به گیلان یا به عکس حمل می‌شد، هر یک از آن‌ها در منطقه نفوذ خود عشریه می‌گرفت.^(۱۴) این جنبش با فعالیت مستقیم رضاخان و موافقت انگلستان و عدم حمایت دولت بلشویکی

روسیه سرکوب شد و پایان یافت.

در همین زمان جنبش دیگری توسط محمدتقی خان پسیان در خراسان ایجاد گردید. وی از سران ژاندارمری خراسان بود که به تدریج با دستورهای دولت مرکزی به مخالفت پرداخت و دولت به منظور سرکوب وی، تصمیم به لشکرکشی به خراسان گرفت. چهارهزار نیروی قزاق با همکاری قوام و سردار سپه به سمت خراسان روانه شد تا خطر کلنل تقی خان را از میان بردارند.^(۱۵) او که دارای گرایش‌های میهن‌پرستانه و مخالف نفوذ بیگانه بود از اطاعت حکومت مرکزی سر باز زد و در پیغامی که برای تقی زاده فرستاد، نوشت: «کمک کنید ایران را از تحت نفوذ همسایه جنوبی خلاص کرده ریشه اشراف پوسیده را از بیخ و بن بکنیم. اگر استفاده نکنیم کی استفاده خواهیم کرد»^(۱۶) ولی منابع از قصد او در اشغال مرکز و طرح‌های کلی سخنی به میان نیاورده‌اند و بیشتر به صورت جنبشی منطقه‌ای عمل کرد. در هر حال پیدایش سه جنبش تقریباً همزمان در این دوران حاکی از زمینه‌های نارضایتی عمومی، روحیه ضد بیگانه و مبارزه با قرارداد ۱۳۳۷/۱۹۱۹ انگلستان و لزوم انجام اصلاحات بود. هر چند هر سه این قیام‌ها توسط نیروهای اعزامی دولت مرکزی از میان نرفتند ولی به هر حال نتایج آن به سود عملیات نظامی وزیر جنگ پایان یافت.

علاوه بر سه جنبش معروف این دوران، سران عشایر، خان‌ها، دزدان و راهزنان در گوشه و کنار کشور سر به طغیان برداشتند و به غارت و چپاول روستاها و کاروان‌ها پرداختند. از جمله این افراد سمیتقو، رهبر کردان شکاک بود که در سال‌های متمادی به ایجاد آشوب در بخش غربی کشور پرداخت. برخی از یاران خیابانی از روی کینه‌جویی پس از مرگ وی با سمیتقو همکاری کردند. ارومیه، کردستان و بخش‌هایی از آذربایجان درگیر شورش و آشوب شد.^(۱۷)

ب) ارزاق عمومی و نارضایتی مردم

وضعیت نامساعد مردم و آثار به جا مانده از جنگ در سراسر کشور به چشم می‌خورد. با آنکه ارقام منتشر شده حاکی از کاهش تدریجی نرخ ارزاق در سال‌های پس از جنگ بود با این حال قیمت‌ها به میزان دوران قبل از جنگ کاهش نیافت.^(۱۸) آمار مقایسه تغییرات قیمت ارزاق در ایران نشان می‌دهد که در هیچ یک از کشورهای دیگر به اندازه ایران ترقی فوق‌العاده در قیمت‌ها بوجود نیامد، بطوری که یک خروار گندم که در ۱۸۵۱/۱۲۶۷ در حدود ۱۸ قران و نیم بود، در سال ۱۹۲۳/۱۳۴۱ به ۲۳۰ قران رسید یعنی ۱۳ برابر یا ۱۱۷۷ درصد افزایش یافت. همین گزارش نرخ گندم در فرانسه را از ۱۳۲۴-۱۲۱۵/۱۹۰۶-۱۸۰۰ رو به کاهش اعلام کرده است بطوری که در ۱۸۰۰/۱۲۱۵ قیمت یک هکتو لیتر گندم ۲۰ تا ۲۲ فرانک و در سال ۱۹۰۶/۱۳۲۴ همین مقدار در حدود ۱۷ تا ۱۸ فرانک بوده است و در طی این مدت از ۳۶ فرانک بالاتر نرفته است.^(۱۹) در حالی که در ایران هر چند سال یک مرتبه ترقی

فوق العاده و ناگهانی بوجود آمده و باعث قحطی و تلفات بسیار می شد. آمارها حاکی از آن است که میزان قیمت گندم با تعداد مرگ و میر رابطه مستقیم داشته است.^(۲۰)

با وجود اداره ارزاق، کار نان شهر، گاهی با خزانه داری و زمانی با وزارت داخله بود،^(۲۱) ممنوعیت خروج ارزاق عمومی که در سال های جنگ به اجرا گزارده شد، در سال ۱۳۴۰/۱۹۲۲ از طرف وزارت مالیه لغو گردید و به کلیه روسای گمرک ایالات نوشته شد که دیگر مانع صدور مواد خوراکی و مال التجاره نباشند البته مشروط بر اینکه حکام محلی تصدیق کنند که خروج آن کالاها به تأمین نیازهای محلی آسیبی وارد نمی سازد.^(۲۲) گزارشی از اداره گمرک جنوب به وزارت مالیه داده شد مبنی بر این که به دلیل خوب بودن محصول نواحی خلیج فارس زارعین در صدد صدور غله این نواحی برآمده اند و از اداره مالیه خواستار افرادی شدند که در تعیین احتیاجات محلی با استفاده از آمار نفوس به حکام محلی کمک کنند.^(۲۳) همچنین از انزلی گزارش شد که حکومت نظامی و رییس گمرک، حمل برنج به بادکوبه را قدغن کرده اند.^(۲۴) با همه توجه دولت به تأمین نیازهای داخلی، کنترل امور از توان دولت خارج بود، چرا که نیازمند دقت، برنامه ریزی و در دست داشتن آمارهای دقیق بود و به رغم پایان جنگ، مساله گرانی^(۲۵) احتکار و خرید مازاد بر مصرف کماکان ادامه داشت. اداره ارزاق طی اعلانی اظهار کرد که در صورت احتکار آرد و گندم، تمامی آن مصادره خواهد شد.^(۲۶) دولت به اقدام هایی برای تعیین امور ارزاق و بهبود نرخ آن دست زد. اداره کل ارزاق از وزارت مالیه تقاضا کرد مانند سابق کمیسیونی برای تعیین نرخ ثابت گندم تشکیل شود.^(۲۷) اداره دارالخلافه نیز قیمت هایی برای گوشت، شیر و ماست اعلان کرد و از مردم خواست در صورت مشاهده متخلفین مراتب را به اداره حکومت نظامی اطلاع دهند تا خاطیان مورد مؤاخذه قرار گیرند.^(۲۸)

در سال ۱۳۴۰/۱۹۲۲ به منظور جلوگیری از کشتار بره و رفع عسرت عمومی صدور پوست بره به خارج از کشور ممنوع اعلام شد.^(۲۹) ولی پس از مدتی این ممنوعیت در ازای پرداخت عوارض بیشتر برداشته شد. در سال ۱۳۴۴/۱۹۲۶ قوانینی برای منظم کردن امور قصابخانه ها و تثبیت نرخ گوشت توسط بلدیة تهران به تصویب رسید که به موجب آن نرخ گوشت در فصل های متفاوت سال تعیین گردید.^(۳۰) البته قانون عمومی و کلی آن چند سال بعد به تصویب رسید. مقررات و نظام نامه ارزاق و اصناف در سال ۱۳۴۶/۱۹۲۸ در اوایل به قدرت رسیدن رضاشاه به منظور قانونمند کردن وضعیت ارزاق عمومی در اداره بلدیة مطرح و پس از تصویب به اجرا گذارده شد. به موجب این قانون کلیه اعمال اصناف به منظور حفظ بهداشت عمومی مشخص گردید.^(۳۱)

وضعیت نامناسب ارزاق عمومی و کمبود نان در سال های پس از جنگ جهانی موجب نارضایتی عمومی و بروز اعتراض هایی از سوی مردم شد. اعتراض به کمبود نان در سال های متمادی دوران قاجار همچنان وجود داشت. بلوای نان در سال ۱۳۴۳/۱۹۲۵ در دوره

ریاست وزرایی رضاخان به ازدحام مردم در صحن مجلس انجامید و مأمورین انتظامی برای متفرق کردن آنان مجبور به شلیک هوایی شدند.^(۳۲) برخی معتقدند بلوای نان در سال مذکور عمدی بود و توسط عناصر رضاخان برای ترساندن احمدشاه و نیامدن او به ایران صورت گرفته بود.^(۳۳) ولی شواهد حاکی از آن است که در هر حال بلوای نان در سال مذکور مبتنی بر کمبودهایی بوده است. کاهش باران و بدی محصول بلوکات تهران، ساوه، خمسه و عراق که نان تهران را تأمین می‌کرد،^(۳۴) همچنین تأخیر بارندگی در شهرهای مشهد و مراغه^(۳۵) و گزارش‌هایی که از کمبود نان در همدان، قزوین، کاشان، دامغان و سمنان داده شد و اعتراف میلپو در شکست سیاست‌های دولت در بهبود امر ارزاق، تمامی حاکی از وجود کمبودهایی در امر نان بوده است و همین امر ساختگی بودن آن را بی‌اساس می‌سازد، هر چند رضاخان که کنترل انبارهای غله را در دست داشت، توانست کنترل و پخش نان^(۳۶) در بین مردم که به مسایل معیشتی خود بسیار اهمیت می‌دادند، از این امر بهره‌برداری سیاسی کند و نظر عموم مردم را به سمت خود جلب کند. این کمبودها برای مردم که بیش از هر چیز به معیشت و گذران زندگی خود می‌اندیشیدند، زمینه‌های فکری لازم در ضرورت اصلاحات سیاسی و بروز شخص مقتدری را فراهم کرد، که بتواند به وضعیت اسفبار زندگی آنان سر و سامانی بدهد.

ج) راه‌ها و حمل و نقل

وضعیت راه‌ها، پس از جنگ جهانی تا حدی بهتر از گذشته بود. برخی از راه‌های شوسه و خطوط راه‌آهن از دوران جنگ جهانی به جا مانده بود. انگلیسی‌ها راه‌هایی برای عبور و سایط موتوری خود در طی جنگ احداث کردند که از آن جمله راه بغداد - قزوین و دزداب - مشهد بود. چند قطعه راه کوچک و راه‌آهن هندوستان که از طریق بلوچستان تا دزداب امتداد یافته بود نیز وجود داشت. خط آهن جلفا - تبریز که قبل از جنگ توسط روس‌ها ساخته شده بود و انشعاب آن از صوفیان تا دریاچه ارومیه بر اساس قرارداد ۱۹۲۱/۱۳۳۹ ایران و شوروی به همراه سایر راه‌ها و امتیازات حمل و نقل به ایران واگذار شد.^(۳۷) جاده‌های شوسه قابل استفاده برای وسایط نقلیه سنگین عبارت بود از:

- ۱- راه تبریز - جلفا (به موازات راه‌آهن)
 - ۲- راه پهلوی - قزوین (این جاده از طریق رشت و توسط روس‌ها ساخته شد)
 - ۳- راه جلفا - خوی
 - ۴- راه قزوین - تهران (تنها بخشی از آن قابل عبور و سایط نقلیه سنگین بود).
 - ۵- راه قصر شیرین - قزوین (از طریق کرمانشاه و همدان و به وسیله روس‌ها و انگلیس‌ها ساخته شد).
- و جاده‌های غیر شوسه و قابل عبور شامل:

- ۱- راه اصفهان - شیراز
- ۲- راه اصفهان - کرمان
- ۳- راه بوشهر - شیراز
- ۴- راه تهران - اصفهان
- ۵- راه تهران - عراق (اراک)
- ۶- راه تهران - مشهد
- ۷- راه مشهد - دزدآب

این گونه راه‌های غیرشوسه بیشتر محل عبور کاروان‌ها بود و در هنگام بارندگی، عبور وسایل نقلیه بسیار دشوار می‌شد. در بخش‌های جنوبی کشور نیز شرکت نفت انگلیس و ایران مبادرت به احداث چند جاده و یک رشته خط آهن برای حمل و نقل محموله‌های شرکت نفت کرده بود. غیر از جاده‌های مذکور راه‌های دیگری نیز وجود داشت که فقط برای عبور کاروان‌ها قابل استفاده بود.^(۳۸)

اتومبیل به عنوان وسیله نقلیه مورد استفاده قرار می‌گرفت و شرکت‌های اتومبیل‌رانی از جمله شرکت مختلط ایرانی - روسی، اتوایران که مسافران و محموله‌های تجارتنی را در بین شهرها جابجا می‌کرد، وجود داشت ولی عمده وسایل حمل و نقل همچنان اسب، قاطر، الاغ، شتر، گاری و دوچرخه بود.^(۳۹) اداره پست نیز محموله‌های تجارتنی را جابجا می‌کرد و به اداره حمل و نقل دولتی پیوسته بود ولی حوزه عمل آن به تهران و شهرهای اطراف محدود بود.^(۴۰)

وزارت فواید عامه، وضعیت راه‌ها را تحت نظر داشت و معمولاً راه‌سازی یا راه‌داری توسط این وزارتخانه به اجاره داده می‌شد و در مقابل وجه مشخصی که به این وزارتخانه داده می‌شد، شخص اجاره کننده یا مقاطعه کار از عواید یا حق عبور راه استفاده می‌کرد.^(۴۱) وزارت فواید عامه به دنبال طرح‌هایی برای راه‌سازی، گسترش راه‌ها و استفاده از عواید آن بود.^(۴۲) این اقدامات بخصوص در دوران ریاست وزرای رضاخان و اوایل سلطنت وی بصورت گسترده‌تری دنبال شد که در فصل دیگری بدان پرداخته خواهد شد. وزارت فواید عامه برای ایجاد امنیت راه‌ها، تصمیم‌هایی در جهت «تشکیلات امنیه» گرفته بود^(۴۳) تا در حدود اعتبارات به استخدام افرادی برای ایجاد امنیت راه‌ها مبادرت شود. میلپو می‌نویسد که در هنگام ورود او به ایران وضع راه‌های شمالی رو به ویرانی گذارده بود^(۴۴) و در روزنامه‌ها نیز به ویرانی راه‌ها و عدم رسیدگی وزارت فواید عامه اشاره شده است.^(۴۵) به رغم بهبود نسبی راه‌ها در سال‌های پس از جنگ، حمل کالا و تجارت در داخل کشور با دشواری‌های بسیاری همراه بود، از این رو همچنان راه‌سازی از خواست‌ها و اهداف مورد نظر تجار محسوب می‌شد. بدیهی است برنامه‌ریزی در جهت بهبود حمل و نقل و تسطیح راه‌ها و ارتباطات شهری از سوی دولت می‌توانست مورد توجه بسیار تجار قرار گیرد که از

دیرباز خواهان بهبود شرایط ارتباطی کشور بودند، چرا که هزینه‌های مبادلاتی و حمل و نقل آنان را کاهش می‌داد.

(د) دولت ضعیف

وقوع جنگ جهانی اول و حضور نیروهای بیگانه در کشور، حوزه نفوذ واقعی دولت را به پایتخت و شاید چند ایالت دیگر محدود ساخت. هرج و مرج اجتماعی، فعالیت نیروهای گریز از مرکز و سقوط پی در پی دولت‌ها، اقتدار ناچیز دولت را از میان برد. نیروهای سیاسی سستی قادر به انجام تحولات نبودند. هیأت حاکمه کشور دچار سردرگمی و تضاد بود. تقابلی ما بین نظام سستی و محافظان آن با نیروهای تازه‌ای که در صدد کسب قدرت بیشتر بودند، بوجود آمده بود. مشکلات گذشته همچنان وجود داشت. نیروهای انگلستان تا سال ۱۹۲۲/۱۳۴۰ در ایران حضور داشتند. تغییر بافت سیاست جهانی و هراس انگلستان از قدرت‌گیری و رشد بلشویسم و نفوذ آن به هند و بین‌النهرین، از بین رفتن همسایه ضعیف و بی‌خطر غربی و تقسیم امپراتوری عثمانی و جایگزینی دولت مقتدر انگلستان در کشورهای کوچک منطقه، که تمامی این مسایل موجب تغییر روش سیاست‌های انگلستان در ایران شد. دولت مرکزی ضعیف بود و احمدشاه از ترس اشغال پایتخت توسط بلشویک‌های روسی به ادامه حضور قوای انگلیسی در قزوین تمایل داشت.^(۴۶) با انقلاب روسیه و خالی کردن صحنه سیاسی ایران از سوی این کشور اعلام بی‌طرفی و تخلیه خاک ایران بر قدرت و نفوذ انگلستان در ایران افزوده شد. قرارداد ۱۹۱۹/۱۳۳۷ نیز بازتابی از تمایل انگلستان برای بهره‌گیری از خلاء سیاسی ناشی از خروج نیروهای نظامی روسیه بود. انگلستان به منظور تصویب و اجرای قرارداد مذکور بر دولت ایران فشار وارد می‌ساخت. آشفتگی‌های سیاسی منجر به سقوط پیاپی دولت‌ها و ایجاد دور باطل روی کار آمدن نخست وزیرهای مشخص و تکراری می‌شد که انگلستان نیز در تغییر آن‌ها اعمال نظر داشت.^(۴۷) همه این امور بیانگر ضعف عمومی و ناتوانی دولت مرکزی بود که با تمایلات دیرینه تجار در استقرار دولتی مقتدر، با ثبات و حمایت‌گر مغایرت داشت.

ضعف مالی حکومت، حوزه عمل تمامی دولت‌ها را محدود ساخته بود. در حدود ۵۰ هزار نفر حقوق بگیر دولت بودند و ماه‌ها حقوق آن‌ها پرداخت نشده بود.^(۴۸) دولت با کسر بودجه‌ای در حدود ۴ میلیون تومان مواجه بود. در واقع در عرض ۱۲ سال حاکمیت مشروطیت، بودجه‌ای برای کشور تهیه نشده بود و بودجه تفصیلی وزارتخانه‌ها به علت بالا بودن هزینه‌ها مورد تصویب قرار نگرفت.^(۴۹) در هیأت وزرا تصمیم بر آن شد که وامی از دولت انگلستان دریافت شود ولی این کشور دادن وام را منوط به پذیرش شرایط قرارداد ۱۹۱۹/۱۳۳۷ و افتتاح فوری مجلس برای تصویب آن دانست.^(۵۰) اوضاع مالی کشور در یکی از روزنامه‌ها این گونه توصیف شد:

«ایران امروز دارد یک بحران مالی بسیار بدی طی می‌کند و عمده علت زشتی آن دو طرفی بودن آن است که هم افراد ملت دچار ضیق معیشت و کساد تجارتند و هم هیات دولت... دولت ایران تقریباً از شصت سال به این طرف کارش به استقراض گذشته و قریب هشتاد کرور تومان یا زیادتر به عناوین مختلفه از اروپا قرض کرده و حتی زیر شرایط سنگین هم رفته است و امروز اولین دفعه است که این محل نیز یا به علت امتناع آن‌ها یا به علت سر فرود نکردن ما خشکیده است.»^(۵۱)

در سال ۱۹۲۲/۱۳۴۰ دولت قوام السلطنه لایحه واگذاری امور مالی کشور به مستشاران آمریکایی را مطرح کرد و به دنبال تصویب مجلس، هیأتی به سرپرستی میلپو به تهران آمد.^(۵۲) در همین سال آمریکا یک میلیون دلار در کابینه دوم مشیرالدوله به ایران وام داد که شوستر واسطه آن بود.^(۵۳) در تمامی امور نابسامانی به چشم می‌خورد. بسیاری از تجار و صرافان ورشکست شده، صنایع از رونق افتاده بود و به جز تبریز در دیگر شهرستان‌ها نوعی رکود و توقف در امور دیده می‌شد و دولت در چنین شرایطی مجبور به ادامه کار بود.^(۵۴) مستشاران آمریکایی توانستند به درآمدها سامانی دهند و بودجه‌ای که تنها شامل سر فصل عواید و مخارج وزارتخانه‌ها بود، تهیه کنند.^(۵۵) دولت که برای افزایش عواید خود مجبور به وضع مالیات‌های جدید بود، برخی مالیات‌ها را لغو و مالیات‌های جدیدی وضع کرد. همین امر اعتراض‌هایی از جانب تجار، اصناف و سایر گروه‌های ذینفع برانگیخت. علاوه بر عواید گمرک، عواید حاصل از شرکت نفت نیز بود که با وجود افزایش تولید، عواید چندانی برای ایران نداشت.

در میان انواع گوناگون مالیات مهم‌ترین آن‌ها مالیات بر اراضی کشاورزی، مالیات سرانه، مالیات خانواری که از اهالی روستاها به جای سرباز گرفته می‌شد، عوارض راه و مالیات نواقل که در دروازه‌ها گرفته می‌شد و مهمترین مالیات‌های غیرمستقیم شامل مالیات تریاک، تنباکو و رسومات بود. مالیات‌های متعدد دیگری نیز به عنوان رسوم قدیمی وجود داشت که برخی گرفته می‌شد و برخی در عمل متروک مانده بود.^(۵۶) از مالیات‌هایی که بر مردم تحمیل شده بود مالیات وسایط نقلیه بود. یک دستگاه اتومبیل سالی ۸۴ تومان، درشکه شخصی ۳۶ تومان، درشکه کرایه‌ای ۱۸ تومان و دوچرخه پایی ۶ تومان و همین‌طور هر وسیله نقلیه‌ای که در تهران تردد داشت، در سال موظف به پرداخت مبالغ مالیاتی معینی بود.^(۵۷)

فشارهای مالیاتی دولت، همچون گذشته اعتراض‌های اقشار مختلف را برانگیخت. تجار گیلان نسبت به مالیات توتون اعتراض کردند.^(۵۸) اهالی گناباد نیز طی تلگرافی به اداره روزنامه ایران نسبت به مالیات سرانه جدید دولت اعتراض کردند. آنان ابراز کردند با درآمد ۲ یا ۳ قرانی امکان پرداخت مالیات سرانه ۲ تومانی را ندارند و بسیاری از مردم منطقه مجبور به مهاجرت شده‌اند.^(۵۹) با وجود نارضایتی مردم، فشارهای مالیاتی دولت اجتناب‌ناپذیر

بود. دولت با بحران مالی شدیدی مواجه بود. لایحه‌ای برای پرداخت حقوق مستمری بگیران دولت از قرار تومانی دو قران و تومانی پنج قران به تصویب مجلس رسید.^(۶۰) دولت برای حل بحران مالی خود مجبور به گرفتن دو وام از آمریکا شد. وام یک میلیون دلاری در سال ۱۹۲۲/۱۳۴۰ که نهصد هزار دلار آن برای مصارف نظامی اختصاص داده شد و وام پنج میلیون دلاری دیگری نیز در سال ۱۹۲۳/۱۳۴۱ از بانک‌های آمریکایی گرفته شد.^(۶۱)

دولت با اجازه مجلس چهارم برای حل بحران کشور و بهره‌گیری از نظرهای کارشناسان غربی به استخدام مستشاران آمریکایی و افراد دیگری از کشورهای بلژیک، فرانسه، سوئد و لهستان پرداخت. گروهی از مستخدمین بلژیکی برای امور گمرک و اداره پست و برخی از متخصصان آمریکایی برای اصلاح امور مالی کشور برگزیده شدند. دکتر ریان آمریکایی برای اصلاح امور بلدیة تهران و دکتر ژوزف منار فرانسوی به ریاست موسسه پاستور ایران برگزیده شد. همچنین مجلس، کترات مستشار فرانسوی وزارت عدلیه و لایبر مولیتر تبعه بلژیک که سمت ریاست کل گمرکات کشور را داشت تمديد کرد. اجازه استخدام یک مهندس لهستانی برای کترات راه‌آهن آذربایجان صادر شد. همچنین یک مستشار سوئدی برای ریاست تشکیلات نظمیه و چند معلم فرانسوی برای تدریس حقوق، فیزیک و شیمی استخدام شدند.^(۶۲) این کترات‌ها دارای چند مشخصه ویژه بود که حاکی از بازگشتن شرایط کشور به دوران قبل از مشروطیت و بازتابی از شرایط بحرانی کشور و نیاز دولت به بهره‌گیری از شیوه‌های کارشناسانه غرب بود؛ تعداد استخدام مستشاران نسبت به دوره‌های قبل بیشتر شد و اکثر این افراد از کشورهایی بودند که نسبت به امور ایران مداخله مستقیم نداشتند و بی‌طرف محسوب می‌شدند. علاوه بر این حضور بیشتر آمریکایی‌ها در صحنه سیاسی - اجتماعی ایران به طور مشخص‌تری آشکار شد.

آشفته‌گی و وخامت اوضاع اجتماعی بر هیچکس پوشیده نبود و ضرورت تغییر و اصلاحات بر تمامی اقشار جامعه آشکار گردیده بود. حتی فرمانفرما، حاکم فارس در نامه‌ای به فیروز میرزا نصرت‌الدوله نگرانی خود را از اوضاع اسفبار اجتماعی و آشفته‌گی مناطق مختلف کشور و شروع اغتشاش در فارس اعلام کرد.^(۶۳) در روزنامه‌ها، مقاله‌های بسیاری در ضرورت تغییر و خطر اضمحلال ایران به چشم می‌خورد. بیشتر آن‌ها بر لزوم ایجاد حکومت مرکزی قوی و از بین بردن بی‌نظمی ملوک‌الطوایفی موجود که از موانع بزرگ در راه ترقی اقتصاد و صنعت ملی محسوب می‌شد، تأکید داشتند.^(۶۴) بیش از هر چیز ضرورت ایجاد نظم موجب شده بود که در بین رجال سیاسی امکان کودتا مطرح شود. ملک‌الشعراى بهار سخن از امکان کودتای شاهزادگان، دمکرات‌ها، آزادیخواهان، ژاندارمری و قزاق‌ها را در محافل آن روز تهران مطرح کرده است.^(۶۵) وی حتی از خیال کودتا توسط مدرّس سخن گفت.^(۶۶) پیش از کودتای رضاخان از امکان سه تدارک برای کودتا نام برده شده است. دسته‌بندی سردار اسعد و نقشه حمله به تهران که به دلیل اختلاف بین خان‌های بختیارى به

اجرا در نیامد. همچنین سالار جنگ، سید ضیاء الدین و نصرت الدوله فیروز به فکر کودتا بوده‌اند. (۶۷)

بنابر این قیام‌های متعدد در مخالفت با دولت مرکزی، رشد نظام ملوک‌الطوایفی و شورش‌های سران عشایر، گرانی و کمبود ارزاق عمومی که مسایل حیاتی و مورد توجه عموم مردم بود، عدم امنیت، راهزنی، دزدی و فقر عمومی، وجود دولتی ضعیف، ناتوان و غیرمتمرکز، عمده کردن خطر بلشویسم و طرح کمربند دفاعی انگلستان، آمادگی افکار عمومی در ضرورت یک تحول اساسی به دلیل فشارهای اقتصادی - اجتماعی، زمینه‌های لازم برای کودتای سید ضیاء - رضاخان و پذیرش عمومی این مساله را فراهم ساخت و از این میان تجار گروهی بودند که حاکمیت جدید را در جهت اهداف خود یافتند و از آن حمایت کردند.

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل اوّل

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل اول

تبرستان

www.tabarestan.info

۱. احمد کسروی، تاریخ هیجده ساله آذربایجان یا سرنوشت گردان و دلبران، (تهران، ۱۳۵۷)، ج ۲، ص ۸۶۸
۲. حسین مکی، تاریخ بیست ساله ایران، (تهران، ۱۳۵۸)، ج ۱، ص ۵۴
۳. مراسله شیخ محمد خیابانی با اداره گمرک، ۱۴ اسد ۱۲۹۹، وزارت مالیه، (۱۶) ۲۲/۹۶، (م.ا.م) اداره ایالتی مالیات‌های زیر را از اجناسی که از شهر خارج می‌شد می‌گرفت:

نوع مال التجاره	وزن	مبلغ
فرش	عدل	۶۰ قران
ترياک	من ۶۴۰ متقال	۲۰ قران
ابریشم خام	عدل	۶۰ قران
کشمش	پود	۵۰ دینار
پارچه پنبه	پود	۲۰ قران
پارچه پشمی	پود	۴۰ قران
پارچه ابریشمی	پود	۱۰۰ قران
پارچه پشم خام	پود	۱ قران
پارچه پنبه خام	پود	۱ قران
قند (با اجازه مخصوص)	پود	۵ قران
چای	پود	۱۰ قران
نفت	پود	۲ قران

۳۷۰. تجارت، مشروطیت و دولت مدرن

بادام	پود	۱ قران
متفرقه	عدل	۱۰ قران

۴. نامه وزارت مالیه به وزارت داخله، سنبله ۱۲۹۹، وزارت مالیه، (۱-۱۶) ۲۲/۹۶، (م.ا.م).
۵. همان جا، ج ۱، ص ۳۶.
۶. همان جا، ج ۱، ص ۴۸.
۷. میلسپو، مأموریت آمریکایی ها در ایران، ترجمه حسین ابوترابیان، (تهران، ۱۳۵۶)، ص ۶۷.
۸. مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۱، ص ۵۱۸.
۹. بهار، احزاب سیاسی، (تهران، ۱۳۷۱)، ج ۱، صص ۷۹-۸۰.
۱۰. برای آگاهی از جناح های مختلف جنبش جنگل نگاه کنید به: ابراهیم فخرایی، سردار جنگل میرزا کوچک خان، (تهران، ۱۳۴۴).
۱۱. نگاه کنید به: مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۱، ص ۴۱۹.
۱۲. نگاه کنید به: ابراهیم صفایی، زمینه های اجتماعی کودتای ۱۲۹۹، (تهران، ۱۳۵۳)، صص ۲۴۴-۲۴۷.
۱۳. نگاه کنید به فصل اوضاع تجاری در همین بخش.
۱۴. مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۱، ص ۴۶۴.
۱۵. برای آگاهی های بیشتر نگاه کنید به: بهار، احزاب سیاسی، ج ۱، صص ۱۶۲-۱۴۰؛ مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۱، صص ۴۵۵-۴۹۶.
۱۶. مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۱، ص ۴۶۹.
۱۷. کسروی، تاریخ هیجده ساله، ج ۲، ص ۸۹۵.
۱۸. نگاه کنید به: جدول شماره ۳۳ و نمودار شماره ۳۴ (بخش جداول).
۱۹. نگاه کنید به: «احصایه شهر طهران»، روزنامه ایران، ۲۴ شعبان ۱۳۴۱، ش ۱۳۴۸، ص ۳.
۲۰. جدول زیر میزان تغییرات نرخ گندم و میزان مرگ و میر در چند ماه از سال را بطور نمونه نشان می دهد. (روزنامه ایران، ۲۴ شعبان ۱۳۴۱، ش ۱۳۴۸، ص ۳).

ماه های سال ۱۲۹۶ خورشیدی	نرخ هر خروار گندم به قران	عده متوفیان (نفر)
دلو	۸۵۰	۳۶۷۵
حمل	۹۵۰	۹۲۷۰
جوزا	۱۱۰۰	۹۲۷۵
اسد	۳۵۰	۵۲۵۰
حوت	۹۰۰	۶۳۰۰
ثور	۱۲۵۰	۹۵۳۰
سرطان	۴۰۰	۷۷۰۰
سنبله	۳۵۰	۳۵۵۰

۲۱. حمدالله مستوفی، شرح زندگانی من، (تهران، ۱۳۷۰)، ج ۳، ص ۲۳۵.

۲۲. روزنامه ایران، ۲ رمضان ۱۳۴۰، ش ۱۱۲۷، ص ۲.
۲۳. همان جا، ۶ رمضان ۱۳۴۰، ش ۱۱۳۰، ص ۱.
۲۴. همان جا، ۱۵ ربیع‌الثانی ۱۳۴۰، ش ۱۰۳۷، ص ۱.
۲۵. گزارشی از شاهرود حاکی است که با وجود وضعیت مساعد بارندگی تنزلی در قیمت‌ها دیده نشد و کسبه قیمت‌ها را کاهش ندادند. (همان جا، ۱۶ رجب ۱۳۴۰، ش ۱۰۹۹، صص ۲-۳).
۲۶. همان جا، ۲ شعبان ۱۳۴۰، ش ۱۱۰۶، ص ۲.
۲۷. همان جا، ۱۴ رمضان ۱۳۴۰، ش ۱۱۳۶، ص ۱.
۲۸. همان جا، ۲ رمضان ۱۳۴۰، ش ۱۱۲۷، ص ۴.
۲۹. «قانون منع کشتار بره»، ۳۰ جوزای ۱۳۰۱ خورشیدی، ش ۳۵۶، (م.ا.م).
۳۰. «تشکیلات و مقررات قصابخانه‌ها»، خرداد ۱۳۰۵ خورشیدی، ش ۲۳۹، (م.ا.م).
۳۱. «مقررات و نظام‌نامه ارزاقی و اصنافی بلدیہ تهران»، ۱۳۰۷ خورشیدی، ش ۳۵۷، (م.ا.م).
۳۲. مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۶۵۵.
۳۳. همان جا، ج ۳، ص ۶۵۶.
۳۴. همان جا، ج ۳، ص ۶۵۵.
۳۵. روزنامه ایران، ۲۹ رمضان ۱۳۴۳، ش ۱۸۰۷، ص ۲.
۳۶. ملیکف، استقرار دیکتاتوری، (تهران، ۱۳۵۸)، صص ۵۴-۵۳.
۳۷. میلسپو، مأموریت آمریکایی‌ها، ص ۲۳۶.
۳۸. همان جا، صص ۲۳۸-۲۳۶.
۳۹. روزنامه ایران، ۶ شوال ۱۳۴۳، ش ۱۸۱۸، ص ۳؛ میلسپو، مأموریت آمریکایی‌ها، ص ۲۳۹.
۴۰. روزنامه ایران، ۸ رجب ۱۳۴۰، ش ۱۰۹۳، ص ۴.
۴۱. نگاه کنید به: همان جا، ۶ رمضان ۱۳۴۰، ش ۱۱۳۰، ص ۴؛ همان جا، ۱۰ جمادی‌الثانی ۱۳۴۰، ش ۱۰۷۵، ص ۳؛ همان جا، ۱۷ رجب ۱۳۴۰، ش ۱۱۰۰، ص ۴؛ همان جا، ۱۰ رجب ۱۳۴۰، ش ۱۰۹۵، ص ۲.
۴۲. همان جا، ۲ شعبان ۱۳۴۳، ش ۱۷۸۲، ص ۳.
۴۳. همان جا، ۹ رجب ۱۳۴۰، ش ۱۰۹۴، ص ۱.
۴۴. میلسپو، مأموریت آمریکایی‌ها، صص ۲۳۸-۲۳۹.
۴۵. روزنامه ایران، ۹ رمضان ۱۳۴۰، ش ۱۱۳، ص ۱.
۴۶. نگاه کنید به: مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۱، ص ۸۹.
۴۷. همان جا، ج ۱، صص ۸۸-۸۷.
۴۸. میلسپو، مأموریت آمریکایی‌ها، ص ۷۸.
۴۹. همان جا، ص ۸۱.
۵۰. مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۱، ص ۴۲۵. بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ج ۱، صص ۵۵-۵۴.
۵۱. روزنامه ایران، ۹ جمادی‌الاول ۱۳۴۰، ش ۱۰۵۴، ص ۱.
۵۲. ملیکف، استقرار دیکتاتوری، صص ۵۷-۵۶.
۵۳. شوستر، اختناق ایران، ص ۴۳.
۵۴. میلسپو، مأموریت آمریکایی‌ها، صص ۶۸-۶۷.

۳۷۲ تجار، مشروطیت و دولت مدرن

- ۵۵ نگاه کنید به: مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۳، صص ۵۳۰-۵۲۹.
- ۵۶ نگاه کنید به: میلپو، مأموریت آمریکایی‌ها، صص ۷۷-۷۱.
- ۵۷ روزنامه عهد انقلاب، ۲ ذی‌قعدة ۱۳۴۱، ش ۲، ص ۱.
- ۵۸ روزنامه ایران، ۱۴ شوال ۱۳۴۳، ش ۱۸۱۷، ص ۲.
- ۵۹ همان جا، اول رجب ۱۳۴۰، ش ۱۰۸۸، صص ۲-۳.
- ۶۰ مصوبات مجلس در چهار دوره، صص ۶۰۹-۶۰۸.
- ۶۱ نگاه کنید به: همان جا، صص ۵۶۷-۵۶۸ و ۶۲۳-۶۲۲.
- ۶۲ نگاه کنید به: همان جا، صص ۶۷۶-۶۵۹.
- ۶۳ «نامه عبدالحسین میرزا فرمانفرما به فیروزمیرزا نصرت‌الدوله»، ۶ ذی‌قعدة ۱۳۳۸، نقل شده از: منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، مجموعه مکاتبات، اسناد، خاطرات و آثار فیروزمیرزا نصرت‌الدوله، مجالس چهارم و پنجم تقنیه، (تهران، ۱۳۶۹)، ج ۱: صص ۱۴-۱۳.
- ۶۴ روزنامه اقتصاد ایران، ۲۰ صفر ۱۳۴۱، ش ۵۲ ص ۱؛ همان جا، ۲۹ ذی‌حجه ۱۳۴۰، ش ۲۵، ص ۱؛ روزنامه ایران، ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۴۰، ش ۱۰۲۴، ص ۱.
- ۶۵ بهار، احزاب سیاسی، ج ۱، ص ۱۰۹.
- ۶۶ همان جا، ج ۱، ص ۶۱.
- ۶۷ ملیکف، استقرار دیکتاتوری، ص ۲۹.

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل دوم
تقویت ساختارهای درون طبقاتی

تبرستان
www.tabarestan.info

تقویت ساختارهای درون طبقاتی

تجار که در پی استقرار نظام نوین سیاسی و نهادهای دولت مدرن بودند، با گذشت چندین سال از جنبش مشروطیت و با همه تلاش‌هایی که در برپایی نظام مشروطه انجام دادند، بارو در رویی با مشکلات و موانع متعدد داخلی و خارجی، آرزوهای خود را دست نیافتنی دیدند و استقرار سامان سیاسی و نهادهای دولت مدرن و اقتدار دولت را از طریق نظام سیاسی مستقر و با استفاده از مجلس و نظام مردم سالار ناممکن یافتند. از این رو، از یک سو به تقویت ساختارهای درونی طبقه تجار برآمدند و ویژگی‌های یک «طبقه برای خود» را به خوبی آشکار ساختند و به نهادسازی و ایجاد تشکلهای منسجم برای حمایت از منافع طبقاتی خود برآمدند، و از سوی دیگر در تغییرات سیاسی جدید و قدرت‌گیری تدریجی رضاخان، تجددآمرانه وی را متناسب با ساختار مستبدانه سیاسی-اجتماعی جامعه یافتند و از آن حمایت کردند و چنین اصلاح سیاسی را متناسب با خواست‌های طبقاتی خود یافتند.

بحران سیاسی-اجتماعی پس از جنگ، رکود و وخامت اوضاع تجاری و ناتوانی دولت از ایجاد نوعی سامان سیاسی و عوامل دیگری که در فصل گذشته بطور مفصل به آن پرداخته شد، تجار را به فکر ایجاد تشکلی سازمان‌یافته‌تر و بازسازی نهادهای صنفی خود انداخت. تشکلی با نام هیأت اتحادیه تجار یا اتحادیه تجار تشکیل شد که به لحاظ سازمانی بسیار نظام‌مند و دارای شکل تشکیلاتی دقیق و مشخص در تهران و شهرستان‌ها بود.

الف) هیأت اتحادیه تجار (تقویت تشکلهای صنفی)

۱- نظامنامه و تشکیلات

پس از اتمام جنگ جهانی اول، نشست‌هایی در بین تجار پایتخت صورت گرفت. در ۱۴ شوال ۱۳۳۷ یک گردهمایی در منزل حاجی محمدجعفر آقا تاجر خامنه در دروازه قزوین، کوچه قوام برگزار شد، این گردهمایی به منظور انتخاب اعضای عمومی اتحادیه تجار^(۱) که بالغ بر ۱۲۰ نفر و ۳۰ نفر هیأت عامله بود.^(۲) در ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۳۸ با حضور ۱۶ نفر از تجار نظامنامه اساسی هیأت اتحادیه تجار تهران به ریاست حاج محمدحسین امین‌الضرب به تصویب رسید و خط مشی کلی اتحادیه تعیین شد. مدتی بعد در ۱۶ جمادی‌الاول همان سال با حضور ۱۹ نفر از تجار نظامنامه داخلی اتحادیه نیز به تصویب رسید.

تجار خواست‌ها و اهداف خود از ایجاد چنین تشکلی را در مفاد نظامنامه اساسی اتحادیه تجار مطرح کردند که به شرح ذیل است:^(۳)

۱. توسعه و ترویج تجارت و صناعت و فلاحه.
۲. تأسیس شرکت‌های تجارته و صناعتی و فلاحته.
۳. تأسیس مدارس تجارته و صناعتی و فلاحته و تقاضای تکمیل و رفع نواقص آن‌ها از مبادی عالیه.
۴. تقدیم پیشنهادات و لوایح قانونی راجع به اصلاحات امور تجارته و تنظیم دفاتر به مقامات مربوط.
۵. اهتمام در پیشرفت قوانین مذهبی و تقاضای توسعه و صحت جریان امور معارف از مقامات مقتضیه.

۶. رفع اختلافات و مناقشات تجارته و غیره از بین اعضا.

اهداف تجار از ایجاد چنین تشکلی به خوبی از مفاد نظامنامه مشخص می‌شود. آنان به دنبال توسعه گسترده اقتصادی در هر سه شاخه تجارت، صنعت و کشاورزی بودند. احیا و تأسیس شرکت‌های تجاری که شیوه مدرن تجارته در جمع‌آوری سرمایه‌های کوچک و به کارگیری آن‌ها در امور تجارته بود که در مقابل شکل قدیمی و سنتی تجارت فردی قرار داشت، دنبال روندی بود که در سال‌های پیش از مشروطیت در ایجاد آن تلاش کرده بودند. تأسیس شرکت‌های تجاری در پیش از مشروطیت به دلایل متعددی از جمله موانع ساختاری درون طبقاتی که شامل رشدنیافتگی طبقاتی تجار و تبدیل نشدن به «طبقه برای خود» بود، همچنین موانع برون طبقاتی که شامل ناکارآمدی ساختار سیاسی استبدادی در همراهی و همیاری با تجار در ایجاد امنیت، ثبات سیاسی، بهبود راه‌ها و حمایت در مقابل هجوم سرمایه‌های بیگانه بود، در گذشته به شکست انجامید و تجار در این زمان احیای دوباره این شیوه را ضروری یافته بودند.

مدارس تجارته نیز از نهادهای مدرنی بود که پیش از این نیز تجار در مجلس اول و دوم

برای برپایی آن کوشیده بودند و ایجاد این گونه مدارس را کاری زیربنایی در رشد شیوه‌های نوین تجارت می‌دانستند. اتحادیه تجار به عنوان نهادی موازی با نهادهای تجاری دولتی برای استقرار این گونه مدارس در رشد شیوه‌های مدرن تجارتی که همخوان با تحولات جهانی تجارت بود، کوشید. اتحادیه تجار تلاش برای تصویب لوایح قانونی در بهبود شرایط تجارتی را از وظایف خود قلمداد کرد. نکته قابل توجه آن است که با توجه به کاهش حضور تجار از مجلس دوم به بعد در قوه مقننه، بی‌اعتمادی و عدم تلاش تجار در حضور مستقیم در مجلس قابل توجه است. آنان ترجیح می‌دادند از درون نهادهایی خودجوش و خارج از نظام سیاسی برای تصویب قوانین مورد نظر خود تلاش کنند.

نکته دیگر اینکه تجار، در نظام‌نامه اتحادیه به حفظ وحدت و رفع اختلاف‌ها و مناقشات داخلی توسط خود اتحادیه تأکید کردند. آنان تمایل و پیوند خود با قوانین مذهبی و لزوم توسعه معارف را از مقتضیات ضروری دانستند. در واقع این اصل مشخص می‌سازد که تجار توسعه فرهنگی و معارفی کشور را هم سو با توسعه اقتصادی می‌دانستند و در عین حال که به لزوم چنین پیشرفت‌هایی اشاره داشتند، به پیوند دیرین خود با مبانی دینی نیز تأکید کردند و به رغم بهره‌گیری از نهادهای مدرن، مرزبندی خود با روشنفکران لائیک را مشخص ساختند.

نظام تشکیلاتی اتحادیه تجار نیز بسیار دقیق ترسیم شد. این اتحادیه دارای اعضای «عمومی و منتخب» بود. عده اعضای منتخب ۳۰ نفر بود که اعضای عمومی آنان را برای مدت دو سال به موجب نظام‌نامه انتخابات تعیین می‌کردند. عده اعضای عمومی با شرایط معینی غیر محدود بود. هیأت منتخبین با رای مخفی از بین خودشان یک رییس، نایب رییس، دو منشی، دو دفتردار، یک تحویلدار و یک نفر ناظم به عنوان هیأت رئیسه برای مدت یک سال انتخاب می‌نمودند. اعضا باید معروف به مکارم اخلاق بوده و به فساد عقیده متهم نباشند.

هر یک از اعضای عمومی بعد از قبول عضویت متعهد به پیشرفت مقاصد هیأت بودند. تمامی اعضای در مواقع لازم مکلف به حضور در جلسه‌های هیأت و پرداخت ماهیانه ۵ قران به صندوق هیأت می‌باشند. در مواردی که به حقوق هر یک از اعضا تجاوز شده باشد و مشکل خود را در هیأت مطرح نماید آنچه در هیأت برای رفع آن تصمیم گرفته شود، عموم اعضا مکلف به اجرای آن هستند. اتحادیه تجار اعلان نمود، از آنجایی که تأسیس اتحادیه به منظور «ازدیاد روابط و تسهیل امور تجارتی» بوده است در هر یک از شهرستان‌ها که مطابق نظام‌نامه مزبور اتحادیه تجار تشکیل شود، می‌توانند تشکیلات خود را با ذکر اسامی رییس و دیگر اعضا به اتحادیه تهران اعلام نمایند و روابط آن‌ها با مرکز فقط در امور تجاری و اقتصادی خواهد بود.^(۴)

اعضای منتخب در هر هفته یکبار تشکیل جلسه می‌دادند. تشکیل جلسه و حفظ نظم آن

به عهده رییس بود. در هر جلسه نامه‌های رسیده قرائت می‌شد، صورت جلسه‌ها نوشته و حضور اعضا با ضبط اسامی معین می‌شد که این کار را منشی‌ها انجام می‌دادند. ناظم اتحادیه مسئول ارسال نامه‌ها و با خبر کردن اعضا از روز برگزاری جلسه‌ها بود. تحویلدار و دفتردارها به امور مالی، عایدات و وجوهات صندوق رسیدگی می‌کردند.^(۵)

شیوه تصمیم‌گیری در جلسه‌های اتحادیه به صورت رأی‌گیری و مشابه عملکرد مجلس شورای ملی بود. تصویب هر موضوع به حضور یک ثلث از اعضا و رأی نصف به علاوه یک آراء نیاز داشت. سخنرانی هر یک از اعضا با اجازه رییس جلسه ممکن بود. برای پیشنهادها فوراً در هر جلسه رأی‌گیری می‌شد. رأی‌گیری‌ها به صورت علنی و مخفی انجام می‌شد. برای بررسی مسایل مطرح شده، متناسب با موضوع، کمیسونی مرکب از ۳ تا ۵ نفر از اعضا انتخاب می‌شدند تا مطلب را به صورت دقیق بررسی و نتیجه را در جلسه علنی اعلام نمایند. کفایت مذاکرات در هر موضوع با رأی‌گیری و از سوی رییس عنوان می‌شد. در موقع ملاقات با مقام‌های دولتی، اتحادیه تجار بر اساس مقتضیات، از بین خود افرادی را انتخاب و اعزام می‌نمود. هر نوع اقدام از طرف اتحادیه می‌بایست بر اساس سند کتبی و بطور رسمی صورت گیرد.^(۶)

اعضای اتحادیه تجار شامل اعضای عمومی و منتخب بود. عده اعضای عمومی مطابق نظام‌نامه اساسی غیر محدود بود و این اعضا می‌بایست از بین خود تعداد ۳۰ نفر را به مدت دو سال با شرایط معین انتخاب کنند. تنها کسانی که شغل رسمی آن‌ها تجارت بود، کمتر از بیست سال سن نداشتند و حداقل یک سال در محل رأی به داد و ستد تجاری مشغول بودند، حق رأی داشتند. اشخاصی که تجارت را ترک کرده و مستخدم دولت شده بودند، کارکنان تجارتخانه‌ها، معروفین به فساد، ورشکستگان، افراد کمتر از ۲۵ سال و بیشتر از ۷۰ سال و آن‌هایی که سواد فارسی نداشته یا از امور تجارتی بی‌اطلاع بودند از انتخاب شدن محروم بودند.^(۷)

شیوه انتخابات اعضای اتحادیه تجار که به مدت دو سال انتخاب می‌شدند برگرفته از سبک انتخابات عمومی کشور بود. آنان نیز همچون نمایندگان مجلس برای مدت دو سال انتخاب می‌شدند و تنظیم شرایط انتخابات اتحادیه به دلیل حضور حاج محمدحسین امین‌الضرب در تنظیم نظام‌نامه انتخابات مجلس شورای ملی، بیشتر تقلیدی تعدیل یافته از همان شرایط بود. انتخابات اتحادیه با حضور انجمن نظارت صورت می‌گرفت. اعضای انجمن از سوی منتخبین سابق قبل از اتمام مدت انتخاباتشان تعیین می‌شدند. تعداد انجمن نظار هشت تن بود که سه نفر از سوی اتحادیه و پنج تن از تجار آگاه و بصیر خارج از اتحادیه برگزیده می‌شدند. انتخابات با رأی مخفی و با اکثریت نسبی بود. مدت ارائه تعرفه پنج روز بود. کسانی که در انتخابات شرکت نمی‌کردند حق شکایت و اعتراض نداشتند.

انجمن نظار از طریق روزنامه‌های محلی و اوراق خصوصی زمان تجدید انتخابات را به

عموم تجار اعلام می نمود. زمان، مکان، عده نمایندگان، شرایط انتخاب کنندگان در اعلان‌ها مشخص می شد. تعرفه‌های انتخاباتی که شامل مشخصاتی همچون نمره، تاریخ، اسم رای دهنده، شغل، اسم پدر، آدرس و مهر و امضای انجمن نظارت بود و در آن زمان و مکان رأی گیری مشخص شده بود، در اختیار رأی دهندگان قرار می گرفت.^(۸) انجمن نظارت تا پایان انتخابات، قرائت آراء، تعیین نمایندگان اتحادیه و قرائت اسامی آن‌ها به کار خود ادامه می داد. هیأت نظار پس از انجام امور، اسناد و مدارک را به هیأت ریسه جدید تحویل داده و به کار خود خاتمه می دهد.^(۹)

جلسه‌های اتحادیه تجار در محل ثابت و معینی برگزار نمی شد؛ جلسه هر بار در منزل، حجره یا تجارتخانه یکی از تجار تشکیل می گردید، متناوباً با اعضای انتخاب شده، از امکانات این افراد برای محل اتحادیه استفاده می شد. در دعوت‌نامه‌هایی که بصورت اعلان پخش شد، مرکز اتحادیه را واقع در بازار بزازها جنب تیمچه حاجب الدوله و در اعلان دیگری بازار نزدیک چهارسوق کوچک و در دعوت‌نامه دیگری در خیابان درب اندرون‌خانه حکیم‌المک ذکر کرده‌اند.^(۱۰) ریاست اتحادیه تجار تهران در چندین دوره به عهده حاج محمدحسین امین‌الضرب بود. انتخابات دوره دوم در ذی‌حجه ۱۳۳۹ برگزار شد. اتحادیه تجار در پایان دوره اول طی دعوت کتبی و اعلان تشکیل جلسه عمومی، از تجار خواست برای شنیدن خلاصه‌ای از عملیات دو سال گذشته و معرفی اعضای انجمن نظار برای انتخابات دوره دوم و مطالعه نظام‌نامه اساسی داخلی و انتخابات اتحادیه که به چاپ رسیده و در اختیار اعضا قرار خواهد گرفت، در گردهمایی عمومی اتحادیه تجار شرکت نمایند.^(۱۱)

در جلسه‌های عمومی تجار که برای گزارش کارهای یک دوره انتخاباتی و یا در موارد خاص از اعضای عمومی دعوت به عمل می آمد که با برنامه‌ریزی و همراه سخنرانی و پذیرایی از شرکت کنندگان صورت می گرفت. موضوع سخنرانی‌ها و افراد سخنران از قبل تعیین می شد. در افتتاح دومین دوره انتخابات اتحادیه تجار، جلسه کمیسیون انتخابات اتحادیه با حضور حاج عباسقلی آقا، آقای اسلامی، آقای فقیه، کاشانی، قزوینی، شرکت، کتابفروش، کاشانچی، جعفر، نیکپور و کاشف تشکیل شد؛ قرار بر این شد که در جلسه عمومی در ابتدا حاجی معین‌التجار مختصر نطقی در شروع و پایان جلسه انجام دهد، سپس کاشف بعد از مختصر نطقی لایحه‌ای را که مقصود جمعیت را تضمین خواهد کرد و به چاپ رسیده قرائت کند و بعد آقای اسلامی شرحی در علت عمده تشکیل جلسه عمومی شرح دهد و در پایان حضار را به انتخاب ۹ نفر از تجار عمده معین شده از طرف هیأت دعوت نمایند. هیأت، اسامی ۱۸ نفر از تجار معتبر را بر روی تابلو تعیین و در نظر عموم قرار داده است. مقرر شده است اسامی این افراد که بر روی ورقه‌هایی نیز چاپ شده بین حضار تقسیم شود که هر عده را که مایل بودند انتخاب و بر روی اسم بقیه خط بکشند. در ضمن تعیین گردید که آقایان کتابفروش و نیکپور^(۱۲) برای تجار در زمینه «اقتصادیات و لزوم بودن تجار

در مجلس «مطالبی تهیه کرده که بعد به چاپ رسیده در اختیار تجار قرار گیرد»^(۱۲) بدیهی است این گونه جلسه‌ها نه تنها انسجام درونی طبقه تجار را تقویت می‌کرد و آن‌ها را به صورت یک کل متشکل مطرح می‌ساخت، که به آگاهی و رشد فکری آن‌ها از جنبه‌های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌افزود و عملکردهای آنان را همسوتر می‌کرد. تجار با پشت سر گذاشتن بحران‌های سیاسی - اقتصادی گذشته به ضعف گروهی خود آگاهی یافتند و در صدد رفع آن برآمدند. اما تشکلهایی این چنین در جامعه‌ای عقب‌مانده و بحران‌زده بی‌تردید با موانع متعددی مواجه می‌گشت. این موانع را می‌توان به دو دسته درون گروهی و برون گروهی تقسیم کرد. مشکلات برون گروهی آن به ساختار سیاسی - اجتماعی جامعه بازمی‌گشت. جامعه ایران در این مرحله که دوران انتقال از نظام سیاسی استبدادی به نظام مشروطه را پشت سر می‌گذاشت، هنوز به آن درجه از شکوفایی جامعه مدنی نرسیده بود که نهادهای مستقل صنفی را در درون خود پذیرا باشد. هر چند پیدایش گونه‌های مدنی می‌توانست طلوع پیدایش جامعه مدنی محسوب شود، ولی این خطر نیز وجود داشت که به دلیل عدم هماهنگی با ساختار اجتماعی جامعه به یک نهاد تشریفاتی، بی‌مسئولیت و ناکارآمد تبدیل شود و همین امر تجار را از حضور فعال در آن دلسرد کند. ناهماهنگی ساختار سیاسی جامعه با این گونه نهادها، کارآیی و پیشبرد عملی امور را کاهش می‌داد و به دلسردی تجار می‌افزود.

با وجود فعالیت اتحادیه تجار در سالهای متمادی، به نظر می‌رسد برخی اختلاف‌ها و دسته‌بندی‌های درونی، بی‌اهمیت شمردن امور اتحادیه و ترجیح دادن امور شخصی بر کارهای اتحادیه موانعی را بر فعالیت‌های اجرایی آن ایجاد کرده باشد. امین‌الضرب که در سال ۱۳۴۱ هجری مجدداً برای بار سوم به ریاست اتحادیه تجار برگزیده شد،^(۱۳) بر اثر اختلاف نظرهای داخل اتحادیه در ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۴۲ طی نامه‌ای به اتحادیه تجار از سمت ریاست جلسات استعفا داد. وی دلیل استعفای خود را «جلوگیری از بروز مخالفت‌هایی بین آقایان تجار محترم»^(۱۴) ذکر می‌کند و برای حفظ وحدت بین تجار تمایل خود را برای عضویت معمولی در جلسه‌ها ابراز می‌نماید. در اسناد موجود دلایل این اختلاف‌ها و علت استعفای امین‌الضرب مشخص نشده است ولی بنظر می‌رسد استعفای وی پذیرفته نمی‌شود چون در سال‌های بعد نیز همچنان به عنوان رئیس اتحادیه تجار مرکز انجام وظیفه می‌کند.

بی‌تردید در تصمیم‌گیری‌های هر تشکل و گروهی اختلاف نظر بروز می‌کند. از آنجایی که اتحادیه تجار در مسایل گوناگون سال‌های پر تلاطم پس از جنگ جهانی اعلام مواضع می‌کرد، در مواردی با مخالفت‌هایی از سوی تجار و بازاری‌ها مواجه می‌شد که تحلیل، رده‌بندی و جنس اختلاف‌ها نیاز به اسناد و مدارک بیشتری در این خصوص دارد. بطور مثال تلگراف از بازار مشهد به وزارت دربار حاکی از دو دستگی ما بین تجار و مخالفت گروهی با اتحادیه تجار خراسان بود. در این گزارش آمده است هنگامی که اعضای اتحادیه در صدد

ارسال مطالب خود به دربار بوده‌اند، عده‌ای قفقازی در حجره حاج غلامرضا جمع شده و تلگراف را پاره و به اتحادیه تجار توهین و تهدید کرده‌اند. در پی این شکایت، از وزیر دربار به ایالت خراسان تلگراف شد افراد مذکور مورد بازخواست قرار گیرند.^(۱۵) در جایی دیگر نویسنده نامشخصی طی نامه شکایت‌آمیزی به امین‌الضرب به ایجاد اختلاف بین تجار و اصناف در یکی از جلسات اتحادیه تجار اعتراض کرد. وی این نوع اختلاف‌ها را نتیجه تحریکات افراد بخصوصی همچون منصورالسلطنه و فقیه‌التجار دانسته است و اختلاف بین بازاری‌ها را به ضرر تجار و اصناف عنوان کرده و اختلاف بر سر انتخابات عدلیه را بهانه تفرقه قلمداد نموده و خواهان تدبیری برای رفع این اختلاف‌ها شده است. وی در جایی از نامه خود می‌گوید: «نتیجه‌ای که از مشروطه تاکنون حاصل شده آن است که محاکم تجارت، ملی و از تجار و اصناف انتخاب شوند و همین امر با سیاست برخی افراد هماهنگ نبوده و درصدد تغییر آن برآمده‌اند.»^(۱۶) در هر حال اختلاف بر سر محاکم عدلیه بوده است و بیانگر این نکته است که همواره اصناف در پی تجار بزرگ در حرکت نبوده‌اند و در مواردی نیز اختلاف نظرهایی بروز می‌کرده، ولی در هر حال تجار به دلیل حوزه‌های وسیع‌تر ارتباطی و نزدیکی با مراکز قدرت از وسعت عمل بیشتری برخوردار بودند و نهایتاً نظر آن‌ها موثر واقع می‌شد. البته تجار در موارد متعددی نیز از اصناف حمایت می‌کردند.

در ماجرای بستن دکان آقا شیخ حسین عطار و ضبط دفاتر و توقیف وی توسط اداره مالیه، هیأت اتحادیه تجار ضمن اعتراض به عمل اداره مالیه، این رفتارها را موجب «توهم و توحش عموم اهالی بازار» دانسته و بی‌حرمتی به شخص مزبور که رییس صنف بوده را جایز ندانست. در نامه اعتراضی که به رییس الوزراء نوشته شد، دعاوی اداره مالیه از شیخ حسین مربوط به دفاتر بانک استقراضی قلمداد شد که به ملت واگذار شده بود و در پایان نامه خواسته شد دستور بازگشایی دکان شیخ حسین صادر شود که «بیش از این اسباب توهین تجار و کسبه واقع نشود.»^(۱۷) تجار از اعضای بازار به عنوان یک کل متشکل در مقابل «دیگری» که می‌توانست منافع عمومی بازاری‌ها را به خطر اندازد، حمایت می‌کرد.

وضعیت تشکیل جلسه‌های اتحادیه در سال‌های بعد نامنظم‌تر شد و به نظر می‌رسد از اقتدار و نظم لازم برخوردار نبوده است. امین‌الضرب در شوال ۱۳۴۳ طی نامه‌ای به حاج رحیم اتحادیه از عدم حضور وی در جلسه‌ها ابراز تأسف می‌نماید و اینکه «بعضی از آقایان اعضای محترم هیأت اتحادیه تجار از عدم تشکیل جلسات رسمی گله‌مند» هستند. وی از حاج رحیم دعوت می‌کند طبق قرار قبلی در شب دوشنبه دهم شوال در منزل حاج میرزا علی‌آقا تاجر قیصریه شرکت کند.^(۱۸) همچنین هیأت تجار به منظور جلوگیری از بی‌نظمی در تشکیل جلسه‌ها، اصولی را به عنوان ضمیمه نظام‌نامه داخلی به تصویب رساندند. هر یک از اعضا که در اول وقت انعقاد جلسه حاضر نشوند باید پنج هزار دینار و اگر در تمام مدت جلسه غایب باشند، یک تومان به عنوان جریمه به صندوق هیأت بپردازند. اگر هر یک از

اعضا دو جلسه متوالی غیبت کند سه تومان و هرگاه سه جلسه متوالی در جلسات حضور نداشته باشد موظف به پرداخت شش تومان جریمه به صندوق هیأت می‌باشد. در صورتی که عضوی چهار جلسه متوالی حضور نیابد و جریمه‌های نقدی را نیز نپردازد از عضویت منفصل و به جای وی یک نفر دیگر از منتخبین عمومی برای عضویت دعوت خواهد شد.^(۱۹)

اسناد آرشیو امین‌الضرب حاکی از آن است که طی سال‌های بعد به تدریج هیأت اتحادیه تجار شهرستان‌ها نیز تشکیل شد. نامه‌ای از سیدحسین آقا شاهرودی به امین‌الضرب نوشته می‌شود و تقاضا می‌شود چند جلد نظام‌نامه اتحادیه تجار تهران به شاهرود فرستاده شود تا اتحادیه تجار شاهرود را که پیش از این تشکیل ولی از این رفته بود مجدداً بازسازی کند.^(۲۰) هیأت تجار همدان برای ارتباط با شبکه مرکزی اتحادیه به هیاده بیستم نظام‌نامه اشاره، و تصریح نمود با اختیار نمودن نظام‌نامه داخلی اتحادیه، تجار تهران مایل به همکاری با شبکه مرکزی هستند.^(۲۱) در شهرهای بزرگی همچون اصفهان، شیراز، بوشهر، رشت، سمنان، شاهرود، همدان، کاشان و خراسان، اتحادیه تجار تشکیل شد؛ همچنین شعبه‌هایی در خارج از کشور از جمله در مصر نیز ایجاد گردید.

بتدریج اتحادیه تجار توانست با شعبه‌های شهرستان خود مرتبط شود و یک شبکه ارتباطی گسترده در شهرهای مختلف کشور ایجاد نماید. این امر به آنان کمک کرد تا به صورتی وسیع و هماهنگ به اعلام مواضع مشترک در مسایل سیاسی - اجتماعی بپردازند. بطور مثال اعتراض هماهنگ و یکسانی از سوی اتحادیه تجار بوشهر، شیراز، اصفهان و تهران به مجلس شورای ملی در خصوص افزایش حقوق ماهیانه وکلای مجلس از ماهی دوپست به سیصد تومان مخابره شد.^(۲۲) نکته قابل توجه در این تلگراف‌ها توصیه‌ای بود که شعبه بوشهر به تهران کرده و از آن‌ها خواسته بود آنان نیز بطور جداگانه اعتراض خود به موضوع را مخابره نمایند. این امر حاکی از هماهنگی، همراهی و ارتباط شعبه‌های گوناگون اتحادیه در شهرستان‌ها با مرکز بود.

۲- کارکردها و مواضع نظری

اتحادیه تجار در چندین حوزه فعالیت داشت. بخشی از امور به مسایل داخلی تجار مربوط می‌شد. از جمله رسیدگی به اختلاف‌ها و مداخله در دعاوی مالی و محاکم تجارتی، برخی موبوط به صدور «تذکره» و معرفی‌نامه برای تجاری بود که قصد مسافرت تجارتی به خارج از کشور داشتند و بخشی نیز مربوط به درگیری‌های تجار با وزارت مالیه و دیگر مراکز قدرت دولتی بود. بطور مثال شکایت خواجه اسدالله عصاره دزفولی از حاج میرزا علی آقا قیصریه که بدهی خود را که مدت پنج سال از آن گذشته بود، نمی‌پرداخت. شخص شاکی مدعی شد که این مسأله با واسطه‌گری تجار معتبری از جمله امین‌الضرب نیز حل نشده

است. وی به همین دلیل به اتحادیه تجار مراجعه کرد و از آنان خواست به این امر رسیدگی کنند. (۲۳)

از امور دیگری که اتحادیه به رسیدگی آن می‌پرداخت، مسأله ورشکستگی تجار بود. از این موارد می‌توان به مجموعه مکاتبه‌های اتحادیه تجار اصفهان، حکومت اصفهان و حاج محمدحسین سدهی در خصوص چگونگی تقسیم اموال وی ما بین طلبکارانش اشاره کرد. حاج محمدحسین طی نامه‌هایی به حکومت اصفهان و ریاست وزرا در مورد تقسیم بی‌رویه اموال وی در غیاب او در اصفهان شکایت کرد. وی نوشت هنگامی که او در بمبئی بوده، طلبکاران مال‌التجاره موجود در تجارتخانه وی را به صورت «غیرقانونی و غیرشرعی و به خلاف قانون عادلانه و به قیمت نازل» و بدون حضور نماینده وی به صورت بی‌رویه تقسیم کرده‌اند. وی تقاضا کرد با حضور چندتن از تجار به حساب وی رسیدگی شود تا اموال او که بدون عدل و انصاف تقسیم شده، مسترد گردد. (۲۴) وی در نامه دیگری که به ریاست وزرا نوشت از اینکه «حکومت صالح به رسیدگی دعاوی حقوقی» نمی‌پردازد، ابراز ناراحتی کرد. (۲۵) حکومت اصفهان از اتحادیه تجار اصفهان دعوت نمود دو نفر نماینده خود را معرفی نماید تا برای رسیدگی به حساب حاج محمدحسین سدهی در جلسه‌ای که در اداره حکومتی تشکیل می‌شد، شرکت نمایند. (۲۶) همچنین حکومت اصفهان تقاضای طلب فردی از کنسولگری انگلستان به نام موسیو نورا از حاج محمدحسین را به اتحادیه تجار ابلاغ نمود و خواستار معرفی افرادی از اتحادیه برای شرکت در جلسه‌ای به منظور رسیدگی به این امر شد. (۲۷)

کمیسیونی با حضور نمایندگان اتحادیه تجار و نماینده عدلیه برای رسیدگی به حساب حاج محمدحسین سدهی تشکیل گردید. اعضای این جلسه، حاج سیدعبدالمجید قزوینی، سیدمحمود بنکدار، اجلال‌الملک و حاج محمدکاظم بودند که از حاکم اصفهان تقاضای همکاری و کمک برای اجرای مصوبات خود نمودند. آنان تقاضا کردند برای اینکه «با یک اقتدار محکمی نظریات عدالت خواهانه خود را به موقع اجرا بگذارند» و برای رفع موانع اجرایی از حاکم اصفهان خواستند با آنان همکاری کنند. (۲۸) بدیهی است ضمانت اجرایی تصمیم‌های اتحادیه تجار جز با همکاری و همراهی حکومت و تضمین اجرایی آن میسر نبود.

اتحادیه تجار به منظور ایجاد شرایط مناسب‌تر تجارتي برای تجاری که قصد مسافرت به کشورهای خارجی داشتند، معرفی‌نامه‌هایی صادر می‌کرد تا در مراجعه به کنسولگری‌ها شغل و هدف تجارتي آن‌ها از مسافرت به آن کشورها مشخص شود. بیشتر این تذکرها برای کنسولگری روسیه صادر می‌شد، چرا که روسیه به دلیل شرایط ویژه پس از انقلاب کنترل بیشتری بر مسافرانی که قصد عبور یا مسافرت به این کشور داشتند، اعمال می‌کرد. حاج محمود عبدالباقی یزدی برای رفتن به اروپا از راه روسیه از امین‌الضرب تقاضای

معرفی نامه رسمی از هیأت اتحادیه تجار کرد.^(۲۹) امین‌الضرب نامه‌های دیگری نیز به شارژدافر روسیه نگاشت و در خصوص شخصی به نام هاشمی که جهت امور تجارتنی به بادکوبه و باطوم سفر کرده، توصیه نمود و سفارش‌های لازم برای تسهیل مسافرت وی فراهم کرد و «تصدیق نامه‌هایی» به دوایر دولتی ارسال نمود تا شرایط بازگشت وی به ایران فراهم گردد.^(۳۰) آقامیرزا جعفرخان نیز سمت نمایندگی هیأت اتحادیه تجار تهران را داشت، امین‌الضرب نامه‌ای نگاشت و ضمن معرفی وی از دوایر دولتی خواست مساعدت‌های لازم برای سفر وی فراهم گردد.^(۳۱) حاج میرزایعقوب و میرزاحسین‌آله مبین از تجارتخانه مبین عازم آلمان بودند و چون دولت جمهوری روسیه برای صدور ویزا به ورقه معرفی نامه اتحادیه نیاز داشت، امین‌الضرب برای آنان معرفی نامه‌ای صادر کرد.^(۳۲)

از آنجایی که شناسایی تمام تجار برای اتحادیه امکان‌پذیر نبود. در مواردی تجار سرشناس‌تر به معرفی و تأیید تجار ناشناخته‌تر می‌پرداختند. بطور مثال حاج میرزا اصفهانی قیصریه جهت معرفی آقامیرزا ابراهیم کلیمی که از طریق روسیه عازم برلین بود، نامه‌ای به امین‌الضرب نوشت و از وی خواست برای «تصدیق تذکره» او در سفارت روسیه به او معرفی نامه دهد.^(۳۳) ظاهراً امین‌الضرب تجار مورد تأیید خود را به سفارت روسیه معرفی می‌کرده، به این منظور که این افراد صرفاً قصد تجارتی داشته‌اند. حاجی محمد حجره طی نامه‌ای به امین‌الضرب به منظور معرفی میرزا حسن خان کورس تأکید می‌کند که وی «داخل در خبری سیاسی نیستند فقط برای تجارت عازم هستند».^(۳۴) تجار شهرستانی در مواردی برای اثبات فعالیت‌های تجاری خود مجبور به ارائه استشهاد محلی می‌شدند. در نامه یکی از این تجار آمده است: «محترماً معروض می‌دارد اینجانبان امضا کنندگان ذیل آقای میرزا اصغر ولد جناب حاجی لاله‌زار را که یکی از تجار محترم کرمانشاهان می‌باشند، بخوبی می‌شناسیم».^(۳۵) در نامه‌های توصیه شده علاوه بر ذکر تاجر بودن شخص معرفی شده، بر اینکه وی فقط برای تجارت مسافرت می‌کند یا «شخص سالم و محترم» است، تأکید می‌شود.

اتحادیه تجار در سال‌های بعد به منظور گسترش روابط تجارتی مابین شهرهای ایران با خارج از کشور و اینکه نامه‌هایی به اتحادیه می‌رسید که تجاری که در زمینه‌های مختلف تجاری فعالیت داشتند معرفی نماید؛ همچنین نیاز اتحادیه به داشتن فهرستی از اسامی تجار تا از توصیه‌نامه‌ها و معرفی‌نامه‌های فردی و گروهی خلاصی یابد، تصمیم به ایجاد «احصائیه هیأت تجار» گرفت و برگه مشخصاتی تهیه شد. اتحادیه بر اساس این برگه که در آن اسم، مشخصات، محل تجارت، موطن اصلی، محل زندگی، نوع تجارت و کشورها و شهرهای طرف تجاری در آن تعیین شده بود از تجار خواست با پر کردن برگه مزبور مشخصات مذکور را به اتحادیه تحویل دهند.^(۳۶) اتحادیه می‌توانست در صورت تکمیل چنین آماری انسجام و گسترش شبکه‌های ارتباطی خود را بسیار تقویت کند.

از آنجایی که اتحادیه تجار نهادهای مستقل، غیردولتی و معتبر محسوب می‌شد، ملزم به ایجاد و حفظ ارتباط‌های برون مرزی خود بود. هیأت اتحادیه تجار به خاطر حادثه‌ای که منجر به هلاکت ویس قونسول دولت آمریکا شد نامه تسلیتی به وزیر مختار دولت آمریکا در تهران و نامه‌ای نیز توسط سفارت ایران به «مقام ریاست عالیہ جمهوری اتازونی» نوشت.^(۳۷) همچنین از سوی نمایندگی مختار دولت «جمهوری سوسیالیستی اتحاد شوروی روس» با امین‌الضرب به عنوان رییس‌التجار در خصوص فروش پنبه، مدت تشکیل بازار مکاره بادکوبه و ارسال شش شماره از جریده کمیته مکاره بادکوبه مکاتبه شد.^(۳۸)

تجار ایرانی خارج از کشور به منظور بهبود شرایط تجاری خود با اتحادیه تجار مرکز مرتبط بودند و به مبادله افکار و رایزنی در امور مؤثر در مسایل تجاری متنی پرداختند. هیأت تجار مصر که از تجار معتبری همچون حاج محمدجواد مشکو، امین‌التجار اصفهانی، ناصرالتجار و ناظم‌التجار تشکیل شده بود، طی نامه‌ای به امین‌الضرب به عنوان رییس اتحادیه تجار، احضار امیر ارفع وزیر مختار ایران در مصر را مخالف منافع ایران دانستند و ابراز نمودند این امر «حقوق تجارت ماها را به خطر می‌اندازد»، آنان معتقد بودند مدت زیادی طول خواهد کشید تا وزیر مختار جدید بتواند اطلاعات و معرفیت امیر ارفع را پیدا کند و بتواند ملاقات‌های مؤثری با مقام‌های مصری پیدا کند. آنان حتی پیشنهاد کردند مقرری امیر ارفع را خود متعهد می‌شوند و در «تزیید عایدات» هم خواهند کوشید. آن‌ها از امین‌الضرب برای مذاکره با مقام‌های دولت ایران و همراهی با آن‌ها در این پیشنهاد کمک خواستند و در بخشی از نامه در مورد پیشنهاد خود خطاب به امین‌الضرب می‌نویسند: «اگر رد فرمایید به کلی اسباب یاس عموم تجار ایرانیان... می‌شود.»^(۳۹) این مذاکره‌ها علاوه بر آنکه پیوستگی شبکه تجار داخل و خارج از کشور را روشن می‌سازد به نفوذ و مداخله تجار در مسایلی فراتر از امور تجارتی اشاره دارد و حضور فعال آنان در پشت صحنه‌های سیاسی را گوشزد می‌کند.

در مورد تجارت با شوروی و مساله انحصار تجارتی^(۴۰) که در سال‌های پس از انقلاب اکبر در این کشور متداول شد مکاتبه‌هایی ما بین وزارت امور خارجه با اتحادیه تجار صورت گرفت و اتحادیه، نظریه‌های اصلاحی خود برای ایجاد شرایط بهتر تجاری با دولت شوروی را به وزارت خارجه اعلام نمود.^(۴۱) حتی امین‌الضرب با شومیاتسکی، شارژدافر دولت شوروی وارد مذکره شد تا برخی کالاهای تجار ایرانی بدون مداخله اداره انحصار دولت شوروی، ویشتورک، مورد مبادله قرار گیرد. از این جمله می‌توان از سی عدل کالاهای میرزا غلام‌علی باقر که از انزلی به بادکوبه حمل می‌شد، همچنین یکصد و پنجاه و شش عدل پنبه محمدجعفر آقا خامنه که قرار بود از مشهد سر به بادکوبه حمل شود و محصول شکر صمدآقا خامنه که قصد حمل آن از بادکوبه به ایران را داشت، نام برد. امین‌الضرب سعی کرد از طریق مذاکره‌های شفاهی و ایجاد روابط شخصی برای این تجار توصیه عبور

بگیرد. (۴۲)

رایزنی اتحادیه تجار با دولتمردان به حوزه تهران محدود نمی‌شد. در اصفهان نیز مذاکره‌هایی مابین شهاب‌السلطنه، حکمران اصفهان با اتحادیه تجار برقرار شد و حکمران از اتحادیه تجار خواست برای مذاکره حضوری در خصوص تلگرافی که در مورد عدم امنیت راه‌ها و سرقت اموال به مرکز شده، نمایندگانی را به حکومت معرفی نمایند. اتحادیه تجار نیز اعتمادالتجار و صدرالسادات را به حکمران اصفهان معرفی نمود. (۴۳) در مذاکره نمایندگان با حکمران اصفهان در مورد تأمین امنیت راه‌ها و چگونگی تأمین بودجه صحبت شد. (۴۴)

اعتراض‌های تجار در خصوص قوانین، لوایح، رفتار برخی از اعضای حکومت، مصوبات مجلس و مسایلی از این دست نیز از طریق اتحادیه مطرح می‌شد. از این نمونه می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: هیأت تجار سمنان در مورد برخی «عملیات قانون شکنانه» ماموران احمد آقاخان امیرلشکر که موجب آسیب به تجار و تجارت گردیده تقاضای پیگیری و احقاق حق آنان را نموده است. (۴۵) اتحادیه تجار بوشهر و دیگر شهرستان‌ها به افزایش حقوق نمایندگان مجلس اعتراض نمودند. (۴۶) اتحادیه تجار اصفهان طی اعلانی با عنوان «لایحه انهدام تجارت و زراعت در تحت عنوان جالب لایحه الغای مالیات ارضی» بطور مفصل به تشریح دیدگاه‌های انتقادی خود در خصوص مالیات تریاک پرداخت. مخالفت با انحصار دولتی که به ضرر تجار گردیده، ممانعت دولت از خرید تریاک توسط تجار، افزایش گمرک واردات تنباکو و عدم رونق صدور آن و لایحه الغای مالکیت ارضی از جمله این انتقادات بود. تجار نتایج این گونه تصمیم‌گیری‌ها را رکود زراعت تریاک دانستند. (۴۷)

اتحادیه تجار مرکز نقش واسطه و رابط خواست‌های اتحادیه تجار شهرستان‌ها را با مقام‌های دولتی بازی می‌کرد. بطور مثال رساندن خبر تحصن تجار آمل به ریاست وزرا در مورد عملیات پولی بانک شاهنشاهی که به امور تجارتی آنان آسیب فراوان وارد کرده بود، توسط اتحادیه تجار مرکز صورت گرفت. (۴۸) نکته قابل توجه تمایزی است که مابین روش انتقادی و رادیکال اتحادیه تجار شهرستان‌ها نسبت به اتحادیه تجار مرکز به چشم می‌خورد. هر چند اظهار نظر قطعی نیازمند اسناد گسترده‌تری است ولی در بین اسناد موجود به نظر می‌رسد شعبه تهران به دلیل نزدیکی به حکومت و دولت مرکزی از شیوه‌ای ملایم‌تر و محتاط‌تر نسبت به اتحادیه تجار شهرستان‌ها برخوردار بود.

اتحادیه تجار از منافع هم مسلکان خود حمایت می‌کرد، حمایت اتحادیه از شیخ حسین عطار یکی از روسای اصناف و اعتراض به توقیف اموال و دفاتر وی، (۴۹) حاکی از نوعی همبستگی تجار با اهل بازار بود. اتحادیه تجار در مواقع ضروری برای حفظ منافع هم‌صنفان خود می‌کوشید. در هنگامی که وزارت مالیه قصد حراج املاک امین‌الضرب را داشت،

اتحادیه طی نامه‌ای به میلسپو رییس کل مالیه از وی خواست قبل از اجرای تصمیم به دلیل عدم حضور امین‌الضرب در مرکز ملاقاتی با نمایندگان اتحادیه تجار انجام دهد تا نظریه‌های خود را با وی در میان بگذارند.^(۵۰)

اتحادیه تجار به اهمیت قوانین مصوبه مجلس واقف بود. از این رو، اسامی تعدادی از تجار را به منظور نمایندگی در مجلس به بازاریان پیشنهاد داد.^(۵۱) حتی در تذکر به نمایندگان مجلس چهارم به آنان متذکر شدند بی‌ثباتی سیاسی، اعلام رای عدم اعتماد به دولت و کشمکش‌ها و اختلاف‌نظرهای سیاسی، «خاطر عموم را مشوش» می‌نماید و «تزلزل هیأت دولت اسباب انزجار عامه و سبب عدم پیشرفت امور است مملکتی نمی‌گردد».^(۵۲) از مجلس دوم به بعد که حضور سیاسی تجار در مجلس کاهش یافت، تجار در پی راه‌یابی جدید برآمدند و از بیرون مجلس به بیان دیدگاه‌های خود پرداخته و در موضعی انتقادی تمایل اصلی خود به لزوم ثبات سیاسی در کشور و حل بحران‌های سیاسی موجود، سقوط پیاپی کابینه‌ها را با اصلاح عملکرد مجلس تذکر دادند.

از آنجایی که اتحادیه تجار نوعی تشکل و نهاد مدنی محسوب می‌شد که از انسجام و تشکیلات نوینی برخوردار بود، طبعاً قشری از تجار را که از سطح آگاهی و فهم بالاتری برخوردار بودند، در خود جای می‌داد. این گروه از تجار از افکار مترقی‌تری برخوردار بودند و این افکار در اعلان‌ها و بیانیه‌های این نهاد بازتاب می‌یافت. اتحادیه تجار همدان به مجلس و هیأت وزرا پیشنهادهایی ابراز می‌کند. آنان در نامه خود به بحران اقتصادی و وخامت اوضاع تجاری اشاره می‌کنند. از قانون منع خروج طلا و نقره در مجلس سوم و چهارم که با طرح و اصلاحاتی به تصویب رسید، حمایت کردند. تجار پیش از هر چیز تعدیل صادرات و واردات را از اصولی‌ترین امور قلمداد کردند و فروش سکه‌های ایران در بازار بغداد و بمبئی را موجب کاهش نقدینگی و آسیب به اقتصاد کشور دانستند. آنان با بیان آمارهای رسمی گمرک در سال‌های ۱۳۳۸ و ۱۳۳۹ قمری، کاهش صادرات کشور را هفتاد و هشت کرور تومان اعلام کردند و ابراز نمودند طی دو سال یکصد و پنجاه و شش کرور تومان منابع نقدی کشور در ازای مازاد واردات به خارج از کشور منتقل شده است. آنان آخرین علاج را تعدیل صادرات و واردات از طریق حمایت‌های دولتی دانستند. تجار پیشنهاد کردند با حمایت قانون و دولت از ورود کالاهای خارجی که به نابودی صنایع داخلی کشور در شهرهای کرمان، اصفهان، کاشان و یزد منجر شده است، جلوگیری شود. منع ورود کالاهای تجملی و تفننی و مواد غیرضروری می‌تواند به نوعی تعادل صادرات و واردات منجر گردد و با بررسی تولیدات وطنی از ورود کالاهای مشابه آن‌ها به کشور جلوگیری می‌شود.^(۵۳) تجار در این مقطع با نوعی رویکرد مرکانتلیستی بدنبال توازن صادرات و واردات هستند. طبیعی بود که رونق صادرات به افزایش نقدینگی کمک می‌کرد. همسویی تجار با صنعتگران داخلی، حتی تقویت صنایع قدیمی، مخالفت با ورود اشیای تجملی که با ورود مظاهر نوین

زندگی غربی ایجاد شده بود، تجار را نگران می‌ساخت. صابون‌های عطری، کفش‌های چرمی، جوراب‌های زنانه، انواع کالاهای خرازی که در بین اقشار متوسط شهرنشین متداول شده بود و کالاهای مشابه داخلی که به دلیل کارخانه‌ای بودن از کیفیت بهتر و قیمت ارزان‌تر برخوردار بود، هجوم روزافزون این کالاها که به خروج نقدینگی از کشور انجامیده بود، تجار را به آینده بدبین می‌کرد.

اتحادیه تجار مرکز طی چندین نامه به دکتر میلسپو، بر تعدیل صادرات و واردات تأکید کرد و آن را برای جلوگیری از «افلاس اقتصادی» و خروج «آخرین قران‌های مملکتی» ضروری دانست. آنان پیشنهاد منع ورود اشیای تجملی و تقنینی را موجب کاهش هشت کروور از میزان واردات دانستند که با وجود این هفتاد کروور کسر همچنان به جای خود باقی می‌ماند. آنان علاوه بر منع کالاهای تجملی، بر تشویق صادرات تأکید کردند و پیش‌زمینه چنین شرایطی را امنیت، توسعه و بهبود راه‌ها، ایجاد راه‌آهن، استخراج معادن، بستن سدها، تشکیل بانک‌ها و شرکت‌ها و تشویق صنایع و احداث کارخانه دانستند. تجار بازگشت شرایط تجارتی به دوران قبل از جنگ جهانی را بسیار دشوار دانستند. هیأت اتحادیه تجار پیشنهاد می‌کند مجلس و دولت ورود اشیایی را که اتحادیه مطرح نموده، ممنوع اعلام نمایند ولی برای اجرای آن بین چهار تا شش ماه فرصت داده شود. تجار در خاتمه نامه طولانی خود متذکر می‌شوند نظریه تجار ایالات و ولایات دیگر نیز همین موارد بوده است.^(۵۴)

اتحادیه تجار همدان طی تلگرافی به مقام‌های دولتی، به بحران اقتصادی و لزوم تقویت صنایع اشاره کرد. آنان رهایی کشور از بیکاری، کمبود نقدینگی، افزایش واردات همچون منسوجات پنبه‌ای و پشمی، قند، شکر، چای، و دیگر کالاها را جز با تقویت صنایع و بررسی مصنوعات و منسوجات قابل توسعه ندانستند.^(۵۵) مشخص است طیفی از تجار به اهمیت صنایع پی برده و خواهان حمایت دولت از این بخش شدند. خواست‌های تجار که در پیش از مشروطیت، آنان را به مبارزه سیاسی برای استقرار دولت مشروطه کشانده بود، پس از آنکه با موفقیت چندانی همراه نشد و مشکلات بسیاری مانع تحقق آن خواست‌ها گردید، تجار شرایط طرح آن خواست‌ها را همزمان با به قدرت رسیدن رضاشاه مناسب یافتند و به مطالبه مجدد آن پرداختند. تعداد بسیار نامه‌ها، اعلان‌ها و مکاتبه‌های اتحادیه تجار در این موارد حاکی از همین امر است.

اتحادیه تجار همدان به ریاست تقی ایرانی در جلسه داخلی اتحادیه در چهارشنبه بیستم شعبان ۱۳۴۵ مواردی را به تصویب رساندند و اعلام کردند بستن مالیات صد در صد بر ورود اشیای تجملی به عنوان راه حل اساسی برای کاهش ورود این نوع کالاها راه حل صحیحی نیست و صرفاً به افزایش قیمت این کالاها کمک می‌کند نه به ریشه‌کن کردن آن‌ها، چرا که تجربه قانون تحدید تریاک روشن ساخت که بستن مالیات گزاف مانع ورود کالا به کشور نمی‌شود و تنها راه حل آن ممنوعیت بدون شرط واردات این کالاها به کشور

می‌باشد. (۵۶) مصوبه‌های داخلی اتحادیه با مبادله نظر حضوری اعضا صورت می‌گرفت. گاه برخی از تجار نظریه‌ها و انتقادهای خود را به صورت کتبی به اتحادیه ارسال می‌کردند. بطور مثال برخی از تجار، به وسیله نامه دیدگاه‌های اصلاحی خود را به اتحادیه تجار اعلام می‌نمودند. آنان بر لزوم رقابت صنایع داخلی با خارجی، بهبود راه‌ها و لزوم بهره‌گیری از سرمایه‌های خارجی در احداث راه‌آهن تأکید کردند؛ همچنین از انحصار ماهی‌گیری، قاچاق مسکوکات و عوارض گمرکی که مانع عملیات تجاری می‌شود و تمایل مردم به اجناس خارجی انتقاد کردند و بطور کلی مواردی در اصلاح چارچوب کلی خط مشی اقتصادی دولت مطرح نمودند. (۵۷)

علاوه بر این هیأت اتحادیه تجار دارای صبغه و وجه مذهبی و دینی بود. تجار برای حفظ وجه دینی خود که نوعی اعتبار مالی نیز برای آنان محسوب می‌شد به روابط خود با هیأت‌های عزاداری و مراسم مذهبی مرسوم اهمیت می‌دادند. جمعیت عزاداران حسینی کاشانیان به توسط امین‌الضرب از اعضای هیأت اتحادیه تجار برای شرکت در مراسم عزاداری ماه محرم دعوت نمودند. (۵۸) دعوت مشابهی نیز از سوی هیأت انصاری محله شاه‌آباد از اعضای اتحادیه و امین‌الضرب این بار برای شرکت در مراسم جشن مذهبی به عمل آمد (۵۹) که حاکی از ارتباط دوستانه این گونه مراکز مذهبی با اتحادیه تجار بود. علاوه بر آن مشارکت در امور خیریه و معارف بخشی از علایق و وظایف اعتباری آن‌ها محسوب می‌شد. حفظ شعائر مذهبی و صبغه دینی نیز می‌توانست اطمینان خیال بیشتری را برای مشتریان ایجاد کند که طرف داد و ستد آن‌ها فرد با خدا و مومنی بوده و انصاف را در معامله رعایت می‌کند.

هیأت اتحادیه تجار رشت برای نظارت بر عوارض پوطی پنج شاهی که به منظور امور خیریه در نظر گرفته بودند، در تلگرافخانه متحصن شدند تا قسمتی از این عوارض برای تأسیس «دارالمساکین» و «دارالعجزه» و قسمتی به معارف گیلان اختصاص یابد و در بیانیه‌ای که در این خصوص صادر کردند، اعلام نمودند: «هیأت تجار می‌خواهد بر عوارضی که بر خود تحمیل نموده تفتیش و نظارت داشته باشد» و خواهان منظم کردن معارف گیلان و نظارت دولت در این گونه عوارض برای جلوگیری از اختلاس شدند. در پایان هیأت تجار اعلام نمود از هر گونه مخالف‌خوانی و ایجاد ضدیت بیزار است و به واسطه عدم همکاری مأموران دولتی برای انجام تقاضاهای مزبور و در نظر گرفتن بودجه معین برای معارف گیلان در تلگرافخانه اجتماع نموده تا مطالب خود را به گوش اولیای امور برسانند و منتظر جواب مساعد می‌باشند. (۶۰) این امور نشان می‌دهد که هیأت اتحادیه تجار صرفاً به امور صنفی خود نمی‌پرداخت بلکه به مسایل اجتماعی - سیاسی که به گونه‌ای با دیدگاه‌های عمومی آن‌ها همسان بود، نیز توجه داشت. در «خطابه‌ای که از طرف هیأت اتحادیه تجار مرکز» خوانده شد از پیروزی‌های پی در پی مصطفی کمال پاشا در آناتولی و شکست یونانی‌ها و

عقب‌نشینی واحدهای فرانسوی و ایتالیایی و نهایتاً پذیرفتن آتش‌بس توسط انگلیسی‌ها ابراز خشنودی شده است.^(۶۱) اتحادیه تجار این حادثه سیاسی برون مرزی را به نوعی پیروزی اسلام در مقابل بیگانگان قلمداد کرد و با حسی از مذهب‌گرایی آمیخته به ضدیت یا قدرت‌های بیگانه آن را ستود و از فتوحات کمال پاشا که وی را «حقیقتاً ناصر اسلام» نامید، ابراز خوشحالی کرد. در ادامه این سخنرانی به تبعید علمای شیعه از عتبات اشاره شد و تجار اعتراض و تنفر خود را به کسانی که «جابرانه و ظالمانه به علما اهانت روا و مسلمین را از وظایف دینی بازداشته و به مشاهد متبرکه با نظر بی‌اعتنایی نگریسته»، ابراز نمودند. آنان به «تجاوزات حق‌شکنانه و تعدیات جابرانه که از طرف دولت فخریه بریتانیای کبیر در بین‌النهرین و اماکن مشرفه نسبت به مقام علمای اعلام» وارد شده و به تبعید و تهدید و تخویف آن‌ها انجامید به شدت اعتراض کردند.^(۶۲) این موضع‌گیری بیانگر حساسیت تجار نسبت به مسایل سیاسی حساس برون مرزی و برانگیخته شدن احساسات ضد بیگانه آنان بود. تجار در غربی‌ها، دیگرانی را می‌دیدند که در برابر فضای بومی، دینی و خودی آمیخته با فرهنگ سنتی و محلی، قد علم کرده بودند و رقبای سرسختی بودند که مشکلات اساسی برای آنان ایجاد می‌کردند.

ب) شکل تجار در نهضت اقتصاد

یکی از عمده‌ترین مسایل تجاری تجار در سال‌های پس از جنگ بین‌الملل، بحران تجارتی ایران با همسایه شمالی بود. به دلیل تحولات سیاسی، بروز انقلاب و تغییر رژیم سیاسی روسیه، شرایط جدیدی در روابط تجاری این دولت با ایران ایجاد شد که تجار ایرانی را به واکنش‌های متعددی کشاند. نوشتن نامه‌های اعتراضی به ارکان دولت، مجلس، روزنامه‌ها، تلاش هیأت اتحادیه تجار در راه‌یابی و اعزام نماینده‌ای برای مذاکره در مورد مشکلات و در نهایت ایجاد «نهضت اقتصاد» بود که به گونه‌ای بیانگر انسجام درونی این طبقه و واکنشی در مقابل ضعف سیاست خارجی دولت محسوب می‌شد. برای فهم شکل گروهی تجار در «نهضت اقتصاد» که در اوایل دولت پهلوی بروز یافت لازم است به تشریح مشکلات تجاری ایران با دولت شوروی از نخستین سال‌های پس از پیروزی انقلاب روسیه بپردازیم.

۱- بحران تجارتی ایران و شوروی

نزدیکی سرزمین‌های دو کشور ایران و روسیه به یکدیگر، مجاورت ایالات حاصلخیز ایران با روسیه، تعداد بسیار تجار ایرانی که در تجارت با روسیه فعال بودند، مشترکات فرهنگی، شیوه‌های معیشتی و وضعیت زندگی مشابه مناطقی از روسیه با ایرانیان و عادت کردن بخشی از ساکنان قفقاز، از جمله مسلمانان این منطقه به استفاده از کالاهای ایرانی از

زمره عوامل رونق تجارت ایران و روسیه طی سالیان بسیار بود. سابقه کوتاه روسیه در تولید صنعتی، واردات از این کشور را محدود ساخته و نوعی توازن تجاری به مبادلات این کشور با ایران بخشیده بود. از عمده کالاهای ایرانی که در بازارهای روسیه به فروش می‌رسید می‌توان به پنبه، برنج، خشکبار، مرکبات و پوست اشاره کرد.^(۶۳) عمده کالاهای وارداتی از روسیه به ایران قند و شکر، نفت و بنزین و آهن آلات بود. بخش معتابیهی از صادرات ایران به روسیه منتقل می‌شد و تجار شمال کشور بیشترین مبادله را به این کشور داشتند.

وقوع انقلاب روسیه، جنبش جنگل و حوادث نظامی در این منطقه به کلی تجارت این بخش کشور را در هم ریخت. در سال ۱۹۱۸/۱۳۳۶ نماینده دولت شوروی در ورود به تهران تمامی معاهده‌ها و امتیازهای منعقد شده بین دولت تزاری و ایران را کنسولی با استقلال ایران مغایر بود، لغو کرد. در «مراسله‌ای» که کمیساریای ملی امور خارجه دولت جدید به تاریخ ۱۴ ژانویه ۱۹۱۸ ارسال داشت کلیه اصول و مبانی سیاست شوروی نسبت به ایران به طور رسمی اعلام شد و کلیه قراردادهایی که دولت تزاری بر ایران تحمیل کرده بود، لغو گردید. بر اساس این اصول، تمامی وام‌ها، امتیازها، خطوط تلگراف، راه‌ها، راه‌آهن و بانک استقراضی یا کلیه شعبه‌ها و «متعلقات ارضی» به ملت ایران واگذار شد. حق قضاوت کنسولی اتباع روسیه لغو گردید، کشتی‌رانی در دریای خزر آزاد اعلام شد و دولت شوروی حق تصرف در عواید گمرکی، تلگرافی، پستی و مالیاتی ایران را از خود سلب نمود. در این نامه حق عبور و حمل هر گونه کالای تجارتی بصورت «ترانزیت» از روسیه به هر مکانی آزاد اعلام گردید و دولت شوروی حاضر شد شرایط حمل کالاهای تجارتی ایران را با وسایل نقلیه روسیه از قبیل راه‌آهن و یا کشتی و امثال آن را فراهم نماید.^(۶۴)

دولت ایران به سفیر و مراسله دولت انقلابی اعتنایی نکرد. در سال بعد نمایندگانی که برای بستن قراردادهای جدید به ایران آمدند، بر اثر توطئه‌ای در مازندران اعدام شدند. به این ترتیب دولت ایران نتوانست از شرایط تاریخی بوجود آمده و نیاز دولت انقلابی روسیه به جلب اعتماد و موافقت کشورهای همسایه بهره گیرد و تا مدتی باب روابط مسدود شد. در دولت مشیرالدوله هیاتی به ریاست مشاورالممالک به روسیه رفت و توانست بعد از تأخیرهای زیاد، قراردادی با دولت شوروی منعقد کند؛ اما انعقاد قرارداد تجارتی به بعد موکول شد. در فصل نوزدهم و بیستم قرارداد ۱۹۲۱/۱۳۴۰ ایران و شوروی به تجدید روابط تجارتی دو کشور اشاره گردید و اجازه حق ترانزیت به کالاهای تجارتی دو کشور داده شد. عوارض گمرکی نیز مطابق معاهده «دول کامله‌الوداد» برقرار گردید.^(۶۵) ولی متن قرارداد تنها به صادرات اشاره کرده بود^(۶۶) و مشاورالممالک که مسئول عقد قرارداد بود، متوجه این مطلب نشده بود.^(۶۷) در مجلس چهارم در مورد فصل بیستم قرارداد، صحبت‌های زیادی شد و مجلس متکی به مذاکره کتبی با سفارت شوروی مبنی بر روشن کردن این فصل قرارداد، آن را تصویب کرد. در زمان قوام، اجازه تشکیل شعبه‌هایی از تجارتخانه‌های شوروی در ایران

داده شد. (۶۸)

دولت شوروی تجارت خارجی خود را به صورت انحصاری در دست چند مرکز تجاری مشخص قرارداد و ممنوعیت‌هایی را اعمال کرد که دست تجار ایرانی از تجارت شمال کوتاه شد. دولت شوروی مقررات به خصوصی در گمرک و مرزهای خود با ایران اعمال کرد. اداره گمرک مشهد سر از ممنوعیت موقتی صدور مرکبات در گمرک بادکوبه گزارش می‌داد؛ همچنین از تجارتخانه‌های روسی در مشهدسر، نام برد که بخش اعظم واردات از قبیل قند و شکر، آرد، چینی‌آلات، منسوجات و صادرات برنج را در انحصار خود قرار داده‌اند. (۶۹) دولت شوروی برای ایجاد توازن واردات و صادرات کشور خود، در شرایط در امور تجاری را افزایش داد. شوروی اجازه ترانزیت کالاهای ایرانی از داخل خاک روسیه را نداد و اموال تجار ایرانی را توقیف کرد. معین‌التجار برای باز پس گرفتن تخم نوغانی که از خارج خریداری و در گرجستان توقیف شده بود با رییس اداره انحصارات دولت شوروی ملاقات می‌نمود. (۷۰)

دولت شوروی نه تنها تجارت داخل کشور خود که تجارت ایران با این کشور را در انحصار تجارتخانه‌های خاصی قرار داد که به جز از طریق آنان، تجار ایرانی امکان صادرات و واردات کالا به این کشور را نداشتند مگر با مجوز که برای گرفتن مجوز نیز رقم قابل ملاحظه‌ای باید پرداخت می‌شد. علاوه بر این به جز در دوران بازار مکاره بادکوبه که در زمان محدودی برگزار می‌شد، مبادله کالا به صورت آزاد غیر ممکن بود. (۷۱) پس از تجدید روابط تجاری با شوروی تجارتخانه‌های ونشتورک و ساتنر سایوز کلیه معاملات تجاری را تحت سیطره خود در آوردند. دولت شوروی امکانات ویژه‌ای در اختیار آنان قرار داد از جمله صدور اجناس روسی که حمل آن برای سایرین ممنوع بود، معافیت در پرداخت ده درصد گمرک روسیه، استفاده مجانی از کشتی و راه آهن برای حمل و نقل اجناس و در دست داشتن دوایر دولتی بخصوص گمرک و حمل و نقل شهری (۷۲). توسعه عملیات این تجارتخانه‌ها تجارت شمال ایران را به کل در اختیار دولت شوروی قرار می‌داد.

قیمت‌گذاری بر کالاهای صادراتی ایران توسط مراکز تعیین شده دولت شوروی انجام می‌شد. قیمت پنبه ایران توسط اداره پنبه شوروی و به قیمت نازل تعیین می‌شد. خرید و فروش پنبه در انحصار دولت بود. ماشین‌های پنبه پاک‌کنی و عدل بندی در کتترات و اجاره اداره پنبه روسیه بود و بدون آن پنبه ایران امکان حمل نمی‌یافت. حمل پشم ایران به شوروی منوط به اجازه کمیساریای تجارت خارجی دولت شوروی بود. کمیساریای ملی تجارت شوروی بر کیفیت کالاها نیز نظارت داشت. (۷۳) عبور و مرور کاروان‌های تجاری در سرحدات خراسان کنترل و برای عبور مکاری‌ها و سرحدنشینان مطالبه ویزا می‌شد. (۷۴) حتی چند تن از تجار ایرانی به خاطر معامله برات و پول‌های خارجی در مسکو و بادکوبه توقیف شدند. (۷۵)

در ۱۹۲۳ میلادی، «اطاق تجاری روسیه با ممالک شرق»، در مسکو تأسیس شد. این

مرکز به منظور افزایش آگاهی‌های تجار و آشنایی با ویژگی‌های تجارتهای کشورهای ایران، ترکیه، افغانستان، مغولستان، چین و ژاپن تأسیس شد. جلسه‌های کنفرانس و سخنرانی، تأسیس شرکت‌های حمل کالا به ممالک شرق، ایجاد نمایشگاه دائمی برای صادرات و واردات به روسیه، برقراری ارتباط تجارتهای ما بین تجارتخانه‌های روسیه و دیگر کشورها و دادن اطلاعات لازم به هر یک از آنها از برنامه‌های این مرکز بود. این اتاق تجارتهای زیر نظر «کمسیون تجارت داخله» که جزو «اداره شورای صناعیه و دفاعیه» بود، اداره می‌شد. کیفیت، وزن، قیمت و نوع جنس مورد نیاز در مبادله از سوی همین اتاق تجارت تعیین می‌شد. (۷۶) همچنین «کمسیون تجارتهای» و «کمیته بورس تجارت روسیه» برای گسترش عملیات تجارتهای با ایران، افغانستان و چین در مسکو تأسیس شد. اتاق قصد داشتند از همکاری برخی تجار آگاه به تجارت شرق بهره‌گیرند. علی آقا درویدی و چند تن دیگر با این کمسیون همکاری کردند. «کمسیون تجارتهای» روسیه اعلام کرد، قصد دارد از حضور «دستجات عمده دلال‌هایی که از معاملات شرق به خوبی مطلع و تجار شرقی را کاملاً می‌شناسند» بهره‌گیرد. (۷۷) در واکنش تجار به انحصار تجارت در شوروی برخی تجار قفقازی با اتحادیه تجار مشهد مخالفت و بیانیه اتحادیه تجار را پاره کردند. این امر به درگیری مخالفان و موافقان اتحادیه در بازار منجر شد که گزارش آن به دربار نیز ارسال شد. (۷۸) این اختلاف‌ها بین برخی تجار متوسط که نقش دلالی برای تجارتخانه‌های روسی را بازی می‌کردند و طیف وسیع تجار هوادار اتحادیه صورت گرفت.

ناتوانی تجار در انجام عملیات تجارتهای باعث شد، علاوه بر کمک‌خواهی از دولت، برای حل مسایل تجارتهای خود به تجار با نفوذی همچون امین‌الضرب نیز متوسل شوند. حاج عباس علی ملکی در مورد صدور پنبه و عدم خرید کارخانه‌های روسی از تجار ایرانی که بر اساس دستور دولت شوروی انجام می‌شد، برای حل این مشکل از امین‌الضرب خواست با مسئولان دولت شوروی وارد مذاکره شود. (۷۹) تجار عمده انزلی و هیات اتحادیه تجار این منطقه از انحصار تجارت توسط تجارتخانه‌های شوروی (۸۰) همچنین اخذ مبالغ زیاد گمرکی و لزوم صدور جواز برای کالاهای ایرانی، (۸۱) و الزام گمرک روسیه که در مقابل صدور مال‌التجاره از ایران، مطالبه خرید کالاهای روسی می‌نمود، (۸۲) شکایت کردند. آنان همچنین در نامه‌ای به مجلس شورای ملی به بستن گمرک فوق‌العاده به کالاهای ایرانی، عدم جواز حمل کالا به ایران و منحصر شدن تجارت به چند تجارتخانه روسی از جمله «ونشتورک» و «سانترسایوز» اعتراض کردند. این تجارتخانه‌ها نه تنها صادرات کالا از ایران به شوروی را به خود اختصاص داده بودند که از فروش کالاهایی که تجار ایرانی وارد می‌کردند، جلوگیری می‌نمودند. (۸۳) این انحصار در حمل مال‌التجاره نیز وجود داشت. به دلیل کمبود وسایل حمل و نقل، کشتی‌های شوروی که هر ۱۵ روز یکبار به سواحل ایران می‌آمدند، ابتدا کالاهای تجارتخانه‌های شوروی و در صورتی که جایی باقی می‌ماند اموال تجار ایرانی را

حمل می‌کردند.^(۸۴) این انحصار موجب شد که تعیین قیمت کالاهای وارداتی و صادراتی در دست این تجارخانه‌ها قرار گیرد^(۸۵) و این امر برای تجار ایرانی که تا پیش از این تجارت آزاد را تجربه کرده بودند، قابل درک نبود.

تجار رشت، مشهدسر، استرآباد و بارفروش طی نامه‌های مفصلی به مجلس شورای ملی به افزایش عوارض گمرک شوروی برای اجناس وارداتی به این کشور، به چندین برابر قیمت کالا و فروش چندین برابر قیمت کالاهای روسی و عملکرد انحصارگرانه تجارخانه‌های ملی دولت شوروی اعتراض کردند. آن‌ها اعلام نمودند تا زمانی که دولت راه‌حلی برای این مسأله در نظر نگیرد، تلگرافخانه را ترک نخواهند کرد.^(۸۶) اتحادیه تجار تهران نیز در حمایت از اعتراض‌های تجار شمال کشور با مجلس شورای ملی همکاری کرد و ضمن اسفبار دانستن شرایط تجارتنی شمال کشور و ورشکستگی تجار ایرانی پیشنهادهایی به مجلس ارائه داد. از جمله این پیشنهادها، تشکیل یک کمیسیون اضطراری با حضور چند تن از نمایندگان مجلس، دولت و تعدادی از تجار برای یافتن راه حل و خلاصی از شرایط ایجاد شده بود.^(۸۷)

اتحادیه تجار در نامه‌ای که به وزارت امور خارجه نوشت به منظور بهبود شرایط ایجاد شده، پیشنهادهایی مطرح کرد: دولت ایران معاهده تجارتی که قرار بود با دولت شوروی منعقد کند با نظر تجار تنظیم نماید؛ برای مدت شش ماه بطور موقت تجارت آزاد اعلام گردد و بصورت پایاپای و یا بر اساس وجه نقد طلا و نقره انجام گیرد و قبول اسکناس به کلی ممنوع باشد؛ دولت شوروی ترانزیت کالا از ایران به اروپا و بر عکس را با امضای دولت‌های آذربایجان، گرجستان و ارمنستان آزاد اعلام نماید و مراکز داد و ستد با نظر تجار محدود باشد.^(۸۸) نکته قابل توجه در این مسأله آن بود که تهاجم عامل خارجی موجب انسجام و تشکل گروه‌های داخلی شد. تجار سراسر کشور بطور یکپارچه و منسجم در مقابل انحصار تجارتنی دولت همسایه واکنش نشان دادند. گروهی از زارعان و فلاحان نیز در حمایت از خواست‌های تجار به مراکز دولتی تلگراف کردند. موانع صدور کالا و ناتوانی تجار در فروش محصولات کشاورزی بی‌تردید بر قیمت این گونه کالاها تأثیر گذارد و قیمت آنان به شدت کاهش یافت.^(۸۹) این امر تظلم زارعان مازندرانی به مجلس شورای ملی و وزارتخانه‌های مربوط را به دنبال داشت. آنان از «گمرک فوق تصوری» که به کالاهای ایرانی بسته شده و موجب گردیده بود قیمت محصول زراعتی پنبه به صفر برسد، شکایت کردند و خواهان مداخله دولت شدند.^(۹۰)

قیمت منات شوروی به شدت کاهش یافت و معاملات به حداقل رسید. بسیاری از تجار ایرانی ورشکست شدند. آنان اعلام کردند که انعقاد سریع قرارداد تجارتی که حوزه عمل تجارخانه‌ها و وظایف مأمورین طرفین را مشخص کند، خواهد توانست به مشکلات پایان دهد.^(۹۱) این شکایت‌ها در روزنامه‌ها و مجلس بازتاب زیادی یافت. یکی از نمایندگان مجلس به نام سرکشیک‌زاده در تحلیل وضعیت ناهنجار تجار شمال کشور، اشکال اصلی را

منحصر بودن راه‌های شمالی به شوروی دانست و طرح توسعه راه‌ها و امکان صدور کالاهای منطقه شمال به کشورهای دیگر را یکی از راه‌حل‌های مناسب برای خارج شدن تجار از این بحران عنوان کرد.^(۹۲)

وزارت فواید عامه در مکاتبه با وزارت خارجه ضمن اسفناک خواندن تجارت شمال عنوان کرد که با امتیازها و تسهیلاتی که دولت شوروی در مورد تجارتخانه‌های «ونستورک» و «سترسایوز» رعایت می‌کند، بر فرض آزاد بودن تجارت، رقابت تجار ایرانی با آن‌ها غیر ممکن خواهد بود.^(۹۳) اداره گمرک نیز ضمن گزارش‌های متعدد از وضعیت تجار ایرانی برای صدور کالاهای خود به روسیه شرایط موجود را اسفناک خواند و اعلام کرد گمرک بادکوبه برای اجناس ایرانی تعرفه اروپایی اعمال می‌کند. اداره گمرک قفقازیه اعلام کرده است در صورتی که تجار ایرانی به اسم خود مبادرت به حمل کالاهای تجارتی نمایند و این مبادله از طریق تجارتخانه‌های ملی دولت شوروی صورت نگیرد، تجار موظف به پرداخت تعرفه گمرک اروپایی می‌باشند.^(۹۴) به رغم مذاکره‌های ایران با دولت شوروی برای بهبود شرایط تجاری مناطق شمال، این کشور همچنان بر مبادله پایاپای تأکید نمود.^(۹۵) اداره گمرک ضمن گزارش فعالیت‌های گسترده تجارتخانه‌های ملی شوروی به بروز تغییراتی جزئی در رویه گمرک این کشور اشاره می‌کند و اعلام می‌نماید مأموران دریایی شوروی از ورود کالاهای غربی به کشورشان جلوگیری می‌نمایند و کماکان نظارت دولتی در ورود و خروج کالا اعمال می‌شود.^(۹۶) از طرف دولت جمهوری سوسیالیستی شوروی اعلان شد که در مدت برگزاری بازار مکاره بادکوبه که به مدت یک ماه و نیم به طول می‌انجامد، ارسال کالاهای ایرانی بدون مجوز دولتی آزاد می‌باشد.^(۹۷) اما این تغییرات جزئی و محدود نتوانست تغییری در مشکلات عمده تجار ایرانی ایجاد کند.

از تقی‌زاده که در برلن به سر می‌برد، خواسته شد برای مذاکره با دولت شوروی در راس هیأتی به این کشور سفر کند.^(۹۸) ظاهراً اعزام این هیأت به خواست و تحت فشار تجار صورت گرفت که خواهان برقراری روابط آزاد تجاری با شوروی بودند.^(۹۹) با بروز نارضایتی گسترده، روزنامه‌ها به نقد قرارداد ۱۳۴۰/۱۹۲۱ ایران و شوروی پرداختند.^(۱۰۰) مذاکرات و رفت و آمدهای پی‌پی سفرا و نمایندگان دو کشور به دراز کشید و بحران تجارتی شمال کماکان تا اوایل دوران پهلوی ادامه یافت. هفتاد تن از تجار و روسای اصناف مرکز با ریاست وزرا ملاقات کردند و دیدگاه‌های خود در مورد تجارت شمال را ارائه دادند. آنان خواهان سرعت بخشیدن به عقد قرارداد تجارتی با شوروی شدند و پیشنهاد کردند تجارت با شوروی به صورت هشتاد درصد مبادله جنسی و بیست درصد نقدی باشد. آنان خواهان ترانزیت بدون قید و شرط از طریق روسیه شدند.^(۱۰۱) ایران با دولت شوروی وارد مذاکره شد. روزنامه‌ها به تشریح مواضع طرفین پرداختند.^(۱۰۲) اداره گمرک تأکید دولت شوروی به خرید معادل صادرات کالا از سوی تجار ایرانی را مغایر منافع ملت ایران دانست و بر

صادرات و خروج کالاهای ایران تأکید کرد.^(۱۰۳)

اتاق تجارت با وزیر مختار دولت شوروی و نماینده تجارت آن دولت در وزارت فواید عامه در اجرای مقررات تجارتی مذاکره کردند.^(۱۰۴) شورای عالی تجارت تشکیل و خواستار انعقاد هر چه سریعتر قرارداد تجاری ایران و شوروی شد و پیشنهاد های خود را نیز مطرح کرد.^(۱۰۵) نمایندگان تجاری ایران به ریاست امین‌الضرب که ریاست اتاق تجارت تهران را نیز به عهده داشت برای تکمیل مذاکرات وارد مسکو شدند. در این مذاکرات، رئیس اتاق تجارت روسیه و شرق طی نطقی اعلام کرد توسعه روابط اقتصادی و ارائه راه‌حل موجب رونق اقتصادی دو کشور می‌شود. در این ملاقات‌ها قرار بر ایجاد کمیسیونی برای حل مسایل تجارتی بین دو کشور شد.^(۱۰۶) بسیاری معتقد بودند که دولت شوروی در تنظیم عهدنامه و اجرای قانون مشخص گمرکی تعلل می‌کند.^(۱۰۷) بالاخره با مذاکرات نمایندگان دو کشور پیش‌نویس عهدنامه تجارتی ایران و شوروی تنظیم شد. اما این قرارداد نیز همچنان محدودیت‌های زیادی اعمال می‌کرد. معاملات تجاری همچنان به صورت پایاپای و تجار ایرانی دارای سهم مشخص مبادله تجاری بودند. اتاق تجارت روسیه اعلام کرد آگاهی‌های مربوط به قیمت اجناس، مظنه بورس در بازار مسکو و کلیه موارد آماری را در اختیار دولت ایران قرار خواهد داد.^(۱۰۸) اما این مواد اجرایی نیز بطور کامل مسایل تجار ایرانی را برطرف نمی‌کرد.

۲- پیدایش «نهضت اقتصاد»

با ادامه شرایط نامناسبی که با اعمال دیدگاه خاص اقتصادی اتحاد جماهیر شوروی برای تجار ایران بوجود آمده بود، تجار به شیوه‌های مختلف مسایل و مشکلات خود را چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی و از طریق اتحادیه تجار بیان می‌کردند. با این حال بحران اقتصادی ایجاد شده همچنان تا اوایل دوران پهلوی ادامه یافت. گو اینکه در قرارداد ۱۳۴۰/۱۹۲۱ ایران و شوروی بر تسریع انعقاد قرارداد تجارتی ما بین دو کشور تأکید شده بود ولی دولت شوروی از انجام آن سربرمی‌تافت. در این مرحله تعرفه گمرکی نه بر اساس قرارداد ترکمانچای اعمال می‌شد نه به صورت مشخص دیگری تعیین شده بود. روس‌ها فقط بر «تعرفه عهدی» تأکید داشتند که همین مساله نیز بر مشکلات موجود افزوده بود.

تداوم این شرایط واکنش‌هایی را در بین تجار برانگیخت که به ایجاد تشکل جدیدی به نام «نهضت اقتصاد» انجامید. این تشکل حاکی از تبلور انسجام و اتحاد طبقاتی تجار و بروز خواست‌های گروهی آنان در قالب یک «طبقه برای خود» بود. آنان به درستی خواست‌ها و منافع گروهی خود را دریافته بودند و به شکل کاملاً تشکیلاتی و منظم با شبکه‌های خود در شهر و مراکز مختلف کشور مرتبط بودند و نامه‌ها و تلگراف‌های خود به سران دولت را تنظیم و یکسان می‌کردند. این تشکل نتیجه تکمیلی تقویت ساختار درونی طبقه تجار بود

که پس از اتحادیه تجار به گونه‌ای کاملاً منسجم عملکرد این طبقه را همگون و سامان یافته متحد می‌کرد. علاوه بر این تجار در قالب این تشکل‌ها، خواست‌ها و جهت حرکت خود را به صورت یکسان مطرح کردند. آنان به حمایت دولت از تجار داخلی در مقابل سرمایه و قدرت‌های خارجی نیاز نداشتند و از دولت تقاضای منع ورود کالاهای تجملی و ممنوعیت استفاده از کالاهای خارجی را خواستار شدند تا بدین ترتیب به هدف خود که رونق صنایع داخلی و خودکفایی ملی بود، نایل گردند. در این مرحله همچون دوران جنبش مشروطیت که یکی از خواست‌های تجار مداخله دولت و حمایت از تجار داخلی بود، مجدداً این تقاضا به صورت جدیدی مطرح شد با این تفاوت که در زمان بروز «نهضت اقتصادی» از فحواى بیانیه‌ها و تلگراف‌های تجار چنین برمی‌آید که آنان دولت جدید را مورد وثوق می‌یابند و از طرف دیگر این شأن را برای خود قایل می‌شوند که در مذاکره برای انعقاد قرارداد تجاری با شوروی تقاضای حضور نمایندگان از تجار را بکنند.

تجار گیلانی در ۵ رجب ۱۳۴۵ / ۱۰ ژانویه ۱۹۲۷ در پاسخ به شرایط اسفبار اقتصادی خود تشکیلاتی به نام «جمعیت نهضت اقتصاد» ایجاد کردند. آنان دلیل وجودی چنین تشکیلاتی را چنین بیان می‌کنند: (۱۰۹)

«فقر و فاقه طبقات کاسب‌کار، مسکنت و پریشانی زارعین، و روشکستی و اضمحلال تجار، احتضار و مرگ عمومی اجازه نمی‌دهد که بیش از این بردباری و سلامت‌طلبی و جانب‌داری را رعایت کرده و رضایت دهیم که حتی به استقلال و حاکمیت ملت ایران لطمه وارد شود... [تجار گیلانی] تصمیم گرفتند در مقابل اجحاف و تعرضات... نمایندگان ملت روسیه مقاومت ورزیده.»

تجار گیلانی خط‌مشی کلی خود در نهضت اقتصاد را در چند مورد به شرح ذیل اعلام نمودند: (۱۱۰)

- ۱- تقاضای توازن واردات و صادرات و معامله متقابل با دولت شوروی از دولت ایران.
- ۲- تقاضا نمودن از هیأت دولت و مجلس در قدغن ورود اشیاء تجملی از کلیه سرحدات ایران. برای اجرای مواد دو گانه فوق تصمیمات ذیل را متعهد شدند: ۱- شرکت نکردن در مکاره بادکوبه که در اتیه نزدیک افتتاح خواهد شد. ۲- درخواست برجیدن کلیه موسسات تجارتی دولت شوروی از اولیای معظم دولت. ۳- متقبل شدن تا انعقاد قرارداد تجارتی شرافتمندانه که متضمن منافع طرفین است، هیچگونه معاملاتی با دواير شوروی ننمایند. ۴- در صورت عدم مساعدت دولت با مستدعیات تجار قاطبه اهالی مجبور خواهند شد که به وسایل ممکنه از ورود امتعه به بنادر شمالی جلوگیری نمایند. ۵- کسانی که برخلاف مقررات مزبوره رفتار نمایند مغروریت عامه را به خود جلب نموده و اعضای نهضت موظف خواهند بود خیانت چنین شخصی را به وسایل مقتضیه اعلان و از جامعه ایرانی طرد نمایند.»

خواست‌های آنان بر محور توازن واردات و صادرات، قدغن ورود اشیای تجملی، قطع معاملات تجاری با شوروی تا انعقاد قرارداد تجارتی و ممانعت از ورود کالا در بنادر شمالی بود. تجار وظایف عملی خود را شرکت نکردن در بازار مکاره بادکوبه و در صورت عدم مساعدت دولت به هر صورت ممکن جلوگیری از ورود کالا به بنادر شمال کشور اعلام کردند. آنان همچنین تجاری را که بر طبق این ضوابط عمل نمایند خائن و مطرود نامیدند و مورد تهید قرار دادند. روزنامه‌ها با تشویق و ترغیب، تجار را همراهی کردند. حبل‌المتین عمل «نهضت اقتصاد» را خشونت مقدس و «جسارت مشروع» نامید و این برخورد را واکنشی طبیعی از ملتی «آزاد، زنده و مستقل» خواند که «در مقابل اجحافات سیاسی و اقتصادی بیگانه» مقاومت می‌کنند. (۱۱۱)

نهضت اقتصاد گیلان با تمامی تجار مرکز و سایر ایالات و ولایات به صورت کتبی و تلگرافی مرتبط شد. اتحادیه تجار همدان بیانیه‌ای در تأیید نظریه «نهضت اقتصاد» خطاب به «مقامات عالیله مملکتی» انتشار داد. در این بیانیه آمده است تجار، کاسب‌ها و صنعتگران بر سر «سفره خالی از طعامی» نشسته‌اند که به جای «اغذیه تصویر خوراکی‌ها» بر آن نقش شده. آنان افزایش بیکاری، کمبود نقدینگی و افزایش واردات را از مشکلات جدی اقتصاد کشور دانستند. (۱۱۲) آنان بر لزوم صنعتی شدن و تقویت کارخانه‌های نساجی، تقویت کالاهای زراعی مورد نیاز و کارخانه‌های مرتبط به محصولات کشاورزی همچون نخریسی و قندسازی تأکید کردند. همچنین پیشنهاد کردند اداره واردات و صادرات، بر ورود و خروج کالاها نظارت و کنترل کند و از ورود اشیای تجملی جلوگیری کند.

تجار همدان بر لزوم افزایش صادرات و بالا بردن کیفیت تولید محصولات زراعی و دامی و تقویت صنعت قالی‌بافی و بهبود شرایط حمل و نقل و ایجاد راه‌آهن اشاره کردند. (۱۱۳) نهضت اقتصاد قزوین با تعداد شصت و چهار نفر از تجار تشکیل شد. این جمعیت بعد از گردهمایی و ایجاد تشکل، در هر هفته یک شب و در صورت لزوم دو شب به تناوب جلسه‌هایی برگزار می‌کردند. هر بار جلسه در منزل یکی از تجار برگزار می‌شد. (۱۱۴) افراد حاضر در یکی از جلسه‌های این جمعیت در حدود دویست و هفتاد نفر ذکر شده‌اند. (۱۱۵)

«جمعیت نهضت اقتصاد قزوین»، طی بیانیه‌ای مواضع خود را اعلام کرد: در بیانیه این جمعیت از کسری صادرات ایران نسبت به واردات، عملکرد انحصارطلبانه موسسه‌های تجاری شوروی که آنان را به «سرمایه‌داران حریص دول کاپیتالیزم» تشبیه کرده‌اند، سخن رانده شد. (۱۱۶) در پایان بیانیه مذکور از پیشنهادی نهضت اقتصاد گیلان حمایت شده است و از دولتمردان خواسته می‌شود در اجرای مفاد آن کوشا باشند. آنان همچنین از دولت مستوفی حمایت کردند و ماندگاری آن را برای به جریان افتادن قرارداد تجاری ایران و شوروی ضروری دانستند و سقوط دولت وی را موجب تعلل در این امر دانستند. (۱۱۷) اداره

نظمیه قزوین در گزارشی به اداره حکومتی، به تجمع سه هزار نفری تجار و کسبه در مسجد شاه قزوین، بیان نطق‌های مفصلی در مورد تجارت ایران و شوروی، پخش بیانیه‌های نهضت اقتصاد تبریز، تهران و گیلان اشاره کرده است. همچنین تلگراف‌هایی که از سوی جمعیت مزبور به شاه، مجلس و رئیس‌الوزرا مخابره شده بود برای حاضران خوانده شد.^(۱۱۸) در این گزارش آمده است: «در خاتمه اهالی را به اقدامات سریعه هیأت معظم دولت امیدوار نمود و مجلس با حسن مراقبت مأموران پلیس با کمال نظم اختتام یافت.»^(۱۱۹) مورد ذکر شده و لحن به کار رفته در دیگر گزارش‌ها نیز حاکی از نوعی اعتماد و همکاری با دولت است که پیش از این نیز بدان اشاره شد.

تجار خراسان نیز در حمایت از دیگر تجار، «جمعیت نهضت اقتصاد خراسان» را تشکیل دادند آنان در بیانیه خود به تشریح عملکرد تجاری دولت شوروی پرداخته و مفاد عهدنامه‌های ما بین دو کشور را بررسی کردند. تجار در بیانیه خود ضمن نام بردن از تجارخانه‌های روسی، «پرس ساخار، روس پرس، خلیوم، و نشتورک، سانترسایوز، پرس آزفت، ترک شست، سندیکا، روس ترانزیت، روس پرس بانک، دوبرو فلوت، ترک پرت و غیره» که در تمام ایالات و ولایات ایران پراکنده بودند، به چگونگی عملکرد آن‌ها اشاره می‌کنند که از طریق این تجارخانه‌ها «مال‌التجاره روسیه مانند سیل به ایران وارد شده» ولی اجازه صدور کالاهای ایرانی داده نمی‌شود. آن مقدار محدود صادرات نیز که اجازه داده می‌شود به قیمت دلخواه آن‌ها خریداری می‌شود. حتی در زمینه ترانزیت کالا گفته شد: «عجب‌تر آنکه اجناس همان مملکتی را که به ما اجازه حمل‌مال‌التجاره به آن‌جا نمی‌دهند به وسیله مؤسسات خود در بازار ایران آزادانه می‌فروشند.»^(۱۲۰) چرا که دولت شوروی مدعی شده بود که غلت ممانعت از ترانزیت کالاهای ایران به برخی از کشورهای اروپایی آن بود که اتحاد جماهیر شوروی هیچگونه ارتباطی با آن کشورها نداشته است ولی تجار تمامی این ادعاها را بی‌مورد دانستند. تجار خراسان در تلگراف‌های خود به سران دولت، مجلس و وزارت تجارت از آن‌ها خواستند، «بدون مراجعه به افکار عمومی تجار هیچ قسم معاهده تجارتی را رسمیت ندهد.»^(۱۲۱) آنان از مجلس شورای ملی خواستند با تشکیل کمیسیونی از منتخبین تجار در مورد قرارداد تجاری غور و بررسی بیشتری انجام دهند. این دیدگاه تجار که در انعقاد قراردادهای تجاری و سیاست‌گذاری‌های دولت، منافع و خواست‌های تجار مد نظر قرار گیرد بر این باور تجار متکی بود که نظر آنان موثر و امکان این تأثیر وجود دارد. در عین حال که این شیوه برخورد، حاکی از نوعی اطمینان و اعتماد به نفس گروهی تجار ناشی می‌شد.

همان‌طور که در مرام‌نامه تجار گیلان نیز مطرح شد نهضت اقتصاد با کسانی که به مرام‌نامه توافقی عمل ننمایند، به شدت برخورد می‌کرد. بطور مثال این جمعیت با نوشتن مقاله بر ضد تجاری که با تجارخانه‌های روسی وارد معامله شده بودند، آنان را

«وطن فروش» خطاب می‌کند. آنان با ذکر نام و موقعیت فرد خاطی، وی را «خائن و منفعت طلب» ذکر می‌کنند و این عمل را برای «حفظ نظامات جمعیت و اطاعت از مقررات عمومی» ضروری می‌دانستند.^(۱۲۲) در مشهد نیز گزارشی در مورد مخالفت برخی تجار قفقازی داده شد که در حجره حاج غلامرضا جمع شده و با موضع عمومی تجار در مورد بحران تجارت ایران و شوروی مخالفت و تلگراف اتحادیه تجار خراسان را پاره و به آنان توهین نمودند. اتحادیه به دربار و شاه تلگرافی فرستاده، خواهان مجازات آنان شدند.^(۱۲۳) و در تلگرافی به مجلس، هیأت دولت اتاق تجارت اعلام نمودند که هر گونه اظهارنظر، نامه یا بیانیه‌ای که به غیر از طریق اتحادیه تجار و نهضت اقتصاد از سوی تجار متشر شود، «خلاف و منسوب به جامعه ایرانی نیست».^(۱۲۴) این مساله حاکی از آن است که بالاخره در بین تجار نیز چند تنی وجود داشتند که منافع خود را بر منافع عمومی ترجیح می‌دادند ولی این تعداد معدود نیز که بیشتر تجار متوسط و دلال‌های رابط با تجارتخانه‌های روسی بودند، در روند کلی حرکت همگون تجار تأثیری نداشت.

نهضت اقتصاد تبریز پس از وصول تلگراف‌ها و بیانیه‌های نهضت اقتصاد گیلان و دیگر شهرها به تشکیل این جمعیت در تبریز اقدام کرد. گروهی از تجار مسلمان و مسیحی تبریز طی برگزاری جلسه‌هایی، هیأت مدیره دوازده نفری انتخاب کردند.^(۱۲۵) و برای شهرهای کوچک آذربایجان نیز «دستورهای لازم» معین کردند. نهضت اقتصاد تبریز طی تلگرافی به مجلس شورای ملی، علت تعلل مجلس در وضع «قانون مقابله به مثل» با دولت شوروی را پرسش کرد و لزوم انعقاد هر چه زودتر قرارداد تجارتی را متذکر شد.^(۱۲۶) تلگراف‌های متعددی ما بین جمعیت نهضت اقتصاد تبریز با دیگر شهرها مبادله شد. نهضت اقتصاد مرنند، هیأت تجار ارومیه، نهضت اقتصاد خوی و نهضت اقتصاد آستارا طی تلگراف‌هایی به تبریز موافقت خود با اهداف و خواست‌های مورد نظر را اعلام کردند. از مشهد نیز به تبریز تلگراف شد و از نهضت تبریز خواسته شد به هیأت دولت و مجلس تلگراف کنند و نتایج اقدام‌های خود را به دیگر مراکز این جمعیت ارسال کنند. این گونه مکاتبه‌ها حاکی از روابط گسترده و منظم بین شاخه‌های ایالتی این شبکه می‌باشد.

از شیراز نیز خبر داده‌اند که بازار بسته شده، تجار و کسبه تجمع کرده و جلسه‌ای در منزل ملک‌التجار تشکیل شده است و چند نفر انتخاب شدند تا خواست‌های خود را به گوش دولت و مسئولان امر برسانند.^(۱۲۷) در اصفهان نیز «مجمع اقتصاد اصفهان»، مرام‌نامه و «بیان‌نامه‌ای» منتشر کرد و همراهی خود با نهضت اقتصاد دیگر شهرها را اعلام کرد. مرام‌نامه این جمعیت از این قرار بود:^(۱۲۸)

«۱- حتی‌الامکان استعمال و ترویج امتعه وطنی (هر چند هم گران باشد) و اجتناب و احتراز از امتعه خارجی (هر چند ارزان باشد). ۲- تشکیل شرکت: الف) تشکیل شرکت‌های مهمه برای وارد کردن کارخانجات و تهیه لوازمات ضروری که فعلاً مملکت ایران از آن فاقد

است... ب) تشکیل شرکت‌های تعاونی. ۳- سعی و اهتمام در اصلاح امور زراعتی، بستن سدها و دایر کردن معادن. ۴- ازدیاد اجناسی که صادرات مملکت را تشکیل می‌دهد از قبیل قالی، پنبه، ابریشم، پشم، چرم و غیره.

مجمع اقتصاديون اصفهان در پاسخ به اینکه «چه باید کرد» توصیه می‌کند که حرکت در مسیر مرام‌نامه این جمعیت، کشور را از پوشیدن «جامه ننگ بندگی» خلاصی خواهد داد. آنان در بیان‌نامه خود خطاب به «بانوان گرامی» و «خواهران عزیز» از زنان ایرانی خواستند با این جریان همراه شده و از «استعمال امتعه خارجی» بپرهیزند. (۱۲۹) آنان تأسیس و بسط چنین تشکیلاتی در دیگر شهرها را نیز ضروری دانستند.

در تهران نیز «جمعیت نهضت اقتصاد مرکز» تشکیل و با حرکت ^{تجاری} تجار در سراسر کشور همراهی کرد. آنان علاوه بر طرح خطوط کلی خواست‌های تجار مبنی بر لزوم تسریع در انعقاد قرارداد تجاری، از تجاری که در بازار مکاره شرکت کرده و با تجارتخانه‌های روسی معامله کرده‌اند، ابراز تفر نمودند. آنان بستن مرزها بر واردات را «نجات از مرگ اقتصادی» دانستند. تجار طی مقایسه‌ای با دولت ترکیه، عملکرد دولت ترکیه در حفظ آزادی تجارت و اختیارات مطلق در تعرفه گمرکی را موجب ترقی این کشور دانستند. (۱۳۰) جمعیت اقتصاد تهران ضمن تأیید و اعلام موارد ذکر شده در بیانیه نهضت اقتصاد گیلان به موارد دیگری نیز اشاره می‌کند که در ادامه تشکیل جلسه‌های نهضت مطرح شده است. جمع‌آوری فقرا از سطح شهر، گذراندن قانونی در مورد استخراج نفت و تسریع در افتتاح بانک ملی از مواردی بود که در جلسه‌های این جمعیت مطرح و تصمیماتی اتخاذ شد و قرار بر این گردید تا این تقاضاها با دولت در میان گذارده شود. (۱۳۱)

تشکیل جمعیت‌های نهضت اقتصاد در سراسر کشور، نشانه تلاش از سوی تجار برای نشان دادن وحدت و انسجام گروهی، تقویت ساختار درونی گروه و اعلام مقاومت منفی خود در قبال هجوم سرمایه‌های بیگانه، تقویت صادرات، نشان دادن تمایل به رشد صنعت و به کارگیری شیوه‌های نوین تجارت و سرمایه‌گذاری از طریق شرکت‌ها و جمع‌آوری سرمایه‌های خرد، و خلاصی از قید و بندهای مالی قدرت‌های بزرگ با پیشنهاد مجدد افتتاح بانک ملی بود. این جریان فکری نیز همچون هر حرکت جمعی دیگر دارای مخالفان و موافقانی بود.

در حمایت از خواست‌های نهضت اقتصاد در اصفهان، اتحادیه اصناف اصفهان از خواست‌های تجار حمایت کرد. اصناف اصفهان در قطع‌نامه‌ای با عنوان «وطن در خطر است» اعلام کرد که از این پس از «امتعه اجانب» استفاده نمی‌کنند و به همان کالاهای وطنی قناعت می‌نمایند و از صرف هزینه برای تهیه «اسباب لوکس و اشیای تجملی» که پول آن به «جیب اجانب» ریخته می‌شود، احتراز خواهد کرد. آنان علت عقب‌ماندگی کشور را «غفلت متمادی و پیروی نکردن از اصول تجدد» دانستند. (۱۳۲) در گزارش نظامیه قزوین نیز از

همراهی اصناف و تجار در تجمع‌های نهضت اقتصاد خبر داده شد.^(۱۳۳) همراهی اصناف با تجار در بیشتر حرکت‌های جمعی این دو گروه دیده می‌شود. همان‌طور که در وقایع گذشته نیز ذکر شد رهبری فکری این حرکت‌ها با تجار بود و اصناف بیشتر به این ماجراها کشانده می‌شدند. البته در ماجرای نهضت اقتصاد، موانع تجاری در شمال کشور بی‌تردید بر موازنه عرضه و تقاضای کالاها مؤثر بود و بر قیمت اجناس در بازار داخلی تأثیر می‌گذاشت و همین امر در کسب و کار اصناف نیز تأثیر داشت. با وجود چنین انگیزه‌هایی صدور اعلامیه‌ها و بیانیه‌هایی مبنی بر موافقت و همراهی با تجار به راحتی انجام می‌شد.

در مورد مواضع علما راجع به خواست‌های تجاری، بنظر می‌رسد همچون گذشته همراهی‌هایی وجود داشته است ولی این همکاری‌ها به صورت گسترده صورت نگرفت. در اصفهان، حاج شیخ نورالله اصفهانی در ذیل اعلان اتحادیه اصناف، بیانیه‌ای با عنوان «اسلام در خطر است» منتشر می‌کند و ضمن تأیید نظریه‌های اصناف از رواج کالاهای بیگانه در کشور انتقاد کرد. وی لزوم «تقید عملی» به استفاده از کالاهای وطنی را ضرورتی حتمی دانست.^(۱۳۴) عدم استفاده از اجناس بیگانه و ترویج خودکفایی ملی همواره مورد حمایت علما بوده است. همان‌طور که مشابه همین اعلان در مورد شرکت اسلامی اصفهان و در حمایت از کالاهای وطنی پیش از این صادر شد.^(۱۳۵) ولی در این مقطع زمانی به صورت یک جریان عمومی بروز نکرد و همه‌گیر نشد.

«نهضت اقتصاد» در سراسر کشور از حمایت طیف مالکان و زارعان نیز برخوردار شد. به رغم برخورد منافع بورژوازی و اشرافیت زمیندار اروپایی در مراحل مختلف تکوین نظام سرمایه‌داری در غرب، تجار و زمیندار ایرانی با یکدیگر تعارضی نداشتند. حتی تجار ایرانی به سمت سرمایه‌گذاری در بخش زمین کشانده شدند و قشر تاجر - مالک بروز کرد، علاوه بر این به دلیل ارتباط تجارت با محصولات کشاورزی از طریق صدور آنها، منافع این دو گروه به یکدیگر نزدیک شد. مالکان گیلان طی بیانیه‌ای از «نهضت اقتصاد» حمایت کردند. آنان بسته شدن راه تجارت شمال را موجب عدم فروش محصولات کشاورزی دانسته و کسادی تجارت را موجب فقر و محنت زارعان و مالکان قلمداد کردند. مالکان در بیانیه خود تجار را «آرام‌ترین طبقات مملکت» خواندند و عملکرد دولت شوروی را موجب اعتراض و برآمدن صدای آنها دانستند و در پایان هواداران استقلال و امنیت عمومی را به همکاری با تجار فراخواندند.^(۱۳۶)

به پیروی از مالکان، از سوی زارعان گیلان نیز نامه‌ای به شاه نوشته شد. با عنوان «حیات حامیان زارع گیلان»، در این نامه از شاه خواسته شد در جهت رفع محدودیت‌های اقتصادی ایران و شوروی و برقراری تجارت آزاد اقداماتی صورت گیرد. همچنین اصلاح امور قضایی و عدلیه، سرعت در امور قضایی، توسعه اداره ثبت اسناد و املاک و بهبود راه‌ها و تأسیس راه‌آهن و وسایل نقلیه در جهت سرعت بخشیدن به حمل و نقل که برای بهبود شرایط زراعی

و فروش محصولات کشاورزی ضروری بود، از دیگر خواست‌های آنان بود.^(۱۳۷) به این ترتیب طیف وسیعی از طبقات گوناگون کشور از تجار حمایت کردند. در این شرایط کاهش قدرت سیاسی و اقتصادی دولت شوروی در ایران و برانگیخته شدن افکار عمومی می‌توانست بستر مناسبی برای فعالیت‌های سیاسی انگلستان بر ضد دولت شوروی باشد و به تضعیف هر چه بیشتر موقعیت سیاسی روس‌ها در ایران کمک کند. بنابر این موضع‌گیری و واکنش سفارت انگلستان در ماجرای نهضت اقتصاد می‌توانست قابل توجه باشد، اما اسناد موجود بازتابی از این واکنش نشان نمی‌دهد.

با گسترش فعالیت نهضت اقتصاد و تلگراف‌ها و نامه‌های ارسالی این جمعیت و اقشار مختلفی که به حمایت از آن‌ها برآمدند، دولت نمایندگانی به رشت اعزام کرد. همچنین قرار حضور نمایندگان تجار در تلگرافخانه و مذاکره حضوری با شاه گذاشته شد تا تجار بتوانند به طور مستقیم خواست‌های خود را با شاه در میان بگذارند.^(۱۳۸) دولت طی بیانیه‌ای به تجار اطمینان داد که در عقد قرارداد تجارتنی، «منافع تجار از هر جهت» در نظر گرفته خواهد شد.^(۱۳۹) نهضت اقتصاد گیلان و مرکز اعلام کردند تا پایان مذاکرات نمایندگان اعزامی ایران به مسکو سکوت اختیار خواهند کرد. جمعیت نهضت اقتصاد اعلام کرد نمایندگان دولت شوروی به صورت مستقیم یا غیرمستقیم از طریق اعلامیه‌ها و ایجاد تفرقه ما بین تجار سعی کرده‌اند، «عملیات نهضت را خنثی» نمایند.^(۱۴۰) «چون روس‌ها به اخلاق ایرانی پی برده گمان می‌کنند که با انداختن اختلاف بین تجار می‌توانند این آتش افروخته را خامودگی بخشند. چنانچه یک نفر سیدمحمد نام تاجر را در رشت به خریداری جزیی پارچه گول زده»^(۱۴۱) و نوزده نفر تاجر خراسانی را واداشته برخلاف اعلان اتحادیه تجار و نهضت اقتصاد تلگراف رضایت منتشر کنند.^(۱۴۲) تجار تمامی این تفرقه‌افکنی‌ها را که به گمان آنان توسط روس‌ها انجام می‌شد، بی‌فایده خواندند.

نهضت اقتصاد کنگره‌ای با حضور نمایندگان نه محل تشکیل داد و در آن اعلام شد: «با رعایت نظریات دولت تصمیم قطعی اتخاذ گردید که روز دوشنبه ۲۱ فروردین [سال ۱۳۰۶ خورشیدی] گمرکات شمال را تحت نظر گرفته از واردات و صادرات متخلفین استحضاری حاصل نمایند».^(۱۴۳) اعضای نهضت اقتصاد ضمن بی‌نتیجه خواندن عزیمت انصاری نماینده ایران به مسکو، از دولت خواستند با بستن سرحدات هر چه زودتر جلوی فلاکت و بدبختی عمومی گرفته شود.^(۱۴۴)

از آنجایی که اعلامیه و بیانیه‌های نهضت اقتصاد در صورتی که جنبه عملی نمی‌یافت اعتبار حرکت عمومی تجار را متزلزل می‌کرد، هر نوع عدم همراهی از سوی تجار و لو یک نفر از آن‌ها می‌توانست پایه‌های اتحاد عمومی آنان را سست کند. از این رو، عدم همراهی هر تاجر به شدت منکوب و حتی افراد تهدید جانی می‌شدند.^(۱۴۵) لازمه عملی شدن خواست‌های تجار، همراهی تمامی آن‌ها و همکاری دولت با آن‌ها در بستن مرزها بود. تجار

از طریق اتاق تجارت و شورای عالی تجارت، دیدگاه‌های خود را برای عقد قرارداد تجارتمی در جزییات مفاد قرارداد مطرح کردند. اتاق تجارت تهران تقاضای تشکیل کمیسیونی برای اعمال دیدگاه‌های تجار در نظام‌نامه تجاری ایران و شوروی کرد و عنوان نمود نظام‌نامه می‌بایست با نظر تجار تدوین شود و مسایل مورد نظر تجار مد نظر قرار گیرد. مشخص است که تجار در همه موارد مذاکرات و تنظیم قرارداد سعی در حضور و نظارت دایم در روند مذاکرات داشتند. پیش‌نویس قرارداد تجارتمی توسط وزیر فواید عامه به کمیسیون فرعی شورای عالی تجارت ارسال شد تا تجار نظریه‌های خود را به صورت پیشنهاد به دولت اعلام نمایند. (۱۴۶) از سوی دیگر دولت سعی داشت از مذاکره و ارتباط مستقیم تجار با نمایندگان دولت‌های خارجی جلوگیری کند چرا که آن را به صلاح اقتضای خود و منافع عمومی نمی‌دانست. (۱۴۷)

تجار مساله مبادلات پولی با روس‌ها را مطرح کردند که مشکلات بسیاری ایجاد می‌کرد. تجار ایرانی با صدور کالاهایی مثل برنج، خشکبار و دیگر کالاهای شوروی پول روسی «چرونس» (۱۴۸) دریافت می‌کردند. این پول به بانک روس و ایران تحویل داده می‌شد و به قران تبدیل می‌گردید. در مواردی که بانک از پذیرش اسکناس‌های روسی سرباز می‌زد، قیمت آن کاهش می‌یافت و تجار خسارت‌های بسیار متقبل می‌شدند. (۱۴۹) تجار همچنین در مورد مساله ترانزیت و حق مبادله پنجاه میلیون منات کالای تجاری برای دو کشور پیشنهادهایی مطرح کردند و با توجه به تغییر ارزش منات آن را عادلانه ندانستند. (۱۵۰) بهر حال کوشش‌های تجار و گسترش فعالیت‌های آنان در سراسر کشور، دولت را به تلاش هر چه بیشتر برای انعقاد قرارداد تجارتمی عادلانه‌تری با شوروی واداشت و عهدنامه‌ای در هشت فصل در ۸ مهر ۱۳۰۶/اول اکتبر ۱۹۲۷ بین نمایندگان ایران و شوروی به امضا رسید. (۱۵۱)

ج) اتاق تجارت

نهادهای تجاری متناسب با ضرورت زمان، گاه به صورت خودجوش و گاه به صورت دولتی ایجاد می‌شدند. برخی از این نهادها برخاسته از نیازهای مربوط به روابط داخلی تجار و به منظور انسجام تشکیلاتی آنان بود. امین‌الضرب معتقد بود زمانی که شیرازه امور از هم گسیخته شود با پراکندگی و نابسامانی نمی‌توان موفق شد. «هر رشته از امور مملکت محتاج تشکیلات صحیح و انتظامات لازمه است تا بتوان به حسن جریان امیدوار و از نتایج مطلوبه آن کامکار شد. بالخصوص تجار و تجارت از همه بیشتر محتاج به حسن تشکیلات و انتظامات می‌باشند.» (۱۵۲) وی پیشرفت زراعت و صنعت را به رونق تجارت مرتبط و پیشرفت تجارت را منوط به آشنایی تجار با شیوه‌های تجارت نوین می‌داند و می‌نویسد: (۱۵۳)

«تجار ما با مقتضیات زمان و جریان امور تجار عصر حاضر کمتر آشنا هستند. باید به

وسایل مختلفه سعی کرد طرز فکر و کار آنها را با تجارت سایر ملل تطبیق نمود و وسایل کار را برای آنها فراهم آورد و آنان را با اوضاع عالم آشنا ساخت تا بتوانند در مقابل تجار خارجه عرض اندام نمایند. در میدان مبارزه و رقابت تاب و توان مقاومت داشته باشند.»

امین‌الضرب بر لزوم تأسیس نهادهای برای تجمع تجار و جمع‌آوری و ارائه اطلاعات به آنان تأکید کرد. تبادل نظر بین تجار، یافتن بازارهایی برای کالاهای تجارتی ایران بخصوص فرش و دیگر اقلام آشنایی با شیوه‌های توسعه تجارت از مواردی بود که ضرورت ایجاد نهاد جدیدی برای اطلاع‌رسانی به تجار را فراهم می‌کرد. از آنجایی که تجارت نوین و مرتبط با جهان نیاز به کسب آگاهی‌های جدید داشت و شیوه‌های سنتی تجارت دیگر پاسخ‌گوی رقابت با سرمایه‌داری بزرگ جهانی نبود، لزوم تأسیس نهادهای نوین تجاری ضرورت یافت. علاوه بر این تقویت ساختار تشکیلاتی تجار به دستیابی به توسعه تجاری یاری می‌رساند. در این مقطع زمانی، تجار خود به لزوم ترمیم نهادهای داخلی سازمان خود پی برده بودند. ولی با این حال دخالت دولت و قانونمند کردن و تقویت نهادهای تجاری دولتی نیز ضروری می‌نمود: (۱۵۴)

«با این حال فقدان تشکیلات داخلی تجار نیز مزید بر علت شده متدرجاً دارد امور، یک سره از دست می‌رود. اگر می‌خواهیم عنان اختیار دارایی و هستی ما در دست دیگران نیافتد باید به هر قیمت شده است از تجار نگاهداری کرده... آنها را به راه راست هدایت نموده و تشکیلاتی برای آنها فراهم نماییم که اینها را خواه و نخواه به یکدیگر نزدیک و حس اشتراک منافع را در قلوب آنها مخمر نماید.»

کشورهایی که تجار ایرانی با آنان روابط تجاری برقرار کرده بودند و مراوده تجارتی داشتند نیاز به کسب آگاهی‌های بیشتری در مورد تجار ایرانی داشتند و لزوم وجود نهاد مشخصی برای ایجاد ارتباط و کسب اطلاعات را گوشزد می‌کردند. از سوی سفارت جمهوری ترکیه به مقام‌های دولتی ایران مراجعه شد و تقاضای فهرستی از اسامی تجار ایرانی کردند که در آن میزان سرمایه، نوع معاملات و بانک‌هایی که با آنها مبادله دارند، مشخص شده باشد. آنها از این طریق خواهان مرتبط کردن این افراد با «کمپانی‌ها، کمسیون‌ها و تجار ترکیه» شدند. (۱۵۵) همین امر دولت ایران را به تأسیس چنین نهادهایی ترغیب کرد.

با حمایت کنسولگری ایران در اسلامبول زمینه بازگشایی مجدد اتاق تجارتی ایران در استانبول فراهم شد. از بین یازده نفر تجار ایرانی که حائز شرایط ورود به اتاق تجارت بودند، چهار نفر به عنوان هیأت ریسه انتخاب و ریاست آن به عهده وهاب‌اف گذارده شد. (۱۵۶) روزنامه حبل‌المتین برای آشنایی تجار، مرام‌نامه اتاق تجارتی آلمان در بارسلون اسپانیا را منتشر کرد که شامل اهداف، تشکیلات داخلی، شرایط عضویت و خروج از اتاق تجارت، چگونگی انتخابات و وظایف هیأت مدیره و نمایندگی‌های اتاق تجارت در شهرهای دیگر

بود. (۱۵۷)

تجار ایرانی با همکاری مأموران دولت ایران، اتاق تجارت ایران در رم را تأسیس کردند. کمیسیونی برای تهیه مقدمات افتتاح آن تشکیل و نظام‌نامه‌ای تدوین کردند. خبر تأسیس اتاق تجارت ایران و ایتالیا در روزنامه‌ها منتشر شد و در توسعه تجارت دو کشور اعلان‌هایی منتشر گردید. (۱۵۸) در مصر نیز اتاق تجارت تأسیس و فعالیت‌های گسترده‌ای برای توسعه تجارت ایران در مصر انجام داد. اتاق تجارت مصر گزارشی از چگونگی فعالیت‌های تجاری تجار ایرانی منتشر و از همکاری امیرارفع وزیر مختار ایران در آن کشور ابراز رضایت کرد. (۱۵۹) کشورهای خارجی نیز متمایل به تأسیس این نهادها می‌تجاری بودند چراکه در صورت بروز اشکال‌ها یا اختلاف‌های مالی در امور تجارت، باین تجار دو کشور، نهادهای مشخص می‌توانست مورد مراجعه و جوابگو باشد. (۱۶۰)

گسترش روابط تجاری، تأسیس و بازگشایی مجدد اتاق تجارت ایرانیان در برخی از کشورها و آشنایی با روش‌های جدید بازاریابی و ارائه کالا، اتاق‌های تجارت خارج از کشور را بر آن داشت تا تجار ایرانی را به شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی تجارت ترغیب کنند. این کار با همکاری و هماهنگی کنسولگری‌های ایرانی در این کشورها مورد حمایت قرار گرفت. شرکت تجار ایرانی در نمایشگاه بین‌المللی فیلادلفیا به تجار ایرانی مقیم هند ابلاغ شد و وزارت فواید عامه به تجار مقیم تهران اعلام کرد: «قبول عضویت دولت ایران برای شرکت تجار بوده که مال‌التجاره‌های ایرانی را به نمایش دول اروپایی بگذارند.» (۱۶۱) وزارت فواید عامه برای تقویت و توسعه تجارت ایران پیشنهاد شرکت ایران در نمایشگاه‌های بین‌المللی و تأمین بودجه آن از سوی دولت را می‌نماید. (۱۶۲)

در داخل کشور نیز بر طبق تصویب‌نامه هیأت دولت به وزارت فواید عامه دستور تأسیس اتاق تجارت تهران داده شد. از روز ۱۸ تا ۲۲ اردیبهشت ۱۳۰۵ خورشیدی تجار در تجارتخانه مرحوم حاج ابوالقاسم تاجر اصفهانی حضور بهم رساندند و تعرفه انتخابات اعضای اتاق تجارت را دریافت کردند تا در رأی‌گیری اعضای اتاق تجارت شرکت نمایند. (۱۶۳) اتاق تجارت نهادی دولتی محسوب می‌شد و عامل اجرایی وزارت فواید عامه و رابط این وزارتخانه با تجار محسوب می‌شد. از این رو، تأسیس این نهاد نیاز به تأمین بودجه دولتی داشت و به همین دلیل تأسیس شعبه‌های آن در دیگر شهرها تا چند سال بعد به تعویق افتاد. (۱۶۴)

تجار برای تأسیس اتاق‌های تجارت در سراسر کشور، مواد قانونی را به عنوان پیشنهاد به مجلس شورای ملی ارائه دادند: (۱۶۵) ماده اول: مبلغ یکصد هزار تومان به منظور تأمین بودجه تأسیس اتاق‌های تجارت در نظر گرفته شود که هیجده هزار تومان آن مخصوص اتاق تجارت تهران و بقیه بین اتاق‌های تجارت مراکز داخل و خارج از کشور به تناسب اهمیت تقسیم می‌شود. این نهاد در شهرهای تبریز، مشهد، اصفهان، شیراز، بندر، همدان، عراق

[عجم]، رشت، بارفروش، کرمان و کرمانشاه دایر گردد. ماده دوم: نظامنامه اتاق تجارت به تصویب هیأت وزرا برسد. ماده سوم: بودجه مورد نظر اتاقهای تجارت به کلی از بودجه وزارتخانه مجزا گردد و در اختیار این نهاد قرار گیرد و چگونگی صرف وجوه مورد نظر با پیشنهاد اتاق تجارت تهران و موافقت وزارتخانه خواهد بود. ماده چهارم: عضویت اتاق تجارت افتخاری و مجانی است. ماده پنجم: اتاقهای تجارت موظف هستند محاسبه و گزارش عملیات خود را هر ساله منتشر و به آگاهی وزارت تجارت و فواید عامه برسانند. ماده ششم: وزارتخانههای تجارت و مالیه مأمور اجرای این قانون میباشند.

اما دولت پیشنهاد تجار را نپذیرفت و پس از مذاکره وزارت تجارت و مالیه مطرح شد که برای دولت «مقدور نیست که از محل عواید فعلی خود به اتاقهای تجارت کمک خرج بدهد» (۱۶۶) هر چند تأسیس این نهاد را نیز بسیار ضروری و لازم می دانند. طی مذاکره دولت با تجار پیشنهاد کمک مالی به این نهاد حذف و تجار خود مخارج آن را متحمل شدند. (۱۶۷) بالاخره اعضای اتاق تجارت تهران با رأیگیری و بر اساس نظامنامه قانونی اتاق تجارت تعیین شدند. (۱۶۸) و اتاق تجارت تهران و برخی از شهرها فعالیت خود را آغاز کردند. ریاست اتاق تجارت تهران به عهده حاج حسین آقا امین‌الضرب گذارده شد. (۱۶۹) از وظایف اتاق تجارت، نظارت در اجرای صحیح مقررات و قوانین تجارتی بود. اتاق تجارت بندر انزلی در اجرای مقررات گمرکی «قراری راجع به دلال‌ها و تجار گذارده و ضمناً متذکر گردیده‌اند که تجار قیمت اجناس را از نقطه نظر اینکه کمتر حقوق گمرکی به آن‌ها تعلق بگیرد، کمتر از میزان و قیمت اصلی جنس ننویسند.» (۱۷۰) به نظر می‌رسد که اتاق تجارت بیشتر نقش عامل اجرایی و پیگیری‌کننده اعمال و خواست‌های قانونی وزارت تجارت را به عهده داشت. بطور مثال وزارت تجارت و فواید عامه در مورد جلوگیری از تعدی کسبه و تعیین قیمت اجناس بخصوص خرازی از اتاق تجارت تهران می‌خواهد مساله را در اتاق تجارت مطرح و ترتیبی برای رفع این تعدیات اتخاذ نماید که قیمت مقطوع اجناس را معین و بروی اشیاء بنویسند. پیگیری این مسأله و بررسی عملی آن به عهده اتاق تجارت گذارده شد. (۱۷۱)

اتاق تجارت با انتشار مجله «اطاق تجارت» به درج مطالب مورد نیاز تجار پرداخت که شامل صورت جلسه‌های اتاق تجارت، مقررات تجاری، مصوبه‌های جدید، اطلاعات متفرقه تجارتی، مظنه ارزهای خارجی، قیمت اجناس صادراتی و وارداتی، آمار صادرات، اعلامیه‌های اداره گمرک، اخبار روزنامه‌های خارجی در مورد مسایل تجارتی با ایران، مقایسه تعرفه‌های گمرکی در ایران و کشورهای دیگر و آگهی‌های مختلف تجارتی و اعلان‌های تجارتخانه‌های داخلی و خارجی بود. (۱۷۲)

د) مدرسه عالی تجارت

از نهادهای دیگری که برای رشد تجارت نوین مورد توجه تجار قرار گرفت تأسیس

«مدرسه عالی تجارت» بود. تأسیس مدرسه تجارت به دلیل فهم این نکته بود که برای پیشرفت اقتصادی در دنیای نوین می‌بایست خود را به آگاهی‌ها و علوم جدید مجهز کرد. این مدرسه می‌توانست تجار جوانی را تربیت کند که قادر به توسعه تجارت و افزایش ثروت کشور باشند. در واقع این مدرسه نماد «علم تجارت» و سلاحی برای مقابله با رقبای قدرتمند خارجی بود. در توصیف لزوم چنین مرکزی برای افزایش آگاهی‌های تجارتی گفته شد: (۱۷۳)

«اگر از من بپرسید چرا بازارهای تجارت مهم ایران حتی در داخله در دست بیگانگان است. چرا اینقدر کسر عمل تجارتی داریم. چرا عمل صرافانی ما منحصر به یک بانک شده است. چرا حقوق تجار ما در داخله و خارجه تصییع گشته و گروه گروه به سوی ورشکستگی و فنا سوق می‌شوند. چرا مملکت روز به روز فقیرتر می‌شود و دولت از حیث پول در زحمت است. خواهم گفت به واسطه عدم معلومات تجارتی است.»

در لزوم آشنایی تجار با علوم جدید تجارت و ضرورت تأسیس مدرسه تجارت گفته شد که آگاهی تجار از علومی همچون علم ریاضیات، تبدیل اوزان و مقادیر کشورهای مختلف به یکدیگر، آگاهی از کاهش و افزایش بورس و تنظیم جداول آن، حساب بیمه و «استهلاک قروض»، و آشنایی با زبان‌های خارجی، جغرافیای تجارتی، حمل و نقل، حقوق و قوانین ضروری می‌باشد (۱۷۴) و برای ورود به تجارت امروز جهان می‌بایست به این علوم مجهز شد.

تجار برای افتتاح مدرسه تجارت با اعضای دولت به مذاکره پرداختند تا زیر نظر وزارت تجارت مدرسه مزبور تأسیس گردد. (۱۷۵) لزوم بهره‌گیری از آگاهی‌های جدید و کمبودهای علمی تجار برای بسیاری از تجار جوان، که نسل جدید تجار عصر پهلوی را شکل می‌دادند، آشکار بود. از این رو گروهی از تجار جوان با تنظیم مرام‌نامه‌ای در صدد تشکیل «دفتر اطلاعات تجارتی» در کلیه نقاط کشور برآمدند. آنان در انجام هدف خود از مأمورین مالیه تقاضای کمک کردند. (۱۷۶) این امر حاکی از احساس ضرورت آشنایی با شیوه‌های تجاری جدید و نقش اطلاعات در آن بود. تجار جوان به لزوم تجهیز و دگرگونی همه جانبه برای ماندگاری در جهانی که به سرعت در حال تغییر بود، پی برده بودند.

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل دوم

تبرستان
www.tabarestan.info

۱. اسامی تجاری که در اتحادیه تجار عضویت داشتند بر این قرار بود:

حاج شیخ ابوالقاسم نوری، حاجی علی آقا اسکویی، حاج مهدی بنگدار، آقا میرزا ابوطالب اسلامی، آقا میرزا علی محمد مدیر، حاج میرزا حسین هاشمی، آقامیرزا محمد ارباب، آقا سید حبیب‌الله بلور فروش، حاج محمد اسماعیل بزاز، سید محمد اشراق، حاج محمد حسین رزاز، حسین قلی‌خان خرازی، آقامیرزا حسین قلی سیگاری، حاج شیخ محمد زرگر، حاج محمد جعفر، حاج محمد تقی بنگدار، حاجی سید محمد ساعت‌ساز، آقا میرزا حاجی آقا حریر فروش، حاج شیخ احمد سقط فروش، حاج شیخ اسماعیل بلور فروش، حاجی نبی [ناخوانا]، حاجی شیخ عبدالحمین خرازی، آقا میرزا رحیم جواهری، حاجی سید محمد اسلام‌بلچی. (سند مزبور دارای تاریخ نیست به این دلیل مشخص نمی‌شود که این افراد در کدام دوره اتحادیه تجار عضویت داشته‌اند.) «اسامی تجار در اتحادیه تجار» [بی‌تا]، اسناد اتحادیه، تجار، (آر.ا.ض).

۲. دعوت اتحادیه تجار از محمد حسین امین‌الضرب، ۱۴ شوال ۱۳۳۷، اسناد اتحادیه تجار، (آر.ا.ض).

۳. «کتابچه نظامنامه اساسی هیأت اتحادیه تجار طهران»، ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۳۸، اسناد اتحادیه تجار، (آر.ا.ض)، صص ۱-۲.

۴. تمامی آگاهی‌های مربوط به این قسمت برگرفته از: کتابچه نظامنامه، صص ۵-۲ می‌باشد.

۵. «کتابچه نظامنامه داخلی هیئت اتحادیه تجار طهران»، ۱۶ جمادی‌الاول ۱۳۳۸، اسناد اتحادیه تجار (آر.ا.ض)، صص ۱-۳.

۶. همان جا، صص ۸-۴.

۷. «کتابچه نظامنامه انتخابات اتحادیه تجار»، ۱۱ ذی‌قعدة ۱۳۳۹، اسناد اتحادیه تجار، (آر.ا.ض)، صص ۵-۱.

۸. همان جا، صص ۸-۵.

۹. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: بخش ضمانت، نظامنامه انتخابات اتحادیه تجار.

۱۰. «اعلان به عموم آقایان تجار طهران»، ۲۸ ذی‌قعدة ۱۳۳۹، اسناد اتحادیه، تجار (آر.ا.ض)؛ «دعوت اتحادیه تجار طهران از

امین‌الضرب برای شرکت در جلسه عمومی»، ۱۲ ذی‌قعدة ۱۳۳۹، همان جا.

۱۱. دعوتنامه اتحادیه تجار طهران، ۱۲ ذی قعدة، ۱۳۳۹، همان جا.
۱۲. «جلسه کمیسیون انتخابات اتحادیه تجار، پنجشنبه ۱۰ رمضان [۱۳۳۹]، اسناد اتحادیه تجار (آر.ا.ض).
۱۳. از حاج آقا یوسف صدیق رئیس انجمن نظارت اتحادیه تجار به حاج امین الضرب، ۲۵ ذی حجه ۱۳۴۱، اسناد اتحادیه تجار، (آر.ا.ض)؛ اسامی تجار منتخب دوره سوم اتحادیه تجار مرکز به قرار ذیل اعلام شد: حاج میرزا حسین امین الضرب، فقیهالتجار، آقای صدیق، حاج علی اکبر اخوان، شوکت هاشمی، کاشانی، حاج محمد مهدی، حاج محمد حسین، حاج میرزا علی، حاج ابوالقاسم تاجر اصفهانی، حاج میرزا علی نقی کاشانی، حاج غفور آقا، حاج محمدجعفر خامنه، حاج میرزا علی، حاج میرزا محمود، آقا میرزا عبدالحسین، آقا رزاق اف، حاجی سلمه، افشار، میرزا حبیب الله تونوچیان، آقا میرزا علی محمد معلومی، آقا میرزا عبدالحسین کاشف، آقا حسین پرویز، آقا میرزا محمد صراف، حاج رحیم اتحادیه، حاج محمد حجره که استعفا داد و به جای وی میرزا محمد تقی نقی دعوت شد، حاج میرزا عباسعلی تبریزی، حاج میرزا علی اصغر کتابفروش، همچنین حاج محمد ابراهیم تاجر طهرانی استعفا داد و به جای وی آقا میرزا محمود دعوت شد. (هیأت اتحادیه تجار به حاج حسین امین الضرب، ۲۹ ذی حجه ۱۳۴۱، نمره ۳۳، اسناد اتحادیه تجار، (آر.ا.ض)).
۱۴. از امین الضرب به هیأت اتحادیه تجار، ۱۰ ربیع الثانی ۱۳۴۲، همان جا.
۱۵. تلگراف وزارت دربار پهلوی به مشهد، ۶ بهمن ۱۳۰۵، نمره ۲۳۰۹، اسناد دربار، (م.ا.ر). این اختلاف نظر مربوط بود به انحصار تجارتی شوروی و ضربه شدیدی که این مساله به روابط تجارتی ایران و شوروی وارد کرده بود. در تلگرافی که گروهی از تجار به تیمورتاش وزیر دربار پهلوی مخابره کردند، تشریح نمودند گروهی از تجار از قبیل حاجی غلامرضا سبزواری و وهاباف «به دستاری و تقویت خارجی مشغول عملیات و تشکیل جلسات شده و تجارت روسیه [را] به وسیله زد و بست.. به خود اختصاص داده اند و چون با اعتراض اتحادیه تجار به انحصار تجارتی شوروی مخالف بوده و به منافعتشان آسیب وارد می کرد به تهدید و توهین به اتحادیه تجار پرداخته آن را تعطیل کردند. تلگراف کنندگان که خود را علی بزرگنیا، محسینان، مستوفی اف و حسن تبریزی جواهری معرفی کردند، خواهان بازخواست و مجازات افراد خاطی شدند. (تلگراف تجار به تیمورتاش، ۵ بهمن ۱۳۰۵، وزارت دربار، (م.ا.ر)).
۱۶. نامه به حاج حسین امین الضرب، [بی تا]، اسناد اتحادیه تجار، (آر.ا.ض).
۱۷. از هیأت تجار به رئیس الوزراء، ۱۳۰۴/۴/۲۴، اسناد نخست وزیری، (م.ا.ر).
۱۸. از امین الضرب به حاج رحیم اتحادیه، ۸ شوال ۱۳۴۳، اسناد اتحادیه تجار، (آر.ا.ض).
۱۹. «تصویب نامه هیأت اتحادیه تجار طهران»، ۹ جمادی الاول [بی تا]، همان جا.
۲۰. از سیدحسین آقا شاهرودی به امین الضرب، ۱۷ فروردین ۱۳۰۵، اسناد اتحادیه تجار، (آر.ا.ض).
۲۱. اسامی تجار همدان که با اتحادیه همکاری داشتند از این قرار بود: حاج وکیل الرعایا، علوی، حاج آقا محمد نراقی، حاج سیدباقر، حاج سید کاظم، حاج احمد، حاج محمد مهدی منصور، آقای شهلا، حاج شیخ عبدالله، «اعلان هیئت تجار همدان»، ۱۷ جمادی الاول ۱۳۳۹، اسناد اتحادیه تجار، (آر.ا.ض).
۲۲. هر کدام از شعبه های اتحادیه در بوشهر، شیراز و اصفهان بطور جدا گانه به مجلس تلگراف کرده و به افزایش حقوق ماهانه نمایندگان اعتراض کردند. آنان در بخشی از نامه خود به نمایندگان می نویسند: «بفرمایید آیا ملت فقیر فلک زده ایران تازه گنج فارونی پیدا کرده و یا تجارت مرده ایران حیات تازه به خود گرفته.. توده ملت عموماً از این اضافه حقوق و کلام متغیر و ناراضی هستند و قلباً میل دارند که مانند دوره اول و دوم ماهی یکصد تومان حقوق و کلام باشد.» پیشنهاد اعتراض از سوی اتحادیه تجار بوشهر مطرح گردید.
- (حبل المتین، ۱۶ شوال ۱۳۴۵/۱۹ آوریل ۱۹۲۷، سال ۳۵، ش ۱۷، صص ۵-۶).
۲۳. از خواجه اسدالله عصاره دزفولی به هیأت اتحادیه تجار، ۲۸ شعبان ۱۳۴۴، اسناد اتحادیه تجار، (آر.ا.ض).

یادداشت‌های فصل دوم ۴۱۳

۲۴. از حاج محمدحسین سدهی به حکومت اصفهان، ۱۱ رجب ۱۳۴۱/۸ حوت ۱۳۰۱، استانداری اصفهان، ۲۱/۶۰/۱۰۷ [۲۹۱]، (م.ا.م).
۲۵. تلگراف حاج محمدحسین سدهی به ریاست وزراء، اول محرم ۱۳۴۲، استانداری اصفهان، ۲۱/۶۰/۷۴ [۲۹۱]، (م.ا.م).
۲۶. از حکومت اصفهان به اتحادیه تجار اصفهان، ۹ جوزا ۱۳۴۲، استانداری اصفهان، ۲۱/۶۰/۶ [۲۹۱]، (م.ا.م).
۲۷. از حکومت اصفهان به اتحادیه تجار اصفهان، ۵ جوزا ۱۳۴۲، استانداری اصفهان، ۲۱/۶۰/۱۳ [۲۹۱]، (م.ا.م)؛ از حکومت اصفهان به اتحادیه تجار اصفهان، [بی تا]، استانداری اصفهان، ۲۱/۶۰/۱۵ [۲۹۱]، (م.ا.م).
۲۸. از اعضای کمیسیون به سردار جنگ، حاکم اصفهان، ۱۲ ذی حجه [بی تا]، استانداری اصفهان، ۲۱/۶۰/۲۳ [۲۹۱]، (م.ا.م).
۲۹. معرفی نامه هیأت اتحادیه تجار به حاجی محمود عبدالباقی، ۱۱ شوال ۱۳۴۱، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۳۰. از حاج محمدحسین امین‌الضرب به شارژدافر روس، ۲۱ ربیع‌الاول ۱۳۴۱، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۳۱. از حاج محمدحسین امین‌الضرب به شارژدافر روس، ۱۰ ربیع‌الاول ۱۳۴۱، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۳۲. معرفی نامه هیأت اتحادیه تجار به حبیب‌الله مبین، ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۴۲، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۳۳. از حاج میرزا علی اصفهانی به امین‌الضرب، ۲۵ رجب ۱۳۴۲، نمره ۷۷۶۴، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۳۴. از حاج محمد حجره به امین‌الضرب، اول ذی قعدة ۱۳۴۱، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۳۵. استشهاد محلی یکی از تجار کرمانشاه به امین‌الضرب، ۲۷ ربیع‌الاول ۱۳۴۳، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۳۶. پیشنهاد امین‌الضرب در خصوص ایجاد «احصاییه هیأت تجار»، [بی تا]، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۳۷. نامه هیأت اتحادیه تجار به وزیر مختار دولت آمریکا در تهران، [بی تا]، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۳۸. از نمایندگی مختار دولت جمهوری سوسیالیستی اتحاد شوروی به امین‌الضرب، ۱۱ کبیر ۱۹۲۲، اسناد اتحادیه تجار (آ.ا.ض)؛ از نمایندگی مختار اتحاد شوروی به امین‌الضرب، ۱۵ نوامبر ۱۹۲۲، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۳۹. از هیأت اتحادیه تجار مصر به امین‌الضرب، [بی تا]، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۴۰. در مورد مساله انحصار تجارت شوروی و واکنش تجار ایرانی در قسمت‌های بعدی توضیح داده خواهد شد.
۴۱. از هیأت اتحادیه تجار به وزارت امور خارجه، ۲۲ محرم ۱۳۴۰، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۴۲. از امین‌الضرب به شومینانسکی شارژدافر دولت شوروی، ۱۴ رجب ۱۳۴۱، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۴۳. از اتحادیه تجار اصفهان به شهاب‌السلطنه حکمران اصفهان، ۲۵ رمضان ۱۳۳۶، استانداری اصفهان، ۱۵/۴۲/۳ [۲۹۱]، (م.ا.م)؛ در مورد تاریخ چند سندی که مربوط به اتحادیه تجار اصفهان بود، به درستی مشخص نیست که اتحادیه تجار اصفهان قبل از اتحادیه تجار تهران یا هم زمان با آن تشکیل شده است. اسناد موجود فعالیت اتحادیه تجار تهران را سال ۱۳۳۷ قمری مشخص می‌کند، در حالی که اتحادیه تجار اصفهان در سال ۱۳۳۶ قمری دارای مکاتبه‌هایی است. تعیین دقیق تر فعالیت‌های هر یک از شعبه‌های اتحادیه تجار منوط به دستیابی به اسناد بیشتری است.
۴۴. از حکومت اصفهان به اتحادیه تجار، اول شوال ۱۳۳۶، استانداری اصفهان، ۱۵/۴۲/۳ [۲۹۱]، (م.ا.م).
۴۵. تلگراف اتحادیه تجار سمنان به ریاست وزراء، ۱۲ اسفند ۱۳۰۴، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۴۶. تلگراف اتحادیه تجار بوشهر و دیگر شهرها به مجلس شورای ملی، نقل شده از: حبل‌المتین، سال ۳۵، ۱۶ شوال ۱۳۴۵/۱۹ آوریل ۱۹۲۷، ش ۱۷، صص ۵-۶.
۴۷. از اتحادیه تجار اصفهان به مجلس شورای ملی، ۲۱ محرم ۱۳۴۶، نمره ۶۸، (فوق‌العاده صبح امید)، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۴۸. تلگراف اتحادیه تجار به ریاست وزراء، سال ۱۳۰۴ خورشیدی، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).

۴۹. از اتحادیه تجار و اصناف به ریاست وزرا، ۲۴ تیر ۱۳۰۴، نمره ۴۵۱۰، نخست وزیری، (م.ا.ر).
۵۰. از اتحادیه تجار به دکتر میلپر، [بی تا]، نخست وزیری، (م.ا.ر).
۵۱. از سوی تجار، اسامی ذیل به عنوان نمایندگی مجلس ششم مطرح شد:
حاج امین الضرب، حاج میرزا عباس قلی آقا، حاجی محمدحسین بلورفروش، امیر همایون بوشهری، آقا سیدعبدالرحیم کاشانی، اسلامبولچی، حاجی محمدتقی بنکدار، حاج رحیم آقا قزوینی، فقیهالتجار، اسلامیه، کاشف، نیک پور، (اسامی نامزدهای نمایندگی مجلس، [بی تا]، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض)).
۵۲. از هیأت اتحادیه تجار تهران به نمایندگان مجلس، ۲۰ شوال ۱۳۴۱، نمره ۱۱۳۶، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۵۳. از اتحادیه تجار همدان به مجلس شورای ملی، ۲۴ جمادی الاول ۱۳۴۱، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۵۴. از اتحادیه تجار مرکز به دکتر میلپر رئیس کل مالیه، ۲۴ جمادی الثانی ۱۳۴۱، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۵۵. تلگراف هیأت اتحادیه تجار همدان به «مقامات عالیہ مملکتی»، ۶ بهمن ۱۳۰۴، نمره ۵۳۶، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۵۶. پیشنهاد اتحادیه تجار همدان، ۲۰ شعبان ۱۳۴۵، نمره ۶۳۹، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۵۷. از [گمنام] به هیأت اتحادیه تجار، [بی تا]، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۵۸. دعوت جمعیت عزاداران حسینی کاشانیان از امین الضرب و اعضای اتحادیه تجار، اول محرم ۱۳۴۰، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۵۹. دعوت هیأت انصاری محله شاه آباد از امین الضرب و اتحادیه تجار، [سال ۱۳۳۷ قمری]، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۶۰. بیانیه هیأت اتحادیه تجار رشت، ۱۷ جمادی الاول ۱۳۴۱، نمره ۱۳۶، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض)؛ بیانیه هیأت اتحادیه تجار رشت: «سواد قرارداد»، ۲۰ جمادی الاول ۱۳۴۱، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۶۱. خطابه اتحادیه تجار به جنگ ترکیه و یونان بر سر برخی مناطق مورد ادعا در سالهای ۱۹۲۲-۱۹۲۰ میلادی اشاره دارد. برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به: برنارد لویس، ظهور ترکیه نوین، ترجمه محسن علی سبحانی، (تهران، ۱۳۷۲)، صص ۳۵۵-۳۵۷.
۶۲. «خطابه‌ای که از طرف هیأت اتحادیه تجار قرائت شد»، [بی تا]، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۶۳. برای آگاهی‌های بیشتر از مبادلات تجاری ایران و شوروی نگاه کنید به فصل پنجم همین بخش.
۶۴. نگاه کنید به: «مراسله کمیسر ملی امور خارجه روسیه به رئیس‌الوزرا ایران»، حبل‌المتین، سال ۳۴، ۱۷ جمادی الاول ۱۳۴۴/۲۳ نوامبر ۱۹۲۶، ش ۲۲، صص ۷-۶.
۶۵. برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به: حسین مکی، مختصری از زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه، (تهران، ۱۳۵۷)، صص ۲۸۳-۲۵۱.
۶۶. فصل بیستم قرارداد ۱۳۴۰/۱۹۲۱ ایران و شوروی به قرار ذیل بود: «طرفین معظمین متعاهدتین متقابلاً به هم دیگر حق ترانزیت می‌دهند که از طریق ایران و یا طریق روسیه به ممالک ثالثی مال‌التجاره حمل نمایند. ضمناً بر مال‌التجاره حمل شده عوارض بیش از آنچه از مال‌التجاره دول کامله‌الوداد، غیر از ممالک متحده با جمهوری اتحاد شوروی روسیه اخذ می‌شود، نباید تعلق گیرد.» (برای آگاهی از متن قرارداد نگاه کنید به: «نص عهدنامه ایران و روس»، حبل‌المتین، سال ۳۵، ۲۹ جمادی الثانی ۱۳۴۵/۴ دسامبر ۱۹۲۷، ش ۲ و ۳، صص ۲۹-۲۶).
۶۷. عبدالله مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۳، ص ۵۵۱.
۶۸. «تجارت ایران و روس»، حبل‌المتین، سال ۳۴، ۲۴ جمادی الاول ۱۳۴۵/۳۰ نوامبر ۱۹۲۶، ش ۲۳، ص ۲۲.
۶۹. در این گزارش از تجارتخانه روتپو، ساتر سایوز و فلویکم که روسی بودند، نام برده شده است. (گزارش اداره گمرک

یادداشت‌های فصل دوم ۴۱۵

- شمال (مشهد سر)، [۱۹۲۳ میلادی]، وزارت مالیه، (۶۰-۵۸) ۲۵۱/۴۸ [۲۴۰] (م.ا.م).
۷۰. ایران آزاد، ۲۷ محرم ۱۳۴۱/۲۳ اوت ۱۹۲۲، ش ۸۹، ص ۴.
۷۱. اطلاعات، ۲۳ جمادى‌الثانی ۱۳۴۵/۳۰ دسامبر ۱۹۲۶.
۷۲. در گزارش گمرک آستارا به رییس کل گمرک گفته شد این مراکز جنسی را که فقط پنج قران بیشتر ارزش ندارد پانزده قران به فروش می‌رسانند و در مقابل اجناس ایرانی به خصوص برنج، پوست و خشکبار که برای فروش به آن‌ها واگذار می‌شد به قیمت نازل می‌خریدند. به عبارت دیگر روس‌ها میل داشتند انحصار تجارت به این دو کمپانی یا بهتر گفته باشیم به خود دولت منحصر باشد. (گزارش گمرک آستارا به رییس کل گمرک، ۲۵ مه ۱۹۲۲، وزارت مالیه، ۲۵۱/۴۸/۱۴۶ [۲۴۰] (م.ا.م)).
۷۳. «راجع به تجارت شمال»، اطلاعات، ۲۹ شعبان ۱۳۴۶/۲۲ فوریه ۱۹۲۸، ص ۳.
۷۴. جبل‌المتین، سال ۳۲، ذی‌حجه ۱۳۴۲/۷ جولای ۱۹۲۴، ش ۳، ص ۵.
۷۵. از وزارت امور خارجه به وزارت داخله، ۲۵ اردیبهشت ۱۳۰۷، وزارت کشور، (۴) ۲۹۰/۴ [۲۹۰] (م.ا.م).
۷۶. اتاق تجارت روسیه از طریق شورای پانزده نفری از اعضای منتخب اداره می‌شد. در جلسه عمومی اعضای افتخاری و دائمی و «اعضای ذوالید عملی» وجود داشتند. نماینده‌ای از کمیاریای امور خارجه، کمیاریای تجارت خارجه و نماینده‌ای از کمیاریای داخله در امور رسیدگی می‌کردند. شورای این مرکز از میان اعضای متخبه، رییس و اجزای اداره را انتخاب می‌کردند. کمیسیون مخصوصی برای بازرسی از عملکرد این مرکز تأسیس شد که آن نیز دارای ضوابط خاصی بود. برای آگاهی‌های بیشتر از تشکیلات اتاق تجارتنی روسیه و عملکرد آن نگاه کنید به: «نظام‌نامه اطاق تجارتنی روسیه با ممالک شرق، مسکو، ۱۹۲۳ میلادی، (آر.اض).
۷۷. اطلاعات، ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۴۶/۱۱۹ اکتبر ۱۹۲۷، ص ۳.
۷۸. تلگراف از مشهد به وزیر دربار پهلوی، ۵ بهمن ۱۳۰۵، وزارت دربار، (م.ا.ر)؛ شرح این ماجرا در بحث اتحادیه تجار توضیح داده شده است.
۷۹. حاج عباس علی ملکی از مسکو به امین‌الضرب، ۱۶ صفر ۱۳۴۲، اسناد اتحادیه تجار، (آر.اض).
۸۰. روزنامه ایران، ۱۴ شعبان ۱۳۴۰/۱۳ آوریل ۱۹۲۲، ش ۱۱۱۴، ص ۲؛ گزارش گمرک انزلی به اداره کل گمرکات، سال ۱۳۰۲ خورشیدی، وزارت مالیه، (۳۳) ۲۵۱/۴۸ [۲۴۰] (م.ا.ر).
۸۱. «سواد مکتوب هیات تجار انزلی به گمرک ایالتی گیلان»، [سال ۱۳۰۲ خورشیدی]، وزارت مالیه، ۲۵۱/۴۸/۳۵ [۲۴۰] (م.ا.م).
۸۲. گزارش اداره گمرک به رییس کل گمرکات، سال ۱۳۰۲ خورشیدی، وزارت مالیه، (۷۲-۶۹) ۲۵۱/۴۸ [۲۴۰] (م.ا.م).
۸۳. روزنامه ایران، ۱۹ شعبان ۱۳۴۰/۱۸ آوریل ۱۹۲۲، ش ۱۱۱۷، ص ۲.
۸۴. همان‌جا، ۲ رجب ۱۳۴۰/۲ مارس ۱۹۲۲، ش ۱۰۸۹، ص ۳؛ اداره گمرک گزارش داد با وجود ممنوعیت و امتناع ماموران دریایی شوروی، تجار ایرانی برای حل مشکلات خود مرکبات را به وسیله کرجی‌های تراکمه به خاک روسیه حمل می‌کنند. «گزارش اداره گمرک به رییس کل گمرک»، سال ۱۳۰۲ خورشیدی، وزارت مالیه، ۲۵۰/۴۸/۵۲-۵۵ [۲۴۰] (م.ا.م).
۸۵. روزنامه ایران، ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۴۰/۲۵ دسامبر ۱۹۲۱، ش ۱۰۴۴، ص ۱.
۸۶. «تلگراف تجار رشت به مجلس شورای ملی»، ۲۷ عقرب ۱۳۰۱، وزارت مالیه، ۲۵۱/۴۸/۱۰۲-۶ [۲۴۰] (م.ا.م)؛ «تلگراف تجار استرآباد به مجلس شورای ملی»، ۷ قوس ۱۳۰۱، وزارت مالیه، ۲۵۱/۴۸/۷۸ [۲۴۰] (م.ا.م)؛ از مجلس شورای ملی به وزارت مالیه در مورد شکایت تجار استرآباد، وزارت مالیه، ۲۵۱/۴۸/۷۵ [۲۴۰] (م.ا.م)؛ «تلگراف تجار

مشهدسر به مجلس شورای ملی، ۱۶ حمل ۱۳۰۱، وزارت مالیه، ۱۳۳/۴۸/۲۵۱ [۲۴۰]؛ (م.ا.م)؛ از پیشکار مالیه ایالتی مازندران به وزارت مالیه، ۲۰ جدی ۱۳۰۱، وزارت مالیه ۱۴۴/۴۸/۲۵۱ [۲۴۰]؛ (م.ا.م).
۸۷ از هیات اتحادیه تجار طهران به مجلس شورای ملی، ۲۷ عقرب ۱۳۰۱، وزارت مالیه (۹۴-۹۳) ۴۸/۲۵۱ [۲۴۰] (م.ا.م).

۸۸ هیات اتحادیه تجار طهران به وزارت خارجه، ۲۲ محرم ۱۳۴۰، (آ.ا.ض).

۸۹ گزارش از مازندران، [بی تا]، وزارت کشور، ۱۸/۱۴۷/۳ [۲۹۳]؛ (م.ا.م).

۹۰ «فلاحان و زارعان مازندرانی به مجلس شورای ملی، ۲۷ عقرب ۱۳۰۱، وزارت مالیه، (۹۷-۹۶) ۴۸/۲۵۱ [۲۴۰] (م.ا.م)؛ از مجلس شورای ملی به وزارت مالیه، ۲۷ عقرب ۱۳۰۱، (۹۸) ۴۸/۲۵۱ [۲۴۰] (م.ا.م).

۹۱ روزنامه ایران، ۵ جمادی الاول ۱۳۴۰/۶ نوامبر ۱۹۲۱، ش ۱۰۵۱، ص ۱.

۹۲ همانجا، ۱۰ شوال ۱۳۴۳/۴ مه ۱۹۲۵، ش ۱۸۱۴، ص ۲.

۹۳ از وزارت فواید عامه به وزارت امور خارجه، ۲۴ سرطان ۱۳۰۱، وزارت مالیه، ۱۳۴/۴۸/۲۵۱ [۲۴۰] (م.ا.م).

۹۴ از اداره گمرک به رییس کل گمرکات، سال ۱۳۰۱ خورشیدی، وزارت مالیه، ۲۶/۴۸/۲۵۱ [۲۴۰]؛ از اداره گمرک به وزارت مالیه، سال ۱۳۰۱ خورشیدی، وزارت مالیه، ۲۷/۴۸/۲۵۱ [۲۴۰]؛ از وزارت امور خارجه به اداره کل گمرکات، ۲۰ عقرب ۱۳۰۱، وزارت مالیه، ۷۶/۴۸/۲۵۱ [۲۴۰]؛ از اداره گمرکات به وزارت مالیه، سال ۱۳۰۱ خورشیدی، وزارت مالیه، (۲۱) ۴۸/۲۵۱ [۲۴۰]؛ از وزارت امور خارجه به وزارت مالیه، ۹ ثور ۱۳۰۲، وزارت مالیه، ۳۱/۴۸/۲۵۱ [۲۴۰]؛ از اداره گمرک به وزارت مالیه، سال ۱۳۰۲ خورشیدی، وزارت مالیه، (۶۷-۶۶) ۴۸/۲۵۱ [۲۴۰]؛ (م.ا.م).

۹۵ از وزارت مالیه به اداره گمرک، ۴ حمل ۱۳۰۱، وزارت مالیه ۱۸۱/۴۸/۲۵۱ [۲۴۰] (م.ا.م).

۹۶ از اداره گمرک به رییس کل گمرکات، ۸ ثور ۱۳۰۲، وزارت مالیه، ۷۲-۶۹/۴۸/۲۵۱ [۲۴۰]؛ از اداره گمرک به وزارت مالیه، ۹ فروردین ۱۳۰۲، وزارت مالیه، ۶۳/۴۸/۲۵۱ [۲۴۰]؛ از اداره گمرک به اداره کل گمرکات، ۱۹ حمل ۱۳۰۱، وزارت مالیه، (۶۵-۶۴) ۴۸/۲۵۱ [۲۴۰]؛ از اداره گمرک به وزارت امور خارجه، ۲۷ سنبله ۱۳۰۲، وزارت مالیه، (۶۷-۶۶) ۴۸/۲۵۱ [۲۴۰]؛ از اداره گمرک به رییس کل گمرک، [بی تا]، (۵۵-۵۲) ۴۸/۲۵۱ [۲۴۰]؛ اداره گمرک به اداره کل گمرکات، [بی تا]، وزارت مالیه، ۶۰-۵۸/۴۸/۲۵۱ [۲۴۰]؛ (م.ا.م)؛ گزارش هایی نیز از درگیری های ایران و شوروی بر سر شیلات و قرارداد مسکوکات، اعلام شد. نگاه کنید به: حبل المتین، سال ۳۲، ش ۳، صص ۹-۱۰.

۹۷ ایران آزاد، ۲۲ محرم، ۱۳۴۱/۱۵ سپتامبر ۱۹۲۲، ش ۸۶، ص ۱.

۹۸ روزنامه ایران، اول رجب ۱۳۴۰/اول مارس ۱۹۲۲، ش ۱۰۸۸، ص ۲.

۹۹ بهار، احزاب سیاسی، ج ۱، ص ۵۶؛ مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۳، صص ۵۵۱-۵۵۲.

۱۰۰ حبل المتین، سال ۳۲، ش ۱۱، صص ۱۲-۹؛ اطلاعات، ۱۴ ربیع الاول ۱۳۴۶/۱۲ سپتامبر ۱۹۲۷، ص ۳.

۱۰۱ اطلاعات، ۶ ذی حجه ۱۳۴۵/۶ ژوئن ۱۹۲۷، ص ۱.

۱۰۲ گفته شد که دولت شوروی تا صدی ده و پانزده معاملات نقدی را پذیرفته و در مورد ترانزیت نیز عبور کالاهای ایران از روسیه به اروپا پذیرفته شد، ولی صدور کالا از کشورهای که شوروی با آنها روابط نداشت، ملغی شد. (اطلاعات، ۸ ذی حجه ۱۳۴۵/۸ ژوئن ۱۹۲۷، ص ۱).

۱۰۳ «مراسله اداره مرکزی کل گمرکات با وزارت مالیه و فواید عامه»، ۱۱ مه ۱۹۲۲، وزارت مالیه، ۱۲۵/۴۸/۲۵۱ [۲۴۰] (م.ا.م).

۱۰۴ اطلاعات، ۲۹ شعبان ۱۳۴۶/۲۲ فوریه ۱۹۲۸، ص ۱؛ در ملاقات آرانسون رییس تجارت شرق دولت شوروی با تجار رشت مذاکره هایی صورت گرفت و پیشنهادهایی در مورد افزایش قیمت اجناس روسیه به واسطه ترقی نرخ بورس و لزوم

یادداشت‌های فصل دوم ۴۱۷

افزایش قیمت کالاهای ایرانی مطرح شد. همچنین عنوان شد که نصف اجناس انحصاری وارداتی باید به تجار ایرانی داده شود. (سواد راپورت نظمیه گیلان، ۱۷ بهمن ۱۳۰۸، وزارت کشور، ۴-۲/۲۲۱/۲ [۲۹۰] (م.ا.م)).

۱۰۵. اطلاعات، ۳۰ جمادی‌الثانی ۱۳۴۵/۶ ژانویه ۱۹۲۷، ص ۲؛ همان‌جا، اول جمادی‌الثانی ۱۳۴۵/۷ دسامبر ۱۹۲۷، ص ۱.

۱۰۶. حبل‌المتین، سال ۳۶، ۲۵ جمادی‌الثانی ۱۳۴۶/۲۰ دسامبر ۱۹۲۷، ش ۲، صص ۱۱-۹.

۱۰۷. همان‌جا، سال ۳۶، ۳ ذی‌قعدة ۱۳۴۶/۲۴ آوریل ۱۹۲۸، ش ۲۰، صص ۱۴-۱۳؛ بالاخره در سال ۱۳۰۶ خورشیدی لایحه تعرفه گمرکی ایران و شوروی به مجلس شورای ملی تقدیم شد. برای آگاهی از مفاد پیش‌نویس قرارداد نگاه کنید به:

(اطلاعات، ۱۱ ربیع‌الثانی ۱۳۴۶/۱۸ کبر ۱۹۲۷، ص ۱؛ همان‌جا، ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۴۶/۱۶ کبر ۱۹۲۷، ص ۳).

۱۰۸. حبل‌المتین، سال ۳۶، ۱۶ رجب ۱۳۴۶/۱۰ ژانویه ۱۹۲۸، ش ۴ و ۵ صص ۲۸-۲۷؛ اطلاعات، ۶ ربیع‌الثانی ۱۳۴۶/۳ اکتبر ۱۹۲۷، ص ۱.

۱۰۹. «بیانیه جمعیت نهضت اقتصاد»، حبل‌المتین، سال ۳۵، ۱۲ شعبان ۱۳۴۵/۱۵ فوریه ۱۹۲۷، ش ۹، ص ۹.

۱۱۰. همان‌جا.

۱۱۱. حبل‌المتین، سال ۳۵، ۱۲ شعبان ۱۳۴۵/۱۵ فوریه ۱۹۲۷، ش ۹، صص ۸-۷.

۱۱۲. تلگراف هیأت اتحادیه تجار همدان به مقامات عالی‌ه مملکتی، ۶ بهمن ۱۳۰۶، وزارت کشور ۱/۴۴/۲۹۳ [۲۹۳] (م.ا.م).

۱۱۳. تجار همدان خلاصه پیشنهادهای خود را در موارد ذیل خلاصه کردند: ۱- تا میزان ده کرور تومان از عواید انحصار قند و شکر و چای برای بستن سد اهواز، ترویج زراعت چغندر و شکر در خوزستان و زراعت چای در شمال ایران و پنبه در مشرق و شمال کشور اختصاص یابد. ۲- پس از انجام اصلاحات فوق به ایجاد راه‌آهن مبادرت شود. ۳- راجع به واردات مملکتی و تعیین اشیای غیر ضروری و منع ورود آن‌ها در حدود چیزهایی که مواد اولیه آن در مملکت باشد و جمعیت بی‌کار فعلی بتواند نظایر آن‌ها را تهیه نماید. ۴- تشویق و تقویت و در حقیقت احیا و حمایت واقعی از صنعتگران داخلی.

(از «اتحادیه تجار همدان به وزارت تجارت و فلاحت»، ۲۷ رمضان ۱۳۴۸، نخست‌وزیری، ۱/۴۴/۳۱۰ [۳۱۰] (م.ا.م)).

۱۱۴. در گزارش آمده است جلسه سوم جمعیت در منزل آقا کاظم آقا و جلسه چهارم شب سه‌شنبه در منزل حاجی غلام‌رضا تشکیل شد. (گزارش اداره نظمیه قزوین به حکومت، ۹ بهمن ۱۳۰۵، وزارت کشور، ۶/۴۴/۲۹۳ [۲۹۳] (م.ا.م)).

۱۱۵. از اداره بلدیه قزوین به وزارت داخله، ۱۷ بهمن ۱۳۰۵، وزارت کشور، ۷/۴۴/۲۹۳ [۲۹۳] (م.ا.م).

۱۱۶. عملکرد دولت شوروی به این قسم تشریح شد: «در خرید اجناس داخلی ایران در اول وسایل ترقی را فراهم کرده همین که تجار زیر بار برونند غفلتاً تضییقاتی پیش می‌آورند که تجار و کسبه اقلأ نصف سرمایه مختصر خود را از دست بدهند چنانکه در سال گذشته در اول، خشکبار را روس‌ها ترقی داده همین که کلیه اصول خود را جمع کردند ناگهان سرحدات را بسته تمام اموال ایرانی را در سرحد معدم نمودند. همچنین در فروش اجناس خودشان مظنه قند و نفت و غیره را نوعی می‌نمایند که تجار متفرقه در فروش همان اجناس در ولایات ایران ضرر نمایند. همین که تجار داخلی را از پا در آورند به وسیله عمال خصوصی در کوچکترین قرای ایران مشغول خرید امتعه ایرانی شده آن را هم به نازل‌ترین قیمت جمع‌آوری می‌نمایند چنانکه فعلاً چندین ماه است در دهات اطراف قزوین عمال روس، کشمش سبزه را خرورای هشت الی ده تومان خریداری کرده در صورتی که این قیمت تنها خرج تهیه نمودن سبزه و تأدیه مالیات آن را تکافو می‌نماید. (بیانیه جمعیت نهضت اقتصاد قزوین، ۱۴ بهمن ۱۳۰۶ [۱۳۰۶] وزارت کشور، ۹/۴۴/۲۹۳ [۲۹۳] (م.ا.م)).

۱۱۷. «بیانیه هیأت اتحادیه تجار قزوین»، [سال ۱۳۰۶ خورشیدی]، وزارت مالیه، ۴۳/۱/۱۸۵ [۲۴۰] (م.ا.م).

۱۱۸. از اداره نظمیه قزوین به حکومت جلیله، ۲۳ اسفند ۱۳۰۵، وزارت کشور، ۱/۴۴/۲۹۳ [۲۹۳] (م.ا.م)؛ از اداره کل تشکیلات نظمیه به وزارت داخله، ۷ فروردین ۱۳۰۶؛ وزارت کشور، ۳/۴۴/۲۹۳ [۲۹۳] (م.ا.م)؛ از حکومت قزوین به

۴۱۸. تجارت، مشروطیت و دولت مدرن

- وزارت داخله، ۱۰ بهمن ۱۳۰۵، وزارت کشور، ۴/۴۴/۳۵/۲۹۳؛ از حکومت قزوین به وزارت داخله، ۲۴ اسفند ۱۳۰۵، وزارت کشور، ۵/۴۴/۳۵/۲۹۳؛ (م.ا.م.).
۱۱۹. از اداره نظامیه قزوین به حکومت جلیله، ۲۳ اسفند ۱۳۰۵، وزارت کشور، ۱/۴۴/۳۵/۲۹۳؛ (م.ا.م.).
۱۲۰. «بیانیه جمعیت نهضت اقتصاد خراسان»، ۸ اسفند ۱۳۰۵، (آ.ا.ض.).
۱۲۱. «راجع به قرارداد ایران و روس»، حبل المتین، سال ۱۳۰۵، جمادی الثانی ۱۳۴۵/۲۱ دسامبر ۱۹۲۶، ش ۱، ص ۱۵.
۱۲۲. همان جا، سال ۱۳۰۵، ۲۴ رمضان ۱۳۴۵/۲۹ مارس ۱۹۲۷، ش ۱۴ و ۱۵، ص ۷.
۱۲۳. اسامی تجاری که خواهان مؤاخذه و مجازات این افراد شدند: علی بزرگنیا، محسنیان، عبدالهیان، مستوفی اف، حسن تبریزی و جواهری بودند. (از دربار به ایالت خراسان، ۶ بهمن ۱۳۰۵، وزارت دربار، (م.ا.ر.)؛ تلگراف اتحادیه تجار خراسان به دربار، ۵ بهمن ۱۳۰۵، وزارت دربار، (م.ا.ر.).
۱۲۴. تلگراف تجار به ریاست وزرا و مجلس، ۱۴ بهمن ۱۳۰۵، ۱۵۸۴/۱۰۴۰۱۰، (م.ا.م.).
۱۲۵. در گزارش از تشکیل جمعیت نهضت اقتصاد تبریز گفته شده است پس از جلسه های متعدد، هیأت متخذه بیست و سه نفره که سابق انتخاب شده بودند، «به پاره ای نظریات» استعفا کردند و هیأت مدیره دوازده نفری جدید انتخاب شدند. از سوی دیگر در تلگراف جمعیت مشهد به تبریز گفته شده با اینکه آذربایجانی ها همیشه در اموری که به «حفظ استقلال و شرافت ایران» مرتبط بوده است، پیشقدم بودند، «علت چیست با اطلاع به وضعیت و عدم آزادی تجارت شمال ساکت و با همکاران خود هم صدا و اظهار موافقت نمی فرمایید.» با توجه به موارد ذکر شده به نظر می رسد عوامل یا شرایطی در تبریز مانع واکنش به موقع و فعال این جمعیت شده بود که بدین شکل از سوی هم صفیان خود مورد انتقاد قرار گرفت. («نهضت اقتصاد تبریز»، حبل المتین، سال ۱۳۰۵، ۲۴ رمضان ۱۳۴۵/۲۹ مارس ۱۹۲۷، ش ۱۵-۱۴، صص ۲۹-۲۸.
۱۲۶. همان جا، ص ۲۸.
۱۲۷. تلگراف از شیراز به ریاست وزرا، ۱۹ مهر ۱۳۰۶، وزارت کشور، ۵/۱۰۴۰۰۲، (م.ا.م.).
۱۲۸. «مرام نامه مجمع اقتصاد اصفهان»، حبل المتین، سال ۱۳۰۵، ۲۴ رمضان ۱۳۴۵.
۱۲۹. «مجمع اقتصاد یون اصفهان» می نویسد: حریر فرانسوی که ظاهراً ارزان تر بود جایگزین دیبای شوشتری و مخمل و زری فرنگی به جای کاشانی و زری اصفهان شد و سپس کارخانه های وطنی تعطیل و بیکاری گسترش یافت. این مجمع از زنان می خواهد برای خوشبختی خانوادگی خود و اجتناب از بیکاری همسرانشان در جهت استفاده از کالاهای وطنی کوشا باشند.
۱۳۰. «بیانیه نهضت اقتصاد مرکز»، حبل المتین، سال ۱۳۰۵، ۲۲ ذی قعدة ۱۳۴۵/۲۴ مه ۱۹۲۷، ش ۲۲-۲۱، صص ۲۶-۲۵.
۱۳۱. «بیانیه جمعیت نهضت اقتصاد - طهران»، اول اسفند ۱۳۰۵، وزارت کشور، ۲-۱/۴۴/۵۶/۲۹۳؛ (م.ا.م.)؛ حبل المتین، سال ۱۳۰۶، ۲۵ جمادی الثانی ۱۳۴۶/۲۰ دسامبر ۱۹۲۷، ش ۲، ص ۲۳.
۱۳۲. «قطع نامه اتحادیه اصناف اصفهان»، ۱۱ آذر ۱۳۰۵، نخست وزیری، (۱-۲)/۱/۵۳/۵/۳۱۰؛ (م.ا.م.).
۱۳۳. «رأپورت اداره نظامیه قزوین به حکومت»، ۹ بهمن ۱۳۰۵، نخست وزیری، ۶/۴۴/۳۵/۲۹۳؛ (م.ا.م.).
۱۳۴. «بیانیه شیخ نورالله اصفهانی»، ۱۱ آذر ۱۳۰۵، نخست وزیری، ۴/۱/۵۳/۳۱۰؛ (م.ا.م.).
۱۳۵. موسی نجفی، اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی [بی تا]، ۱۳۶۹، صص ۳۸-۴۰.
۱۳۶. «بیانیه مالکان گیلان»، حبل المتین، سال ۱۳۰۵، ۹ شوال ۱۳۴۵/۱۲ آوریل ۱۹۲۷، ش ۱۶، صص ۱۵-۱۱.
۱۳۷. از «هیأت حاسیان زارع گیلان»، به شاه، ۱۹ تیر ۱۳۰۵، نخست وزیری، ۴/۳/۳۱۰؛ (م.ا.م.).
۱۳۸. حبل المتین، سال ۱۳۰۵، ۲۴ رمضان ۱۳۴۵/۲۹ مارس ۱۹۲۷، ش ۱۵-۱۴، ص ۲۸.
۱۳۹. همان جا، سال ۱۳۰۵، ۱۵ جمادی الثانی ۱۳۴۵/۲۱ دسامبر ۱۹۲۶، ش ۱، ص ۱۹.

یادداشت‌های فصل دوم ۴۱۹

۱۴۰. همان‌جا، سال ۳۵، ۲۲ ذی‌قعدة ۱۳۴۵/۲۴ مه ۱۹۲۷، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۶.
۱۴۱. همان‌جا، سال ۳۵، ۲۴ رمضان ۱۳۴۵/۲۹ مارس ۱۹۲۷، ش ۱۵-۱۴، صص ۷-۶.
۱۴۲. همان‌جا.
۱۴۳. همان‌جا، سال ۳۵، ش ۲۱ و ۲۲، ص ۲۶.
۱۴۴. همان‌جا.
۱۴۵. در مورد تاجری که به طمع یا ناآگاهی یا دسیسه روس‌ها با آن‌ها معامه کرد، گفته شد اعتبار وی رفته و «جانش در معرض خطر است» و خطاب به ۱۹ تاجر خراسانی که تلگراف رضایت و التجا به نمایندگان روسیه به تهران مخابره کرده بودند، گفته شد: «خیلی زود لوٹ و جودتان از وطن مقدس پاک خواهد گردید.» (همان‌جا، سال ۳۵، ۲۴ رمضان ۱۳۴۵/۲۹ مارس ۱۹۲۷، ش ۱۵-۱۴، صص ۷-۶).
۱۴۶. همان‌جا، سال ۳۵، ۶ رجب ۱۳۴۵/۱۱ ژانویه ۱۹۲۷، ش ۴، ص ۲۱.
۱۴۷. از وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه به ریاست وزرا، ۲۳ آبان ۱۳۰۶، وزارت کشور، ۴/۱۰۴۰۰۱، (م.ا.م)؛ «سواد مرسله حکومت بندر جز به وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه، ۶ مهر ۱۳۰۶، وزارت کشور، ۴/۰۴۰۰۱، (م.ا.م)؛ از وزارت داخله به ریاست وزرا، ۱۱ آذر ۱۳۰۶، وزارت کشور، ۴/۱۰۴۰۰۱، (م.ا.م)؛ از ریاست وزرا به وزارت داخله، ۴ آذر ۱۳۰۶، ۴/۱۰۴۰۰۱، (م.ا.م).
۱۴۸. چرونس: لغتی روسی به معنی پول کاغذی یا اسکناس و هر چرونس معادل ده منات بود.
۱۴۹. حبل‌المتین، سال ۳۴، ۲ شعبان ۱۳۴۴/۱۶ فوریه ۱۹۲۶، ش ۶، صص ۱۷-۱۶.
۱۵۰. همان‌جا، سال ۳۶، ۱۴ شعبان ۱۳۴۶/۷ فوریه ۱۹۲۸، ش ۹، ص ۲۴.
۱۵۱. برای آگاهی‌های بیشتر و آشنایی با برخی اسناد «نهضت اقتصاد» نگاه کنید به: محمود طاهر احمدی، اسناد روابط ایران و شوروی، (تهران، ۱۳۷۴)، صص ۱۰۷-۷۸.
۱۵۲. از امین‌الضرب به وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه، [بی‌تا]، وزارت مالیه، ۲۸۸/۴۲/۸، [۲۴۰]، (م.ا.م).
۱۵۳. همان‌جا.
۱۵۴. همان‌جا.
۱۵۵. «توجه ترکان به تجارت»، حبل‌المتین، سال ۳۳، ۱۴ جمادی‌الاول ۱۳۴۴/اول دسامبر ۱۹۲۵، ش ۳۹، ص ۲۴.
۱۵۶. همان‌جا، سال ۳۴، ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۴۴/۲۳ نوامبر ۱۹۲۶، ش ۲۲، ص ۲۴.
۱۵۷. همان‌جا، سال ۳۴، ۸ جمادی‌الثانی ۱۳۴۵/۱۴ دسامبر ۱۹۲۶، ش ۲۵، صص ۱۴-۱۳.
۱۵۸. برای اعضای کمیسیون حق عضویت سالیانه شصت لیره، برای افراد متفرقه صد و بیست لیره و برای تجار ایرانی هر نفر نیم لیره معین شده بود. اعضای کمیسیون از نمایندگان چهار بانک و یک نفر عضو کنسولگری ایران و ریاست آن به عهده یکی از سناتورها قرار گرفت. (همان‌جا، سال ۳۳، ۲۵ جمادی‌الاول ۱۳۴۴/۱۵ دسامبر ۱۹۲۵، ش ۴۱، ص ۱۹).
۱۵۹. ایران آزاد، ۱۳ صفر ۱۳۴۱/۱۵ کتبر ۱۹۲۲، ش ۱۰۰، ص ۲.
۱۶۰. از طرف سفارتخانه ایران در مصر ابلاغی به رئیس اتاق تجارت ایرانیان در مصر شد تا یک نفر نماینده از سوی تجار ایرانی در «محکمه مختله مصر» انتخاب کنند، تا برای رسیدگی به دعای تجارتی مابین تجار ایرانی و مصری در «محکمه» حضور داشته باشد. تجار ایرانی نیز میرزا عبدالمجید بیک کازرونی را انتخاب کردند که رئیس تجارتخانه «حاج عبدالکریم بیک کازرونی و اولاده» بود. در این گزارش از عبدالمجید کازرونی بسیار تحسین شد. وی را این گونه توصیف کردند: «ایشان زبان عربی، انگلیسی، فرانسه و ایتالیایی را بخوبی می‌دانند. دارای دیپلم در علوم تجارتی و اقتصاد سیاسی و غیره می‌باشند و در اثر سفرهای بسیار با تجربه شده‌اند. در ترویج امتعه ایرانی در مصر فروگذار نمی‌نمایند. تأسیس کارخانه قالی‌بافی در

۴۲۰. تجارت، مشروطیت و دولت مدرن

شیراز و اینکه نایب رئیس اتاق تجاری و انجمن خیریه ایرانیان شدند. (حبیل‌المتین، سال ۳۵، ۹ شوال ۱۳۴۵/۱۲ آوریل ۱۹۲۷، ش ۱۶، صص ۲۳ و ۱۸).

۱۶۱. همان‌جا، سال ۳۴، ۱۹ رمضان ۱۳۴۴/۱۳ آوریل ۱۹۲۶، ش ۱۲، ص ۳.

۱۶۲. وزیر فلاح و تجارت و فواید عامه دلایل خود برای لزوم حضور تجار ایرانی در این نمایشگاه‌ها را بدین شرح ارائه داد: «بیشتر ممالک برای توسعه تجارت خود همه ساله یک تادو مرتبه بازارهای مکاره ترتیب می‌دهند. تجار در این بازارها و نمایشگاه‌ها کالا می‌فرستند و دولت‌ها نیز نماینده اعزام می‌کنند. در لهستان، آلمان، روسیه، فرانسه، ایتالیا، اتریش و حتی پرتغال در سال دو مرتبه بازار مکاره ایجاد می‌شود که تمام دولت‌ها در آن، شرکت می‌کنند. ایران در نمایشگاه مسکو و فیلاولفیا شرکت کرد و شرکت در این نمایشگاه برای ایران چندین میلیون فایده داشت. قالی، کتیرا و برخی مواد دیگر رواج عمده یافت و تأثیر آن بر بازار قالی ایران صدی چهل بوده است». وی توصیه می‌کند در کنار اصلاحات داخلی از قبیل راه و راه‌آهن و توسعه فلاح و صنعت و معادن با اصلاح تعرفه گمرکی باید کالاهای خود را در معرض نمایش بازارهای خارجی قرار دهیم و چون تجار ایران هنوز عادت به این قبیل امور نکرده‌اند و جرات تجارت مستقیم با خارجه را ندارند و نظر به اینکه از نقطه نظر منافع عمومی لازم است تا چند مدتی دولت مرتباً به این قبیل عملیات مبادرت نماید. (از وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه به ریاست وزرا، ۱۲ فروردین ۱۳۰۷، ۱۳/۲/۱۰۴۰، (م.ا.م.)؛ از وزارت فواید عامه به هیأت دولت، ۲۱ بهمن ۱۳۰۶، ۱۳/۳/۱۰۴۰، (م.ا.م.). با وجود شرکت تجار ایرانی در چند نمایشگاه و برپایی «نمایشگاه امتعه وطنی»، متخصصان ادعا نمودند که تجار ایرانی معنی نمایشگاه «امتنه وطنی» را خوب درک نکرده‌اند و آن را با یک نوع بازار مکاره اشتباه کرده‌اند و به جای اینکه برای ترویج کالاهای خود، آنان را به قیمت نازل به فروش برسانند، اجناس خود را خیلی با صرف ارانه می‌کنند. (حبیل‌المتین، سال ۳۲، ش ۲، صص ۱۲-۱۱).

۱۶۳. «مجلس تجارت»، حبیل‌المتین، سال ۳۴، ذی‌قعدة ۱۳۴۴/۱۵ ژوئن ۱۹۲۶، ش ۱۸، ص ۱۹.

۱۶۴. برای افتتاح اتاق تجارت در مرکز و ولایات یکصد هزار تومان پیشنهاد شد. وزارت فواید عامه ۱۸ هزار تومان آن را برای اتاق تجارت تهران و بقیه را جهت تأسیس اتاق تجاری ایالات و ولایات معین کرد و لایحه آن را برای جلب نظر دکتر میلیسپو ارسال تا پس از موافقت به مجلس شورای ملی ارسال نماید. (حبیل‌المتین، سال ۳۵، ۲۴ رمضان ۱۳۴۵/۲۹ مارس ۱۹۲۷، ش ۱۵-۱۴، ص ۳)؛ اولین جلسه اتاق تجارت اصفهان و انتخاب اعضای هیأت ریسه آن در ۱۳ آبان ۱۳۱۰ خورشیدی انجام شد. (اخگر، ۱۶ آبان ۱۳۱۰/۲۷ جمادی‌الثانی ۱۳۵۰، ش ۶۷۳، ص ۳).

۱۶۵. از امین‌الضرب (رئیس اتاق تجارت) به وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه [بی‌تا]، وزارت مالیه، ۱۰-۸/۲۸۸/۲۴۰، (م.ا.م.).

۱۶۶. از وزارت مالیه به وزارت فواید عامه، ۳۰ آذر ۱۳۰۵، وزارت مالیه، (۱۲) ۲۸۸/۲۴۰/۲۴۰، (م.ا.م.).

۱۶۷. از مجلس به اتاق تجارت، [بی‌تا]، ۱۱۵۵۱۵-ق، (م.ا.ب.).

۱۶۸. اتاق تجارت تهران، اعلانی خطاب به «تجار محترم و مدیران شرکت‌ها» منتشر کرد مبنی بر انتخاب هشت نفر از اعضای باقیمانده اتاق تجارت و محل‌هایی برای رأی‌گیری تعیین کرد: تیمچه صدراعظم (حجره آقای کاشف)، سرای حاج‌الدوله (حجره حاج میرزا علی‌اصغر کتابفروش)، سرای حاج ملا علی (حجره آقای کاشانچی)، سرای حاج نادعلی (حجره حاج علی کبر زنجانی) و خیابان لاله‌زار (کتابخانه شرق)، (اطلاعات، ۲۰ ربیع‌الثانی ۱۳۴۶/۱۸ آکتبر ۱۹۲۷، ص ۲).

۱۶۹. تعیین ریاست اتاق تجارت با نظر و تأیید دولت صورت می‌گرفت. (از ریاست وزرا به اداره کل تجارت، ۷ دی ۱۳۱۱ خورشیدی، ۱۵۹۹/۱۰۴۰، (م.ا.م.)) در دوره‌های بعدی اتاق تجارت حاج علی کبر اخوان به جای حاج حسین امین‌الضرب تعیین شد. از سوی اداره کل تجارت، فهرست سی نفر از متخبران درجه اول اتاق تجارت تهران تنظیم و برای تعیین ریاست اتاق تجارت پس از فوت مرحوم حاج حسین امین‌الضرب به هیأت وزرا ارسال شد. فهرست سی نفری

یادداشت‌های فصل دوم ۴۲۱

تجاری که از بین آن‌ها حاج علی کبر اخوان به عنوان ریاست اتاق تجارت انتخاب شد، بدین شرح بود: حاجی علی کبر اخوان، حاج میرزا نصرالله اسکو، میرزا احمد نادر، میرزا محمد حداد، میرزا علی اصغر چایچی، حاج محمد کاظم اخوان، میرزا حسن عبدالله زاده، شیخ حسین حریری، ارباب افلاطون، میرزا آقا قاملی، میرزا عبدالله زنجانی، میرزا صدرالدین نهاوندی، حاج محمد حجره، حاج محمد تقی جواهری، حاج محمد تقی کتابفروش، حاج محمد حسین زرکش، حاج محمود ملکی، میرزا علی کبر عمیدالتجار، حاج میرزا علیقلی کاشانچی، حاج آقا مصطفی اشتری، حاج سید مهدی حسینی جلیلی، حاج محمد حسین رزاز، حاج میرزا حسین اصفهانی بنکدار، حاج علی علاقه‌بند، میرزا حبیب‌اله توتونچیان، میرزا علی کبر گیوی، میرزا فضل‌اله خان رضوان، حاج میرزا علی قیصریه، ارباب گیو، (از اداره کل تجارت به هیأت وزرا، ۳ دی ۱۳۱۱، ۱۵۹۹/۱۰۴۰۱۰، (م.ا.م))؛ «فهرست سی نفر مستخین درجه اول اتاق تجارت تهران»، اداره کل تجارت، ۱۵۹۹/۱۰۴۰۱۰، (م.ا.م)).

۱۷۰. اطلاعات، ۱۷ رمضان ۱۳۴۶/۱۰ مارس ۱۹۲۸، ص ۲.

۱۷۱. از ریاست وزرا به وزارت تجارت و فواید عامه، ۴ بهمن ۱۳۰۷، ۱۹/۱۰۴۰۰۱، (از ریاست وزرا به وزارت تجارت و فواید عامه، ۸ مهر ۱۳۰۸، ۹/۱۰۴۰۰۱، (م.ا.م)).

۱۷۲. مجله اطاق تجارت (راهنمای تجارتی ایران)، تهران، [بی‌تا]، ۱۳۰۸؛ صاحب امتیاز این مجله میرزا علی کبر بهپور و مدیر آن ع. مسعودی بود.

۱۷۳. اویسی، «مدرسه عالی تجارت»، آینده، ج ۱، صص ۵۵۸-۵۶۱.

۱۷۴. رحیم‌زاده صفوی، کتاب تاریخ تجارت را برای تدریس در مدرسه تجارت تدوین کرد. برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به: حبل‌المتین، سال ۳۵، ۱۳ رجب ۱۳۴۵/۱۸ ژانویه ۱۹۲۷، ش ۵، صص ۲۴-۲۳.

۱۷۵. همان جا، سال ۳۳، ۱۵ رمضان ۱۳۴۳/۱۰ آوریل ۱۹۲۵، ش ۱۰، ص ۲۲.

۱۷۶. از رییس کل مالیه به وزارت مالیه، ۲۱ اردیبهشت ۱۳۰۴، وزارت مالیه، (۱) ۲۹۸/۱۰ [۲۴۰]، (م.ا.م).

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل سوم
عملکرد اجتماعی - فکری و فعالیت‌های اقتصادی تجار

تبرستان
www.tabarestan.info

عملکرد اجتماعی - فکری و فعالیت‌های اقتصادی تجار

الف) موقعیت اجتماعی - فکری تجار

تجار به لحاظ اجتماعی، معتبر، قابل وثوق، مرجع و محل مراجعه مردم و پیش قدم در امور خیریه بودند. حتی در سال‌های کساد پس از جنگ، تجار خیری پیدا می‌شدند که در کارهای خیریه شرکت می‌کردند. اتحادیه تجار و چند نهاد دولتی از جمله اداره مالیه و بلدیه برای کمک به زلزله‌زدگان تربت حیدریه مبالغی جمع‌آوری کردند.^(۱) تجار خراسان به منظور تأسیس «دارالعجزه و دارالتربیه» پیشنهاد کردند که از کالاهای وارداتی هر عدل پنج شاهی پرداخت شود و خواهان جمع‌آوری اعانه و مصرف آن در امور فوق‌الذکر شدند.^(۲) کمک‌های خیرخواهان تجار در امور خیریه که تحت نظارت دولت پرداخت می‌شد، نوعی رابطه متقابل میان تجار و دولت ایجاد می‌کرد و از سویی به دولت این امکان را می‌داد که از قدرت مالی تجار بهره‌گیرد و از سوی دیگر برای برخی از تجار فرصت استفاده از «رانت‌های حکومتی» را مهیا می‌کرد. اعانه هزارتومانی معین‌التجار بوشهری به آسیب‌دیدگان زلزله خراسان از طریق دربار فرستاده شد^(۳) و نمونه‌ای از کمک‌های فردی تجار بود که علاوه بر کسب اعتبار اجتماعی می‌توانست در کارگشایی امور آنان مؤثر واقع شود. البته در مواردی نیز این کمک‌های فردی به دلیل محذوریت‌های اجتماعی پرداخت می‌شد.

نزدیکی به مراجع قدرت سیاسی، در جامعه‌ای که هنوز با معیارهای جوامع سنتی و با اتکا به روابط شخصی عمل می‌کرد، و هنوز نهادهای جامعه مدنی و قانون یکسان و شامل حال همگان در آن استقرار نیافته بود، برای تجار ضروری می‌نمود. آن دسته از تجار که این

اقبال راداشتند بادولتمردان صاحب نفوذ مرتبط شوند، امکان عمل و موفقیت بیشتری می‌یافتند. بدیهی است که در چنین جامعه‌ای ممکن نبود که هیچ ضابطه قانونی جایگزین نقش روابط شخصی بشود. برخی از تجار که احساس می‌کردند صاحب روابط شخصی عمیق و پایدار بادولتمردان نیستند، در نامه‌ای به مجلس شورای ملی در خصوص بحثی که در باره اعطای نفت شمال به یکی از شرکت‌های نفتی مستقل آمریکایی در مجلس در جریان بود، اعتراض کردند. آنان تقاضا کردند که قسمتی از موارد شمول این امتیازنامه به آن‌ها اعطا شود و پیشنهاد آن را علاوه بر مجلس به وزارت فوائد عامه نیز تقدیم کردند. اما در کمیسیون نفت مجلس فقط پیشنهاد حاج معین‌التجار مطرح شد و هیچ صحبتی در مورد پیشنهاد آنان به میان نیامد. در نتیجه این گروه از تجار معترض شده و خواهان رفع این گونه تبعیض‌ها شدند.^(۴) از مالیه بوشهر نیز در گزارشی سیاهه مالیات‌هایی که معین‌التجار باید می‌پرداخت، ذکر شده و بر این امر تأکید گردیده که «بعضی از وزرا... به طریق سیم انگلیس سفارش و توصیه معین‌التجار را به مأمورین اینجا می‌کنند»، و در ضمن آن تقاضا شده است برای تعیین امتیازهای معین‌التجار، امتیازهای وی مورد بررسی دقیق‌تر قرار بگیرد.^(۵)

رابطه تجار با عناصر قدرت گاه از طریق همکاری، دادن اعانه، کمک‌های مالی یا رشوه صورت می‌گرفت. در این باره می‌توان به پرداخت مبلغی به عنوان رشوه توسط پسر امین‌الضرب به نصرت‌الدوله فیروز اشاره کرد.^(۶) بخصوص کسانی که متصدی منصب وزارت مالیه بودند از تجار رشوه دریافت می‌کردند. رقم مالیات بسته شده از سوی وزارت مالیه به معاملات تجاری تجار همواره مورد اعتراض آنان قرار می‌گرفت. تجار با پرداخت رشوه، مالیات کمتری می‌پرداختند و در این میان هر دو طرف یعنی تجار و دیوانیان سود می‌بردند.

تجار در سال‌های پس از جنگ جهانی از اتحاد و انسجام گروهی بیشتری برخوردار بودند و در مسایل صنفی نیز این اتحاد و همبستگی را بیشتر آشکار می‌کردند. تجار داخل کشور به دنبال اعتراض تجار ایرانی مقیم مصر به برکناری سفیر ایران در مصر و انتخاب فرد دیگری به وزارت مختار ایران در آن‌جا، این امر را مانع فعالیت‌های تجار مقیم مصر دانسته و در این کار با آنان همکاری کردند، چراکه معتقد بودند وزیر مختار سابق اقدامات مؤثر بسیاری انجام داده و با سران مصری روابط مؤثری برقرار کرده، و اینکه وزیر مختار جدید ایران از این قابلیت‌ها بهره‌مند نیست و به همین سبب به سیاست و تجارت ایران در مصر آسیب فراوان وارد خواهد شد. آنان عواقب سوء حاصل از این انتساب را به عهده دولت و مجلس دانستند.^(۷)

بدیهی است ثروت اقتصادی تجار را از قدرت سیاسی و اجتماعی نیز بهره‌مند می‌کرد، ولی در عین حال از لحاظ روحی و شخصیتی آنان را دچار نوعی تبحر و نخوت برآمده از ثروت نیز می‌ساخت. گاه تجار در نظر مردم همچون افرادی پول‌پرست، بی‌رحم و مغرور

جلوه می‌کردند که به غیر از افزودن به دارایی و اموال خود به هیچ چیز دیگری نمی‌اندیشیدند و فارغ از هر نوع حس انسانی و نوع‌دوستانه، روحیه‌ای کاملاً حسابگرانه داشتند، کما اینکه در مکاتبات رضازاده شفق از برلن با حاج رحیم اتحادیه، در این باره نکات جالب توجه دیده می‌شود. رضازاده شفق که سرپرستی علی، فرزند حاج رحیم اتحادیه را در برلن به عهده داشت، در نامه‌های خود بارها از حسابگری و جان‌سختی حاج رحیم در ارسال پول به جهت تحصیل فرزندش شکایت کرده است. وی در نامه‌ای به اتحادیه گلایه می‌کند که چرا با او مثل «گماشته‌هایش» یا «عاملش در سلطان‌آباد» سخن می‌گوید. رضازاده شفق در بخشی از همین نامه اشاره کرده که «من... دلال فرش یا پادو بازار» نیستم و به حاج رحیم اتحادیه از بابت آنکه پدرش در معادن وی در برف و باران ناخوش شد و جان سپرد و اینکه اتحادیه مادرش را با بی‌رحمی از «حیات بیرون» کرد، شکایت می‌کند.^(۸) با این حال لحن گفتار وی در عین آنکه گلایه‌آمیز است، ملایم هم هست که حاکی از حرمت‌گذاشتن به اتحادیه در عین انتقادهایش به وی است. از مجموعه مکاتبات شخصی حاج رحیم اتحادیه می‌توان نشانه‌هایی از خست و حسابگری مفرط طبقه تجار را دید.

درست است که تجار به مال‌اندوزی علاقه بسیار داشتند، با این حال در مواقعی نیز به کمک‌های مردمی و زمینه‌های فرهنگی علاقه نشان می‌دادند. همانطور که پیش از این نیز اشاره رفت «معارف خواهی»، تقویت و رونق مدارس جدید در تمامی این سال‌ها از ویژگی‌های ماندگار تجار بود. تجار دزداب، از هر عدل کالاهای تجارتی پنج‌شاهی را به امر گسترش معارف منطقه اختصاص دادند. قرار بر این شد که این وجوهات در اداره گمرک محل جمع‌آوری شود و سپس به مصرف تأسیس مدرسه‌ای در این ناحیه برسد.^(۹) در بیشتر موارد خود تجار پیشنهاد کسر مالیات و ویژه امور معارف را مطرح می‌کردند. تجار کلیمی کرمانشاه به اداره گمرک این ناحیه پیشنهاد کردند که از هر عدل کالای تجارتی یک‌صد دینار مالیات از بابت گسترش معارف و تأسیس مدارس اختصاص یابد.^(۱۰) معین‌التجار بوشهری نیز ساختمانی را برای تأسیس مدرسه محمدیه در بندر لنگه واگذار کرد.^(۱۱) تجار علاوه بر پیشنهاد تعیین بودجه و کمک‌های مالی در امر تأسیس مدارس، در تداوم فعالیت‌های آنان نیز نظارت می‌کردند. تجار آستارا طی مکاتباتی با تهران از انحلال و فروش لوازم مدرسه ابتدایی آستارا شکایت کردند و خواهان رسیدگی به این امر شدند.^(۱۲)

چرا تجار به تعلیمات عمومی و گسترش مدارس علاقمند بودند و با اینکه در این کار برای آن‌ها سود مادی متصور نبود، در آن سرمایه‌گذاری می‌کردند. تجار افرادی ترقی‌خواه بودند که باکسب و استفاده از دستاوردهای تمدن غرب مخالفتی نداشتند. در میان آنان اشخاص مطلع و فاضل و دانشمندی یافت می‌شد که در روزنامه‌ها و جراید مطلب می‌نوشتند. میرزا غلامحسین وکیل‌الدوله از تجار معروف و از اهل قلم کرمان بود که با جراید همکاری می‌کرد.^(۱۳) معین‌التجار برای بیان دیدگاه‌های خود در روزنامه‌ها مطلب

می‌نوشت. (۱۴) برخی از تجار برای انتشار آثار روشنفکران دینی از صرف هزینه دریغ نمی‌کردند، از باب نمونه آقا میرزا محمد صاحب تاجر اصفهانی رییس تجارتخانه‌ای در کلکته هزینه چاپ کتاب سوانح عمر اثر سید جمال را به عهده گرفت. (۱۵)

در هر حال میان تجار، افراد روشن بین بسیاری بودند که به سبب مسافرت‌هایی به خارج از کشور و داشتن حوزه‌های ارتباطی گسترده، به نقش و اهمیت معارف و تعلیمات عمومی پی برده بودند. منتها این روشنفکران بودند که آنان را در قدم گذاردن در این راه مطمئن‌تر می‌ساختند و بین گسترش تعلیم و تربیت عمومی و ترقی اقتصادی، به وجود ارتباط قائل می‌شدند و آن را به تجار القا می‌کردند. تقی‌زاده در مقاله‌ای با عنوان «اهم وسایل نجات ترقی اقتصادی» به رابطه عمیق میان تعلیمات ابتدایی عمومی و ترقی اقتصادی و نیز همگامی این دو با استقلال ملی اشاره می‌کند. وی به لزوم تربیت افراد متخصص در فنون و صنایع تأکید می‌کند و بر این نکته پا می‌فشارد که رواج کالاهای خارجی در بین مردم و نداشتن یک سیاست اقتصادی ملی از بی‌سوادی مردم ناشی شده و تاجر برای ترقی و افزونی ثروت باید چهل را از میان بردارند تا افزایش سرمایه نه به صورت شخصی که جنبه‌ای عمومی بیاید. (۱۶)

نقش روشنفکران در اعتلا بخشیدن به دانش تجاری و تلقی جدید تجار از مفهوم نوین تجار قابل تردید نیست. در روزنامه‌ها مقاله‌هایی در تجزیه و تحلیل موقعیت تجاری ایران و ویژگی‌های تجار ایرانی به چاپ می‌رسید. در این مقالات از اینکه تاجر ایرانی مفهومی سنتی از تجارت در ذهن داشت که منحصر به خرید و فروش و افزودن بر مال بود، سخن می‌رفت، و اینکه تاجر صرف کسب مال را عین تجارت دانسته و هیچ آشنایی با «ماده و کار» نداشتند در حالی که این‌ها دو رکن اساسی تجارت، و سرمایه رکن سوم آن محسوب می‌شود. از نظر روشنفکران، تاجر به کالاهای مورد نیاز کشور آگاهی نداشتند و با اینکه سال‌ها به صدور پنبه پرداخته بودند، هیچ تغییری در کیفیت آن اعمال نکرده بودند و کماکان پنبه را به همان شکل نامناسب صادر می‌کردند و این مطلب به ذهن‌شان خطور نمی‌کرد که می‌توان تخم پنبه، شیوه چیدن و چرخ دانه پنبه را دگرگون کرد و آن را با کیفیت بهتری به بازار عرضه کرد. در واقع تجار ایرانی در کار خود پویایی و ابتکار به خرج نمی‌دادند و شیوه تجارت را همان گونه که به آن‌ها به ارث رسیده انجام می‌دادند. (۱۷)

روشنفکران در ارائه آگاهی‌های جدید و نشر کتاب‌ها و مقاله‌هایی در زمینه تجارت و اقتصاد در حد بضاعت خود کوشیدند. در مجموعه‌ای به نام «اقتصاد» که رضا زاده شفق آن را تهیه کرد و به چاپ رساند در خصوص علم اقتصاد، آرای علمای آن علم، وظایف دولت و ملت، بحران اقتصادی ایران، علل شوربختی تجار ایران و راه‌های علاج آن، اینکه تاجر چه باید بکنند، و لزوم تشکیل اتاق تجارت سخن رفته بود. (۱۸) ترغیب تجار به ترویج کالاهای وطنی و لزوم رونق دادن به صنایع داخلی، گوشزد این مطلب به تجار که هم‌تایان اروپایی

آن‌ها به چه شیوه‌هایی صنایع و کالاهای کشورهای خود را رونق دادند، هشدار در باره اینکه تاجر ایرانی «حمل‌فرنگی» نشود، ارائه توصیه و طرح‌های بسیار در زمینه گسترش فعالیت‌های تجاری و لزوم مشارکت با سرمایه‌های خارجی در عین جلوگیری از نفوذ سیاسی دولت‌های بیگانه، از موارد دیگری بود که نویسندگان جراید سعی در طرح و القای آن به اندیشه‌های تجار و عموم داشتند.^(۱۹) این همه از آن سبب بود که روشنفکران می‌کوشیدند تحول‌پذیری تجار را تقویت و وابستگی آنان به شیوه‌های اجدادی را تضعیف نمایند. در نقد تحول‌ناپذیری تجار در یکی از روزنامه‌ها چنین نوشته شده بود:^(۲۰)

«چون [تجار] هنوز جاهلند و فکر می‌کنند با سرمایه‌های منفرد می‌توانند کسب سود کنند، در حالی که تجارت انفرادی و حق‌العملی دیگر معنا ندارد. مجبور بودن اطلاعات تجارتنی آنها، تغییر ندادن حتی صورت ظاهر حجره‌ها و تشکجه‌های کثیف را بر داشته و به جای آن میز و صندلی بگذارند و هنوز عادت دارند چند کلیمی یا چند موسسه خارجی جنس را وارد کشور کنند و با چند برابر قیمت به آنها بفروشند متنها به اقساط و آنها جنس را به مردم بیچاره تحمیل کنند و در هر هزار تومان چند شاهی استفاده کنند.»

تأثیر روشنفکران بر تجار در حد روشنگری، برخورد منتقدانه و تعیین خط‌مشی اقتصادی آنها و بالطبع استفاده از توان مالی و اقتصادی تجار در برخی از امور فرهنگی بود. اما این رابطه به مفهوم گرایش تجار به تحولات رادیکال و تمایلات غرب‌گرایانه نبود. تجار با روشنفکران لائیک، غرب‌گرا و بریده از سنت همخوانی نداشتند، البته در صورت نیاز از این گروه از روشنفکران استفاده ابزاری می‌کردند ولی همچنان رشته اتصال خود را به برخی قرائت‌های سنتی از دین حفظ کرده بودند. تجار گروهی محافظه‌کار بودند که جلوتر از عامه مردم حرکت نمی‌کردند و با قرائت‌های نو و تندروانه از چگونگی اصلاح جامعه و نیز با روشنفکرانی که خواهان دگرگونی‌های اساسی و آنی بودند، سرسازگاری نداشتند، و به رغم ترقی‌خواهی و تمایل به بهره‌گیری از دستاوردهای تمدن غرب، نوگرایی آن‌ها گزینشی و مرحله به مرحله بود. آنان با ورود کالاهای تجملی نیز در صورتی که خارجی‌ها منافع حاصل از داد و ستد آن را به دست می‌آوردند، موافق نبودند. مخالفت با ورود کالاهای غربی نیز نه به دلیل اشاعه فرهنگ غرب که بیشتر به خاطر ناتوانی در رقابت با آن‌ها بود. بدنه اصلی طبقه تجار رشته‌های پیوند خود را با روحانیت و نهادهای دینی حفظ کرده بود. این امر از یک سو به تربیت دینی تجار و از سوی دیگر به اعتبار اجتماعی که وجهه دینی برای آنان فراهم می‌کرد، بازمی‌گشت. دین‌داری، وثوق و اعتماد عمومی که به دنبال آن ایجاد می‌شد برای تجار نوعی اعتبار غیرنقدی بود که همچون بخشی از سرمایه نقدی به کار گرفته می‌شد. تجار با اندیشه‌هایی که به دگرگونی شتابناک جامعه می‌انجامید، به خصوص در حوزه‌هایی که حساسیت‌های عمومی و عرفی^(۲۱) جامعه را برمی‌انگیخت مانند مساله آزادی زنان از قیود اجتماعی و عرفی، و حضور زنان در جامعه و تعلیمات آنان در زمانی که هنوز این امور در

دید عموم پذیرفتنی نبود، روی خوش نشان نمی‌دادند. تجار بیشتر در پی استقرار آن دسته از نهادهای مدنی بودند که در خدمت تأمین منافع اقتصادی آنان قرار گیرد.

در چند نامه که با امضای «از طرف عموم تجار» نوشته و منتشر شد به مندرجات شماره پنجم مجله جهان زنان که در برج میزان سال ۱۳۴۰ به چاپ رسیده بود، اعتراض شد و از آقا سیدمحمد تنکابنی، آقا شیخ باقر مجتهد نجم‌آبادی، آقا احمد مجتهد قمی، آقا شیخ علی مدرس و حاجی شیخ مرتضی در این خصوص استفتا شد. در نامه‌های مذکور مطالب مجله «مضر و موهن به قوانین و مقررات مقدسه اسلامی» عنوان شد و جلوگیری و توقیف این قبیل مجلات ضروری اعلام گردید.^(۲۲) همه علما به استفتا پاسخ مثبت دادند و از آن جمله محمدحسین تنکابنی در نامه‌ای به اتحادیه تجار، در خصوص مجله مذکور چنین نوشت: (۲۳)

«در آنجا مستوریت و حجاب زنهارا به ضرورت دین اسلام ثابت شده برداشته و استهزا به قوانین شرعیه از قبیل کراهت عبور بین دو زن... انقطاع و حرمت جهاد بر زن‌ها و غیر اینها.. چون یکی از مرام و مقاصد مقدسه آن هیأت محترم ترویج و تأیید مذهب است و معلوم است که امر به معروف و نهی از منکر بر همه افراد مسلمین واجب است لذا استدعا می‌نماید که از مقامات مقتضیه و مصادر امور به هر ترتیبی که صلاح می‌دانند و در اسرع اوقات مجازات آن... را بخواهند بعد از مجازات از بلاد اسلام اخراجش کنند».

آقا شیخ علی مدرس نیز در پاسخ به استفتا عنوان کرد مقاله‌هایی که زنان را به حضور در خیابان‌ها و تظاهرات تشویق می‌کند و از «تعلیمات نسون» سخن می‌گوید، خلاف شرع است و در ضمن ابراز مخالفت شدید با این مطالب، زنان را موجوداتی نیازمند قیم دانست.^(۲۴) حاج شیخ مرتضی مجتهد نیز از عموم تجار برای حفظ «نوامیس اسلامی» و قوانین شرع یاری خواست و پیگیری آن را از مقامات دولتی طلب کرد.^(۲۵)

روزنامه ناهید مورد دیگری بود که واکنش‌هایی را برانگیخت. این روزنامه به خاطر معوق ماندن نیم عشر مالیات اوقاف در مجلس شورای ملی، «کاریکاتور موقوفه خورها» را کشیده بود که مشغول رقصیدن بودند و در ضمن، مقاله و اشعاری بر ضد «موقوفه‌ها خورها» منتشر کرد که موجب بروز واکنش‌هایی از سوی نمایندگان اقلیت مجلس و تعدادی از علما شد. به دنبال این اعتراض‌ها مدیر روزنامه بازداشت و روزنامه توقیف شد. حبل‌المتین از مخالفت «طبقات منورالفکر اهالی طهران و احزاب مختلفه» بر ضد این قبیل «بی‌قانونی‌ها» خبر داد، ولی در عین حال معتقد بود که اغلب این افراد از «چماق تکفیر» می‌ترسیدند و در ضمن مخالفان روزنامه را اغلب «اهالی بازار و کسبه» عنوان کرد. امام جمعه خوئی چند تن از «محترمین تجار» یعنی امین‌الضرب، رحیم اتحادیه، فقیه‌التجار، حاج رحیم آقا تاجر قزوینی، حاج عباس علی آقا، میرزا ابوطالب اسلامی، حاج میرزا احسن کاشانی و حاج محمدجعفر خامنه را برای بحث در باره روزنامه ناهید دعوت کرد. امام جمعه خوئی از تجار

گلایه می‌کند که چرا «آقایان تجار در این موقع باریک با ما موافقت ندارند... چرا احساساتی به خرج نمی‌دهند. کفر سراسر ایران را فرا گرفته» و از آنان تقاضای اتحاد و اتفاق می‌کند، (۲۶) و اینکه تجار به صورت گروهی نزد مقام‌های دولتی رفته و تقاضای مجازات مدیر روزنامه ناهید را بکنند. تجار در پاسخ اظهار می‌کنند: (۲۷)

«آقایان محترم روحانی ابتدا اختلافات بین خودشان را مرتفع نموده داخلی خودشان را اصلاح نمایند که وقتی حکمی از طرف چند نفر صادر شد نسخ آن از طرف دیگران داده نشود... ابتدا اجتماعی از آقایان علما تشکیل شده و اتفاق آرا حاصل نمایند و بعد از آنکه کاملاً مطمئن شدید... اطلاع دهند که ما هم آقایان تجار را جمع‌آوری نموده و در صورت حصول توافق نظر بین تجار حکم آقایان را به موقع اجرا بگذاریم» همانطور که از بیان این دو مورد برمی‌آید، موارد مذکور تفاوت‌های ظریفی با هم داشتند. در قضیه مجله جهان زنان، تجار با تندروی‌های روشنفکران رادیکال مخالفت کرده و به سمت روحانیت گرایش می‌یابند و طی نامه‌هایی از آنان خواستار ابراز عقیده شده و فعال برخورد می‌کنند. منتها در قضیه روزنامه ناهید، تجار (۲۸) ضمن حفظ رابطه دوستانه به علما، نوعی احترام صوری از خود نشان داده ولی در عمل فعالیت چندانی نمی‌کنند. با همه این احوال در کنار روشنفکران تندرو نیز قرار نمی‌گیرند و بر موضع محتاطانه و محافظه کارانه خود پا بر جا می‌مانند.

ب) حوزه‌های فعالیت اقتصادی تجار

بر اساس سوابق فعالیت در امور تجاری، تجار را می‌توان به چند گروه تقسیم کرد. از باب نمونه، در اینجا تقسیم‌بندی تجار در شیراز طرح می‌شود تا معیار تقسیم‌بندی روشن شود که به قرار ذیل است: دسته اول گروهی که در خانواده‌شان پیشینه طولانی در امر تجارت وجود داشته و از تجار اصیل و قدیمی محسوب می‌شدند. از این گروه می‌توان از حاج خلیلی، اسماعیل بیگی، نمازی، دهدشتی و اردوبادی نام برد که سابقه فعالیت‌های تجاری آن‌ها به بیش از صد سال می‌رسید. گروه دوم افرادی بودند که سابقه فعالیت آن‌ها به کمتر از پنجاه سال می‌رسید و از این گروه می‌توان بهبهانی را نام برد که از اواخر قرن نوزدهم به شیراز نقل مکان کرد. گروه سوم آن دسته از تجار بودند که در کار تجارت پیشینه زیادی نداشتند و با کوشش فردی توانسته بودند وارد حرفه تجارت بشوند و به تجار جدید معروف بودند که از این گروه می‌توان به کازرونی اشاره کرد. (۲۹)

علاوه بر این تجار، برخی تجار کلیمی، زرتشتی، هندی، اروپایی و نیز اقلیت‌های دیگر در ایران فعالیت می‌کردند. تجار کلیمی بسیار قانع و پرکار بودند و به دلیل دست داشتن در معاملات مربوط به اموال سرقتی در دوران هرج و مرج سیاسی - اجتماعی، به یکباره ثروت بسیاری اندوختند. (۳۰) تجار زرتشتی بیشتر در کار خرید و فروش منسوجات تولید یزد و

کرمان فعال بودند.^(۳۱) تجار هندی بیشتر در کرمان و مناطق جنوبی کشور فعالیت می‌کردند و معمولاً همچون دیگر تجار بر سر اینکه موظف به پرداخت چه نوع مالیات‌هایی هستند، با اداره مالیه درگیر بودند.^(۳۲)

۱- امور تجاری

در دوره پس از جنگ بین‌الملل، امور تجارتی همچنان به شکل سنتی پیشین انجام می‌شد. تجار بزرگ از طریق رابط‌های خود با مناطق مختلف مرتبط و از چگونگی مظنه برات، وضعیت بازار و درگیری‌های محلی و حوادث مهم منطقه آگاه می‌شدند، ارسال و دریافت پول نیز از طریق همین شبکه‌های ارتباطی سنتی انجام می‌گرفت. شیخ احمد گله‌داری این وظیفه را برای معین‌التجار در مناطق جنوبی کشور ایفا می‌کرد.^(۳۳) حاج محمدصادق صاحب تاجر اصفهانی معاملات تریاک امین‌الضرب در بمبئی را مدیریت می‌کرد و تا مدت‌ها بعد در این زمینه فعال بود.^(۳۴) وی علاوه بر توتون و تریاک، در زمینه برنج، ادویه و زعفران نیز داد و ستد می‌کرد.^(۳۵) همانطور که پیش از این گفته شد، بیشتر تجار در چندین حوزه تجارتی فعالیت می‌کردند.

تجارخانه‌ها و شرکت‌های بازرگانی به محض آنکه تأسیس می‌شدند، در روزنامه‌ها اعلام موجودیت می‌کردند و نوع فعالیت و ویژگی‌های خود را به اطلاع عموم می‌رساندند. از باب نمونه، میرزا کریم پسر مرحوم آقا محمدجعفر تاجر اصفهانی که از تجار درجه اول بمبئی و شخصی درستکار و امین بود، در سیلان تجارتخانه‌ای تأسیس کند. آقا میرزا محمدخان شیرازی از شرکای خود جدا شده و تجارتخانه جدیدی تأسیس کند. آقامیرزا محمد خلیل شیرازی از شرکای خود جدا شده و تجارتخانه جدیدی تأسیس کرد و به خریداران چای سیلان پیشنهاد داد به نشانی این تجارتخانه مراجعه کنند.^(۳۶) گاه پیش می‌آمد که یکی از شرکای تجارتخانه به دلیلی تجارتخانه جدید و مستقلی تأسیس کرد که «علاوه بر تجربه دیرین در صرفه‌جویی، برای ارباب رجوع جهد وافی» را در کار می‌گیرد.^(۳۷) در مواردی نیز چند تجارتخانه در هم ادغام می‌شدند و شرکتی تشکیل می‌دادند که در یک یا چند کالا به طور تخصصی فعالیت می‌کرد. از این نمونه «شرکه‌التجاریه الایرانیه» در مصر بود که از ترکیب سه تجارتخانه قدیمی ایرانی در مصر تأسیس شده بود. این سه تجارتخانه، تجارتخانه‌ها، میرزا محمدعلی بیگ، فضل‌الله عبدالجواد الحسینی و اولاد قابز بزرگ شیرازی بودند که در زمینه تجارت تنباکو فعالیت می‌کردند.^(۳۸)

تجارخانه‌ها نرخ خدمات خود را در خرده‌فروشی و عمده‌فروشی^(۳۹) می‌خاص خود را در یک یا چند رشته اعلام می‌کردند.^(۴۰) انتقال تاجر پیشین یا استقلال هر یک از فرزندان و نسبت آنان با تجارتخانه پیر در مدیریت تجارتخانه‌ها، از طریق روزنامه‌ها به اطلاع عموم

می‌رسید. (۴۱)

شبکه‌های ارتباطی تجار بزرگ گستره بسیاری داشت. بخشی از روابط تجاری، مظنه برات، پوند، روپیه و حواله‌های پولی حاج رحیم اتحادیه با مناطق مختلف داخل و خارج کشور به قرار ذیل بود: (۴۲)

شیراز (حاج محمد حسن دهدشتی)، تبریز (کوزه‌کنانی، مهدی زنجانی، حاج فرج‌آقا صراف صدیقانی، حاج محمدآقا توتونچی، حاج یوسف قزوینی، حاج علی کمپانی)، باکو (از طریق امین‌التجار، رسول کمپانی)، زنجان (مشهدی اکبر و آقا مطلب تاجر، محمدآقا زنجانی)، اصفهان (کمپانی مسعودیه، محمدحسین کازرونی، محمودیه، جهان‌ناس تاجر مسیحی، حاج محمد حسن صراف، حسین‌آقا صراف، امین‌التجار، میرزا عبدالحسین سمسارزاده، حاج عبدالرضا اصفهانی، امیر اسکویی، حسین خوانساری)، شیراز (نمازی، حاج محمد حسن و حاج محمد علی دهدشتی، حاج میرزا محمدرضا شیرازی، از طریق ارباب جمشید)، بروجرد (اسدالله، حاج حسین نقشینه)، کاشان (حاج تقی کاشانی)، رشت (حاج آقا کوچه‌صفهانی)، خوانسار (مصطفی)، کرمان (از طریق رسول صدیقانی)، مشهد (آقا جان اف صراف، میرزا اصغر افتخارالتجار)، همدان (تجارخانه حاج محمد بن محمدرضا نراقی)، قزوین (حاج محمد مهدی کاشانی)، تهران (حاج علی اکبر و شرکا و دیگران)، عراق عجم (حاج حسن، میرزا محمد شفیع، میرزا محمد جعفر میثمی)، بغداد (محمدابراهیم شیروانی)، بمبئی (علی نمازی و شرکا)، روسیه (از طریق محمد تقی امین‌التجار و پسر)، برلن و هامبورگ (اکبر دهدشتی، محمدحسین شالفروش، م.ت حسن‌زاده)، کراچی (ناصر ولی محمد لطفعلی)، روسیه - کیف - (هکتور چرونیکوس)، همچنین با شرکت‌هایی مثل زیگلر کمپانی و طومانیانس نیز مرتبط بود.

حاج رحیم اتحادیه همچون دیگر تجار، برای دستیابی به بازارهای صادراتی جدید با رابط‌های خود در مناطق دیگر مشورت می‌کرد. وی با علی نمازی در بمبئی در خصوص امکان ارسال قند و شکر روسیه به هندوستان تبادل نظر کرد و «مظنه بازار را سنجید». (۴۳) در مبادلات تجاری اصراری در فروش کالاهای وطنی دیده نمی‌شود. در هیچ کدام از این مکاتبات به اتخاذ سیاست بخصوصی از سوی تجار در ترویج کالاهای خاصی دیده نمی‌شود و بیشتر امکان سوددهی هر یک از کالاها مورد بررسی قرار می‌گیرد. تجار معمولاً ترویج کالاهای وطنی را هنگامی مطرح می‌ساختند که مساله سیاست‌گذاری‌های دولت در امور تجارت مطرح می‌گردید.

از مشخصه‌های تجاری پس از جنگ جهانی اول می‌توان به برجسته شدن چند ویژگی تجاری اشاره کرد: رواج دلالی و واسطه‌گری تجار ایرانی برای شرکت‌های خارجی، کمبود نقدینگی، انحصاری شدن تجارت روسیه و ورشکستگی طیفی از تجار و تجارخانه‌ها، پرهیز و گریز از پرداخت مالیات و عوارض گمرکی، و رواج قاچاق کالا. دلایلی که موجب

گرایش تجار به دلالتی شرکت‌های خارجی شد، کمبود نقدینگی، کساد بازاری تجارت، نوسانات پولی، عدم حمایت دولت از تجار، و بحران و بی‌ثباتی سیاسی کشور بود. امین‌التجار به حاج رحیم پیشنهاد کرد که در قبال فروش محموله‌های قند روسی در بوشهر، درصد معینی به عنوان «حق‌العمل» دریافت کند.^(۴۴) از آنجا که نهادهای مدنی وجود نداشت تا نیازهای ارتباطی تجار را برطرف سازد، آنان به یکدیگر خدماتی ارائه می‌کردند که بدون آن معاملات تجاری امکان‌پذیر نمی‌بود. گاه میان تجار قراردادی منعقد می‌شد تا ارائه این خدمات نظم و نسقی به خود گیرد و حدود وظایف و تکالیف هر یک از طرفین تعیین گردد. از باب نمونه، حاج رحیم اتحادیه با چند تن از تجار زنجانی در خصوص کسرات توتون قراردادی منعقد کرد که شامل چند ماده در باره چگونگی مبادله کالا بین اتحادیه و تجار زنجانی بود.^(۴۵) این قراردادها با تأیید یکی از علما جنبه شرعی و قانونی می‌یافت. علاوه بر آن، وکالت‌نامه‌های تجاری^(۴۶) که در آن به نقش رابط و وکیل تجاری اشاره می‌رفت، به همین شیوه تأیید می‌شد.^(۴۷) تجار برای محکم‌کاری و تحکیم تعهدات مالی یک تاجر به تاجر دیگر، تعهدنامه‌ای را به شهادت و امضای یکی از دولتمردان مقتدر و صاحب نفوذ می‌رساندند تا برای تاجر مدیون نوعی تعهد اخلاقی یا ضمانت در پرداخت دین خود ایجاد کند.^(۴۸)

اثرات باقی‌مانده از بحران مالی دوران جنگ جهانی، کاهش نقدینگی و تحولات انقلابی در روسیه که به انحصاری شدن تجارت آن کشور انجامید، مسایل و مشکلات بسیاری پیش روی تجار نهاد. این دوران، عصر ورشکستگی تجارخانه‌های بزرگ بود. بسیاری از تجار و تجارخانه‌ها نتوانستند این بحران را به سلامت پشت سر بگذارند و ورشکسته شدند. از آنجا که هر ورشکستگی کوهی از مطالبات مالی ادا نشده را پشت سر می‌نهاد، تجار در پی آن بودند که این پدیده عام را قانونمند و منظم سازند. در این دوران به دنبال یک رشته تحولات سیاسی و قدرت گرفتن رضاخان، و نیز دگرگونی‌های ساختاری که تجار در تشکیلات صنفی خود اعمال کردند، آنان تا اندازه‌ای قادر شدند به قضیه ورشکستگی تجار و تجارخانه‌ها شکل صوری و قانونی مناسب‌تری بدهند. تجار می‌کوشیدند مشکلات درگیری‌های مالی به صورتی قانونمند درآید و این مطلب نیز همانطور که در جنبش مشروطه در پی برقراری نظم و قانونی مشخص و معین برای انجام کارها بودند، از حالت آشفته حاضر به شکلی منظم تبدیل شود.

ناتوانی تجارخانه لیانازوف در بازپرداخت بدهی‌های خود و مجموعه مکاتبات شرکت اتحادیه در طلب وصول مطالبات خود از تجارخانه مذکور، موضوع مجموع نامه‌هایی است که از سال ۱۳۴۰ تا ۱۳۴۴ را در برمی‌گرفت. از آنجا که هنوز نهادهای مدرن استقرار نیافته بودند، برای حل این گونه از مسایل تجار به صاحبان قدرت دولتی و متنفذین متوسل می‌شدند، اتحادیه نیز به همین ترتیب عمل کرد و برای وصول طلب‌هایش به رئیس‌الوزرا

نامه نوشت و از عملکرد وزارت فواید عامه در توقیف ماشین آلاتی که در ازای طلب خود از تجارتخانه لیانازوف گرفته بود، شکایت کرد.^(۴۹) از دیگر تجارتخانه‌ها که در این دوران ورشکسته شد، تجارتخانه بزرگ و معتبر طومانیانس بود. این تجارتخانه به مجلس شورای ملی نامه‌ای نوشت و در آن علت ورشکستگی خود را توضیح داد. در این نامه آمده است که جنگ بین‌المللی و بحران اقتصادی جهانی، رویدادهای انقلاب روسیه و ضبط و مصادره قسمت اعظم دارایی‌های تجارتخانه که در خاک روسیه قرار داشت، و همچنین عدم امانتداری مدیر سابق تجارتخانه یعنی الکساندرخان، از عواملی بوده است که تجارتخانه طومانیانس را به ورشکستگی کشانده است، در این بین طومانیانس از دولت تقاضای مساعدت می‌کند.^(۵۰) ماجرای طلبکاران و بدهکاران این تجارتخانه و تقاضای همکاری از دولت برای وصول مطالبات به منظور پرداخت بدهی‌های تجارتخانه سال‌های متمادی به درازا انجامید. به رغم مذاکرات دولت ایران با نمایندگان دولت شوروی، دولت مذکور هر نوع دعای مربوط به پیش از سال ۱۹۲۲ را شامل مرور زمان به حساب آورد و امکان بررسی آن را غیر ممکن دانست.^(۵۱) نکته قابل توجه در سراسر مکاتبات طولانی این تجارتخانه با دوائر دولتی این بود که در دوران ریاست وزرایی رضاخان به کلیه نامه‌ها و شکواییه‌ها به دقت رسیدگی شد و دستورالعمل‌های لازم برای رسیدگی به کار تجارتخانه طومانیانس صادر گردید. از قرار معلوم رضاخان دریافتن راه حل، وعده‌هایی داده بود، به طوری که در یکی از نامه‌ها آمده است «شاه وعده کرده بود که پس از جلوس به مساله [تجارتخانه طومانیانس و موضوع بدهی‌های آن] رسیدگی کند».^(۵۲) در هر حال مساله ورشکستگی و رسیدگی به امور مالی این تجارتخانه از سال‌های پس از جنگ جهانی تا اواسط دوران پهلوی اول به درازا کشید. بررسی روند مکاتبات این تجارتخانه با دولت، توجه بیشتر دولت به امور تجارتخانه‌ها و تجار را روشن می‌سازد. در ابتدای امر طومانیانس از دولت گلایه می‌کند که:^(۵۳)

«در نتیجه انقلابات و انسداد راه و عدم جدیت دولت در استرداد اموال این تجارتخانه دوره بحران آن ممتد گردید و با آنکه اولیای این تجارتخانه انتظار کمک‌ها مهمی که در تمام دنیا مرسوم است از طرف دولت داشته متأسفانه مساعدتی نشد و حتی دولت در وصول مطالبات داخلی این تجارتخانه هم صرف مساعدتی ننمود».

بالاخره در دوران ریاست وزرایی رضاخان، دولت در وصول مطالبات داخلی طومانیانس و سر و سامان دادن به کار این تجارتخانه می‌کوشد.^(۵۴)

نهادهایی همچون اتحادیه تجار و محکمه تجارت همگام با تلاش تجار برای قانون‌گرایی بیشتر در امور مالی و ورشکستگی، در این موارد نقش مؤثری ایفا کردند. اتحادیه تجار همانطور که پیش از این نیز اشاره شد از نهادهایی بود که برای اعلام نظر کارشناسی در امور تجار و تجارت مورد مراجعه قرار می‌گرفت. از سوی اتحادیه تجار

اصفهان به حکومت اصفهان نامه‌ای نوشته شد که در آن نمایندگان اتحادیه برای شرکت در جلسه رسیدگی به مطالبات حاج محمدحسین سدهی معرفی شدند.^(۵۵) حاج محمدحسین سدهی به رییس‌الوزرا تلگراف کرده و از عملکرد حکومت اصفهان شکایت نموده بود و «چون حکومت صالح به رسیدگی دعاوی حقوقی نبوده و خودسرانه اقدام نموده، خواهان بازپس گرفتن دفاتر و اموالش شده و طلبکاران را به مجاری قانونی و محاکم صالحه ارجاع می‌دهد.»^(۵۶) مساله ورشکستگی و مسایل مالی طلبکاران و بدهکاران از جمله موضوعاتی بود که با استقرار و قوام یافتن قانون‌مداری و نیز با قدرت و ثبات دولت مرکزی نسبت مستقیم و تنگاتنگ داشت. وجود قوانین جامع و محاکم رسمی می‌توانست مانع از هرگونه سوءاستفاده، بست‌نشینی، گریز تجار ورشکسته از ادای دیون خود و وانمود کردن به ورشکستگی بشود. احکام ناسخ و منسوخ و نبودن یک نظام جامع، یکسان و قابل اجرای قطعی و نیز عدم حمایت قانونی دولت، امنیت اقتصادی را به خطر می‌انداخت و موجب نگرانی تجار می‌شد. تجار با هدف دگرگون کردن این اوضاع در پی استقرار نهادهای مدرن بودند. در دوران قدرت‌گیری رضاخان و در اوایل سلطنت وی، در قانونمند ساختن و سامان بخشیدن به این امور کوشیده شد. قانون تجارت و محکمه تجارت فعال شد و بنا به قانون امور مالی تجار ورشکسته بررسی و اموال آنان برای بازپرداخت بدهی‌ها مصادره می‌شد.^(۵۷) محکمه تجارت با قدرت و اتکا به مواد قانون تجارت در سامان دادن به مطالبات افراد و با نظارت «هیأت تصفیه» عمل می‌کرد.^(۵۸) قانونمند شدن مبادلات پولی امنیت اقتصادی بازار را تأمین می‌کرد، ولی بدهکاران در شرایط نامناسبی قرار می‌گرفتند. در اوایل دوران پهلوی برخی تجار ورشکسته از دولت طلب کمک کردند و حتی تقاضا داشتند در یکی از ادارات دولتی با حقوق متوسط (ماهی چهل تومان) به کار گرفته شوند.^(۵۹)

کساد تجارت در سال‌های پس از جنگ جهانی و بحران مالی دولت، مساله قاچاق کالا برای گریز از پرداخت عوارض گمرکی را متداول کرد. برخی از تجار به سبب سود بسیاری که در این کار بود به قاچاق کالا روی می‌آوردند. نیروهای گریز از مرکز، در این مورد شیوخ جنوب کشور، به تجار پیشنهاد کردند که با توجه به انحصار دولتی قند و چای، با آنان در قاچاق این دو کالا همکاری کنند.^(۶۰) از شیخ‌نشین‌های عربی حاشیه خلیج فارس به طور منظم کالاهای قاچاق به سواحل ایرانی خلیج فارس وارد می‌شد و به این ترتیب آن دسته از تجار که به کار قاچاق کالا وارد شده بودند، سود فراوانی کسب می‌کردند.^(۶۱) متنها تجاری که به طور قانونی کالا وارد می‌کردند و با بمبئی تجارت داشتند، به لحاظ پرداخت عوارض معمول گمرکی متحمل خسارات کلی می‌شدند، و از طرفی دولت نیز با کاهش عایدات گمرکی زیان بسیاری می‌کرد.^(۶۲) قاچاق کالا چنان سودآور و گسترده شده بود که برخی از شاهزادگان، حکام و خوانین نیز در آن شرکت می‌کردند.^(۶۳)

۲- صنعت

با طلیعه استقرار نهادهای دولت مدرن و تحقق اهدافی که تجار از ابتدای جنبش مشروطیت تا دوران حاکمیت پهلوی دنبال می‌کردند، همچون اوایل جنبش مشروطیت، توجه تجار به سرمایه‌گذاری و توسعه در بخش صنایع گسترش یافت. در اوایل به سلطنت رسیدن رضاشاه، روشنفکران به ترغیب تجار به سرمایه‌گذاری در صنایع پرداختند. علی‌زاده اسکویی طی مقالاتی در روزنامه حبل‌المتین که حامی صنعتی شدن ایران بود، سرمایه‌گذاری در صنایع را کاری ضروری به شمار آورد. در این مقالات نویسنده این عقیده را ابراز کرد که آنچه در گذشته مانع از سرمایه‌گذاری در صنایع می‌شد، از قبیل: نامناسب بودن راه‌های ارتباطی، مخالفت سیاست خارجی، اعمال نفوذ متنفذین در جلوگیری از پا گرفتن و رشد صنایع داخلی، و عدم حمایت دولت از فعالیت‌های صنعتی، اکنون از میان رفته و زمینه فعالیت سرمایه‌داران در بخش صنعت فراهم شده است.^(۶۴) وی خرید کارخانه و ماشین‌آلات صنعتی و لزوم گرایش تجار به ترقی مملکت را گوشزد کرد. در یک رشته مقاله که در «اقتصادیات ایران» چاپ شد، نویسنده کارخانه‌های متناسب با نیاز کشور را به ترتیب الویت و اهمیت، چنین رده‌بندی کرد: کارخانه‌های آهنگری، نخ‌تابی، ابریشم‌بافی، پشم‌ریسی، چرم‌سازی، کاغذسازی و قندسازی. نویسنده احداث کارخانه‌های شمع‌ریزی، صابون‌پزی، جوراب‌بافی و سیگارسازی را غیر ضروری خواند.^(۶۵)

دولت نیز به نوبه خود در تقویت صنایع می‌کوشید. مدرسه صنعتی ایران و آلمان که به نام مدرسه صنعتی دولتی نامیده شد، با مدیریت دکتر اشترنک و تعدادی آموزگار متخصص آلمانی افتتاح شد. هدف از تأسیس این مدرسه ترقی صنایع ایران بود. وزارت معارف تأسیس شعبه‌های این مدرسه را در شهرستان‌ها موقوف به فارغ‌التحصیلی اولین گروه از دانش‌آموزان این مدرسه کرد.^(۶۶) علاوه بر آن، دولت ورود ماشین‌آلات صنعتی را از پرداخت حقوق گمرکی معاف کرد و وزیر فواید عامه، علی‌اکبر داور، پس از بررسی کار حاضر شد برای تأسیس کارخانه نساجی مرحوم صنیع‌الدوله مساعدت‌های لازم را به عمل آورد.^(۶۷) روزنامه حبل‌المتین، وزیر فواید عامه را به حمایت از تأسیس کارخانه‌ها و ایجاد زمینه‌های اشتغال صنعتی ترغیب نمود و از تأسیس کارخانه قندسازی مرحوم امین‌الدوله و کارخانه نساجی مرحوم صنیع‌الدوله در کهریزک خبر داد.^(۶۸) علاوه بر آن، دولت با ورود دو دستگاه ماشین کاغذسازی و شمع‌ریزی از اروپا و بدون پرداخت عوارض گمرکی موافقت کرد.^(۶۹)

تجار برای سرمایه‌گذاری در بخش صنعت به فعالیت پرداختند. یکی از تجار مرکز از وزارت تجارت و فواید عامه تقاضا کرد که اجازه بیابد تا یک دستگاه ماشین ابریشم‌بافی و حریربافی از اروپا وارد کند و در گیلان کارخانه‌ای احداث نماید.^(۷۰) معین‌التجار بوشهری ۱۲ سهم از «شرکت تشویق صنایع وطنی» را خرید.^(۷۱) از این نمونه‌ها کاملاً روشن و مشخص می‌شود که اگر زمینه‌های لازم مهیا می‌شد، تجار به سرمایه‌گذاری در صنعت راغب بوده‌اند.

حاج رحیم اتحادیه برای خرید یک کارخانه نساجی از طریق علی اتحادیه که در لندن حضور داشت و نیز کنسول ایران مذاکره کرد و کوشید در این زمینه اطلاعاتی به دست آورد. به او گفته شد به اشخاص متخصص یعنی «دو نفر مکانیک و مهندس» احتیاج دارد و نیز اینکه پیش از سفارش و خرید، مکان کارخانه به تشخیص یک مهندس آگاه تعیین شود.^(۷۲) بررسی کارشناسی، علم به دقایق کار صنعتی و نو بودن این پدیده از موانعی بود که حضور تاجر را در بخش صنایع باکندی و بیم مواجه می‌کرد. در اوایل دوران پهلوی، حاج رحیم اتحادیه از وزارت فلاح و تجارت برای احداث یک کارخانه شیشه‌سازی مجوز گرفت.^(۷۳) حاج رحیم قزوینی تقاضای ورود کارخانه جدیدی از هامبورگ کرد و تیمورتاش وزیر دربار پذیرفتن تقاضای حاج رحیم قزوینی را موجب تشویق صنایع داخلی و مساعدت دولت را به او ضروری خواند.^(۷۴) حاج رحیم قزوینی، کارخانه چراغ برقی در قزوین احداث کرد، ولی پس از مدتی میان وی و شخص دیگری به نام ارباب برزو که برای مصارف مهمانخانه خود کارخانه چراغ برق کوچکی تأسیس کرده بود، رقابت در گرفت. «اتحادیه اصناف» قزوین از حاج رحیم قزوینی که تاجر بود حمایت کرد و خواستار جلوگیری از عملیات رقیب وی شد.^(۷۵) از این واقعه می‌توان چنین استنباط کرد که به دلیل جدید بودن این نوع از سرمایه‌گذاری، صاحبان سرمایه دید محدود و انحصارطلبانه‌ای داشتند. از طرفی به سبب دشوار بودن کار سرمایه‌گذاری در کار صنعت، سرمایه‌گذاران تنها به سود شخصی خود می‌اندیشیدند و این امر به رقابت‌ها و درگیری‌های میان آن‌ها دامن می‌زد.^(۷۶) علاوه بر صنایع کارخانه‌ای، تاجر در تأسیس شرکت و احداث کارخانه‌هایی در زمینه تهیه چوب و تراورس و فعالیت در صنایع جنگلی و ساختمانی در مناطق شمالی کشور نیز فعال بودند.^(۷۷)

۳- زمین‌داری

به رغم حضور تاجر در بخش صنایع، همچنان بخش اعظم سرمایه‌گذاری آنان به غیر از تجارت، در زمین‌داری بود. چراکه در این بخش خطر کمتری سرمایه‌آنان را تهدید می‌کرد، چون نیاز به کارشناسی و تخصص ویژه نداشت، مطمئن، آشنا و متداول بود و همچون سرمایه‌گذاری در صنایع به تحقیق و کسب اطلاعات خاصی نیاز نداشت. گستره این سرمایه‌گذاری‌ها از سیاهه املاک و مستغلات حاج رحیم اتحادیه معلوم می‌شد. این املاک و دارایی‌ها شامل قهوه‌خانه، استخر، خبازخانه، آسیاب، مغازه، حمام، کالسه‌خانه، باغ، خانه، قنات (که آب آن به صورت ساعتی به اجاره داده می‌شد)، قریه (از چند تا شش دانگ)، اراضی کشاورزی، یونجه‌زار، صیفی‌کاری، توستان و گاراژ بود.^(۷۸) تاجر این املاک را در شهرها و مناطق مختلف کشور می‌خریدند و گاه به اجاره می‌دادند. حاج رحیم اتحادیه در رشت تعدادی مغازه داشت که حاج آقا کوچصفهانی سرپرستی اجاره دادن آن‌ها را به عهده

داشت. (۷۹) امین‌الضرب در کرمان قریه‌ها و املاکی خرید. (۸۰) وی مدعی مالکیت املاکی در بندر جز بود که برای اثبات مالکیت خود با دولت درگیری‌هایی داشت و جلسه‌هایی برای حل مشکلات حقوقی این املاک برگزار شد. (۸۱) معین‌التجار نیز املاکی در کرمان و اهواز خریداری کرد. وی املاک خود را در اهواز به شرکت نفت اجاره داد و بعد بر سر مبلغ اجاره با کنسول انگلیس درگیر شد. (۸۲) کنسولگری انگلیس مدعی شد کل اجاره زمین‌هایی که لوله‌های نفت از آن عبور می‌کرد، پرداخت شده و از معین‌التجار برای اثبات مالکیتش خواستار ارایه مدرک شد. (۸۳)

تجار علاوه بر خرید املاک و مستغلات که گاه از دولت نیز ابتیاع می‌کردند و یا اینکه به آن‌ها واگذار می‌شد، به شیوه‌های دیگر نیز صاحب زمین و مستغلات می‌شدند گاه در ازای بدهی افراد، املاکی به آن‌ها واگذار می‌شد. در مواردی موضوع وثیقه و ضمانت افراد در میان بود که از تجار مبالغی به وام می‌گرفتند و هرگاه قادر به ادای دین خود نمی‌شدند، آن وثیقه‌ها به مالکیت تجار در می‌آمد، یا به صورت بهره‌مندی از عواید اجاره آن مورد استفاده قرار می‌گرفت. (۸۴) به این ترتیب تجار بخش تفکیک‌ناپذیری از فرایند زمینداری بودند که «سهم اربابی» می‌گرفتند و منافع آنان با زمینداران عجین شده بود. حاج رحیم اتحادیه طی یک وکالت‌نامه رسمی، شخصی به نام سیدابوالفضل خان را وکیل قانونی خود قرارداد تا در «محصول سهم اربابی» از قریه فرحزاد و تعیین اسامی و تعداد رعایا و سایر حقوق اربابی در محل اقدام کند. (۸۵) البته زمینداری نیز مشکلات خاص خود را داشت و خطر برانگیخته شدن طمع حکام دولتی از همه موارد دیگر محتمل‌تر بود.

حضور تجار در بخش زمینداری آنان را به موضوعات و مسایلی درگیر کرد که هیچ‌گونه همخوانی با عملکرد این طبقه به عنوان طبقه‌ای ترقی‌خواه و پیشرو نداشت. در این خصوص می‌توان به قشون‌کشی معین‌التجار به ممسنی اشاره کرد که بیشتر به نوعی لشکرکشی خصوصی شباهت داشت تا اعمال اقتدار و حاکمیت دولت مرکزی، چراکه به دلیل عدم استقرار نهادهای مدرن همچنان نفوذ سیاسی و اعمال نظر فردی کارساز بود. (۸۶) این واقعه درگیری تجار را با نیروهای گریز از مرکز به طور مستقیم و رو در رو نشان می‌دهد. علاوه بر آن، لزوم حفظ امنیت، و قانون‌گرایی که بی‌تردید منافع تجار را در همه ابعاد اجتماعی و اقتصادی تأمین می‌کرد، بیش از پیش نشان می‌دهد. حساسیت تجار در قبال قانون‌گرایی و استقرار نهادهای دولت مدرن تا اندازه‌ای بود که آنان برای استقرار امنیت حاضر به پرداخت هزینه‌های کلان می‌شوند، کما اینکه معین‌التجار تمام هزینه قشون‌کشی به ممسنی را خود تقبل کرد.

۴- اجاره‌داری

فعالیت‌های متنوع اقتصادی تجار از جمله گرفتن امتیازات و اجاره کردن برخی از

خدمات دوایر دولتی، می‌توانست برای دولت بحران زده پس از جنگ مفید واقع شود، چرا که دولت به این ترتیب قادر بود بخشی از مشکلات مالی خود را برطرف کند. چنانچه دولت از سرمایه‌های داخلی حمایت می‌کرد و قادر می‌شد که به اوضاع سیاسی ثبات و سامان ببخشد، این به توسعه کشور و افزایش قدرت اقتصادی و اجتماعی تجار منجر می‌گردید. منتها در سال‌های پس از جنگ جهانی، موانع ساختاری تجار را از بهره‌مندی از این امکان محروم ساخت. تجار برای حضور هر چه بیشتر در صحنه‌های اقتصادی کشور و نیز مبارزه با سرمایه‌های خارجی در پی گرفتن امتیازات و اجاره خدمات دوایر دولتی برآمدند. در سال‌های پس از جنگ جهانی و به خصوص در دوران ریاست‌وزرای رضاخان، تجار به گرفتن امتیاز از دولت رغبت بیشتری نشان دادند. در فاصله سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۴۲ قمری/ ۱۳۰۵-۱۳۰۲ خورشیدی که شرکت اتحادیه طی مکاتباتی با وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه، درخواست اعطای امتیاز چراغ برق قم، بارفروش مازندران، سلطان‌آباد عراق عجم، قزوین، همدان و زنجان را نمود.^(۸۷) بالاخره امتیاز انحصاری کارخانه چراغ برق در یازدهم مهر ماه سال ۱۳۰۴ به این شرکت واگذار شد.^(۸۸) با فراهم شدن زمینه‌های فعالیت بیشتر تجار، آنان به سرمایه‌گذاری در حوزه معادن نیز علاقه نشان دادند.^(۸۹)

تجار در زمینه بهره‌برداری از خدمات دوایر دولتی نیز فعالیت می‌کردند، از جمله امین‌التجار که بهره‌برداری از شیلات و حاج رحیم اتحادیه که دخانیات کردستان را اجاره کردند. معین‌التجار به حاج رحیم اتحادیه پیشنهاد مشارکت در امتیاز مالیات کردستان را کرد.^(۹۰) اما این امتیازها به دلایل متعدد در عمل باعث می‌شد که بهره‌برداری از آن‌ها ناموفق باشد. از آنجا که ساختار اداری و دیوانی فاسد بود، در دولتمردان توقع ایجاد می‌کرد که امتیاز گیرنده در صدی از درآمد خود را به آن‌ها بپردازد، علاوه بر آن حسادت‌های صنفی و کارشکنی رقیبان نیز امکان فعالیت بی‌دغدغه را دشوار می‌ساخت.

در سال ۱۳۰۱ خورشیدی، امتیاز بهره‌برداری از شیلات گیلان در ازای ۲۶ هزار تومان به امین‌التجار واگذار شد. منتها این امتیاز با مشکلاتی مواجه گردید و به یک رشته اعتراض و کشمکش‌هایی با دولت منجر شد. امین‌التجار در نامه مفصل و مشروحی به ریاست وزراء، موانع بهره‌برداری از امتیاز خود را برشمرد، از جمله عدم همکاری حکام محلی، دخالت صیادان محلی و عدم صدور محصول شیلات به شوروی، علاوه بر آن او از اینکه مالیات بر امتیاز شیلات امکان سوددهی را ناممکن می‌سازد، شکایت کرد.^(۹۱) امین‌التجار به دلیل عدم همکاری دولت مابقی حق امتیاز خود را یعنی مبلغ ۸ هزار تومان به دولت پرداخت نکرد.^(۹۲) وی در نامه‌ای به وزارت فواید عامه اعتراض کرد که «آن تقویت و مساعدتی که لازمه پیشرفت کار یک نفر تبعه بدبخت ایران در امور مربوط به دولت است» مبذول نشده است.^(۹۳)

نمونه دیگر اجاره‌داری تجار در سال‌های پس از جنگ جهانی که به اختلاف و طرح

شکایت انجامید، ماجرای اجاره دخانیات کردستان بود. حاج رحیم اتحادیه در ازای پرداخت ۱۴۱ هزار تومان به مدت سه سال از اول جدی ۱۲۹۸ خورشیدی اداره دخانیات کردستان را از دولت اجاره کرد.^(۹۴) در اول میزان ۱۲۹۹ خورشیدی در اثر گزارش های اداره های دولتی مبنی بر اینکه اجاره دخانیات به ضرر دولت بوده، بر حسب تصویب نامه دولتی به تاریخ ۲۷ سنبله ۱۲۹۹ خورشیدی واگذاری اجاره دخانیات در سراسر کشور لغو گردید. در پی لغو امتیاز اجاره داری دخانیات کردستان، حاج رحیم اتحادیه به دولت اعتراض کرد و به دنبال آن اختلاف های مالی وی با وزارت مالیه آغاز شد. حاج رحیم در نامه ای به ریاست وزراء، عملکرد دولت ایران را با دولت های اروپایی قیاس می کند و به انتقاد می پردازد. وی در این نامه به لزوم اعتبار دولت و اعتماد به آن اشاره کرد و این گونه اعمال را موجب آن دانست که دیگر تاجر ایرانی وارد «معاملات دولتی» نشود.^(۹۵) اتحادیه بارها از واژه هایی چون «وضع قانون»، «حدود قانون»، «مجسمه قانون» و «قانون طلبی» استفاده می کند و در نامه های بعدی از دولت می خواهد که لااقل این ماجرا را «مطابق عدالت» خاتمه دهد.^(۹۶) طلب های وزارت مالیه، رسیدن موعد پرداخت قسط سوم اجاره و نیز لغو امتیاز اجاره دخانیات به طور همزمان، در کار شرکت اتحادیه موجب اختلال های مالی شد و به شکایت اتحادیه به مراجع قانونی انجامید. کشمکش حاج رحیم اتحادیه و وزارت مالیه و اداره دخانیات طی سال های متمادی ادامه یافت تا بالاخره با اعلام حکم نهایی در سوم دی ماه سال ۱۳۱۱ خورشیدی، ماجرای اجاره دخانیات خاتمه پذیرفت.^(۹۷)

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل سوم

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل سوم

تبرستان

www.tabarestan.info

۱. کمک به زلزله‌زدگان، [بی‌تا]، وزارت کشور، ۵۶/۲۳ [۲۹۳]، (م.ا.م).
۲. از وزارت فلاح و تجارت و فوائد عامه به وزارت مالیه، ۲۲ شهریور ۱۳۰۸، وزارت مالیه، ۴۹/۲۴/۲۴ [۲۴۰]، (م.ا.م)؛ از وزارت داخه به وزارت مالیه، [۱۳۰۸ خورشیدی]، وزارت مالیه، ۴۹/۲۴/۴ [۲۴۰]، (م.ا.م).
۳. از معین‌التجار بوشهری به [گننام]، ۱۲ تیر ۱۳۰۸، نمره ۴۲۵، اسناد دربار، (م.ا.ر)؛ وزارت دربار به اداره تشکیلات کل نظمیه، ۱۶ تیر ۱۳۰۸، نمره ۲۷۴۱، وزارت دربار، (م.ا.ر).
۴. از برخی تجار به مجلس شورای ملی، ۴ ذی‌قعدة ۱۳۳۱، اسناد اتحادیه تجار، (آ.ا.ض).
۵. از مالیه بوشهر به وزارت جنگ، [بی‌تا]، وزارت کشور، ۴۷/۴۷/۳، (م.ا.م).
۶. در همین سند ذکر شده است که حاج محمدتقی بنکدار در صحن وزارت عدلیه فریاد زده است که وزیر مالیه اختلاس کرده و او را باید محاکمه کرد. نصرت‌الدوله موارد اختلاس و دزدی را تکذیب و شایعه‌های مزبور را دسیسه سرپیچ محمدخان دانست. (نامه اعتراض‌آمیز نصرت‌الدوله به ریاست وزرا، ۲۸ مهر ۱۳۰۷، اسناد دربار، (م.ا.ر)).
۷. «سواد عرض حال قاطبه ایرانیان مصر به رئیس‌الوزرا، مجلس و وزارت خارجه» و «عرض حالی با امضاهایی از تجار داخل»، جبل‌المتین، سال ۳۳، ۲۸ شوال ۱۳۴۳/۲۲ مه ۱۹۲۵، ش ۱۵، صص ۲۱-۱۹.
۸. چندین پرونده از نامه‌های رضازاده شفق به اتحادیه در مجموعه آرشیو اتحادیه موجود است که تاریخ ارسال نامه سال‌های ۱۹۲۱ تا ۱۹۳۰ میلادی را در بر می‌گیرد. در این نامه‌ها مطالب جالبی در مورد تحصیل محصلان ایرانی در خارج از کشور، وضعیت برلن، چگونگی گذران زندگی رضازاده شفق در غرب، مجموعه خرج و دخل علی اتحادیه و ارسال صورت حساب‌ها و تقاضاهای ارسال پول برای پسر بیمار اتحادیه دیده می‌شود که به نوبه خود قابل توجه است. (نامه رضازاده شفق به حاج رحیم اتحادیه، ۲۰ نوامبر ۱۹۲۷، برلن، (آ.ا.ت))؛ برداشت‌هایی از این نامه‌ها با مشخصه زیر به چاپ رسیده است: منصوره اتحادیه، «مسایل و کیفیت گذران یک دانشجوی ایرانی در آلمان»، اینجا طهران است، صص

۴۲۳-۴۳۸

۹. از تجاری که در احداث این مدرسه یاری رساندند، مدیر تجارخانه کازرونی، حاج محمدکاظم اتحادیه، صادق‌اف، خلیل‌زاده و تعدادی تجار دیگر. در جلسه‌ای با حضور رییس گمرک و مالیه به دلیل فقر عمومی مردم قرار بر این شد که از هر شتر با بار وارداتی پنج شاهی علاوه بر عایدات فوق‌الذکر گرفته شود تا مخارج خوراک تعدادی از شاگردان بی‌بضاعت داده شود. حبل‌المتین، سال ۳۲، ۱۹ ربیع‌الثانی ۱۳۴۳/۱۷ نوامبر ۱۹۲۷، ش ۱۹، ص ۹.

۱۰. با موافقت وزارت معارف نیمی از عایدات گمرکی در اختیار مدارس آلیانس و نیمی دیگر به سایر مدارس اختصاص یافت. (انسیه شیخ رضایی، «مدارس فرانسوی»، گنجینه اسناد، سال دوم (پاییز و زمستان ۱۳۷۱)، دفتر سوم و چهارم، ص ۹۹).

۱۱. پس از مدتی ناظر مدرسه محمدیه از معین‌التجار می‌خواهد شناختن مزبور را یا به مدرسه واگذار کند و یا به قیمت مناسب به فروش رساند. (از عبدالکریم حاجی عبدالرحیم عبدالواحد مشکینی به معین‌التجار، ۲۸ جمادی‌الاول ۱۳۳۸/۱۹ فوریه ۱۹۲۰، ۱۱۵۶۵۱-ق، (م.ا.ب)).

۱۲. تلگراف از آستارا به تهران، ۳۰ جوزا ۱۳۰۱، وزارت کشور، ۱/۲۱/۳ [۲۹۳]؛ از وزارت داخله به حکومت اردبیل، ۲۲ جوزا ۱۳۰۱، وزارت کشور، ۱/۲۱/۳ [۲۹۳]؛ (م.ا.م).

۱۳. در روزنامه حبل‌المتین اعلان تسلیتی برای غلامحسین وکیل‌الدوله به چاپ رسید و از «ترشحات قلمی» وی که همواره «زیب صحایف و جرایده» بود، تعریف شد. نگاه کنید به: (حبل‌المتین، ۳۳، ۱۴ صفر ۱۳۴۴/۴ سپتامبر ۱۹۲۵، ش ۲۸، ص ۱۹).

۱۴. معین‌التجار در مقاله «نظری به تجارت مملکت»، از بی‌توجهی دولت به پیشنهادهای تجار و کاهش شدید صادرات، اشکال‌تراشی‌های دولت در صادرات قالی به عنوان قالی رنگ جوهری و تریاک، کتیرا و تنباکو هر یک به عنوانی دیگر، همچنین افزایش باج‌ها و راهداری‌های فوق‌العاده و افزایش هزینه‌های تلگراف و پست شکایت کرد. وی در ادامه به توصیف ناهنجاری‌ها پرداخت و از اولیای امور تقاضای همکاری کرد. (ایران آزاد، ۱۳ صفر ۱۳۴۱/۱۵ کتبر ۱۹۲۲، ش ۱۰۰، ص ۱).

۱۵. حبل‌المتین، سال ۷، ۳ شوال ۱۳۴۳/اول مه ۱۹۲۵، ش ۱۲، ص ۱.

۱۶. تقی‌زاده، «اهم وسایل نجات ترقی اقتصاد»، همان جا، سال ۳۴، ۱۸ ذی‌حجه ۱۳۴۴/۲۹ ژوئن ۱۹۲۶، ش ۱۹، صص ۹-۱۰.

۱۷. در مقاله مذکور در پی انتقاد از اینکه تجار یهودی بازار کشور را بدست گرفته و بسیار فعال شده‌اند، به تجار ایرانی انتقادهایی وارد شد که چنین بازگو می‌شود: «تاجر ایرانی سواد ندارد، کتاب نمی‌خواند، روزنامه نمی‌خواند، سفر نمی‌کند، سر رشته در محصول به عمل آوردن ندارد که آن را چگونه به کار برد، روحش خیر ندارد ایران به چه محتاج است، جبران است چه برای مملکت بد است، از فهم آن عاجز است، تاجر ایرانی حساب ندارد، خودش هست و ریش و توپی و اشرف‌الحاج روی اسمش و مجلس روضه‌خوانی سرسالش، دیگر چه دارد، شاید میل هم ندارد که چیزی بداند، در این حال این هیکل که عبارت است از یک عمامه آب طلاکاری و یک ریش انبوه مشک‌ی یا قرمز، سر و قد پیچیده در قبای سه چاک‌ی با صورت عبوس و به خیال خودش موقر، آیا توقع دارید تجارت ایران بهتر از این باشد.» البته توصیف‌های مذکور بیشتر با گروه تجار متوسط که مسافرت‌ها و فعالیت‌های محدودتری داشته‌اند بیشتر سازگار می‌نماید. (حبل‌المتین، سال ۳۳، ۲۲ رمضان ۱۳۴۳/۱۷ آوریل ۱۹۲۵، ش ۱۱، صص ۸-۷).

۱۸. اعلانی با عنوان «اخطار و بشارت به تجار محترم» بدین شرح به چاپ رسید: «برای خدمت به عالم اقتصاد و تجارت ایران بنا به درخواست این جانب محمدرمضانی از ادیب دانشمند آقای رضا زاده شفق مجموعه‌ای به نام اقتصاد ترتیب داده‌اند و به سعی و اهتمام فقیر به طبع رسیده و مندرجات آن از این قرار است: ۱- اهمیت اقتصاد ۲- خلاصه از تاریخ

یادداشت‌های فصل سوم ۴۴۷

علم اقتصاد ۳- علمای بزرگ علم اقتصاد ۴- عقیده کارل مارکس ۵- لنین چه می‌گوید ۶- عیویات مسلک بلشویک برای ایران ۷- بحران اقتصادی ایران ۸- چه باید کرد ۹- اصول آب‌پاری و تصفیه هوا ۱۰- سرمایه اجنبی ۱۱- وظایف دولت ۱۲- وظایف ملت ۱۳- علل بدبختی تجار ایران و علاج آن ۱۴- تجار چه باید بکنند ۱۵- اتاق تجارت، نگاه کنید به: (ایران آزاد، سال اول، ۲۶ ذی‌حجه ۱۳۴۰/۲۸ اسد ۱۳۰۱، ش ۷۷، ص ۴).

۱۹. «تاجر ایرانی چه می‌کند، حبل‌المتین، سال ۳۳، ذی‌قعدة ۱۳۴۳/۲۹ مه ۱۹۲۵، ش ۱۶، ص ۵؛ تفکیک تجارت از سیاست لازم است، همان‌جا، سال ۳۳، ۲ محرم ۱۳۴۴/۲۴ جولای ۱۹۲۵، ش ۲۳، صص ۱-۳؛ «صنایع وطنی را تشویق کنید، ایران آزاد، ۷ محرم ۱۳۴۱/۳۰ اوت ۱۹۲۲، ش ۸۵، ص ۳.

۲۰. اخگر، سال ۴ (دوره سوم)، ۳ صفر ۱۳۵۱/۸ ژوئن ۱۹۳۲، ش ۷۶۲، ص ۱.

۲۱. یکی از وجه‌های روحی تجار آن بود که تمایلی به انگشت‌نما شدن، مطرح شدن و به چشم آمدن نداشتند. از آن رو که تجار در جامعه پیش مدرن، استبداد زده و بی‌قانونی زندگی می‌کردند، آنان همواره از علنی شدن سرمایه و موفقیت‌های شخصی خود نگران بودند. عدم تمایل آنان به امور غیر عرفی و غیر متعارف از این روحیه نشأت می‌گرفت.

۲۲. از طرف عموم تجار به آقا سید محمد مجتهد تنکابنی، [بی‌تا]، اسناد اتحادیه تجار، (آر.ا.ض.)؛ از طرف عموم تجار به آقا شیخ باقر مجتهد نجم‌آبادی، [بی‌تا]، همان‌جا؛ از طرف عموم تجار به آقا احمد مجتهد قمی، [بی‌تا]، همان‌جا؛ از طرف عموم تجار به آقا شیخ علی مدرس، [بی‌تا]، همان‌جا؛ از طرف عموم تجار تهران به حاج شیخ مرتضی، [بی‌تا]، اسناد اتحادیه تجار، (آر.ا.ض.).

۲۳. از آقا محمد حسین مجتهد تنکابنی به هیأت اتحادیه تجار، [بی‌تا]، اسناد اتحادیه تجار، (آر.ا.ض.).

۲۴. از عموم تجار به آقا شیخ علی مدرس، [بی‌تا]، اسناد اتحادیه تجار، (آر.ا.ض.).

۲۵. از عموم تجار به حاج شیخ مرتضی مجتهد، [بی‌تا]، اسناد اتحادیه تجار، (آر.ا.ض.).

۲۶. حبل‌المتین، سال ۳۳، ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۴۳/۹ جولای ۱۹۲۵، ش ۲، ص ۷.

۲۷. همان‌جا، ص ۸.

۲۸. گفته شد که معین‌التجار بوشهری در مخالفت با روزنامه ناهید پیگیر کار بود و حتی مبالغی نیز خرج کرد. علت این امر بیان مطالبی در مورد معایب حاج معین و کشیدن کاریکاتوری از وی ذکر شده است. (همان‌جا، صص ۸-۶).

۲۹. برای آگاهی‌های بیشتر در مورد تجار شیراز نگاه کنید به: «تجار شیراز»، حبل‌المتین، سال ۲۳، ۲ محرم ۱۳۴۴/۲۴ جولای ۱۹۲۵، ش ۲۳، صص ۱۵-۱۳.

۳۰. همان‌جا؛ تجار جزو اقلیت‌های دینی گاه با مسایلی مسلکی و خارج از حوزه‌های اقتصادی مواجه می‌شدند. بطور مثال تلگراف جماعت تجار کلیمی توپسرکان در اعتراض به دستگیری چهار تن از تجار کلیمی و دو نفر مسلمان که در باغ‌های خارج از شهر «مشغول شرب» بوده‌اند. آنان پس از دستگیری با پوشاندن لباس الران در کوچه و بازار گردانده شدند و چوب مفصلی خورده و جریمه شدند. جماعت کلیمیان نسبت به هتک حرمت تجار مزبور اعتراض نمودند. («سواد تلگراف جماعت تجار کلیمی توپسرکان»، ۱۳۳۸ قمری، همان‌جا، سال ۳۲، ش ۲۳، صص ۱۵-۱۳؛ از وزارت داخله به دکتر لقمان، ۸ رمضان ۱۳۳۸، وزارت کشور، ۲/۴/۱۳۳۸/۲۹۳]، (م.ا.م.)؛ از حکومت همدان به وزارت داخله، ۱۸ عرق ۱۳۰۱، وزارت کشور، ۲-۱۱۹/۳۳/۲۹۳]، (م.ا.م.).

۳۱. همان‌جا، سال ۳۲، ش ۲۳، صص ۱۵-۱۳.

۳۲. از وزارت خارجه به وزارت مالیه، ۲۷ جوزا ۱۳۰۱، وزارت مالیه، (۵) ۲۱۴/۲۷، (۲۴۰)، (م.ا.م.).

۳۳. از شیخ احمد گله‌داری به معین‌التجار، ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۴۰، ۱۱۵۴۷۶-ق، (م.ا.ب.)؛ از شیخ احمد گله‌داری به معین‌التجار، ۱۶ رمضان ۱۳۳۷، (آر.ا.ت.)؛ از حاج سید محمد تقی امین‌التجار به حاج رحیم اتحادیه، ۹ ربیع‌الثانی ۱۳۴۵،

۴۴۸. تجار، مشروطیت و دولت مدرن

(آ.ا.ت.)

۳۴. از حاج محمدصادق صاحب تاجر اصفهانی به امین‌الضرب، ۲۵ ربیع‌الثانی ۱۳۴۰، مجموعه ناصرالملک، ۳۰۵۷۶-ق، (م.ا.ب.).

۳۵. مجموعه مکاتبه‌های حاج محمدصادق تاجر اصفهانی، همان‌جا.

۳۶. تأسیس تجارتخانه در بمبئی، ۴، حبل‌المتین، ۳۳، ۲۸ شوال ۱۳۴۳/۲۲ مه ۱۹۲۵، ش ۱۵، ص ۲۴.

۳۷. همان‌جا، ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۴۳/۱۵ دسامبر ۱۹۲۴، ش ۲۲، ص ۲۴.

۳۸. همان‌جا، سال ۲۴ شعبان ۱۳۴۳/۲۰ مارس ۱۹۲۵، ش ۸، ص ۲۴.

۳۹. بطور مثال تجارتخانه خدارحم خداداد کرمانی در بمبئی قیمت حق‌العمل در اجناس کلی را صدی دو و در خرده‌فروشی صدی پنج و مبلغ حمل کالا را یک رویه اعلام کرد. (همان‌جا، سال ۳۵، اول ذی‌قعدة ۱۳۴۵/۳ مه ۱۹۲۷، ش ۱۹-۱۸، ص ۳۲).

۴۰. تجارتخانه محمدحسن‌خان شیرازی اعلام کرد در زمینه بلور، چینی و وسایل خرازی هر نوع معامله به قرار صدی دو انجام می‌دهد و در اعلان این تجارتخانه آمده: «نظر به اینکه سال‌ها است خودش در شیراز معامه خرازی داشته از همه قسم اسامی خرازی مسبوق می‌باشد و می‌داند چه قسم خرازی به جهت چه ولایتی به کار می‌خورد. فرق خیلی است کسی که اسم و رسم خرازی بداند تا نداند.» (همان‌جا، سال ۳۵، ش ۱۹-۱۸، ص ۳۲).

۴۱. در مورد ادامه کار تجارتخانه حاج سیدمحمد کازرونی که توسط پسرانش آقا سیدعلی و آقا سیدحسین تاجران کازرونی اداره می‌شد، اعلانی در روزنامه منتشر گردید. (همان‌جا، سال ۳۵، ۹ شوال ۱۳۴۵/۱۲ آوریل ۱۹۲۷، ش ۱۶، صص ۲۳ و ۱۸)؛ در مورد تغییر مدیریت تجارتخانه آقایان کازرونی که زیر نظر «عمده‌التجار آقای جمال‌الدین بیگ کازرونی» همشیره‌زاده حاج عبدالکریم بیگ کازرونی اداره می‌شد، اعلانی در روزنامه منتشر شد و توضیحاتی در مورد سرمایه، تجربه و خدماتی که این تجارتخانه با بهره‌گیری از تجارب ۲۲ ساله حاج عبدالکریم حاصل نموده، داده شده است. (همان‌جا، سال ۲۷، ۲۷ رمضان ۱۳۴۶/۲۰ مارس ۱۹۲۸، ش ۱۵-۱۴، ص ۳۲).

۴۲. برگرفته از مجموعه نامه‌ها و برات‌های آرشیو اتحادیه در سال‌های قمری ۱۳۲۵-۱۳۱۳، ۱۳۳۳-۱۳۳۰، ۱۳۳۷-۱۳۴۷، ۱۳۴۶-۱۳۴۷، (آ.ا.ت.).

۴۳. از علی‌نمازی به حاج رحیم اتحادیه، اول رمضان ۱۳۴۶، (آ.ا.ت.)؛ حاج رحیم اتحادیه معامله کتیرا و مغز بادام نجف‌آباد را که در بازار خارجه بهتر به فروش می‌رسید از طریق امین‌التجار اصفهانی انجام می‌داد. وی حتی به اتحادیه پیشنهاد فروش چای روسیه در مناطق جنوبی کشور را کرد. در مکاتبه‌های حاج رحیم و امین‌التجار در مورد به صرفه بودن پذیرش واسطه‌گری فروش قند روسیه گفته می‌شود که حق‌العمل مشخصی در این کار برای تاجر ایرانی وجود دارد و بازار جنوب ایران را اشغال می‌کند. از این مکاتبه‌ها مشخص می‌شود حوزه‌های ارتباطی و امکانات امین‌التجار اصفهانی از اتحادیه که تاجر پایتخت بود، کمتر بوده است (مجموعه نامه‌های امین‌التجار به حاج رحیم اتحادیه، ۷ ذی‌قعدة ۱۳۴۶ و ۶ ذی‌حجه ۱۳۴۶، نامه‌های سال ۱۳۴۶ قمری، (آ.ا.ت.)).

۴۴. از سید محمدتقی امین‌التجار و پسر به حاج رحیم اتحادیه، ۶ ذیحجه ۱۳۴۶، (آ.ا.ت.)؛ از سیدمحمدتقی امین‌التجار به حاج رحیم اتحادیه، ۷ ذی‌قعدة ۱۳۴۶، (آ.ا.ت.).

۴۵. قرارداد مابین حاج رحیم اتحادیه و آقا مشهدی اکبر و آقا مطلب تاجران زنجان، ۹ شوال ۱۳۳۸/۶ جولای ۱۹۲۰، (آ.ا.ت.).

۴۶. از حاج یوسف قزوینی به حاج رحیم اتحادیه، ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۴۰، نمره ۴۶۵، (آ.ا.ت.).

۴۷. از حاج یوسف قزوینی به حاج رحیم اتحادیه، ۲۷ جمادی‌الاول ۱۳۴۰، نمره ۴۷۶، (آ.ا.ت.).

۴۸. همان‌جا.

۴۹. اتحادیه طی نامه‌های بسیار از ریاست وزرا کمک می‌خواهد. وی عدم وصول طلبش از لیانازوف‌ها را سهل‌انگاری وزارت فواید عامه دانست. اتحادیه به جای طلبش یک دستگاه ماشین الکتریک تحویل گرفت که به دلیل نبودن راه فقط بخشی از آن به تهران حمل شد ولی بعد وزارت فواید عامه مانع فروش و ورود بقیه لوازم شد. رضاخان دستور رسیدگی به این امر را به وزارت فواید عامه، خارجه و مالیه صادر کرد. بقیه طلبکارها، مطالبه‌های کارگران و مساله شلیات از دیگر مواردی بود که در مورد لیانازوف‌ها مطرح شد. در خصوص تعیین طلب معین‌التجار بابت سهام شلیات که از لیانازوف‌ها خریداری کرده با وی نیز مکاتبه می‌شود. برای آگاهی‌های بیشتر از ورشکستگی تجارتخانه لیانازوف نگاه کنید به:

از شرکت اتحادیه به ریاست وزرا، ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۴۲، نمره ۴۹-۵۰، نخست‌وزیری، (م.ا.ر)؛ از ریاست وزرا به لیانازوف بابت طلب تجارتخانه از دیویزیون قزاق، ۸ جمادی‌الآخر ۱۳۳۹، نمره ۷۸۴۹، نخست‌وزیری، (م.ا.ر)؛ از فرمانده قشون گیلان به ریاست وزرا، ۶ نوامبر ۱۹۲۰، نمره ۵۰۶ همان‌جا؛ از حاج رحیم اتحادیه به ریاست وزرا، ۴ صفر ۱۳۴۰، نمره ۱۱۷۴۹، همان‌جا؛ از وزارت فلاحت به ریاست وزرا، ۱۷ حوت ۱۳۰۱، نمره ۸۰۸۱ همان‌جا؛ از اتحادیه به ریاست وزرا، ۱۰ ذی‌قعدة ۱۳۴۳، نمره ۳۸۳۳۰، همان‌جا؛ از وزارت فواید عامه به ریاست وزرا، ۲۴ ثور ۱۳۳۹، نمره ۵۴۹۶ همان‌جا؛ از لیانازوف به ریاست وزرا، ۱۶ مارس ۱۹۲۱، نمره ۱۲۸۴۰، همان‌جا؛ از وزارت فواید عامه به معین‌التجار، ۱۷ عقرب ۱۳۳۸، نخست‌وزیری، (م.ا.ر).

۵۰. طومانیانس دو سال برای بازپرداخت بدهی‌هایش از دولت فرصت خواست. همچنین تقاضای همکاری دولت برای استرداد کالاهای تجارتخانه از نقاط مختلف روسیه و مذاکره وزارت خارجه با نماینده دولت روسیه برای پس گرفتن اموال منقول و غیرمنقول تجارتخانه انجام شد. طومانیانس طی نامه‌ای به دفتر مخصوص رضاشاه تجارتخانه خود را تجارتخانه‌ای ایرانی نامید که قبل از جنگ بین‌الملل اولین صادرکننده کالاهای ایرانی در بازارهای خارجی بوده و طی هشتاد سال در حدود دو ثلث از محصولات شمال ایران توسط این تجارتخانه صادر می‌گردید. در اثر خسارات جنگ و ضبط بالغ بر ۴۵ میلیون ریال از اموال تجارتخانه در خاک روسیه، امور داخلی تجارتخانه از هم گسیخته شد و بدهی تجارتخانه به دولت ۶ میلیون کسری برآورد شده و علاوه بر این تعداد زیادی طلبکار هستند که اموال تجارتخانه در برابر این بدهی‌ها ناچیز است مگر آنکه دولت در گرفتن مطالبات تجارتخانه همکاری کند. این مطالبات شامل ۹ میلیون طلب از دولت شوروی بابت پنبه‌ای که بطور رسمی خریداری کرده. همچنین مطالبه از افراد ذیل: سپهسالار اعظم، امیر اسعد، امیراعتضاد، معظم‌الملک، قوام‌الدوله، اکرم‌الملک و سردار همایون بود که تقاضای همکاری دولت برای بازپس گرفتن این مطالبات برای پرداخت بدهی‌هایشان را دارد. (نامه طومانیانس به مجلس شورای ملی، ۱۹ ربیع‌الاول ۱۳۴۰، اسناد نخست‌وزیری، (م.ا.ر)؛ از تجارتخانه طومانیانس به دفتر مخصوص دربار پهلوی، [بی‌تا] نخست‌وزیری، (م.ا.ر)؛ متحدالعمال ریاست وزرا، در خصوص طلب طومانیانس، [بی‌تا] نخست‌وزیری، (م.ا.ر).

۵۱. از ریاست وزرا به طومانیانس، ۲۱ آبان ۱۳۱۲، نمره ۵۶۵۶ نخست‌وزیری، (م.ا.ر)؛ از وزارت خارجه به ریاست وزرا، ۲۴ مهر ۱۳۱۲، نمره ۲۵۴۰۲، نخست‌وزیری، (م.ا.ر).

۵۲. نامه امام جمعه به وزارت دربار پهلوی، [بی‌تا] نخست‌وزیری، (م.ا.ر)؛ همچنین برای آگاهی از سوابق طلب امام جمعه از طومانیانس و پیگیری این مسأله نگاه کنید به: از ریاست وزرا به امام جمعه، ۲۶ دلو ۱۳۰۰، نمره ۱۷۵۲۸، نخست‌وزیری، (م.ا.ر)؛ از وزرات داخله به ریاست وزرا، ۲۱ سرطان ۱۳۰۱، نمره ۱۹۳۸، نخست‌وزیری، (م.ا.ر).

۵۳. طومانیانس به هیأت وزرا، ۱۶ ذی‌قعدة ۱۳۴۱، نمره ۱۴/۴۹، نخست‌وزیری، (م.ا.ر)؛ طومانیانس نامه‌های شکایت‌آمیز بسیاری به دولت نوشت و خواهان استرداد عواید املاک تجارتخانه از مباشران و کدخدایان و توقیف پنبه و املاک سپهسالار اعظم در قبال بدهی‌هایش به تجارتخانه شد. از ریاست وزرا به حکومت ساری، ۱۶ حمل ۱۳۰۱، نمره ۵۵۳، نخست‌وزیری،

۴۵۰. تجار، مشروطیت و دولت مدرن

(م.ا.ر.)؛ از طومانیانس به ریاست وزرا، ۱۲ ذی حجه ۱۳۴۰، نمره ۸، همانجا، از محمود مهندس به ریاست وزرا بابت طلب از طومانیانس، ۱۴ قوس ۱۳۰۰، نمره ۸۴۰۸۵۵، همان جا؛ از وزارت مالیه به ریاست وزرا، ۱۶ اسد ۱۳۰۱، نمره ۱۰۹، همان جا؛ از وزارت مالیه به ریاست وزرا، نمره ۱۳۰۹۲/۵، همان جا؛ از طومانیانس رییس کل مالیه به بابت طلب امین الضرب، ۱۰ ذی قعدة ۱۳۴۱، نمره ۱۴/۴۶، همان جا؛ از وزارت مالیه به ریاست وزرا، ۶ عقرب ۱۳۰۰، نمره ۱۸۱۸۵، همان جا؛ از وزارت امور خارجه به ریاست وزرا، ۱۵ دلو ۱۳۰۰، نمره ۸۳۱۴/۱۶۱۹، نخست وزیری، (م.ا.ر.).

۵۴. از طومانیانس به هیأت وزرا، [۱۳۰۳ خورشیدی]، نمره ۴/۴۸۶۰، نخست وزیری، (م.ا.ر.)؛ از ریاست وزرا به مالیه، ۲۴ مرداد ۱۳۰۳، همان جا؛ بر اساس دستور دولت به مالیه، اموال سپهسالار اعظم به جای طلب طومانیانس مصادره شد. ریاست وزرا به مالیه دستور می دهد در گرفتن مطالبات طومانیانس همکاری کند. (از ریاست وزرا به مالیه، ۲ ثور ۱۳۰۳، نمره ۷۵۶، نخست وزیری، (م.ا.ر.)).

۵۵. امور حاج محمد مهدی سدهی پس از ورشکستگی به توسط حکومت اصفهان در دوران سردار جنگ ما بین طلبکاران تقسیم شده که پس از مدتی حاج محمد حسین سدهی و مسو نوادا شکایت کردند؛ اولی برای اینکه بدون حضور وی اموالش تقسیم شده و دیگری به این منظور که سهمی از اموال به وی تعلق نگرفته است. از اتحادیه تجار به حکومت اصفهان، سال ۱۳۰۲ خورشیدی، استانداری اصفهان، (۱۳/۲۵/۶۰/۲۹۱]، (م.ا.م.)؛ شکایت حاج محمد حسین سدهی به حکومت اصفهان، سال ۱۳۰۲ خورشیدی، استانداری اصفهان، (۶۱/۲۵/۶۰/۲۹۱]، (م.ا.م.)؛ اسامی تجار که در این جلسه شرکت داشتند از این قرار بود: حاج مهدی سمسار، میر محمد حسین، حاج سید علی موسوی روغنی، حاج سید محمد حسن بنکدار و حاج محمد مهدی سدهی. (از اتحادیه اصفهان به حکومت اصفهان، شوال ۱۳۴۱، استانداری اصفهان، (۱۳-۲۱/۶۰/۲۹۱]، (م.ا.م.)).

۵۶. از حاج محمد حسین سدهی به ریاست وزرا، محرم ۱۳۴۳، استانداری اصفهان، (۷۴/۲۱/۶۰/۲۹۱]؛ از حکومت اصفهان در خصوص اعلان ورشکستگی حاج محمد حسین سدهی، ۲۶ جدی ۱۳۰۲، استانداری اصفهان، (۲۲/۲۱/۶۰/۲۹۱]، (م.ا.م.).

۵۷. از طرف محکمه تجارت تهران با اعلان ورشکستگی آقا شیخ محمد عطار، امور کسبی وی متوقف و بر اساس ماده ۲۴۵ و ۲۶۰ قانون تجارت دارایی و موجودی حجره وی توقیف و بر اساس ماده ۲۴۷ کلیه معاملات و پرداخت مطالبات وی می بایست به اطلاع هیأت تصفیه و اعضای ناظر آن در محکمه تجارت برسد. «اعلان از طرف محکمه تجارت طهران»، اطلاعات، ۷ شعبان ۱۳۴۶/۳۱ ژانویه ۱۹۲۸، ص ۳.

۵۸. «اعلان از طرف محکمه تجارت طهران»، اطلاعات، ۲ اسفند ۱۳۰۶/۲۲ فوریه ۱۹۲۸، ص ۳، همان جا، ۹ بهمن ۱۳۰۶/۳۰ ژانویه ۱۹۲۸، ص ۵، همان جا، ۵ بهمن ۱۳۰۶/۲۶ ژانویه ۱۹۲۸، ص ۳.

۵۹. از تاجری ورشکسته به ریاست وزرا، ۶ بهمن ۱۳۰۵، وزارت کشور، ۱۰۴۰۰۱/۲، (م.ا.م.).

۶۰. «چگونگی قاچاق در خلیج»، حبل المتین، سال ۳۴، ۴ ذی قعدة ۱۸/۱۳۴۴، ۱۸ مه ۱۹۲۶، ش ۱۵، صص ۱۱-۱۳.

۶۱. «از بهبهان می نویسد»، حبل المتین، سال ۳۳، ۲۲ رمضان ۱۷/۱۳۴۳، ۱۷ آوریل ۱۹۲۵، ش ۱۱، ص ۱۹؛ همان جا، سال ۳۳، ۲۵ ربیع الاول ۱۳۴۴/۱۹ کبیر ۱۹۲۵، ش ۳۳، ص ۲.

۶۲. از طرف کویت، بحرین، شارجه، دوبی، بنادر محمره، بوزی، معشور، هندیان، دیلم، خور، گناوه، بندر ریگ، کالاهای قاچاق وارد کشور می شد. کالاهایی مثل قند، شکر، چای و نیل از بمبئی به قصد بنادر شارجه، دوبی و کویت حمل می شد و شیوخ این مناطق، گمرکی برای مال التجاره های فوق قرار نمی دادند. همین کالا به صورت قاچاق وارد ایران می شد و در بازار به قیمت ارزان تر ارائه می گردید و به تجار «صحیح العمل» زیان مالی وارد می کرد. (حبل المتین، سال ۳۲، ۵ ربیع الثانی ۱۳۴۳/۳ نوامبر ۱۹۲۴، ش ۱۷، ص ۱۷؛ همان جا، سال ۳۳، ش ۱۱، ص ۱۹).

یادداشت‌های فصل سوم ۴۵۱

۶۳ گزارش از حمل و فروش غیرقانونی و قاچاق غله به قفقاز، [۱۲۹۸ خورشیدی]، ۸۲/۷۵/۱ (م.ا.م)؛ دخالت شاهزادگان، [۱۲۹۹ خورشیدی]، ۶۹/۲۷/۲۴ (م.ا.م).

۶۴ اقتصاد ایران، حبیب‌المتین، سال ۱۳۰۵ رجب ۱۸/۱۳۴۵، ۱۸ ژانویه ۱۹۲۷، ش ۵، ص ۹.

۶۵ همان‌جا، سال ۱۳۰۵، اول ذی‌قعدة ۳/۱۳۴۵، ۱۹۲۷، ش ۱۹-۱۸، ص ۲۴.

۶۶ همان‌جا، سال ۱۳۰۳، رجب ۱۶/۱۳۴۳، فوریه ۱۹۲۵، ش ۵، ص ۱۸.

۶۷ همان‌جا، سال ۱۳۰۴، ۱۱ ذی‌قعدة ۲۵/۱۳۴۴، مه ۱۹۲۶، ش ۱۶، ص ۲۱.

۶۸ همان‌جا.

۶۹ همان‌جا، سال ۱۳۰۴، شوال ۲۸/۱۳۴۴، مه ۱۱/۱۹۲۶، ش ۱۴، ص ۱۸.

۷۰ همان‌جا، سال ۱۳۰۴، جمادی‌الثانی ۱۴/۱۳۴۵، دسامبر ۱۹۲۶، ش ۲۵، ص ۲۱.

تبرستان
www.tabarestan.info

۷۱ شرکت تشویق صنایع داخلی دارای اساس‌نامه‌ای بود که برخی از مفاد آن بدین شرح بود:

۱- سهام فروخته شده شرکت اختلاف قیمت نخواهد داشت. ۲- صدی ده به عنوان حقوق اعضای شورای اداری. ۳- صدی پنج برای نشر معلومات صنعتی. ۴- هفتاد و پنج درصد مابقی عایدات به ترتیب فیما بین صاحبان سهام به نسبت سهامی که دارند. ۵- سرمایه اولیه شرکت سی هزار تومان که ۲۵۰۰ سهم ۱۲ تومانی است و دو نفر از اعضای هیأت و مهر بسط سرمایه شرکت تعداد سهام جدید اضافه شود. ۶- اوراق سهام به اعضای رییس و دو نفر از اعضای هیأت و مهر نمایشگاه امتعه وطنی و مهر شرکت تشویق صنایع رسمی می‌رسد. (سهام شرکت تشویق صنایع وطنی، ۲۹ حمل ۱۳۰۴، اسناد معین‌التجار، ۸۶-۱۱۶۸۷۵-قی، (م.ا.ب)).

۷۲ در آگاهی‌هایی که به حاج رحیم داده شد، گفته شد که چند سال قبل معین‌التجار بوشهری و تاجری از خراسان قصد خرید چنین ماشین‌آلاتی را داشتند. (از علی اتحادیه به حاج رحیم اتحادیه، ۲۰ نوامبر ۱۹۲۶)، (آ.ا.ت).

۷۳ حاج رحیم اتحادیه برای گرفتن مجوز تأسیس کارخانه می‌بایست به پرسش‌هایی از این دست پاسخ می‌داد: ۱- آیا تجربه این کار را دارید. ۲- چه مقدار سرمایه تشخیص می‌دهید و از چه طریق تهیه می‌کنید. ۳- چه طریقی برای انجام کار اتخاذ می‌کنید. ۴- چه طریقی برای انجام کار اتخاذ می‌کنید. ۵- کارخانه را کجا بنا می‌کنید. ۶- آیا تجربه‌هایی در مواد به عمل آورده‌اید که بدانید کدام طریقه مناسب‌تر است. ۷- قیمت تمام شده برای فروش چقدر است. ۸- وسایله نقلیه در کارخانه تا مرکز فروش چیست. ۹- چه کمک‌هایی از دولت انتظار دارید. حاج رحیم در مورد تأسیس کارخانه با مارتوس آقارونیان در ۱۴ سپتامبر ۱۹۲۷ قرارداد همکاری امضا می‌کند. (از وزارت فواید عامه به حاج رحیم اتحادیه، ۲۷ بهمن ۱۳۰۵)، (آ.ا.ت)).

۷۴ از وزیر دربار به ریاست وزرا، ۳ تیر ۱۳۰۶، وزارت کشور، ۱۱۶۸/۱۰۴۰۰۶، (م.ا.م)؛ حاج رحیم قزوینی به ریاست وزرا، ۲۹ مهر ۱۳۰۶، وزارت کشور، ۱۱۶۸/۱۰۴۰۰۶، (م.ا.م)؛ حاج رحیم تقاضا می‌کند طلبش پرداخته شود تا بتواند کارخانه قزوین را تمام کند.

۷۵ کارخانه حاج رحیم دارای چندین بخش پشم‌ریسی و نخ‌تایی، آهن‌سازی و چراغ برقی با قوه پانزده هزار چراغ بوده. حاج رحیم و اتحادیه اصناف به ریاست وزرا اعتراض می‌کنند. (تلگراف از قزوین به تهران، ۲۸ مرداد ۱۳۰۶، ۱۰۴۰۰۶/۱۱۶۸، (م.ا.م)؛ تلگراف اتحادیه اصناف قزوین به ریاست وزرا، ۳۱ مرداد ۱۳۰۶، ۱۱۶۸/۱۰۴۰۰۶، (م.ا.م)).

۷۶ وزارت تجارت به حاج رحیم نوشت که تأسیس کارخانه چراغ برق آزاد می‌باشد و جنبه عمومی داشته و نمی‌توان مانع ایجاد آن شد. (از وزارت فواید عامه به ریاست وزرا، ۲۵ فروردین ۱۳۰۷، ۱۱۶۸/۱۰۴۰۰۷، (م.ا.م)).

۷۷ معین‌التجار بوشهری ریاست کل شرکتی را به عهده داشت که کترات‌ها را بررسی می‌کرد و افراد برای تشکیل چنین شرکت‌هایی باید مجوز اختیار می‌کردند. (از حاج ربیع به هیأت ریسه شرکت جنگل‌ها، ۳۰ آبان ۱۳۰۷، اسناد معین‌التجار،

۱۱۵۲۴۳-ق، (م.ا.ب.)).

۷۸. فهرست تهیه شده از این دارایی‌ها با استفاده از پرونده املاک و مستغلات آرشیر اتحادیه تهیه شده است و بطور قطع تمامی دارایی وی محسوب نمی‌شود. نگاه کنید به بخش ضمایم.

۷۹. از حاج آقا کوچصفهانی به حاج رحیم اتحادیه، ۸ ذی‌قعدة ۱۳۴۷، مجموعه نامه‌های سال‌های ۴۷-۱۳۴۵ هجری قمری، (آر.ا.ت.).

۸۰. امین‌الضرب قریه‌های علی‌آباد، ضیاء‌آباد، دارزم، خالق‌آباد، همت‌آباد، عیش‌آباد را با کلیه توابع، قنات‌ها، باغ‌ها، عمارت‌ها و سایر ملحقات به مبلغ ۴۵ هزار تومان از محمدحسین ناظم‌التجار کرمان خریداری کرد. امین‌الضرب برای خرید این املاک در کرمان از بانک استقراضی وام گرفت. وی برای گرفتن وام، املاک تهران و ولایات خود را به عنوان وثیقه رهن بانک کرد. (دعوی ناظم‌التجار از امین‌الضرب، ۲۸ دی ۱۳۰۴، نمره ۳۹۵۵۵، نخست‌وزیری، (م.ا.ر.)).

۸۱. امین‌الضرب راجع به مداخله غاصبانه اداره مالیه استرآباد در اراضی و عایدات بندر جز به ریاست وزرا اعتراض کرد. بر اساس حکم ریاست وزرا، «کمسیون فرامین» تشکیل شد. در مورد زمین‌های بندر جز که امین‌الضرب نسبت به آن‌ها دعوی مالکیت داشت، مصوبه‌ای به تصویب رسید که اراضی مزبور همچون اراضی خالصه محسوب شود و بر اساس حقوق اراضی استیجاری نسبت به آن‌ها عمل شود. همچنین دستور تعیین نقشه و حدود املاک صادر شد. هیأت وزراء موادی را برای ثبت و واگذاری این املاک تصویب نمود. اهالی بندر جز نیز تلگراف شکایتی در مورد ضبط املاک موزونی آن‌ها به شاه ارسال کردند: از وزارت مالیه به ریاست وزرا، ۱۰ مهر ۱۳۰۴، نمره ۸۰۲۸، نخست‌وزیری، (م.ا.ر.)؛ از وزارت مالیه به ریاست وزرا، ۲۲ مهر ۱۳۰۴، نمره ۲۷۰۷۹، همان‌جا؛ از وزارت مالیه به ریاست وزرا، ۲۹ دی ماه ۱۳۰۴، ۴۲۴۳۳، همان‌جا؛ از وزارت مالیه به ریاست وزرا، ۲۸ بهمن ۱۳۰۴، ۴۶۲۸۷، همان‌جا؛ «عریضه گروهی از ساکنان گیلان به مجلس شورای ملی»، ۴ سرطان ۱۳۰۱، نمره ۸۴۷۱، همان‌جا؛ از امین‌الضرب به ریاست وزرا، ۶ محرم ۱۳۴۶، نمره ۲۷۸۰، همان‌جا؛ از ریاست وزرا به امین‌الضرب [بی‌تا]، ل-۳۱۸، همان‌جا؛ از وزارت مالیه به ریاست وزرا، ۲۸ جدی ۱۳۰۳، ۳۹۲۳۳، همان‌جا؛ اعلان ریاست وزرا، ۱۲ دلو ۱۳۴۳، نمره ۹۸۸۹، نخست‌وزیری، (م.ا.ر.).

۸۲. مصالحه‌نامه‌ای برای مدت دو سال (۱۳۴۰-۱۳۳۸ هجری قمری) برای سه دانگ از قریه عزیزآباد واقع در بزم کرمان تنظیم و منعقد شد. سند مصالحه‌نامه فوق‌العاده دقیق و هوشمندانه تنظیم شده بود و همه احتمالات خطا و سوءتعبیر در شرایط سند قید شده بود. («مصالحه‌نامه قیما بین معین‌التجار و عدل‌السلطنة»، شوال ۱۳۳۸، اسناد معین‌التجار، ۸-۱۱۶۹۵۷-ق، (م.ا.ب.)).

۸۳. از عباسقلی به معین‌التجار، ۱۸ رمضان ۱۳۳۷، اسناد معین‌التجار، ۱۱۵۳۰۷-ق، (م.ا.ب.)؛ از عباسقلی به معین‌التجار، ۱۸ ربیع‌الثانی ۱۳۳۷، اسناد معین‌التجار، ۱۱۵۳۱۲-ق، (م.ا.ب.)؛ از معین‌التجار به وزارت امور خارجه، ۲۳ جمادی‌الاول ۱۳۳۷، اسناد معین‌التجار، ۱۱۵۳۱۳-ق، (م.ا.ب.).

۸۴. هنگامی که محمدحسن خان افتخار دیوان، «مالک میانج» را از سالار لشکر اجاره نمود مبلغ پنج هزار تومان از حاج رحیم اتحادیه قرض نمود و قرار شد یک ماهه بازگرداند و اگر نتوانست حاج رحیم اتحادیه منافع ملک را به خود منتقل کند و پس از انقضای مدت اجاره و دریافت پنج هزار تومان آن را به صاحبش منتقل نماید. (از احمد تفرشی به حاج رحیم اتحادیه، ربیع‌الثانی ۱۳۳۷، (آر.ا.ت.)).

۸۵. وکالت‌نامه رسمی به سیدابوالفضل خان، ۲۸ تیر ۱۳۱۳، (آر.ا.ت.)؛ نکته قابل توجه در اسناد اتحادیه این بود که در مدارک شرکت اتحادیه در قبل از مشروطیت که بیشتر مربوط به حاج لطفعلی و حاج علی اکبر بود بیشتر امور مربوط به امور صرافیه و بانکی بود. اما اسناد اواخر قاجاریه و اوایل پهلوی بیشتر مربوط به حاج رحیم و مربوط به امور تجارتی، ملکی و مستغلات بود.

یادداشت‌های فصل سوم ۴۵۳

۸۶. وی این عمل را تلاشی برای حفظ امنیت راه اصفهان - بوشهر نیز مطرح می‌کند. (از معین‌التجار به وزارت داخله، ۹ ذی‌حجه ۱۳۳۹، نمره ۳۲/۱۷۷۶، نقل شده از: گنجینه اسناد، سال اول، دفتر اول، صص ۵-۶).

۸۷. نامه‌های اتحادیه به وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه و پاسخ‌های آن‌ها در تاریخ‌های ذیل به ترتیب مربوط به چراغ برق قم، بارفروش مازندران، سلطان‌آباد عراق (عجم)، قزوین، همدان و زنجان می‌باشند که در آرشیو اتحادیه موجود است: ۳ دی ۱۳۰۲/۱۳ جمادی‌الاول ۱۳۴۲؛ ۲۶ دی ۱۳۰۲/۱۰ جمادی‌الثانی ۱۳۴۲؛ ۳ دلو ۱۳۰۲/۱۶ جمادی‌الثانی ۱۳۴۲؛ ۲۱ مهر ۱۳۰۴/۲۴ ربیع‌الاول ۱۳۴۴؛ ۲۶ اسفند ۱۳۰۵/۲۳ شعبان ۱۳۴۵؛ ۱۶ اسفند ۱۳۰۵/۲۳ شعبان ۱۳۴۵؛ همچنین پاسخ‌های وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه به اتحادیه در تاریخ‌های ذیل: ۶ دلو ۱۳۰۲؛ ۲۵ جدی ۱۳۰۲؛ ۲۶ مهر ۱۳۰۴؛ ۱۴ خرداد ۱۳۰۵ بوده است.

۸۸. امتیاز انحصاری کارخانه چراغ برق در ۲۳ ماده تنظیم و بین دولت ایران و حاج رحیم اتحادیه منعقد شد. مدت این امتیاز بین ۱۰ تا ۲۰ سال بود و در صورتی که امتیازگیرنده تا یک سال پس از انعقاد قرارداد قادر به دایر کردن آن نمی‌شد امتیاز از درجه اعتبار ساقط می‌گشت. امتیازگیرنده موظف بود یک دهم از درآمد خالص کارخانه را به وزارت فواید عامه بپردازد. فروش و واگذاری این امتیاز به اتباع بیگانه ممنوع بود. در صورت خلاف صاحب امتیاز و بعد از دوبار تذکر، در صورت تداوم تخلف امتیاز لغو می‌شد. «امتیاز انحصاری کارخانه چراغ برق»، ۱۱ مهر ۱۳۰۴، (آر.ا.ت.).

۸۹. «مشاکرت در بهره‌برداری از معادن زهر آباد، سماور» ۱۲ جدی ۱۳۰۲؛ از اداره کل معادن نمک طارمین علیا و سفلی به حاج رحیم اتحادیه، در خصوص اجاره معادن زیتورآباد، ۲۲ میزان ۱۳۰۵؛ «گزارش حسین از معادن زیتورآباد»، در خصوص شورش یاغیان و ادعای مالکیت معادن، ۲۶ ثور ۱۳۰۳، (آر.ا.ت.).

۹۰. از معین‌التجار به حاج رحیم اتحادیه، ۱۹ جدی ۱۲۹۸، (آر.ا.ت.).

۹۱. از معین‌التجار به ریاست وزرا، ۱۴ ذی‌حجه ۱۳۴۱، نخست‌وزیری، (م.ا.ر)؛ محمدجعفر امین‌التجار به رییس وزرا توضیح می‌دهد که پس از ۳۰ سال فعالیت در بادکوبه به دلیل حمله بلشویک‌ها به کمک نماینده معزالدوله به ایران آمده است.

۹۲. از وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه به ریاست وزرا، اول جدی ۱۳۰۲، نمره ۶۷۴۸، نخست‌وزیری، (م.ا.ر.).

۹۳. از معین‌التجار به وزارت فلاح و تجارت و فواید عامه، ۴ ذی‌حجه ۱۳۴۱؛ همچنین نامه وزارت فواید عامه به معین‌التجار در پاسخ به اعتراض‌های وی، ۱۸ اسد ۱۳۰۲، نمره ۱۰۵۸، نخست‌وزیری، (م.ا.ر.).

۹۴. اجازه‌نامه بین وزارت مالیه و حاج رحیم اتحادیه از ۱۳۳۸ تا ۱۳۴۱، اول جدی ۱۲۹۸، نمره ۳۲۹۷۱/۹۰۵، (آر.ا.ت.).

۹۵. از حاج رحیم اتحادیه به ریاست وزرا، ۲۲ صفر ۱۳۳۹، (آر.ا.ت.).

۹۶. از حاج رحیم اتحادیه به ریاست وزرا، ۲۸ محرم ۱۳۳۹/۲۰ میزان ۱۲۹۹، (آر.ا.ت.).

۹۷. برای آگاهی‌های بیشتر از ماجرای اجاره دخانیات نگاه کنید به: پیوست‌های بخش سوم،

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل چهارم
خواسته‌های تجار و پاسخ دولت پهلوی به آن

تبرستان
www.tabarestan.info

خواست‌های تجار و پاسخ دولت پهلوی به آن

دوران پس از کودتا تا تأسیس دولت پهلوی را می‌توان به دو دوره تقسیم کرد: دوره نخست سال‌های ۱۳۴۱-۱۳۳۹ ق. / ۱۹۲۳-۱۹۲۱ م. که رضاخان مسئولیت وزارت جنگ را به عهده داشت و دوره دوم، سال‌های ۱۳۴۴-۱۳۴۱ ق. / ۱۹۲۶-۱۹۲۳ م. که دوران ریاست‌وزرایی وی تا رسیدن به سلطنت بود. هر چند در این دوران بطور قانونی سلطنت تغییر نکرده بود، با اینحال نمی‌توان آن را چندان قاجاری دانست. رضاخان با در دست داشتن وزارت جنگ، کشور را به شش منطقه نظامی تقسیم نمود و برای هر منطقه فرماندار نظامی تعیین و در بسیاری از شهرها حکومت نظامی اعلام کرده بود. مناطق نظامی کشور به قرار ذیل بود: (۱) شمال (رشت)؛ شمال غرب (تبریز)؛ غرب (همدان)؛ مرکز (تهران)؛ جنوب (اصفهان)؛ شرق (مشهد). بدین ترتیب رضاخان موفق شد کادر نظامی هوادار خود و دولت مرکزی را به تدریج در نقاط مختلف کشور مستقر سازد.

تجار در مفهوم مشروطیت و نظام سیاسی مردم سالار مشروطه در پی تحقق خواست‌های خود بودند که شامل امنیت، ثبات سیاسی، دولت متمرکز قوی، احداث راه و راه‌آهن، استقرار قانون و احکام قانونی یکسان و معین، همچنین ایجاد بانک ملی، نظارت دولت در امور گمرک و صادرات و واردات بودند تا آنان را از تعرض قدرت‌های بیگانه در امان نگاهدارد و حمایت دولت از آن‌ها در مقابل سرمایه‌های خارجی و ترویج صنایع و کالاهای وطنی را فراهم آورد. تجار برای دستیابی به این اهداف به تلاش‌های بسیاری در استقرار نهادهای مدرن دست یازیدند، اما همانطور که پیش از این نیز گفته شد، ساختار

داخلی کشور و حوادثی که به وقوع پیوست، همچنین مخالفت‌ها و سنگ‌اندازی‌های قدرت‌های خارجی در ناکارآمد کردن نظام مشروطیت امکان دستیابی به این خواست‌ها را ضعیف کرد. جنگ بین‌الملل اول نیز به ضعف و ناتوانی عمومی کشور افزود و تجار را از دست‌یابی به خواست‌های خود از طریق نظام سیاسی مردم سالار ناامید ساخت. عملکرد رضاخان در دو دوره وزارت جنگ و ریاست وزرایی نشانه‌هایی از امکان تحقق خواست‌های تجار را فراهم کرد و آنان را به سمت حمایت از عنصر سیاسی جدید فارغ از شکل نظام سیاسی آن کشاند. رضاخان در اوایل دوران سلطنت خود همچنان در مسیر مورد نظر تجار حرکت کرد و آنان را به ادامه این حمایت ترغیب نمود.^(۲)

الف) دولت متمرکز قوی و استقرار امنیت

قدرت رضاخان به عنوان وزیر جنگ دولت‌های بعد از کودتا، روندی تکاملی طی کرد. وی برنامه اصلی خود را ایجاد ثبات سیاسی و تقویت دولت مرکزی قوی قرار داد. این امر بتدریج او را مورد توجه اشرار گوناگون جامعه و از جمله تجار قرار داد. مردم در اعتراض به اغتشاش و ناامنی راه‌های مناطق فارس، دزدی و غارت اموال مردم، امانت‌های پستی و محصول‌های کشاورزی در تلگراف‌خانه بست نشستند و خواهان عزل نصرت‌السلطنه والی ایالت و برقراری امنیت شدند.^(۳) از سوی حاج علی‌اکبر لاری مقیم عباسی در مورد ناامنی راه‌ها، ربودن اموال تجاری توسط مکاری‌ها و سارقین به وزارت داخله تلگراف تظلمی مخابره شد و بر لزوم حفظ قانون تجارت تأکید گردید.^(۴) تجار لار و بندرعباس از توقف تجارت و ناامنی شکایت کردند. آنان به اینکه اشرار در شهرها به مال و جان مردم تعرض می‌کنند و یکی از تجار را ربوده و طلب پول می‌کنند، به بی‌نظمی و عدم انتظام امور اعتراض داشتند و خواهان توجه به این منطقه شدند.^(۵) تجار خواهان اقتدار دولت و حفظ امنیت کشور بودند و سردار سپه نخستین وظیفه خود را همین امر قرار داد.

در این مرحله مهم‌ترین اقدام رضاخان سردار سپه مقابله با کانون‌های ناآرامی در کشور بود. شورش اسماعیل آقا سمیتقو در آذربایجان، قیام میرزا کوچک‌خان در گیلان، محمدتقی‌خان پسیان در خراسان و ابوالقاسم لاهوتی در تبریز مناطق شمال و شمال شرقی و غربی کشور را به شدت آشفته کرده بود. فرماندهی عملیات مقابله با جنگلی‌ها، اعزام قوایی از پایتخت برای سرکوب قیام پسیان و سرکوب شورش لاهوتی به استحکام موقعیت رضاخان افزود. رضاخان با استفاده از خشونت نظامی توانست پس از سرکوب جنبش‌های گیلان، آذربایجان و خراسان به سرکوب شورش‌های منطقه‌ای و محلی سران ایالات^(۶) در سراسر نقاط کشور بپردازد. جنگ جهانی بر خودکامگی ایالات افزوده بود. رضاخان به سرکوب عشایر گیلان و آذربایجان و خلع سلاح شاهسون‌ها و اعدام بسیاری از سران عشایر این مناطق پرداخت. حسینعلی‌خان طالش و امیر عشایر خلخال و دوازده‌تن از خوانین

خلخال در سال ۱۳۴۱ق. / ۱۹۲۳م. اعدام شدند و اموال آنان مصادره شد. ضرغام‌خان طالش که خود را حاکم مستقل می‌دانست، در زندان اعدام شد. سردار ماکو و خان قره‌داغ هر دو زندانی شدند و به آن مناطق فرماندار نظامی اعزام شد.^(۷) عشایر اردبیل، تبریز، میانه، بجنورد، کردستان و لرستان خلع سلاح شدند ولی پاکسازی منطقه لرستان هشت سال به طول انجامید. پس از آن خلع سلاح عشایر خراسان، بلوچستان و فارس^(۸) صورت گرفت. برای در هم شکستن قدرت عشایر در سال‌های بعد سیاست‌هایی در کوچ عشایر به مناطق مختلف در پیش گرفته شد. سرکوب و اسکان عشایر در سراسر کشور تا چندین سال بعد همچنان ادامه یافت.^(۹)

هیأت دولت برای تأمین امنیت منطقه غربی به سردار سپه دستور اعزام نیرو جهت سرکوبی شورشیان کرد و با ملّت‌گرایان ترکیه نیز جهت همکاری وارد مذاکره شد. نیروهای اعزامی دولت توانستند قلعهٔ چهریق را تسخیر و نیروهای سمیتقو را قلع و قمع کنند.^(۱۰) این پیروزی‌ها سر و صدای زیادی به راه انداخت و تلگراف‌های شادباش از غالب شهرها به وزیر جنگ مخابره شد و در تهران به پاس این پیروزی جشن بزرگی برگزار شد.^(۱۱) طغیان‌های دیگر عشایر و سران ایلات در گوشه و کنار کشور به تدریج سرکوب شد. شورش چاکوتاهی‌ها و تنگستانی‌های جنوب که در خلال جنگ جهانی بر ضد انگلیسی‌ها ایجاد شده بود با درگیری حسین‌خان چاکوتاهی رهبر شورشیان با پلیس جنوب و کشته شدن وی در ۱۳۳۷ق. / ۱۹۱۹م. خاتمه یافته بود.^(۱۲) شورش عشایر لرستان که به حدود عراق عجم تجاوز می‌کردند و به غارت شهرها می‌پرداختند با نیروی اعزامی دولت مرکزی سرکوب شد. شورش‌های عشایر مسلح حدود اردبیل و مشکین و اهر و عشایر بختیاری، کهکیلویه و بهبهان و پشت‌کوه که دست به غارت و تعدی می‌زدند، پس از درگیری‌های بسیار بالاخره پس از چند سال خاتمه یافت.^(۱۳) شورش قبایل ترکمن و کرد خراسان در سال ۱۳۴۴ق. / ۱۹۲۴م. به سرکردگی عثمان آخوند نماینده اشراف ترکمن که در خراسان اعلام جمهوری کرد با دشواری‌های بسیار تا پایان سال ۱۳۴۵ق. / ۱۹۲۵م. فرونشاند شد. پیش از این دولت توانسته بود از وجود این قبایل در سرکوب قیام محمدتقی‌خان پسیان استفاده کند.^(۱۴)

اقدامات رضاخان مورد توجه تجار قرار گرفت. پس از سرکوب جنبش جنگل، تجار انزلی طی تلگرافی از عملیات وزیر جنگ که امنیت و آسایش را برای آنان به ارمغان آورده بود، سپاسگزاری کردند.^(۱۵) بنظر نمی‌رسد که تجار با اعمال قیام‌کنندگان گیلان توافقی داشته‌اند. حتی از ملاکان، تجار و روحانیانی نام برده شده است که به تبریز و تهران مهاجرت کردند و با عملکرد جنبش جنگل توافقی نداشتند.^(۱۶) بنابر این صحت این تلگراف‌ها با توجه به آشفتگی اوضاع منطقه و اقدامات جمهوری گیلان که چندان به سود تجار تمام نمی‌شد و گرایش آنان به امنیت و آرامش قابل تأیید است. تجار و اصناف پایتخت نیز

تشکرنامه‌هایی به پاس قدردانی از فعالیت‌های وزیر جنگ در سر و سامان دادن به هرج و مرج‌های داخلی و جلوگیری از تهاجم خارجی و احیای «حیثیت ملی» ارسال کردند.^(۱۷) هیأت تجار دزداب از عملکرد امیر لشکر شرق در ایجاد امنیت در آن مناطق تشکر کرد.^(۱۸) همچنین مجلس تجارت کرمان از استقرار امنیت و فعالیت‌های «اداره امنیه کرمان» ابراز رضایت کرد.^(۱۹)

از اقدامات دیگر سردار سپه رئیس‌الوزرا و وزیر جنگ سرکوب طغیان شیخ خزعل بود که به تقویت دولت مرکزی و کسب اعتبار بیشتر وی منجر شد. شیخ خزعل یا شیخ محمره از خوانین عرب بسیار مقتدر خوزستان بود. وی توانسته بود با حمایت سران بختیاری و قبایل عرب، حکومت مستقلی در منطقه ایجاد کند. انگلیسی‌ها برای حفظ امنیت منطقه، برقراری تجارت هند و بهره‌گیری از نفوذ خزعل در حفظ امنیت حوزه‌های نفتی جنوب، حکومت وی را پذیرفته بودند و از وی حمایت می‌کردند. در زمان ریاست‌وزرایی قوام‌السلطنه، دولت برای حفظ حاکمیت خود در مناطق جنوب و وصول مالیات معوقه تصمیم گرفت نیروی نظامی به منطقه اعزام کند. دولت انگلستان که بر طبق قرارداد با شیخ موظف به حمایت از وی بود و نفوذ حکومت مرکزی را نیز چندان به سود خود نمی‌دانست، به دولت ایران اعتراض کرد. با اینحال دولت نیروهایی اعزام نمود که در منطقه بختیاری غافلگیر شدند و شکست خوردند. اما وزیر جنگ توانست با بهره‌گیری از این شکست زمینه نابودی خزعل را فراهم کند.

خزعل نه تنها حاضر به فرستادن مالیات منطقه به مرکز نبود، بلکه طی تلگرافی نیز اقدامات رضاخان را مخالف قانون اساسی و شاه قانونی کشور اعلام کرد.^(۲۰) وی در ظاهر رعیت دولت ایران بود، ولی به علت آن که قدرت خانوادگی و سیاسی او در منطقه روز بروز افزایش یافته بود، فرستادگان دولت مرکزی به این منطقه به دست‌نشاندهاگان وی بدل شده بودند. خزعل با کمک ایل‌های بختیاری و بویراحمدی با دولت مرکزی مخالفت کرد و قیام ساعات را به راه انداخت. خزعل این قیام را یک نهضت وطن‌پرستانه بر ضد سردار سپه معرفی کرد و وی را «غاصب حکومت» خواند.^(۲۱) رئیس‌التجار محمره^(۲۲) به نمایندگی از جانب شیخ خزعل روانه پاریس شد تا با احمدشاه مذاکره و اعلام حمایت خزعل از وی را به او ابلاغ کند ولی احمدشاه پیام داد که پس از تصفیه امور خوزستان وی را خواهد دید. بسیاری از ملیون و شاه‌نگران از دست دادن خوزستان بودند. حتی با اینکه خزعل به مخالفت با رضاخان و در حمایت از احمدشاه سخن گفته بود، با اینحال به دلیل آنکه خوانین بختیاری که با او همراه بودند، به جز چند تن وجهه خوبی نداشتند و خزعل نیز شخص بدنام و غیرقابل دفاعی بود و برای جمع‌آوری پول دست به هر اقدامی می‌زد، بسیاری از ملیون و شاه از حمایت وی سرباز زدند.^(۲۳)

منطقه جنوب به دلیل وجود چاه‌های نفت برای انگلستان اهمیت فوق‌العاده داشت.

کنسول انگلستان در اهواز طی یادداشتی نگرانی خود را از خطر احتمالی برای تجهیزات کمپانی نفت عنوان کرد.^(۲۴) وی در تلگراف دیگری، وضعیت منطقه را تشریح و موضع‌گیری انگلستان را مورد بررسی قرار داد. در این بررسی، قدرت‌های موجود در منطقه و ایلات متشتت و متفرق توصیف شدند.^(۲۵) انگلستان در آغاز تصمیم‌هایی برای حمایت از خزعل اتخاذ کرد، ولی بررسی اوضاع منطقه و ملاقات سرپرستی لورین وزیر مختار انگلستان با رضاخان موجب شد انگلیسی‌ها در موضع خود تجدید نظر کنند. در مکاتبه لورین و کرزن، طرح حمایت از رضاخان که در پی استقرار نظم و ارتشی ثابت و قوی بود، مورد توجه انگلیسی‌ها قرار گرفت.^(۲۶) همچنین سیاست تمرکزگرایی رضاخان با اهداف آن‌ها در تشکیل حکومت مقتدر در ایران که از نفوذ بلشویسم به هندوستان و بین‌النهرین جلوگیری کند، هماهنگ بود.^(۲۷) این مسایل، انگلستان را به تغییر موضع خود و قربانی کردن خزعل واداشت. انگلیسی‌ها از حمایت اولیه خود از خزعل دست برداشتند. رضاخان از تفرقه بین روسای قبایل جنوب استفاده کرد و در ورود به خوزستان در اعلامیه‌ای خطاب به «علما و اعیان و کسبه و طوایف و شیوخ» و تمامی اهالی خوزستان اعلام کرد در صورت تسلیم خزعل بقیه افرادی که با وی همکاری داشتند، بخشوده خواهند شد. کنسول انگلیس مقیم ناصری به محرمه رفت و خزعل را که با تعدادی از اطرافیانش به آنجا گریخته بود به اصرار به همراه آورد.^(۲۸)

در هنگام ورود سردار سپه به خوزستان بسیاری از تجار جنوب از سردار سپه و همراهانش استقبال و از آن‌ها پذیرایی کردند. از این گروه می‌توان از سیدحسین تاجر بهبهانی، میرزااحسین علی تاجر کازرونی، محمدحسن تاجر بهبهانی، حاج رئیس‌التجار، حاجی باقر و حاجی سیدابوالقاسم و آقامیرزااحسن علی تاجر کازرونی نام برد.^(۲۹) پس از ملاقات رضاخان با خزعل در اهواز، وی تسلیم دولت مرکزی شد و از سردار سپه خواست اجازه دهد پس از تقسیم املاک خود مابین پسرانش، به خارج از ایران مهاجرت کند. ولی سردار سپه نگران آن بود که خزعل به عراق رفته و از آنجا برای دولت ایران مزاحمت ایجاد کند. از این رو، از خزعل خواست که با نیروهای دولتی عازم تهران شود. خزعل دستگیر و به تهران منتقل شد.^(۳۰)

پیروزی در این سفر جنگی، اعتبار بسیاری برای رضاخان به همراه آورد. وی پس از این پیروزی به بهانه زیارت و به منظور جلب حمایت علمای عتبات به نجف و کربلا سفر کرد و مورد استقبال تجار و برخی از علمای این مناطق قرار گرفت.^(۳۱) سردار سپه در بازگشت به پایتخت مورد استقبال بسیار قرار گرفت و اقشار مختلف مردم اعمال او را مورد تمجید و ستایش قرار دادند. در بازگشت رضاخان به تهران، جمعی از نمایندگان مجلس، اعیان و تجار تاکرج و برخی تا قزوین به استقبال وی رفتند که اینک فاتح خوزستان نام گرفته بود. در شهر جشن‌های بسیاری به مناسبت پیروزی وی برگزار شد که به لحاظ سیاسی برگ برنده دیگری

برای رضاخان محسوب می‌شد^(۳۲) و زمینه‌های اجتماعی استقرار حاکمیت وی در سال‌های بعد را فراهم می‌کرد.

از سوی اقشار مختلف جامعه بخصوص تجار و اصناف تلگراف‌های تبریکی به خاطر پیروزی سردار سپه و در حمایت از عملیات وی در جنوب و سرکوب خزعل مخابره شد. گروهی از تجار که افراد سرشناسی همچون امین‌الضرب، حاج رحیم‌آقا قزوینی، کاشانی، اسلامبولچی، حاج سید محمود ساعت‌ساز، حاجی خان حریری، حاج نبی‌آقا، محمدجعفر خامنه، فقیه‌التجار و تعداد دیگری از تجار و روسای اصناف که بالغ بر دویست تن بودند، بخاطر قدردانی از عملیات سردار سپه در جنوب به مجلس رفتند و بیانیه‌ای در حمایت از وی خطاب به عموم مردم قرائت کردند:^(۳۳)

«آن‌هایی که بر تعالی و ترقی ایران علاقه‌مندند. افرادی که به لزوم حفظ حیات اجتماعی خود معترفند، منصفانه در وضعیات گذشته این مملکت قضاوت کرده و با وضعیت کنونی مقایسه نمایند. قیام غارتگران به اسامی مختلفه در سرتاسر مملکت، سلب آسایش و امنیت فردی و اجتماعی، وضعیات اسف‌آور نظام، ادارات پر از هرج و مرج، یاس از اجرای هر قسم اصلاحات اقتصادی، شیوع انواع خیانت‌ها نسبت به مملکت و ایجاد بدبختی‌های دیگر از نظر هیچکس فراموش نشده است... امروز که امنیت تام در سرتاسر مملکت حکمفرما است، امروز که نهضت اقتصادی در کار و موجبات رفع فقر و فلاکت عمومی نزدیک است... امروز که صفوف قشون نیرومند، مهابت آن متمدین و خائنین را به اطاعت و تمکین محکوم و اصل امنیت سیاسی و مدنی را تأمین می‌نماید... قطعاً تشخیص بدهید که بهبودی‌های حاصله منتها درجه نتیجه فداکاری و خدمات صادقانه آن سرباز نامی و سردار ناجی ایران است.»

از بین بردن کانون‌های قدرت محلی و منطقه‌ای، ایجاد امنیت، ایجاد دولت متمرکز قوی که نیروهای گریز از مرکز را به تسلیم و اطاعت وامی‌داشت و ارتش نوین و واحد که در زمره اهداف سردار سپه بود از مواردی بود که تجار را به هیجان آورده و به حمایت وی برمی‌انگیخت.

تلگراف‌هایی نیز از سوی تجار بوشهر در مخالفت با خزعل و حمایت از سردار سپه مخابره شد.^(۳۴) تجار دزداب نیز پیروزی‌های به دست آمده را به ریاست وزرا تبریک گفتند.^(۳۵) هیأت اصناف نیز به تبعیت از تجار، تلگراف‌هایی در حمایت از استقرار امنیت و انزجار از اعمال خزعل منتشر کرد.^(۳۶) گروهی نیز در میدان سپه تجمع و با سردادن شعارهایی برای مبارزه با مخالفان اعلام آمادگی کردند و از اقدام‌های رضاخان اعلام پشتیبانی کردند.^(۳۷) رضاخان با از بین بردن کانون‌های قدرت محلی و منطقه‌ای زمینه ایجاد دولت متمرکز قوی را فراهم کرد. دولت مقتدری که نیروهای گریز از مرکز را به تسلیم و اطاعت وامی‌داشت. تلاش رضاخان برای استقرار امنیت که آرزوی تمامی اقشار جامعه از

جمله تجار بود، توانست یکی از اصلی‌ترین و با نفوذترین طبقات اجتماعی را به حمایت از این عنصر جدید سیاسی وادارد. رضاخان با درآمیختن نیروهای قزاق، پلیس جنوب، ژاندارمری و سایر عناصر دیگر در جهت تشکیل «قشون متحدالشکل» قدمی اساسی در استقرار امنیت در سراسر کشور برداشت. تصویب قانون نظام اجباری نیز که در خرداد ماه ۱۳۰۴ به تصویب مجلس شورای ملی رسید، در این راستا بود. تقویت دولت مرکزی، سرکوب نیروهای گریز از مرکز و تشکیل ارتش نوین می‌توانست به استقرار دولت متمرکز قوی کمک کند که تمامی آنها از زمره خواست‌ها و آرزوهای دیرین تجار بود.

ب) گسترش راه‌ها و تأسیس راه‌آهن

از اهداف دیگر دولت پس از سرکوب عشایر و استقرار امنیت، توسعه و بسط نفوذ دولت مرکزی در سراسر کشور بود و لازمه این نفوذ بهبود و گسترش راه‌ها بود. برای مبارزه با سران عشایر و اعزام سریع و آسان نیروهای نظامی، بسیاری از راه‌ها مرمت، تسطیح و گسترش یافت. ایجاد راه‌ها قبل یا بعد از سرکوب شورشیان صورت می‌گرفت تا کنترل نظامی بر منطقه آسان گردد. این امر بطور قطع به توسعه روابط تجاری این مناطق نیز کمک می‌کرد.^(۳۸) ساختن راه و انجام عملیات نظامی به بودجه زیادی احتیاج داشت. با اینکه اداره کل غله و نان و اداره خالصجات ضمیمه وزارت جنگ شد تا عواید آن بطور مستقیم به این وزارتخانه پرداخت گردد و وام یک میلیون دلاری آمریکا نیز بیشتر به مصارف امور نظامی رسید، با این حال گسترش امنیت که با اعمال قدرت نظامی میسر شد برای بهبود ارتباطات، حمل و نقل و راه‌ها به سرمایه نیاز داشت. دولت در دوران ریاست وزرایی رضاخان و اوایل سلطنت پهلوی اقداماتی در این زمینه به عمل آورد.

تجار مایل به بهره‌گیری از خدمات راه‌سازی و حمل و نقل پیشرفته بودند. آنان تا آنجا که مقدور و معقول بود و مانند آنچه در امور خیریه انجام می‌دادند، در این زمینه نیز همیاری و کمک مالی می‌کردند. با این حال تجار این خدمات را صرفاً از دولت انتظار داشتند و اجبار آنان به پرداخت کمک‌های مالی بیش از اندازه در این زمینه، موجب نارضایتی آنان می‌شد. در مازندران انجمن راه‌سازی محلی تشکیل شد تا مخارج ساخت راه‌ها را بین افراد متمول تقسیم کند، اما پس از مدتی بین آنان اختلاف افتاد و انجمن منحل شد. اختلاف نظر و کارشکنی بین افراد، عملیات انجمن راه‌سازی را مختل کرد.^(۳۹) در این گونه انجمن‌های محلی سهم عمده کمک‌های مردمی را تجار به دوش داشتند.^(۴۰) آنان به جز کمک‌های مالی محدود، با تحمیل‌های دیگری که از سوی دولت برای راه‌سازی اعمال می‌شد، مخالفت کردند. شکایت حاج حسین آقا تاجر بارفروش^(۴۱) و تجمع گروهی از تجار و کسبه در تلگراف‌خانه به خاطر تحمیل‌های مالی دولت برای راه‌سازی از این نمونه بود.^(۴۲) در شکایت حاج حسن خان از تحمیل‌هایی که برای راه‌سازی کیا کلاه به وی شده بود،

مشخص می‌شود که علت اعتراض مبلغ فراوانی بود که از وی درخواست شده بود، و گرنه پرداخت کمک‌های مالی محدود از دید وی امری پذیرفتنی بود.^(۴۳) این مساله در بیشتر مناطقی که اقداماتی در زمینه راه‌سازی صورت می‌گرفت، وجود داشت. اعتراض تجار در مورد باج راه شیراز به بوشهر، تجمع در خانه علما، تعطیلی عمومی و تحصن در تلگرافخانه و همراهی اتحادیه تجار، از نمونه واکنش‌های آن‌ها بود.^(۴۴) تجار گرفتن باج راه بدون تصویب مجلس شورای ملی را غیرقانونی نامیدند. با مذاکره هیأت اتحادیه تجار و علما با نمایندگان مجلس از مجلس شورای ملی خواسته شد تا اخذ این مالیات را تصویب نکند.^(۴۵) مجلس پنجم تصمیم به لغو باج راه گرفت و کلیه باج‌هایی که در راه‌های شوسه از اتومبیل و غیره گرفته می‌شد، ملغی گردید. در عوض برای اموالی که حمل و نقل می‌شدند، مالیات مقرر شد.^(۴۶) برای تهیه هزینه گسترش راه‌های کشور قانون جدید مالیات راه وضع شد.^(۴۷)

تجار در مواردی اعلام کردند در صورتی که مسیر راه از منطقه یا شهر مورد نظر آن‌ها نگذرد، حاضر به کمک‌های مالی نیستند. تاجر شهیرزادی اعلام می‌کند، در صورت عبور راه تهران به سمنان از طریق شهیرزاد حاضر به پرداخت کمک‌های مالی می‌باشد، ولی چون مسیر راه عوض شده است وی نیز از پرداخت پول امتناع خواهد کرد.^(۴۸) تجار و اهالی کاشان به تغییر مسیر پستی مرکز به جنوب اعتراض کرده و خواهان عبور راه مزبور از طریق کاشان شدند.^(۴۹) اهالی استرآباد و شاه‌رود نیز از وزارت فواید عامه خواستند راه مربوط به این دو منطقه را هر چه زودتر هموار و آراسته کند.^(۵۰) اهمیت راه‌سازی و بهبود حمل و نقل نه فقط برای تجار که برای اهالی شهرها نیز اهمیت داشت و آن را موجب آبادانی و رشد منطقه خود می‌دانستند.

اقدام‌های زیربنایی از این دست همواره مورد توجه بود. با اینکه اقدام‌های محدودی در زمینه راه‌سازی تا قبل از دوران پهلوی صورت گرفت، اما توسعه راه‌سازی در جهت تقویت برنامه تمرکزگرایی در دوران پهلوی وسعت بیشتری یافت. حکمرانان نظامی دولت رضاخان برای اعمال قدرت نظامی در مناطق زیر سلطه خود سعی در ترمیم و بهبود راه‌ها داشتند.^(۵۱) تسطیح و ترمیم راه‌های عمده سراسر کشور در برنامه کار وزارت فواید عامه قرار گرفت و مخارج احتمالی آن برآورد شد. در ابتدا قرار بر تعمیر و نگاهداری از راه‌های قدیمی و تأمین اعتبار برای بهبود آن‌ها بود. در مرحله دوم طرح ساختن راه‌های اصلی کشور و اختصاص بودجه برای احداث آن‌ها بود. خطوط اصلی مورد نظر از این قرار بود:^(۵۲)

- ۱ - خط مشهد - فیروزکوه - تهران - قم - عراق عجم - بروجرد - خرم‌آباد - دزفول - شوشتر - محمره که طول این خط ۱۲۱۸ کیلومتر که پانصد کیلومتر آن عرابه‌رو هست. برای این راه ۳۰۸ هزار تومان در بودجه منظور شده است.
- ۲ - خط تهران - تبریز به سرحد دولت شوروی و ترکیه که باید تکمیل شود با ۸۰ هزار

تومان اعتبار.

۳- خط تهران - قم - اصفهان - شیراز - بوشهر که ۱۱۹۱ کیلومتر از این مقدار ۷۰۶ کیلومتر عرابه‌رو هست و برای این راه ۱۲۷ هزار تومان اعتبار منظور شده.

۴- خط شیراز - جهرم - لار - بندرعباس ۴۸۰ کیلومتر که ۱۸۰ کیلومتر فعلاً عرابه‌رو هست.

۵- خط فیروزکوه - سمنان - مشهد ۷۴۶ کیلومتر که یک صد کیلومتر سال گذشته تسطیح شده و امسال [۱۳۰۵ خورشیدی] برای تکمیل آن پنجاه هزار تومان اعتبار پیش‌بینی شده است.

برای راه‌های فرعی عراق [عجم] - ملایر، ده هزار تومان و راه عراق [عجم] - خمین - دلیجان نیز پانزده هزار تومان پیش‌بینی شده است.

تعیین خطوط مزبور اتصال شمال شرقی به جنوب غربی، مرکز به غرب، جنوب و شمال شرقی را تأمین می‌کرد. راه‌های فرعی و منطقه‌ای نیز طی سال‌های بعد شهرهای خراسان، کرمان، اصفهان، شیراز، همدان و قزوین را به مناطق مجاور آنان مرتبط می‌کرد. (۵۳) خطوط اصلی توسط دولت و جاده‌های فرعی با مشارکت اهالی، تجار، ملاکین و افراد متمول ساخته می‌شد. (۵۴)

روند راه‌سازی طی سال‌های بعد نیز همچنان ادامه یافت و به دوازده هزار کیلومتر راه شوسه اتومبیل‌رو رسید. این راه‌ها شامل شانزده شاه‌راه و پانزده راه فرعی بود: راه‌های مازندران - تهران (از راه دماوند)؛ تهران - مازندران (چالوس)؛ راه کنار سواحل دریای خزر؛ تهران - مشهد؛ تهران - بوشهر و کرانه‌های خلیج فارس؛ تهران - تبریز و شهرهای عمده آذربایجان؛ تهران - خرمشهر و سایر نواحی خوزستان و راه تهران - کرمان که تمامی این راه‌های به لحاظ تجارت، اقتصاد و رفاه مردم، همچنین بسط قدرت دولت و استقرار امنیت از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بود. (۵۵)

بهبود راه‌ها و تأسیس راه‌آهن به عنوان عوامل اصلی توسعه اقتصادی در شرایطی که روابط تجاری ایران و شوروی مسدود گردیده بود، طرحی ضروری بود که در صورت وجود راه‌های مناسب، کالاهای مناطق شمالی به راحتی می‌توانست در جاهای دیگر فروش رود. لایحه تأسیس راه‌آهن از طرف حاج‌رحیم‌آقا قزوینی به دولت پیشنهاد شد. در این مورد مذاکراتی در هیأت وزرا مطرح و توافقی‌هایی صورت گرفت. (۵۶) از طرف اتحادیه تجار بوشهر، شیراز و اصفهان نیز تلگراف‌هایی در مورد مسیر راه‌آهن که می‌بایست از شیراز، اصفهان و بوشهر بگذرد به هیأت دولت مخابره شد. آنان گوشزد کردند، در صورتی که رشته اصلی راه‌آهن مناطق مزبور را در برنگیرد، تجارت و اقتصاد این مناطق نابود خواهد شد. (۵۷) تأسیس راه‌آهن از آرزوهای دیرین تجار بود که حمل و نقل کالاهای تجاری را با سرعت و زمان کوتاه‌تری ممکن می‌ساخت.

تا پیش از تأسیس راه آهن سراسری هفت خط فرعی کوتاه به شرح ذیل در ایران ساخته شده بود: (۵۸) ۱- راه آهن تهران - شاه عبدالعظیم (در سال ۱۳۰۵ قمری توسط شرکت مختلط بلژیکی و روسی). ۲- راه آهن محمودآباد - آمل (هیجده کیلومتر و توسط حاج محمدحسن امین‌الضرب). ۳- راه آهن جلفا - تبریز - شرف‌خانه (در ۱۳۳۱ قمری به طول دویست کیلومتر و توسط بانک استقراضی روسیه). ۴- راه آهنی به منظور فرستادن نیروهای نظامی از قفقاز به آذربایجان در برابر سپاهیان عثمانی که از ساحل رود ارس تا ماکو و مرز ترکیه ادامه داشت. (در جنگ بین‌الملل توسط روس‌ها ساخته شد، و در حدود صد کیلومتر آن در خاک ایران بود). ۵- راه آهن زاهدان (در جنگ بین‌الملل توسط انگلیسی‌ها ساخته شد، و به منظور رساندن سربازان هندی به کرمان و فارس که از راه هند وارد خاک ایران می‌شدند). ۶- راه آهن بوشهر - برازجان (به طول پنجاه کیلومتر به منظور مقاصد نظامی و توسط انگلیسی‌ها ساخته شد). ۷- راه آهن رشت - پيله‌بازار (توسط روس‌ها ساخته شد). همانطور که مشخص است خطوط راه آهن موجود در کشور بسیار محدود و منطقه‌ای بود. مجلس به وزارت فواید عامه اجازه ترمیم و گسترش برخی از این خطوط را داد. (۵۹)

در ۹ خرداد ۱۳۰۴ قانونی به تصویب مجلس رسید که از هر سه کیلوگرم قند و شکر و چای که به ایران وارد می‌شود یا در کشور تولید می‌گردد، دو قران مالیات برای تأسیس راه آهن گرفته شود. در ۲۰ بهمن همان سال قانون نقشه‌برداری و ساختمان راه آهن از مجلس گذشت و برای انجام آن تعدادی مهندس آمریکایی به ایران دعوت شدند و اداره راه آهن تأسیس شد. وزارت فواید عامه برای انجام امور راه آهن اعلام مناقصه کرد. (۶۰) در ۲۳ مهرماه ۱۳۰۶ نخستین کلنگ ساختمان راه آهن در ایستگاه راه آهن تهران زده شد. (۶۱) وزارت دربار ارباب کیخسرو را به سمت ناظر هیأت نظارت راه آهن برگزید. (۶۲)

ج) بانک

یکی از مسایلی که تجار با پیروزی جنبش مشروطیت توقع حل آن را داشتند، رهایی از اعمال نظر و اجحاف‌هایی بود که توسط بانک‌های خارجی بر آنان تحمیل می‌شد. بانک شاهنشاهی خدمات پولی مورد نیاز تجار را تأمین می‌کرد و ضامن اعتباری خوبی برای آنان بود. (۶۳) اما عملکرد بانک با منافع مالی صرافان و تجار در بسیاری از موارد همخوانی نداشت و آنان را به واکنش در مقابل آن برمی‌انگیخت. تجار به همکاری با بیگانگان اطمینان نداشتند و حتی امین‌الضرب طرح همکاری با خارجی‌های برای تأسیس بانک نوین دولت ایران را رد کرد و گفت: «با فرنگی نمی‌تواند کار کند». (۶۴) ریشه‌های این بدبینی و مخالفت با فعالیت بانک‌های خارجی در ایران به پیش از مشروطیت و حتی به زمان واگذاری امتیاز این بانک‌ها برمی‌گردد.

اعتراض‌های صراف‌ها و تجار ایرانی به دولت بخاطر مداخله و مختل نمودن امور پولی

و معاملات تجار قدمت بسیار داشت. صرافان اصفهانی بخاطر پرداخت مالیات دیوانی به دولت اعتراض کردند. آنان به اینکه منافع شغلی آن‌ها را بانک بدست می‌آورد و مالیات دولتی را آن‌ها باید بدهند، اعتراض داشتند. در واقع کار صراف‌ها منحصر به تبدیل پول شده بود و بسیار از آن‌ها نیز از شغل خود دست کشیده بودند.^(۶۵) بانک در ایجاد ناامنی مالی و بهره‌برداری سیاسی از آن بسیار توانا بود. پس از کودتا، بانک با اعلام اینکه برخی از شعبه‌های خود در ولایات را تعطیل خواهد کرد و انگلیسی‌های مقیم ایران نیز قصد خروج از کشور را دارند، بسیاری از صراف‌خانه‌های بزرگ را ورشکسته کرد.^(۶۶)

اسکناس‌های بانک شاهنشاهی فقط در محلی که نام آن روی آن‌ها چاپ شده بود، اعتبار داشت و حتی بانک مرکزی در تهران، اسکناس‌های مربوط به شعبه‌های دیگر را فقط در مقابل گرفتن وجه اضافی به اسکناس‌های محلی تبدیل می‌کرد. این مسئله سیر مبادلات پولی و بروات را دچار مشکل می‌ساخت. این امور موجب شد، سلسله مذاکراتی به منظور تفسیر امتیازنامه بانک انجام شود.^(۶۷) بانک می‌توانست هر روز نرخ خود را تغییر دهد. تغییر مظنه پول ایران در مقابل پول‌های خارجی و نوسان‌هایی که بانک اعمال می‌کرد آسیب‌های زیادی به معاملات تجار می‌زد. حاج عبدالرضا اصفهانی در نامه‌ای به رحیم اتحادیه از شیوه بانک ابراز نارضایتی می‌کند و عملکرد بانک را این گونه توصیف می‌کند:^(۶۸)

«با وجودی که اساس نرخ خیلی سست است برای اینکه اذیتی به تجار نکند و ضرری به آنها برساند، هر روز نرخ خود را در صورتی که نمی‌فروشد، ترقی می‌دهد که پس از معامله مظنه را به میزان خود بدهد که تجار گرفتار خسارت شوند. خداوند یک مشت ضعفا را از شر داخلی و خارجی محفوظ فرماید. گله بی‌شعور غافل است و گرگ در کمین بلکه در غارت.»

نیض معاملات تجاری و بازار در دست بانک شاهنشاهی بود و تجار آن رازنده‌ای تحمیلی و بیگانه می‌دیدند.

تجار و صرافان گاهی برای دهن‌کجی به اعمال قدرت بانک، با بکارگیری روش‌های سنتی به مبارزه منفی دست می‌زدند. صدور قبض‌های رایج در صرافی‌ها و تاجرانخانه‌ها که به جای استفاده از اسکناس‌های بانک از این قبض‌ها و برات‌های چاپی استفاده می‌شد، یکی از این موارد بود. طبیعی است این اعمال، خشم بانک را برمی‌انگیخت. بانک با این ادعا که قبض‌ها بسیار شبیه اسکناس بانک بوده از دولت خواست از انتشار آنان در بین اهل بازار جلوگیری کند. آنان این عمل را مخالف «کنترات بانک شاهنشاهی» دانستند و از طریق حکومت به صاحبان این گونه قبض‌ها اخطار دادند.^(۶۹) از نظمی کرمان گزارشی داده شد که چند تن از تجار رفسنجانی و یزدی شرکتی به نام «شرکت اقتصاد رفسنجان»^(۷۰) تشکیل داده‌اند و مقداری چک به صورت یک تومانی، دو تومانی، پنج تومانی و ده تومانی به اسم آن شرکت منتشر نموده‌اند که در معاملات، رایج شده و حتی کسبه بدون کسر از چک‌ها در معامله استفاده می‌کردند ولی از اسکناس‌های بانک شاهنشاهی تومانی دوپست دینار کسر

می‌شود.^(۷۱) در توضیح استقبال عمومی از این چک‌ها گفته شد اشکال‌هایی که در سکه‌های معیوب و شکسته نقره بوجود آمده بود، موجب انتشار این چک‌ها در بین مردم شد و اعتماد آن‌ها را برانگیخت. از وزارت فواید عامه خواسته شد، شرکت را به رعایت قانون تجارت دعوت کند. بانک شاهنشاهی نیز طی اعلانی از تمامی صراف‌ها و مردم خواست سکه‌های معیوب و ناقص را به بانک برده و پس از کسر مبلغی با سکه‌های بی‌عیب مبادله کنند و این عمل بطور مرتب و هر چند سال یک بار انجام شد. بانک تأکید داشت پول رایج بانک در دست اهالی باشد و در غیر این صورت «مسئولیت شدیدی برای آن‌ها» ایجاد خواهد شد.^(۷۲) دولت نیز برای تقویت اقتدار دولت مرکزی سعی کرد از رواج هر نوع حواله و برات به غیر از پول رایج جلوگیری کند.^(۷۳) تجار در مقابل سخت‌گیری‌های حکومت اعتراض کردند و اعلام نمودند صدور قبض شرکت‌ها به هیچ وجه به حق انحصاری نشر اسکناس از سوی بانک شاهنشاهی مرتبط نبوده و خواهان رفع مزاحمت حکام شدند که «همواره برای جلب منافع غیرحقه... بهانه می‌کردند»^(۷۴) و «اسباب خسارت» تجار را فراهم می‌نمودند.^(۷۵)

با پایان جنگ جهانی اول و سقوط حکومت تزاری، دولت انقلابی روسیه طی معاهده‌ای عملکرد پیشین دولت روسیه را غیرقانونی خواند و بانک استقراضی روس را در ۲۲ جمادی‌الثانی ۱۳۳۹/۲ مارس ۱۹۲۷ به ملت ایران واگذار کرد.^(۷۶) بانک استقراضی در طی حیات خود با فعالیت‌های مالی بانک شاهنشاهی به رقابت می‌پرداخت و با واگذاری وام‌هایی به افراد صاحب نفوذ و برخی تجار وابسته به تجارتخانه‌های روسی در امور اقتصادی و سیاسی ایران مداخله می‌کرد. به این ترتیب فعالیت بانک رابطه مستقیمی با میزان افزایش نفوذ دولت روسیه در ایران یافته بود. بانک استقراضی پس از واگذاری به ملت و دولت ایران، بانک ایران نامیده شد. پس از انتقال بانک به دولت ایران، دولت سعی در وصول طلب‌های بانک کرد و این امر اختلاف‌های مالی و دعوی بسیاری را موجب شد که تا مدت‌ها ادامه یافت. از جمله دعوی ناظم‌التجار و امین‌الضرب با بانک ایران که به توقیف برخی املاک و دارایی‌های امین‌الضرب در کرمان منجر شد.^(۷۷)

با خارج شدن بانک استقراضی از صحنه رقابت مالی کشور، بانک شاهنشاهی تنها قدرت پولی کشور محسوب می‌شد. بانک که طی دوران جنگ بین‌الملل به عنوان پایه اصلی سیاست دولت بریتانیا در ایران عمل کرده بود و برای تأمین نیازهای نظامی و سیاسی بریتانیا کمک‌های مالی بسیاری کرده بود، در دوران پس از جنگ نیز از بین هویت‌های دوگانه انگلیسی و ایرانی خود، هویت انگلیسی را برگزید و به انجام خواست‌های مالی دولت بریتانیا ادامه داد.

در رمضان ۱۳۳۸/مه ۱۹۲۰ که نیروهای انقلابی روسیه در پی تعقیب قوای روس‌های سفید وارد انزلی شدند و بحرانی که در پی جنبش جنگل مناطق شمالی کشور را دربرگرفت

شعبه‌های رشت، مشهد و تبریز بانک شاهنشاهی تعطیل شد. پس از کودتای ۱۲۹۹/۱۹۲۱ جمیز مک‌مری، ریاست بانک شاهنشاهی در ایران از سیاست استقرار نظم و دولت مرکزی قوی پشتیبانی کرد، چراکه چنین سیاستی به نفع داد و ستدهای بانک بود. در این مرحله اختلاف‌نظرهایی مابین وزارت خارجه بریتانیا و هیأت مدیره بانک بوجود آمد. بانک برای حمایت از رضاخان مبلغ پنج میلیون قران در ازای درآمد گمرکات به عنوان مساعده به رضاخان پرداخت که وزارت خارجه انگلستان با پرداخت این پول مخالفت کرد.^(۷۸) وزارت خارجه انگلستان سعی داشت با تصویب قرارداد ۱۳۳۸/۱۹۱۹ نفوذ خود در ایران را استحکام بخشد و موضع بانک را موجب تضعیف این سیاست می‌دانست ولی بانک معتقد بود کمک‌های مالی به دولت ایران، آن را از مداخله دولت‌های دیگر از جمله آمریکا بی‌نیاز می‌سازد و نفوذ انگلستان، از این طریق حفظ خواهد شد.

با اینحال در سال‌هایی که رضاخان سمت وزارت جنگ را به عهده داشت از ناتوانی بانک در پرداخت وام‌های مورد نیاز خود ابراز نارضایتی می‌کرد، چراکه وی اغلب اوقات در پرداخت حقوق سربازانش با مشکل مواجه می‌شد. رضاخان به شدت بانک را تهدید کرد و گفت که آن را به عنوان بانکی دولتی نمی‌شناسد بلکه صرفاً یک موسسه تجارتي عادی به حساب می‌آورد.^(۷۹)

در دوران ریاست وزرایی رضاخان همچنان اختلاف‌نظرهایی مابین وزارت امورخارجه بریتانیا و ریاست بانک شاهنشاهی وجود داشت. بانک شاهنشاهی از تقویت دولت رضاخانی حمایت می‌کرد، در حالیکه وزارت خارجه این کشور اختلاف‌نظرهای عملی با آن داشت که البته در مواردی بانک را به تبعیت از سیاست‌های خود وامی‌داشت. رضاخان امور مالی وزارت جنگ را به بانک شاهنشاهی سپرد و روابط دوستانه‌ای با مک‌مری ریاست بانک داشت. بانک در مراسم تاجگذاری رضاخان با برگزاری جشن و میهمانی‌های بسیار روابط نزدیک و دوستانه خود با رضاخان را نشان داد. روابط بانک با هیأت آمریکایی به ریاست میلیسپو که برای انجام اصلاحات اساسی در امور مالی به ایران آمده بود، در ابتدا دوستانه بود و دریافت عواید گمرکی از طریق بانک اعمال می‌شد. بانک کمک‌های بسیاری برای خرید غلات به دولت ایران کرد. علاوه بر این مبالغی نیز به صورت لیره در ازای حق سهم دولت ایران از عواید نفت پرداخت.^(۸۰) بانک شاهنشاهی به عنوان اقدامی دوستانه برای کمک به دولت ایران نرخ بهره هفت و بعد شش درصد را حفظ کرد. به دلیل مخالفت میلیسپو با گرفتن وامی از انگلستان رابطه هیأت آمریکایی و بانک شاهنشاهی تیره شد. میلیسپو در مورد چگونگی پرداخت حق امتیاز بانک به دولت ایران، بانک را تحت فشار قرار داد.^(۸۱) تیرگی روابط میلیسپو و بانک در آخرین ماه‌های مأموریت وی در ایران موجب شد، فکر تأسیس بانک ملی که پیش از این نیز از سوی روشنفکران، تجار و دیگر آحاد کشور مطرح شده بود، مجدداً امکان بروز یابد.

همچون اوایل جنبش مشروطیت، در روزنامه‌ها مقاله‌هایی در ضرورت استقلال عملیات بانکی و انتقاد از سیطره بانک شاهنشاهی بر اقتصاد ایران نوشته شد و ضرورت لغو امتیاز بانک که بر تجارت و اقتصاد ایران چنبره زده گوشزد شد. قدرت بانک آن گونه ترسیم شد که در عرض چند روز قادر خواهد بود تمامی تجارت معتبر را ورشکست نماید. گفته شد که تجارت‌خانه‌های خسرو شاه جهان و جمشیدیان به خواست بانک از میان رفتند. همچنین از تجار خواسته شد که با جدیت ایستادگی نمایند و لغو امتیازنامه بانک را از دولت بخواهند.^(۸۲) این مقاله‌ها به نیرنگ‌های بانک در بی‌ارزش کردن پول ایران و سودرسانی به دولت بریتانیا اشاره داشت. همچنین به محل سرمایه بانک که در لندن بود، اعتراض کردند.^(۸۳) تصمیم دولت مبنی بر تأسیس بانک عمومی با سرمایه بیست میلیون از سرمایه و جوه نقدینه راه آهن و فروش جواهرات سلطنتی و برخی خالصه‌ها مورد نقد و بررسی قرار گرفت و تأکید شد تا زمانی که امتیازنامه بانک در نشر اسکناس لغو نگردد، تأسیس هر گونه بانک ملی با شکست مواجه خواهد شد.^(۸۴)

در اوایل سلطنت رضاشاه، دولت مستوفی‌الممالک لایحه تأسیس بانک ملی را به مجلس ارائه داد و در ۲۴ شوال ۱۳۴۵/۲۷ آوریل ۱۹۲۷ به تصویب رسید. با اجازه مجلس هیأتی از متخصصان آلمانی برای اداره بانک استخدام شدند. بانک ملی در شهریور ۱۳۰۷ خورشیدی با مدیریت دکتر لیدن بلات آغاز به کار کرد.^(۸۵) اساس‌نامه بانک ملی آن را به صورت شرکت سهامی معرفی کرد و مرکز آن در تهران تعیین شد که می‌توانست شعبه‌هایی در داخل و خارج کشور داشته باشد. میزان سرمایه بانک دو میلیون تومان در نظر گرفته شد.^(۸۶) دولت پرداخت تمام سهام بانک را متعهد شد. بانک ملی وظیفه خود را تسهیل و سایل توسعه تجارت و فلاح و صنعت دانست.^(۸۷) بانک طی مدت سه سال، نیمی از سپرده‌های داخلی را جذب نمود و به افتتاح شعبه‌های جدید پرداخت.^(۸۸) در خرداد ۱۳۰۹ خورشیدی نیز حق چاپ اسکناس از بانک شاهنشاهی گرفته و به بانک ملی واگذار شد و در نوروز همان سال واحد پول ایران بر اساس طلا تعیین گردید و قران قاجاری جمع‌آوری و بجای آن ریال متداول شد. پهلوی و نیم‌پهلوی طلا و پول‌های نقره، پنج، دو، یک و نیم ریالی از طرف بانک ملی ایران رایج شد.^(۸۹)

از تصویب تأسیس بانک ملی در سال ۱۳۰۶ تا ۱۳۲۰ خورشیدی، ارائه و تصویب قوانین مربوط به فعالیت‌های بانکی در مجلس شورای ملی ادامه داشت و توانست به تدریج زمینه کوتاه شدن دست بانک‌های اروپایی در اقتصاد کشور را فراهم نماید. مدت بسیاری نیز طول کشید تا حضور بانک شاهنشاهی در فعالیت‌های اقتصادی کشور از میان رفت و تا سال‌های بعد همچنان اختلاف‌های مالی اشخاص و از جمله تجار با این بانک وجود داشت.^(۹۰) تأسیس بانک ملی از آرزوهای دیرین تجار در استقلال و بدست گرفتن قدرت مالی کشور بود که توانست با حذف تدریجی بانک شاهنشاهی از صحنه اقتصادی کشور

تأحدودی بدست آید. اما بانک ملی به رغم آنکه شرکتی سهامی بود به موسسه‌ای دولتی تبدیل شد که دنباله‌روی سیاست‌های مالی دولت بود. بر خلاف طرح بانک ملی در سال‌های نخست پس از جنبش مشروطیت، بانک به صورت اهرمی قوی در دست طبقه تجار قرار نگرفت و هویتی مستقل از دولت نیافت، بلکه بخشی از تشکیلات دولتی شد و از آنجایی که سرمایه بانک ملی از محل عواید نفت و درآمدهای دولتی تأمین می‌شد، بطور طبیعی نتیجه رشد و تبدیل صرافی‌های سنتی به نظام جدید بانکی نبود. بانک ملی از تجربه و کارآزمودگی لازم برخوردار نبود. در نامه محمدحسن تبریزی به حاج رحیم اتحادیه به بی‌تجربگی افراد در اداره بانک ملی اشاره شده است: (۹۱)

«بانک ملی شعبه مشهد باز شده و اینکه اوضاع غریب است و هیچکس نیست که از وضع بانک مطلع شود... اگر شعبه تهران هم همین جور است که این بچه‌بازی است. حیف و صد حیف در مقابل بانک شاهی این بانک هم بانک ملی ایران و هم بانک دولت ایران.»

وی در نامه دیگری از سفر رئیس بانک به تهران و دستگیری دو نفر از افراد بانک در نظمیة صحبت می‌کند و اینگونه بانک‌ها را بی‌فایده می‌داند. (۹۲) تاجر مشهدی از بانک ملی با بیم و امید و با نگاهی منتقدانه و با بی‌اعتمادی سخن می‌گوید. اما از سوی دیگر تجار و دلال‌های بارفروش از روی امید از دولت می‌خواهند شعبه‌ای از بانک ملی در آن منطقه تأسیس کند. آنان تأسیس شعبه بانک ملی را اسلحه‌ای در مقابل بانک‌های خارجی برای مبارزه با ملل دیگر توصیف کردند. (۹۳) در هر حال تأسیس بانک ملی به رغم کاستی‌ها قدمی مثبت در تحقق یکی دیگر از خواست‌های تجار بود.

د) قانون‌مداری

قانون و قانون‌گرایی شعار اصلی جنبش مشروطیت بود. مشروطه‌خواهان و به ویژه تجار در پی استقرار نهادهای مدرن مبتنی بر ضوابط مشخص، قانونمند و به دور از اعمال زور صاحبان قدرت بودند. آنان بی‌نظمی و آشفتگی در امور را برنمی‌تافتند. تجار در آغاز استقرار نهادهای مدرن مبتنی بر قانون و مردم‌سالاری را در جنبش مشروطیت دنبال کردند، اما این تجربه برای آنان چندان موفقیت‌آمیز نبود. همانطور که پیش‌تر گفته شد تندروری انجمن‌ها از یک سو و کارشکنی‌های دربار از سوی دیگر که سرانجام به رویارویی مسلحانه انجامید، امید تجار به استقرار نهادهای مدرن همراه با مردم‌سالاری را از میان برد. در این میان و پس از آنچه که از انقلاب مشروطیت تا کودتای ۱۲۹۹/۱۹۲۱ تجربه کرده بودند، تجار مردم‌سالاری را عملاً تحقق‌ناپذیر یافتند و در پی آنچه رضاخان در تأمین امنیت و انجام برخی اصلاحات در تحقق نهادهای مدرن به عمل آورد، به او همچون یک ناجی نگر بستند و به وی روی آوردند. تجار که پاسخ‌های مورد قبول و نشانه‌های روشنی از همدلی رضاخان در این زمینه دریافت کرده بودند، به سوی حاکمیت جدید گرایش یافتند.

پس از جنگ جهانی، حاکمیت جدید در سامان دادن به امور کوشید. دولت برای آگاهی از اوضاع ایالت‌های کشور به خصوص مناطق شمالی که درگیر اغتشاش و آشفتگی بودند، خواهان ارسال گزارش‌های ماهیانه حکومتی شد. این گزارش‌ها مشتمل بر اطلاعات نظامی، سیاسی، داخلی، اداری، تجاری و صنعتی بود. تمامی موارد قابل توجه و تغییراتی که در حوزه‌های مذکور صورت گرفته بود به مرکز فرستاده می‌شد تا بر اساس آگاهی‌های بدست آمده تصمیم‌های لازم اتخاذ شود.^(۹۴) از آنجایی که اولین قدم برای برنامه‌ریزی و نظام‌مند کردن امور، داشتن اطلاعات صحیح و دقیق بود، دولت رضاخان از وزارت فواید عامه خواست فهرست دقیقی از اسامی تجار معتبر، میزان سرمایه و حوزه فعالیت آن‌ها به منظور معرفی به تجارتخانه‌های خارجی تنظیم و ارسال نماید. وزارت فواید عامه نیز از وزارت مالیه می‌خواهد فهرست مشخص و معتبری از تجار تهیه نماید.^(۹۵) تا از این طریق بتوانند آگاهی‌های لازم را برای ارتباط با تجار خارجی فراهم نمایند و به رونق تجارتی دست یابند. وزارت مالیه با تمام تلاشی که انجام داد موفق نشد چنین اطلاعاتی تهیه نماید.^(۹۶) تجار به دلیل نگرانی از مشخص شدن سرمایه و پرداخت مالیات احتمالی حاضر به همکاری نشدند. آنان وخامت اوضاع تجارتی را بهانه کرده، از دادن این گونه اطلاعات سرباز زدند. وزارت مالیه برای کسب این آگاهی‌ها مجبور شد به هیأت اتحادیه تجار و تجار معتبر مراجعه کند ولی این کار نیز فایده‌ای نبخشید.^(۹۷)

تجار از دوران جنبش مشروطیت خواهان حمایت‌های دولتی در مقابل هجوم سرمایه‌های بیگانه بودند. دولت رضاخان با اعلام حمایت از کالاهای وطنی و ارائه قوانین حمایتی به این نیاز دیرین تجار پاسخ داد، علاوه بر این، با اعمال سیاست‌های مالی، گمرکی و تبلیغاتی سعی کرد نیاز تجار را به داشتن بستری قانونی برای پیشبرد تجارت برآورده کند. نمایشگاه‌هایی برای ترویج کالاهای وطنی و به منظور حمایت از این کالاهادر تهران و شهرهای عمده کشور و نیز در کشورهای خارجی برگزار شد.^(۹۸) روزنامه‌ها به تبلیغ از پارچه‌های ساخت کارخانه‌های ایرانی پرداختند و بزرگترین برتری آن‌ها را «وطنی بودن این پارچه‌ها دانستند».^(۹۹) وزیر جنگ سردار سپه به کلیه نظامیان دستور داد که از «منسوجات وطنی» استفاده کنند.^(۱۰۰) مسأله حمایت از پارچه‌های وطنی در سال‌های سلطنت رضاشاه نیز دنبال شد و با تصویب «قانون البسه وطنی»، همه مستخدمان دولت موظف به استفاده از پارچه‌های وطنی شدند و بر طبق قانون متخلفان به پرداخت جریمه‌ای معادل با یک صدم حقوق می‌شدند. گروهی از بازرسان محلی مسئول رسیدگی به اجرای این قانون بودند.^(۱۰۱)

در حدود دویست تن از تجار در تجمعی در صحن بهارستان به دیدار رییس مجلس رفتند و خواست‌های خود را مطرح ساختند، یکی از این موارد در مورد لایحه منع ورود اشیای تجملی بود. مقصود از این لایحه، دخالت دولت در واردات کالا با وضع عوارض گمرکی جدید برای جلوگیری از ورود اشیای لوکس بود.^(۱۰۲) وزارت فواید عامه برای تشخیص

کالاهای تجملی، کمیسیون تحقیقی تشکیل داد. لوازم آرایش، عطر، اسباب‌بازی و چند نوع کالای دیگر به عنوان کالاهای تجملی تعیین شد. اتحادیه تجار همدان به تشخیص کمیسیون اعتراض کرد و خواهان تعیین انواع منسوجات، مصنوعات و موادی که خود ایرانی‌ها قادر به تهیه آن در داخل بودند، به عنوان کالاهای تجملی گردید. آنان پیشنهاد منع ورود کالاهایی همچون قند، شکر، چای، پارچه‌های نخی و پشمی را مطرح ساختند.^(۱۰۳) در همین راستا دولت یکی از سیاست‌های اقتصادی خود را حمایت از صنایع داخلی عنوان کرد. حاج محمدحسین کازرونی طی نامه‌ای به رضاشاه خواهان «مساعدت مادی و معنوی» دولت می‌شود تا وی بتواند کارخانه نساجی خود را توسعه داده و «وضعیت کارخانه را اصلاح» نماید. وی ابراز می‌کند در صورت عدم حمایت دولت و با توجه به بدهی‌های کارخانه به دولت، وی مجبور می‌شود کارخانه را تعطیل کند. در حاشیه نامه وی دستور کمک‌های دولتی به وزارت دربار و مالیه داده شد.^(۱۰۴)

تقویت صنایع داخلی با افزایش عوارض گمرکی بر واردات و ممنوعیت ورود کالاهای تجملی از سیاست‌های دولت بود.^(۱۰۵) در روزنامه‌ها مقاله‌های مفصلی در تحلیل این مسأله انتشار یافت و گفته شد که صرف استقلال گمرکی به توسعه کالاهای وطنی نخواهد انجامید. چرا که برخی از این کالاها معادلی در کشور ندارند. همچنین تغییر فضای زندگی ایرانیان از شکل سنتی به شیوه‌های مدرن، هر روز بر خیل مصرف‌کنندگان اجناس اروپایی افزوده و «هیچ قوه‌ای هم قادر به جلوگیری نبوده و نخواهد بود». بسیاری از کالاها همچون داروها، لباس‌های به سبک اروپایی و اجناس زینتی و تجملی، معادلی در داخل کشور برای جایگزینی ندارند. ممنوعیت یا افزایش حقوق گمرکی به عدم استعمال آنها منجر نخواهد شد، تنها به افزایش قیمت و قاچاق این نوع کالاها خواهد انجامید. پیشنهاد افزایش صادرات با قانون توازن صادرات و واردات داده شد.^(۱۰۶) همچنین به گرفتن عوارض گمرکی برای کالاهای صادراتی کشور انتقاد شد و پیشنهاد شد عوارض گمرکی به گونه‌ای تنظیم شود که به افزایش صادرات و رونق کالاهای داخلی کشور منجر شود.^(۱۰۷)

اداره گمرک و قوانین حاکم بر آن از مسایل مورد توجه تجار در تمامی این سال‌ها بود. از زمینه‌های اعلام نارضایتی تجار در جنبش مشروطیت، اعتراض آن‌ها به شیوه عملکرد امور گمرکی کشور بود. حقوق گمرکی از مواردی بود که دولت با دخالت در آن می‌توانست واردات و صادرات کشور را تحت کنترل درآورد. تجارت ایران و شوروی و ممنوعیت‌های گمرکی نیز از مسایل مهم گمرکی در این سال‌ها بود.^(۱۰۸) برای حل بحران تجارتی شمال، جلسه‌ای با حضور تجار معتبر از جمله امین‌الضرب و معین‌التجار برگزار شد تا ترتیب جدیدی برای صدور کالاهای ایران مقرر گردد. پیشنهاد برگزاری کمیسیون تجارت با حضور تجار مطرح شد تا راه‌حل عملی برای حفظ منافع تجار اتخاذ شود. میزان خسارت وارده به تجار به دلیل منع صدور و تنزل منات مورد بررسی قرار گرفت و مواردی طرح و پیشنهاد

شد.^(۱۰۹) تفاوت این دوره با پیش از جنبش مشروطیت در امکان حضور و ابراز نظر تجار در امور گمرکی بود. آنان قادر به مداخله در امور و ابراز طرح و پیشنهادهای عملی بودند. با مشارکت و رایزنی تجار برای حل مسایل تجارتنی، شورای اقتصادی تجار تشکیل شد تا نظرها و پیشنهادهای خود برای بهبود شرایط را مطرح کند.^(۱۱۰) با استخدام هیأت آمریکایی مسأله اصلاحات گمرکی به صورت منظم تری دنبال شد. میلسپو طی مصاحبه‌ای اعلام کرد، تلاش خود را در جهت افزایش صادرات از طریق بهبود راه‌ها و صدور کالاهایی چون قالی، پنبه، تنباکو، برنج، ابریشم، حبوبات و سایر مواد خام پیگیری خواهد کرد. وی کاهش ورود اجناس خارجی و تهیه برخی از آن کالاهای همچون قند را که امکان تولید آن در داخل وجود دارد، از دیگر اهداف خود خواند. میلسپو همچنین تأسیس بانک، تأمین قضایی و امنیت را از دیگر مواردی دانست که به سرمایه‌داران اطمینان فعالیت می‌دهد و به رونق اقتصادی کشور می‌انجامد.^(۱۱۱) بدنبال فعالیت تجار، تحلیل و بررسی‌های روزنامه‌ها و همراهی دولتمردان در مجلس بحث تعرفه جدید گمرکی مطرح شد. تدوین قانون جدید گمرکی مبتنی بر توازن صادرات و واردات می‌توانست نظارت مثبت دولت در جهت حمایت از تجار را در مقابل هجوم کالاهای خارجی پاسخگو باشد. روزنامه‌ها نیز دولت را به حفظ استقلال گمرکی، توازن صادرات و واردات با افزودن عواید گمرک واردات و حذف آن از صادرات ترغیب کردند.^(۱۱۲)

مسأله دیگری که برای تجار بسیار با اهمیت بود و یکی از دلایل مشروطه‌گرایی آنان محسوب می‌شد، استقرار امنیت قضایی و از بین بردن رشوه‌خواری و فساد در امور قضایی بود. از بین بردن احکام ناسخ و منسوخ و استقرار قوانینی مشخص و معین از خواست‌های دیگر تجار در جنبش مشروطیت بود که رضاخان به آن پاسخ مثبت داد. روزنامه‌ها به لزوم استقلال قوه قضاییه پرداختند. آنان به لزوم وجود مرجعی قانونی اشاره کردند که حتی شخص شاه، وزیر و امیر لشکر نیز مجاز به دخالت در امور قضایی نباشند. از عواملی که به زعم روزنامه‌ها «چرخ اقتصاد مملکت را فلج ساخته»، عدم اعتماد به دستگاه قضایی بود.^(۱۱۳) تأثیر فساد قضایی کاملاً در امور تجارتنی مشخص بود. تجار ثروت خود را پنهان می‌کردند و به دلیل عدم امنیت مالی و جانی مجبور به مهاجرت و ترک تابعیت خود می‌شدند. برای بهره‌گیری از سرمایه‌های تجار نیاز به تهیه قوانینی بود که امنیت مالی، شغلی و جانی افراد را حفظ کند و راه دستیابی به آن، توسعه محاکم عدلیه در تمام شهرها بود.^(۱۱۴)

در اواخر سال ۱۳۰۵ خورشیدی عدلیه قدیم منحل و در ۱۶ اردیبهشت ۱۳۰۶ خورشیدی دادگستری با اصول جدیدی تشکیل شد. تجار در ملاقات با نمایندگان مجلس از اقدام‌های اصلاحی علی‌اکبر داور در عدلیه ابراز خوشحالی کردند و تأثیر آن در امور اقتصادی و تجاری را قطعی دانستند.^(۱۱۵) پس از تصویب قانون تجارت در مجلس، قانون محاکم

تجارتی و بروات پستی به حکام ایالات ابلاغ شد.^(۱۱۶) قانون تجارت مشتمل بر سه قسمت از طرف وزارت عدلیه به مجلس شورای ملی تقدیم شد. پس از تصویب کمیسیون به وزارت عدلیه و از آنجا به محکمه تجارت تهران ابلاغ شد که تجار را موظف به اجرای آن نمایند.^(۱۱۷)

در این سال‌ها چیزی که بطور مشخص در نامه‌ها و شکایت‌ها به چشم می‌خورد اشاره به قانون و لزوم اجرا و پرداختن به آن بود. گوشزدهای قانونی، ویژگی‌ای بود که بخصوص تمایزی در مکاتبه‌های معمول این سال‌ها نسبت به دوران گذشته ایجاد می‌کرد. اختلاف‌های مالی تجار اگر به توافق نمی‌رسید به عدلیه و محکمه تجارت ارجاع می‌شد و مطابق قوانین جدید رسیدگی می‌گردید.^(۱۱۸) اعمال نفوذ حکام و صاحبان قدرت با وجود دولت مرکزی قوی و قوانین مشخص تا حدود زیادی کاهش می‌یافت. در دولت رضاخان اختلافی مابین رئیس نظمیه شیراز و فریدون زردشتی بر سر اجاره‌خانه وی بروز کرد. از طرف وزارت داخله به رئیس نظمیه اخطار شد، «هرگاه رفتار خود را تحویل و به وظیفه خود عمل نکند مسئول و مورد مؤاخذه قرار خواهد گرفت».^(۱۱۹) این گونه ویژگی‌های حکومت مرکزی برای تجار بسیار ایده‌آل و لذت‌بخش بود و جاذبیت‌های بسیاری ایجاد می‌کرد.

قانون کاپیتولاسیون که در محاکمه‌های تجاری و اختلاف‌های مالی تجار ایرانی و تجار دیگر کشورها مسایل بسیاری برای آن‌ها ایجاد می‌کرد، لغو شد و موجی از خوشحالی در بین تجار برانگیخت. تجار ایرانی مقیم استانبول طی تلگراف‌هایی ابراز خوشحالی کردند.^(۱۲۰) قوانین دیگری نیز به تصویب رسید که به استقرار شرایط مورد نیاز تجار پاسخ‌های لازم را داد. قانون علامت‌های صنعتی و تجارتنی، قانون دفاتر اسناد رسمی، قانون مجازات قطاع‌الطریق، قانون تجارت، قانون اوزان و مقیاس‌ها،^(۱۲۱) که از مدت‌ها پیش تجار خواهان تصویب آن بودند و قانون اصول محاکمات حقوقی و تجاری که هر یک به نوبه خود در استقرار قوانین لازمه تجارت و فضای امن مورد نیاز تجار می‌توانست مؤثر باشد.^(۱۲۲)

۵-۱ مجلس چهارم و پنجم

مجلس چهارم و پنجم از مهم‌ترین دوره‌های قانونگذاری مجلس بود که زمینه‌های قانونی تغییر و تحول سیاسی در کشور را فراهم کرد. با تغییراتی که در نظام‌نامه انتخابات صورت گرفت،^(۱۲۳) از مجلس دوم به بعد تعداد نمایندگانی که در زمره تجار بودند، به شدت کاهش یافت و در مقابل بر تعداد مالکان افزوده شد. تعداد نمایندگان تاجر^(۱۲۴) در مجلس چهارم نه درصد و در مجلس پنجم به چهار درصد کاهش یافت. در مقابل، نمایندگان مالک به ترتیب چهل و پنج و چهل و نه درصد از اعضای این دو دوره را دربر می‌گرفتند.^(۱۲۵) در این دوران به دلیل شکل‌گیری احزاب تا حدود زیادی نقش افراد در تصمیم‌های مجلس کاهش یافت و در مقابل به نقش تشکلهای حزبی افزوده شد و جناح‌بندی‌های سیاسی در مجلس صورت

متکامل تری یافت.

مجلس چهارم در ۱۵ شوال ۱۳۳۹/۲۲ ژوئن ۱۹۲۱ گشایش یافت. گرایش‌های سیاسی نمایندگان دوره چهارم مجلس را در قالب چند دسته‌بندی عمده می‌توان طبقه‌بندی کرد: اصلاح‌طلبان محافظه‌کار، اصلاح‌طلبان حزب تجدد، سوسیالیست‌ها، بیطرف‌ها و منفردین. اصلاح‌طلبان محافظه‌کار که اکثریت مجلس را بدست داشتند، دنباله همان اعتدالیون پیشین بودند. در این گروه روحانیون، تجار و اشراف زمیندار حضور داشتند که تغییرات تند و آنی را نمی‌پسندیدند. از افراد این گروه می‌توان از مدرس، نصرت‌الدوله فیروز، احمد قوام‌السلطنه از زمینداران بزرگ گیلان، سهام‌السلطنه از زمینداران بزرگ، سیدمهدی فاطمی از زمینداران ثروتمند اصفهان و علی‌کازرونی صدراالاسلام از تجار بزرگ بو شهر را نام برد.^(۱۲۶)

حزب تجدد بیشتر از تحصیل‌کردگان غرب تشکیل می‌شد که در رهبری آنها از دموکرات‌های پیشین حضور داشتند و اکنون به این نظریه رسیده بودند که اصلاحات متکی بر توده‌های مردم با موفقیت همراه نبوده و باید به نخبگان قدرت تکیه کرد. از افراد برجسته این گروه می‌توان از علی‌اکبر داور، عبدالحسین تیمورتاش و سیدمحمد تدین، ارباب کیخسرو شاهرخ و حکیم‌الملک نام برد. برنامه این گروه ایجاد ارتش منظم، بوروکراسی کارآمد، تقویت صنایع و کالاهای داخلی، اسکان عشایر و تقویت کشاورزی، وضع قانون مالیات بردرآمد تصاعدی، گسترش آموزش همگانی و جدایی دین از سیاست اعلام شد.^(۱۲۷)

سوسیالیست‌ها توسط دموکرات‌های پیشین که هنوز اصلاحات را از طریق طبقات متوسط و پایین دنبال می‌کردند، سازمان یافته بود. از این افراد می‌توان از سلیمان اسکندری، مساوات و قاسم‌خان صور و محمدصادق طباطبایی نام برد. برنامه این گروه حول تقویت حکومت مرکزی، برقراری انجمن‌های ایالتی، ملی کردن ابزار تولید، برقراری عدالت در جامعه، آزادی بیان، اندیشه، اجتماع و مطبوعات، تشکیل اتحادیه‌ها، آموزش اجباری، ممنوعیت کار کودکان و هشت ساعت کار روزانه و رفع بیکاری بود.^(۱۲۸) ترکیب این گرایش‌ها به صورت دوفراکسیون اکثریت به نام اصلاح‌طلب و اقلیت به نام سوسیالیست‌ها بود.

دولت قوام توانست در مجلس چهارم با اکثریت آراء رای اعتماد بدست آورد. وی بدنبال اجرای سیاست جدیدی بود و قصد داشت دولت قدرتمند دیگری به میدان آورد تا در مقابل دو قدرت قدیمی و مدعی در ایران از حضور نیروی سوم بهره‌گیرد. از این رو، لایحه امتیاز نفت شمال را به مجلس پیشنهاد داد. بر اساس این امتیاز، استخراج نفت مناطق شمالی شامل شهرهای آذربایجان، استرآباد، مازندران، گیلان و خراسان به شرکت آمریکایی استاندارد اوایل واگذار شد.^(۱۲۹) تصویب این قرارداد به رونق اقتصادی مناطق شمالی کشور که در این زمان در بحران به سر می‌برد، کمک می‌کرد و برای بسیاری از اهالی این مناطق

تولید کار می‌کرد، همین‌طور به سلطه انحصارگرای نفتی انگلستان در کشور خاتمه می‌داد. به همین دلیل گروه‌های مختلف اجتماعی بخصوص تجار و اصناف از تصویب این قرارداد ابراز خوشحالی کردند و تلگراف‌های تشکر و تبریک به دولت مخابره شد. این تلگراف‌ها از سوی اتحادیه تجار و اتحادیه اصناف شهرهای اصفهان، مشهد، عراق عجم، شاهرود، استرآباد، شیراز، قزوین، کاشان، کرمان، ساری، سبزوار، تبریز، زنجان، بروجرد، بجنورد، اردبیل، رشت، کردستان، مشهدسر، ملایر، اشرف و شوشتر مخابره شد.^(۱۳۰) تجار نماینده مجلس نیز از تصویب این قرارداد پشتیبانی کردند. کازرونی ابراز امیدواری کرد که با این قرارداد بسیاری از خرابی‌های کشور برطرف شود.^(۱۳۱) وی در عین حال از عملکرد ویران‌گرانه کمپانی نفت جنوب انتقاد کرد و به این نکته اشاره کرد که عواید نفت جنوب به سمت ملت ایران باز نمی‌گردد و در آبادانی کشور به کار نمی‌رود، به همین دلیل از نمایندگان خواست در جزییات انعقاد قرارداد دقت کامل کنند تا ملت به بهترین شکل از عواید نفت شمال بهره‌مند شود.^(۱۳۲) ارباب کیخسرو نیز تأخیر مجلس در بررسی امتیاز نفت شمال را جایز ندانست.^(۱۳۳)

رضاخان سعی کرد خود را به اکثریت اصلاح طلب مجلس چهارم نزدیک کند. نمایندگان نیز با افزایش بودجه وزارت جنگ و حفظ رضاخان در مقام این وزارتخانه امکان سرکوب قیام‌ها و شورش‌های پراکنده در سراسر کشور را فراهم کردند. بخشی از این بودجه از طریق عواید زمین‌های دولتی و مالیات‌های غیرمستقیم تهیه می‌شد.^(۱۳۴) با آنکه امنیت از خواست‌های اصلی تجار بود ولی تأمین امنیت، هزینه‌هایی مالی را بر دولت تحمیل می‌کرد که بخشی از آن از طریق مردم تأمین شد. در گوشه و کنار زمزمه‌هایی از سوی تجار برخاست که به فشارهای مالیاتی اعتراض کردند. از اجحاف‌های مالیاتی و اخاذی ارفع‌المالک به بهانه قشون‌کشی شکایت شد.^(۱۳۵) محمدجعفر آقا اصفهانی یکی از تجار تبریز از مالیات تعیین شده بر اجناسش به وزارت مالیه شکایت کرد و خواهان تطبیق میزان مالیات جنسی با قوانین دولت شد.^(۱۳۶) تجار دزداب از اجحاف حاکم منطقه شکایت کردند. وی مبالغی از تجار و مال‌التجاره آن‌ها به اسم «درآبیت» اخذ می‌کرد که از هر تعرفه گرفته می‌شد و به مصرف حقوق تحصیلداران و گروهی از قوای مسلح بلوچ می‌رسید.^(۱۳۷) علمای منطقه از جمله آقازاده در نامه‌ای خطاب به ریاست‌وزرا از تجار دزداب حمایت کردند.^(۱۳۸) تجار اصفهان و شیراز در تلگرافی به مجلس از پرداخت مبالغ گزافی برای باج راه و حقوق تفنگچی‌های محلی که پیش از این برای تأمین امنیت راه‌ها از تجار می‌گرفتند و همچنان باید می‌پرداختند، شکایت کردند.^(۱۳۹) در شرایط بحران تجار تی سال‌های پس از جنگ و اعمال مالیات‌های دولتی، در مواردی عرصه بر تجار تنگ می‌شد و اعتراض‌هایی اینچنین در گوشه و کنار کشور بروز می‌کرد.

مجلس چهارم و پنجم برای تجار از بهترین دوره‌های قانونگذاری محسوب می‌شد.

بسیاری از طرح‌های مربوط به امور تجارتنی از طریق نامه‌ها و تلگراف‌های تجارت به مجلس پیشنهاد می‌شد. تجار خواست‌هایشان را مطابق منافع جمعی خود به مجلس القا می‌کردند. همسویی نمایندگان اصلاح‌طلب با خواست‌های تجار امکان اعمال نفوذ آنان در مجلس را فراهم می‌کرد و مجلس در همان سمت و سو حرکت می‌کرد. اتحادیه تجارت همدان طی تلگرافی به مجلس شورای ملی از بحران اقتصادی و لزوم تعادل در صادرات و واردات کشور سخن گفت و پیشنهاد کرد برای حمایت از صنعت‌گران داخلی باید قوانینی به کمک آن‌ها بیاید. از جمله قانون منع خروج طلا و نقره و ممانعت از ورود کالاهای تجملی به کشور پیشنهاد شد.^(۱۴۰) اتحادیه تجارت کرمانشاه نیز طبق گزارش‌هایی بر لزوم جلوگیری از خروج طلا و نقره از کشور تأکید کرد.^(۱۴۱) گزارش‌ها حاکی از خروج طلا و نقره از بندر خلیج فارس و سیستان بود. طلا و نقره‌ای که خارج می‌شد برای ضرب سکه روپیه به هندوستان منتقل می‌شد.

اتحادیه تجارت تمایل به خروج هفتصد هزار تومان نقره از سوی انگلیسی‌ها را اعلام کرد و از مجلس و دولت خواست افراد متصدی این امر را دستگیر نمایند. تجار همچنین تهدید کردند در صورت عمل نکردن به خواست آن‌ها بازار را تعطیل خواهند کرد.^(۱۴۲) خروج سکه‌های طلا توسط تجار هندی، افزایش تجارت طلا و تأیید این موارد از سوی حکومت سیستان و وزارت داخله و مالیه موجب شد، قانون منع خروج سکه‌های طلا و نقره در جهت حمایت از تجار در مجلس مطرح شود و به تصویب برسد. تجار نماینده مجلس، ارباب کیخسرو، کازرونی و رئیس‌التجار در دفاع از این طرح سخن گفتند. قانون منع خروج سکه‌های طلا و نقره در ۳۰ جوزا ۱۳۰۲ با اصلاحاتی به تصویب مجلس رسید و به اداره مالیه و گمرک ابلاغ شد.^(۱۴۳)

در کمیسیون فواید عامه مجلس مذاکراتی در مورد تعیین حقوق گمرکی قالی‌های جوهری مطرح شد که موافقان و مخالفان هر یک سخنانی ایراد کردند. تلگراف‌هایی از سوی تجار و قالی‌بافان شیراز و اصفهان به مجلس مخابره شد که تقاضای لغو حقوق گمرکی جدید را بر قالی‌های جوهری مطرح می‌کرد. در این تلگراف‌ها آمده که صادرات ایران هشتاد کروور از واردات آن کسری دارد و برای حفظ تجارت از دولت خواسته است، «عموم تجار را از این تزلزل راحت فرمایند».^(۱۴۴) بدنبال طرح خواست تجار در صدور آزاد قالی از هر نوع و عدم ممنوعیت‌های گمرکی، محقق‌العلماء و ارباب کیخسرو در مجلس از این خواست دفاع کردند و استدلال نمودند در مملکتی که دارای کسر صادرات است چرا به همین صادرات محدود هم مالیات سنگین بسته شود تا رشته تجارت به کل قطع شود. آنان بستن مالیات صدی بیست به کثیرا و صدی دوازده به قالی را موجب زوال تجارت و مخالف منافع تجارتنی کشور دانستند.^(۱۴۵) تمایل برخی نمایندگان از جمله ارباب کیخسرو و کازرونی که نظر طفی از تجار را نیز نمایندگی می‌کردند، بر آزادی هر نوع صادرات و بنا هر نوع کیفیت بود.^(۱۴۶)

گروهی دیگر از تجار بر این عقیده بودند که صدور قالی‌های جوهری با کیفیت نامناسب در درازمدت بازار قالی ایران را نابود خواهد کرد و به همین دلیل بهتر است بر این نوع قالی‌ها مالیات گمرکی سنگین بسته شود تا از صدور آنان تا حد ممکن جلوگیری شود.

مساله عدم توازن صادرات و واردات و بحران تجارتی ایران و روسیه انقلابی نیز از مباحثی بود که ذهن تجار در خارج و داخل مجلس را به خود معطوف داشت. تجار اصفهان از طریق حاج امین‌التجار نامه‌ای به مجلس نوشتند^(۱۴۷) و در مورد کسر صادرات و لزوم جلوگیری از واردات بی‌رویه کالاهای غربی هشدار دادند.^(۱۴۸) آنان به مجلس پیشنهاد کردند با تصویب قانونی برای کارکنان دولت مبنی بر لزوم استفاده از پارچه‌های وطنی به تشویق صنایع داخلی بپردازند. همچنین نامه دیگری از تجار مرکز و دیگر ولایات در خصوص جلوگیری از ورود اشیای تزئینی و تجملی به مجلس پیشنهاد شد.^(۱۴۹) بدنبال درخواست‌های مکرر و نامه‌های پیاپی اتحادیه‌های تجار مرکز و شهرهای شیراز، اصفهان و همدان به مجلس مبنی بر حمایت از صنایع داخلی و طرح پوشیدن منسوجات داخلی و سخنان حمایت‌آمیز تجار نماینده در مجلس، ارباب کیخسرو، کازرونی و دیگران،^(۱۵۰) مجلس قانون چهار ماده‌ای بدین شرح به تصویب رساند:^(۱۵۱)

«۱- دولت مکلف است کلیه لباس‌های مستخدمین لشکری و کشوری را از مصنوعات و منسوجات وطنی تهیه کند. ۲- کلیه مستخدمین دولتی در هنگام خدمت دولتی موظف به استفاده از منسوجات وطنی می‌باشند. ۳- ترتیب اجرایی این قانون توسط نظام‌نامه‌های داخلی هر یک از اداره‌های دولتی تعیین می‌شود. ۴- این قانون از اول برج سال ۱۳۰۲ قابل اجرا خواهد بود.»

قانون «استعمال البسه وطنی»، نخستین قانون رسمی کشور در حمایت از کالاهای وطنی بود. به موجب این قانون کلیه کارکنان دولت از وزرا تا دیگر مستخدمین و نمایندگان مجلس و حکام ایالات موظف به استفاده از منسوجات صنایع داخلی بودند.^(۱۵۲) اما این قانون تا دوران سلطنت رضاشاه جنبه اجرایی نیافت.^(۱۵۳)

در مورد منع صدور پوست بره و مالیات کثیرا نیز بحث‌هایی در مجلس چهارم مطرح شد. ارباب کیخسرو در مجلس گفت با اینکه منع صدور پوست بره به ضرر دولت و ترویج صادرات می‌باشد ولی چون به نفع مردم بوده که «ذبح بره موقوف شود»، با آن موافقت می‌کند.^(۱۵۴) قانون منع صدور پوست بره در ۲۴ شوال ۱۳۴۰/۲۱ ژوئن ۱۹۲۲ به تصویب مجلس رسید. در مورد مالیات کثیرا، ارباب کیخسرو طی نطقی با تحمیل این مالیات مخالفت کرد. وی توسعه تجارت و تحمیل هر گونه مالیات بر صادرات را به صلاح مملکت ندانست و لزوم مساعدت دولت به تجار برای رواج محصولات ایران در دیگر کشورها را حرکتی در جهت افزودن ثروت مملکت دانست. وی خروج کالا از کشور را با ورود طلا مترادف دانست و بر این باور بود در ازای محدودیت‌هایی که چند هزار تومان به عواید

دولت افزوده می‌کند باید از ملت خواست هر قدر می‌تواند کتیرا از کشور خارج کند تا در عوض میلیون‌ها پول وارد کشور شود. وی در عوض پیشنهاد بستن مالیات بر واردات را مطرح کرد. (۱۵۵)

از سوی تعداد دیگری از نمایندگان نیز با مالیات کتیرا مخالفت شد و بحث‌های طولانی در گرفت. پیشنهادهایی در خصوص کاهش میزان مالیات به صدی چهار داده شد. به رغم مخالفت جدی برخی نمایندگان از جمله ارباب کیخسرو و کازرونی، قانون مالیات کتیرا با اصلاحاتی در چهار ماده به تصویب رسید. (۱۵۶) پس از تصویب قانون، مخالفان طرح کوشیدند تغییراتی در قانون مزبور ایجاد کنند. دو پیشنهاد از سوی معتمدالتجار و ارباب کیخسرو در جزییات طرح عنوان شد. (۱۵۷) با این حال به رغم تلاش‌هایی که در اصلاح این قانون صورت گرفت، پیشنهادهای مذکور مورد توجه نمایندگان قرار نگرفت و به تصویب نرسید. (۱۵۸)

عهدنامه دوستی مابین دولت شوروی و ایران و قرارداد تجارتنی ما بین ایران و مصر که به موجب آن اجرای حقوق دول کامله‌الوداد نسبت به صادرات دو کشور برقرار شد از دیگر مصوبه‌های دوره چهارم مجلس بود. (۱۵۹) به دلیل افزایش فوق‌العاده صادرات نفتی ایران به انگلستان که به تصفیه‌خانه‌های مصر منتقل می‌شد، انگلستان توانست از تصویب این معاهده کمال استفاده را ببرد.

مجلس پنجم که در فاصله سال‌های ۱۳۴۴-۱۳۴۲/۱۹۲۶-۱۹۲۴ تشکیل شد تأثیر فوق‌العاده‌ای بر تاریخ ایران به جا گذاشت و سرنوشت سیاسی ایران را تغییر داد. این مجلس هم از نظر قوانین تصویب شده و هم به لحاظ تفویض نظام سلطنت و حمایت از رضاخان حائز اهمیت بسیار بود و فعالیت خود را طی دوران ریاست وزرایی رضاخان ادامه داد. انتخابات دوره پنجم مجلس در دولت مستوفی‌الممالک شروع شد. انتخابات تهران با نظارت مشیرالدوله در فضای نسبتاً سالمی انجام شد. اصلاح‌طلبان، سوسیالیست‌ها و منفردین در تهران به مجلس راه یافتند. انتخابات شهرستان‌ها به تعویق افتاد و در دوران ریاست وزرایی رضاخان انجام گرفت. در شهرستان‌ها سران نظامی ایالات و گروه‌های متنفذ در انتخابات اعمال نفوذ کردند و به این ترتیب حزب تجدد با اعمال نظر سران نظامی توانست اکثریت مجلس پنجم را بدست آورد. سوسیالیست‌ها به رهبری سلیمان میرزا و اصلاح‌طلبان به رهبری مدرس هر دو بدون اتحاد با یکدیگر در اقلیت قرار داشتند. (۱۶۰) در واقع می‌توان گفت مجلس پنجم در عمل به طور کامل با رضاخان همراهی نشان داد.

نمایندگان مجلس پنجم در سه فراکسیون عمده جای داشتند. فراکسیون اکثریت با نام دموکرات مستقل که بعد به تجدد تغییر نام داد، تعداد آن‌ها چهل و پنج نفر بود و رهبری این گروه را سید محمد تدین به عهده داشت. دومین گروه، سوسیالیست‌ها بودند با تعداد پانزده نفر که رهبری آن‌ها را سلیمان میرزا به عهده داشت. سومین گروه، اصلاح‌طلبان با پانزده تا

بیست نفر بودند که رهبری آن را سیدحسن مدرس به عهده داشت. علاوه بر این سه فراکسیون، تعدادی از نمایندگان مثل دکتر مصدق، مشیرالدوله، و مستوفی‌الممالک بصورت منفرد حضور داشتند.^(۱۶۱) موقعیت تجار در مجلس پنجم از کاهش چشمگیری برخوردار بود و از نه درصد نمایندگان در مجلس چهارم به چهار درصد در مجلس پنجم کاهش یافت. این نمایندگان نیز بیشتر در زمره تاجر - مالک و یا تاجر - کارمند بودند.^(۱۶۲) از این نمایندگان می‌توان از ارباب کیخسرو، رضا مهدوی (رییس‌التجار)، میرزا علی کازرونی و حاج حسن ملک‌التجار نام برد. البته در این دوره مجلس نیز همچون دوره چهارم نمی‌توان گفت که حضور اشخاص یا نمایندگان تاجرپیشه در روند مصوبه‌های مجلس چندان مؤثر بود، بلکه بیشتر جنبه ابراز نظرهای کارشناسی داشت.

روال تصویب قوانین در این دوره مجلس بیشتر مبتنی بر تمایل گروه‌های سیاسی موجود در مجلس بود که برای استقرار نهادهای مدرن کوشش می‌کردند. از آنجایی که دوره پنجم مجلس مصادف با ریاست‌وزرایی رضاخان بود، از دید عموم دست‌آوردهای مجلس به حساب دولت رضاخان گذارده می‌شد. مجلس پنجم برای تجار بهترین دوره قانونگذاری طی دوران پس از جنبش مشروطیت محسوب می‌شود. در این دوره مجلس به بسیاری از خواست‌های آنان پاسخ داده شد و استقرار نهادهای مدرن که آرزوی تجار برای رشد و رونق اقتصادی بود، در این دوره بطور مشخص نمودار شد. عملکرد مجلس پنجم برای جلب نظر و حمایت تجار از رضاخان نقش به سزایی داشت. قوانینی در جهت سامان امور تجاری، از جمله قانون ثبت اسناد، شرکت‌نامه‌ها و اوراق تجاری، یکسان کردن اوزان و مقیاس‌ها، قانون توسعه راه‌ها و تأسیس خطوط راه‌آهن، قوانین معافیت مالیاتی در جهت تقویت صنایع، واردات ماشین‌های صنعتی و کشاورزی و از مهم‌ترین قوانینی که بسیار مورد توجه تجار بود و از خواست‌های دیرین آنان طی این سال‌ها بود، طرح قانون تجارت و قانون تشکیل محاکم تجاری بود که در کمیسیون عدلیه مجلس به تصویب رسید. وزیر خارجه طی سخنانی در مجلس ابراز کرد، مهم‌ترین قوانینی که برای مملکت لازم است قانون جزا، قانون تجارت و قانون مدنی است. وی ترقی تجارت را منوط به امنیت و عدالت دانست.^(۱۶۳) قانون تجارت از سوی دولت به مجلس ارائه و به کمیسیون عدلیه فرستاده شد.^(۱۶۴) این مصوبه اولین قانون تجاری مدون و منظمی بود که به تصویب می‌رسید. این قانون بر اساس قوانین تجاری فرانسه تنظیم شده بود که در ۱۸۰۷/۱۲۲۳ در زمان ناپلئون اول تصویب شده بود.^(۱۶۵)

قانون تجارت مشتمل بر چندین فصل، و مباحث و ماده‌های متعدد بود. در ابتدا پس از تعریف تاجر و مشخص کردن معاملات تجاری به تعیین چگونگی تشکیلات و شرایط دفاتر تجاری و انواع شرکت‌های تجاری و مقررات مربوط به آن‌ها می‌پردازد. فصلی راجع به انواع برات و مقررات مربوط به آن، بخشی مربوط به انواع ورشکستگی و شیوه برخورد

قانون با طلبکار و تاجر ورشکسته بود.^(۱۶۶) در واقع این قانون به امور تجارتی سامان و همه معاملات را زیر لوای قوانین مشخصی قرار می‌داد، به آشفتگی، بی‌نظمی و نبودن قوانین ثابت پایان می‌داد و به این طریق بنیان نهادهای مدرن تجارتی گذارده می‌شد. قانون محاکم تجارتی نیز به مسایل ورشکستگی تاجر و بی‌نظمی که از قبل آن در امور تجارتی بوجود می‌آمد، خاتمه می‌داد و معاملات را در بستر مشخص تعریف می‌کرد. این قانون نویدبخش پایان دادن به بسیاری از مسایل تاجر بود. محکمه تجارت مرکب بود از یک رییس و دو عضو که یک نفر از قاضیان وزارت عدلیه و عضو دیگر از بین تاجر و مطابق قانون تجارت برگزیده می‌شدند.^(۱۶۷)

قانون دیگری که می‌توانست مورد توجه تاجران سرمایه‌داران داخلی باشد، قانون معافیت ماشین‌های صنعتی و فلاحی از پرداخت حقوق گمرکی به مدت ده سال بود. به موجب این قانون کلیه ماشین‌های صنعتی و قطاعات آن‌ها و کلیه ماشین‌ها و ادوات کشاورزی از تاریخ تصویب این قانون تا ده سال از پرداخت حقوق گمرکی معاف بودند.^(۱۶۸) البته این نکته را نیز باید اشاره کرد که تصویب چنین قانونی در هر حال نشانه تشویق و موجب دلگرمی تاجر بوده است. ولی با توجه به آمارهای واردات کشور در این سال‌ها به جز تعداد معدودی ماشین‌های کشاورزی و برخی ماشین‌های خیاطی، جوراب‌بافی و وسایل مربوط به کارگاه‌های کوچک، ماشین‌های مربوط به صنایع بزرگ در این سال‌ها وارد کشور نشد.^(۱۶۹) قوانین مالیاتی که در این دوره به تصویب رسید مربوط به وسایل نقلیه، راه و بلدیه بود. به موجب این قانون از کلیه اجناس وارداتی یا صادراتی بر حسب وزن غیرخالص آن‌ها، تنها یکبار مالیات گرفته می‌شد و هر نوع مالیات دیگر ممنوع اعلام شد.^(۱۷۰)

در مورد تغییرات مالیاتی، وزیر عدلیه در مجلس ضمن ارائه قانون مالیات بر معاملات عنوان کرد، دولت تصمیم دارد مالیات‌های کوچک و بسیاری که جمع‌آوری آن برای دولت متضمن هزینه بسیار بود، حذف نماید و مالیات‌های دیگری جایگزین کند. وی لازمه پیشرفت برنامه‌های دولت را که شامل گسترش معارف، بهداشت عمومی، ساختن راه‌های شوسه و راه‌آهن، ترقی کشاورزی و تجارت بود، با افزایش عواید دولت همراه دانست.^(۱۷۱) مالیات املاک اربابی که به تصویب مجلس رسید، از قوانین مهم مالیاتی بود و شامل مالیات از املاک کشاورزی، جنگل‌ها، مراتع، آسیاب‌ها و قنواتی بود که به مصرف آبیاری می‌رسید و میزان این مالیات از سه تا ده درصد از عواید خالص مالکانه را دربرداشت. به موجب این قانون برای توسعه کشاورزی برخی محصولات از جمله کتان، کف، نیل، روناس، نیشکر، چای، زعفران، زیتون و مو برای پرورش کرم ابریشم تا پنج سال از مالیات معاف بودند.^(۱۷۲) در مذاکره راجع به اجازه صدور پوست بره از کشور در مقابل پرداخت حقوق مشخص گمرکی، نمایندگان موافق صدور پوست، منع صادرات این کالا را مانع کشتار بره ندانستند و

خواهان آزاد شدن صادرات آن شدند. داور، کازرونی و رئیس‌التجار در دفاع از این لایحه سخن گفتند. داور بر لزوم بهبود تجارت کشور تأکید کرد. وی منافع تجار صادرکننده کالا را بر منافع عمومی منطبق دانست.^(۱۷۳) کازرونی نیز در حمایت از این قانون بر حمایت از کالاهای صادراتی و لزوم افزایش آن تأکید کرد.^(۱۷۴) آمار گمرک حاکی از عواید روزافزون این کالا بود که به کشورهای آلمان، بلژیک، انگلیس و آمریکا صادر می‌شد. موافقان این طرح از دست دادن چنین کالای صادراتی را به سود کشور ندانستند. قانون اجازه صدور پوست بره در ۹ صفر ۱۳۴۳/۹ سپتامبر ۱۹۲۴ به تصویب مجلس شورای ملی رسید.^(۱۷۵)

از قوانین مهم دیگری که در این دوره به تصویب رسید، قانون اوزان و مقیاس‌ها بود که در جهت اصلاح مبادلات تجاری حائز اهمیت بسیار و موجب نظم بخشیدن به امور تجارتی بود. بر حسب این قانون، اوزان و مقیاس‌های موجود کشور بنا بر اوزان بین‌المللی تغییر یافت، یعنی بر اساس اصول متریک، مقیاس طول به متر، مقیاس وزن به کیلوگرم و مقیاس حجم به لیتر تبدیل شد.^(۱۷۶) این قانون به کلیه تجار، کسبه، قپان‌دارها و صنعتگران ابلاغ گردید و متخلفان از آن به جریمه نقدی محکوم می‌شدند. وزارت فواید عامه مأمور اجرای این قانون شد.^(۱۷۷) هر چند اجرای این قانون نیز چندین سال به تعویق افتاد و در دوران سلطنت پهلوی به اجرا درآمد،^(۱۷۸) ولی تصویب تمامی این قوانین برای تجار نویدبخش بود.

گسترش راه‌های شوسه و تأسیس راه‌آهن و بهبود شرایط حمل و نقل از دیگر اقدام‌های مجلس پنجم بود که توسعه تجاری و اقتصادی را بدنبال داشت. در جلسه دویست و هفتم مجلس، دولت لایحه گسترش راه‌های عراق - خمین؛ بروجرد - ملایر؛ دلیجان - خمین؛ تهران - مازندران؛ تهران - سبزوار و تهران - بندرانزلی را با اختصاص بودجه سیصد و پنجاه و یک هزار تومان به منظور ساختن و تعمیر راه‌های مذکور به مجلس تقدیم نمود و با اکثریت آرا به تصویب رسید.^(۱۷۹) همچنین امتیاز انحصاری ساختن و دایر کردن چهار رشته راه شوسه به علیقلی خان هزار جریبی اعطا شد تا در مدت سه سال راه‌های مزبور را ایجاد کند.^(۱۸۰)

طرح راه‌آهن با پیشنهاد زین‌العابدین رهنما^(۱۸۱) در مجلس عنوان شد. وی ویرانی و خرابی مملکت، کساد بازار، کسر صادرات، بیکاری و عدم موفقیت در راه‌اندازی کارخانه‌ها را به دلیل فقدان راه‌آهن دانست و تأسیس آن را یک «قدم اساسی» نامید. وی طرح پیشنهادی خود در مورد تأسیس راه‌آهن را به شرح ذیل به مجلس ارائه داد:^(۱۸۲) «۱- حق انحصاری ورود قند و شکر و چای به دولت؛ ۲- دولت می‌تواند هر تاجری را در این تجارت شرکت دهد و از حق انحصاری خود بهره‌مند سازد به شرطی که در مقابل اعطای اجازه از هر یک من قند و شکر دو قران و از هر من چای شش قران از آن‌ها دریافت دارد؛ ۳- تمامی عواید آن توسط وزارت مالیه در یکی از بانک‌های معتبر امانت و فقط صرف تأسیس راه‌آهن شود؛ ۴- عایدی و حق انحصار فقط صرف تأسیس راه‌آهن شود؛ ۵- استخدام هیأت متخصص به

مدت ده سال از آلمان که هزینه‌ها زیر نظر هیأت مصرف شود؛ ۶- این قانون پس از تصویب به اجرا گذارده شود؛ ۷- وزارت فواید عامه و مالیه مأمور اجرای آن خواهد بود. طرح رهنما مورد توجه نمایندگان مجلس قرار گرفت. در ابتدا به کمیسیون مبتکرات و بعد به کمیسیون اقتصادیات رفت. (۱۸۳)

در جلسه یکصد و شصت و هشتم مجلس، کمیسیون امور مالیه قوانینی در مورد چگونگی انحصار دولتی قند و شکر عنوان کرد که مورد بحث فراوان مخالفان و موافقان قرار گرفت. حائری‌زاده تصویب این قانون را به ضرر تجاری دانست که در معاملات قند و شکر فعال بودند. وی معتقد بود مالیات راه‌آهن را باید کسانی بپردازند که در مسیر راه‌آهن قرار داشتند. در حالی که، عواید انحصار قند و شکر برای پرداخت هزینه راه‌آهن تمامی مردم را و حتی کسانی که در مسیر راه‌آهن قرار نداشتند، در برمی‌گرفت. مذاکرات طولانی در مورد چگونگی اجرای این قانون و مشکلات احتمالی آن انجام گرفت. (۱۸۴) اما در مباحث مربوط به طرح راه‌آهن و انحصار قند و شکر، یاسایی یکی از نمایندگان مجلس در هنگام بررسی کلیات این طرح سخنانی را مطرح کرد که بیانگر نقش تجار در شکل‌گیری این لایحه بود. وی گفت: (۱۸۵)

«بنده تصور نمی‌کردم بعد از سالیان دراز که خوشوقتان موضوع خط‌آهن در مجلس شورای ملی مطرح می‌شود بر علیه او اظهاراتی بشود و یک مخالفت‌هایی من غیرمستقیم به عمل آید. بنده خیال می‌کنم آن روزی که یک عده از آقایان تجار و محترمین در خارج از مجلس جمع شدند و این پیشنهاد را تهیه کردند یک قدم اولیه بود که به سمت سعادت مملکت برداشته و آن روزی که دولت این پیشنهاد را مورد توجه قرار داد و آورد به مجلس قدم دوم بود.»

این سخنان حاکی از حضور و دخالت تجار در تصویب قوانین مورد نظر آن‌ها به شیوه‌ای مؤثر و فعال، و همچنین تلاش تجار در استقرار نهادهای مدرن به شیوه‌های گوناگون از جنبش مشروطیت تا این زمان بود.

لایحه راه‌آهن به دولت اجازه ساختن خطوط راه‌آهن تهران - محمره، تهران - قنور، تهران - میرجاوه، تهران - گواتر، تهران - بندر لنگه، تهران - روان‌دوز و تهران - آستارا را می‌داد. (۱۸۶) هزینه این طرح با اختصاص عواید انحصار خرید و فروش قند و شکر تأمین می‌شد. بر حسب این قانون اداره انحصار دولتی در هنگام فروش اجناس مذکور به قیمت ورودی هر کسبقتد شک، دو قران و بر هر یک من چای، شش قران اضافه می‌کرد و عواید این راه‌آهن اختصاص می‌یافت. (۱۸۷) بالاخره قانون ساختن خطوط آهن انحصار دولتی قند و چای پس از مذاکره‌های بسیار در ۲۵ رجب اکثریت آرا به تصویب نمایندگان مجلس پنجم رسید. (۱۸۸)

پن دوره مجلس می‌توان از قانون «سجل احوال»، و قانون «خدمت

نظام اجباری» نام برد که در تمرکز و نظم بخشیدن نیروی نظامی کشور و حفظ امنیت بسیار مؤثر بود. این قانون تعداد بسیاری از اقشار شهری، روستایی و ایلی رادر زمره ارتش نوین رضاخانی قرار می‌داد که پایه اصلی نظام جدید نیز بر آن تکیه داشت. اما به جز بهره سیاسی که رضاخان می‌توانست از آن ببرد، این امر به افزایش قدرت دولت مرکزی و ثبات سیاسی که از خواست‌های تجار بود، کمک می‌کرد. اما بسیاری از زمینداران بزرگ با آن مخالف بودند، چرا که این قانون از سلطه و اقتدار آنان در روستاها می‌کاست و نیروی کار روستایی را ضعیف می‌کرد.^(۱۸۹) با این حال این قانون نیز به تصویب رسید ولی به دلیل مخالفت‌هایی که با آن شد،^(۱۹۰) اجرای آن چندین سال به تعویق افتاد.

بیشتر نمایندگان مجلس پنجم با رضاخان و دولت وی موافق و یار همراه بودند. موج نوگرایی و اصلاحات را می‌توان از بررسی عنوان‌های مصوبه‌های مجلس پنجم به راحتی دریافت. این قوانین طلیعه روشنی از اصلاحات و استقرار نهادهای مدرن در پیش چشم تجار قرار داد و آنان را به عملکردهای رضاخان امیدوار ساخت. هر چند این امیدواری مطلق نبود و بیم و امیدهایی را در دل آنان برمی‌انگیخت، اما بی‌تردید روند حرکت مجلس پنجم تأثیر بسیاری در حمایت تجار از به سلطنت رسیدن رضاخان داشت.

و) تجار و رضاخان

کودتای ۱۲۹۹ خورشیدی در پی تحولات مهمی به وقوع پیوست که در پایان جنگ جهانی اول رخ داد. انقلاب بلشویکی روسیه و در پی آن تأسیس رژیم سوسیالیستی در این کشور تأثیرهای مهمی در سیاست جهانی گذارد. انگلستان در پی خروج نیروهای نظامی روسیه از ایران به فعالیت‌های دیپلماسی خود برای پر کردن جای خالی روس‌ها افزود و قرارداد ۱۹۱۹ میلادی محصول همین شرایط سیاسی بود. تبلیغات بلشویکی و خطر نفوذ آنان ضرورت تحکیم سلطه همه جانبه انگلیسی‌ها در ایران را ایجاب کرد. انگلستان در پی ایجاد کمربند امنیتی بود که از مدیترانه تا پامیر را در برمی‌گرفت و ایران حلقه‌ای از این زنجیر بود. به زعم انگلیسی‌ها ابزار نزدیک کردن ایران به این زنجیره قرارداد ۱۹۱۹ میلادی بود.

نکته قابل توجهی که در این مقطع تاریخی می‌تواند پرسش برانگیز باشد. موضع و نظر تجار در مواجهه با قرارداد ۱۹۱۹ میلادی است. قرارداد مخالفان بسیاری داشت.^(۱۹۱) اما در مورد تجار، بطور قطع قرارداد نمی‌توانست مورد نظر و توافق آنان قرار گیرد. قرارداد مزبور به قدرت بیگانه امکان حضور فعال‌تری در ایران می‌داد و دست آنان را در امور کشور بازمی‌گذارد. این مسئله با خواست‌ها و منافع تجار مغایرت داشت، آنان از پیش از مشروطیت و سال‌های بعد از آن خواهان کاهش نفوذ قدرت و سرمایه‌های بیگانگان بودند. با اینحال واکنش گروهی و رسمی از سوی تجار در مورد قرارداد دیده نشد. تنها در بین مخالفان قرارداد نام دو تن از تجار عمده و معتبر دیده می‌شود. از معین‌التجار بوشهری و

ارباب کیخسرو در زمره مخالفان قرارداد ۱۹۱۹ میلادی ایران و انگلستان نام برده شده است. دولت وثوق‌الدوله بسیاری از مخالفان قرارداد را از تهران تبعید و یا زندانی کرد. معین‌التجار بوشهری نیز در زمره همین افراد بود و به کاشان تبعید شد. (۱۹۲)

به رغم تلاش‌های انگلستان تصویب قرارداد با موفقیت همراه نبود. ایجاد دولتی متمرکز، با ثبات و قوی در ایران که بتواند کمربند حفاظتی مقابله با نفوذ بلشویک‌ها را برقرار کند، طرح بعدی دولت انگلستان در ایران بود. طرح کودتا بسیار دقیق و با ظاهری پسندیده ریخته شد. ایجاد دولت متمرکز و قوی، خواست بسیاری از طبقات اجتماعی ایران و بخش وسیعی از نیروهای سیاسی و روشنفکری کشور بود. در واقع انگلستان با زیرکی طرح خود را متکی بر تمایل‌های اقشار اجتماعی ایران پایه‌ریزی کرد. ایجاد دولت جدید با تکیه بر ساختار کهنه و فروپاشیده دولت ایران ممکن نبود. از اینرو طرح کودتا توسط انگلیسی‌ها اجرا شد. (۱۹۳) با توجه به فقدان اسناد و مدارک لازم به درستی نمی‌توان دریافت که تجار در مواجهه با کودتا چه واکنشی بروز دادند. (۱۹۴) در هر حال کودتا وضعیتی بود که بر کشور تحمیل شد. اما مجموعه عواملی که در تثبیت و استقرار قدرت رضاخان و ادامه روند اصلاحات و نوگرایی دخیل بود، پاسخی بود که این واقعه به خواست‌های طبقات اجتماعی کشور و از جمله تجار داد که در غیر این صورت مانند بسیاری از طرح‌های قدرت‌های بیگانه در ایران با شکست مواجه می‌شد. (۱۹۵)

دولت کودتا عمر چندانی نیافت و با مخالفت گسترده شاه، دربار و نیروهای سیاسی مواجه شد. ما بین سیدضیاء و سردار سپه اختلاف‌هایی بروز کرد و زمینه سقوط دولت کودتا پس از سه ماه و اندی فراهم شد. رضاخان در این مرحله توانست به عنوان وزیر جنگ در معادلات قدرت وارد شود. وی با نزدیک کردن خود به شاه و اعلام وفاداری به او حضور خود در کابینه‌های بعدی را حفظ کرد. رضاخان پس از تثبیت موقعیتش با انجام برنامه‌های معین به نیازهای اقشار گوناگون جامعه پاسخ داد. وی با آشنایی درست از مسایل آن عصر و بهره‌گیری از راه‌حل‌های عملی، نظرهای بسیاری از گروه‌های سیاسی و اقشار جامعه را به خود جلب کرد. به هر حال قدرت‌گیری تدریجی رضاخان و عملکرد وی واقعیتی ملموس بود که سوای مسأله کودتا می‌توانست موافقت یا مخالفت گروه‌های اجتماعی را نسبت به او و اقدام‌هایش برانگیزد.

رضاخان در مرحله اول تثبیت قدرت خود، به عنوان وزیر جنگ در دولت‌های بعد از کودتا بر مهم‌ترین مسأله دوران خود که استقرار امنیت و ایجاد ثبات سیاسی بود، دست گذارد. این مسأله مورد توجه اقشار گوناگون جامعه و از جمله تجار بود. رضاخان در این مرحله به سرکوب قیام‌ها و شورش‌های محلی و منطقه‌ای پرداخت و به موفقیت‌های چشمگیری هم دست یافت. این روند می‌توانست نویدبخش پیدایش دولت مرکزی قوی و استقرار ثبات سیاسی باشد که از اهداف اساسی تجار در جنبش مشروطیت بود. رضاخان

فرماندهی کلیه عملیات سرکوب اغتشاش‌ها و ناآرامی‌های کشور را به دست داشت. وی خود را شمشیر حکومت مرکزی می‌دانست. برنامه رضاخان وزیر جنگ، عبارت بود از بین بردن کانون‌های قدرت محلی و منطقه‌ای، ایجاد امنیت و ارتشی نوین و یکپارچه و ایجاد دولتی متمرکز و قوی یعنی همان آرزوهایی که تجار در پی استقرار آن بودند. رضاخان توانست با انجام این امور موقعیت خود را مستحکم‌تر و پایدارتر نماید. سرکوب شیخ خزعل بازتاب پایان یافتن تردیدهای جناح‌های داخلی دولت بریتانیا بود که سیاست استقرار نظم و ساختن ایرانی قوی و مستقل به دست خود ایرانی‌ها که می‌توانست جلوی نفوذ بلشویسم را بگیرد، تثبیت کرد. (۱۹۶)

رضاخان در این مرحله سعی در جلب حمایت‌های مردمی داشت. وی سعی کرد خود را به فراکسیون اکثریت مجلس چهارم نزدیک کند و از اندیشه‌های اصلاح‌طلبانه آنان طرفداری کرد و به تدریج با اقدام‌هایی که در ایجاد امنیت و ثبات اجتماعی کرد گروهی از نمایندگان به سمت او کشیده شدند. از طرف دیگر رضاخان توانست با مخالفت با استخدام صاحب‌منصبان سوئدی برای سرپرستی قشون ایران چهره‌ای ملت‌گرایانه و وطن‌پرستانه از خود نشان دهد. وی در مقابل، پیشنهاد اعزام تعدادی دانشجوی نظام به خارج از کشور را به مجلس ارائه داد که به تصویب مجلس رسید. رضاخان علاوه بر جذب گروه‌هایی از روشنفکران اصلاح‌گرا و تجار برای جلب اعتماد علما و توده‌های عوام در مراسم عزاداری ایام محرم شرکت کرد. دسته قزاق‌ها در حالی که پیشاپیش آن‌ها رضاخان قرار داشت در این مراسم شرکت کردند. (۱۹۷)

رضاخان در پی استقرار حکومت متمرکز و نهادهای مدرن بود. وی برای دستیابی به این هدف‌ها از شیوه‌های نظامی‌گری و اعمال زور و خشونت نظام‌های خودکامه بهره گرفت. اعمال مداخله‌گرانه وی در امور مالی و اختصاص بخش‌هایی از درآمد عمومی دولت و دیگر وزارتخانه‌ها به وزارت جنگ، بی‌توجهی به قانون و دستگیری و سرکوب روزنامه‌نگاران منتقد، بحران‌هایی را ایجاد کرد که به سقوط پیاپی دولت‌های پس از کودتا منجر شد (۱۹۸) و زمینه را برای تشکیل دولت رضاخانی فراهم کرد. در این بین گروهی از نمایندگان طرفدار قانون اساسی به شیوه‌های خشن و خودکامانه رضاخان انتقاد کردند. آنان نگران از بین رفتن اساس مشروطیت و قانون اساسی بودند و اینکه با نادیده گرفتن این اصول از قانون اساسی جز الفاظی بی‌محتوا باقی نخواهد ماند. (۱۹۹) مدرس از سرمداران مخالف رضاخان در مجلس گفت: (۲۰۰)

«وزیر جنگ یک محاسنی دارد و یک مضاری. منافع و مضارش را با هم بسنجید، والا تغییر او اهمیت ندارد... عقیده من در باره وزیر جنگ این است که منافعتش اساسی است و مضارش فرعی. باید سعی کرد که معایب او رفع و منافع او زیاد شود.»

از قرار ظاهر مدرس و نمایندگان طرفدار قانون اساسی و مشروطه همچون معتمدالتجار

ضمن آن که از قلدر مآبی رضاخان و نظامیان دلتنگ بودند، نتیجه عملی اقدام‌های او را که بسط امنیت در کشور بود ضروری به حساب می‌آوردند و دفع رضاخان را در آن مرحله به صلاح نمی‌دانستند. گو اینکه چنین می‌پنداشتند که مجلس هر گاه لازم بداند قادر به عزل رضاخان خواهد بود. مدرس، جان کلام را چنین اظهار داشت: «اما امنیت، امنیت در مملکت است، منتهی به دست کسی است که اغلب ماها از او خوشوقت نیستیم.»^(۲۰۱) این گفته‌ها روشن می‌سازد که حتی روشن‌اندیشانی که قبل از دیگران خطر افزایش قدرت رضاخان و امکان بروز دیکتاتوری سیاسی را پیش‌بینی می‌کردند ناچار به پذیرش و مثبت دیدن اقدام‌های او در آن مرحله زمانی بودند.

رضاخان طی یک حرکت مشخص و حساب شده توانست بالاترین سطح قدرت سیاسی پس از شاه را بدست آورد. وی در دوران وزارت جنگ، خود را فرمانده‌ای توانا و نیرومند نشان داد که توانست امنیت را برقرار و قدرت دولت مرکزی را افزایش دهد. همچنین نیروی نظامی واحد و متمرکز ارتش را بنا نهاد که ضامن حفظ امنیت و قدرت دولت بود. وی پس از آن با هوشمندی سیاسی وارد معادلات قدرت شد و اقبال و گروه‌های اجتماعی صاحب نفوذی همچون تجار را به سمت خود کشاند. بخشی از گروه‌ها و طبقات اجتماعی رضاخان را حامی منافع طبقاتی خود یافتند و قدرت سیاسی جدید متکی بر این گروه‌ها تشکیل شد که خواهان استقرار یک دولت متمرکز قوی بودند. هیأت اتحادیه تجار مرکز موافقت و همراهی خود با رضاخان را چند روز قبل از اعلام ریاست وزرایی وی اعلام کردند. آنان دلیل ارسال نامه را انتشار شایعه‌ها، ابراز تردیدها و مخالفت‌ها با تشکیل کابینه رضاخان عنوان نمودند و در نامه‌ای خطاب به وزیر جنگ چنین اظهار کردند:^(۲۰۲)

«حضرت اشرف... در ترقیات طرق تجارت و توسعه اقتصاد مملکت و توازن صادرات و واردات مملکت، سرمایه‌گذاری‌ها نموده و هیچوقت نخواسته از وظیفه خود خارج شده در امور دیگری دخالت نمایند. اینک برای تثبیت همان مقصود و برای احتراز از مضراتی که محتمل الوقوع است محض تذکار به عرض... می‌رساند. سالها است به واسطه نبودن یک هیأت دولت توانایی اهالی این مملکت گرفتار عدم امنیت شده. سختی و فشار هولناک فقر و پریشانی آنها را احاطه کرده... منافع ثروت مملکت مفقودالاضر و ابواب تجارت مسدود گردیده... زمام‌داران و متصدیان امور بطوری مرعوب و در تحت فشارهای داخلی و خارجی اسیر بوده‌اند... از چندی به این طرف که زمام امور معظمه نظامی به کف کفایت حضرت اشرف عالی اداره شد و به حمدالله موجبات ترقی و تعالی و امنیت در مملکت فراهم گردید. توانایی و اقتدار و قابلیت حضرت اشرف عالی مشهور و منظور خاص و عام شد. هر ذی‌حس و علاقه‌مند به این آب و خاک پاک ایران آرزومند شد که حضرت اشرف عالی یک روزی زمام‌داری مملکت را تقبل فرمایید... ما نمایندگان تجار هم از صمیم قلب دوام عظمت.. خواهان.»

هیأت اتحادیه تجار توسط تجار بزرگ هدایت و رهبری می‌شد. نامه حمایت این گروه و دلایل آن‌ها در حمایت از وزیر جنگ کاملاً مشخص بود ولی مدارکی از واکنش تجار متوسط و خرد و تجار شهرستان‌ها در دست نیست. معمولاً این گروه‌ها به جز در مواردی خاص در بیشتر موارد از تجار بزرگ پیروی می‌کردند.

زمینه‌های سیاسی به قدرت رسیدن رضاخان فراهم شد. قوام‌السلطنه به بهانه کشف توطئه‌ای برای از بین بردن سردار سپه به زندان افتاد و بعد روانه تبعید شد. مشیرالدوله بر اثر تهدیدهای وزیر جنگ از ریاست دولت استعفا داد و مستوفی‌الممالک حاضر به تشکیل دولت جدید نبود. در چنین شرایط سیاسی رضاخان توانست مقام ریاست وزرایی را به دست آورد. احمدشاه در ۱۶ ربیع الاول ۱۳۴۲/۲۶ اکتبر ۱۹۲۳ پیش از افتتاح مجلس پنجم حکم ریاست وزرایی رضاخان را صادر کرد.^(۲۰۳) رضاخان در اولین بیانیه خود در دوران ریاست وزرایی از بسط و نفوذ حکومت مرکزی و حفظ اصول مرکزیت، امنیت و نابودی هرج و مرج و اغتشاش‌های داخلی و اجرای قانون سخن گفت. وی برنامه اصلی خود را ایجاد امنیت اجتماعی و ثبات سیاسی اعلام کرد و قانون را تضمینی برای ثبات سیاسی و امنیت کشور دانست.^(۲۰۴) تمامی این شعارها از اهداف مورد نظر تجار و مبتنی بر زمینه روحی-روانی عموم مردم در آن دوران پر آشوب بود. بازتاب همراهی تجار را می‌توان در جشنی دید که معین‌التجار بوشهری از تجار بزرگ و از فعالان جنبش مشروطیت به مناسبت نخست‌وزیری رضاخان در منزل خود برگزار کرد و خطابه و اشعاری در وصف وی خواند.^(۲۰۵)

دو مسأله جمهوری‌خواهی و سرکوب شیخ خزعل در تثبیت و استحکام بخشیدن به قدرت رضاخان بسیار مؤثر بود. غالب منابع طرح مسأله جمهوری‌خواهی را دسیسه‌ای برای امکان تغییر سلطنت دانستند. طرح موضوع جمهوری‌خواهی در ایران پس از آخرین سفر احمدشاه به فرنگ صورت گرفت که مقارن الغای خلافت و تغییر رژیم سیاسی در ترکیه و تأسیس رژیم جمهوری در آن کشور بود. هم‌زمانی این حوادث این فکر را در ذهن رضاخان و جناح هوادار وی ایجاد کرد که زمانی که افسری نظامی همچون مصطفی کمال پاشا به راحتی بتواند سلسله قدرتمندی را سرنگون کند و به عنوان رئیس جمهور مادام‌العمر بر اریکه قدرت تکیه زند، چرا این کار در ایران عملی نگردد.^(۲۰۶) بنابر این شعار جمهوری‌خواهی برای نیروهای جدید که طالب قدرت کامل و مسلط بودند، می‌توانست بهانه‌ای برای مقابله با سنت پادشاهی و پذیرش عام این تفکر در نزد مردم قرار گیرد. از سوی دیگر شعار تغییر رژیم سلطنتی به جمهوری که به ظاهر مرفقی بود، می‌توانست طیفی از نیروهای اجتماعی ترقی‌خواه را به خود جلب کند. بحث جمهوری‌خواهی در محافل و روزنامه‌ها مطرح شد. تلگراف‌هایی از سوی تمام طبقات اجتماعی در حمایت از جمهوری‌خواهی به مجلس و روزنامه‌ها مخابره شد. در تلگراف منطقه گیلان و طوالش، نام تجار این منطقه در کنار علما

و خوانین در حمایت از جمهوری مطرح شده است.^(۲۰۷) از شهرهای مرنند، سلماس (شاهپور)، یزد، کرمان، خمین (کمره)، لاهیجان، تبریز و اصفهان تلگراف‌هایی در حمایت از جمهوری و خطاب به وزارت داخله مخابره شد. در تبریز از تجمعی گزارش شده که تجمع‌کنندگان، خواهان تشکیل مجلس مؤسسان شده‌اند.^(۲۰۸) از شهرهای تربت، سلماس، مرنند و ماکو گزارش‌هایی از اجتماع مردم و تعطیلی عمومی شده که اهالی تهدید به تعطیل و هرج و مرج کرده‌اند.^(۲۰۹) از بهبهان نیز گزارش شده:^(۲۱۰)

«تمام آقایان محترم علما و معاریف و طبقات محترم تجار و روسای دولتی و شاگردان... بعد مدیر مدرسه نطق مفصلی... دایر بر نظم و نزاکت جمهوریّت نمودند... در خاتمه مجلس به دعاگویی... ریاست‌وزرا... و اظهار قدردانی از زحمات...»

از طرف تجار جهرم نیز به مجلس شورای ملی تلگرافی شد و در آن از سلسله قاجاریه انتقاد و از نمایندگان خواسته شد «اساس حکومت را از روی رژیم جمهوریّت مستقر کرده».^(۲۱۱) آنچه از مجموعه این تلگراف‌ها می‌توان دریافت این است که بیشتر این تلگراف‌ها بطور مستقیم از جانب اهالی مخابره نشده بود، بلکه به عنوان گزارشی از جانب اهالی هر محل عنوان شده و در پایان برخی از آن‌ها، از زحمات فرماندهان نظامی مناطق، تشکر شده است و این مسأله اعتبار این تلگراف‌ها را کاهش داده و این نکته را که تلگراف‌ها در تقویت موضع سیاسی رضاخان و تحت فشار فرماندهان نظامی مخابره شده باشد، افزایش می‌دهد.

البته سوای تلگراف‌هایی که می‌توانست با فشار فرماندهان نظامی شهرها ارسال شده باشد، به نظر می‌رسد تجار بزرگ در ابتدا با مسأله جمهوری مخالفتی نداشتند بخصوص این که همین واقعه در کشور همسایه که آنان با آن بسیار مرتبط بودند نیز رخ داده بود. در بیانیه‌ای که در ۱۱ شعبان ۱۳۴۲/۱۷ مارس ۱۹۲۴ از سوی اتحادیه تجار تهران صادر شد به سابقه حضور تجار و اصناف در جنبش مشروطیت اشاره شد و اینکه آنان «جسورانه حکومت استبداد را مبدل به شوروی و مشروطیت» نمودند. تجار در بیانیه خود اذعان کردند یکی از اصول مشروطیت حفظ سلطنت در خانواده قاجار می‌باشد، ولی به دلیل آنکه این خاندان از اقتدار خود سوءاستفاده کرده‌اند:^(۲۱۲)

«و مملکت را به پرتگاه فنا و زوال سوق داده‌اند لذا تمام سکنه مملکت به صدای واحد الغای همین سلطنتی که نتوانست حیثیت مملکت و شرافت ما را صیانت نماید خواستار شده و هیأت اتحادیه تجار نیز که در تمام مراحل با کمال بی‌طرفی پیوسته ساعات مملکت را در نظر گرفته و مخصوصاً بیشتر از تمام طبقات واقف به فقر و فلاکت اهالی است بنام عظمت و سعادت ایران با هموطنان خود شراکت نمود تا حامل لوای آزادی جمهوریّت شود که بدان وسیله بتواند مقاصد ترقی خواهانه خود را که متضمن عظمت اسلام و آزادی‌نامه مملکت است [مطابق] قانون به حفظ استقلال ملی و تأمین امور اقتصادی و معاش جمهور

است تا مملکت بتواند [جمله] پیش‌آمدهای امروزی دنیا مقاومت نماید.

از مفاد این بیانیه نظر تلویحی تجار در موافقت با تغییر سلطنت استنباط می‌شود. آنان خود را با موج تلگراف‌ها و اعلامیه‌های منتشر شده در حمایت از جمهوری‌خواهی همراه نمودند. آنان جمهوری را وسیله‌ای برای «مقاصد ترقی‌خواهانه»^(۲۱۳) خود ذکر کردند تا بدین وسیله بتوانند از عهده زندگی در جهان امروز برآیند. اما وقایع بعدی و اعلام مخالفت علما آنان را بر آن داشت که مسأله را پیگیری نکنند.

از سوی دیگر، برخی منابع منتشر شده به مخالفت بازاریان و اصناف با مسأله جمهوری‌خواهی اشاره کرده‌اند. اصناف، کسبه و پیشه‌وران بازار در همراهی با علما به مخالفت با جمهوری پرداختند و به نظر می‌رسد موضوعی متفاوت از تجار بزرگ پایتخت بروز دادند. عدم همراهی اصناف بازار در بستن مغازه‌های خود به نفع جمهوری‌خواهان، وارد عمل شدن نظامیان در محاصره مسجدی که در داخل بازار قرار داشت و به نماز ایستادن یکی از روحانیون مخالف در صحن بازار و ترغیب و تهییج بازاریان در تظاهراتی بر ضد جمهوری و تجمع در اطراف مجلس و فرستادن روسای اصناف برای مذاکره با نمایندگان مجلس و نوشتن عریضه بر ضد جمهوری، همه حاکی از موضع روشن اصناف در مخالفت با جمهوری‌خواهی بود.^(۲۱۴)

علت مخالفت اصناف و بازار تهران با مسأله جمهوری‌خواهی را می‌توان به این صورت تحلیل کرد. یکی از دلایل این مسأله می‌توانست فشار نظامیان برای تعطیل کردن بازار باشد که موجب بروز واکنش از سوی اصناف شد. دیگر آنکه نزدیکی زمان عید و ضرر مادی بسته شدن بازار، اصناف را به مخالفت واداشت.^(۲۱۵) اما بنظر نمی‌رسد که اصناف با مفهوم جمهوری به درستی آشنا بوده‌اند.^(۲۱۶) از آنجایی که لفظ جمهوریت برای علما شناخته شده نبود و از دوران پیش از مشروطیت با کفر و بی‌دینی مترادف و دارای بار منفی معنایی بود، نمی‌توانست مورد تأیید علما قرار گیرد چرا که مفهومی ناآشنا بود و تجربه‌ای که در ترکیه به جا گذارده بود چندان مورد تأیید علما نبود.

شیخ محمد خالصی‌زاده^(۲۱۷) که از روحانیان سیاسی تبعید شده از عراق بود از ناراضایتی ایجاد شده در بازار توسط نظامیان بهره گرفت و با تحریک و تهییج بازاریان، آنان را به اطراف مجلس کشاند. پخش خبر سیلی خوردن مدرس، یک سید روحانی و نیز وجهه ضد دین جنبش جمهوری‌خواهی،^(۲۱۸) زمینه‌های هیجان عمومی بر ضد جمهوری را فراهم کرد. روحانیان و امامان جماعت محلی هر یک با دسته‌های محلی بر سیل مخالفان جمهوری افزودند. درگیری نظامیان و مردمی که اطراف مجلس اجتماع کرده بودند و اعتراض و مشاجره رییس مجلس با رضاخان وضعیت وی را تا حدی متزلزل ساخت.^(۲۱۹) رضاخان برای جلب نظر علما و رفع نگرانی خود از وخامت بیشتر اوضاع به قم رفت و با علمای تبعیدی نجف در قم که قرار بود به زودی به عراق بازگردند به مذاکره پرداخت و در نتیجه این

دیدار، تلگرافی از سوی علما به امضای آقا جمال اصفهانی، میرزا حسین نائینی و شیخ عبدالکریم حائری در رفع غائله جمهوری خواهی و موافقت نخست وزیر در این زمینه به عموم طبقات مخابره شد. هر چند که در متن تلگراف ستایش آشکاری از رضاخان به چشم نمی خورد ولی بی تردید این موضوع امتیازی برای وی قلمداد می شد. البته نائینی حمایت های بیشتر خود از رضاخان را پس از بازگشت به عراق انجام داد. وی تمثالی از علی بن ابی طالب برای رضاخان فرستاد و این امر بر موقع و اهمیت رضاخان افزود. (۲۲۰)

رضاخان به علما قول توقف غائله «جمهوریت» را داد و طی بیانیه ای به وضوح از جمهوری خواهی اعلام انصراف کرد. (۲۲۱) از آنجایی که از نظر رضاخان جمهوری خواهی یک راه یابی سیاسی برای حذف قاجاریه بود، عدم موفقیت وی در این راه بطور موقت دستیابی وی بر تمامیت قدرت سیاسی را به تعویق انداخت. با اعلام انصراف رضاخان، بسیاری از افراد و گروه هایی که پیش از این از جمهوری حمایت کرده بودند به تبعیت از رضاخان از جمهوری خواهی صرف نظر کردند. از این نمونه می توان از تلگرافی از اصفهان به وزارت داخله نام برد مبنی بر این که بر اساس مقتضایات از جمهوری خواهی صرف نظر می کنند. (۲۲۲)

متزلزل شدن موقعیت رضاخان، مخالفت علما با جمهوری خواهی و عقب نشینی رضاخان، هواداران جمهوری را نیز از این مسأله منصرف کرد. بدیهی است به دلیل مخالفت علما با این موضوع و پیشینه غیر دینی آن و ماجرای بازار، تجار بزرگ نیز واکنشی نشان نداده و ترجیح دادند این مسأله را با سکوت برگزار کنند. (۲۲۳) تجار در ماجرای جمهوری خواهی بر موج حوادث سوار بودند و هیچ نوع فعالیتی از خود بروز ندادند. علما در ماجرای جمهوری خواهی نشان دادند که هنوز توانایی کشاندن توده های مردم به صحنه های اجتماعی را دارند. آنان از مسأله مغایرت جمهوری با دین سخن گفتند که قطعاً می توانست کسبه جزء و پیشه وران بازار را تهییج کند. اما برای تجار بزرگی که با غرب آشنایی داشتند و در پی ترقی کشور بودند و اعمال رضاخان را به سود امور تجارتی خود می یافتند، نمی توانست مهیج باشد. تنها به دلیل محافظه کاری ذاتی تجار، همراهی همیشگی آن ها با علما، عدم پذیرش عمومی این امر و ایجاد جو هیجان عمومی که به انصراف رضاخان از این راه انجامید، از آن منصرف شدند. در هر حال طرح مسأله جمهوری خواهی بیشتر یک جنجال سیاسی برای آماده کردن افکار عمومی در تغییر سلطنت بود و به جز بر پاککنندگان آن، بسیاری از مردم به واقعیت مسأله آگاه نبودند.

پس از ماجرای جمهوری خواهی درگیری جناح های قدرت افزایش یافت. احمدشاه که در ماجرای جمهوری خواهی خطر از دست دادن تاج و تخت خود را دریافته بود، سعی در برکناری رضاخان از مقام ریاست وزرایی داشت؛ رضاخان به دنبال فرصتی برای تصاحب کامل قدرت، و مجلس نیز به دو گروه تقسیم شده بود، اکثریت طرفدار رضاخان و اقلیت

طرفدار احمدشاه که تغییر سلطنت را به صلاح کشور نمی‌دانست. رضاخان پس از شکست در جریان جمهوری خواهی از کار استعفا و به ملک خود در بومهن عزیمت کرد. (۲۲۴) کناره‌گیری رضاخان بیشتر به یک مانور سیاسی شباهت داشت. وی با استفاده از ارتشی که سازمان جدید آن را خود پایه‌ریزی کرده بود، موفق به کادرسازی قوی در سراسر کشور شد. نظامیان پایگاه حمایتی خوبی برای وی محسوب می‌شدند. روزنامه‌نگاران، وکلای دادگستری، شاعران و نویسندگان، دیوانسالاران نوگرا و رهبران نظامی، در شخص رضاخان کسی را می‌دیدند که اراده تغییر و نو کردن جامعه عقب‌مانده ایران را داشت و از او پشتیبانی کردند. (۲۲۵) بسیاری از رجال سیاسی، حتی مخالفان وی که او را به دلیل تندروی‌ها و خودسری‌هایش به شدت مورد انتقاد قرار می‌دادند، به دلیل شدت بحران سیاسی و ناتوانی نیروهای موجود سیاسی، و نبودن جایگزین مناسب نمی‌توانستند به حذف کامل رضاخان رأی دهند. به این دلیل مجلس با اکثریت بیش از نود نفر دوباره به رضاخان رأی اعتماد داد. (۲۲۶) در مردادماه ۱۳۰۳ خورشیدی، اقلیت مجلس، مدرس، حائری‌زاده، عراقی، کازرونی، اخگر، ملک‌الشعرا و حسن زعیم دولت رضاخان را در موارد زیر استیضاح کردند: (۲۲۷)

«۱- سوء سیاست نسبت به داخله و خارجه. ۲- قیام و اقدام بر ضد قانون اساسی و حکومت مشروطه و توهین به مجلس. ۳- تحویل ندادن اموال مقصرین و غیره به خزانه دولت و بودجه وزارت جنگ.»

رفتار خشن و خصلت‌های نظامی‌گرانه رضاخان، دخالت در امور دیگر وزارتخانه‌ها و اعمال خشونت‌آمیز وی در سرکوب عشایر، جنبه‌های مستبدانه رفتار او در خاموش کردن مخالفان، توقیف روزنامه‌ها و از بین بردن آزادی و بی‌توجهی او به نظام پارلمانی و مشروطیت موجب گشت که با وجود اقدامات مثبت وی در این زمان، گروه‌هایی از سیاستمداران و آزادیخواهان، به قدرت رسیدن وی را خطری برای مشروطیت به حساب آورند.

حضور کازرونی از تجار حاضر در مجلس، در بین گروه اقلیت مجلس و استیضاح‌کننده سردار سپه صرفاً حضور یک فرد سیاسی در گروه حزبی خود بود و بطور قطع وی سخنگوی طبقه خود محسوب نمی‌شد. استیضاح با ضرب و شتم نمایندگان اقلیت و خروج آنان از مجلس مسکوت ماند. اکثریت مجلس، دو فراقسیون تجدد و سوسیالیست، و تعدادی از منفردین به دولت رضاخان رأی اعتماد دادند. (۲۲۸)

حرکت بعدی سردار سپه که به فعال‌تر شدن و به میدان کشاندن تجار در حمایت از دولت وی منجر شد، مانور سیاسی سرکوب خزعل و قیام سعادت بود. این مسأله که بطور مستقیم به حذف نیروهای گریز از مرکز و حفظ امنیت کشور مرتبط بود، بر انتظار اصلی تجار از دولت دست‌گذار و به سیل تلگراف‌ها و حمایت‌های این طبقه از عملیات نظامی ریاست

وزرا انجامید. در هنگام ورود رضاخان به مناطق جنوب، تجار محلی از وی و همراهانش پذیرایی کردند و رضاخان به پاس قدردانی از خدمات حاج ابراهیم تاجر به وی لقب رئیس‌التجار اعطا کرد.^(۲۲۹) رضاخان پس از رفع غائله شیخ خزعل که موفقیت سیاسی بزرگی برای وی به همراه داشت به دیدار نائینی و چند تن دیگر از علمای نجف رفت و در مورد بازگشت احتمالی سلطان احمدشاه با آنان مذاکره کرد. حمایت آقایان نائینی و اصفهانی از رضاخان، موجب نزدیکی وی به حوزه نجف شد. رضاخان سعی کرد نظر مساعد آنان را به خود جلب کند. نائینی پس از به سلطنت رسیدن رضاخان تلگراف شادباشی برای وی مخابره کرد. جمعی از علمای اصفهان و شیراز از عملیات رضاخان در سرکوب متمرّدین و اشرار قدردانی کردند.^(۲۳۰) این مسایل وجهه مناسبی از رضاخان در بین مردم ایجاد کرد.^(۲۳۱) تجار داخل و خارج از کشور در این مرحله با حس اطمینان بیشتری از رضاخان حمایت کردند. نزدیکی وی به علما برای تجار بزرگ و ترقی‌خواه کشور قوت قلبی بود تا با اطمینان بیشتری وارد صحنه سیاسی و حمایت از ریاست وزرا شوند. تجار ایرانی خارج از کشور مقیم بصره، نجف، کربلا و دیگر شهرهای عراق در هنگام ورود رضاخان به این شهرها از وی استقبال کردند.^(۲۳۲) هنگام سرکوب خزعل، تلگراف‌های تبریک و حمایت اقشار مردم از جمله تجار از بیشتر شهرهای کشور به رضاخان مخابره شد. هیأت تجار تبریز و هیأت فلاحین و اصناف این شهر بخاطر پیروزی‌های بدست آمده به رضاخان تبریک گفتند.^(۲۳۳) تجار اهواز در تلگراف تبریک خود به رضاخان با ذکر اهمیت حکومت مبتنی بر قانون و اصل مرکزیت از اهداف رضاخان در «اجرای اصلاحات اقتصادی و ارتقای امور تجارتی که منشاء حیات مملکت است»، پشتیبانی کردند. آنان در بیانیه خود، «به هر جریان مخالفت‌آمیزی اظهار نفرت» کردند.^(۲۳۴) در بیانیه تجار به ترقی کشور، امنیت، ارتش قوی، حکومت قانون و اصل مرکزیت اشاره شد که محور اصلی خواست‌های تجار بود و دولت رضاخان توانسته بود به آنان پاسخ داده و یا لااقل خود را در مسیر تحقق آن نشان دهد. تجار این باور خود را که رضاخان می‌تواند به «اصلاحات اقتصادی و ارتقای امور تجارتی» کمک کند، بطور مشخص با حمایت از او نشان دادند.

تجار تهران به همراه رؤسای اصناف در مجلس شورای ملی حضور یافتند و با ریاست مجلس ملاقات کردند. برخی از تجار بیانات مفصلی ابراز کردند و رضایت خود را از اقدام‌های دولت رضاخان اعلام نمودند. آنان امنیت بوجود آمده را برای تجار بسیار حیاتی دانستند و خواهان متوقف شدن هر نوع مخالفت بر ضد رضاخان و دولت وی شدند.^(۲۳۵) هیأت اصناف نیز تلگراف حمایتی از رضاخان به حکومت و جراید ارسال کرد.^(۲۳۶) رضاخان در این مرحله موفق شد ریاست عالیّه کل قوای دفاعی و امنیتی کشور را بدست آورد و مرحله بعدی طرح تغییر سلطنت و انقراض قاجاریه بود. احمدشاه تصمیم گرفت به کشور بازگردد. حوادث و تحرک‌هایی، زمینه بروز

مخالفت‌های عمومی بر ضد سلطنت قاجار را فراهم کرد. بروز بلوای نان در تهران، توقیف هواداران شاه و درباریان و مخالفان دولت در تهران و شهرستان‌های مهم، شاه را برای بازگشت به ایران دچار تردید کرد.^(۲۳۷) نغمه مخالفت با سلطنت قاجار و خلع احمدشاه از تریز آغاز شد. به دنبال آن اعلامیه‌ای از سوی اتحادیه تجار مرکز صادر شد که از اهمیت خاصی برخوردار بود. در این مرحله فعالیت تجار و حضور آنان در صحنه سیاسی کشور یادآور حضور فعال آنان در جنبش مشروطیت بود و بیانگر این نکته که تجار تحقق خواست‌های خود را در استقرار حاکمیت جدید جستجو می‌کردند. در متن اعلامیه تجار مرکز چنین آمده است: (۲۳۸)

«ما تجار که سال‌ها گرفتار جنگال ظلم و استبداد و در اثر لاقیدی یک عناصر نالایقی که بدون استحقاق تاج و تخت مملکت ما را غاصبانه متصرف بوده و هرج و مرج و اصول ملوک‌الطوایفی را در اسقاع مملکت رواج داده به اعتبار و ثروت قاطبه تجار ضربه‌های مهلک وارد ساخته، زندگانی خود و اخلافمان را تهدید می‌کردند و بالاخره بر آن شدیم که با برادران غیور آذربایجان که در همه مواقع و موارد برای سیادت و سعادت مملکت پیشقدم بوده و در این موقع نیز که تشخیص علت و مرضی را داده و تصمیم کرده‌اند که به همت مردانه این لانه فتنه و فساد و آشیانه ظلم و استبداد را متلاشی سازند هم عهد و هم آواز شده و چاره منحصر به فرد آن را دانسته که به ذیل همت و فتوت یگانه فرزند دلیر مملکت حضرت آقای پهلوی توسل جسته تحسن اختیار کنیم. این است که به عموم تجار مملکت محروسه و افراد غیور آزادیخواه تحسن و مقصود خود را اطلاع و آن ذوات محترمه را به مشارکت در این نیت دعوت می‌نمایم. بدیهی است عموم افراد ملت برای برانداختن رژیم سابق و فرویختن این لانه فساد با ما شرکت جسته در تأسیس مجلس موسسان و تعیین حضرت آقای پهلوی به سلطنت انتخابی سریعاً اقدام عاجل نموده.»

تجار بزرگ تهران که اسامی آنها در ذیل اعلامیه منتشر شده است،^(۲۳۹) نظر خود را به کلیه اتحادیه‌های تجار ایالات و ولایات مخابره کردند و از آنها خواستند برای «خاتمه به این بحران و بلا تکلیفی» در این راه کوشا باشند. اتحادیه اصناف تهران نیز طی تلگرافی از تغییر سلطنت حمایت کرد.^(۲۴۰)

از هفته قبل از رأی‌گیری نهایی مجلس در مورد تغییر سلطنت، از آذربایجان و دیگر شهرها تلگراف‌هایی در لزوم انقراض قاجاریه و به قدرت رسیدن رضاخان به تهران مخابره شد. این تلگراف‌ها از شهرهای تبریز، سیرجان، شیراز، دزفول، همدان، یزد، محمره، کردستان، قصر، خرم‌آباد، بندرپهلوی، رشت، ساری، بیرجند، اشرف، مشهد، تربت و کرمان به حمایت از رضاخان فرستاده شد.^(۲۴۱) این تلگراف‌ها می‌توانست بر اثر اعمال نفوذ فرمانداران نظامی فرستاده شده باشد که بیش از حکام، قدرت را در ایالات در دست داشتند. با این حال در بیشتر آن‌ها به ایجاد امنیت توسط رضاخان اشاره شده است. در تلگراف دزفول

باز شدن راه خوزستان و باب تجارت منطقه ذکر شده و رضاخان را ناجی ایران نامیده‌اند. از جانب تجار یزد و تبریز نیز تلگراف‌های حمایت مخابره شد و به همین مسایل اشاره گردیده است. (۲۴۲)

در تهران اجتماعی در مدرسه نظام بر پا شد و مرکزی به نام کمیسیون مختلط نهضت ملی آذربایجان بوجود آمد که امور آن توسط حاج رحیم تاجر قزوینی اداره می‌شد. این مرکز فعالیت‌هایی در زمینه انتشار شبنامه و مراجعه‌هایی به مجلس به منظور خلع قاجاریه انجام می‌داد و برخی از روحانیان و تجار با آنان همکاری داشتند. تجمع تجار در منزل امین‌الضرب و تجمع در مدرسه نظام و کاخ ریاست‌وزرا از دیگر اقدام‌های تجار برای تغییرات سیاسی در کشور بود. (۲۴۳) هر چند برخی مورخان از جمله ملک‌الشعرا بهار، بنا به قول یک شاهد عینی تجمع در منزل ریاست‌وزرا را فریبی از سوی معین‌التجار دانسته که تجار را بدون میل باطنی و به بهانه مذاکره در امور اقتصادی نزد رضاخان برده‌اند و در جلسه در حضور رضاخان، فقیه‌التجار و سید محمد اسلامبولچی بدون آگاهی از نظر دیگر تجار، اعلام می‌کنند تا تغییر رژیم سیاسی در آن محل متحصن خواهند شد؛ (۲۴۴) ولی اینکه معین‌التجار توانسته باشد در حدود چهل تن از تجار مهم پایتخت را با طرح این مسئله که برای مشورت در مورد یک موضوع مهم اقتصادی باید به نزد نخست‌وزیر رفت به آن محل کشانده باشد و نظری مخالف رأی آنها مطرح کرده باشد، بسیار بعید و دور از ذهن بنظر می‌رسد. هر چند این امکان وجود دارد که حضور تجاری چون علی‌اکبر اخوان و تاجر کاشانی که به گفته خود نویسنده در امور سیاسی مطلقاً شرکت نمی‌کردند، می‌توانست به ترغیب معین‌التجار صورت گرفته باشد. ولی هیچکدام از این مواد نمی‌تواند شبهه‌ای در همراهی تجار با تحول سیاسی جدید ایجاد کند. تجار بزرگی چون معین‌التجار بوشهری، فقیه‌التجار و حاج رحیم‌آقا قزوینی وجود داشتند که در این زمینه فعالانه شرکت داشتند.

همراهی تجار با تغییر رژیم سیاسی با توجه به اقدام‌های رضاخان و خواست‌های آنان کاملاً مشخص است. حفظ امنیت و سرکوب شورش‌ها و طغیان‌ها در گوشه و کنار کشور، شوسه کردن راه‌ها، نظام اجباری و طرح تأسیس راه‌آهن، تصویب قوانینی در جهت خواست‌های تجار که از دوران جنبش مشروطیت تا آن زمان بدنبال تحقق آن بودند. برقراری ثبات سیاسی و تقویت دولت مرکزی و اجرای قوانین حمایتی از تجار در مقابل سرمایه‌های بیگانه و بخصوص مصوبات مجلس پنجم که بسیاری از تقاضاهای تجار را پاسخ داد: از جمله طرح تأسیس بانک ملی، قانون نظارت بر معاملات ارزی برای تنظیم داد و ستد پولی کشور و قانون انحصار تجارت خارجی و منع ورود اشیای تجملی که زمینه‌های آن در دوره پنجم مجلس فراهم گشت و برآوردن بسیاری از خواست‌های تجار که پیش از این به تفصیل در مورد آن سخن گفته شد، موجب گشت که اقدام‌های رضاخان نویدی برای آینده محسوب شود و این امید موجب حمایت تجار از روی کار آمدن رضاخان گردید.

خصلت‌های منفی شخصیت رضاخان که مهم‌ترین آن قلدری، خشونت، گرایش‌های خودکامانه و عدم توجه به نظام مشروطه که دستاورد سال‌ها تلاش مشروطه‌خواهان بود، می‌توانست برای بخشی از روشنفکران و آزادیخواهان تیزبین هشداردهنده باشد و به عنوان خطری برای آینده کشور محسوب شود. همین امر افرادی چون مدرس، مصدق، تقی‌زاده، علاء و دولت‌آبادی را بر آن داشت که عمل تغییر سلطنت را غیرقانونی بدانند و به عنوان احتمال جایگزینی دیکتاتوری جدید، با آن به مخالفت پردازند.^(۲۴۵) این نکته را باید یادآور شد که حساسیت‌هایی چون استبداد یا آزادی مساله اساسی و حیاتی روشنفکران و سیاستمداران آزادیخواه آن دوران بود و دیکتاتوری رضاخان به هیچ وجه برای آنان پذیرفته شده نبود، چون تمامی هستی و هویت آن‌ها را به مبارزه می‌طلبید. اما برای تجار طرح‌های قانونی جهت بهبود امر تجارت، ایجاد امنیت، مرکزیت دولت و ثبات و سامان سیاسی و خاتمه یافتن بحران‌های سیاسی کشور که می‌توانست فضای امن و آرام فعالیت‌های تجاری آنان را فراهم کند، در درجه نخست اهمیت قرار داشت. همانطور که رضایت‌توده‌های مردم نیز در بهبود اموری چون آذوقه، نان، بهداشت و امنیت عمومی می‌توانست فراهم گردد.

در واقع در این برهه تاریخی، تجار در انتخاب تاریخی خود، مردم‌سالاری، آزادی و مشروطیت را برای دستیابی به اهداف اساسی‌تر خود قربانی کردند. جنبش مشروطیت ایران به دنبال دستیابی به سه مؤلفه اساسی مردم‌سالاری، نهادهای مدرن و حکومت متمرکز بود. اما عدم موفقیت این جنبش در برداشتن موانع داخلی و خارجی موجب بسی‌ثباتی و بحران سیاسی و آشفتگی اجتماعی شد. مشروطیت توانست استقرار نظام پارلمانی و نهادهای مدرن را به رغم فراز و نشیب‌های بسیار مستقر کند، تا حدودی برای استقرار مردم‌سالاری مبارزه کند و حضور مردم در انتخابات و شکستن قدرت مطلقه سیاسی را به انجام رساند. دولت رضاخان طلیعه استقرار نهادهای مدرن و حکومت متمرکز را بخوبی آشکار ساخت. بسیاری از روشنفکران و مخالفان وی در حاکمیت وی ظهور نوعی دیکتاتوری سیاسی را پیش‌بینی کردند و تجار در این شرایط بحران‌زده که عملاً تجارت مختل شده بود و کل موقعیت طبقاتی آن‌ها در خطر بود، بر سر مردم‌سالاری دست به مصالحه زدند تا به مسایل عینی‌تری دست یابند که برای نجاتشان ضروری بود. بخصوص این که از مردم‌سالاری اوایل مشروطیت نیز دل خوشی نداشتند. تجار برای دستیابی به همه مواردی که تجارت و گردش سرمایه را ممکن می‌ساخت مردم‌سالاری را قربانی کردند تا نخست به نهادهای مدرن دست یابند. فارغ از آنکه این وضعیت تا چند سال اولیه دولت پهلوی کارساز بود و استقرار نظام دیکتاتوری پس از محکم کردن پایه‌های سلطنت و قدرت خود به حدی در تمرکز دولتی و انحصارهای دولتی پیشروی کرد که امکان فعالیت آزاد و بروز خلاقیت‌های لازم در پیشرفت امور را از تجار گرفت.^(۲۴۶) بدیهی است روشن شدن مسایل و مشکلات تجار پس از استقرار نظام دیکتاتوری پهلوی زمینه بررسی دیگری را

می‌طلبید.

دولت قاجاریه برخلاف تمامی حکومت‌های ایللی و سنتی در ایران که با شمشیر، خون‌ریزی و خشونت سرنگون شدند با شیوه نوین حاکم بر دولت‌های مدرن و با استفاده از نهادهای مدرن از قدرت برکنار شد و مجلس شورای ملی «به نام سعادت ملت، انقراض سلطنت قاجاریه را اعلام نمود.» در ابتدا حکومت موقتی در حدود قانون اساسی و قوانین موضوعه کشور به رضاخان پهلوی واگذار شد، و پس از آن با تشکیل مجلس موسسان در ۱۵ آذر ۱۳۰۴ خورشیدی موادی از متمم قانون اساسی تغییر و سلطنت رضاخان اعلام شد. (۲۴۷) پس از اعلام سلطنت پهلوی، از گوشه و کنار کشور تلگراف‌های شادباش و تبریک به شاه جدید مخابره شد. گزارش‌هایی از شهرها در برگزاری جشن و حضور تجار و اصناف و اقشار مختلف در ابراز خوشحالی از تغییر سلطنت و خواندن خطبه به نام پهلوی مخابره شد. (۲۴۸) همچنین نامه‌هایی از حکام ایالات مبنی بر خواندن خطبه سلطنت و برگزاری جشن در حضور علما، تجار و اصناف، و چراغانی بازار و کاروانسرا و اداره‌های دولتی به مرکز مخابره شد. (۲۴۹) مراسم جشنی نیز به مناسبت تاجگذاری رضاشاه در مرکز اتحادیه تجار برگزار شد و از عموم برای شرکت در این مراسم دعوت شد. (۲۵۰) بدین ترتیب چشم‌انداز جدیدی در مقابل تجار، اصناف و بازاریان کشور ایجاد شد و آنان را با مسایل جدیدتری مواجه کرد.

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

۱. پاولویچ، م. ویرانسکی، تریا، س، انقلاب مشروطیت ایران و ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی آن، ترجمه م. هوشیار، (تهران، ۱۳۳۰)، ص ۱۵۳.
۲. لازم به ذکر است رابطه تجار با دولت پهلوی دارای نوسان‌ها و تغییراتی در طی حاکمیت آن شد که این پژوهش صرفاً زمینه‌های استقرار دولت پهلوی تا اوایل حاکمیت آن را مورد بررسی قرار داده و اظهار نظر دقیق‌تر در مورد تمامی سال‌های حاکمیت پهلوی اول از حوزه این بررسی خارج است و نیازمند پژوهش دیگری است.
۳. ایران آزاد، ۶ محرم ۱۳۴۱/اول سپتامبر ۱۹۲۲، ش ۸۴ ص ۱.
۴. از حاج عباس لاری به وزیر داخله، ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۴۲، وزارت کشور، ۱/۶/۳۲۳۲/۱ [۲۹۰]، (م.ا.م).
۵. حبل‌المتین، سال ۳۲، ۱۵ صفر ۱۳۴۳/۱۵ سپتامبر ۱۹۲۴، ش ۱۱، ص ۷.
۶. هرج و مرج حاکم بر کشور، سران ایلات را به طغیان در مناطق مختلف کشور کشانده بود: مازندران (امیر موید سوادکوهی)، گرگان (ایل یموت و کوکلان)؛ سقز و بیانه (سید طه که با اسماعیل آقا سمیتقو رابطه داشت)؛ سنج (کلباغی‌ها)؛ کردستان (سردار رشید که ادعای خودمختاری در سراسر منطقه داشت)؛ کرمانشاه (سنجایی، کلهر، گوران و باباخانی)؛ خراسان (زعفرانلو، ترکمن)؛ خوزستان، لرستان و پشتکوه (قشقایی، ممسنی و بویراحمدی)؛ لرستان (لرها)؛ استرآباد (یموت و کوکلان)، بنجورد و قوچان (هزاره و کللی)، کرمان (بلوچ و ترک)، بلوچستان (بلوچ)، سمعید نفیسی، تاریخ شهریار، تهران، ۱۳۴۴، صص ۲۱-۲۰؛ فتح‌الله همایونفر، مردبزرگ تاریخ، (تهران، ۱۳۵۵)، صص ۳۲-۳۰، ۹۴-۹۶.
۷. پاولویچ، انقلاب مشروطیت، صص ۱۵۶-۱۵۵.
۸. یکی از افراد خاندان اتحادیه به نام محمد اتحادیه که برای گذراندن دوران سربازی خود در سال ۱۳۰۸ خورشیدی در شیراز به سر می‌برد، در نامه‌ای به حاج رحیم اتحادیه از سرکوب ایلات فارس توسط نیروهای دولتی شرحی نوشته است.

وی از درگیری با ایل بهارلو و سرکوهی و آمارهایی که از کشته‌شدگان و تسلیم‌شوندگانی که اسلحه‌های خود را تسلیم کردند، سخن گفته است و از اینکه بر نیروهای «ملوک‌الطوایفی» پیروز شده‌اند که قصد داشته‌اند کشور را «دچار بدبختی و ذلت» کنند، ابراز خشنودی کرد. (از محمد اتحادیه به حاج رحیم اتحادیه، ۸ آبان ۱۳۰۸، (آر.ا.ت.)).

۹. برای آگاهی بیشتر نگاه کنید به: پاولویچ انقلاب مشروطیت، صص ۱۵۴-۱۵۲؛ ملیکف، استقرار دیکتاتوری، صص ۹۶-۱۰۱؛ نصرت‌الله حکیم‌اللهی، عصر پهلوی و تحولات آن، (تهران، ۱۳۴۶)، صص ۱۹-۱۳؛ ایالت آذربایجان پس از قیام خیابانی و لاهوتی دچار سرکشان‌چی چون اسماعیل سمیتو و اقبال‌السلطنه ما کویی و دیگران شد که تا سال ۱۳۰۹ خورشیدی که سمیتو دستگیر شد، امنیت به این مناطق بازنگشت. خلع سلاح عشایر لرستان تا سال ۱۳۰۷ خورشیدی به طول کشید. استقرار امنیت کردستان نیز تا سال ۱۳۰۶ خورشیدی ادامه یافت. (سعید نفیسی، تاریخ شهریار، صص ۲۵-۲۴).

۱۰. برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به: مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۱، صص ۴۴۶-۴۴۷؛ بهار، احزاب سیاسی، ج ۱، صص ۲۵۸-۲۵۷؛ مستوفی، شرح زندگانی، ج ۳، صص ۵۲۶-۵۲۲؛ مخبرالسلطنه، گزارش ایران، صص ۳۸۰-۳۶۸.

۱۱. بهار، احزاب سیاسی، ج ۱، ص ۲۵۸.

۱۲. مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۱، صص ۵۵.

۱۳. بهار، احزاب سیاسی، ج ۱، صص ۶۴-۲۶۳.

۱۴. ملیکف، استقرار دیکتاتوری، ص ۱۰۰.

۱۵. روزنامه ایران، ۵ جمادی‌الثانی ۱۳۴۰، ۳ مارس ۱۹۲۲، ش ۱۰۷۲، ص ۲.

۱۶. ملیکف، استقرار دیکتاتوری، ص ۴۹؛ آقای دکتر اصغر مهدوی (امین‌الضرب) در مصاحبه حضوری از گروهی از تجار گیلانی سخن گفت که در دوران حکومت انقلابی گیلان به تهران مهاجرت کرده و از شرایط آن منطقه ابراز نارضایتی می‌کردند. همچنین نگاه کنید به: سعید نفیسی، تاریخ شهریار، صص ۲۴-۲۳.

۱۷. روزنامه ایران، ۲۹ رجب ۱۳۴۰/۲۹ مارس ۱۹۲۲، ش ۱۱۰۴، ص ۲؛ همان‌جا، اول شعبان ۱۳۴۰/۳۰ مارس ۱۹۲۲، ش ۱۱۰۵، ص ۲.

۱۸. روزنامه ایران نو، ۴ شوال ۱۳۴۱/۲۱ مه ۱۹۲۳، ش ۶، ص ۳.

۱۹. حبل‌المتین، سال ۱۳۳۴/۲۱ اوت ۱۹۲۵، ش ۲۶، ص ۲۴.

۲۰. بهار، احزاب سیاسی، ج ۲، ص ۱۴۷.

۲۱. «در مملکت شیر و خورشید در پس پرده طفیان شیخ خزعل»، [بی‌تا]، وزارت کشور، ۶-۱۹/۲۱/۱۳۹۳، (م.ا.م.).

۲۲. حاج محمدعلی بهبهانی معروف به رئیس‌التجار، پیشکار شیخ مزعل خان بود. شیخ مزعل به مقابله با تجارت انگلیسی‌ها در جنوب پرداخت و تمامی اقدامات انگلستان را به تهران خبرداد. در ۱۸۹۷ میلادی شیخ خزعل پنهانی با انگلستان سازش کرد و وعده همکاری داد. در مقابل انگلیسی‌ها نیز به وی وعده مساعدت دادند. وی شبانه بر برادرش شیخ مزعل شورید و جایگاه وی را غصب کرد. گفته شد رئیس‌التجار نیز در این دسیسه با خزعل همراهی کرده بود. شیخ خزعل نیز رئیس‌التجار را به عنوان پیشکار خود انتخاب کرد و با وی وصلت کرد. رئیس‌التجار به عنوان سخنگو و نماینده خزعل در بسیاری از مذاکرات حضور داشت. بدیهی است عمل رئیس‌التجار به هیچ وجه عملکرد طبقه تجار را نمایندگی نمی‌کند. برای آگاهی‌های بیشتر در مورد رئیس‌التجار نگاه کنید به: حبل‌المتین، سال ۳۲، ۱۷ جمادی‌الاول ۱۳۴۳/۱۵ دسامبر ۱۹۲۴، ش ۲۲، صص ۴-۲؛ همان‌جا، سال ۳۲، ۳ جمادی‌الاول ۱۳۴۳/اول دسامبر ۱۹۲۴، ش ۲۱، ص ۴؛ ایرج ذوقی، تاریخ روابط

سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ، (تهران، ۱۳۶۸)، صص ۴۹۴-۴۹۲.

۲۳. مکی، زندگانی احمدشاه، صص ۲۱۰-۲۰۹.

۲۴. رضاشاه، سفرنامه خوزستان، (تهران، ۱۳۵۵)، ص ۱۶۸.

یادداشت‌های فصل چهارم ۵۰۳

۲۵. همان‌جا، صص ۱۸۵-۱۸۳.

۲۶. سر پرسی لورین، شیخ خزعل و پادشاهی رضاخان، ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، (تهران، ۱۳۶۳)، چاپ اول، صص ۵۸-۵۹ انگلستان به حفظ آرامش و امنیت در جنوب نیاز داشت. این کشور برای حفظ امنیت مناطق نفت‌خیز با تشکیل پلیس جنوب و همکاری و حمایت از خزعل سعی در حفظ این امنیت داشت. حکومت مرکزی ایران نیز نیروی نظامی نیرومندی برای حفظ امنیت جنوب نداشت. علاوه بر این فعالیت‌های تجاری با هند نیز مستلزم چنین شرایطی بود. انگلستان چون نمی‌توانست به اقدامات دولت مرکزی متکی شود با قدرت‌های محلی در آمیخته بود. برای آگاهی از توافق خزعل و بریتانیا نگاه کنید به: ذوقی، روابط سیاسی، صص ۵۰۴-۴۸۸.

۲۷. مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۳، صص ۶۴۳-۶۴۱.

۲۸. نگاه کنید به: حبیل‌المتین، سال ۳۲، جمادی‌الثانی ۱۳۴۳/۲۹ دسامبر ۱۹۲۴، ش ۲۴، ص ۵ رضاشاه، سفرنامه خوزستان، صص ۶۴۳-۶۴۱؛ همچنین برای آگاهی از دیدگاه‌های نویسندگان وابسته به دربار پهلوی نگاه کنید به: علی بصری، یادداشت‌های رضاشاه کبیر در زمان ریاست‌الوزاری و فرماندهی کل قوا، ترجمه شهرام کریملو، (تهران، ۱۳۵۰).

۲۹. حبیل‌المتین، سال ۳۲، جمادی‌الاول ۱۳۴۳/۲۱ دسامبر ۱۹۲۴، ش ۲۳، صص ۱۰-۹.

۳۰. حبیل‌المتین، سال ۳۲، جمادی‌الاول ۱۳۴۳/۲۱ دسامبر ۱۹۲۴، ش ۲۳، صص ۱۱-۸، خزعل یازده سال زیر نظر دولت در تهران زندگی کرد و در ۳ خرداد ۱۳۱۵/۲۴ مه ۱۹۳۶ در تهران جان سپرد. (ذوقی، روابط سیاسی، صص ۵۹۱-۵۲۰).

۳۱. از تجاری که در استقبال از سردار سپه در نجف بسیار فعالیت داشتند می‌توان از حاج محمود آقا آیت‌الله‌زاده خراسانی نام برد. سردار سپه همچنین با علمای نجف به گفتگو نشست. اسامی علمایی که با سردار سپه به مذاکره پرداختند بدین شرح است: آقا میرزاهمدی آیت‌الله‌زاده خراسانی، آقا شیخ جواد جواهری، آقا سیدابوالحسن اصفهانی، آقا میرزا محمدحسین نائینی، آقا ضیاءالدین عراقی، آقا حاج محمود آقا آیت‌الله‌زاده خراسانی. (حبیل‌المتین، سال ۳۳، ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۴۳/۱۹ جولای ۱۹۲۵، ش ۲، صص ۱۷-۱۶).

۳۲. نگاه کنید به: مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۳، صص ۶۴۳-۶۴۱؛ بهار، احزاب سیاسی، ج ۲، صص ۱۷۰-۱۶۸.

۳۳. حبیل‌المتین، سال ۳۳، جمادی‌الثانی ۱۳۴۳/۱۹ جولای ۱۹۲۵، ش ۲، صص ۱۱-۱۰.

۳۴. اسامی تجاری که در این تلگراف نام آن‌ها ذکر شده است از این قرار می‌باشد:

حاج عبدالرسول رئیس‌التجار، حاج محمدباقر بهبهانی، حاج سیدابوالقاسم از طرف (حاج سیدمحمد رضا)، سیدحسین بهبهانی، سیدعلی کازرونی از طرف (گلشن)، میرزا محمود کازرونی، حاج ابوالقاسم و پسران، میرزا محمدجواد بانک، عبدالحسین مشعش، عبدالرسول چوبک، همچنین انجمن متحده و انجمن اخوت. (حبیل‌المتین، سال ۳۲، ۱۲ ربیع‌الثانی ۱۳۴۳/۱۰ نوامبر ۱۹۲۴، ش ۱۸، ص ۲۱؛ سردار سپه نیز در تلگرافی پاسخ‌تجار را مخابره کرد. (همان‌جا).

۳۵. همان‌جا، سال ۳۳، ۲۱ رجب ۱۳۴۳/۱۶ فوریه ۱۹۲۵، ش ۵، ص ۱۲؛ جوابیه آن نیز از سوی سردار سپه در همان شماره مخابره شد.

۳۶. «بیانیه هیأت اصناف»، [بی‌تا]، وزارت کشور، ۵/۱۹/۲۹۳/۲۹۳؛ (م.ا.م)؛ «جوابیه حکومت نظامی تهران به بیانیه اصناف»، ۲۸ عقرب ۱۳۰۳، وزارت کشور، ۱۱/۱۹/۲۹۳/۲۹۳؛ (م.ا.م)؛ «جوابیه حکومت نظامی طهران به هیأت اصناف اصفهان»، ۱۹ عقرب ۱۳۰۳، وزارت کشور، ۱/۴۵/۲۹۳/۲۹۳؛ (م.ا.م)؛ «جوابیه رئیس‌الوزرا به هیأت اصناف»، [بی‌تا]، وزارت کشور، ۲۸ و ۲-۳/۱۹/۲۹۳/۲۹۳؛ (م.ا.م)؛ تلگراف‌هایی نیز از سوی برخی اصناف اصفهان از جمله کارگران، کفاشان، بناها، حمامی‌ها، خیاطی‌ها، داروسازها و نساج‌ها در حمایت از ریاست وزرا برای درج در روزنامه‌ها منتشر شد. (به اطلاع مدیران محترم جرایده، ۱۴ عقرب ۱۳۰۳، وزارت کشور، ۱۵/۱۹/۲۹۳/۲۹۳)؛ (م.ا.م)؛ و وعاظ و اهل منبر نیز مشابه

۵۰۴.تجار، مشروطیت و دولت مدرن

همین تلگراف‌ها از تهران و اصفهان مخابره کردند و جوابیه‌هایی از سوی وزارت جنگ صادر شد. (جوابیه وزارت جنگ به وعاظ و اهل منبر، ۱۷ و ۱۸ عرق ۱۳۰۳، وزارت کشور، [۲۹۳]/۴۵/۴۱/۵ و [۲۹۳]/۱۹/۲۱۰/۱۳ (م.ا.م)).

۳۷. این گروه شعارهایی می‌دادند با عنوان «زنده باد حضرت اشرف و محبوباد خزعزل و خائنین مملکت» و از دولت خواستند برای «قلع و قمع خائنین»، اسلحه در اختیار آن‌ها قرار دهد. (از لشکر مرکز به ریاست وزرا، [بی‌تا] وزارت کشور، [۲۹۳]/۱۹/۲۱۰/۳۳ (م.ا.م)).

۳۸. پاولویچ، انقلاب مشروطیت، صص ۱۵۹-۱۵۸؛ سعید نفیسی، تاریخ معاصر ایران، (تهران، ۱۳۲۵)، صص ۳۷-۳۳.

۳۹. از کمیته راه‌سازی مازندران به وزارت داخله، سال ۱۳۰۴ خورشیدی، وزارت کشور، (۴۸)/[۲۹۰]/۶/۵۱۰/۱۰ (م.ا.م).

۴۰. از وزارت داخله به سرپرست شمال، سال ۱۳۰۴ خورشیدی، وزارت کشور، (۳۲)/[۲۹۰]/۶/۵۱۰/۱۰ (م.ا.م).

۴۱. شکایت حاج حسین آقا تاجر بارفروش به وزارت داخله، سال ۱۳۰۵ خورشیدی، وزارت کشور، (۱۰)/[۲۹۰]/۶/۵۱۰/۱۰ (م.ا.م).

۴۲. گزارش اعتراض تجار و اصناف به وزارت داخله، ۲۲ اسفند ۱۳۰۴، وزارت کشور، (۵/۲۶۵/۱)/[۲۹۰] (م.ا.م)؛ از سوی آقامیرزا آقا بزرگ نیز فتوایی صادر شد مبنی بر اینکه مأمورین راه‌سازی علاوه بر آنچه به رسم اعیانه می‌گیرند حق مطالبه وجه دیگری ندارند. (از آقا بزرگ به وزارت داخله، سال ۱۳۰۵ خورشیدی، وزارت کشور، (۷)/[۲۹۰]/۶/۵۱۰/۱۰ (م.ا.م)).

۴۳. حاج حسن خان به وزارت داخله گفته بود، چهار هزار تومان برای راه‌سازی پرداخته است، ولی «می‌خواهند که فرسخ راه کیا کلاه که از قرار معلوم فرسخی شصت هزار تومان هم ساخته نخواهد شد بر مشارالیه تحمیل کنند». یک نفر تاجر یا مالک از عهده چنین تحمیل بزرگی برنخواهد آمد. (تلگراف از بارفروش به وزارت داخله، سال ۱۳۰۲ خورشیدی، وزارت کشور، (۱۱)/[۲۹۰]/۶/۵۱۰/۱۰ (م.ا.م)).

۴۴. تلگراف از شیراز به وزارت داخله، ۹ جمادی‌الثانی ۱۳۴۱، وزارت کشور، (۲۱/۴/۵۳۶/۲۱)/[۲۹۰] (م.ا.م).

۴۵. گزارش از شیراز به وزارت داخله، [بی‌تا] [۱۳-۱۲/۴/۵۳۶/۲۱)/[۲۹۰] (م.ا.م)؛ از وزارت فلاحت و تجارت و فواید عامه به وزارت داخله، ۹ دلو ۱۳۰۱، وزارت کشور، (۲/۴/۵۳۶/۲۱)/[۲۹۰] (م.ا.م).

۴۶. حبل‌المتین، سال ۱۳۴۴/۱۶ فوریه ۱۹۲۶، ش ۶، ص ۲۳.

۴۷. میلسپر در مصاحبه‌ای راجع به باج راه جدید که از آغاز سال ۱۳۰۵ اجرا می‌شد، گفت که در ازای وضع این مالیات جدید، مالیات‌های دیگری لغو شده است که عبارت بودند از: باج راه، سوق‌الدواب، مالیات قیان میدان، لاردلالی، مرتع دواب، وسایل نقلیه و مالیات هوایی. (اطلاعات، ۲۶ ربیع‌الاول ۱۳۴۵/۱۴ کتبر ۱۹۲۶، ص ۱؛ روزنامه حبل‌المتین نیز طی مقاله‌هایی از تصویب قانون جدید حمایت کرد و آن را بسیار مفید خواند. (حبل‌المتین، سال ۱۳۴۴، اول رمضان ۱۳۴۴/۱۶ مارس ۱۹۲۶، ش ۹، صص ۳-۴).

۴۸. از کمیته راه به وزارت داخله، سال ۱۳۰۴ خورشیدی، وزارت کشور، (۶۲)/[۲۹۰]/۶/۵۱۰/۱۰ (م.ا.م).

۴۹. حبل‌المتین، سال ۱۳۴۳/۱۵ آبریل ۱۹۲۵، ش ۱۰، ص ۱۵-۱۵؛ همان‌جا، سال ۱۳۴۴/۴ ذی‌قعدة ۱۳۴۴/۱۵ ژوئن ۱۹۲۶، ش ۱۸، ص ۲۲.

۵۰. همان‌جا، سال ۱۳۴۴/۲۹ رمضان ۱۳۴۴/۱۳ آبریل ۱۹۲۶، ش ۱۲، ص ۲۰.

۵۱. همان‌جا، سال ۱۳۴۳/۲۱ شوال ۱۳۴۳/۱۵ مه ۱۹۲۵، ش ۱۴، ص ۲۰.

۵۲. مبالغی به منظور تأمین مخارج راه‌های مذکور از طرف وزارت فواید عامه پرداخته شد. (همان‌جا، سال ۱۳۴۳/۱۸ ذی‌حجه ۱۳۴۴/۲۹ ژوئن ۱۹۲۶، ش ۱۹، ص ۲۲).

۵۳. همان‌جا، سال ۱۳۴۶/۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۴۷/۱۹ کتبر ۱۹۲۸، ش ۴۳، ص ۱۴.

۵۴. از اداره حکومت طبرستان به وزارت داخله، ۱۵ اسفند ۱۳۰۴، وزارت کشور، (۲-۱۵/۱۵/۱۰)/[۲۹۰] (م.ا.م).

یادداشت‌های فصل چهارم ۵۰۵

۵۵. برای آگاهی‌های بیشتر از روند راه‌سازی طی دوران پهلوی نگاه کنید به: نفیسی، تاریخ شهریار، صص ۱۰۵-۱۰۴؛ همایونفر، مرد بزرگ، صص ۹۰ و ۱۰۹-۱۰۷ و ۱۱۱-۱۲۵.
۵۶. اطلاعات، ۱۳ صفر ۱۳۴۵/۲۲ اوت ۱۹۲۶، ش ۱۱، ص ۱.
۵۷. حبل‌المتین، سال ۳۵، ۱۱ رمضان ۱۳۴۵/۱۵ مارس ۱۹۲۷، ش ۱۳، ص ۱۶.
۵۸. نگاه کنید به: نفیسی، تاریخ شهریار، صص ۱۱۶-۱۱۰.
۵۹. مجلس شورای ملی به وزارت فواید عامه اجازه داد بدون هیچگونه خرجی راه‌آهن رشت به پيله بازار را از دو سمت امتداد دهد. (اطلاعات، ۱۶ جمادی‌الثانی ۱۳۴۶/۱۱۳ کتبر ۱۹۲۷، ص ۳).
۶۰. اطلاعات، ۱۸ ربیع‌الاول ۱۳۴۶/۱۶ سپتامبر ۱۹۲۷، ص ۶.
۶۱. نفیسی، تاریخ شهریار، صص ۱۱۶-۱۱۰.
۶۲. از وزارت دربار به ارباب کیخسرو شاهرخ، ۷ آذر ۱۳۰۸، وزارت دربار، نمره ۱۵۱۰۳، (م.ا.ر.).
۶۳. از ریاست وزرا به حاج امین‌الضرب، ۲۹ فروردین ۱۳۰۴، نمره ۴۴-۷۸۴، نخست‌وزیری، (م.ا.ر.)؛ از بانک شاهنشاهی به حاج رحیم اتحادیه، ۱۳ ذی‌قعدة ۱۳۳۶، پرونده‌نامه‌های مربوط به سال‌های ۱۳۳۶-۱۳۳۱ هجری قمری، (آ.ا.ت.).
۶۴. از کاستلی به امین‌الضرب، ۲ جمادی‌الثانی ۱۳۱۳/۲۱ نوامبر ۱۸۹۵، (آ.ا.ض.)، نقل شده از ناطق، بازرگانان، صص ۲۷۶-۲۷۷.
۶۵. حاج محمدتقی نجفی اصفهانی به حمایت از صرافان برخاست و به کمک صرافان به مقابله با شکل جدیدی که متداول شده بود، به حاکم اصفهان شکایت کردند. آنان طی نامه‌ای به امین‌الضرب از میزان مالیات صرافانی شکایت کردند. «مداخل صراف ایران با فرنگی و مالیات را ضعفا بدهند» در تأیید این مسأله محمدتقی نجفی نیز نامه‌ای به امین‌الضرب نوشت و افزایش تومانی دو شاهی و نیم بر مالیات را غیرمنصفانه خواند. (از صرافان اصفهان به امین‌الضرب، سال ۱۸۹۲/۱۳۱۰ و از محمدتقی نجفی به امین‌الضرب، سال ۱۸۹۲/۱۳۰۹، (آ.ا.ض.)، نقل شده از ناطق، بازرگانان، صص ۲۹۹-۲۹۸، صص ۲۷-۳۱).
۶۶. دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۴، ص ۲۰۱.
۶۷. صورت جلسه‌ای با رییس بانک شاهنشاهی و وزیر مالیه، ۱۶ دی ۱۳۰۷، (آ.ا.ت.).
۶۸. از حاج عبدالرضا اصفهانی به حاج رحیم اتحادیه، ۲۶ جمادی‌الاول ۱۳۴۰، نامه‌های سال ۱۳۴۰ قمری، (آ.ا.ت.).
۶۹. از وزارت داخله به حکومت اصفهان، ۱۳ ذی‌قعدة ۱۳۳۱، وزارت کشور، ۱/۸/۱۸۱/۱ [۲۹۳]؛ از وزارت مالیه به اداره خزانه‌داری کل، ۲۸ دلو ۱۳۳۱، وزارت مالیه، ۱۵/۲۱ [۲۴۰].
۷۰. «شرکت اقتصاد رفسنجان» بر طبق شراکت‌نامه‌های شرعی و نه بر اساس قانون مصوب مجلس تشکیل شده بود. افراد مؤسس آن شانزده نفر و جمع سرمایه آن‌ها در حدود هفت هزار تومان بود. این شرکت از تعدادی تجار رفسنجانی و یزدی و یک عالم دینی تشکیل شده بود. اسامی اعضای این شرکت بدین قرار بود: آقا علی معاون‌التجار، آقا سیدرضا، علی‌اکبر حسن‌زاده، علی‌اکبر مجدالاشراف، کاظم معین‌التجار، محمد شرکا، حاج محمدباقر مرشد، حسین یوسف‌اف، غلام‌رضا عطاری، مهدی معین‌زاده، میرزاابراهیم هرندی، میرزا حسن نواب‌زاده، میرزا علی یزدی‌نیا، حسن رفسنجانی، مهدی یزدی، علی‌اکبر امین‌التجار. در گزارش وزارت داخله اغلب اعضای شرکت به حزب سوسیال دمکرات متسبب شده‌اند و با خارج نیز معامله ندارند. (از وزارت داخله به ریاست وزرا، ۲ دی ۱۳۰۶، ۳/۱۰۴۰۰۱، (م.ا.م.)).
۷۱. اسکناس‌های شرکت علاوه بر مهر شرکت دارای مهر شش تن از موسسان آن نیز بود. (از تشکیلات کل نظمی به وزارت داخله، ۱۷ آبان ۱۳۰۶، ۳/۱۰۴۰۰۱، (م.ا.م.)).
۷۲. «اعلان بانک شاهنشاهی»، ۱۲ اسفند ۱۳۰۴، وزارت کشور، ۱/۲۰۴/۱ [۲۹۰]، (م.ا.م.).

۵۰۶. تجار، مشروطیت و دولت مدرن

۷۳. «اعلان حکومت اصفهان»، ۲۰ بهمن ۱۳۰۴، وزارت کشور، ۱/۲۰۴/۲ [۲۹۰] (م.ا.م).
۷۴. گزارش نامه شرکت شرافت یزد به وزارت داخله، [بی تا]، وزارت کشور، ۱۸/۱۸۲/۱ [۲۹۳] (م.ا.م).
۷۵. به وزارت داخله، [بی تا]، وزارت کشور، ۱۸/۱۸۲/۱ [۲۹۳] (م.ا.م).
۷۶. در گزارشی که وزارت مالیه در مورد وضعیت مالی بانک ایران به ریاست وزرا می دهد. میزان دارایی این بانک را از زمان انتقال تا آخر بهمن ماه ۱۳۰۶ رو به کاهش توصیف می کند. (گزارش وزارت مالیه به ریاست وزرا، بهمن ۱۳۰۶، (آر.ا.ت).
۷۷. مجموعه نامه های مربوط به دعوی ناظم التجار، امین الضرب و بانک ایران: از ریاست وزرا به مالیه، ۲۷ جدی ۱۳۰۳، نمره ۱۰۹۲۹؛ از مالیه به ریاست وزرا، ۲۱ بهمن ۱۳۰۴، نمره ۲۲۳۷؛ از بانک ایران به ریاست وزرا، ۱۱ مهر ۱۳۰۱، نمره ۹۲۶۹؛ از مالیه به ریاست وزرا، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۰۴، نمره ۳۷۶۲؛ شکایت حاج نصرالله تهرانی از بانک ایران، [بی تا]، نمره ۱۴۰۵۲؛ از ریاست وزرا به مالیه، ۲۶ اسد ۱۳۰۲، نمره ۱۴۰۵۲؛ از ریاست وزرا به بانک ایران، ۲۱ حمل ۱۳۰۱، اسناد نخست وزیری، (م.ا.م).
۷۸. جفری جونز، «بانک شاهنشاهی و دولت ایران از قرارداد ۱۹۱۹ تا دوره رضاشاه»، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، آینده، سال پانزدهم (۱۳۶۸)، ش ۲-۱، صص ۶۱-۵۷.
۷۹. همان جا، ص ۶۲.
۸۰. کمک های بانک در فاصله سال های ۱۹۲۵-۱۹۲۳ میلادی به هفتصد تا نهصد هزار لیره می رسید. (همان جا، صص ۶۶-۶۳).
۸۱. همان جا، صص ۶۸-۶۶.
۸۲. «استقلال اقتصادی لازم است»، حبل المتین، سال ۳۶، ۲۳ ذی حجه ۱۳۴۶/۱۲ ژوئن ۱۹۲۸، ش ۲۷، صص ۵۶-۵۵ در بیشتر شماره های روزنامه حبل المتین سال ۱۳۴۶ و ۱۳۴۷ قمری در مورد لزوم لغو امتیازنامه بانک شاهنشاهی که اقتصاد ایران را فلج کرده، مقاله های متعددی نگاشته شده بود. (همان جا، سال ۳۶، اول محرم ۱۳۴۷/۱۹ ژوئن ۱۹۲۸، ش ۲۸، صص ۲).
۸۳. «بانک شاهنشاهی»، همان جا، سال ۳۵، ۶ رجب ۱۳۴۵/۱۱ ژانویه ۱۹۲۷، ش ۴، صص ۷-۶.
۸۴. «بانک عمومی»، همان جا، سال ۳۴، ۱۷ جمادی الاول ۱۳۴۴/۲۳ نوامبر ۱۹۲۶، ش ۲۲، ص ۱۲.
۸۵. نگاه کنید به: همان جا، سال ۳۶، ۳ ذی قعدة ۱۳۴۶/۲۴ آوریل ۱۹۲۸، ش ۲۰، صص ۲۴-۲۳.
۸۶. در ابتدا قرار بود سرمایه اولیه بانک از فروش جواهرات سلطنتی و خالصجات و وجه نقدینه راه آهن تأمین شود و چون مبالغ پیش بینی شده تأمین نشد. بانک ملی بر طبق اساس نامه آن که در ۱۴ تیرماه ۱۳۰۷ به تصویب رسید با سرمایه دو میلیون تومان تشکیل شد که از این مبلغ نیز تنها هشت صد هزار تومان آن پرداخت شد. («بانک عمومی»، حبل المتین، سال ۳۴، ۱۷ جمادی الاول ۱۳۴۴/۲۳ نوامبر ۱۹۲۶، ش ۲۲، صص ۱۲؛ «اساس نامه بانک ملی»، همان جا، سال ۳۶، ۲۷ صفر ۱۳۴۷/۱۴ گوست ۱۹۲۸، ش ۳۵ و ۳۶، صص ۲۱).
۸۷. «اساس نامه بانک ملی»، همان جا، سال ۳۶، ش ۳۶ و ۳۵، ص ۲۲.
۸۸. گزارش سالیانه و بیلان بانک ملی، سالنامه پارس، سال ۱۳۱۱ خورشیدی، ص ۱۵۷.
۸۹. همایونفر، مرد بزرگ، ص ۱۳۶، در سال های بعد بانک ملی با بحران هایی مواجه شد. در بررسی بیلان سال ۱۳۱۰ خورشیدی بانک ملی مشخص شد که ریاست سابق بانک از حدود وظایف خود و عملیات عادی بانک خارج شده و اعمالی برخلاف مصلحت بانک انجام داده است. تا قبل از اعلام نتیجه بررسی، معاون آلمانی بانک گریخت و در بیروت خودکشی کرد. اعمال خلاف روسای بانک خسارت های زیادی به بانک وارد کرد و اعتمادی عمومی را نسبت به آن سلب کرد. بسیاری سپرده های خود را از بانک خارج کردند. ولی دولت با تقبل پرداخت زیان بانک آن را از ورشکستگی نجات

یادداشت‌های فصل چهارم ۵۰۷

داد. پس از آن رضاقلی امیر خسروی به ریاست بانک گمارده شد. در ۱۳۱۱ خورشیدی بانک ملی اسکناس‌های جدیدی به جریان انداخت و سیاست انتشار اسکناس‌های محلی موقوف و رویه یکسانی متداول شد. در سال مذکور اسکناس‌های بانک ملی و بانک شاهنشاهی هر دو در جریان بود. بانک در کمک به احداث راه آهن سراسری وام‌هایی پرداخت کرد. بانک ملی پایه پول را از قران به ریال مبتنی بر طلا تغییر داد زیرا کاهش ارزش نقره در بازار جهانی موجب کاهش ارزش قران و قدرت خرید پول ایران در بازار جهانی شده بود. ارزش نقره از ۱۹۳۱-۱۹۲۸ میلادی به میزان ۳۳ درصد کاهش یافته بود. (و گزارش سالیانه ۱۳۱۲ خورشیدی، سالنامه پارس، سال ۱۳۱۲ خورشیدی، ص ۱۷۲).

۹۰. اختلاف حساب و طلب بانک از امین‌الضرب به مداخله معین‌التجار منجر شد و برای حل اختلاف‌های مالی قراردادی مابین بانک شاهنشاهی و امین‌الضرب منعقد شد که مبنی بر تعیین چگونگی بازپرداخت بدهی‌ها و بازپس گرفتن اسلاک مصادره شده توسط بانک بود. (قرارداد بین بانک شاهنشاهی و امین‌الضرب، ۲۹ شهریور ۱۳۰۹/۳۰ سپتامبر ۱۹۳۰، ۱۵۶۵۲-ق، (م.ا.ب)).

۹۱. از محمدحسین تبریزی به حاج‌رحیم اتحادیه، ۴ جمادی‌الاول ۱۳۴۸، مجموعه مکاتبات سال ۱۳۴۸ قمری، (آ.ا.ت).

۹۲. از محمدحسین تبریزی به حاج‌رحیم اتحادیه، ۱۸ جمادی‌الاول ۱۳۴۸، همان جا.

۹۳. تقاضای تأسیس شعبه‌ای از بانک ملی در بارفروش، [بی‌تا]، وزارت کشور، ۱۸/۴/۱۳۰۳، (م.ا.م).

۹۴. گزارش حکومت گیلان از وضعیت موجود آمده با حضور جنگلی‌ها و نیروهای بیگانه در منطقه، افکار عمومی و شرح کامل و مفصلی از تمامی تغییرات اجتماعی، اقتصادی، نظامی و غیره ارائه می‌دهد. در مورد بحران اقتصادی در منطقه از تشکیل شورای تجاری برای حل مسایل تجاری و صنعتی منطقه گزارش می‌دهد. (از حکومت گیلان و طوالتش به وزارت داخله، اول دلو ۱۲۹۹، وزارت مالیه، (۱-۲) ۸۷/۳۱/۴۱ [۲۴۰]، (۴-۶) و (۱-۲) ۸۸ (م.ا.م)).

۹۵. از وزارت فوائد عامه به وزارت مالیه، ۸ جوزا ۱۳۰۳، وزارت مالیه، (۱۱ و ۱۰) ۴۱/۲۱۰ [۲۴۰]، (م.ا.م)؛ وزارت فوائد عامه از وزارت مالیه می‌خواهد از تمامی ولایات از جمله شیراز، یزد، همدان، کرمان، مشهد، شاهرود، نیشابور، سبزوار، استرآباد، مازندران، رشت، انزلی، قزوین، کرمانشاهان، عراق [عجم] و قم کتابچه‌ای تنظیم نماید مشتمل بر اسامی تجار، نوع تجارت، و واردات و صادرات و به مرکز ارسال نماید. (از وزارت فوائد عامه به وزارت مالیه، حمل ۱۳۰۳، وزارت مالیه، ۲۳/۴۱/۲۱۰ [۲۴۰]، (م.ا.م)؛ البته این گزارش‌ها می‌توانست برای گرفتن کمک‌های مالی از این افراد و تنظیم مالیات نیز باشد که به اسم معرفی به تجارتخانه‌های خارجی عنوان شده است.

۹۶. وزارت مالیه طی گزارشی از عدم موفقیت خود در کسب آگاهی‌های لازم گزارش می‌دهد و گزارش خود را با نام تعدادی از تجار معتبر خاتمه می‌دهد. اداره مالیه استرآباد اسامی تجار مهم آن منطقه را بدین شرح اعلام می‌کند؛ حاج محمدرضا باقراف، وکیل‌التجار، حاج رجبعلی حسن‌الف، حاج شیخ علی، حاج محمداسماعیل رضاقلی‌اف، حاج شیخ رضا، حاج محمد زمانی، حاج حسن بنیچه، حاج عباسعلی خیاط، آقا میررحیم، قاسم‌اف، حاج عباس شفیعی، حاج محمدرحیم باقراف و تجارتخانه بزازان و شرکا. (اداره مالیه استرآباد به وزارت مالیه، ۸ جوزا ۱۳۰۳، وزارت مالیه، ۱۱ و ۱۰/۴۱/۲۱۰ [۲۴۰]، (م.ا.م)).

۹۷. اداره مالیه کرمانشاه چون نتوانست اطلاعات لازم را از طریق مستقیم بدست آورد به اتحادیه تجار و ملک‌التجار متوسل شد. ولی آنان نیز نتوانستند آگاهی‌های لازم را بدست دهند، عنوان شد: «تجار کرمانشاهان غالباً سرمایه عمده ندارند و دلال یا واسطه معاملات هستند» و به این بهانه از دادن اطلاعات طفره رفتند. (از اداره مالیه کرمانشاهان به وزارت مالیه، ۹ سرطان ۱۳۰۳، وزارت مالیه، ۱۲/۴۱/۲۱۰ [۲۴۰]، (م.ا.م)).

۹۸. به اجازه دولت و کمک اتحادیه تجار، «نمایشگاه امتعه وطنی» تشکیل شد که منحصر به نمایش کالاهای داخلی بود. از دیگر کشورها فقط «ماشین‌های مفیده» اجازه شرکت داشتند. اما متخصصان امور تجاری ادعا کردند تجار ایرانی معنی

۵۰۸. تجارت، مشروطیت و دولت مدرن

نمایشگاه کالاهای وطنی را خوب درک نکرده‌اند و آن را با بازار مکاره اشتباه گرفتند و به جای اینکه برای ترویج کالاها قیمت‌های مناسبی ارائه دهند، سعی می‌کردند اجناس خود را با صرفه به فروش برسانند. (حبل‌المتین، سال ۳۲، ش ۲، صص ۱۱-۱۲).

۹۹. «بشارت به حساسین وطن پرستان»، اطلاعات، اول رجب ۱۳۴۶/۲۶ دسامبر ۱۹۲۷، ص ۱.
۱۰۰. غلام حسین میرزاصالح، جنبش میرزا کوچک‌خان بنابر گزارش‌های سفارت انگلیس، (تهران، ۱۳۶۹)، ص ۱۴۳.
۱۰۱. «نظامنامه وزارت مالیه»، شهریور ۱۳۰۶، وزارت مالیه، ۱/۹۶/۷۵/۱ [۲۴۰]، (م.ا.م.).
۱۰۲. اطلاعات، ۱۳ شعبان ۱۳۴۵/۶ فوریه ۱۹۲۷، ص ۱.
۱۰۳. «مذاکره‌های تجارت و کمیسیون تحقیق وزارت فواید عامه»، [بی‌تا] نخست‌وزیری، (م.ا.م.).
۱۰۴. از حاج محمدحسین کازرونی به وزارت دربار، ۶ ذی‌حجه ۱۳۴۷، وزارت دربار، (م.ا.م.).
۱۰۵. در مورد تعیین این کالاها اختلاف‌نظرهایی وجود داشت که در سال‌های بعد با انتخاب گروهی از تجار در این مورد تصمیم گرفته شد. برخی از تجار در مورد عوارض گمرکی ورود صابون‌های غیرعطری اعتراض کردند و آن را کالایی غیرتجملی دانستند. (گزارش اداره گمرک، اول اردیبهشت ۱۳۰۵، وزارت مالیه، ۲۵/۳۶/۵۶/۲۴۰]، (م.ا.م.).
۱۰۶. «قسمت اقتصادی»، حبل‌المتین، سال ۳۶، ۱۴ شعبان ۱۳۴۶/۷ فوریه ۱۹۲۸، ش ۹، صص ۱۳-۱۲.
۱۰۷. «توجه به تعرفه گمرک جدید»، همان جا، سال ۳۶، ۱۴ ربیع‌الثانی ۱۳۴۷/۱۹ کتبر ۱۹۲۸، ش ۴۳، صص ۱۶-۱۴.
۱۰۸. گزارش کارگزاری مازندران به وزارت امور خارجه، ۸ ثور ۱۳۰۲، وزارت مالیه، ۸/۷۵/۲۵۱/۲۴۰]، (م.ا.م.).
۱۰۹. «سواد پیشنهاد اداره گمرک به وزارت مالیه»، ۴ ثور ۱۳۳۷/۲۴ آوریل ۱۹۱۹، وزارت مالیه، (۳-۱) و (۲-۱) ۲۸/۷۶/۸۲ [۲۴۰]، (م.ا.م.).
۱۱۰. به معین‌التجار بوشهری، ۴ صفر ۱۳۴۱، اسناد معین‌التجار، ۱۱۵۴۷۷-ق، (م.ا.ب.).
۱۱۱. اطلاعات، ۴ ربیع‌الاول ۱۳۴۵/۱۲ سپتامبر ۱۹۲۶، ص ۱.
۱۱۲. نگاه کنید به: «تعرفه گمرکی»، همان جا، ۱۲ صفر ۱۳۴۶/۱۲ اوت ۱۹۲۷، ص ۱؛ «استقلال گمرکی با تعرفه قانونی»، حبل‌المتین، سال ۳۶، ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۴۶/۸ مه ۱۹۲۸، ش ۲۲، ص ۷.
۱۱۳. «امنیت قضایی»، حبل‌المتین، سال ۳۴، اول جمادی‌الثانی ۱۳۴۵/۷ دسامبر ۱۹۲۶، ش ۲۴، ص ۸.
۱۱۴. «در مملکت قانون باید حکمفرما باشد»، همان جا، سال ۳۴، ۲۹ رمضان ۱۳۴۴/۱۳ آوریل ۱۹۲۶، ش ۱۲، ص ۷-۶.
۱۱۵. اطلاعات، ۱۳ شعبان ۱۳۴۵/۱۶ فوریه ۱۹۲۷، ص ۱.
۱۱۶. حبل‌المتین، سال ۳۲، ۲۹ محرم ۱۳۴۷/۱۷ ژوئیه ۱۹۲۸، ش ۳۲، ص ۲۳.
۱۱۷. همان جا، سال ۳۳، آخر محرم ۱۳۴۴/۲۱ اوت ۱۹۲۵، ش ۲۶، ص ۲۳.
۱۱۸. در گزارش اختلاف بین حاج معین‌التجار و ملک‌التجار، مهر و موم کردن کارخانه غیرقانونی خوانده شد. به کارگیری کلماتی همچون قانونی یا غیرقانونی حاکی از تفاوت شرایط ایجاد شده نسبت به گذشته بود. (تلگراف به رشت، [۱۳۰۶] خورشیدی]، ۱۴/۱۰۴۰/۱۸۲۸، (م.ا.م.).
۱۱۹. از وزارت داخله به کفیل ایالت فارس، [۱۳۰۳ خورشیدی]، وزارت کشور، ۱/۶/۶۷۳/۲۹۰]، (م.ا.م.).
۱۲۰. حبل‌المتین، سال ۳۵، ۱۹ محرم ۱۳۴۶/۱۹ ژوئیه ۱۹۲۷، ش ۲۸-۲۷، ص ۲۹.

۱۲۱. از سوی تجار دزدان بیانیهای به مجلس عالی تجارت فرستاده شد مبنی بر اینکه در آغاز افتتاح دوره پنجم مجلس شورای ملی از طرف دولت رضاخان پیشنهادی راجع به یکسان کردن اوزان و مقادیر به مجلس تقدیم شد ولی تا کنون از تصویب آن خبری نیست. در انتقاد از مجلس گفته شد که در دوره‌های قبل مجلس، نمایندگان شکایت می‌کردند که چرا قوانین مصوب مجلس از سوی دولت اجرا نمی‌شود ولی در این زمان وضع برعکس شده «دولت برای اجرای قوانین حاضر

یادداشت‌های فصل چهارم ۵۰۹

است ولی قوانین موضوعه از مجلس نمی‌گذرد. در پایان‌نامه شرح مفصلی از مشکلات مربوط به متفاوت بودن اوزان و مقیاس‌ها به میان آمده است. (حبل‌المتین، سال ۳۳، ۷ رجب ۱۳۴۳/۲ فوریه ۱۹۲۵، ش ۳، صص ۱۸-۱۷).

۱۲۲. از نمونه این قوانین می‌توان به موارد ذیل اشاره کرد: قانون مجازات قطاع‌الطریق (۹ خرداد ۱۳۰۰)؛ قانون علامات صنعتی (۹ فروردین ۱۳۰۴)؛ قانون دفاتر اسناد رسمی (۱۳ بهمن ۱۳۰۷)؛ قانون ثبت شرکت‌ها (۲ خرداد ۱۳۱۰)؛ قانون تجارت (۱۳ اردیبهشت ۱۳۱۱)؛ قانون اوزان و مقیاس‌ها (۱۸ دی ۱۳۱۱)؛ قانون اصول محاکمات حقوقی و تجاری (۲۸ دی ۱۳۱۴)؛ نفیسی، تاریخ شهریار، صص ۴۶-۴۱.

۱۲۳. انتخابات مستقیم، مخفی و یک درجه موجب دخالت متنفذان محلی با استفاده از زور یا پول شد و بر تعداد مالکان افزود. (بهار، احزاب سیاسی، ج ۱، ص ۳۰۶).

۱۲۴. از نمایندگان تاجر پیشه مجلس چهارم می‌توان از حاج سید حبیب‌الله، امین‌التجار، آریاب‌کیخسرو شاه‌رخ، میرزا علی کازرونی، حاج معتمدالتجار و رضا مهدوی (رییس‌التجار) نام برد.

۱۲۵. نگاه کنید به: شجعی، نمایندگان مجلس، جدول ش ۴، ص ۱۸۵.

126. Abrahamian, Iran, p 120-121.

127. Ibid, p 121.

128. Ibid, p 127.

۱۲۹. مذاکرات مجلس شورای ملی دوره چهارم، (تهران، ۱۳۳۰)، ج ۱، صص ۲۶۴-۲۶۳.

۱۳۰. همان‌جا، ج ۱، ص ۳۰۳.

۱۳۱. همان‌جا، ج ۲، ص ۴۸۱.

۱۳۲. همان‌جا، ج ۳، صص ۱۵۸۴-۱۵۸۳.

۱۳۳. همان‌جا، ج ۳، ص ۱۵۰۹.

134. Abrahamian, Iran, p 131.

۱۳۵. شکایت تجار از ارفع‌المالک، [سال ۱۳۰۱ خورشیدی]، وزارت کشور، ۱۹/۲/۲۹۳] (م.ا.م).

۱۳۶. شکایت محمدجعفر آقا اصفهانی، [رمضان ۱۳۴۲]، وزارت مالیه، (۶ و ۲) ۲۹۴/۶۸/۲۹۴] (م.ا.م).

۱۳۷. از اداره شرق به وزارت داخله، ۴ حمل ۱۳۰۱، وزارت کشور، ۲۰/۲/۲۹۳]؛ از مقرب‌السلطنه به ریاست وزرا، ۱۰ حمل ۱۳۰۰، وزارت کشور، ۱۸/۲/۲۹۳]؛ از حکومت و سرحداری دزدآب به وزارت داخله، ۲۱ حوت ۱۳۴۰، وزارت کشور، ۲-۲/۴۷/۲۹۳] (م.ا.م).

۱۳۸. از ریاست وزرا به حجت‌الاسلام آقای آقازاده، ۵ حمل ۱۳۰۱، وزارت کشور، ۲۴/۴۷/۲۹۳] (م.ا.م).

۱۳۹. «تلگراف تجار اصفهان به حمایت از تجار شیراز»، مذاکرات مجلس چهارم، ج ۳، ص ۱۶۷۵.

۱۴۰. «عریضه اتحادیه تجار همدان» به مجلس، همان‌جا، ج ۳، ص ۱۶۰۱.

۱۴۱. همان‌جا، ج ۳، ص ۱۴۳۶.

۱۴۲. روزنامه اقتصاد ایران، ۹ ربیع‌الاول ۱۳۴۱/۱۳۰، کتبر ۱۹۲۲، ش ۶۴، ص ۱.

۱۴۳. از وزارت مالیه به وزارت داخله، ۲۷ دلو ۱۲۹۹؛ از اداره گمرک به وزارت مالیه، ۲۱ دلو ۱۲۹۹؛ از وزارت امور خارجه به وزارت داخله، ۲ جمادی‌الاول ۱۳۳۹، آلبوم: ۵۳۳۳ (م.ا.م)؛ همچنین مذاکرات مجلس چهارم، ج ۳، صص ۱۴۳۶، ۱۹۲۳، ۱۴۵۶.

۱۴۴. مذاکرات مجلس چهارم، ج ۲، ص ۱۹۳؛ روزنامه ایران، ۷ شعبان ۱۳۴۰/۵ آوریل ۱۹۲۲، ش ۱۱۰۸، ص ۲.

۱۴۵. مذاکرات مجلس چهارم، ج ۲، صص ۲۱۶-۲۱۵؛ برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به: روزنامه ایران، ۲۱ شعبان

۵۱۰. تجارت، مشروطیت و دولت مدرن

- ۱۳۴۰، ش ۱۱۱۹، ص ۲؛ همان جا، ۲۲ شعبان ۱۳۴۰، ش ۱۱۲۰، ص ۱؛ همان جا، ۲۶ شعبان ۱۳۴۰، ش ۱۱۲۳، ص ۲؛ روزنامه اقتصاد ایران، ۸ ذی حجه ۱۳۴۰، ش ۱۲، ص ۱.
۱۴۶. مذاکرات مجلس چهارم، ج ۲، صص ۳۷۴-۳۷۵.
۱۴۷. همان جا، ج ۲، ص ۶۳.
۱۴۸. اعتراض تجار در مورد ورود کالاهای غیر ضروری و لوکس به هیأت دولت نیز داده شد و فهرست این کالاهای برای بررسی وزارت تجارت و فواید عامه فرستاده شد. کالاهایی چون مشروبات الکلی، کنسرو، بیسکویت، ماکارونی، وسایل خرازی و چوبی، انواع پارچه‌های مختلف، قالی، جوهر، جواهر بدل، اسباب بازی، مبیل، آئینه، عطر، وسایل چینی، شیشه آلات و بسیاری کالاهای دیگر در زمره این کالاهای قرار داشت. (نگاه کنید به: روزنامه ایران، ۲ شعبان ۱۳۴۰، ش ۱۱۰۶، ص ۳؛ همان جا، ۲۹ جمادی الاول ۱۳۴۳، ش ۱۷۴۰، ص ۱). انحصار شرکت‌های شوروی در شمال و فعالیت کمپانی‌های انگلیسی که از سرمایه و امکانات بیشتری در زمینه حمل و نقل برخوردار بودند، کار را بر تجار ایرانی سخت کرده بود. این شرکت‌ها در ورود منسوجات کارخانه‌های منچستر و کالاهای دیگر انگلیسی فعالیت عمل می‌کردند. در آگهی یکی از شرکت‌های انگلیسی که در روزنامه ایران به چاپ رسید، این شرکت آمادگی خود را در پذیرش هرگونه سفارش و ورود انواع گوناگون کالاهای کارخانه‌های انگلیسی اعلام کرد. همچنین این شرکت برای صدور کالاهای داخلی و فروش آن در بازار انگلستان اعلام آمادگی کرده بود. (روزنامه ایران، ۱۵ رجب ۱۳۴۰، ش ۱۰۹۸، ص ۴؛ همان جا، ۲۴ شوال ۱۳۴۳، ش ۱۸۲۴، ص ۶).
۱۴۹. مذاکرات مجلس چهارم، ج ۲، ص ۴۱۳.
۱۵۰. نگاه کنید به: همان جا، ج ۳، ص ۱۵۶۸؛ همان جا، ج ۳، ص ۱۳۰۷؛ همان جا، ج ۳، صص ۱۵۷۳-۱۵۷۲؛ همان جا، ج ۳، ص ۱۳۵۳.
۱۵۱. همان جا، ج ۳، صص ۱۶۵۶-۱۶۵۲، ۱۶۶۸-۱۶۶۷.
۱۵۲. مجموعه مصوبات مجلس، صص ۶۰۸-۶۰۹.
۱۵۳. این قانون تا مهرماه ۱۳۰۹ خورشیدی هنوز اجرا نشده بود. (رحیم‌زاده صفوی، ایران اقتصادی، تهران، ۱۳۰۹، ج ۲، صص ۲۰۲).
۱۵۴. مذاکرات مجلس چهارم، ج ۲، ص ۳۷۵.
۱۵۵. همان جا، ج ۲، ص ۳۶۰.
۱۵۶. در این طرح رییس‌التجار در زمره موافقان و کازرونی و ارباب کبخسرو در زمره مخالفان بودند. (همان جا، ج ۲، صص ۳۳۹-۳۴۴).
۱۵۷. همان جا، ج ۲، ص ۴۹۹.
۱۵۸. همان جا، ج ۳، ص ۱۰۸۵-۱۰۸۲.
۱۵۹. مجموعه مصوبات مجلس، ص ۶۵۸؛ برای آگاهی از گزینش مصوبه‌های مجلس چهارم نگاه کنید به: بخش ضمیمه.
۱۶۰. نگاه کنید به: بهار، احزاب سیاسی، ج ۲، صص ۲۸-۲۷؛ دولت آبادی، حیات یحیی، ج ۴، صص ۳۰۵-۳۰۴.
۱۶۱. نگاه کنید به: بهار، احزاب سیاسی، ج ۲، صص ۲۸-۲۷.
۱۶۲. شجعی، نمایندگان مجلس، جدول ش ۱۱ و ۱۳، صص ۱۸۶ و ۱۸۸.
۱۶۳. مذاکرات مجلس شورای ملی دوره پنجم، (تهران، [بی تا]، ج ۱، ص ۳۲).
۱۶۴. همان جا، ج ۱، ص ۴۹.

یادداشت‌های فصل چهارم ۵۱۱

۱۶۵. برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به: محمدعلی عبادی، حقوق تجارت، چاپ پنجم، (تهران، ۱۳۶۸).
۱۶۶. برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به: مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پنجم قانونگذاری، چاپ دوم، (تهران، ۱۳۲۴)، صص ۵۹-۲.
۱۶۷. همان جا، ص ۶۰.
۱۶۸. همان جا، صص ۱۷۸-۱۷۹.
۱۶۹. برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به: فصل پنجم همین بخش.
۱۷۰. مصوبات دوره پنجم، صص ۱۷۳-۱۷۵.
۱۷۱. مذاکرات مجلس پنجم، ج ۱، ص ۴۸-۴۷.
۱۷۲. مصوبات دوره پنجم، صص ۱۹۴-۱۹۷.
۱۷۳. مذاکرات مجلس پنجم، ج ۱، ص ۳۲۴.
۱۷۴. همان جا، ج ۱، ص ۳۶۵.
۱۷۵. نگاه کنید به: همان جا، ج ۱، صص ۳۶۷-۳۶۴، ۴۵۳-۴۵۵.
۱۷۶. مصوبات مجلس پنجم، صص ۱۹۳-۱۹۰.
۱۷۷. تغییر اوزان و مقیاس‌ها، ۴ جدی ۱۳۰۲، وزارت کشور، آلبوم ۲۳۹، (م.ا.م.).
۱۷۸. صفوی، ایران اقتصادی، ص ۲۰۴.
۱۷۹. مذاکرات مجلس پنجم، ج ۲، ص ۱۴۵۶.
۱۸۰. نگاه کنید به: مصوبات مجلس پنجم، صص ۱۸۹-۱۸۵.
۱۸۱. میرزا زین‌العابدین رهنما فرزند شیخ علی شیخ‌العراقین (روحانی)، متولد حدود ۱۲۶۸ خورشیدی، دارای تحصیلات قدیم حدود مدرسی، روزنامه‌نگار (مدیر روزنامه ایران) و کارمند دولت، نماینده دوره پنجم از تبریز و نماینده دوره‌های هشتم و نهم مجلس از شهر ری بود. (شجعی، نمایندگان مجلس، ص ۳۲۸).
۱۸۲. مذاکرات مجلس پنجم، ج ۱، ص ۹۰۹.
۱۸۳. همان جا، ج ۲، صص ۹۵۷-۹۵۶.
۱۸۴. برای آگاهی‌های بیشتر از دلایل موافقان و مخالفان این لایحه نگاه کنید به: همان جا، ج ۲، صص ۱۱۷۱-۱۱۶۷.
۱۸۵. همان جا، ج ۲، ص ۱۱۷۶.
۱۸۶. همان جا، ج ۲، ص ۱۷۷۲.
۱۸۷. نگاه کنید به: مصوبات مجلس پنجم، صص ۱۸۹-۱۸۵.
۱۸۸. همان جا، صص ۱۷۱ و ۱۹۹-۱۹۸.

189. Abrahamian, Iran, p 131.

۱۹۰. برای آگاهی بیشتر از موضع‌گیری‌های گوناگون در مورد قانون خدمت نظام اجباری نگاه کنید به پیوست‌های بخش سوم.

۱۹۱. از مخالفان قرارداد ۱۹۱۹ میلادی ایران و انگلستان می‌توان از افراد ذیل نام برد: سیدحسن مدرس، حاج امام جمعه خویی، مشیرالدوله پیرنیا، مستوفی‌الممالک، ممتازالدوله، محتشم‌السلطنه، محمدعلی فروغی، حسین علاء، مستشارالدوله، ممتازالملک، معین‌التجار، ارباب کیخسرو شاه‌رخ، دکتر محمود افشار یزدی، میرزا یحیی دولت‌آبادی، عبدالله مستوفی، علی دشتی. (محمدعلی جمالزاده، «استاد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا در باره قرارداد ۱۹۱۹ انگلستان و ایران»، آینده، ج ۱۸، ش ۱-۶، ص ۱۵۷).

۵۱۲. تجارت، مشروطیت و دولت مدرن

۱۹۲. از افرادی که به دلیل مخالفت با قرارداد مجازات شدند: آقا میرزا حسن خان محتشم السلطنه، مرتضی قلی خان ممتازالملک، ممتازالدوله و مستشارالدوله را می توان نام برد. (خاطرات وحید، ش ۳، ص ۴۷)؛ علی دشتی نیز از نویسندگان مخالف قرارداد بود که به جرم نوشتن شب نامه توقیف و به قزوین تبعید شد. وی خاطرات خود را در کتاب ایام محبس نوشته است. (یغما، سال ۲۸ (اسفند ۱۳۵۴)، ش ۱۲، صص ۷۱۹-۷۱۸).

۱۹۳. برای آگاهی های بیشتر از عملکرد دولت انگلستان و اختلاف نظرهایی که مابین وزارت خارجه انگلستان با وزارت جنگ این کشور وجود داشت، و اینکه وزارت خارجه اعتقاد به حفظ رابطه دوستانه با سران ایلات و متنفذان محلی در جنوب داشت و وزارت جنگ انگلستان به ایجاد دولت متمرکز قوی در ایران اعتقاد داشت و دیگر وقایع مربوط به کودتا نگاه کنید به: (سیروس غنی، ایران، برآمدن رضاخان، پرافتادن قاجار و نقش انگلیسی ها، ترجمه حسن کامشاد، (تهران، ۱۳۷۸)، صص ۱۸۶-۱۶۷).

۱۹۴. تنها مطلبی که به دست آمد، مذاکره ای مابین بادامچی، معتمدالتجار و مهدی قلی هدایت در منزل حاج ساعداالسلطنه بود. در گفتگوها بیان شد، «با کودتا باید مخالفت کرد» و همینطور «با قرارداد باید مخالفت کرد». ولی نکات مشخص تری از این گفتگوها و نظر افراد حاضر در جلسه در دست نیست. (آینده، ج ۱۹، ش ۱۲-۱۵، ص ۹۶۹)؛ همچنین به دستور سیدضیاء طی چند روز اول کودتا تعدادی از افراد که در حدود شصت یا هفتاد نفر از اعیان و اشراف و سیاستمداران از جمله امین الضرب و معینالتجار بوشهری دستگیر شدند. آنان محکوم به پرداخت مبالغی وجه برای اداره امور کشور شدند. ولی همگی آنها را پرداخت آن امتناع کردند. اسامی برخی از آنها بدین شرح بود:

فرمانفرما، نصرت الدوله، عین الدوله، سعدالدوله، سهام الدوله، حشمت الدوله، قوام الدوله، وثوق الدوله، سیدحسن مدرس، سیدمحمد تدین، ملک الشمرای بهار، سیدمحمد رضا مساوات و بسیاری افراد دیگر که علت دستگیری آن ها بیشتر نشان دادن قدرت جدید و گرفتن وجوهات بود. (اعظام قدسی، روشن شدن تاریخ صد ساله، ج ۲، ص ۲۲-۲۱؛ ملکی، تاریخ بیست ساله، ج ۱، ص ۲۳۶).

۱۹۵. لازم به ذکر است از آنجایی که این پژوهش به خصوص به عوامل داخلی تحولات سیاسی - اجتماعی توجه دارد با تکیه بر زمینه های داخلی به تحلیل حوادث می پردازد. علاوه بر اینکه بررسی عوامل خارجی این حوادث در بیشتر منابع این دوره مورد بررسی قرار گرفته است.

۱۹۶. در مورد سیاست دوگانه بریتانیا در ماجرای خزعزل در جای دیگر سخن رانده شد. همچنین نگاه کنید به: (لورین، شیخ خزعزل، ص ۶۱ و ۵۴).

۱۹۷. بهار، احزاب سیاسی، ج ۱، ص ۱۸۳.

۱۹۸. حسین صبا مدیر روزنامه ستاره ایران به دلیل انتقاد از سردار سپه دستگیر شد. مدیر روزنامه حیات جاوید مورد ضرب و شتم قرار گرفت. علت استعفای مشیرالدوله نیز اصرار رضاخان در توقیف روزنامه حقیقت بود که به بعضی از افسران که از موقعیت خود سوءاستفاده می کردند، انتقاد کرده بود. رضاخان از مشیرالدوله می خواهد یا روزنامه را توقیف کند یا از ورود وی به دربار جلوگیری می شود. (بهار، احزاب سیاسی، ج ۱، ص ۲۵۹).

۱۹۹. نطق معتمدالتجار نماینده تبریز در جلسه ۱۱ میزان ۱۳۰۱ در مجلس چهارم حاکی از انتقاد به عملکردهای خشن و اعمالی که زیر لوای حکومت نظامی صورت می گیرد. وی در پایان پیشنهاد می کند هیأتی از طرف مجلس تعیین شود و با هیأت دولت وارد مذاکره شود. اما مدرس به دنبال سخنان معتمدالتجار تأکید کرد که باید به صراحت سخن گفت. وی به وضوح از رضاخان سخن گفت و از اقتدار مجلس که قادر به تغییر رئیس الوزرا بود. وی در عین آنکه قدرت مجلس را یادآوری می کرد، به نمایندگان گوشزد کرد که «ناچار است از میان بد و بدتر به انتخابی ناگزیر دست بزنند». (مذاکرات مجلس چهارم، ج ۳، ص ۱۱۶۲).

یادداشت‌های فصل چهارم ۵۱۳

۲۰۰. همان جا، ص ۱۱۶۳.
۲۰۱. همان جا، ص ۱۱۶۲.
۲۰۲. از هیأت اتحادیه تجار به وزیر جنگ [رضاخان سردار سپه] ۱۲ ربیع‌الاول ۱۳۴۲، نمره ۱۰۷۱، (آ.ا.ت).
۲۰۳. مخبرالسلطنه هدایت، خاطرات و خطرات، ص ۳۵۹-۳۵۸؛ مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۲، صص ۴۱۴-۴۱۳.
۲۰۴. مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۳، قسمت دوم، صص ۳۸۷-۳۸۶.
۲۰۵. میلپو، مأموریت آمریکایی‌ها، ص ۱۷۵.
۲۰۶. نگاه کنید به: بهار، احزاب سیاسی، ج ۲، ص ۳۰.
۲۰۷. تلگراف از طوالش به تهران، حمل ۱۳۰۳، وزارت کشور، ۱۰/۸۷/۱ [۲۹۳]، (م.ا.م).
۲۰۸. تلگراف از تبریز به تهران، حمل ۱۳۰۳، وزارت کشور، ۱۰/۸۷/۴ [۲۹۳]، (م.ا.م).
۲۰۹. تلگراف‌های متعدد از شهرهای مذکور در فاصله ۶ تا ۱۶ حمل ۱۳۰۳ به تهران مخابره شد، اسناد وزارت کشور، ۱-۱۴/۸۷/۱ [۲۹۳]، (م.ا.م).
۲۱۰. تلگراف از بهبهان به تهران، حمل ۱۳۰۳، وزارت کشور، ۱۴-۱۳/۸۷/۱ [۲۹۳]، (م.ا.م).
۲۱۱. ایران آزاد، ۱۳ شعبان ۱۳۴۳/۱۹ مارس ۱۹۲۴، ش ۶ ص ۳؛ اسامی تجار چهارم در تلگراف مذکور از این قرار بود: حاج اسدالله، حاج حسن، محمدرضا، حاج ابوالحسن، کربلایی محمدباقر، حاج رضا سیدمحمد، حاج زین‌العابدین، حاج محمدباقر و نام‌های دیگری از این دست که در بین آنان از تجار بزرگ و معتبر اثری به چشم نمی‌خورد.
۲۱۲. «بیانیه اتحادیه تجار طهران، ۱۱ شعبان ۱۳۴۲، (آ.ا.ض).
۲۱۳. همان جا.
۲۱۴. مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۳، صص ۵۹۵-۵۹۴؛ مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۲، صص ۴۸۹-۴۸۶.
۲۱۵. مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۳، صص ۵۹۵-۵۹۴.
۲۱۶. مکی معتقد بود از هر هزار نفر بیش از پنج نفر نمی‌دانستند جمهوری چیست. (مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۲، ص ۵۰۷).
۲۱۷. شیخ محمد خالصی‌زاده پسر آیت‌الله مهدی خالصی از علمای تبعیدی از عراق بود.
۲۱۸. دولت‌آبادی، حیات یحیی، ج ۴، ص ۳۵۱.
۲۱۹. برای آگاهی‌های بیشتر نگاه کنید به: بهار، احزاب سیاسی، ج ۲، صص ۴۴-۴۳؛ مستوفی، شرح زندگانی من، ج ۳، صص ۵۹۵-۵۹۲؛ مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۲، صص ۴۸۹-۴۸۶.
۲۲۰. عبدالهادی حائری، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، (تهران، ۱۳۶۴)، صص ۱۹۴-۱۸۴.
۲۲۱. مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۲، صص ۵۲۱-۵۲۰.
۲۲۲. تلگراف کفیل حکومت اصفهان به وزارت داخله، ۲۶ حمل ۱۳۰۳، وزارت کشور، ۲/۸۷/۱ [۲۹۳]، (م.ا.م).
۲۲۳. با مشخص شدن اسناد بیشتری در این خصوص می‌توان به تمایز موضع تجار بزرگ و اصناف با یکدیگر پی برد. آشنایی تجار بزرگ با جهان غرب در این موارد می‌توانست تمایزی بین آن‌ها با تجار خرد و کسبه ایجاد کند.
۲۲۴. بهار، احزاب سیاسی، ج ۲، ص ۶۴.
225. Azadeh Kian; Secularization of Iran, A Doomed Failure? (Paris, 1998), p 69.
۲۲۶. بهار، احزاب سیاسی، ج ۲، صص ۶۸-۶۳.
۲۲۷. مذاکرات مجلس پنجم، ج ۱، ص ۲۵۵.
۲۲۸. همان جا، ج ۱، ص ۳۰۸-۳۰۷.

۵۱۴. تجار، مشروطیت و دولت مدرن

۲۲۹. «احساسات اهالی دیلم»، جبل‌المعین، سال ۳۳، ۱۷ شعبان ۱۳۴۳/۱۳ مارس ۱۹۲۵، ش ۷، ص ۱۶.
۲۳۰. تلگراف گروهی از علمای اصفهان به ریاست وزرا، ۱۶ عقرب ۱۳۰۳، وزارت کشور، ۱۹/۲۱۰/۶/۲۹۳] (م.ا.م)؛ پاسخ حکومت نظامی تهران به تلگراف حجج اسلام از شیراز، ۲۷ عقرب ۱۳۰۳، وزارت کشور، ۱۹/۲۱۰/۶/۲۹۳] (م.ا.م).
۲۳۱. حائری، تشیع و مشروطیت، ص ۱۹۴-۱۸۴.
۲۳۲. جبل‌المعین، سال ۳۳، ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۴۳/۱۹ ژوئیه ۱۹۲۵، ش ۲، ص ۱۵-۱۴.
۲۳۳. حاج محمد حریری به نمایندگی از هیأت تجار با نمایندگان دیگر گروه‌ها و اصناف، تلگراف‌ها را مخابره کرده‌اند. (همان‌جا، سال ۳۳، ۲۴ شعبان ۱۳۴۳/۲۰ مارس ۱۹۲۵، ش ۸، ص ۱۷).
۲۳۴. همان‌جا، سال ۳۳، ۲۳ جمادی‌الثانی ۱۳۴۳/۱۹ جولای ۱۹۲۵، ش ۲، صص ۱۱-۱۰.
۲۳۵. همان‌جا، ش ۲، ص ۶.
۲۳۶. از هیأت اصناف به حکومت نظامی طهران و مدیران جراید، ۱۷ عقرب ۱۳۰۳، وزارت کشور، ۱۹/۲۱۰/۴/۲۹۳] (م.ا.م).
۲۳۷. مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۳، صص ۳۷۵-۳۷۰.
۲۳۸. «اعلامیه تجار مرکز»، ۱۰ ربیع‌الثانی ۱۳۴۴، (آ.ا.ض).
۲۳۹. در اعلامیه حمایت از تغییر رژیم سلطنت تجار معتبر تهران حمایت خود از تغییرات سیاسی را اعلام نمودند که اسامی آنها بدین شرح بود: حاج معین‌التجار بوشهری، حاج امین‌الضرب، ملک‌التجار، میرزا ابوطالب اسلامی، حاج علی‌اکبر اخوان، فقیه‌التجار، میرزا علی‌نقی هاشمی، میرزا علی قیصریه، حاج ربیع‌آقا مرمری، حاج میرزا حسین شرکت هاشمی، حاج محمد مهدی خوانساری، حاج محمد کاظم اخوان، حاج میرزا علی اصغر کتاب‌فروش، میرزا علی نقی کاشانچی، محمد اسماعیل آقا قزوینی، میرزا علی محمد محلوچی، میرزا اسدالله ارباب، امین‌التجار، میرزا غلام‌حسین کاشف، حاج محمد آقا شالفرش، محمدرضا دهدشتی، محمدجواد دهدشتی، محمدصادق دهدشتی، محمدصادق حریرفروش، حاج رحیم قزوینی، حاج رحیم اتحادیه، حاج میرزا حسن شال‌فروش، حاج محمدخلیل شیرازی، میرزا علی محمد نقوی، قاضی‌زاده، میرزاجبی شرکت و اخوان، حاج آقا بزرگ طهرانچی، میرزا علی رضا زهدی، حاج محمدکاظم زین‌العابدین اف، محمدحسین بلورفروش، عبدالحسین چینی‌فروش، محمدرضا اصفهانی، میرزا محمد سپهر، محمد آقا مسیحی، میرزا محمود قزوینی، میرزا حسن بنکدار، محمدحسین اصفهانی، حاج علی‌اکبر شرکا، حاج عبدالرحیم جواهری، میرهادی طیبی، محمدرضا طهرانچی، محمود لاجوردی، محمدعلی کاشانی، میرزا ابوالقاسم قمشه، میرزا محمد حداد، میرزا مهدی خزانه، میرزا ابوالقاسم بلورفروش؛ (همان‌جا).
۲۴۰. عبدالله امیر طهماسب، تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه پهلوی، (تهران، ۱۳۵۵)، چاپ دوم، صص ۱۱۷-۱۱۵.
۲۴۱. برای آگاهی‌های بیشتر از تلگراف‌های شهرهای مختلف در مورد انقراض قاجاریه نگاه کنید به: آلبوم ش ۱۶۸۰، (م.ا.م)؛ همچنین همان‌جا، صص ۷۶-۵۷ و ۱۰۱-۱۰۰.
۲۴۲. همان‌جا.
۲۴۳. به گفته دکتر اصغر مهدوی بسیاری از تجار در همراهی با تغییرات سیاسی در منزل امین‌الضرب تجمع کرده بودند. همچنین نگاه کنید به: طهماسب، تاریخ شاهنشاهی، صص ۲۱۵-۲۱۳.
۲۴۴. بهار، احزاب سیاسی، ج ۲، صص ۳۲۵-۳۲۳.
۲۴۵. نگاه کنید به: مکی، زندگی احمدشاه، ص ۲۴۵؛ بهار، احزاب سیاسی، ج ۲، صص ۳۶۵-۳۳۰.
۲۴۶. برای آگاهی‌های بیشتر در مورد روند تمرکزگرایی دولتی در اوایل دولت پهلوی نگاه کنید به پیوست‌های بخش سوم

یادداشت‌های فصل چهارم ۵۱۵

۲۴۷. برای آگاهی‌های بیشتر از مخالفان و موافقان تغییر سلطنت و تشکیل مجلس موسسان نگاه کنید به: مذاکرات مجلس پنجم، ج ۲، صص ۱۳۹۰-۱۳۸۴؛ مکی، تاریخ بیست ساله، ج ۳، صص ۵۸۶-۴۹۰.

۲۴۸. وخطبه به نام سلطنت پهلوی، [بی‌تا]، وزارت کشور، ۱۱/۱۲/۱۳۹۰؛ [۲۹۰]؛ جشن جلوس شاه، ۲۶ آذر ۱۳۰۴ خورشیدی، وزارت کشور، ۱۳-۱۲/۱۳۹۰/۱۲/۱۳۹۰.

۲۴۹. نامه‌هایی از شهرهای لاهیجان، لنگرود و بندر پهلوی به مرکز، [آذر ۱۳۰۴ خورشیدی]، وزارت کشور، ۱/۱۲/۱۳۹۰/۱۲/۱۳۹۰؛ گزارش حکومت گیلان و طوالش، [آذر ۱۳۰۴ خورشیدی]، وزارت کشور، ۶/۱۲/۱۳۹۰/۱۲/۱۳۹۰؛ (م.ا.م).

۲۵۰. اسامی تجاری که در مراسم جشن تاجگذاری رضاشاه شرکت کردند از این قرار بود: امین‌الضرب، علی‌اکبر اخوان، میرزا عباسقلی، یوسف صدیق، حاج میرزا حسین شرکت، رحیم اتحادیه، حاج رحیم قزوینی، میرزا ابوطالب اسلامی، حاج محمدابراهیم طهرانی، محمد مهدی سلامت، میرعلی نقی هاشمی، محمد آقا شال فروش، فقیه‌التجار، میرزا علی قیصریه، جلال قمی، حاج ربیع آقا، شیخ حسین حریری، نیک‌پور، میرزا علی آقا افشار، سید عبدالرحیم کاشانی، کاشف، میرزا علی اصغر کتابفروش، میرزا علی صراف، سید عبدالکریم صدریه، میرزا علی آقا یزدی، میرزا عبدالله زنجانی، میرزا عبدالله طهرانچی، محمد حسن زرکش، میرزا محمد آقا سپهر، میرزا محمود قزوینی، محمد رضا قمی، میرزا علی نقی کاشانچی، علی محمد محلوچی، میرزا محمود حکیم‌زاده، حاج میرزا حسن شال‌فروش، میرزا علی بلورفروش، میرزا خلیل شیرازی، میرزا احمد نادر، مهدی آقا صیرفی، محمد تقی کتابفروش، احمد آقا زاهدی، میرزا حسن بنکدار، محمد جواد بوشهری، محمد رضا بوشهری، محمد رضا اصفهانی، میرزا اسدالله ارباب، سید محمود لاجوردی، محمد رضا طهرانچی، محمد حسین بلورفروش، احمد آقا اخوان، میرزا علی خان وکیلی، قاضی‌زاده، میرزا محمد حداد، حاج میرزا علی محمد اصفهانی، حاج میرزا علی نقی کاشانی، حاج میرعلی محمد تقوی، (اسامی تجار شرکت‌کننده در جشن تاجگذاری رضاشاه، [بی‌تا]، (آر.اض)).

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل پنجم
بررسی آمارهای تجارت خارجی ایران از سال‌های
پس از جنگ بین‌الملل تا آغاز دولت پهلوی

تبرستان
www.tabarestan.info

بررسی آمارهای تجارت خارجی ایران از سال‌های پس از جنگ بین‌الملل تا آغاز دولت پهلوی

الف) حجم تجارت

در طی سال‌های جنگ میزان مبادلات ایران رو به کاهش گذارد. این وضعیت تا دو سال پس از اتمام جنگ و تا زمانی که نیروهای انگلیسی بخش‌های شمالی کشور را اشغال کرده بودند همچنان وجود داشت. در واقع می‌توان گفت که پایان جنگ در ایران تا سال ۱۹۲۱/۱۳۰۰ بطول انجامید.

در سال ۱۲۹۹-۱۲۹۸/۱۹۲۰-۱۹۱۹ میزان کل تجارت نسبت به سال قبل در حدود ۳۳/۵ درصد افزایش یافت ولی به میزان سال پیش از جنگ نرسید. افزایش میزان واردات در حدود ۳۲ درصد و افزایش صادرات به ۳۵/۷ درصد رسید. با اینحال میزان واردات چیزی در حدود دو برابر صادرات بود.^(۱) بهبود اوضاع تجاری و افزایش ارقام در این سال به دلیل پایان یافتن جنگ جهانی بود ولی میزان واردات با سرعت بیشتری به ارقام پیش از جنگ نزدیک می‌شد. در سال بعد، یعنی سال کوتای ۱۳۰۰-۱۲۹۹/۱۹۲۱-۱۹۲۰ کل مبادلات ایران در حدود ۱۴/۴ درصد کاهش یافت. این کاهش مربوط به نقصان شدید واردات در این سال بود که ۲۳/۴ درصد را شامل می‌شد ولی صادرات در این سال افزایش اندکی در حدود ۰/۹ درصد یافت. با این حال واردات هنوز هم مقدار ۱۱۱،۱۵۲،۸۵۴ قران از صادرات بیشتر بود. با اینکه مقدار زیادی از صادرات کشور را نفت تشکیل می‌داد یعنی از میزان کل صادرات که بالغ بر ۳۷۱،۱۹۸،۷۷۹ قران بود مقدار ۲۳۳،۷۵۷،۴۶۴ قران مربوط به استخراج نفت توسط شرکت نفت انگلیس و ایران بود.^(۲)

صادرات ایران در خلال این سال‌ها هیچگاه از میزان واردات بیشتر نبوده است. در سال‌های پس از جنگ تا کودتا، فراز و فرودهایی در میزان تجارت آشکار گردید ولی صادرات ایران نتوانست به میزان قبل از جنگ جهانی نزدیک شود. نوسان‌های تجاری این سال‌ها نه تنها مربوط به اوضاع پس از جنگ بین‌الملل که به اوضاع داخلی، هرج و مرج و طغیان‌هایی که پیش از این بدان پرداختیم نیز مرتبط بود. اما از نخستین سال پس از کودتا، یعنی ۱۳۰۱/۱۹۲۲ در کلیه زمینه‌های تجاری با افزایش ارقام صادرات و واردات مواجه می‌شویم. این افزایش طبعاً دلایل مختلفی داشت اما بی‌تردید افزایش استخراج نفت توسط شرکت نفت انگلیس و ایران از عوامل مشخص این افزایش بوده است و از این سال‌ها بود که به تدریج نفت جای خود را در اقتصاد ایران باز کرد. هر چند به دلیل سهم اندک ایران در عواید آن نتوانست در رفع مشکلات مالی کشور سهم چشمگیری داشته باشد.

سال ۱۳۰۱-۱۳۰۰/۱۹۲۲-۱۹۲۱ کل تجارت در حدود ۳۰ درصد افزایش یافت ولی با این حال نتوانست به میزان ارزش تجارت پیش از جنگ نزدیک شود. واردات افزایشی برابر ۲۶/۴ درصد و صادرات افزایشی در حدود ۳۵/۲ درصد بدست آورد. در این سال میزان واردات همچنان بیش از صادرات بود.

در سال ۱۳۰۲-۱۳۰۱/۱۹۲۳-۱۹۲۲ کل تجارت ۲۱/۷ درصد، واردات ۱/۵ درصد و صادرات ۴۶ درصد افزایش یافت. در این سال میزان ارزش کل تجارت و صادرات از سال پیش از جنگ بیشتر گردید که بی‌تردید مربوط به استخراج بیشتر نفت و صدور آن از کشور بود. این امر موجب گردید که ارزش صادرات کشور برای اولین بار با احتساب صدور نفت بیش از میزان ارزش واردات در این سال گردد. این روند تا پایان این دوره همچنان ادامه یافت.^(۳)

در سال ۱۳۰۳-۱۳۰۲/۱۹۲۴-۱۹۲۳ تجارت افزایشی در حدود ۸ درصد نسبت به سال گذشته داشت. افزایش واردات ۱۲ درصد و افزایش صادرات ۴/۶ درصد بود. میزان ارزش صادرات همانند سال گذشته از ارزش واردات بیشتر بود.^(۴) در سال ۱۳۰۴-۱۳۰۳/۱۹۲۵-۱۹۲۴ واردات به میزان ۱۱ درصد، صادرات حدود ۳۰ درصد و ارزش کل تجارت به مقدار ۲۱ درصد افزایش یافت، صادرات با سرعتی بیش از واردات رو به افزایش بود. بدیهی است این امر بیانگر رشد تجاری کشور نمی‌باشد بلکه حاکی از گسترش فعالیت شرکت نفت انگلیس و ایران بود.

تجارت ایران در سال ۱۳۰۵-۱۳۰۴/۱۹۲۶-۱۹۲۵ همان روند رو به افزایش سال‌های پیش را دنبال کرد. واردات با ۱۴/۲ درصد، صادرات با ۵/۹ درصد و کل تجارت با ۹/۵ درصد افزایش مواجه شد. صادرات به میزان ۱۷۸،۳۶۴،۵۱۵ قران نسبت به واردات افزایش داشت. بدین ترتیب ارزش مبادلات تجاری در زمینه واردات و صادرات رو به افزایش بود.^(۵)

ب) ساخت و ترکیب تجارت

با آنکه در نخستین سال پس از جنگ، ارقام تجارتی در زمینه واردات و صادرات افزایش اندکی یافت ولی در سال ۱۳۰۰-۱۲۹۹ / ۱۹۲۱-۱۹۲۰ مجدداً کاهش یافت. در سال ۱۳۰۱-۱۳۰۰ / ۱۹۲۲-۱۹۲۱ صادرات بالغ بر ۵۰۲,۰۴۴,۷۸۹ قران بود که میزان ۳۲۲,۴۹۶,۲۷۲ قران آن مربوط به صادرات مواد نفتی بود. در واقع ترکیب تجارت ایران پس از جنگ جهانی اول دارای بافت تازه‌ای شد. صدور نفت افزایش یافت و جای کالاهای صادراتی دیگر را گرفت و به تدریج در هر سال میزان افزایش صادرات نفت بیشتر و صدور کالاهای غیرنفتی کاهش یافت. این امر بتدریج ضربه‌ای بر صادرات غیرنفتی وارد ساخت. در سال مذکور ۲۶/۴ درصد افزایش واردات و ۳۵/۲ درصد صادرات مربوط به گروه کالاهای زیر بود:

گروه کالاها	واردات (قران)	صادرات (قران)
۱. حیوانات زنده	۶,۱۸۷,۷۰۳ (کاهش)	۲,۱۰۰,۸۲۲ (افزایش)
۲. مشروبات و ماکولات	۱۸,۵۸۸,۲۶۳ (افزایش)	۲۲,۶۷۷,۰۹۹ (افزایش)
۳. مواد اولیه	۱۰,۸۳۹,۶۹۶ (افزایش)	۸۲,۴۹۹,۴۳۲ (افزایش)
۴. محصولات ساخته شده	۱۰۱,۶۹۲,۳۲۵ (افزایش)	۲۰,۷۸۹,۱۶۰ (افزایش)
۵. مسکوکات طلا و نقره	۳,۴۹۱,۲۵۴ (افزایش)	۲,۷۷۹,۴۹۷ (افزایش)

در سال ۱۳۰۲-۱۳۰۱ / ۱۹۲۳-۱۹۲۲ مقدار ۱/۵ درصد در زمینه واردات و ۴۶ درصد صادرات افزایش یافت. از کل صادرات ایران که بالغ بر ۷۳۳,۹۸۲,۸۴۳ قران بود. میزان ۴۲۸,۳۲۶,۷۲۰ قران آن مربوط به صدور مواد نفتی توسط شرکت انگلیسی نفت جنوب بود. از اقلام مهم وارداتی در این سال‌ها باید از قند و شکر و چای نام برد.^(۶) در مقاله‌ای که در روزنامه ایران به چاپ رسید قیمت ورود این کالاها در سال مذکور در حدود ۱/۳ بودجه کشور ذکر شده است. در واقع اینگونه محاسبه‌ها، حاکی از اعتراض به نوع کالاهای وارداتی کشور بود. در همین مقاله پرداخت چنین مبلغ گزافی برای ورود کالاهای نامبرده مورد انتقاد قرار گرفته است.^(۷)

سال ۱۳۰۳-۱۳۰۲ / ۱۹۲۴-۱۹۲۳ واردات در حدود ۱۲ درصد و صادرات ۴/۶ درصد افزایش داشت که در گروه‌بندی کالاهای زیر بدین شرح تغییر یافت:^(۸)

گروه کالاها	واردات (قران)	صادرات (قران)
۱. حیوانات زنده	۴۸۹,۵۷۳ (کاهش)	۳۴۱,۰۸۰ (کاهش)

۵۲۲ تجار، مشروطیت و دولت مدرن

۲. مشروبات و ماکولات	۲۳,۰۸۳,۱۶۵ (افزایش)	۵,۱۰۰,۱۴۵ (افزایش)
۳. مواد اولیه یا مواد آماده برای ساخت	۲۸,۲۲۷,۵۲۴ (افزایش)	۱۴,۳۴۶,۷۸۴ (افزایش)
۴. محصولات ساخته شده	۲۳,۶۹۵,۴۸۷ (افزایش)	۱۴,۷۱۷,۶۳۴ (افزایش)
۵. مسکوکات طلا و نقره	۵۳۴,۱۷۴ (افزایش)	۵۸۵,۸۳۶ (افزایش)

در سال ۱۳۰۴-۱۳۰۳/۱۹۲۵-۱۹۲۴ واردات دارای ۱۱ درصد افزایش و صادرات در حدود ۳۰ درصد افزایش یافت. این تغییرات از روی تقسیم‌بندی اداره گمرک به شرح زیر بود: (۹)

گروه کالاها	واردات (قران)	صادرات (قران)
۱. حیوانات زنده	۹۲۷,۸۷۶ (افزایش)	۴۸۷,۴۳۲ (کاهش)
۲. مشروبات و ماکولات	۲۲,۹۸۴,۹۱۹ (افزایش)	۵۸,۳۸۵,۰۱۵ (افزایش)
۳. مواد اولیه یا مواد آماده برای ساخت	۱۰,۵۷۳,۳۱۷ (افزایش)	۱۷۳,۸۳۴,۸۲۶ (افزایش)
۴. محصولات ساخته شده	۷۰,۱۱۲,۲۹۰ (افزایش)	۸۸۸,۳۵۶ (افزایش)
۵. فلزات قیمت (طلا و نقره)	۸,۵۲۷,۲۰۴ (افزایش)	۴۷,۹۳۷ (افزایش)

تغییرات کالاها به شرحی بود که ذکر شد ولی این نکته را نیز باید اشاره کرد که از کل صادرات کشور در این سال یعنی مقدار ۱,۰۰۰,۱۶۳,۱۴۲ قران، در حدود ۵۱۴,۸۰۰,۹۵۰ قران آن یا نیمی از ارزش صادرات مربوط به صدور مواد نفتی توسط شرکت نفت بوده است و از میزان ۷۷۱,۴۴۵,۱۴۳ قران واردات در این سال حدود ۵۵,۶۲۱,۱۸۲ قران بر طبق امتیاز نامه گمرکی شرکت نفت بدون پرداخت حقوق گمرک وارد می‌شد و با وجود افزایش ارقام صادرات و واردات پس از جنگ نتوانست در عواید کشور تأثیر بگذارد.

محصولات مهم وارداتی بر حسب ارزش وارداتی آن در سال مذکور به شرح زیر بود: منسوجات پنبه، قند، شکر، نخ پنبه، مواد نفتی، ابزارآلات فلزی، منسوجات پشمی، اشیاء خرازی، آهن و فولاد، مسکوکات طلا و نقره، برنج، منسوجات نخی و ابریشمی، همچنین کالاهای دیگر شامل کاغذ، پوست، رنگ، کبریت، کائوچو، چوب، صابون و تخم نوغان بود. عمده صادرات را مواد نفتی، قالی پشمی، تریاک، میوه، پنبه خام، برنج، پشم خام، چای، مسکوکات نقره، روده، پوست ساخته شده و انواع پوست و منسوجات دیگر، همچنین پيله

ابریشم، توتون، تنباکو و ادویه تشکیل می‌داد. (۱۰)

در سال ۱۳۰۵-۱۳۰۴/۱۹۲۶-۱۹۲۵ واردات ۱۴/۲ درصد و صادرات ۵/۹ درصد افزایش یافت. این تغییرات بر اساس محصولات عمده به شرح ذیل بود: (۱۱)

گروه کالاها	واردات (قران)	صادرات (قران)
۱. حیوانات زنده	۸۷۸,۲۳۲ (کاهش)	۲۱۱,۵۳۰ (کاهش)
۲. مشروبات و ماکولات	۳۵,۵۵۶,۸۹۳ (افزایش)	۱۳,۲۷۸,۳۸۹ (افزایش)
۳. مواد اولیه یا مواد آماده برای ساخت	۲۸,۶۲,۶۴۷ (افزایش)	۳۲,۸۵۷,۰۵۲ (افزایش)
۴. محصولات ساخته شده	۴۵,۳۶۸,۵۳۲ (افزایش)	۱۷,۲۱۰,۶۱۸ (افزایش)
۵. مسکوکات (طلا و نقره)	۲۶,۶۷۰,۶۲۴ (افزایش)	۳,۹۰۷,۷۵۹ (افزایش)

در سال مذکور از کل صادرات یعنی ۵۵۹,۳۸۹,۹۲۲ قران در حدود ۵۴۴,۶۸۸,۰۰۰ قران آن مربوط به صدور مواد نفتی بوده است که در واقع در حدود نیمی از ارزش صادرات را شامل می‌شد و از کل واردات یعنی ۸۸۱,۰۲۵,۴۰۷ قران، مبلغ ۵۰,۷۲۸,۹۶۷ قران آن شامل مال‌التجاره و اشیاء شرکت نفت بوده است.

در زمینه نوع کالاهای صادراتی تغییری نسبت به سال گذشته دیده نشد ولی واردات در این سال در زمینه کالاهایی چون مسکوکات طلا و نقره، گندم، جو و سایر غلات، مواد نفتی، برنج، شمش نقره، وسایل نقلیه، اسباب‌های آهنی، آرد، منسوجات پنبه، لباس، مواد شیمیایی و برخی دیگر از کالاها نسبت به سال گذشته افزایش بیشتری داشت. (۱۲) کالاهای مهم وارداتی همانند گذشته شامل منسوجات از هر نوع، قند و شکر و چای، وسایل نقلیه شامل اتومبیل، کامیون، گاری، درشکه، نفت، نخ پنبه، ماشین‌آلات و ابزارهای دستی، وسایل خرازی، وسایل آهنی، لباس، مواد شیمیایی و مسکوکات طلا و نقره بود. مواد خوراکی نیز شامل برنج، آرد، گندم، جو و سایر غلات و میوه بود. از سایر کالاها می‌توان از حیوانات زنده، کاغذ، ادویه، چوب، کبریت، مشروبات الکلی، مبل و اثاثیه خانه، ظروف چینی، اشیاء چرمی، توتون، پوست، ذغال، پشم، صابون و تخم نوغان نام برد. در نوع کالاهای وارداتی تغییر چندانی به چشم نمی‌خورد. بیشتر منسوجات پنبه از انگلستان وارد کشور می‌شد که تا سال ۱۳۰۴/۱۹۲۵ مقدار آن رو به افزایش بود. (۱۳) بیشتر واردات قند و شکر از سوی روسیه بود و میزان آن در طی سال‌های مذکور رو به افزایش بود. بلژیک، هلند و فرانسه نیز در این زمینه فعالیت داشتند ولی میزان واردات آن‌ها با روسیه قابل مقایسه نبود. (۱۴) ورود چای به کشور در انحصار انگلستان بود و در خلال این سال‌ها تا ۱۳۰۴/

۱۹۲۵ افزایش قابل توجهی داشت، ولی در چند سال بعد اندکی کاهش یافت.^(۱۵) ماشین آلات از انگلستان به کشور وارد می شد و در آغاز مقدار قابل توجهی را شامل نمی شد ولی در طی سال های ۱۳۰۴-۱۳۰۱ / ۱۹۲۵-۱۹۲۲ اندکی رو به افزایش گذاشت. این محصولات با آنکه در سال های بعد با سرعت بیشتری وارد کشور شد ولی در سال های مورد بحث از رشد چندانی برخوردار نبود.^(۱۶) ورود مواد نفتی بیشتر از جانب شوروی و به منظور تأمین نیاز بخش های شمالی کشور بود. میزان ورود این کالاها در طی سال های مزبور روندی رو به رشد داشته است.^(۱۷)

مهمترین کالاهای صادراتی شامل مواد نفتی، قالی های پشمی، تریاک، پنبه خام، میوه، پشم خام، برنج، پوست، کتیرا، روده، ادویه، پنبه ابریشم، منسوجات نخی و ابریشمی، چای، توتون، تنباکو، مسکوکات طلا و نقره و کالاهای دیگر بود.^(۱۸) صدور مواد نفتی عمدتاً به کشور انگلستان بود و در طی این سال ها تا ۱۳۰۳ / ۱۹۲۴ روندی رو به رشد داشت و در سال بعد از آن تا حدی متوقف ماند. کشور مصر نیز از دیگر طرف های تجاری این کالا بود و در سال ۱۳۰۴-۱۳۰۳ / ۱۹۲۵-۱۹۲۴ افزایش صدور آن به انگلستان متوقف ماند ولی در مقابل صدور آن به مصر افزایش یافت.^(۱۹)

قالی های ایران بیشتر به آمریکا صادر می شد که در خلال سال ۱۳۰۱ / ۱۹۲۲ صدور آن رو به افزایش بود ولی در سال ۱۳۰۴ / ۱۹۲۵ دچار کاهش شد و در سال های بعد مجدداً رو به افزایش گذارد. کشورهای دیگر چون ترکیه و انگلستان در سطح محدودتری خریدار این کالا بودند. کشورهای آلمان و عراق نیز در درجه سوم و در حد بسیار اندکی در این زمینه فعالیت داشتند.^(۲۰) پنبه نیز از کالاهای مهم صادراتی ایران بود که مقدار بیشتر آن به شوروی صادر می شد. در طی سال های مورد بحث صدور این کالا تا ۱۳۰۳ / ۱۹۲۴ رو به افزایش بود و در سال بعد از آن در همان سطح متوقف ماند ولی در سال ۱۳۰۴ / ۱۹۲۵ افزایش قابل ملاحظه ای بدست آورد. کشور انگلستان نیز در حد بسیار محدودی در این زمینه فعالیت داشت.^(۲۱) از دیرباز برنج شمال کشور به شوروی صادر می شد. صدور این کالا در سال ۱۳۰۲-۱۳۰۱ / ۱۹۲۳-۱۹۲۲ افزایش چندانی نداشت ولی طی سال بعد افزایش چشمگیری یافت و در سال ۱۳۰۴-۱۳۰۳ / ۱۹۲۵-۱۹۲۴ با کاهش اندکی مواجه شد و بعد به تدریج این کاهش شدیدتر شد.^(۲۲)

صدور میوه های تازه و خشک ایران بیشتر به شوروی و انگلستان بود. صدور این کالا به شوروی تا سال ۱۳۰۴ / ۱۹۲۵ رو به افزایش بود. میزان صدور این کالا در سال ۱۳۰۵-۱۳۰۴ / ۱۹۲۶-۱۹۲۵ به روسیه کاهش یافت در حالی که در همین سال صدور آن به انگلستان رشد قابل توجهی داشت. آلمان نیز در سطح بسیار محدودی خریدار این محصول بود.^(۲۳) بر اساس آنچه ذکر شد اکثر کالاهای صادراتی ایران شامل محصولات زمینی، کشاورزی و معدنی بود. از ورود ماشین های صنعتی هنوز خبری نبود. روند

معاملات تجاری به صورت خروج مواد اولیه و محصولات کشاورزی و ورود منسوجات و کالاهای ساخته شده یا محصولات کشورهای مستعمره مثل چای هندوستان بود. (۲۴)

ج) مبادلات کشور با طرف‌های عمده تجاری

با شروع جنگ جهانی نه تنها حجم مبادلات کاهش یافت بلکه به تدریج روسیه مقام نخستین خود در تجارت با ایران را از دست داد و انگلستان جای آنرا گرفت و توانست این موقعیت را حفظ کند. در این سال‌ها میزان مبادله ایران با کشورهای دیگر دچار تغییراتی شد. تقسیم امپراطوری عثمانی موجب شد که تجارت ایران با این کشور به مبادله با چند کشور کوچک تبدیل گردد و به تدریج حجم مبادله نیز کاهش یابد. اگر جدول مرتبه کشورها که بر اساس میزان حجم واردات و صادرات آن‌ها با ایران تنظیم شده است را در نظر گیریم، (۲۵) روشن می‌گردد که جابجایی‌های قابل توجهی صورت گرفته است. بطور مثال مصر که تا پیش از جنگ جهانی مرتبه یازدهم تا نوزدهم را در میزان مبادله با ایران داشت، در سال نخست پس از جنگ در زمینه واردات مرتبه سوم و سال بعد از آن مرتبه دوم را بدست آورد و در زمینه صادرات مرتبه اول را کسب کرد. البته این نکته را نیز باید اشاره کرد که صدور نفت ایران به انگلستان از طریق مصر صورت می‌گرفت و در واقع افزایش مبادله این کشور با ایران مربوط به خود این کشور نبود بلکه به عنوان مستعمره انگلستان نقش واسطه را برای این کشور بازی می‌کرد. عمده‌ترین طرف‌های تجاری ایران در سال‌های مورد بحث، بر اساس مرتبه اهمیت آن‌ها در جدول زیر نشان داده شده است. (۲۶)

سال میلادی	واردات	صادرات
۱۹۱۹-۱۹۲۰	بریتانیا - شوروی - مصر - ترکیه	مصر - بریتانیا - شوروی - ترکیه
۱۹۲۰-۱۹۲۱	بریتانیا - مصر - شوروی - بلژیک	مصر - بریتانیا - بین‌النهرین (عراق) - آمریکا
۱۹۲۱-۱۹۲۲	بریتانیا - شوروی - بلژیک - مصر	مصر - بریتانیا - عراق - آمریکا
۱۹۲۲-۱۹۲۳	بریتانیا - شوروی - بلژیک - فرانسه	بریتانیا - مصر - شوروی - آمریکا
۱۹۲۳-۱۹۲۴	بریتانیا - شوروی - بلژیک - (فرانسه و آلمان)	بریتانیا - شوروی - مصر - آمریکا
۱۹۲۴-۱۹۲۵	بریتانیا - شوروی - بلژیک - آلمان	بریتانیا - شوروی - مصر - آمریکا

انگلستان و شوروی به عنوان مهمترین طرف‌های تجاری ایران همچنان فعال بودند. با فروپاشی دولت عثمانی و تقسیم آن به دولت‌های کوچک، تجارت ایران و عثمانی از میان

رفت. ترکیه، عراق و کشورهای دیگر به عنوان بازمانده پیکره ویران شده عثمانی با ایران مبادلاتی انجام می‌دادند ولی میزان آن بسیار محدود بود به طوری که درجه اهمیت این مبادلات از مرتبه ششم تا هیجدهم در نوسان بود^(۲۷) و در تجارت ایران نقش چندانی ایفا نمی‌کرد. در زمینه واردات، کشورهایی چون بلژیک، فرانسه و تا حدی هم آلمان فعال بودند. آمریکا نیز به تدریج در میدان تجاری ایران حضور فعال‌تری یافت؛ در زمینه واردات از مرتبه نهم تا چهاردهم در نوسان بود ولی در بخش صادرات از مرتبه سوم تا چهاردهم اهمیت قرار داشت. برای بررسی تجارت خارجی ایران در این دوره، نخست باید به وضعیت مبادلات ایران با انگلستان به عنوان مهمترین طرف تجاری کشور بپردازیم.

۱- تجارت ایران و انگلیس

در سال پس از جنگ، حجم مبادله تجاری ایران و انگلیس ۶/۴ درصد و واردات از این کشور به ایران در حدود ۱۷ درصد افزایش یافت در حالی که صادرات ایران به این کشور با ۲۸/۹ درصد کاهش مواجه شد. این کاهش موجب گشت تفاوت بین واردات و صادرات، فوق‌العاده افزایش یابد و واردات را به ۵/۵ برابر صادرات برساند. واردات از انگلستان به ایران در حدود ۷۱ درصد از کل واردات کشور و صادرات از ایران ۲۲ درصد از کل صادرات را تشکیل می‌داد و کل تجارت ایران با این کشور ۵۳ درصد از کل تجارت ایران را در برمی‌گرفت. واردات مهم از این کشور به ایران بر اساس ارزش وارداتی آن شامل قند و شکر، منسوجات نخی، برنج، انواع چوب، حبوبات و چای بود. برخی از این کالاها از سوی هندوستان به ایران وارد می‌شد. عمده‌ترین اقلام صادراتی در این سال را نفت، تریاک، میوه، صمغ، قالی پشمی، پنبه خام، دارو، مسکوکات طلا، توتون ساخته نشده و پشم خام تشکیل می‌داد. ولی بیش از ۴۲ درصد از ارزش صادرات مربوط به صدور نفت بود.^(۲۸) از آنجا که در این سال مصر نخستین رتبه در صادرات ایران را به خود اختصاص داد و در تجارت کلی ایران نیز نقصانی دیده نمی‌شد بنابر این کاهش صادرات ایران به انگلستان بطور قطع از طریق صدور نفت و کالاهای دیگر به مصر جبران شده است.

در سال ۱۳۰۰-۱۲۹۹ / ۱۹۲۱-۱۹۲۰ کل تجارت ایران و انگلیس ۱۰ درصد و واردات ۱۸/۴ درصد کاهش یافت. اما میزان صادرات در حدود ۳۰ درصد افزایش یافت. با این حال واردات از این کشور ۷۵ درصد کل واردات و صادرات به آن ۲۸ درصد کل صادرات کشور را در برداشت. بطور کلی تجارت با این کشور در حدود ۵۵ درصد از کل تجارت ایران را شامل می‌شد.^(۲۹) میزان واردات بیش از سه برابر صادرات ایران به آن کشور بود اما کاهشی که در واردات این سال دیده می‌شود مربوط به منسوجات پنبه‌ای، چای، کبریت، اجناس چرمی، شمع، ادویه و صابون بود. این کالاها بیشتر از طریق هند وارد ایران می‌شد. از سوی دیگر کالاهایی چون قند و شکر، برنج، آرد، منسوجات پشمی، نخی و ابریشمی، همینطور

وسایل نقلیه، مشروبات و مبل نسبت به سال گذشته افزایش یافت. مبادلات ایران و انگلیس از طریق راه‌های خلیج فارس، بغداد - کرمانشاه و راه سیستان صورت می‌گرفت. کالاهایی که از طریق هند به ایران وارد می‌شد به وسیله راه آهن بمبئی و کراچی به دزدآب سیستان حمل می‌شد و از طریق سیستان به خراسان منتقل می‌شد. پیش از این کالاهایی که از طریق ایران به صورت ترانزیت جابجا می‌شد در افغانستان حقوق گمرکی می‌پرداخت ولی کالاهایی که از سیستان وارد می‌شد بدون پرداخت حقوق گمرک به سمت خراسان می‌رفت. ولی سپاهیان انگلیسی، هنگام تخلیه ایران، لباس و محصولات غذایی که قبلاً به منظور تأمین احتیاج آن‌ها وارد شده بود با احتساب حقوق گمرکی در محل به فروش رساندند.

واردات عمده ایران در این سال به ترتیب اهمیت شامل منسوجات نخی، قند و شکر، چای، نخهای پنبه، برنج، منسوجات پشمی، آهن و فولاد و منسوجات پنبه‌ای، آرد و سایر کالاها بود. مهمترین صادرات کشور را در این سال، نفت، تریاک، قالی، میوه، صمغ، پشم خام، مروارید، دارو، توتون، پوست خام و مسکوکات تشکیل می‌داد. مصر به عنوان مستعمره انگلستان دومین مقام واردات کشور را در سال مذکور دارا بود و عمده صادرات نفتی که از سوی شرکت نفت انگلیس و ایران به سوی بنادر این کشور می‌رفت بطور مشخص به سوی لندن روانه می‌شد. بدین سبب، بی‌مناسبت نخواهد بود که به تجارت ایران با این کشور نیز اشاره شود. مهمترین کالایی که در سال ۱۳۰۰-۱۲۹۹ / ۱۹۲۱-۱۹۲۰ از مصر به ایران وارد می‌شد، قند و شکر بود و از کل واردات ۷۳۰، ۶۴۰، ۳۱ قران از این کشور در حدود ۸۰۲، ۲۷۹، ۳۱ قران آن مربوط به این کالا بود که از تصفیه‌خانه‌های مصر به ایران منتقل می‌شد و قطعاً توسط انگلیس‌ها اداره می‌شد. در مقابل، عمده‌ترین کالای صادراتی به این کشور را مواد نفتی تشکیل می‌داد. از کل صادرات ۸۴۸، ۶۰۲، ۱۵۲ قران، در حدود ۸۴۰، ۴۳، ۱۵۲ قران آن مربوط به صدور مواد نفتی بود و اقلام دیگری چون توتون، قالی و پشم خام به مقدار بسیار محدودی صادر می‌شد.^(۳۰) این ارقام گرایش به سمت اقتصاد تک محصولی را به خوبی نشان می‌دهد.

در سال ۱۳۰۱-۱۳۰۰ / ۱۹۲۲-۱۹۲۱، کل تجارت ایران با انگلستان در حدود ۳۱ درصد، واردات ۲۶/۲ درصد و صادرات ۴۸ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافت. در واقع واردات از انگلستان به ایران ۷۵ درصد از کل واردات و صادرات ایران به این کشور، ۳۱ درصد از کل صادرات را دربرداشت. البته به این رقم باید درصد صادرات ایران به مصر و عراق و دیگر کشورهایی که زیر نفوذ انگلستان قرار داشتند، افزود. کل تجارت ایران و انگلستان بیش از ۵۵/۸ درصد از کل تجارت ایران را شامل می‌شد. افزایش واردات در این سال مربوط به کالاهایی از قبیل منسوجات، نخ پنبه، چای، وسایل فلزی از قبیل پیچ و میخ و لوله، برنج، گندم، جو و سایر غلات، مبل، آهن و فولاد ساخته شده بود. کالاهایی که میزان

آن نسبت به سال گذشته دچار کاهش شده بود شامل: قند و شکر، منسوجات پشمی و نخی، کالاهای آهنی و ادویه بود.

در واقع اگر از کل واردات، پول‌های نقره وارد شده و از میزان صادرات، ارزش نفت صادراتی توسط شرکت نفت را کسر کنیم میزان واردات انگلستان به ایران در حدود ۸/۵ برابر صادرات ایران به این کشور بود. تنوع کالاها و افزایش میزان واردات این کشور نیز قابل توجه است. اکثر کالاهای وارداتی این کشور را مواد مصرفی و خوراکی تشکیل می‌داد که مهمترین آن‌ها بر حسب درجه اهمیت در سال مذکور شامل منسوجات نخی، شکر، وسایل آهنی، چای، برنج، نخ پنبه، انواع غلات، آرد، مبل و کالاهایی از این قبیل بود. در بین کالاهای وارداتی، اقلامی چون وسایل چاپ، کشتی‌های موتوری، ابزارآلات علمی، کالاهای چینی، قهوه، گوشت، شکلات و فشنگ نسبت به واردات سال‌های گذشته تا حدی تازگی داشت.

نفت به عنوان مهمترین کالاهای صادراتی، همچنان در راس جدول صادرات قرار داشت و مصر به عنوان اولین خریدار نفت ایران واسطه خروج این کالا به انگلستان بود. انبارهای این کشور محل ذخیره‌ای بود تا در صورت لزوم و بنا به خواست دفتر مرکزی شرکت نفت در لندن به این کشور منتقل گردد. کالاهای دیگری چون قالی، میوه، صمغ، تریاک، پوست خام، پنبه خام، توتون خام نیز به عنوان مهمترین مواد اولیه صادراتی کشور به انگلستان محسوب می‌شد. (۳۱)

تجارت ایران و انگلستان در سال ۱۳۰۲-۱۳۰۱/۱۹۲۳-۱۹۲۲، افزایش یافت و نسبت به سال گذشته ۱۵/۵ درصد بیشتر شد. صادرات به این کشور به دلیل فعالیت بیشتر شرکت نفت ۸۷/۷ درصد افزایش یافت. واردات از انگلستان به ایران ۶۷ درصد کل واردات ایران را در برداشت، در حالی که در این سال دچار ۹/۳ درصد کاهش شد. این نقصان مربوط به کالاهایی چون شکر، اشیاء فلزی، برنج، غلات، آرد و شیشه بود اما در مقابل واردات چای افزایش یافت.

در این سال، واردات از بریتانیا بر اساس ارزش وارداتی آن شامل منسوجات نخی، چای، شکر، وسایل آهنی، نخ پنبه، برنج، ماشین‌های صنایع کوچک، مسکوکات نقره و کالاهای دیگر بود. از اجناس جدید وارداتی در این سال می‌توان از ورود لوکوموتیو البته به میزان بسیار محدود نام برد. وارد کردن کنسرو در سال‌های اواخر جنگ متداول شد و تا این سال‌ها نیز ادامه داشت. ورود اشیاء تجملی مثل ظروف چینی و بدل چینی، مبل و اشیاء دیگر کماکان وجود داشت. صادرات مهم ایران به این کشور، همچون گذشته نفت بود که هر سال بر میزان استخراج آن افزوده می‌شد، تریاک، میوه، قالی پشمی، پنبه خام، پوست خام، مسکوکات نقره، پشم خام، صمغ و کالاهای دیگر کشاورزی مثل سبزی، برنج، داروهای گیاهی از اقلام دیگر صادراتی بود. اختلاف واردات و صادرات در سال مورد بحث به دلیل کاهش اندک واردات و افزایش صادرات نسبت به سال گذشته کمتر شد. مصر همچنان به

عنوان مهمترین خریدار نفت و مواد اولیه ایران در کنار انگلستان حضور داشت. شکر که در تصفیه‌خانه‌های این کشور آماده می‌شد مهمترین کالای وارداتی بود و ۹۸ درصد واردات از این کشور را شامل می‌شد. وسایل خرازی و لوکوموتیو نیز در سطح بسیار محدودی وارد می‌شد که اساساً از سوی انگلستان و از طریق مصر بود. (۳۲)

تجارت ایران و انگلیس در سال‌های پس از کودتا دارای افزایش منظم و قابل توجهی بود. در سال ۱۳۰۳-۱۳۰۲ / ۱۹۲۴-۱۹۲۳ کل تجارت ایران و انگلیس نسبت به سال گذشته ۱۷ درصد، واردات ۴ درصد و صادرات ۳۵ درصد افزایش داشت. در حالی که کل تجارت با این کشور ۵/۷ درصد از کل تجارت، واردات از آن ۶۲ درصد کل واردات و صادرات به آن کشور ۵۳ درصد از کل صادرات کشور را تشکیل می‌داد. افزایش تجاری سال مزبور اساساً به کالاهایی چون چای، فلزات پرداخت نشده، ماشین‌های صنایع دستی، ادویه، برخی منسوجات، چوب، محصولات شیمیایی و ذغال مربوط بود. کاهش نیز در مورد کالاهایی چون شکر، وسایل فلزی، آرد و کاغذ بوجود آمد. (۳۳) اگر بررسی خود را بر ارقام منتشر شده گمرک مبتنی کنیم، این طور بنظر می‌رسد که رقم صادرات ایران به انگلستان رو به افزایش بوده است و به میزان واردات از این کشور نزدیک می‌شود، ولی اگر از صادرات کشور میزان مواد نفتی که توسط شرکت نفت انگلیس و ایران (A.P.O.C) خارج می‌شد و همین‌طور از رقم واردات، ارزش محصولاتی که برای استفاده شرکت در ایران وارد می‌شد و پول‌های وارد شده توسط آن را کسر کنیم میزان واردات چیزی در حدود ۵ برابر صادرات ایران به انگلستان بود. (۳۴)

در سال ۱۳۰۴-۱۳۰۳ / ۱۹۲۵-۱۹۲۴ واردات از انگلستان به ایران ۱/۴ درصد، صادرات ۱۲ درصد و کل تجارت ۶ درصد نسبت به سال گذشته افزایش یافت. در سال مذکور نکته جالب توجه آن بود که صادرات به انگلستان با احتساب نفت صادراتی از واردات از این کشور به ایران بیشتر شد. واردات از بریتانیا ۵۷/۷ درصد کل واردات ایران و صادرات به این کشور بدون در نظر گرفتن کشورهایی که زیر نفوذ انگلستان قرار داشتند ۴۵ درصد کل صادرات کشور را شامل می‌شد. (۳۵) نوع کالاهای وارداتی و صادراتی تغییر خاصی نداشتند تنها افزایش در زمینه واردات مربوط به منسوجات نخی، قند و شکر، چای، نخ پنبه، ابزارآلات آهنی و شمش نقره بوجود آمد. در زمینه صادرات نیز افزایش قابل ملاحظه‌ای در صدور مواد نفتی، تریاک، میوه، برنج، پشم، روده و پوست بوجود آمد. (۳۶)

در سال ۱۳۰۵-۱۳۰۴ / ۱۹۲۶-۱۹۲۵ کل تجارت ۰/۹ درصد و واردات در حدود ۵ درصد افزایش یافت در حالی که صادرات ۳ درصد کاهش یافت. کل مبادلات بین دو کشور در حدود ۴۶/۷ درصد از کل تجارت ایران و واردات از این کشور ۵۳ درصد از کل واردات و صادرات به آن در حدود ۴۱ درصد از کل صادرات ایران را دربرمی‌گرفت. در این سال نوع کالاهای مورد مبادله تغییر چندانی نداشت. واردات منسوجات نخی، غلات، مسکوکات

طلا و نقره، وسایل آهنی، آرد و برخی کالاهای دیگر افزایش یافت. نقصانی هم در میزان واردات قند و شکر، وسایل فلزی و آهن بوجود آمد. در بخش صادرات نیز افزایش در مواد نفتی، قالی‌های پشمی، میوه، پنبه خام، برنج و روده حاصل شد اما در صدور تریاک و پوست نقصان بوجود آمد.^(۳۷)

با بررسی تجارت ایران و انگلیس، پس از پایان جنگ جهانی مشاهده می‌شود که میزان تجارت این دو کشور در دو سال پس از جنگ دچار نوساناتی بود ولی پس از کودتای ۱۲۹۹/۱۹۲۰ این تجارت با یکنواختی منظمی رو به گسترش گذارد. مهمترین کالاهای وارداتی را منسوجات، قند، شکر و چای تشکیل می‌داد که در این سال‌ها به مقدار قابل توجهی خریداری شد. اقلام خوراکی دیگر چون برنج و غلات نیز به میزان محدود وارد می‌شدند. ورود کالاهای لوکس و تزئینی به تدریج افزایش یافت. ورود ماشین‌های کشاورزی و لوکوموتیو در سطح بسیار محدود در بین کالاهای وجود داشت. ماشین‌آلات و ابزارهای دستی در بین واردات وجود داشت ولی ورود ماشین‌های صنعتی تا پایان دوره مورد بحث وجود ندارد. این نکته را باید توجه داشت که ورود برخی از ماشین‌آلات به منظور رفع نیاز شرکت نفت بوده است. افزایش صدور نفت ایران موجب کاهش صادرات غیرنفتی شد و همانطور که ذکر شد جهت اقتصاد کشور را به سمت اقتصاد تک محصولی سوق داد.

۲- تجارت ایران و شوروی

پس از انقلاب روسیه و در سال پایانی جنگ جهانی، میزان تجارت ایران و شوروی به مقدار بسیار قابل توجهی سقوط کرد اما در نخستین سال پس از جنگ تا حدی بهبود یافت. کل تجارت ایران و شوروی در نخستین سال پس از جنگ تقریباً دو برابر و صادرات آن کشور به ایران ۲/۵ برابر شد. میزان صادرات ایران به شوروی نیز ۴۲ درصد افزایش یافت. با همه این افزایش‌ها میزان تجارت نسبت به سال پیش از جنگ به هیچ وجه قابل مقایسه نبود و حدود ۱/۴ میزان پیش از جنگ را دارا بود. مهمترین اقلام وارداتی شامل پول طلا، حیوانات زنده، آهن، پولاد، قالی و نفت بود و عمده‌ترین صادرات به این کشور را منسوجات نخی، میوه، برنج، چای و تریاک تشکیل می‌داد.

در سال ۱۳۰۰-۱۲۹۹/۱۹۲۱-۱۹۲۰ بخش‌های شمالی ایران دچار ناآرامی بود. روس‌های سرخ و انقلابیون جنگل‌های شمال کشور را تحت تصرف خود داشتند بنابر این آمار منتشر شده توسط اداره گمرک، تمامی مبادلات ایران و شوروی را در برنمی‌گیرد. تبادل تجاری بین دو کشور از بنادر دریای خزر، مرز شمال آذربایجان و خراسان صورت می‌گرفت. در این سال هم به دلیل کامل نبودن آمار گمرکی و هم به دلیل سقوط تجارت با این کشور، میزان کل تجارت بر اساس آمار منتشر شده، ۸۲ درصد، واردات ۷۶

درصد و صادرات ۸۸ درصد نسبت به سال گذشته سقوط کرد. با مقایسه میزان تجارت ایران و روسیه در سال پیش از جنگ بخوبی می‌توان به فروپاشی تجارت ایران و شوروی پی برد. (۳۸)

کسر عمده در واردات، مربوط به کاهش ورود حیوانات زنده بود. ایران در سال‌های گذشته به دلیل قحطی، جنگ، بحران حمل و نقل و جبران کمبود این حیوانات، خرید آن‌ها را افزایش داده بود ولی در این سال واردات آن‌ها کاهش یافت با اینحال ورود گاو از طریق ترکستان شوروی رواج داشت. واردات کالاهای دیگری چون پوست بره، نفت، قالی و آهن نیز کاسته شد و ورود چینی‌آلات به دلیل تعطیلی کارخانه‌های آن نمی‌توانست ادامه یابد. صادرات کالاهای ذیل نیز به شوروی کاهش یافت: منسوجات نخی، میوه، برنج، قالی، پنبه خام و کالاهای مختلفی که تحت عنوان سایر کالاها نام برده شده است. به علت بی‌ارزش شدن روبل کاغذی و عدم پذیرش آن از جانب تجار، برای مبادله با این کشور از پول طلا استفاده می‌شد. (۳۹)

آمار تجاری ایران و شوروی در سال ۱۳۰۱-۱۳۰۰ / ۱۹۲۲-۱۹۲۱ به دلیل اشغال اداره گمرک بندرانزلی توسط نیروهای جنبش جنگل و انقلابیون شوروی قادر به بازتاب میزان واقعی مبادلات این دو کشور نمی‌باشد. با اینحال آمار منتشر شده مربوط به چهار ماه از مبادلاتی بود که در بندر دیگر دریای خزر، مرز شمال آذربایجان و خراسان صورت گرفته بود. بدلیل ناقص بودن این آگاهی‌ها، نمی‌توان میزان تغییرات آن نسبت به سال گذشته را دریافت اما بی‌تردید وضع بهتری نسبت به سال گذشته نداشته است. مهمترین کالاهای وارداتی در این سال، به ترتیب اهمیت شامل مواد نفتی، پول طلا، پوست، حیوانات زنده، قالی پشمی، پول نقره، منسوجات نخی، برنج، شکر و کالاهای دیگر بود، نفت وارداتی از شوروی به منظور رفع نیاز مناطق شمالی کشور خریداری می‌شد و علت عدم استفاده از نفت داخل کشور، فزونی هزینه حمل و نقل آن بود. صادرات عمده شامل برنج، میوه، چای، غلات، منسوجات نخی، تریاک و چرم بود.

در سال مذکور ورود کالاهای زیر افزایش یافت: نفت، پول طلا و نقره، شکر، منسوجات نخی، پارچه‌های ابریشمی، ابریشم خام و شیشه. همچنین در واردات حیوانات زنده و پنبه خام کاهش بوجود آمد. صدور برنج، میوه، چای و حیواناتی از قبیل گاو افزایش یافت. بهبود مبادلات دو کشور تا سطح پیش از جنگ به دلیل تغییر سیستم اقتصادی دولت شوروی و محدودیت‌ها و انحصارهایی که پیش از این بدان اشاره شد، غیرمحتمل بود. روسیه تا پیش از جنگ جهانی، ترانزیت چای را از راه باطوم - باکو و ترانزیت بسته‌های پستی را مجاز می‌شمرد. لغو اجازه عبور ترانزیتی کالاها، خود از عوامل محدودیت مبادلات بین دو کشور بود. کالاهای بخش شمالی کشور که عمدتاً از طریق روسیه امکان رسیدن به اروپا را داشت در این دوره تنها از طریق بندر طرابوزان در ترکیه امکان عبور داشت و میوه، خشکبار، پنبه

خام، پوست و پارچه‌های ابریشمی از این طریق صادر می‌گشت. (۴۰)

در سال ۱۳۰۱-۱۳۰۰/۱۹۲۳-۱۹۲۲ وضعیت تجاری به دلیل برقراری امنیت تا حدی بهبود یافت و صادرات و واردات با این کشور تا حدی افزایش یافت. مهمترین کالاهای وارداتی در این سال شامل: شکر، پوست، نفت، پنبه ابریشم، حیوانات زنده، پول نقره، آهن، پولاد، منسوجات، پول طلا و شیشه بود. عمده‌ترین کالاهای صادراتی را برنج، میوه، چای، تریاک، منسوجات نخی، پنبه خام، غلات و پوست تشکیل می‌داد. واردات در کلیه کالاهای فزونی یافت ولی افزایش کالاهایی چون قند، پوست خام، ابریشم خام، نفت، آهن، شیشه و پارچه قابل ذکر بود. افزایش صادرات نیز کلی بود ولی می‌توان از افزایش صدور برنج، تریاک، پنبه خام، پارچه‌های نخی، چای، میوه و پوست یاد کرد. به رغم عدم اطمینان به ارقام منتشر شده به دلیل نقصان آن در سال مذکور با این حال تفاوت ما بین ارقام تجاری در این سال‌ها و سال پیش از جنگ، بسیار فاحش بود و گفتگو برای اجازه عبور ترانزیت کالاهای از شوروی همچنان بی‌نتیجه ماند. (۴۱)

در سال ۱۳۰۳-۱۳۰۲/۱۹۲۴-۱۹۲۳ کل تجارت ایران و روسیه تقریباً دو برابر و میزان صادرات به این کشور دو برابر و نیم گردید و واردات از این کشور ۴۳ درصد افزایش یافت. (۴۲) این افزایش مربوط به شکر، نفت، منسوجات نخی، آرد، قالی پشمی، کبریت، پوست می‌شد. افزایش صادرات نیز عمدتاً مربوط به تریاک، خشکبار، چای، پشم خام، پوست، رنگ و پنبه خام بود. در این سال نوع کالاهای مورد مبادله تغییر محسوسی نیافت. عوارض جدید گمرکی که در سال ۱۲۹۹/۱۹۲۰ وضع گردید توسط دولت شوروی به رسمیت شناخته نشد و کالاهای بر اساس نرخ گمرکی سال ۱۳۲۱/۱۹۰۳ مبادله می‌شد. (۴۳)

کل تجارت ایران و شوروی در سال ۱۳۰۴-۱۳۰۳/۱۹۲۵-۱۹۲۴ در حدود ۴۰ درصد، واردات ۱۹ درصد و صادرات ۵۵ درصد افزایش یافت. میزان مبادلات ایران و روسیه در این سال در حدود ۳۱ درصد از کل تجارت ایران را در برمی‌گرفت. واردات این کشور ۱۶/۲ درصد از کل واردات و صادرات به این کشور ۲۴/۴ درصد از کل صادرات ایران را شامل می‌شد. (۴۴) در این سال واردات منسوجات نخی، شکر، مواد نفتی، مسکوکات طلا و نقره افزایش یافت و بر میزان صادرات تریاک، میوه، پنبه خام، برنج، پشم خام و چای افزوده شد و در نوع کالاهای نیز تغییر عمده‌ای ایجاد نگردید. (۴۵) افزایش چشمگیر صادرات کشور در این سال جالب توجه است ولی علت آن بدرستی روشن نیست. آگاهی‌های اسناد اداره گمرک نیز ما را در دستیابی به علت آن یاری نمی‌رساند.

سال ۱۳۰۴-۱۳۰۳/۱۹۲۶-۱۹۲۵ میزان کل تجارت ایران و شوروی ۳۳ درصد، واردات ۶۸ درصد و صادرات ۱۴ درصد افزایش یافت. در این سال میزان مبادلات ایران و شوروی ۲۵ درصد کل تجارت ایران را در برداشت که نسبت به سال گذشته تا حدی افزایش نشان می‌دهد. در نوع کالاهای تغییری ایجاد نگردید اما افزایشی در اکثر کالاهای وارداتی و

بخصوص در منسوجات، شکر، مسکوکات طلا و نقره، مواد نفتی و نخ پنبه بوجود آمد. در مورد صادرات نیز افزایش بیشتر مربوط به قالی‌های پشمی، میوه، تریاک، پنبه خام و برنج بود. (۴۶)

حاصل سخن آنکه وضعیت تجاری ایران با شوروی پس از انقلاب در این کشور دیگر نتوانست به جایگاه پیش از جنگ جهانی بازگردد. همانطور که پیش از این اشاره شد، عدم برقراری ارتباط تجاری همانند گذشته عوامل متعددی داشت. برخی مربوط به استقرار نظام جدید سیاسی در شوروی بود و برخی مربوط به اوضاع داخلی ایران بود. انحصار امور تجاری و عدم اعتقاد به آزادی تجارت توسط دولت شوروا، لغو حق عبور ترانزیت کالاها از خاک روسیه که به تجارت ایالات شمالی لطمه شدید وارد کرد. هرج و مرج و ناامنی شمال کشور، قیام جنگل، حضور ارتش سرخ و درگیری‌هایی که در مناطق شمالی ایجاد گردید، همچنین ناهماهنگی در بازار مبادلات پول و صرافی در ایجاد سقوط مبادلات تجاری این دو کشور نقش بسزایی داشت. از سال ۱۳۰۱/۱۹۲۲ به بعد بر اساس ارقام موجود گمرک کشور به دلیل پیروزی دولت مرکزی بر انقلابیون جنگل و آرامش نسبی امور در مناطق شمالی و مذاکرات دولت‌ها برای انعقاد معاهده‌های جدید، وضعیت تجارتی ایران و شوروی تا حدی رو به بهبود گذارد ولی هیچگاه نتوانست سقوط پیشین خود را جبران کند. این سقوط تجاری بیش از هر چیز بر صادرات غیرنفتی ایران لطمه وارد کرد و موجب کاهش شدید صادرات غیرنفتی کشور شد. گرایش انگلستان به افزایش هر چه بیشتر صدور نفت و بی میلی او به خرید کالاها دیگر مزید بر علت شد و زمینه لازم برای گرایش به اقتصاد تک محصولی را فراهم ساخت.

۳- تجارت ایران با دیگر کشورها

تا پیش از جنگ جهانی، روسیه و انگلستان مهمترین طرف‌های تجاری ایران بودند. بتدریج روسیه جای خود را به انگلستان داد و این کشور بیش از نیمی از تجارت ایران را به خود اختصاص داد. مصر به عنوان مستعرة انگلستان در خرید نفت و فروش شکر با ایران مبادله داشت و با افزودن این ارقام بر تجارت انگلستان، درمی یابیم که بازار تجارت ایران توسط این کشور اشغال شده بود. جای دولت عثمانی را در تجارت ایران، کشورهای عراق و ترکیه گرفتند و در آمارهای گمرکی با نام‌های بین‌النهرین (عراق)، ترکیه اروپا و ترکیه آسیا از آنها نام برده شده است.

عراق در سالهای ۱۳۰۱-۱۲۹۹/۱۹۲۲-۱۹۲۰ مرتبه سوم را در صادرات ایران داشت و در سالهای بعد در ردیف پنجم تا ششم قرار گرفت. میزان صادرات این کشور به ایران بسیار اندک بود و در سال ۱۳۰۰-۱۲۹۹/۱۹۲۱-۱۹۲۰ چیزی در حدود ۱/۳ از کل واردات ایران را در برمی گرفت. صادرات ایران به این کشور نیز در حدود ۱۲/۳ از کل صادرات ایران بود که

رقم قابل توجهی محسوب نمی‌شد. واردات شامل مواد نفتی، میوه، غلات، برنج، منسوجات نخی، مسکوکات نقره، رنگ و انواع چوب بود. مهمترین صادرات ایران به این کشور را مواد نفتی، قالی پشمی، میوه، پنبه ابریشم، صمغ، توتون، منسوجات ابریشمی، پنبه خام، پوست، دارو، انواع رنگ، حبوبات و برنج تشکیل می‌داد.^(۴۷)

در سال ۱۳۰۱-۱۳۰۰/۱۹۲۲-۱۹۲۱ واردات و صادرات افزایش یافت. واردات ۱/۳ درصد از کل واردات ایران و صادرات ۸/۸ درصد از کل صادرات ایران را دربرگرفت. با این حال تجارت کلی ایران و عراق فقط ۴/۷ درصد از کل تجارت ایران را شامل می‌شد که رقم قابل توجهی محسوب نمی‌شود و نقش چندانی در تجارت ایران بازی نمی‌کرد.

ترکیه در سال ۱۲۹۹-۱۲۹۸/۱۹۲۰-۱۹۱۹ در مرتبه چهارم تجاری ایران قرار داشت ولی در سال‌های بعد در مرتبه‌های پنجم تا هشتم قرار گرفت. حجم مبادلات این کشور با ایران محدود بود و بیشتر از طریق مرزهای کردستان و ایالت آذربایجان صورت می‌گرفت. در سال ۱۳۰۰-۱۲۹۹/۱۹۲۱ صادرات این کشور به ایران شامل توتون، پول طلا، انواع رنگ، کاغذ و منسوجات بود و حدود ۰/۰۵ درصد از کل واردات ایران را شامل می‌شد. صادرات به این کشور شامل قالی، پوست، پنبه خام، شال، مواد حیوانی و صمغ بود و حدود ۲/۵ درصد از کل صادرات ایران را دربرداشت.^(۴۸) در سال بعد میزان مبادله ایران با ترکیه اروپا بیشتر بود و قطعاً کالاها از این طریق به کشورهای دیگر اروپایی فرستاده می‌شد. کالاهای وارداتی از طریق طرابوزان - خوی یعنی از شمال غربی ایران وارد می‌شدند که اساساً از قسطنطنیه می‌آمدند، جایی که انبار کالاهای اروپایی بود. میزان واردات از ترکیه اروپا در حدود ۰/۰۹ درصد از کل واردات ایران و صادرات به آن کشور در حدود ۲ درصد از کل صادرات ایران بود. در حالی که واردات از ترکیه آسیا به ایران محدودتر و در حدود ۰/۰۶ درصد واردات کل و صادرات به این کشور ۰/۰۸ درصد از کل صادرات ایران را تشکیل می‌داد. واردات شامل توتون، میوه، انواع رنگ و صادرات شامل قالی، پوست، حنا، منسوجات و پنبه خام بود.^(۴۹) بدین ترتیب ملاحظه می‌شود که به جای همسایه قوی غربی و سومین طرف تجاری کشور، دولت‌هایی با مبادلات محدود ایجاد گردید که نقش چندانی در تجارت ایران ایفا نمی‌کردند.

آمریکا در جدول طبقه‌بندی کشورهایایی که با ایران مبادله تجاری داشتند مرتبه چهارم را داشت در حالی که در گذشته در مرتبه ششم و در زمینه واردات در مرتبه سیزدهم تا شانزدهم قرار داشت.^(۵۰) واردات از این کشور در سال ۱۳۰۱-۱۳۰۰/۱۹۲۲-۱۹۲۱ فقط ۰/۰۸ درصد از کل واردات ایران و صادرات به آن کشور در حدود ۵/۸ درصد از کل صادرات ایران را شامل می‌شد. کالاهای وارداتی شامل: شکر، مواد نفتی، اتومبیل، وسایل خرازی، وسایله نقلیه، مبل، سیگار، لباس، لوازم کائوچویی و کفش بود. صادرات ایران به آن کشور قالی پشمی، صمغ، چوب، پوست، توتون، اکسید آهن، چرم و میوه بود.^(۵۱) در سال

۱۳۰۲-۱۳۰۱/۱۹۲۳-۱۹۲۲ واردات به ایران ۰/۰۹ درصد از کل واردات و صادرات به آن کشور ۸/۳ درصد از کل صادرات ایران را شامل می‌شد که تا حدی افزایش یافته بود. در سال بعد میزان مبادلات تا حدی کاهش یافت یعنی واردات به ۰/۰۵ درصد کل واردات و صادرات به ۷/۶ درصد کل صادرات رسید. این ارقام نشان می‌دهد که تغییرات سالانه آن نقش چندانی در تجارت ایران ایفا نمی‌کرد. در بین کالاهای وارداتی، علاوه بر وسایل نقلیه که مهمترین واردات این کشور بود، ماشین‌ها و ابزارآلات صنایع کوچک، ابزارآلات علمی، قطعات و لوازم یدکی اتومبیل و محصولات کائوچویی وجود داشت که تا حدی ترکیب تجارت ایران با این کشور را نسبت به ممالک دیگر متفاوت می‌ساخت.^(۵۲) کالاهایی که از آمریکا وارد می‌شد بیشتر محصولات و صنایع کارخانه‌ای بود و بیانگر صنایع رو به رشد آن کشور بود.

از دیگر کشورهایی که به تجارت آن‌ها با ایران باید اشاره کرد بلژیک و فرانسه بودند که بیشتر در زمینه صدور کالا به ایران فعالیت داشتند و صادرات ایران به آن کشورها بسیار محدود بود. میزان واردات از بلژیک در سال ۱۳۰۰-۱۲۹۹/۱۹۲۱-۱۹۲۰ در حدود ۳/۵ درصد از کل واردات کشور و صادرات ایران به آن کشور ۰/۰۵ درصد از کل صادرات ایران را دربرداشت. این ارقام در سال بعد به ۴/۴ درصد از واردات و ۰/۰۲ درصد از صادرات تبدیل گشت. آشکار است که نوسانات تجاری ایران و بلژیک بر تجارت ایران نمی‌توانست نقش عمده‌ای ایفا کند. واردات از این کشور شامل شکر، شیشه، منسوجات نخی، آهن و فولاد بود و صادرات ایران به آن کشور را بیشتر قالی، پوست و صمغ تشکیل می‌داد.^(۵۳)

فرانسه در سال ۱۳۰۲-۱۳۰۱/۱۹۲۳-۱۹۲۲ چهارمین کشور صادرکننده کالا به ایران بود. واردات از این کشور در حدود ۳/۳ درصد از کل واردات و صادرات ایران به آن کشور ۱/۵ درصد از کل صادرات را شامل می‌شد. بدیهی است این مبادلات دارای نوساناتی بود. بطور مثال در سال ۱۳۰۳-۱۳۰۲/۱۹۲۴-۱۹۲۳ میزان واردات به ۳/۲ درصد و صادرات به ۱/۲ درصد از کل صادرات رسید ولی این تغییرات بدلیل محدود بودن دامنه آن نقش چندانی نداشت. مهمترین واردات ایران از فرانسه، شامل شکر، منسوجات پشمی و ابریشمی، لوازم خرازی، دارو، منسوجات نخی، لباس، مشروبات الکلی، پوست پرداخت شده، کاغذ، وسایل نقلیه و کالاهای دیگری چون قالی پشمی، صمغ، پوست، محصولات هنری و کلکسیون، روده و منسوجات نخی جزو صادرات ایران به این کشور بود.^(۵۴)

همانطور که مشاهده شد در سالهای پس از جنگ جهانی با کاهش فعالیت شوروی در تجارت ایران، بریتانیا توانست بازار کشور را در دست گیرد. عثمانی که تا پیش از این دوران مرتبه سوم اهمیت را در تجارت ایران داشت متلاشی شد و جای خود را به کشورهای دیگر کوچکی سپرد که آن‌ها نیز در حوزه تجارت انگلستان قرار گرفتند. حضور کشورهای دیگر اروپایی در تجارت ایران بسیار محدود بود. تجارت ایران در سال‌های پس از جنگ جهانی تا

پایان دوران قاجار روندی رو به رشد داشت هر چند تا رسیدن سطح تجارت به سال‌های پیش از جنگ چندین سال به طول انجامید. به دلیل بحران‌های سیاسی و اجتماعی پس از جنگ ارقام مربوط به این سال‌ها تا ۱۳۰۱/۱۹۲۲ دچار نوسان بود ولی از این سال به بعد تا پایان دوران مورد بحث، ارقام نظم گرفت و سیری فزاینده یافت.

ورود نفت به عنوان مهمترین صادرات کشور از پدیده‌های مهم تجاری این دوره بود و موجب گشت که ارقام صادرات بر واردات فزونی یابد ولی این افزایش بیانگر رونق تجاری کشور نبود بلکه حاکی از فعالیت بیشتر شرکت نفت انگلیس و ایران بود. هر چند استخراج نفت در این سال‌ها افزایش یافت ولی درآمد آن نقش چندانی در بودجه کشور ایفا نکرد. افزایش صادرات نفت ایران توسط یک شرکت انگلیسی و ارسال آن به انگلستان، مصر و عراق و کاهش صادرات ایران به شوروی که مهمترین مشتری ایران در سال‌های قبل محسوب می‌شد ضربه‌ای شدید بر صادرات غیرنفتی کشور وارد ساخت و زمینه‌های ایجاد یک اقتصاد تک محصولی را فراهم کرد.

تبرستان
www.tabarestan.info

یادداشت‌های فصل پنجم

تبرستان
www.tabarestan.info

۱. نگاه کنید به جدول شماره ۷ (بخش جدول‌ها).
2. Tableau General, Commerce avec les pays etrangers Pendant L'annee Pitchi-II, (21 Mars 1920-20 Mars 1921), Tehran, 1922, P: XAZ.
۳. نگاه کنید به جدول شماره ۷ (بخش جدول‌ها).
۴. نگاه کنید به جدول شماره ۸ (بخش جدول‌ها).
۵. نگاه کنید به جدول شماره ۱۲ (بخش جدول‌ها).
6. Tableau General, Commerce avec les pays etrangers Pendant L'annee It-II, (21 Mars 1922-20 Mars 1923), Tehran, 1924, P: XAI.
۷. روزنامه ایران، ۲۶ رمضان ۱۳۴۳، ش ۱۸۰۵، ص ۲.
8. Tableau General, L'annee It-II, (21 Mars 1922-20 Mars 1923), P: XAI.
۹. کتابچه عمومی تجارت با مملکت خارجه در سنه ۱۳۰۳ (۲۱ مارس ۱۹۲۴ - ۲۰ مارس ۱۹۲۵)، تهران، ۱۳۰۴ خورشیدی، ص ۴.
۱۰. همان جا، صص ۲۴-۲۵.
۱۱. کتابچه عمومی تجارت با مملکت خارجه در سنه ۱۳۰۴ (۲۱ مارس ۱۹۲۵ - ۲۰ مارس ۱۹۲۶)، تهران، ۱۳۰۵ خورشیدی، ص ۱.
۱۲. همان جا، صص ۸-۹.
۱۳. نگاه کنید به جدول شماره ۱۵ (بخش جدول‌ها).
۱۴. نگاه کنید به جدول شماره ۱۶ (بخش جدول‌ها).

۵۴۰. تجار، مشروطیت و دولت مدرن

۱۵. نگاه کنید به جدول شماره ۱۷ (بخش جدول‌ها).
۱۶. نگاه کنید به جدول شماره ۱۸ (بخش جدول‌ها).
۱۷. نگاه کنید به جدول شماره ۱۹ (بخش جدول‌ها).
۱۸. کتابچه عمومی تجارت با ممالک خارجه در سه ۱۳۰۵، (۲۱ مارس ۱۹۲۶ - ۲۰ مارس ۱۹۲۷)، تهران، ۱۳۰۶ خورشیدی، ص ۸-۹.
۱۹. نگاه کنید به جدول شماره ۲۰ (بخش جدول‌ها).
۲۰. نگاه کنید به جدول شماره ۲۱ (بخش جدول‌ها).
۲۱. نگاه کنید به جدول شماره ۲۲ (بخش جدول‌ها).
۲۲. نگاه کنید به جدول شماره ۲۴ (بخش جدول‌ها).
۲۳. نگاه کنید به جدول شماره ۲۳ (بخش جدول‌ها).
۲۴. برای آگاهی از نوع کالاهای وارداتی و صادراتی در این سال‌ها برای نمونه نگاه کنید به نمودار شماره ۲۵ (بخش جدول‌ها).
۲۵. نگاه کنید به جدول‌های شماره ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹ (بخش جدول‌ها).
۲۶. همان جا.
۲۷. همان جا.
28. Tableau General, L'annee Pitch-II, (21 Mars 1920-20 Mars 1921), P: XA4-XA5.
۲۹. جدول‌های شماره ۲ و ۱۰ را مقایسه کنید.
30. Tableau General, L'annee Pitch-II, (21 Mars 1920-20 Mars 1921), P: XA3-XA5.
31. Tableau General, Commerce avec les pays etrangers pendent L'annee Takhaghoui-II, (21 Mars 1921-20 Mars 1922), P: XA2-XA5.
32. Tableau General, L'annee It-II, (21 Mars 1922-20 Mars 1923), P: XA2-XA5.
33. Tableau General, Commerce avec les pays etrangers pendant L'annee Tanghousi-II, (21 Mars 1923-20 Mars 1924), Tehran, 1925, P: XA2-XA4.
۳۴. نگاه کنید به: همان جا.
۳۵. جدول‌های شماره ۱۰ و ۲ را با یکدیگر مقایسه کنید، (بخش جدول‌ها).
۳۶. کتابچه عمومی تجارت با ممالک خارجه در سه ۱۳۰۳ (۲۱ مارس ۱۹۲۴ - ۲۰ مارس ۱۹۲۵)، صص ۲۴-۲۵.
۳۷. کتابچه عمومی تجارت با مملکت خارجه در سه ۱۳۰۴ (۲۱ مارس ۱۹۲۵ - ۲۰ مارس ۱۹۲۶)، صص ۸-۹.
۳۸. نگاه کنید به جدول شماره ۹ (بخش جدول‌ها).
۳۹. نگاه کنید به: XA7-XA8، (21 Mars 1920-20 Mars 1921), P: XA7-XA8.
40. Tableau General, L'annee Takaghoui-II, (21 Mars 1921-20 Mars 1923), P: XA6-XA7.
41. Tableau General, L'annee Takaghoui-II, (21 Mars 1923-20 Mars 1922), P: XA5-XA7.
۴۲. نگاه کنید به جدول شماره ۹ (بخش جدول‌ها).
۴۳. نگاه کنید به: XA5-XA6، (21 Mars 1923-20 Mars 1924), P: XA5-XA6.
۴۴. جدول‌های شماره ۹ و ۲ را با یکدیگر مقایسه کنید، (بخش جدول‌ها).

یادداشت‌های فصل پنجم ۵۴۱

۴۵. کتابچه عمومی تجارت با ممالک خارجه در سنه ۱۳۰۳ (۲۱ مارس ۱۹۲۴ - ۲۰ مارس ۱۹۲۵)، صص ۲۴-۲۵.
۴۶. نگاه کنید به: کتابچه عمومی تجارت با ممالک خارجه در سنه ۱۳۰۴ (۲۱ مارس ۱۹۲۵ - ۲۰ مارس ۱۹۲۶)، صص ۸-۹.
۴۷. نگاه کنید به: Tableau General, L'annee Pitchi-II, (21 Mars 1920-20 Mars 1921), P: XA6.
۴۸. همان جا، ص XA9.
49. Tableau General, L'annee Takhaghoui-II, (21 Mars 1921-20 Mars 1922), P: XA11-XA16.
۵۰. جدول‌های شماره ۲۶، ۲۷، ۳۱ را با یکدیگر مقایسه کنید، (بخش جدول‌ها).
۵۱. نگاه کنید به: Tableau General, L'annee Takhaghoui-II, (21 Mars 1921-20 Mars 1922), P: XA10.
۵۲. نگاه کنید به: Tableau General, L'annee It-II, (21 Mars 1922-20 Mars 1923), P: XA7-XA8; Tableau General, L'annee Tanghousi-II, (21 Mars 1923-20 Mars 1924), P: XA7.
۵۳. نگاه کنید به: Tableau General, L'annee Pitchi-II, (21 Mars 1920-20 Mars 1921), P: XA9; Tableau General, L'annee Takhaghoui-II, (21 Mars 1921-20 Mars 1922), P: XA10-XA11.
۵۴. نگاه کنید به: Tableau General, L'annee Tanousi-II, (21 Mars 1923-20 Mars 1924), P: XA11.

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

پیوست بخش سوم

تبرستان
www.tabarestan.info

۱. ماجرای اجاره دخانیات کردستان توسط حاج رحیم اتحادیه (مبتنی بر اسناد آرشیو اتحادیه)

حاج رحیم اتحادیه اداره دخانیات کردستان را به مبلغ ۱۴۱ هزار تومان و به مدت سه سال اجاره کرده بود. با لغو اجاره کلیه ادارات دخانیات، مستأجران دخانیات همدان، سمنان، گلپایگان و شاهرود پس از مذاکره و گرفتن مبلغی پول به عنوان خسارت، ادارات تحت اجاره خود را به دولت واگذار کردند. حاج رحیم اتحادیه در واگذاری دخانیات کردستان مسامحه کرد، از اینرو مأموران دولت در کار دخانیات کردستان مداخله کردند، و این زمان مقارن سررسیدن قسط سوم اجاره اتحادیه بود. وزارت مالیه مبلغ دو هزار و پانصد و هشتاد و هشت تومان بابت قسط سوم و یکصد و پنجاه تومان بابت حقوق مفتش دخانیات و عواید پنج روز آخر برج قوس ۱۲۹۸ از اتحادیه مطالبه کرد. از سوی دیگر حاج رحیم اتحادیه نیز ادعای خسارتی معادل شصت هزار تومان و پس از مدتی سی هزار تومان دیگر بابت منافع بقیه مدت اجاره کرد. هنگامی که اتحادیه در تهران با دولتیان مشغول مذاکره بود، شخصی از طرف وزارت مالیه دخانیات کردستان را توقیف و مهر و موم کرد (نامه ۱۶ محرم ۱۳۳۹ / ۸ میزان ۱۲۹۹).

اتحادیه در نامه‌ای به اداره کل دخانیات از بی‌توجهی به نامه‌های متعدد وی به اداره دخانیات، وزارت مالیه و ریاست وزرا گلایه کرد. در این نامه آمده است که اظهارات او را «ابدأ محل توجه قرار نداده‌اند. لهذا با کمال مأیوسیت از توجهات دولت علیه نسبت به تجار

خویش» از این بابت ابراز تأسف کرد (نامه اتحادیه به اداره کل دخانیات، ۲۰ محرم ۱۳۳۹ / ۱۲ میزان ۱۲۹۹). وزارت مالیه و اداره محاسبات کل در قبال مبلغی که اتحادیه به دولت مدیون بود، ملک فرحزاد متعلق به وی را توقیف کردند (۱۹ جمادی الثانی ۱۳۴۴ / دی ۱۳۰۴، نمره ۳۷۰۹۸).

اتحادیه با مسیو شارل گاری تبعه دولت ایتالیا قرارداد همکاری امضا کرد تا در «حسن اداره امور» به وی کمک کند. همه اسناد به امضای هر دو آنها می‌رسید و فرد ایتالیایی مسئول رساندن مال الاجاره دولتی و عایدات دخانیات به اتحادیه بود. اتحادیه با حاج علی عباسی صدقیانی نیز قراردادی منعقد کرد و او را برای مدت سه سال به معاونت اداره دخانیات کردستان گمارد (اول جدی ۱۲۹۸ / ۲۹ ربیع الاول ۱۳۳۸). اداره کل دخانیات در نامه‌ای به ریاست وزرا به تخلف‌های اتحادیه از مواد اجاره‌نامه و لغو اجاره او اشاره کرد. اداره دخانیات، اتحادیه را به استفاده از اوراق رسمی و اداری اداره دخانیات، نپرداختن اقساط چند ماهه، دخالت ندادن کمیسر اداره دخانیات در امور، صدور مکرر جواز بر خلاف مواد اجاره نامه و استخدام یک تبعه خارجی که این نیز تخلف از مواد اجاره‌نامه به شمار می‌آمد، متهم کرد، و همه این موارد را موجب فسخ خود به خود اجاره‌نامه می‌داند (اداره کل دخانیات به ریاست وزرا، ۲۸ میزان ۱۲۹۹، نمره ۲۹۵۱).

اتحادیه در واکنش به این امر به موسس خان رییس اداره کل دخانیات شکایت می‌برد و در نامه‌ای تقاضای شصت هزار تومان خسارت می‌کند. او در بخشی از این نامه می‌نویسد «امیدوارم... دولت علیه از تجار داخلی خودش بهتر از این نگاهداری نماید» (۲۰ ذی حجه ۱۳۳۸ / ۱۳ سنبله ۱۲۹۹). علاوه بر آن نامه‌هایی به وزارت مالیه (۳ محرم ۱۳۳۹ / ۲۴ سنبله ۱۲۹۹)، مجلس شورای ملی (جوابیه مجلس: جمادی الثانی ۱۳۴۴ / ۲۰ دی ماه ۱۳۰۴، نمره ۲۵۹۴۳)، وزارت عدلیه (۲۶ ذی حجه ۱۳۴۳، نمره ۷۰۹)، و ریاست وزرا نوشت. در بخشی از نامه اتحادیه به ریاست وزرا (۲۳ محرم ۱۳۳۹ / ۱۵ میزان ۱۲۹۹) آمده است:

«امر و مقرر شود حقوق ثابت و مسلمه این بنده محفوظ و تأمین شود و راضی شوید برای دفاع حق مشروع خود اقدامات غیر مستقیم و درخواست محاکمه قانونی از این عملیات حق شکنانه وزارت مالیه نمایم که یک وزیر قانونی در مملکت مشروطه نتواند این قسم بی‌اعتدالی و تضییع حقوق و حیثیات یک نفر تبعه و تجارتخانه ایرانی به نام حفظ منافع دولت نماید.»

در میان شکایت‌هایی که از اتحادیه شده بود، تعدادی برات از دایره دخانیات سقز مطرح شد که مسأله به محکمه تجارت تهران احاله شد و محکمه رای بر ابطال و بی‌اساس بودن برات‌ها صادر کرد (ذی حجه ۱۳۴۳ / سرطان ۱۳۰۴، نمره ۷۰۹). در این بین شکایت گروهی از تجار کردستانی و زنجان می‌قیم کردستان از اداره دخانیات و اداره مالیه کردستان طرح شد. تجار کردستانی ضمن تلگراف‌هایی به اداره دخانیات و اتحادیه شکایت مزبور را تکذیب کردند و اعلام نمودند که اگر شکایتی می‌داشتند حتماً از طریق کمیسر اداره دخانیات مطرح می‌کردند (از تجار کردستانی به حاج رحیم اتحادیه، ۱۳ اسد ۱۲۹۹؛ از تجار کردستانی به وزارت مالیه، ۹ ذی قعدة ۱۳۳۹).

ماجرای اجاره دخانیات کردستان سیزده سال به طول انجامید و پس از ماجراها و شکایت‌های مفصل و طولانی طرفین از یکدیگر که شمه‌ای از آن به طور مختصر ذکر شد، بالاخره در دی‌ماه ۱۳۱۱ حکم نهایی در خصوص این دعوی صادر شد. حضور اتحادیه در اداره دخانیات پس از لغو اجاره به طور امانی تلقی گردید. کلیه عایدات و منافع که اتحادیه در مدت نه ماه با تداوم حضور خود در اداره دخانیات کردستان برداشت کرده بود، محاسبه و حق‌الزحمه‌ای هم برای او منظور شد. چون در خصوص میزان درآمد و مخارج توافق کامل حاصل نگردید، لذا با اکثریت آرا و بر اساس صورتی که مأموران دخانیات در موقع تحویل دفاتر استخراج کرده بودند، مخارج کسر و بر حسب آن قرار شد که مبلغ ۵۲۲ تومان و یک قران و سیصد دینار به اتحادیه پرداخت شود و علاوه بر آن حق‌الزحمه وی در مدت نه ماه نیز از قرار ماهی ۳۰۰ تومان که در مجموع به ۲۷۰۰ تومان بالغ می‌شود، به او تأدیه گردد. از این قرار اتحادیه در مجموع ۳۲۲۲ تومان و یک قران و سیصد دینار طلبکار شد که با کسر حق‌الزحمه محاکمات، دولت موظف به پرداخت مابقی آن به او شد (ماجرای اجاره دخانیات، ۲۵ بهمن ۱۳۱۱، نمره ۲۱۹).

برای آگاهی‌های بیشتر از ماجرای اجاره مالیات توتون و تنباکوی کردستان به منبع ذیل رجوع کنید:

M. Ettehadieh, "Merchants and Government, Tobacco and Trade, A Case Study of Kordestan 1333 H. Q." Iranian Studies, 1987, No: 2

ترجمه مقاله مذکور با عنوان ذیل فارسی منتشر شده است: منصوره اتحادیه، «ماجرای اجاره مالیات توتون و تنباکوی کردستان در ۱۳۳۳ هـ. ق.»، اینجا طهران است، صص ۴۲۰-۴۰۱.

۲. مرکز اسناد ریاست جمهوری و سازمان اسناد ملی در خصوص قانون نظام اجباری که در ۱۶ خرداد ۱۳۰۴ در مجلس شورای ملی به تصویب رسید و تا اوایل مهرماه ۱۳۰۶ اجرای آن به تعویق افتاد، مجموعه اسناد قابل توجهی را منتشر ساختند که ابعاد قابل توجه بسیاری از این موضوع را روشن می‌سازد، از جمله مقاومت روحانیان اصفهان در مقابل این قانون و مهاجرت آنها به قم، اما این مجموعه از این زاویه مورد توجه قرار گرفت که واکنش تجار و اصناف در مقابل این قانون فهم شود. طبیعی است قانون نظام وظیفه اجباری به دلیل ناموزون بودن آن با ساختار کلی جامعه ایران که قانون مدار و منظم نبود و هم به دلیل اینکه این موضوع ابعاد عاطفی و خانوادگی تمامی اقشار اجتماع را در بر می‌گرفت و ثروتمند و فقیر هر دو به یکسان می‌بایست در آن مشارکت نمایند، می‌توانست برای طبقه تجار از یک سو نوبت امنیت، آسایش و ثبات اجتماعی داشته باشد و از سوی دیگر درگیری‌های عاطفی، شخصی و خانوادگی ایجاد کند، چرا که فرزندان آنان نیز مشمول چنین قانونی می‌شدند که کلیه اتباع ذکور اعم از سکنه شهرها، قصبه‌ها، روستاها و ایلات و حتی ساکنان خارج از کشور را که به سن بیست و یک سالگی رسیده باشند، در بر می‌گرفت. طبیعی بود که طبقه تجار نیز مجبور به موضع‌گیری در قبال چنین امری بوده است.

اعتراض طبقات مختلف مردم و مهاجرت تعدادی از علمای اصفهان به رهبری حاج آقا

نورالله اصفهانی به قم و مخایره تلگراف‌هایی به شهرهای ایران و طلب یاری از علمای نجف، آیت‌الله نائینی و آیت‌الله اصفهانی ابعاد اعتراض را گسترش داد. در نامه‌ای که محمدعلی مکرّم، مدیر روزنامه نامه ملی سپاهان به تیمورتاش وزیر دربار نوشت در خصوص تحریکاتی که در اصفهان بر ضد قانون نظام وظیفه صورت گرفت در بخشی از آن آمده است:

«دو نفر در اصفهان مساعدت کردند با دولت و نظریه دولت را به مردم حالی کردند. آقای صارم‌الدوله و آقای اعتمادالتجار و دیگر تمام مردم از بابت عوام‌فریبی اسباب ملعبه آقا نورالله شده‌اند.»^(۱) گستردگی ماجرا، تلگراف‌هایی که به مشهد، کرمان، شیراز، یزد، کاشان، و نجف فرستاده می‌شود و نامه‌های بسیاری که بین علما، حکام، وزیر دربار و شخص شاه مبادله می‌شود حاکی از اهمیت و وسعت این ماجرا بوده، ولی جالب آن است که در تمامی این نامه‌ها به معایب یا مزایای نظام اجباری اشاره نمی‌شود. نامه علما به طور کلی از خطری که اسلام را تهدید می‌کند، سخن می‌گوید در حالی که این خطر به درستی مشخص نیست. آیت‌الله سیدابوالحسن اصفهانی در نجف ابراز می‌دارد:^(۲)

«علماء قم به رشته سیاسیات مملکت داخل شدند و این به کلی منافی و خارج از وظیفه روحانیت است و مسأله نظام اجباری چیزی عاید به دولت و گرفتن عسگر اجباری منافاتی با شرع مقدس ندارد بلکه ممدوح هم هست.»

اینطور که به نظر می‌رسد گروهی از علمای غیرسیاسی چنین مداخله‌هایی را خارج از حوزه شریعت می‌دانستند. در حالی که گروهی از علمای متحصن به نمایندگان مجلس شورای ملی در خصوص تصویب قوانین غیر اسلامی تذکر می‌دهند: «دیر زمانی است که مطالبی در مجلس طرح و تصویب شده و می‌شود که مخالف موازین الهیه و نصوص قرآن است و از حدود و کلاء خارج و مخالف صریح قانون اساسی است.»^(۳) در این تلگراف‌ها، مذاکراه‌ها و نامه‌ها به تشریح موارد غیر اسلامی قانون پرداخته نمی‌شود و بیشتر نوعی هوچی‌گری عمومی و حمایت‌های بدون تعقل و تفکر بنظر می‌رسد.

در خصوص موضع‌گیری تجار در مورد قانون نظام اجباری ذهن منطقی ایجاد می‌کند که تجار با ایجاد ارتش منظم و ثابت که موجب امنیت اجتماعی و سیاسی خواهد شد، موافق باشند. اما اسناد موجود حاکی از آن است که یکی از تجار به نام «نمازی تاجر شیرازی» به اصفهان آمده و اصناف را به بستن دکاکین خود تشویق نموده^(۴) و در مذاکره برای خاتمه دادن به غائله عنوان می‌شود که بسته شدن مغازه‌ها که ظاهراً بعد از مهاجرت علما صورت گرفته باعث می‌شود که علما اگر بخواهند تحصن را ترک کنند باید به گونه‌ای باشد، «دست‌آویزی پیدا کرده طوری که ممکن بشود، بروند.»^(۵)

۱. محمدعلی مکرّم به تیمورتاش، ۷ ربیع‌الثانی ۱۳۴۶، سند شماره ۱، اسنادی در باره نهضت و مهاجرت علمای اصفهان به قم، (م.ا.ر.)؛ همچنین گزارشی از این اسناد در گنجینه اسناد، ش ۲۳ و ۲۴، صص ۶۶-۱۵ منتشر شده است.

۲. سند شماره ۲۸/۱، همان جا. ۳. سند شماره ۲۸/۲، همان جا.

۴. سند شماره ۲۹، همان جا. ۵. سند شماره ۲۸/۲، همان جا.

از این اسناد هماهنگی و همراهی تجار و علما که همواره وجود داشته مشخص می‌گردد. در این مجموعه نامه‌ای از هیأت اتحادیه تجار فارس به مجلس شورای ملی مخابره می‌شود که چنین است: (۱)

«چهل روز است ملت فارس به انتظار انجام استدعای الغای نظام اجباری اعتصاب نموده و در نتیجه جز جواب‌های مرحمت‌آمیز و وعده‌های امیدبخش نتیجه قطعی حاصل نشده. دوام اعتصاب ایجاد مشکلات و عدم امنیت خارج و داخل را فراهم نموده استدعای جواب و علاج قطعی داریم.»

بدیهی است تجار نیز بخشی از مردمی هستند که هر کدام تک به تک با مساله نظام اجباری مواجه خواهند شد. وسعت اعتراض طبیعی است که تجار را نیز در برمی‌گیرد، ولی این گروه بطور همه گیر در این ماجرا حضور و نقش فاعلی در این امر ندارند، بلکه بیشتر به دنبال موج روانند. تجار در تلگراف به مجلس نیز بیشتر از ادامه این ماجرا ابراز ناراحتی نموده‌اند. با دقت در مکاتبات اتحادیه تجار فارس با مجلس شورای ملی، مشخص می‌شود که قصد تجار خاتمه دادن به این موضوع بوده است. مجلس به اتحادیه تجار می‌نویسد که قصد آنها از این قانون «انتظام مملکت و آسایش اهالی و رونق تجارت» است. اتحادیه تجار در نامه‌های بعدی خود به تلاش برای خاتمه دادن به این موضوع اشاره می‌کند که «نصایح و فرمایشات مکرر به ضمیمه بیانات لازمه به اهالی ابلاغ شده متأسفانه قانع نشده و نمی‌شوند، مستدعی است راه حل قاطعی که جلب محبوبیت عامه نماید بفرمایند.» (۲)

در اینجا کاملاً مشخص است که تجار قصد دارند به گونه‌ای با تعدیل قانون یا «تسهیلاتی که در نظر گرفته شده» و مذاکره با «آقایان» به گونه‌ای با دولت همکاری نموده و غائله را خاتمه دهند. در پایان مجموعه تلگراف‌هایی که ما بین اتحادیه تجار فارس و مجلس مبادله گردید، قرار بر این شد که صورت مذاکرات به ملت ابلاغ شود و نمایندگان نیز از تجار به خاطر «حسن نیت و قدمی که در صلاح‌بینی» گذارده‌اند، تشکر می‌نمایند. (۳) مشخص است که همراهی عمومی وجود دارد، ولی در باطن تجار با قانون‌مداری و اجرای آن مخالف نبوده بلکه در موج ایجاد شده قرار گرفته و خواستار خاتمه دادن به اعتصابات و حل قضیه به گونه‌ای که مردم احساس رضایت نمایند، بوده‌اند.

علمای متحصن در قم خواست‌های خود را بر این اساس عنوان کردند: (۴) ۱- الغای نظام اجباری و در صورت عدم امکان امر به تعطیل و فک مشمولین و مأخوذین نمایند و تجدیدنظر در این قانون در دوره هفتم و نواقص آن مرتفع شود و بیشتر بر اساس احتیاجات و اخلاق مملکت باشد. ۲- بودن پنج نفر از علمای طراز اول در مجلس. ۳- مطبوعات که اغلب مندرجاتی «برخلاف دیانت و روحانیت» منتشر می‌کنند که اسباب انزجار قلوب و نگرانی طبقه روحانی می‌شود. بر طبق قانون مطبوعات ناظر شرعیات چنانکه در مرکز

۱. سند شماره ۳۳/۱، همان جا.

۲. سند شماره ۳۳/۳، همان جا.

۳. مجموعه اسناد شماره ۳۳/۸-۳۳/۱، همان جا.

۴. سند شماره ۴۳، همان جا.

هست در همه ایالات و ولایات معین شود و بر طبق قانون جلوگیری سخت شود. ۴- جلوگیری از منهیات شرعیه و فحشا. ۵- تنظیم محاضر شرعیه مطابق مواد هشت گانه اصول محاکمات. ۶- پروگرام مدارس خارجه باید مطابق بر نامه وزارت معارف و مدارس داخله باشد.

مهاجران با قبول خواست‌هایشان به تدریج به شهرهای خود بازگشتند. مردم از آنها استقبال زیادی کردند. گروهی از تجار و کسبه مردم را به استقبال از علما دعوت کردند، از جمله حاج ابوالقاسم صراف^(۱) و مسأله مهاجرت با عقب‌نشینی موقت دولت پایان یافت و وعده‌هایی داده شد که هرگز عملی نگردید. اجرای قانون نظام اجباری به اول مهر ماه ۱۳۰۶ موکول شد.

۳. تمرکزگرایی که در دوران رضاخان آغاز شده بود، در اوایل دولت پهلوی بر شدت آن افزوده شد و موجب تکوین نوعی حاکمیت پلیسی شد. وزارت داخله از تمامی ایالت‌های کشور خواست آگاهی‌هایی از طبقات اجتماعی صاحب نفوذ از قبیل علما، تجار و احزاب سیاسی مناطق خود تهیه و به مرکز ارسال نمایند.^(۲) این اطلاعات شامل اسامی علما و گرایش‌های سیاسی آنها؛ اسامی تجار معتبر، میزان سرمایه، تمایل‌های سیاسی و فکری آنها و فعالیت‌های طرفداران احزاب سیاسی بود. از شهرهای خلخال، اهر، اسکو، سلماس و دیلمقان، مرند و رضایه در ایالت آذربایجان، همچنین زنجان و دیگر شهرها، گزارش‌ها مفصل و کاملی از وضعیت اجتماعی و سیاسی مناطق کشور به مرکز ارسال شد. این گزارش‌های امکان تسلط پلیسی دولت مرکزی بر مناطق مختلف کشور را فراهم می‌کرد.

در مورد تجار قصبه خلخال گزارش شد، تاجر معتبری در این مناطق باقی نمانده و بیشتر آنان به گیلان و طوالش مهاجرت کرده بودند و کسب عمده آنها خرید و دلالی برنج بادکوبه بوده است. عمده‌ترین تاجر این منطقه بیش از بیست هزار تومان سرمایه نداشت.^(۳) در منطقه اهر نیز فقط از امام جمعه صحبت شد که پانزده هزار تومان سرمایه داشت.^(۴) در گزارش از سلماس علاوه بر تعیین اسامی تجار و سرمایه آنها گفته شد که تجار «طالب انتظامات مملکت [هستند] که در سایه انتظامات زندگانی خود را اداره بنمایند.» در گزارش سلماس از افراد ذیل نام برده شده است: ۱- مهدی عباسعلی بابایوف که در تبریز و پسرانش در سلماس ساکن بودند. سرمایه وی را در حدود یک کروور (پانصد هزار تومان) برآورد کردند. ۲- حاج محمدعلی اکبری که دارای یک صد هزار تومان دارایی و ملک بود. ۳- میرزا علی محمدجوادزاده که دارای پانزده هزار تومان سرمایه بود و او را صاحب «مسلك انقلابی» دانستند. ۴- علی آقا اهرنجانی دارای ده هزار تومان سرمایه ۵- میرزا محمد مرتضوی با سرمایه ده هزار تومان. ۶- مهدی عبدالرحیم با هشت هزار تومان ثروت. ۷- حاج محمدعلی

۱. سند شماره ۴۶/۲، همان جا.

۲. وزارت داخله به ایالات کشور، ۲۴ تیر ۱۳۰۶، وزارت کشور، ۵-۴/۹۱/۲۰ [۲۹۳] (م.ا.م).

۳. از حکومت خلخال به ایالت آذربایجان، ۳ تیر ۱۳۰۶، وزارت کشور، ۸/۹۱/۲۰ [۲۹۳] (م.ا.م).

۴. از حکومت سلماس به ایالت آذربایجان، ۴ تیر ۱۳۰۶، وزارت کشور، ۱۳/۹۱/۲۰ [۲۹۳] (م.ا.م).

سوره با دویست و پانزده هزار تومان سرمایه. ۸. مهدی عباس آقا صدرزاده با ده هزار تومان دارایی. ۹. سایر تجار و کسبه که دارای یک تا دوهزار تومان سرمایه تجارتی بودند و چندان نیز شناخته شده نبودند و بالاخره حاج باقر آقا صراف تبریزی که دارای پنجاه هزار تومان دارایی و ملک بود.^(۱)

دولت از گزارش حکومتی در مورد وضعیت تجار شهرستان‌ها در اوایل دوره پهلوی، به غیر از دست یافتن به اطلاعات دقیق و موثکافانه در باره افراد صاحب نفوذ هر منطقه، می‌توانست در صورت لزوم در جهت تسلط دولت مرکزی بر مناطق کشور استفاده کند. علاوه بر این، بر اساس این اطلاعات تجار بزرگ در هر منطقه بیش از یک یا دو نفر نبودند. میزان سرمایه آنها چندصد هزار تومان و تجار متوسط دارای چندده هزار تومان و سرمایه تجار خرد که به کسبه نزدیک می‌شدند و چندان سرشناس نبودند به دو یا سه هزار تومان می‌رسید.^(۲) بر اساس این گزارش‌ها شهر مرند نیز تجار متوسطی داشت که به استقلال یا به واسطه تجار تبریز به داد و ستد می‌پرداختند.^(۳) در گزارش از متنفذان منطقه اسکو از مالک - تاجری با استطاعت مالی بسیار نام برده شده که به لباس روحانی در آمده بود.^(۴)

در تمامی گزارش‌های دولتی، تجار غیرسیاسی معرفی شدند و حساسیت‌های اجتماعی آنها فقط در ارتباط با شغل و امور صنفی آنها توصیف شد. در شرح وضعیت تجار رضاییه و زنجان نیز بر غیر سیاسی بودن آن تأکید شده است.^(۵) این گزارش‌ها بیانگر میزان گرایش دولت به جمع‌آوری اطلاعات برای تسلط و تمرکز هر چه بیشتر امور در مرکز بود که در سال‌های بعد بر آن افزوده شد.

۱. از حکومت سلماش به ایالت آذربایجان، ۱۰ تیر ۱۳۰۶، وزارت کشور ۱۲-۹۱/۹/۲۰/۲۹۳] (م.ا.م).

۲. همان جا.

۳. اسامی ذیل مربوط به تجار مرندی بود که بین پنج تا بیست هزار تومان سرمایه داشتند و متناسب با سرمایه‌شان از تجار متوسط منطقه محسوب می‌شدند: حاج غلام محبعلی زاده و اخوان، مهدی میرزا آقا (رییس‌التجار)، حاج محمدعلی، حاج رحمن و برادرش حاج رحیم، میرحبیب منادی، مهدی جلیل بیلچی، حاج حسین صراف، حاج آقا حسین، حاج آقا علی، حاج عباس، حاج علی قلی و حاج حسن. در این گزارش تعداد تجاری که در اتحادیه تجار و اصناف این منطقه حضور داشتند پنجاه نفر تخمین زده شده است. (از حکومت مرند به ایالت آذربایجان، ۷ تیر ۱۳۰۶، وزارت کشور، ۱۴/۹۱/۲۰/۲۹۳] (م.ا.م).

۴. از متنفذان منطقه اسکو اسامی ذیل نام برده شده است: حاج سیدرضا آقا که قبلاً ارباب و تاجر و نزدیک به دو سال قبل به لباس روحانی در آمده بود و به لحاظ مالی فوق‌العاده اهمیت داشت؛ همچنین حاج سیدرضا، سیدابوالقاسم، حاج میرزا محمدعلی، سیدغلام، حاج داود آقا، حاج مهدی قلی، حاج سیدعلی آقا، پسران حاج مرتضی، حاج محمدعلی تقی زاده، ملکاف و خلیل اف. (از حکومت اسکو به ایالت آذربایجان، ۲۶ خرداد ۱۳۰۶، وزارت کشور، ۱۱/۹۱/۲۰/۲۹۳] (م.ا.م).

۵. از تجار معتبر رضاییه آقاییوف و هاشم اف نام برده شده‌اند که از منطقه دیگری به آنجا آمدند و با تجار تبریز مرتبط بودند. در عین حال توضیح داده شد که بسیاری از تجار این منطقه در تحولات اواخر دوره قاجار ورشکست شدند. (از حکومت رضاییه به ایالت آذربایجان، ۳۰ خرداد ۱۳۰۶، وزارت کشور، ۱۵/۹۱/۲۰/۲۹۳] (م.ا.م)؛ تجار متنفذ و معتبر زنجان نیز بدین قرار اعلام شدند: حاج رجبعلی، حاج ارباب، حاج یوسف، حاج میرزاندی، حاج عبدالحق، حاج تقی، حاج کریم و حاج ستار، حاج مهدی. (گزارش از ایالت زنجان، [بی تا]، وزارت کشور، ۷/۹۱/۲۰/۲۹۳] (م.ا.م)).

تبرستان
www.tabarestan.info

روند تحولات سیاسی و اقتصادی ایران در قرن نوزدهم، حضور سرمایه‌های بیگانه در کشور و درگیر شدن ایران در معادلات جهانی، دگرگونی‌هایی را در حوزه اقتصادی و تجاری کشور موجب شد. موج نوگرایی در حیطه تجاری به فعال شدن تجار ایرانی و تلاش برای راه‌یابی‌های جدید انجامید. بدیهی است تعارض سنت و مدرن در حوزه تجارت نیز دگرگونی‌هایی را می‌طلبد.

ضعف سیاسی ایران و حضور قدرت‌های بیگانه، تغییر نظام گمرکی در معاهده‌های گلستان و ترکمانچای در نیمه اول قرن نوزدهم و واگذاری امتیازهای تجاری و اقتصادی به سود سرمایه‌های بیگانه در نیمه دوم قرن نوزدهم، تجار را در مقابل هجوم کالاهای خارجی قرار داد و آنان را به تکاپو برانگیخت. نظام پولی و صرافانی سنتی با تغییر یافتن شرایط دگرگون شد. روند افزایش حجم تجارت خارجی و فعالیت کمپانی‌ها و سرمایه‌داران خارجی موجب تغییراتی در میزان و نوع کالاهای مبادلاتی و رواج برخی کالاهای جدید اروپایی شد. تجاری شدن کشاورزی و تولید محصولات که صدور آنها به میزان نقدینگی تجار می‌افزود موجب فعال شدن تجار در حیطه تجارت خارجی شد؛ ولی در عین حال مطالبات تجار از دولت را افزایش داد. ضعف و ناتوانی حکومت مرکزی در جهت برنامه‌ریزی و حمایت از محصولات داخلی و نفوذ روزافزون قدرت‌های خارجی در جهت وابستگی کشور، تجار بزرگ را که در مقابل هجوم کالاهای ارزان و متنوع خارجی در مانده شده بودند به واکنش‌های گوناگونی واداشت. این واکنش‌ها از یک سو تجار را به سرمایه‌گذاری در حوزه‌های جدید صنعت کشاند و به تأسیس

کارخانه‌های متعددی انجامید که با رقابت شدید بیگانگان و نامناسب بودن زمینه‌های ساختاری در درون جامعه به ورشکستگی و تعطیلی انجامید. واکنش دیگر تجار در مقابل موج نوگرایی، تشکیل شرکت‌های تجاری - مالی با بهره‌گیری از شیوه‌های نوین تجارتي اروپائیان بود. با دیدن پیشرفت‌های اقتصادی غرب و موفقیت‌هایی که در امور تجارتي بدست آورده بودند، قشری از تجار ایرانی به فکر افتادند تا از این روش‌ها بهره‌گیرند و تجارت را از شکل فردی و سنتی آن خارج نمایند و به صورت گروهی و با ترکیب جدید سرمایه‌گذاری بتوانند از سرمایه‌های کوچک نیز استفاده کنند. تجار تأسیس شرکت‌ها یا کمپانی‌های مالی و تجاری را به عنوان یکی از راه‌حل‌های ممکن در مقابل نفوذ و هجوم اقتصادی قدرت‌های بیگانه برگزیدند. تعدد شرکت‌هایی که در این سال‌ها تشکیل شد خود گواه این ادعا است. اما این شکل جدید سرمایه‌گذاری نیز با نگون‌بختی همراه شد و با تقلب و عدم اعتدال اعضا به یکدیگر و یا با بحران‌های دیگری مواجه شد که وجهه نامناسبی از آنها در نزد مردم گذارد.

در آشنایی تجار با شیوه‌های نوین تجارتي، روشنفکران نقش بسزایی داشتند. آنان با آگاهی و آشنایی نسبی که از غرب داشتند سعی کردند از طریق روزنامه‌ها آگاهی‌های لازم در مورد شیوه مدرن تجارتي را در اختیار تجار قرار دهند و بدین ترتیب با تأسیس شرکت‌ها و تجارتخانه‌های جمعی خارج از بازار سعی شد این گونه موسسه‌ها جایگزین حجره‌های کوچک و تنگ درون بازار شود. یکی از تعارض‌های درونی طبقه تجار، اختلاف‌نظر بین تجار بزرگ و متوسط در خصوص واردات بود. تجار متوسط شهرستانی به دلیل کمبود سرمایه و وابستگی به بازارهای داخلی با ورود اجناس خارجی به کشور بیشتر مخالف بودند. بدیهی است این گرایش‌ها به میزان سرمایه، نوع فعالیت تجاری، میزان نزدیکی به حاکمیت محلی یا دولت مرکزی و به سطح و گستردگی ارتباط‌های تجار مربوط می‌شد. فعالیت تجار در بخش‌های معدن، راه‌سازی، راه‌آهن و بانک نیز در پی همان راه‌یابی‌های لازم بود.

تجار برای راه‌یابی‌های نو در مقابل تعارض سنت و مدرن، علاوه بر سرمایه‌گذاری در حوزه‌های صنایع و کسب امتیازات به تقویت ساختارهای درون طبقاتی خود نیز پرداختند. تشکیل مجلس وکلای تجار و مداخله در امور سیاسی از دیگر فعالیت‌های آنان بود. موفقیت تجار در همراهی با روحانیان و تأثیر در تصمیم‌گیری‌های شاه و دربار در جنبش تنباکو، آنان را به اهمیت مداخله در این گونه امور واقف ساخت. تجار به تدریج دریافتند ساختار سیاسی سنتی کشور قادر به پاسخ دادن به خواست‌های آنان نیست. از این رو در پی تغییر فضای سیاسی کشور برآمدند و در جنبش مشروطیت فعالانه شرکت کردند.

تجار با کسب آگاهی‌های لازم به دنبال استقرار دولت مدرن بودند که سه مؤلفه اصلی استقرار نهادهای مدرن، حکومت متمرکز قوی و مردم‌سالاری را در برداشت. خواست و فهم تجار از مشروطیت، برآورده شدن نیازهای آنان برای به انجام رسیدن بهترین شرایط در انجام امور تجارتي بود. استقرار امنیت، بهبود راه‌ها، وجود قوانین ثابت، معین و قابل اجرا برای تمامی

افراد در انجام امور نوعی نظم و ثبات را به ارمغان می‌آورد، وجود دولت متمرکز قوی می‌توانست به برقراری ثبات سیاسی و اجرای قوانین یکسان و همگانی کمک کند و نهایتاً حمایت دولت از سرمایه‌های داخلی و تجار داخلی در مقابل هجوم و نفوذ سرمایه‌ها و کالاهای بیگانگان در کشور را تضمین کند. از این رو تجار با همکاری روحانیان و روشنفکران در تغییر نظام سیاسی کوشیدند. آنان هم به لحاظ مالی و هم با مشارکت مستقیم در تحصن‌ها و اعتراض‌ها همراهی خود را با جنبش مشروطیت نشان دادند. آنان که از سطح آگاهی بالایی برخوردار بودند دیگر گروه‌ها و رده‌های بازار را با خود همراه کرده و با قبول حمایت‌های مالی، آنان را در سطح گسترده‌ای با جنبش همراه ساختند.

رابطه تجار با دیگر گروه‌های اجتماعی مثل روشنفکران، روحانیان، صراف‌ها و اصناف بیشتر ارتباطی ابزاری بود و بدیهی است برای حفظ آن ضرورت داشت حالت دو سویه به خود گیرد. در درون طبقه تجار نیز سه رده قابل تفکیک بود که آن را به تجار بزرگ، متوسط و خرد می‌توان تقسیم‌بندی کرد. در مواردی تعارض‌های دورن طبقاتی بازتاب می‌یافت و واکنش هر کدام از این رده‌ها در مواردی با دیگری متفاوت بود. تعلق تجار متوسط به سنت بیش از تجار بزرگ و گرایش به نوگرایی در آنان کمتر از تجار بزرگ بود. فهم آنان از مسایل کلان تجاری و روابط پشت صحنه و نقش قدرت‌های سیاسی در امور تجارتی در حد تجار بزرگ نبود. تجار بزرگ برای تجار متوسط و خرد، همچنین اصناف و صراف‌ها و دیگر گروه‌های متعلق به بازار نقش آقایی و سروری و خط‌دهنده اصلی را ایفا می‌کردند. ثروت تجار بزرگ قدرت لازم را در بازار به آنها اعطا می‌کرد و آنان را طرف و ثوق اهل بازار قرار می‌داد. تجار بزرگ در مواقع لازم می‌توانستند گره‌گشا و حامی اهل بازار باشند و مشکلات بسیاری از طریق پا در میانی آنها بر طرف می‌شد. از این رو در بیشتر موارد تجار متوسط، خرد و اصناف بدنبال آنان در حرکت بودند، ولی در مواردی نیز واکنش‌های تجار متوسط می‌توانست متفاوت باشد. اما روحیه محافظه‌کاری یک اصل مهم و اساسی در عملکرد تمامی رده‌های تجار از بزرگ تا خرد بود.

اما نظام مشروطیت به رغم تلاش‌هایی که برای استقرار آن صورت گرفت در عمل قادر به حفظ آرمان‌های جنبش نشد. عدم ثبات سیاسی، تشدید بحران‌های اجتماعی، تندروی‌های انجمن‌ها و به خشونت کشیده شدن جامعه، کاهش قدرت سیاسی و بخصوص دولت مرکزی، درگیری بین جناح‌های مشروطه‌خواه و مستبد در مرکز و ایالات و مداخله قدرت‌های خارجی امکان تحقق اهداف مشروطیت را از میان برد. حضور مستقیم تجار به صورت گسترده در مجلس اول در دوره‌های بعدی تداوم نیافت. گروه‌های سنتی که شامل سران ایالات و اشراف زمیندار بودند به جای تجار و اصناف در قدرت سیاسی مداخله کردند و از مجلس دوم به بعد بتدریج از نمایندگان تجار و اصناف در مجلس کاسته شد. دوره اول حاکمیت مشروطه نتوانست ثبات سیاسی، سامان اجتماعی، اقتدار حکومت مرکزی و مردم‌سالاری معتدلی که خواست تجار بود اعمال نماید. تجار خواهان مشروطه افراطی و توده‌محور نبودند، شاید آنها نیز مانند

بورژواهای غربی در نخستین تلاش‌های خود برای مداخله در قدرت سیاسی خواهان حدی از اعمال مردم‌سالاری بودند که به حفظ و حرمت مالکیت و سرمایه آسیبی وارد نکند و امنیت و سامان اجتماعی و ثبات سیاسی را به مخاطره نیاندازد. بحران مالی، مقاومت حکام و عناصر مستبد در مقابل استقرار حاکمیت جدید، ناتوانی نظام مشروطیت و اعمال قدرت سیاسی به دلیل ضعف ساختاری و ناهمگونی عناصر تشکیل‌دهنده آن مانع پیشبرد اهداف نظام جدید بود و فضای یأس‌آوری ایجاد کرد.

به دلیل آشفتگی اوضاع سیاسی-اجتماعی، دولت مشروطه نتوانست امنیت و ثبات سیاسی که لازمه رشد سرمایه بود، ایجاد کند و شاید برخی آزادی‌های سیاسی نیز که ارمغان مشروطیت بود بر آشفتگی و هرج و مرج امور افزوده بود. شروع جنگ جهانی و گسترش دامنه آن به خاک ایران اوضاع داخلی را آشفته‌تر کرد و مشکلات دیگری بر مسایل دولت و ملت افزود. تداوم حضور عناصر ساختار کهن سیاسی که توان اداره جامعه در شرایط بحرانی آن دوران را نداشتند، ناتوانی دورنی نظام سیاسی در استقرار نهادهای مدرن، بروز جنگ و پیدایش شرایط ویژه جنگی، کاهش مواد غذایی، قحطی و عسرت عمومی، رواج خشونت، هرج و مرج و خودسری عشایر، ناامنی راهها، کاهش وسایل حمل و نقل، افزایش مداخله و نفوذ بیگانگان در امور داخلی کشور و عدم کنترل دولت و بی‌ثباتی سیاسی همچنین آشفتگی بازار پولی بر امور تجاری به شدت تأثیر گذارد و حجم مبادلات ایران به سرعت کاهش یافت. میزان صادرات و واردات کشور سقوط کرد.

حضور نظامیان بیگانه در کشور هرج و مرج و ناامنی را تشدید کرد. غیرقابل پیش‌بینی بودن آینده، قدرت‌های بیگانه را به مداخله مستقیم در امور تجاری کشاند و کار به جایی رسید که انگلستان «لیست سیاه ایران» را منتشر کرد. فهرست مذکور اسامی از تجار ایرانی و شرکت‌های خارجی و داخلی را در برداشت که با دشمنان انگلستان به خصوص آلمان‌ها معامله داشتند. دخالت انگلستان به حدی بود که به توقیف اموال، جلوگیری از معاملات و تحریم اقتصادی شرکت یا تاجر مزبور می‌انجامید. بسیاری از تجار ایرانی به دلیل سابقه حضور نه چندان مقبول دو قدرت روسیه و انگلستان بطور واکنشی به آلمان‌ها گرایش یافتند. این دخالت‌ها به حدی زیاد بود که تجار ایرانی موظف بودند گزارش دفاتر روزنامه معاملات خود را در اختیار انگلستان قرار دهند. این شیوه امکان عملکرد مستقل تجار ایرانی را از میان برد. افزایش نفوذ بیگانگان احتمال بازسازی موقعیت تجار ایرانی و دست‌یابی مجددشان به قدرت را از آنان گرفت و هر چه بیشتر به قدرت‌های بیگانه وابسته کرد. رواج شیوه دلالتی در تجارت و واسطه‌گری تجار ایرانی برای بیگانگان در این سال‌ها تقویت و گسترش یافت. موقعیت تجار ایران در سال‌های جنگ به شدت رو به ضعف گذاشت. تجربه ناموفق تأسیس شرکت‌ها، کاهش قدرت سیاسی تجار، افزایش مداخله قدرت‌های خارجی در امور تجاری، نامساعد بودن اوضاع تجاری، بسته شدن راه‌ها، افزایش فشارهای مالیاتی، و بحرانی‌تر شدن اوضاع سیاسی،

تجار را به سمت همکاری هر چه بیشتر با شرکت‌های خارجی سوق داد.

بررسی مسایل اجتماعی و مشکلات مردم در سال‌های پس از مشروطیت این نکته را آشکار می‌سازد که عناصر بشمار داخلی زمینه‌های لازم قدرت‌گیری رضاشاه را بدون هیچ نوع واکنش عمومی فراهم ساخت. طی سال‌های پس از کودتا که رضاخان به عنوان تبلور نظام نوین سیاسی با حاکمیت سنتی در ستیز بود، بسیاری از جناح‌های سیاسی و گروه‌های اجتماعی از او حمایت کردند و حتی او را منجی ایران دانستند. رضاخان برای در دست گرفتن قدرت، ملزم به ایجاد تکیه‌گاهی از طبقات و گروه‌های متنفذ اجتماعی بود. وی سعی کرد با مؤثرترین قشرهای صاحب ثروت و صاحب نفوذ معنوی جامعه را به سوی خود جلب کند. مشروطیت تا حدودی حصارهای طبقاتی را شکسته بود و کودتای سیدضیاء - رضاخان نیز در ادامه همان روند توانست افرادی خارج از اشرافیت حاکم سنتی را به میدان حاکمیت سیاسی بکشانند. رضاخان در جهت خواست‌های تجار حرکت کرد که از نظر مالی و اجتماعی گروهی صاحب نفوذ و مؤثر بشمار می‌رفتند. رضاخان حتی توانست حمایت برخی از روحانیان طراز اول را به خود جلب کند تا تکیه‌گاه لازم برای کسب قدرت را فراهم نماید.

با توجه به تفکیک دوره‌های مختلف حاکمیت رضاخان نمی‌توان حمایت اقشار مختلف جامعه از او در دوران، وزارت جنگ و نخست‌وزیری را انکار کرد. گروهی از مخالفان وی در این دوران وابستگان به حاکمیت سنتی بودند که افزایش قدرت وی خطر نابودی آنان را به همراه داشت؛ این گروه را شاه، درباریان و اشراف وابسته به دربار تشکیل می‌دادند. سیاست‌های تمرکزگرایی وی و افزایش قدرت دولت مرکزی با تمایلات خان‌های بزرگ عشایر مغایرت داشت و از قدرت آنها می‌کاست. از این رو، این گروه نیز در جبهه مخالف رضاخان قرار داشت. گروهی دیگر از مخالفان او را طیفی از روشنفکران تشکیل می‌دادند که عناصری از آنان نیز در مجلس حضور داشتند و به قدرت رسیدن او را با مشخصه‌های نظامی‌گری، خشونت و خودکامگی خطری بزرگ برای استقرار مشروطیت و آزادی می‌دانستند و امکان رشد نظام خودکامه جدیدی را با وجود شکل‌گیری مشروطه محتمل می‌دانستند. البته گروهی دیگر از روشنفکران نیز وی را مردی مقتدر با گرایش‌های خودکامه می‌دانستند که در شرایط بحرانی آن روزگار ضرورتی عینی برای نجات کشور محسوب می‌شد و تغییر سامان سیاسی را جز با شیوه مستبدانه غیرممکن می‌دانستند. از آنجایی که رضاخان به مطالبات نوگرایانه افراد تحصیل کرده که دهها سال بود بر لزوم اصلاحات پای می‌فشردند، پاسخ داد و اصلاحاتی که آنان خود قادر به تحقق آن نبودند، عملی کرد، توانست طیف وسیعی از طبقه متوسط جدید را به خود جلب کند، از جمله روزنامه‌نگاران، دیوانسالاران متمایل به غرب، شاعران، نویسندگان، تحصیل‌کردگان نوگرا و تجار بزرگ خواهان اصلاحات، آنان اقدام‌های رضاخان را نویدی برای آینده بهتر به حساب می‌آوردند.

تجار مشروطیت ناکام شده، و تحقق خواست‌های خود را در به قدرت رسیدن رضاخان

متبلور یافتند. تقویت دولت مرکزی، سرکوب عشایر، امنیت راه‌ها و اقدام‌های مجلس پنجم که کاملاً در جهت خواست‌های تجار عمل کرد. بی‌نظمی امور تجارت و شرکت‌های تجاری، اعلام ورشکستگی‌های دروغین که امنیت سرمایه را به خطر می‌انداخت و محاکم تجاری با تصویب قانون تجارت سامان می‌یافت. معافیت‌های گمرکی برای صنایع کوچک و قانون استفاده از امتعه داخلی در جهت رونق صنایع و حمایت از کالاهای داخلی بود. توسعه راه‌ها، بهبود شرایط حمل و نقل، طرح بانک ایرانی و تقویت دولت مرکزی در راستای مطالبات تجار بود. در مجلس پنجم با وجود تصویب قانون مالیات بر املاک اربابی هیچ نوع مالیاتی بر درآمدها یا مستغلات شهری و شرکت‌های تجاری قرار داده نشد. تجار خواهان قوانینی در جهت نظم بخشیدن به امور و حمایت در مقابل سرمایه‌های خارجی بودند. ضعف و بی‌ثباتی سیاسی نمی‌توانست خواست‌های آنان را متحقق سازد. تمرکزگرایی و تقویت ارتش مرکزی توسط رضاخان و تغییر شیوه سربازگیری و قانون نظام وظیفه می‌توانست گام‌های اساسی در این راستا باشد.

تجار در جهت تحقق خواست‌های خود بار دیگر در حوزه سیاست مداخله کرده و در تغییر رژیم سیاسی همکاری کردند. در جنبش مشروطیت و در مجلس اول بطور مستقیم در قدرت سیاسی مداخله و مشارکت داشتند ولی در به قدرت رسیدن رضاشاه با مداخله غیرمستقیم در قدرت سیاسی سعی در تحقق خواست‌های خود کردند. آنان با تقویت درونی طبقه خود بر روند تحولات سیاسی دوران خود تأثیر گذارند. تشکیلات و شبکه‌های منظم و گسترده‌ای در سراسر کشور ایجاد کردند تا در مواقع لزوم به صورت واحد و یکسان اعلام مواضع نمایند. تجار در این مقطع زمانی بصورت روشنی ویژگی‌های «طبقه برای خود» را نشان دادند.

تجار با حمایت از رضاخان و استقرار نظام سیاسی از سه مولفه نظام مشروطیت یعنی استقرار نهادهای مدرن، دولت متمرکز قوی و مردم‌سالاری به دو مولفه اساسی‌تر از منظر آنها دست یافتند. تجار در انتخاب تاریخی خود، مردم‌سالاری و آزادی را برای دست‌یابی به اهداف اساسی‌تر خود قربانی کردند و ثابت کردند در شرایط بحرانی تاریخ، منافع اقتصادی، و رونق سرمایه می‌تواند بسیاری از ارزش‌ها را به قربانگاه ببرد. مداخله غیرمستقیم و مداوم تجار در امور سیاسی و گاه حضور مستقیم همراه در جهت حفظ سرمایه و منافع طبقاتی آنها بود و با تقویت این گروه و افزایش سرمایه، این تأثیر همواره بیشتر و گسترده‌تر گردید. حضور فعال این طبقه در تمامی تحولات تاریخی سال‌های بعد حاکی از اهمیت شناخت دقیق‌تر و عمیق‌تر این گروه می‌باشد.

حکومت رضاشاهی برآیند خواست جمیع طبقات اجتماعی بود. این حکومت نمایندگی مستقیم هیچ یک از طبقه‌های اجتماعی اعم از تجار، مالکان، علما، کارگران یا دهقانان را بر عهده نداشت. تلاش این حکومت در عین حفظ قدرت خود، برقراری توازن و تعدیل مطالبات طبقات مختلف بود. به رغم برآورده شدن بسیاری از خواست‌های تجار، به تدریج دولت

متمرکز پهلوی با افراط در تمرکزگرایی، همه امور را در نظارت مستقیم دولت قرارداد و به تدریج از میدان عمل تجار کاست. حوزه عمل تجار محدود و امکان عمل مستقل و خلاق آنان محدود شد. نهادها و تشکیلات داخلی آنان نیز هر چه بیشتر دولتی و نظارت دولت در آن افزایش یافت.

تبرستان
www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarestan.info

فهرست منابع و مآخذ

تبرستان
www.tabarestan.info

فهرست منابع

تبرستان
www.tabarestan.info

الف) اسناد منتشر نشده:

۱. آرشیو خصوصی امین الضرب (آ.ا.ض)

پرونده شرکت‌ها، اتحادیه تجار و نهضت اقتصاد، مربوط به سال‌های هجری قمری:

۱۳۰۱، ۱۳۰۲، ۱۳۰۸، ۱۳۰۹، ۱۳۱۰، ۱۳۱۷، ۱۳۳۸، ۱۳۳۹، ۱۳۴۰، ۱۳۴۱، ۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶.

۲. آرشیو خصوصی شرکت اتحادیه (آ.ا.ت)

براهات‌ها و نامه‌های مربوط به سال‌های:

۱۳۱۲ تا ۱۳۲۵ هـ. ق، ۱۳۱۷ هـ. ق، ۱۳۲۰ هـ. ق، ۱۳۲۸ هـ. ق، ۱۳۳۱ هـ. ق، ۱۳۳۲ هـ. ق، ۱۳۳۳ هـ. ق، ۱۳۳۴ هـ. ق، ۱۳۳۵ هـ. ق، ۱۳۳۶ هـ. ق، ۱۳۳۷ هـ. ق، ۱۳۳۸ هـ. ق، ۱۳۳۹ هـ. ق، ۱۳۴۰ هـ. ق، ۱۳۴۱ هـ. ق، ۱۳۴۲ هـ. ق، ۱۳۴۴ هـ. ق، ۱۳۴۵ هـ. ق، ۱۳۴۸ هـ. ق، ۱۳۵۰ هـ. ق، و سال‌های خورشیدی: ۱۲۹۸، ۱۲۹۹، ۱۳۰۳ تا ۱۳۰۸، ۱۳۱۰، ۱۳۱۱، ۱۳۱۳.

۳. سازمان اسناد ملی ایران (مرکز اسناد ملی: (م.ا.م)).

پرونده‌های مربوط به اسناد: وزارت کشور (الف)، وزارت کشور (ب)، وزارت مالیه، نخست وزیری، وزارت امور خارجه، خزانه، بیوتات، آموزش و پرورش، استانداری اصفهان.

وزارت کشور (الف)

اسناد سال‌های: ۱۳۲۸ هـ. ق، ۱۳۲۹ هـ. ق، ۱۳۳۰ هـ. ق، ۱۳۳۱ هـ. ق، ۱۳۳۲ هـ. ق، ۱۳۳۶ هـ. ق، ۱۳۳۷ هـ. ق، ۱۳۳۸ هـ. ق، ۱۳۴۰ هـ. ق، ۱۳۵۰ هـ. ق، ۱۳۵۱ هـ. ق، ۱۳۵۳ هـ. ق، ۱۳۵۵ هـ. ق، ۱۳۵۶ هـ. ق.

وزارت کشور (ب)

۵۶۴ تجار، مشروطیت و دولت مدرن

اسناد سال‌های: ۱۳۳۵هـ.ق، ۱۳۴۱هـ.ق، ۱۳۴۲هـ.ق، ۱۳۰۱ش، ۱۳۰۲ش، ۱۳۰۳ش، ۱۳۰۴ش، ۱۳۰۵ش.

وزارت مالیه

اسناد سال‌های: ۱۳۲۲هـ.ق، ۱۳۲۸هـ.ق، ۱۳۲۹هـ.ق، ۱۳۳۱هـ.ق، ۱۳۳۵هـ.ق، ۱۳۳۶هـ.ق، ۱۳۴۰هـ.ق، ۱۳۴۱هـ.ق، ۱۳۴۲هـ.ق، ۱۳۰۱ش، ۱۳۰۲ش، ۱۳۰۳ش، ۱۳۰۴ش، ۱۳۰۵ش، ۱۳۰۶ش، ۱۳۰۸ش.

نخست‌وزیری

اسناد سال: ۱۳۰۵ش.

وزارت امور خارجه:

اسناد سال: ۱۳۳۲هـ.ق.

امور خزانه:

اسناد سال: ۱۳۰۴ش.

بیوتات:

اسناد سال، ۱۲۹۶هـ.ق.

آموزش و پرورش:

اسناد سال‌های: ۱۳۳۹هـ.ق، ۱۳۰۵ش.

استانداری اصفهان:

اسناد سال‌های: ۱۳۳۶هـ.ق، ۱۳۴۱هـ.ق، ۱۳۴۲هـ.ق، ۱۳۴۳هـ.ق، ۱۳۰۱ش، ۱۳۰۲ش.

همچنین در بخش اسناد دست‌نویس:

آلبوم‌های شماره:

۱۶۸۰، ۲۳۹، ۵۳۳۳، ۳۵۷، ۲۳۹، ۳۵۶، ۳۰۹، ۵۳۴۱، ۵۳۴۰، ۵۳۴۶، ۵۳۳۹، ۳۱۵، ۳۱۰.

مرکز اسناد بنیاد مستضعفان: (م.ا.ب)

پرونده اسناد مربوط به معین‌التجار بوشهری در سال‌های: ۱۳۰۱هـ.ق، ۱۳۰۷هـ.ق، ۱۳۱۳هـ.ق، ۱۳۱۸هـ.ق، ۱۳۱۹هـ.ق،

۱۳۲۱هـ.ق، ۱۳۲۲هـ.ق، ۱۳۲۴هـ.ق، ۱۳۲۷هـ.ق، ۱۳۲۸هـ.ق، ۱۳۲۹هـ.ق، ۱۳۳۰هـ.ق، ۱۳۳۳هـ.ق، ۱۳۳۷هـ.ق، ۱۳۳۸هـ.ق،

۱۳۴۰هـ.ق، ۱۳۴۱هـ.ق، ۱۳۰۴ش، ۱۳۰۷ش، ۱۳۰۹ش، ۱۳۰۶م، ۱۹۰۷م، ۱۹۱۸م، ۱۹۲۰م، ۱۹۲۳م.

۵- اداره کل آرشیو، اسناد و موزه ریاست جمهوری (مرکز اسناد ریاست جمهوری: (م.ا.ر)

اسناد نخست‌وزیری مربوط به سال‌های: ۱۳۲۹هـ.ق، ۱۳۳۰هـ.ق، ۱۳۳۸هـ.ق، ۱۳۳۹هـ.ق، ۱۳۴۰هـ.ق، ۱۳۴۱هـ.ق، ۱۳۴۲هـ.ق،

۱۳۴۳هـ.ق، ۱۳۴۶هـ.ق، ۱۳۴۸هـ.ق، ۱۳۰۰ش، ۱۳۰۱ش، ۱۳۰۲ش، ۱۳۰۳ش، ۱۳۰۴ش، ۱۹۲۰م، ۱۹۲۱م.

اسناد وزارت دربار مربوط به سال‌های: ۱۳۴۷هـ.ق، ۱۳۰۵ش، ۱۳۰۷ش، ۱۳۰۸ش.

ب) اسناد منتشر شده

۱. کتاب‌ها

اسنادی از مدارس دختران از مشروطه تا پهلوی، سهیلا ترابی فارسانی.

- اسناد مشروطه، ابراهیم صفایی، تهران، [بی تا].
- اسناد روابط ایران و شوروی، محمود طاهر احمدی، تهران، ۱۳۷۴.
- ایران و جنگ جهانی اول، اسناد وزارت داخله، کاوه بیات، تهران، ۱۳۶۹.
- تاریخچه شرکت اسلامیة اصفهان، هما رضوانی، (تهران، ۱۳۶۵).
- رسایل، اعلامیه‌ها، مکتوبات و..... روزنامه شهید فضل‌الله نوری، محمد ترکمان، (تهران، ۱۳۶۲).
- کتاب سبز، نشر تاریخ، (تهران، ۱۳۶۳).
- گزارش‌های محرمانه وزارت امور خارجه انگلیس در باره انقلاب مشروطه ایران (کتاب آبی)، احمد بشیری، (تهران، ۱۳۶۳).
- گزارش‌های سیاسی وزارت امور خارجه روسیه تزاری در باره انقلاب مشروطه ایران (کتاب نارنجی)، ترجمه حسین قاسمیان، (تهران، ۱۳۶۷).
- مجلس (انتشارات): مجموعه مصوبات مجلس شورای ملی در چهار دوره تقنینیه، (تهران، [بی تا]).
- _____: مجموعه قوانین موضوعه و مصوبات دوره پنجم قانونگذاری، (تهران، ۱۳۲۴).
- ۲- مجموعه مذاکرات مجلس
- مذاکرات مجلس دوره اول تقنینیه (۱۷ شعبان ۱۳۲۴ تا ۲۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۶)، (تهران، ۱۳۲۵)، یک جلد.
- مذاکرات مجلس دوره دوم تقنینیه (ذی‌قعدة ۱۳۲۷ تا محرم ۱۳۳۰)، (تهران، ۱۳۲۵)، سه جلد.
- مذاکرات مجلس دوره سوم تقنینیه (۱۷ محرم ۱۳۳۳ تا ۲۵ ذی‌حجه ۱۳۳۳)، (تهران، ۱۳۲۷)، یک جلد.
- مذاکرات مجلس دوره چهارم تقنینیه (۱۵ شوال ۱۳۳۹ تا ذی‌قعدة ۱۳۴۱)، (تهران، ۱۳۳۰ و ۱۳۳۳)، سه جلد.
- مذاکرات مجلس دوره پنجم تقنینیه (۵ رجب ۱۳۴۲ تا ۲۷ رجب ۱۳۴۴/ ۲۲ ذی‌الحجه ۱۳۰۴)، (تهران [بی تا])، دو جلد.
- ۳- آمار و گزارش‌های منتشر شده اداره گمرک ایران (به زبان فارسی)
- کتابچه عمومی تجارت با ممالک خارجه در سه پینچ نیل ۱۳۲۶-۱۳۲۷ (۲۱ مارس ۱۹۰۸-۲۰ مارس ۱۹۰۹)، (تهران، ۱۳۲۸ اقمري).
- کتابچه عمومی تجارت با ممالک خارجه در سه پارس نیل ۱۳۳۲-۱۳۳۳ (۲۱ مارس ۱۹۱۴-۲۰ مارس ۱۹۱۵)، (تهران، ۱۳۳۴ اقمري).
- کتابچه عمومی تجارت با ممالک خارجه در سه نوشقان نیل ۱۳۳۳-۱۳۳۴ (۲۱ مارس ۱۹۱۵-۲۰ مارس ۱۹۱۶)، (تهران، ۱۳۳۵ اقمري).
- کتابچه عمومی تجارت با ممالک خارجه در سه ۱۳۰۳ خورشیدی (۲۱ مارس ۱۹۲۴-۲۰ مارس ۱۹۲۵)، (تهران، ۱۳۰۴ خورشیدی).
- کتابچه عمومی تجارت با ممالک خارجه در سه ۱۳۰۴ خورشیدی (۲۱ مارس ۱۹۲۵-۲۰ مارس ۱۹۲۶)، (تهران، ۱۳۰۵ اقمري).
- کتابچه عمومی تجارت با ممالک خارجه در سه ۱۳۰۵ خورشیدی (۲۱ مارس ۱۹۲۶-۲۰ مارس ۱۹۲۷)، (تهران، ۱۳۰۶ خورشیدی).

۴- آمار و گزارش‌های منتشر شده توسط اداره گمرک ایران (به زبان فرانسه)

Tableau General Commerce avec les pays etrangers pendant L'annee'annee'IlanII, (21 Mars 1905-20 Mars 1906), (Tehran, 1907).

Tableau General Commerce avec les pays etrangers pendant L'annee' It-II, (21 Mars 1910-20 Mars 1911), (Tehtan, 1912).

Tableau General Commerce avec les pays etrangers pendant L'annee' Oud-II, (21 Mars 1913-20 Mars 1914), (Tehran, 1915).

Tableau General commece avec les pays etraners pendant L'annee' Loui IL, (21 Mars 1916-20 Mars 1917), (Tehran, 1918).

Tableau General commece avec les pays etraners pendant L'annee' Loui Ilan IL, (21 Mars 1917-20 Mars 1918), (Tehran, 1919).

Tableau General commece avec les pays etraners pendant L'annee' Yount IL, (21 Mars 1918-20 Mars 1919), (Tehran, 1920).

Tableau General commece avec les pays etraners pendant L'annee' Pitch IL, (21 Mars 1920-20 Mars 1921), (Tehran, 1921).

Tableau General commece avec les pays etraners pendant L'annee' Takhaghoui IL, (21 Mars 1921-20 Mars 1922), (Tehran, 1922).

Tableau General commece avec les pays etraners pendant L'annee' It IL, (21 Mars 1922-20 Mars 1923), (Tehran, 1924).

Tableau General commece avec les pays etraners pendant L'annee' Tanghousi IL, (21 Mars 1923-20 Mars 1924), (Tehran, 1925).

- آبادیان، حسین: اندیشه دینی و جنبش ضد رژی در ایران، (تهران، ۱۳۷۶).
- آدمیت، فریدون: اندیشه ترقی و حکومت قانون در عصر سپهسالار، (تهران، ۱۳۵۱).
- _____: ایدئولوژی نهضت مشروطیت ایران، (تهران، ۱۳۵۵).
- _____: امیرکبیر و ایران، (تهران، ۱۳۴۸).
- _____: شورش بر امتیازنامه رژی، (تهران، ۱۳۶۰).
- آدمیت، فریدون و ناطق، هما: افکار اجتماعی و سیاسی و اقتصادی در آثار منتشر نشده دوران قاجار، (تهران، ۱۳۵۶).
- آرمینیوس، وامیری: زندگی و سفرهای وامیری (دنباله سیاحت درویش دروغین)، ترجمه محمدحسین آریا، (تهران، ۱۳۷۲).
- آگاه، (ناشر)، کتاب آگاه، (تهران، ۱۳۶۰).
- اتحادیه، منصوره: احزاب سیاسی در مجلس سوم (۱۳۳۴-۱۳۳۳ ه.ق)، (تهران، ۱۳۷۱).
- _____: مجلس و انتخابات از مشروطه تا پایان قاجاریه، (تهران، ۱۳۷۵).
- _____: اینجا طهران است، (تهران، ۱۳۷۷).
- احتشام السلطنه، خاطرات، به کوشش سیدمحمد مهدی موسوی، (تهران، ۱۳۶۷).
- ادیب هروی خراسانی، محمدحسین: تاریخ انقلاب طوس یا پیدایش مشروطیت ایران، (تهران [بی تا]).
- اشرف، احمد: موانع تاریخی رشد سرمایه داری در ایران، (تهران، ۱۳۵۹).
- اعتمادالسلطنه: مرآت البلدان، (تهران، ۱۲۹۴).
- _____: المائر و الآثار، به کوشش ایرج افشار، (تهران، ۱۳۶۳).

۵۶۸ تجار، مشروطیت و دولت مدرن

- _____: روزنامه خاطرات، به کوشش ایرج افشار، (تهران، ۱۳۵۰).
- _____: صدالتاریخ، به کوشش محمد مشیری، (تهران، ۱۳۵۷).
- _____: خلسه مشهور به خوابنامه به کوشش محمود کتیرایی، (تهران، ۱۳۵۶).
- اعظام قدسی، حسن: خاطرات من یا روشن شدن تاریخ صد ساله، (تهران، ۱۳۴۹).
- انتز، مروین ل: روابط بازرگانی روس و ایران ۱۹۱۴-۱۸۲۸، ترجمه احمد توکلی، (تهران، ۱۳۶۹).
- امیر طهماسب، عبدالله: تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضاشاه پهلوی، (تهران، ۱۳۵۵).
- بامداد، مهدی: شرح حال رجال ایران در قرن ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، (تهران، ۱۳۶۳).
- براون، ادوارد، انقلاب ایران، ترجمه احمد پژوه، (تهران، ۱۳۲۹).
- بصری، علی: یادداشت‌های رضاشاه کبیر در زمان ریاست‌الوزرای فرماندهی کل قوا، ترجمه شهرام کریملو، (تهران، ۱۳۵۰).
- بهار (ملک‌الشعرا)، محمدتقی: تاریخ مختصر احزاب سیاسی ایران، (تهران، ۱۳۶۲).
- بهرامی، عبدالله: خاطرات عبدالله بهرامی از آغاز سلطنت ناصرالدین شاه تا اول کودتا، (تهران، ۱۳۶۳).
- [بی‌نام]: کشف تلبیس، دورویی و نیرنگ انگلیس، (برلین، ۱۳۳۶).
- پولاک، یا کوب ادوارد: سفرنامه پولاک، ترجمه کی‌کاس جهان‌داری، (تهران، ۱۳۶۸).
- پهلوان، جهانگیر و نوشیروانی، وحید: زمینه ایران‌شناسی، (تهران، ۱۳۶۴).
- پهلوی، رضا: سفرنامه خوزستان، (تهران، ۱۳۵۵).
- ترنزیو، پیوکارلو: رقابت‌های روس و انگلیس در ایران و افغانستان، ترجمه عباس آذرین، (تهران، ۱۳۶۴).
- تفرشی حسینی، احمد: روزنامه اخبار مشروطیت و انقلاب ایران، به کوشش ایرج افشار، (تهران، ۱۳۵۱).
- تیموری، ابراهیم: عصر بی‌خبری یا تاریخ امتیازات در ایران، (تهران، ۱۳۵۸).
- تمدن، محمد: اوضاع ایران در جنگ جهانی اول یا تاریخ رضاییه، (رضاییه، ۱۳۵۰).
- جکسن، ابراهم و ویلیامز: سفرنامه جکسن، ایران در گذشته و حال، ترجمه منوچهر امیری و فریدون بدره‌ای، (تهران، ۱۳۶۹).
- جمالزاده، محمدعلی: گنج‌شایگان، (برلین، ۱۳۳۵).
- حاتری، عبدالهادی، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق، (تهران، ۱۳۶۳).
- حسینی فسایی، حسن: فارسنامه ناصری، (تهران، ۱۳۱۳).
- حکیم‌الهی، نصرت‌الله: عصر پهلوی و تحولات آن، (تهران، ۱۳۴۶).
- دستره، آنت: مستخدمین بلژیکی در خدمت ایران، ترجمه منصوره اتحادیه، (تهران، ۱۳۶۳).
- دفلور، ملوین ال. و دیگران: مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه حمید خضر نجات، (شیراز، ۱۳۷۱).
- دنبلی، عبدالرزاق: مآثرالسلطانیه، به کوشش غلامحسین صدری افشاری، (تهران، ۱۳۷۱).
- دولت‌آبادی، یحیی: حیات یحیی، (تهران، ۱۳۷۱).
- ذبیحی، مسیح: استرآبادنامه، به کوشش ایرج افشار و محمدتقی دانش‌پژوه، (تهران، ۱۳۳۸).
- ذوقی، ایرج: تاریخ روابط سیاسی ایران و قدرت‌های بزرگ، (تهران، ۱۳۶۸).
- رکن‌زاده آدمیت، محمدحسین: فارس و جنگ بین‌الملل، (تهران، ۱۳۴۹).
- رییس‌نیا، رحیم: زمینه‌های اقتصادی و اجتماعی مشروطیت، (تهران، ۱۳۴۷).
- زینویف، ایوان الکسویچ: انقلاب مشروطیت ایران، نظرات یک دیپلمات روس، حوادث ایران در سال‌های ۱۹۰۵ تا ۱۹۱۱.

- ترجمه ابوالقاسم اعتصامی، (تهران، ۱۳۶۲).
- سایکس، سر پرسی: تاریخ ایران، ترجمه محمدتقی فخر داعی گیلانی، (تهران، ۱۳۳۰).
- سیهر، احمدعلی (مورخ الدوله): ایران در جنگ بزرگ، (تهران، ۱۳۳۶).
- سیهر، عبدالحسین خان: یادداشت‌های ملک‌المورخین و مرآة‌الوقایع مظفری، کوشش عبدالحسین نوایی، (تهران، ۱۳۶۸).
- سیهر، محمدتقی (لسان‌الملک): ناسخ‌التواریخ، (تهران، ۱۳۴۴).
- سرداری‌نیا، صمد: نقش مرکز غیبی تبریز در انقلاب مشروطیت ایران، (تهران، ۱۳۶۳).
- سفیری، فلوریدا: پلیس جنوب ایران، ترجمه منصوره اتحادیه و منصوره جعفری فشارکی، (تهران، ۱۳۴۶).
- سیاح محلاتی، محمدعلی خاطرات حاج سیاح یا دوره خوف و وحشت، کوشش حمید سیاح، (تهران، ۱۳۴۶).
- سیف احمد: اقتصاد ایران در قرن نوزدهم، (تهران، ۱۳۷۳).
- شجعی، زهرا: نمایندگان مجلس شورای ملی در بیست و یک دوره قانونگذاری، (تهران، ۱۳۴۴).
- شریف کاشانی، مهدی: واقعات اتفاقیه در روزگار، (تهران، ۱۳۶۲).
- شفقی، سیروس: جغرافیای اصفهان، (اصفهان، ۱۳۵۳).
- شفیع قزوینی، محمد: قانون قزوینی، به کوشش ایرج افشار، (تهران، ۱۳۷۰).
- شوستر، مورگان: اختناق ایران، ترجمه ابوالحسن موسوی شوشتری، تصحیح و حواشی فرامرز برزگر و اسماعیل راثین، (تهران، ۱۳۵۱).
- صدر هاشمی، محمد: تاریخ جراید و مجلات ایران، (اصفهان، ۱۳۶۴).
- صفایی، ابراهیم: زمینه‌های اجتماعی کودتای ۱۲۹۹، (تهران، ۱۳۵۳).
- طبری، احسان: فروپاشی نظام ستی و زایش سرمایه‌داری در ایران. ([بی‌جا]، [بی‌تا]).
- ظل‌السلطان: تاریخ سرگذشت مسعودی همراه با سفرنامه فرنگستان (تهران، ۱۳۶۳).
- عبادی محمدعلی: حقوق تجارت، (تهران، ۱۳۶۸).
- عیسوی، چارلز: تاریخ اقتصادی ایران، ترجمه یعقوب آژند، (تهران، ۱۳۶۲).
- غنی، سیروس: برآمدن رضاخان، برافتادن قاجار و نقش انگلیسی‌ها، ترجمه حسن کامشاد، (تهران، ۱۳۷۸)، چاپ دوم.
- فخرایی، ابراهیم، سردار جنگل میرزا کوچک‌خان، (تهران، ۱۳۴۴).
- فرهنگ قهرمانی، عطاءالله: اسامی نمایندگان مجلس شورای ملی از آغاز مشروطیت تا دوره ۲۴ قانونگذاری و نمایندگان مجلس سنا در هفت دوره تقنینیه، (تهران، ۱۳۵۶).
- فریدالملک همدانی، محمدعلیخان: خاطرات فرید، به کوشش مسعود فرید قراگوزلو، (تهران، ۱۳۵۴).
- فلور، ویلهم: جستارهایی از تاریخ اجتماعی ایران در عصر قاجار، ترجمه ابوالقاسم سری، (تهران، ۱۳۶۵).
- کاتوزیان، محمدعلی (همایون): اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، (تهران، ۱۳۷۲).
- کاسا کوفسکی: خاطرات کاسا کوفسکی، ترجمه عباسعلی جلی، (تهران، ۱۳۴۴).
- کدی، نیکی: تحریم تنباکو در ایران، ترجمه شاهرخ قائم مقامی، (تهران، ۱۳۵۸).
- کربلایی حسن: قرارداد رژی یا تاریخ انحصار دخانیات در سال ۱۳۰۹، (تهران، ۱۳۶۱).
- کرزن، جرج. ن: ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، (تهران، ۱۳۶۷).
- کسروی، احمد: تاریخ مشروطه ایران، (تهران، ۱۳۶۳).
- _____: تاریخ هجده ساله آذربایجان، (تهران، ۱۳۵۷).

۵۷۰. تجار، مشروطیت و دولت مدرن

- گویینو: سه سال در آسیا، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، (تهران، ۱۳۶۷).
- گورویچ، ژرژ: مطالعه در باره طبقات اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، (تهران، ۱۳۵۲).
- لمبتون، آن: مالک و زارع در ایران، ترجمه منوچهر امیری، (تهران، ۱۳۶۲).
- لنچافسکی، جورج: رقابت روسیه و غرب در ایران، ترجمه اسماعیل رابین، (تهران، ۱۳۵۶).
- لورین، سرپرسی: شیخ خزعل و پادشاهی رضاخان: ترجمه محمد رفیعی مهرآبادی، (تهران، ۱۳۶۳).
- لوکاج، جورج: تاریخ و آگاهی طبقاتی، ترجمه محمدجعفر پوینده، (تهران، ۱۳۷۷).
- لوئیس، برنارد، ظهور ترکیه نوین، ترجمه محسن علی سبحانی، (تهران، ۱۳۷۲).
- ماجدی، علی و گلریز، حسن: پول و بانک از نظریه تا سیاستگذاری، (تهران، ۱۳۶۸).
- مجدالاسلام کرمانی، احمد: تاریخ انحطاط مجلس، (اصفهان، ۱۳۵۱).
- مجدالملک سینکی: رساله مجدیه، تصحیح سعید نفیسی، (تهران، ۱۳۲۱).
- [مجموعه مقالات]: یادنامه ابراهیم فخرایی، (تهران، ۱۳۶۸).
- محسنی، منوچهر: جامعه‌شناسی عمومی، (تهران، ۱۳۶۲).
- محیط مافی، هاشم: تاریخ انقلاب ایران یا مقدمات مشروطیت، به کوشش مجید تفرشی و جواد جان فدا، (تهران، ۱۳۶۳).
- مساواتی، آذر، مجید: مبانی جامعه‌شناسی، (تهران، [بی‌تا]).
- مستوفی، عبدالله: شرح زندگانی من یا تاریخ اجتماعی و اداری دوره قاجاریه، (تهران، ۱۳۷۰).
- معتضد، خسرو: امین‌الضرب و تاریخ تجارت و سرمایه‌گذاری صنعتی در ایران، (تهران، ۱۳۶۶).
- مکی، حسین: مختصری از زندگانی سیاسی سلطان احمدشاه، (تهران، ۱۳۵۷).
- _____ : تاریخ بیست ساله ایران، (تهران، ۱۳۵۸).
- ملک‌آرا، عباس‌میرزا: شرح حال، به کوشش عبدالحسین نوایی، (تهران، ۱۳۵۷).
- ملکزاده، مهدی: تاریخ انقلاب مشروطیت ایران، (تهران، ۱۳۶۳).
- ملکم، سرجان: تاریخ ایران، به کوشش محمدالاصفهانی، (تهران، [بی‌تا]).
- ملیکف، ا. س: استقرار دیکتاتوری، (تهران، ۱۳۵۸).
- مندراس، هانری و گورویچ، ژرژ: مبانی جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، (تهران، ۱۳۵۶).
- میرزاصالح، غلامحسین: جنبش میرزا کوچک‌خان بنابر گزارش‌های سفارت انگلیس، (تهران، ۱۳۶۹).
- میلسپو: مأموریت آمریکایی‌ها در ایران، ترجمه حسین ابوترابیان، (تهران، ۱۳۵۶).
- میروشنیکف، ل. ی: ایران در جنگ جهانی اول، ترجمه ع. دخانیاتی، (تهران، ۱۳۵۷).
- ناطق، هما: بازرگانان در داد و ستد با بانک شاهی و رژی تنباکو، (تهران، ۱۳۷۳).
- ناظم‌الاسلام کرمانی: تاریخ بیداری ایرانیان، به کوشش علی اکبر سعیدی سیرجانی، (تهران، ۱۳۶۲).
- نجفی، موسی: اندیشه سیاسی و تاریخ نهضت بیدارگرانه حاج آقا نورالله اصفهانی، [بی‌جا]، (۱۳۶۹).
- _____ : متون، مبانی و تکوین اندیشه تحریم در تاریخ سیاسی ایران، (مشهد، ۱۳۷۱).
- نظام‌السلطنه مافی، حسین‌قلی‌خان: خاطرات و اسناد حسین‌قلی‌خان نظام‌السلطنه مافی، به کوشش معصومه مافی و منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، (تهران، ۱۳۶۲).
- نفیسی، سعید: تاریخ معاصر ایران، (تهران، ۱۳۴۵).
- _____ : تاریخ شهریاری، (تهران، ۱۳۴۴).
- واتسن، رابرت گوانت: تاریخ ایران دوره قاجاریه، (تهران، ۱۳۵۶).

- واعظ اصفهانی، سیدجمال: لباس التقوی، به کوشش همارضوانی، (تهران، ۱۳۶۳).
- وزیری، احمدعلی خان: جغرافیای کرمان به کوشش باستانی پاریزی، (تهران، ۱۳۴۶).
- ویرانسکی، پاولویچ. م. و تریا، س: انقلاب مشروطیت ایران و ریشه‌های اجتماعی و اقتصادی آن، ترجمه م. هوشیار، (تهران، ۱۳۳۰).
- هالبواکس، موریس: طرح روانشناسی طبقات اجتماعی، ترجمه علی محمد کاردان، (تهران، ۱۳۷۵).
- هدایت، مهدیقلی (مخبرالسلطنه): خاطرات و خطرات، (تهران، ۱۳۶۱).
- همایونفر، فتح‌الله: مرد بزرگ تاریخ، (تهران، ۱۳۵۵).
- یکتایی، مجید: تاریخ دارایی ایران، (تهران، ۱۳۴۰).

کتاب‌های انگلیسی

- Abrahamian, Ervand, *Iran Between Two Revolutions*, (Princeton, 1983).
- Amanat, Abbas (Ed), *Cities and Trade: Consul Abbott on the Economy and Society of Iran 1847-1866*, (Oxford University, 1983).
- Eisenstadt S.N. and Helle H.J. (Ed), *Macro sociological Theory*, Vol. 2, (London, 1986).
- Kian, Azadeh, *Secularization of Iran, A doomed failure*, (Paris, 1988).
- Lombton, Ann, *Qajar Persia*, (London, 1978).
- Layard, A., *Early Adventures in Persia*, (London, 1894).
- Mahdavi, Shireen, *Haj Muhammad Hassan Amin Al-Zarb and His World: A Case Study of Social Mobility in Qajar Iran*, (Utah University, 1998).
- Marx. K., *The Poverty of Philosophy*, (Chicago, 1920).
- Mezaros, Istvan (Ed), *Aspects of History and Class Consciousness*, (London, 1973).
- Picot, H, *Biographical Notices of Members of the Royal Family, Notables, Merchants and Clergy*, (London, 1897).
- Udovitch, A.L. (Ed), *The Islamic Middle East, 700-1900: Studies in Economic and Social History*, (New Jersey, Princeton, 1981).

مقالات فارسی

- اتحادیه، منصوره: «اجاره و اجاره‌نشینی در تهران»، اینجا طهران است، (تهران، ۱۳۷۷).
- _____ : «لیست سیاه ایران در جنگ جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴)»، اینجا طهران است، (تهران، ۱۳۷۷).
- _____ : «ماجرای اجاره مالیات توتون و تنباکو کردستان در ۱۳۳۳ ه.ق»، اینجا طهران است، (تهران، ۱۳۷۷).
- _____ : «درشد و توسعه شهر تهران در دوره ناصری»، اینجا طهران است، (تهران، ۱۳۷۷).

- _____: «بافت اجتماعی - اقتصادی بازار تهران»، اینجا طهران است، (تهران، ۱۳۷۷).
- _____: «مسایل و کیفیت گذران یک دانشجوی ایرانی»، اینجا طهران است، (تهران، ۱۳۷۷).
- _____: «مسایل صرافی از خلال سطور نامه‌های یک صراف»، یادنامه ابراهیم فخرایی، (تهران، ۱۳۶۸).
- اشیدری، جهانگیر: «سهم زرتشتیان و پارسیان در ایجاد بانک ملی در آغاز مشروطیت»، هجرت، دوره ۲۵ (۱۳۵۳).
- امینی، امیرقلی: «زندگی پرماجرایی من»، خاطرات وحید، ش ۴۱.
- _____: «یادبودی از کرمان و بلوچستان»، خاطرات وحید، ش ۴۱.
- [بی‌نام]: «مدرسه سعادت مظفری بوشهر»، آینده، ج ۱۲.
- تقی‌زاده، سیدحسن: «مشروطیت ایرانی»، اطلاعات ماهانه، ج ۱، ش ۵.
- جونز، جفری: «بانک شاهنشاهی و دولت ایران از قرارداد ۱۹۱۹ تا دوره رضاشاه» ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی، آینده، سال ۱۵، ش ۱-۲.
- سهیلی احمد: «علی اکبر دهخدا و حاجی حسین آقا ملک»، آینده، ج ۶.
- شهشانی سهیل: «خوانین ممسنی» آینده، ج ۶.
- شیخ رضایی، انسیه: «مدارس فرانسوی در ایران» گنجینه اسناد، سال دوم، دفتر سوم و چهارم.
- علامیه، مسعودالدوله: «نقره - قران»، مجله علوم مالیه و اقتصاد، سال اول (۱۳۵۳)، ش ۴.
- قاسمی، ابوالفضل: «سیاستمداران ایران در اسناد محرمانه وزارت خارجه بریتانیا»، آینده، ج ۱۸.
- گیلبارد، گاد. جی: «تجار ایران و انقلاب مشروطیت»، ترجمه جهانگیر پهلوان، زمینه ایرانشناسی، (تهران، ۱۳۶۴).
- مستشارالدوله، صادق: «آمدن اتابک به ایران و قتل او»، آینده، ج ۶، ش ۷-۶.
- مشار، علی: «تظلم تجارتخانه تومانیانس»، آینده، ج ۱۹، ش ۷-۹.
- نوابی، عبدالحسین: «قانون اساسی ایران و متمم آن چگونه تدوین شد»، یادگار، سال ۴، ش ۵.
- وثوق، علی و بذله گویی در سیاست و اجتماع، آینده، ج ۶.

مقالات غیرفارسی

- Abrahamian, Ervand: "Oriental Despotism The Case of Qajar Iran", International Journal of Middle East Studies, V(1974).
- _____: "The Crowd in Iranian Politics, Past and Present", A Journal of Historical studies, (Dec. 1968), No. 41.
- Ashraf, A. and Banuazizi, A: "Classes in the Qajar Period, In Encyclopaedia Iranica, Vol: V, (California, 1992).
- _____ and Hekmat, H: "Merchants and Artisans and the Developmental Processes of Nineteenth Century Iran, In the Islamic Middle East, (New Jersey, Princeton).
- Ditella, Torcuato, S: "Political Powers and Class Structure", In Macro Sociological Theory, (London, 1986), Vol: 1.
- Ettehadieh, M: "Merchants and Government, Tobacco and Trade, A Case Study of Kordestan

1333, H-Q". Iranian Studies, (1978), No: 20.

Foran, John, "The Concept of Dependent Development as a key to the Political Economy of Qajar Iran (1800-1925)", Iranian Studies, (1989), Vol: XXII.

Gilbar, Gad, G: "Persian Agriculture in the Late Qajar Period, 1860-1906: Some Economic and Social Aspects", Asian and African Studies, 12 (1977).

Jadot, Louis: "La Russie, L' Angleterre et la Perse", Dans De L' Asie Francaise, (Juin 1903), No: 7.

Therborn, Goran: "The Rise of Social Scientific Marxism and the Problems of Class Analysis", In Micro Sociological Theory, (London, 1986). Vol: 2.

نشریات فارسی

روزنامه‌ها

آینده: ج ۱، ش ۱-۲؛ ج ۶، ش ۷-۶ و ش ۹-۱۲؛ ج ۱۱؛

ج ۱۲؛ ج ۱۸، ش ۶-۱؛ ج ۱۹، ش ۹-۷ و ۱۲-۱۰.

اطلاعات ماهانه: ج ۱، ش ۵.

اتحاد اسلام:

اطلاق تجارت (راهنمای تجارتی ایران): سال ۱۳۰۸ ش.

سال ۱۳۴۴ ه.ق.

خاطرات وحید: ش ۲، ۳، ۸، ۳۱، ۳۹، ۴۱.

اتحاد (تبریز):

سالنامه پارس: سال‌های ۱۳۱۱، ۱۳۱۲ خورشیدی.

سال ۱۳۲۶ ه.ق.

علوم مالی و اقتصاد: سال اول (۱۳۰۱ خورشیدی)، ش ۴.

اختر:

گنجینه استاد: سال اول، دفتر اول؛ سال دوم، دفتر سوم و

سال ۱۳۰۸ ه.ق.

چهارم.

اخگر:

هوخ: دوره ۲۵، (۱۳۵۳ خورشیدی).

سال‌های ۱۳۵۱ ه.ق؛ ۱۳۱۰ ش؛ ۱۳۱۱ ش.

یادگار: سال ۴، ش ۵.

ادب:

یغما: سال ۲۸، ش ۱۲.

سال ۱۳۱۸ ه.ق.

اطلاع:

سال ۱۳۱۷ ه.ق.

مجلات غیر فارسی

اطلاعات:

A Journal of Historical Studies, Dec 1968,

No: 41.

سال‌های: ۱۳۴۵ ه.ق؛ ۱۳۴۶ ه.ق؛ ۱۳۰۶.

اقتصاد ایران:

Asian and African Studies, (1977), No: 12.

سال‌های: ۱۳۴۰ ه.ق؛ ۱۳۴۱ ه.ق.

International Journal of Middle East Studies, V(1974).

ایران:

Iranian Studies, (1978), No: 20.

سال‌های: ۱۳۳۳ ه.ق؛ ۱۳۳۵ ه.ق؛ ۱۳۳۶ ه.ق؛ ۱۳۳۷ ه.ق؛

Iranian Studies, Vol: XXII (1989).

۱۳۴۰ ه.ق؛ ۱۳۴۱ ه.ق؛ ۱۳۴۳ ه.ق.

L' Asie Francaise, (Juin 1903), No: 7.

ایران آزاد:

۵۷۴ تجار، مشروطیت و دولت مدرن

رعد:	سال‌های: ۱۳۴۰ ه. ق؛ ۱۳۴۱ ه. ق؛ ۱۳۴۳ ه. ق.
سال‌های هجری قمری: ۱۳۳۲، ۱۳۳۳، ۱۳۳۴.	ایران نو:
روح القدس:	سال‌های: ۱۳۲۷ ه. ق؛ ۱۳۲۸ ه. ق؛ ۱۳۴۱ ه. ق.
سال: ۱۳۲۵ ه. ق.	پرورش:
روزنامه مجلس:	سال ۱۳۱۸ ه. ق.
سال‌های: ۱۳۲۴ ه. ق؛ ۱۳۲۵ ه. ق.	ثریا:
رهنما:	سال‌های: ۱۳۱۷ ه. ق؛ ۱۳۱۸ ه. ق.
سال: ۱۳۲۶ ه. ق.	جریده ملی انجمن تبریز:
جمهور اسرافیل:	سال‌های: ۱۳۲۴ ه. ق؛ ۱۳۲۵ ه. ق.
سال: ۱۳۲۶ ه. ق.	جنوب:
عهد انقلاب:	سال‌های: ۱۳۲۸ ه. ق؛ ۱۳۲۹ ه. ق.
سال: ۱۳۴۱ ه. ق.	جبل‌المتین (تهران):
قزوین:	سال: ۱۳۲۵ ه. ق.
شماره: ۶۵	جبل‌المتین (کلکته):
ندای وطن:	سال‌های هجری قمری: ۱۳۱۷، ۱۳۲۳، ۱۳۲۴، ۱۳۲۵،
سال‌های: ۱۳۲۵ ه. ق؛ ۱۳۲۷ ه. ق.	۱۳۲۶، ۱۳۲۷، ۱۳۲۸، ۱۳۲۹، ۱۳۳۰، ۱۳۳۱، ۱۳۳۲،
	۱۳۴۲، ۱۳۴۳، ۱۳۴۴، ۱۳۴۵، ۱۳۴۶، ۱۳۴۷.
	حکمت:
	سال: ۱۳۱۷ ه. ق.

تبرستان
www.tabarestan.info

فهرست اعلام

تبرستان
www.tabarestan.info

- آ
آدمیت: ۱۲۹، ۱۱۱، ۴۲
(آ.ا.ت): ۳۱۷، ۱۱۶
آرامیان: ۲۷۴
آرشیو خصوصی امین الضرب (آ.ا.ض): ۲۳
آرشیو خصوصی شرکت اتحادیه (آ.ا.ت): ۲۳
آقا ابراهیم تاجر خراسانی: ۹۹
آقا احمد مجتهد قمی: ۴۱۶
آقا اسدالله اصفهانی: ۹۹
آقا جان اف صراف: ۴۱۹
آقا حاج حسن تاجر تبریزی: ۲۴۴
آقا حسن یزدی: ۱۰۷، ۹۹
آقا حسین همدانی: ۹۹
آقا خلیل: ۱۰۰
آقا سید آقا تاجر اصفهانی: ۲۴۳
آقا سید احمد: ۱۰۰
آقا سید حسن بارفروش: ۱۰۰
آقا سید عبد الرحیم: ۱۰۰
آقا سید عبد الله: ۱۴۱
آقا سید عبد الله بهبهانی: ۱۷۳
آقا سید قاسم: ۱۰۰
آقا سید محمد: ۶۳
آقا سید محمد تقی: ۱۰۰
آقا سید محمد تنکابنی: ۴۱۶
آقا سید محمد حسن شبانکاره: ۲۳۵
آقا سید محمد رضا تاجر کازرونی: ۸۳
آقا سید مهدی دزفولی تاجر بلور فروش: ۲۴۴
آقا شیخ ابوالقاسم: ۸۲
آقا شیخ باقر مجتهد نجم آبادی: ۴۱۶
آقا شیخ حسین عطار: ۳۶۹
آقا شیخ علی مدرس: ۴۱۶
آقا عبد الباقی: ۹۹
آقا غلامعلی: ۱۰۰
آقا محمد ابراهیم کسمایی: ۱۰۰
آقا محمد اسمعیل: ۱۰۰
آقا محمد امین: ۹۹
آقا محمد تاجر قزوینی: ۹۹
آقا محمد تقی نجفی روحانی: ۸۰
آقا محمد تقی نجفی مجتهد اصفهانی: ۹۵
آقا محمد جعفر اصفهانی: ۱۰۰، ۹۹
آقا محمد جعفر صاحب تاجر شوشتری: ۲۲۶
آقا محمد جعفر صاحب تاجر مولی: ۲۲۶

- آقا محمد حسین: ۱۰۰
 آقا محمد حسین شوشتری: ۲۲۶
 آقا محمد حسین وکیل الرعایای: ۱۰۷
 آقا محمد خان شفیع: ۷۸
 آقا محمد رشتی: ۹۱
 آقا محمد صادق قزوینی صراف: ۸۳
 آقا محمد محسن: ۸۹
 آقا محمد ملک التجار: ۱۰۰
 آقا محمد ملک التجار اصفهانی: ۱۱۰
 آقا محمد مهدی ارباب اصفهانی: ۷۷
 آقا محمد ناظم التجار: ۱۰۰
 آقا محمد یوسف: ۱۰۰
 آقا مهدی حسن: ۱۰۰
 آقا مصطفی تاجر تهرانی: ۹۸
 آقا مطلب تاجر: ۴۱۹
 آقا ملا حسین تاجر محلاتی: ۱۰۷
 آقا میرزا آقا مجاهد تاجر اصفهانی: ۱۶۷
 آقا میرزا ابراهیم کلیمی: ۳۷۲
 آقا میرزا ابوالحسن تهرانی: ۹۹
 آقا میرزا احمد تاجر: ۹۹
 آقا میرزا جعفر خان: ۳۷۲
 آقا میرزا حسن علی تاجر کازرونی: ۴۴۴
 آقا میرزا حسین: ۱۰۰
 آقا میرزا محمد جواد آقا تاجر افشار: ۲۴۳
 آقا میرزا محمد حسین مشکى: ۸۵
 آقا میرزا محمد صاحب تاجر اصفهانی: ۴۱۴
 آقا میرزا محمود اصفهانی: ۱۳۹
 آقا میرزا محمود تاجر کاشانی: ۲۴۴
 آقا نجفی: ۸۵، ۱۱۰، ۱۱۸، ۱۵۴، ۲۰۶
 آقای اسلامی: ۳۶۷
 آقای فقیه: ۳۶۷
 آهنگیان: ۲۷۴
 آیت الله اصفهانی: ۵۳۳
 آیت الله صدر اصفهانی: ۲۰۶
 آیت الله نائینی: ۵۳۳
- اجلال الملک: ۳۷۱
 احتشام السلطنه: ۱۷۰، ۱۸۸
 احمد اشرف: ۳۷، ۴۳، ۴۴
 احمد دیلمقانی: ۲۷۳
 احمد شاه: ۷۶، ۱۹۹، ۳۴۸، ۳۵۰، ۴۴۳، ۴۷۲، ۴۷۳
 ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸
 احمد قوام السلطنه: ۴۵۹
 اخگر: ۴۷۶
 ادیب التجار: ۱۱۸، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۸۰، ۱۹۹، ۲۰۰، ۲۰۹
 ادیب الممالک فراهانی: ۸۴
 ارباب برزو: ۴۲۴
 ارباب جمشید: ۷۸، ۹۶، ۱۳۹، ۱۵۳، ۱۵۴، ۴۱۹
 ارباب جمشید جمشیدیان: ۷۸
 ارباب کیخسرو: ۲۰۰، ۲۰۸، ۲۱۰، ۲۱۱، ۳۰۸، ۴۴۹
 ۴۶۰، ۴۶۱، ۴۶۲، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۹
 ارباب کیخسرو شاهرخ: ۴۵۹
 اردوبادی: ۲۴۸، ۲۵۱، ۴۱۷
 ارفع الدوله: ۸۴
 ارفع الممالک: ۲۳۶، ۴۶۰
 ارنستین: ۱۰۷
 اسد الله: ۴۱۹
 اسلامبولچی: ۴۴۵
 اسماعیل بیگی: ۴۱۷
 اسماعیل مغازه‌ای: ۱۳۴، ۱۳۸
 اسناد بنیاد مستضعفان (م.ا.ب): ۲۳
 اشرف: ۴۳، ۴۴، ۴۶۰، ۴۷۲، ۴۷۹
 اعتصام السلطنه: ۱۳۶
 اعتماد التجار: ۲۵۱، ۳۰۴، ۳۱۲، ۳۷۴، ۵۳۳
 اعتماد السلطنه: ۱۰۵
 افتخار التجار: ۱۵۳، ۱۷۲، ۱۷۳، ۲۴۱
 افتخار الواعظین: ۲۰۰
 افشار یزد: ۲۷۴
 اکبر دهدشتی: ۴۱۹
 النیجر و شرکا: ۱۲۹
 امام جمعه خویی: ۱۳۶، ۴۱۷
 امیر ارفع: ۳۷۳
- ابن بابویه: ۱۳۷
 ابوالقاسم: ۱۰۰
 انابک: ۱۱۸، ۱۴۰، ۱۵۶، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۱

ج

جان فورن: ۳۷، ۳۶
جمشیدیان: ۷۸، ۸۲، ۱۹۵، ۲۴۳، ۴۵۳
جواد بوشهری دهدشتی: ۱۲۸
جهان ناس تاجر مسیحی: ۴۱۹

ح

حائری زاده: ۴۶۷، ۴۷۶
حاج آقا حریر فروش: ۲۲۵
حاج آقا کوچه صفهانی: ۴۱۹، ۴۲۵
حاج آقا محمد: ۹۹
حاج آقا محمد تاجر تبریزی: ۱۰۰
حاج آقا محمد معین التجار بوشهری: ۳۰۸
حاج آقا محمد ملک التجار: ۹۹
حاج آقا نورالله اصفهانی: ۵۳۳
حاج آقا نورالله عمادالاسلام: ۸۵
حاج ابراهیم: ۹۹، ۱۰۰
حاج ابوالحسن: ۱۰۰
حاج ابوالفتح: ۹۹
حاج ابوالقاسم اصفهانی: ۱۰۰، ۱۲۹
حاج ابوالقاسم صراف: ۵۳۵
حاج احمد تاجر تبریزی: ۲۴۴
حاج احمد گله دارزاده: ۲۹۸
حاج اسدالله خطایی: ۹۹
حاج اسماعیل مغازه: ۱۶۱، ۱۶۵، ۱۸۹
حاج اسماعیل مغازه: ۱۶۴، ۱۷۵، ۱۹۸، ۲۰۰
حاج امین التجار: ۲۴۱
حاج امین الضرب: ۱۵۲، ۳۰۷
حاج باقر آقا صراف تبریزی: ۵۳۶، ۵۳۶
حاج باقر صراف تبریزی: ۱۵۳
حاج باقر ملک التجار: ۹۵
حاجب الدوله: ۳۶۷
حاج تقی کاشانی: ۴۱۹
حاج جعفر علوی: ۱۰۰
حاج حبیب الله امین التجار: ۲۴۴

امیر اسکویی: ۴۱۹

امیرکبیر: ۴۲، ۷۳، ۸۸

امین التجار: ۵۶، ۹۹، ۱۵۲، ۱۶۷، ۲۱۶، ۲۴۴، ۳۱۲

۴۱۹، ۴۲۰، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۶۲

امین التجار اصفهانی: ۳۰۱، ۳۷۳

امین الدوله: ۸۰، ۹۱، ۴۲۳

امین السلطان: ۵۹، ۷۶، ۸۰، ۸۱، ۹۷، ۱۳۶، ۱۶۱، ۱۶۲

۱۶۳، ۱۶۵، ۱۷۰، ۱۷۱

امین الضرب: ۲۳، ۵۵، ۵۷، ۵۹، ۶۰، ۷۴، ۷۶، ۸۰، ۸۱

۸۸، ۹۵، ۹۷، ۹۸، ۹۹، ۱۰۱، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹

۱۱۱، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۳۸، ۱۳۹، ۱۵۲، ۱۵۳

۱۵۴، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۶۱، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۳، ۱۷۶

۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۸، ۲۲۷، ۲۲۹، ۲۳۱، ۲۳۴، ۲۳۷، ۲۴۲

۲۴۳، ۳۰۷، ۳۶۸، ۳۶۹، ۳۷۰، ۳۷۱، ۳۷۲، ۳۷۳، ۳۷۴

۳۷۵، ۳۷۷، ۳۸۱، ۳۸۴، ۳۹۳، ۳۹۵، ۴۱۲، ۴۱۷، ۴۱۸

۴۲۵، ۴۴۹، ۴۵۱، ۴۵۷، ۴۷۹

ب

باباخان: ۱۰۰

بارون دوروینتر: ۹۴

باقر آقا صراف: ۱۵۳

برادران تومانیان: ۷۶، ۹۵

برادران لینج: ۷۹

بهبهانی: ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۷، ۱۳۸، ۱۶۲، ۱۶۳، ۱۷۰

۱۷۱، ۱۷۵، ۱۸۸، ۴۱۷

بهرام جهانیان: ۸۱، ۸۲

ت

تاجر کاشانی: ۴۸۰

تاجر میلانی: ۱۰۰

تالوت: ۱۰۲، ۱۰۳، ۱۰۴

تقی زاده: ۱۴۷، ۱۵۲، ۲۰۸، ۲۴۲، ۲۴۳، ۲۵۴، ۳۴۶

۳۸۳، ۴۱۴، ۴۸۰، ۵۳۷

تومانیان: ۷۶، ۹۵، ۱۱۶، ۱۵۳، ۲۰۶

- حاج حداد یزدی: ۱۰۰
حاج حسن: ۴۱۹
حاج حسن آقا ملکوف: ۲۳۴
حاج حسن بنکدار: ۱۳۸، ۱۳۶
حاج حسن خان: ۴۴۷، ۱۰۰
حاج حسن ناصرالملک: ۹۹
حاج حسین آقا امین الضرب: ۸۹، ۱۰۰، ۱۲۹، ۱۴۰
حاج حسین خان تاجر مازندرانی: ۵۲
حاج حسین نقشینه: ۴۱۹
حاج خلیلی: ۴۱۷
حاج درویش: ۱۰۰
حاج ربیع صدقیانی: ۲۰۶
حاج رحیم آقا تاجر قزوینی: ۸۹، ۴۱۷، ۴۴۵، ۴۴۸، ۴۷۹
حاج رحیم اتحادیه: ۵۶، ۶۱، ۱۲۷، ۱۲۹، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۷۳، ۳۰۲، ۳۶۹، ۴۱۳، ۴۱۹، ۴۲۴، ۴۲۶، ۴۲۷، ۴۵۴، ۵۳۰، ۵۳۱
حاج رئیس التجار: ۲۴۱، ۴۴۴
حاج زین العابدین تقی اف: ۸۴
حاج سیاح: ۵۹، ۷۲
حاج سید حسین اصفهانی: ۹۹، ۱۰۰
حاج سید حسین تاجر: ۹۹
حاج سید حسین شوشتری: ۲۴۱
حاج سید علی اکبر فال اسیری: ۱۰۵
حاج سید علی صاحب تاجر قزوینی: ۸۲
حاج سید محمد ابراهیم: ۱۰۰
حاج سید محمد تاجر: ۸۶، ۹۹
حاج سید محمد تقی: ۹۹
حاج سید محمد تنباکو فروش: ۲۲۵
حاج سید محمد جعفر: ۱۰۰
حاج سید محمد رضا: ۱۰۰، ۲۳۷
حاج سید محمد کازرونی: ۲۷۳
حاج سید محمود ساعت ساز: ۴۴۵
حاج سید مرتضی: ۹۹
حاج سید مرتضی صراف: ۷۸
حاج سید مصطفی اصفهانی رضوی: ۲۷۳
حاج سید موسی تاجر خویی: ۹۹
حاج شفیق امین التجار اصفهانی: ۱۹۹
حاج شیخ حسن امین دیوان: ۲۴۰
حاج شیخ زین العابدین: ۱۰۰
حاج شیخ عبدالقادر: ۱۰۰
حاج شیخ علی اشرف: ۱۰۰
حاج شیخ محمد علی نقه الاسلام: ۸۵
حاج شیخ مرتضی آشتیانی: ۱۳۶
حاج شیخ مرتضی مجتهد: ۴۱۶
حاج عباس: ۱۰۰
حاج عباس تبریزی: ۹۹
حاج عباس ترک: ۸۲
حاج عباس صابونی: ۹۹
حاج عباسعلی: ۸۹
حاج عباس علی آقا: ۴۱۷
حاج عباس قلی: ۱۰۰
حاج عباسقلی آقا: ۳۶۷
حاج عباس مقدم: ۹۹
حاج عبدالباقی تاجر قزوینی: ۹۹
حاج عبدالحسین تهرانی: ۳۰۱
حاج عبدالحسین دهدشتی: ۹۹
حاج عبدالرحمن: ۱۵۴
حاج عبدالرحمن صاحب شیرازی: ۸۳
حاج عبدالرحیم اصفهانی: ۱۰۰، ۱۲۹
حاج عبدالرزاق: ۹۹
حاج عبدالرسول تاجر پوشهری: ۱۵۱
حاج عبدالرسول رئیس التجار: ۲۳۷
حاج عبدالرضا اصفهانی: ۴۱۹، ۴۵۰
حاج عبدالصمد: ۱۰۰
حاج عبدالغفار تاجر: ۹۹
حاج عبدالله: ۱۰۰
حاج عبدالمطلب: ۱۰۰
حاج عبدالواحد: ۱۰۰
حاج عبدالوهاب معین التجار: ۱۰۰
حاج عزالمالک: ۳۱۱
حاج علی اصغر بلور فروش: ۲۰۶

- حاج علی اصفهانی: ۱۰۰
حاج علی اکبر اتحادیه: ۱۰۰، ۶۱
حاج علی اکبر دهدشتی: ۹۹
حاج علی اکبر لاری: ۴۴۱
حاج علی اکبر و شرکا: ۴۱۹
حاج علی تاجر: ۹۹
حاج علی دوافروش: ۱۹۳
حاج علی شالفروش: ۱۳۴
حاج علی کمپانی: ۴۱۹، ۲۷۳
حاج علی کوزه کنانی: ۱۲۷، ۷۸
حاج علی نقی: ۱۰۰
حاج غلامحسین تاجر کازرونی: ۲۴۳
حاج غلامرضا: ۱۰۰
حاج فتح الله کردستانی: ۹۹
حاج فرج آقا صراف صدیقانی: ۴۱۹
حاج قاسم تاجر: ۹۹
حاج قاسمعلی تاجر لاری: ۹۹
حاج کازرانی: ۹۹
حاج کاظم صراف: ۶۲
حاج کاظم طهرانچی: ۹۹
حاج کاظم ملکالتجار: ۱۱۱، ۵۶
حاج کریم تاجر: ۹۹
حاج لطف الله تبریزی: ۱۲۷
حاج لطفعلی اتحادیه: ۱۰۰، ۹۵، ۷۹، ۷۶
حاج لطفعلی تاجر: ۲۴۴
حاج لطفعلی صراف: ۱۲۷، ۷۸، ۶۲
حاج محمد آقا توتونچی: ۴۱۹
حاج محمد ابراهیم دلال اصفهانی: ۲۲۷
حاج محمد اسماعیل آقا تبریزی: ۱۵۳، ۱۵۲، ۱۰۰
حاج محمد اسماعیل آقا مغازه: ۱۶۰، ۱۵۴، ۱۳۹
حاج محمد اسماعیل ارباب: ۹۹
حاج محمد اسماعیل کاشف: ۱۹۹
حاج محمد باقر: ۸۹
حاج محمد باقر امین الضرب تبریزی: ۱۲۷
حاج محمد باقر تاجر بهبهانی: ۲۳۷، ۲۳۴
حاج محمد باقر قزوینی: ۱۰۰
حاج محمد بن عباس: ۱۰۰
حاج محمد بن محمد رضا نراقی: ۴۱۹
حاج محمد تاجر الشیر به بیت الله: ۹۹
حاج محمد تقی: ۱۰۰
حاج محمد تقی بنکدار: ۱۹۲، ۱۹۱، ۱۳۶
حاج محمد جعفر: ۹۹
حاج محمد جعفر تاجر: ۹۹
حاج محمد جعفر خامنه: ۴۱۷
حاج محمد جواد: ۱۰۰
حاج محمد جواد مشککی: ۳۷۳
حاج محمد حسن: ۱۰۰، ۹۹، ۸۹
حاج محمد حسن امین الضرب: ۸۵، ۸۱، ۸۰، ۸۹
حاج محمد حسن: ۹۹، ۱۰۰، ۱۱۱، ۱۱۹، ۱۲۶، ۱۲۹، ۲۲۷، ۴۴۹
حاج محمد حسن تاجر هرنزی: ۹۹
حاج محمد حسن دهدشتی: ۴۱۹
حاج محمد حسن صراف: ۴۱۹
حاج محمد حسین: ۸۲، ۹۹، ۱۰۰، ۱۱۷، ۲۴۱، ۳۱۷
حاج محمد حسین: ۳۶۴، ۳۶۶، ۳۶۷، ۳۷۱
حاج محمد حسین امینالتجار: ۲۴۱
حاج محمد حسین امین الضرب: ۱۵۴، ۳۶۴، ۳۶۶
حاج محمد حسین: ۳۶۷
حاج محمد حسین تاجر اردبیلی: ۹۹
حاج محمد حسین تبریزی: ۲۷۳
حاج محمد حسین سدهی: ۳۷۱، ۴۲۲
حاج محمد حسین عمو: ۹۹
حاج محمد حسین کازرونی: ۸۳، ۴۵۶
حاج محمد حسین کاشانی: ۹۹
حاج محمد رحیم اصفهانی: ۹۹
حاج محمد رضا: ۱۰۰
حاج محمد شفیع امینالتجار: ۸۰
حاج محمد صادق تاجر اصفهانی: ۱۵۴، ۱۰۰
حاج محمد صادق مشیرالتجار: ۱۲۰، ۱۹۹
حاج محمد طاهر تاجر شوشتری: ۲۴۱
حاج محمد علی: ۱۰۰
حاج محمد علی آقابادامچی: ۲۴۳
حاج محمد علی اکبری: ۵۳۶

- حاج محمدعلی تبریزی: ۸۳
حاج محمدعلی حاجی کریمی: ۹۹
حاج محمدعلی دهلشتی: ۴۱۹
حاج محمدعلی سوره: ۵۳۶
حاج محمدعلی صالح: ۹۹
حاج محمدقاسم طهرانی: ۲۷۳
حاج محمد کازرونی: ۲۲۵
حاج محمدکاظم: ۱۰۰، ۱۰۸، ۱۲۰، ۲۴۲، ۳۷۱
حاج محمدکاظم صراف: ۱۲۶
حاج محمدکاظم ملکالتجار: ۸۶، ۱۱۱
حاج محمد معینالتجار: ۱۲۷
حاج محمد مهدی: ۱۰۰
حاج محمد مهدی کاشانی: ۴۱۹
حاج محمد نراقی: ۲۷۴
حاج محمود: ۱۰۰
حاج محمود بنکدار: ۱۶۸
حاج محمود عبدالباقی یزدی: ۳۷۲
حاج مشیرالتجار: ۲۴۱
حاج معین: ۵۵، ۵۶، ۱۲۸، ۲۴۲
حاج معینالتجار: ۱۵۲، ۴۱۲
حاج معین بوشهری: ۱۳۹
حاج ملا آقاخان: ۱۰۰
حاج ملاجعفر: ۱۰۰
حاج موسی: ۱۰۰
حاج مهدی صراف: ۱۲۶
حاج مهدی کوزه کنانی: ۱۹۳
حاج مهدی ملکالتجار: ۱۲۷
حاج میر اسماعیل صراف: ۹۹
حاج میرجعفر اسلامبولچی: ۹۹
حاج میرزا ابوالقاسم: ۱۰۰
حاج میرزا اصفهانی قیصریه: ۳۷۲
حاج میرزا بزرگ: ۱۰۰
حاج میرزا جواد: ۱۰۹، ۱۰۰
حاج میرزا حبیب: ۱۰۰
حاج میرزا احسن: ۱۰۰
حاج میرزا احسن آشتیانی: ۱۱۱
- حاج میرزا احسن کاشانی: ۴۱۷
حاج میرزا حسین: ۹۹
حاج میرزا عبدالرحیم: ۱۰۰
حاج میرزا عبدالمحمدخان: ۲۴۳
حاج میرزا علی آقا تاجر قیصریه: ۳۶۹
حاج میرزا علی محمد اصفهانی: ۸۹
حاج میرزا غلامحسین کازرونی: ۲۷۳
حاج میرزا محمد رضا تاجر شیرازی: ۲۷۳، ۴۱۹
حاج میرزا محمد رضای کرمانی: ۱۳۶
حاج میرزا محمد معروف به مشکى: ۹۹
حاج میرزا محمود: ۱۰۰
حاج میرزا یعقوب: ۳۷۲
حاج میرزا یوسف تاجر: ۹۹
حاج میرعباس: ۱۰۰
حاج میرهاشم: ۹۹
حاج میرهاشم کهنوی: ۲۷۳
حاج ناصرالتجار: ۲۴۱
حاج نبی آقا: ۴۴۵
حاج نجفقلی سلطانیه: ۹۹
حاج نصرالله: ۱۰۰
حاج نصرالله شهباز: ۹۹
حاج هاشم تبریزی: ۱۲۷
حاجی آقا بزرگ تاجر شیرازی: ۸۵
حاجی آقا بزرگ شیرازی: ۴۱۹
حاجی آقا تقی کاشانی: ۲۷۳
حاجی آقا محمد صدر ملکالتجار: ۱۰۹
حاجی آقا محمد قزوینی: ۸۳
حاجی ابراهیم آقا: ۲۱۷، ۲۳۷
حاجی باقر صراف: ۲۳۷، ۴۴۴
حاجی حسین آقا امین الضرب: ۸۳
حاجی خان ارمنی: ۵۵
حاجی خان حریری: ۴۴۵
حاجی رسول وهابزاده: ۲۷۳
حاجی زین العابدین امینالتجار شیرازی: ۳۰۲
حاجی سلطان علی صاحب تاجر شوشتری: ۲۳۷
حاجی سید ابوالقاسم: ۴۴۴

حاجی میرزا محمد حسن صاحب تاجر دهنشتی:

۸۲

حاجی میرزا محمد رضای مجتهد: ۱۶۲

حاجی میرزا محمد مشکى تاجر اصفهانی: ۸۳

حاجی میرزا هاشم آقا تاجر اصفهانی: ۲۴۳

حاج یمین الملک: ۲۸۶

حاج یوسف قزوینی: ۲۷۳، ۴۱۹

حسن ابراهیم: ۱۰۰

حسین آقا امین الضرب: ۹۰

حسین آقا صراف: ۴۱۹

حسین خان چاکو تاهی: ۴۴۲

حسین خوانساری: ۴۱۹

حسینعلی خان طالش: ۴۴۱

حکیم الملک: ۳۶۷

حکیم الملک: ۲۸۳، ۴۵۹

حیدر پاره دوز: ۱۷۳

«خ»

خداینده رستم تاجر ایرانی: ۲۴۳

خزعل: ۱۵۲، ۲۴۰، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۷۰، ۴۷۳

۴۸۵، ۴۷۷

خسرو شاه جهان: ۸۱، ۸۲، ۴۵۳

خواجه اسدالله عصاره دزفولی: ۲۷۳، ۳۷۰

خیابانی: ۲۱۷، ۳۴۴، ۳۴۵، ۳۴۶

«د»

دکتر اشترنک: ۴۲۳

دکتر اصغر مهدوی: ۱۲۹

دکتر تارنس: ۱۳۰

دکتر ریان: ۳۵۲

دکتر ژوزف منار: ۳۵۲

دکتر مصدق: ۴۶۴

دهدشتی: ۸۲، ۹۹، ۱۰۰، ۱۲۸، ۱۸۱، ۲۳۳، ۲۴۷

۲۴۹، ۲۵۲، ۳۱۸، ۴۱۷، ۴۱۹

حاجی سید احمد: ۲۰۶

حاجی سید حسین حکاک: ۸۵

حاجی سید صراف: ۱۹۲

حاجی سید محمد تقی امین التجار: ۲۷۳

حاجی سید مرتضی: ۱۸۰، ۲۳۷

حاجی سید نصرالله: ۱۶۳

حاجی شاهرودی: ۱۳۸

حاجی شیخ مرتضی: ۴۱۶

حاجی عبدالرحمان شیرازی: ۸۲، ۳۰۱

حاجی علی اکبر: ۹۹

حاجی فتح الله فتحی دزفولی: ۲۷۳

حاجی لاله زار: ۳۷۲

حاجی لطف الله: ۶۱

حاجی محمد: ۸۳، ۸۵، ۱۲۱، ۱۲۷، ۱۲۹، ۱۴۷، ۱۸۰

۲۱۷، ۲۴۸، ۲۵۲، ۲۵۳، ۲۵۴، ۳۷۲

حاجی محمد تقی مهدوی ملک التجار ثانی: ۱۲۹

حاجی محمد تهرانی: ۳۰۱

حاجی محمد جعفر آقا تاجر خامنه: ۳۶۴

حاجی محمد جعفر تاجر اصفهانی: ۸۳

حاجی محمد حسن: ۸۱

حاجی محمد صالح عرب: ۸۳

حاجی محمد صدر ملک التجار: ۸۰

حاجی محمد عبدالهیان اردبیلی: ۲۷۳

حاجی محمد کاظم تاجر اصفهانی: ۸۳

حاجی محمد مهدی سمسار: ۸۳

حاجی معین التجار: ۳۶۷

حاجی مهدی سمسار اصفهانی: ۳۰۱

حاجی میرزا ابوالقاسم صاحب تاجر قزوینی: ۸۲

حاجی میرزا اسدالله تاجر اصفهانی: ۸۳

حاجی میرزا حسن آقا: ۸۴

حاجی میرزا حسن علی کازرونی: ۲۳۴

حاجی میرزا علی اکبر تاجر اصفهانی: ۸۵

حاجی میرزا علی نقشینه: ۸۳

حاجی میرزا غلامحسین: ۲۳۴، ۲۳۵

حاجی میرزا غلامحسین کازرونی: ۱۹۵

حاجی میرزا کاظم طباطبایی: ۸۵

دذ
ذکاء الملک: ۲۸۳

دز
ژوزف مورنارد: ۳۱۱

در

ربیع زاده و شرکاء: ۹۰

رحیم اتحادیه: ۵۶، ۶۱، ۷۸، ۱۱۸، ۱۲۷، ۱۲۹، ۲۲۵، ۲۲۶، ۲۲۸، ۲۳۲، ۲۴۷، ۲۴۸، ۲۴۹، ۳۰۲، ۳۱۷، ۳۶۹، ۴۱۳، ۴۱۷، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۵۰، ۴۵۴، ۵۳۰

رسول صدیقانی: ۴۱۹

رسول کمپانی: ۴۱۹

رشدیه: ۱۴۰

رضا بوشهری دهدشتی: ۱۲۸

رضاخان: ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۱۰، ۲۱۸، ۳۴۵، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۳، ۳۶۳، ۴۲۰، ۴۲۱، ۴۲۲، ۴۲۶، ۴۳۲، ۴۴۰، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۴۶، ۴۵۲، ۴۵۵، ۴۵۷، ۴۵۸، ۴۶۰، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۶۸، ۴۶۹، ۴۷۰، ۴۷۱، ۴۷۲، ۴۷۳، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۷۷، ۴۷۸، ۴۷۹، ۴۸۰، ۴۸۱، ۵۲۵، ۵۲۶، ۵۳۵

رضا رئیس التجار مهدوی: ۱۲۹

رضازاده شفق: ۴۱۳، ۴۱۴

رضاشاه: ۲۲، ۲۳، ۱۲۸، ۱۳۰، ۱۵۴، ۲۲۴، ۳۴۷، ۳۷۶، ۴۲۳، ۴۵۳، ۴۵۵، ۴۵۶، ۴۶۲، ۴۸۲، ۵۲۵، ۵۲۶

رضا مهدوی: ۵۶، ۴۶۴

رکن الدوله: ۱۳۶

رکن الملک: ۸۵

رومانسکی: ۲۲۵

رئیس التجار: ۵۶، ۶۲، ۷۸، ۱۵۱، ۲۳۴، ۳۷۳، ۴۴۳، ۴۶۱، ۴۶۴، ۴۶۶، ۴۷۷، ۵۳۶

رز

زیگلر کمپانی: ۴۱۹

زین العابدین تاجر رشتی: ۳۰۵

دس

سازمان اسناد ملی ایران (م.ا.م): ۲۳

سالارالدوله: ۱۳۶، ۱۶۲، ۲۰۵، ۲۶۵، ۲۸۰

سالار معظم: ۲۴۰

سپهبدار: ۲۰۱، ۲۰۳، ۲۱۸

ستار اوق: ۲۷۳

سردار ارفع: ۱۵۲، ۲۳۷

سردار اسعد: ۲۰۲، ۲۰۳، ۳۰۷، ۳۵۳

سردار امجد: ۵۵

سردار سپه: ۳۴۶، ۴۴۱، ۴۴۲، ۴۴۳، ۴۴۴، ۴۴۵، ۴۵۵، ۴۶۹، ۴۷۲، ۴۷۷

سردار ظفر: ۲۳۶

سردار معظم: ۳۱۱

سعدالدوله: ۱۳۳، ۱۳۴، ۱۳۷، ۱۵۱، ۱۵۲، ۲۳۷

سلطان عبدالحمید: ۱۹۳

سلیمان میرزا: ۲۱۸، ۳۱۲، ۴۶۴

سمیتقو: ۳۴۶، ۴۴۱، ۴۴۲

سید ابراهیم تاجر قزوینی: ۹۹

سید ابوالفضل خان: ۴۲۵

سید احمد تاجر شوشتری: ۲۴۱

سید احمد ترک تاجر بلور فروش: ۲۴۴

سید اسماعیل شبانکاره ای: ۵۵

سید جمال: ۵۹، ۶۰، ۱۰۴، ۱۰۵، ۱۳۰، ۴۱۴

سید جمال افجه ای: ۱۹۲

سید جمال الدین اسد آبادی: ۵۹، ۱۰۴

سید جمال الدین واعظ اصفهانی: ۸۳

سید جمال واعظ: ۸۴، ۱۳۷

سید جمال واعظ اصفهانی: ۱۱۸، ۱۳۵

سید حسن رزاز: ۱۷۳

سید حسن طلبه: ۸۴

سید حسن مدرس: ۴۶۴

سید حسین آقا شاهرودی: ۳۷۰

(ش)

شاهرودی: ۱۳۸
شومستر: ۱۸۱، ۲۶۹، ۲۷۰، ۲۸۱، ۲۹۳، ۳۱۱، ۳۵۱
شومیاتسکی: ۳۷۳
شهاب السلطنه: ۳۰۴، ۳۷۴
شیخ احمد تاجر گله‌داری: ۲۳۵
شیخ احمد گله‌داری: ۲۳۳
شیخ حسین: ۳۶۹
شیخ حسین عطار: ۳۶۹، ۳۷۴
شیخ خزرعل خان: ۱۵۲
شیخ فضل الله: ۱۷۱، ۱۷۶
شیخ فضل الله: ۱۷۱، ۱۷۷
شیخ فضل الله نوری: ۱۷۱، ۱۸۵
شیخ محمد تقی آقا نجفی: ۸۵
شیخ محمد خالصی زاده: ۴۷۵

(ص)

صادق افشار یزدی: ۳۰۱
صارم الدوله: ۵۳۳
صدرالسادات: ۳۰۴، ۳۷۴
صدقیانی: ۲۳۷
صمصام السلطنه: ۲۰۱، ۲۰۲
صنیع الدوله: ۹۰، ۱۸۰، ۱۹۲، ۴۲۳، ۴۲۴
صنیع الممالک: ۱۸۹
صنیع حضرت: ۸۲

(ط)

طباطبایی: ۸۵، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۴۱
۲۱۷، ۲۵۹
طومانیانس: ۲۵۳، ۴۱۹، ۴۲۱، ۴۲۲

(ظ)

ظل السلطان ۸۰، ۸۱، ۸۴، ۸۵، ۸۹، ۹۶، ۱۰۱، ۱۱۰
ظهرالدوله: ۳۰۷

سید حسین تاجر بهبهانی: ۴۴۴

سید خلف: ۹۹

سید ضیاء: ۳۵۳، ۴۶۹، ۵۲۵

سید ضیاء الدین: ۳۵۳

سید عبدالحسین: ۱۳۰

سید عبد الحمید: ۱۳۷

سید عبد الرحیم: ۱۰۰، ۱۰۸، ۱۲۹، ۱۹۲

سید عبد الرحیم معین التجار: ۹۹، ۱۲۹

سید عبد الکریم: ۱۳۰

سید عبد الله: ۱۴۲

سید عبد الله بهبهانی: ۱۷۰، ۱۷۳، ۱۷۵

سید عبد المجید قزوینی: ۳۷۱

سید علی اکبر فال اسیری: ۱۰۹، ۱۱۰

سید علی بهبهانی: ۱۳۴

سید علی خان ناظم: ۱۰۷

سید علی خان یزدی، ۱۰۸

سید علی نظری طباطبایی: ۱۰۷

سید محمد اسلامبولچی: ۴۸۰

سید محمد باقر کاشانی: ۹۹، ۱۴۰

سید محمد تاجر خویی: ۹۹

سید محمد تدین: ۴۵۹، ۴۶۴

سید محمد حسین تاجر شوشتری: ۲۴۱

سید محمد خان مهندس: ۲۳۲

سید محمد رضا: ۸۳، ۸۴، ۱۵۱، ۲۱۸، ۲۳۴

سید محمد رضا تاجر کازرونی: ۸۴

سید محمد صراف: ۱۴۰، ۱۹۱، ۱۹۲

سید محمد طباطبایی: ۱۳۴

سید محمد کازرونی: ۲۳۴

سید محمد یزدی: ۱۷۷

سید محمود بنکدار: ۳۷۱

سید هاشم قندی: ۱۳۴

سید هاشم معین التجار: ۱۳۰

سید یحیی تاجر یزدی: ۹۹

سید یحیی محضردار: ۱۳۰

۲۴

عباس آقا صراف تبریزی: ۱۶۳

عباس میرزا: ۸۷، ۵۷

عبدالحسین تیمورتاش: ۴۵۹

عبدالحسین کازرونی: ۲۲۵

عبدالرزاق اسکویی: ۱۴۰، ۱۵۳

عبدالرسول: ۱۰۰

عبدالرسول پسر جوادالحسینی: ۴۱۹

عبدالرضا شوشتری: ۲۳۳

عبدالله تاجرباشی: ۳۲۵

عبدالله یف: ۵۰

عثمان آخوند: ۴۴۲

عراقی: ۴۷۶

عسگر گاریچی: ۱۳۶

علاءالدوله: ۱۳۴، ۱۳۵، ۱۳۶، ۲۳۶، ۲۴۰

علی اتحادیه: ۴۱۳

علی اصغر تاجر: ۲۴۴

علی اکبر آقا صراف: ۱۵۳

علی اکبر اخوان: ۴۸۰

علی اکبر داور: ۴۲۳، ۴۵۸، ۴۵۹

علی بن خلیفه: ۱۰۰

علی تاجر: ۹۹

علی ریسی تاجر: ۹۹

علیقلی خان: ۴۶۷

علی کازرونی صدرا لاسلام: ۴۵۹

علی مسیو: ۱۹۳

علی نمازی: ۴۱۹

عمده التجار حاجی سید محمد رضا: ۱۵۱

عیسوی: ۷۶

عین الدوله: ۱۳۳، ۱۳۶، ۱۳۷، ۱۳۹، ۱۴۰، ۲۰۲، ۲۳۶

۲۳۷، ۲۴۰، ۲۷۶، ۲۸۳، ۳۰۱، ۳۰۸، ۳۰۹

۲۵

غلامعلی لر: ۱۹۵

۲۶

فتحعلی شاه: ۸۷

فرج آقا صراف تبریزی: ۱۵۳

فرمانفرما: ۱۵۷، ۱۸۲، ۲۷۶، ۲۸۳، ۳۰۹، ۳۵۲

فضل الله عبدالجواد الحسینی: ۴۱۸

فقیه التجار: ۳۶۹، ۴۱۷، ۴۴۵، ۴۸۰

فلور: ۵۰، ۵۷، ۶۱

فورن: ۳۷

فیروز میرزا نصرت الدوله: ۳۵۲

۲۷

قائم مقام: ۸۷

قاسم خان: ۸۹

قزوینی: ۸۲، ۸۳، ۹۹، ۱۰۰، ۱۱۶، ۱۸۱، ۲۱۸، ۲۵۱

۲۵۲، ۲۵۴، ۲۷۳، ۳۶۷، ۴۲۴، ۴۸۰

قوام، ۱۷۲، ۳۴۶، ۳۵۱، ۳۶۴، ۳۸۰، ۴۲۲، ۴۴۳، ۴۶۰

۴۷۲

قوام الملک: ۱۱۰، ۱۷۲، ۲۰۲

قوام الملک شیرازی: ۱۷۲

۲۸

کازرونی: ۴۷۶، ۴۷۷

کاشانچی: ۳۶۷

کاشانی: ۷۶، ۸۳، ۹۹، ۱۰۰، ۱۴۰، ۱۴۶، ۱۸۱، ۱۹۹

۲۱۵، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۲۳، ۲۴۴، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۱، ۲۷۳

۳۶۷، ۴۴۵

کاشف: ۱۹۹، ۳۶۷

کر بلائی عباس: ۱۰۰

کرزن: ۷۹

کریم اوف: ۲۷۳

کمپانی مسعودیه: ۸۲، ۱۱۶، ۱۸۲، ۴۱۹

کوچک خان: ۲۸۳

کوزه کنانی: ۷۸، ۱۲۷، ۱۹۳، ۲۳۷، ۲۵۲، ۴۱۹

کیخسرو شاهرخ: ۱۹۹

محمدتقی شاهرودی: ۱۴۰
 محمدتقی طباطبایی ناظم التجار: ۹۹
 محمدجعفر آقا اصفهانی: ۴۶۰
 محمدجعفر آقا خامنه: ۳۷۳
 محمدجعفر خامنه، ۴۱۷: ۴۴۵
 محمدحسن آقا تجار کاشانی: ۲۴۳
 محمدحسن اردکانی: ۹۹
 محمدحسن امین الضرب: ۵۹، ۷۴، ۱۲۷
 محمدحسن بقال، ۱۷۳
 محمدحسن تاجر بهبهانی: ۴۴۴
 محمدحسن تبریزی: ۴۵۴
 محمدحسن خان امین الضرب: ۸۸
 محمدحسن شوشتری، ۲۲۶
 محمدحسین شالفروش: ۴۱۹
 محمدحسین صاحب تاجر دهمدهشتی: ۲۴۳
 محمدحسین صراف اصفهانی: ۱۲۹
 محمدحسین کازرونی: ۸۲، ۱۱۷، ۱۵۳، ۲۵۱، ۳۱۷، ۴۱۹
 محمدحسین ملک التجار: ۱۰۰
 محمدرضا پهلوی: ۱۰۰، ۱۳۰
 محمدرضا شوشتری: ۲۳۳
 محمدرضا صاحب تاجر کازرونی: ۱۵۳
 محمدشاه: ۳۰، ۵۳، ۱۲۶
 محمدشفیع ملک التجار: ۱۰۰، ۱۵۳
 محمدصادق دهمدهشتی: ۲۳۳
 محمدعلی: ۱۰۰
 محمدعلی اصفهانی: ۱۰۷، ۱۲۹
 محمدعلی شالچی: ۱۴۰
 محمدعلی شاه: ۸۱، ۱۷۷، ۱۸۹، ۱۹۴، ۲۰۵، ۲۳۵
 ۲۳۶، ۲۵۹، ۲۶۵
 محمدعلی میرزا: ۸۴، ۱۳۳
 محمد معین التجار: ۵۵، ۱۲۸، ۱۲۹
 محمد معین التجار بوشهری: ۵۷، ۱۴۰
 محمد مهدی: ۱۰۰
 محمد مهدی دهمدهشتی: ۱۰۰
 محمد یزدی: ۱۹۸، ۱۹۹

د

لامبر مولیت: ۳۵۲
 لطفعلی اتحادیه: ۶۱، ۱۵۳
 لیانا زوف: ۴۲۱
 لینچ: ۷۹، ۸۰، ۱۲۸، ۱۲۹

م

ماژور تالبوت انگلیسی: ۱۰۲
 ماشاء الله خان: ۲۸۳
 م. ت. حسن زاده: ۴۱۹
 مجد الملک: ۷۲
 محمد آقا زنجانی: ۴۱۹
 محمد ابراهیم شیروانی: ۴۱۹
 محمد ابراهیم ملک التجار اصفهان: ۱۵۳
 محمد اسماعیل: ۹۹، ۱۰۰، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۵۹
 ۱۶۳، ۱۹۱، ۱۹۲
 محمد اسماعیل آقا تاجر تبریزی: ۱۴۰، ۱۵۲
 محمد اسماعیل مغازه: ۱۳۴، ۱۵۴، ۱۵۹، ۱۶۰، ۱۸۰، ۱۹۷
 محمد اسمعیل: ۱۰۰
 محمد الحسینی: ۱۰۰
 محمد امین التجار شیرازی: ۲۷۳
 محمد باقر: ۱۰۰
 محمد باقر اصفهانی: ۱۰۷
 محمد باقر تاجر بهبهانی: ۲۳۴، ۲۴۱
 محمد باقر جورابچی: ۲۷۳
 محمد باقر شاهرودی: ۳۰۵
 محمدتقی افشار: ۲۲۵
 محمدتقی افشار: ۲۴۷، ۲۷۴
 محمدتقی امین التجار: ۴۱۹
 محمدتقی بنکدار: ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۶۶، ۱۹۱
 محمدتقی خان پسیان: ۳۴۶، ۴۴۱، ۴۴۲

۵۸۸ تجار، مشروطيت و دولت مدرن

محمد يزدي وكيل التجار: ۱۵۱	معين التجار، ۵۵، ۵۶، ۵۷، ۵۹، ۶۳، ۷۹، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۶، ۱۲۰، ۱۲۷، ۱۲۸، ۱۲۹، ۱۳۰، ۱۵۲، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۵۸، ۱۵۹، ۱۶۱، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۷۴، ۱۷۶، ۱۷۷، ۱۸۱، ۱۸۸، ۱۹۲، ۱۹۸، ۲۰۰، ۲۱۸، ۲۳۱، ۲۳۲، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۳۶، ۲۳۷، ۲۳۹، ۲۴۰، ۲۴۲، ۲۴۹، ۲۹۸، ۳۰۵، ۳۰۸، ۳۱۶، ۳۸۰، ۴۱۱، ۴۱۲، ۴۱۳، ۴۱۸، ۴۲۴، ۴۲۵، ۴۲۶، ۴۵۷، ۴۶۹، ۴۷۲، ۴۷۹، ۴۸۰
محمود پاره دوز: ۱۷۳	معين التجار يوشهرى، ۵۷، ۱۲۹، ۱۳۸، ۱۴۰، ۱۵۹، ۱۸۰، ۱۸۸، ۲۰۰، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۹، ۲۲۷، ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۳۷
محموديه: ۸۲، ۱۱۶، ۱۱۷، ۴۱۹	معين السلطنه، ۹۷
مخير الدوله: ۲۳۶	مفاخر الملك، ۱۸۹
مخير السلطنه، ۱۶۱، ۱۶۲، ۳۴۵	ملاعلى عرب، ۱۰۸
مدرس، ۱۸۳، ۳۱۹، ۳۵۲، ۴۱۶، ۴۵۹، ۴۶۴، ۴۷۱، ۴۷۵، ۴۷۶، ۴۸۰	ملك التجار، ۵۳، ۵۶، ۵۷، ۸۰، ۸۶، ۹۲، ۹۵، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۵۱، ۱۵۲، ۱۵۳، ۲۳۲، ۲۳۴، ۲۳۷، ۳۸۹، ۴۶۴
مرتضى قلى خان، ۹۰	ملك الشعراى بهار، ۳۵۲، ۴۷۶، ۴۷۹
مرتضى قلى خان وكيل الملك، ۵۵	ملكهم خان، ۵۹، ۹۴
م.ا.ب، ۱۲۹، ۲۴۸، ۲۴۹، ۲۵۰، ۲۵۳	ممتاز الدوله، ۱۷۶
م.ا.م، ۲۳، ۲۲۰، ۲۲۱، ۳۵۶، ۴۰۴، ۴۰۸، ۵۳۵، ۵۳۶	منتصر السلطان، ۲۱۸، ۳۱۱
۵۳۷	منصور السلطنه، ۳۶۹
مرکز آمار گمرک ايران (م.گ.ا)، ۲۳، ۵۳۳	موتمن الملك، ۱۵۲
مرکز اسناد رياست جمهورى (م.ا.ر)، ۲۳	موسيو الكساندرخان، ۷۶
مستشار الدوله، ۹۲، ۱۶۳، ۲۴۲	موسيو نورا، ۳۷۱
مستوفى الممالك، ۶۹، ۲۰۱، ۳۰۸، ۳۱۱، ۴۵۳، ۴۶۳، ۴۷۲	موسيو هارطون، ۷۶
مسيو فرنارد، ۲۰۸	موقرال الدوله، ۲۰۴
مسيو نرومن بلژيكي، ۲۰۴	مهدى زنجاني، ۴۱۹
مسيو ورتمان، ۲۳۴	مهدى عباس آقا صدرزاده، ۵۳۶
مسيو هانرى ليحه، ۲۳۵	مهدى عبدالرحيم، ۵۳۶
مشهدى اصغر دالان دار، ۱۷۳	مهدى عطار، ۲۰۲
مشهدى اكبر، ۴۱۹	ميرجعفر تاجر، ۹۹
مشهدى حاج آقا، ۱۰۰	ميرزا آقاخان تاجر، ۲۴۴
مشهدى عباسعلى بابايوف، ۵۳۶	ميرزا آقاخان كرماني، ۱۰۴
مشهدى كاظم امينه، ۷۷	ميرزا ابراهيم تاجر شيرازى، ۱۶۷
مشهدى محمدعلى، ۹۹	ميرزا ابوالقاسم خان تاجر اصفهاني، ۱۸۹
مشيرالتجار، ۱۲۰، ۱۸۱، ۱۹۹، ۲۲۶	
مشيرالدوله، ۱۶۱، ۲۳۲، ۲۳۶، ۲۸۳، ۳۰۸، ۳۰۹	
۳۱۱، ۳۵۱، ۳۷۹، ۴۶۳، ۴۶۴، ۴۷۲	
مشيرالسلطنه، ۱۶۳، ۱۶۵	
مشير الملك، ۱۵۲، ۲۰۲	
مظفرالدين شاه، ۵۷، ۸۶، ۸۹، ۱۲۸، ۱۳۸، ۱۴۰	
مظفرالسلطنه، ۲۸۲	
معتمدالتجار، ۵۶، ۲۴۳، ۴۶۳، ۴۷۱	
معزالسلطنه، ۲۳۳	

- میرزا ابوطالب اسلامیه، ۲۴۹، ۴۱۷
 میرزا احمد امین الصنائع، ۸۳
 میرزا اسدالله افغانی، ۹۹
 میرزا اصغر افتخارالتجار، ۴۱۹
 میرزا جوادخان سعدالدوله، ۱۵۲
 میرزا جواد مجتهد، ۹۲، ۱۱۰
 میرزا حبیب‌اله، ۸۳، ۳۷۲
 میرزا حبیب‌اله تاجر کاشانی، ۸۳
 میرزا احسن آشتیانی، ۱۱۱، ۱۳۶
 میرزا احسن تاجر میلانی، ۹۹
 میرزا احسن خان کورس، ۳۷۲
 میرزا احسن شیرازی، ۱۰۹
 میرزا احسین، ۱۰۰
 میرزا احسین خان، ۸۸، ۹۶
 میرزا احسین خان قزوینی، ۸۹
 میرزا احسین علی تاجر کازرونی، ۴۴۴
 میرزا احسین مجتهد، ۲۳۸
 میرزا رضاخان وکیل، ۲۱۰
 میرزا رضا کرمانی، ۱۲۹
 میرزا سمیع همدانی، ۹۹
 میرزا شفیع، ۸۰، ۱۰۹
 میرزا عبدالحسین سمسارزاده، ۴۱۹
 میرزا عبدالرحیم، ۱۰۰
 میرزا عبدالرحیم تاجر اصفهانی، ۲۴۱
 میرزا عبدالله معین‌الرعا، ۱۹۹
 میرزا علی‌اصغر خان امین‌الدوله، ۸۰
 میرزا علی‌اکبر اسماعیل‌زاده، ۲۲۵
 میرزا علی‌خان خیاط، ۱۷۳
 میرزا علی صراف اصفهانی، ۱۵۳
 میرزا علی محمد جوادزاده، ۵۳۶
 میرزا علی محمد خان کاشانی، ۷۶
 میرزا غلامحسین وکیل‌الدوله، ۴۱۳
 میرزا غلام علی باقر، ۳۷۳
 میرزا کوچک‌خان، ۴۴۱
 میرزا محسن خان معتمدالتجار، ۱۹۹
 میرزا محمد ادیب‌التجار اصفهانی، ۱۹۹
 میرزا محمد امین‌التجار، ۱۶۷، ۳۰۲
 میرزا محمد جعفر میثمی، ۴۱۹
 میرزا محمد جواد مشکفی، ۷۶
 میرزا محمد حسن شیرازی، ۱۱۱
 میرزا محمد شفیع، ۴۱۹
 میرزا محمد علی بیگ، ۴۱۸
 میرزا محمد علی تاجر شیرازی، ۲۷۳
 میرزا محمد علی خان مستوفی‌الدوله، ۲۳۷
 میرزا محمد علی خان ملک‌التجار، ۳۰۸
 میرزا محمد علی مجتهد، ۱۱۱
 میرزا محمد مرتضوی، ۵۳۶
 میرزا محمود اصفهانی، ۱۳۹، ۱۹۲
 میرزا محمود اصفهانی با مفاخرالملک، ۱۹۱
 میرزا محمود تاجر اصفهانی، ۱۷۶
 میرزا ملکم‌خان ناظم‌الدوله، ۷۴
 میرزا مهدی ملک‌التجار، ۲۳۵
 میرزای آشتیانی، ۱۱۱، ۱۱۲
 میرزای شیرازی، ۱۰۵، ۱۱۰، ۱۱۱، ۱۱۲
 میرزا یعقوب‌خان، ۷۴
 میرزا یوسف مستشارالدوله، ۹۲
 میلانی (رضایوف)، ۸۹
 میلسپو، ۳۴۵، ۳۴۸، ۳۴۹، ۳۵۱، ۳۷۵، ۳۷۶، ۴۵۲، ۴۵۳
 مؤتمن‌التجار، ۵۶
 مؤیدالاسلام، ۷۵
- ۵۸
- ناصرالتجار، ۲۴۱، ۲۴۴، ۳۷۳
 ناصرالدین‌شاه، ۵۷، ۵۹، ۷۷، ۸۱، ۸۸، ۹۷، ۹۸، ۱۰۱
 ۱۰۴، ۱۲۶، ۱۲۷، ۱۲۹
 ناصرالملک، ۹۹، ۲۳۷
 ناصرولی محمد لطفعلی، ۴۱۹
 ناظم‌الاسلام، ۱۱۲
 ناظم‌التجار، ۵۶، ۲۲۷، ۲۴۰، ۲۴۱، ۳۷۳، ۴۵۱
 نصرت‌الدوله فیروز، ۱۷۲، ۳۵۲، ۳۵۳، ۴۱۲، ۴۵۹

٥٩٠ تجار، مشروطيت و دولت مدرن

وكيل التجار، ١٥١، ١٥٧، ١٥٩، ١٦٠، ١٦٥، ٢٠٠، ٢٠٨، ٢٠٧	نصيرالدوله، ٩٧
وكيل الدوله، ١٣٨	نعمت الله بروجردى، ١٧٢
وكيل الرعايا، ١٠٧، ١٢٠، ٢٠٠	نمازى، ١٨٤، ٢٤٧، ٤١٧، ٤١٩، ٥٣٤
ويس، ٣٧٣	نور محمد بيك، ١٩٥
	نوز، ٢٢، ٢٨، ٢٩، ٣٠، ٣١، ٣٣، ٣٦، ٣٧، ٥١، ٧٥، ٩٤، ٩٥، ١٢١، ١٣٣، ١٣٤، ١٣٦، ١٥١، ١٥٢، ٢٥٧، ٣٩١
هـ	نيكپور، ٣٦٧
هاراطون تومانيانس، ٧٦	
هاشمى، ٣٧٢	و
هكتور چرونيكوس، ٤١٩	واسموس، ٢٨٣، ٣٢٣
هـ	وثوق الدوله، ١٨٠، ٢٤٢، ٢٨٣، ٤٦٩
يوسف تاجر بغدادى، ٩٩	

تبرستان
www.tabarestan.info

ضمائم

تبرستان
www.tabarestan.info

ضمائم

تبرستان
www.tabarestan.info

ضمیمه شماره ۱ وام‌های ایران از انگلستان

به علت اولین مسافرت ناصرالدین شاه به خارج از کشور مبلغ ۲۰۰ هزار لیره از زولیوس روتر انگلیسی با ربح ۵٪ گرفته شد که اولین وام کشور از بیگانگان بود.	۱۸۷۲/۱۲۹۰
این وام به مبلغ ۴۰ هزار لیره و به منظور سفر سوم ناصرالدین شاه به اروپا از جرج روتر تقاضا شد.	۱۸۸۹/۱۳۰۶
به منظور پرداخت خسارت شرکت رژی، وامی به مبلغ ۵۰۰ هزار لیره از بانک شاهنشاهی با فرع صدی شش به مدت چهل سال و به ضمانت گمرک جنوب گرفته شد.	۱۸۹۲/۱۳۰۹
چون تمام وام دوم ایران از روسیه صرف شاه شد. ایران مجبور شد مجدداً وام دیگری طلب کند، ولی چون به موجب پیمان خود با روسیه نمی توانست از دولت دیگری وام بگیرد، عنوان آن را مساعده گذاردند. انگلستان نیز وامی به مبلغ ۲۰۰ هزار لیره به مدت ۲۰ سال و به ضمانت شیلات و عایدات پست و تلگراف و گمرک جنوب به ایران داد.	۱۹۰۳/۱۳۲۱

ضمیمه شماره ۱ وام‌های ایران از روسیه

این وام در زمان مظفرالدین شاه و در صدارت امین السلطان گرفته شد و سال‌ها ایران را اسیر و برده روسیه کرد. به علت هزینه فوق‌العاده دربار و اطرافیان طماع شاه و به دلیل تمایل وی به سفر اروپا، مبلغ ۶۰ میلیون فرانک (بیست و دو میلیون و نیم منات) به ایران وام داده شد و ضمانت آن جمیع گمرکات کشور به استثنای جنوب بود و در صورتی که عواید گمرک کفایت نکند، کل عواید ایران در مقابل این وام ضمانت می‌شد و شرایط آن به قرار زیر بود: ۱. ایران از دولت دیگری وام نگیرد. ۲. از این مبلغ، وام سابق هر یک از دولت‌های روس و انگلیس پرداخت شود. ۳. تا ده سال به جز روسیه به دولت دیگری امتیاز راه آهن داده نشود.	۱۹۰۰/۱۳۱۷
این وام به منظور مسافرت و معالجه شاه گرفته شد. طبق وام ۱۹۰۰/۱۳۱۷ ایران تنها از روسیه می‌توانست وام بگیرد و چون در این زمان این کشور نیز وضع مساعدی نداشت خود این کشور از دولت‌های فرانسه یا بلژیک با شرایط سهل وام می‌گرفت و برای حفظ نفوذ سیاسی خود به ایران می‌داد و با همان شرایط گذشته ده میلیون منات طلا به ایران داده شد به شرط آنکه در تعرفه گمرک تغییری داده شود تا واردات ایران و در نتیجه درآمد گمرکی افزایش یابد. همچنین امتیاز ساختن راه شوسه جلفا - قزوین نیز به بانک استقراضی داده شود.	۱۹۰۲/۱۳۱۹

ضمیمه شماره ۲ امتیازات داده شده به انگلستان

خطوط تلگراف میان تهران - خاقین، تهران - بوشهر، تهران - بلوچستان و تهران - تبریز - جلفا و خط تلگرافی میان بنادر گوادر - جاسک - عباس.	۱۲۷۹-۸۵/۱۸۶۲-۶۸
امتیاز رویتر به بارون زولیوس دورویتر داده شد ولی بعد لغو گردید.	۱۸۷۲/۱۲۸۹
امتیاز بانک شاهنشاهی به رویتر داده شده و همیظور استخراج و بهره‌برداری معادن ایران به بانک داده شد، فرمان آزادی کشتی‌رانی در کارون، امتیاز لاتاری که بعد لغو شد.	۱۸۸۹/۱۳۰۶
امتیاز انحصار توتون و تنباکو به شرکت رژی که بعد لغو شد، امتیاز احداث راه و راه آهن در مناطق جنوب کشور و احداث و بهره‌برداری از راه‌های تهران - اهواز، بروجرد - اصفهان، تهران - قم، قم - اصفهان.	۱۸۹۰/۱۸۹۱/۱۸۹۸ ۱۳۰۷/۱۳۰۸/۱۳۱۵
اکتشاف و استخراج از معادن نفت و موم طبیعی در ایران به استثنای آذربایجان گیلان - مازندران - خراسان و استرآباد به ویلیام داریسی داده شد.	۱۹۱۰/۱۳۱۹
امتیاز و بهره‌برداری از راه قم - سلطان‌آباد به برادران اینچ داده شد.	۱۹۰۶/۱۳۲۴
احداث راه آهن خرمشهر - خرم‌آباد - بروجرد.	۱۹۱۳/۱۳۳۱

ضمیمه شماره ۲
امتیازات داده شده به روسیه

استفاده و تفتیش خطوط تلگراف شمال و شمال شرقی.	۱۲۹۸-۱۳۲۰/۱۸۸۱-۱۹۰۲
بهره برداری از شیلات مازندران.	۱۳۰۵ و ۱۳۲۴/۱۸۸۸ و ۱۹۰۶
تأسیس بانک استقراضی روسیه (نقطه عطف در روابط ایران و روسیه)	۱۸۹۰/۱۳۰۷
تأسیس شرکت بیمه حمل و نقل (امتیاز انحصاری)	۱۸۹۱/۱۳۰۸
حق احداث و بهره برداری راه آنزلی-قزوین، قزوین-همدان، قزوین-تهران لایروبی و بهره برداری از مرداب آنزلی.	۱۳۱۰-۱۲/۱۸۹۳-۹۵
استخراج معادن قراچه داغ در آذربایجان.	۱۸۹۳-۱۸۹۵
حق احداث و بهره برداری از شوسه جلفا-تبریز-قزوین و نیز استخراج معادن ذغال سنگ و نفت در اطراف راه مذکور به بانک استقراضی داده شد.	۱۹۰۲/۱۳۲۰
اعطای امتیاز به شرکت برادران نوبل در احداث خط لوله نفت از آنزلی به رشت.	۱۹۱۱/۱۳۲۹
حق احداث و بهره برداری راه آهن جلفا-تبریز و صوفیان-شرقخانه و انحصار استخراج معادن زغال سنگ و نفت در دو طرف خط آهن مذکور و حق تقدم استخراج سایر معادن در آن خط و در خط تبریز-قزوین.	۱۹۱۳/۱۳۳۱

ضمیمه شماره ۳

فهرست املاک و دارایی حاج رحیم و جعفر علی اتحادیه متکی بر اسناد آرشیو اتحادیه

نوع اجاره از اتحادیه	مستاجر	مدت	مبلغ	تاریخ انعقاد قرارداد
- شش ساعت اجاره آب فئات بریفک	بلدیه تهران	یکسال	۱۸۰۰ ریال (قسط ۶۰۰ ریال)	فروردین ۱۳۱۱ / ذی قعدة ۱۳۵۰
- شش ساعت آب فئات اکبر آباد (حاج شیخ احمد نغری)	بلدیه تهران	یکسال	۱۰۶۶ ریال (قسط ۳۵۵ ریال)	فروردین ۱۳۱۱ / ذی قعدة ۱۳۵۰
- ۱۴ ساعت آب فئات اکبر آباد (رحیم اتحادیه)	بلدیه تهران	یکسال	۳۰۱۳ ریال (قسط ۱۰۰۴ ریال)	فروردین ۱۳۱۱ / ذی قعدة ۱۳۵۰
- ۶ ساعت آب فئات بریفک (رحیم اتحادیه)	بلدیه تهران	یکسال	۱۵ تومان	فروردین ۱۳۱۰ / ذی قعدة ۱۳۴۹
- ۱۴ ساعت فئات اکبر آباد (رحیم اتحادیه)	بلدیه تهران	یکسال	۳۰۱ تومان و سه قران	اول فروردین ۱۳۱۰ / ذی قعدة ۱۳۴۹
- ۶ دنگ یکباب کالسکه خانه و طویل متصل واقعه در ناحیه ۹ آخر کوچه حاجی‌ها	آقا میرزا باقر حلمی	یکسال	۱۴۴ تومان (مالی ۶ تومان)	اسفند ۱۳۰۹ / شوال ۱۳۴۹
- یک باب دکان واقعه در خیابان لاله زار	اسمعیل حکیمی	یکسال	۲۶۴۰ ریال (مالی ۱۱۰ ریال)	اسفند ۱۳۱۱ / شوال ۱۳۵۱
- یکباب مغازه واقعه در دولت کوچه حاجی باقر آقا	آقا سلیمان (ظهوریان) خیاط	یکسال	۱۴۴۰ ریال (مالی ۱۲۰ ریال)	فروردین ۱۳۱۱ / ۲۹ ذی قعدة ۱۳۵۰
- یک دستگاه عمارت (پرونی و ندرونی) - دو باب دکان متصل به عمارت واقع در کوچه حاجی باقر آقا (خیابان لاله زار)	آقا عباس خان نایب	یکسال	۵۷۰۰ ریال (مالی ۳۷۵ ریال)	۳۰ فروردین ۱۳۱۱ / ۱۲ ذی حجه ۱۳۵۰
- یکباب دکان واقعه در ناحیه دولت	علی وهاب (علی اکبر زاده)	یکسال	۹۶۰ ریال (مالی ۸۰ ریال)	مرداد ۱۳۱۱ / ربیع الثانی ۱۳۵۱
- دو باب دکان وصل بهم به قضمات یکباب دکه واقع در لاله زار	مشهدی عباسعلی قهوه چی	یکسال	۳۴۰ تومان (مالی ۲۰ تومان)	بهمن ۱۳۱۰ / رمضان ۱۳۵۰
- دو باب دکان متصل بهم واقع در ناحیه دولت	مسبو آرام کارنجان	یکسال	۱۶۸۰ ریال (مالی ۱۴۰ ریال)	تیر ۱۳۱۱ / صفر ۱۳۵۰
- یکباب دکان واقع در کوچه حاج باقر آقا منشعب از لاله زار	مشهدی اسمعیل شاه رضا	یکسال	۹۰۰ ریال (مالی ۷۵ ریال)	اردیبهشت ۱۳۱۱ / ذی حجه ۱۳۵۰
- یکباب دکان واقعه در ناحیه دولت (سمت جنوبی) کوچه حاجی باقر آقا منشعب از لاله زار	استاد غلامعلی نجار	یکسال	۱۹۲ تومان (مالی ۱۶ تومان)	اول اسفند ۱۳۱۰ / ۱۴ شوال ۱۳۵۰
- یکباب دکان بقالی واقع در ناحیه دولت	آقا مشهدی رضا بقال	یکسال	۷۸۰ ریال (مالی ۶۵ ریال)	۱۱ خرداد ۱۳۱۱ / ۲۸ محرم ۱۳۵۱
- یکباب دکان واقع در کوچه حاجی باقر آقا (نجف آبادی)	آقا عباس خان (نعمت نجف آبادی)	یکسال	۱۲۰۰ ریال (مالی ۱۲۰ ریال)	اسفند ۱۳۱۱ / ذی قعدة ۱۳۵۱
- یکباب دکان واقع در کوچه حاجی باقر آقا (سمات خیاطا)	میرزا اسمعیل خان	یکسال	۱۹۲ تومان (مالی ۱۶ تومان)	۱۷ بهمن ۱۳۱۰ / رمضان ۱۳۵۰

نوع اجاره از اتحادیه	مستاجر	مدت	مبلغ	تاریخ انعقاد قرارداد
یکپایه دکان واقع در کوچه حاجی باقر آقا	آقا رضا (میرزا رحیم خان)	یکسال	۱۲۰۰ ریال (معای ۱۰۰ ریال)	اردیبهشت ۱۳۱۲ / محرم ۱۳۵۲
- یکپایه حیاط	آقا رضا (میرزا رحیم خان)	یکسال	۴۸۰۰ ریال (هر ماه ۴۰۰ ریال)	اسفند ۱۳۱۱ / شوال ۱۳۵۱
- یکپایه حمام	آقا زین العابدین	یکسال	۱۸۰ تومان	۲۳ فروردین ۱۳۱۰ / ذی حجه الحرام ۱۳۲۹
- یک باب حیاط کوچک به انضمام دو باب بالاخانه فوق دکانین موخر	سرکس خان	یکسال	۱۳۴ تومان (معای ۱۲ تومان)	۲۴ مرداد ۱۳۰۸ / ۹ ربیع الاول ۱۳۴۸
- یکپایه دکان واقع در کوچه حاج باقر ناحیه دولت	امتاد غلامعلی ایتربی	یکسال	۱۴۴۰ ریال (معای ۱۲۰ ریال)	نور ۱۳۱۳ / جمادی الاول ۱۳۵۳
- دو باب متازه واقع در خیابان شیخ	آقای گیورک (الشخیان)	یکسال	۳۸۰۰ ریال (معای ۳۲۰ ریال)	شهریور ۱۳۱۳ / غره جمادی الثانی ۱۳۵۳
- کل شش دنگ حیاط واقع در خیابان لاله زار	محمود آقا (عباسی زاده)	یکسال	۶۰۰۰ ریال (معای ۵۰۰ ریال)	۲۴ بهمن ۱۳۱۲ / شوال ۱۳۵۲
- یکپایه حیاط کاراز واقع در ضلع غربی خیابان شیخ ملک	سرکس مکثیک خلف گیورک مسیحی مستوفی	دو سال	۱۵۶۰ تومان (هر ماه ۵۵ تومان)	۲۳ خرداد ۱۳۰۹ / ذی الحجه ۱۳۴۸
- یک دستگاه عمارت واقع در کوچه حاجی باقر آقا	آقای لطفعلی (ممتع)	۲ سال	۳۳۵۰۰ ریال (۶ ماه اول هر ماه ۷۵۰ ریال و بقیه معای هزار ریال)	۲۳ اردیبهشت ۱۳۱۲ / ۱۸ محرم ۱۳۵۲
- ملک واقع در طهران اراضی جلایه به میزنل سهند و بیست گز مشاع	فروشنده: سردار عالی خان نراقی	_____	۵۳۰۰ ریال	۹ خرداد ۱۳۱۳ / ۳۰ مه ۱۹۳۴
- یکپایه خانه در خیابان لاله زار	_____	یکسال	۶۰۰ تومان (هر ماه ۵۰ تومان)	جمادی الاول ۱۳۳۵ / مارس ۱۹۱۷
- یک دستگاه عمارت دو طبقه هشت بر گراز و استخر و باغ واقع در ناحیه یازده شمیران قریه تجریش مقابل نالودنگ	آقا شیخ اسمعیل سلطانی	۴ ماه و ۷ روز	۳۵۰۰ ریال	صفر ۱۳۵۱ / خرداد ۱۳۱۱
- باغ بیلاقی واقع در تجریش نزدیک نالودنگ	مسیو ویلن وزیر مختار فرقه	سه ماه	۱۵۰۰ قران	۱۳۰۷ / ۱۹۲۸
- ۴ دنگ از کارخانه لیموناد سازی واقع در جلایه (اصل سند اظهار نامه علیه اعظم)	میرزا جمشید شهریار	_____	_____	۱۵ محرم ۱۳۴۷ / ۲۱ مرداد ۱۳۰۹
- عمارت قسمت پایین باغ تجریش	بنک روسیه	۴ ماه	۱۵۰ تومان	۲۴ صفر ۱۳۵۰ / ۱۹ تیر ۱۳۱۰
- یک دستگاه عمارت واقع در تجریش	عمده التجار حاج کاظم آقا وهاب زاده	سه ماه	۱۲۵ تومان	۱۳ ذی الحجه ۱۳۲۹ / ۱۱ اردیبهشت ۱۳۱۰
- نیم دنگ قریه بر بنک حومه طهران قرب امامزاده حسن - نیم دنگ ملکی از قنات آن - شش دنگ از دو قطعه باغ واقع در اکبر آباد و باغ و عمارت پایین و حق الشرب از رودخانه کن و توبلهها	حاج محمد باقر	۲ سال	۱۲۶۰ تومان (سالی ۳۲۰ تومان)	رجب ۱۳۴۷ / دسامبر ۱۹۲۸

نوع اجاره از اتحادیه	مستاجر	مدت	مبلغ	تاریخ انعقاد قرارداد
بقتصد ذرع زمین لرانسی جلالیه	عماد الدین خان (سزولور)	یکسال	۲۵۰ تومان	۲۱ مرداد ۱۳۱۰ / ۲۸ ربیع الاول ۱۳۵۰
- یکباب عمارت واقع در خیابان علاء الدوله محل فعلی هتل دو پاریس	مسیو فرمکلونرنه	دو سال	دویست تومان (هرماه)	۱۶ ربیع الاول ۱۳۳۳ / ۱۵ اکتبر ۱۹۲۳
- یک قطعه زمین مزروعی از لرانسی املاک جلالیه (ده هزلرزج)	لبوطالب بن کربلایی عبدالحسین تجریشی	۳ سال	۳۷۵ تومان (سالی ۱۲۵ تومان)	دوم جمادی الثانی ۱۳۳۳ / ۲۶ دسامبر ۱۹۲۵
- چهل و پنج ساعت از قنات کرج	حاج محمد باقر بریفکی	یکسال	۳۵۰ تومان (مبلغ ۷۵ تومان برای خرج قنات)	۱۲ رمضان ۱۳۳۴ / ۲۷ مارس ۱۹۲۶
- نصف تملی مساحت چهل جریب زمین باغ معروف به باغ حاج امین الضربی به منظور برداشت محصول	سید جواد بن آقا سیدعلی	سه سال	۲۱۶ تومان (سالی ۷۲ تومان)	۹ صفر ۱۳۳۳ / ۹ سپتامبر ۱۹۲۳
- سه دنگ قریه فرح زاد درحومه طهران (سه دنگ دیگرمتعلق به سالار لشکر و سه دنگ شاهزاده فیروز میرزا به حاج رحیم اتحادیه فروخته شد)	حاج رحیم (خریدار)	—	۱۰ هزار تومان	غره ربیع الثانی ۱۳۳۱ / ۲۲ اکتبر ۱۹۲۲
- یکباب حمام واقع در خیابان لاله زار (بول سوخت و مزدکارگر به عهده موجر است)	زین العابدین بن کربلایی علی دلفانی	یکسال	(ملعی یازده تومان)	۱۵ ذیحجه ۱۳۳۸ / ۱۵ آوریل ۱۹۲۰
- یکباب کالسکه خفه در کوچه حاجیها محله عودلاجان و طویله متصل به آن	میرزا باقر گماشته آقای شیخ المراقین	یکسال	شصت تومان (ملعی پنج تومان)	غره جمادی الثانی ۱۳۳۷ / ۱۴ نوامبر ۱۹۲۸
- دو خیابان سمت شرقی و جنوبی، باغ ملکی در خیابان صاحب اختیار	لویاب کیخسرو (مدیر کل تلفن ایران)	یکسال	ملعی بیست تومان	اول حوت ۱۳۰۴ / ۱۹ فوریه ۱۹۲۵
- یک باب حیاط واقع درجالیه بیرون دروازه بهجت آباد	عمده التجار آقا میرزا خدا رحم تاجر پارسی مدیر شرکت گلزار	یکسال	دویست هفتاد تومان (ملعی بیست تومان)	ربیع الثانی ۱۳۳۳ / نوامبر ۱۹۲۳
- یکباب دکان واقع در بخش دو طهران کوچه حاجی باقر صراف پلاک ۷۳۱	آقای محمود عینی	یکسال	۱۲۰۰ ریال	۴ اردیبهشت ۱۳۱۶ / ۲۳ آوریل ۱۹۳۷
- یکباب مغازه واقع در بخش دو تهران پلاک ۶۳۵	آقای نیکلا دلودیان	یکسال	۵۴۰۰ ریال	۲۸ مهر ۱۳۱۷ / ۲۰ اکتبر ۱۹۳۸
- شش دنگ یک خفه پلاک ۷۳۵ خیابان لاله زار	آقای مهدی راجه	یکسال	۵۰۰۰ ریال	۳ دی ۱۳۳۴ / ۲۴ دسامبر ۱۹۳۵
- یکباب خفه لاله زار پلاک ۶۳۵	آقای مرعوش (دولان)	دو سال	۱۲۶۰۰ ریال	۲۱ اسفند ۱۳۱۹ / ۱۲ مارس ۱۹۴۱
- شش دنگ یک باب حیاط خیابان لاله زار پلاک ۶۲۹	آقای عباس کردگلی	یکسال	۶۰۰۰ ریال	اول فروردین ۱۳۲۱ / ۳۱ مارس ۱۹۴۲
- یک باب حیاط واقع در لاله زار پلاک ۷۳۹	پائو ملینا (نیماییل زاده)	یکسال	۶۰۰۰ ریال	۲۳ اسفند ۱۳۲۰ / ۱۴ مارس ۱۹۴۲
- یکباب خفه خیابان لاله زار پلاک ۷۵۱	دکتر ولرطان (هوقسیان)	دو سال	۱۴۳۰۰ ریال	۲۱ دی ۱۳۱۴ / ۱۵ رجب ۱۳۵۳
* موجر علی اتحادیه که بعد از اتمام توسط جعفر اتحادیه قرار داد تمدید می گردد به مدت دو سال دیگر و بعد درسال ۱۳۱۸ امجداً (ملک مشترک) به مدت دو سال دیگر تمدید می گردد				

نوع اجاره از اتحادیه	مستاجر	مدت	مبلغ	تاریخ انعقاد قرارداد
- یکپار مغازه به ضمیمه حیاط متصل به آن در خیابان لاله زار پلاک ۷۳۲ و ۷۳۳	حاج اسماعیل معینی (معروف به حاج نایب)	۳۰ ماه	۲۵۰۰ ریال	۱۰ اردیبهشت ۱۳۱۹ ۳۰/ آوریل ۱۹۴۰
- یکپار مغازه به ضمیمه حیاط متصل به آن در خیابان لاله زار پلاک ۷۳۲ و ۷۳۳	حاج اسماعیل معینی (معروف به حاج نایب)	سه سال	۳۳۲۰۰ ریال (مجدداً به مدت سه سال تمدید گردید ۱۳۱۹ به مدت عمده گردید)	۱۶ مرداد ۱۳۱۴ / ۷ جمادی الاول ۱۳۵۴
- یکپار خانه واقع در خیابان لاله زار پلاک ۷۳۵	لرتوار ونسمان تلح فولت آلمان	یکسال	۶۰۰۰ ریال	۲۳ تیر ۱۳۱۴ / ۱۳ الثانی ۱۳۵۴
- یکپار خانه خیابان لاله زار پلاک ۷۳۵	نیکلای دلدوبیان	سه سال	۲۱۰۰۰ ریال	۷ مهر ۱۳۱۶ / ۲۹ سپتامبر ۱۹۳۷
- تمامی سه دنگ از قرای قوریجان و لورق در مرافقه از مضامفات آذربایجان	(حاج رحیم اتحادیه) خریداری از فیروز مهرزا	ده ماه	۲۰۰۰۰ ریال	غره ربیع الثانی ۱۳۴۱ / ۲۲ اکتبر ۱۹۲۲
- شصت ساعت آب قنات کرج	امتداد عباس	یکسال	۷۵۰ تومان (به اقساط)	۶ شوال ۱۳۴۱ / ۲۳ مهر ۱۹۲۳
- ۱۰ ساعت آب از مجرای قنات اکبر آباد	حاج محمد باقر	یکسال	۲۷۰ تومان	اول فروردین ۱۳۰۸ / ۳۱ مارس ۱۹۲۹
- ۴۰ ساعت آب از مجرای قنات کرج	حاج محمد باقر	یکسال	۶۰۰ تومان	اول فروردین ۱۳۰۸ / ۲۱ مارس ۱۹۲۹
- ۵ ساعت آب از مجرای قنات کرج	شیخ احمد تفرشی	یکسال	۷۵ تومان	اول حمل ۱۳۰۷ / ۱۲ ۲۱ / مارس ۱۹۲۸
- ۸ شبانه روز آب از مجرای قنات فرحزاد	بلدیه طهران	یکماه	دویست و هشتاد تومان (۲۸۰ تومان)	۲۸ تیر ۱۳۰۷ / ۲۳ مرداد ۱۳۰۷
- ۲۵ شبانه روز آب از مجرای قنات فرحزاد	بلدیه طهران	سه ماه و نوزده روز	۷۵۰ تومان	۹ تیر ۱۳۰۶ / ۱۳ اول زوشه ۱۹۲۷
- منافع نیم دنگ مشاع از کل شش دنگ قریه بریلک واقع در خارج دروازه قزوین حومه طهران	حاج محمد باقر (رعیت جی)	سه سال	۱۲۸۰ تومان (با اقساط)	۲۵ مرداد ۱۳۱۰ / ۱۳ ربیع الثانی ۱۳۵۰
- تمامی شش دنگ یک دستگاه طاحونه واقع در قریه فرحزاد	غلامرضا و غلامعلی فرحزادی	یکسال	۱۷۰ تومان (ملعی) تومان بیست و سه (اول)	غره رجب ۱۳۴۹ / ۲۳ نوامبر ۱۹۳۰
- شش دنگ سه باب دکان بقالی و علاقی و عطاری واقع در سرا صطخر قریه فرحزاد	مشهدی رضا	۹ ماه	۱۲۵ تومان	۲۸ محرم ۱۳۵۰
- یکپار قهوه خانه و محیط اصطخر واقع در قریه فرحزاد	فتح الله خان قمی الاصل طهرانی	۹ ماه	۱۰۲ تومان	۲۸ محرم ۱۳۵۰ / ۱۵ زوشن ۱۹۳۱
- یک قطعه توستان ملکی (برداشت محصول)	کربلایی حاجی	تا زمان برداشت محصول	۴۰ تومان	۵ محرم ۱۳۵۰ / ۲۲ مه ۱۹۳۱
- شش دنگ قهوه خانه و علاقی و بقالی واقع در یونجه زار به انضمام سهم لریلی مویژ از یونجه زار که ۲ قسم از ۵ قسم است	مشهدی عبدالهاسم - مشهدی عباسی - مشهدی علی و مهدی	۹ ماه	۲۲۰ تومان	اول حمل ۱۳۰۹ / ۲۱ مارس ۱۹۳۰
بخش مربوط به تعمیرات و بنایی از سهم لریلی داده می شود که مبلغ ۱۵ تومان تعیین شده و بعد ۵۰ تومان و مابقی در سه قسط پرداخت شود				

نوع اجاره از اتحادیه	مستاجر	مدت	مبلغ	تاریخ انعقاد قرارداد
- شش دنگ یکباب دکان خبازی ملکی سر استخر قریه فرح زاد	آقا محمد حسین	۹ ماه	۳۵ تومان (۱۰ تومان نقد و ۲۵ به اقساط)	۸ شوال ۱۳۳۶ / ۳۰ مارس ۱۹۲۸
- یک قطعه باغ مشهور به باغ کریم آباد واقع در قریه فرح زاد	آقا مهدی غلام	سه سال	۲۷۰ تومان وجه نقد (مبلغ هر سال)	۲۵ مهر ۱۳۰۸ / ۱۷ اکتبر ۱۹۲۹
- کل شش دنگ دو قطعه باغ واقع در قریه اکبر آباد ملکی متصرفی	آقای سلیمان باغبان نطنزی	سه سال	۱۸۰ تومان و ۵۰ عمن میوه باغ (سالی ۵۰ تومان)	۱۶ ذیحجه ۱۳۳۶ / ۲۳ سپتامبر ۱۹۱۸
- یک دنگ و یک ربع دنگ از قریه مرجان آباد از بلوک غار به انضمام شش دنگ عمارت بیرونی و اندرونی واقع در بیرون دروازه قدیم قزوین	_____	(وکالت برای فروش داده شده)	_____	غره ذیحجه ۱۳۲۹ / ۲۳ اکتبر ۱۹۱۱
- عواید نیم دنگ مشاع قریه بریثک و منافع از مجرای نیم دنگ قنات قریه مزبور و منافع دو قطعه باغ واقع در لرازی اکبر آباد	حاجی محمد باقر	سه سال	۱۲۰۰ تومان	ربیع الاول ۱۳۳۴ / سپتامبر ۱۹۲۵
- شش دنگ یک دستگاه عمارت مشتمل بر بیرونی و اندرونی واقع در خیابان مائین جنب بازار چه نایب السطنه	عنایت الله خان سردار فیروز	یکسال	۱۲۰ تومان (هر ماه ده تومان)	غره جمادی الثانی ۱۳۲۹ / ۱۰ فوریه ۱۹۲۱
- یک قطعه باغ معروف اکبر آباد واقع در شهر نو (۱۲ هزار فخر)	مشهدی اکبر یزدی	۲ سال	۲۰۰ تومان (هر سال ۱۰۰ تومان)	۲۲ جمادی الثانی ۱۳۲۹ / ۲ مارس ۱۹۲۱
- یک قطعه باغ واقع در بریثک و ملحقات آن	آقا خلیل امامیه	۲ سال	۲۰۰ تومان (سالی صد تومان)	۲۹ صفر ۱۳۳۰ / ۲۱ اکتبر ۱۹۲۱
- منافع کل جالیز صیفی کلری که ۴ سهم متعلق به اتحادیه و یک سهم متعلق به مستاجر مذکور است	محمد علی و حسین (رعابای فرح زاد)	_____	۵۰ تومان (بصورت اقساط) پای نامه توسط افرادی مهر شده تحت عنوان «ترعیت آقای اتحادیه»	۳۰ ربیع الثانی ۱۳۵۲ / ۱۲ لوت ۱۹۳۴
- تمامی منافع یک دنگ از قریه بریثک به انضمام نیم دنگ از قنات قریه مزبور (برای برداشت محصول شتوی و صیفی)	آقا میرزا اسماعیل	دو سال	۹۰۰ تومان (هر سال ۳۵۰ تومان)	۱۳۳۴ قمری / ۱۹۲۴
- ۱۵ ساعت از قنات کرج	نایب اصغر ریز فره	یکسال	۲۰۰ تومان (۵ قسط)	۱۰ شوال ۱۳۳۵ / ۱۳ آوریل ۱۹۲۷
- یک دنگ و نیم قنات کرج	آقای مشهدی اکبر یزدی	دو سال	۲۲۰۰ تومان (اقساط ثلاثه)	۳ جمادی الثانی ۱۳۳۹ / ۱۲ فوریه ۱۹۲۱
- یک دنگ از شش دنگ مستغلات واقع در قریه مهر آباد شامل طاقونه، قهوه خانه، مهمانخانه، کاروانسرا، دکان، مزارع	جهانگیر خان	یکسال	هفتاد و پنج تومان قیمت صیفی (سوی محصول یک دنگ) دویست و چهل تومان وجه نقد (مالی بیست تومان)	۲۱ سپتامبر ۱۹۲۰ / ۷ محرم ۱۳۳۹
- شش دنگ یک قطعه زمین لرازی جلالیه	(خریدار: لریاب کپخسرو شاهرخ - آقا میرزا هادیخان)	_____	۳۱۱۷ ریال وجه رایج	۱۴ ذی حجه ۱۳۵۱ / ۱۰ آوریل ۱۹۳۳

نوع اجاره از اتحادیه	مستاجر	مدت	مبلغ	تاریخ تصفاد قرارداد
- شش دنگ باب طبخونه واقع در قریه فرح زاد	آقا میرزا ابراهیم خان خباز	یکسال	۱۳۰ تومان (ماعی ده تومان و هزار و سیصد دینار)	غره محرم ۱۳۴۶/اول زوتیه ۱۹۲۷
- یک قطعه توتستان و شش دنگ یکباب قهوه خانه ملکی در قریه فرح زاد	محمد اسمعیل و حاج مهدی فرحزادیان	۹ ماه	۱۳۵ تومان	شوال ۱۳۴۵ / آوریل ۱۹۲۷
- شش دنگ یک باب دکان خبازی ملکی در قریه فرح زاد	آقا مشهدی محمد رضا خباز طهرانی میراسماعیل مباشر اتحادیه	۹ ماه	۳۰ تومان (سه قسطا)	۱۶ شوال ۱۳۴۵ ۱۹/آوریل ۱۹۲۷
- شش دنگ یکباب بقالی و علاقی ملکی در قریه فرح زاد	مشهدی علی فرحزاد	۹ ماه	هشتاد و پنج تومان (سه قسطا)	۱۸ شوال ۱۳۴۵ / ۲۱ آوریل ۱۹۲۷
- شش دنگ یکباب آسیاب ملکی در قریه فرح زاد	میرزا ابراهیم خباز	یکسال	۱۴۰ تومان (هرماه مبلغ ۱۱ تومان و ۶۶۵۰ دینار)	غره محرم ۱۳۳۷ / ۱۹ زوتیه ۱۹۲۸
- در خصوص رعیتی باغ صحرا زرال خو دنگی فرح زاد	مشهدی محمد یونکی	سه سال	_____	اول سنبله ۱۳۰۷ / ۲۳ لوت ۱۹۲۸
- یکباب حجره طبخونه واقع در قریه فرح زاد	آقا غلامرضا و آقا غلامعلی	یکسال	۱۴۰ تومان	دوم ربیع الاول ۱۳۳۷ ۲۶/ لوت ۱۹۲۸
- شش دنگ هر یک از قهوه خانه و علاقی و بقالی در یونجه زار ملکی	آقا محمد اسمعیل	یکسال	۲۵۰ تومان	سوم شعبان ۱۳۳۷ / ۱۵ زوتیه ۱۹۲۹
- بقالی و علاقی، قهوه خانه سراسمندر، توتستان لریابی، خبازی، بالمناصفه بر تملیک عواید و منافع رقبات موقوفه ذیل ملکی تخصص متصرفی خود واقع در فرحزاد.	مشهدی عباس و مشهدی اسماعیل	یکسال	۳۵۰ تومان (۵۰ تومان نقد و مابقی به اقساطا)	دوم شعبان ۱۳۳۷ / ۶ پهمن ۱۳۰۷
- یک قطعه باغ مشجر واقع در قریه بریتک	آقا خلیل امامیه	دو سال	۱۴۰ تومان	۲۹ صفر ۱۳۴۰ / ۳۱ اکتبر ۱۹۲۱
- یک دستگاه عمارت جنوبی باغ بیلاقی واقع در تجریش نزدیک نالو دنگ	مسیو	تابستان ۱۳۰۸ شمسی	۳۰۰ تومان (نقد)	۱۳۰۸ / ۱۹۲۹
- یکباب خانه واقع در خیابان لاله زار	مسیو وارطان (هوتسیان) مسیحی ولد گریگور مستوفی	یکسال	۶۰۰ تومان (ماعی ۵۰ تومان)	غره جمادی الاول ۱۳۵۰ ۲۲ / شهریور ۱۳۱۰
- قنات ها: چهل ساعت در گردش ده از مجری المیاه قنات کرج از مبدأ امامزاده حسن تا نهر ناحیه ده غرب (بامشتا نیم سنگی قوام النوله)	حاجی محمد باقر (رعیت چی)	۹ ماه	۶۸۰۰ ریال (به اقساطا پرداخت شود)	۲۳ خرداد ۱۳۱۲ / ۱۹ صفر ۱۳۵۲
- چهل و پنج ساعت از دوست و چهل ساعت مجری المیاه قنات کرج	سید علی بهبهانی	یکسال	۶۳۰ تومان (به اقساطا)	۱۵ اسفند ۱۳۱۰ / ۲۸ شوال ۱۳۵۰
- ۶ ساعت آب از مجرای قنات بنیاک	بلدیه تهران	یکسال	۱۸۰ تومان (به اقساطا)	اول فروردین ۲۱/۱۳۰۸ خمارس ۱۹۲۹

نوع اجاره از اتحادیه	مستاجر	مدت	مبلغ	تاریخ انعقاد قرارداد
- ۱۴ ساعت آب از مجرای قنات اکبر آباد	بلدیه تهران	یکسال	۳۰۱ تومان و سه قران	اول فروردین ۱۳۰۸ / و در ۱۳۰۹ تمدید شد.
- ۶ ساعت آب از مجرای قنات بریانک	بلدیه تهران	یکسال	۱۸۰ تومان	اول فروردین ۱۳۰۸ / و در ۱۳۰۹ تمدید شد.
- ۱۴ ساعت آب از مجرای قنات اکبر آباد	بلدیه تهران	یکسال		
- ۱۵ ساعت آب از مجرای قنات اکبر آباد	بلدیه تهران	یکسال	۳۲۰ تومان و هشت قران	اول فروردین ۱۳۰۷ / ۲۱/۳ مارس ۱۹۲۸
- نیم دنگ آب از مجرای قنات اکبر آباد	بلدیه تهران	یکسال	۳۸۷ تومان و پنج قران	اول اسفند ۱۳۰۵ / ۲۱/ فوریه ۱۹۲۷
- ۶ ساعت آب از مجرای قنات بریانک	بلدیه تهران	یکسال	۱۸۰ تومان	اول فروردین ۱۳۰۶ / ۲۲ / ۱۹۳۷ مارس
- ۶ ساعت آب از مجرای قنات بریانک	بلدیه تهران	یکسال	۱۸۰ تومان	اول فروردین ۱۳۰۷ (تمدید شد)
- ۱۰ ساعت آب از مجرای قنات کرج	_____	یکسال	۱۲۰ تومان	اول فروردین ۱۳۱۰ / ۲۲ / ۱۹۳۱ مارس
- ۴۰ ساعت آب از مجرای قنات کرج	حاج محمد باقر بلکی	یکسال	۶۰۰ تومان (اقساط)	اول فروردین ۱۳۰۷ / ۲۱/ ۱۹۲۸ مارس
- ۵ ساعت آب از مجرای قنات کرج	شیخ احمد تفرشی	یکسال	۷۵ تومان	اول حمل ۱۳۰۶ / ۲۲ / ۱۹۳۷ مارس

F. J. L. L. L.



- رحمتہ، جعفر، النبی، علی
رعوی حاج رحمہ: ج:

ضمیمه شماره ۵
گزینشی از مصوبات مجلس اول قانونگذاری

تاریخ تصویب	قوانین تصویب شده
۲۹ شعبان ۱۳۲۴/۲۵ میزان ۱۲۸۵	نظامنامه داخلی مجلس
۱۴ ذی قعدة ۱۳۲۴/۸ جدی ۱۲۸۵	قانون اساسی
ربیع الثانی ۱۳۲۵/جوزا ۱۲۸۶	قانون انجمن های ایالتی و ولایتی
۲۵ ربیع الثانی ۱۳۲۵/۱۲ جوزا ۱۲۸۶	قانون بلدیة
۲۹ شعبان ۱۳۲۵/۱۵ میزان ۱۲۸۶	متمم قانون اساسی
۴ ذی قعدة ۱۳۲۵/۱۷ قوس ۱۲۸۶	قانون تشکیل ایالات و ولایات
۴ ذی قعدة ۱۳۲۵/۱۷ قوس ۱۲۸۶	قانون وزارت داخله یا تشکیلات ایالات و ولایات
۴ ذی قعدة ۱۳۲۵/۱۷ قوس ۱۲۸۶	قانون وزارت داخله
۱۹ ربیع الاول ۱۳۲۶/اول ثور ۱۲۸۷	قانون وظایف

ضمیمه شماره ۶
گزینشی از مصوبات مجلس دوم قانونگذاری

تاریخ تصویب	قوانین تصویب شده
۳ ربیع الاول ۱۳۲۸/۲۴ حوت ۱۲۸۸	قانون انحصار نمک
۱۷ ربیع الثانی ۱۳۲۸/۸ ثور ۱۲۸۹	قانون مالیاتی راجع به روده
۹ جمادی الاول ۱۳۲۸/۲۹ ثور ۱۲۸۹	قانون قبول و نکول بروات تجاری
۱۶ جمادی الاول ۱۳۲۸/۵ جوزا ۱۲۸۹	قرارداد پوست بره
۳ شوال ۱۳۲۸/۱۳ میزان ۱۲۸۹	قانون استخدام دفتر آمریکایی برای مالیه
۱۹ شوال ۱۳۲۸/۳۰ میزان ۱۲۸۹	قانون تجدید استخدام نفر بلژیکی برای گمرک
۲۱ ذی قعدة ۱۳۲۸/۲ قوس ۱۲۸۹	قانون استخدام چهار نفر بلژیکی برای گمرک
۱۲ ربیع الاول ۱۳۲۹/۲۳ حوت ۱۲۸۹	قانون تجدید تریاک
۲۶ ربیع الاول ۱۳۲۹/۶ ثور ۱۲۹۰	قرارداد تهیه نقره با بانک شاهنشاهی
۳ جمادی الاول ۱۳۲۹/۱۲ ثور ۱۲۹۰	قانون استقراض دو کروور و نیم لیره
۱۹ جمادی الاول ۱۳۲۹/۲۸ ثور ۱۲۹۰	قانون تخصیص مخارج وجه استقراض دو کروور و نیم
۲۶ جمادی الاول ۱۳۲۹/۴ جوزا ۱۲۹۰	اصلاح قانون قبول و نکول بروات تجاری
اول جمادی الثانی ۱۳۲۹/۹ جوزا ۱۲۹۰	قانون تفتیش وجه استقراض دو کروور و نیم لیره

نسخ قانون انحصار نمک	۳ جمادی الثانی ۱۳۲۹ / ۱۱ جوزا ۱۲۹۰
قانون تشکیل ترتیبات مالیاتی (۲۳ جوزا)	۵ جمادی الثانی ۱۳۲۹ / ۱۳ جوزا ۱۲۹۰
قانون ۲۳ جوزا یا قانون تشکیل ترتیبات مالیاتی	۱۵ جمادی الثانی ۱۳۲۹ / ۲۳ جوزا ۱۲۹۰
قانون اجازه خالصجات اطراف تهران و خوار	۲۲ جمادی الثانی ۱۳۲۹ / ۳۰ جوزا ۱۲۹۰
قانون استخدام چهار نفر آمریکایی برای مالیه	۲۶ جمادی الثانی ۱۳۲۹ / ۲ سرطان ۱۲۹۰
قانون استخدام دو نفر آمریکایی و یک نفر اروپایی برای مالیه	۹ رجب ۱۳۲۹ / ۱۴ سرطان ۱۲۹۰
قانون اجازه خرید بیست کروور مثقال نقره	۱۰ شعبان ۱۳۲۹ / ۱۳ اسد ۱۲۹۰
قانون استخدام ده نفر آمریکایی برای مالیه	۱۹ ذی قعدة ۱۳۲۹ / ۱۸ عقرب ۱۲۹۰

تبرستان
www.tabarestan.info

ضمیمه شماره ۷

کلیه مصوبات مجلس سوم قانونگذاری

قوانین تصویب شده	تاریخ تصویب
قانون نسخ قانون ۲۳ جوزا	آخر (سلخ) ربیع الثانی ۱۳۳۲
قوانین مربوط به مأموریت کمیسیون تفتیش و نظارت مالیه و تمدید آن در تاریخ های:	۵ جمادی الثانی ۱۳۳۳
قوانین راجع به اسکناس بانک شاهنشاهی	۵ رجب ۱۳۳۳
قانون منع خروج طلا و نقره	۱۸ رمضان ۱۳۳۳
قانون تشکیلات وزارت مالیه	۱۲ جمادی الثانی ۱۳۳۳
قانون پستی	۲۳ جمادی الثانی ۱۳۳۳
قانون مالیات مستغلات	۲۱ رجب ۱۳۳۳
قانون مالیات دخانیات	۱۵ رمضان ۱۳۳۳
قانون اصلاح ماده دوم قانون تحدید ترباک	۲۰ شوال ۱۳۳۳
قانون فروش رجه و غیرا	۱۸ ذی قعدة ۱۳۳۳
قانون تعمیر مقبره نادر شاه	۲۱ ذی قعدة ۱۳۳۳
قانون سربازگیری	۲۱ ذی قعدة ۱۳۳۳
	۲۱ ذی قعدة ۱۳۳۳
	۲۳ ذیحجه ۱۳۳۳

ضمیمه شماره ۸
گزینشی از مصوبات مجلس چهارم قانونگذاری

تاریخ تصویب	قوانین تصویب شده
۲۱ ربیع الاول ۱۳۴۰/۳۰ عقرب ۱۳۰۰	قانون واگذاری امتیاز نفت شمال به استاندارد اوپل
۶ جمادی الاول ۱۳۴۰/۱۴ جدی ۱۳۰۰	قانون استقراض یک میلیون دلار
۲۴ شوال ۱۳۴۰/۳۰ جوزا ۱۳۰۱	قانون منع صدور پوست بره
۴ ذی قعدة ۱۳۴۰/۱۱ سرطان ۱۳۰۱	قانون مالیات کثیرا
۳ محرم ۱۳۴۱/۴ سنبله ۱۳۰۱	قانون استخدام ۱۲ نفر بلژیکی برای گمرک
۱۹ محرم ۱۳۴۱/۲۰ سنبله ۱۳۰۱	قانون استخدام ۸ نفر آمریکایی متخصص مالیه
۴ جمادی الاول ۱۳۴۰/اول جدی ۱۳۰۱	قانون منع خروج طلا و نقره
۵ جمادی الاول ۱۳۴۱/۲ جدی ۱۳۰۱	قانون پرداخت مستمری‌ها
۱۸ جمادی الاول ۱۳۴۱/۱۵ جدی ۱۳۰۱	امتیاز کارخانه کبریت‌سازی آذربایجان
۲۸ جمادی الثانی ۱۳۴۱/۲۶ دلو ۱۳۰۱	قرارداد موقتی تجارتی بین ایران و مصر
۲۷ شوال ۱۳۴۱/۲۳ جوزا ۱۳۰۲	قانون امتیاز نفت شمال به یک کمپانی آمریکایی
ذی قعدة ۱۳۴۱/۳۰ جوزا ۱۳۰۲	اصلاح قانون منع خروج طلا و نقره
۶ ذی قعدة ۱۳۴۱/۳۱ جوزا ۱۳۰۲	قانون استقراض میلیون دلار
ذی قعدة ۱۳۴۱/اول سرطان ۱۳۰۲	و اجازه مذاکرات ۳۵ میلیون دیگر از بانک‌های آمریکایی
	قانون استخدام مسیو لامبر مولیتر رئیس کل گمرکات

ضمیمه شماره ۹
گزینشی از مصوبات مجلس پنجم قانونگذاری

تاریخ تصویب	قوانین تصویب شده
۹ صفر ۱۳۴۳/۱۷ سنبله ۱۳۰۳	قانون اجازه صدور پوست‌های بره موجود
۱۸ صفر ۱۳۴۳/۲۶ سنبله ۱۳۰۳	قانون اخذ حق تمیر از بلیط‌های ورودی نمایشگاه‌ها و مجالس تفریح عمومی
۷ ربیع الاول ۱۳۴۳/۱۳ میزان ۱۳۰۳	قانون اصلاح قسمتی از مواد قانون وسایط نقلیه مورخه ۷ ربیع الاول ۱۳۲۸
۲ رجب ۱۳۴۳/۷ دلو ۱۳۰۳	قانون معافیت ماشین‌های صنعتی و فلاحتی از تأدیه حقوق ورودید گمرک تاده سال
۲۰ رجب تا ۹ ذی قعدة ۱۳۴۳/۲۵ دلو ۱۳۰۳ تا ۱۲ خرداد ۱۳۰۴	قانون تجارت (مصوب کمیسیون عدلیه)
۱۱ اشوال ۱۳۴۳/۱۵ اردیبهشت ۱۳۰۴	قانون الغای القاب و مناصب
ذی قعدة ۱۳۴۳/۹ خرداد ۱۳۰۴	اجازه انحصار قند و چای دولتی

قانون اوزان و مقیاس ها	۸ ذی قعدة ۱۳۴۳ / ۱۰ خرداد ۱۳۰۴
قانون سجل احوال	۱۱ ذی قعدة ۱۳۴۳ / ۱۴ تیر ۱۳۰۴
قانون الغای قانون مصوب ۳۰ جوزای ۱۳۰۱ راجع به منع صدور پوست	۱۳ ذی حجة ۱۳۴۳ / ۱۴ تیر ۱۳۰۴
قانون اصلاح فقره ۸ ماده ۱۲۴ قانون ثبت اسناد راجع به ثبت	
شرکت نامه ها و اوراق تجارتي (مصوب کمیسیون عدلیه)	اول جمادی الاول ۱۳۴۴ / ۲۷ آبان ۱۳۰۴
قانون مالیات املاک اربابی و دواب	۲۵ جمادی الثاني ۱۳۴۴ / ۲۰ دی ۱۳۰۴
قانون مالیات رود	۲۳ رجب ۱۳۴۴ / ۱۸ بهمن ۱۳۰۴
قانون مالیات و سابط نقلیه	۲۴ رجب ۱۳۴۴ / ۱۹ بهمن ۱۳۰۴
قانون ساختن خطوط آهن اصلی و مهمه مملکت	۲۵ رجب ۱۳۴۴ / ۲۰ بهمن ۱۳۰۴

بسم الله الرحمن الرحيم

نظامنامه انتخابات اتحادیه تجار

در ترتیب انتخابات

- ۱ اعلامیه تجار بموجب ماده ۷ از نظامنامه اساسی دارای اختیارات عمومی و انتخابی خواهند بود .
- ۲ همه اعضای عمومی موافق ماده ۹ از نظامنامه اساسی غیر محدود است .
- ۳ همه اعضای منتخبه مطابق ماده ۸ از نظامنامه اساسی ۳۰ نفر است ۵ اعضای عمومی با رعایت مواد این نظامنامه برای مدت دو سال از انتخاب خواهند نمود که مدت دو سال از روز اولین جلسه نمایندگان محسوب میشود .

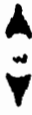


۴ اعضای عمومی خواهند این ۳۰ نفر را از میان منتخبه سابقه یا غیر از ایشان انتخاب نمایند .

در شرایط انتخاب گذشته کان

- مثل رسمی ۱۰ تجارت بعد اتم از اینکه در زمان حاضر رأی مقبول تجارت باشند یا موافقا شکره نموده باشند .
- ۹ تبه دولت طوطه ایران باشند .
- ۷ صاحب قوانین دینی و مالکیت زوده منتم باشند عقیده و معروف بهیات زده باشند و رشد امس حکومت مل و استقلال مالکی اندامی نگرد باشند .
- ۸ سن ۱۸ کم از بیست سال باشد .
- ۹ اتلا یکسال دور مرکز انتخاب جاده و سند تجارت مقبول شده باشد





۱۸ به دولت علیه ایران باشند .

۱۹ درصده به تقصیر نباشند .

۲۰ تابع قسوانین دیانی و علانی بوده و نهیم

بشاد عقیده و معروف بسلطان روبله نبوده

برشد اسامی حکومت ملی و استقلال علکت

اقدامی نکرده باشند .

۲۱ دارای سوله فلسفی و از امور تجارتی

مطلع باشند .

۲۲ متولین در مرکز انتخاب بوده و معروفین

عمل داشته باشند

۲۳ سن آنها کمتر از بیست پنجمال و زیاد تر

از هشتاد سال نباشد

اشخاصیک از انتخاب خدای محرومند

۲۴ نهیمین بشاد عقیده و معروفین بسلطان روبله

۲۵ درصده گن یا هضم

۲۶ کهنسلیک سنی آنها کمتر از ۲۵ سال پیرام



اشخاصیک از انتخاب خدای محرومند

۱۰ نهیمین بشاد عقیده و معروفین بسلطان روبله

۱۱ درصده گن یا هضم آنها در یکی از محاکم

رسمی ثابت شده باشد .

۱۲ اتباع خارجه .

حوا اشخاصیک سن آنها کمتر از بیست یا خارج

از رشد و محتاج به قیم شرعی هستند .

۱۴ مرکبین قتل و سرقت و معروفین بشیرارت

و مقصرون جاسی که برشد اسامی حکومت

ملی و استقلال علکت اقدام نموده باشند .

۱۵ اشخاصیک که تجارت را ترک و در دواتر

رسمی و غیر رسمی مستغفم هستند .

۱۶ مستغفین تجارتخانه ها که نوشتهان ضعیف

تجارت ندارند .

در شرایط انتخاب شونده کان

۱۷ باید فعل رسمی آنها تجارت باشد اگرچه در

زمان انتخاب شدن موقتاً تارک کرده باشند

➤ ۹ ➤

و پنج نفر دیگر از تجار همه مطلع خارج

از جهت برده باشند

۳۳ مدت دافن تعرفه پنج روز است .

۳۴ امتحانات برای عتی ویا کزیت نمی خواهد

بود که بطور عتی اسم می هر را دو پاک

دره نوشته در صندوق ابراه میانه دارد .

نیم

کتابکه در انتخاب هر که می کنند به معاصی

نورس و شحات پنداریه

در وظایف انجمن نظام

۳۵ پس از تشکیل انجمن نظارت اقبایان نظام

بکفر رئیس و بکفر دژدار از بین خود

با کزیت انتخاب نمایند .

۳۶ انجمن نظارت تجیده امتحانات را به عموم تجار

توسط نظرایان علی و الواری مخصوص اعلام

می نمایند .

➤ ۱۰ ➤

تر از هفتاد سال برده یا خارج از رشد و

در تحت قیمومیت معرفی میشوند .

۳۷ ابلاغ خارجه .

۳۸ مرگین قل و معرفت و سرورین بقرارت

و اقلام کنگکان بر شد اسس حکومت ملی

و استقلال عاقلک ...

۳۹ ادعایی که یکی تجارت را ترک نموده و

درواثر رسمی باشد رسمی مستخدم هستند

۴۰ مستخدمین تجارخانه ها که دینما تجارت

نفاذت باشند .

۴۱ ادعایی که سواد فارسی ندانند با از امور

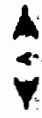
تجاری بی اطلاع هستند .

طریقه انتخابات

۴۲ مکشین جانی قبل از انشاء مدت دو سال

مدت نشر را بجهت انجمن نظارت انتخابات

آبی بین نمایندگان که به حق ابدال جهت



و شرایط انتخاب هوندگان

۳۹. اعضاء انجمن نظارت در روز های مندرجه در اعلان رای دادن نمره در عمل که مبین خدمت حاضر میشوند و در دفتر که جدول کپیته شده اسامی گیرمگان نمره را با تین هفت و عمل با نمره تریس ثبت مینمایند و گچینند. نمره جدول مطابق آرا اعضاء مینماید و در موقع اخذ آراء علالت مخصوص در ذیل اسم هر یک گذاشته میشود.

۴۰. اعضاء انجمن نظارت در روز های مقرر در عمل مبین حاضر خواهند شد مدت برای اخذ آراء پشیروز خواهد بود پس از اقتضای مدت وره رای از کسی قبول نخواهد شد.

کیفیت اخذ آراء

۴۱. انجمن نظارت سه روز پس از ختم مادی نمره شروع باخذ آراء نموده اعضاء همه



۴۲. در اعلان مزبور مطلب ذیل باید درج باشد

۱. شرایط انتخاب کنندگان .
۲. عدد نماینده گان که باید انتخاب شوند .
۳. مکان وزمان که انجمن نظارت نمره خواهد داد
۴. مکان و زمانیکه انجمن نظارت برای اخذ و استخراج آراء حاضر خواهد بود و تذکر بر اینکه شرایط انتخاب شوندگان در طهر نمره نوشته خواهد شد .
۴۳. نمره که با انتخاب کنندگان داده میشود عتوی قرائت دل خواهد بود .
۱. نمره و تفریح .
۲. اسم دلزیده نمره .
۳. هفت منزل اسم پدر
۴. زمان و مکان که دلزندگان نمره باید حاضر شده و رای خود را در صندوق بیندازند
۵. محل مهر اعضاء انجمن نظارت .

۱۰

سندوق برچه گشوده با لای بهر جهت
تظار محترم خولند نموده و دفتر انتظامات
را نیز دریا بست بطریق مرسوم آرد و زیاده
محفوظ و مخوم خواهند داشت روز بعد هر
شورر اکثریت اعضاء انجمن مجدداً آنرا
را ساین کرده باز بچسباند .

طریقه استخراج آراء

۴۵ پس از اتمام مدت اخذ آراء جبه اوله
وکر عدد محسوراً تا روز استخراج آراء
چنانچه محفوظ بماند .

۴۶ در موقعیک برای استخراج آراء بقدر و
اعلان شده انجمن تظار منتقد و ریشی انجمن
در حضور اکثریت اعضاء جبه آراء را باز
نموده عالی بچسباند .

۴۷ یکی از اعضاء انجمن تظار اوراق گواه را
بمسافره و عدله اوراقاً هده تفرقه ما بیک

۹

را که برای تسلیم اوراق رأی سینه خدمت است
در حضور حاضرین باز نموده حلقی بوقاف
از اوراق بچسباند آنگاه دوج جبه را جهت
تظار محترم نموده اوراق رأی را از منفذی
که در بالای جبه است در داخل سندوق
می اندازند .

۴۲ اوراق رأی بدون نگاه کردن امدی پید توسط
دارنده تفرقه در جبه اجماعت شود و رأی
کاملاً مخفی خواهد بود .

۴۳ پس از اتمام رأی در سندوق ورقه تفرقه
را انجمن تظار باطل نموده مجدداً دارندند
تفرقه بسمتد باجناد آنگاه عاید در موردی
تجدید انتصاب لازم شود دارندگان تفرقه
تفرقه باطل خروغان را محفوظ خواهند داشت .

۴۴ در موقعی که اخذ آراء در یکروز تمام شود
در حتم هر جلسه جهت تظار بر روی منتقد

در دفتر خلافت گذارد، همه تطبیق می‌شاید
چنانچه اوراق آراء زیادتی داشته باشد همه
اوراق زانده از کلیه شماره جا بر داشته شده
باطل می‌شود و نتیجه در صورت مجلس
نوعت می‌شود.

۸۸. اوراق آراء را یکی از اعضاء انجمن يك يك
صوت بلند قرائت نموده به يك نفر دیگر
از اعضاء می‌دهد و سه نفر دیگر از اعضاء
اسامی را به ترتیب که خوانده می‌شود می‌نویسند
و چون عدد ستخین سی قرائت رأی محسبان
باید اسم سی نفر را با کسر را در اوراق
رأی نوعت بالغه هرگاه زیاد تر از سی نفر
نوعت شده باشد علاوه از سی نفر از اسامی
آخر قرائت می‌خوانند و هر ورقه که اعضاء
داشته باشد باطل می‌شود



بسمه

در مواقع استخراج کراه عموم مجله حق
حضور دارند.

۸۹. پس از ختمه قرائت آراء نتیجه انتخابات
را رئیس انجمن اعلام می‌دارد و اسامی
نمایندهگان که با اکثریت نسبی انتخاب شده اند
بجوه آنها ابلاغ و پس از دریافت قبول نامه
کشی ورقه اعذار همه برای هر يك از آنها
بمهر و اعضاء اعضاء انجمن اظهار فرستاده
و در هر آند اعلان خواهند نمود.

۹۰. هر گاه يك یا چند نفر از اعضاء شده کلی
پس از ابلاغ انجمن نظار از نماینده کی استماع
نمایند انجمن نظار دیگری را که دارای اکثریت
نسبی باشد معین خواهند نمود.

۹۱. ترتیب انتخاب با اکثریت نسبی و در صورت
تساوی منتخب آخری برتر معین خواهد شد.

رئیس هیئت جدید، تسلیم خواهم نمود .
حاکم - این نظامنامه در دوره هرجیتی با اکثریت
آراء لدی الاختصاص قابل جرح و تعدیل
خواهد بود

نظامنامه انتخابات هیئت اکلویه نجر طهران
که شامل پنجاه و چهار ماده است باامضاء هیئت
و پنجتنفر اعضاء حسانر، بافق آراء تصویب
کریدید بازدهم ذی قعدة الحرام سنه ۱۳۳۹
رئیس هیئت انخواه نجر طهران
حاج محمدحسین امین الشریب

محمدحسین

www.tabarestan.info

ملیحه د کلیمان ، طهران

۵۳ هیئت نظائر پس از آراء وپائلف خود دقتر
انتخابی را امضاء نموده بااعضام استاد و
نوفته جات تسلیم هیئت رئیسه منتخبین جدید
خواهند نمود

در تکالیف هیئت منتخبین سابقه
۵۴ منتخبین سابق اعضاء عمومی را برای بکروز
مخصوص دعوت مینمایند و در آن مجلس
وایبررت اقدامات مدت گفته خود را بطور
مغایزه بیان و ظمناً اسمای نظائر را قرائت
و روز اعلان قانونی خودرا اعلام مینمایند .
۵۵ هیئت منتخبین سابقه توسط نماینده امین خود
اساسیه و ملاتر و اسناد و نوشته جات سابقه
را تسلیم اعضاء رئیسه هیئت جدید نموده
سورت لیا را در دفتر هیئت جدید ثبت و
بامضاء هیئت رئیسه میرساند و در مخصوص
انخواه نجر را رئیس سابق در کسبه بخورد و

جدول شماره ۱

تاریخ بیل	بیل	ایلان بیل	لوی بیل	لو شکان بیل	مارس بیل	آور بیل
۱۹۰۷-۱۹۰۸	۱۹۰۶-۱۹۰۷	۱۹۰۵-۱۹۰۶	۱۹۰۵-۱۹۰۶	۱۹۰۳-۱۹۰۴	۱۹۰۳-۱۹۰۴	۱۹۰۱-۱۹۰۲
۱۹۰۸-۱۹۰۹	۱۹۰۷-۱۹۰۸	۱۹۰۶-۱۹۰۷	۱۹۰۶-۱۹۰۷	۱۹۰۴-۱۹۰۵	۱۹۰۴-۱۹۰۵	۱۹۰۲-۱۹۰۳
۱۹۰۹-۱۹۱۰	۱۹۰۸-۱۹۰۹	۱۹۰۷-۱۹۰۸	۱۹۰۷-۱۹۰۸	۱۹۰۵-۱۹۰۶	۱۹۰۵-۱۹۰۶	۱۹۰۳-۱۹۰۴
۱۹۱۰-۱۹۱۱	۱۹۰۹-۱۹۱۰	۱۹۰۸-۱۹۰۹	۱۹۰۸-۱۹۰۹	۱۹۰۶-۱۹۰۷	۱۹۰۶-۱۹۰۷	۱۹۰۴-۱۹۰۵
۱۹۱۱-۱۹۱۲	۱۹۱۰-۱۹۱۱	۱۹۰۹-۱۹۱۰	۱۹۰۹-۱۹۱۰	۱۹۰۷-۱۹۰۸	۱۹۰۷-۱۹۰۸	۱۹۰۵-۱۹۰۶
۱۹۱۲-۱۹۱۳	۱۹۱۱-۱۹۱۲	۱۹۱۰-۱۹۱۱	۱۹۱۰-۱۹۱۱	۱۹۰۸-۱۹۰۹	۱۹۰۸-۱۹۰۹	۱۹۰۶-۱۹۰۷
۱۹۱۳-۱۹۱۴	۱۹۱۲-۱۹۱۳	۱۹۱۱-۱۹۱۲	۱۹۱۱-۱۹۱۲	۱۹۰۹-۱۹۱۰	۱۹۰۹-۱۹۱۰	۱۹۰۷-۱۹۰۸
۱۹۱۴-۱۹۱۵	۱۹۱۳-۱۹۱۴	۱۹۱۲-۱۹۱۳	۱۹۱۲-۱۹۱۳	۱۹۱۰-۱۹۱۱	۱۹۱۰-۱۹۱۱	۱۹۰۸-۱۹۰۹
۱۹۱۵-۱۹۱۶	۱۹۱۴-۱۹۱۵	۱۹۱۳-۱۹۱۴	۱۹۱۳-۱۹۱۴	۱۹۱۱-۱۹۱۲	۱۹۱۱-۱۹۱۲	۱۹۰۹-۱۹۱۰
۱۹۱۶-۱۹۱۷	۱۹۱۵-۱۹۱۶	۱۹۱۴-۱۹۱۵	۱۹۱۴-۱۹۱۵	۱۹۱۲-۱۹۱۳	۱۹۱۲-۱۹۱۳	۱۹۱۰-۱۹۱۱
۱۹۱۷-۱۹۱۸	۱۹۱۶-۱۹۱۷	۱۹۱۵-۱۹۱۶	۱۹۱۵-۱۹۱۶	۱۹۱۳-۱۹۱۴	۱۹۱۳-۱۹۱۴	۱۹۱۱-۱۹۱۲
۱۹۱۸-۱۹۱۹	۱۹۱۷-۱۹۱۸	۱۹۱۶-۱۹۱۷	۱۹۱۶-۱۹۱۷	۱۹۱۴-۱۹۱۵	۱۹۱۴-۱۹۱۵	۱۹۱۲-۱۹۱۳
۱۹۱۹-۱۹۲۰	۱۹۱۸-۱۹۱۹	۱۹۱۷-۱۹۱۸	۱۹۱۷-۱۹۱۸	۱۹۱۵-۱۹۱۶	۱۹۱۵-۱۹۱۶	۱۹۱۳-۱۹۱۴
۱۹۲۰-۱۹۲۱	۱۹۱۹-۱۹۲۰	۱۹۱۸-۱۹۱۹	۱۹۱۸-۱۹۱۹	۱۹۱۶-۱۹۱۷	۱۹۱۶-۱۹۱۷	۱۹۱۴-۱۹۱۵
۱۹۲۱-۱۹۲۲	۱۹۲۰-۱۹۲۱	۱۹۱۹-۱۹۲۰	۱۹۱۹-۱۹۲۰	۱۹۱۷-۱۹۱۸	۱۹۱۷-۱۹۱۸	۱۹۱۵-۱۹۱۶
۱۹۲۲-۱۹۲۳	۱۹۲۱-۱۹۲۲	۱۹۲۰-۱۹۲۱	۱۹۲۰-۱۹۲۱	۱۹۱۸-۱۹۱۹	۱۹۱۸-۱۹۱۹	۱۹۱۶-۱۹۱۷
۱۹۲۳-۱۹۲۴	۱۹۲۲-۱۹۲۳	۱۹۲۱-۱۹۲۲	۱۹۲۱-۱۹۲۲	۱۹۱۹-۱۹۲۰	۱۹۱۹-۱۹۲۰	۱۹۱۷-۱۹۱۸
۱۹۲۴-۱۹۲۵	۱۹۲۳-۱۹۲۴	۱۹۲۲-۱۹۲۳	۱۹۲۲-۱۹۲۳	۱۹۲۰-۱۹۲۱	۱۹۲۰-۱۹۲۱	۱۹۱۸-۱۹۱۹
۱۹۲۵-۱۹۲۶	۱۹۲۴-۱۹۲۵	۱۹۲۳-۱۹۲۴	۱۹۲۳-۱۹۲۴	۱۹۲۱-۱۹۲۲	۱۹۲۱-۱۹۲۲	۱۹۱۹-۱۹۲۰
۱۹۲۶-۱۹۲۷	۱۹۲۵-۱۹۲۶	۱۹۲۴-۱۹۲۵	۱۹۲۴-۱۹۲۵	۱۹۲۲-۱۹۲۳	۱۹۲۲-۱۹۲۳	۱۹۲۰-۱۹۲۱
۱۹۲۷-۱۹۲۸	۱۹۲۶-۱۹۲۷	۱۹۲۵-۱۹۲۶	۱۹۲۵-۱۹۲۶	۱۹۲۳-۱۹۲۴	۱۹۲۳-۱۹۲۴	۱۹۲۱-۱۹۲۲
۱۹۲۸-۱۹۲۹	۱۹۲۷-۱۹۲۸	۱۹۲۶-۱۹۲۷	۱۹۲۶-۱۹۲۷	۱۹۲۴-۱۹۲۵	۱۹۲۴-۱۹۲۵	۱۹۲۲-۱۹۲۳
۱۹۲۹-۱۹۳۰	۱۹۲۸-۱۹۲۹	۱۹۲۷-۱۹۲۸	۱۹۲۷-۱۹۲۸	۱۹۲۵-۱۹۲۶	۱۹۲۵-۱۹۲۶	۱۹۲۳-۱۹۲۴
۱۹۳۰-۱۹۳۱	۱۹۲۹-۱۹۳۰	۱۹۲۸-۱۹۲۹	۱۹۲۸-۱۹۲۹	۱۹۲۶-۱۹۲۷	۱۹۲۶-۱۹۲۷	۱۹۲۴-۱۹۲۵

[illegible]

جدول شماره ۲

(صادرات ایران با کلیه کشورها)

کل صادرات (فран)	صادرات (فран)	وارشات (فран)	سال میلادی
۵۹۷,۸۷۵,۹۵۲	۳۳۷,۹۴۱,۳۲۰	۳۳۹,۹۱۲,۶۱۲	۱۹۰۴-۱۹۰۵
۶۷۹,۶۰۶,۲۲۲	۲۹۲,۱۲۲,۳۳۱	۲۸۶,۲۶۲,۰۹۱	۱۹۰۵-۱۹۰۶
۷۸۲,۴۱۶,۰۶۱۲	۲۵۲,۳۷۶,۸۴۱	۲۳۱,۰۳۹,۷۷۳	۱۹۰۶-۱۹۰۷
۷۲۵,۵۱۲,۹۲۵	۲۱۷,۰۸۰,۶۸۲	۲۰۸,۲۳۲,۹۶۲	۱۹۰۷-۱۹۰۸
۶۹۸,۶۹۱,۰۰۷۲	۲۲۶,۲۰۶,۹۹۹	۳۷۲,۲۸۲,۰۰۷۳	۱۹۰۸-۱۹۰۹
۸۱۲,۹۵۴,۷۰۵	۳۷۱,۵۱۶,۱۸۹	۴۲۲,۲۲۸,۵۱۶	۱۹۰۹-۱۹۱۰
۸۵۹,۹۲۴,۰۵۳۲	۳۷۵,۲۲۶,۹۰۳	۴۸۲,۵۰۷,۶۲۱	۱۹۱۰-۱۹۱۱
۹۹۰,۹۲۳,۱۲۲	۴۲۰,۷۸۲,۶۸۲	۵۷۰,۲۰۸,۴۲۰	۱۹۱۱-۱۹۱۲
۱,۰۰۵,۲,۹۰۸,۹۱۰	۴۲۶,۳۳۲,۳۷۱	۵۲۷,۵۷۵,۶۲۹	۱۹۱۲-۱۹۱۳
۱,۱۰۴,۰۰۰,۴,۶۶۲	۴۵۵,۸۲۹,۶۲۵	۶۳۷,۱۶۲,۸۲۱	۱۹۱۳-۱۹۱۴
۸۹۵,۲۸۰,۷۷۳	۴۱۶,۰۵۷,۸۶۲	۴۹۹,۳۲۲,۹۱۰	۱۹۱۴-۱۹۱۵
۸۴۱,۲۲۲,۵۷۹	۳۷۲,۱۲۲,۶۱۲	۴۲۶,۱۰۷,۹۶۵	۱۹۱۵-۱۹۱۶
۹۲۸,۶۶۶,۲۶۲	۳۳۲,۸۱۵,۳۳۶	۴۹۲,۷۷۱,۰۰۱۲	۱۹۱۶-۱۹۱۷
۸۰۶,۷۸۰,۲۹۶	۳۲۸,۷۱۲,۳۸۹	۴۶۸,۰۰۶,۹۱۰	۱۹۱۷-۱۹۱۸
۷۳۲,۱۵۵,۷۲۶	۲۷۰,۸۵۸,۹۲۳	۳۷۶,۲۸۶,۷۹۳	۱۹۱۸-۱۹۱۹
۹۱۷,۶۱۰,۰۰۰۹	۲۶۷,۸۱۷,۲۵۲	۶۲۹,۷۹۲,۶۵۶	۱۹۱۹-۱۹۲۰
۸۵۲,۵۵۰,۲۱۲	۳۷۱,۱۹۸,۷۷۹	۴۸۲,۳۵۱,۶۲۲	۱۹۲۰-۱۹۲۱
۱,۱۱۱,۸۲۰,۱۵۷	۵۰۲,۰۴۲,۷۸۹	۶۰۹,۷۷۵,۲۶۸	۱۹۲۱-۱۹۲۲
۱,۲۵۲,۱۸۲,۸۸۹	۷۲۲,۹۸۲,۸۲۲	۶۱۹,۲۰۱,۰۰۲۶	۱۹۲۲-۱۹۲۳
۱,۲۶۲,۶۳۲,۹۸۵	۷۶۸,۲۹۲,۱۶۲	۶۹۲,۲۵۱,۸۲۲	۱۹۲۳-۱۹۲۴
۱,۷۷۱,۶۰۸,۲۸۵	۱,۰۰۰,۱۶۲,۱۲۲	۷۷۱,۲۲۵,۱۲۲	۱۹۲۴-۱۹۲۵
۱,۹۲۵,۲۱۵,۲۲۹	۱,۰۵۹,۲۸۹,۹۲۲	۸۸۱,۰۵۵,۴۰۷	۱۹۲۵-۱۹۲۶

جنول شماره ۳

شیان کابل (۱۹۰۶ - ۱۹۰۵)			لوی شیان (۱۹۰۵ - ۱۹۰۴)			
تج	صادرات	واردات	تج	صادرات	واردات	
۱۳۲۲۵۲۹	۲۲۶۵	۱۳۲۲۲۷۱	۱۰۷۰۹۷۶	—	۱۰۷۰۹۷۶	اخرین و سواران
۱۱۴۶۲۳۳	۵۳۱۰۲۷	۶۱۰۸۹۸۹	۹۹۵۱۱۷	۵۰۴۳۱۲	۴۹۱۳۸۱۷	انگلیس
۷۱۷۲۸۹	۴۹۷۹۹	۶۱۱۹۷۹۰	۷۰۴۹۸۳	۳۸۰۵۰۰	۶۶۶۸۹۸۳	آلمان
۸۸۸۰۸۸۱۳	۸۱۲۱۳۶	۸۰۳۸۵۵۹	—	—	—	آنگلیس
۵۹۶۰۸۴۵۱	۱۷۹۰۶۵۷	۴۱۷۰۱۸۹	—	—	—	مصر
۱۴۴۱۷۷۵۴	۶۱۰۳۱۰۱۶	۱۳۲۲۸۱۳۸	۱۴۷۲۴۷۵۸	۲۷۵۵۰۴۸	۱۱۹۶۹۵۷۱۰	ملک انگلیس با تمام هندوستان
۳۹۳۸۵۳۱	۳۱۹۵	۳۹۳۵۱۳۶	۴۴۷۰۳۳۴	۹۳۶۵۵۶	۳۵۳۳۷۸۸	ایتالیا
۷۹۱۵۷۳	۵۸۰۰	۷۸۵۷۳۳	۱۱۸۶۹۵۹	۲۷۶۰	۱۸۸۶۱۹۹	فرانسه
۶۴۰۶۹۳	۴۸۱۷۴۵۰	۱۶۳۲۴۳	۱۴۳۲۹۵۷۵	۱۶۶۱۹۹۸	۶۵۹۵۷۴	چین
۴۵۵۱۸۸	۱۸۲۶۶۰	۶۳۴۰۸	۱۹۱۳۶۶۹	۳۸۰۹۳۰	۱۵۳۱۸۳۹	دول متحده آمریکا
۳۹۱۸۳۵۲۰	۱۹۷۷۹۸۱۸	۱۹۴۳۵۵۲۷	۳۱۷۵۲۹۳۳	۱۴۷۵۶۳۵۷۸	۱۶۹۹۶۳۵۵	روسیه
—	—	—	—	—	—	ژاپن
۵۷۰۵۷	—	۵۷۰۵۷	۸۱۸۹۲	—	۸۱۸۹۲	زنگبار
۳۱۸۷۲	—	۳۱۸۷۲	۱۲۹۲۱۳	—	۱۲۹۲۱۳	ژاپن
۳۳۸۵۵	۱۵۳۷	۳۳۸۵۵	۱۶۶۰۸۹	—	۱۶۶۰۸۹	سوئد
۸۸۱۸۰۱۳	۴۳۸۰۱۳	۱۴۳۰۰۴۰	۵۰۷۱۳۴۹۰	۳۹۹۳۹۷۹۰	۱۰۷۳۷۰۰	سوئیس
—	—	—	—	—	—	مالت
۳۶۱۳۵۶	۱۲۹۹۷۱۴۴	۱۹۵۳۴۱۲	۶۹۰۸۱۷۱	۱۱۹۴۳۴۰۶	۱۷۱۴۷۸۷۰	ماله و مستعمرات
—	—	—	—	—	—	ماله
۲۵۱۸۱۲۷	۱۸۸۳۰۷۰	۱۳۵۵۵۷	۱۷۵۰۱۴۹	۱۵۴۳۸۶۲	۲۱۸۷۸۵	مصر
—	—	—	—	—	—	نروژ
۱۸۹۲۷۲	۳۵۱۷	۱۸۱۷۵۵	۱۴۷۸۹۴۳	۶۰۰	۱۴۷۸۹۴۳	مالت و مستعمرات
—	—	—	—	—	—	مالت و چین
۱۷۴۵۰	—	۱۷۴۵۰	۴۳۴۵۰	—	۴۳۴۵۰	ایران
۳۰	۳۰	—	۲۷۰۰	—	۲۷۰۰	سایر ممالک
۱۷۹۶۰۶۴۲	۲۴۳۱۴۴۳۱	۳۸۱۴۶۳۰۹۱	۲۴۷۸۷۵۴۵۳	۲۴۷۹۶۱۴۴۰	۲۴۹۹۱۳۶۱۳	جمع (رول)
لوی شیان (۱۹۰۷ - ۱۹۰۶)			لوی شیان (۱۹۰۶ - ۱۹۰۵)			
تج	صادرات	واردات	تج	صادرات	واردات	
۴۸۰۰۲۵۵	۲۴۵۰	۴۸۱۷۹۷۵	۱۴۹۵۹۳۶۶	۲۸۷۴۱	۱۴۹۳۰۶۲۵	اخرین و سواران
۷۹۵۱۰۳۲	۳۶۲۹۱۸	۳۶۲۹۱۱۴	۱۰۹۶۲۴۴۶	۴۶۱۷۰۳	۶۳۲۹۹۴۳	انگلیس
۸۵۴۸۲۸۹	۱۴۱۷۳۴۳	۷۱۱۰۹۲۶	۹۸۴۹۲۵۹	۱۵۱۴۳۱۲	۸۷۴۹۴۲۷	آلمان
۳۱۰۵۰۹۳۶	۲۰۰۱۶۰۰۸	۱۱۱۰۳۶۹۸	۱۰۲۵۹۵۰۱۷	۱۵۵۵۰۹۹۲	۸۷۰۴۴۰۲۵	آنگلیس
۷۴۵۹۷۸۶۴	۱۶۵۶۲۴۰	۵۸۰۳۰۴۳۴	۶۶۳۳۰۹۲	۲۱۰۷۸۱۰۶	۴۵۲۵۷۹۸۶	مصر
۶۵۶۴۲۷۰	۳۶۵۸۴۳۸	۱۶۹۰۶۵۵۲	۱۹۸۳۱۱۰۹	۳۶۶۲۹۰۹۸	۱۳۲۳۰۲۰۱۱	ملک انگلیس با تمام هندوستان
۱۶۱۹۴۳۲	۱۳۱۹۸۴۲۲	۲۹۹۶۵۱۰	۶۵۰۶۹۲۸	۱۹۵۵	۶۵۰۴۹۷۳	ایتالیا
۲۴۶۳۰۳۳	۴۳۰۰۲۷	۲۰۳۲۹۹۶	۱۷۸۳۱۹۸	۱۷۹۰۹۲	۱۱۰۴۱۰۶	فرانسه
۳۳۵۱۰۵	۲۹۵۸۳۶	۴۰۷۰۰۹	۶۶۸۰۶۷	۶۴۵۹۹۷۵	۱۲۰۸۰۹۲	چین
۱۷۱۴۹۹۰	۱۵۵۰۶۱۹	۱۶۴۲۷۱	۳۳۸۹۵۳۸	۲۱۳۰۱۳۵	۵۵۹۴۰۳	دول متحده آمریکا
۳۳۸۳۴۴۴۱	۲۰۲۶۶۱۵۶۲	۱۹۱۱۷۱۸۷۹	۴۴۷۸۳۴۱۸	۲۲۵۲۶۶۱۸	۲۲۲۴۰۳۵۰	روسیه
—	—	—	—	—	—	ژاپن
۱۲۱۶۵	—	۱۲۱۶۵	۱۳۲۶۳	۲۰۰۰	۱۱۶۶۳	زنگبار
۵۶۰۰۴	۸۱۵	۵۶۰۸۹	۴۱۳۹۹	—	۴۱۳۹۹	ژاپن
۸۴۰۵۵۱	۴۳۵۴	۷۸۷۰۰۷	۱۱۹۴۸۸۹	۲۷۵۱۳	۱۱۲۶۳۷۱	سوئد
۵۱۰۹۸۷۱۴	۳۹۳۴۸۰۰	۱۱۸۳۹۱۴	۷۲۰۶۱۵۵۵	۵۹۰۴۴۰۷۶	۱۳۰۲۷۴۶۶	سوئیس
۴۹۹۲۴۱۰	۲۷۸۵۵۲۱	۲۶۱۳۹۱۹	—	—	—	مالت
۲۰۸۸۱۸۸۷	۱۰۹۱۵۹۱۷	۹۹۵۵۷۰	۳۷۸۱۷۴۸۲	۱۳۹۶۳۶۶	۲۳۸۶۲۰۸۶	ماله و مستعمرات
۱۰۴۵۰۴۷	۷۷۷۷۰۸	۲۱۷۳۳۳	—	—	—	ماله
۱۴۵۵۱۶	۱۴۵۳۴۴	۳۱۷۴	۲۲۳۲۵۷	۲۱۸۰۷۰۲	۵۲۵۵۵	مصر
—	—	—	—	—	—	نروژ
۱۶۰۶۵۳	۱۴۸۴۹۰	۱۱۱۲۱۳۳	۲۰۲۰۰۷۰	۱۷۱۳۶۳	۱۸۸۸۷۰۷	مالت و مستعمرات
—	—	—	—	—	—	مالت و چین
۲۴۵	۶۵	۱۸۰	۱۸۲۰	۷۲۰	۱۱۰۰	ایران
۵۸۳۸۶	۹۶۹۵	۴۹۰۹۱	۳۲۶۶۹	۱۷۳۸۹	۱۵۵۸۰	سایر ممالک
۷۷۵۵۱۴۹۴	۲۱۷۰۸۰۸۲	۲۰۸۴۴۴۶۳	۷۸۴۶۱۶۱۴	۲۴۳۶۶۸۶۱	۲۲۱۰۳۹۷۳	جمع (رول)

جدول شماره ۴

شماره ثبت (۴)			شماره ثبت (۳)		
۱۳۲۷ - ۱۳۲۸ - ۱۳۲۹ - ۱۳۳۰ - ۱۳۳۱			۱۳۲۶ - ۱۳۲۷ - ۱۳۲۸ - ۱۳۲۹ - ۱۳۳۰		
جمع	صادرات	واردات	جمع	صادرات	واردات
۷۵۹۹۹۸	۹۵۴۲	۷۵۱۰۴۶	۳۱۴۳۹۳	۱۶۶۲۲	۳۱۲۸۸۳۱
۸۷۷۸۱۷	۲۹۹۳۶۴	۳۹۱۵۲۳	۵۸۶۳۱۸۰	۲۷۵۵۹۲۷	۳۱۱۶۲۵۸
۱۰۸۰۱۲۸۱	۸۴۳۱۲۲	۹۹۲۳۱۶۴	۱۳۰۹۹۷۱	۵۳۲۱۵۹	۵۷۷۷۸۱۲
۱۰۶۴۲۳۱۷	۱۳۸۴۴۶۳	۹۶۲۳۵۶۴	۱۱۸۰۰۳۰۱۵	۱۷۴۳۱۰۶	۱۰۰۵۶۶۹۰۹
۷۸۴۳۱۷۳۱	۱۷۷۷۸۸۸	۶۰۷۰۳۹۰۳	۶۴۸۰۰۵۱۲	۱۶۵۵۳۳۷۸	۴۸۲۴۷۱۸۴
۱۸۴۸۹۹۲۸	۳۱۵۷۲۴۸۱	۱۵۴۳۲۶۲۷	۱۸۲۸۰۳۵۲۷	۲۳۸۸۹۴۳۱	۱۴۸۸۱۴۰۹۳
۱۲۰۵۱۸۹۷	۹۲۸۱۸۳۰	۲۷۷۰۰۱۷	۷۴۳۵۴۹۱	۱۳۳۵۵۲۵	۱۰۷۹۹۶۱
۴۴۰۱۰۱۰	۷۰۹۱۸	۲۳۰۰۹۲	۴۱۳۰۴۷	۵۲۱۹۱۳	۳۶۰۸۵۴۴
۶۰۹۴۳۹	۵۵۴۵۵۰	۴۹۹۸۹	۷۰۸۵۸۴	۶۶۹۳۷۸۰	۳۶۸۰۰۴
۲۸۹۰۲۹۹	۲۵۵۲۹۱۷	۲۲۷۳۲۲	۴۴۱۱۵۵	۱۵۴۴۰	۲۴۶۸۱۵
۸۸۹۱۰۴۰۴	۲۶۲۵۳۰۶	۲۳۵۸۰۹۸۰	۴۰۸۶۳۵۰۱۷	۲۷۸۸۱۷۳۷۳	۱۷۸۸۱۷۱۴
۲۴۹۱۳۰	۲۸۱۲۰	۲۲۱۰۱۰	۱۵۰۵	—	۱۵۰۵
۲۸۴۱۲	—	۳۸۴۱۲	۸۰۷۰	—	۸۰۷۰
۹۱۹۹۱۹	۳۵۹۲	۹۱۹۳۲۲	۴۲۰۸۱۸	۶۷۲۲	۳۵۳۶۴
۵۸۷۳۳۳۵	۴۸۰۳۳۳۳	۱۹۸۹۴۶۲	۴۹۸۸۸۸۴	۲۳۳۱۷۳۱	۱۱۸۸۴۵۳
۵۵۳۰۳۳۳	۴۷۸۱۱۷۳	۷۹۹۱۷	۳۳۳۱۹۵۸	۲۱۶۵۸۰	۱۱۶۱۴۷۸
۲۱۰۲۷۵۳	۷۷۵۸۰۴	۱۳۲۷۲۸۹	۱۷۵۵۲۷۰۰	۴۸۲۷۲۸	۱۲۶۹۹۹۷
۳۱۳۸۰	۲۰۳۳۰۱	۱۰۸۰۷۹	۶۵۰۴۹۹	۱۹۴۹۱۷	۴۴۶۰۲
۱۳۲۳۵۵	۱۳۲۸۱۵۵	۲۲۰۰	۸۷۵۵۱۷	۸۷۴۲۲	۲۱۵۵
۲۵۰	—	۱۵۰	—	—	—
۶۸۳۳۱	۱۴۰۵۴	۶۳۴۲۷	۵۵۳۸۳۱	۳۴۱۰	۵۲۱۴۲۱
۱۴۷۷۱۴	۱۴۷۵۶۴	۱۵۰	۱۳۶	۱۳۶	—
۳۵۰	۴۰	۸۱۵	۲۳۲۹۹	۶۷۹۷	۵۷۱۳۲
۸۱۳۵۵۷۰۵	۳۷۱۵۳۱۸۸	۳۳۳۲۸۵۱۶	۶۵۸۶۱۰۷۳	۳۳۶۴۰۶۸۹۹	۳۷۳۸۳۰۷۳
کلیه ثبت (۵)			کلیه ثبت (۶)		
۱۳۲۸ - ۱۳۲۹ - ۱۳۳۰ - ۱۳۳۱ - ۱۳۳۲			۱۳۲۸ - ۱۳۲۹ - ۱۳۳۰ - ۱۳۳۱ - ۱۳۳۲		
جمع	صادرات	واردات	جمع	صادرات	واردات
۴۳۰۰	—	۴۳۰۰	—	—	—
۹۱۱۶۴۸	۸۰۱۹۰	۹۰۳۶۵۸	۱۰۸۹۲۷۲	۴۸۹۲۴	۱۰۸۴۷۸۱۸
۸۸۹۶۲۵۸	۳۳۳۰۷۵	۵۱۵۷۱۸۳	۶۵۴۸۱۷۷	۲۴۱۱۲۷۹	۴۱۷۵۵۹۸
۲۱۵۱۴۵۱	۴۹۲۵۳۵۷	۱۶۱۶۶۰۹۲	۱۶۰۶۵۴۵۵	۲۰۸۸۵۰۰۰	۱۳۹۷۷۴۵۵
۱۹۸۸۱۵۰۴	۳۶۱۲۸۸۹۵	۱۶۰۷۵۶۰۹	۱۴۹۵۷۳۱۶	۱۵۳۴۲۹۵۲	۱۳۴۰۱۴۳۴
۷۶۱۹۲۸۱۲	۱۹۷۴۱۴۴۸	۵۹۹۵۱۳۶۴	۷۷۷۲۰۳۸۵	۲۲۰۱۹۸۸۹	۵۵۶۵۰۷۹۵
۲۲۰۷۴۳۱۶	۵۵۳۷۰۳۳	۲۲۰۷۰۳۳۳	۲۲۷۰۷۸۰۰۰	۳۷۴۱۲۸۱۱	۱۸۹۶۶۵۱۵۹
۱۵۳۵۰۳۳	۱۰۳۸۲۷۲	۲۱۵۲۹۹۱	۱۷۵۸۰۰۰	۳۷۴۹۹۵۳	۲۷۸۱۸۵۲
۱۰۶۲۳۳۶	۶۷۵۲۲	۹۹۸۷۷۱۴	۸۵۹۳۱۸۴	۴۵۶۴۱۱	۸۱۳۱۷۳۳
۷۶۷۹۴۱	۶۸۷۰۴۰	۵۸۷۹۹۱	۲۷۴۰۳۷۵	۲۳۳۷۰۰۰	۴۰۳۳۷۵
۷۱۴۴۰۴۱	۶۴۰۹۳۳۰	۷۳۸۱۱	۵۵۳۲۳۲۷	۵۰۰۰۱۹۴	۲۹۲۱۳۸
۵۵۲۰۷۷۳۱	۲۸۴۲۷۹۹۹	۲۲۷۷۷۸۷۵	۴۸۱۷۸۵۴۲	۲۶۲۷۶۱۳۶	۲۱۸۵۵۹۲۰۱
۸۸۹۹۰	۹۱۵۰	۷۵۴۰	۱۶۰۴۱۳	۲۴۸۰۹	۱۵۵۹۰۴
۳۵	۵	۳۰	۲۰۰	—	۲۰۰
۱۳۰۸۲۳	—	۱۳۰۸۲۳	۳۱۵۶۴۲	—	۳۱۵۶۴۲
۸۱۴۱۶	۷۰۰۸۶	۸۰۱۳۰	۱۲۶۳۰۲۵	۹۲۳۲	۱۲۴۳۷۳۳
۵۵۳۴۴۰	۲۷۸۸۳۵۵۵	۲۱۴۴۰۷۸۵	۵۵۳۷۱۰۶۶	۴۰۰۰۲۶۷۸	۱۵۳۶۳۸۸
۷۳۴۴۳۸۲	۵۹۹۰۳۷۲	۱۳۵۰۳۱۰	۶۱۵۵۶۵۴	۴۷۸۰۰۰۰	۲۳۵۵۶۱۴
۱۴۰۳۷۷۷۵	۲۵۹۰۵۰۰	۱۱۴۸۹۱۵۵	۲۵۹۱۷۸۲۴	۱۲۴۴۰۲۷	۱۳۶۷۳۸۰۲
۱۵۸۶۱۸	۱۹۲۴۰۰	۱۳۵۸۱۳	۳۶۴۷۰۳	۲۱۵۸۸۹	۱۵۳۸۱۴
۱۵۸۶۱۸	۱۵۰۹۲۰۹	۷۷۸۸۹	۱۱۲۴۷۵۷	۱۱۲۲۵۵۰	۲۲۰۲
۳۰۰	۳۰۰	—	۱۱۰	—	۱۱۰
۱۷۶۰۴۸۱	۳۰۸۸۴۵	۱۴۵۱۶۴۱	۱۵۵۳۱۱۳	۹۱۰۰	۱۵۴۴۰۱۳
۴۷۰۱۹	۴۳۸۰۰	۲۲۳۹	۸۵۷۰۰۰	۸۵۷۰۰۰	—
۱۲۷۵	۲۰	۱۲۱۵	۱۵۵۵۰	۱۵۵۲۷۵	۳۱۵
۹۹۰۹۴۴۱۲	۳۷۰۷۸۳۷	۵۷۰۲۰۸۴۴	۸۵۹۴۲۵۴	۲۷۵۲۱۸۰۴	۲۸۶۵۰۶۳۱

جدول شماره ۵

[illegible]

جدول شماره ٦

	TAVECHGHAN-IL 1918-1919 (°)			LOUI-IL 1918-1919 (°)		
	Importations	Exportations	TOTAL	Importations	Exportations	TOTAL
Afghanistan	3,989,906	1,704,380	4,894,486	5,629,386	1,619,076	7,248,462
Allemagne	401,716	116,000	517,716	1,442,558	—	1,442,558
Autriche-Hongrie	211,056	24,058	235,114	440,140	—	440,140
Belgique	320,964	—	320,964	1,334,233	—	1,334,233
Chine	6,750,370	81,500	6,831,870	3,412,253	17,000	3,429,253
Egypte	149,470	8,010,500	8,159,970	3,585,180	2,417,090	5,992,270
Etats-Unis d'Amérique	268,610	8,440,306	8,708,916	286,963	9,418,458	9,705,421
Empire Britannique	56,815,164	38,993,708	95,808,872	70,617,277	31,889,698	102,506,975
Indes-Anglaises	111,101,839	37,391,996	148,493,835	158,877,215	37,180,172	196,057,387
Emp. Br. (y compris les Indes Ang.)	169,319,303	76,385,704	245,694,907	229,574,992	87,169,870	316,744,862
Espagne	—	2,000	2,000	—	—	—
France et colonies	311,883	509,074	820,957	1,910,413	15,433	1,925,846
Grèce	17,754	40	17,794	—	—	—
Indo-Chine	—	—	—	—	—	—
Italie	809,140	1,431,313	2,240,453	189,873	—	189,873
Japon	—	20	20	39,661	—	39,661
Norvège (°)	1,781,353	131,920	1,913,273	115,173	—	115,173
Pays-Bas et colonies	829,410	100	829,510	3,942,705	—	3,942,705
Russie	266,751,828	167,170,146	433,921,974	227,413,253	399,429,196	626,842,449
Suède	30,377	20	30,397	636,153	70	636,223
Suisse	51,950	—	51,950	143,915	—	143,915
Turquie	9,349,028	8,835,904	18,184,932	9,242,326	6,842,618	16,084,944
Mascat	340,234	811,244	1,151,478	113,127	68,739	181,866
Oman	1,619,308	4,059,470	5,678,778	3,273,795	5,856,964	9,130,759
Zanzibar (°)	—	4,360	4,360	97,814	20,650	118,464
Autres Pays	—	98,633	98,633	—	170	170
TOTAL (Kraa)	464,107,000	277,134,616	741,241,616	464,771,617	433,508,246	898,279,863

	ILAN-IL 1917-1918 (°)			YOUNT-IL 1918-1919 (°)		
	Importations	Exportations	TOTAL	Importations	Exportations	TOTAL
Afghanistan	7,376,217	1,357,286	8,733,503	7,788,171	1,317,439	9,105,610
Allemagne	26,001	—	26,001	30,230	—	30,230
Autriche-Hongrie	43,168	—	43,168	54,615	—	54,615
Belgique	110,080	—	110,080	261,220	—	261,220
Chine	1,151,155	23,590	1,174,745	4,077,660	179,000	4,256,660
Egypte	12,055,159	29,504,770	41,559,929	16,159,156	57,276,944	73,436,100
Etats-Unis d'Amérique	415,418	7,271,179	7,686,597	112,670	2,387,417	2,500,087
Empire Britannique	107,104,028	62,986,267	170,090,295	113,842,815	82,974,430	196,817,245
Indes-Anglaises	206,032,246	47,751,326	253,783,572	269,538,293	11,858,030	281,396,323
Emp. Br. (y compris les Indes Ang.)	313,136,268	110,739,493	423,875,761	383,381,108	114,832,460	498,213,568
Espagne	—	—	—	—	—	—
France et colonies	1,171,807	48,395	1,220,202	828,067	75,975	904,042
Grèce	—	—	—	—	—	—
Indo-Chine	—	—	—	—	—	—
Italie	138,568	—	138,568	190,449	—	190,449
Japon	303,283	880,600	1,183,883	1,899,362	211,100	2,110,462
Norvège (°)	27,620	—	27,620	—	—	—
Pays-Bas et colonies	10,199,814	—	10,199,814	9,086,883	—	9,086,883
Russie	107,482,215	161,076,293	268,558,508	33,187,515	52,932,740	86,120,255
Suède	540,374	—	540,374	815,113	—	815,113
Suisse	26,021	—	26,021	320,072	—	320,072
Turquie	6,984,020	16,839,678	23,823,698	10,305,554	37,384,378	47,689,932
Mascat	82,670	82,653	165,323	77,804	121,781	199,585
Oman	6,424,365	9,985,372	16,409,737	7,771,758	4,243,009	12,014,767
Zanzibar (°)	391,485	5,080	396,565	159,246	6,700	165,946
Autres Pays	—	—	—	240	—	240
TOTAL (Kraa)	468,068,910	388,714,389	856,783,299	470,288,793	170,880,948	641,169,741

(1) Avant l'année Tâklinghagh-IL les provenances de et les expéditions vers la Norvège et Zanzibar étaient comprises parmi les provenances de et les expéditions vers les autres pays.
 (2) Valeur moyenne de Kraa à franc 44.
 (3) " " " " Kraa à franc 77.
 (4) Valeur moyenne de Kraa à franc 89.
 (5) " " " " Kraa à franc 91.

جدول شماره ۷

	GHOU-I-L 1910-1920 (۱)			FITCH-I-L 1920-1921 (۲)		
	Importation	Exportation	TOTAL	Importation	Exportation	TOTAL
Afghanistan	8,361,269	2,453,295	10,714,564	3,928,864	871,378	5,800,242
Allemagne	144,517	—	144,517	838,989	175,129	1,014,118
Autriche-Hongrie	71,626	—	71,626	78,359	—	78,359
Belgique	7,970	—	7,970	18,677,384	192,375	18,869,759
Chine	2,335,188	399,640	2,734,828	196,738	800,800	997,538
Egypte	24,632,581	123,815,389	148,447,970	31,649,739	132,697,348	164,347,087
Etats-Unis d'Amérique	6,419,455	12,909,332	19,328,787	7,127,519	27,644,189	34,771,708
Empire Britannique	197,181,373	28,462,348	225,643,721	123,153,067	47,997,468	171,150,535
Indes-Anglaises	291,456,811	40,141,897	331,598,708	311,774,153	69,848,184	381,622,337
Emp.Br.(y compris les Indes Ang.)	448,978,964	81,994,339	530,973,303	423,927,482	108,739,648	532,667,130
Espagne	8,346	—	8,346	13,113	—	13,113
France et colonies	8,637,460	1,356,781	9,994,241	7,342,350	1,976,457	9,318,807
Grèce	—	331,820	331,820	—	—	—
Italie	4,839,000	32,460	4,871,460	3,940,839	29,000	4,000,839
Japon	8,972,895	8,820,000	17,792,895	7,326,369	1,383,460	8,709,829
Norvège	—	—	—	—	—	—
Pays-Bas et colonies	868,310	—	868,310	16,483,133	11,782,890	28,266,023
Russie	8,868,781	75,473,844	84,342,625	20,163,147	8,614,931	28,778,078
Suède	4,878,481	—	4,878,481	3,981,330	330	3,981,660
Suisse	294,123	537,400	831,523	299,871	749,120	1,049,000
Turquie	18,487,381	51,582,468	69,969,849	3,373,933	9,978,855	13,352,788
Mascate	268,269	92,166	360,435	78,484	184,328	262,812
Mésopotamie (۳)	—	—	—	6,646,785	47,979,704	54,626,489
Oman	4,774,339	9,793,457	14,567,796	3,348,584	4,469,971	7,818,555
Zanzibar	197,336	—	197,336	68,433	461,600	530,033
Autres Pays	1,890	—	1,890	—	4,300	4,300
TOTAL (Kran)	699,792,066	367,817,558	1,067,609,624	492,861,638	371,196,779	864,058,417

	TAKHAGHOU-I-L 1921-1922 (۴)			I T - I L 1922-1923 (۵)		
	Importation	Exportation	TOTAL	Importation	Exportation	TOTAL
Afghanistan	2,812,196	1,417,318	4,229,514	6,189,971	893,698	7,083,669
Allemagne	3,094,438	829,846	3,924,284	8,488,969	354,815	8,843,784
Arabie	—	391,397	391,397	789	137,970	138,759
Autriche	841,003	2,320	843,323	902,897	240	903,137
Belgique	37,357,964	132,814	37,490,778	37,379,889	131,488	37,511,377
Chine	1,617,231	11,964,980	13,582,211	1,622,576	11,934,190	13,556,766
Egypte	17,518,383	199,414,114	216,932,497	6,944,491	306,338,986	313,283,477
Empire Britannique	228,976,158	87,996,185	316,972,343	388,483,431	189,358,998	577,842,429
Indes-Anglaises	333,052,486	71,940,488	404,992,974	316,486,472	106,197,549	422,684,021
Emp.Br.(y compris les Indes Ang.)	462,128,644	159,936,673	622,065,317	410,972,903	295,556,547	706,529,450
Espagne	2,389	1,400	3,789	1,890	—	1,890
Etats-Unis d'Amérique	6,483,340	29,529,371	36,012,711	8,487,094	61,198,484	69,685,578
France et colonies	8,824,479	5,168,951	13,993,430	20,694,262	11,599,115	32,293,377
Grèce	—	—	—	—	—	—
Italie	4,497,900	80	4,497,980	4,866,607	1,783,943	6,650,550
Japon	2,392,624	3,781,800	6,174,424	3,939,404	3,907,390	7,846,794
Mascate	181,084	199,064	380,148	74,076	467,488	541,564
Mésopotamie (۳)	8,348,829	44,381,381	52,730,210	7,561,125	40,783,350	48,344,475
Norvège	7,389	—	7,389	47,352	—	47,352
Oman	4,593,938	8,022,686	12,616,624	3,920,883	6,573,270	10,494,153
Pays-Bas et colonies	13,976,964	1,370,470	15,347,434	16,508,048	2,028,789	18,536,837
Pologne	887,596	—	887,596	8,180	—	8,180
Russie	41,731,637	28,489,564	70,221,201	72,444,327	82,123,678	154,567,995
Suède	1,874,847	1,490	1,876,337	2,187,234	110	2,187,344
Suisse	446,912	138,108	585,020	831,496	176,347	1,007,843
Tcheco Slovaquie	35,600	—	35,600	814,700	—	814,700
Turquie d'Asie (۶)	296,410	446,483	742,893	937,338	309,643	1,246,981
Turquie d'Europe (۷)	8,957,956	10,643,243	19,601,199	8,794,997	31,618,188	40,413,185
Yougo Slave	84,340	—	84,340	—	—	—
Zanzibar	278,571	15,160	293,731	145,048	17,771	162,819
Autres Pays	—	13,840	13,840	28,870	150	29,020
TOTAL (Kran)	609,775,068	502,044,789	1,111,819,857	703,082,945	453,168,889	1,156,251,834

(۱) Valeur moyenne du Kran : franc 18
(۲) Valeur moyenne du Kran : franc 91
(۳) Valeur moyenne du Kran : franc 33
(۴) Valeur moyenne du Kran : franc 91
(۵) Valeur moyenne du Kran : franc 91

(۶) La Mésopotamie était rattachée administrativement avec la Turquie
(۷) Dans les années précédentes la Turquie d'Asie et la Turquie d'Europe (y compris Constantinople)

جدول شماره ۸

	(1900) 1920 - 1921 [۱]			(1900) 1921 - 1922 [۲]		
	Importations	Exportations	TOTAL	Importations	Exportations	TOTAL
Afghanistan	5,896,861	871,378	6,768,239	8,010,196	1,217,810	9,228,006
Allemagne	558,989	175,190	734,179	5,004,488	289,645	5,294,133
Arabie	---	---	---	---	851,207	851,207
Autriche	78,356	---	78,356	341,003	2,280	343,283
Belgique	10,977,394	192,378	11,169,772	27,357,604	139,014	27,496,618
Chine	198,738	800,000	998,738	1,071,831	11,904,920	12,976,751
Egypte	51,640,730	152,602,848	204,243,578	17,218,355	100,414,114	117,632,469
Empire Britannique	156,158,007	47,690,482	203,848,489	329,576,158	97,096,156	426,672,314
Indes Anglaises	910,774,856	59,618,194	970,393,050	833,092,486	71,840,685	904,933,171
Emp. Brit. (y.c. Indes Angl.)	365,937,482	106,738,648	472,676,130	402,128,638	169,936,740	572,065,378
Espagne	15,415	---	15,415	2,380	1,400	3,780
Etats-Unis d'Amérique	5,122,519	98,344,130	103,466,649	5,483,490	29,329,571	34,813,061
France	3,583,588	1,070,437	4,654,025	5,326,473	3,102,041	8,428,514
Grèce	---	---	---	---	---	---
Italie	2,300,383	20,000	2,320,383	2,487,008	60	2,487,068
Japan	8,396,890	1,883,450	10,280,340	2,392,664	2,781,300	5,173,964
Mascat	78,424	19,493	97,917	19,164	120,084	139,248
Mésopotamie (۳)	6,046,785	40,070,704	46,117,489	8,348,829	44,501,891	52,850,720
Norvège	---	---	---	7,290	---	7,290
Oman	3,819,544	6,498,371	10,317,915	4,323,030	8,055,664	12,378,694
Pays-Bas	10,495,163	11,782,090	22,277,253	15,074,364	1,378,410	16,452,774
Pologne	---	---	---	267,890	---	267,890
Russie	50,103,147	8,614,931	58,718,078	41,781,587	34,469,564	76,251,151
Soudan	8,961,850	280	8,962,130	1,976,847	1,400	1,978,247
Suède	394,971	746,120	1,141,091	446,314	138,108	584,422
Tchéco-Slovaquie	---	---	---	83,600	---	83,600
Turquie	8,873,958	8,070,855	16,944,813	6,884,268	11,091,729	17,976,000
Yougoslavie	---	---	---	84,540	---	84,540
Zanzibar	58,455	461,600	520,055	373,871	18,100	391,971
Autres pays	---	4,200	4,200	---	18,240	18,240
TOTAL (Kran)	469,361,533	571,983,779	1,041,345,312	609,778,268	602,044,784	1,211,823,052

	(1901) 1922 - 1923 [۳]			(1902) 1923 - 1924 [۴]		
	Importations	Exportations	TOTAL	Importations	Exportations	TOTAL
Afghanistan	6,159,671	906,496	7,066,167	7,064,329	1,123,560	8,187,889
Allemagne	5,445,568	284,518	5,730,086	17,871,574	1,044,481	18,916,055
Arabie	790	130,878	131,668	8,488	2,097,833	2,106,321
Autriche	905,097	340	905,437	978,094	60	978,154
Belgique	37,979,393	131,498	38,110,891	84,171,257	1,847,710	86,018,967
Chine	1,068,970	11,634,700	12,703,670	7,118,237	11,805,610	18,923,847
Egypte	8,949,481	969,389,066	978,338,547	8,958,456	60,696,883	69,655,339
Empire Britannique	303,432,881	109,350,509	412,783,390	291,773,968	908,324,102	1,199,098,070
Indes Anglaises	210,568,572	106,187,819	316,756,391	283,461,619	104,879,730	388,341,349
Emp. Brit. (y.c. Indes Angl.)	419,031,303	206,348,408	625,379,711	475,235,587	1,013,203,832	1,488,439,419
Espagne	1,588	---	1,588	5,339	---	5,339
Etats-Unis d'Amérique	8,643,004	61,192,484	69,835,488	3,381,610	58,919,297	62,300,907
France	20,894,283	71,698,115	92,592,398	22,744,165	8,341,688	31,085,853
Grèce	6,570	---	6,570	100,000	---	100,000
Italie	4,366,601	1,769,944	6,136,545	7,068,078	556,385	7,624,463
Japan	8,930,444	8,987,989	17,918,433	8,159,364	3,150,270	11,309,634
Mascat	74,076	441,488	515,564	109,948	236,830	346,778
Mésopotamie (۳)	7,561,185	40,782,390	48,343,575	8,384,100	37,765,974	46,150,074
Norvège	47,358	---	47,358	35,931	---	35,931
Oman	3,990,483	8,478,870	12,469,353	2,319,471	8,154,983	10,474,454
Pays-Bas	10,506,945	9,929,760	20,436,705	14,819,422	8,021	14,827,443
Pologne	8,160	---	8,160	31,150	4,890	36,040
Russie	78,446,237	62,122,428	140,568,665	108,136,793	158,019,910	266,156,703
Soudan	8,197,224	110	8,197,334	4,814,881	8,470	4,823,351
Suède	981,495	170,547	1,152,042	848,544	62,099	910,643
Tchéco-Slovaquie	815,700	---	815,700	794,338	---	794,338
Turquie	7,679,588	91,990,411	99,669,999	11,698,765	23,284,323	34,983,088
Yougoslavie	---	---	---	---	---	---
Zanzibar	148,042	17,771	165,813	87,373	17,382	104,755
Autres pays	59,870	160	60,030	8,236	17,940	26,176
TOTAL (Kran)	619,301,046	733,983,243	1,353,284,289	694,361,833	768,392,162	1,462,753,995

[۱] Valeur moyenne du Kran : franc 33

[۲] Valeur moyenne du Kran : franc 96

[۳] " " " Kran : franc 96

[۴] " " " Kran : franc 93

[۵] La Mésopotamie était renseignée antérieurement avec la Turquie.

جدول شماره ۹

(تجارت ایران و روسیه)

کل تجارت (فран)	صادرات (فран)	واردات (فран)	سال میلادی
۳۱۷.۵۲۲.۹۳۳	۱۳۷.۵۶۲.۵۷۸	۱۶۹.۹۷۹.۳۵۵	۱۹۰۴ - ۱۹۰۵
۳۹۱.۸۳۵.۳۳۰	۱۹۷.۳۹۹.۸۱۸	۱۹۴.۳۵۵.۵۱۲	۱۹۰۵ - ۱۹۰۶
۳۳۷.۷۸۲.۲۱۸	۲۳۵.۳۹۹.۶۶۸	۲۲۲.۶۵۲.۷۵۰	۱۹۰۶ - ۱۹۰۷
۳۹۳.۸۳۲.۲۲۱	۲۰۲.۶۶۱.۵۶۲	۱۹۱.۱۷۱.۸۷۹	۱۹۰۷ - ۱۹۰۸
۲۰۸.۶۳۲.۵۱۷	۲۲۹.۸۱۷.۳۳۳	۱۷۸.۸۱۷.۱۲۲	۱۹۰۸ - ۱۹۰۹
۲۸۹.۱۰۴.۰۴۲	۲۶۲.۵۱۲.۰۶۲	۲۲۶.۵۸۰.۹۸۰	۱۹۰۹ - ۱۹۱۰
۲۸۱.۷۸۵.۳۳۲	۲۶۲.۳۲۶.۱۳۶	۲۱۹.۵۵۹.۲۰۶	۱۹۱۰ - ۱۹۱۱
۵۵۲.۰۰۷۲.۶۷۱	۲۸۲.۳۹۹.۷۹۶	۲۶۷.۷۹۷.۸۷۵	۱۹۱۱ - ۱۹۱۲
۶۲۹.۸۵۷.۹۰۰	۷۰۰.۸۷۷.۵۵۸	۳۲۸.۹۸۰.۰۲۲	۱۹۱۲ - ۱۹۱۳
۶۵۷.۹۲۸.۱۷۲	۲۰۲.۰۶۰.۰۳۹	۳۵۵.۸۸۸.۱۳۳	۱۹۱۳ - ۱۹۱۴
۵۲۲.۵۷۲.۸۳۱	۲۶۲.۶۶۲.۶۲۸	۲۸۰.۱۱۱.۲۰۲	۱۹۱۴ - ۱۹۱۵
۵۳۰.۹۲۲.۱۷۲	۲۶۷.۱۷۰.۳۳۶	۲۶۶.۷۵۲.۸۲۸	۱۹۱۵ - ۱۹۱۶
۵۲۶.۸۲۲.۲۳۷	۲۲۹.۶۲۲.۱۹۶	۲۲۷.۲۱۲.۷۵۱	۱۹۱۶ - ۱۹۱۷
۲۶۹.۵۵۸.۵۰۸	۱۶۲.۰۷۶.۲۹۲	۱۰۷.۴۸۲.۲۱۵	۱۹۱۷ - ۱۹۱۸
۸۶.۳۲۰.۲۵۵	۵۲.۹۲۲.۷۲۰	۳۳.۳۸۷.۵۱۵	۱۹۱۸ - ۱۹۱۹
۱۶۰.۳۳۸.۲۹۵	۷۵.۳۷۲.۶۶۲	۸۴.۹۶۵.۷۳۱	۱۹۱۹ - ۱۹۲۰
۲۸.۷۱۸.۰۷۸	۸.۶۱۲.۹۳۱	۲۰۰.۱۰۳.۱۳۷	۱۹۲۰ - ۱۹۲۱
(۱) ۲۸.۲۲۱.۱۲۱	۲۶.۲۸۹.۵۶۲	۲۱.۳۳۱.۵۵۷	۱۹۲۱ - ۱۹۲۲
۱۳۵.۵۶۸.۹۱۵	۶۲.۱۲۲.۶۷۸	۷۳.۴۴۶.۲۳۷	۱۹۲۲ - ۱۹۲۳
۲۶۳.۱۷۲.۳۱۱	۱۵۸.۰۱۳.۵۱۹	۱۰۵.۱۵۸.۷۹۲	۱۹۲۳ - ۱۹۲۴
۳۷۰.۳۳۹.۳۱۵	۲۲۶.۶۶۹.۲۹۹	۱۲۵.۶۶۹.۸۱۶	۱۹۲۴ - ۱۹۲۵
۴۹۲.۹۰۶.۱۶۰	۲۸۰.۱۴۱.۸۹۰	۲۱۱.۷۶۴.۲۷۰	۱۹۲۵ - ۱۹۲۶

(۱) - این ارقام تنها مربوط به ۱۶ عقرب تا ۳۱ صورت ۱۲۰۰ خورشیدی است.

جدول شماره ۱۰

تجارت ایران و انگلیس با تمام هند

کل تجارت (قران)	صادرات (قران)	واردات (قران)	سال میلادی
۱۳۷,۳۳۹,۷۵۸	۳۷,۵۵۳,۰۲۸	۱۱۹,۶۸۵,۷۱۰	۱۹۰۲ - ۱۹۰۵
۱۲۸,۳۱۷,۲۵۳	۳۰,۰۳۱,۰۱۶	۱۲۲,۳۸۶,۳۳۸	۱۹۰۵ - ۱۹۰۶
۱۶۸,۹۳۱,۱۰۹	۳۶,۶۲۹,۰۹۸	۱۳۲,۳۰۲,۰۱۱	۱۹۰۶ - ۱۹۰۷
۲۰۵,۶۲۲,۷۹۰	۳۶,۵۷۸,۳۳۸	۱۶۹,۰۴۵,۴۵۲	۱۹۰۷ - ۱۹۰۸
۱۸۲,۸۰۳,۵۱۷	۳۲,۹۸۹,۳۳۳	۱۴۸,۸۱۴,۰۹۳	۱۹۰۸ - ۱۹۰۹
۱۸۳,۸۸۸,۹۲۸	۳۱,۵۷۲,۳۸۱	۱۵۲,۳۱۶,۵۴۷	۱۹۰۹ - ۱۹۱۰
۲۳۷,۰۷۸,۰۰۰	۳۷,۳۱۲,۸۴۱	۱۸۹,۶۶۵,۱۵۹	۱۹۱۰ - ۱۹۱۱
۲۷۶,۰۷۳,۰۳۱	۵۵,۳۷۰,۳۳۳	۲۲۰,۷۰۳,۰۹۳	۱۹۱۱ - ۱۹۱۲
۲۰۹,۷۹۹,۵۶۸	۵۶,۶۱۸,۴۹۳	۱۵۳,۱۸۱,۰۷۳	۱۹۱۲ - ۱۹۱۳
۲۳۵,۰۶۵,۳۹۰	۵۷,۱۱۰,۷۸۲	۱۷۷,۹۵۴,۶۰۸	۱۹۱۳ - ۱۹۱۴
۲۳۶,۴۹۵,۴۸۵	۸۸,۴۳۱,۰۹۱	۱۴۸,۰۶۴,۵۱۵	۱۹۱۴ - ۱۹۱۵
۲۳۵,۶۰۳,۹۰۸	۷۶,۲۸۵,۷۰۳	۱۶۹,۳۱۹,۴۰۳	۱۹۱۵ - ۱۹۱۶
۳۱۶,۶۸۳,۸۶۲	۸۷,۱۶۹,۸۷۰	۲۲۹,۵۱۴,۹۹۲	۱۹۱۶ - ۱۹۱۷
۲۳۳,۸۱۵,۱۶۱	۱۱۰,۳۳۹,۴۹۳	۳۱۳,۱۳۰,۲۶۸	۱۹۱۷ - ۱۹۱۸
۳۹۸,۲۱۴,۵۶۸	۱۱۳,۸۳۲,۴۶۰	۲۸۴,۳۸۱,۱۰۸	۱۹۱۸ - ۱۹۱۹
۵۴۰,۱۸۲,۹۱۳	۸۱,۶۰۴,۳۳۰	۳۳۸,۵۷۸,۶۸۳	۱۹۱۹ - ۱۹۲۰
۲۷۲,۶۶۶,۰۶۸	۱۰۶,۳۷۸,۶۶۶	۳۵۵,۹۱۷,۴۳۳	۱۹۲۰ - ۱۹۲۱
۶۲۱,۱۶۵,۳۷۸	۱۵۹,۰۴۰,۷۳۰	۴۶۲,۱۲۸,۶۴۸	۱۹۲۱ - ۱۹۲۲
۷۱۷,۵۵۵,۷۱۱	۲۹۸,۵۵۳,۴۰۸	۴۱۹,۰۰۲,۴۰۳	۱۹۲۲ - ۱۹۲۳
۸۴۰,۸۱۴,۷۹۴	۴۰۳,۶۵۳,۸۸۲	۴۳۷,۱۶۰,۹۱۲	۱۹۲۳ - ۱۹۲۴
۸۹۸,۲۸۸,۴۰۳	۴۵۳,۰۳۷,۴۰۷	۴۴۵,۲۵۱,۰۹۵	۱۹۲۴ - ۱۹۲۵
۹۰۶,۶۱۷,۸۹۹	۴۳۸,۹۶۸,۶۷۵	۴۶۷,۷۲۹,۲۲۴	۱۹۲۵ - ۱۹۲۶

جدول شماره ۱۱

(تجارت ایران و عثمانی)

کل تجارت (قوان)	صادرات (قوان)	واردات (قوان)	سال میلادی
۵۰۰۷۱۳۰۲۹۰	۳۹۰۹۳۹۰۷۹۰	۱۰۰۷۳۳۰۷۰۰	۱۹۰۴-۱۹۰۵
۵۸۰۱۸۰۰۱۶۳	۴۳۰۸۲۰۰۱۲۳	۱۴۰۳۶۰۰۰۴۰	۱۹۰۵-۱۹۰۶
۷۲۰۰۶۱۰۵۲۵	۵۹۰۰۳۲۰۰۷۹	۱۳۰۰۲۷۰۲۶۶	۱۹۰۶-۱۹۰۷
۵۱۰۰۹۸۰۷۱۲	۳۹۰۳۳۲۰۸۰۰	۱۱۰۸۶۳۰۹۱۴	۱۹۰۷-۱۹۰۸
۲۹۰۱۸۸۰۱۸۲	۳۷۰۳۳۹۰۷۳۱	۱۱۰۸۴۸۰۲۵۳	۱۹۰۸-۱۹۰۹
۵۸۰۷۹۳۰۲۳۵	۴۱۰۸۰۳۰۷۷۳	۱۶۰۹۸۹۰۲۶۲	۱۹۰۹-۱۹۱۰
۵۵۰۳۷۱۰۰۶۶	۴۰۰۰۰۲۰۶۷۸	۱۵۰۲۶۸۰۲۸۸	۱۹۱۰-۱۹۱۱
۵۹۰۳۲۲۰۳۲۰	۳۷۰۸۸۳۰۵۵۵	۲۱۰۲۲۰۰۷۸۵	۱۹۱۱-۱۹۱۲
۶۱۰۳۱۵۰۲۸۳	۳۷۰۹۲۶۰۸۳۵	۲۳۰۳۸۸۰۶۲۸	۱۹۱۲-۱۹۱۳
۵۹۰۲۰۵۰۶۲۲	۳۶۰۸۶۷۰۰۷۹	۲۲۰۳۳۸۰۵۲۵	۱۹۱۳-۱۹۱۴
۴۰۰۲۹۲۰۵۰۷	۲۱۰۴۱۱۰۶۲۹	۱۹۰۰۸۲۰۸۷۸	۱۹۱۴-۱۹۱۵
۱۸۰۲۰۴۰۹۳۲	۸۰۸۵۵۰۹۰۴	۹۰۳۲۹۰۰۲۸	۱۹۱۵-۱۹۱۶
۱۶۰۰۸۴۰۹۳۲	۶۰۸۲۲۰۶۱۸	۹۰۳۲۲۰۳۲۶	۱۹۱۶-۱۹۱۷
۲۳۰۸۲۳۰۶۹۸	۱۶۰۸۳۹۰۶۷۸	۶۰۹۸۲۰۰۲۰	۱۹۱۷-۱۹۱۸
۳۷۰۵۸۹۰۹۳۲	۳۷۰۲۸۲۰۳۷۸	۱۰۰۳۰۵۰۵۵۲	۱۹۱۸-۱۹۱۹

PARTS PROPORTIONNELLES DES IMPORTATIONS ET EXPORTATIONS dans le commerce général

IMPORTATIONS
EXPORTATIONS

1901	1902	1903	1904	1905	1906	1907	1908	1909	1910	1911	1912
1012.1013	1013.1014	1014.1015	1015.1016	1016.1017	1017.1018	1018.1019	1019.1020	1020.1021	1021.1022	1022.1023	1023.1024
56,337%	58,673%	55,766%	55,770%	53,770%	58,016%	63,746%	63,130%	56,510%	54,840%	45,759%	47,470%
41,463%	41,327%	44,324%	44,830%	46,723%	41,084%	36,254%	36,870%	43,450%	45,160%	54,230%	57,530%
Excédent des importations sur les exportations (Kilans)											
131,223,000	191,223,000	103,263,000	86,023,331	60,873,071	120,331,431	203,417,804	261,023,303	111,232,844	107,780,729	144,781,707	74,140,254

(1) NOTE. — En ce qui concerne les années 1901 et 1902, il s'agit de données provisoires basées sur les importations.

Le tableau qui précède ayant été établi d'après les valeurs totales séparées des importations et des exportations, l'Administration des Douanes a jugé intéressant de le faire suivre du tableau ci-après pour la formation duquel il n'a pas été tenu compte ni depuis 1913/14 à 1923/24 des valeurs des importations de diverses marchandises destinées aux troupes étrangères opérant en Perse et qui ne constituent pas du commerce réel avec la Perse; b) depuis 1913/14 à 1923/24 des valeurs des pétroles exportés par une société étrangère l'Anglo-Persian Oil Co. Ltd. qui exploite pour son compte, en vertu d'une concession, des sources pétrolifères d'huile minérale.

IMPORTATIONS
EXPORTATIONS

1901	1902	1903	1904	1905	1906	1907	1908	1909	1910	1911	1912
56,337%	59,640%	57,016%	56,585%	57,245%	66,236%	80,601%	77,090%	77,810%	77,250%	66,930%	64,400%
41,463%	40,360%	42,074%	42,410%	42,655%	33,741%	19,316%	22,010%	22,100%	22,750%	32,030%	35,700%
Excédent des importations sur les exportations (Kilans)											
131,223,000	209,086,000	156,857,000	107,813,000	120,602,000	223,238,000	300,360,000	412,403,000	341,599,000	480,270,000	813,541,000	308,757,000

جدول شماره ۱۳

۱- صورت عایدات غیر خالص و خالص بیست و نه ساله اخیر

سنوات	عایدات غیر خالص (قران)	مصارف اداری (قران)	عایدات خالص (قران)	میزان مصارف اداری و نسبت عایدات
۱۲۷۷ (۱۸۹۸-۱۸۹۹)	۲۳,۲۵۱,۹۰۸ —	۲,۵۹۹,۰۳۷-۸۵	۱۰,۰۰۰,۰۰۰ —	
۱۲۷۸ (۱۹۰۰-۱۸۹۹)	۲۳,۸۹۴,۹۶۸ —	۳,۹۱۳,۹۴۹-۱۵	۱۴,۰۹۴,۴۴۰ —	
۱۲۷۹ (۱۹۰۱-۱۹۰۰)	۲۳,۹۰۴,۲۴۷-۲۰	۴,۲۰۵,۳۴۷-۱۰	۱۷,۰۰۰,۹۰۰ —	
۱۲۸۰ (۱۹۰۲-۱۹۰۱)	۲۳,۸۹۴,۹۶۸ —	۳,۹۱۳,۹۴۹-۱۵	۲۰,۱۲۲,۵۷۰-۱۵	۱۳,۱۵ درصد
۱۲۸۱ (۱۹۰۳-۱۹۰۲)	۲۳,۹۰۴,۲۴۷-۲۰	۴,۲۰۵,۳۴۷-۱۰	۲۰,۲۸۰,۳۲۱-۸۵	۱۵,۱۳
۱۲۸۲ (۱۹۰۴-۱۹۰۳)	۳۱,۹۸۴,۴۶۰-۹۰	۵,۱۲۸,۰۳۳-۱۰	۲۶,۸۶۰,۴۲۷-۱۰	۱۲,۴۰
۱۲۸۳ (۱۹۰۵-۱۹۰۴)	۳۰,۱۶۳,۱۰۵-۱۵	۵,۹۴۹,۸۵۳-۷۰	۲۴,۲۱۳,۲۵۱-۴۵	۱۷,۱۳
۱۲۸۴ (۱۹۰۶-۱۹۰۵)	۳۱,۰۹۳,۷۱۶-۲۰	۵,۹۰۹,۵۹۹-۹۵	۲۵,۱۰۴,۱۲۰-۰۵	۱۹,۶۶
۱۲۸۵ (۱۹۰۷-۱۹۰۶)	۳۵,۸۸۵,۲۲۶-۵۰	۵,۱۳۹,۷۱۷-۹۵	۳۰,۷۴۵,۵۰۸-۵۵	۱۹,۱۸
۱۲۸۶ (۱۹۰۸-۱۹۰۷)	۳۲,۱۲۰,۹۴۰-۹۵	۴,۷۹۱,۲۳۰-۵۰	۲۷,۳۲۹,۷۰۰-۱۵	۱۴,۳۶
۱۲۸۷ (۱۹۰۹-۱۹۰۸)	۳۷,۳۴۰,۳۲۲-۹۵	۴,۴۸۸,۷۰۴-۷۵	۳۲,۸۵۱,۶۱۸-۲۰	۱۲,۳۵
۱۲۸۸ (۱۹۱۰-۱۹۰۹)	۳۸,۷۳۲,۵۱۱-۸۰	۴,۵۱۱,۸۸۲-۴۵	۳۴,۲۲۰,۵۲۹-۳۵	۱۱,۶۵
۱۲۸۹ (۱۹۱۱-۱۹۱۰)	۴۳,۴۱۱,۹۱۶ —	۴,۹۱۵,۹۸۵-۹۵	۳۸,۴۹۵,۹۳۰-۵۵	۱۱,۳۲
۱۲۹۰ (۱۹۱۲-۱۹۱۱)	۴۳,۱۲۹,۱۲۵-۱۵	۴,۹۸۱,۲۴۵-۵۵	۳۸,۱۴۴,۸۷۹-۶۰	۱۰,۸۷
۱۲۹۱ (۱۹۱۳-۱۹۱۲)	۴۷,۴۰۲,۹۳۳-۸۰	۴,۸۴۵,۲۱۷-۷۵	۴۲,۵۵۷,۷۱۶-۱۰	۱۰,۲۲
۱۲۹۲ (۱۹۱۴-۱۹۱۳)	۴۵,۱۹۹,۳۷۱-۵۵	۴,۷۸۳,۹۹۷-۷۵	۴۰,۴۱۵,۳۷۳-۸۰	۱۳,۶۰
۱۲۹۳ (۱۹۱۵-۱۹۱۴)	۴۹,۱۹۸,۱۲۷ —	۴,۸۰۵,۷۵۷-۳۵	۴۴,۳۹۲,۳۶۹-۳۵	۱۹,۲۹
۱۲۹۴ (۱۹۱۶-۱۹۱۵)	۴۸,۹۱۷,۸۳۹-۲۰	۴,۴۵۹,۲۵۵-۹۵	۴۴,۴۵۸,۵۸۰-۵۵	۱۶,۷۹
۱۲۹۵ (۱۹۱۷-۱۹۱۶)	۴۴,۱۸۸,۲۸۰-۵۵	۴,۹۲۸,۷۶۹ —	۳۹,۲۶۰,۵۱۱-۵۵	۲۰,۳۷
۱۲۹۶ (۱۹۱۸-۱۹۱۷)	۴۰,۰۷۵,۸۷۹-۸۰	۵,۰۶۹,۰۸۹-۳۰	۳۵,۰۰۰,۷۹۳-۵۰	۱۹,۸۴
۱۲۹۷ (۱۹۱۹-۱۹۱۸)	۳۹,۰۹۲,۳۲۱-۵۵	۵,۷۱۹,۳۶۹-۷۰	۳۳,۳۷۲,۹۵۱-۸۵	۱۵,۸۵
۱۲۹۸ (۱۹۲۰-۱۹۱۹)	۴۷,۵۵۷,۹۹۲-۳۰	۵,۸۲۹,۱۱۹-۹۰	۴۱,۷۲۸,۵۷۳-۷۰	۱۲,۲۵
۱۲۹۹ (۱۹۲۱-۱۹۲۰)	۵۹,۶۴۱,۴۵۲-۱۵	۶,۹۶۸,۷۵۱-۲۵	۵۲,۶۷۲,۷۰۰-۹۰	۱۱,۱۸
۱۳۰۰ (۱۹۲۲-۱۹۲۱)	۶۸,۰۹۳,۲۶۰-۷۰	۷,۲۸۴,۳۰۸ —	۶۰,۸۰۸,۹۵۲-۷۰	۱۰,۰۶
۱۳۰۱ (۱۹۲۳-۱۹۲۲)	۷۵,۲۶۵,۲۸۸-۳۰	۸,۳۸۶,۹۵۸-۷۵	۶۶,۸۷۸,۳۲۹-۵۵	۱۱,۱۴
۱۳۰۲ (۱۹۲۴-۱۹۲۳)	۹۱,۵۴۷,۵۱۲-۸۵	۸,۱۸۷,۵۱۷-۴۵	۸۳,۳۶۰,۰۹۵-۴۰	۸,۹۴
۱۳۰۳ (۱۹۲۵-۱۹۲۴)	۹۳,۴۹۸,۰۸۹-۶۰	۸,۵۶۴,۶۰۰-۹۰	۸۴,۹۰۳,۴۸۸-۷۰	۹,۱۶
۱۳۰۴ (۱۹۲۶-۱۹۲۵)	۹۱,۶۶۵,۰۱۶-۹۰	۹,۸۶۳,۰۴۴-۴۰	۸۱,۸۰۱,۹۷۵-۵۰	۱۰,۷۵

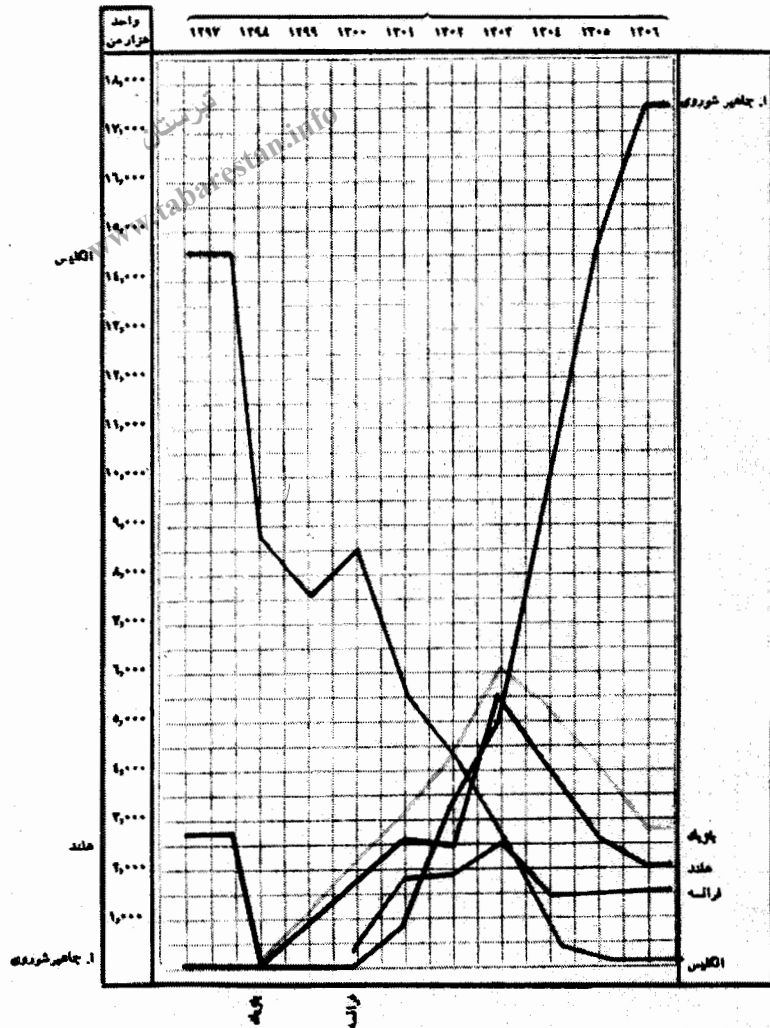
جدول شماره ۱۴

[illegible]

جدول شماره ۱۶

قند و شکر

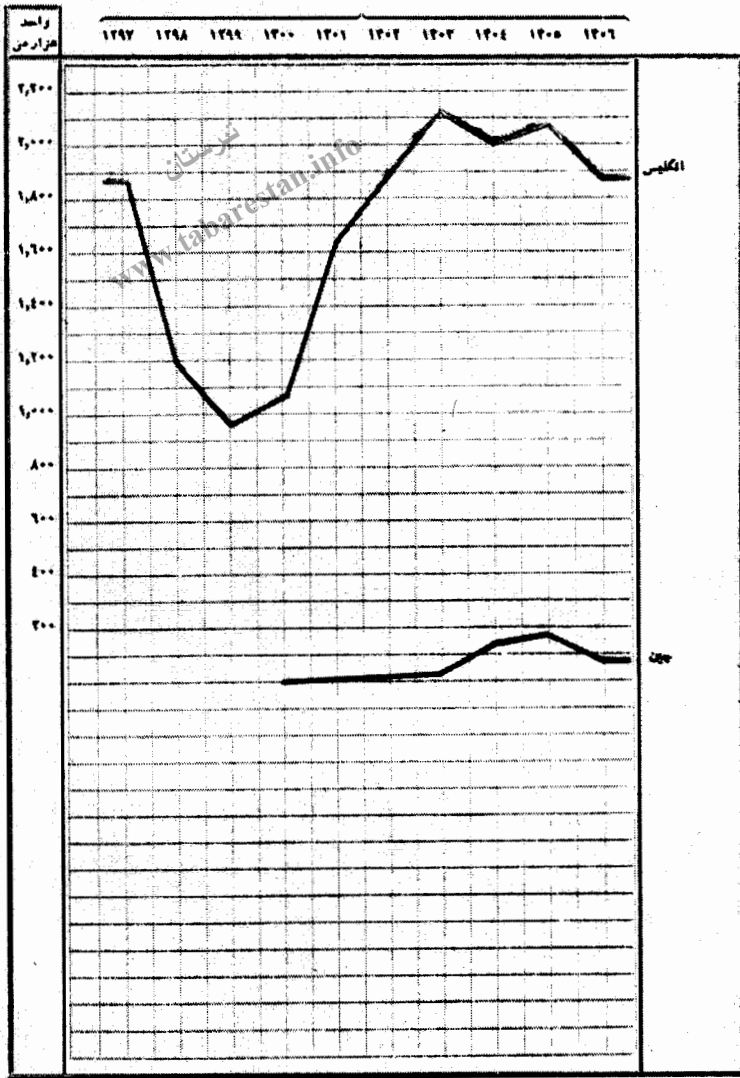
واردات در مدت ده سال اخیر



جدول شماره ۱۷

چای همه قسم

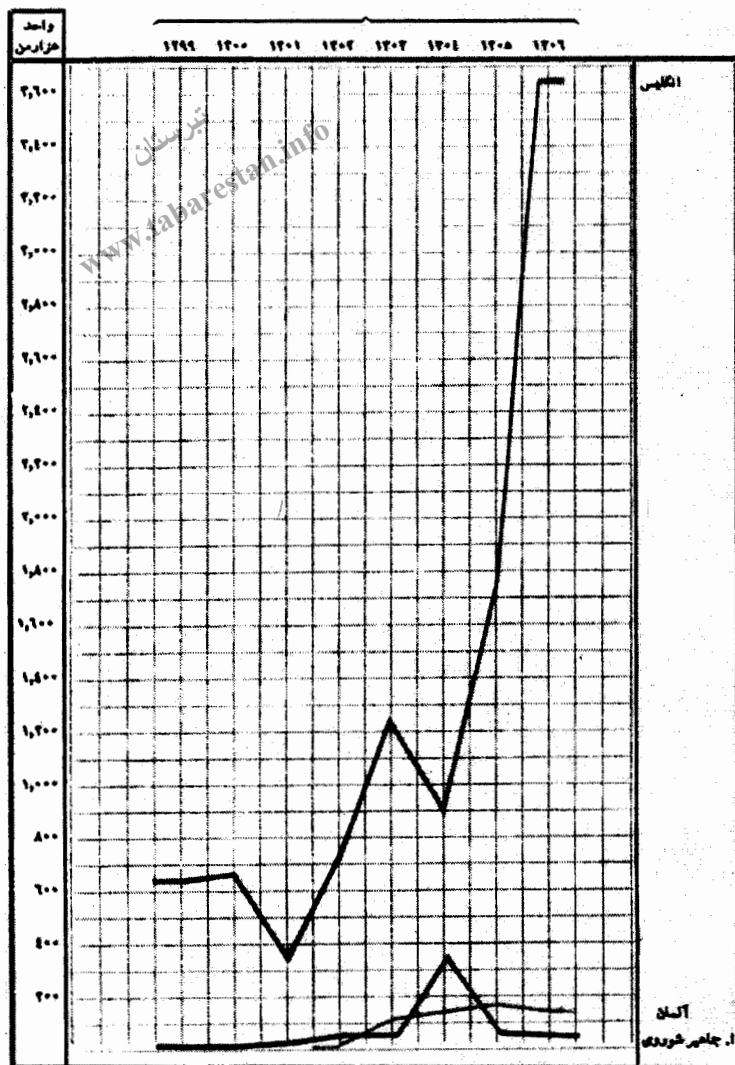
واردات در مدت دهسال اخیر



جدول شماره ۱۸

ماشین آلات و افزارها از هر قیل

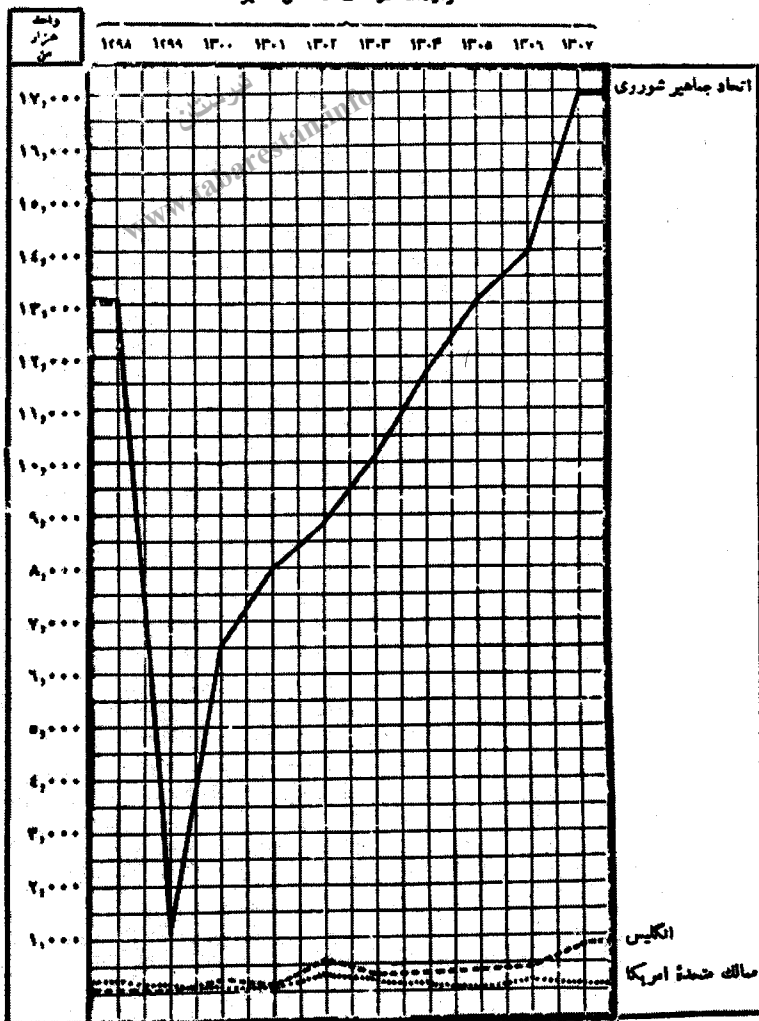
واردات در مدت هشت سال اخیر



جدول شماره ۱۹

دهنیات معدنی از هر قیل

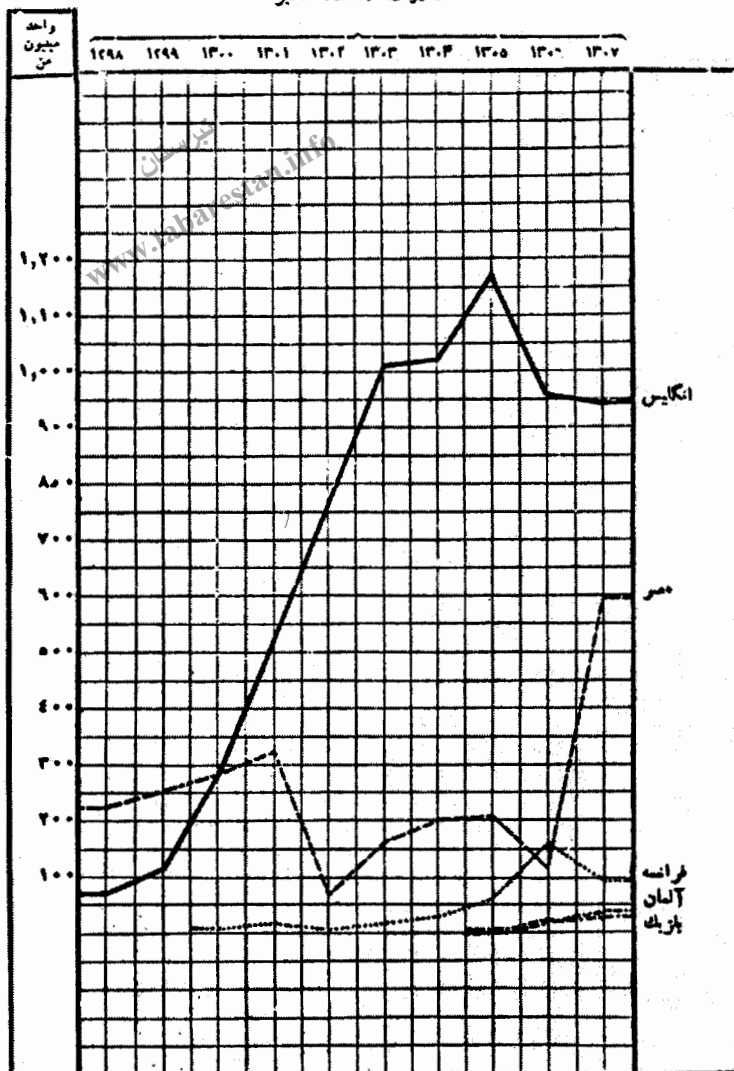
واردات در مدت ده سال اخیر



جدول شماره ۲۰

دهنیات معدنی از هر قیل

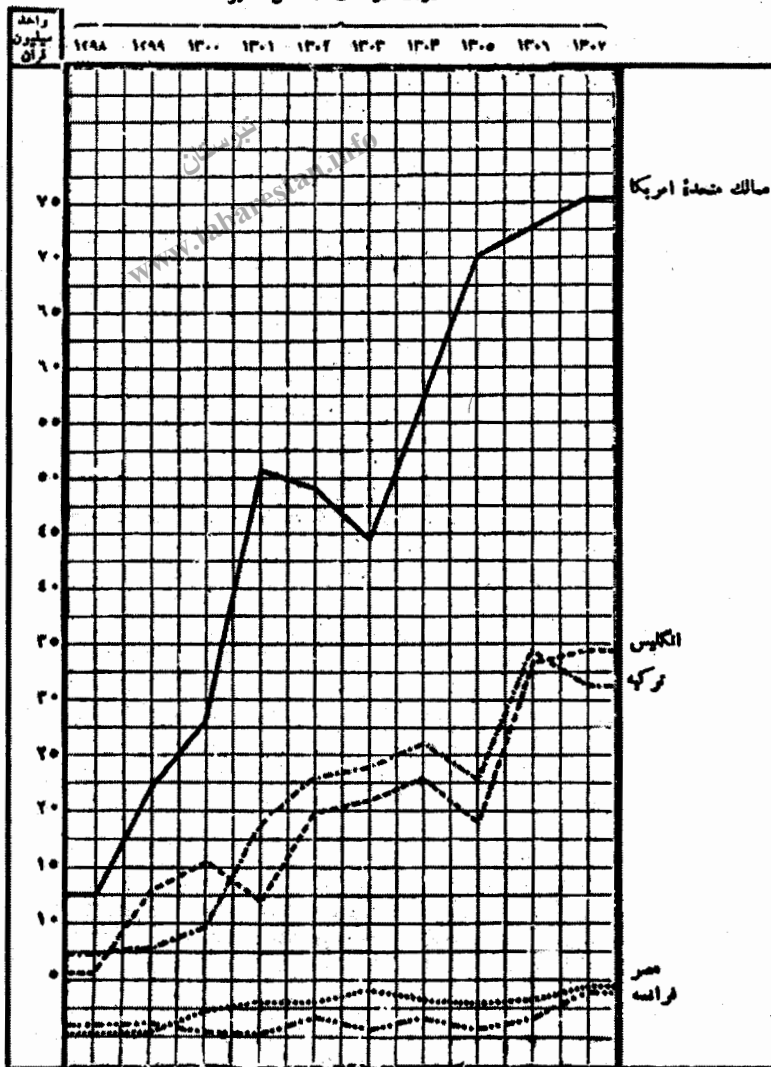
مادرات ده ساله اخیر



جدول شماره ۲۱

قالیچه و فرش از هر قریل

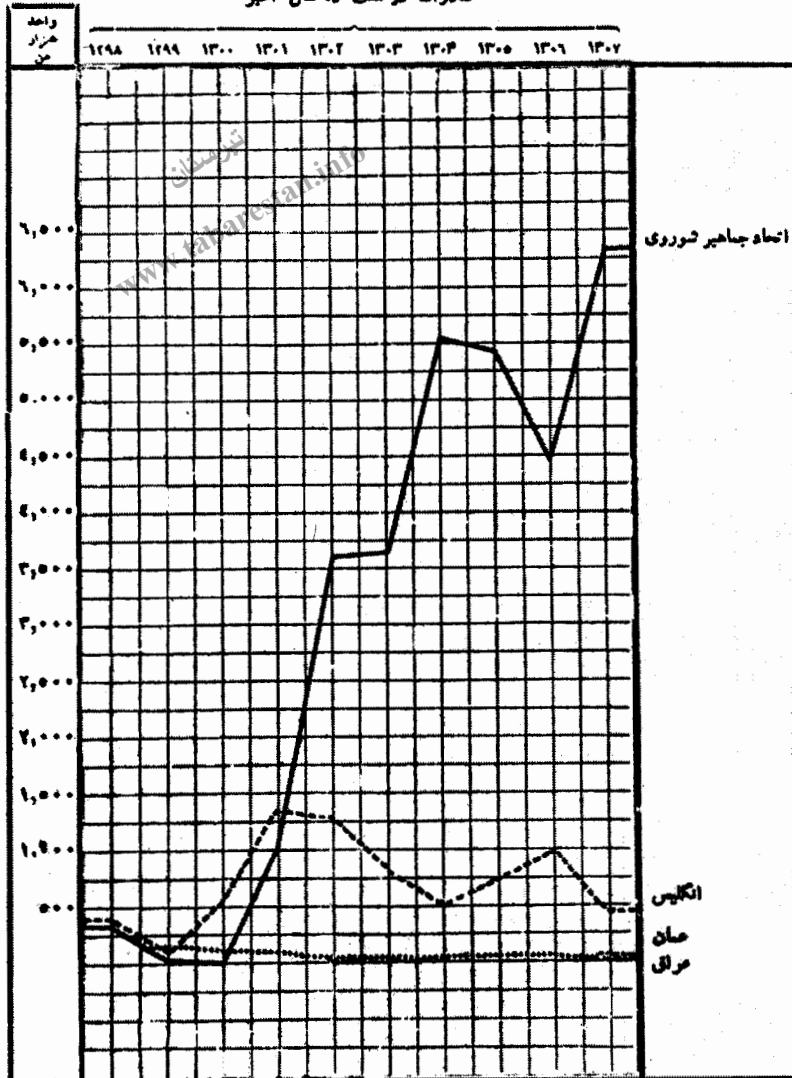
صادرات در مدت ده سال اخیر



جدول شماره ۲۲

پیوسته

صادرات در مدت ده سال اخیر



صادرات کو ملنے والا سال آخر

واحد
میلون
من

۱۴۹۸ ۱۴۹۹ ۱۵۰۰ ۱۵۰۱ ۱۵۰۲ ۱۵۰۳ ۱۵۰۴ ۱۵۰۵ ۱۵۰۶ ۱۵۰۷

انگلینڈ
ایمپائر شوروی

۱۰
۹
۸
۷
۶
۵
۴
۳
۲
۱

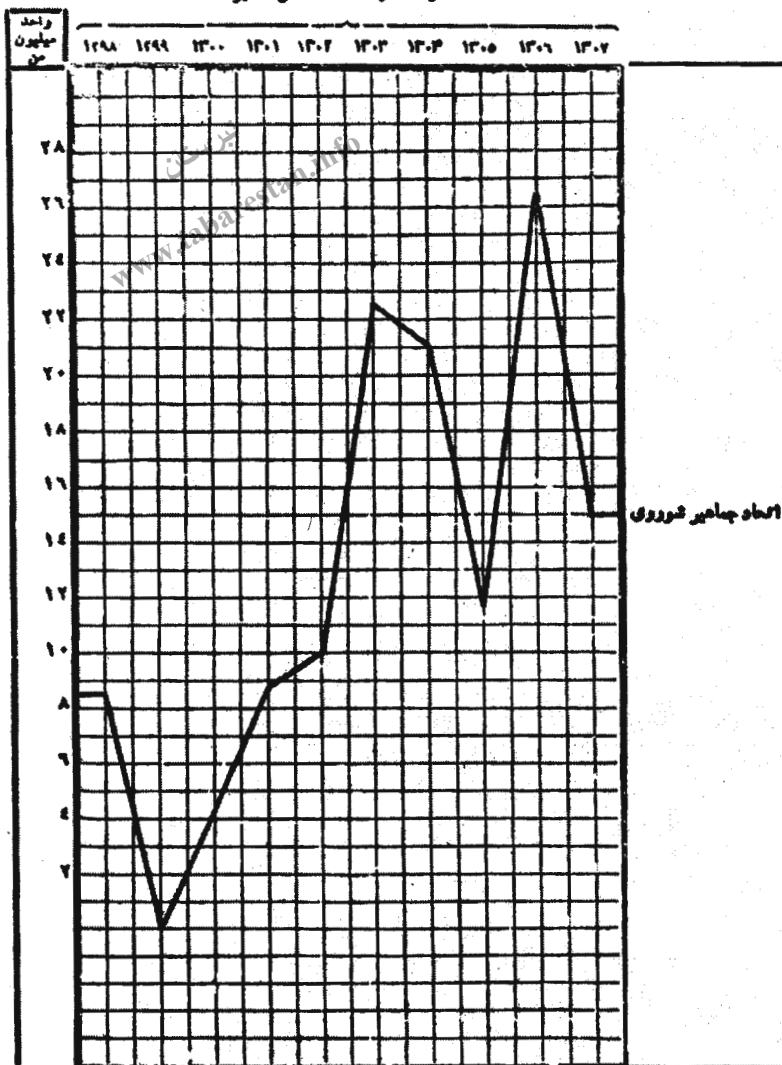
سان
ای
برقی

سال	انگلینڈ (میلون من)	ایمپائر شوروی (میلون من)
۱۴۹۸	0.5	0.5
۱۴۹۹	0.5	0.5
۱۵۰۰	0.5	0.5
۱۵۰۱	0.5	0.5
۱۵۰۲	0.5	0.5
۱۵۰۳	0.5	0.5
۱۵۰۴	0.5	0.5
۱۵۰۵	0.5	0.5
۱۵۰۶	0.5	0.5
۱۵۰۷	0.5	0.5

جدول شماره ۲۳

ر ل ج

صادرات در هفت ده سال اخیر

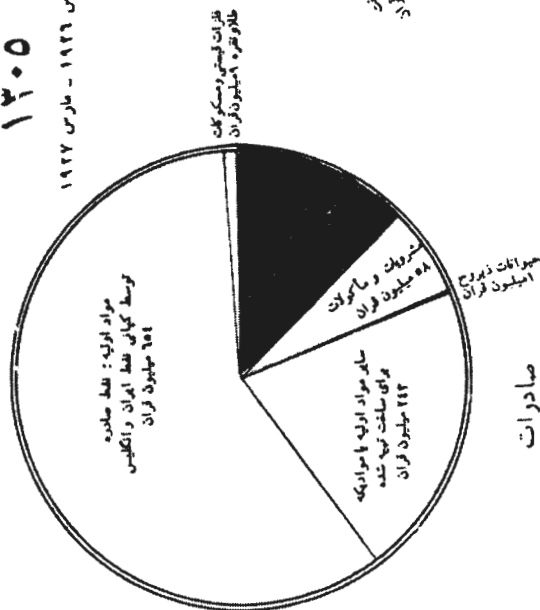


جدول شماره ۲۵

کرافیک تقسیمات پنجگانه عمده که از طرف مجمع بین المللی احصایه تجاری بروکسل پذیرفته شده

۱۳۰۵

مارس ۱۹۲۶ - مارس ۱۹۲۷



VI 2

IMPORTATIONS

Pays de provenance	Valeurs en Fichti-II (Kraus)	RANG D'IMPORTANCE											
		Prus-II	Quand-II	Yam-II	Ham-II	Leid-II	Tersch-II	Ber-II	Quid-II	Stich-II	Tangh-II	I-II	Tahing-II
Emp. Brit. y compris les Indes A. G.	365.927.422	1	1	1	1	1	2	2	2	2	2	2	2
Egypte	31.640.730	2	3	3	3	7	16	19	19	15	18	18	18
Russie	20.103.147	3	2	2	2	2	1	1	1	1	1	1	1
Belgique	16.677.394	4	20	14	13	11	12	6	6	7	6	7	7
Pays-Bas	10.485.153	5	13	5	4	6	9	12	11	10	10	11	12
Mésopotamie (1)	6.646.785	6	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
Etats-Unis d'Amérique	5.122.519	7	6	16	11	14	14	13	15	13	13	15	14
Afghanistan	5.026.864	8	5	7	5	4	6	9	9	8	8	8	8
Suède	3.991.350	9	8	11	10	12	19	15	13	16	16	14	15
Oman	3.849.584	10	9	6	7	5	7	10	10	11	11	10	11
France	3.552.599	11	12	10	3	9	13	5	5	5	5	5	4
Japon	3.226.360	12	7	9	13	20	—	21	20	20	21	20	—
Turquie (1)	2.573.953	13	4	4	6	3	3	3	4	3	3	3	3
Italie	2.260.482	14	10	12	14	15	8	7	8	9	9	9	9
Allemagne	536.989	15	17	19	20	10	10	4	3	4	4	4	5
Suisse	290.871	16	15	13	19	16	18	11	12	12	12	12	10
Chine	198.738	17	11	8	9	8	4	14	14	14	14	13	13
Macao	78.424	18	14	17	16	18	11	16	16	17	15	16	17
Autriche	78.259	19	18	18	17	13	15	8	7	6	7	6	6
Zanzibar	68.435	20	16	15	12	19	—	17	18	—	17	17	16
Espagne	15.415	21	19	—	—	—	20	20	21	18	19	—	—

(1) Antérieurement la Mésopotamie et la Turquie se formaient qu'un seul pays repris sous le nom de Turquie.

جدول شماره ۲۷

EXPORTATIONS

VI 3

Pays de destination	Valeurs en Pichili (Kraas)	RANG D'IMPORTANCE											
		Arabie II	Arabie II	Yemen II	Bah II	Leban II	Turkey II	Saudi II	Oman II	Shanghai II	Tsinghai II	India II	Yokohama II
Egypte	152.602.848	1	1	3	3	3	3	3	8	12	11	11	10
Emp. Brit. y compris les Indes Angl.	106.738.646	2	2	1	2	2	4	2	2	2	5	3	3
Mésopotamie	46.020.704	3	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—	—
Etats-Unis d'Amérique	22.844.139	4	3	6	6	4	4	6	6	6	6	5	9
Pays-Bas	11.782.090	5	—	—	—	—	16	8	4	11	13	18	16
Turquie	9.070.855	6	4	4	4	5	3	3	3	3	3	2	2
Russie	8.614.931	7	3	3	1	1	1	1	1	1	1	1	1
Oman	6.489.271	8	6	5	5	6	6	4	7	5	7	6	7
France	1.970.457	9	9	11	10	11	9	10	9	7	10	4	5
Japon	1.585.450	10	7	8	8	—	19	—	21	16	20	—	—
Afghanistan	871.879	11	8	7	7	7	7	7	10	10	9	8	8
Chine	800.000	12	12	9	11	10	13	16	12	8	5	9	6
Suisse	749.129	13	10	—	—	—	15	17	18	17	17	17	18
Zanzibar	481.600	14	—	12	12	9	15	19	18	—	18	16	15
Belgique	192.575	15	—	—	—	—	13	15	14	12	13	14	14
Mascate	184.525	16	15	10	9	8	10	12	14	17	14	15	13
Annam	175.150	17	—	—	—	—	12	9	11	9	8	10	11
Italie	20.000	18	14	—	—	—	8	14	5	4	4	7	4
Suède	330	19	—	—	—	12	18	18	19	19	—	—	—

طبقه بندی ممالك مبدأ و مقصد مال التجاره بر حسب درجه اهميت آنها در سال ۱۳۰۹

۱- واردات

درجه اهمیت در ده سال اخیر												قیمت در سال ۱۳۰۹	مالک مبدأ
۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	۰	۰	قران	
۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۳۶۸,۶۲۱,۳۸۰	انگلیس (برطانیای کبیر با انضمام مصرستان)
۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲	۲۳۴,۷۴۲,۵۸۳	اتحاد جماهیر شوروی
۶	۵	۶	۴	۴	۳	۵	۳	۵	۳	۳	۳	۵۹,۷۷۷,۵۱۷	آلمان
۶	۴	۴	۴	۵	۴	۳	۴	۴	۴	۴	۴	۲۷,۱۸۵,۷۹۰	فرانسه
۹	۱۰	۱۴	۱۲	۱۰	۷	۶	۵	۳	۵	۵	۵	۷۵,۰۹۱,۵۵۵	ممالک هندو آمریکا
۳	۳	۳	۳	۳	۶	۷	۶	۶	۶	۶	۶	۲۳,۳۱۷,۵۴۴	بریت
۱۳	۱۳	۱۰	۸	۶	۵	۴	۷	۷	۷	۷	۷	۲۲,۴۱۰,۳۶۳	ایطالیا
۵	۵	۶	۵	۷	۹	۱۱	۸	۸	۸	۸	۸	۱۹,۱۷۱,۹۲۰	مکزیک
۱۴	۱۵	۱۲	۱۰	۱۱	۸	۹	۱۰	۱۱	۹	۹	۹	۹,۲۶۷,۷۷۹	ژاپن
۲۴	۱۹	۱۸	۱۵	۱۵	۱۴	۱۴	۱۲	۱۲	۱۰	۱۰	۱۰	۶,۵۴۱,۸۵۲	چکوسلواکی
۷	۷	۸	۱۱	۹	۱۰	۸	۹	۹	۱۱	۱۱	۱۱	۳,۸۸۵,۲۸۶	عراق
۱۲	۱۲	۱۱	۹	۱۲	۱۳	۱۰	۱۱	۱۰	۱۲	۱۲	۱۲	۳,۴۴۰,۶۰۸	اتریش
۲۰	۲۴	۲۴	۲۳	۲۳	۲۲	۱۶	۱۴	۱۴	۱۳	۱۳	۱۳	۲,۵۶۲,۹۵۶	لهستان
۱۷	۲۰	۱۷	۱۹	۱۷	۱۷	۱۸	۱۵	۱۳	۱۴	۱۴	۱۴	۱,۴۰۳,۴۷۵	سوئیس
۸	۸	۷	۷	۸	۱۱	۱۳	۱۸	۱۸	۱۵	۱۵	۱۵	۱,۳۹۳,۲۴۷	ترکیه
۱۵	۱۱	۱۳	۱۶	۱۴	۱۸	۱۵	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱۶	۱,۱۵۳,۴۹۴	سوئد
۱۶	۱۶	۱۶	۱۴	۱۳	۱۲	۱۲	۱۳	۱۷	۱۷	۱۷	۱۷	۹۳۹,۸۸۰	چین
۲۱	۱۸	۱۹	۱۸	۱۸	۱۶	۱۷	۱۷	۱۵	۱۸	۱۸	۱۸	۸۱۷,۳۹۸	اوتروم
—	۲۵	۲۱	۲۰	۱۹	۱۵	۱۹	۱۹	۲۰	۱۹	۱۹	۱۹	۵۴۵,۴۹۶	ایران
۱۰	۱۴	۱۵	۱۷	۱۶	۱۹	۲۰	۲۰	۱۹	۲۰	۲۰	۲۰	۴۱۱,۴۱۴	عراق
۲۶	۲۶	۲۶	۲۶	۲۴	۲۶	۲۵	۲۲	۲۱	۲۱	۲۱	۲۱	۱۲۳,۵۶۸	ایطالیا
۲۲	۲۲	۲۰	۲۴	۲۱	۲۴	۲۱	۲۳	۲۳	۲۲	۲۲	۲۲	۱۰۳,۶۱۳	سنگاپور
۴	۹	۹	۱۳	۲۰	۲۱	۲۳	۲۱	۲۲	۲۳	۲۳	۲۳	۹۳,۰۶۵	مصر

جدول شماره ۲۹

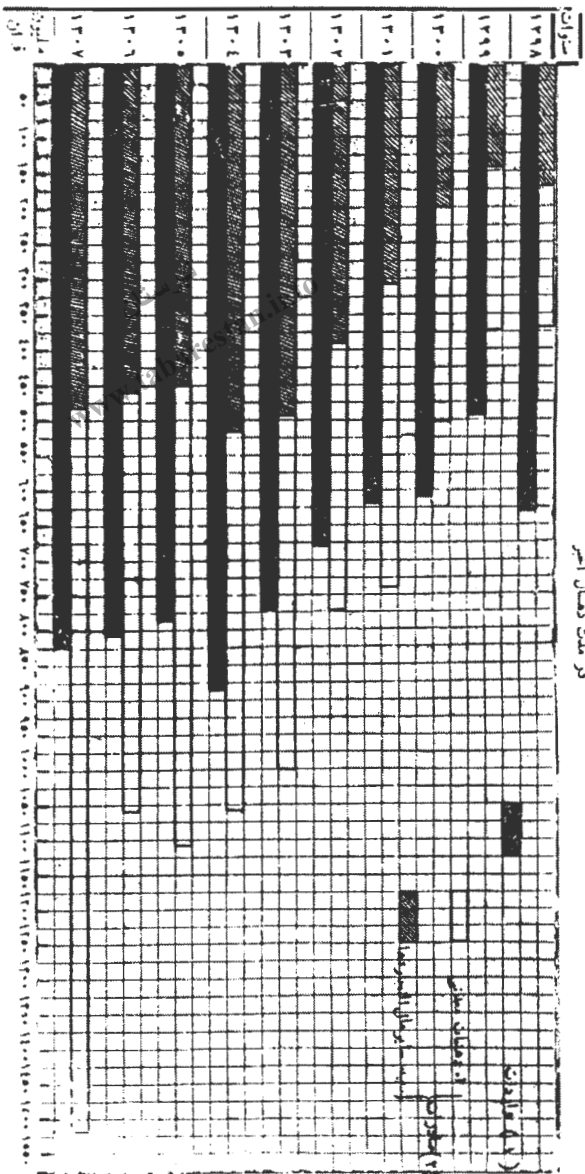
۲ - صادرات

مناطق مقصد	درجه اهمیت در شمال اخیر										قیمت در سال ۱۳۰۹ قران	
	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰		
انگلستان (برطانیای کبیر و هندوستان)	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۱	۶۵۳,۰۰۵,۲۷۱	
مصر	۲	۲	۴	۳	۳	۴	۲	۲	۲	۲	۱۸۶,۸۷۱,۵۴۹	
ایندو چائیر شوروی	۳	۳	۲	۲	۲	۲	۳	۳	۳	۳	۱۵۸,۸۲۷,۱۵۷	
فرانسه	۴	۷	۸	۹	۷	۵	۳	۵	۴	۴	۹۱,۴۷۷,۰۵۷	
آلمان	۵	۱۵	۱۴	۱۲	۱۳	۱۲	۷	۶	۶	۵	۷۵,۹۹۱,۰۵۸	
ممالک متحد آمریکا	۶	۴	۳	۴	۴	۴	۵	۴	۵	۶	۶۶,۲۶۵,۵۶۱	
ایتالیا	۷	۱۲	۱۵	۱۷	۱۱	۹	۱۰	۱۲	۱۲	۷	۵۲,۰۵۶,۸۷۸	
پرتغال	۸	۱۹	۱۲	۱۶	۱۵	۱۱	۹	۸	۷	۸	۳۵,۲۳۶,۱۹۲	
ژاپن	۹	۱۰	۱۰	۷	۹	۱۳	۱۲	۱۰	۱۶	۹	۳۱,۷۳۵,۸۱۷	
عراق	۱۰	۵	۵	۵	۶	۶	۸	۹	۸	۱۰	۳۰,۲۴۴,۰۶۶	
ترکیه	۱۱	۶	۶	۶	۵	۷	۶	۷	۹	۱۱	۲۲,۵۷۲,۷۷۲	
سوئد	۱۲	-	-	-	-	-	۲۳	۲۲	۱۲	۱۲	۱۸,۸۸۰,۷۷۹	
نروژ	۱۳	۸	۷	۸	۱۲	۱۰	۱۶	۱۱	۱۰	۱۳	۷,۸۴۱,۰۶۰	
اسپانیا	۱۴	-	-	-	-	۱۵	۱۳	۱۳	۱۱	۱۴	۵,۳۴۷,۱۸۰	
لهستان	۱۵	۲۱	۲۲	۱۴	۱۴	۱۸	۱۷	۱۵	۱۳	۱۵	۴,۷۲۷,۵۱۸	
دانمارک	۱۶	۹	۷	۸	۹	۷	۱۴	۱۴	۱۶	۱۶	۴,۰۹۷,۷۶۰	
فنلاند	۱۷	۱۱	۲۱	۱۸	۱۹	۸	۱۱	۱۹	۱۹	۱۷	۴,۰۰۰,۲۸۹	
اتریش	۱۸	۱۳	۱۳	۱۱	۱۰	۱۶	۱۵	۱۴	۱۵	۱۸	۳,۱۸۷,۴۸۶	
سوئیس	۱۹	۱۷	۱۷	۱۳	۱۶	۲۰	۱۹	۱۷	۱۷	۱۹	۴۲۸,۲۱۷	
یونان	۲۰	-	-	-	۲۲	۲۲	۲۲	۲۱	۱۸	۲۰	۲۱۷,۸۳۱	
هلند	۲۱	-	-	-	۲۱	۲۰	۱۸	۲۰	۲۱	۲۱	۳۸۷,۶۷	
بلژیک	۲۲	۱۸	۱۴	۱۶	۱۵	۱۷	۱۹	۱۸	۲۰	۲۳	۲۱,۰۴۲	
پرتغال	۲۳	-	-	-	-	-	۲۱	۲۲	۲۱	۲۳	۱۶,۴۴۸	

جدول شماره ۳۰

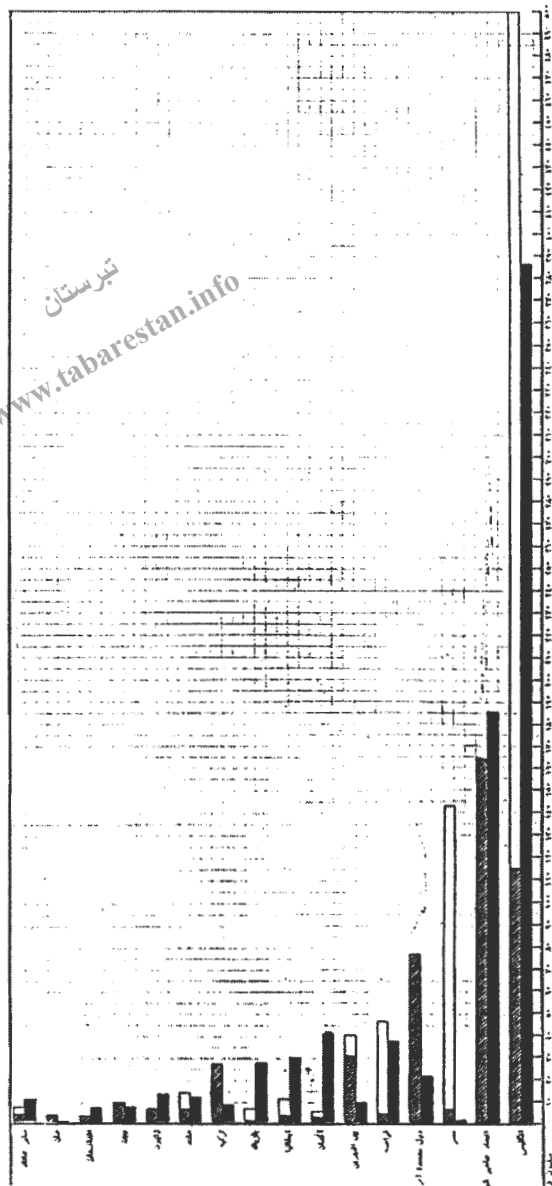
گرافیک تجارت خارجی ایران

در مدت ده سال اخیر



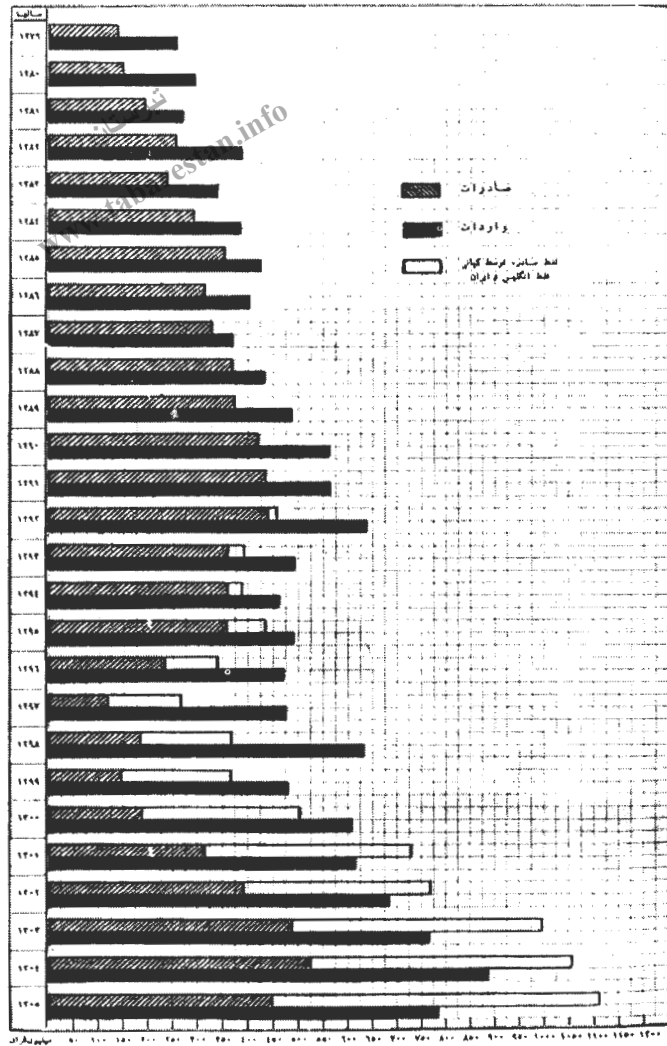
جدول شماره ۳۱

گرافیک طبقه بندی مهالك بر حسب > رجه اهميت هريك > رسال ۱۲۰۵



جدول شماره ۳۲

تجارت خارجی ایران از بدو تاسیسات گمرکی تا آخر سال ۱۳۰۵



“احصائیه نرخ ارزاق ۱۲۳۰ تسبا ۱۳۰۱ خورشیدی” (الف)

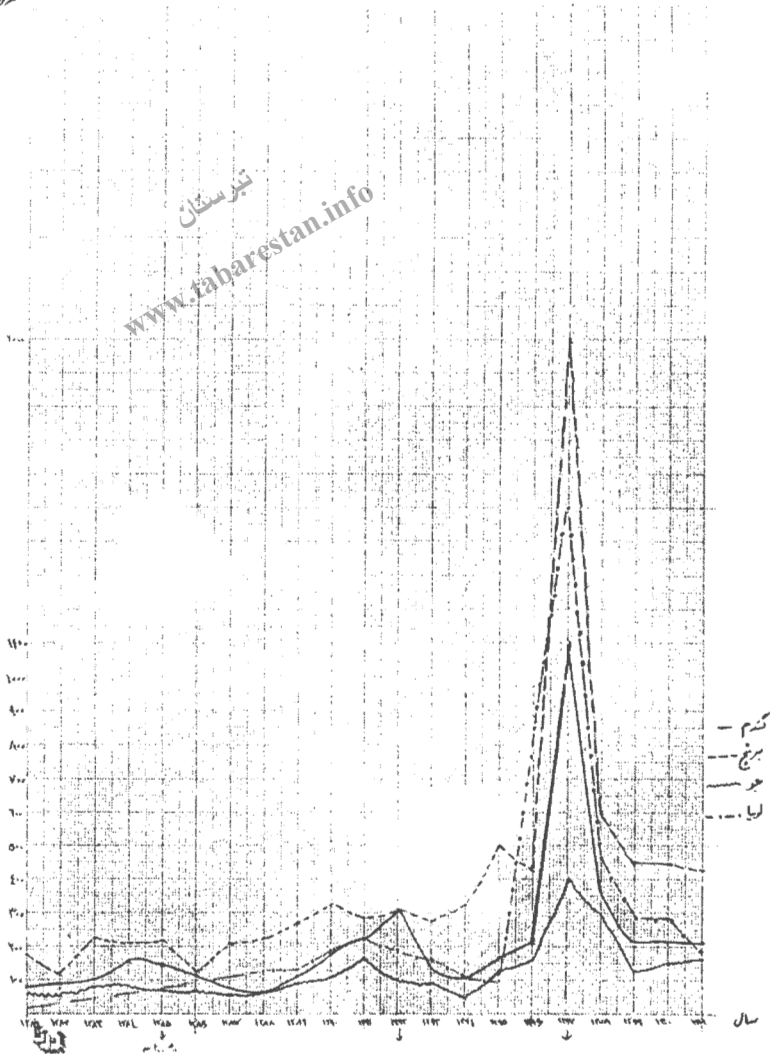
سال		۱۳۹۲		۱۳۹۱		۱۳۹۰		۱۳۸۹		۱۳۸۸		۱۳۸۷		۱۳۸۶		۱۳۸۵		۱۳۸۴		۱۳۸۳		۱۳۸۲		۱۳۸۱		۱۳۸۰		۱۳۷۹		۱۳۷۸		۱۳۷۷		۱۳۷۶		۱۳۷۵		۱۳۷۴		۱۳۷۳		۱۳۷۲		۱۳۷۱		۱۳۷۰		۱۳۶۹		۱۳۶۸		۱۳۶۷		۱۳۶۶		۱۳۶۵		۱۳۶۴		۱۳۶۳		۱۳۶۲		۱۳۶۱		۱۳۶۰		۱۳۵۹		۱۳۵۸		۱۳۵۷		۱۳۵۶		۱۳۵۵		۱۳۵۴		۱۳۵۳		۱۳۵۲		۱۳۵۱		۱۳۵۰		۱۳۴۹		۱۳۴۸		۱۳۴۷		۱۳۴۶		۱۳۴۵		۱۳۴۴		۱۳۴۳		۱۳۴۲		۱۳۴۱		۱۳۴۰		۱۳۳۹		۱۳۳۸		۱۳۳۷		۱۳۳۶		۱۳۳۵		۱۳۳۴		۱۳۳۳		۱۳۳۲		۱۳۳۱		۱۳۳۰		۱۳۲۹		۱۳۲۸		۱۳۲۷		۱۳۲۶		۱۳۲۵		۱۳۲۴		۱۳۲۳		۱۳۲۲		۱۳۲۱		۱۳۲۰		۱۳۱۹		۱۳۱۸		۱۳۱۷		۱۳۱۶		۱۳۱۵		۱۳۱۴		۱۳۱۳		۱۳۱۲		۱۳۱۱		۱۳۱۰		۱۳۰۹		۱۳۰۸		۱۳۰۷		۱۳۰۶		۱۳۰۵		۱۳۰۴		۱۳۰۳		۱۳۰۲		۱۳۰۱		۱۳۰۰		۱۲۹۹		۱۲۹۸		۱۲۹۷		۱۲۹۶		۱۲۹۵		۱۲۹۴		۱۲۹۳		۱۲۹۲		۱۲۹۱		۱۲۹۰		۱۲۸۹		۱۲۸۸		۱۲۸۷		۱۲۸۶		۱۲۸۵		۱۲۸۴		۱۲۸۳		۱۲۸۲		۱۲۸۱		۱۲۸۰		۱۲۷۹		۱۲۷۸		۱۲۷۷		۱۲۷۶		۱۲۷۵		۱۲۷۴		۱۲۷۳		۱۲۷۲		۱۲۷۱		۱۲۷۰		۱۲۶۹		۱۲۶۸		۱۲۶۷		۱۲۶۶		۱۲۶۵		۱۲۶۴		۱۲۶۳		۱۲۶۲		۱۲۶۱		۱۲۶۰		۱۲۵۹		۱۲۵۸		۱۲۵۷		۱۲۵۶		۱۲۵۵		۱۲۵۴		۱۲۵۳		۱۲۵۲		۱۲۵۱		۱۲۵۰		۱۲۴۹		۱۲۴۸		۱۲۴۷		۱۲۴۶		۱۲۴۵		۱۲۴۴		۱۲۴۳		۱۲۴۲		۱۲۴۱		۱۲۴۰		۱۲۳۹		۱۲۳۸		۱۲۳۷		۱۲۳۶		۱۲۳۵		۱۲۳۴		۱۲۳۳		۱۲۳۲		۱۲۳۱		۱۲۳۰		۱۲۲۹		۱۲۲۸		۱۲۲۷		۱۲۲۶		۱۲۲۵		۱۲۲۴		۱۲۲۳		۱۲۲۲		۱۲۲۱		۱۲۲۰		۱۲۱۹		۱۲۱۸		۱۲۱۷		۱۲۱۶		۱۲۱۵		۱۲۱۴		۱۲۱۳		۱۲۱۲		۱۲۱۱		۱۲۱۰		۱۲۰۹		۱۲۰۸		۱۲۰۷		۱۲۰۶		۱۲۰۵		۱۲۰۴		۱۲۰۳		۱۲۰۲		۱۲۰۱		۱۲۰۰		۱۱۹۹		۱۱۹۸		۱۱۹۷		۱۱۹۶		۱۱۹۵		۱۱۹۴		۱۱۹۳		۱۱۹۲		۱۱۹۱		۱۱۹۰		۱۱۸۹		۱۱۸۸		۱۱۸۷		۱۱۸۶		۱۱۸۵		۱۱۸۴		۱۱۸۳		۱۱۸۲		۱۱۸۱		۱۱۸۰		۱۱۷۹		۱۱۷۸		۱۱۷۷		۱۱۷۶		۱۱۷۵		۱۱۷۴		۱۱۷۳		۱۱۷۲		۱۱۷۱		۱۱۷۰		۱۱۶۹		۱۱۶۸		۱۱۶۷		۱۱۶۶		۱۱۶۵		۱۱۶۴		۱۱۶۳		۱۱۶۲		۱۱۶۱		۱۱۶۰		۱۱۵۹		۱۱۵۸		۱۱۵۷		۱۱۵۶		۱۱۵۵		۱۱۵۴		۱۱۵۳		۱۱۵۲		۱۱۵۱		۱۱۵۰		۱۱۴۹		۱۱۴۸		۱۱۴۷		۱۱۴۶		۱۱۴۵		۱۱۴۴		۱۱۴۳		۱۱۴۲		۱۱۴۱		۱۱۴۰		۱۱۳۹		۱۱۳۸		۱۱۳۷		۱۱۳۶		۱۱۳۵		۱۱۳۴		۱۱۳۳		۱۱۳۲		۱۱۳۱		۱۱۳۰		۱۱۲۹		۱۱۲۸		۱۱۲۷		۱۱۲۶		۱۱۲۵		۱۱۲۴		۱۱۲۳		۱۱۲۲		۱۱۲۱		۱۱۲۰		۱۱۱۹		۱۱۱۸		۱۱۱۷		۱۱۱۶		۱۱۱۵		۱۱۱۴		۱۱۱۳		۱۱۱۲		۱۱۱۱		۱۱۱۰		۱۱۰۹		۱۱۰۸		۱۱۰۷		۱۱۰۶		۱۱۰۵		۱۱۰۴		۱۱۰۳		۱۱۰۲		۱۱۰۱		۱۱۰۰		۱۰۹۹		۱۰۹۸		۱۰۹۷		۱۰۹۶		۱۰۹۵		۱۰۹۴		۱۰۹۳		۱۰۹۲		۱۰۹۱		۱۰۹۰		۱۰۸۹		۱۰۸۸		۱۰۸۷		۱۰۸۶		۱۰۸۵		۱۰۸۴		۱۰۸۳		۱۰۸۲		۱۰۸۱		۱۰۸۰		۱۰۷۹		۱۰۷۸		۱۰۷۷		۱۰۷۶		۱۰۷۵		۱۰۷۴		۱۰۷۳		۱۰۷۲		۱۰۷۱		۱۰۷۰		۱۰۶۹		۱۰۶۸		۱۰۶۷		۱۰۶۶		۱۰۶۵		۱۰۶۴		۱۰۶۳		۱۰۶۲		۱۰۶۱		۱۰۶۰		۱۰۵۹		۱۰۵۸		۱۰۵۷		۱۰۵۶		۱۰۵۵		۱۰۵۴		۱۰۵۳		۱۰۵۲		۱۰۵۱		۱۰۵۰		۱۰۴۹		۱۰۴۸		۱۰۴۷		۱۰۴۶		۱۰۴۵		۱۰۴۴		۱۰۴۳		۱۰۴۲		۱۰۴۱		۱۰۴۰		۱۰۳۹		۱۰۳۸		۱۰۳۷		۱۰۳۶		۱۰۳۵		۱۰۳۴		۱۰۳۳		۱۰۳۲		۱۰۳۱		۱۰۳۰		۱۰۲۹		۱۰۲۸		۱۰۲۷		۱۰۲۶		۱۰۲۵		۱۰۲۴		۱۰۲۳		۱۰۲۲		۱۰۲۱		۱۰۲۰		۱۰۱۹		۱۰۱۸		۱۰۱۷		۱۰۱۶		۱۰۱۵		۱۰۱۴		۱۰۱۳		۱۰۱۲		۱۰۱۱		۱۰۱۰		۱۰۰۹		۱۰۰۸		۱۰۰۷		۱۰۰۶		۱۰۰۵		۱۰۰۴		۱۰۰۳		۱۰۰۲		۱۰۰۱		۱۰۰۰		۹۹۹		۹۹۸		۹۹۷		۹۹۶		۹۹۵		۹۹۴		۹۹۳		۹۹۲		۹۹۱		۹۹۰		۹۸۹		۹۸۸		۹۸۷		۹۸۶		۹۸۵		۹۸۴		۹۸۳		۹۸۲		۹۸۱		۹۸۰		۹۷۹		۹۷۸		۹۷۷		۹۷۶		۹۷۵		۹۷۴		۹۷۳		۹۷۲		۹۷۱		۹۷۰		۹۶۹		۹۶۸		۹۶۷		۹۶۶		۹۶۵		۹۶۴		۹۶۳		۹۶۲		۹۶۱		۹۶۰		۹۵۹		۹۵۸		۹۵۷		۹۵۶		۹۵۵		۹۵۴		۹۵۳		۹۵۲		۹۵۱		۹۵۰		۹۴۹		۹۴۸		۹۴۷		۹۴۶		۹۴۵		۹۴۴		۹۴۳		۹۴۲		۹۴۱		۹۴۰		۹۳۹		۹۳۸		۹۳۷		۹۳۶		۹۳۵		۹۳۴		۹۳۳		۹۳۲		۹۳۱		۹۳۰		۹۲۹		۹۲۸		۹۲۷		۹۲۶		۹۲۵		۹۲۴		۹۲۳		۹۲۲		۹۲۱		۹۲۰		۹۱۹		۹۱۸		۹۱۷		۹۱۶		۹۱۵		۹۱۴		۹۱۳		۹۱۲		۹۱۱		۹۱۰		۹۰۹		۹۰۸		۹۰۷		۹۰۶		۹۰۵		۹۰۴		۹۰۳		۹۰۲		۹۰۱		۹۰۰		۸۹۹		۸۹۸		۸۹۷		۸۹۶		۸۹۵		۸۹۴		۸۹۳		۸۹۲		۸۹۱		۸۹۰		۸۸۹		۸۸۸		۸۸۷		۸۸۶		۸۸۵		۸۸۴		۸۸۳		۸۸۲		۸۸۱		۸۸۰		۸۷۹		۸۷۸		۸۷۷		۸۷۶		۸۷۵		۸۷۴		۸۷۳		۸۷۲		۸۷۱		۸۷۰		۸۶۹		۸۶۸		۸۶۷		۸۶۶		۸۶۵		۸۶۴		۸۶۳		۸۶۲		۸۶۱		۸۶۰		۸۵۹		۸۵۸		۸۵۷		۸۵۶		۸۵۵		۸۵۴		۸۵۳		۸۵۲		۸۵۱		۸۵۰		۸۴۹		۸۴۸		۸۴۷		۸۴۶		۸۴۵		۸۴۴		۸۴۳		۸۴۲		۸۴۱		۸۴۰		۸۳۹		۸۳۸		۸۳۷		۸۳۶		۸۳۵		۸۳۴		۸۳۳		۸۳۲		۸۳۱		۸۳۰		۸۲۹		۸۲۸		۸۲۷		۸۲۶		۸۲۵		۸۲۴		۸۲۳		۸۲۲		۸۲۱		۸۲۰		۸۱۹		۸۱۸		۸۱۷		۸۱۶		۸۱۵		۸۱۴		۸۱۳		۸۱۲		۸۱۱		۸۱۰		۸۰۹		۸۰۸		۸۰۷		۸۰۶		۸۰۵		۸۰۴		۸۰۳		۸۰۲		۸۰۱		۸۰۰		۷۹۹		۷۹۸		۷۹۷		۷۹۶		۷۹۵		۷۹۴		۷۹۳		۷۹۲		۷۹۱		۷۹۰		۷۸۹		۷۸۸		۷۸۷		۷۸۶		۷۸۵		۷۸۴		۷۸۳		۷۸۲		۷۸۱		۷۸۰		۷۷۹		۷۷۸		۷۷۷		۷۷۶		۷۷۵		۷۷۴		۷۷۳		۷۷۲		۷۷۱		۷۷۰		۷۶۹		۷۶۸		۷۶۷		۷۶۶		۷۶۵		۷۶۴		۷۶۳		۷۶۲		۷۶۱		۷۶۰		۷۵۹		۷۵۸		۷۵۷		۷۵۶		۷۵۵		۷۵۴		۷۵۳		۷۵۲		۷۵۱		۷۵۰		۷۴۹		۷۴۸		۷۴۷		۷۴۶		۷۴۵		۷۴۴		۷۴۳		۷۴۲		۷۴۱		۷۴۰		۷۳۹		۷۳۸		۷۳۷		۷۳۶		۷۳۵		۷۳۴		۷۳۳		۷۳۲		۷۳۱		۷۳۰		۷۲۹		۷۲۸		۷۲۷		۷۲۶		۷۲۵		۷۲۴		۷۲۳		۷۲۲		۷۲۱		۷۲۰		۷۱۹		۷۱۸		۷۱۷		۷۱۶		۷۱۵		۷۱۴		۷۱۳		۷۱۲		۷۱۱		۷۱۰		۷۰۹		۷۰۸		۷۰۷		۷۰۶		۷۰۵		۷۰۴		۷۰۳		۷۰۲		۷۰۱		۷۰۰		۶۹۹		۶۹۸		۶۹۷		۶۹۶		۶۹۵		۶۹۴		۶۹۳		۶۹۲		۶۹۱		۶۹۰		۶۸۹		۶۸۸		۶۸۷		۶۸۶		۶۸۵		۶۸۴		۶۸۳		۶۸۲		۶۸۱		۶۸۰		۶۷۹		۶۷۸		۶۷۷		۶۷۶		۶۷۵		۶۷۴		۶۷۳		۶۷۲		۶۷۱		۶۷۰		۶۶۹		۶۶۸		۶۶۷		۶۶۶		۶۶۵		۶۶۴		۶۶۳		۶۶۲		۶۶۱		۶۶۰		۶۵۹		۶۵۸		۶۵۷		۶۵۶		۶۵۵		۶۵۴		۶۵۳		۶۵۲		۶۵۱		۶۵۰		۶۴۹		۶۴۸		۶۴۷		۶۴۶		۶۴۵		۶۴۴		۶۴۳		۶۴۲		۶۴۱		۶۴۰		۶۳۹		۶۳۸		۶۳۷		۶۳۶		۶۳۵		۶۳۴		۶۳۳		۶۳۲		۶۳۱		۶۳۰		۶۲۹		۶۲۸		۶۲۷		۶۲۶		۶۲۵		۶۲۴		۶۲۳		۶۲۲		۶۲۱		۶۲۰		۶۱۹		۶۱۸		۶۱۷		۶۱۶		۶۱۵		۶۱۴		۶۱۳		۶۱۲		۶۱۱		۶۱۰		۶۰۹		۶۰۸		۶۰۷		۶۰۶		۶۰۵		۶۰۴		۶۰۳		۶۰۲		۶۰۱		۶۰۰		۵۹۹		۵۹۸		۵۹۷		۵۹۶		۵۹۵		۵۹۴		۵۹۳		۵۹۲		۵۹۱		۵۹۰		۵۸۹		۵۸۸		۵۸۷		۵۸۶		۵۸۵		۵۸۴		۵۸۳		۵۸۲		۵۸۱		۵۸۰		۵۷۹		۵۷۸		۵۷۷		۵۷۶		۵۷۵		۵۷۴		۵۷۳		۵۷۲		۵۷۱		۵۷۰		۵۶۹		۵۶۸		۵۶۷		۵۶۶		۵	

اصحائیه نسخہ اوراق ۱۲۲۰ و ۱۲۰۱ طبرستان (ب)

کد	نام	واحد	مقدار	قیمت	مجموعه
۱	گندم	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۲	برنج	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۳	نخود	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۴	لوبیا	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۵	دانه مرغ	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۶	روغن	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۷	گوشت	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۸	قند	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۹	نمک	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۰	چوب	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۱	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۲	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۳	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۴	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۵	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۶	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۷	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۸	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۱۹	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۲۰	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۲۱	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۲۲	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۲۳	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۲۴	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۲۵	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۲۶	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۲۷	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۲۸	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۲۹	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۳۰	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۳۱	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۳۲	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۳۳	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۳۴	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۳۵	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۳۶	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۳۷	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۳۸	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۳۹	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۴۰	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۴۱	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۴۲	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۴۳	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۴۴	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۴۵	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۴۶	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۴۷	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۴۸	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۴۹	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۵۰	پنبه	متر	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰

جدول شماره ۳۵

تول







Merchants, Constitutionalism and the Modern State

جامعه ایرانی از اوایل قرن نوزدهم میلادی در مواجهه با غرب قرار گرفت و خود را از جهان نو، واپس مانده یافت. با ورود نخستین عناصر مدرن به ایران، تعارضی سهمگین و مداوم میان سنت و مدرنیته در گرفت که تا به امروز به اوج خود انجامیده است. جنبش مشروطیت برآیند این مبارزه بود و نوگرایان به واسطه آن، خواهان تحقق سه مؤلفه حکومت متمرکز، نهادهای مدرن و مردم سالاری بودند. تجار که نزدیکترین طبقه اجتماعی ایران به مفهوم بورژوازی بود، در این جنبش فعالانه شرکت کرد و اندک زمانی در قدرت سیاسی مشارکت جست. در همان مجال اندک، پایه‌های حقوق بورژوازی در قالب قانون اساسی و متمم آن گذارده شد. با این حال مشروطیت همچون برنامه‌ای ناتمام محقق ماند. ظهور رضاشاه به رغم دخیل بودن خارجی، با حمایت عناصر داخلی از جمله تجار ممکن شد. در این میان تجار با انتخابی تاریخی از مردم سالاری صرف نظر کردند تا در قالب حکومت رضاشاهی تحقق دو مؤلفه دیگر یعنی پیروزی حکومت متمرکز و استقرار نهاد های مدرن را شاهد باشند.



قیمت:

ISBN 964-6082-22-X



9 789646 082229